
بسم الله الرحمن الرحیم
قال الذی عنده علم من الکتاب انا آتیک به قبل أن یرتد إلیک طرفک فلما رآه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربی نمل/۴۰
هزار و یک قطره
قطره
هزار و یک
در رفع خشکسالی ایران از طریق غیر عادی
به کمک اسماءالله در عرض دو ماه
علی بهرامی نیکو
علی بهرامی نیکو


هزار و یک قطره
علی بهرامی نیکو
وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ب۳۰
عقیده‌ی بنده این است تا زمانی که مشکل خشکسالی برطرف نشود زمینه‌ی بر طرف شدن هیچ یک از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و خانوادگی در ایران فراهم نمی‌شود و متاسفانه مسئولین یا از جایگاه آب یا بیخبر می‌باشند و نمی‌دانند چه آینده‌ی وحشتناکی ایران را تهدید می‌کند و یا اینکه نمی‌دانند می‌توان مشکل آب و خشکسالی را برطرف نمود و و یا اینکه می‌دانند و تعمدا خود را به خواب زده‌اند و اولویت اول را کنار گذاشته‌اند، بنده سعی نمودهام جایگاه آب را تبیین نمایم و مخاطب را به این نقطه رسانم که زیر ساخت و شرط اول توسعه‌ی ایران بر طرف کردن خشکسالی می‌باشد و در این کتاب گذرا تمامی راهکارهای مطرح و احتمالی حل بحران آب را نقل و نقد نموده‌ام و اثبات نمودهام تمامی راهکارهای مطرح و غیر مطرح بلکه محرمانه برای برطرف نمودن خشکسالی بی‌فایده است و خود برای برطرف شدن مشکل خشکسالی پنج روش ارائه داده‌ام که سه روش آن عادی و دو روش آن غیر عادی می‌باشد. به حول و قوّهی الهی مباحث را به طیف بزرگی از علما و اندیشمندان رسانده‌ام و کمتر مسئول طراز اولی را سراغ دارم که نامه‌ی مستقیم به او نداده باشم. بنده برای برطرف نمودن مشکل خشکسالی سه طرح عادی یکساله ارائه داده‌ام که در طی جلسات حضوری و مکاتبات که در کتاب آمده است مخاطب را قانع قرار می‌دهم تا قضاوت نماید و دو طرح غیر عادی دوماهه نیز ادعا دارم، مجموعه فعالیت‌ها و نامه نگاری‌های بنده در بحث آب را در کتاب «اذا فرغت» جمع آوری نمودهام و البته در کتاب «نقش رساله» نیز ادعا نمودهام حتی پس از مرگ یا شهادت نیز آماده هستم تا مشکل خشکسالی را برطرف نمایم. به امید روزی که عاقلانه و به دور از تعصب و جهل به شخصیت و مباحث بنده نظر افکنده شود. ۹۸،۱۱،۱۶

کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله در عرض دو ماه

جلد اول

علی بهرامی نیکو

شناسنامه کتاب:

عنوان کتاب: کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله در عرض دو ماه جلد اول

مؤلف: علی بهرامی نیکو

ناشر:

تعداد:

نوبت چاپ: اول-زمستان ۱۳۹۸

قطع: وزیری

قیمت: حق نشر برداشته شده و هر کس می‌خواهد می‌تواند با شرایطی که در مقدمه گفته‌ام کتاب را چاپ نماید.

سایت: www.tvshia.com

همراه: ۰۹۳۹۲۳۷۵۲۳۴

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۴
مقدمه‌ی مؤلف ۱۱
قطره‌ی ۱-ما ادعایی نداریم و از انحراف هم به خدا پناه می‌بریم ولی آب را..... ۱۳
قطره‌ی ۲- توفیقات بعد از برگشت از سوریه ۱۴
قطره‌ی ۳- آیه‌ی شریفه و جعلنا من الماء کل شیء حیّ دارای اسرار عجیبی است ۱۵
قطره‌ی ۴- بنده در رابطه با آب مطالعه و استادی نداشته‌ام ۱۶
قطره‌ی ۵- کوچ و مرگ اجباری ۵۰ میلیون ایرانی در اثر خشک‌سالی..... ۱۸
قطره‌ی ۶- پیشرفت ما در گروی آب است..... ۱۸
قطره‌ی ۷- به لطف خداوند متعال تاکنون به اشکال..... ۱۹
قطره‌ی ۸- دو مطلب غیرعادی برای برطرف شدن خشک‌سالی وجود دارد..... ۲۰
قطره‌ی ۹- برطرف شدن خشک‌سالی و توبه ۲۱
قطره‌ی ۱۰- انکار بدون راستی آزمایی در کمال جهل است ۲۲
قطره‌ی ۱۱- ایران در آستانه مشکلات و فتنه‌های بسیاری قرار دارد ۲۳
قطره‌ی ۱۲- اصل بر اختصار است..... ۲۳
قطره‌ی ۱۳-کمک‌هایی که دوستان می‌توانند برای رفع خشک‌سالی انجام دهند ۲۳
قطره‌ی ۱۴- مسئولین ما سه دسته هستند ۲۵
قطره‌ی ۱۵- کتاب اصلی رفع خشک‌سالی کتاب دوم است ۲۷
قطره‌ی ۱۶- مهم نیست خیلی‌ها به این مطالب اعتقاد نداشته باشند در نهای ۲۹
قطره‌ی ۱۷- تنها پر کردن شهرهای جنیان خشک‌سالی را برطرف می‌کند ۳۰
قطره‌ی ۱۸- بدون دیدنِ مردم (شهود جمعی) و یقین کردن برطرف کردن..... ۳۱
قطره‌ی ۱۹- برای برطرف کردن خشک‌سالی اگر بسیج ملی نباشد شکست می‌خوریم..... ۳۴
قطره‌ی ۲۰- برای برطرف شدن خشک‌سالی یک بسیج ملی لازم است و الا..... ۳۴
قطره‌ی ۲۱- مسئول پر کردن شهرهای جنیان دولت می‌باشد ۳۵
قطره‌ی ۲۲- پر کردن شهرهای جنیان و اکوسیستم، محکم بودن شهرهای جنیان ۳۵
قطره‌ی ۲۳- علل موجود در این عالم دو نوع می‌باشد..... ۳۷
قطره‌ی ۲۴- موجودات عالم در یک نگاه ۳۸

قطره‌ی ۲۵- جن چیست؟ ۳۹
قطره‌ی ۲۶- طی الزمان حکومتی چیست؟..... ۴۰
قطره‌ی ۲۸- دلیل توضیح واژهها چیست؟..... ۴۲
قطره ۲۹ سؤال‌های اساسی از مسئولین در مورد آب تاریخ ۹۶/۲/۱۵..... ۴۲
قطره‌ی ۳۰- تأثیر زمان و نجوم بر امور مادی ۴۷
قطره‌ی ۳۱- نجوم و کواکب در قرآن ۱ ..... ۴۸
قطره‌ی ۳۲- نجوم و کواکب در قرآن ۲ ..... ۴۹
قطره‌ی ۳۳- علوم وسیع اهل‌بیت ع ۵۱
قطره‌ی ۳۴- نمونهای از روایت در باب نجوم ۵۴
قطره‌ی ۳۵- منظور از ۷۸۶ که در اول بعضی از نامه‌ها آمده چیست؟ ۵۷
قطره‌ی ۳۶- فایده تبدیل حروف و کلمات و جُمَل به عدد؟ ۵۷
قطره‌ی ۳۷- توضیح اجمالی در مورد علم اعداد ۵۷
قطره‌ی ۳۸- نحوه تبدیل حروف و کلمات و جُمَل به عدد؟ ۵۸
قطره‌ی ۳۹- علم حروف چیست؟ ۵۸
قطره‌ی ۴۰- جَفر چیست؟ ۵۹
قطره‌ی ۴۱- روایات جَفر و انواع آن ۶۰
قطره‌ی ۴۲- معانی حروف در روایات ۶۱
قطره‌ی ۴۳- نکته مهم: شاید برای بعضی سؤال باشد اینکه مطالبی مانند علم حروف..... ۶۲
قطره‌ی ۴۴ منبع اصلی قدرت است چیست؟ ۶۴
قطره‌ی ۴۵- توحید هدف اصلی خلقت انسان ۶۶
قطره‌ی ۴۶- مقام کن فیکون، وصول به اسم اعظم و یکی شدن اراده عبد و خالق ۶۷
قطره‌ی ۴۷- اسامی خداوند ازلی یا حادث ۶۸
قطره‌ی ۴۸- اسماءالحسنی یعنی چه؟ ۶۹
قطره‌ی ۴۹- عظمت اسماء الله ۷۰
قطره‌ی ۵۰- چند روایت در مورد اسم اعظم ۷۲
قطره‌ی ۵۱- اسم اصغر خداوند چیست؟..... ۷۴

قطره‌ی ۵۲- به دست آوردن اسم اعظم و عاقبت به خیری ۷۵
قطره‌ی ۵۳-اسماءالحسنی و الفاظ آن اسامی ۷۶
قطره‌ی ۵۴-چرا بحث اسماء الله در کتاب هزار و یک قطره در رفع ۷۸
قطره‌ی ۵۵-مقدمه برای نام بردن جدول اسماء الله ۷۹
قطره‌ی ۵۶-جدول اسماءالحسنی: بیان اجمالی در مورد اسماءالحسنی ۸۱
قطره‌ی ۵۷-جدول ولایت ۹۶
قطره‌ی ۵۸- بارش باران و برطرف نشدن خشک‌سالی ۹۸
قطره‌ی ۵۹-تحلیلی از خشک‌سالی در ایران ۹۹
قطره‌ی ۶۰-گناه حاکمان و خشک‌سالی در روایات.....۱۰۱
قطره‌ی ۶۱-برای رفع خشک‌سالی در مدت کوتاه چکار بکنیم؟ ۱۰۳
قطره‌ی ۶۲-چند روایت در مورد خشک‌سالی، گناه و خشک‌سالی ۱۰۵
قطره‌ی ۶۳- تحلیلی بر ارتباط گناه با خشک‌سالی ۱۰۷
قطره‌ی ۶۴- ریشه تمامی بحران‌های حکومتی خشک‌سالی است. ۱۰۹
قطره‌ی ۶۵- ظرفیت جمعیت در ایران توضیح نحوه محاسبه در قطره‌ی ۶۶- مثلاً ۱۱۱
قطره‌ی ۶۶- توضیح محاسبه جمعیت در قطره‌ی ۶۵ ..... ۱۱۴
قطره‌ی ۶۷- جمعیت ایران با روال عادی هم باید ۱۱۶ میلیون نفر باشد ۱۱۵
قطره‌ی ۶۸- آیندهی کاهش جمعیت در ایران ۱۱۸
قطره‌ی ۶۹- دلایل کاهش جمعیت در ایران ۱۲۰
قطره‌ی ۷۰- دلیل نا مرتبط بودن مباحث کتاب به یکدیگر ۱۲۲
قطره‌ی ۷۱- نامه بعد از اغتشاشات ۹۶ به جناب آقای روحانی ۹۶/۱۰/۱۲ .....۱۲۳
قطره‌ی ۷۲ آیا باران‌هایی که در این ایام می‌بارد خشک‌سالی را مرتفع می‌کند؟ ۱۲۸
قطره‌ی ۷۳- این متن خلاصه کتابِ انتقال آب از طریق عادی ۱۳۳
قطره‌ی ۷۴- بحث دروغ و ربا قسمت اول ۱۴۰
قطره‌ی ۷۵ ادامهی قطره‌ی ۷۴ در بحث ربا- راهکار بیرون رفت از ربای بانکی ۱۴۶
قطره‌ی ۷۶- بحث ربا قسمت سوم ۱۵۲
قطره‌ی ۷۷- بحث ربا قسمت چهارم، حکمت احکام ۱۵۷
قطره‌ی ۷۸- بحث پنجم ربا، دزدی پنهان در چاپ پول و رواج تورم، و افزایش ۱۶۳
قطره‌ی ۷۹- چند نکته در رابطه با نماز باران ۱۶۹

قطره‌ی ۸۰ – اهم مباحث منبرها را در این امور قرار دهید ۱۷۵
قطره‌ی ۸۱– نماز باران و شرایط آن که توبه است و ارتباط ترک امر به ۱۸۲
قطره‌ی ۸۲– نمونههایی از هشدارهای مسئولین ۱۸۹
قطره‌ی ۸۴ – قطره‌ی ۸۴–در این متن واکنش علما به‌نقد امام معصوم بیان می‌شود ۲۰۴
قطره‌ی ۸۵ –در این بحث اثبات می‌کنیم دلیل خشک‌سالی و بیشتر مشکلات ۲۱۱
قطره‌ی ۸۶–نقد سخنان دکتر روحانی در باره نقد امام معصوم، به همراه ۲۱۸
قطره‌ی ۸۷– چند نکته در رابطه باران و برف‌ها در تاریخ ۹۶/۱۱/۰۸ .....۲۲۴
قطره‌ی ۸۸ – هشدار سه کارشناس در مورد بحران آب ۲۳۱
قطره‌ی ۸۹– هشدارهای پروفسور کردوانی در رابطه با بحران آب ۹۶/۱۱/۱۰ .....۲۳۸
قطره‌ی ۹۰– براندازی و تغییر نظام به‌واسطه‌ی گسترش خشک‌سالی در ایران ۲۴۴
قطره‌ی ۹۱ قطره‌ی ۹۱ حمایت از کالای ایرانی ۲۵۰
قطره‌ی ۹۲– این قطره سری اول جواب اول به متخصصین حوزه‌ی آب کشور ۲۵۶
قطره‌ی ۹۳–پاسخ به چند سؤال در رابطه با روش دوم غیرعادی رفع خشک‌سالی ۳۰۹
قطره‌ی ۹۴ سری دوم اشکالات متخصصین حوزه آب کشور به قطره‌ی ۷۳ .....۳۱۵
قطره‌ی ۹۵ خلاصه‌ای از مباحث خشک‌سالی به مناسبت ۲۲ بهمن ۱۳۹۶ .....۳۳۹
قطره‌ی ۹۶ چرا قیمت دلار بالا می‌رود؟ آیندهی دلار چیست؟ راه‌حل کنترل دلار ۳۴۶
قطره‌ی ۹۷ چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت ۳۵۲
قطره‌ی ۹۸ چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت ۳۵۹
قطره‌ی ۹۹ چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت ۳۶۶
قطره‌ی ۱۰۰ نامه کلی خلاصه مباحث ۹۷/۱/۲۹ .....۳۷۲
قطره‌ی ۱۰۱ وضعیت کشور به‌صورت اختصار و خلاصه قسمت اول تاریخ بنویسم ۳۷۸
قطره‌ی ۱۰۲ خطرات کاهش جمعیت ۳۸۴
قطره‌ی ۱۰۳ نامه اول به دکتر احمدی‌نژاد ۹۶/۱۲/۲۸ ..... ۳۹۱
قطره‌ی ۱۰۴ – سال ۹۷ در یک نگاه ۹۶/۱۲/۲۹ ساعت ۱۶/۴۹ .....۳۹۴
قطره‌ی ۱۰۵ توصیه به جریانی که بعد از دولت دوازدهم قبل از سال ۱۴۰۰ به روی کار...۳۹۶
قطره‌ی ۱۰۶ نامه به سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی در رابطه با تنگه‌ی هرمز ۳۹۸

قطره‌ی ۱۰۷ نامه به سردار عبد اللهی در مورد انتقال آب دز به خرمشهر ۹۷/۴/۱۴..... ۴۰۰
قطره‌ی ۱۰۸ نامه به دکتر ولی الله سیف ۹۷/۴/۱۶ ..... ۴۰۲
قطره‌ی ۱۰۹ سه هشدار، هشدار به بانک‌ها، هشدار به ملت و ... ۹۷/۴/۱۷ ..... ۴۰۴
قطره‌ی ۱۱۰ آیت‌الله لاریجانی رئیس محترم قوه‌ی قضائیه دامت برکاته در مورد تورم ۴۰۶
قطره‌ی ۱۱۱ نامه به رضا پهلوی در مورد بحران آب و خشک‌سالی تاریخ ۹۷/۴/۲۳ ..... ۴۰۸
قطره‌ی ۱۱۲ نامه به دکتر ولایتی در رابطه با ارتباط با روسیه و فزایش مبادلات ۴۱۰
قطره‌ی ۱۱۳ نامه به نتانیاهو ۹۷/۴/۲۷ ..... ۴۱۲
قطره‌ی ۱۱۴ نامه به افرادی که در کابینهی دولت دوازدهم جایگزین می‌شوند ۴۱۵
قطره‌ی ۱۱۵ نامه دوم به دکتر احمدی‌نژاد تاریخ ۹۷/۴/۳۰ ..... ۴۱۷
قطره‌ی ۱۱۶ نامه به ستاد جنگ اقتصادی ۹۷/۴/۳۱ ..... ۴۱۹
قطره‌ی ۱۱۷ کهانت تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۹۸ ..... ۴۲۲
قطره‌ی ۱۱۸ تنجیم تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۹۸ ..... ۴۲۹
قطره‌ی ۱۱۹ این نامهی پنجم است که نوشته می‌شود.تاریخ نامه ۲۵ خرداد ۱۳۹۶ ..... ۴۳۵
قطره‌ی ۱۲۰ نامه اول به آیات عظام جهت دیدار ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ ..... ۴۴۰
قطره‌ی ۱۲۱ نامه دوم به آیات عظام طولانی‌تر جهت تقریر تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ ..... ۴۴۲
قطره‌ی ۱۲۲ نامه بعد از تاریخ ۹۶/۶/۶ تاریخ نامه ۹۶/۷/۲ ..... ۴۴۴
قطره‌ی ۱۲۳ نامه محرمانه ۴۴۷
قطره‌ی ۱۲۴ نامه محرمانه و مهم تاریخ جمعه - ۱۲ خرداد ۱۳۹۶ - الجمعة - ۴۵۳
قطره ۱۲۵ - نامه به آیت‌الله رئیسی ۹۸/۱۲/۱۴ ..... ۴۶۷
قطره ۱۲۶ نامه به وزیر بهداشت در رابطه با بیماری کرونا ۱۳۹۸/۱۲/۱۹ ..... ۴۶۷
قطره ۱۲۷ نامه به جامعه مدرسین در رابطه با کرونا ۹۸/۱۲/۲۲ ..... ۴۷۰
قطره ۱۲۸ نامه به حسن روحانی در مورد کرونا ۹۸/۱۲/۲۵ ..... ۴۷۷
قطره‌ی ۹۹۹ - عکس نوشتهها تاریخ عکس نوشته ها مروبوط به سال ۹۶ می‌باشد ۴۸۰
قطره‌ی ۱۰۰۰ انفطار السماء تاریخ - ۹۶/۵/۱۹ - ساعت ۱۹/۲۵- ۵۶۴
قطره‌ی ۱۰۰۱ روش اول غیرعادی برطرف شدن خشک‌سالی ایران در عرض چند ماه ... ۵۶۷
فهرست مهم‌ترین کتاب‌های مؤلف ۵۷۲
قسمتی از دفاعیه اول بنده در دادگاه ۵۷۵
قسمتی از دفاعیه بلند بنده در دادگاه که از آن دادگاه بعد از ۵ جلسه تبرئه شدم ۵۷۷

دفاعیه دادگاه در جواب آزمون شخصیت شناسی بنده ۶۳۳
وصیت‌نامه شیخ علی بهرامی نیکو ۶۴۶

فهرست مهم‌ترین ارجاعات کتاب

ارجاع شماره ۳: اسم اعظم و اهل‌بیت ع و سایر انبیاء ۶۵۰
ارجاع شماره ۴ نقش ایرانیان در تأسیس کانال سوئز ۶۵۲
ارجاع شماره ۲۵ فضل‌الله حروفی کیست؟ ۶۵۴
ارجاع شماره ۲۶ توضیح اجمالی در مورد جفر ۶۵۴
ارجاع شماره ۳۱ حدیث در مورد معنای حروف ابجد و جفر ۶۵۶
ارجاع شماره ۳۶ اگر اباذر از دل سلمان باخبر بود و اگر سلمان از صبر مقداد ۶۵۷
ارجاع شماره ۴۶ تصور مورچه در مورد خداوند ۶۵۸
ارجاع شماره ۴۷ حدیث در مورد اسماء الله ۶۵۹
ارجاع شماره ۵۰ جریان متوقف شدن تفسیر سوره حمد امام ره ۶۵۹
ارجاع شماره ۵۷ وصیت‌نامه شهید لاجوردی ۶۶۱
ارجاع شماره ۷۲ توضیح اجمالی در مورد هارپ ۶۶۶
ارجاع شماره ۸۱ اگر آب به ایران برسد و اگر نرسد ۶۶۸
ارجاع شماره ۸۳ مقامات متحیر العقول شیعیان ۶۶۹
ارجاع شماره ۱۱۶ مقامی در قیامت که پیامبران و شهیدان به آنان غبطه می‌خورند. ۶۷۳
ارجاع شماره ۱۱۷ سد ایسیلو در ترکیه..... .... ۶۷۲
ارجاع شماره ۱۲۱ بیان رهبر انقلاب دامت برکاته در مورد امربه‌معروف و نهی از منکر..... ۶۷۳
ارجاع شماره ۱۲۲ همه امت‌ها گوساله دارند ۶۷۴
ارجاع شماره ۱۳۵ جریان نزول عذاب بر منکر ولایت ۶۷۵
ارجاع شماره ۱۳۶ جریان نوشتن وصیت رسول‌الله، لیهجر ۶۷۶
ارجاع شماره ۱۴۴ ارجاع نامه ما از مجلس به وزارت نیرو ۶۷۸
ارجاع شماره ۱۴۸ در کشور یک گره علمی وجود دارد ۶۷۸
ارجاع شماره ۱۵۱ توضیح حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد. ۶۷۹
ارجاع شماره ۱۵۲ توضیح اجمالی در مورد کاوه مدنی ۶۷۹

ارجاع شماره ۱۵۳ شعارهای تعیین شه برای هرسال توسط مقام معظم رهبری ۶۸۰
ارجاع شماره ۱۵۴ مارتین لوتر کیست؟ ۶۸۱
ارجاع شماره ۱۵۶ آمار صاحبان خانه در ایران ۶۸۴
ارجاع شماره ۱۵۷ متن خوب در رابطه با قانون بدیهی علت و معلول..... ..... ۶۸۵
ارجاع شماره ۱۵۸ مهم‌ترین رویدادهای سال ۱۳۹۷ .... ۶۸۶
ارجاع شماره ۱۶۲ قسمتی از بیانیه ترامپ به مناسبت نوروز ۶۹۳
ارجاع شماره ۱۶۵ قسمتی از صحبت‌های رضا پهلوی در مورد آب و خشک‌سالی ۶۹۴
ارجاع شماره ۱۶۶ راه‌اندازی کانال توسط اسرائیل برای اهداف آب و خشک‌سالی ۶۹۴
ارجاع شماره ۱۶۹ هولوکاست ۶۹۶
ارجاع شماره ۱۷۰ بررسی قحطی بزرگ ۱۲۹۸ در ایران ۶۹۹
ارجاع شماره ۱۷۱ هزار باب علمی که از هر باب آن هزار باب علمی ۷۱۰
ارجاع شماره ۱۸۲ توضیح در مورد کهانت ۷۱۳
ارجاع شماره ۱۸۴ توضیح در مورد پیش‌بینی و کهانت ۷۱۳
ارجاع شماره ۱۸۵ توضیح در مورد قاعده لا تکرار فی التجلی ۷۱۷
ارجاع شماره ۱۹۵ توضیح در مورد سه طرح عادی ۷۱۷
ارجاع شماره ۱۹۷ توضیح در مورد شهود جمعی ۷۱۹
ارجاع شماره ۱۹۹ تقریر آیت‌الله سید مهدی طباطبائی ۷۲۷
ارجاع شماره ۲۰۳ نمونه‌ای از افرادی که بی‌توجه بوده و دروغ می‌بندند ۷۳۰
ارجاع شماره ۲۰۵ تقریر مهندس هاشمی طبا ۷۳۲

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقدمه مؤلف و علّت تألیف کتاب

عقیده ما بر این است تا زمانی که مشکل خشک‌سالی برطرف نشود زمینه برطرف شدن هیچ‌یک از مشکلات اقتصادی اجتماعی فرهنگی فردی و خانوادگی و ... در ایران فراهم نمی‌شود و متأسفانه مسئولین یا از جایگاه آب یا بی‌خبر می‌باشند و نمی‌دانند چه آینده وحشتناکی ایران را تهدید می‌کند و یا اینکه نمی‌دانند می‌توان مشکل آب و خشک‌سالی را برطرف نمود و یا اینکه می‌دانند و تعمداً خود را به خواب‌زده و اولویت اول را کنار گذاشته‌اند، بنده سعی نموده‌ام جایگاه آب را تبیین نمایم و مخاطب را به این نقطه رسانم که زیرساخت اول و شرط اول توسعه ایران برطرف کردن خشک‌سالی می‌باشد و در این کتاب گذرا تمامی راهکارهای مطرح و احتمالی حل بحران آب را نقل و نقد نموده‌ام و اثبات نموده‌ام تمامی راهکارهای مطرح و غیر مطرح بلکه محرمانه برای برطرف نمودن خشک‌سالی بی‌فایده است و خود برای برطرف شدن مشکل خشک‌سالی پنج روش ارائه داده‌ام که سه روش آن عادی و دو روش آن غیرعادی می‌باشد، به حول و قوّه الهی مباحث را به طیف بزرگی از علماء و اندیشمندان رسانده‌ام و کمتر مسئولی را سراغ دارم که نامه مستقیم به آن مسئول نداده باشم، بنده برای برطرف نمودن مشکل خشک‌سالی سه طرح عادی یک‌ساله ارائه داده‌ام که در طی جلسات حضوری و مکاتبات با نمایندگان وزارت نیرو که در کتاب آمده است مخاطب را قاضی قرار می‌دهم تا قضاوت نماید و دو طرح غیرعادی دوماهه نیز ادعا دارم، مجموعه فعالیت‌ها و نامه‌نگاری‌های بنده در بحث آب را در کتاب **اذا فرغت** جمع‌آوری نموده‌ام و البته در کتاب شش رساله نیز ادعا نموده‌ام حتی پس از مرگ یا شهادت نیز آماده هستم تا مشکل خشک‌سالی را برطرف نمایم. به امید روزی که عاقلانه و به دور از تعصب و جهل به شخصیت و مباحث بنده نظر افکنده شود. ۹۸/۱۱/۱۶

زمانی که دو طرح غیرعادی برای برطرف شدن خشک‌سالی (**انفطار السماء** و پر نمودن شهرهای جنیان) جدی گرفته نشد و بعضاً مورد انکار قرار گرفت لازم دیدیم مقدماتی را که برای

تصدیق آن دو طرح لازم می‌باشد را در کتابی اجمالاً ذکر نماییم تا درنهایت آن دو طرح که در قطری ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ آمده مورد تصدیق و یا احتمال قوی قرار گیرد، تا بتوانیم دین و ملت را از خطر پیش رو برهانیم به لطف خدا ان‌شاءالله ۹۸/۱۱/۱۶

دلیل تنوع مباحث کتاب

لذا در این کتاب جُدا از مباحث معمول مانند ارتباط آب با تمام اشیاء و اهمیت آب و دلایل خشک‌سالی و ... به مباحث غیرمتعارف مانند حروف و اشکال و اعداد و مباحث اسماء الله و دایره‌یِ هستی و قوس صعود و نزول و اجنه و جفر و پنج علم که ابتدای آن‌ها کله سرّ و ... می‌پردازیم، اما مبحث اصلی ما دعا و اسماء الله می‌باشد که اعتماد ما نیز بر آن است

ضمناً بیش از ۲۵۰ سخنرانی در موضوعات مختلف انجام‌شده که در کانال تلگرامی به آدرس @hodhodbashid موجود می‌باشد در این آدرس اینترنتی نیز فایل‌ها در دسترس می‌باشد [۱]. ۹۸/۱۱/۱۶

نحوه تنظیم مباحث

لازم به ذکر است تنظیم برخی از مباحث بر اساس سؤال‌هایی بوده که بعد از عنوان نمودن خشک‌سالی و راهکارهای پیشنهادی بنده برای مخاطبین پیش‌آمده و بنده مطالب را در جواب مخاطبین و سؤال‌کنندگان تنظیم نموده‌ام.

نکته مهمی که باید مدّ نظر گرفته شود اینکه بعضی از مباحث به علت شرایط خاص زمانی بوده است لذا در هر پاراگراف تاریخ نوشته شدن مطلب نوشته می‌گردد که می‌توان به جریانات و اخبار آن زمان مراجعه نمود تا دلیل مطرح نمودن آن مبحث بیشتر معلوم گردد.

بنده بسیاری از مطالب را در فایل‌های صوتی گفته‌ام که‌ای‌کاش می‌شد صوت‌ها را نیز تایپ نمود تا برای خوانندگان و تاریخ نیز باقی بماند. ۹۸/۱۱/۱۶

نکته مهم در این کتاب توجه به تاریخ‌ها می‌باشد که بنده سعی نموده‌ام تاریخ هر متن را در آخر ذکر نمایم، البته بسیاری از امور متأسفانه در فایل‌های صوتی موجود است که هنوز به رشته تحریر درنیامده است. ۹۸/۱۱/۱۶

علی بهرامی نیکو
همراه: ۰۹۳۹۲۳۷۵۲۳۴

---

[۱] http://www.tvshia.com/fa/content/۵۲۸۲۷

سایت: www.tvshia.com

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک‌وتعالی: **و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه** [۱] و فی موضع آخر: **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ** [۲]

سلام‌علیکم: این‌جانب شیخ علی بهرامی نیکو مسئول سایت tvshia.com جهت روشنگری بیشتر مطالبی را عرض می‌نمایم:

قطره ۱-ما ادعایی نداریم و از تمامی انحرافات به خدا پناه می‌بریم ولی آب را به کمک اسماء الله در مدت کمی می‌توان انتقال داد ۹۶/۷/۲۹

بنده نه ادعای ارتباط با امام زمان عج داشته و نه در پی راه‌اندازی فرقه و... هستم بلکه طلبه‌ای ساده بوده و هستم و گذشته بنده نشان داده که به لطف خدا در مسیر اسلام ناب درحرکت بوده و پیوسته با فرق و اندیشه‌های انحرافی مقابله نموده‌ام، مخصوصاً از سال ۸۶ که وارد فضای مجازی گردیدم و دائماً به‌اندازه توان خود فعالیت داشته‌ام که ازجمله آن‌ها می‌توان به مقابله با جریان‌های مادی مثل بیگ‌بَنگ و داروین و مباحث مسیحیت وهابیت و فرق و جریان‌های انحرافیِ فکری اشاره کرد مانند جریان احمد الحسن و... که مناظرات و تولیدات ما موجود است، یکی از بهترین شواهد سایتِ tvshia.com می‌باشد که در طول ۶ سال ۱۲ هزار سخنرانی به ۲۱ زبان تولید نموده و اقدام به ترجمه و تدوین ۴۲ کتاب به زبان‌های مختلف نموده‌ایم و هر آنچه در توانمان بود را در هر قالب و شیوه و شکل تبلیغی تهیه نموده تا تکلیف شرعی و دینی را عمل نموده باشیم،

---

۱ سوره بقره آیه ۱۹۵: با دستان خودتان، خودتان را به هلاکت و نابودی نیندازید.

۲ سوره انبیاء آیه ۳۰: و ما (یعنی خداوند از مجرای اهل‌بیت ع) همه‌چیز را از آب زنده قراردادیم

مانند تولید فیلم و اپلیکیشن و عکس نوشته و راه‌اندازی اتاق‌های آنلاین مجازی ورود در شبکه‌های اجتماعی در موضوعات مختلف و که فعالیتِ گروهیِ منسجم و هدفمندی بود، اما علی‌رغم تمامی این‌ها افرادی تهمت‌های واهی می‌زنند که بُطلان آن مطالب روشن و پرداختن به آن‌ها تضییع وقت است.

قطره ۲- توفیقات بعد از برگشت از سوریه ۹۶/۷/۲۹

بعد از بازگشت از سوریه توفیقاتی عنایت شد که من‌جمله آن‌ها پاسخ به شبهه‌ای بود که دریکی از کُتُبی که از سنگرهای داعشیها پیدا نمودم.

(بیان شبهه): اگر کسی بگوید اول چیزی که خلق‌شده نور پیامبر ص است مرتد است و باید کشته شود، و حتی اگر حدیثی هم موجود باشد، آن حدیث را باید کنار زد، زیرا این اعتقاد با آیه قرآن که می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ** مخالفت دارد، استدلال آن‌ها این بود که طبق این آیه اول مخلوق خدا آب است و نه نور پیامبر ص، بنده اقدام به پاسخ دادن این شبهه از قرآن نمودم که اجمال جواب این بود که آیه: **و جعلنا من الماء کل شیء حی** [۱] را کنار آیه (**و کل شیء احصیناه فی امام مبین** [۲]) قراردادم و اثبات نمودم **امام مبین** و **الماء** در دو آیه یک حقیقت است و آن حقیقت واحد غیرازاین آب است، آن حقیقتی است که باید همه‌چیز از علم و قدرت و حکمت و ... در او جمع باشد پس منظور از **الماء** h2o نمی‌باشد که البته بحث مفصلی دارد، در آنجا اثبات نمودم اگر این‌گونه نباشد هر دو آیه نعوذبالله دروغ می‌باشد و ازآنجا مقامات نورانی چهارده معصوم ع را اثبات نمودم که البته روایات شیعه و سنی هم در این رابطه موجود است ولی چون روایات در نظر دَواعش حجت نیست تنها به آیات قرآن و استدلال عقلی بسنده نمودم[۳]، بعدازآن باب ظاهر آیه در طِیّ جریاناتی باز شد که نتیجه آن تمام موضوعاتی است که

---

[۱] آیهٔ ۳۰ سورهٔ انبیاء

[۲] ۱۲ سوره یس

[۳] بحث مفصل این مطلب را در کتاب نقطه مطرح نموده‌ام

پیرامون خشک‌سالی عنوان نموده‌ام، و تنها دلیلِ عمومی‌کردن این مطلب این است که آنچه فهمیده‌ام حقیقتی اجتماعی است و نه شخصی و نگفتن آن خیانت است پس بین خیانت و متهم شدن، آنچه را انتخاب نمودم که فردا در پیشگاه عدل الهی شرمنده نباشم، اگرچه که در این دنیای زودگذر هدف هر تهمت و ناروایی قرار گرفتم.

قطره ۳- آیه شریفه و جعلنا من الماء کل شیء حیّ دارای اسرار عجیبی است ۹۶/۷/۲۹

آیه شریفه **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ** دارای اسرار عجیبی است که جا دارد هر دانشمند بنا بر آنچه به دنبال آن است از این تحفه الهی بهره برد و آیه شریفه را برای خود مبنا قرار دهد، چراکه در آیه همه‌چیز را مرتبط با آب می‌داند: اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حکومت، تربیت و ... اگر ما در جامعه مشکل اقتصاد و فرهنگ و .... داریم مطمئناً به آب ارتباط دارد، لذا چند نکته را متذکر می‌شویم:

الف: آب مراتب دارد ظاهرش همان ماده سیال آشامیدنی و باطنش امام ولایت، باطن‌تر آن خداوند است.

ب: حیات هم مراتب دارد حیات دنیایی و آخرتی و تمام شئون هر یک از آن دو مانند حیات سیاسی، صنعتی، اقتصادی، فرهنگی، برزخی و ... که همه این‌ها به آب بستگی دارد.

ج: طبق آیه شریفه همه‌چیز ارتباط با آب دارد حال این ارتباط یا باواسطه است و یا بی‌واسطه.

د: تمام مراتب آیه حجت و کاشف از حقایقی می‌باشد، بله در روایات داریم که منظور از این آب امام ع می‌باشد و ما هم به این مطلب که باطن آیه هست ایمان‌داریم[۱] اما حجیت ظاهر آیه نیز

---

[۱] مثلاً در آیه ۳۰ سوره ملک باطن آیه از آب فرورفته در زمین امام غایب شده است، یا در آیه ۳۰ سوره انبیاء باطن آیه نور و حقیقت امام است، یا در آیه ۴۵ سوره حج باطن چاه تعطیل امام است، **عَنْ عَلِی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِیهِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ ع فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یأْتِیکمْ بِماءٍ مَعِینٍ قَالَ إِذَاً غَابَ عَنْکمْ إِمَامُکمْ فَمَنْ یأْتِیکمْ بِإِمَامٍ جَدِیدٍ**

حفظ گردیده است و دست برداشتن از ظاهر آیه ظلم در حق آیه می‌باشد، شما فکر کنید: اگر ما از ظاهر آیه دست‌برداریم و تنها باطن آیه را استفاده نماییم و در چند سال آینده مردم ما به علت خشک‌سالی مجبور باشند که یا از ایران به دامان کفار و منافقان روند و یا آنان بر ما تسلط پیدا کنند، آیا عقل وجدانی هست که این مطلب را قبول نماید؟ لذا به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان ظاهر آیه را از حجیت انداخت و نسبت به آب آشامیدنی بی‌توجه باشیم، لازم است ذکر نمایم تمامی مشکلات ما در زمان غیبت امام زمان عج زمانی برطرف خواهد شد که از خشک‌سالی نجات پیداکرده باشیم که در غیر آن صورت امید و آرزو واهی است، تنها به این مسئله فکر کنید که مشکل شغل و کار و تورم و مسکن برطرف نخواهد شد مگر زمانی که خشک‌سالی کشاورزی و دامداری و صنعتی و ساخت‌وساز برطرف شده باشد، پس صحبت از حل مشکلات بدون برطرف شدن خشک‌سالی توهمی بیش نیست، باید بدانیم ایران در آستانه ورود به جمعیت ۱۲۰ میلیون نفر می‌باشد و دو راه بیشتر برای سیر کردن این مردم نداریم یا باید غذایمان را تولید نماییم که آب نداریم و یا باید بخریم که دلار نداریم پس نتیجتاً چیزی جز جریانات ۱۲۹۸ ه ش تا ۱۳۰۵ ه ش در انتظار این مردم نیست مگر اینکه سریعاً خشک‌سالی برطرف شود که اگر گوش کنند خشک‌سالی در طول دو ماه برطرف می‌شود و نجات میابیم و نجات می‌دهیم و به ابرقدرت اقتصادی و ... تبدیل می‌شویم.

۵: از مفهوم آیه نیز مطالب عجیبی فهمیده می‌شود که اگر عظمت آب این‌گونه است پس خسارات خشک‌سالی که نقطه مقابل آب است نیز همان‌گونه است، خشک‌سالی مساوی با مردن دنیا و آخرت در تمام شئون آن، مردن اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، بی‌بهره بودن در قیامت و ...

قطره ۴- بنده در رابطه با آب مطالعه و استادی نداشته‌ام ۹۶/۷/۲۹

بنده در رابطه با آب مطالعه و استادی نداشته‌ام ولی تاکنون برای متخصصین این عرصه نیز مطالب جدیدی بیان نموده‌ام که اظهار داشته‌اند مطالب درست و تازه بوده است از باب مثال می‌توانم اشاره نمایم که بعدازاینکه نامه پاراو شده بنده از مجلس [۱] به وزارت نیرو تحویل داده شد و

مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص: ۳۲۸ **عَنْ عَلِی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِیهِ مُوسَی ع فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ قَالَ الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ وَ الْقَصْرُ الْمَشِیدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ** مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص: ۳۱۸

ازآنجا به آبفا ارجاع داده شد که نتیجه به مجلس اعلام شود در آنجا بیش از ۱۲ ساعت جلسه با متخصصین حوزه آب داشتم دریکی از مباحثم مطرح نمودم که یکی از مشکلات اصلی ما این است که ما نقشه آب‌ها و سفره‌های زیرزمینی را نداریم درحالی‌که نقشه آب‌ها و سفره‌های زیرزمینی از نقشه سفره‌ها و ذخایر نفت از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، ما نمی‌دانیم چه مقدار ذخیره آب‌های زیرزمینی داریم و در چه عمقی هستند؟ نمی‌دانیم مقدار خالی شدن سفره‌های زیرزمینی چه مقدار در سال است؟ نمی‌دانیم تغذیه این سفره‌ها از کجاست از داخل ایران یا از خارج؟ نمی‌دانیم میادین آبی مشترک ما با کشورهای همسایه چه مقدار است؟ نمی‌دانیم این سفره‌ها از داخل ایران تغذیه می‌شود و یا از خارج ایران؟ نمی‌دانیم کشورهای همسایه چه مقدار برداشت از سفره‌های زیرزمینی مشترک دارند؟ چه‌بسا آنان میادین آبی مشترک را خالی کرده باشند و از سرازیر شدن آب به آن میادین جلوگیری نموده باشند؟ درحالی‌که نقشه آب‌های زیرزمینی از نفت از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد بعدازاینکه مباحث را شنیدند تصدیق کردند به نکات مهمی اشاره‌کرده‌ام که تاکنون از آن غفلت داشته‌اند.

(ادامه بحث: بنده در رابطه با خشک‌سالی تا قبل از اردیبهشت ۹۶ نه مطلبی خوانده و نه شنیده بودم و نه در محضر استادی در این رشته تلمّذ نموده بودم حتی به روایات خشک‌سالی و ترسالی و باران‌ها و ... نیز توجهی نداشتم، مانند اکثر طلاب به مسائل متداولی که طلاب مشغول هستند مشغول بودم و بیشتر مباحث وهابیت و ادیان و پاسخ به شبهات را مطالعه می‌نمودم و نیز اعلام می‌دارم در تمام مواردی که به آیات آب و کوه و آسمان و رودخانه و چاه و ... برخورد می‌نمودم به دنبال تفسیر ولایی آیات بودم و کمتر نگاه به‌ظاهر آیات داشتم، ولی تمامیِ مطالب عنوان‌شده در مورد خشک‌سالی از همان زمان بدون مطالعه حاصل گردید به‌هرحال هر آنچه را که در مورد آب ظاهر فهمیده‌ام را شواهدی از دانشگاه و رجال سیاسی بر صحت آن مطالب پیدا نموده‌ام لذا شواهد بسیاری در شیطانی نبودن فهمیده‌های بنده وجود دارد، آیاتی در قرآن وجود دارد که نتیجه تقوا را علم می‌داند مثلاً در قرآن می‌فرماید: **وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يعَلِّمُكمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكلِّ شَىءٍ عَلِيم [1] تقوا پیشه کنید تا خداوند به شما تعلیم دهید یا اینکه می‌فرماید: **وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى**

---

۱ سوره بقره آه ۲۸۲

الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيناهُمْ ماءً غَدَقا [۱] اگر در طریق هدایت استقامت ورزید خداوند شمارا با آب فراوان سیراب گرداند یا در روایات نتیجه تقوا را جاری شدن حکمت از قلب به زبان دانسته است (۹۸/۱۰/۱۲) **

قطره ۵- کوچ و مرگ اجباری ۵۰ میلیون ایرانی در اثر خشک‌سالی ۹۶/۷/۲۹

آنچه بنده فهمیده‌ام این است که ایران در آستانه خطری عظیم قرار دارد که در صورت سهل‌انگاری مال و جان و دین، و تمامیِ دنیا و آخرت را تهدید می‌نماید، در سال ۱۲۹۸ تقریباً ۹۸ سال پیش به‌واسطه خشک‌سالی و نبود مواد غذایی و گرانی و ناامنی و بیماری‌های عمومی ۴۰% ایرانیان یعنی حدود ۱۱ میلیون نفر در ایران مردند و این اتفاق در حال تکرار است، دفع ضرر و جلب منفعت دنیایی و دینیِ ما در گرویِ آب‌رسانی سریع به تمام ایران می‌باشد مخصوصاً روستاها و باغ‌ها و دشت‌های ما، و آب‌رسانی‌های زمان‌دار منجر به قتل‌عام کشاورزی و دامداری و باغداری و ... می‌شود که در آن صورت ما باید از دشمنانمان غذای خود را تهیه نماییم، که از دست دادن زمان برای رساندن آب به زمین‌ها چیزی جز مرگ زمین را به همراه ندارد و زمانی که خاک بمیرد ۵۰۰ سال زمان و هزینه‌های هنگفت برای احیای خاک لازم دارد و هم‌اکنون حقیقتاً هیچ راه‌حل نجات‌بخشی برای بحران خشک‌سالی در دست نمی‌باشد.

قطره ۶- پیشرفت ما در گروی آب است ۹۶/۷/۲۹

پیشرفت دین و دنیای ما در گروی آب است اگر آب نیاید معیشت مردم خراب و خراب‌تر شده و زمانی که معیشت نباشد دین درخطر قرار می‌گیرد کما اینکه در حدیث شریف ذکرشده **مَن لا مَعاشَ لَهُ لا معادَ لَهُ** [۲] کسی که معیشت دنیایی ندارد از دین هم بی‌بهره می‌گردد که نمونه‌هایِ

---

۱ سوره جن آیه ۱۶

۲ مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۲۶۷

آن در اطراف ما زیاد می‌باشد، در حدیث دیگر آمده که فقر انسان را به کُفر نزدیک می‌کند، **کاد الفقر ان یکون کفرا**، نزدیک است که فقیر کافر شود [۱].

قطره ۷- به لطف خداوند متعال تاکنون به اشکال جدی در رابطه با مباحث خود برنخورده‌ایم ۹۶/۷/۲۹

بنده اعلام نمودم که با طُرُق عادی و غیرعادی می‌توان مشکل خشک‌سالی را برطرف نمود، و تمامی اشکالات مطرح در این زمینه مانند نبود بودجه در طرح عادی یک‌ساله و بَعید بودن در طرح‌های غیرعادی واهی است و متأسفانه ما که در مسائل اقتصادی و مخصوصاً آب سررشته نداریم با اَدنی شبهه‌ای عقب‌نشینی می‌نماییم، باز اعلام می‌نمایم شبهاتِ بسیاری را مافیای آب در بین مردم جا انداخته و مردم باور نموده‌اند که آن مطالب باطل و خلاف واقع است، بله در جریاناتِ امروزِ جاریِ جامعه، مافیایی به نام مافیای آب وجود دارد که به‌صورت پنهانی فعالیت می‌نماید که هدف آن‌ها رواج خشک‌سالی و تمام شدن منابع آبیِ قابل‌استفاده می‌باشد تا نیروی کار بیکار شده و آنان از طرق مختلف من‌جمله واردات، پول طوفان آورده به جیب بزنند، که از همه مافیاها و نفوذها وحشتناک‌تر و خطرناک‌تر می‌باشد، آن‌ها نمی‌خواهند مشکل آب برطرف شود، می‌خواهد خشک‌سالی رواج یابد تا ما به همین واسطه دین و دنیای خود را از دست دهیم، منافع بی‌شمار آنان در گروی رواج خشک‌سالی است، لذا سعی بر این دارند تا مسئله آب به حاشیه رفته و ذهن مردم را منحرف کنند.

---

۱ **(بین ذنب و گناه و کفر تفاوت است کسی که زنا می‌کند گناه کرده اما از توحید خارج نشده است اما کسی که کفر ورزیده ایمان و هیچ عمل صالحی ندارد، فقر انسان را به گناه نمی‌کشاند بلکه به کفر می‌رساند. ۹۸/۱۰/۱۲) **

قطره ۸- دو مطلب غیرعادی برای برطرف شدن خشک‌سالی وجود دارد ۹۶/۷/۲۹

بنده دو مطلب غیرعادی برای برطرف شدن خشک‌سالی عنوان نموده‌ام که تضمین‌کننده آن‌ها هم می‌باشم و نیز اعلام نموده‌ام که در صورت فراهم شدن شرایط قبل از اقدام به برطرف نمودن خشک‌سالی به لطف خدا می‌توانم آن‌ها را نشان داده تا همگان به‌یقین برسند [۱] بعد آن‌ها را عملی نماییم طرح دوم که زمان آن گذشت و باید یک سال منتظر بود تا زمان برگردد مربوط به ایجاد چاله جَوّی درون آسمان ایران و بازگشت فصول به زمان‌های قبل و حتی پر شدن لوله‌های رو به آسمان درجاهایی که باران نمی‌آید بود که در نامه کامل آمده بود [۲] و طرح اول غیرعادی پر آب‌کردن نُه شهر جِنّی که در زیرزمین ایران است که جنیانِ بسیاری در آنجا زندگی می‌کنند و آنان دائماً زمین‌های ما را خشک کرده و شهرهای خود را گسترش می‌دهند، باید شهرهای آنان را با آب پر نمود و آنان را کوچ داد، وقتی‌که از ایران کوچ کردند کشور از خشک‌سالی نجات میابد بیشترِ کلمات و حروفی که برای غلبه بر آنان لازم است در متن طرح یک آمده است[۳]، هم‌اکنون آنان به سطح زمین بسیار نزدیک شده‌اند و می‌خواهند امپراتوری جنیان را تشکیل دهند، برای این اقدام بسیج ملی لازم است و به‌تنهایی نمی‌توان به آن دست‌یافت.

**(توضیح: تاریخ انفطار السماء ۹۶/۶/۶ در سال ۹۶ بوده و در هرسال تنها یک‌بار می‌توان انفطار السماء را انجام داد. بنده ادعا دارم در صورت فراهم شدن شرایط می‌توانم قبل از انجام انفطار السماء آن جریانات را نشان دهم (شهود جمعی) و همگان را به شهود جمعی برسانم که در شهود جمعی سقف‌ها و راه‌های آسمان نشان داده می‌شود و چگونگی شیب‌دار شدن آسمان به سمت ایران و ایجاد چاله جوی و برطرف شدن خشک‌سالی به‌واسطه لوح انفطار السماء به همگان

---

۱ بحث شهود جمعی در کتاب می‌آید، اجمالاً بنده ادعا دارم در شرایط خاصی پرده‌ها را کنار زده و آنچه ادعا نموده‌ام را برای تمامی مخاطبین اثبات نموده و همه را به یقین می‌رسانم.

۲ قطره ۱۰۰۰

[۳] قطره ۱۰۰۱

نشان داده می‌شود که در سخنرانی‌ها و نوشته‌های کوتاه در شبکه‌های اجتماعی نیز توضیح داده‌ام. تاریخ این پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۶)**

قطره ۹- برطرف شدن خشک‌سالی و توبه ۹۶/۷/۲۹

برای برطرف شدن خشک‌سالی در بین طلاب دو نظر وجود دارد، گروهی میگویند خشک‌سالی نتیجه گناه است پس باید مردم تقوا داشته باشند که البته حرف درستی است اما کامل نیست، هیچ فردی آیات و روایات در این زمینه را نفی نمی‌کند اما آیا این‌گونه نیست که بی‌تدبیری نیز گناه است؛ که آن موجب می‌شود مردم از دین برگردند، چگونه است که در کشورهای غربی که مَهد کفر و شرک است مشکل آب ندارند تا جایی که مسئول ایرلندی باید به آقای دکتر لاریجانی پیشنهاد دهد که ما آب باران زیاد داریم اگر امکان صادرات آن به کشور شما باشد خوب است[۲]، پس چاره‌ای نداریم جز اینکه بگوییم بی‌تدبیری مسئولین گناهی است که خشک‌سالی را به دنبال دارد و به دنبال آن گناه اجتماعی توسط آحاد اجتماع و همین‌گونه سلسه‌وار، به‌هرحال مناقشه در این مسئله بحث در واضحات است، قرآن می‌فرماید **و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه** [۱] با دست خودتان خودتان را به هلاکت نیندازید، برای رفع خشک‌سالی چه‌کار کنیم؟ به مردم بگوییم که تقوا داشته باشید تا باران ببارد که البته باید گفته شود و همین‌گونه هم هست ولی اگر قرار است ترک گناهی انجام شود تا باران بیاید در مرتبه اول مسئولین باید از گناه توبه کنند، تا آنان توبه نکنند هیچ اتفاقی نمی‌افتد، گناهِ آنان بی‌تدبیری بود که مسئله اصلی را آب قرار ندادند، این امر موجب شد مردم فقیر شوند و فقر هم انسان را به سمت فساد و گناه و حتی کُفر می‌کشاند، مضاف بر اینکه این گوی و این میدان اگر کسی می‌تواند خشک‌سالی را با نصیحت برطرف نماید بیاید و کاری کند و از مرگ و یا کوچ اجباری ۵۰ میلیون نفر خودداری کند بسم‌الله شروع کنید، آنچه بنده فهمیده‌ام

---

[۱] سورهٔ بقره آیهٔ ۱۹۵

این است که اگر ما خشک‌سالی را برطرف کنیم به دنبال آن اقتصاد سروسامان می‌گیرد نتیجه این امر آن چیزی است که در مِصر اتفاق افتاد یعنی حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیهم‌السلام خشک‌سالی را برطرف نمود و مردم بت‌پرست مصر کار عملی و اجتماعی از او دیدند سپس بازگشت حداکثری به دین و توحید اتفاق افتاد، جامعه امروز ما به یک کار عملی و عینی و نتیجه‌بخش احتیاج دارد که مردم اثر حکومت اسلامی را کاملاً حس نمایند، و الا جامعه هیچ‌گاه قبول نمی‌کند که بگوییم تقوا داشته باشید تا خدا آب را نازل نماید، ما در مسائل شخصی تمامِ تلاش را انجام می‌دهیم ولی در مسائل اجتماعی که تلاش و توکل لازم دارد موحدِ مَحض می‌شویم تا خدا امور را سامان دهد، درحالی‌که بطلان این اندیشه واضح است، چگونه امروز کشورهایی که به خدا و اهل‌بیت ع ایمان ندارند و در فساد غوطه‌ور هستند به ما برای رفع خشک‌سالی پیشنهاد می‌دهند، آنان تقوایی ندارند پس باید آن‌ها خشک و ما آباد باشیم درحالی‌که چنین نیست، بله آنان دچار استدراج شده‌اند ولی ما چرا محتاج آب هستیم، به‌هرحال ما اگر بتوانیم آب را بیاوریم اقتصاد سروسامان پیدا می‌کند و آنچه در حد تصور ما نیست در فرهنگ و دین و اقتصاد مردم نیز اتفاق می‌افتد، و نیز بعضی میگویند خشک‌سالی را تا زمان ظهور نمی‌توان برطرف نمود که این مطلب نیز شانه خالی کردن از تکلیفی است که دین به گردن ما نهاده است.

قطره ۱۰- انکار بدون راستی آزمایی در کمال جهل است ۹۶/۷/۲۹

انکار روش‌های غیرعادی بدون راستی آزمایی کمال جهل است زیرا دائماً بشر به علوم و مطالب جدیدی دست می‌یابد که قبل از آن غیرممکن می‌پنداشته، و ازاین‌گونه علوم در بین طلاب رایج بوده کما اینکه از شیخ بهایی اموری نیز تاکنون بجای مانده و در کتب علما نیز این مطالب بسیار دیده می‌شود که البته این‌جانب تضمین‌کننده مطالبی که میگویم می‌باشم نه متضمن اموری که دیگران گفته و نوشته‌اند که البته از آن امور نیز بی‌خبر نمی‌باشم به لطف خدا **ان شاء الله.**

**(یکی از آیات عظام به بنده فرمودند: بهرامی مَثَل تو اهل زمانت مانند گالیله و اهل زمانش می‌باشد، پس صبر کن که صبر کلید پیروزی است، عالم دیگری به بنده فرمودند: اگر چیزی را که

دنبال می‌کنی با جدیت دنبال کنی به آن می‌رسی، **مَن جَدَّ و جَدَّ وَجَدَ** کسی که با جدیت چیزی را دنبال کند به آن می‌رسد ۹۸/۱۰/۱۶) **

قطره ۱۱- ایران در آستانه مشکلات و فتنه‌های بسیاری قرار دارد ۹۶/۷/۳۰

بنده باز اعلام می‌دارم ایران در آستانه جریاناتی وحشتناک قرار دارد که قبل از پیدایش آن باید اقدام نمود و الا در هنگام آشوب و فتنه کار بسیار مشکل می‌گردد، پایه تمامی آن‌ها مشکلات اقتصادی است که راه‌حل اصلی آن سامان دادن سریع اقتصاد و آبادانی کشور است که تماماً به آب بستگی دارد و آب‌رسانی‌های طولانی دردی از ما دوا نکند و نوش دارو بعد از مرگ سهراب است، چراکه خشک‌سالی در حال از بین بردن زمین‌های حاصلخیز ماست.

قطره ۱۲– اصل بر اختصار است ۹۶,۷,۳۰

اصل در این متون رعایت اختصار بوده و مطالب بیش از این می‌باشد برای اطلاع بیشتر به آی‌دی: hodhodbash@ در تلگرام پیام دهید تا مطالب بیشتری تقدیم گردد مطالب بیشتر را در کانال: hodhodbashid@ بیابید. [۱]

(توضیح: فعلاً آی‌دی و کانال ذکرشده به دلایل خاصی فعال نمی‌باشد. ۹۸/۱۰/۱۶)

قطره ۱۳- کمک‌هایی که دوستان می‌توانند برای رفع خشک‌سالی انجام دهند ۹۶/۷/۳۰

سؤال یکی از مخاطبین:

---

۱ در مورد کارها و فعالیتهای انجام شده در مورد آب در کتاب **اذا فرغت** سخن گفته‌ایم. ۹۸/۱۰۱۶

سلام امیدوارم در هدفی که دارید موفق شوید سؤالی دارم آیا ما هم می‌توانیم کاری کنیم در رابطه با کم‌آبی یا وظیفه‌ای داریم.

جواب: سلام‌علیکم

الف: در رفع خشک‌سالی همه باید باهم متحد شویم، جناح‌بندی نداریم، راست و چپ، اصولگرا و اصلاح‌طلب، مسلمان و غیرمسلمان و ... نداریم حتی ایرانی و غیر ایرانی نداریم در آینده‌این بند بسیار مهم توضیح داده می‌شود. ب: گروهی از مردم نمی‌دانند کشور کم‌آبی هستیم باید آگاه شوند که کم آب هستیم پس ما که میدانیم باید آگاه کنیم

ج: گروهی نمی‌دانند که در طیف جدید خشک‌سالی واردشده‌ایم باید آن‌ها را آگاه کنیم

د: گروهی نمی‌دانند خطرناک‌ترین و مضرترین بلای زیست‌محیطی خشک‌سالی است باید آگاه کنیم که خشک‌سالی از زلزله و سیل و طوفان و آتش‌نشان و سونامی و بهمن و سیل و ... خطرناک‌تر و تلفات بیشتری دارد باید آگاه کنیم **ه**: گروهی نمی‌دانند هم‌اکنون در خشک‌سالی هستیم چون شیر آب را باز می‌کنند و آب میاید پس باید به همه بفهمانیم که هم‌اکنون در خشک‌سالی هستیم

و: گروهی نمی‌دانند اصل و اساس همه پیشرفت‌ها آب است پس باید همه را آگاه کنیم که تمام مشکلات اساسی کشور ما به‌واسطه خشک‌سالی است **ز**: گروهی نمی‌دانند در میان بدنه مسئولین افرادی هستند با چهره موجه که اصلاً برای گسترش خشک‌سالی فعالیت می‌کنند و می‌خواهند خشک‌سالی رواج پیداکرده و ملت و دین ما بر باد برود و این مملکت همانند عراق و افغانستان و تمام کشورهای وابسته که استقلال سیاسی و فرهنگی ندارد شود-درخواست دارم کمپین و گروه در این زمینه تشکیل شود، تمامی ملت و هرکسی در رشته تخصصی خود برای خشک‌سالی کمک کند: سخنرانان، هنرمندان، فیلم‌سازان، نویسنده‌ها، مداحان، دانشگاهیان ... اگر آب نباشد هیچ نیست باید بدانیم آب یک‌چیز نیست، آب همه‌چیز است، لذا درخواست دارم متحد شویم، آگاه شویم، دیگران را آگاه نماییم **این مسیر مسیر کربلا نیست مسیر قتلگاه است و چه مسیر زیبایی است.** اگر به بنده اعتماد دارید همه‌جا بفرمایید: شیخ علی بهرامی نیکو ادعا کرده در عرض دو ماه خشک‌سالی ایران از طرق غیرعادی قابل‌حل است و ادعا کرده

اگر دروغ گفتم جزای من مرگ است، بنده میدانم خشک‌سالی چیست؟ و میدانم دو ماه چند ماه و چند روز و چند ساعت است؟ باید او را راستی آزمایی کرد.

** (انکار بدون راستی آزمایی کمال جهل است، علم خودتان را ترازوی سنجش تمامی علوم قرار ندهید، هدهد در زمان حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیهم‌السلام ادعایی نمود و مورد آزمایش قرار گرفت، شاید انقلاب ما هم هدهد و طالوت و آصف هم داشته باشد، امداد غیبی چگونه است؟ چگونه باید امداد غیبی به انقلاب برسد؟ ۹۸/۱۱/۱) **

قطره ۱۴- مسئولین ما سه دسته هستند ۹۶/۷/۳۰

مسئولین ما سه دسته هستند و حالت چهارم هم ندارد:

الف: مسئولینی که نمی‌دانند خشک‌سالی است این اشخاص در این جایگاه غاصب هستند، البته این طیف بسیار کم هستند، در ایران مگر کسی عوام باشد که نداند خشک‌سالی داریم و این خشک‌سالی چقدر مخوف می‌باشد، این طیف را باید آگاه نمود، گناه این طیف غیرقابل‌بخشش است.

ب: مسئولینی که می‌داند خشک‌سالی است که خود دو گروه هستند یا برای برطرف کردن خشک‌سالی تلاش می‌کنند و یا تلاش نمی‌کنند، گناه کسی که می‌داند خشک‌سالی است ولی تلاش نمی‌کند از آن‌کسانی که نمی‌دانند خشک‌سالی است بیشتر است، اما گروهی که می‌دانند خشک‌سالی است و برای این مسئله تلاش کرده‌اند، این‌ها مأجور هستند و ما به این گروه باید نزدیک شویم و راهکارهای خود را به آنان ارائه دهیم، آنان انسان‌های پاک‌طینتی هستند که عندالله مأجور هستند، ما هم راه‌حلی داریم که آنان گوش شنوا دارند و ان‌شاءالله به‌زودی کلام ما را می‌شنوند.

ج: مسئولینی که می‌دانند خشک‌سالی داریم و می‌توانند برای رفع آن تلاش کنند ولی برای زیادشدن خشک‌سالی تلاش می‌کنند و تماماً برای رفع خشک‌سالی مانع‌تراشی می‌کنند، آنان

افراد نفوذی هستند که می‌دانند با گسترش خشک‌سالی نظام به چالش کشیده شده و به براندازی نزدیک می‌شویم، آنان راهکارهای بیرون رفت از خشک‌سالی را به‌صورت مرموزی پنهان داشته‌اند و این اولویتِ اولِ نظام را به تأخیر می‌اندازند، تا نظام را با روشِ خود سرنگون کرده و شکل حکومتی خود را در ایران اجرا نمایند، سود گذشته و حال و آینده‌این گروه در گروی خشک‌سالی است، سود هم‌اکنون آن‌ها بیکاریِ کشاورز و دامدار و باغدار و صنعت پارچه و ساختمان و ... است که نتیجه‌یِ آن جواز ورود تمام این کالاها است، نتیجه آن اختلاف طبقاتی و نارضایتی مردم، نتیجه آن پولدار شدن آن‌ها و به بردگی کشیدن قشر عظیمی از جامعه ایران، نتیجه این‌ها نارضایتی مردم و شروع آشوب‌ها و حرکت به سمت براندازیِ نرم و تغییر نظام است، این طیف خائن هستند، این همان الگویی است که غرب برای استعمار جدید خود طرح‌ریزی کرده است، استعمارِ مدیریتیِ نرم یعنی افرادی وابسته در منصب‌های حساس برای منافع دشمن در حال فعالیت هستند، آنان هم از توبره می‌خورند هم از آخور، آنان اگر دین حاکم باشند دین‌دارترین و اگر کفر حاکم باشد کافرترین هستند، اینان خواب نیستند که حتی با لگد هم بتوان بیدارشان کرد، آنان ذهن‌ها را از مسئله اصلی منحرف می‌کنند، آنان نمازگزاران بی‌وضویی هستند که می‌خواهند امام جماعت هم باشند، اگر بگویی خشک‌سالی می‌توانند ساعت‌ها سخنرانی کنند، در لفّاظی یَدِ طولانی دارند اما انتهای کلام آنان جز سردرگمی چیزی نیست، بله منافق زیاد می‌گوید و کم‌عمل می‌کند و مؤمن کم می‌گوید و زیاد عمل می‌کند، این گروه برای هر عمل خود توجیهی دارند که عقل‌ها را حیران می‌کند، آنان امور را خراب می‌کنند و در هنگامه جواب دادن گناه را به گردن دیگری می‌اندازند، آنان دائماً چهره عوض می‌کنند، تا دیروز دشمن و امروز دوست‌ترین هستند، آنان توانایی دارند همه را فریب دهند، رئیس آنان عمرو عاص است، آنان به هنگامه‌های حساس قرآن بر نیزه می‌کنند، اگر حساس‌تر شود و خود را در معرض خطر ببینند لباس زیرین خود را درمیاورند تا مؤمن رو برگرداند و آنان فرار کنند، تمام ادیان الهی از این گروه ضربه خورده‌اند و ما نیز از آنان ضربه خورده و می‌خوریم.

قطره ۱۵- کتاب اصلی رفع خشک‌سالی کتاب دوم است ۹۶/۷/۳۰

تأکید می‌کنم این کتاب در حکم مقدمه رفع خشک‌سالی می‌باشد، و الا حرف‌های اصلی زمانی مطرح می‌شود که همه باور کنند که چندماهه می‌توان خشک‌سالی را برطرف نمود، آنجاست که علل اصلی خشک‌سالی و ترسالی شناخته‌شده و مباحث باز شود و تمام ذهن‌ها معطوف به آن می‌گردد، ما سه طرح برای رفع خشک‌سالی ایران داریم طرح فاقد ارزش یک‌ساله که از طرق عادی خشک‌سالی برطرف می‌شود البته در سال اول آب به استان‌ها و در سال دوم آب به شهرها و در سال سوم به روستاها و سال چهارم به زمین‌ها بایر می‌رسد که توضیح آن در آینده می‌آید[۱]، دو طرح دیگر غیرعادی است یکی سوراخ نمودن آسمان (انفطار السماء) و دیگری پر نمودن شهرهای جنیان است که در زیرزمین ایران قرار دارد، ابتدا انفطار السماء کرده و سپس نُه شهر بزرگ جنی را پر آب می‌کنیم، جنیان از ایران کوچ کرده و آب در زیرزمین ایران جاری می‌شود، ضرر جنیان از ایران برطرف می‌شود، ما بعد از یقین عمومی به این بحث است که تمام اندیشه‌ها به سمت ضرر آن‌ها و مصیبتی که آن‌ها به سر ما آورده‌اند معطوف می‌شود و می‌توان صحبت نمود و الا تا قبل از آن تنها در رابطه شیوه برطرف شدن خشک‌سالی می‌توان بحث نمود.

**(بعداز انفطار السماء تمام کسانی که ما را کمک نکردند در حسرت فرو می‌روند در حقیقت آن روز یوم الحسرة و الندامة است ۹۸/۱۰/۱۵) **

** (تذکر: در بعضی از قطره‌های کتاب مطرح می‌نماییم که ۵ طرح وجود دارد ولی در اینجا مطرح می‌نماییم که سه طرح وجود دارد دلیل این تناقض در این است که ما قبلاً طرح عادی را

---

۱ * * (توضیح در بعضی از متون کتاب گفته‌ایم سه طرح و در بعضی از متون گفته‌ایم ۵ طرح دلیل این مطلب این بود که ما در ابتدا تمامی سه طرح عادی را تحت عنوان یک طرح قلمداد می‌نمودیم که در قطره ۷۳ آمده است اما به مرور زمان طرح عادی به سه طرح مجزا تغییر شکل داد ۹۸/۱۱/۱۰) * *

یک طرح قلمداد می‌نمودیم ولی در اثر گذر زمان خود طرح عادی به سه طرح تغییر یافت، لذا مجموعاً ۵ طرح گردید که سه طرح عادی قابلیت نقد و بررسی را دارد و دو طرح غیرعادی دوماهه به‌وسیله اسماء الله تنها قابل‌اجرا می‌باشد و قابلیت نقد و بررسی را ندارد تنها می‌توان راستی آزمایی نمود و بنده نیز وعده داده و می‌دهم که در صورت فراهم شدن شرایط می‌توانم تمامی ملت را به شهود جمعی برسانم، اما سه طرح عادی که قابلیت بحث و نقد را دارد، نقد و بررسی را متخصصین انجام داده‌اند و متن پیشنهادی و اشکال‌ها و جواب‌های بنده در همین کتاب موجود است و شما ببینید حقیقتاً متخصصین حوزه آب با تمامی تلاش اشکال کرده و ما هم جواب داده‌ایم که حقیقتاً همانند بچه آهویی بودند که در دستان شیری قوی‌پنجه اسیرشده‌اند، شما خود طرح ما و اشکالات متخصصین و جواب‌های ما را بخوانید و قضاوت فرمایید، آنان بعد از پاسخ‌های ما ناراحت بودند که چرا متن سؤال و جواب‌ها را منتشر کرده‌ام درحالی‌که این ناراحتی نابجا است زیرا اگر متخصص هستند چرا اشکال واهی نموده‌اند. ثانیاً مسئله آب امری شخصی نیست بلکه باید در تاریخ ثبت شود که دلیل بحران‌های ایران چه چیز و چه کسانی بوده‌اند. ثالثاً ما از افراد اسم نبرده‌ایم بلکه فقط عنوان کرده‌ایم این اشکال مربوط به یکی از متخصصین و مهندسان و دکتران اجرایی حوزه آب است، اما اگرچه که در این دنیا حفظ آبرو کرده‌ایم اما هشدار می‌دهم در آن دنیا جلوی افراد بسیاری را خواهم گرفت، جواب مناسب را آماده کنند باید جواب دهند چرا تهمت زدند، چرا کمک نکردند، چرا بعضاً مانع شدند، چرا بی‌تفاوت بودند، دعا کنند خدا و قیامتی وجود نداشته باشد و الا بد تاوانی باید بدهند، اما اجمال سه طرح عادی یک‌ساله عبارت است از این امور: طرح اول عادی یک‌ساله: دوازده لوله و کانال از خلیج‌فارس و دریای عمان به‌تمامی استان‌ها. طرح دوم عادی یک‌ساله: استفاده از زیرساخت‌های موجود برای انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان برای انتقال یک‌ساله آب به‌تمامی استان‌ها مانند پر آب نمودن دز از آب خلیج‌فارس برای انتقال آب خلیج‌فارس تا قم و تهران طرح سوم عادی یک‌ساله: فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم کار و زندگی در مرز ۲۲۰۰ کیلومتری خلیج‌فارس و دریای عمان تا مرز ۵۰ کیلومتری دریا و کوچ دادن مناطق پرتراکم و پرجمعیت به سمت دریا، اما دو طرح غیرعادی یک‌ساله: طرح دوم غیرعادی یعنی قطره ۱۰۰۰ کتاب هزار و یک قطره یعنی انفطار السماء یعنی

شیب‌دار نمودن آسمان به سمت ایران و ایجاد چاله جوی در ایران به کمک اسماء الله در عرض دو ماه که در زمان خاصی انجام می‌شود و باید لوح را همگان امضاء و دفن نمایند و در هرسال تنها یک‌بار می‌توان آن را انجام داد و اگر آماده نباشیم ایران غرق می‌شود چشمه بسیار بسیار کوچکی از آن سیلی بود که در انتهای سال ۹۷ و ابتدای سال ۹۸ در ایران اتفاق افتاد لازم به ذکر است اما طرح دوم غیرعادی رفع خشک‌سالی ایران بیرون نمودن جنیان از ایران و پر نمودن نُه شهر جنی در زیرزمین ایران است که در قطره ۱۰۰۱ عنوان نموده‌ایم - بنده هیچ‌کدام از طرح‌های عادی را قبول ندارم زیرا قدرت روش‌های غیرعادی را در دست دارم اما برای کسی که ادعایی این‌چنینی ندارد باید به روش‌های عادی متوسل شود. تاریخ این پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۵)
**

قطره ۱۶- مهم نیست خیلی‌ها به این مطالب اعتقاد نداشته باشند درنهایت شهرها را می‌بینند و اعتقاد پیدا می‌کنند ۹۶/۷/۳۰

بعضی میگویند بحث‌هایی را بگو که مردم قبول کنند، بحث اجنه و سوراخ کردن آسمان را نگو بعد اضافه می‌کنند من که اعتقاددارم ولی مردم اعتقاد ندارند، جواب الف: من آن چیزی را میگویم که میدانم و اعتقاددارم و دیده‌ام، و تضمین‌کننده آن نیز خود هستم اگر قرار باشم من این را نگویم آن را نگویم آن‌یکی را نگویم و ... خوب بفرمایید هیچ نگو، و به دنبال آن خشک‌سالی همه ما را تباه کند ب: آنچه میگویم چیزی است که هست واقعیت دارد لذا هراسی ندارم از اینکه حتی تا قبل از امتحان بنده یکه و تنها باشم زیرا در زمان معین به لطف خدا سرافراز بیرون می‌آیم و در آن زمان باید نشان دهم آنچه را که ادعا کرده‌ام را و لطف الهی تحقق پیدا کندان شاء الله.

** (تذکر: اضافه می‌کنم شاید آیندگان بخواهند از خشک‌سالی نجات‌یافته و بنده را امتحان نمایند لذا آیندگان نباید چوب جهل معاصرین بنده را بخورند اگر نتوانم در زمان حیات مادی‌ام مشکل را برطرف نمایم راه برای آیندگان باز است کتاب شش رساله را عمل کنند تا ماهم حتی بعد

از مرگ به عهد خود وفا کنیم، لذا مباحث را میگویم برای اهل عقل و فهم تا آنان محروم نگردند. تاریخ پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۶) **

قطره ۱۷- تنها پر کردن شهرهای جنیان خشک‌سالی را برطرف می‌کند ۹۶,۷,۲۲

اعلام می‌کنم در این تاریخ ۹۶/۷/۲۲ ساعت ۲۲ و ۲۲ دقیقه آنچه بنده علم‌دارم برای برطرف شدن خشک‌سالی ایران در ظرف چند ماه تنها پر نمودن شهرهای جنیان است که زیرزمین ایران قرار دارد، و البته در صورت جدی گرفتن مسئولین باید زمان دهند تا آن علوم را برگردانیم و قبل از اینکه بخواهیم جایی را بکنیم تا به آن دروازه‌ها برسیم نشان می‌دهم تا همه یقین کنند، و آماده شوند و بعد اقدام می‌نماییم، در صورت جدی گرفتن امر از طرف مسئولین دوبار می‌توانم آنجا را نشان دهم که یک‌بار آن برای تمامی ملت است تا تمامی ملت آماده شوند، قبلاً هم گفته‌ام فرصتی که برای بازگرداندن آن علوم لازم است یکی از این روزهاست، ۷ یا ۱۴ یا ۴۰ یا ۷۰ روز که در آن صورت توان نشان دادن دروازه‌ها را پیدا می‌کنم و تنها زمانی تلاش برای پیدا کردن دروازه‌ها را شروع می‌کنم که از طرف مسئولین قرار صحبت با آقای روحانی در تلویزیون قرار داده شود و الا غیرازاین مسئله تلاش فایده‌ای ندارد، که در آن صورت دروازه‌ها را نشان داده و آنگاه اقدام به حفّاری برای رسیدن به آن دروازه‌ها می‌نماییم و برای آن طرح سوراخ کردن آسمان (انفطار السماء) نیز زمان گذشته و باید یک سال منتظر ماند تا زمان بر گردد. تاریخ متن: ۹۶/۷/۲۲ ساعت ۲۲ و ۲۲ دقیقه

**(تذکر: حقیقتاً برای برطرف شدن خشک‌سالی دو طرح وجود دارد یکی انفطار السماء یعنی شیب‌دار نمودن آسمان به سمت ایران و ایجاد چاله جوی درون ایران و یکی پر نمودن نُه شهر جنی در زیرزمین ایران و بیرون کردن اجنه از ایران که عامل اصلی خشک‌سالی هستند و استفاده از شهرهای آنان برای ذخیره‌سازی آب اما در این متن که میگویم تنها پر نمودن شهرهای جنیان نیز درست است دلیل این مطلب این است که در زیرزمین ایران ۹ شهر جنی وجود دارد که اولاً جایگاه مناسبی برای ذخیره‌سازی آب است و ثانیاً خود اجنه عامل خشک‌سالی ایران هستند پس بیرون کردن اجنه می‌تواند باعث کنترل خشک‌سالی شود چراکه اجنه زمین ایران را خشک کرده و

شهرهای خود را گسترش می‌دهند، ولی برای بیرون کردن اجنه آب لازم است آب را از کجا بیاوریم درحالی‌که ما در خشک‌سالی هستیم؟ از طرفی انفطار السماء آب بسیار زیادی را به ایران رهسپار می‌کند که چشمه بسیار بسیار کوچک آن سیل انتهای ۹۷ و ابتدای ۹۸ بود، حال چه باید کرد؟ اولاً آبی نداریم تا اجنه را از ایران اخراج نماییم؟ ثانیاً اگر انفطار السماء انجام دهیم جایی نداریم که آب را به آنجا هدایت نماییم تنها راه در این است که انفطار را انجام دهیم و آب عظیم هدایت‌شده به سمت ایران را در شهرهای جنیان بریزیم که در این صورت جنیان را از ایران کوچ داده و در زیرزمین ایران آب را جاری می‌نماییم و انفطار السماء نیز به ما ضرری نمی‌زند. تاریخ این پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۶) **

**(در حقیقت راه‌های غیرعادی انتقال آب عبارت است از اینکه با لوح انفطار السماء آسمان را به سمت ایران شیب‌دار نموده و در ایران چاله جوی ایجاد می‌نماییم و با کمک لوح دیگر آب بسیار زیادی را که در ایران وارد می‌شود را به شهرهای جنیان وارد می‌نماییم تا سیل به جامعه ما ضرر نزند و البته جنیان و هزاران ضرری که به ما می‌زنند از ایران دفع شوند و در حقیقت هم جنیان را که عامل بسیاری از خرابکاری‌ها در ایران من‌جمله خشک‌سالی هستند را از ایران کوچ می‌دهیم و هم اینکه در زیرزمین ایران آب بسیار وارد می‌کنیم که هزاران هزار منفعت دارد اگر ذره‌ای از انفطار السماء در ایران اتفاق بیفتد خوف این می‌رود که سیل‌های بسیاری انجام گردد همانند آنچه در زمان حضرت نوح واقع گردید مگر اینکه آب را به زیرزمین وارد نماییم. ۹۸/۱۱/۲۴) **

قطره ۱۸- بدون دیدنِ مردم (شهود جمعی) و یقین کردن برطرف کردن خشک‌سالی محکوم به شکست است ۹۶,۷,۲۲

حقیقتاً آنچه میگویم برای خیلی ناباورانه و برای بعضی ممکن در حد محال است و برای بعضی ممکن و برای تعداد بسیار اندکی یقینی است، لذا تنها زمانی به این امر اقدام می‌گردد که همه یقین پیدا کنند، تنها راه یقین پیدا کردن دیدن آن است و بنده هم اعلام نموده‌ام هم در

شیب‌دار نمودن آسمان به سمت ایران و سوراخ کردن آسمان (**انفطار السماء**) و هم در طرح پر کردن خانه جنیان دوبار می‌توان آن را نشان داد (شهود جمعی)، زمانی که ببینند یقین کنند که آن شهرها وجود دارد و در این زمان همه متحد شوند و اقدامات لازم را انجام دهند، لذاست که ما تأکیددداریم باید اول مردم ببینند و آنگاه اقدام گردد، باید همه باهم متحد شویم تا از آنان شکست نخوریم و الا قبل از دیدن همه گویند او دیوانه شده و یا مجنون است و یا معتاد است و شیشه مصرف می‌کند و یا هر تهمت و افترای دیگری نیز بزنند.

**(تذکر: تمامی این اتهامت در دادگاه ویژه مطرح شد و بنده نیز در دفاعیه ۷۰ صفحه‌ای خود جواب داده‌ام که متن آن را در این کتاب میاورم، از آن دادگاه و تمامی اتهامات تبرئه شدم، دادگاه بنده در سال ۹۶ انجام گردید و بعد از ۵ جلسه از دادگاه خبری از حکم دادگاه نداشتم که در اسفند ۹۷ با مراجعه به دادگاه به بنده اعلام شد که تبرئه شده‌ام، در آن زمان بنده به قاضی عرض نمودم جناب آقای قاضی لطفاً بالاترین مقامات را در جریان این دادگاه و اتهامات و دفاعیه بنده قرار دهید زیرا بنده از هیچ ادعای خود شانه خالی نکرده‌ام، قبول نکردند و فرمودند وظیفه دادگاه چنین اموری نیست، بنده تلاش کردم از طریق دادستان این کار را انجام دهم که بازهم نتوانستم کسی که نمی‌خواهم نام او ببرم به من گفت اگر راست میگویی برای من معجزه‌ای نشان بده تا باورت کنم و برایت جلسه با دادستان را ترتیب دهم و بنده جواب دادم: بنده پیامبر وصی نیستم که طلب معجزه کنید ولی بدانید چشمه کوچکی از لوح، سیل به بار می‌آورد و این جریان دو هفته قبل از وقوع سیل در اسفند ۹۷ بود، قبل از وقوع سیل نیز اعلام نمودم: لوحی می‌نویسم و باران‌ها را در ایران شروع می‌شود و اعلام می‌دارم بعد از وقوع سیل ادعا نمی‌کنم که باران‌ها به‌واسطه لوح بنده بوده ولی هر که بگوید لوح عامل سیل بوده انکار نمی‌کنم. تمام - عجیب این است هیچ‌کدام از انبیاء و طرفداران انبیاء در تاریخ دشمنان خود را رمی به جنون و دیوانگی و ساحر و کاهن و ... ننموده‌اند و همیشه بالعکس بوده است، عجیب‌تر اینکه یکی از معتمدین می‌گفت در جلسه‌ای مهم گفته شد که سیل به‌واسطه لوح فلانی بوده - تمام - تعجب من از این است که می‌دانند اموری واقعی وجود دارد اما برای نجات کشور کار اصلی را نمی‌کنند و منتظر هستند ببینند چه می‌شود، مسئول دیگری بعد از ۱۱ ساعت جلسه به من گفت من یقین دارم لوح‌های تو کارگر است

ولی مسئولین قبول ندارند و من نیز نمی‌توانم مباحث تو را پیش آنان مطرح نمایم چراکه بنده بیکار می‌شوم لذا اگر حتی امضای من و معاون بنده که به تو یقین داریم کمی باعث شیب‌دار شدن آسمان و رفع خشک‌سالی می‌شود بیاور تا امضاء نماییم و در جای دیگری به بنده گفت ضررهای خشک‌سالی که تو فهمیده‌ای غیرقابل‌انکار است لذا اگر می‌توانی خودت کاری کنی انجام بده در جواب گفتم اگر انجام دهیم مردم از سیل می‌میرند او گفت اگر مردم کمی از سیل ضربه بخورند بهتر است از اینکه از خشک‌سالی آن مصیبت عظیم به آن‌ها برسد بعد از جریان سیل ۹۷ الی ۹۸ این متن پیامک را برای او ارسال نمودم: **سلام برادر. یادتون هست فرمودید مسئولین این حرف‌ها را قبول ندارند اگر خودتان می‌توانید کاری کنید انجام دهید، نهایتاً مقداری از سیل ضربه می‌خوریم ولی بهتر از خشک‌سالی است. ارزش داشت به خاطر جهل و تکبر مسئولین مردم این‌همه ضربه ببینند؟ این‌یک چشمه بود و هنوز انفطار انجام‌نشده. این‌یک هشدار است ارادتمند شما بهرامی** - اتمام پیامک - جریان سیل مطالب دیگری را نیز برای بنده به همراه داشت زیرا بعضی می‌گفتند در فروردین ۹۷ سیل را بنده پیش‌بینی کرده بودم درحالی‌که این مطلب کذب محض است بله بنده در فروردین ۹۷ برای مبارزه با مهدویت دروغین متنی را انتشار دادم که اعلام نمودم اگر قرار باشد سال ۹۷ یا ۹۸ ظهور باشد باید از تاریخ ۹۷/۱۰/۲۷ تا ۹۷/۱۲/۲۷ باران‌های عجیب ببارد و لذا کسانی که به تاریخ‌ها توجه کمی داشتند به بنده گفتند که تو باران‌ها را پیش‌بینی کرده‌ای و .... که بنده هم ادعای آنان را تکذیب نمودم و تبیین نمودم که باران‌ها در تاریخ‌هایی که گفته‌ام نبوده بلکه بعد از تاریخ‌های اعلام‌شده بوده است در ضمن اگرچه باران‌ها سیل‌آسا بود ولی در مقابل آنچه بعداً پیش می‌آید چشمه در مقابل اقیانوس بوده است. تاریخ این پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۶ - تاریخ پیامک: ۹۷/۱/۸)

**

قطره ۱۹- برای برطرف کردن خشک‌سالی اگر بسیج ملی نباشد شکست می‌خوریم ۹۶,۷,۲۲

آنچه در رفع خشک‌سالی به‌وسیله پر نمودن خانه جنیان وجود دارد این است که در این جریان حقیقتاً ایران وارد یک جنگ می‌شود، که نتیجه آن آبادانی است، پس راهی جز این نیست که نیروی نظامی و اجرایی و بلکه تمامی آحاد ملت دست‌به‌دست هم داده تا پیروز شویم، همان‌گونه که در متن طرح اول آمده است اگر همه متحد نباشیم و هر کس بنا بر توان خود این اقدام را ننماید این جریان محکوم به شکست خواهد بود، ما به یک اتحاد و انسجام ملی و ارتباط مستحکم بین تمام قوا و آحاد ملت نیازمندیم لذا باید قبل از اقدام، تمامیِ ملت آگاه و آماده شوند.

**(تذکر: منظور از متن اول در این بند قطره ۱۰۰۱ می‌باشد که شهود بنده از شهرهای اجنه می‌باشد. تاریخ این پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۶) **

قطره ۲۰- برای برطرف شدن خشک‌سالی یک بسیج ملی لازم است و الا هیچ‌گاه نمی‌توان آن را برطرف نمود، یک جنگ در راه است ۹۶/۷/۲۳

آنچه معلوم است، اینکه نه بنده و نه حتی وزارتخانه و بلکه حتی دولت و نه هیچ ارگان و سازمان دیگری به‌تنهایی نمی‌تواند در این جنگ (پر کردن نُه شهر جنی زیرزمین ایران) پیروز شود، همه باید دست‌به‌دست هم دهند، قبل از آن باید آحاد ملت آماده شوند، نیروهای عمل‌کننده باید در بهترین وضعیت باشند، باید در یک‌زمان در سراسر کشور عمل گردد، تأخیر قسمتی از نیروهای عمل‌کننده باعث به‌زحمت افتادن سایر قوا می‌گردد و چه‌بسا موجب شکست گردد، این عملیات با برنامه‌ریزی و هماهنگی پیروزی بسیار بزرگ است که تحولات داخلی و خارجی بسیار را به دنبال دارد و قبلاً اعلام نموده‌ام ایران ما را واردِ طیّ الزمان حکومتی می‌کند اما در صورت کارشکنی افراد یا گروهی منجر به شکست می‌گردد، و باید تمام فرمول‌های جنگ در اینجا پیاده گردد؛ اتحاد تمامی آحاد، فرماندهی واحد، سرعت، تلاش شبانه‌روزی، توکل، صبر، نوآوری در مشکلاتِ غیرقابل‌پیش‌بینی و البته از همه مهم‌تر شناخت افراد نفوذی کارشکن که صفوف را سست می‌کنند و ما را نسبت به این جنگ دلسرد می‌نمایند و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی

(بعد از انفطار السماء در ایران برای شکست نظام‌های سلطه ادعای جهانی خود را در مورد خشک‌سالی جهانی اعلام می‌داریم و اعلام مکنیم هر کشوری که می‌خواهد از خشک‌سالی نجات یابد دست در دست ما دهد ما هم کمک می‌کنیم تا سریعاً از خشک‌سالی نجات یابد و در اینجا استکبار همانند شیر بی‌دندان و چنگ و یال و ... می‌شود و تکه تکه می‌شود و در اینجا تمامی کشورها به ما می‌پیوندند و اتفاق مصر در زمان حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیهم اسلام در سطح جهانی تکرار می‌شود ۹۸/۱۰/۱۶)

قطره ۲۱- مسئول پر کردن شهرهای جنیان دولت می‌باشد ۹۶/۷/۲۳

آنچه معلوم است این است که این جریان اگرچه یک جنگ است ولی مسئولیت اصلی آن به عهده نیروهای نظامی نمی‌باشد، چراکه فِعل آن یک فِعل عُمرانی می‌باشد لذا مسئولیت آن به عهده قوه اجرایی به ریاست آقای دکتر روحانی می‌باشد زیرا تمام فعل خلاصه در این می‌شود که ما زمین را بکنیم و به دروازه‌های جنیان برسیم و آنگاه به‌سرعت به درون خانه آنان آب بریزیم و این فعل خارج از محدوده نظامی کشور است و با بمب و تفنگ سروکار نداریم لذا مسئولیت و برنامه‌ریزی به عهده رئیس قوه مجریه می‌باشد، البته باز تأکید می‌کنم بدون کمک تمامی شئون حکومتی و ملی پیروزی امکان ندارد ولی مجری اصلی قوه مجریه می‌باشند لذا روی اصلی صحبت ما با جناب آقای دکتر روحانی می‌باشد و این طرح برای ایشان یا هر رئیس‌جمهور دیگر است.

قطره ۲۲- پر کردن شهرهای جنیان و اکوسیستم، محکم بودن شهرهای جنیان ۹۶/۷/۲۳

تأکید می‌کنم همان‌گونه که در گزارشی که از آن نُه شهر داشته‌ام آمده آن شهرها آن‌قدر محکم است که اگر آب دریای خلیج‌فارس و عمان و هر آب دیگری در آن بریزیم آب از شهرهای

آنان به اطراف زمین جاری نمی‌شود، لذا حتی اگر آب‌شور را هم داخل آن شهرها بریزیم آب به بقیه زمین‌ها جاری نمی‌شود و اِکوسیستم را به هم نمی‌زند، لذا می‌توانیم آب را شیرین نکرده به شهرهای آنان بریزیم و یا آب را از ابتدا شیرین کنیم و به خانه‌های آنان بریزیم، بزرگواران زمین‌شناس و کویر شناس هیچ نگرانی از بابت تغییر اکوسیستم نداشته باشند، آب از شهرهای آنان به اطراف انتقال پیدا نمی‌کند، بله اگر آب را در خانه‌های آنان جاری کردیم آنان از ایران کوچ می‌کنند و مفاسدشان از بین می‌رود و روند خشک‌سالی کُند می‌شود، و در زیر ایران‌زمین آب جاری می‌شود، ولی اگر از آن آب خواستیم استفاده کنیم آن آب زمین را شور می‌کند و دیگر این مفسده از کم‌کاری خود ما می‌باشد، لذا توصیه بنده این است که در ابتدا درست تصمیم‌گیری نماییم، تصمیم‌گیری درست این است که از ابتدا وسایل شیرین سازی آب از دریای عمان را فراهم آوریم تا بعد از بیرون نمودن جنیان از ایران دائماً از آب دریای عمان برای ریختن در خانه‌های جنیان استفاده نماییم، چرا فقط آب دریای عمان خوب است؟ در آینده بیان خواهد شد.

**(تذکر: در اجرای طرح انفطار السماء شرایط و تقارنات نجومی شرط است و تنها در یک‌زمان در سال می‌توان آن را عملی نمود، لذا اگر زمان انفطار السماء در سال بگذرد دیگر نمی‌توانیم از آسمان آب را بیاوریم و تنها می‌توان از آب دریا استفاده نمود و الا باید یک سال صبر نمود تا زمان انفطار السماء فرا برسد و با توجه به تاریخ متن نوشته‌شده معلوم می‌گردد متن را درزمانی نوشته‌ایم که دیگر امکان انفطار السماء تا یک سال وجود ندارد و تنها می‌توان با آب دریا شهرهای جنیان را پر نمود. تاریخ این پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۶) [۱]

---

۱ یک جریان جالب برای بنده پیش آمد و آن اینکه یکی از مقامات بنده را خواست و در چندین جلسه صحبتهای مفصلی در رابطه با آب و خشکسالی و راههای برطرف نمودن آن داشتیم و صحبتهای بنده را کامل شنیدند، مطالبی مانند آینده ایران و طرحهای انفطار السماء و نه شهر جنی و موضوعات دیگر، در یکی از جلسات گفت من پیش یک جن‌گیر مطمئن رفتم و از تو و ادعای نه شهر سؤال نمودم، جالب است که جنی را احضار کرده و آن جن تو را تأیید کرد ولی گفته بود از شهرهایی که او می‌گوید خبری ندارم، به او گفتم اگر جن مؤمن باشد مطمئناً خبر ندارد و اگر کافر باشد جدا از اینکه بعضاً

قطره ۲۳- علل موجود در این عالم دو نوع می‌باشد ۹۶/۷/۲۳

علل محسوس و علل غیر محسوس، علل محسوس مانند آتش، علل غیر محسوس مانند ملائکه، اجنه، شیطان، کلمات، حروف اشکال، ارواح و غیر آن، در یک تقسیم‌بندی دیگر علل یا نورانی است و یا ظلمانی که شامل هرکدام از ارواح و حروف و اشکال و اجنه و غیره می‌باشد، در یک تقسیم‌بندی دیگر علل یا مادی است و یا غیرمادی که اجنه جزء علل مادی می‌باشد، البته در اینکه ملائکه و ارواح جزء علل مادی است و یا غیرمادی در اسلام دو نظریه می‌باشد بعضی مجرد را فقط خداوند متعال می‌دانند و غیر خداوند را تماماً مادی می‌دانند، یادم هست در یک از آثار علامه مجلسی می‌خواندم که ایشان تنها خداوند را مجرد محض می‌دانست و غیر خدا را مادی می‌دانست و البته استناد هم می‌فرمودند اما گروه دیگری قائل هستند مجردات انواع بسیار دارند که می‌توان به عقل و نفس اشاره کرد به عقیده بنده نفس و عقل مجرد است و حدیث که می‌فرماید **من عرف نفسه فقد عرف ربه**[1] شاید اشاره به این داشته باشد که نفس نیز مجرد است البته برای این حدیث شریف بیش از ۹۰ معنی ذکر نموده‌اند، به‌هرحال علل در این عالم زیاد می‌باشد با انواع مختلف، یکی از علل موجود در عالم علل غیر محسوس می‌باشد و از طرق غیرمتداول می‌توان به آن علل پی برد ازجمله آن علل می‌توان به علت بودن اشکال و حروف و اوراد و اذکار و موجودات خارج از دید ما مانند ملائکه و اجنه و ارواح و موجودات دیگر نام برد،

دروغ میگویند او نمی‌آید اسرار شهرها را فاش کند که بنده دشمن آنان و در صدد اخراج آنان هستم، مفصل اینگونه جریانات در کتاب **اذا فرغت** می‌آید، این جریان سال ۹۶ اتفاق افتاد ولی سال ۹۹ دوباره زنگ زد و گفت تعدادی از اموری که گفته‌ام درست درآمده و در رابطه با سایر جریانات پیش رو سوالاتی کرد، مخصوصاً از نوروز ۹۹ که رهبر انقلاب هم در مورد نقش جن در دشمنی با انقلاب صحبت کرده دوستان سوالها و مطالب بیشتری دارند تاریخ این پاراگراف: ۹۹/۲/۶

[1] مصباح الشریعة، ص: ۱۴

تفاوت پیروی از انبیاء و پیروی از مادی‌گرایی در این است که جهان‌بینی فرد کامل شده و نسبت به محیط خود آگاه می‌گردد، لذا ما نباید از این مسئله خوف داشته باشیم که غربی‌ها و غرب‌زده‌ها ما مسخره می‌کنند و یا خیر، اگر قرار باشد ما کلامی بگوییم که آنان خوششان بیاید باید تمام دینمان را کنار بگذاریم و آن‌ها را قبول کنیم، بیشتر دین ما از علل غیر محسوس صحبت می‌کند مانند ارواح و ملائکه و اجنه و شیاطین و حتی خداوند متعال البته برای علل تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز می‌توان در نظر گرفت.

*(قول می‌دهم بعد از جدی شدن انفطار و نه شهر جنی شروع پایان مادی‌گرایی رقم خورد، **فانتظروا انی معکم من المنتظرین** ۹۸/۱۱/۲۴)*

قطره ۲۴- موجودات عالم در یک نگاه ۹۶/۷/۲۳

موجودات عالم ازنظر دسته‌ای از پیروان اهل‌بیت ع: موجودات عالم **یا وجود از خودشان است ۱ و** یا اینکه از موجود دیگری وجود را گرفته‌اند این دسته یا **تمامی کمالات را دارند ۲** یا خیر، این دسته یا شکل **ندارند ۳** یا دارند، این دسته یا **وزن ندارند ۴** یا دارند، این دسته یا **محسوس انسان‌ها نیستند ۵** یا هستند، این دسته یا **رشد نمی‌کنند ۶** یا رشد می‌کنند، این دسته یا **حرکت ارادی ندارند ۷** یا دارند، این دسته یا **عقل ندارند ۸** و یا دارند، این دسته **یا این تقسیم را اجمالاً قبول ندارند ۹ یا دارند ۱۰**

دسته اول تنها خداوند است که موجود ازلی بالذات است

دسته دوم اهل‌بیت هستند که تمامی کمالات را دارا هستند و مهم‌ترین کمال آنان واسطه بودن آن‌ها برای تمامی موجودات دیگر است که به یدالله تعبیر شده‌اند، آنان علیهم‌السلام ازلی بالغیر هستند

دسته سوم که شکل ندارند و مجرد هستند ملائکه نام دارند

دسته چهارم که وزن ندارد ولی شکل دارند ارواح نام دارند

دسته پنجم به بعد کل عالم ماده است که همه موجودات مادی وزن دارند ازاینجا عالم ماده شروع می‌شود با انواع بی‌شمار آن از خصوصیات عالم ماده و موجود مادی این است که وزن دارد

دسته پنجم موجودات مادی غیر محسوس هستند مانند جن

دسته ششم موجودات مادی که محسوس ولی رشد نمی‌کنند مانند معدنیات و جمادات

دسته هفتم موجودات مادی که رشد می‌کنند و حرکت ارادی ندارند مانند گیاهان

دسته هشتم موجودات مادی محسوس که عقل ندارند مانند: حیوانات غیر از انسان

دسته نهم موجودات مادی که محسوس هستند و حرکت ارادی دارد و عقل دارد و این تقسیم را قبول ندارد که غیر مؤمنین هستند

دسته دهم موجودات مادی که محسوس هستند و حرکت ارادی دارند و عقل دارند و این تقسیم را اجمالاً قبول دارند که مؤمنین هستند. چند نکته: **الف:** این تقسیم مورد قبول همه شیعیان نیست مثلاً بعضی ارواح را مادی می‌دانند و یا اینکه همه کمالات را برای اهل‌بیت ع قائل نیستند **ب:** این تقسیم‌بندی و جهان‌بینی ما را در بسیاری از امور من‌جمله خشک‌سالی هدایت می‌کند مثلاً انسانی که موجودات غیرمادی را قبول ندارد هیچ‌گاه تأثیر مثبت و یا منفی آن‌ها را نیز قبول نخواهد داشت پس برای کمک و یا رفع آن علل نیز کاری نمی‌کند. **ج:** این تقسیم در عین اینکه کوتاه می‌باشد بسیار مهم است زیرا تمامی عالم در این متن جای داده‌شده لذا ما برای رعایت اختصار در کوتاه‌ترین متن مطالب را بیان نموده‌ایم - ما در اینجا اختصار را رعایت نموده‌ایم.

قطره ۲۵- جن چیست؟ ۹۶/۷/۲۳

جن در لغت به معنای پوشیده است، لذا به بچه درون رحم جَنین گویند زیرا در شکم مادر پوشیده است، به کسی که مشکل روانی دارد مَجنون گویند زیرا عقل او پوشیده شده و نمی‌تواند از آن استفاده کند، به باغ‌های بهشت جنّه گویند زیرا با درختان پوشیده شده است، البته لفظ جن برایِ موجودِ مادیِ غیرقابل‌دیدن در حالت عادی نیز معروف شده که قابلیت‌های بسیار عجیبی دارد مثلاً می‌تواند پرواز کند و یا درون زمین فرورود و می‌تواند حرکت‌های سریع انجام دهد و ... بحث جن ازاین‌جهت مطرح می‌گردد که در طرح شماره یک اسماء اللهی برای رفع خشک‌سالی

که بنده اعلام نموده‌ام باید نُه شهر جنّی در زیرزمین ایران را پُر آب نماییم تا جنیان کوچ کرده و آب زیرزمین ایران جاری شود.

تذکر: منظور از طرح شماره یک اسماء اللهی همان قطره ۱۰۰۱ کتاب می‌باشد. تاریخ این پاراگراف: ۹۸/۱۰/۱۶

قطره ۲۶- طی الزمان حکومتی چیست؟ ۹۶/۷/۲۳

در قطره بیست ذکر کردیم ایران به‌واسطه آب‌رسانی قوی وارد طیّ الزمان حکومتی می‌گردد، این اصطلاح در مقابل طی الارض وجود دارد، طی الارض یعنی پیمودن فاصله مکانی در مدت کمی که زمان آن بستگی به قدرتی که طی الارض انجام می‌گردد تفاوت دارد، گاهی طیّ الارض به‌واسطه اَجنه انجام می‌گردد که اگرچه که زمان بسیار کم می‌گردد ولی بازهم زمان لازم دارد، نوع دیگر طیّ الارض به‌واسطه اراده فرد است که این مدت به اقل ممکن می‌رساند مانند فعلی که جناب آصف ابن برخیا وزیر جناب سلیمان انجام شد و تخت بلقیس را در سرعت بالاتر از نور جابجا نمود، او اراده کرد و بدون لفظ و ذکری تخت جابجا شد، این‌قدرت علم به اسماء الله است که تأثیر خارجی و عینی آن چیزی است که ذکر شد، البته هر چه علم به اسماء الله بیشتر باشد افعال عجیب‌تر می‌گردد و میدانیم که جناب آصف ذره‌ای علم از کتاب را دارا بود[۳]، در طی الزمان شخص به گذشته یا آینده سفر می‌کند و همه میدانیم که گذشته موجود است که حتی در فیزیک جدید نیز آلبرت اَنیشتن بحث سفر در زمان را مطرح می‌کند ولی سفر به آینده نیز طبق مبانی ما موجود است چراکه لوح محفوظ موجود است و جناب حضرت ختمی صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمودند بهشت و جهنم و اهل آن را مشاهده نمودند که خود بحث مجزایی دارد، اما آنچه ما اراده کرده‌ایم چیزی غیر از همه این‌ها می‌باشد، منظور ما از طی الزمان حکومتی فعلِ زیر بنایی است که به‌واسطه آن سلسله‌ای از تحولات لزوماً اتفاق می‌افتد که درمجموع موجب تغییرهای اساسی در شئون حکومت و رسیدن به اهداف می‌گردد که آن تحولات از اقتصاد شروع‌شده تا اقتدار داخلی و خارجی و سیاسی و فرهنگی و ... تمامی این تحولات از آب شروع می‌شود به عقیده بنده

اگر تمام سلسله انجام گردد [۱] ایران در مدت کوتاهی ۴۰۰ سال طی الزمان حکومتی می‌کند و این همان گردنه و پیچ تاریخی می‌باشد، در حقیقت ما مسیر را پیداکرده و از تیه نجات پیدا می‌کنیم.

۲۷- تیه چیست؟ ۹۶/۷/۲۳

ما دریکی از نامه‌ها به تیه اشاره نموده و گفته‌ام ما در تیه هستیم و زمان بیرون رفت از تیه رسیده است، تیه سرگردانی بنی‌اسرائیل در صحرا بود که چهل سال در آنجا سرگردان بودند و بعد از ۴۰ سال از آن صحرا و سرگردانی نجات پیدا نمودند، انقلاب ما در حقیقت برای نجات مستضعفین بود، انقلاب برای رفع اختلاف طبقاتی، برای تقسیم عادلانه منابع و فرصت‌ها، برای عمل به قانون اساسی و برپایی عدالت اجتماعی در حد توان بود، ما به بسیاری از این امور تاکنون دست نیافته‌ایم هنوز دولت اسلامی تشکیل نشده، هنوز جامعه اسلامی تشکیل نشده است و هنوز قدم‌های اساسی برای تحقق تمدن اسلامی برنداشته‌ایم، البته کم فعالیت نشده و زحمات بسیاری کشیده شده است ولی اشکال در کجاست؟ چرا باوجوداینکه ۱۰% از منابع زمین را در دست داریم و از جمعیت این کره خاکی ۱% را داریم ولی نمی‌توانیم حتی مانند کشورهای غربی از این منابع استفاده کرده و عدالت اجتماعی را در حد توان اجرا نماییم؟ به‌غیراز بحث مدیریت کلان آنچه به‌صورت عملی باید به آن پرداخت اولین شرط پیشرفت است که در دست نداریم و آن آب است، اگر آب بیاید زیرساخت‌های موجود مانند زمین و خاک و خورشید قابل بهره‌برداری شده و ما به آنچه انقلاب برای آن انجام شد. نزدیک می‌شویم و از این صحرای خشک که در حقیقت مانند تیه است نجات پیدا می‌کنیم، تا زمانی که آب نیاید نه اقتصاد مقاومتی عملیاتی می‌شود و نه کار و اشتغال تحقق پیدا می‌کند و نه رضایت اجتماعی حاصل می‌شود ما در ابتدا باید به فکر آب باشیم که آب یک‌چیز نیست، آب همه‌چیز است.

---

۱ طرح ۱ و دو غیر عادی بعلاوه تکمیلی

قطره ۲۸- دلیل توضیح واژه‌ها چیست؟

دلیل اینکه ما اقدام به توضیح تک تک الفاظ و مباحث خود نموده‌ایم این است که ما در دو نامه اصلی خود مبحث انتقال آب از طریق غیرعادی را بیان کرده‌ایم که یکی انفطار السماء و دیگری پر کردن نُه شهر جنی که در زیرزمین ایران موجود است و افراد بسیاری ما را انکار کردند، ولی اگر اعتماد می‌کردند این‌همه نوشتن و توضیح لازم نبود که بیاییم تمامی مقدمات فراهم آوردن آن علوم را توضیح دهیم و لکن زمانی که بی‌دلیل انکار شدیم چاره‌ای نداریم جز اینکه تمام آن دوبرگه را توضیح دهیم لذا ما راهی نداریم جز اینکه در این کتاب مبحث علم حروف و اسماء الله و علل مادی و غیرمادی و مبحث جن و بعضی از ادعاهایی را که نموده‌ایم را توضیح دهیم مثلاً تأثیر ادعیه در امور مختلف، ظرفیت‌های منابع ایران و ...

قطره ۲۹ سؤال‌های اساسی از مسئولین در مورد آب تاریخ ۹۶/۲/۱۵

۱) دکتر عیسی کلانتری (مشاور معاون اول رئیس‌جمهور آقای جهانگیری): ۱) ایران با بهره‌برداری از ۹۷% آب‌های سطحی خود عملاً رودخانه‌های خود را خشک کرده است و دیگر آبی در طبیعت باقی نمانده است.۲) اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰% ایرانیان یعنی جمعیت معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند. بهرامی: ای مسئولین محترم! باید به کجا مهاجرت کنیم؟ به سمت وهابیت؟ به سمت داعش؟ به سمت ترکیه؟ برای نجات ۵۰ میلیون ایرانی چه‌کار کرده‌اید؟

۲) ای مسئولین محترم! چرا جمعیت روستانشینان از ۶۸% مردم ایران به ۲۹% رسیده است؟ مضافاً بر اینکه این ۲۹% افراد پیر و فرتوت هستند و فقط نصف آن‌ها کشاورزی می‌کنند. روستاییانِ کشاورز اکنون کجا هستند و چه می‌کنند؟ آیا آب خلیج‌فارس، روستاییان را به وطن خود برنمی‌گرداند؟

۳) ای مسئولین محترم! چرا گاز را از تَهِ دریا به ترکیه صادر می‌کنید ولی آب خلیج‌فارس را به روستاها و باغ‌ها نمی‌رسانید؟ باغ‌های ما آتش‌گرفته واردکننده میوه شده‌ایم.

۴) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید که گرمای زمین و خشک‌سالی، ارتباط مستقیم با زلزله دارد؟ با آب خلیج‌فارس می‌توان زمین را خنک نمود و عوامل مبارزه با زلزله را تقویت نمود که باعث کاهش زلزله می‌شود.

۵) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید ۳۳ هزار روستا از ۶۴ هزار روستای ایران خالی از سَکنه شده است؟ این روستانشینان کجا رفته‌اند؟ آیا گرانیِ مسکن در شهرها، به علت خالی شدن روستاها نیست؟ آیا آب خلیج‌فارس نمی‌تواند روستانشینان را به روستا برگرداند؟

۶) ای مسئولین محترم! آیا اگر آب بود روستاها خالی می‌شد؟ آیا اگر آب بود واردکننده‌یِ محصولاتِ کشاورزی بودیم؟ آیا اگر آب بود، در مملکت بیکار داشتیم؟ چرا آب خلیج‌فارس را به ایران انتقال نمی‌دهید تا بیکاری تمام شود؟

۷) ای مسئولین محترم! تا چه زمان باید با آبی که برای نوشیدن است به حمام برویم؟ چرا آب را دو مصرفِ نمی‌کنید یکی برای آشامیدن و دیگری برای شستشو ... آیا هزینه شیرین کردن آب پایین است که دومنظوره نمی‌کنید؟

۸) ای مسئولین محترم! آب نیست پس علوفه نیست؛ پس دام‌های ما کم شده؛ پس قیمت لبنیات (شیر، ماست و..) و قیمت گوشت بالا رفته، اگر آب خلیج‌فارس را نیاورید روزبه‌روز همه‌چیز گران می‌شوند.

۹) ای مسئولین محترم! آیا خشک شدن زاینده‌رود و دریاچه ارومیه و خشک شدن چاه‌های عمیقِ سیصد متری، هشداری برای قحطی و گرانی نیست؟

۱۰) ای مسئولین محترم! اگر از همین امروز به فکر آب نباشیم، باید در فردایی نزدیک به کشورهای همسایه پناه ببریم. همسایگان ما نیز در خشک‌سالی هستند؟ آیا عربستان و ترکیه به ایرانیان رحم می‌کنند؟

۱۱) ای مسئولین محترم! آیا ایران سریع‌ترین کشوری نیست که روستاهایش خالی‌شده؟ آیا خالی شدن روستاها، ویرانگری اقتصاد ایران را به همراه ندارد؟ آیا با آب خلیج‌فارس نمی‌توان روستاییان را به شغل اصلی خود برگرداند؟

۱۲) ای مسئولین محترم! مشکل خشک‌سالی به‌اندازه‌ای است که با ریزش باران‌های معمولی هم جبران نمی‌شود، چراکه زمین فرونشست کرده [۱] لذا باران می‌آید ولی داخل زمین نشده و سُفره‌های آب زیرزمینی را پر نمی‌کند، حتی سیل هم جاری می‌شود ولی بازهم سفره‌های زیرزمینی و چاه‌ها پر نمی‌شود، چراکه آب داخل زمین نمی‌شود و دوباره بخار شده و به آسمان می‌رود.

۱۳) ای مسئولین محترم! اجناس کشاورزی و دامداری، مانند گوشت و نان و... گران شده؛ چون آب نیست. برای ارزان کردن اجناس چه کرده‌اید؟

۱۴) ای مسئولین محترم! "WORLD WATER WARS" جنگ جهانی سوم، جنگ بر سر آب است. برای جنگ جهانی سوم، چه اقداماتی کرده‌اید؟ روستاهای ما که غذای ما را تولید می‌کنند، خشک‌شده است.

۱۵) ای مسئولین محترم! آیا ریشه تمامی مشکلات اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و... از خشک‌سالی نیست؟ خشک‌سالی است، پس کار نیست، پس طلاق هست پس درآمد نیست، پس ازدواج سخت شده، پس سن ازدواج بالا رفته، پس نمی‌توانیم شهرهای جدید بسازیم.

۱۶) ای مسئولین محترم! ابتدای قرن ۱۴ جنگ جهانی اول و دوم روی داد و ۴۰% ایرانیان به‌واسطه قحطی مردند. جنگ جهانی سوم که جنگ آب است، شروع‌شده. چند میلیون ایرانی در این جنگ کشته می‌شوند؟ برای مقابله با خشک‌سالی چه کرده‌اید؟

۱۷) ای مسئولین محترم! ابتدای قرن ۱۴ جنگ جهانی اول و دوم روی داد و ۴۰% ایرانیان به‌واسطه قحطی مردند. جنگ جهانی سوم که جنگ آب است، شروع‌شده چند میلیون ایرانی در این جنگ کشته می‌شوند؟ برای مقابله با خشک‌سالی چه کرده‌اید؟

۱۸) ای مسئولین محترم! چرا کفش چینی ارزان‌تر از کفش ایرانی است؟ آیا قیمت بالای "چرمِ گاو" نیست که کفش ایرانی را گران‌تر کرده است؟ آیا نبود علوفه نیست که قیمت چرم را گران کرده است؟ آیا نبود آب نیست که علوفه گران شده است؟ آیا اگر آب خلیج‌فارس بیاید قیمت تولیدات داخلی من‌جمله کفش، ارزان نمی‌شود؟

---

[۱] (انباشته شدن خاک که مانند سنگ می‌شود و آب در آن نفوذ نمی‌کند)

۱۹) ای مسئولین محترم! چگونه شیوخِ حاشیه خلیج‌فارس، از آب خلیج‌فارس برای شُرب و ساخت زمین گُلف، استفاده می‌کنند؛ ولی ما نمی‌توانیم از آب خلیج‌فارس برای کشاورزی استفاده کنیم؟

۲۰) ای مسئولین محترم! چرا می‌توانید نفت را از خلیج‌فارس تا ده کیلومتری تهران برای پالایش انتقال دهید! اما نمی‌توانید آب را انتقال دهید و شیرین کنید؟

۲۱) ای مسئولین محترم! آیا ایرانیان نبودند که کانال سوئز را طراحی کرده و دریای مدیترانه را به دریای سرخ وصل نمودند[۴]؟ آیا ما نمی‌توانیم آب خلیج‌فارس را به زمین‌ها و باغ‌های عطشان ایران برسانیم تا ایران آباد شود؟

۲۲) (نسل‌کشی ایرانیان به‌وسیله خشک‌سالی در چند سال آینده) دکتر عیسی کلانتری (مشاور آقای جهانگیری): ۱) ۵۰ میلیون ایرانی به خاطر خشک‌سالی باید مهاجرت کنند. ۲) بحرانی‌ترین وضع خشک‌سالی در ایران است. مسئولین محترم! برای خشک‌سالی چه کرده‌اید؟ وقتی خشک‌سالی بیاید باید به کجا مهاجرت کنیم؟ عربستان؟ ترکیه؟ ازبکستان؟ آن‌ها با ما چه می‌کنند؟

۲۳) ای یـک قــرن خشک‌سالی ایران. بهرامی: مگر مشکل اصلی کشور ما خشک‌سالی و کم‌آبی نبوده است؟ ای مسئولین محترم! چرا برای رفع خشک‌سالی، انتقال آب خلیج‌فارس را به‌صورت جدی پیگیری نکرده‌اید؟

۲۴) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید با انتقال آب خلیج‌فارس به ایران، می‌توان از ابتدا زمینه شاغل شدن همه مردم را فراهم آورد و حداقل حتی بدون شیرین کردن آب، همه بیکاران را وارد صنعت تولید ماهیِ دریایی کرد؟ زمین که داریم، آب دریا هم که داریم، استخرهای پرورش ماهی دریایی در کل کشور، ما را به بزرگ‌ترین قطب تولید ماهی دریایی تبدیل می‌کند.

۲۵) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید ارزش آب از نفت بیشتر است؟ ایران ۴۰ برابر هلند است و جمعیت ایران تقریباً ۵/۴ برابر هلند است، ولی اقتصاد هلند بااینکه نفت هم ندارد، بسیار جلوتر از ایران است. هلند:

۱) بزرگ‌ترین تولیدکننده‌یِ لبنیات

۲) بزرگ‌ترین صادرکننده‌یِ مواد خوراکی

۳) دومین صادرکننده‌یِ کالای کشاورزی و گُل

۴) ششمین صادرکننده‌یِ بزرگ جهان
۵) ششمین سرمایه‌گذار در جهان.
چرا حداقل وضعیت ما مانند هلند نیست درحالی‌که باید شرایط ما بهتر باشد. آیا مردم اشکال‌دارند و یا...؟ جواب: ۲۰% مساحت هلند آب است و کمتر از یک درصد ۰/۷% مساحت ایران آب است!! بَهرامی: با انتقال آب خلیج‌فارس به ایران، ما به بزرگ‌ترین قطبِ اقتصادی جهان تبدیل‌شده، و تمام ابرقدرت‌های اقتصادی را به‌زانو درمی‌آوریم.
۲۶) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید ۶۰% سدهای تولید برق ما به خاطر بی‌آبی ازکارافتاده و لذا قیمت برق بالا رفته؟ آیا نمی‌توانیم با انتقال آب خلیج‌فارس، تمامی سدهای ازکارافتاده را بازسازی کنیم و قیمت برق را پایین بیاوریم؟ که نتیجه آن، پایین آمدن قیمت تمام‌شده تمام کالاهایی است که با برق، ارتباط دارد.
۲۷) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید با انتقال آب خلیج‌فارس، می‌توانیم بسیاری از صنایعی را که با آب سروکار دارند را تحت پوشش قرار دهیم و هزینه آن‌ها را کم کنیم که بسیاری از آن‌ها مانند تولید لوله‌یِ اسپیرال، ورشکسته و تعطیل شده‌اند. آیا نمی‌دانید آن‌ها هم‌اکنون از آب شُرب، برای صنعت استفاده می‌کنند که هزینه را بالا می‌برد؟
۲۸) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید با انتقال آب خلیج‌فارس، می‌توانیم در هر شهری، دریاچه مصنوعی به وجود بیاوریم؟ این دریاچه‌های مصنوعی، موجب تغییر آب‌وهوا از گرم و خشک به مرطوب و متعادل خواهد شد و تغییر آب‌وهوا منجر به رفع بیماری‌های تنفسی می‌شود و علاوه بر آن مکانی تفریحی محسوب می‌شود که موجب نشاط در جامعه است.
۲۹) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید با انتقال آب خلیج‌فارس به کشور می‌توانیم از آن آب در صنعت استفاده کنیم و قیمت تمام‌شده محصولات صنعتی را کم کنیم؟ چراکه آب ارزان به صنایع رسانده‌ایم. مگر نمی‌دانید به ازای هر تن فولاد، ۱۰ مترمکعب آب مصرف می‌شود[۵]؟ آیا نمی‌دانید برای تولید هر دستگاه خودرو، ۸۰۰۰۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود؟
۳۰) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید با انتقال آب خلیج‌فارس می‌توانیم بیابان‌ها را آباد کنیم و ایران را صاحب مراتع بسیاری گردانیم وارد صنعت پرورش دام (گوسفند، گاو، شتر و...) شویم؟ می‌توانیم قیمت گوشت و لبنیات را پائین بیاوریم و قطب بزرگ تولید گوشت حلال در دنیا شویم.
۳۱) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید با انتقال آب خلیج‌فارس می‌توانیم وارد رویه بیابان‌زدایی شده و با ایجاد جنگل‌های جدید، با ریزگردها مبارزه اساسی کنیم و از طرفی محیط‌زیست را احیاء کنیم و از انقراض گونه‌های کم یاب و نایاب حیوانات، جلوگیری کنیم؟

۳۲) ای مسئولین محترم! آیا نمی‌دانید: سبب گران شدن خرید و اجاره مسکن هجوم مردم از روستا به شهر است؟ روستاییان به علت خشک‌سالی، روستای خود را به‌اجبار، رها کرده و به شهر مهاجرت نموده‌اند. آیا نمی‌دانید: با آوردن آب خلیج‌فارس به روستاها، روستاییان به روستاهای خود بازمی‌گردند و قیمت مسکن در شهر پایین می‌آید و حتی ترافیک و آلودگی هوا و مشکلات متعدد کلان‌شهرها را می‌توان از بین برد؟

قطره ۳۰- تأثیر زمان و نجوم بر امور مادی ۹۶/۷/۲۳

امروز شاید کمتر کسی را بتوان یافت که بر تأثیر اجسام بر یکدیگر قائل نباشد، در بحث حجامت نیز مطرح است که بهترین زمان حجامت بین ۱۲ تا ۱۵ ماه قمری است که ماه کامل می‌شود، در بحث مجامعت نیز در روایات وارد است که این زمان خوب و این زمان چنین است که مطلب واضح است و احتیاج به توضیح ندارد، علم نجوم نیز درگذشته متداول بوده است که خود شعب مختلف دارد بعضی برای به دست آوردن آینده وقایع از ان استفاده می‌کردند و بعضی برای امور دیگر، در روایت هم داریم در ذیل آیه شریفه **فنظر نظرة فی النجوم فقال إنی سقیم** [۱] داریم که حضرت ابراهیم علی نبینا و اله و علیهم‌السلام به نجوم نظر انداخت و از اموری که در آینده برای امام حسین علیه‌السلام اتفاق می‌افتاد آگاه گشت و به‌واسطه آن بیمار گشت، در جای دیگری در قرآن هدایت به‌واسطه نجوم را این‌گونه مطرح می‌فرماید: **وَبِالنَّجْمِ هُمْ یهْتَدُونَ** [۲] و این هدایت اگرچه فهمیدن شمال و جنوب است اما محدود نمودن در این امور جفای در حق قرآن است گذشته از اینکه در تاریخ و چه‌بسا هم‌اکنون نیز از حالات کواکب و اجرام آسمانی بسیاری از امور خفی را کشف می‌نمایند، تأثیر کواکب و نجوم بر امور دیگر و فهمیدن امور پنهان از حالات نجوم غیرقابل‌انکار است، عالم طب اسلامی در تأثیر حالات نجومی کلام‌هایی عظیم دارد، روایات

---

[۱] سورهٔ صافات آیهٔ ۸۸

[۲] سورهٔ نحل آیهٔ ۱۶

در تأثیر زمان بر فرزند و افراد مطالب عظیمی را بیان نموده است، علمای فن نجوم در ساعات سَعد و نَحس نیز کلام‌ها دارند، دانشمندان هواشناسی غربی نیز این امور را مشاهده نموده‌اند که واضح‌ترین آن تأثیر ماه بر آب دریاست که جَزر و مد نام دارد و در این زمینه داستان‌های بسیاری وجود دارد که البته تمامی این امور نیز به اذن الله می‌باشد، منجمان از آمدن موسی خبر دادند، پدر بوعلی سینا از حالات نجومی و تأثیر مکان در فرزند خبر داشت و آن زمان و مکان را پیدا نمود و ... لذا بنده نیز آن زمان را اعلام نموده بودم و متعهد درست بودن آن نیز خود بودم، باز این مطلب را اعلام می‌کنم که بنده درزمینه نجوم اطلاعاتی ندارم ولی آنچه گفته بودم برای ایجاد چاله جوی درون آسمان ایران (شیب‌دار نمودن آسمان به سمت ایران و ایجاد چاله جوی درون آسمان ایران- انفطار السماء) و بازگشت فصول به گذشته و سرما و زیادشدن بارش‌ها و پر شدن لوله‌ها از بالا درست بوده است و متعهد آن نیز خود بوده‌ام حال چگونه بدون اینکه علمی را بلد باشم از آن سخن گفته‌ام بحثی دیگر دارد که در یک قطره به آن می‌پردازم.

قطره ۳۱- نجوم و کواکب در قرآن ۱ (۹۶/۷/۲۳)

در سال ۸۸ با اندیشه جدیدی برخورد نمودم که مرا مجبور نمود با مباحث فیزیک و نظریه پیدایش از منظر مادی‌گراها آشنایی پیدا نمایم و آن نظریه بیگ بَنگ و بیگ کرانچ و نظریه جهان ازلی (ثبوت کواکب) بود به‌ناچار برای رد آن نظریه حتی بنا بر عدم منافات باخدا مجبور به مطالعه مباحث شدم که موفق شدم بیش از ۵۰ اشکال عمده بر نظریه بیگ بنگ با مبانی خود آن‌ها تهیه نمایم ازآنجا به بعضی از مباحث نجوم هم‌دستیابی پیدا نمودم البته به حدی که تنها بتوانم جهان‌بینی خود را قوی گردانده و در مباحثه با آنان سرافراز گردم که بحمدالله یک مناظره با یکی از آن افراد استاد و معتقد به مبانی بیگ بنگ داشتم و او در مباحثه دوم که پیرامون نظریه تکامل بود حاضر نشد، اما بحث نجوم یکی از پر بحث‌ترین مباحث قرآنی است و حقیقتاً می‌توان گفت کسی که طب و نجوم را نمی‌داند بهره کمتری از علم توحید دارد، در دعا می‌فرماید: **يَا مَنْ فِي**

السّمَاءِ عَظَمَتُهُ [۱] عظمت خدا را از آسمان می‌توان کشف نمود؟ عالم محدود است یا نامحدود؟ فیزیک و علوم غربی در پاسخ به این سؤال ناتوان‌اند ولی علوم اسلامی جوابگو می‌باشد. آیا علم نجوم حرام است یا خیر؟ بحثی دیگر است که باید از فقها پرسید، اما فهم آیات نجوم در قرآن آیا بدون آگاهی از نجوم امکان دارد؟ اگر در قرآن ۵۰۰ آیه در مورد احکام وجود دارد که فقها سال‌ها بر سر این ۵۰۰ آیه بحث کرده و حرام و حلال را کشف می‌نمایند ما چقدر آیه و روایت در مورد نجوم داریم؟ چرا ۱% هم به بحث نجوم پرداخته نمی‌شود در مورد طب هم همین اشکال وارد است، چقدر آیه و روایت در مورد طب داریم ولی در هنگام مداوا به سراغ طبِ غربیِ وارداتیِ مخرب می‌رویم، ما باید سریعاً تمامی الگوها را اصلاح نماییم، اگر ما احکام را از قرآن و روایت به دست آورده و به غرب تکیه نمی‌کنیم و میگوییم خودمان فقه و احکام داریم در بقیه مسائل هم همین‌گونه است ولی متأسفانه مشکل اینجاست که حوزه علمیه تماماً فقه و اصول شده ما مجتهد در بقیه امور نداریم، باید کرسی‌های درس خارج طب، نجوم، فیزیک، شیمی، روانشناسی، فرق و ادیان و از همه مهم‌تر اعتقادات راه بیفتد، به‌جرئت میگویم غربی‌ها علوم ما را دزدیده‌اند و به اسم خودشان استفاده می‌کنند و ما بی‌بهره هستیم، چرا یک طلبه بعد از اتمام کفایه حتماً باید در خارج فقه و اصول شرکت کند؟ چرا خارج اعتقادات نداریم که منزلت اعتقادات نسبت به فقه مانند سر به بدن است و چرا و چرا ....

قطره ۳۲- نجوم و کواکب در قرآن ۲ ۹۶/۷/۲۳

درآیات و روایت بسیاری به بحث نجوم پرداخته‌شده است که هرکدام به‌منزله یک اصل کلی می‌باشد که باب وسیعی از علم را باز می‌کند، جالب است بدانیم بحث آب و خشک‌سالی که بنده مطرح می‌نمایم در ادامه یک بحث نجومی بسیار قوی است که در قرآن مطرح‌شده آیه از خلقت و

---

۱ البلد الأمین و الدرع الحصین، النص، ص: ۴۰۸

نجوم و آسمان صحبت می‌کند و بعدازآن به سراغ آب آمده است و می‌فرماید آیا ایمان نمی‌آورید؟ بنده در مناظره بیگ بنگ قسمت اول آیه را موردتوجه داده بودم و در بحث خشک‌سالی این قسمت آیه موردتوجه بنده قرارگرفته است آیه ۳۰ سوره انبیاء که می‌فرماید: **أَوَلَمْ يرَ الَّذِينَ كفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كلَّ شَيءٍ حَى أَفَلَا يؤْمِنُونَ** آیا کسانی که کافر شدند، ندیدند که آسمان‌ها و زمین بسته بودند و ما آن‌ها را شکافتیم؟ و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم، پس آیا ایمان نمی‌آورند؟ اینجا بحث رَتق و فَتق مطرح است که یکی از اساتید ۴۰ جلسه در این رابطه بحث نموده است، در آیه ۴۷ سوره ذاریات می‌فرماید: **وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ** ما آسمان را باقدرت بنا کردیم و گسترانند آن هستیم- آیا این بحث با مبحث انبساط آسمان ارتباط دارد یا نه؟ اشکالات وارد را چیست و چه جوابی باید داد؟ آیا آیه ۱۰۴ سوره انبیاء که می‌فرماید: **يوْمَ نَطْوِى السَّمَاءَ كطَى السِّجِلِّ لِلْكتُبِ كمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَينَا إِنَّا كنَّا فَاعِلِينَ** روزی که آسمان را چون طومار نوشته‌ها درهم می‌پیچیم، همان‌طور که آفرینش نخستین را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم. این وعده‌ای بر عهده ما است و ما بی‌تردید انجام دهنده آنیم- آیا با نظریه کنونی دانشمندان که شکل جهان را تقریباً به‌صورت یک ورقه مسطح می‌دانند که اندکی انحنا دارد منطبق است یا خیر؟ آنان راست میگویند یا خیر؟ آیا آیه ۱۴ و ۱۵ سوره تکویر که می‌فرماید: **فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكنَّسِ** سوگند به (ستارگان) پنهان که در حال حرکت و جذب‌کننده‌اند با بحث سیاهچاله تطابق دارد یا خیر؟ آیا آیات ۱ الی ۳ سوره طارق که می‌فرماید: **وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاک مَا الطَّارِقُ النَّجْمُ الثَّاقِبُ** سوگند به آسمان و (ستاره) کوبنده و تو چه می‌دانی ستاره کوبنده چیست (۲) همان ستاره نافذ (۳) آیا این آیات با تَپ اخترها (ستاره‌های تپنده) که یکی از حیرت‌آورترین پدیده‌های نجومی برای دانشمندان است تطابق دارد یا خیر؟ آیا آیه ۷ سوره ذاریات **وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُک** سوگند به آسمان دارای رشته بافتهای محکم با نظریه بافت کیهانی تطابق دارد یا خیر؟ آیا قرآن به حیات موجودات در کرات دیگر اشاره دارد یا خیر (قرآن سوره شوری ۲۹)؟ آیا فضا خالی است و یا پُر (سوره بقره ۲۲)؟ آیا در آسمان دود وجود دارد و یا غبار (سوره فصلت آیه ۱۱)؟ منظور از هفت‌آسمان چیست (سوره نبأ آیه ۱۲)؟ ماده تاریک چیست؟ آسمان دنیا چیست؟ آسمان‌های دیگر چیست؟ و هزاران مسئله

دیگر، سؤال این است چرا ما که گنجینه‌ای از علوم را در دست داریم باید منتظر باشیم تا غربی‌ها مسیر را از گنجینه‌های علمی ما پیدا کنند و بعد به‌عنوان شاهکار علمی آن را ثبت نمایند، مگر قرآن نمی‌فرماید: **سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الآفاق وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يتَبَينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يكفِ بِرَبِّک أَنَّهُ عَلَى كلِّ شَيءٍ شَهِيدٌ** [1] نشانه‌های خود را در کرانه‌های عالم و در نفس خودشان به آنان خواهیم نمایاند تا برای آنان روشن شود که او حقّ است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه‌چیز آگاه است؟ چرا ما از این علوم آگاه نیستیم، در مورد طب نیز امر به همین منوال است، مگر طب و نجوم در زمره علوم اسلامی نیست؟ خوب زمانی که در این علوم متخصصی نباشد اگر گوینده‌ای صحبت از سوراخ نمودن آسمان بنماید باید وضع چنین باشد؟ **شهادت می‌دهم که اگر ما به این مسائل پرداخته بودیم سال‌ها قبل هم مشکل کشور خودمان و هم ابر مشکل‌های جهانی را حل می‌نمودیم.**

قطره ۳۳- علوم وسیع اهل‌بیت ع ۹۶/۷/۲۴

در بیان فهرستی از علوم اهل‌بیت ع که ما از آن غافل هستیم درحالی‌که حلّال بسیاری از مشکلات می‌باشد: این فهرست از کتاب بحارالانوار می‌باشد، ولی جای تأسف است که ما از این مسائل آگاهی نداشته و به دلایل واهی از بررسی و پرداختن به این مسائل شانه خالی می‌نماییم، لازم است ذکر نمایم **حال کسی که فکر کند با خواندن و ترجمه روایت طبی و نجومی و عقلی و ... می‌تواند به کُنه مسائل برسد مانند کسی است که فکر می‌کند با خواندن وسائل الشیعه می‌تواند احکام را استخراج کند، حال امروز ما شیعیان از دستیابی به این علوم که در روایات آمده است مانند فرد عوامی است که قرآن در دست دارد و بدون گذراندن مقدمات می‌خواهد تمامی مسائل را از قرآن به دست آورد،**

---

۱ فصلت ۵۳

امیدوارم این نوشته‌ها بابی باشد تا حوزه‌های علمیه تنها به فقه و اصول بسنده نکنند و راه برای خارج طب، خارج اعتقادات، خارج نجوم، خارج ریاضیات، خارج شیمی، خارج فیزیک، علوم غریبه و ... باز کنند حتی ما در حد کفایت باید از علوم حرامی که یهود برای ضربه زدن به ما استفاده می‌کند مطلع باشیم مانند سحر و قیافه و عدد و اشکال و تسخیرات و.... هم‌اکنون حتی راه برای خارج اعتقادات که امر اولیه واجب است بسته است نمونه‌ای از فهرست: کتاب آسمان و جهان / جلد ۱ / ابواب کلیات احوال جهان و آنچه به اوضاع آسمانی مربوط است-باب اول: پیدایش جهان و آغاز آفرینش آن و چگونگی آن و برخی از امور کلی-باب دوم عوالم-(باب چهارم) عرش و کرسی و حاملان آن‌ها-باب پنجم حجب و استار و سرادقات- باب ششم سدرة المنتهی و معنی علیین و سجین-باب هفتم بیت المعمور-باب هشتم آسمانها، چگونگی و شماره آن‌ها، اختران و شماره‌شان، وصفشان وصف کهکشان-باب نهم در خورشید و ماه و احوال و صفات آن‌ها و در شب و روز و آنچه بدانها وابسته است-باب دهم در علم نجوم و عمل بدان و حال منجمان-باب یازدهم در نهی از باران جوئی به ستاره‌ها و نهی از فال بد واگیره بیماری-باب دوازدهم آنچه مناسب نجوم و احکام نجوم است از کتاب دانیال علیه‌السلام و جز آن- أبواب ازمنه، انواع آن، سعد و نحس آن احوال دیگر آن-باب سیزدهم سال‌ها، ماه‌ها، انواع آن‌ها، چهار فصل، احوال آن‌ها-باب بیست و چهارم عصمت فرشته‌ها، داستان هاروت و ماروت بیان حقیقت سحر و انواع آن- ابواب عناصر و کائنات فضا، معادن، کوه‌ها، نهرها، شهرها و اقالیم. باب بیست و ششم آتش و اقسام آن- باب بیست و هفتم هواء، طبقات هوا، پدیده هوا از سپیده و شفق و جز آن‌ها-باب بیست و هشتم ابر، باران، شهاب، برق، صاعقه، قوس و پدیده‌های دیگر فضا -ادامه ابواب عناصر و کائنات فضا معادن کوهها نهرها شهرها و اقالیم-باب بیست و نهم: بادها، سبب آن‌ها، نوع آن‌ها - باب سی‌ام آب انواع آب دریاها و غرائب آن‌ها و آنچه در آن‌ها نابود شود و جزر و نهرهای خوب و بد - باب سی و یکم زمین و چگونگی آن و آنچه خدا در آن برای مردم آماده کرده و کلیات احوال عناصر و آنچه فروتر زمین است- باب سی و دوم در بخش زمین به اقالیم و ذکر کوه قاف و کوههای دیگر و چطور آفریده شدند و سبب زمین لرزه- باب سی و چهارم در معادن و احوال

جمادات و طبایع و تأثیرات آن‌ها و انقلابات جواهر و برخی نوادر - ابواب تأثیر جادو چشم و حقیقت فرشته و جن/ باب اول تأثیر جادو چشم و حقیقت آن‌ها - باب دوم در حقیقت جن و احوال آنان- ابواب حیوان: اصناف، احوال و احکام آن/ باب یکم کلیات احوال حیوان و اصنافش- اصناف، احوال و احکام آن/ باب دوم احوال چهارپایان و سود و زیانشان و داشتن آن‌ها - ابواب گیاهها / باب یکم: کلیات احوال آن‌ها و نوادرشان و احوال درختان و آنچه بدانها وابسته است- ابواب گیاهها / باب دوّم کلیات احوال میوه‌ها و شماره هر رنگ از آن‌ها و آداب خوردن آن‌ها - آسمان و جهان / جلد ۱۰ / ادامه ابواب گیاهها - این‌ها نمونه کوچکی از فهرستی است که از کتاب بحارالانوار نقل نمودم، **آیا علمی می‌باشد که اهل‌بیت ع در آن مطلب نفیا یا اثباتا مطلبی نفرموده باشند،** مطالب و جملات کوتاهی که هزاران توضیح و تفسیر دارد، چقدر غافل هستیم و چه سرمایه‌ای را ازدست‌داده‌ایم تمام عالم باید در اینجا علم یاد بگیرند ولی ....

قطره ۳۴- نمونه‌ای از روایت در باب نجوم[۱] ۹۶/۷/۲۴

علامه مجلسی رحمت‌الله علیه بخش بزرگی از کتاب گران‌سنگ «بحارالانوار» را به این امر اختصاص داده و صدها حدیث و روایت را خاطرنشان ساخته امام سجاد (ع) می‌فرماید: **حرکت خورشید، ماه، نجوم و کواکب و گردش آن‌ها در مدار و فلک مشخص همه به تقدیر خداوند و به کمک فرشتگان و مأموران الهی صورت می‌پذیرد**[۲]. (امروز اثبات‌شده که خورشید در حال حرکت است یادم هست در تحقیقی که داشتم که خورشید تا هفت حرکت دارد دوباره باید تحقیق کنم، در جای دیگری بنده به این رسیدم که تعداد سیارات به دور خورشید بیش از نه عدد می‌باشد هم‌اکنون تعداد سیارات به دور خورشید را این‌ها می‌دانند) **عطارد یا تیر**: تیر نزدیک‌ترین سیاره به خورشید است. تیر یک سیاره داغ و کوچک است. عطارد ماه ندارد. **زهره یا ناهید**: ناهید دومین سیاره نزدیک به خورشید است. ناهید داغ‌ترین سیاره است. ناهید ماه ندارد. **زمین**: زمین سومین سیاره نزدیک به خورشید است. زمین یک ماه دارد.

---

۱ تذکر: نجوم یک علم دقیق و بسیار پیچیده و از علوم انبیاء می‌باشد که اهداف مختلفی را دنبال می‌کند، بعضی بواسطهٔ علم نجوم از آینده سخن میگویند، بعضی با علم نجوم شرایط و موقعیتهای خاصی که برای بشریت بدست می‌آید را رصد می‌کنند و ما در این قطره تنها می‌خواهیم بیان کنیم که این علم ریشهٔ روایی نیز دارد، نکتهٔ دیگری را ذکر نمایم اینکه: شخصی قطرهٔ هزار که طرح انفطار السماء است را پیش یک منجم برده و از مطالب آن سؤال نموده آن شخص منجم گفته که از تقارن سیارات برای زمین چنین موقعیتی پیش می‌آید که می‌توان چنین اموری را انجام داد ولی منحصراً در یک روز خاص نمی‌باشد و در موقعیتهای دیگر نیز می‌توان این امر را انجام داد- تمام - بنده تنها متضمن کلام خود هستم و آنچه در دست دارم این است که تنها در یکروز سال می‌توان انفطار السماء را انجام داد که نتیجهٔ آن شیبدار شدن آسمان به سمت ایران و ایجاد چالهٔ آسمانی درون ایران است که نهایتاً ایران سرد شده و آب از آسمان به ایران انتقال پیدا می‌کند. ۹۹/۱/۶

[۲] علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

مریخ: مریخ چهارمین سیاره نزدیک به خورشید است. مریخ یک سیاره نارنجی ست. مریخ دو تا ماه دارد. **مشتری**: مشتری پنجمین سیاره نزدیک به خورشید است. این سیاره بسیار بزرگ که گازی است بزرگ‌ترین سیاره منظومه شمسی ما است. مشتری ماه‌های زیادی دارد. **زحل**: زحل ششمین سیاره نزدیک به خورشید است. این سیاره بسیار بزرگ حلقه‌های زیبایی دارد که از یخ و سنگ تشکیل‌شده‌اند. این سیاره ماه‌های زیادی دارد. **اورانوس**: اورانوس هفتمین سیاره نزدیک به خورشید است. این سیاره یک سیاره بسیار بزرگ گازی با نور آبی است. اورانوس ماه‌های زیادی دارد. **نپتون**: نپتون هشتمین سیاره نزدیک به خورشید است. این سیاره یک سیاره بسیار بزرگ گازی با نور آبی است. **پلوتون**: این سیاره سنگی یک ماه دارد که اندازه خودش است و دو ماه ریز هم دارد. پلوتون کوچک‌ترین سیاره در منظومه شمسی ما است. **امام باقر (ع): خورشید دارای لایه‌هایی و طبقاتی است**[۶]. این سخن امروزه ثابت‌شده است. امام **علی (ع): تاریکی‌هایی که روی کره ماه مشاهده می‌شود. یک مسئله پیچیده و مشکلی است که (امروزه زمان آن حضرت) فهم آن آسان نیست**[۷]. **علی بن ابی‌طالب (ع): آسمان‌ها از دود و بخار آب آفریده‌شده‌اند**[۸]. **پیامبر (ص): در آسمان‌ها، آب فراوان وجود دارد، چنان‌که در زمان حضرت نوح (ع) درهای آسمان باز شد و باران قوم نوح را غرق کرد**[۹]. دریاهایی به‌مراتب بیش از دریاهای کره زمین در آسمان‌ها وجود دارد، چنان‌که ابزار و آلات نجومی کنونی از آن خبر داده است. **امیرالمؤمنین (ع): نجوم، توسط یک عمود نوری به هم دیگر پیوسته و ارتباط دارد**[۱۰]. **امام صادق (ع): آفریده‌های دیگری نیز در آسمان‌ها وجود دارد**[۱۱]. **امام صادق (ع): برخی از ستارگان از مرکز فلک خود جدا نمی‌شوند و دسته‌جمعی حرکت می‌کنند منظومه وار و برخی از آن‌ها به‌تنهایی حرکت‌دارند. افلاک و نجوم توسط اسمی از اسماء الله درحرکت‌اند. اجرام فلکی نخست بسته بودند، سپس باز شدند**[۱۲]. این‌یک نظریه در کیهان‌شناختی امروزه به شمار می‌رود. سیاراتی هستند که حرکت‌های بازگشتی (رجعی) دارند؛

چنان‌که **امیرالمؤمنین ذیل آیات «فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس»؛ «پس سوگند به اختران بازگردنده». (تکویر ۱۵). می‌فرماید منظور پنج سیاره زحل، عطارد، مشتری، بهرام - مریخ و زهره‌اند**[۱۳]. سیاره زحل (کیوان) در چند روایت به نام نجم امیرالمؤمنین یادشده و جالب این‌که **امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند جنس این سیاره را از یخ و آب سرد قرار داده است**[۱۴]. **امام کاظم (ع): حق‌تعالی نجوم را ستایش کرد و اگر دانش صحیحی نبود مدح نمی‌کرد پیامبران الهی همه به این دانش عالم بودند حضرت ابراهیم (ع) عالم به نجوم بود؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم، صافات آیه ۸۹ و ۹۰؛ و اگر به این دانش آگاه نبود در نجوم نظر نمی‌افکند و نمی‌گفت من بیمارم**[۱۵]. -هم‌چنین حضرت ادریس (ع) در زمان خود به دانش نجوم از همه مردم داناتر بود. هم‌چنین «ذوالقرنین» در این علم ماهر بود. خداوند در قرآن به این دانش قسم یادکرده است: «**فلا اقسم به مواقع النجوم**، واقعه، ۷۵»؛ «پس سوگند به جایگاه‌های ستارگان». (واقعه /۷۵) پیامبر **(ص): این علم را فراگیرید تا در تاریکی بیابان و دریا راهنمایتان باشد. نجوم، دانش حضرت آدم است «النجوم هی علم آدم»**[۱۶]. **امام** صادق (ع): با منجم یمنی گفتاری زیبا پیرامون نورشناسی و تفاوت میان درجه‌های نور مشتری، ماه، عطارد دارد و نیز درباره تأثیر نور ستارگان بر موجودات زمین ازجمله بر شتران، گاوان، سگان و... **امام صادق (ع): نجوم از دانش‌های پیامبران است و امیرالمؤمنین (ع) اعلم الناس به نجوم بوده است**[۱۷]. **امام باقر (ع): نبوت حضرت نوح از طریق علم نجوم به دست آمد**[۱۸]. **امام صادق (ع): آبستن شدن مادر حضرت موسی و به دنیا آمدن موسی را منجمان به فرعون خبر دادند**[۱۹]. برخی از منجمان یهود بعثت حضرت محمد (ص) را خبر دادند[۲۰]. دلالت نجوم بر ولادت حضرت مهدی (ع) و امامت او[۲۱]. امام صادق (ع) به عبدالرحمان سیابه می‌فرماید: دانش نجوم به دین هیچ‌کس زیان وارد نمی‌سازد[۲۲]. **امام صادق (ع) به «هشام خفاف» فرمود: اصل محاسبات نجومی و دانش نجوم حق است جز این‌که مردم از آن بهره چندانی ندارند؛ اما افرادی که دستی در وحی و الهام دارند ویژگی‌های مواد و استعداد و قابلیت افراد**

را می‌شناسند این علم را دارا هستند[۲۳]. مطالب را از دایره المعارف طهور نجوم از منظر روایات برداشته‌ام[۲۴].

قطره ۳۵- منظور از ۷۸۶ که در اول بعضی از نامه‌ها آمده چیست؟ ۹۶/۷/۲۵

هر عدد معانی بسیاری می‌تواند داشته باشد اما در اول نامه‌ها حکم بسم‌الله الرحمن الرحیم را دارد و عددِ ابجدِ **بسم‌الله الرحمن الرحیم**، ۷۸۶ است همان‌گونه که ابجد علی ۱۱۰ است و به‌این‌علت از عدد استفاده‌شده که اگر برگه بر روی زمین افتاد و کسی آن را برنداشت عذری داشته باشد، چراکه اگر نام خدا روی زمین باشد باید آن را برداشت و توجیهی وجود ندارد.

قطره ۳۶- فایده تبدیل حروف و کلمات و جُمَل به عدد؟ ۹۶/۷/۲۵

در موارد بسیاری فایده دارد در جَفر در ختم اذکار نورانی در به دست آوردن لوح حیات و ممات و امراض در طالع بینی در سِحر و طلسمات و تسخیرات در بطلان سحر و در کل یکی از مطالب پایه در علوم غریبه می‌باشد.

قطره ۳۷- توضیح اجمالی در مورد علم اعداد ۹۶/۷/۲۵

علم اعداد ازجمله علوم اسرار و معارف غریبه بشری است که منشأ آثار خارق عادت و مبدأ فعالیت روح انسان و مصدر بروز استعداد فطری اوست. **امام صادق علیه‌السلام فرمود: بدانید که اسماءاللّه به‌منزله گنجاند و عدد به‌منزله ذراع، اگر ذراع را کمتر بگیری به گنج نمی‌رسی و اگر فزون‌تر بگیری از آن درمی‌گذری** [۱] بزرگان عدد را سرّی از اسرار الهی در عالم وجود می‌دانند بوعلی سینا در اشارات، نمط دهم می‌گوید: «شکی» نیست که این

---

۱ نور علی نور، ص ۵۳

علم شریف، منشأ آثار عجیبه است-تمام- مثلاً ما شیعیان در تسبیح حضرت زهرا سلام‌الله علیها برای اذکار عدد خاصی میگوییم و یا در نمازهای توسل به اهل‌بیت ع عدد خاصی لحاظ شده مانند نماز امام زمان عج و ... یا در تعقیبات نماز صبح در آن مکاشفه‌ای که شیخ عباس رحمت‌الله علیه آورده است ۷۰ بار یا فتاح گفتن را درحالی‌که دست بر روی سینه است برای رفع گرفتاری نام‌برده است و یا در رساله سیر و سلوک منسوب به بحرالعلوم اعداد خاصی ذکرشده است، پس تعداد اثر خاصی دارد مضافاً بر اینکه عدد نشانه برای مفهوم خاصی است کما اینکه شکل‌ها نیز نشانه برای مفهوم خاصی هستند. مثلاً الم که آیه اول سوره بقره است مفهومی دارد عدد آن می‌شود ۷۱ که می‌تواند منظور از ۷۱ همان الم باشد، گاهی اوقات ابجد را بسیط محاسبه می‌کنند مثلاً آب مجموع ابجدش می‌شود ۳ که مطابق است با تعداد مولکولهای آب که از دو هیدروژن و یک اکسیژن تشکیل‌شده و البته گاهی اوقات ابجد را بسیط محاسبه می‌کنند مثلاً بسیط آب می‌شود ۱۱۴ که مطابق با تعداد سوره‌های قرآن است چراکه بسیط آب می‌شود الف با که مجموع آن می‌شود ۱۱۴، لذا آنچه مهم است اینکه عدد یا حروف نشانه است برای امر دیگری که اثرات آن در حروف یا اعداد یا اشکال یا تصاویر به ودیعه گذاشته‌شده است.

قطره ۳۸- نحوه تبدیل حروف و کلمات و جُمَل به عدد؟ ۹۶/۷/۲۵

برای تبدیل کلمات و جُمَل به اعداد باید ابتدا حروف را شناخت لذا اجمالاً وارد بحث حروف می‌شویم.

قطره ۳۹- علم حروف چیست؟ ۹۶/۷/۲۵

بعضی می‌پندارند که علم حروف همان جَفر است که این اشتباه است بعضی برای حروف و ترکیب آن‌ها اثرات ما فوق طبیعی نام‌برده‌اند برای هرکدام طبیعتی خاص بکار برده‌اند حروف را به نورانی و ظلمانی تقسیم نموده‌اند بعضی آن را شاخه‌ای از سیمیا دانسته‌اند بعضی آن را شاخه‌ای از سحر دانسته‌اند، بعضی آن را به یهود بازمی‌گردانند بعضی برای به دست آوردن مطالب غیبی از طریق محاسبه عددی آیات قرآن خواسته‌اند به مطالب غیبی دست یابند، اسماعیلیه نیز در باب

حروف کلماتی دارند محی‌الدین عربی که در مورد او اختلاف فراوان است کتاب المدخل فی علم الحروف را نوشته است [۱] فضل‌الله حروفی در قرن هشتم نهضت حروفیه را راه انداخت آنان حروف را به آبی بادی خاکی و آتشی تقسیم نموده‌اند و برای هر یک اثرات و احکام خاصی را ذکر کرده‌اند [۲۵] بعضی از حروف مقطعه قرآنی جملاتی را به دست آورده‌اند بعضی دیگر تاریخ‌هایی را برای بعضی وقایع به دست آورده‌اند بعضی گفته‌اند حروفی که مقطعه آیات قرآن است نورانی و بقیه ظلمانی است، در مقابل هر حرف عددی را قرار داده‌اند که نظام ابجدی تنظیم‌شده است که شامل ابجد صغیر و کبیر وسیط می‌گردد، بعضی از علم حروف برای مداوای بیماری‌ها استفاده می‌کنند، بعضی از علم حروف برای تنظیم طلسم و سحر استفاده می‌کنند، کتاب‌های بسیاری در این زمینه نگاشته شده است، بعضی با علم حروف به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، علم حروف گرایش‌های مختلفی نیز دارد از باب تقریب به ذهن مانند علم حروف با تخصص در نقطه و یا تخصص در الف و ... و من خود نیز کتابی در اسرار نقطه را دیده‌ام و شخص دیگری را می‌شناسم که کتابی به نام النقطه را تألیف کرده است.

قطره ۴۰- جَفر چیست؟ ۹۶/۷/۲۵

جفر در لغت به معنای بزغاله یا پوست بزغاله است و چون اوراق اولیه جفر بر روی پوست بزغاله نوشته و عرضه‌شده بود بدین نام خوانده‌شده است. علم‌الحروف عربی را جفر، و علم‌الحروف عبری را جماتریا (گماتریا) می‌نامند. اما گفتیم که علم حروف و جفر با یکدیگر تفاوت دارند، اسم دیگر علم جفر علم تکثیر می‌باشد، علامه حسن‌زاده آملی درباره جفر می‌گوید: «جفر یعنی کتاب آفرینش، یکی از کاربردهای جفر به دست آوردن پاسخ سؤالات می‌باشد، در حقیقت شاید بلاتشبیه بتوان گفت حقیقت جفر اَبَر کامپیوتری است که سؤال را می‌دهی و جواب را می‌گیری،

---

۱ در کتاب نقطه بحثی اجمالی در مورد محی الدین داشته‌ایم

جفر انواع و اقسام دارد، و این‌گونه نیست که هرکسی گفت جفر بلد هستم بتواند پاسخ تمام سؤالات را بدهد چراکه جَفر اصلی در دست امام معصوم عج است، بله جفر یکی از علوم اهل‌بیت ع می‌باشد، در روایت آمده است که امام صادق ع فرمودند: فرمود: همانا جامعه نزد ماست، و مردم نمی‌دانند جامعه چیست، جامعه طوماری است به طول هفتاد ذراع، پیامبر با املاء زبانی آن حضرت و دستخط علی (ع) تمام حلال و حرام‌ها و همه احتیاجات دینی مردم در آن بازگو شده است، بعد فرمود: همانا جفر نزد ما است، و مردم نمی‌دانند جفر چیست، جفر مخزنی است از چرم که علم انبیاء و اوصیاء و علم دانشمندان گذشته از امت‌های پیشین، در آن درج‌شده است، خواجه نصیر طوسی در این علومید طولایی داشته شیخ بهایی نیز چنین بوده است رحمت‌الله علیهما.

قطره ۴۱- روایات جَفر و انواع آن ۹۶/۷/۲۵

امام صادق (ع) فرمود: به خدا سوگند در نزد من دو پوست بز و میش وجود دارد که املاء رسول اکرم (ص) می‌باشد که آن را علی (ع) با دست خود نوشته است. نزد ما جَفر می‌باشد، و آن عبارت است از: پوست عُکاظی مملو از نوشته ... که در آن، آنچه تاکنون واقع‌شده و آنچه تا روز قیامت واقع خواهد شد، ثبت گردیده است [٢٦]- امام صادق به یکی از اصحاب خود فرمودند: بامداد امروز به **کتاب جفر** نگاه کردم، و این کتابی است که علم به مرگ‌ها، بلاها، مصیبت‌ها و علم آنچه گذشته و آینـده تا روز قیامت در آن نوشته‌شده است که خداوند محمّد (ص) و امامان بعد از او را به این کتاب، اختصاص داده است. من در این کتاب تأمل کردم، ولادت قائم ما و غیبت او، و طولانی شدن غیبتش و گرفتاری‌های مؤمنان در عصر غیبت، و پدیدار شدن شک و تردید در قلب‌های آنان بر اثر طولانی شدن غیبت، و مرتدشدن اکثر آنان از دین، و خروج آن‌ها از اسلام، را مشاهده کردم[٢٧]. امام صادق (ع) فرمود: نزد من است **جفر أبیض** است. گفته شد چه چیزی در آن است؟! حضرت فرمودند: زبور داوود و تورات موسی و انجیل عیسی و صُحُف ابراهیم و حلال و حرام؛ و مُصْحف فاطمه، و من چنان نمی‌دانم که در آن چیزی از قرآن باشد؛ و در آن است جمیع آنچه مردم به ما احتیاج دارند، و ما احتیاج به احدی نداریم [٢٨]. امام صادق (ع) فرمودند: نزد من جفر احمر است، راوی عرض کرد: **جفر احمر** چیست؟ حضرت فرمودند: سلاح؛ و جفر احمر

نامیده شده چراکه صاحب شمشیر آن را برای قتال می‌گشاید. راوی گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: یا بن رسول‌الله، آیا قائم (عج) همچون سیره علی بن ابی‌طالب (ع) رفتار می‌کند. حضرت فرمود نه. همانا علی بن ابی‌طالب طبق جفر ابیض رفتار نمود و قائم (عج) طبق آنچه در جفر احمر است رفتار می‌کند[۲۹]. امام صادق (ع) فرمود: جفر احمر ظرفی است محتوای سلاح رسول‌الله (ص) و هیچ‌گاه بیرون نمی‌آید، مگر وقتی‌که قائم ما قیام کند [۳۰]-تمام- ان‌شاءالله

قطره ۴۲- معانی حروف در روایات ۹۶/۷/۲۵

[۳۱]عثمان بن عفان از پیامبر اکرم پرسید: تفسیر حروف ابجد چیست؟ پیامبر فرمود: تفسیر ابجد را بیاموزید، زیرا در آن نکات عجیبی است. وای بر عالمی که پیوسته با این حروف سر و کار دارد، و تفسیر آن‌ها را نداند. سپس آن‌ها را به‌این‌ترتیب تفسیر نمود: **الف - آلاء اللّه، حرف من اسمائه** الف نشانه نعمت‌های الهی و حرفی از نام‌های الهی است. **ب - بهجة اللّه** باء اشاره به بهجت خداوند دارد. ج - **جنة اللّه و جمال اللّه و جلال اللّه** جیم نشانه جنان و جمال و جلال است. **د - دین اللّه**، دال اشاره به دین خدا یا جزاء الهی است. **ه - هاویة فویل لمن هوی فی النار** هاء نشانه جهنم است، وای بر کسی که در آتش دوزخ بیفتد. **و - ویل لاهل النار**، وای بر حال اهل دوزخ. **ز - زاویة اللّه فی النار** یعنی زوایای جهنم. **ح - حطوط الخطایا عن المستغفرین فی لیلة القدر و مانزل به جبرئیل مع الملئکة الی مطلع الفجر** حاء نشانه ریزش گناهان توبه‌کنندگان در شب قدر است، همان شبی که جبرئیل با فرشتگان تا سپیده‌دم بر زمین فرود می‌آیند. **ط - طوبی لهم و حسن مآب** درخت طوبی از آن استغفار کنندگان است و سرانجام خوشی دارند. طوبی درختی است در بهشت که شاخه‌های آن از پشت دیوار باغ بهشت پیدا است و میوه فراوان دارد. **ی - یداللّه فوق خلقه سبحانه و تعالی عما یشرکون** یا اشاره به قدرت برتر خداوند است. **ک - کلام اللّه لا تبدیل لکلمات اللّه و لن تجد من دونه ملتحدا** کاف اشاره به کلام خدا است که در کلمات او تبدیل و تغییری نیست، و پناهی، جز او

نمی‌یابی. **ل - المام اهل الجنة بینهم فی الزیارة و التحیة و السلام و تلاوم اهل النار فیما بینهم** لام اشاره است به دیدوبازدیدهای اهل بهشت از یکدیگر و سرزنش دوزخیان بر همدیگر است. **م - ملک اللّه الذی لا یزول و دوام اللّه الذی لایفنی** میم نشانه بقاء و دوام سلطنت الهی است. **ن - والنون و القلم و ما یسطرون، فالقلم قلم من نور و کتاب من نور فی لوح محفوظ یشهده المقربون و کفی بالله شهیدا** نون اشاره است به نون و قلم و آنچه می‌نگارند، قلم قلمی از نور است و کتاب نیز کتاب نور است که در لوحی محفوظ است و فرشتگان مقرب درگاه الهی نزد آن شاهد و حاضر هستند، و گواهی و شهادت خداوند به تنهائی کافی است. **سعفص وقرشت** مانند **ابجد، هوز، حطی، کلمن** تمام حروف آن بیان‌نشده است. حضرت طبق روایت فرمود: **اماسعفص فالصاد صاع بصاع یعنی الجزاء بالجزاء کماتدین تدان، ان اللّه لا یرید ظلما للعباد. صاد** - اشاره به این است که پاداش در مقابل پاداش است. هر طور تو با دیگران معامله کنی و پاداش آنان را بدهی، خداوند هم همان‌طور با تو معامله می‌کند و پاداش می‌دهد. خداوند به بندگان ستم نخواهد کرد. و اما **قرشت** یعنی **قرشهم فحشرهم و نشرهم الی یوم القیامة فقضی بینهم به الحق و هم لایظلمون**. قرشت اشاره به آن است که خداوند مردم را پس از مرگ زنده، و همه را جمع می‌کند و به‌حساب آنان رسیدگی، و به‌حق و عدالت بین آن‌ها قضاوت می‌شود، و آنان مورد ظلم و ستم واقع نخواهند شد.

قطره ۴۳- نکته مهم: شاید برای بعضی سؤال باشد اینکه مطالبی مانند علم حروف و عدد و اشکال و خاصیت هر یک و اسماء الله و ذکر ورد و ختم و دعا و عوالم و جن و ملائکه و جفر و کیمیا و لیمیا و هیمیا و سیمیا و ریمیا و احضارات و تسخیرات و ختومات ... چه ربطی به بحث رفع خشک‌سالی ایران در عرض چند ماه دارد؟

۹۶/۷/۲۵

تمامی این مطالب لازمه تصدیق آن دو لوحِ غیرعادی دوماهه است که برای خشک‌سالی نوشته‌ایم اگر کسی تمامی این مقدمات را طی کند تصدیق می‌کند که ما در آن دو قطره‌یعنی قطره‌های ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ ادعایی کرده‌ایم که گزاف نبوده و امکان وقوعی آن بالا می‌باشد مضافاً

بر اینکه بنده اعلام کرده بودم اگر دروغ گفته و یا اشتباه کردم هر نوع مجازاتی را قبول می‌نمایم، **پس دوباره اعلام می‌دارم خشک‌سالی جدی است مرگ دین و ملت و خاک ما در حال وقوع است، هیچ راه‌حل نجات‌بخشی در ایران وجود ندارد، هر چه زمان بگذرد بحرانی‌تر می‌شود تا جایی که کار از کار بگذرد و باز اعلامی می‌کنم پیشرفت و نجات ما در گروی آب‌رسانی سریع و همه‌جانبه به همه‌جای ایران مخصوصاً روستاها و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی است و باز اعلام می‌نمایم از طریق غیرعادی می‌توان در عرض چند ماه نُه شهر جنّی را پر آب کرد که در آن صورت جنیان از ایران کوچ کرده و ایران از خشک‌سالی نجات پیدا کند و زمینه تمامی پیشرفت‌های ما فراهم گردد،** و **انفطار السماء** (سوراخ کردن آسمان) که وقتش گذشته و باید یک سال صبر نمود، اگر کلام ما جدی گرفته شود بجای نوشتن کتاب مشغول فعالیت بودیم تا خشک‌سالی برطرف گردد ولی حال که حرف ما جدی گرفته نشده است مجبوریم این هزار و یک مقدمه را بگوییم تا شاید برای بعضی این گمان پیش آید که ما گراف نمی‌گوییم، دروغ نمی‌گوییم، نافهم نیستیم، مجنون و بیمار نیستیم، هم‌میدانیم خشک‌سالی یعنی چه و نیز میدانیم چند ماه چند روز است و میدانیم ایران چقدر وسعت دارد و میدانیم به‌صورت عادی تنها برای آب‌رسانی از دریای خزر به دریاچه ارومیه که تقریباً ۳۰۰ کیلومتر بیشتر نیست ۵ سال زمان لازم است، حال ما از یک دریاچه و ۳۰۰ کیلومتر راه سخن نمی‌گوییم بلکه صحبت از تمام دریاچه‌ها و تمام روستاها و شهرها و تالاب‌ها و زمین‌های بایر و باغ‌ها و ... می‌باشد، وصف این فعل ناشدنی است، **لذا کسی که این مقدمات را نداند آن دو صفحه را انکار می‌کند و کسی که بداند احتمال بالا بر درست بودن می‌دهد، چون ما انکار شدیم مجبوریم مقدمات را بگوییم تا انکار شکسته شود و زمان راستی آزمایی فراهم آید تا ما بتوانیم آنچه ادعا کرده‌ایم را نشان دهیم،** پس باید بدانیم عِلم، رهبر عَمَل است (**العلم امام العمل**[۳۲]) لذا به ما اعتماد نشد پس باید مقدمات گفته شود تا اینکه از طریق دیگری اعتماد حاصل گردد اما باز اعلام می‌کنم

بالاترین چیزی که بنده به آن اعتماد دارم دعا و توکل و توفیق است نه علوم غریبه که در قطره بعد توضیح می‌دهم، **باز اعلام می‌دارم آنچه میدانم و به آن دعوت می‌کنم دعاست نه علوم غریبه، اگر بعدازاین نوشته‌ها افرادی در مورد آن علوم سؤالی داشته باشند جواب ما این است اگر استادی پیدا کردید به ما هم معرفی کنید، حال چگونه نمی‌دانم ولی میگویم؟ این از عظمت دعاست.** [۳۳]

قطره ۴۴ منبع اصلی قدرت است چیست؟ ۹۶/۷/۲۵

ما در قطره ۲۴ به موجودات عالم اشاره کلی داشتیم اگرچه که آن تقسیم تمامی موجودات عالم را در برنگرفته است مانند نور و موج ولی آن قطره توضیح بسیار لازم دارد زیرا در آنجا سعی بر آن بود که همه‌چیز در دسته خود قرار گیرد ولی برای قدرتمند شدن که آرزوی ذاتی هر انسانی است امور مختلفی مطرح است بعضی ظاهر را نگاه می‌کنند و به تقویت قوای جسمی می‌پردازند، بعضی قدرت را به علم می‌دانند و به آن می‌پردازند، بعضی قدرت را در این می‌بینند که مال جمع کنند، بعضی به موجودات ماورایی یقین می‌کنند و سعی می‌کنند آنان را در استخدام خود در آورند مانند تسخیر جن و در اختیار گرفتن ارواح و یا شیاطین، بعضی قدرت را در تقویت قوای باطنی می‌دانند که این نیز دو نوع می‌باشد راه‌های غیرشرعی مانند ریاضت‌های اهل هند و یا سرخپوستان و راه شرعی، بعضی قدرت را در نزدیکی به ملائکه الله می‌دانند و بعضی قدرت را ارتباطگیری با ارواح طیب‌وطاهر می‌دانند و بعضی قدرت را در ارتباطگیری با خداوند می‌دانند، البته بسیاری از فرق و ادیان انحرافی ادعا دارند ما هم در پی ارتباطگیری با خداوند هستیم و این‌ها واسطه هستند، اگرچه که واسطه بین خدا و خلق مطلب درستی است اما غیر از اسلام ناب دیگر گروه‌ها مسیر را اشتباه رفته‌اند، برای هر دسته اعمال و آداب و اورادی است، اما **آنچه بنده فهمیده‌ام این است که خداوند ما را برای رسیدن به دو کلمه آفریده و مسیر هم دو کلمه است هدف: توحید ولایت، مسیر: مناجات و زیارت،** اگر کسی در مسیر این امور باشد بطلان و یا کم سود و کم‌فایده بودن امور دیگر برای او نمایان می‌شود و چه‌بسا بدون تمنا آن امور و یا بالاتر از آن به او هبه گردد، **رسیدن به توحید رسیدن به اسماء الله است و**

اسماء الله و قدرت اسمائی را با هیچ‌چیز نمی‌توان مقایسه کرد که در این مقام فرد خودش اسماء الله می‌شود در اینجا به‌صرف اراده عبد آنچه اراده کرده در خارج تحقق میابد، مقام ولایت هم که با نزدیکی به چهارده معصوم از طریق زیارت حاصل می‌شود انسان را به ولایت تکوینی می‌رساند، که همان مقام دارا بودن اسماء الله است می‌نماید، مراتب توحید ولایت نیز بی‌نهایت می‌باشد، توحید ولایت بالاترین مقامات است، اگرچه که شاید زود نصیب انسان نگردد اما منزلت آن دو در برابر دیگر امور مانند اقیانوس بی‌کران و سراب است، لذا بازمی‌گویم **اعتقاد من توحید ولایت از مسیر مناجات و زیارت است** ولی آنچه در مورد امور دیگر میگویم نیز درست است اگرچه که حرف آخر همین چهار کلمه است نه بقیه چیزها، توحید ولایت از مسیر مناجات زیارت- از همین الآن شروع کنیم که مراتب بی‌نهایت است و فرصت ما محدود و بسیار کم، استادی می‌فرمود نماز شب بخوان، اگر می‌ترسی سحر بیدار نشوی در ابتدای شب نماز را بخوان، هر شب یکی از دعاهای مناجاتی را بخوان مانند ابوحمزه، جوشن کبیر، مشلول، یستشیر، سیفی، حرزیمانی، مناجات‌های صحیفه سجادیه و دیگر صحف را و ...، و هر روز زیارت بخوان و ... و می‌فرمود این ابتدای راه است و منتظر چیز خاصی هم نباش چراکه همین‌که از دیگران جداشده و این‌گونه شده‌ای بالاترین خصوصیتی است که پیداکرده‌ای هر چه دیرتر بدهند شاید بهتر باشد و شاید ماندگارتر اگر هم صلاح ندانستند و ندادند آنان صلاح را بهتر می‌دانند و ... خدا خیر دهد استاد را، هر چه به منبع نزدیک شویم پرنورتر می‌شویم و صفات او در ما بیشتر تجلی پیدا می‌کند[۱].

---

۱ توضیح بیشتر این مطالب در کتاب نقطه داده شده است

قطره ۴۵- توحید هدف اصلی خلقت انسان ۹۶/۷/۲۵

گفتیم هر چه انسان به منبع اصلی نور نزدیک شود قدرت او بیشتر می‌شود، گرفتارهای او کمتر می‌شود، قدرتش بیشتر، دارایی‌اش بیشتر و باقی و درونی و فناناپذیر می‌گردد، مشکلات ذهنی او کمتر می‌شود، تمامی این‌ها در باطن برای او اتفاق می‌افتد و چه‌بسا در بیرون دیگران از حالات او درکی نداشته باشند، بارها اتفاق افتاده افراد بسیار ثروتمندی نزد علمایی می‌آمدند و از مشکلات مالی و.. شکایت می‌کردند و از آن‌ها دستور برای نجات می‌خواستند در حالی در ظاهر آنان غنی بودند و آن عالم فقیرِ مطلق، سِرّ مطلب در اینجاست که آن عالم از درون غنی و بی‌نیاز از آن مال و اموال دنیا بود و آن اهل دنیا از درون فقیر بود و در ظاهر غنی، آن چیزی که آن عالم را غنی کرده بود گنج درونی او بود یعنی توحید ولایت، یعنی خدا و اهل‌بیت ع و آن چیزی که آن غنی و پولدار را فقیر کرده بود این بود که از درون چیزی نداشت، اگر کسی در این مسیر قرار نگیرد هر چه بیشتر تلاش کند در مسیر پوچی قرارگرفته و خود این را می‌فهمد، ما هر چه ارتباط باخدا را قوی‌تر کنیم قوت و نورانیت بیشتر پیداکرده و روح ما بزرگ می‌شود و این بزرگی و قدرت حد و اندازه ندارد زیرا خداوند بی منتهی است و لذاست که نعمت‌های بهشتی تمامی ندارد، زیرا نعمت‌های بهشتی توحید و معرفت الله را زیاد می‌کند، لذا باید برای نزدیکی به خدا بعد از انجام واجبات به اسامی خداوند چنگ زد تا نور آن اسامی در انسان تجلی پیدا کند، یکی از دلایل تکرار اسامی خدا در دستورات نیز همین است که با تکرار اسامی خداوند قدم‌به‌قدم به خدا نزدیک می‌شویم و آن اسامی در جان سالک نقش می‌بندد، و بافتِ وجودی و سلول سلولِ سالک آن اسامی می‌شود، تا اینکه فرد به مقامات توحید دست می‌یابد، در این مسیر پاکیِ قلب شرطِ لاینفک است، و قلبی که ناپاک باشد بهره‌ای از توحید ندارد، قلب مانند ظرف است و اسامی مانند شیر، اگر ظرف ناپاک باشد...، لذا بزرگان در تمامی مسیر تلاش شبانه‌روزی بر پاکی قلب داشته‌اند که این تلاش بدون عنایت خداوند نیز امکان ندارد لذا اظهار عَجز در پیشگاه خداوند از بزرگ‌ترین حرکت‌های سلوکی است، لذاست که در تمامی ادعیه اعترافات عجیبی واردشده که انسان را تماماً

می‌خواهد از کِبر و عُجب خالی کند، یکی از بهترین اذکار برای تطهیر قلب ذکر شریفِ: **بسم‌الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم** می‌باشد.

قطره ۴۶- مقام کن‌فیکون، وصول به اسم اعظم و یکی شدن اراده عبد و خالق [۱] ۹۶/۷/۲۵

عبد در سیر حرکتی خود در حقیقت یک مسافر است که چهار سفر را آغاز می‌کند او در حقیقت فرار می‌کند که قرآن می‌فرماید **ففرّوا الی الله** [۳٤] بسیار به سمت خدا فرار کنید، عبد را چه می‌شود که فرار می‌کند؟ بله او فرار می‌کند در سفر اول از مردم به سمت خدا، سفر دوم سفر در اسماء الهی و پوشیدن و متلبس شدن به اسماء الهی مانند انسانی که لباس بر تن می‌کند، سفر سوم او مأموریت پیدا می‌کند و به سمت خلق برمی‌گردد و در سفر چهارم با گروهی از مردم همراه شده و آن مسیری را که طی نموده این بار با مردم طی می‌کند که این سفر بستگی به قدرت او دارد که چه مقدار از صفات الهی در او تجلی پیداکرده است همانند انسانی که خلبان شده و از این به بعد می‌تواند مسافران را به آسمان ببرد، زمانی که فرد در سفر دوم قرار دارد خدا از او راضی می‌شود و کم کم صفات خدایی در او جلوه می‌کند تا جایی که آنچه را که عبد می‌خواهد خدا هم می‌خواهد لذا در اینجا فرد دارای اسم اعظم می‌گردد بلکه بهتر بگوییم آن فرد مقداری از اسامی خداوند می‌شود، لذا در اینکه اسم اعظم چیست بزرگان بحث‌ها نموده‌اند، آیا اسم اعظم لفظ است؟ یا اینکه اسم اعظم مقامی است که بنده به آن مقام می‌رسد و در آن مقام باارادهٔ فرد امور در خارج اتفاق می‌افتد؟ و یا اینکه خود فرد اسم شده است؟ که البته اسامی خداوند تمام موجودات را پُر نموده است که در دعا آمده **باسمائک آلتی ملئت ارکان کل شیء**، به آن اسامیِ تو که ارکان همه چیز را پر نموده است، البته اسامی خداوند محدود است و یا نامحدود و موجودات چقدر

---

۱ مباحث تفصیلی این قطره در کتاب نقطه آمده است

می‌توانند از آن اسامی برخوردار شوند، آیا می‌توان ظرفیت انسانی که محدود است را افزایش داد و ... مباحث بسیاری دیگری است که در این نوشته کوتاه جای آن بحث‌ها نیست، اما به‌هرحال انسان به مقامی می‌رسد که آنچه را که اراده می‌کند در خارج تحقق پیدا می‌کند، البته کسانی که برای رسیدن به این مقامات سیر می‌کنند به بی‌راهه رفته‌اند زیرا هدف سیر آن‌ها خدا نبود بلکه مقام بوده است و لذا قلبِ طاهر نداشته‌اند، آنان برای مزد و مقام حرکت کرده‌اند لذا ظرف آنان پاک نیست، آنان منیّت را جدا نکرده‌اند، انتهای قلب آنان مزد و پاداش است، آنان خود را طلبکار می‌دانند و خدا را بدهکار، لذا اخلاص آنان زیر سؤال است و کسی که اخلاص ندارد به توحید نمی‌رسد، هرکدام از پیامبران و اولیاء الهی دارای بهره‌ای از اسامی الهی هستند که به فراخور حال آنان تفاوت دارد اما اهل‌بیت عصمت و طهارت تمامی اسامی الهی را دارا هستند بلکه بهتر بگوییم خود اسامی الهی هستند، اهل‌بیت ع تمامی اسامی و طبق نظر بعضی از بزرگان حتی اسم مستأثر (اسم پنهان) را نیز دارا هستند که این کلام بسیار قوی می‌باشد، چراکه اسم مستأثر نیز اسم است و عبارت **نحن اسماء الله** همه اسامی را می‌گیرد حتی اسم مستأثر را و اینکه چرا بعضی‌اوقات آن را استثناء کرده‌اند بحثی دیگر دارد، به‌هرحال عبد با سیر و سلوک به خدا نزدیک شده و دارای اسم اعظم می‌گردد و به مقام **کن‌فیکون** [۳۵] می‌رسد و چه‌بسا در بهشت که عبد اراده نعمت می‌کند و همان‌گاه نعمت حاضر می‌گردد از همین باب باشد، لذا بنده مَثَل خدا می‌گردد و این به خاطر سلوک در اسامی خداوند است.

قطره ۴۷- اسامی خداوند ازلی یا حادث ۹۶/۷/۲۶

خداوند علم و قدرت بی‌نهایت دارد این را همه معترف هستند، علم و قدرت خدا طلب می‌کند که ظاهر شود، این را نیز همه معترف‌اند، خدا علت ندارد که اگر داشت آن‌یکی خدا بود این را همه معترف‌اند، کسی مانع برای خدا نیست چراکه همه‌چیز مخلوق خداست و مخلوق نمی‌تواند قوی‌تر و مانع خالقش باشد این را نیز همه معترف‌اند، حال سؤال اختلافی این است که آیا خداوند بدون مخلوق بوده یا نه؟ آیا خداوند ازلا خالق بوده و یا اینکه بعد از مدتی خلقت را شروع کرده؟ هر دو طرف قائلینی دارد که همه به دلایل عقلی و قرآنی و روایی تمسک می‌کنند، ما وارد اثبات یا رد

نمی‌شویم که میدانیم اگر هر طرف را بگوییم اختلاف پدید آید لذا تنها میگوییم که هر دو طرف بر ادعای خود دلیل عقلی و قرآنی و روایی دارند تا جایی که یک گروه دیگران را تکفیر می‌کنند و میگویند شما قائل هستید که غیر از خدا موجودات ازلی وجود دارند و خدا را از خدایی می‌اندازید و گروه دیگر میگویند مَثَل شما مَثَل اباذر است که علم سلمان را طاقت نداشت و اگر علم سلمان را می‌دانست او را تکفیر می‌کرد و می‌گفت خدا کشنده سلمان را رحمت کند[۳۶]، اما چون مخلوقات خدا نامحدود است و هر مخلوقی با مخلوق دیگر فرق می‌کند میابیم که صفات خدا نیز نامحدود است، اگرچه که تمامی صفات نامحدود خدا به صفات اصلی بازگشت دارد که صفات اصلی خدا حیات و علم و قدرت است، اما برای خداوند نیز اسم‌هایی وجود دارد که به **اسماءالحسنی** تعبیر شده است که آن اسامی را نودونه نام شمرده‌اند.

قطره ۴۸- اسماءالحسنی یعنی چه؟ ۹۶/۷/۲۶

اسماءالحسنی به معنای اسامی نیکو زیبا می‌باشد، سؤال این است که چگونه اسم **منتقم** زیباست و سؤال دیگر اینکه مگر خداوند **نعوذبالله** اسم زشت هم دارد؟ چشم خدایی همه امور خدا را زیبا می‌بیند که حقیقت هم همین است، اما چشم زشت چه‌بسا همه‌چیز را زشت ببیند، زینب کبری سلام‌الله علیها بعد از جریان کربلا زمانی که از او پرسیدند کار خدا را با برادرت ع چگونه دیدی؟ فرمودند: هر آنچه دیدم زیبا بود **ما رایت الا جمیلا**، سؤال آیا دیدن قتلگاه زیبا است، آیا اسارت و سر بالای نیزه بودن زیبا است؟ آیا به بازار برده‌فروش‌ها رفتن زیبا است؟ و هزاران سؤال دیگر، اگر چشم ما باشد و ذره‌ای از آن مشکلات به ما برسد زیبا که نیست هیچ، بلکه به خدا میگوییم خدایا ما مگر چه کرده‌ایم که با ما این می‌کنی؟ مگر ما چه گناهی کرده‌ایم و الی آخر، اما چشم زینب کبری س چیز دیگری را می‌بیند که در شب یازدهم محرم نماز شب می‌خواند و در آنجا می‌گوید **الحمد لله**، آیا شب یازده محرم **الحمد لله** دارد؟ زینب کبری س عالِمه‌یِ بدون معلم است او می‌داند که چه چیز در انتظار است او می‌داند بعدازاین های‌وهوی و

جشن، تا ابد های‌وهویِ عزا و گدایی درِ این خانه شروع می‌شود، او می‌داند که خدا اسم **متکبر**، **قوی**، **منتقم**، **قاصم الجبارین**، **باطش**، **عزیز**، **قهار**، **شدید العذاب** و ... دارد، می‌داند معنای آیه **و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین**[۳۷] یعنی چه؟ خداوند **خیر الماکرین** است، آنچه در حال وقوع است مؤمن را آرام می‌کند، و هزاران تفسیر دیگر می‌توان از **ما رایت الا جمیلا** [۳۸] که حضرت زینب سلام‌الله علیها فرموده برداشت نمود، لذا برای مؤمن تمامی اسامی خدا زیباست، و برای غیر مؤمن این‌گونه نیست، قرآن می‌فرماید **وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى فَادْعُوهُ بِها**[۳۹]، برای خداوند اسامی حسنی است پس خدا را به آن اسامی بخوانید، پس تمامی اسامی خداوند زیباست، اسم **منتقم** زیباست و چقدر این اسم برای مؤمن زیباست زمانی که در حقِّ دشمن نازل می‌شود و او را به درک واصل می‌کند، چقدر اسم **قهار** زیباست زمانی که بر فرعونیان نازل می‌شود، جهنم نیز نتیجه تجلّیِ اسامی خداوند است، و این جهنم چقدر زیباست زمانی که فرعونیان در آن به سزای اعمال خود می‌رسند، کسی از این مطلب ناراحت نشود، خدا انسان را مختار آفریده و اهل جهنم به اختیار آتش را اختیار نمودند، اگر جهنم نباشد چه کسی می‌خواهد حق مظلوم را از ظالم بگیرد؟ این ظالم است که به جهنم اشکال می‌کند و خدا را بی‌رحم می‌پندارد، بله ظالم که در این دنیا ظالم است برای توجیه ظلم خود خدا را محکوم کرده و جهنم را بی‌رحمی خدا می‌پندارد، یکی از نعمت‌های خداوند جهنم است، جهنم چیزی نیست جز تازیانه‌یِ خداوند برای اینکه دیگران را از رفتن به سمت گناه بازدارد، اما چه باید کرد بعضی انسان‌ها آن‌قدر افسارگسسته هستند که حتی این تازیانه آتشین هم برای آنان کارایی ندارد و با تمام سرعت به سمت جهنم فرار می‌کنند، جهنم مبارکشان باد، خدایا عذاب گناهان ما را در این دنیا قرار بده و ما را به لطفت از جهنم نجات‌بخش.

قطره ۴۹- عظمت اسماء الله ۹۶/۷/۲۶

کمتر کسی است که این علم را کم‌اهمیت بداند و کمتر کسی است که از ارزش و عظمت اسم اعظم بی‌خبر باشد و علمای بسیاری در این زمینه سخن گفته‌اند و بسیاری هم این علم را دارا بوده‌اند، حال بعضی ظاهر کرده و بسیاری نیز آن را مخفی داشته‌اند و گفتیم که انبیاء بنا بر فراخور

حال خود هرکدام مقداری از این اسامی را دارا بوده‌اند، مثلاً در رابطه با شناخت خداوند که بالاترین مرتبه آن یافتن اسم اعظم است روایت می‌فرماید: زراره از امام صادق (علیه‌السلام) پرسید: اگر من زمان غیبت امام زمان (عج) را درک کردم و در آن زمان واقع شدم، چه‌کاری انجام دهم؟ حضرت فرمود: ای زراره! اگر این زمان را درک کردی، پیوسته این دعا را بخوان: **اللهم عرفنی نفسک فإنّک أن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبیک، اللهم عرفّنی رسولک فإنّک إن لم تعرفّنی رسولک لم أعرف حجّتک؛ اللّهم عرفنی حجتک فانّک ان لم تعرفّنی حجتک ضللت عن دینی** [۴۰] خدایا! خودت را به من بشناسان، چون اگر خویش را به من نشناسانی پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! فرستاده‌ات را به من بشناسان، چون اگر او را به من نشناسانی، حجتت را نمی‌شناسم، خدایا! حجت خود را به من بشناسان وگرنه گمراه خواهم شد و از دینم منحرف می‌گردم؛ و میدانیم معرفت به خدا بدون معرفت به اسامیِ خدا امکان ندارد، جناب آصف ابن برخیا به‌واسطه اسم اعظم توانست تخت بلقیس را در کمترین مدت‌زمان و بالاتر از سرعت نور جابجا کند، آصف اراده کرد و آن تخت در کمتر از چشم بر هم زدن حاضر شد، حال آصف کدام‌یک از اسامی خدا را دارا بوده که توانسته چنین کند؟ هر اسم چه تأثیری دارد بحثی دیگر است، لذا کسی که دارای اسم اعظم است دعایش مستجاب است و حتی امور خارق‌العاده‌ای از او صادر شود زیرا او به علت تامه همه‌چیز دست‌یافته است، و باز تأکید می‌کنیم اسم اعظم مقامی است که عبد دارا می‌شود و الا الفاظ بسیاری در کتب نام‌برده شده که به‌عنوان اسم اعظم مطرح است، در حقیقت خود عبد اسم شده است، در روایت است که شخصی با الفاظی خدا را خواند، پیامبر اکرم ص فرمودند: خدا را با اسم اعظمش خواند اسم اعظمی که هرگاه خداوند با آن خوانده شود جواب می‌دهد و هرگاه چیزی از او خواسته شود عطا می‌کند[۴۱]، در روایت دیگری مطرح می‌شود که اسم اعظم حالتی است که انسان زمانی که در آن حالت قرار می‌گیرد و از غیر خدا منقطع می‌شود، به زبان ساده بی‌کس‌وکار می‌شود و تنها خدا را می‌یابد در

این حال خدا را صدا می‌کند و آن اسم اعظم است، این حالت حالت اضطرار است، اما الفاظ هم مهم می‌باشد که در بحث اسماءالحسنی متذکر می‌شود.

قطره ۵۰- چند روایت در مورد اسم اعظم ۹۶/۷/۲۶

شخصی از امام صادق (علیه‌السلام) خواست که اسم اعظم را به او بیاموزد. امام به او فرمود: برخیز و داخل این حوض شو غسل کن تا اسم اعظم را به تو بیاموزم. آن شخص وارد حوض گردید و غسل به‌جا آورد و چون خواست از آب بیرون آید، امام به اصحاب اشارت فرمود که مانع خروج وی از آب شوند و آن بیچاره هرگاه اراده می‌کرد از جانبی خارج شود اصحاب او را منع می‌کردند و هر چه تضرع و استغاثه کرد تا به وی ترحّم کنند سودی نداشت و مطمئن شد که آن‌ها می‌خواهند او را به این وسیله هلاک نمایند و چون از اسباب طبیعی ناامید شد و حال اضطرار بر او پدید آمد به‌سوی خداوند - مجیب المضطرّین - منقطع گردید و رو به درگاه او برد و آن‌ها چون زاری او را به‌سوی حق‌تعالی دیدند او را از آب بیرون آوردند و لباس بر اندامش کردند و مهلتش دادند تابه‌حال عادی برگشت، آنگاه به امام عرض کرد: حالا به من اسم اعظم را بیاموز. امام به او فرمودند: اسم اعظم را آموختی و خدای تعالی را بدان خواندی که اجابت نمود و از آب نجاتت داد، عرض کرد: چطور؟ امام فرمودند: هر اسمی از اسماء خدای تعالی درنهایت عظمت است، ولی **انسان وقتی اسم اعظم خدا را ذکر می‌کند و قلب او به غیر خدا تعلق دارد از نام خدا بهره‌ای نمی‌برد ولی هنگامی‌که خدا را نام می‌برد و از غیر خدا منقطع است همان نام، اسم اعظم است** و چون تو مطمئن شدی که ما تو را خواهیم کشت در قلب تو جز اعتماد بر فضل خداوند متعال چیزی نبود، در این حال هر اسمی که در ارتباط با حاجت خود ذکر کردی همان اسم، اسم اعظم است[۴۲]-امام باقر ـ علیه‌السلام ـ فرمود: اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است و تنها یک حرف آن نزد آصف بود، آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او تخت بلقیس درهم نوردید تا او تخت را به دست گرفت، پس زمین به حالت اول بازگشت و این عمل را در کمتر از یک‌چشم برهم زدنی انجام شد و ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف هم نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته **و لاحول ولا قوه الا باللّه العلی**

العظیم [۴۳] -امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمود: به عیسی بن مریم دو حرف داده شد که با آن‌ها کار می‌کرد و به موسی چهار حرف و به ابراهیم هشت حرف و به نوح پانزده حرف و به آدم بیست‌وپنج حرف داده شد و خدای تعالی تمام این حروف را برای محمد (صلی‌الله علیه و آله و سلم) جمع فرمود، همانا اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است و هفتاد و دو حرف آن به پیامبر اکرم داده شد [۱] و یک حرف از او پنهان شد [۴۴] -عمر بن حنظله می‌گوید: نزد امام باقر علیه‌السلام رفتم و عرض کردم: گمان می‌کنم نزد شما قدر و منزلتی داشته باشم. امام فرمود: بله. گفتم: خواسته‌ای دارم؛ اسم اعظم را به من بیاموزید. امام فرمود: آیا طاقتش را داری؟ گفتم: بله. امام به اتاقی اشاره کرد و فرمود: به آن اتاق برو. من داخل اتاق رفتم. امام نیز آمد و دست مبارکش را روی زمین گذاشت. ناگهان دیدم اتاق تاریک شد. آن‌قدر ترسیدم که شانه‌هایم به لرزه افتاد! امام فرمود: بگویم اسم اعظم چیست؟ گفتم: نه. امام دست مبارکش را از روی زمین برداشت و اتاق دوباره روشن شد امام باقر علیه‌السلام فرمود: «اسم اعظم خداوند، هفتاد و سه حرف است. آصف بن برخیا فقط یکی از آن حروف را می‌دانست که توانست زمین را درهم نوردد و قبل از یک‌چشم بر هم زدن، تخت بلقیس را از سرزمین سبا نزد سلیمان حاضر سازد؛ و ما ائمّه معصومین هفتاد و دو حرف از آن را می‌دانیم. یک حرف را هم خداوند به خودش اختصاص داده و تنها نزد اوست [۴۵] - حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) منقول است که فرمود: شبی خضر نبی را در خواب دیدم و به وی گفتم که تعلیم کن مرا چیزی که به‌واسطه آن بر دشمنان پیروز گردم فرمود: یا علی بگو: (**یا**

---

۱ در کتاب نقطه توضیح داده‌ایم که تمامی اسم اعظم را اهل بیت ع می‌دانند حتی اسم مستأثر را بلکه اهل بیت ع خود اسم اعظم هستند و انبیاء بواسطهٔ معرفت به این ذوات مقدس اسم اعظم را دارا شده و در عالم اموری را انجام می‌دادند.

هُوَ یا مَنْ لا هُوَ اِلاّ هُو) [۱] روز بعد جریان را به حضرت رسول عرض کردم فرمود: او اسم اعظم را به تو تعلیم کرده و همین اسم در روز بدر بر زبان من جاری بود و حق سبحان به برکت این اسم مرا نصرت داد. -حضرت سجاد (علیه‌السلام) منقول است که از حق سبحان خواستم که اسم اعظم به من تعلیم فرماید در جواب به من نشان دادند که بگو: **اَللّهُمّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ اَلله اَلله اَلله اَلله (الذی) لا اِلهَ اِلاّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیم** به برکت این اسم هر چه خواستم کرامت فرمود. نکته مهم قبلاً هم بیان کردیم این روایت و روایات دیگر و زیارات نکته‌ای مهم را برای بعضی روشن ساخته و سخن گفته‌اند و آن اینکه آیا اهل‌بیت علیهم‌السلام اسم مستأثر را می‌دانند یا خیر؟ که در این زمینه دو قول وجود دارد که در کتاب نقطه به آن پرداخته‌ایم.

قطره ۵۱- اسم اصغر خداوند چیست؟ ۹۶/۷/۲۶

آنچه میدانم این است خداوند هر اسمی که دارد اعظم است، لذا چه کسی جرئت دارد بگوید این اسم خداوند اصغر است، خداوند بالاتر از این است که وصف شود، تمام اسامی خداوند اعظم است، شاید در پی اسم اعظم بودن امتحانی است که نالایقان را از این وادی بیرون می‌کنند، کدام اسم خداوند را ما دانسته‌ایم که در پی اسم اعظم باشیم، آیا در این درگاهِ سرّیِ خداوند کسی را که برای خداوند اسم اصغر قائل باشد را راه می‌دهند؟ خدایا اگر تو اسم اعظم داری روزی ما اسم اصغرت را بنما ولی اعتراف می‌کنیم که تمامی اسامی تو اعظم است و ما کوچک‌تر از این هستیم که وصف شویم و تو بزرگ‌تر از این هستی که وصف شوی، ما انسان‌های محدود هستیم که شئون تو را محدود پنداشته‌ایم و در گمانمان رفت که تو را اسم کوچکی است که اعظم هم وجود

---

۱ اولاً اینکه این ذکر بسیار قوی است و اسم **هو** از قویترین اذکار می‌باشد، ثانیاً معلم کل ما سوی الله، اهل بیت ع می‌باشند و اینگونه از روایات که مثلاً حضرت خضر به حضرت علی علیه السلام تعلیم داده حقیقت و منتهای امر نمی‌باشد بلکه برای رعایت عقول عوام است تا مردم قائل به غلو در اهل بیت ع نشوند، اینگونه امور تقیتا صادر شده یا اینکه حضرت خضر در حقیقت مانند شاگردی در محضر علی ع درس پس داده است.

دارد، تمامی اسامی خداوند اعظم است، اعتراف می‌کنم که هر آنچه در مورد تو گمان برده‌ایم ساخته ذهن ما است و مخلوق ما است، آنچه ما در مورد شما تصور می‌کنیم مانند تصور مورچه در مورد شما است، مورچه در مورد خدا (نعوذ بالله) تصور می‌کند که خداوند حتماً باید دو شاخک داشته باشد و اگر این دو شاخک را نداشته باشد خدا نیست و دلیل این مطلب این است که می‌گوید شاخک داشتن چیز بسیار خوبی است پس خدا هم باید شاخک داشته باشد و اگر نداشته باشد خدا نیست [۴۶]، اعتراف می‌کنم حال عُقَلای انسان‌ها در مورد خداوند مانند حال مورچه در برابر خداوند است، **اسم اعظم مقامی است که بنده در آن مقام مقداری از معرفت باری‌تعالی را به‌صورت حقیقی درک می‌کند، اسم اعظم کنار رفتن پرده از روی لفظ است، اسم اعظم مقام اضطرار عبد نسبت به خداوند است، حقیقت اسم اعظم ولی‌الله الاعظم عج است.**

قطره ۵۲- به دست آوردن اسم اعظم و عاقبت به خیری ۹۶/۷/۲۶

این‌گونه نیست که هر که به مقامی رسید عاقبت به خیر شود، چه‌بسا به مقام اسم اعظم و ازاین‌دست امور برسد اما ناگهان از قله کوه به زیر پرت شود و هلاک گردد، معروف‌ترین این گروه ابلیس می‌باشد آیا او استاد توحید در آسمان‌ها نبود؟ آیا سابقه بدی داشت؟ و عموماً مثل‌هایی که خداوند در قرآن بیان می‌نماید ازاین‌دست امور است، سامری که یکی از دوازده نفری است که در صندوق آتش در انتهای جهنم است از افراد نزدیک به موسی نبوده است؟ آیا برصیصای عابد نیز چنین نبود؟ بلعم باعورا که خداوند او را در قرآن مثالی برای عالم قرار می‌دهد آیا ازاین‌دست نبود؟ بلعم باعورا دارای اسم اعظم بود اما او از هوای نفس پیروی کرد و از علم خود سوءاستفاده می‌کند و در جهت دنیا قدم برداشت و کارش بجایی رسید که شیطان از او تبعیت کرد و تمامی اندوخته الهی را از دست داد، قرآن می‌فرماید: **وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْناهُ آياتِنا فَانْسَلَخَ مِنْها فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطانُ فَكانَ مِنَ الْغاوِينَ وَ لَوْ شِئْنا لَرَفَعْناهُ بِها وَ لكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ**

اتَّبَعَ هَواهُ فَمَثَلُهُ کمَثَلِ الْکلْبِ [۱] و بر آن‌ها بخوان سرگذشت آن‌کس را که آیات خود را به او دادیم ولی خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد و اگر می‌خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانش‌ها) بالا می‌بردیم و لکن او به پستی و خلود در زمین گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد مَثَل او همچون سگ است.» حسین بن خالد از ابی الحسن امام رضا (ع) نقل کرد که آن حضرت فرمود: بلعم باعورا دارای اسم اعظم بود، و با اسم اعظم دعا می‌کرد و خداوند دعایش را اجابت می‌کرد، در آخر به‌طرف فرعون میل کرد، و از درباریان او شد، این بود تا آن روزی که فرعون برای دستگیر کردن موسی و یارانش در طلب ایشان می‌گشت، عبورش به بلعم افتاد، گفت: از خدا بخواه موسی و اصحابش را به دام ما بیندازد، بلعم بر الاغ خود سوار شد تا او نیز به جستجوی موسی برود الاغش از راه رفتن امتناع کرد، بلعم شروع کرد به زدن آن حیوان، خداوند قفل از زبان الاغ برداشت و به زبان آمد و گفت: وای بر تو برای چه مرا می‌زنی؟ آیا می‌خواهی با تو بیایم تا تو بر پیغمبر خدا و مردمی باایمان نفرین کنی؟ بلعم که این را شنید آن‌قدر آن حیوان را زد تا کشت، و همان‌جا اسم اعظم از زبانش برداشته شد، و قرآن درباره‌اش فرموده: **فَانْسَلَخَ مِنْها فَأَتْبَعَهُ الشَّیْطانُ فَکانَ مِنَ الْغاوِینَ** ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد-**خدایا قبل از آنکه گمراهی ما شروع شود مرگ بلکه شهادت را روزی ما گردان.**

قطره ۵۳-اسماءالحسنی و الفاظ آن اسامی ۹۶/۷/۲۶

در قرآن چهار مرتبه تعبیر اسماءالحسنی آمده است. **وَلِلّهِ الأَسْمَاء الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُواْ الَّذِینَ یلْحِدُونَ فِی أَسْمَآئِهِ سَیجْزَوْنَ مَا کانُواْ یعْمَلُونَ** [۲] «و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد پس او را با آن‌ها بخوانید و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گرایند، رها

---

۱ اعراف/۱۷۵-۱۷۶

۲ اعراف /۱۸۰

کنید به‌زودی به [سزای] آنچه انجام می‌دادند کیفر خواهند یافت.» **قُلِ ادْعُواْ اللّهَ أَوِ ادْعُواْ الرَّحْمَنَ أَيا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ الأَسْمَاء الْحُسْنَى وَلاَ تَجْهَرْ بِصَلاَتِک وَلاَ تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَينَ ذَلِک سَبِيلاً** [۱] «بگو خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید هرکدام را بخوانید برای او نام‌های نیکوتر است و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته‌اش مکن و میان این [و آن] راهی [میانه] جوی» **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْاسماءالحسنى** [۲] «خدایی که جز او معبودی نیست [و] نام‌های نیکو به او اختصاص دارد.» **هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاء الْحُسْنَى يسَبِّحُ لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** [۳] «اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نام‌ها از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه تسبیح او می‌گویند و او عزیز حکیم است» - کتاب عدة الداعی از حضرت رضا (ع) و آن بزرگوار از آباء گرام خود نقل فرموده‌اند: خداوند متعال نودونه اسم است که هر که خدا را به آن اسماء بخواند دعایش مستجاب می‌شود و هر که حفظ نماید آن‌ها را داخل بهشت می‌گردد و در خبر دیگر به این مضمون از حضرت صادق (ع) از جناب رسول اکرم (ص) روایت نموده است و آن اسماء مبارکه این است: **اللّهُ الْواحِدُ، الأحدُ، الصمدُ، الأوّلُ، الآخِرُ، السّميعُ، الْبَصيرُ، اَلْقَديرُ، اَلْقاهِرُ، اَلْأعْلى، اَلْباقى، اَلْعَلِيُّ، اَلْبَديعُ، اَلْبارىءُ، الأكرمُ، الظاهرُ، اَلْباطِنُ، الحَىُّ، اَلْحَكيمُ، اَلْعَليمُ، اَلحليمُ، الحفيظُ، اَلْحَقُ، اَلْرائى، اَلسّلامُ، اَلْسَلامُ، اَلْمُؤمِنُ، اَلْمُهيمنُ، اَلْعَزيز، اَلْجَبّارُ، اَلْمُتَكَبرُ، السيّدُ، السّبوح، اَلْشَهيد، اَلْصادِقُ، اَلْصانِعُ، اَلْطاهِرُ، اَلْعَدْلُ، اَلْعَفُّو، اَلْغَفُورُ، اَلْغنىُّ، اَلْغِياثُ، اَلْفاطرُ، آلفرد، اَلْفتّاحُ، اَلْفالِقُ، اَلْمَجيدُ، اَلوَلىَّ،**

---

۱ سورهٔ اسراء ۱۱۰

۲ سورهٔ طه ۸

۳ سورهٔ حشر ۲۴

اَلْمَنّانُ، اَلْمُحیطُ، المُبینُ، الْمُقیتُ، اَلْمصوَّرُ، اَلْکریمُ، اَلْکبیرُ، اَلْکافی، کاشف‌الضُّرَّ، الوِتْرُ، اَلْنُورُ، اَلْوّهابُ، اَلْناصِرُ، اَلْوَدُودُ، اَلْهادِی، اَلْوَفیُّ الْوَکیلُ، اَلْوارِثُ، آلبر، اَلْباعِثُ، اَلْتوّابُ، اَلجلیلُ اَلْخَبیرُ، اَلْخالِقُ، خَیرُالنّاصِرین، اَلْدَّیانُ، اَلْشَکُورُ، اَلْعَظیمُ، اَلْلطیفُ، اَلْشافی[۴۷].

قطره ۵۴-چرا بحث اسماء الله در کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران مطرح می‌نماییم ۹۶/۷/۲۶

آنچه ما ادعا کرده‌ایم و هم‌اکنون هم تصریح می‌کنیم این است که هیچ‌کدام از راه‌های موجود در ایران برای خشک‌سالی نجات‌بخش نیست که در قطرات بعد تک تک راهکارها را نقل و نقد می‌نماییم، راه‌حلی برای ما نجات‌بخش است که سریع بتواند آب را به روستاها برساند، که در این صورت خشک‌سالی برطرف شده و زمینه وابستگی اقتصادی و کشاورزی و دامداری و باغداری به خارج از بین می‌رود که در این صورت از مرگ خاک نیز جلوگیری می‌شود، شغل فراوان می‌شود، بیکاری از بین می‌رود، حتی زمینه افزایش جمعیت تا حد یک میلیارد نفر در ایران فراهم می‌شود، که این هم دریکی از قطره‌ها اثبات می‌کنیم، **هیچ‌کدام از راه‌های موجود منجر به آب‌رسانی به روستاها نمی‌شود، اما از طریق اسماء الله این امر قطعی است و بنده یقین دارم، و بازمی‌گویم درصورتی‌که دروغ گفتم و یا اشتباه نمودم جزای من مرگ است، و اعلام نموده‌ام که کسی حرف بنده را قبول نمی‌کند و اقدام نمی‌نماید مگر اینکه یقین کند، بازگفته‌ام در صورت فراهم آوردن شرایط می‌توانم دو بار این مطلب را نشان دهم و همه یقین کنند (شهود جمعی)**، یک‌بار آن زمانی است که جناب دکتر روحانی قرار بگذارد و در تلویزیون جلوی چشم تمام ملت این دو امر قابلیت نمایش و دیدن پیدا می‌کند (این امر یعنی شهود جمعی نه سحر و نه شعبده و نه چشم‌بندی و نه .....)، امروز هر کس این ادعا را بکند طبیعتاً محکوم به جنون می‌گردد لذا تنها راه این است که تمام ملت و آقای روحانی که مسئول این کار است یقین کنند و بعد عمل شود (در قطره ۲۱ اثبات نمودیم که

مسئولیت این جریان به عهده جناب دکتر روحانی یا هر رئیس‌جمهور دیگر می‌باشد) (لوح سوراخ کردن آسمان ایران که وقت آن گذشت و باید یک سال منتظر بود - انفطار السماء:

۷۸۶ اخ‌ف‌قبا؟ ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن م‌م‌م‌م‌بام‌م‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر ۹۶۶۶ ان شاء الله، و السلام علی من اتبع الهدی)

(لوح پر نمودن نُه شهر جنّی که در زیرزمین ایران وجود دارد:

ی‌هوم‌م‌م‌م‌ف‌ق ۶۶۶ غ‌ح‌ف‌ف ۶۶۶ ی ۶۶ اخ‌ف‌قبا‌اه‌ا‌ادوب‌ا‌اب‌ب‌الحمدلله‌ان شاء الله (اینجا شکلی وجود دارد که بعداً وارد می‌شود)

لازم است بیان کنم در لوح پر نمودن نُه شهر جنی مقدمات بسیاری لازم است که بدون آمادگی کامل نمی‌توان به جنگ آنان رفت، به علت اینکه رفع خشک‌سالی به‌واسطه اسماء الله می‌باشد پس یکی از بحث‌های اصلی ما در این کتاب اسماء الله و حروف می‌باشد.

قطره ۵۵-مقدمه برای نام بردن جدول اسماء الله ۹۶/۷/۲۶

علم اسماء الله این‌گونه نیست که عمومی باشد و حتی در بین پیروان مکتب اهل‌بیت مخالف و موافق دارد، مثلاً مُلاّ حبیب‌الله کاشانی در این زمینه کتابی نگاشته است که به فارسی نیز ترجمه‌شده، کتاب خواص و مفاهیم اسماء الله، البته بسیار دیگری نیز در این زمینه کتاب نوشته‌اند مانند احمدبن علی بونی که کتاب شمس المعارف کبری را نوشته است، اما در این زمینه مطالب بسیاری است که ما این امور را به اهلش و کتب مفصل واگذار می‌نماییم لذا: ۱. ما به موکّل‌های علوی و سفلی هر اسم اشاره نمی‌کنیم. ۲. به مربع‌ها و لوح‌های مخصوص هر اسم اشاره نمی‌کنیم. ۳. عدد هر ذکر برای هر مشکل را اشاره نمی‌کنیم. ۴. شرایط مخصوص هر ذکر را اشاره نمی‌کنیم. ۵. تکسیر اسماء را اشاره نمی‌کنیم. ۶. به ساعت سعد و نحس اشاره نمی‌کنیم. برای اطلاعات بیشتر می‌توان به کتاب اسماءالحسنی مرحوم سبزواری و آثار حافظ شیخ رجب برسی صاحب کتاب مشارق انوار الیقین مراجعه شود، البته در رابطه با اصل این علوم و افرادی که

این علوم را دارا هستند علماء در دو نظریه دارند بعضی تا حد تکفیر مردود می‌دانند و گروهی هم آنان را از معدود موحدین هر دَهر می‌دانند، مثلاً علامه امینی در مورد حافظ بُرسی می‌فرماید: از عرفای علمای امامیه و فقهای آن‌ها بوده که از علوم گوناگون بهره داشته ... مهارتش در علم حروف و اسرار و استخراج فواید آن آشکار است؛ و با همه این‌ها است که کتاب‌های او را پر از تحقیق و دقت نظر درمیابی و او را در عرفان و علم حروف شیوه‌های خاصی است. چنانچه در ولایت ائمه دین علیهم‌السلام آراء و نظرهایی دارد که برخی از مردمان نمی‌پسندند و از همین روی او را به غلو زیاده‌روی نسبت داده‌اند ولی حق این است که تمامی شئونی را که نام‌برده و در مورد اهل‌بیت عصمت اثبات کرده است پایین‌تر از مرتبه غلو غیر از درجه نبوت است۴۸. ولی علامه مجلسی نظری منفی دارد، بعضی اشکال کرده‌اند که چرا حافظ برسی بر علم حروف تکیه کرده است که جواب‌ها داده‌شده است مثلاً علامه امینی موارد نقضی را که علماء اعتماد نموده‌اند را ذکر کرده است، به‌هرحال در حدیث منسوب به علی ع است که **قال امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): سأل رسول‌الله صلی الله علیه وآله وسلم: ما تفسیر ابجد؟ فقال: تعلموا تفسیر أبجد فإن فیه الاعاجیب کل‌ها، ویل لعالم جهل تفسیره** ۴۹. مضمون حدیث این است که از رسول خدا ص در مورد ابجد سؤال شد، حضرت فرمودند تفسیر ابجد را یاد بگیرید که در آن مطالب بسیار عجیبی می‌باشد، وای به حال عالمی که تفسیر آن را نداند- به‌هرحال آنچه ما میگوییم اگرچه که از بین علمای اعلام مخالف دارد اما در آن‌طرف نیز علمای اعلام دیگری نیز مروج این علوم هستند، کما اینکه حضرت امام رحمت‌الله علیه در اول انقلاب تفسیر قرآنی را شروع کردند که مخالفانی داشت که درنهایت منجر به تعطیلی آن تفسیر گردید۵۰، حال آیا تفسیری را که امام شروع کردند نعوذبالله باطل بود؟ لذا ما آنچه را که بطلانش یقینی است را قبول نمی‌کنیم و آنچه منافاتی با شرع ندارد و چه‌بسا حکمت باشد را اخذ می‌نماییم چراکه در بیان اهل‌بیت عصمت و طهارت واردشده است: رسول اکرم (ص) می‌فرماید: حکمت حقیقت گمشده مؤمن است. آن را هر جا و نزد هر کس پیدا کند می‌گیرد و خودش را از او سزاوارتر می‌داند ۵۱. همچنین امام علی (ع) می‌فرماید حکمت را دست هرکسی دیدید ولو دست مشرک دیدید بگیرید که در دست او عاریه است. امام علی علیه‌السلام: حکمت، گمشده مؤمن است؛ پس آن را

بجویید گر چه نزد مشرک باشد زیرا که شما بدان سزاوارتر و شایسته‌ترید. امام علی علیه‌السلام: حکمت، گمشده مؤمن است؛ پس، آن را گر چه از منافقان، فراگیرید ۵۲. امام علی علیه‌السلام: حکمت را هرکجا باشد فراگیرید؛ زیرا حکمت در سینه منافق می‌باشد و پیوسته ناآرام است تا ازآنجا خارج‌شده در سینه مؤمن، در کنار صاحب خود آرام گیرد ۵۳. حضرت مسیح علیه‌السلام فرمودند: اگر چراغی بیابید که در دل شب با قطران (روغن بدبو) می‌سوزد، از نور آن بهره می‌گیرید و بوی بد آن، مانع این کار شما نمی‌شود، همچنین شایسته است که شما حکمت را در هر که یافتید، فراگیرید و بی‌رغبتی او به آن، مانع شما نشود ٥٤. امام زین‌العابدین علیه‌السلام: بیرون کشیدن مرواریدی گران‌بها از میان زباله‌های کثیف را کاری پست و حقیر مشمار؛ زیرا پدرم فرمود: شنیدم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: سخن حکمت‌آمیز، به عشقِ قرار گرفتن در جایگاه واقعی خود، در سینه منافق بی‌تابی می‌کند تا آنگاه‌که بیرون افکنده شود و مؤمن که بدان سزاوارتر و شایسته‌تر است، آن را می‌شنود و می‌رباید ٥٥.- مخصوصاً اینکه آنان که از این امور سخن گفته‌اند ذوب در توحید ولایت می‌باشند و چه‌بسا برای آنان پرده‌ها کنار رفته باشد و از صاحبان اصلی این علوم علوم را دریافت کرده باشند [1]. رزقنا و ایاکم.

قطره ۵۶-جدول اسماءالحسنی: بیان اجمالی در مورد اسماءالحسنی عدد و خواص هر یک از اسماء الله [2] ۹۶/۷/۲۶

شمار	اسم	ترجمه	عدد	خواص مداومت بر اسم با

۱ در کتاب نقطه در این رابطه توضیح داده‌ایم

۲ بین اسم و اثر ارتباط بر قرار می‌باشد، اثر ذکر با چله گرفتن چند برابر می‌شود و علمای این فن چله‌های زیادی را بیان نموده‌اند، یکی از روشهای متداول این است که ۴۰ روز با شرایط خاصی آن اسم و ذکر به تعداد ابجدش قرائت شود.

۵				شرایط خاصی که باید به کتب مفصل مراجعه کرد- منبع اسماء الله الحسنی
۱	**هو**	اشاره به غایب	۱۱	صاحب یقین-علم دین-اهل معرفت- بی‌نیازی و غنا-
۲	**الله**	جامع تمام اسماء	۶۶	استجابت دعا - مشاهده امور شگفت- بلغم زدا - کسب برکت- فتوحات و پیروزی- تسخیرات
۳	**الواحد**	بسیط	۱۹	عزت- دل نورانی- پیدا کردن گم شده-مهربان شدن دشمن
۴	**الاحد**	مجرد	۱۳	انقطاع از خلق- رهایی از کثرات- دیدن امور عجیب- ایمنی از عذاب قبر - کشف اسرار
۵	**الصمد**	بی‌نیاز	۱۳۴	رفع گرسنگی- بی‌نیازی- حفظ از احتلام- درد مار و عقرب- خوف و بیم- اهل یقین- زیادی روزی
۶	**الاول**		۳۷	حاضر شدن غایب- جلوگیری از سقط بچه- انقیاد و اطاعت خلق- اضمحلال دشمن
۷	**الآخر**	بدون فنا	۸۰۱	غلبه بر خصم- عزت و هیبت- دوام کار- صفای باطن- پی بردن به اسرار مکنونه-بینایی به‌ظاهر و باطن موجودات-

۸	**السمیع**	شنوا	۱۸۰	استجابت دعا- موجب شنیده شدن کلام در بین مردم- مردم مطاع او شوند- نامش به نیکی یاد شود
۹	**البصیر**	بیننده	۳۰۲	رفع شب‌کوری- دفع قساوت قلب- بینایی در امور دنیا و آخرت- بینایی بر ضمایر- رسیدن به مقصد
۱۰	**القدیر**	توانا	۳۱۴	غلبه بر خصم- قوت قلب- تسلط بر امور- دوام ملک- جاه و منصب- منزلت در نزد بزرگان
۱۱	**القاهر**	غالب - فنا کننده	۳۰۶	بیرون رفتن دوستی دنیا از دل- غلبه بر دشمن-صفای باطن- دفع هم و غم-نفرین بر دشمن-رد امانت
۱۲	**العلی**	صاحب قدر و شأن	۱۱۰	صاحب آبرو منزلت- برای دولت-رفع فقر و قضای دین- صلح در بین محاکمه-پیروزی در مقام
۱۳	**الاعلی**	صاحب علوّ، رفعت	۱۱۱	محبوب قلوب شدن- برگشتن مسافر به‌سلامتی-حمل پسر-شفا از مریضی-

۱۴	**الباقی**	بدون فنا و نابودی	۱۱۳	طول عمر - دوام عمارت- استجابت دعا -
۱۵	**البدیع**	پدیدآورنده کائنات	۸۶	کسب معرفت - درست شدن کارها و امور - استجابت دعا حتی ...- کشف علوم غریبه -
۱۶	**الباری**	آفریننده خلایق	۲۱۳	در امان ماندن پوسیده شدن بدن در قبر - خلاصی از تنهایی- فرزند دار شدن- تکثیر حیوانات- هم‌نشینی با ملائکه- بستن زبان بدگو- دیدن جمعیت ارواح- برگشت به منصب عزل شده- برکت در عمر
۱۷	**الاکرم**	صاحب کرم- عفو	۲۶۱	رسیدن به مقاصد دنیا و آخرت- حصول عزت و کرامت- رسیدن به مقصد دنیا و آخرت - عزت و کرامت
۱۸	**الظاهر**	پیدا بودن قدرت	۱۱۰۶	غلبه بر دشمن - حفظ از نابینایی- ظهور امور پنهان و گمشده- نورانی شدن دل از خواب غفلت
۱۹	**الباطن**	دور از فهم خلایق	۶۲	اطلاع از اسرار مکنونه -
۲۰	**الحی**	زنده	۱۸	رسیدن به مقام بلند و حیات جاودان - شفا از مریضی - ایمنی

				کشت از آسیب - طول عمر- مال زیاد- روزی سخت- محبوب دل‌ها شدن- مقبول الکلام شدن - تبدیل سختی به‌آسانی- زنده شدن دل
۲۱	**الحکیم**	دارای فعل محکم	۷۸	زیادشدن کشت و زرع - پیدا نمودن حکمت - راست آمدن کارها - دانستن مجهولات- دوام دولت مال- آسان شدن دشواری و رفع غربت - تنگی معیشت -
۲۲	**العلیم**	دانا به همه اشیاء	۱۵۰	فتوحات قلبیه- اطلاع بر معارف- برآورده شدن حاجات- دقایق علم‌ها و خفیات اسرار - علم حکمت
۲۳	**الحلیم**	عفو باوجود قدرت	۸۸	ایمنی از خوف - برکت کشت و کشاورزی- آرامی دل- فروخوردن خشم- فرونشستن خشم سلطان- ایمنی از اخلاق ذمیمه مانند کبر و حسد بخل - مهربانی افراد- محبوب خلایق شدن- سخن مقبول
۲۴	**الحفیظ**	نگه‌دارنده از	۹۹۸	کسی که از مهلکه خائف

		تلف		است- ایمنی از غرق و آتش و سایر مهلکات حتی حیوانات دریا و زمین - دوری از وساوس شیطان و خوف از سلطان و بیم مار و عقرب و خیالات فاسد - مرگ دفعی و ناگهانی
۲۵	**الحق**	وجود از خودش	۱۰۸	خلاصی از طلبکار- پیدا شدن گمشده و غایب- احقاق حق - دل نورانی - صفای باطن - کشف ضمیر
۲۶	**الحسیب**	دانا به موجودات	۸۰	نجات - برآورده شدن حاجت- تمام شدن امور پیچیده- دفع شر سخن‌چینان و حاسدان- دفع دشمن قوی- ایمنی مال و فرزند از نکبت‌ها و آسیب‌ها- مهربان شدن سلطان-
۲۷	**الحمید**	دارای صفات نیکو	۶۲	برطرف شدن اخلاق ناپسند - برطرف شدن حالت فحش به تقوی- ایمان- شهرت به صلاح- محترم شدن- نعمت فراوان- برآورده شدن حاجت- قبول دل‌های سخت شدن-مسرور شدن- شهرت-
۲۸	**الحفی**	دانا و مهربان	۹۸	آگاهی بر ضمایر

۲۹	**الرب**	تربیت‌کننده	۲۰۲	حفظ اولاد - برای امور مهم و استجابت دعا- رفعت و جاه و حشمت و محبت و قدرت- رفع مکر-
۳۰	**الرحمن**	رحمت عام	۲۹۸	موردعنایت حق گردد- مخلوقات دوست او شوند- دشمن بر او مهربان شود- بی‌قراری مطلوب- حفظ
۳۱	**الرحیم**	رحمت بر مؤمن	۲۵۸	حوایج دنیا و آخرت- مهربانی با خلق- گشایش در کار- شفای مریض- حصول محبت - حفظ از شیطان
۳۲	**الذاری**	خالق و آفریننده	۹۱۱	برگشتن غایب- استجابت دعا - رسیدن به‌مراتب عالی - ظاهر شدن مرید- صاحب ریاست و حشمت
۳۳	**الرازق**	بسیار روزی دهنده	۳۰۸	باز شدن روزی دنیایی و اخروی و علوم - برکت- دور شدن فقر- توانگری و دولت -حاصل شدن مقصود
۳۴	**الرقیب**	نگه‌دارنده	۳۱۲	مخصوص شعیب بوده که گوسفندان او حفظ می‌شدند- دفع

				شر دشمن قوی- حفظ مال و اهل‌وعیال
۳۵	**الروءف**	مهربان	۲۸۶	خاضع شدن ظالم- نجات مظلوم از حبس-تسخیر انسان-
۳۶	**الرائی**	بیننده	۲۲۱	حصول معرفت و بصیرت-
۳۷	السلام	منزه از عیب	۱۳۱	دوری از اخلاق ذمیمه- شفا و سلامتی و دفع آفات- مهربان شدن دشمن- ایمنی از بیماری-
۳۸	**المومن**	ایمن کننده از عذاب	۱۳۶	ایمنی از شر جن و انس- دوری از وسواس- حفظ از شیطان- ظفر بر دشمن- حفظ از شالم- هیبت در نظر دشمن-
۳۹	**المهیمن**	شاهد نَهانها-امین	۱۴۵	پیدا کردن صفت باطن برای اطلاع از حقایق - اسرار باطنی- اطلاع بر قلوب- صفای باطن- ثروت و غنا و دولت
۴۰	**العزیز**	غالب و مستولی	۹۴	غنا و بی‌نیازی از خلق- کشف اسرار کیمیا و سیمیا- عزت- دولت عظیم- شرافت و احترام- منصب عالی- عزت دنیا و آخرت- ادای دین- مهربان شدن دشمن مکار- فهم و حافظه و تقرب به سلطان- پیروزی بر دشمن-دوری از بلا- بیرون‌شدن خوف- شکوه

				در نزد حکام- اطاعت خلق-
۴۱	**الجبار**	جبران‌کننده - دور از دسترس همگان	۲۰۶	ایمنی از شر ستمکاران- درمان دردها- خاضع شدن جن و انس- دوام سلطنت و مملکت نافع - حفظ از مکار و حسود و ستم
۴۲	**المتکبر**	بزرگ و باعظمت	۶۶۲	بزرگی و رفعت و شوکت - خضوع متکبر و جبار- عزت- خلاصی از زندان- شفای مریض- فرزند صالح
۴۳	**السید**	پادشاه واجب الطاعه	۷۴	بزرگی و شرافت-
۴۴	**السُبّوح**	بی‌عیب و نقص	۷۶	دارا شدن صفات ملکی - دوری از شر شیطان- صلوات خدا و ملائک را به همراه دارد
۴۵	**الشهید**	همه‌چیز را گواه حاضر کنار هر موجود	۳۱۹	اطلاع از غیب-
۴۶	**الصادق**	راست‌گو در قول و عمل	۱۹۵	حصول صدق و صفای باطن-دوری از لغو-
۴۷	**الصانع**	خالق‌پسند کننده	۲۱۱	استوار شدن صنعت -

۴۸	**الطاهر**	منزه از صفات خلایق	۲۱۵	حصول اخلاق پسندیده و رهایی از اخلاق رذیله و پست - تسخیر ارواح-
۴۹	**العدل**	دور از ظلم و دارای فعل محکم	۱۰۴	دارا شدن خزینه اسرار الهی-
۵۰	**العفو**	قدرتمندی که بی‌جهت انتقام نگیرد	۱۵۶	آمرزش گناهان و توفیق توبه
۵۱	**الغفور**	آمرزنده و پوشاننده گناهان	۱۲۸۶	برطرف شدن وسواس- آمرزش گناهان - حفظ از بلاها و ضرر- محو آثار سوء عمل زشت-
۵۲	**الغنی**	بی‌نیاز در ذات	۱۰۶۰	کثرت روزی - غنا و دولت بی‌حساب- تجارت سودمند - خلاصی از بلیات و ادای دین - دوری از فقر- مقام استجابت دعا- محبوب قلوب شدن- علم و حکمت-
۵۳	**الغیاث**	فریادرس بی‌کس	۱۵۱۱	دوری از وحشت تنهایی و خلاصی از بلیّات- روا شدن حاجت- رفع سختی- رهایی از ظالم- عزت
۵۴	**الفاطر**	خلق‌کننده جدید	۲۹۰	برآورده شدن مهمات- حاجت‌روایی- حفظ از آفت- وارد

				شدن به بهشت ...
۵۵	**آلفرد**	بی‌همتا- یگانه	۲۸۴	خلاصی از کثرت جماعت- برای طالب انزوا- انقطاع و خلاصی از هجوم خلق-
۵۶	**الفتاح**	حکم کننده- گشاینده خزاین	۴۸۹	بیرون‌شدن حجاب- صفای قلب به نور علم - باز شدن عالم غیب- فتح عظیم در کارها- رفع گرفتاری- دولت- وسعت معاش- فتح و نصرت بر دشمن-
۵۷	**الفالق**	شکافنده ظلمت عدم به نور	۲۱۱	پیدا شدن راه گمشده
۵۸	**القدیم**	سابق بر همه	۱۵۴	طول عمر و سلامت بدن
۵۹	**الملک**	متصرف در عالم و بی‌نیاز	۹۰	دولت و سلطنت - روا شدن حوایج دنیا و آخرت- حصول جاه و غنی و دولت - مقام پادشاهی و سلطنت ظاهر و باطن- بزرگی- اسرار غیبیه- محبت خلایق- رزق و روزی-
۶۰	**القدوس**	منزه از عیب و نقص	۱۷۰	پاک شدن باطن از رذایل - صفا و ثبات نفس - دوری از وسوسه و مکر- امداد ملائکه

۶۱	**القوی**	قدرتمند کامل	۱۱۶	دفع شر دشمن- پیروزی- قوت و توانایی
۶۲	**القریب**	نزدیک به همه‌چیز	۳۱۲	ایمنی از آفات و بلیات و دشواری‌ها و آسانی امور- گشوده شدن امور بسته
۶۳	**القیوم**	هستی از خودش	۱۵۶	تصفیه قلب- (جدا شدن روح از بدن این بند از خودم می‌باشد)
۶۴	**القابض**	تنگ گیرنده-قبض کننده	۹۰۳	جلال و هیبت- برآورده شدن حاجت- دفع و هلاکت و آواره شدن دشمن- نجات از سختی‌های قیامت
۶۵	**الباسط**	بازکننده روزی	۷۲	کثرت نعمت و حصول دولت - محبوب قلوب شدن-خواص غریب-رفع پریشانی و فقر- بیرون‌شدن غم-
۶۶	**قاضی الحاجات**	براورنده حاجات	۱۳۵۵	حاجت‌روا شدن
۶۷	**المجید**	بزرگوار، معظّم	۵۷	شفای دردها، نورانیت دل
۶۸	**الولی**	یاری کننده مؤمنین	۴۶	دوستی، ایمنی از دزد، ایمنی از غرق و آتش و قهر سلطان و عزل از منصب و بلیات
۶۹	**المنان**	انعام کننده	۱۴۱	ایمنی از خوف، رسیدن به نعمت، دفع تنگدستی و فقر،

				خواص غریبه، ادای قرض
۷۰	**المحیط**	مستولی بر اشیاء	۶۷	حصول معرفت، غلبه بر خلایق
۷۱	**المبین**	آثار قدرت ظاهر	۱۰۲	محبت و احقاق حق
۷۲	**المقیت**	آفریننده خوراک	۵۵۰	توسعه رزق
۷۳	**المصور**	آفریننده صورتها	۳۳۶	فرزند پسر صالح برای نازا،
۷۴	**الکریم**	کثیر الخیرات	۲۷۰	روزی شدن از جایی که گمان نمی‌رود، به اسم الاکرم مراجعه شود
۷۵	**الکبیر**	بزرگ‌تر از گمان	۲۳۲	
۷۶	**الکافی**	کفایت‌کننده	۱۱۱	کفایت امور مهم، دفع شر دشمنان
۷۷	**کاشف الضر**	برطرف‌کننده ضرر	۱۴۳۲	رفع هم و بیماری و فقر، اجابت‌کننده دعای گرفتار
۷۸	**الوتر**	بی‌همتا، تَک	۶۰۶	انقطاع از خلق
۷۹	**النور**	روشنی‌بخش انوار	۲۵۶	تصفیه باطن، دوام ملک، بقای نام نیک، محبوبیت نزد مردم

۸۰	**الوهاب**	بخشنده بدون عوض	۱۴	بی‌نیازی از خلق خدا، برطرف شدن فقر، این اسم کبریت احمر است، پاسخ مثبت خلایق به او
۸۱	**الناصر**	یاری‌دهنده	۳۴۱	پیروزی بر دشمن، برآورده شدن حاجات،
۸۲	**الواسع**	رحمت فراگیر	۱۳۷	وسعت رزق و زیادی عمر،
۸۳	**الودود**	دوست دارنده	۲۰	دوست مردمی که با یکدیگر دشمن‌اند، محبوب خلایق شدن
۸۴	**الهادی**	راهنما	۲۰	اطلاع بر ضمایر افراد، انکشاف حقیقت‌ها
۸۵	**الوفی**	وفا کننده عهد	۹۶	راست آمدن وعده، زیادی مال
۸۶	**الوکیل**	وکیل و کفایت‌کننده	۶۶	ایمنی از آتش و غرق، دفع دشمن، تبدیل فقر به غنی، دوری مار و عقرب،
۸۷	**الوارث**	باقی و مالک اشیاء	۷۰۷	بقای نسل، روا شدن حاجت
۸۸	**البَرّ**	مهربان و عطوف	۲۰۲	در امان ماندن فرزند از آفت،
۸۹	**الباعث**	زنده کننده مردگان	۵۷۳	زنده شدن باطن و دل نورانی،
۹۰	**التواب**	قبول توبه بندگان	۴۰۹	قبولی توبه دفع وسوسه و آفت جن،

۹۱	**الجواد**	کثیر الانعام	۱۴	دفع صفت بخل، و پستی طبع
۹۲	**الجلیل**	سید و عظیم	۷۳	عزیز و محترم شدن، حصول بزرگی و حشمت، رسیدن به تقرب در نزد پادشاه،
۹۳	**الخبیر**	آگاه بر همه امور	۸۱۲	خبردار شدن توسط روحانیون از امور پنهانی، علوم پنهانی، ایمنی از شر نفس و حسود و مکر دشمن، علم به ضمیر مردم و اسرار پنهان
۹۴	**الخالق**	آفریننده اشیاء	۷۳۱	رسیدن به علوم حکیمه و معارف الهی و دقایق معانی، قبول دعا،
۹۵	**خیر الناصرین**	بهترین یاری کننده	۱۲۴۲	غلبه بر دشمن
۹۶	**الدیان**	جزا دهنده	۶۵	صفای باطن دیدن ملائکه و رجال الغیب، رد امانت، بازگشت غایب،
۹۷	**الشکور**	جزا دهنده	۵۲۶	ایمنی از مکر خلایق، دفع غم و کدورت، وسعت معیشت، صفای باطن پاکی دل از غلّ و غش و حقد
۹۸	**العظیم**	بزرگوار	۱۰۲	حصول جاه و عظمت و هیبت

			۰	و شوکت در نزد خلایق، ادای دین، وسعت در روزی لطیف شدن غضبناک
۹۹	**الطیف**	نیکی کننده، عالم به غوامض اشیاء	۱۲۹	وسعت رزق و روزی، ایمنی از غصه و غم، شفا از بیماری

قطره ۵۷-جدول ولایت تاریخ ۹۶/۷/۲۹

نام محمد صل الله علیه و آله و سلم عدد ۹۲ لقب ابوالقاسم عدد ۲۴۱ کنیه ابوالقاسم عدد ۲۴۱ مادر آمنه سلام‌الله علیها عدد ۹۶ زندگی ۶۳ سال رهبری ۲۳ شهادت زهر، زن یهودی توسل خاص اطاعت و رضایت خداوند

نام علی علیه‌السلام عدد ۱۱۰ لقب مرتضی عدد ۱۴۵۰ کنیه ابوالحسن عدد ۱۵۸ مادر فاطمه سلام‌الله علیها عدد ۱۳۵ زندگی ۶۳ سال رهبری ۳۰ سال شهادت توسط شمشیر ابن ملجم لعنت الله علیه توسل خاص انتقام از دشمن، کسب علم

نام فاطمه علیها السلام عدد ۱۳۵ لقب خیرالنساء عدد ۹۵۲ کنیه‌ام الائمه عدد ۱۱۸ مادر خدیجه سلام‌الله علیها عدد ۶۲۲ زندگی ۱۸ سال رهبری ... سال شهادت توسط ضربات قنفذ ل توسل خاص اطاعت و رضایت خداوند

نام حسن علیه‌السلام عدد ۱۱۸ لقب مجتبی عدد ۴۵۵ کنیه ابو محمد عدد ۱۰۱ مادر فاطمه سلام‌الله علیها عدد ۱۳۵ زندگی ۴۷ سال رهبری ۱۰ سال شهادت توسط زهر جعده توسل خاص اطاعت و رضایت خداوند

نام حسین علیه‌السلام عدد ۱۲۸ لقب سیدالشهدا عدد ۴۱۵ کنیه ابوعبدالله عدد ۱۵۱ مادر فاطمه سلام‌الله علیها عدد ۱۳۵ زندگی ۵۷ سال رهبری ۱۱ سال شهادت توسط شمر توسل خاص اطاعت و رضایت خداوند

نام علی علیه‌السلام عدد ۱۱۰ لقب زین‌العابدین عدد ۲۳۵ کنیه ابومحمد عدد ۱۰۱ مادر شهربانو سلام‌الله علیها عدد ۵۶۴ زندگی ۵۶ سال رهبری ۳۲ سال شهادت توسط زهر هشام توسل خاص مقابله با ظالم و شیطان

نام محمد علیه‌السلام عدد ۹۲ لقب باقر عدد ۳۰۳ کنیه ابوجعفر عدد ۳۶۲ مادر فاطمه سلام‌الله علیها عدد ۱۳۵ زندگی ۵۷ سال رهبری ۱۹ سال شهادت توسط زهر ابراهیم توسل خاص امور آخرت

نام جعفر علیه‌السلام عدد ۳۵۳ لقب صادق عدد ۱۹۵ کنیه ابوعبدالله عدد ۱۵۱ مادر ام فروه سلام‌الله علیها عدد ۳۳۲ زندگی ۶۵ سال رهبری ۲۴ سال شهادت توسط زهر منصور توسل خاص امور آخرت

نام موسی علیه‌السلام عدد ۱۱۶ لقب کاظم عدد ۹۶۱ کنیه ابوالحسن عدد ۱۵۸ مادر حمیده سلام‌الله علیها عدد ۶۷ زندگی ۵۵ سال رهبری ۳۵ سال شهادت توسط زهر هارون توسل خاص برای بیماری و شفا

نام علی علیه‌السلام عدد ۱۱۰ لقب رضا عدد ۱۰۰۱ کنیه ابوالحسن عدد ۱۵۸ مادر نجمه سلام‌الله علیها عدد ۹۸ زندگی ۵۵ سال رهبری ۲۰ سال شهادت توسط زهر مأمون توسل خاص نجات مشکلات انواع سفرها

نام محمد علیه‌السلام عدد ۹۲ لقب جواد عدد ۱۴ کنیه ابوجعفر عدد ۳۶۲ مادر خیزران سلام‌الله علیها عدد ۸۶۸ زندگی ۲۵ سال رهبری ۱۷ سال شهادت توسط دختر مأمون توسل خاص وسعت رزق و روزی

نام علی علیه‌السلام عدد ۱۱۰ لقب هادی عدد ۲۰ کنیه ابوالحسن عدد ۱۵۸ مادر سمانه سلام‌الله علیها عدد ۱۵۶ زندگی ۴۳ سال رهبری ۳۳ سال شهادت توسط متوکل توسل خاص امور معنوی و عبادت

نام حسن علیه‌السلام عدد ۱۱۸ لقب عسکری عدد ۳۶۰ کنیه ابومحمد عدد ۱۰۱ مادر حدیثه سلام‌الله علیها عدد ۵۲۷ زندگی ۲۸ سال رهبری ۶ سال شهادت توسط معتمد توسل خاص امور آخرتی

نام مرحمد عجل الله تعالی فرجه الشریف عدد ۹۲ لقب مهدی عدد ۵۹ کنیه ابوالقاسم عدد ۲۴۱ مادر نرجس سلام‌الله علیها عدد ۳۱۳ سال رهبری از سال ۲۶۰ ه ق سال شهادت ولی اختلافی است، آنچه مختار ماست اینکه ظالمی نیست که بخواهد او عج را شهید کند. توسل خاص تمامی حاجات و نیازها

قطره ۵۸- بارش باران و برطرف نشدن خشک‌سالی ۹۶/۷/۳۰

ما فکر می‌کنیم باران‌های کنونی ما را از خشک‌سالی بیرون کرده است و یا بیرون خواهد کرد، بنده گزارش‌های مختلفی را تهیه نمودم که امسال (سال ۹۶) که در ابتدای سال باران‌های خوبی آمد ولی تأثیری بر روی کشاورزی ما نداشته و کشاورزان و دامداران و باغدارها عنوان کردند، بااینکه باران آمد ولی بر روی آب ما تأثیری نداشت و همچنان چاه‌ها و قنات‌های ما کم آب هستند، دلیل این مطلب این است باران دو نوع داریم بارانی که برکت است و بارانی که تنها خرابی به همراه دارد، آیا آبی که در زمان حضرت نوح از زمین جوشید و از آسمان فروریخت برکت بود؟ برای مؤمن برکت و برای گنه‌کاران عذاب بود، در الگوهای آخرالزمانی باران‌هایی داریم که عذاب است، یعنی در زمان خشک‌سالی باران می‌آید ولی خرابی به همراه دارد، زمین را از بین می‌برد، درخت و خانه را از بین می‌برد، سیل به راه می‌اندازد، جان انسان‌ها را می‌گیرد، ولی همچنان خشک‌سالی برجاست، دلیل این مطلب این است که فرایندی در زمین‌شناسی است که به آن فرونشست زمین میگویند، در لسان دینی به این مطلب خَسف میگویند که بعداً توضیح می‌دهیم، به‌صورت ساده این‌گونه است که: در اثر خشک‌سالی طولانی خاک نشست می‌کند، نشست خاک یعنی فشرده شدن خاک که روزنه‌های بین خاک پُر می‌شود، لذا حجم خاک پایین میاید، در اینجا خاک سفت می‌شود مثلاً مثل سنگ می‌شود، وقتی خاک چنین شد، حاصلخیزی خود را از دست می‌دهد، چون چند اتفاق افتاده یکی اینکه به داخل خاک هوا نمی‌رسد و در اثر بی‌آبی موجودات زنده داخل خاک نیز

می‌میرند در اینجا خاک **معدنیات خود را نیز از دست می‌دهد** در اینجا **خاک می‌میرد**، کشاورزان می‌گویند **خاک برکت خود را ازدست‌داده**، این روند کار را به‌جایی می‌رساند که سانت سانت **مردن خاک عمق پیدا می‌کند** و داخل زمین می‌شود، در این حالت اگر باران بیاید دیگر نمی‌تواند در زمین نفوذ کند، لذا اگر باران بیاید ضریب نفوذ در زمین نخواهد داشت، لذا باران میاید ولی نفوذ نداریم، لذا سیل جاری می‌شود و خرابی به بار میاورد و دوباره بخار می‌شود و به آسمان می‌رود، در دعای مربوط به آقا امام زمان عج آمده است **اَلهی ِعَظُمَ الْبَلاءُ وَبَرِحَ الْخَفاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطاءُ و انقطع الرجاء وَضاقَتِ الاَرْضُ وَمَنَعَتِ السّماءُ** [۵۶] خدایا بزرگ شد بلا و گرفتاری و آشکار شد راز پنهانی و پرده از روی کار برافتاد و زمین (بر ما) تنگ شد و آسمان خودداری کرد- اگرچه این متن تأویل و تفسیرهای مختلفی می‌تواند داشته باشد اما یکی از آن مباحث مربوط به بحث خودمان است که زمین تنگ‌شده، حجم خاک پایین آمده، زمین سفت شده و آسمان هم نمی‌بارد و این بلای عظیمی است، **به‌هرحال باران هم ببارد چون زمین سِفت شده به داخل زمین نفوذ نمی‌کند، لذا سفره‌های زیرزمینی پر آب نمی‌شود، ایران از بیشترین و سریع‌ترین کشورهایی است که خاک خود را از دست می‌دهد و دیگر این خاک حاصلخیز نمی‌باشد و سفره‌های فسیلی زیرزمینی خود را نیز از دست می‌دهد.**

قطره ۵۹-تحلیلی از خشک‌سالی در ایران ۹۶/۸/۱

این بحث بحثی طولانی و جنجالی دارد، **چرا در تنها مملکتی که مدل حکومتی الهی دارد خشک‌سالی شده است**؟ ما که معتقد به غیب و جریانات غیبی هستیم **نمی‌توانیم عنصر غیب را در نظر نگیریم**، بلکه عنصر غیب است که جریانات مادی را ورق میزند، **ما اعتقادات به سِرّ شب قدر داریم که تقدیرات ازآنجا رقم می‌خورد**، اعتقاد ما این است خشک‌سالی به خداوند عالم و اهل‌بیت عصمت و طهارت ارتباط دارد، کسی اگر این‌گونه فکر نکند

باید اسم اسلام را از روی خود بردارد، عقیده بنده بر این است که **گناه کلان سبب شد ایران وارد خشک‌سالی کلان گردد**، این جریان بعد از قطعنامه شدت گرفت جریانات از جام زهر شروع می‌شود (بازشده این جریان بعد از رفع خشک‌سالی از طریق غیرعادی است که همگان را به تکاپو خواهد انداخت ان‌شاءالله) اهل تحقیق سال‌های شدت خشک‌سالی در ایران را تحقیق نمایند این مطلب را می‌یابند، امام به همراه تعداد معدودی تنها می‌شود، جام سر کشیده می‌شود، امام رحلت می‌نماید، **اختلاف طبقاتی شروع می‌شود**، آرمان‌های انقلاب و شعار جنگ جنگ تا رفع کل فتنه از جهان به شعارهای دیگر تبدیل می‌شود، **مسئولین به فکر زراندوزی می‌افتند** و هیچ قدرتی جلودار آنان نیست، مردم نگاهشان به عاملین جامعه اسلامی است، بین مردم و مسئولین دوری و جدایی می‌افتد، **جامعه دچار وارونگی فرهنگی می‌شود،** زیرا **مردم بر دین مُلوک خود هستند**، فقیر فقیرتر و غنی غنی‌تر می‌شود، منصب برای اهلش طُعمه می‌شود، پس گناه زیاد می‌شود، به اسم اسلام گناه رواج پیدا می‌کند در اینجا ظلم اجتماعی مسئولین زیاد می‌شود و در اینجا خدا خشم می‌کند و جامعه را دچار خشک‌سالی می‌نماید، روند خشک‌سالی این‌گونه است که مدیران جامعه باید جامعه را اداره کنند و مردم را راضی نگه‌دارند اما زمانی که خدا می‌بیند به اسم دین گناه می‌شود و از دست مردم نیز کاری برنمی‌آید، خداوند مدیران جامعه را به چالش می‌کشد یعنی جامعه دچار خشک‌سالی می‌شود و خشک‌سالی مشکل اقتصادی و نتیجه آن نارضایتی عمومی را به همراه دارد که نتیجه نارضایتی عمومی حرکت به سمت تغییر نظام می‌باشد که **تغییر نظام گاهی تند است و گاهی نرم**، پس زمانی که دولت‌مردان ظلم کنند خداوند به‌واسطه خشک‌سالی وسایل تغییر نظام را مهیا می‌کند تا این نعمت را از دست آنان بگیرد، این روال عادی ادامه خشک‌سالی است، این تجلی اسماء الله در جامعه است که دائماً خداوند در جامعه اسمی بعد از اسمی تجلی می‌کند (بعداً توضیح داده می‌شود) ولی **رسماً اعلام می‌کنم بنده در اینجا به یک معجزه الهی اعتقاددارم که تمام امور عادی را متحول می‌کند** و آن آمدن آب و غرق شدن تمامی نفوذی‌های منافقی است که درون نظام لانه کرده‌اند، چراکه بنده باجان و دل به این نظام اعتقاد دارم و اگر اعتقاد نداشتم هیچ‌گاه برای کمک به‌نظام اقدامی به این پراهمیتی را که نقطه اصلی تغییر در حکومت اسلامی و طی

نمودن پیچ تاریخی است را در اختیار نظام قرار نمی‌دادم، حال ممکن است کسانی فهمیده و یا نافهمیده بر من خرده بگیرند که چرا این مطلب را در مورد مسئولین گفتی، توضیح می‌دهم بنده امری کلی را بیان کرده‌ام که تمامی معتقدین به‌نظام آن را تأیید می‌کنند، قطعاً ما در سطوح بالای حکومت افراد فاسدِ نفوذیِ وابسته منافقِ محبِّ دنیا که به فکرِ شکم و امیال خود هستند داریم که متأسفانه تأثیرگذار و کماکان در پی پیشبرد اهداف خود هستند، اگر کسی قبول ندارد پاسخ دهد: چه کسانی کلاهی‌ها (کشمیری‌ها) را در سطوح بالای نظام جای دادند؟ چگونه و چه کسانی عامل بمب‌گذاری در حزب ریاست جمهوری بودند؟ چه کسانی اسناد انرژی هسته‌ای ما را به غربی‌ها دادند؟ سعید امامی خوب بود و یا بد؟ اگر بد بود چرا در آن منصب بود؟ اگر خوب بود آنچه در اینترنت هم موجود است چگونه به بیرون رسوخ کرد؟ از اینکه درد را میگوییم ناراحت نباشید، ببینید شهید لاجوردی در وصیت‌نامه خود چه می‌گوید؟[۵۷] جمله به جمله آن وصیت‌نامه جای تأمل دارد، آیا حضرت روح‌الله و رهبر انقلاب در مورد نفوذ کم مطلب بیان کرده‌اند؟ آیا قرآن کم هشدار داده است، حقیقت این است که انقلاب کرده‌ایم ولی هیچ‌گاه نتوانسته‌ایم دولت اسلامی تشکیل دهیم، این بیان رهبر انقلاب در سال ۸۰ در بین مسئولین می‌باشد، پس دولت با مدل اسلامی اداره نشده ولی اسم اسلام هست و این عذاب خدا که خشک‌سالی است را همراه دارد، یا باید با اسم اسلام اسلامی حکومت کرد و الا خدا وارد عمل می‌گردد در روایت می‌فرماید حکومت با کفر می‌ماند ولی با ظلم نمی‌ماند، **الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم**[۵۸]**،** سلطنت با کفر باقی می‌ماند اما با ظلم دوامی نخواهد داشت.

قطره ۶۰- گناه حاکمان و خشک‌سالی در روایات ۹۶/۸/۱

امام صادق (ع): هرگاه چهار چیز فاش شود، چهار چیز رخ نماید: هرگاه زنا فاش شود، زلزله رخ نماید؛ و هرگاه از زکات منع شود، چهارپایان نابود گردند؛ و **هرگاه حاکمان در داوری و قضاوت ستم کنند، باران آسمان باز داشته شود؛ و هرگاه اهل ذمه مورد ضیافت**

قرار گیرند، مشرکان بر مسلمانان پیروز گردند[۱]. رسول‌الله (ص): همانا خدای تبارک‌وتعالی قطره‌های باران را از بنی‌اسرائیل به خاطر بداندیشی‌شان درباره پیامبرانشان بازداشت؛ و **همانا او قطره‌های باران را از این امت به خاطر دشمنی‌شان با علی بن ابیطالب (ع) بازدارد**[۲]. امام رضا (ع): **هرگاه مسئولین دروغ‌گویند، باران منع شود و هرگاه پادشاه ستم کند، دولت سست گردد** و هرگاه از زکات منع شود، چهار پایان بمیرند[۵۹]. امام علی (ع): مردم! همانا خداوند متعال عوام را به خاطر گناه خواص کیفر نکند، اگر خواص کار منکر را بدون اطلاع عوام در پنهانی انجام دهد. **اگر خواص کار منکر را آشکارا انجام دهد و عوام آن را تغییر ندهد، هر دو گروه سزاوار بلا و گرفتاری از ناحیه خدای متعال می‌شوند**[۳]. نتیجه می‌گیریم که اگر مسئولین حکومت را نعمت ندانند خدا آن جامعه را دچار خشک‌سالی می‌نماید تحلیل ما این است که خدا با خشک‌سالی اسباب برکناری مسئولین را فراهم میاورد، اگر مسئولین در حکومت آب نداشته باشند چیزی ندارند، فعالیت اقتصادی ندارند وقتی فعالیت اقتصادی نباشد جامعه به سمت تغییر حکومت حرکت می‌کند، چراکه نارضایتی اجتماعی و آشوب شکل می‌گیرد، لذا عقیده بنده بر این است که سریعاً باید مسئولین توبه کنند که این توبه سلسله وار به جامعه تسرّی پیدا می‌کند، اول توبه آن‌ها ازآنچه همه می‌دانند، باید با مردم ارتباط داشته باشید، ما چند سال است زحمت می‌کشیم مسئولین را ببینیم ولی ....، آیا مسئولین نباید با مردم ارتباط داشته باشند؟ مسئولین باید از گناه بی‌تدبیری توبه کنند، چرا در این‌همه سال برای رفع خشک‌سالی قدمی اساسی برنداشته‌اید؟ مسئولین محترم همه ما جاهل به دنیا آمدیم و هم‌اکنون نیز شاید ذره‌ای علم داشته باشیم، شاید خدا علم و هدایتِ سلیمانی را در خبر هدهدی قرار داده باشد، شاید خداوند به‌وسیله مورچه‌ای سلیمانی را موعظه نصیحت کند؟ امور دیروز و امروز ما دست دولت و دولتمردان بوده و کار به اینجا رسیده که خشک‌سالی در حال ویران نمودن

---

۱ (من لایحضره الفقیه: ج ۱ ص ۵۲۴ ح ۱۴۸۸)

۲ (بحار الأنوار: ج ۹۳۷۱۴ ص ۳۰۹)

۳ (علل الشرائع: ج ۲ ص ۵۲۲ ح ۶)

همه‌چیز است، آقایان دولتی شاید خداوند به‌وسیله غیرِ آنچه تاکنون می‌دانسته‌اید راه نجات از خشک‌سالی را قرار داده باشد که بنده شهادت می‌دهم این‌گونه است، راه آینده شما در حل بحران‌های کنونی چیزی جز راه گذشته نیست و راه گذشته پیموده شده توسط شما ما را به اینجا رسانده، پس برای تغییر وضعیت سریعاً راه‌ها و روش‌های خود را تغییر دهید. **اللّهم مَتِّعْنا بِاَسْماعنا وَ اَبْصارِنا و قُوَّتِنا** خدایا ما را از گوش‌ها و چشم‌ها و نیرویمان برخوردار و بهره‌مند بگردان.

قطره ۶۱-برای رفع خشک‌سالی در مدت کوتاه چکار بکنیم؟ ۹۶/۱۰/۱۳

وظیفه مخاطبین را در قطری ۱۳ اشاره‌کرده‌ایم، باید اطلاع‌رسانی کنیم، لذا قطره‌ها را پخش‌کنید تا اگر جناب آقای دکتر روحانی از مباحث ما مطلع نیستند آگاه شوند و قرار برنامه زنده تلویزیونی را بگذارند تا ما در آنجا لوح دو یک را به همه نشان دهیم تا همه یقین کنند و بعدازآن برای رفع خشک‌سالی در عرض چند ماه همه بسیج شوند، ما در صداقت جناب آقای دکتر روحانی شکی نداریم ولی باید بدانیم ایشان مسیر را اشتباه رفتند، وقت دولت و ملت بیهوده هدر رفت و چهار سال ما به بیراهه رفتیم و همگان دیدیم که بر جام شکست و آبی برای ما درون آن جام نبود بلکه بهتر بگویم درون آن جام، زهری کشنده بود. به‌هرحال ما دوست و یار جناب آقای دکتر روحانی و دولت هستیم، جامی که برای ملت و دولت آب‌ونان و کار و اشتغال و ثروت حلال و اقتدار و سربلندی و رضایتمندی عمومی را به همراه دارد مذاکره با غربی‌ها نیست، آن جام همدلی و دوستی با خودی است، آن جام جامی است که درون آن آب باشد، برجامِ واقعی: **برنامه‌یِ رهاییِ جامعِ آب‌رسانی ملکوتی** است که آب را سریعاً در عرض چند ماه به همه‌جا می‌رساند، اگر هم معنای بر جام: **برنامه جامع اقدام مشترک** است، این اقدام مشترک اقدام مشترک با غربی‌ها نیست، آن‌ها تا ما را اسیر و ذلیل نکنند دست از سر ما برنمی‌دارند، مسیر را اشتباه رفته‌ایم باید سریعاً اصلاح کنیم، مسئولیت خشک‌سالی بر عهده آقای روحانی است، قرار بود بر جام

مشکلات را برطرف کند، ولی نکرد و مشکلات بیشتر شد و بدانید روزبه‌روز بیشتر می‌شود، آقای روحانی رسیدنِ ایران تا جایی که به مرز تجزیه برسد به عهده شماست، آیا خشک‌سالی ایران را به مرز تجزیه نمی‌رساند؟ آیا مسئول بر طرق کردن خشک‌سالی شما نیستید؟ مسئول قتل‌هایی که به‌واسطه ناامنی از نبود آذوقه ایجاد می‌شود به عهده چه کسی خواهد بود؟ آیا نبود آب ما را به ناامنی و نبود آذوقه نمی‌رساند، گرانی و قتل و ناامنی و تعطیلی کارخانجات، بیماری‌های عمومی واگیردار، وابستگی غذایی به خارج، تخلیه روستاها از سکنه، ویرانی کشاورزی و دامداری و باغداری، مرگ خاک، طلاق و بالا رفتن سن ازدواج، کمی درآمد و فساد و فحشا و خودفروشی، مهاجرت ایرانی به خارج برای خودفروشی و کسب درآمد، بیگاری اجانب از افراد تحصیل‌کرده ایرانی، رکود بازار و تورم و روی آوردن مردم به قاچاق کالا و رواج تولید و ترانزیت مواد مخدر و نبود مایحتاج اولیه زندگی برای اقشار مختلف مردم و همه مشکلات خُرد و کلانی که همه می‌دانند به‌واسطه خشک‌سالی است و مسئول خشک‌سالی شما و دولت محترم است، هنوز شما بعد از گذشتن چند ماه **مهم‌ترین و اصلی‌ترین وزیر خود را معرفی ننموده‌اید** و این یعنی هیچ وزیری را معرفی ننموده‌اید، خشک‌سالی در حال رشد است و این بدان معناست که **غده سرطانی کشنده ملی در حال بزرگ‌تر شدن است**، این غده ما را بجایی می‌رساند که **مجبوریم به قطع عضو می‌شویم**، بله ما با این روال مجبور می‌شویم **قسمتی از جامعه و زمینمان را بدهیم و آب خریداری کنیم**، این هشدار جدی است که آیا با **ادامه این روند عهدنامه‌های ننگین ترکمن چای و گلستان تکرار شدنی نیست؟** این‌ها چیزی نیست که تنها من بگویم، این‌ها همه آن چیزی است که **سال‌ها حتی دولت‌مردان مورد وثوق شما نیز میگویند** تنها شمارا به **گفته‌های جناب دکتر عیسی کلانتری مراجعه می‌دهم،** آقای روحانی جامی که ما به شما پیشنهاد می‌دهیم تلخ است اما این تلخی شیرینی سلامتی و نجات را به دنبال دارد، دیشب (۹۶/۷/۲۸) به استاندار محترم قم نکاتی را عرض کردم، اما پاسخ یکی از همراهان ایشان که در جریان مباحث بنده بود این بود که سلسله‌مراتب باید حفظ شود و ... من تمام کاری را که می‌توانستم انجام دهم انجام داده و می‌دهم، اینجا سلسله‌مراتب نمی‌شناسد، ما درخطری عظیم واردشده‌ایم که باید هر که هر کاری می‌تواند انجام دهد، یا حرف ما را با دلیل و

برهان رد نمایید که میدانیم توانایی این مطلب وجود ندارد، یا اینکه شرایط را فراهم کنید تا ما مطلب را اثبات کنیم، بدانید ۱۲۸۸ در حق شیخ فضل‌الله ظلم شد و بسیاری در پایین چوبه دار او کف زدند ولی در ۱۲۹۸ م ایران که در جنگ بی‌طرف بود دچار مرگ حداقل ۱۱ میلیون نفر در اثر خشک‌سالی گردید، آقای روحانی کلماتی که میگویم امور حقی است که اگر در های‌وهوی تبلیغات ذبح شود، در فردایی خشک برای بازگشت نه توانی وجود دارد و نه زمان و غذا و آبی و نه ...، پس قطره‌های ما را جدی بگیرید. **أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ به قدرها** [۱] از آسمان آبی فرو فرستاد پس رودخانه‌هایی به‌اندازه گنجایش خودشان روان شدند [۶۰]

قطره ۶۲-چند روایت در مورد خشک‌سالی، گناه و خشک‌سالی ۹۶/۸/۶

ابوحمزه می‌گوید از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: هیچ سالی کم باران‌تر از سال دیگر نیست و خدا باران را به‌جایی که خواهد می‌فرستد، **چون مردمی مرتکب گناهان شوند، خدای عزوجل بارانی را که در آن سال برای آن‌ها مقدر فرموده، از آن‌ها بگرداند** و آن را برای دیگرانی که گناه نکرده باشند، می‌فرستد اما اگر منطقه‌ای یافت نشد که اهل آن باتقوا باشند خداوند باران را به‌سوی بیابان‌ها و دریاها و کوه‌ها می‌فرستد. در بحارالانوار نیز آمده است: ای محمد، از امت تو هر کس گرفتار قحطی باشد، من فقط گنهکاران را به قحطی مبتلا می‌کنم. پس همه آن‌هایی که گرفتار قحطی شده‌اند، یکجا به من پناهنده شوند. محمد بن مسلم نیز می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: همانا گناه کردن، انسان را از رزق محروم می‌کند. امام باقر (ع) می‌فرماید: از **گناهانی که مانع نزول باران است، کم‌فروشی است**، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید رسول خدا (ص) فرموده است هرزمانی **که فروشندگان در یک منطقه کم‌فروشی کنند، خداوند اهل آنجا را با خشک‌سالی و کمبود نعمت عذاب می‌کند**. همچنین در این روایت آمده است که **ندادن زکات نیز مانع نزول باران الهی است**. رسول خدا (ص) فرموده است **زمانی که مردم از دادن زکات ممانعت ورزند،**

---

[۱] رعد ۱۷

زمین نیز برکات کشاورزی و میوه‌ها و معادن خود را از مردم می‌گیرد. امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که ایشان فرمود: مادامی‌که امت من به پنج ویژگی پایبند باشند، دائماً در خیروبرکت به سر می‌برند اما **اگر از هرکدام از آن‌ها فاصله گرفتند به قحطی و خشک‌سالی دچار خواهد شد.** این پنج ویژگی عبارت‌اند از مهرورزی و ایجاد محبت بین یکدیگر، امانت‌داری، دوری از حرام، میهمان‌داری و به پا داشتن نماز. رسول خدا (ص) نقل می‌کند: زمانی بر مردم می‌آید که چهره آن‌ها چهره آدمیزاد اما دل‌هایشان شیطانی است، همانند گرگ‌هایی که در پی خونریزی‌اند، هر کار خلافی مرتکب شوند کسی از آن‌ها ممانعت نمی‌کند. اگر آن‌ها را همراهی کنی فریبت دهند اگر با آن‌ها هم‌صحبت شوی به تو دروغ‌گویند و اگر از آن‌ها جدا شوی تو را غیبت کنند. سنت مرا بدعت و بدعت خود را سنت من می‌شمارند. بردبار را ستمکار و ستمکار را بردبار خوانند. **مؤمن در بین آن‌ها تضعیف و شخص فاسق مورد تعظیم قرار می‌گیرد.** فرزندانشان خلاف‌کار و زنانشان بدکاره شده و پیرمردان هم آن‌ها را امربه‌معروف و نهی از منکر نمی‌کنند. پناه بردن به آنان خواری و همرنگ شدن با آنان ذلت و درخواست کردن از آنان نیز فقر محسوب می‌شود. **در آن زمان خداوند قطرات باران آسمان را در زمان خود از آن‌ها می‌گیرد و در غیر از زمان باران بر آنان می‌بارد.** امام باقر (ع) نیز در حدیثی می‌فرماید: خداوند به حضرت شعیب (ع) فرمود: من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب می‌کنم که ۴۰ هزار نفر از آنان گناهکار و ۶۰ هزار نفر از افراد دین‌دار هستند. حضرت شعیب (ع) عرض کرد: خدایا گناهکاران بحثی نیست اما **دین‌داران را چرا عذاب می‌کنی؟** خداوند فرمود: زیرا آنان نیز با گناهکاران مدارا کرده و در کنار خشم من بر آن‌ها خشم نمی‌گیرند. (امربه‌معروف و نهی از منکر نمی‌کنند) از رسول خدا (ص) نقل‌شده است که فرمودند: مادامی‌که امت من امربه‌معروف و نهی از منکر کرده و در تقوا یاور هم باشند در خیروبرکت قرار دارند اما اگر چنین نکردند برکات از آن‌ها جداشده و در آسمان و زمین هیچ‌کس به یاری آنان نمی‌آید. "**اذا اراد الله به قوم خیرا ارسل علیهم المطر و حبس عنهم کثره الریاح و اذا اراد الله به قوم شرا حبس عنهم المطر و ارسل علیهم کثره الریاح**[۶۱]. هرگاه خداوند صلاح قومی را بخواهد برای آن‌ها باران فرستاده و بادهای شدید را از آن‌ها می‌گیرد اما اگر قصد عذاب قومی را داشته باشد باران را از آن‌ها گرفته و در مقابل بادهای شدید را روانه انجا می‌کند". زمانی حضرت موسی بن عمران (ع) به همراه قوم خود به بیابان رفته و نماز باران خواندند اما جبرئیل نازل شد و عرض کرد خداوند می‌فرماید: دعای شمارا مستجاب نمی‌کنم زیرا در بین شما یک نفر سخن‌چین است که بین افراد اختلاف ایجاد می‌کند. [۶۲]

قطره ۶۳- تحلیلی بر ارتباط گناه با خشک‌سالی ۹۶/۸/۷

یکی از دلایل اصلی در مورد **خشک‌سالی در حکومت‌های الهی شیوع گناه** می‌باشد، قبلاً گفته‌ایم که وقتی **گناه در سطوح بالایی حکومت‌ها** شیوع پیدا کرد، سلسله وار این گناه در لایه‌های پایین جامعه نیز جاری می‌شود و هر فرد به تناسب حال خود وارد گناه می‌شود، **مردم بر دین بزرگان خود هستند**، در اینجا خداوند برای اینکه جلوی روال گناه را بگیرد آنان را **دچار مشکلاتی می‌نماید تا توبه کنند**، **عذاب خشک‌سالی همه‌گیر است**، ولی متأسفانه مردم به این مسئله کمتر توجه دارند، اگر ایمانی بود که گناه نمی‌کردند، شما فکر می‌کنید **چند درصد از مسئولین ما بین خشک‌سالی و گناه ارتباطی قائل باشند**، اگر ایمانی به این مسئله بود که اصلاً سراغ گناه نمی‌رفتند، **ربا جنگ باخداست**، چرا در جامعه ما برای جلوگیری از ربا اقدامی عملی انجام نمی‌شود، دنیاطلبی، دروغ، پارتی‌بازی، تحریف دین، دوستی با دشمنان خدا و دشمنی با دوستان خدا و ... تمامی این‌ها گناه است، **گناه در اثر تکرار کبیره می‌شود**، مخصوصاً اینکه **اگر انجام دهندگان گناه خود ادعای ایمان هم داشته باشند**، در اینجا خداوند **بلا را نازل می‌کند تا شاید مردم توبه کنند**، یکی از **بزرگ‌ترین گناهان ترک امربه‌معروف و نهی از منکر است** که این گناه افراد خوب جامعه را می‌گیرد، افراد خوب در اثر ترک امربه‌معروف و نهی از منکر خود گنه‌کار می‌شوند و در اینجا بلای خشک‌سالی گناه‌کار و مؤمنی را که ترک امربه‌معروف و نهی از منکر کرده است را می‌گیرد، در رابطه با شیوع گناه در سطح جامعه کنونی هیچ نگوییم بهتر است، اما تنها **به بزرگان تصمیم گیر نظام هشداری می‌دهیم که‌ای بزرگان بدانید، در گناه بسیاری از فسادهای اهل فساد از دزدی، فحشا، قتل، حرام شدن حلال‌ها و حلال شدن حرام‌ها و ... شما شریک هستید،** اگرچه شاید آن گناهان به ذهن شما نیز خطور نکرده باشد، حضرت علی می‌فرماید: **پس مردمان اصلاح نمی‌گردند مگر آنکه زمامداران اصلاح گردند** و زمامداران نیز جز با استقامت و درستکاری مردم اصلاح نمی‌شوند[۶۳]. در جای دیگر می‌فرمایند: **من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست‌به‌دست گردانند و بندگان او را بردگان خود قرار دهند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند**[۶۴]-تمام- **گناه نابخردی بعضی از**

مسئولین ما را به اینجا رسانده است که باید به فکر واردات آب باشیم، بعضی از مسئولین ما به اسبی که بر روی آن سوار می‌شوند بیشتر توجه دارند تا حال مردم فقیر و پابرهنه، گناه بعضی از مسئولین ما این بوده که مسئولیت را طُعمه و فرصت و نردبانی برای دستیابی به دنیاخواهی و لذت‌های نفسانی پنداشته‌اند، پس همان‌گونه که خِلقت ما از جانب خداست، روزی ما هم از جانب خداست، ناشکری روزی را قطع می‌کند و البته این قطع روزی در ابتدای امر است زمانی که خدا امتی را دوست داشته باشد، در حقیقت خداوند با خشک‌سالی آنان را به توبه و ترک گناه دعوت می‌کند، اما **اگر گناه شدت یابد و مردم توبه نکنند عذاب نیز شدت میابد**، شدت عذاب دو گونه است یا خشک‌سالی برطرف می‌شود، یا خشک‌سالی کشنده شود، درصورتی‌که خشک‌سالی برطرف شود خداوند برای آنان عذاب سنگین‌تر را اراده کرده لذا به آنان به‌ظاهر نعمت می‌دهد و آنان گناه بیشتر می‌کنند و در درکات جهنم بیشتر فرو می‌روند همانند اتفاقی که در غرب در حال وقوع است **به این روند در لسان دینی استدراج گفته می‌شود**، ولی اگر خداوند اراده کند که با عذاب کمتری عذاب کند خشک‌سالی کشنده می‌شود مانند اتفاقی که در سال ۱۲۹۸ ه‌ش در ایران اتفاق افتاد خشک‌سالی آن روز و مرگ ۴۰% از ایرانیان یعنی ۱۱ میلیون ایرانی چه‌بسا نتیجه تنها ماندن شیخ فضل‌الله نوری در مبارزه با نظام استکباری آن روزی بود، بله شیخ فضل‌الله تنها شد و در سال ۱۲۸۸ ه‌ش جلوی چشم مردم به اسم دادگاه اسلامی به دار آویخته شد و مردم زیر چوبه دار او کَف زدند و این سکوت عمومی ادامه داشت و نفرین شیخ فضل‌الله در کمتر از ۱۰ سال ندای ناله میلیون‌ها ایرانی را به آسمان بلند نمود، مانند همین جریان در عراق هم اتفاق افتاد، قرآن می‌فرماید: **وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يكْسِبُونَ**[۶۵] و اگر مردم آن شهرها که به عذاب گرفتار شدند، ایمان آورده و تقوایپیشه کرده بودند، به‌یقین از آسمان و زمین برکت‌هایی بر آنان می‌گشودیم، ولی پیامبران و آیات ما را دروغ انگاشتند، ما نیز آنان را به عذابی که نمود گناهانشان بود گرفتار ساختیم. اعراف ۹۶ شما روند دین زدایی و ضد دین عمل کردن را در جامعه ما در سطوح بالا و در بعد در سطوح پایین بررسی نمایید به چه الگو نموداری می‌رسید؟ بیایید همه باهم توبه کنیم.

قطره ۶۴- ریشه تمامی بحران‌های حکومتی خشک‌سالی است ۹۶/۸/۷

امروز انقلاب با بحران‌هایی مواجه است که بهترین تعبیر ظلمات بعض‌ها فوق بعض است، بحران‌هایی مانند رها بودن یک فرد در دریای طوفانی در دل شب، چالش‌های اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی، مذهبی؛ به‌جرئت اعلام می‌کنم **تمامی این چالش‌ها نتیجه و ثمره بحران آب و خشک‌سالی است** و **اگر از همین الآن فکر حل بحران آب نباشیم لحظه‌به‌لحظه چالش‌ها سخت و سخت‌تر می‌شود**، **اگر مشکل آب را حل نماییم تمامی بحران‌ها و چالش‌ها غرق می‌شوند** و دلیل کوتاه این مطلب این است که **نظام با حل بحران آب در کشور از خطر عدم کارآمد بودن خارج‌شده و به‌نظامی کارآمد تبدیل می‌گردد**، مشکل اقتصاد و تولید ثروت حلال و کار در ایران حل می‌گردد، جامعه رویکرد جدیدی به دل‌بستگی حکومت پیدا می‌کند و در اینجا بسیاری از فتنه‌ها و براندازی‌ها خنثی می‌گردد، چراکه دیگر مردم در فکر تغییر مدل حکومتی در ایران نمی‌باشند، وقتی ما تولید داخلی زیاد پیدا کردیم وارد صادرات می‌شویم و بازارهای جهانی را در دست می‌گیریم و در اینجا **ایران به چالش بین‌المللی تمامی مستکبران تبدیل می‌شود**، در یک‌کلام **برای پیشبرد اهداف پول لازم است ما هم‌اکنون پولی نداریم تا اهدافمان را پیش ببریم**، وضوح این مطلب از خورشید روشن‌تر است و احتیاجی به بیان ندارد، هر کس درزمینه فعالیتی خود دقت کند و بینید که آیا اولین مشکل او درزمینه فرد و خانواده و اهداف عالی؛ مشکل اقتصادی نیست؟ جواب همه مثبت است، ما پولی نداریم که اهدافمان را جلو ببریم، تولید داخلی نداریم، ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم در مقابل قدرت‌هایی که از آن‌ها غذایمان را تأمین می‌کنیم بااقتدار صحبت و مذاکره نماییم و **در تفکر ناب، در حال حاضر غیر از حکومت ایران تمامی قدرت‌ها حکومت‌های ناحقی هستند که حتی برای احقاق حق مسلم نیز نمی‌توان به آن‌ها مراجعه کرد** اما زمانی که ما در بسیاری از مسائل به آن‌ها نیازمند هستیم هیچ‌گاه نمی‌توانیم بااقتدار با آن‌ها صحبت کنیم و کلاممان را بگوییم، **مشکل ما تنها آمریکا و اسرائیل و انگلیس و فرانسه و آلمان و عربستان نیست، مشکل اصلی ما هر تفکری است که با اسلام ناب فاصله دارد**، این شعار انقلاب بوده که؛ **نه شرقی و نه غربی**، اما هم‌اکنون **به سمت هم شرقی هم غربی** در حال حرکت هستیم البته ما با گفتگو مشکل نداریم، اما باید

تمامی گفتمان‌هایی که از روی ضعف و به طمع کمک از آن‌ها چشم داریم را باید اصلاح نماییم، ما باید سریعاً به قدرتی تبدیل شویم که دنیا برای رفع نیازهای اقتصادی و فرهنگی و فکری خود به ما مراجعه کند، به‌جرئت اعلام می‌کنم **ما به‌واسطه آب، در مدت کوتاهی می‌توانیم به قدرتی تبدیل شویم که از خام فروشی نجات پیداکرده و حتی با بستن چاه‌های نفت، جنگ‌ها و تروریسم بین‌المللی را کنترل کنیم،** ما تا زمانی که اقتصاد وابسته به نفت و گاز و خام فروشی داریم به هیچ هدفی نخواهیم رسید، **اقتصاد وابسته به نفت و ... اقتصادِ تنبل، اقتصادِ بی‌سواد، اقتصادِ بی‌مسئولیت است،** آیا برای کشوری که ۱۰% از منابع خدادادی و ۱% از جمعیت جهان را در اختیار دارد زشت نیست خام فروشی کند؟ آیا عقلی که خدا به آنان داده با ما تفاوت دارد که ما نمی‌توانیم و آن‌ها می‌توانند؟ آقایان جواب دهید **ما اگر نفت نداشتیم چه می‌کردید؟ اگر نفت ما تمام شود چه می‌کنید؟ آیا ما از محاکمه‌ای که نسل‌های بعد انجام می‌دهند نمی‌ترسیم؟ نفت را که در حال تمام کردن هستیم، زمین‌ها را که خشک کردیم، خاک را که به کشتن دادیم، برای آیندگان خود نه ظرفیت کشاورزی گذاشته‌ایم و نه منابع خدادادی و نه تجربه تأمین انرژی از الگوهای جدید انرژی، می‌ترسم آیندگان ما در مورد ما آنچه را بگویند که ما در مورد قاجار و پهلوی میگوییم، خدا کند که بدتر از آن‌ها را در مورد ما نگویند،** تأکید امام ره بر مسئله کشاورزی بوده، اما ظاهراً **شأن بعضی بالاتر از این است که هم‌سفره کشاورزِ خاک‌آلود زحمت‌کش شوند**، درحالی‌که حتی در غرب هم اگر صنعتی شدند؛ صنعت در خدمت کشاورزی بوده و بعد از صنعت برای امور دیگر مانند رفاه استفاده کردند، آن‌ها در ابتدا کشاورزی خود را مکانیزه کردند، ما در کدامیک از ماشین‌آلات کشاورزی حرفی برای گفتن داریم؟ در کمباین، خرمن‌کوب، تراکتور، گاوآهن، کلوخ‌شکن، تیلر و علف‌بر و ... در ماشین‌آلات دامداری نیز وضعیت چنین است، باز تأکید مکینم **ریشه تمامی مشکلات خشک‌سالی است چراکه قرآن شریف می‌فرماید: و جعلنا من الماء کل شیء حی** [1]، البته از این مسئله مهم‌تر مدیریت وابسته است که آن بحثی جدا دارد.

---

۱ سوره انبیاء آیه ۳۰

قطره ۶۵- ظرفیت جمعیت در ایران توضیح نحوه محاسبه در قطره ۶۶- مثلاً چرا لبنان با ژاپن در جمعیت نهایی تفاوت دارد [۱] ۹۶/۸/۷

تراکم‌جمعیت در دانمارک	۲/۶ برابر ایران است یعنی	۲۱۳/۰۰۰/۰۰۰	نفر دانمارکی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت فرانسه	۲/۳ برابر ایران است یعنی	۱۸۵/۰۰۰/۰۰۰	نفر فرانسوی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در تایلند	۲/۶ برابر ایران است یعنی	۲۰۸/۰۰۰/۰۰۰	نفر تایلندی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در آلمان	۴/۹ برابر ایران است یعنی	۳۹۳/۰۰۰/۰۰۰	نفر آلمانی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در ایتالیا	۴ برابر ایران است یعنی	۳۲۸/۰۰۰/۰۰۰	نفر ایتالیایی می‌توانند در ایران زندگی کنند

۱ قصد ما از بیان این مطلب این است که بگوییم ایران چقدر وسیع است، لذا نباید در ایران مشکل مسکن و کار داشته باشیم اما حرکت بدون برنامه ما را به چنین وضعی رسانده است، سؤال این است آیا ما در ایران زمین نداریم؟ مشکل کجاست که اینهمه مستأجر و بی‌خانمان داریم؟ چرا با اسم منابع طبیعی و غیره زمینها را در دست گرفته که توان آبادانی و اداره آن هم وجود ندارد، آیا خدا در خدایی خود خطا کرده و متناسب با نیاز مردم منابع طبیعی قرار نداده و یا دولتها به وظایف الی خود عمل نمی‌نمایند؟ آیا اینگونه نیست که خدا زمین را آفریده است ولی دولتها با قوانین بشری زمینها را تصاحب کرده و هر گاه بخواهد با پولهای کلان به مردم فقیر و بیچاره می‌فروشند.

تراکم‌جمعیت در هند	۷٫۶ برابر ایران است یعنی	۶۱۱٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر هندی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در رواندا	۷٫۸ برابر ایران است یعنی	۶۲۵٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر رواندایی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در پاکستان	۴٫۷ برابر ایران است یعنی	۳۸۳٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر پاکستانی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در کره شمالی	۳٫۹ برابر ایران است یعنی	۳۱۶٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر کره شمالی‌ای می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در چین	۲٫۹ برابر ایران است یعنی	۲۳۳٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر چینی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در السالوادور	۶ برابر ایران است یعنی	۵۳۸٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر السالوادوری می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در انگلیس	۵ برابر ایران است یعنی	۴۱۶٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر انگلیسی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در بلژیک	۷ برابر ایران است یعنی	۵۷۰٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر بلژیکی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در فیلیپین	۶ برابر ایران است یعنی	۴۹۰٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر فیلیپینی می‌توانند در ایران زندگی کنند

تراکم‌جمعیت در سوئیس	۳/۹ برابر ایران است یعنی	۳۱۳/۰۰۰/۰۰۰	نفر سوئیسی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در رژیم صهیونیستی	۶ برابر ایران است یعنی	۵۵۱/۰۰۰/۰۰۰	نفر رژیم صهیونیستی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در هلند	۱۰ برابر ایران است یعنی	۸۰۶/۰۰۰/۰۰۰	نفر هلندی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در لبنان	۷ برابر ایران است یعنی	۶۲۳/۰۰۰/۰۰۰	نفر لبنانی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در ژاپن	۷ برابر ایران است یعنی	۵۶۶/۰۰۰/۰۰۰	نفر ژاپنی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در کره جنوبی	۱۰ برابر ایران است یعنی	۸۲۵/۰۰۰/۰۰۰	نفر کره جنوبی‌ای می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در مالدیو	۲۴ برابر ایران است یعنی	۱/۹۳۸/۰۰۰/۰۰۰	نفر مالدیوی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در نوار غزه	۷۹ برابر ایران است یعنی	۶/۳۷۱/۰۰۰/۰۰۰	نفر نوار غزه‌ای می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در بحرین	۲۱ برابر ایران است	۱/۷۲۵/۰۰۰/۰۰۰	نفر بحرینی می‌توانند در ایران زندگی کنند

	یعنی		
تراکم‌جمعیت در هنگ‌کنگ	۱۳۷ برابر ایران است یعنی	۱۰٫۹۶۰٫۰۰۰٫۰۰	نفر هنگ کنگی می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در سنگاپور	۱۴ برابر ایران است یعنی	۱٫۱۴۰٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر سنگاپوری می‌توانند در ایران زندگی کنند
تراکم‌جمعیت در بنگلادش	۲۲ برابر ایران است یعنی	۱٫۷۶۰٫۰۰۰٫۰۰۰	نفر بنگلادشی می‌توانند در ایران زندگی کنند

قطره ۶۶- توضیح محاسبه جمعیت در قطره ۶۵ تاریخ ۹۶/۸/۱۰

ما در قطره ۶۶ می‌خواهیم این را اثبات نماییم که ایران با امکانات موجود در ایران، ایران گنجایش جمعیتی بسیار بالایی دارد، جمعیتی زیاد با امکانات رفاهی خوب می‌توانند در ایران زندگی کنند اما به دلایل مختلفی که یکی از آن دلایل خشک‌سالی است ما در تأمین نیازهای اولیه همین ۸۰ میلیون ایرانی مانده‌ایم، لذا برای این منظور تعدادی از کشورها را انتخاب نمودیم سپس تراکم‌جمعیت را در آن کشورها محاسبه کردیم و سپس با تراکم موجود در ایران مقایسه کردیم، این مقایسه به ما نشان می‌دهد که ما در حال کنونی نتوانسته‌ایم از ظرفیت منابع طبیعی در ایران استفاده کنیم و لوازم آسایش و رفاه را در ایران برای ایرانیان مهیا کنیم، ادعای ما این است که اگر خشک‌سالی را برطرف نماییم، هم رفاه مردم تأمین می‌شود و هم قدم‌های بلندی برای افزایش جمعیت در ایران پدید می‌آید، بدیهی است که اگر سریعاً خشک‌سالی را برطرف ننماییم نه‌تنها جمعیت افزایش پیدا نمی‌کند بلکه خطر مرگ و کوچ ۵۰ میلیون ایرانی فراهم آمده است، روش محاسبه: مقدار زمین هر کشور بر تعداد انسان‌های موجود تقسیم کردیم، که در اینجا تراکم هر کشور به دست میاید و بعد معادله سنجی آن کشور با ایران و ضرب عدد به‌دست‌آمده در ۸۰ میلیون نفر ایرانی، همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید اعداد به‌دست‌آمده در پایین‌ترین نصاب ۱۸۵

میلیون است که از مقایسه ایران با فرانسه به‌دست‌آمده و هم بیش از ۱۰ میلیارد است که از مقایسه ایران و هنگ‌کنگ به‌دست‌آمده این در حالی است که بیشتر کشورها، از جمعیت‌های کنونی خودشان خطر احساس کرده و سیاست‌های تکثیر نسل را پیش‌گرفته‌اند که کشور ما نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد، ولی اگر به‌صورت معقول بخواهیم به موضوع نگاه کنیم حقیقتاً ایران ظرفیت بالای ۶۰۰ میلیون نفر را دارد این مقایسه از مقایسه‌ای است که از بین مقایسه بین ایران و هند به دست میاید، در مقایسه ایران با پاکستان جمعیت ایران می‌تواند ۳۳۵ میلیون نفر جمعیت داشته باشد، لازم به ذکر است که آنچه سرمایه اصلی هر کشور است نیروی جوان آماده‌به‌کار است که متأسفانه به دلایل مختلف که یکی از عمده دلایل آن خشک‌سالی است ایران نیروی جوان خوبی برای آینده ندارد، یعنی با این روال شاهد رشدِ کم‌جمعیت و حتی سیر نزولی از دست دادن جمعیت خواهیم بود، البته دلیل مختلف بودن بعضی از اعداد به‌دست‌آمده حذف عدد اعشار می‌باشد، چراکه ما قصدمان چشم‌انداز کلی بوده نه عدد دقیق لذا اعداد اعشاری را حذف نمودیم، حال بعضی ممکن است بگویند مقایسه دو کشور باهم صحیح نمی‌باشد، اگرچه این مطلب مطلبی درست است اما با دلایل دیگر بسیاری قابل‌اثبات است که ایران می‌تواند بالای ۳۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد.

قطره ۶۷- جمعیت ایران با روال عادی هم باید ۱۱۶ میلیون نفر باشد ولی ۸۰ میلیون نفر است این کاهش جمعیت تقصیر کیست؟ ۹۶/۸/۱۱

در سال ۱۲۹۸ در ایران بر اثر جنگ و خشک‌سالی و کمی مواد غذایی و بیماری‌های عمومی ایران بزرگ‌ترین آسیب را دید و حداقل ۴۰% جمعیت خود را از دست داد، لذا اگر جمعیت ایران در سال ۱۲۹۶، ۳۵ میلیون نفر بوده هم‌اکنون به‌صورت عادی باید جمعیت ۱۱۶ میلیون نفر باشد، اما عوامل مختلفی باعث شد در سال ۱۲۹۸، ۱۱ میلیون نفر بر اثر کمبود مواد غذایی و خشک‌سالی بمیرند و جمعیت کنونی ۸۰ میلیون نفر باشد، ما اگر سریعاً خشک‌سالی را برطرف

ننماییم مشکل کاهش جمعیت بر اثر خشک‌سالی تکرار می‌شود، ما در شرف جَنگ شهری استان با استان و ایرانی با ایرانی بر اثر بحران آب هستیم که کم‌وبیش این جریان به‌صورت محدود هم اتفاق افتاده است و ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم سیاست زیادشدن نسل در ایران را اجرایی کنیم مگر اینکه برای آن‌ها غذا و شغل و مسکن مهیا کرده باشیم و غذا و شغل و مسکن مهیا نمی‌شود مگر اینکه آب باشد، گذشته از آن: نسل کنونی نیز هیچ‌گاه رغبت نمی‌کنند که در سن مطلوب ازدواج کنند و سریعاً بچه‌دار شوند و به یک و دو بچه اکتفا نکنند مگر زمانی که اولیه‌های زندگی برای آنان فراهم باشد که در شرایط کنونی اولیه‌های زندگی برای مردم فراهم نیست، که وضوح این مطلب روشن‌تر از خورشید است، لذا ما شاهد هستیم که در جامعه ما مردم یا رغبت به ازدواج ندارند و به سمت رابطه‌های بدون ازدواج پیش می‌روند و یا اگر ازدواج کنند اگر کارشان به طلاق نرسد رغبت به نسل زیاد ندارند، گذشته از اینکه تعدادی هم تا سال‌ها اقدام به تولیدمثل نمی‌کنند، این سؤال باید پاسخ داده شود که چه شد که نسلِ قبلیِ ما شاهد پدرها و مادرهایی بوده است که گاه تا ده تا دوازده بچه داشته‌اند، در سن ۲۰ سالگی خانم نوه خود را بغل می‌کرد، ولی هم‌اکنون خانم ۲۵ ساله عروسک بازی می‌کند، چه شده این‌ها برای ما افسانه شده و جای تأسف بیش از این است که بعضی از روحانیون که متمایل به غرب هستند در لباس پیامبر ترویج غرب را کرده و با کلمات واهی مانند بلوغ عقلی و غیره سن ازدواج در دختران و پسران را بالا می‌برند، در همین‌جامعه شاهد زِنا در سنین پایین هستیم، یعنی به بهانه‌های واهی ازدواج را بالابرده‌ایم و از طرفی تنها راه برای جوانانمان چیزی جز منجلاب فحشا نیست و در این منجلاب دولت نیز بی‌گناه نیست، تنها من یک سؤال می‌پرسم: چرا در قانون آموزش‌وپرورش ما اگر دختری در مدرسه ازدواج کند او را از مدرسه بیرون می‌کنند، حتی اگر این دختر دبیرستانی باشد، اما در همین مدارس اگر کسی رابطه نامشروع هم داشته باشد حق قانونی برای او قلمداد می‌شود؟ این قانون اسلام است یا کفر؟ این قانون و امثال آن از مصادیق عینی جنگ با اسلام است که باید سریعاً اصلاح شود، ما سریعاً باید سن ازدواج را تا سنی که جوانان نیازمند هستند پایین بیاوریم و اولین زیرساخت لازم برای این کار برطرف خشک‌سالی از کشور است، آب اقتصاد را سامان می‌دهد و زیرساخت اولیه شغل و کار برای مردم فراهم می‌شود، بعدازآن ما دیگر شاهد این نخواهیم بود که

بچه‌های ماسال‌ها دروس بی‌محتوایی که در آینده آنان مؤثر نیست را در دانشگاه‌ها تنها برای به دست آوردن مدرک سپری کنند، امروز شلوغی دانشگاه‌ها به خاطر کسب علم نیست، به علت اخذ مدرک است تا در آینده از آن مدرک برای به دست آوردن شغل استفاده کنند، اگر ما شغل مناسب ایجاد کنیم بسیاری به دانشگاه نمی‌روند، دختر دانشگاه می‌رود برای مدرک و کار، درحالی‌که این الگو غربی است و بیچاره کننده، ما اگر کار ایجاد کنیم پسرها بجای درس‌های بی‌فایده وارد بازار کار می‌شوند و در همان سنین ازدواج می‌کنند و ازاینجا زیادشدن نسل را به همراه دارد و در ادامه ما می‌توانیم این دانشگاه‌های کم کیفیت که مانند قارچ‌های خودرو تنها وقت و پول مردم را می‌گیرند را به دانشگاه‌های کیفی تغییر دهیم تا خروجی دانشگاه‌ها مطلوب باشد، چگونه دانشگاه‌های ما کیفی است درحالی‌که مشکلات روزبه‌روز زیاد می‌شود، باکمال شرمندگی میگویم وضعیت اسفبار امروز معیشتی مردم... نه بگذار نگویم، ولی تنها این را میگویم که راه‌حل مشکلات ما در قرآن و کلام اهل‌بیت است، مشکل در اومانیسمی بودن دانشگاه‌ها است، غرب خودش به چالش فرا مدرنیته رسیده آنگاه ما هنوز مبهوت آنان هستیم، **تَبَّت**، این آیه تمام دانشگاه‌ها وزارتخانه‌ها و همه و همه را به چالش می‌کشد **و جعلنا من الماء کل شیء حی** [۱] اگر به دنبال اتفاقی اثربخش در ایران هستیم باید سریعاً در عرض چند ماه به‌تمامی روستاها آب برسانیم، به غیر شیخ علی بهرامی کسی چنین ادعایی نکرده و این از عظمت دعاست، پس همه منتظر باشند تا زمان مشخص که صدق ما معلوم گردد و بنده علم را از خود ندارم و شاگرد قرآن و کلام اهل‌بیت ع هستم، **فانتظروا انی معکم من المنتظرین** [۶۶]

[۱] سوره انبیاء آیه ۳۰

قطره ۶۸- آینده کاهش جمعیت در ایران ۹۶/۸/۱۲

ما در قطره ۶۷ اثبات کردیم که ایران باید هم‌اکنون ۱۱۶ میلیون جمعیت داشته باشد و در قطره ۶۶ نیز طبق ادعای ما ایران بیش ۳۰۰ میلیون می‌تواند جمعیت داشته باشد که البته در جای دیگر اثبات می‌کنیم ایران به‌راحتی می‌تواند بیش از یک میلیارد جمعیت داشته باشد که از رفاه خوبی هم برخوردار باشند، اما هم‌اکنون با جمعیت ۸۰ میلیونی باید وضعیت ایرانیان عالی باشد و تمام دنیا را در امور مختلف به چالش بکشند که این‌چنین نیست مخصوصاً در مسئله اقتصاد اما در مسئله تفکری ما دنیا را به چالش کشیده‌ایم تنها مسئله‌ای که وجود دارد این است که ما رسانه نداریم و رسانه هم پول لازم دارد و پول‌نداریم که این مسئله با آب و رفع خشک‌سالیان شاء الله به‌زودی حل می‌شود، اما اینکه ایران دچار بحران رشد جمعیت شده مسئله واضحی است و اگر با این روال پیش برویم در ابتدا رشد جمعیت به صفر و بعد به رشد جمعیت منفی می‌رسد و در یک‌زمان به‌واسطه ورود در بحران تا ۵۰ میلیون جمعیت خود را از دست می‌دهد، اگر می‌خواهیم جمعیت رشد مطلوب پیدا کند کارهای بسیاری در تمام شئون جامعه باید انجام گردد، در ابتدا باید خشک‌سالی برطرف شود، در ادامه باید فرهنگ‌سازی شود به سمت ازدواج در سن بلوغ در اینجا باید دولت از کمک‌های تشویقی در مراحل مختلف زندگی افراد بهره ببرد و در ادامه باید بعضی امکانات از افرادی که ازدواج نمی‌کنند و طلاق می‌گیرند قطع نمود تا از رشد طلاق و عدم تکثیر نسل جلوگیری کرد که هر مبحث بحثی جدا دارد، ما اگر رشد و پیشرفت و رسیدن به قله‌های بلند و عالی تفکری خود را می‌خواهیم به نیروی زیاد جوانان به‌صورت پیوسته و دائمی احتیاج داریم و برای این منظور باید تغییرات اساسی در ازدواج و تکثیر نسل داشته باشیم، ما در نرخ باروری در ۲۵ سال گذشته وقتی نگاه می‌کنیم کشورها روبه‌پیشرفت بوده‌اند اما در ایران شاهد خانواده‌هایی هستیم که هم‌اکنون به یک یا دو بچه کفایت کرده‌اند در حالی پدران و مادران آن‌ها بیش شش و گاها ده برادر و خواهر بوده‌اند، حتی عربستان هم نرخ جمعیت بیشتری نسبت به ما دارد، با این وضعیتِ پیش رو اتفاقات ۳۰ سال آینده را چگونه می‌بینید؟ (البته گفته‌ایم که اگر خشک‌سالی را کنترل نکنیم به ۳۰ سال آینده هم نمی‌رسیم) در آن زمان تمام جوانان ما پیر شده، چه کسی

می‌خواهد برای آنان غذا تولید کند؟ خانه‌های سالمندان چگونه است؟ چه کسانی امور مملکت را به دست می‌گیرند؟ در آن زمان وضعیت ازدواج و تولید نسل چگونه است؟ بنده اعتقاددارم در طول ۱۵ سال می‌توان جمعیت ایران به بالای ۱۵۰ میلیون نفر رساند که اگر پیشرفت در دین و دنیا و امنیت ملی و تمامیت ارضی و اقتدار بین‌الملل و ... را می‌خواهیم از همین الآن باید این کار را انجام دهیم و طبق همین روال کنونی اگر وارد بحران جدید ملی نشویم ما در ۸۰ سال آینده به جمعیت ۳۱ میلیونی می‌رسیم که از این مقدار ۱۲ میلیون آن پیر هستند، یعنی با کاهش جمعیت به‌واسطه خشک‌سالی هم کاری نداریم روال عادی جامعه ما به سمت ازدواج در سن بالا، عدم ازدواج و رابطه بدون ازدواج، ازدواج با فرزند کم، ازدواج بدون فرزند، ازدواج منجر به طلاق و ... است که همین روال کنونی به ما منحنی کاهش جمعیت را نشان می‌دهد، میزان باروری در ایران سال ۶۵ تا ۶۸، ۶/۱ فرزند است در این سال‌ها یعنی ۹۶ میزان باروری ۱/۸ فرزند است، حتی در این چند سال اخیر که سیاست افزایش نسل پیش گرفته‌شده تأثیر چندانی نداشته است و این دلایل مختلف دارد از مهم‌ترین دلایل این است که مسئولین ما به این مسئله اعتقادی ندارند حتی اگر مقام معظم رهبری دامت برکاته فرموده باشند، بله آن دستور برای بعضی از مسئولین ما تنها دستوری فرمایشی است و نه دستوری جدی و راهبردی، بله بعضی مسئولین خوب شعار می‌دهند، اما اعتقادی ندارند زیرا همین مسئولین در سامان دادن همین تعداد جمعیت دچار مشکل‌اند، حال چرا بیایند دردسر خود را اضافه کنند، جمعیت زیاد شود کار می‌خواهد، غذا می‌خواهد و ... لذا شعار می‌دهند اما عملاً خلاف آن را عمل می‌کنند، روال عدم جایگزینی جمعیت جوان ما را حقیقتاً به چالش می‌کشد، اقتصاد، عزت، سیاست داخلی و خارجی و فرهنگ ما به چالش کشیده می‌شود، در فردایی که در انتظار ما است مسئول نگهداری و تأمین مخارج زندگی افراد پیر و کهن‌سال جامعه ما چه کسانی هستند؟ آیا بیمه و خدمات درمانی می‌توانند آنان را تأمین کنند، بیمه از کجا و با چه وسیله‌ای کار اقتصادی می‌خواهد انجام دهد؟ ما در آن زمان راهی نداریم جز اینکه دودستی مملکت را واگذار کنیم تا عملاً نیروهای جوان بیگانگان برای ما مایحتاج ما را تأمین کنند، در آن

زمان ما باید به فکر واردات انسان از خارج باشیم و از این قبیل وقایع بسیار اتفاق افتاده است، اگر بقیه بحران‌های پیش رو را در نظر بگیریم و در نگاهی جامع آینده ایران را نگاه کنیم جمعیت ایران بسیار پایین‌تر از ۳۱ میلیون نفر خواهد بود. **اعْمَلُوا عَلَى مَكانَتِكمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ** ٦٧

قطره ۶۹- دلایل کاهش جمعیت در ایران ۹۶/۸/۱۲

۱ مهار نکردن بحران خشک‌سالی که ریشه همه بحران‌ها است که در سال ۱۲۹۸ یازده میلیون نفر را به کام مرگ کشاند این بحران در حال تکرار است

۲ مهیا نبودن اولین زیرساخت پیشرفت در هر تمدنی که آب است که این بحران باعث شد جمعیت روستایی از ۶۸% به ۲۹% در حال حاضر رکود پیدا کند که یکی از دلایل عمده آن خشک‌سالی روستاها است

۳ رویکرد افراطی کنترل جمعیت که از سال‌های ۷۰ به بعد در ایران اعمال شد و شعار فرزند کمتر زندگی بهتر در دستور کار قرار گرفت بنده هیچ‌گاه به این شعار اعتقاد نداشتم و همیشه گفته‌ام فرزند بیشتر زندگی مقدس و بهتر

۴ تغییر نگرش مردم نسبت به نوع ازدواج و سخت کردن ازدواج

۵ فرهنگ مدرک‌گرایی و بالا بردن مدارج دانشگاهی در بین تمامی اقشار جامعه این فرهنگ برای زن و مرد ایرانی سَم می‌باشد، مدرک داران بیکار و بی‌تجربه بهتر است یا بدون مدرک‌هایی کارفرما هستند؟ [۱]

---

۱ گفت چند بچه داری گفت سه تا گفت چه کاره هستند گفت یکی دکتر یکی مهندس و یکی دزد گفت دردو بلای دکتر و مهندس بخوره تو سر دزد گفت نگو خرج اون دوتا را همین دزده میده، اگر چه که این یک جِک است اما کمی از واقعیت را بیان می‌کند.

۶ فرهنگ اشتباه اشتغال زنان که زن خانه‌دار را تبدیل به کارگر بیرون منزل نمود، این فرهنگ توسط غربی‌ها از طرق مختلف به جامعه ما تزریق شد، ماهواره و تولیدات هنری داخلی و تریبون‌های مسمومی که حق‌به‌جانب سخن می‌گفتند

۷ مشکلات اقتصادی که مردم در اصل ازدواج و ادامه زندگی و تکثیر نسل با مشکل مواجه نموده

۸ رواج سبک زندگی غربی در بین ایرانیان به سمت زندگی‌ای بدون ازدواج

۹ رواج و ترویج غذاهای سرد در بین ایرانیان که گاها عقیم کننده هم می‌باشد و کنار رفتن الگوی غذایی ایرانی اسلامی

۱۰ کنار گذاشته شدن طب اسلامی ایرانی ورود داروهای مولکولی و شیمیایی که کاری جز تسکین درد ندارند آن داروها درمان نمی‌کنند بلکه بیماری را تبدیل می‌کنند سیاست کنترل جمعیت از طریق دارو درمان و مافیای دارو درمان از مخوف‌ترین و پنهان‌ترین پروژه‌های در حال اجرا در دنیا است که توسط نظام سلطه در سراسر جهان اعمال می‌شود

۱۱ رواج طلاق در جامعه و شکستن قبح طلاق در جامعه

۱۲ از بین رفتن قبح گناه در جامعه به‌واسطه محدود کردن دین در مسئله اطفاء شهوت از راه شرعی (ازدواج موقت- ازدواج در سن بلوغ - ازدواج در مدارس) که جامعه به سمت الگوی شیطانی اطفاء شهوت سوق داده شد مانند استمناء، زنا، هم‌جنس‌گرایی، ازدواج سفید (رابطه بدون ازدواج)، ارتباطات نامشروع و...

۱۳ افزایش مدرک‌گرایی در بین قشر دختر و پسر

۱۴ بالا رفتن هزینه‌های جاری زندگی و کمی درآمد

۱۵ رواج آپارتمان‌نشینی و از دست رفتن الگوی قدیمی سکونت در ایران که این چالش به علت هجوم مردم از روستا به شهر اتفاق افتاده است

۱۶ پایین آمدن تعداد بچه در خانواده‌ها (توضیح خانواده‌ای یک فرزند دارد به این راحتی حاضر نیست فرزندش را ازدواج دهد لذا شرایط را سخت می‌کند و با دست خودش آینده فرزند را تباه می‌کند)

۱۷ پایین آمدنشان و عظمت مادر و در عوض الگو شدن زنان شاغل در جامعه (به عقیده بنده بالاترین زنان جامعه مادران هستند که عمر خود را به‌پای فرزندان گذاشته‌اند هر مادر به‌اندازه‌ای که وقتش را در بیرون منزل صرف می‌کند به همان مقدار در حق بچه خود کم می‌گذارد)

۱۸ تغییر الگوهای زیبایی در بین زنان و مردان با الگو گیری از غرب

قطره ۷۰- دلیل نامرتبط بودن مباحث کتاب به یکدیگر ۹۶/۸/۱۲

این کتاب در هم است

اول آن آخر است

آخر آن نیامده

ظاهرش باطن است

باطن آن ظاهر است

م آن ۷۴۸ است

م ۱۰۸ است

مممم

ربانی ۱۰۷۸ فانتصر

خشک‌سالی در عرض چند ماه با حروف و اعداد و اشکال مرتفع است

۲۰۲ ۶۱ مغلوب ۸۲۱

۷۸۶ - ۱۴۳۸-۱-1623-۲-۷۱۸-۳-۱۱۰۲-۴-۵۸۵-۵ صدق الله العلی العظیم

ربانی مغلوب فانتصر

قوم یقول انه مجنون

قوم یقول انه ملعوب

قوم یسخرون تطیرون
ربانی مغلوب فانتصر
قوم یودون لکن مکروا
قوم یویدون لکن کذبوا
قوم یصدوقون لکن ستروا
ربانی مغلوب فانتصر

قطره ۷۱- نامه بعد از اغتشاشات ۹۶ به جناب آقای روحانی ۹۶/۱۰/۱۲

بسم‌الله الرحمن الرحیم
قال الله تبارک‌وتعالی: و جعلنا من الماء کل شیء حی
قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم: الدنیا مزرعه الآخره

سلام‌علیکم در این لحظات حساس که می‌بینیم در خیابان‌های کشور اسلامی ایران عده‌ای با مطالبه به‌حق به خیابان آمده‌اند و عده‌ای قلیل از دشمنان قسم‌خورده اسلام از جریانات سوءاستفاده کرده و مطالبه به‌حق مردم را به سمت ضربه به دین و انقلاب پیش می‌برند لازم میدانم مطالبی را کوتاه عرض نمایم.

بسیار ساده‌اندیشی است که از کنار جریانات امروز درون شهرهای کشور به سطحی عبور نماییم، از به شهادت رساندن روحانیون در انظار عمومی گرفته تا سنگ‌باران کردن و آتش زدن حوزه و منزل روحانیون تا تخریب اموال عمومی و خصوصی و هتک حرمت نیروهای مذهبی تا راه افتادن کمپین چهارشنبه‌های سفید و ترویج‌دهندگان فساد و شعارهای ضد اسلام و قرآن در قم و سایر مناطق کشور، یقین بدانیم آتش شعله‌ور شده را اگر کنترل نکنیم و سکوت کنیم تا درب خانه مراجع و طلاب و مذهبی‌ها و حرم‌های مقدس کشیده شود و این چیز به دور از ذهنی نیست گذشته از آنکه در تاریخ ۱۰۰ سال گذشته نمونه داشته زمانی که شیخ فضل‌الله توسط آخوندی درباری محکوم شد و به دار آویخته شد، **آنچه زمینه پیدایش این اعتراضات است مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم است، گرانی و فقر**

آسیب‌های جدی به اعتقادات و زندگی مردم وارد کرده است، سن ازدواج بالا رفته و طلاق شدت یافته تا جایی که رابطه‌های بدون ازدواج شیوع پیدا نموده است، دلیل عمده این وقایع مشکلات اقتصادی است، که در حدیث شریف می‌فرماید: **کاد الفقر ان یکون کفرا**[٦٨] و در جای دیگر می‌فرماید: **لا دین لمن لا معاش له**، بر تمامی صاحب‌نظران واقع‌بینان **اظهر من الشمس** است که اقتصاد ایران به مرز ورشکستگی رسیده، این کلام رئیس مجلس جناب آقای دکتر لاریجانی است که ۹۰% از درآمدهای دولت صرف خود دولت می‌شود و دولت نتوانسته کار اقتصادی قابل قبولی داشته باشد، **چگونه می‌شود ایرانی که تنها ۱% جمعیت دنیا را دارد و حداقل ۱۰% منابع طبیعی را در دست دارد به چنین وخامت اقتصادی رسیده باشد؟** و متأسفانه رهنمودها و مطالبه‌های رهبر انقلاب دامت برکاته در تحقق اقتصاد مقاومتی هیچ‌گاه تحقق پیدا نکرده است، اوضاع چنان وخیم است که بانک‌ها پولی را که مردم به ودیعه گذاشته‌اند را نمی‌توانند به صاحبان آن برگردانند، اگر بانک‌ها که معدن پول هستند چک برگشتی دارند وای به حال ملت، مضافاً بر اینکه **دولت محترم بیش‌ترین درآمد را از فروش نفت و خام فروشی‌های مشابه و عوارض و مالیات کسب می‌کند، و این بدان معناست که دولت از مردم پول می‌گیرد و خام فروشی می‌کند و امورات خود را می‌گذراند،** آیا چنین وضعیتی قابل‌قبول است؟ بانک‌ها نیز مزید بر بحران‌ها هستند، آنان پول را از مردم می‌گیرند و سود کمی به مردم می‌دهند، و از طرفی وام می‌دهند و سود بالایی می‌گیرند و این یعنی بدون کار اقتصادی ثروتمند شدن غنی و فقیرتر شدن مستضعف، نهایت کار اقتصادی که بکنند واردات است که این مسئله یعنی ذبح شدن تولید داخلی، یعنی اختلاف طبقاتی، یعنی استضعاف مردم، از طرفی قشر مرفه جامعه روزبه‌روز بالانشین‌تر می‌شوند و چشم فقرا را به خود خیره می‌کنند و امنیت روانی جامعه را خدشه‌دار می‌نمایند، از طرف دیگر تمامی این امور به اسلام نسبت داده می‌شود، **بخواهیم یا نخواهیم، توجیه کنیم یا نه مردم فعل دولت و دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌ها را پای اسلام و رهبر انقلاب و روحانیت می‌گذارند،** بی‌دلیل نبود شعارهای ضد قرآن و اسلام در کشور حتی در قم و سردادن شعارهای شاهنشاهی حتی در قم، باید بدانیم این چیزی نیست که فکر کنیم بعض از مدیران پند می‌گیرند و حل می‌نمایند، هلّا و کلّاً، آنان بنابراین فرض که می‌خواستند هم نمی‌دانستند، چراکه از اسلام چیزی نمی‌دانند، و کسی که چیزی نمی‌داند چگونه عمل نماید، **قرآن برای بیشتر ما چیزی جز قرائت برای ثواب در گورستان‌ها نیست، به‌یقین میگویم اگر به کتاب خدا و کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان دارویی شفابخش نگاه کرده بودیم قبل از آنکه مرگ**

فرابرسد و در انتظار بهشت باشیم دنیا را بهشت کرده بودیم، به‌هرحال باید بدانیم آینده پیش رو با روال دیروز چیزی جز وضعیت امروز را به همراه ندارد بلکه وضعیت به‌مراتب بیشتر می‌گردد، چراکه ایران بلکه جهان در دوره جدیدی از مشکلات اقلیمی و آب‌وهوایی قرارگرفته است و نشانه‌های آن برای صاحبان عقل آشکار است، هوای گرم زمستان حکایت از تابستانی آتشین دارد، وقتی از آسمان بجای باران و برف و سرما گرما ببارد باید منتظر قحطی و بیماری‌های عمومی و کمی غلات و آشوب‌ها و ناامنی‌ها و زیادشدن فساد و فحشا باشیم، مشکل اصلی را باز بیان می‌کنم **مشکل در اینجاست که نگاه ما به قرآن به‌عنوان کتابی نجات‌بخش نیست که دنیا و آخرت را باهم آباد می‌کند،** آری ما اسمی از اسلام به ارث برده‌ایم، ما قرآنی نیستیم و **بعض از سران اجرایی نظام به بافته‌های اومانیسم و مارکسیسم بیش از کتاب خدا اعتقاددارند که باید بگویم تنها به آن اعتقاددارند،** لذا ما به‌عنوان‌کسانی که به اسلام ناب ایمان‌داریم اعلام می‌کنیم تا به کتاب خدا بازگشت نکنیم هیچ مشکلی از مشکلات برطرف نشده و **روزبه‌روز بحران‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود،** ما هنوز در این زمان (۹۶/۱۰/۱۱)[۶۹] در مشکلی وارد نشده‌ایم، **مشکلات زمانی شروع می‌شود که آب‌های زیرزمینی ما به سرنوشت زاینده‌رود و دریاچه نمک و بقیه رودها و قنات‌های خشک تبدیل شود.** بله مشکل اصلی و ریشه‌ای ما ازنظر قرآن آب است، آب باشد آبادانی است در تمامِ شئونِ حیات و اگر نباشد مرگ است در تمامی شئون از دنیا گرفته تا آخرت، چراکه قرآن می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی**[۱]، آری محور در تمام امور و اقتصاد اسلامی آب است و متأسفانه آب در جامعه ما محور نیست، و این بدان معناست که ما عملاً پایند به قرآن نیستیم و این یعنی **جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِین**[۷۰]، وقتی این‌گونه شد تمام نکبت‌های غیر قرآنی بودن به ما می‌رسد، **بانکداری ما ربوی می‌شود، آنگاه جامعه در جنگ باخدا می‌شود، آنگاه بلاهای ارضی و سماوی که همه لشکر خدا هستند به ما می‌رسد آنگاه دعا می‌شود و شنیده نمی‌شود،** آنگاه لقمه حرام قلب و چشم و گوش را کر و کور و قفل‌زده می‌کند و آنگاه هبوط به ارض تحقق یابد و ما بجای آسمانی بودن و معراجی بودن زمینی شویم و در اسفل مراتب وجود زندانی شویم، و در این زندان که نتیجه فکر و عمل ما است با

---

[۱] انبیاء آیه ۳۰

یکدیگر دشمن شویم و آنچه در خیابان‌ها شاهد هستیم به وقوع می‌پیوندد. بله ریشه مشکلات ما ازنظر قرآن خشک‌سالی است، **نگاه ما به امور با محوریت آب نبود،** و این گناه اولین ما هبوط به زمین و نزول بلای خشک‌سالی را به همراه داشت و خشک‌سالی نیز درختی شوم به تلخی زقوم است که در تمامی ایران اسلامی ریشه دوانده است، **بدانیم تا نگاهمان را عوض نکنیم مشکلات و بحران‌های یکی پس از دیگری مانند دانه‌های تسبیح در راه است،** و هرلحظه شدت میابد، پس باید توبه کنیم و خود را تغییر دهیم تا خدا هم‌تغییر دهد، باید محوریت آب باشد که متأسفانه تاکنون نبوده است، **اگر سریعاً دیدگاه را تغییر ندهیم به‌زودی اتفاقات ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۴ در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ در ایران تکرار می‌شود** در آن سال‌ها از خشک‌سالی و قحطی و بیماری‌های عمومی و مرگ ۴۰% از ایرانیان یعنی ۱۱ میلیون ایرانی شروع شد تا جایی که قاجار توسط رضاشاه ساقط شدن و بعدازآن با دین و آیین آن کرد که باید دیده‌ها بر آن خون بگرید و همه می‌دانند که سنگ بنای مشکلات فرهنگی و ضد دینی در آن زمان در ایران اجرایی شد و تاکنون نیز ادامه دارد از کشف حجاب گرفته تا تغییر لباس و خوراک و طب و .... و متأسفانه وضع به‌گونه‌ای شده که کسی جرئت کند درود بر او مرگ بر ... سر دهد.

مشکل اصلی کشور ما خشک‌سالی است و از این سال ایران و جهان وارد مرحله جدیدی از خشکی شده است که می‌بینیم گرما و عدم نزول باران در ۶۷ سال گذشته بی‌سابقه بوده [۷۱] و هر چه زمان بگذرد بیشتر می‌شود، **عقلای قوم باید سریعاً فکری بکنند،** بنده اعلام می‌کنم که هیچ‌کدام از دستگاه‌ها راه‌حل نجات‌بخش برای خشک‌سالی ندارند، تمام راهکارها را در حضور ۶ نفر از کارشناسان اجرایی حوزه آب نقد کردیم و اثبات کردیم هیچ‌کدام نجات‌بخش نیست، **اگر به همین منوال پیش رود به‌زودی نیمه شرقی کشور تماماً خشک‌شده و هجوم به سمت غرب کشور می‌شود، غرب کشور نیز دچار خشک‌سالی است، پس جنگ شروع می‌شود، جنگ بر سر آب،** جنگ بر سر زنده ماندن در این اوضاع ایران ناامن می‌شود و مردم ایران مبتلا به هجرت از ایران می‌شوند، ولی سؤال این است به کجا هجرت کنند؟ آیا دشمنان به ما رحم می‌کنند؟ اگر دشمنان به آوارگان سوریه رحم کردند به ما هم رحم می‌کنند، پس همان‌گونه که می‌بینیم هوا گرم شده و می‌توان گفت که زمستان مرده است و در آینده نزدیک اگر تدبیر نکنیم پاییز و بهار هم می‌میرد و همه فصل‌ها می‌شود تابستان، در این زمان سفره‌های عمیق ما نیز از بین می‌رود و تاریخ صدسال گذشته دوباره تکرار می‌شود.

ما در نامه‌ها و پیام‌ها مکرر این مطالب را به رؤسای کشور رسانده‌ایم و تاکنون جوابی جدی دریافت نکرده‌ایم، لذا **به دولت محترم که مسئول اصلی این قضایا است دوباره با جدیت بیشتری اعلام می‌کنیم اولاً: خطری جدی در آینده نزدیک ایران را تهدید می‌کند. ثانیاً: ریشه تمامی مشکلات امروز جامعه از زلزله گرفته تا آلودگی هوا و شلوغی شهرها و گرانی در خشک‌سالی است. ثالثاً: آشوب‌های امروز که مطمئن باشید لحظه‌به‌لحظه بیشتر می‌شود حتی اگر موقتاً خاموش شود در آب و خشک‌سالی است، چراکه بهانه اصلی اغتشاشات بحران اقتصادی و فقر بوده و اقتصاد زمانی که آب نداشته باشد به این درجه از ورشکستگی و مرگ می‌رسد. لذا اگر بحران را سریعاً حل نکنید بلاهای شدیدتری گریبان گیرمان می‌شود.**

شما خوب میدانید جوامع غربی با الگوهای خود و تکنولوژی مشکل را حل کرده می‌کنند، جوامع عرفانی مانند هند و آفریقا نیز با روش‌های خود حل می‌کنند و ...، و میدانید ما هم در اسلام روش‌های متعددی داریم که ازجمله روش‌های معروف آن نماز باران است، شما که مسئول هستید به هر روشی که صحیح و صلاح میدانید مشکل باران را حل کنید و ملت را نجات دهید، اگر نمی‌توانید مشکل را حل کنید بنده شیخ علی بهرامی نیکو باز اعلام می‌کنم خشک‌سالی در مدت دو ماه قابل‌حل است، دو لوحی که نوشته‌ایم در نزد افراد مورد وثوق شما موجود است مضافاً بر اینکه بارها مسائل ما در سامانه‌های ارتباط مردمی شما از اوایل امسال ثبت‌شده و نامه‌های بسیاری برای شما ارسال‌شده است، انتشار و شدت خشک‌سالی بر عهده دولت و مقامات اجرایی است چراکه آن دو لوح را می‌توانستید اجرایی کنید اما نکردید و جریانات امروز از زلزله‌ها و آشوب‌ها نیز بر گردن شماست، چراکه همه این‌ها بازگشت به خشک‌سالی دارد و اگر گوش کرده بودید اثرات خشک‌سالی مرتفع گردیده بود.

خدایا تو را شاهد می‌گیرم اگر نمی‌دانستند گفتیم، اگر نمی‌توانستند آنچه بود بی‌منت تقدیم نمودیم ولی اگر دانستند و فهمیدند و می‌توانند ولی، پس به تو پناه می‌بریم.

والسلام‌علیکم و رحمة الله و برکاته - قم المقدسة - ۹۶/۱۰/۱۲ - شیخ علی بهرامی نیکو (هدهد)

قطره ۷۲ آیا باران‌هایی که در این ایام می‌بارد خشک‌سالی را مرتفع می‌کند؟
۹۶,۱۰,۱۷

۱ سؤال این است: آیا باران‌هایی که در این ایام می‌بارد خشک‌سالی را مرتفع می‌کند؟ خلاصه جواب ما این است که یکی از عوامل خشک‌سالی دشمن است که با امور مختلفی ما را دچار خشک‌سالی نموده است هرگاه احساس کند ما به این مطلب آگاه شده‌ایم آن‌ها باهمان روشی که خشک‌سالی میاورند باران میاورند تا ما غفلت کرده و از موضوع اصلی منحرف شویم، گذشته از اینکه برفرض که این‌گونه نباشد باران‌های کنونی تناسبی با آب مورد نیاز ما ندارند و هرلحظه بحران خشک‌سالی بیشتر می‌شود، لذا سریعاً **دولت و مسئولین مکلف‌اند آب لازم را ایجاد نمایند**، و باز اعلام می‌کنیم **از هر راهی می‌توانید مشکل خشک‌سالی را برطرف نمایید اگر نمی‌توانید بپرسید و کمک بگیرید تا همه را از این بلای پیش رو نجات دهیم.**

برای پاسخ به این مطلب چند مبحث را باید مرور نماییم:

۲ – از تمامی دوستانی که به خشک‌سالی پی برده و از آبرو گذشتند و نماز باران را شروع کردند تشکر می‌نماییم و باران‌ها را نتیجه حرکت ایمانی آنان دانسته و بر این باور هستیم که اگر همه به این ایمان رسیده و به دستورات قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام عمل می‌کردیم در یک روز خشک‌سالی ایران پایان میافت کما اینکه نمونه‌های تاریخی بسیاری وجود دارد و تضمین قرآنی می‌فرماید: **وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يكْسِبُونَ** [۱] اما چه کنیم که ... اولین ایمان و تقوا این است که بدانیم آب محور است

۳ - قبلاً گفته‌ایم طبق آنچه مشهود و منقول و معقول است و به تجربه رسیده بشر می‌تواند در عالم تغییراتی ایجاد نماید که این مطلب یا به‌واسطه قوا و شئون نفس است (مانند کاری که اولیای الهی انجام می‌دهند با اتصال به مبادی نورانی عالم و یا مانند کارهایی که مرتاض‌ها می‌کنند با اتصال به علل ظلمانی عالم) و یا به‌وسیله تکنولوژی و یا به‌وسیله کمک از مبادی نورانی و یا ظلمانی است، ما عقیده داریم که یکی از علل خشک‌سالی دشمنی دشمنان است که به‌وسیله تمامی قواهای نام‌برده شده از قبیل هارپ [۷۲] و سحر و شیاطین و طلسمات این کار را انجام می‌دهند، لذا با این پیش‌زمینه که

---

[۱] (اعراف آیه ۹۶)

قبلاً مباحث مفصلی داشته‌ایم اعتقادداریم: هرگاه مردم ایران کمی از خواب غفلت بیدار شوند و بفهمند مشکل اصلی خشک‌سالی است و باید برای رهایی از آن یک بسیج عمومی ایجاد کرد، دشمنان با نیروهایی که در دست دارند اقدام به ایجاد باران و یا برف مصنوعی می‌کنند تا مردم را دوباره به خواب غفلت فروبرند، لذا این احتمال قوی وجود دارد که باران‌ها امور مصنوعی توسط دشمن باشد تا ما از موضوع اصلی که خشک‌سالی است غفلت نماییم و خشک‌سالی را امری موهوم بدانیم، **کربلا به ما آموخت که دشمن در ابتدا آب را تحت اختیار می‌گیرد.**

۴ - خشک‌سالی و بارش باران دو مقوله جداگانه می‌باشد، ما در خشک‌سالی عظیم هستیم و هرلحظه این خشک‌سالی بیشتر می‌شود و دلیل آن باران بهاری در زمستان است آن‌هم به مقدار محدود درحالی‌که در زمستان باید برف ببارد نه باران لذا زمستان مرده و بهار در زمستان قرارگرفته و تابستان در بهار دیده شود و **آتش در تابستان در راه است**، نگاهی به وضعیت کشاورزی و منابع آبی ما روشنگر این است که در خشک‌سالی وحشتناک قرار داریم بدانیم **تا زمانی که منابع آبی کشور مانند دریاچه‌ها و رودها به حالت سابق خود بر نگردد در خشک‌سالی هستیم.**

۵ - حتی مقدار سرانه آب مصرفی ایرانیان و مقدار بارش‌ها برابر نمی‌باشد و تا زمانی که این مقدار با یکدیگر مساوی نشود حتی بحران خشک‌سالی کنترل نشده است: طبق نظر کارشناسان مقدار سرانه مصرف آب برای هر نفر ۲۰۰ لیتر می‌باشد، یعنی مصرف آب برای انسان‌های ایران‌زمین در هر روز ۲۰۰ لیتر ضربدر ۸۰ میلیون نفر است و عدد به‌دست‌آمده را باید در ۳۶۵ روز ضرب نمود تا مقدار آب مصرفی در طول یک سال به دست بیاید، یعنی **اگر در تمام مدت سال در هر روز ۱۶ میلیارد لیتر آب از آسمان نازل شود و این آب هدر نرود و بخار نشود تازه ما به‌اندازه مصرف آب انسان‌های ایران‌زمین آب‌داریم و به وضعیت سکون رسیده‌ایم**، هرچقدر کمتر آب ببارد مجبوریم از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت نماییم که برداشت آب از سفره‌ها خطری بسیار بزرگ و هشداری جدی است و متأسفانه ماسال‌هاست که از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت می‌کنیم، اگر وضعیت به همین منوال پیش برود و در آینده نزدیک سفره‌های زیرزمینی ما تمام شود، سؤال این است چه باید انجام دهیم؟ **مَثَل کسی که از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت می‌کند مَثَل انسان تنبلی است که کار نمی‌کند و بجای آن کلیه و چشم و دست و پای**

خود را می‌فروشد تا امرار معاش کند، تذکر می‌دهیم، دولت و حکومت موظف است آب ایجاد کند در تمامی جوامع این‌گونه بوده حتی جوامع جاهلی قبل از اسلام، سؤال این است آیا ما در هر روز این مقدار آب نازل‌شده داریم؟ جواب منفی است، **بسیاری از نقاط کشور است که سال‌ها خشک‌شده و آبادانیها تبدیل به ویرانه شدند** و سال‌هاست قطره‌ای آبی ندیده‌اند و عطش آن‌ها را هلاک کرده است، ما تا جایی پیش‌رفته‌ایم که بیان‌های ما نیز خشک‌شده واردکننده شتر از سایر کشورها شده‌ایم، ۵۰۰ هکتار از جنگل‌های استان گلستان تبدیل به بیابان شده است **وقتی گلستانِ آباد بیان شود استان‌های کویری چگونه است؟** یعنی مقدار مصرف آب انسان‌ها در ایران با مقدار نزولات آسمانی تناسبی ندارد، حال در این وضعیت چه می‌کنیم و از کجا آب را تأمین نماییم؟

۶ - جواب سؤال این است که ما از ذخیره آبی سفره‌های زیرزمینی در حال برداشت هستیم و البته با نگاه کنونی کارگزاران اجرایی راه‌حلی دیگری نیز نداریم، **ما حوزویان مکلف هستیم با این منکر کشنده مبارزه نماییم، باران مورد نیاز نمی‌بارد، دولت و مسئولین اجرایی نیز آب تولید نمی‌کنند**، تنها راه، برداشتِ آب از سفره‌های زیرزمینی است، در حالی در این زمان **اگر دولت دلسوز مردم است سریعاً باید آب تولید کند** نه اینکه از سفره‌های زیرزمینیِ آب استفاده کند، **استفاده از سفره‌های زیرزمینی آب یعنی خودکشی**، باید دانست: **هر تفکری برای برطرف کردن خشک‌سالی راهکار دارد**، غرب راهکار دارد، بی‌دین‌ها راهکار دارند شیطان‌پرست‌ها راهکار دارند، جوامع جاهلی قبل از اسلام راهکار داشتند و ...، ولی **دولت محترم برای این مشکل راهکار ندارد و از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت می‌کند**، و این یعنی **مرگ تدریجی ایران.**

۷ - **با روال پیش رو مرگ تمامی شئون ایران از مادی گرفته تا معنوی به‌واسطه خشک‌سالی قطعی است** مگر اینکه سریعاً ما در نگاه و نگرش و رفتارمان تغییر ایجاد نماییم، این چیزی است که قرآن و سنت می‌گوید و برهان عقلی نیز اقامه‌شده است، **إِنّ اللّهَ لا یغَیرُ ما بِقَومٍ حَتّیٰ یغَیروا ما بِأَنفُسِهِم** [۷۳]

۸ - بدانید تا زمانی که وضعیت تالاب‌ها و دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی ما به حال سابق بر نگردد خشک‌سالی مهار نشده و **تا وضعیت آبی ما بهتر از گذشته نشود توسعه و اقتصاد درون‌زای متکی بر ظرفیت‌های داخلی هیچ معنایی نخواهد داشت.**

آیا باران‌های کنونی حتی یک سانتیمتر وضعیت چاه‌های ما را بهبود بخشید؟ آیا آب مورد نیاز زمین‌های عطشان ما تأمین شد؟

آیا باران‌های کنونی **سدهای تولید برق را که ۶۰% آن به‌واسطه خشک‌سالی فعالیت نمی‌کند** را به راه انداخت؟

آیا باران‌های کنونی توانست **۲۰۰ دشت حاصلخیز کشور را که در هزاران سال گذشته آباد بوده و هم‌اکنون تبدیل به بیابان شده است** را به حالت سابق خود برگرداند؟

۹ - نکته پراهمیت دیگر شعارها و اهدافی که دنبال می‌کنیم: آن **اهداف هیچ‌گاه تحقق پیدا نخواهد کرد مگر اینکه مشکل آب را حل نماییم** ما تنها در صورتی به چشم‌اندازها و پیشرفت می‌رسیم که اول شرط پیشرفت را دارا باشیم:

آیا امکان دارد جمعیت ایران افزایش پیدا کند و مشکل آب را حل نکنیم؟ **با روال پیش رو جمعیت ایران به ۳۰ میلیون نفر می‌رسد.**

آیا امکان دارد مشکل فقر را بدون حل کردن مشکل آب حل نماییم؟ **با روال پیش رو کشاورزی و صنعت و ساخت‌وساز فلج می‌شود و فقر همه‌گیر شود.**

آیا می‌توانیم شهرهای جدید بنا کنیم ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با روال پیش رو بقیه روستاهای ما نیز خالی از سکنه شده و می‌میرد.**

آیا می‌توانیم گرانی را مهار کنیم ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با روال پیش رو واردکننده تمامی اقلام کشاورزی خواهیم شد و گرانی بیشتر می‌شود.**

آیا می‌توانیم با ریز گردها و هوای آلوده شهرهای مقابله کنیم ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با این روال طوفان کشنده نمک در راه است.**

آیا می‌توانیم اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشیده ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با این روال کارخانه‌های بیشتری تعطیل می‌شود.**

آیا می‌توانیم جامعه را به سمت تقوا ببریم ولی بانکداری ربوی را حل نکرده باشیم؟ **با این روال فقر و ربا زیاد و زیادتر می‌شود.**

تا زمانی که ما تولید داخلی نداشته باشیم مشکل بانکداری ربوی حل نمی‌شود و تولید داخلی نخواهیم داشت تا مشکل آب را حل نکنیم.

باید بدانیم عموم مردم زمانی که فقیر شدند در دینشان تزلزل پیدا می‌شود و حدیث شریف می‌فرماید: **کاد الفقر ان یکون کفرا**[۷۴]، در جای دیگر می‌فرماید: **من لا معاش له لا معاد له،** بدانیم **کسی که لقمه حلال ندارد دین او دچار مشکل می‌شود، شرط تقوا لقمه حلال است.**

بگویم هیچ بحرانی از بحران‌های حکومت حل نمی‌شود مگر اینکه مشکل آب حل شود و **هیچ پیشرفتی شروع نمی‌شود مگر اینکه مشکل آب حل شود** و اگر مشکل آب حل نشود به دوره‌ای خواهیم رسید که تمامی دستاوردهای خود را چه در باب امور دنیا و چه در باب امور دین از دست خواهیم داد، تاریخ را مطالعه کنیم، زمانی که خشک‌سالی ۱۲۹۸ ه‌ش پیش آمد **خانواده‌های شیعه را بهاییان با نانی خریدند** و پدر و کل خانواده بهایی شدند و تاکنون نیز بهایی ماندند و بگویم که این جریان در حال تکرار است و بدانیم **وقتی آب نباشد دنیای ما خراب شود**، دنیا مزرعه آخرت است وقتی مزرعه دنیای ما با خشک‌سالی خشک شد آخرت ما هم خشک می‌شود، ببینیم چه رابطه مستقیمی بین فقر و فحشا وجود دارد: خشک‌سالی فقر میاورد، فقر فحشا میاورد، فحشا بلا و زلزله میاورد و این‌ها همه نتیجه درخت شومی است که خشک‌سالی نام دارد، بدانیم **مدیرانی که برای برطرف کردن مشکلات جامعه تلاش می‌کنند ولی برای برطرف کردن خشک‌سالی تلاش نمی‌کنند یا جاهل‌اند که خدا کند چنین باشد و یا خائن**، ما تلاش می‌کنیم اگر جاهل‌اند علم را به آنان هدیه کنیم و الا به خداوند پناه می‌بریم.

۱۰ - نکته دیگر اینکه آب مصرفی مورد نیاز در ایران برای حفظ وضعیت موجود چقدر است؟

ما روزانه ۲۰۰ لیتر آب ضربدر ۸۰ میلیون نفر آب برای هر ایرانی لازم داریم که این آب مقدار مصرف روزانه آب برای هر انسان بعلاوه غذایی است که می‌خورد اما اگر بخواهیم جنگل‌ها و گونه‌های گیاهی و حیوانات حفظ شود و زمین‌های ما نمیرند و دشت‌ها به بیابان تبدیل نشود و باغ‌های پدران ما خراب نشود عدد مورد نیاز ما به آب بسیار عجیب می‌شود، گذشته از اینکه **رسیدن به چشم‌اندازها و اهداف بلند تعیین‌شده برای ایران نیز عدد آب را بسیار بالاتر می‌برد**، فقط بگویم ما **باران به‌اندازه مصرف انسان‌های ایران‌زمین هم نداریم** و این یعنی اینکه ایران با این روال به سمت مرگ در حال حرکت است، مرگ دریاچه‌ها و حیوانات و گیاهان و جنگل‌ها و دریاچه‌ها و تالاب‌ها و روستاها و درنهایت **مرگ ۵۰ میلیون ایرانی** که این ۵۰ میلیون نفر به‌واسطه عوارض خشک‌سالی که جنگ و بیماری و فقر و گرسنگی است در معرض تلف قرار دارند.

پس باران‌های کنونی هیچ‌گاه خشک‌سالی را برطرف نمی‌کند، فریب نخوریم. (در قسمت دوم این مبحث انواع باران را موردبررسی قرار می‌دهیم)۹۶/۱۰/۱۷

قطره ۷۳- این متن خلاصه کتابِ انتقال آب از طریق عادی ۹۶/۱۰۱۷

مقدمه: همان‌گونه که در جریان هستید ما قائل هستیم زمان در نجات تمامی شئون ایران از خطر مرگ نقش اساسی دارد (مرگ خاک، جانوران، گیاهان و شئون معنوی و سیاسی)، **ما وظیفه‌داریم در اَقلّ زمان ممکن خشک‌سالی را برطرف نماییم** چراکه هرلحظه غدّه سرطانیِ خشک‌سالی برای ما صدمات جبران‌ناپذیری دارد، لذا با تمامی ویژگی‌های منحصربه‌فردی که طرح عادی یک‌ساله دارد و از تمامی طرح‌های موجود در ایران بهتر است **این طرح مورد قبول ما نیست،** ما اعتقاددارایم **می‌توان آب را از آسمان به مقدار زیادی آورد که در طرح انفطار السماء که در قطره هزار آمده است** همین مطلب را بیان می‌نماید و یا **قطره هزار و یک که آن‌هم از طریق غیرعادی در مدت کوتاهی مشکل آب را حل می‌نماید،** لذا حال که آن دو قطره که به‌منزله مَنّ و سَلوی برای ما ایرانیان است مورد تمسخر قرارگرفته لازم می‌بینیم که راهکار عادی را دوباره عرضه کنیم تا ببینیم و بشنویم **چه مشکلی برای رفع خشک‌سالی وجود دارد که این‌همه تعلل می‌شود،** همان‌گونه که قبلاً گفته‌ایم و عکسِ نوشته‌های دستی ما در اینترنت پخش است ما در رابطه با طرح غیرعادی یک کتاب نوشته‌ایم، **در این متن کوتاه به اهم مباحث انتقال آب عادی می‌پردازیم** و شبهات اصلی و اساسی را جواب می‌دهیم و در این نوشته **اثبات می‌کنیم حتی به‌صورت عادی نیز می‌توان مشکل آب را در عرض یک سال حل نمود،** اگر جدی شود می‌توانم اثبات کنم کمتر از یک سال هم حتی با روش‌های عادی می‌شود.

۱ طرح عادی انتقال آب از دریای عمان است، **انتقال آب از خزر به دلایلی که ذکر می‌شود فایده چندانی ندارد.**

۲ این طرح با طرح اتصال خزر به خلیج‌فارس که توسط روس‌ها در زمان پهلوی مطرح کرده‌اند تفاوت دارد و با طرح کانال مرکزی در فلات ایران که در زمان آقای هاشمی رفسنجانی مطرح بوده تفاوت دارد و با طرح دکتر احمدی‌نژاد نیز تفاوت دارد، با طرح مطرح در مجلس که انتقال آب به ۱۸ استان کشور است نیز تفاوت دارد که در ضمن بحث معلوم می‌گردد، **این طرح انتقال آب به**

استان‌ها و شهرها و روستاها و زمین‌های بایر در مدت کوتاه است، آن‌هم نه برای ترانزیت کشتیرانی بلکه هدف اصلی کشاورزی است.

۳ اهمّ اهداف طرح چیست؟ تأمین آب مورد نیاز کشاورزی - دو مصرفِ نمودن آب در ایران و ذخیره نمودن آب شیرین- پر آب نمودن دریاچه‌های خشک‌شده ایران مانند دریاچه جازموریان و دریاچه‌های نمک و دریاچه ارومیه و... - تأمین آب جهت راه‌اندازی تولید و پرورش ماهی شور دریایی - تأمین آب سدهای تولید برق جهت تولید و ارزان نمودن برق - راه‌اندازی دریاچه‌های مصنوعی جهت تغییر آب‌وهوای فلات ایران به سمت اکوسیستم مطلوب - تأمین آب صنعتی - تأمین آب جهت ساختمان‌سازی و شهرسازی - تأمین آب جهت بیابان‌زدایی و کاشت درخت - تأمین آب دشت‌هایی که به سمت بیابانی شدن در حال حرکت‌اند.

۴ در بحث آب دو مقوله تصفیه آب و شیرین سازی مطرح است که هرکدام بحثی جدا دارد اما برای آنان که اطلاع کمتر دارند بیان می‌کنیم که امروز **کشورهای زیادی برای کشاورزی و شرب از آب دریا استفاده می‌کنند**، حتی **کشتی‌های اقیانوس‌پیما نیز آب شرب خود را از دریا تأمین می‌کنند**، آب شرب جزیره کیش از تصفیه آب دریا به دست میاید، **عربستان و امارات آب دریا را شیرین می‌کنند** و استفاده می‌کنند، ما در بحث تصفیه و شیرین سازی آب که خود دو بحث جداگانه و تخصصی است نیز راهکارهای منحصربه‌فردی داریم اما به‌صورت اجمال بدانید که روش‌های متعددی برای شیرین سازی و تصفیه آب وجود دارد که دریکی از قطره‌ها توضیح داده می‌شود، شبهه هزینه جواب داده‌شده.

۵ بهترین آبی را که می‌توان از دریا برداشت نمود آب دریای عمان است و در طرح ما ۷ کانال از دریای عمان تأمین آب می‌شود و ۵ کانال اجباراً از خلیج‌فارس تأمین آب می‌شود، **ویژگی دریای عمان این است که آب بهتری دارد چراکه نزدیک‌تر به قطب جنوب است و آلاینده‌های آن کمتر است**، لذا تصفیه و شیرین سازی راحت‌تر است، چراکه دائماً قطب بر اثر گرمای هوا ذوب‌شده و آب شیرین درون دریا می‌ریزد، همین‌جا معلوم می‌شود که یکی از بحران‌های پیش روی بشر بالا آمدن آب دریاست که کشورهای زیادی را زیرآب می‌برد و هر که تلاش کند آب را برداشت نماید به کل بشریت خدمت کرده است، لازم است بدانیم هرچقدر آب را از دورتر از ساحل برداریم آب بهتر و زحمت کمتری برای شیرین سازی و تصفیه آن لازم است چراکه آبی که نزدیک ساحل است به علت عمق کم دریا آلاینده‌های بیشتری دارد، پس بهترین آب آخرین مرز شرقی آبی ایران است.

۶ آب دریای خزر برای انتقال به فلات ایران خوب نمی‌باشد، چراکه **اولاً** مشکلات سیاسی ایجاد خواهد نمود چراکه آب خزر محدود و محصور بین چند کشور است و ممکن است در

آینده کشورهای همسایه مشکل ایجاد کنند، **ثانیاً** مشکل وجود رشته‌کوه بین دریای خزر است اگرچه که با نقد زدن از زیر و روش‌های دیگر قابل‌حل است ولی زمان و هزینه بسیار می‌برد، البته مشکل پساب شور آب دریا و تغییر اکوسیستم و شور نمودن آب خزر اشکالات سطحی است که جواب داده‌شده است، ما با تبدیل پساب باقیمانده به نمک دریا از پساب نیز ثروت حلال تأمین می‌نماییم ولی در کل آب خزر برای انتقال خوب نمی‌باشد.

۷ ممکن است بگویند این در طرح در مجلس مطرح است و نمونه مشابه دارد، باید بگویم **جزئیات اجرایی و مدیریتی و تأمین منابع مالی و اجرایی و طرح عملیاتی این طرح بی‌نظیر است** و اصلاً نمونه مشابه ندارد **تفاوت این طرح و طرح مجلس، تفاوت آب و سراب است، آقایان مسئول اگر طرح دارید چرا اجرا نمی‌کنید؟** یا اینکه طرحی ندارید، یا اینکه وضعیت موجود را متوجه نیستید که کاری نمی‌کنید، **بنده مطمئن هستم که نوش داروی شما بعد از مرگ سهراب هم آماده نمی‌شود،** چند سال است که طرح شما در وضعیت بررسی و تحقیقات قرار دارد؟ میدانید چه باغ‌ها که سوخت؟ چه دریاچه‌ها که بی‌آب شد و حیوانات و گیاهان تاوان کم‌کاری ما را با هلاک شدن خودپرداخت کردند؟ میدانید بلایی که در این مدت بر ملت ما واردشده قابل‌شمارش نیست؟ وعده شما سرابی است که مرگ را همراه دارد.

۸ چند مشکل اساسی در طرح انتقال آب دریای جنوب به فلات مرکزی که در مجلس مطرح است موجود است: **الف:** چرا طرح اجرایی نشده است؟ **ب:** این طرح هیچ‌گاه ادعا ندارد آب را به تمام روستاها می‌رساند بلکه آب به شهرستان‌ها می‌رسد. **ج:** زمان شروع و پایان طرح چه زمانی است؟ بنده میگویم **طرحی که در مجلس برای انتقال آب مطرح است همانند طرح بزرگ‌راه تهران به شمال است که ۲۵ سال است می‌خواهد انجام شود.** آقایانِ مسئولِ تهران نشین: مشکل اصلی این است که از حال فقرا و روستانشینان و کشاورزان خبری ندارید، آب نیاید و مردم هلاک شوند مگر اتفاق خاصی افتاده است، کما اینکه آیا تاکنون غیرازاین بوده است؟ **اگر وضعیت بحرانی خشک‌سالی درک می‌شد لحظه‌ای تعلل نمی‌شد،** میگویید مشکل مالی وجود دارد؟ **چرا از تریبون‌هایی که در دست دارید مردم را در جریان خطر پیش رو قرار نمی‌دهید** و از مردم کمک نمی‌گیرید؟ **چرا تمام‌کارهایی که فایده چندانی برای ملت ندارد را تعطیل نمی‌کنید** و متمرکز در آب‌رسانی نمی‌شوید؟ **چرا با هزینه‌ای که در دست دارید کار را شروع نمی‌کنید تاکمی از تلفات عظیمی که در پیش است را کاهش دهیم؟**

۹ ممکن است بگویید کار را شروع کرده‌ایم، باید بدانید اشتباه می‌کنید، **اولاً** کاری که شروع کرده‌اید انتقال آب خزر به سمنان و خلیج‌فارس به یزد است که انتقال خزر به سمنان اشتباه است، پول زیاد و بهره‌برداری کم و در آینده نیز مشکل سیاسی از طرف همسایگان خزر برای ما پیش میاید، **ثانیاً** چرا فقط به فریاد سمنان و یزد رسیده‌اید پس کرمان و قم و اصفهان و تهران و خراسان و سیستان و بلوچستان و خوزستان و ... چه می‌شود؟ بدانید **با این نحو انتقال ویرانی آن نقاط را نزدیک‌تر کرده‌اید**، چراکه **در آینده‌ای نزدیک هرکجا که آب باشد خطرناک‌ترین نقطه خواهد بود زیرا مردم از سایر نقاط خشک‌شده به آنجا هجوم میاورند**، افراد مهاجم برای آب به آنجا میایند و افراد ساکن آنجا که نیز تنها به‌اندازه خود آب‌دارند و برای دفاع از آب‌وخاک خود می‌جنگند پس این‌گونه است که ایرانی به جان ایرانی می‌افتد، **مردم اگر برای تأمین آب به‌جایی که آب دارد نروند می‌میرند و اگر به آنجا بروند در آنجا هجوم مردم و جنگ و قتل واقع شود،** در این زمان‌حساس کل ایران ناامن می‌شود، **جایی که آب نیست خالی‌شده و دشمن آنجا را تصاحب کند و جایی که آب وجود دارد ایرانیان با یکدیگر در حال جنگ و از بین بردن خود هستند**، اینجاست که میگوییم طرح غیرعادی نجات‌بخش است چراکه **در آن دو طرح آب به همه‌جا می‌رسد و کسی از جایی بجایی کوچ نمی‌کند حتی کشورهای همسایه را نجات می‌دهیم**، تعجب نکنید تاریخ سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ را که قحطی و خشک‌سالی آمد را ملاحظه فرمایید در خاطرات آمده که **اگر فردی تنها بیرون می‌رفت امیدی به بازگشت او نبود، او ربوده می‌شد، کشته می‌شد و گوشت او خورده می‌شد، دقیقاً همان جریان در حال وقوع است،** سؤال دیگر از شما این است: چند سال است که این طرح شروع‌شده و هم‌اکنون در چه وضعیتی است، **آیا توانستید مشکل آبی یزد و سمنان را حل کنید؟ جواب واضح است که نتوانستید.** واضح بگویم انگیزه‌ای برای حل این مشکل نیست و در نگاه خوش‌بینانه **خطر پیش رو برای شما تبیین نشده** که اراده جدّی برای حل این بحران داشته باشید، بنده در اسلام یاد گرفتم که باانصاف باشم و اگر مرده سگی بد بو را دیدم و بینی خود را گرفتم ولی از دندان‌های سفید و تیز آن نیز یادی کنم، پهلوی اول در طول ۱۳ سال خط راه‌آهن بندر ترکمن به بندر امام (از خزر تا خلیج‌فارس) را انجام داد راه‌آهنی که از بین دو کوه رد می‌شود با پُلهای بسیاری که دارد، از آن زمان که حدود ۷۶ سال گذشته است در آن دوران ایران نه این تعداد دکتر و مهندس داشته نه این‌همه ماشین‌آلات و... اما سیزده‌ساله آن کار را انجام داد اگر ما در آن زمان بودیم شاید این حرکت ۳۰۰ سال طول می‌کشید و اگر او در این زمان بود شاید در طول ۱۳ ماه این راه‌آهن را انجام می‌داد، دقت کنید بنده حقیقتی را میگویم که ما را در فکر فروبرد و الا همه ما میدانیم او چه ضربه‌ای به دین

وارد نمود و چه جنایتی کرد، ولی سؤال این است که چه شد که در قم و مشهد درود به او گفته شد؟ اگر او در این زمان بود در طول چند وقت مشکل آب را حل می‌نمود؟ ما چه مشکلی داریم که ۱۲۰ کیلومتر آزادراه تهران شمال ۲۵ سال است هنوز به بهره‌برداری نرسیده است؟ چرا باید طرح‌های حیاتی و نجات‌بخش ما مانند آب ده‌ها سال به مرحله اجرا نرسد؟ بگویم **اگر مشکل آب را سریعاً حل نکنیم آیندگان‌همان قضاوتی را در مورد ما می‌کنند که ما در مورد گذشتگان می‌کنیم اگر نگویم قضاوتی بدتر خواهند نمود**، حداقل درزمینه آب ما از نسل آینده دزدی کرده‌ایم، حداقل اگر اشتباه فکر می‌کنیم بگویید به ما مشکل چیست تا بدانیم.

۱۰ طبق طرح ما باید ۱۲ کانال از جنوب کشور به سمت فلات مرکزی و شمال کشور کشیده شود، از بین ۱۲ کانال، ۷ کانال از دریای عمان می‌باشد که فلات شرقی کشور را تأمین می‌نماید، ۵ کانال از بندرعباس و خلیج‌فارس می‌باشد که فلات غربی کشور را آبیاری می‌کند، هر کانال ۱۵۰۰ کیلومتر است، کار با ۳۶۰ تیم انجام می‌شود از ۳۶۰ نقطه هم‌زمان شروع می‌شود لذا هم‌زمان کار شروع می‌شود و هم‌زمان کار پایان می‌یابد، کار در سه شیفت انجام می‌شود، تمامی شئون مملکت باید درگیر مسئله آب‌رسانی شوند و تمامی کارهای پوپولیسمی تعطیل شود، گروه پیشتاز نقشه مسیر را درروی زمین تعیین می‌کنند دقیقاً مانند گروه پیشتاز در اطلاعات عملیات جنگ، هر ۵۰ کیلومتر آب رها می‌شود و پست زده می‌شود، پست‌ها دریاچه‌های مصنوعی است که امور مختلفی در آنجا انجام می‌گردد از قبیل: انتقال آب به زمین‌های اطراف، تصفیه دوباره و شیرین سازی آب، بالا بردن آب برای ریخته شدن در ادامه کانال درزمینهای شیب‌دار و تولید برق (قبل از ریخته شدن آب در پست از نیروی آب که در ۵۰ کیلومتر قبل است برق تولید می‌شود که در حقیقت هر کانال یا لوله به‌منزله سد مهار آب تولید برق می‌باشد) و...، نتیجه این حرکت این است که از همان ابتدا قبل از آب‌رسانی شغل در مملکت ایجاد می‌شود، آقایان می‌فرمایند ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌اند، اگر ۷۰۰ هزار نفر در این طرح مشغول به کار شوند کمتر از یک سال آب‌رسانی عادی انجام می‌گردد و این قاعده کاملاً معقول می‌باشد، **هرچقدر قدرت و توان را بالا ببریم هدف زودتر حاصل می‌شود،** هزینه ایجاد هر شغل را کارشناسان بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان اعلام کرده‌اند معاون وزیر تعاون می‌فرماید بین ۵۰ الی ۷۰ میلیون هزینه لازم دارد ما کلام معاون وزیر را معیار می‌گیریم و جناب آقای روحانی فرمودند ما ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم اگر برای هر شغل ۶۰ میلیون تومان هم هزینه لازم باشد می‌شود ۴۳۰ بیلیون تومان، **اگر دولت این پول را در طرح آب‌رسانی هزینه**

کرده بود و به هیچ هزینه دیگری هم‌دست نمی‌زد کار آب‌رسانی در مدت بسیار کوتاه‌تر از یک سال انجام‌شده بود و از همان ابتدا شغل زیاد شده و مهم‌ترین زیرساخت پیشرفت نیز در ایران انجام‌شده بود ولی این کار انجام نشد و **ما هم نمی‌دانیم چه شغل زودبازده در ایران ایجادشده؟ ما که هر چه می‌بینیم تعطیلی کارخانه‌ها است؟** آیا تعطیلی و مشکلی که برای کارخانه هِپکو[۷۵] ایجاد شد فراموش‌شدنی است؟ بدانیم **با این روال هِپکوهای بسیاری در راه است**، گذشته از اینکه **ایجاد شغل‌های زودبازده به فرض اینکه انجام‌شده باشد مطمئن باشید بازدهی نخواهد داشت** چراکه خشک‌سالی آن‌ها را نیز خشک خواهد نمود، گذشته از تمامی بحث‌های مهندسی که ما جزئیات را در کتاب طرح عادی ثبت نموده‌ایم در وضعیت کنونی بحث بر سر نقشه راه و یا اینکه دیواره‌ها سیمانی باشد و یا آهنی و لوله اسپیرال باشد و قطرش چقدر، نقد زده شود یا کانال و لوله و ... نیست، بحث بر سر این است **چرا این‌قدر تعلل می‌کنید؟ نوش داروی شما به چلّه و سال و قَرن سهراب هم نمی‌رسد،** چرا خشک‌سالی را شوخی گرفته‌اید، سریعاً طرحی را که در مجلس است را عملی نمایید و بقیه نقشه‌نگاری‌ها را در حین انجام کار انجام دهید، بگویم **در آینده‌ای نزدیک آنچه سال‌ها وقت گذاشته و هزینه کرده‌اید کاغذ باطله‌ای بیش نخواهد بود،** شاید باشیم و ببینید و ببینیم، **بنده به طرح دوماهه اعتقاددارم و نهایتاً در وقت راستی آزمایی حقانیت ما معلوم می‌گردد، در آن زمان نه‌تنها طرحِ مجلس بلکه تمامیِ طرح‌های کوچک و بزرگ آبی در حال اجرا باطل می‌شود مَثَل طرح غیرعادی و امور در حال اجرا مَثَل مقایسه سرعت نور با حرکت لاک‌پشت است،** خدا را تو را شکر که بی‌منت عطا می‌کنی.

۱۱ یکی از مشکلات طرح را نبود هزینه عنوان می‌کنند که در لابه‌لای بند ۱۴ معلوم شد که این مطلب بهانه‌ای بیش نیست، طبق محاسبات بنده طرح عادی یک‌ساله ۲۱٫۶۰۰ مهندس در فنون مختلف لازم دارد که برای هر مدیر ماهیانه ۶ میلیون تومان حقوق در نظر گرفته‌ایم و طبق همین محاسبات ۱۳۰ هزار نفر کارگر متخصص از قبیل آرماتوربند و جوشکار و راننده کامیون و لودر و ... لازم داریم که حقوق ۴ میلیون و پانصد هزار تومان برای هر نفر در نظر گرفته‌شده است که **۷ بیلیون تومان هزینه لازم است،** اگر دولت و بقیه دستگاه‌ها نخواهند کمک کنند بسیار ساده از طریق مشارکت عمومی این بودجه قابل تأمین است، اما چگونه؟ دولت ماهیانه به ۷۷ میلیون نفر ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان یارانه می‌دهد که می‌شود ماهیانه تقریباً ۳٫۵ بیلیون تومان، هزینه یک سال مدیران و کارگران این طرح می‌شود ۷ بیلیون تومان، فرض کنیم هیچ‌کس کمک نکند بنده مطمئن هستم اگر برای مردم خطر نبود آب و ثمرات آمدن آب به‌صورت شفاف بیان شود و اینکه بعد از آمدن آب چه سود

سرشاری نصیب ملت و هر کس که در طرح آب‌رسانی شرکت کند می‌شود، کمتر کسی پیدا می‌شود که در سرمایه‌گذاری برای آب‌رسانی شرکت نکند که در این صورت اگر همان ۷۷ میلیون ایران ماهیانه ۱۰ هزار تومان سرمایه گزاری کنند بیش از مبلغ مورد نیاز پول برای دستمزدها جمع می‌شود، عدد به‌دست‌آمده بیش از ۹ بیلیون می‌باشد، **ما باید در این طرح برنامه‌ای داشته باشیم که گردن‌کلفتان اقتصادی تمامی سهام آب را به نام خود نزنند و باید تا آنجا که می‌توانیم محرومین و مستضعفین را در آن شرکت دهیم** تنها **یک بحث می‌ماند آن اینکه مصالح و لوازم مورد نیاز را از کجا تأمین کنیم؟** این سؤال سؤالی بَس عجیب است و تنها از کسی سر میزند که نداند ایران ۱۰% منابع طبیعی جهان بلکه بیشتر در دسترس ما ایرانیان است، **اگر منابع طبیعی ایران به داد ما نرسد چه فایده‌ای دارد؟ ما ادعای صادرات فولاد را داریم آن‌وقت برای لوله انتقال آب خودمان چیزی نداشته باشیم؟ ادعای صادرات سیمان داریم آن‌وقت برای بتون‌ریزی خودمان سیمان نداریم؟** سؤال‌هایی مانند چگونگی برطرف کردن اختلاف سطح دریا با زمین و یا چگونگی بالا بردن آب و یا چگونگی تأمین برق و ... سؤال‌هایی بسیار ابتدایی است که در این مجال اندک وقت پاسخگویی نیست، ولی بگوییم ما با الگوی چاه‌های آرتزین مصرف برق را در انتقال آب به‌صورت عجیبی پایین میاوریم و نیازی هم به موتورهای پرقدرت پمپاژ نخواهیم داشت، لازم به ذکر است برای گسترش طرح به همه زمین‌ها از سال اول بودجه مورد نیاز از درآمد حاصل از سال قبل قابل تأمین است، آب بیاید ثروت سرشاری را به همراه خواهد داشت.

این قطره (قطره ۷۳) خلاصه‌ای از کتاب رفع خشک‌سالی ایران از طریق عادی است که به اهم شبهات و مباحث مطرح درزمینه انتقال آب از طریق عادی پرداخته است که در یک قطره دیگر مطالبی نیز در ادامه عنوان می‌گردد، بدیهی است که خلاصه کردن یک کتاب در یک برگه کاری بسیار دشوار می‌باشد. لطفاً سؤال‌ها و مطالب خود را با ما در میان بگذارید- برای دریافت مباحث به آیدی تلگرام پیام دهید- بیش از ۲۵۰ سخنرانی پیرامون آب عنوان گردیده و نامه‌هایی نیز وجود دارد- برای دریافت پی‌دی‌اف کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله در عرض چند ماه به آیدی تلگرام پیام دهید. بدیهی است که شبهه تغییر اکوسیستم نیز در ضمن مباحث جواب داده‌شده است. ۹۶/۱۰۱۷- علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

قطره ۷۴- بحث دروغ و ربا قسمت اول ۹۶/۱۰/۲۱

۱ وزیر نیرو: امسال با بحران آب روبرو نیستیم. (چهارشنبه ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۶) تمام- جواب:

۱. آن‌قدر بحران آب شدید شده است که کمتر کسی است که نداند در شدیدترین بحران آبی واردشده‌ایم، بلکه در شدیدترین بحران آب‌وهوایی تاریخ بشریت واردشده‌ایم.
۲. چگونه وزیر نیرو می‌فرماید با بحران آب روبرو نیستیم درحالی‌که سال‌هاست با بحران آبی روبرو هستیم و امسال در موج جدیدی از گرما و عدم نزول باران واردشده‌ایم آیا وضعیت خشک‌سالی در ۶۷ سال گذشته بی‌سابقه نبوده است.
۳. زمانی که وزیر نیرو که مسئولِ اصلی برطرف کردن بحران خشک‌سالی است موضوع بحران خشک‌سالی را نداند هیچ‌گاه نمی‌تواند آن را حل نماید.
۴. لذا همان‌گونه که قبلاً هم در مورد وزارت نیرو به‌خصوص وزیر نیرو تذکر داده بودیم، درخواست داریم سریعاً وزیر نیرو راهکار خود را برای بیرون رفت از بحران خشک‌سالی ارائه دهد.
۵. ما اعلام می‌کنیم هیچ راهکار نجات‌بخشی برای بحران خشک‌سالی در دستان دولت و مجلس موجود و ... نمی‌باشد و با این وضعیت تمامی شئون جامعه و دستاوردهای گذشته و پیشرفت‌های پیش رو درخطر جدی می‌باشد.
۶. از مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم تا خشک‌سالی ما را به لبه پرتگاه نرسانده است از وزیر نیرو راهکار جدی و عملی بیرون رفت از خشک‌سالی را جویا شود که مطمئناً ایشان راهکاری ندارند و آمارهای فعلی و آتی وضعیت کنونی و پیش رو اشتباه وزیر نیرو را بر همگان آشکار می‌کند.
۷. امیدواریم وزیر نیرو با اعلام رسمی بحران خشک‌سالی حداقل ما را به‌اندازه سرسوزنی دل‌خوش کنند که حداقل ایشان می‌دانند بحران خشک‌سالی داریم.

امام رضا (ع) می‌فرمایند: هرگاه حاکمان دروغ بگویند باران نمی‌بارد[1].

---

[1] **میزان الحکمه جلد ۳ صفحه ۲۸۶**

۱ آقای روحانی می‌فرماید: بارندگی پاییز امسال نسبت به پاییز ۱۰ سال گذشته ۵۵% کاهش داره، این (عدم نزول باران) دست ما نیست، باید دعا کنیم خدا رحمت را نازل کنه- تمام - جواب

۱. طبق روایات معصومین علیهم‌السلام خشک‌سالی نتیجه اعمال ما می‌باشد که دلایل بسیاری برای آن ذکرشده که طبق روایت یکی از دلایل آن دروغ مسئولین است، فقط یک نمونه بسیار کوچک از دروغ‌ها: وقتی وزیر نیروی شما اصل خشک‌سالی را انکار می‌کند، نتیجه این دروغ شدت خشک‌سالی است، شما جلوی دروغ‌های مسئولین را بگیرید تا رحمت خداوند نازل شود. قسم می‌خورم تا از دروغ دست برنداریم خشک‌سالی برطرف نمی‌شود، چراکه یکی از علت‌های خشک‌سالی ایران دروغ است که در حدیث امام رضا ع تصریح‌شده است.

۲. شما می‌فرمایید این کاهش بارندگی دست ما نیست: اتفاقاً این خشک‌سالی نتیجه اعمال ماست، شما آقای روحانی رئیس‌جمهور محترم مسئول امربه‌معروف و نهی از منکر در جامعه هستید چقدر با منکرات مبارزه کردید؟ چقدر با فساد مالی مبارزه کردید؟ چقدر با ربای بانکی مبارزه کردید؟ ربا جنگ باخداست که سال‌های سال همه فریاد می‌زنند اما روزبه‌روز بیشتر و بیشتر می‌شود حال که ما با رواج ربا به جنگ خدا رفته‌ایم پس باید عواقب این جنگ را هم ببینیم، عاقبت این جنگ خشک‌سالی وحشتناکی است که شروع‌شده پس اگر می‌خواهید خشک‌سالی برطرف شود سریعاً به‌صورت جدی با ربا و فساد بانکی و منکرات و دزدی‌های کلان که به اسم حقوق نجومی مطرح است مبارزه کنید که اگر نکنید خشک‌سالی همه را خشک می‌کند، **بدانید خشک‌سالی لشکر خداست.**

۳. نکته دیگر می‌فرمایید دعا کنیم تا خشک‌سالی برطرف شود.

- بسم‌الله دعا کنید تا خشک‌سالی برطرف شود ولی بدانید به دلایل زیادی دعا مستجاب نمی‌شود، شکم‌های ما از ربای بانکی پرشده و شکمی که در آن مال حرام باشد دعایش مستجاب نیست، **آیت‌الله مکارم شیرازی دامت برکاته فرمودند: یکی از مشکلات زمان ما این است که غذای بدون شبهه هیچ کجا پیدا نمیشه به علت اینکه همه پول‌ها می‌رود در بانک، بانک هم رباخواری‌اش مسلم است، پول حلال ما، پول امام زمان ع**

آمیخته می‌شود با این پول‌های ربا و هر جنسی بخواهیم بخریم با آن می‌خریم، هیچ راهی هم غیرازاین نداره بنابراین یکی از عوامل عدم استجابت دعاها همین آلوده بودن غذا به حرام یا مشکوک لااقل و این مشکل زمان ما است، سابقاً این‌طوری نبود بانکی نبود، هرکسی پول حلال خودش را نگاه می‌داشت می‌رفت جنس می‌خرید، جنس حلال، پول حلال، ما الآن دیگه پولی نداریم از غیر مسیر بانک- متن سخنرانی تمام - خداوند در سوره بقره می‌فرماید: **يمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يحِبُّ كلَّ كفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶)** خدا از ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۶) **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيهِمْ وَلَا هُمْ يحْزَنُونَ (۲۷۷)** کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۷۷) **يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِي مِنَ الرِّبَا إِنْ كنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸)** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی‌مانده است واگذارید. (۲۷۸) **فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)** و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ باخدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید. (۲۷۹) - ترجمه تمام - تنها برای اینکه ابعاد وحشتناک مسئله پیش رو را با روال عادی پیش رو بیان کنم نتیجه ادامه وضعیت ربا که حرب و جنگ باخداست را از کتاب خدا یادآور می‌شوم، قرآن کریم در سوره مائده در آیه ۳۳ در مورد حکم محارب می‌فرماید: **إِنَّما جَزاءُ الَّذينَ يحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً أَنْ يقَتَّلُوا أَوْ يصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيديهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ ينْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِكَ لَهُمْ خِزْي فِي الدُّنْيا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظيم** ۳۳ جز این نیست که سزای آنان که باخدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین به فسادگری می‌کوشند این است که کشته شوند یا به صلیب کشیده شوند و یا دست‌وپایشان برخلاف یکدیگر بریده شود و یا از آن [سرزمین] به نقطه‌ای دیگر [تبعید] گردند. این کیفر، رسوایی آنان در دنیاست و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود-ترجمه تمام - البته این واضح است که ما تنها به دنبال اثرات شوم وضعی آثار ربا در جامعه هستیم، لذا طبق آیه کریمه: ربا جنگ باخداست و حکم جنگ باخدا نیز در آیه ۳۳ سوره مائده بیان‌شده، امروز جای سؤال دارد که همه فکر کنند، چرا هوا گرم شده؟ و چرا بجای باران و برف در تمامی ایران زلزله میاید؟ آنچه من گمان

می‌کنم تحقق آیه ۳۳ سوره مائده در حق جامعه ما است: **ما با ربا و سیاست‌هایی که فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر نمود به جنگ باخدا پرداختیم و فرصت زیادی داشتیم تا اصلاح شویم حال خداوند گزینه نظامی خود را به میان آورده تا ما را اصلاح کند، باران نمی‌بارد، هوا گرم شده، زلزله میاید، بیماری و گرانی و قحطی در راه است، پرندگان می‌میرند و تخم‌مرغ گران می‌شود، در زمستان تالاب آتش می‌گیرد و هوا ناسالم می‌شود و این جریان ادامه دارد مگر اینکه سریعاً توبه کنیم و تا اصلاح شویم ما با رباخواری به فساد پرداختیم و کتاب خدا را پشت سر گذاشتیم و آن فساد این بلاهای ارضی و سماوی و جان و مال و دام و طیور و ... را به همراه داشت** در حقیقت این بلاها تحقق دقیق آیه ۳۳ سوره مائده در حق ماست، اگر ما آیات قرآن را نمی‌دانستیم و حجت بر ما تمام نشده بود مانند جوامع غربی و مارکسیسمی و اومانیسمی بودیم، خوب در آنجا حجت تمام نشده بود و مسئله فرق می‌کرد اما در مملکت ایران اسلامی که معارف الهی را حتی افراد عوام آن می‌داند جای هیچ‌گونه مسامحه‌ای نیست، ما قرآن را میدانیم ولی با الگوی غیر قرآنی رفتار می‌کنیم، پس حجت بر ما تمام‌شده و جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای نیست، حال که ما بر کرده‌های خود پافشاری می‌کنیم، خداوند عالم هم باقدرت خود با ما برخورد می‌کند.

- اگر واقعاً می‌خواهیم قدم جدی برای استجابت دعا برداریم جلوی ربای بانکی را بگیرید ما عملاً در جنگ باخدا هستیم، آن‌وقت چگونه خداوند دعای کسی که با او در جنگ است را مستجاب کند؟ اگر اصرار دارید دعا در این وضعیت جوابگو است این شما و این تمامی کُتُب ادعیه دعا فرمایید. ربای بانکی فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر کرده، چه خانواده‌ها که متلاشی نشد؟ چه ضجه‌ها که بلند نشد؟ چه طلاق‌ها و فسادها و فحشاها که اتفاق نیفتاد؟ که همه بازگشت به ربا و دروغ داشت، بدانید تا تغییر نکنیم و امربه‌معروف و نهی از منکر را عملاً از سطوح بالایی مسئولین شروع نکنید هیچ اتفاقی نمی‌افتد روایت می‌فرماید: **إِذَا لَمْ يأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ ينْهَوْا عَنْ مُنْكرِ وَ لَمْ يتَّبِعُوا الْأَخْيارَ مِنْ أَهْلِ بَيتِى سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيهِمْ شِرَارَهُمْ فَيدْعُو عِنْدَ ذَلِک خِيارُهُمْ فَلَا يسْتَجَابُ** لَهُم هرگاه (مردم) امربه‌معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلّط گرداند و نیکانشان دعا کنند امّا دعایشان

مستجاب نشود[۱].تنها چند روایت در مورد ربا را یادآور می‌شویم: امام **صادق علیه‌السلام: (عَنْ اَبی بصیرٍ قال) قُلْتُ: آکلُ الرِّبا بَعْدَ البَینَةِ؟ قالَ: یؤَدَّبُ فَاِنْ عادَ اُدِّبَ فَاِنْ عادَ قُتِلَ؛** (ابو بصیر از امام صادق علیه‌السلام پرسید) حکم رباخوار بعد از روشن بودن حکم ربا برای وی چیست؟ حضرت فرمودند: تأدیب می‌شود و اگر (برای بار دوم) ربا گرفت باز تأدیب می‌شود و (برای بار سوّم) اگر ربا گرفت، کشته می‌شود[۲] **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اَلرِّبا وَ اِنْ کثُرَ فَاِنَّ عاقِبَتَهُ تَصیرُ اِلی قُلٍّ؛** سود ربا گرچه بسیار باشد ولی سرانجام به کمی (و بی‌برکتی) می‌گراید[۳]. **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اِنَّ اَخْوَفَ ما اَخافُ عَلی اُمَّتی مِنْ بَعْدی هذِهِ الْمَکاسِبُ المُحَرَّمَةُ وَ الشَّهْوَةُ الخَفیةُ وَ الرِّبا؛** آنچه بیش از هر چیز بر امتم بعد از خود می‌ترسم، درآمدهای حرام، هواپرستی پنهان و ربا است[٤]. **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اِذا ظَهَرَ الزِّنا وَ الرِّبا فی قَرْیةٍ فَقَدْ اَحَلّوا بِاَنْفُسِهِمْ عَذابَ اللّه؛ هرگاه** زنا و ربا در جایی آشکار شود، مردم آنجا خود را در عذاب خدا افکنده‌اند[٥]. **امام رضا علیه‌السلام: اِعْلَمْ یرْحَمُک اللّه اَنَ الرِّبا حَرامٌ سُحتٌ، مِنَ الکبائِرِ وَ مِمّا قَدْ وَعَدَ اللّه عَلَیهِ النّارَ فَنَعوذُ بِاللّه مِنْها، وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلی لِسانِ کلِّ نَبی وَ فی کلِّ کتابٍ؛ خدایت** رحمت کند! بدان که ربا حرام و از گناهان کبیره است و خداوند بر آن وعده آتش داده است پس پناه می‌بریم به خدا از آتش. ربا را همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی حرام کرده‌اند[٦]. **امام صادق علیه‌السلام: {لَمّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللّه عَزوجَلَّ } (یمْحَقُ اللّه الرِّبا وَ یرْبِی الصَّدَقاتِ) وقَد أَری مَنْ یأْکلُ الرِّبا یرْبُو مالُهُ؟ فقال فَأَی مَحْقٍ أَمْحَقُ مِنْ دِرْهَمٍ رِبا یمْحَقُ الدّینَ فَإِنْ تابَ مِنْهُ ذَهَبَ مالُهُ وَ افْتَقَرَ؛** مردی از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد» سؤال کرد و گفت: گاه کسی را می‌بینم که ربا می‌خورد

---

[۱] امالی (صدوق) ص ۳۰۸-

[۲]. کافی ج ۷، ص ۲۴۲، ح ۹ -

[۳] نهج الفصاحه ص ۵۰۷، ح ۱۶۸۴ -

[٤] مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل ج ۱۳، ص ۶۷، ح ۱۴۷۶۳ - بحارالانوارج ۱۰۰، ص ۵۴، ح ۲۶ -

[٥] نهج الفصاحه ص ۱۹۶، ح ۱۱ -

[٦] فقه الرضا علیه السلام ص ۲۵۶ -

و بااین‌حال ثروتش زیاد می‌شود؟ حضرت فرمودند: کدام نابودی، نابودکننده‌تر از یک‌درهم ربا که دین را نابود می‌کند. که اگر توبه هم کند ثروتش از دست می‌رود و فقیر می‌شود[۱]. **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: مَنْ أَکلَ الرِّبا مَلأَ اللّه عَزوَ جَلَّ بَطْنَهُ مِنْ نارِ جَهَنَّمَ به‌قدر ما أَکلَ وإِنِ اکتَسَبَ مِنْهُ مالاً لا یقْبَلُ اللّه تَعالی مِنْهُ شَیئا مِنْ عَمَلِهِ ولَمْ یزَلْ فی لَعْنَةِ اللّه والْمَلائِکةِ ما کانَ عِنْدَهُ مِنْهُ قیراطٌ واحِدٌ؛** هر کس ربا بخورد خداوند عز و جل به‌اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش دوزخ پر کند و اگر از طریق ربا مالی به دست آورد، خدای تعالی هیچ عمل او را نپذیرد و تا زمانی که قیراطی (کمترین مقدار) از مال ربا نزدش باشد، پیوسته خداوند و فرشتگانش او را نفرین کنند[۲]. **امام صادق علیه‌السلام: آکلُ الرِّبا لا یخْرُجُ مِنَ الدُّنْیا حَتّی یتَخَبَّطُهُ الشَّیطانُ؛** رباخوار از دنیا نرود تا آن که شیطان دیوانه‌اش کند[۳]. **امام صادق علیه‌السلام: دِرْهَمُ رِبا أَعْظَمُ عِنْدَ اللّه مِنْ سَبْعینَ زِنْیةً به ذات مَحْرَمٍ فی بَیتِ اللّه الْحَرامِ و قال: الربا سبعون جزءا أیسره ان ینکح الرجل امه فی بیت الله الحرام** **یک** درهم ربا نزد خداوند سنگین‌تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا و فرمود ربا هفتاد جزء دارد که آسان‌ترینش این است که مرد با مادرش در بیت‌الله الحرام ازدواج کند[۴]. **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ آکلَ الرِّبَا وَ مُؤْکلَهُ وَ کاتِبَهُ وَ شَاهِدَیهِ** خدای عز و جل رباخوار و ربادهنده و نویسنده و شاهد بر آن را لعنت کرده است[۵]. بحث ربا و ادامه جواب در قطره‌های بعد

---

[۱] تهذیب الاحکام ج ۷، ص ۱۹، ح ۶۵ - من لا یحضره الفقیه ج ۳، ص ۲۷۹، ح ۴۰۰۵

[۲] بحار الانوارج ۷۳، ص ۳۶۴، ح ۳۰ -

[۳] بحارالانوارج ۱۰۰، ص ۱۲۰، ح ۳۰

[۴] بحار-ج ۱۰۰، ص ۱۱۷، ح ۱۳ - تفسیر نور نورالثقلین ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۱۱۷۷

[۵] من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۸، ح ۴۹۶۸ -

قطره ۷۵ ادامه قطره ۷۴ در بحث ربا- راهکار بیرون رفت از ربای بانکی - در جواب جناب آقای دکتر روحانی ۹۶/۱۰/۲۲

آقای روحانی می‌فرمایند: بارندگی پاییز امسال نسبت به پاییز ۱۰ سال گذشته ۵۵% کاهش داره، این (عدم نزول باران) دست ما نیست، باید دعا کنیم خدا رحمت را نازل کنه- تمام - جواب: همان‌طور که در قطره ۷۴ عرض کردیم: اگر شما عقیده دارید در این وضعیت با دعا مشکل حل است **بفرمایید و دعا نمایید** ما قبلاً دعا کرده‌ایم چیز دیگری فهمیده‌ایم، **جامعه ما از بس دروغ شنیده که قبول نمی‌کند بگوییم توبه کنید دعا کنید تا آب بیاید لذا باید آب بیاورید تا همه دعا کن شوند آن گروهی هم که دعاخوان هستند به علت ترک امربه‌معروف و نهی از منکر دعایشان ...، تازه اگر دعا کنیم بارانی هم بیاید مطمئن باشید خشک‌سالی را برطرف نمی‌کند، آمدن باران و برطرف کردن خشک‌سالی دو مقوله است و ما هم‌اکنون در خشک‌سالی وحشتناک هستیم و یکی دیگر از اسباب عدم استجابت دعا بانک‌ها و پول‌های ربوی است** لذا طبق آنچه روایات و بزرگان فرموده‌اند **جامعه‌ای که مبتلا به ربا باشد، دعا در آنجا مستجاب نمی‌شود و البته جامعه‌ای که مبتلا به ربا باشد آن جامعه در جنگ و محاربه با خداوند است و طبق آیات دیگر مانند آیه ۳۳ سوره مائده بلا بر آن جامعه سرازیر می‌شود که طبق فهم ما خشک‌سالی‌ها و زلزله‌های پی‌درپی و اموری که سلسه‌وار در انتظار جامعه ایران است نتیجه جنگی است که از سوی خداوند بر ما نازل‌شده و تا ما، مخصوصاً مسئولین ربا را پایان ندهیم جنگ را پایان نداده‌ایم و این جنگ ادامه دارد و بلاها بیشتر و شدیدتر می‌شود، تا همگی توبه نماییم (متن آیه ربا در مورد جنگ با خدا بقره: یا أیها الذین آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقی من الربا إن کنتم مؤمنین (278)فإن لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله ورسوله**[۷۶] **-متن آیه: ۳۳-در مورد محاربه: إِنَّما جَزاءُ الَّذینَ یحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً أَنْ یقَتَّلُوا أَوْ یصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیدیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ ینْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِکَ لَهُمْ خِزْی فِی الدُّنْیا وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظیمٌ)** [۷۷] **-خلاصه قطره قبل تمام-حال ادامه بحث**

سؤال اینجاست چرا جامعه ما مبتلا به ربا شد؟ و از چه زمانی ربا شدت گرفت؟ و در این وضعیت برای نجات از ربا باید چه کرد؟ همان‌گونه که معلوم است ربا مربوط به

این زمان نیست، بلکه در دوران صدر اسلام بلکه قبل از اسلام نیز ربا وجود داشته همان‌گونه که در حدیث شریف امام رضا ع می‌فرماید: **اِعْلَمْ یرْحَمُک اللّه اَنَ الرِّبا حَرامٌ سُحتٌ، مِنَ الکبائِرِ وَ مِمّا قَدْ وَعَدَ اللّه عَلَیهِ النّارَ فَنَعوذُ بِاللّه مِنْها، وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلی لِسانِ کلِّ نَبی وَ فی کلِّ کتابٍ؛ خدایت** رحمت کند! بدان که ربا حرام و از گناهان کبیره است و خداوند بر آن وعده آتش داده است پس پناه می‌بریم به خدا از آتش. **ربا را همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی حرام کرده‌اند**[1]. اما بدیهی است که رواج و گسترش ربا بعد از پیدایش بانک‌ها بوده که به‌ناچار همه مردم حتی مسلمانان مبتلا به آن شده‌اند و مشکل اساسی اینجاست که ما مسلمانان حتی شیعیان نتوانسته‌ایم سازوکار مناسب حلال اسلامی برای مبادلات و تجارت ارائه دهیم که البته این مشکل از جانب ماست نه از جانب اسلام، مشکل بیشتر اینجاست که با تمامیِ عقودی که سعی شد در سازوکار بانک‌ها ایجاد شود تا بانک‌ها از ربا دور شوند بازهم به شهادت علما و فقها و کارشناسان نتوانسته‌ایم کار چندانی از پیش ببریم. سؤال این است که **چرا بانک‌های ما نتوانستند با انقلاب اسلامی، اسلامی شوند؟** انقلاب تحقق یافت ولی عملیات جدی و حقیقی برای اسلامی بودن بانک‌ها انجام نشد تا جایی که فردی، وام خودرو می‌خواهد و بانک خودروی ۲۰ میلیونی را ۵۰ میلیون اقساط می‌فروشد، حال کافی است که یک قسط او عقب بیفتد سود دیرکرد او شروع می‌شود، او که در این وضعیت خراب اقتصادی نمی‌تواند قسط‌های ساده خود را پرداخت کند حال باید دیرکرد قسط اول را پرداخت کند قسط دوم می‌رسد تازه می‌تواند دیرکرد قسط اول را پرداخت کند تا جایی که وام‌گیرنده که وام گرفته بود تا دردی از او دوا شود، مجبور می‌شود وام دیگری بگیرد تا فقط دیرکردهای وام اول را بپردازد که در اینجا نه‌تنها دارایی‌ای به داراییِ او اضافه نشده است بلکه از گذشته نیز فقیرتر شده است که نَدارِ خود را نیز ازدست‌داده است، حال بگذریم از اینکه **بانک‌ها به ازمابهتران وام‌های کلان با سود کم می‌دهند که حتی در صورت دیرکرد هم کاری با آن‌ها ندارند ولی به مردم عادی وام‌های کم با سود بسیار می‌دهند، آن ازمابهتران‌ها وام کلان را می‌گیرند و در همان بانک ودیعه می‌گذارند و سود زیاد می‌گیرند و با سود گرفته‌شده اصل و فرع وام را شاید**

---

[1] فقه الرضا علیه‌السلام ص ۲۵۶ -

پس بدهند که نمونه‌های آن بسیار است از طرفی همین **بانک‌ها پول مردم را می‌گیرند و اصل پول مردم را هم پس نمی‌دهند که** شروع اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ ازآنجا آغاز شد که چند بانک و موسسه مالی اصل پول مردم را پس نمی‌دانند...، چرا بانک‌ها اسلامی نشدند؟ دلیل اصلی این است که **ما فکر کردیم که اگر احکام فقهی را بر قراردادهای بانک‌ها حاکم کنیم بانک اسلامی می‌شود،** یا اگر برای رؤسای بانک‌ها کلاس اخلاقِ اقتصاد گذاشتیم بانک اسلامی می‌شود، امروز به‌جرئت میگویم **اگر رؤسای بانک‌ها را از متدین‌ترین مذهبی‌ها بگذاریم تغییری در بانک‌ها ایجاد نمی‌شود بلکه وضعیت خراب‌تر هم می‌شود،** دلیل خراب‌تر شدن این است که آن فرد مذهبی تلاش می‌کند ربا را از بانک حذف کند، دو حالت دارد یا باید وام بدهد یا خیر، وام ندادن که امکان ندارد، اگر وام بدهد: مردم پول قرض می‌گیرند، یا پس نمی‌دهند و یا دیر پس می‌دهند از طرفی بانک هزینه‌های بسیاری هم دارد از طرف دیگر بانک درآمدزایی ندارد پس نمی‌تواند خرج امورات خود را دربیاورد لذا عملاً بانک‌ها ورشکسته و تعطیل می‌شود، لذا بنده فکر می‌کنم **بیشتر کسانی که تاکنون به بانک‌های ربوی اشکال کرده‌اند اگر بانک‌ها را به آنان بسپاریم وضعیت کشور را بحرانی‌تر می‌کنند تاکنون بنده راهکار عملی برای موفقیت بانک‌ها در کار اقتصاد برای برچیده شدن ربا ندیده‌ام** هر چه دیده‌ام بیان احکام و یا اخلاق اقتصاد بوده است، سؤال اصلی این است **برای به دست آمدن ثروت حلال که ربا و بهره هم در کار نباشد، اسلام چه راه‌حل عملی دارد؟** بله تا زمانی که ما نتوانیم راه‌حل عملی برای ایجاد ثروت حلال به مردم و بانک‌ها و بنگاه‌های کوچک و بزرگ ارائه دهیم هیچ‌گاه ربا و بهره و سود و نزول از جامعه برچیده نمی‌شود، بنده تاکنون سخنرانی و کتابی در رابطه اقتصاد اسلامی ندیده‌ام ولی به این اسم کتاب‌های زیادی دیده‌ام و سخنرانی‌ها شنیده‌ام ولی هیچ‌کدام اقتصاد اسلامی نبوده همه اخلاق و احکام اقتصاد اسلامی بوده است، بین این سه مقوله با یکدیگر تفاوت است، اقتصاد اسلامی، اخلاق اقتصاد اسلامی و احکام اقتصاد اسلامی، حال نمی‌خواهم جعل اصلاح کنم خیلی ساده بنده تاکنون ندیده‌ام راهکاری در مملکت گفته شود که با آن راهکار اقتصاد مملکت متحول شود و به سمت ثروت حلال حرکت کنیم، بله **صحبت از اقتصاد مقاومتی، اشتغال، تکیه بر پتانسیل‌های داخلی، حمایت از تولید داخلی، مبارزه با قاچاق کالا، فقرزدایی و کم کردن اختلاف طبقاتی و ده‌ها امید و آرزوی دیگر هست ولی سؤال این است راهکار چیست؟** راهکاری بیان نمی‌شود، همین‌جا اعلام می‌کنم تاکنون هیچ راهکاری را نشنیده‌ام ولی اعلام می‌کنم: **راهکار، آب‌رسانی سریع است، این راهکار حقیقتاً پیچ تاریخی است، این**

راهکار ایران را در عرض مدت کوتاهی به ابرقدرت بلامنازع جهان تبدیل می‌کند، این راهکار تنها در بعد کشاورزی ایران را ۴۰۰ سال جلو می‌اندازد یعنی همان طی الزمان حکومتی است که قبلاً هم گفته بودیم و بدانید و بدانند **ایران در آستانه ابرقدرت شدن است، ابرقدرتی که شرق و غرب را به‌زانو در میاورد** تا جایی که ما را از تمامی خام فروشی‌ها نجات می‌دهد تا جایی که مجبور باشیم با تسهیلات ویژه کارگر وارد کنیم و ایرانیان به بالاترین ترقی‌های در حد امکان دست‌یابی پیدا کنند تا جایی که از اقتصاد متکی بر نفت آزادشویم، بله بی‌جهت نبود پیام حضرت روح‌الله به گورباچف که فرمودند: نقل به مضمون به غرب روی نیاورید و بلند شوید بیایید قم و درس بخوانید و الا ...(متن نامه امام رحمت‌الله علیه: **شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه‌تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شمارا جبران کنند؛ چراکه امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است ۰۰۰۰. تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در این‌گونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریک‌تر از موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد)** ما هر چه یاد گرفتیم از برکت قرآن و روایات و اهل‌بیت عصمت و طهارت و علما است، کلید مشکل ما را این آیه حل می‌نماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی**، از آب هر چیزی زنده می‌شود حتی بانکداری ربوی، حتی اقتصاد رو به ورشکستگی ایران، حتی بیکاری و فقر و ... این آیه اطلاق دارد و همه‌چیز را می‌گیرد، این آن گره علمی هست که رهبر انقلاب دامت برکاته اعلام نمودند بازکنید نقل به معنی (متن بیانات: **فرض بفرمایید در مسائل اقتصادی کشور، ما این‌همه راجع به مسائل اقتصادی حرف می‌زنیم، همه هم تصدیق می‌کنند؛ اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، همه هم از صدر تا ذیل تأیید می‌کنند، تصدیق می‌کنند،**

برایش جلسه و کمیته و کمیسیون و مانند این‌ها هم تشکیل می‌دهند، [امّا] آن‌چنان‌که بایدوشاید کار پیش نمی‌رود. خب اشکال کجا است؟ یک گره علمی وجود دارد؛ این گره علمی را چه کسی باید باز کند؟ [۱] - این گره در قم بازشده، بله ما انقلاب کردیم و نظام اسلامی که قانون اساسی است نیز انجام شد ولی هیچ‌گاه دولت اسلامی و جامعه اسلامی تشکیل نشد که در بیانات مختلفی از رهبر انقلاب دامت برکاته عنوان‌شده است (یکی از متن‌ها: **بر اساس حرکت انقلابی، نظام اسلامی به وجود آمد و این توفیقات بسیار مهم حاصل شد اما تا رسیدن به نقطه مطلوب و تشکیل دولت اسلامی و جامعه اسلامی فاصله زیادی وجود دارد و ما بدون شک در این راه در حال حرکت و پیشرفت هستیم.**)، یعنی بانکداری ما همانند زمان پهلوی باقی ماند، یعنی وزارتخانه‌های ما اسلامی نشد و ... به عقیده بنده **اگر امروز ما مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم به اهدافی که در ابتدا برای آن انقلاب کرده‌ایم نائل می‌شویم و اگر مشکل آب را حل نکنیم هیچ مشکلی را نمی‌توانیم حل کنیم،** بر کسی این مسئله پوشیده نیست که **ما درزمینه اقتصاد ناتوان هستیم و تاکنون امورات خود را از طریق خام فروشی و یا اموری که فایده چندانی ندارد گذرانده‌ایم و کشاورزی ما رو به نابودی نهاده است،** درحالی‌که قبلاً هم گفته‌ایم **سیاستمداران ما اشتباه کردند و می‌کنند که حرکت اصلی جامعه ما را می‌خواهند به سمت صنعتی شدن ببرند، ما مخالف صنعت نیستیم بلکه ۱۰۰% موافقیم**، ولی سؤال این است: **ایران باید جامعه صنعتی باشد که کشاورزی هم می‌کند و یا اینکه ایران جامعه کشاورزی است که صنعت هم در آن در خدمت کشاورزی باشد؟ باید بدانیم اصل در جامعه ایران کشاورزی است** که البته در تمامی جوامع مدرن کشاورزی اصل است، غرب برای بهره‌وری بیشتر از کشاورزی بود که صنعتی شد و در ابتدا صنعت را به خدمت کشاورزی قرارداد، بعد به سراغ صنعت در جهت تفریح و رفاه رفت، ولی ما با چشم‌پوشی از کشاورزی روی به سیاست صنعت در خدمت غیر کشاورزی آوردیم لذا می‌بینیم که واردکننده محصولات کشاورزی هستیم و **در مملکت ما کشاورز دارای ارج و قرب زیادی نیست**، آیا غیرازاین است که وضعیت روستانشینان ما از ۶۹% به ۲۹% رسیده است؟ اگر کشاورزی ارج و قرب داشت این‌گونه روستاهای ما خالی می‌شد؟ **کدام تمدن است که ادعای**

---

[۱] بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۳۱/ خرداد/ ۱۳۹۶

جهانی بودن داشته باشد ولی غذایش را از خارج تأمین کند؟ کدام ابرقدرت است که واردکننده غذا باشد؟ بله **مسئولین ما زمانی که در خشک‌سالی قرار گرفتند و نتوانستند مشکل آب را حل کنند به‌ناچار از کشاورزی چشم پوشیدند، درحالی‌که بزرگ‌ترین اشتباه را کردند**، ایران با ظرفیت کشاورزی تمام دنیا را به لرزه در میاورد، اکثر پدران ما دامدار و باغدار و کشاورز بودند و این شغل بسیار پربرکت و پرطرفدار و پرسود و دائمی است و بافت جامعه مردم ما نیز بر آن استوار بوده، ما ایرانیان زمین‌های بسیار وسیعی داریم و در خون مردم ماست که می‌توانند با آب و زمین محصولات متنوع ایجاد کنند، به خلاف صنعت که هزینه و پیچیدگی‌های بسیاری دارد و در صورت موفقیت در تولید، آن‌قدر به دست‌آوردن بازارهای جهانی سخت و پر رقیب است، **شما آب را برای این مردم بیاورید در مدت کوتاهی همه شاغل شده و ثروت حلال زیاد ایجاد می‌شود، حال با کدام حرکت اقتصادی صنعتی است که بتوانید مردم را مدت کوتاهی شاغل کرده و نجات دهید؟** خودتان حساب کنید برای ایجاد یک کارخانه چقدر باید هزینه شود و چند نفر مشغول کار می‌شوند؟ چقدر درآمد در آخر برداشت می‌شود؟ و چقدر طول می‌کشد تا کارخانه از کلنگ زنی تا بهره‌برداری برسد؟ همین هزینه را مقایسه کنید با کشاورزی، ازلحاظ زمان و هزینه و مقدار بهره‌وری و ... اصلاً قابل‌مقایسه نیست، بله **ما در کشاورزی مشکل آب داشتیم قبول، خوب مشکل آب را حل می‌کردید، چرا اصل مسئله را خط زدید؟** در طرح عادیِ ما (که آن را قبول نداریم ولی) آب از خلیج‌فارس و دریای عمان به کشور می‌رسد مگر چقدر زمان و هزینه لازم دارد؟ با قیمت کنونی ۷ هزار میلیارد تومان بیشتر هزینه دست مزد لازم ندارد، شما بفرما کم حساب کرده‌ای ۷۰ هزار میلیارد تومان، بفرما کم است ۴۲۰ هزار میلیارد خوب است؟ خوب طبق آمار آقای رئیس‌جمهور: در این سال ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم، برای هر شغل اگر ۶۰ میلیون هم هزینه شده باشد که همه می‌دانند با ۶۰ میلیون شاید نتوان یک مغازه هم رهن کرد، عدد می‌شود ۴۲۰ هزار میلیارد تومان، خوب همین پول را قرار می‌دادید تا این زیرساخت آب را که عام‌المنفعه هم است را درست می‌کردید و بجای ۷۰۰ هزار شغل ۷ میلیون شغل بلکه بیشتر آن‌هم نه برای یک سال بلکه برای همیشه درست می‌کردید، بگویم **اگر آب نیاورید نه‌تنها در آینده هیچ اتفاقی نمی‌افتد بلکه تمامی ساخته‌های انقلاب و قبل از انقلاب نیز از بین خواهد رفت،** این مسئله جدی است ایران در حال خشکی کامل است، به‌هرحال **بحث ربا تنها زمانی قابل‌حل است**

که ثروت حلال تولید کنیم تا ملت بجایی برسند که نیازی به وام نداشته باشند و نیز بانک‌ها بتوانند تولید ثروت حلال بنمایند نه اینکه ناتوانایی خود در اقتصاد را با گروکشی و سود گیری از مردم تأمین کنند و گفته‌ایم اگر راهکار دوماهه غیرعادی ما برای انتقال آب را قبول نمی‌کنید راهکار عادی که هیچ شک و شبهه‌ای در آن نیست را عملی کنید و نجات دهید و نجات پیدا کنید، اگر هم اشکالی دارد بفرمایید تا بدانیم. بحث ربا در قطری بعد ادامه دارد ۹۶/۱۰/۲۲

قطره ۷۶- بحث ربا قسمت سوم ۹۶/۱۰/۲۴

در قطره ۷۴ توضیح دادیم که **دعاها به دلیل دروغ و ربا و ترک امربه‌معروف و نهی از منکر و ... مستجاب نمی‌شود، در قطره ۷۵ توضیح دادیم که جامعه به علت اینکه نتوانست الگوی درست و کارآمد درآمدزایی و ثروت حلال داشته باشد مبتلا به ربا شد و در این زمان جامعه رسماً وارد جنگ باخدا شد و مصیبات امروز جامعه ما از قبیل زلزله‌ها و خشک‌سالی، نتیجه و اثر وضعی گناهان است که یکی از آن‌ها ربا می‌باشد و راه بیرون رفت از ربا ایجاد سازوکار صحیح برای تولید ثروت عمومی حلال است تا بانک‌ها بجای ربا، وارد درآمدزایی حلال شوند و مردم هم احتیاجی به ربا پیدا نکنند که بنا بر آنچه از قرآن فهمیدیم آب مشکل فقر و عدم درآمدزایی جامعه ایران را حل می‌نماید** وان شاء الله از ربا نجات میابیم.

ادامه بحث ربا: **ما در مسئله بانک و پول باید بسیار حساس باشیم چراکه در صورت بروز اشتباه حتی اشتباه سهوی ما وارد جنگ باخدا شده‌ایم و در آن صورت حکم محارب در حق جامعه ما محقق می‌شود** و بلا به جامعه ما نازل می‌شود، مانند کسی که اشتباهاً شراب خورده این شخص اگرچه که گناه نکرده باشد اما اثر وضعی آن که از بین رفتن عقل است به او رسیده و به خود و دیگران ضرر میزند، هر گناه اثر وضعی دارد و اثر وضعی ربا جنگ باخدا و نزول بلا بر جامعه است، **شاید گفته شود تمامی عقودی که در بانک‌ها انجام می‌گیرد عقد شرعی است و ربا نیست**، سؤال: آیا آنچه نوشته‌شده عمل می‌شود؟ جریمه دیرکرد تحت چه عنوانی قرار دارد؟ شخص طبق قرار اولیه مثلاً باید ۱۰ میلیون باز پس دهد اما به علت شرایط بد اقتصادی و ... وام‌گیرنده نمی‌تواند قسط را در موعد مقرر بپردازد و مثلاً ۱۵ میلیون بازپرداخت می‌کند، **آیا این اضافه ربا نیست؟** وام برای این بود که کمکی به

نیازمند باشد اما می‌بینیم که در انتها به شخص کمکی که نشده هیچ بلکه فقیرتر هم شده است، سؤال این است که: **بالفرض این عمل شرعی باشد آیا اخلاقی هم می‌باشد، آیا نباید جامعه به سمت اخلاق حرکت کند؟** آیا پیامبران برای تکمیل اخلاق مبعوث نشدند؟ بالفرض عقودی که بانک‌ها قرار می‌دهند شرعی باشد، **آیا حیله و کلاه‌شرعی نیست؟** باید بین علما بحث شود اگر ربا جنگ باخداست و اثرات وضعی وحشتناکی دارد بهتر نیست در این مسئله حیاتی نظر تمامی علما در آن لحاظ شود؟ **آیا بهتر نیست در مسئله جدی و حیاتی ربا در جایی که شک داریم احتیاط کنیم و برائت را جاری نکنیم؟** همه میدانیم اصحاب سبت مأمور بودند که شنبه ماهیگیری نکنند و آن‌ها هم شنبه ماهیگیری نکردند بلکه شنبه گودال‌هایی کندند که ماهی‌ها در آن گیر می‌کردند و یکشنبه می‌گرفتند ولی خدا همه آنان را عذاب کرد، سؤال این است، اصحاب سبت که گناهی نکردند اتفاقاً طبق فقه مرتکب حرامی نشدند، ولی چرا خدا آن‌ها را عذاب کرد؟ ازاینجا به این مسئله می‌رسیم که **شاید فقه باید با وجدان و اخلاق گره بخورد تا راهگشا باشد،** مخصوصاً اینکه پیامبر ص فرمودند: من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم [۷۸] و نفرمودند مبعوث شدم تا احکام را تکمیل کنم، سؤال این است: عمل فقهی بانک‌ها آیا مطابق با اخلاق هم می‌باشد؟ و سؤال دیگر این است که **چرا بعضی از فقها دامت برکاتهم رباخواری بانک‌ها را مسلم می‌دانند؟ شاید برای نجات جامعه از اثر وضعی ربا و ... باید قوانین اخلاق را هم به فقه ضمیمه کرد و آنگاه نظر نهایی را داد؟ اگر می‌خواهیم حکومت دینی موفق باشد باید حکومت مردم را به اخلاق دعوت کند و خود ملزم به حداکثری‌های اخلاق باشد و اگر ما بخواهیم جامعه را با حداقلی‌های فقه اداره کنیم حتماً جامعه از هم می‌پاشد،** شما فقط تصور کنید جامعه‌ای را که با حداقل‌های فقهی بر پا شود، وضعیت لباس زن‌ها و مردها چه می‌شود؟ آیا نماز جماعتی باقی می‌ماند؟ آیا عزاداری مذهبی حتی در ایام عزا باقی می‌ماند؟ و.... **آیا اکنون سیاستمداران و کارگزاران ما خود را پایبند به حداقل‌های فقهی می‌دانند و یا پایبند به حداکثرهای اخلاقی می‌دانند؟** آیا عمل به اخلاقیات برای کارگزاران حکومت واجب است و یا مستحب؟ **البته بین فقه و اخلاق جدایی نیست زیرا اخلاق قسمت عظیمی از بایدها و نبایدهای فقهی است،** ولی متأسفانه این قسمت از فقه را بسیاری با توجیهات تعطیل نموده‌اند، آنچه ما را بیشتر در مسئله ربا با وضعیت کنونی هوشیار می‌کند این است که

وام‌گیرندگان نیز به مطلوب خود نمی‌رسند و بعضاً دچار سختی‌های بیشتری می‌شوند و اگر ناچار نبودند چه‌بسا زیر بار وام نمی‌رفتند، **وام برای این بود که دردی از او دوا شود ولی کار معکوس شد، دردی دوا نشد که هیچ بلکه مشکل او بیشتر شد و عملاً همان اتفاقی که به‌وسیله ربا به فرد می‌رسید به فرد رسید منتهی این بار با ظاهر شرعی**، ما فرض کنیم عقود بانک‌ها شرعی و اسلامی، سؤال این است که **چرا این عقود شرعی و اسلامی نتیجه اسلامی نداشت و نتیجه ربوی برای ما داشت؟**

در آیه ۶۵ سوره انعام می‌فرماید: **قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلى أَنْ يبْعَثَ عَلَيكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يلْبِسَكُمْ شِيعاً وَ يذيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيفَ نُصَرِّفُ الآياتِ لَعَلَّهُمْ يفْقَهُونَ** بگو: او تواناست که بر شما عذابی از بالای سرتان (چون سنگ و صاعقه و سجیل فروریزد) یا از زیر پاهایتان (مانند زلزله و خسوف، فرو رفتن زمین) برانگیزد یا شمارا گروه‌گروه به جان‌هم اندازد و عذاب برخی از شمارا به برخی بچشاند (طبقه ستمگر بالا را بر پایین‌تر آن مسلط، یا طبقه پایین را علیه طبقه بالا منفجر سازد) بنگر چگونه ما آیات و نشانه‌های گوناگون را می‌آوریم، شاید بفهمند-ترجمه تمام- ما وقتی خوب نگاه می‌کنیم می‌بینیم **هر سه وعده آیه در جامعه ما تحقق پیداکرده است**:

وعید اول عذاب بالای سر مانند آلودگی هوا و گردوخاکی که در هوا است مانند طوفان نمک، گرمای زمستان، عدم نزول باران و برف...

وعید دوم عذاب پایین پا: که همه می‌بینند بیشتر نقاط کشور بر اثر زلزله می‌لرزد، بیشتر زمین‌های ما بی‌آب شده، بیشتر زمین‌های ما در حال فرو رفتن است که در زبان دین خسوف و در زبان زمین‌شناسی فرونشست زمین میگویند، برکت زمین رفته و کشاورزی ما دچار مشکل شده است.

وعید سوم آیه که مشکلات تفرقه اجتماعی است نیز به ما رسیده، تجمعات و اغتشاشات مردم، طبقه پایین در مقابل طبقه بالا و طبقه دین‌دار که به میدان میاید و با اغتشاشات مبارزه می‌کند و خود این طبقه نیز بر طبقه حاکم اعتراض دارد، از طرفی طبقات بالایی نیز خود باهم مشکل‌دارند و چه‌بسا مشکلات طبقات بالایی بود که مردم را در طبقات پایینی دچار مشکل کرده است، چراکه **الناس علی دین ملوکهم** [۷۹]، ما در طبقات بالایی حاکمیت حتماً نفوذی و منافق داریم و درعین‌حال حتماً انسان‌های مؤمن و متعهد داریم درعین‌حال هر دو گروه ادعای ایمان محض دارند درعین‌حال هر دو گروه با یکدیگر مشغول نزاع هستند، در عین حال همه باهم دوست هستند، در این حال مردم نیز شعبه شعبه می‌شوند و چون تاکنون یک گروه نتوانسته است

بر دیگری پیروز شود آن نزاع و جنگ پنهان به جامعه می‌رسد و جامعه را دچار مشکل کرده است، **باید سریعاً سیستم اداری جراحی شود و الّا غدّه سرطانی، بدخیم و کشنده است و فراموش نکنیم فقط آتش پاک کننده نیست آب هم یکی از مطهرات است،** سؤال این است **چرا امت‌های گذشته مانند عاد و ثمود و شداد و فرعون و ... هلاک شدند و به بلاهایی مانند صاعقه و زمین‌لرزه و فرو رفتن در زمین و ... هلاک شدند؟** آیا غیرازاین بود که آنان احکام الهی را پایمال کردند و حرمت الهی را شکستند و خدا هم با نیرو توان خود با آنان برخورد نمود؟ **آیا نزول عذاب تنها بر امت‌های گذشته بوده و با اهل این زمان کاری ندارد و در این زمان امور طبیعی است؟ آیا ما در جامعه خود ربا و سایر منکرات الهی نداریم؟** بله مسلم داریم، **آیا مخصوصاً از ماه آبان سال ۹۶ مشکلات ارضی و سماوی مانند زلزله و بیماری و ... زیاد نشده؟** بله زیاد شده است، آیا می‌توان گفت که این امور از حیطه قدرت الهی خارج است و بلا نمی‌باشد؟ **آیا بین ما و خدا قرابتی است که اگر گناه کنیم بلا بر ما نازل نشود ولی بر سایر امم بلا نازل‌شده است؟** اصلاً حکمت وجود این‌همه داستان قرآنی در مورد نزول بلا بر اثر نافرمانی چه می‌باشد؟ اگر بین وجود بلا و گناه رابطه‌ای نیست و ما تمامی امور زمین و آسمان را به امور طبیعی و روال طبیعی منسوب کنیم چرا در امت‌های گذشته چنین نباشد و اصلاً قرآن برای ما چه پیامی دارد؟ خواهی نخواهی جامعه ما مبتلا به ربا و منکرات است و امربه‌معروف و نهی از منکر رو به خاموشی نهاده است و می‌بینیم بلاهای مختلف زمینی و آسمانی که به ما می‌رسد نتیجتاً فرد دین‌مدار کشف می‌کند که این امور بلا می‌باشد و تا ما همگی توبه نکنیم این امور ادامه دارد، **امروز اگر برای هر جامعه‌ای حجت تمام نشده باشد برای ملت ایران حجت تمام است،** امروز اگر هر جامعه‌ای را خدا مهلت دهد برای جامعه ایران مهلت تمام است، آیا در جامعه ما ظلم نیست؟ آیا ما نمی‌توانیم تا حد امکان با فساد در تمامی شئون آن برخورد کنیم و یا می‌توانیم؟ بله ظلم و فساد وجود دارد و ما مأمور به برخورد با آن هستیم و تا حد توآن‌هم حتی تلاش نکرده‌ایم، یا باید امور را اصلاح کنیم یا وعیدهای قرآنی در حق ما تحقق میابد **و این امور و عذاب و برخوردِ الهی نیز از الطاف خفیه الهی است تا اینکه سریعاً ملت ایران بر کشتی نجات سوار شوند و از بلای الهی که تمامی بشریت را فرامی‌گیرد نجات‌یافته** و ان‌شاءالله دیگران را نجات دهند، فراموش نکنیم بلای جهانی در زمان حضرت نوح از خانه نوح نبی شروع شد

(**حتی اذا جاء امرنا و فار التنور**[۸۰]) و اول کسانی که از آن بلا نجات یافتند نوح و اهل نوح بودند، **بلای جهانی امروز به ایران هم رسیده است بلکه شاید از ایران شروع‌شده و ما باید سریعاً تمامی ملت را در کشتی نجات وارد کنیم که آن کشتی چیزی نیست جز عمل به دین حقیقی که اسلام ناب است** در این صورت در کشتی نجات واردشده و از بلا جان سالم بدر برده‌ایم و می‌توانیم زمینه نجات دیگران را هم فراهم کنیم، **بازهم به آیه عظیم قرآنی که سرّ نجات ما در این لحظات حساس است را اشاره می‌کنیم و جعلنا من الماء کل شیء حیّ**[۱]، از آب همه‌چیز زنده می‌شود، ما اگر محوریت تمامی امور ایران را در این لحظات حساس آب قرار دهیم، می‌توانیم بیشتر امور را اصلاح کنیم، ما دریکی از قطره‌ها مفصل در مورد نتیجه آب‌رسانی به ایران صحبت خواهیم کرد اما بدانیم هر فتنه و فساد و آمال و آرزویی که داریم با آب‌رسانی فراهم می‌شود **حتی صبح**[۸۱]، اما اجمالاً: اول اتفاقی که با آب‌رسانی سریع برای مهار خشک‌سالی می‌افتد زمینه از بین بردن فقر جامعه و ایجاد شغل و تولید ثروت حلال را فراهم نموده‌ایم، اختلاف طبقاتی و نارضایتی عمومی کم می‌شود، زمینه کم شدن و از بین رفتن ربا را فراهم آورده‌ایم و مشکلات بسیار اجتماعی از بین می‌رود، رضایتمندی از حکومت دینی در جامعه به حداکثر ممکن خود می‌رسد، حتی دیگران نیز از ما الگو خواهند گرفت و **ما می‌توانیم برای دیگران اسوه حسنه حکومتی شویم،** آنچه بنده به نظرم میاید **اتفاق مصر در ایران تکرار می‌شود** و در این زمان زمینه از بین بردن بلاهای زمینی و آسمانی نیز فراهم می‌شود، اگر آب بیاید ازنظر معنوی دین احیای می‌شود و بلاهای الهی نیز کم می‌شود و با نگاه مادی نیز اگر آب بیاید زلزله کم می‌شود، جلوگیری از فرونشست زمین و خسوف می‌شود، بیماری که به علت خشک‌سالی است کم می‌شود، هوای آلوده و ریز گردها از بین می‌رود و هر خیرات و برکاتی بر ما نازل می‌شود، تصریح می‌کنیم، آب‌رسانی و رفع خشک‌سالی زمینه هر خیرات و برکات است **حتی ما با علوم خود می‌توانیم سایر کشورها را نیز نجات دهیم و تمامی کشورها به اسلام ناب محتاج می‌شوند و امید است به‌زودی تمامی کشورها باجان و دل به اسلام ناب ایمان بیاورند** و هیچ‌کس این امر را بعید نداند، پیام قرآن در سوره یوسف همین است که یوسف توانست در مدت کوتاهی جامعه بت‌پرست مصر را موحد کرده و حتی تمامی کشورهای اطراف را نیز تغییر دهد، **وضعیت جهانی امروز ما بی‌شباهت به جریان**

۱

مصر نیست، لذاست که میگوییم **خشک‌سالی لشکر خداست، تمامی بلاها لشکر خداست، تمامی این امور مقدمه برای برگشت بشریت به دین است، بله کیمیای گمشده بشریت که همه را نجات می‌دهد در قرآن است و تمامیِ این امور مهیب و مصیبت زا، تازیانه‌های خداست که گله راه گم کرده را به مسیر درست بر می‌گرداند پس بهتر است با میل و رغبت بازگردیم و الا مجبور هستیم بازگردیم، باید توبه کرد و توبه اولیه در تغییر رویکرد ما نسبت به قرآن و سیاست‌های کلی است باید محور اولیه در حکومت آب باشد** و تمامی امور با آب هماهنگ شود و باید با تمام توان در ابتدا مشکل آب را حل کرد در این صورت ما قرآن را محور قرار داده‌ایم که قرآن محور را آب می‌داند چراکه می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی** [1] که البته ظاهر و باطن و باطن‌تر آن حجت است و نمی‌توان به بهانه اینکه تأویل آیه در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت از آب امام است ظاهر آیه را کنار زد، **بله الماء سه مرتبه دارد: ظاهر آن آب خوردن، باطن آن امام ع و باطن‌تر آن توحید است و هر سه مرتبه و سه‌شان آن حجت می‌باشد.**

قطره ۷۷- بحث ربا قسمت چهارم، حکمت احکام ۹۶/۱۰/۲۵

در قطره‌های قبل توضیح دادیم ما نتوانستیم الگوی کسب ثروت حلال را به دست آوریم لذا مبتلا به ربا شدیم و ربا جنگ باخداست و در این زمان سه بلا به جامعه ما رسیده عذاب بالای سر و پایین پا و عذاب‌های اجتماعی، اگر می‌خواهیم مشکلات حل شود یکی از آن کارها پایان دادن به ربا است و راهکار عملی برای حل مشکلات من‌جمله ربا و برطرف کردن عذاب از جامعه، آب‌رسانی سریع و مبارزه با منکرات است

ادامه بحث: سؤال این است **چرا ربا حرام است، بااینکه در بعضی از حالت‌های ربا اصلاً ضرر محسوسی هم متصور نیست** مثلاً اگر یک میلیارد تومان بدهد و یک تک تومانی ربا بگیرد، در اینجا بازهم ربا حرام است و **طبق فتوای فقها باید تعزیر شود و در بار**

[1] سوره انبیاء آیه ۳۰

چهارم به فتوای جمیع فقها ربا دهند کشته می‌شود و البته ربا دهند و گیرنده و کمک‌کننده و شاهد و ... همه مرتکب حرام شده‌اند و ربا از گناهان کبیره و است و او علناً اعلام جنگ باخدا نموده است، **آیا در ایران ربا داریم؟** جواب مثبت است، **چرا تاکنون حکم ربا را در حق آنان اجرا نکرده‌ایم؟ آیا یک نفر تاکنون به خاطر ربا کشته شده است؟** چرا در جایی که قاتلی را دستگیر می‌کنیم او را قصاص می‌کنیم ولی در مورد ربا که محارب باخدا و رسول است این حکم را جاری نمی‌کنیم؟ مگر حکومت اسلامی مأمور به برپایی احکام نمی‌باشد؟ **چگونه توقع داریم جامعه‌ای که در جنگ باخداست خدا آن جامعه را کمک کند؟** چگونه دعا در این جامعه قبول شود؟ ربا شکم‌ها را مملو از حرام می‌کند، چگونه در شکمی حرام جای دارد دعایش بالا رود؟ **آیا در جامعه ربوی نماز قبول است؟ آیا در این جامعه اوجب واجبات این نیست که در برابر ربا و اصحاب ربا قیام نمود؟** آیا سکوت در برابر این منکر خانمان‌سوز حرام نیست؟ **جواب اینکه چرا ربا حرام است و سؤال‌های مشابه که از علت احکام سؤال می‌شود این است که: چون خداوند از طریق اهل‌بیت فرموده حرام است لذا حرام است، ما در احکام و علل احکام چرا نداریم**، بله شما می‌توانید سؤال کنید چرا خدا هست؟ چرا خدا یکی است؟ چرا اهل‌بیت معصوم هستند؟ و... ولی وقتی عقاید با دلیل و استدلال اثبات شد در احکام جای سؤال و چون و چرا نیست، وقتی طبابت یک طبیب و تخصص او اثبات شد دیگر از چرایی نسخه او سؤال نمی‌کنیم، ما در عقاید که ریشه و اصل است سؤال می‌کنیم و جواب یقینی می‌شنویم، ولی **در احکام اثبات می‌کنیم که هم سؤال نمی‌توان کرد و کسی هم که بخواهد در علل احکام وارد شود و از عقل خود علت تراشی کند حتماً به انحراف می‌رود، ما نه علت احکام را میدانیم و نه می‌توانیم علت را کشف کنیم و آن کس که این کار را کند حتماً به گمراهی می‌رود**، البته اگر اهل‌بیت ع مطلبی در مورد علت احکام بیان داشته باشند می‌پذیریم ولی آنچه مشهود است آنچه اهل‌بیت ع بیان فرموده‌اند علت تامه نبوده و چه‌بسا حکمت باشد و اصولاً **قبول احکام بدون دانستن علت آن نشانه ایمان است** و اصلاً اسلام یعنی همین، تسلیم محض بودن، ولی بازهم بیان می‌کنم ما در اعتقادات اثبات می‌کنیم که در احکام نباید سؤال کرد، چراکه اصلاً **شاید یک حکم تنها برای سنجش ایمان باشد** و علت آن حکم در این است که مقدار ایمان سنجیده شود، از باب نمونه ابراهیم نبی مأمور می‌شود پسر معصوم و بی‌گناه خود را سر ببرد، خوب این چه حکم و چه مأموریتی است؟ اسماعیل علی نبینا و آله و علیهم‌السلام چه گناهی کرده است؟ خدا چرا این حکم را می‌دهد؟ چرا باید مقداری گندم را برای خدا آتش زد (در

جریان پسر حضرت آدم)؟ چرا باید خضر آن بچه را بکشد؟ مگر بچه چه گناهی کرده است؟ بالفرض که این بچه بخواهد در آینده منحرف بشود، آیا مگر غیرازاین است که آمده‌ایم در این دنیا امتحان شویم؟ و بدانیم اگر قرار باشد در مورد احکام اجازه سؤال داشته باشیم و تا جواب قانع‌کننده پیدا نکنیم آن حکم را قبول نکنیم هیچ حکمی در اسلام باقی نمی‌ماند چون در تمامی احکام اسلامی می‌توان اشکال وارد کرد و به‌یقین نرسید، **جواب یک‌چیز است، ما در علل احکام تسلیم هستیم،** عقل ما کوتاه‌تر است از اینکه علل احکام را بفهمد، چون عصمت و برتری اهل‌بیت برای ما به‌صورت یقینی اثبات‌شده در این مسائل تنها سمعا و طاعتا میگوییم، می‌شنویم و اطاعت می‌کنیم و سؤال نشانه ضعف در عقاید است، متأسفانه از این دست سؤال‌ها بسیار است که تماماً نشانه ضعف در عقاید می‌باشد، **چرا ربا حرام است؟ چون امام معصوم فرموده و جای هیچ چون و چرایی هم ندارد، اگر کسی در احکام بازهم سؤال دارد و چون و چرا می‌کند بحث در عصمت می‌شود نه در علت احکام، باید بگوییم در عصمت بحث بسیار است، آن کس که عصمت را شفاف‌تر و عمیق‌تر فهمیده ایمان بیشتری دارد،** ما در ضمن آیات ۳۱ و ۳۲ سوره فاطر اثبات نمودیم که عصمت مراتب دارد، مراتب پایین آن که شامل عصمت در فعل و فکر است شامل حال تمامی شیعیان است چه شیعیان قبل از بعثت پیامبر و چه شیعیان بعد از بعثت پیامبر ص[۱]، که قرآن می‌فرماید **ان من شیعته لابراهیم**[۸۲] تأکید می‌کنم شیعیان نه مانند ما که از مراتب پایین محبین هستیم، و اجمال آنچه در آن آیات بیان کرده‌ایم این است که **اصطیفنا و اورثنا الکتاب و عبادنا تدل علی عصمتهم و مکان ثم تدل علی آن‌هم بعد الرسول لا انبیاء قبل و ظالم تدل علی آن‌هم غیر اهل البیت لانهم لیسوا به ظالم و هم لیسوا به مقتصد بل سابق و هم لیسوا به سابق لانهم اصل الخیر لا سابق بالخیرات و آیتین فی وصف الشیعه نسبهم الی انفسهم لشده التقیه و تحیر العقول من مقاماتهم و لا مجال لمعرفتهم الا ان نقول اکبر منان یوصف و هم اسماء الله** [۸۳]- **تم، فتامل**- اگر عصمت را قبول نکنیم و یا زیر سؤال ببریم هیچ‌چیزی قابل‌اثبات نخواهد بود او می‌تواند تمام دین را زیر سؤال ببرد،

---

۱ کامل این بحث در کتاب نقطه آمده است

حتی کتاب خدا را، به دلیل اینکه شاید کسی بگوید انبیاء همیشه راست گفتند الا آنجا که گفتند خدا این مطلب و این کتاب را نازل کرده و اصل کتاب و خدا را زیر سؤال ببرند، اگر عصمت انبیاء و ائمه زیر سؤال برود تقریر و کلام و سیره و همه‌چیز زیر سؤال می‌رود، چراکه دائماً این سؤال پیش میاید، آیا او در این گفته و در این فعل و ... اشتباه کرد و یا نه؟ دروغ گفت یا نه؟ (نعوذ بالله) و بدانیم **زیر سؤال بردن عصمت از خطرات بزرگی است که منجر به انکار کل دین می‌شود،** اگر عصمت قبول نشود، شما سؤال می‌کنید این امری که شما بیان کرده‌اید اَ من الله او منک، این از خدا بود یا از جانب تو، پیامبر چه جواب می‌فرماید، جواب می‌فرماید **من الله**، دوباره سؤال پیش میاید این جواب **اَ من الله او منک**، پیامبر جواب می‌دهد **من الله**، حال سؤال می‌کنیم اثبات کن **من الله** بوده، خدا چگونه با شما سخن گفت که ما نشنیدیم؟ او می‌خواهد بفرماید من معجزه دارم و خدا این معجزه را داده است، شخص می‌گوید این معجزه از طرف خدا نیست بلکه از قوای نفس شماست، خوب چه جواب داده شود، جواب این فرد تنها یک‌چیز است، باید را او نفرین کرد و **سوره تبت** و **سال سائل** و **سوره فیل** را در حق او اجرایی کرد تا به چشم خود ببیند امن الله بوده یا نه؟ این شخص از عقل بهره ندارد و استدلال برای عاقل است، او باید حقیقت را ببیند و بچشد شاید دریابد که بعضاً اهل جهنم در جهنم هم دچار توهمات هستند، **زیر سؤال بردن عصمت اهل‌بیت ع زمینه زیر سؤال بردن خدا می‌باشد، کسی که بگوید همه‌چیز را می‌توان نقد کرد حتی امام معصوم را، او با این جمله اولاً** خود را باطل کرده چراکه آیا همین جمله را می‌توان نقد کرد یا خیر؟ اگر نمی‌شود نقد کرد متن آن جمله خود جمله را باطل کرده چراکه یک‌چیز که غیرقابل نقد باشد را پیداکرده‌ایم و آن‌همین جمله است، اگر می‌شود نقد کرد بازهم خود جمله خود را باطل کرده است چون نتیجه این می‌شود که بعضی چیزها را نمی‌شود نقد کرد، **ثانیاً**: او با این جمله ادعا کرده من معصوم هستم و دلیل عصمت او این است که جمله‌ای گفته که احتمال اشتباه هم در آن نیست، **ثالثاً**: اگر همه‌چیز را می‌توان نقد کرد ما چرا خدا و کتاب خدا و احکام را نقد نکنیم و همه میدانیم که اگر این باب باز شود چیزی از دین باقی نمی‌ماند و در کوچک‌ترین مسائل دینی و احکام صدها سؤال بی‌جواب می‌توان طرح کرد، **اگر عرب جاهلی می‌گوید ا من الله او منک**، من در دو راهی هستم که این سؤال را پای نافهمی آن عرب بگذارم یا اینکه این عرب را الگو قرار دهم و من هم به خودم اجازه نقد رسول‌الله و ائمه معصومین را بدهم؟ **آیا مگر سیره و فعل تمامی کسانی که با رسول‌الله بودند برای ما حجت است؟** اگر این‌گونه است خوب در جایی هم به پیامبر خدا (نعوذبالله) گفتند هذیان می‌گوید، پس ما هم اجازه داریم بگوییم این‌ها هذیان است، **اگر در یک**

مورد جای نقد باشد خوب در همه‌جا جای نقد است، پس در این صورت ما همه‌چیز را نقد می‌کنیم حتی جایی که بیان شده باشد من الله است پس اهل‌بیت ع باید جواب دهند تا درستی مطلب اثبات شود و همه میدانیم اگر کسی این‌گونه پیش برود حتی اگر معجزه هم بارها دیده شود باز می‌تواند با بهانه دیگری آن را رد کند، از این خوف دارم که این‌گونه کلمات منجر شود که حتی رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم زیر سؤال برده شود و قبل از ما شیعیان، برادران اهل سنت در برابر این انحراف عقیدتی موضع‌گیری کنند، این انحراف بسیار خطرناک است، لذا در **مسئله چرایی احکام ما اعتراف به نادانی خود می‌کنیم که این از عقل است نه از چیز دیگری، ما برای احکام علت نمی‌تراشیم که منع شده‌ایم و گمراهی است و منجر به تعطیلی دین می‌شود که هر علتی که بتراشیم در مورد دیگر با استثناء مواجه می‌شویم** که در این صورت یا باید حکم اول را یا حکم دوم را باطل کنیم درحالی‌که در دو حکم صحیح است، البته اگر حکمتی بیان شده باشد بیان می‌کنیم و حکمت غیر از علت است، **شاید ما برای یک حکم هیچ دلیل عقلی پیدا نکنیم بازهم آن حکم را قبول می‌کنیم**، سؤال می‌کنم چرا روزه روزه آخر ماه مبارک واجب و روزه اول شوال حرام است، اگر آخر ماه رمضان را بخوریم حرام انجام داده‌ایم و مستحق آتش و اگر اول شوال را روزه بگیریم حرام است و مستحق آتش، مگر روز با روز چه فرقی دارد؟ سؤال دیگر طبق فتوای یک فقیه امروز آخر رمضان است پس باید روزه بگیرد، طبق فتوای فقیه دوم امروز اول شوال است و نباید روزه بگیرد، چه باید کرد؟ باید هر مکلف طبق فتوای مجتهد خود عمل کند، سؤال چگونه دو فتوای مخالف یکدیگر و دو مکلف به دو تکلیف مخالف و حکم واقعی چیست؟ جواب این‌گونه سؤال‌ها را باید در عقاید داد و تا زمانی که عقیده درست نشود هزاران سؤال این‌چنینی می‌باشد، متأسفانه جامعه ما ازنظر عقاید ابتدایی می‌باشد و ازاین‌جهت ضررهای بی‌شماری بر جامعه وارد می‌شود تا جایی که بعضاً عالمی که خود را مجتهد می‌داند و گرفتار این شبهات است و بجای اینکه از جامعه رفع شبهه کند خود شبهات ضد دینی را نشر می‌دهد، اعاذنا الله، بنده فکر می‌کنیم امروز پایه اصلی دین نشان گرفته‌شده و حوزه که متکفل دین است مأمور است به این شبهات پاسخ محکم بدهد که پاسخ به این شبهات بی‌شباهت به پاسخ حضرت امام ره در کتاب کشف‌الاسرار به نوشته‌جات علی‌اکبر حکمی زاده که در اسرار هزارساله نوشته است نیست، بله امام درس را تعطیل نمود و پاسخ داد و آن پاسخ‌ها بود که سرچشمه تحولی عظیم‌تر بود، **باید**

حوزه در این لحظات حساس که جامعه گرفتار بلای خشک‌سالی است به فریاد جامعه برسد و با علوم خود جامعه را نجات دهد که در غیر این صورت خوف این است که خشک‌سالی همه‌چیز را خشک کند حتی حوزه را که نمونه آن در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ در ایران دیده‌شده، اما تنها از باب اینکه جامعه مبتلا به این است که حکمتی برای احکام بیان شود ما با اعتراف به اینکه نمی‌دانیم حکمت چیست مطالبی را بیان می‌کنیم، چرا شخص ربا می‌دهد؟ دلیل واضح است به دست آوردن سود بیشتر با زحمت کمتر، سؤال اگر شخص می‌توانست با پولی که در اختیار دارد سود بیشتری ببرد آیا ربا می‌داد؟ جواب واضح است اگر راهی برای سود بیشتر داشت هیچ‌گاه ربا نمی‌داد، سؤال چرا شخص ربا می‌گیرد؟ جواب شخص نیازمند است و گرفتار و مجبور به ربا گرفتن شده است تا دردی از او درمان شود، خوب با این تصویر: **آیا امکان دارد در این جامعه هم ربادهنده سود کند و هم ربا گیرنده بتواند سود را پرداخت کند و هم مشکل مالی را برطرف کند؟** جواب واضح است ربا گیرنده نهایت کاری که بتواند انجام دهد این است که با فعالیت خود بتواند تنها سود ربادهنده را پرداخت کند و هیچ‌گاه نمی‌تواند سود بیشتری به دست آورد تا هم سود را پرداخت کند و هم سودی ببرد، در این وضعیت ربا گیرنده چه می‌کند، او که مجبور است هم سود پرداخت کند و هم سود ببرد مجبور می‌شود متوسل به حیله‌ها و مفاسد اقتصادی شود، اوارد احتکار می‌شود، جنس و مبلغ کار خود را افزایش می‌دهد و برای جبران کسری خود به جامعه فشار می‌آورد این فعل او در جامعه باعث می‌شود که سلسه‌وار جامعه وارد تورم شود شغل‌های مشابه او نیز افزایش قیمت پیدا می‌کند و به‌تمامی شغل‌ها سرایت می‌کند، درحالی‌که غافل از این هستند که افزایش قیمت و خدمات یک نفر منجر به تورم کاذب و بالا رفتن قیمت همه‌چیز می‌شود و اول ضرر کننده خود ربادهنده و ربا گیرنده و تمامی افراد جامعه هستند که در برابر این منکر خانمان‌سوز سکوت کرده‌اند، **اینجاست که ربا گناه کبیره است و حداکثر در بار چهارم مرگ و اعدام برای آنان ثابت است، ربا امنیت اقتصادی همه افراد جامعه را به خطر می‌اندازد، عاقبت ربا گیرنده این است که او هیچ‌گاه نمی‌تواند هم سود را بدهد و هم سودی ببرد او زحمت بیهوده کشیده، کارکرده و سود خود را به شخص دیگر داده و برای خودش جز تلاش بیهوده چیزی باقی نمانده است،** او هیچ چیزی به دست نمی‌آورد در این حال یا سریعاً توبه می‌کند و دندان طمع را می‌کند و یا ادامه می‌دهد و هر چه بیشتر کار می‌کند هیچ سودی حاصل نمی‌شود، آخر کار این شخص به جنگ و دعوا با ربادهنده کشیده می‌شود، بسیار دیده‌شده که علت قتل به خاطر ربا بوده است، شما حساب کنید **یک نفر در جامعه شب تا صبح و صبح تا**

شب کار کند و ازنظر مالی هیچ تغییری نکند و بلکه هر روز بدهکارتر شود، این شخص حتماً دیوانه می‌شود، آیه کریمه می‌فرماید: **الَّذِينَ يأْكلُونَ الرِّبَوا لَا يقُومُونَ إِلَّا كمَا يقُومُ الَّذِى يتَخَبَّطُهُ الشَّيطَـنُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِک بِأَنَّهُمْ قَالُوُا إِنَّمَا الْبَيعُ مِثْلُ الرِّبَوا وَ أَحَلَّ اللَهُ الْبَيعَ وَ حَرَّمَ الربا** [۸۴] کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را با مَسّ و برخورد خود شدیداً زده باشد. (همچون مجنونی که جنون او را بگیرد و بر زمین بخورد و سپس بلند شود و برخیزد) این حال و کیفیت در ربا خورندگان به سبب آن است که میگویند: (توجیه ربا) بیع و خرید و فروش هم مثل ربا است؛ درحالی‌که خداوند بیع را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. **بحث حکمت در ربا ادامه دارد**

قطره ۷۸- بحث پنجم ربا، دزدی پنهان در چاپ پول و رواج تورم، و افزایش غیر عادلانه درآمد و هزینه‌ها، آیا نقدینگی تورم آور است ۹۶/۱۰/۲۶

اینجا یک سؤال مطرح است و آن اینکه فردی به شخصی یک میلیون تومان قرض داده است، بعد از یک سال می‌خواهد پول را پس بگیرید اگر همان یک میلیون را پس بگیرد تورم در جامعه ارزش پول او را پایین آورده، و اگر اضافه بگیرد ربا است، یعنی با این وضعیت هیچ‌کس رغبت به قرض‌الحسنه پیدا نمی‌کند چراکه اگر به دیگری قرض دهد حتماً ضرر خواهد نمود، پس در این زمان چه باید کرد تا هم افراد خیّر تشویق به قرض دادن شوند و هم ضرر نکنند؟ یکی از مشکلات این زمان مبتلا شدن مردم به **امر موهومی است که پول نام دارد،** برای روشن شدن مطلب باید دقت کنیم همه اجناسی که در دست ما است ارزشش به خودش است، نه چیز دیگری مثلاً بنده یک کیلو گندم دارم و یا یک کیلو طلا دارم و ... این‌ها خودشان ارزش دارند، حال سؤال می‌کنیم این کاغذ رنگی که در دست من است و به کمک آن‌همه‌چیز را می‌خرم، **ارزش این کاغذ رنگی که پول نام دارد به چیست؟** مطمئناً یک تراول ۱۰۰ هزار تومانی خودش ارزشی ندارد، یک کاغذ است که رنگ شده ولی با این کاغذ می‌توانم کالاهای متفاوتی را که ارزش دارند را بخرم، چرا این کاغذ رنگی ارزشش بیشتر از یک کاغذ معمولی است، بله در زمان گذشته مردم مبتلا به این مطلب نبودند معاملات مبادله جنس با جنس بود، و مردم مبتلا به موهومی به نام پول نبودند، در بین

تمامی ممالک سکه طلا و نقره رایج بود، در آن زمان خود طلا و سکه ارزش داشت، به خلاف این زمان، **نظام سرمایه‌داری در قدم اول برای چپاولِ مستضعفین کاغذِ رنگی را جایگزین طلا و نقره که ارزش واقعی داشتند نمود**، یعنی طلا را بلوکه نمود و بجای آن به مردم کاغذ رنگی داد و به هر کاغذِ رنگی ارزشِ معینی داد، در قدم بعد بدون این اینکه مقدار طلا و نقره که در حقیقت پشتوانه آن کاغذها بود را افزایش دهد اقدام به چاپ کاغذها نمود، مردم بی‌خبر هم که از این سیاست بی‌خبر بودند کاغذها را می‌گرفتند و فکر می‌کردند که جنسی باارزش را دریافت می‌کنند درحالی‌که نمی‌دانستند که فریب‌خورده‌اند، این کاغذ رنگی که پول نام دارد جنسی بی‌ارزش است، و دولت‌ها بدون اینکه مقدار ذخیره طلا را افزایش دهند اقدام به چاپ پول نموده‌اند، این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که **دولت‌ها برای افزایش ثروت خود از طریق آسان و دزدی پنهان دائماً اقدام به چاپ پول بدون افزایش پشتوانه آن که طلا و نقره است می‌کنند و درنهایت کار بجایی برسد که همه‌جا پول باشد ولی هیچ ارزشی هم نداشته باشد، یکی از دلایل گرانی‌ها و افزایش تورم در جامعه همین نکته** است یعنی چاپ پول بدون افزایش پشتوانه آن که متأسفانه دولت‌های غیر اسلامی اقدام به آن می‌کنند، سؤال می‌کنم: **در اول انقلاب در جامعه ایران چقدر طلا و نقره ذخیره داشته‌ایم و چند ریال پولِ چاپ‌شده در میان مردم بوده است؟ هم‌اکنون چقدر طلا و نقره ذخیره شده داریم و چند میلیون بلکه میلیارد پول چاپ‌شده است؟ اگر ذخیره طلا و نقره را افزایش نداده‌ایم حقی نداشتیم پول چاپ کنیم،** پول چاپ کردن در جایی که پشتوانه ذخیره نشده است همانند پول چاپ کردن یک نفر در خانه خودش است که همه میدانیم کلاه‌برداری ١٠٠% است، **ما بدون اینکه جنس باارزشی را تولید و ذخیره کرده باشیم آنگاه برای آن جنس سند صادر کنیم که پول نام دارد، پول تقلبی چاپ کرده‌ایم چک بی محل صادر کرده‌ایم،** در اینجا دولت‌ها به شیء بی‌ارزش که پول نام دارد ارزش دادند، و مردم هم فکر کردند آن پول ارزش دارد، به عقیده بنده چاپ پول بدون افزایش متناسب پشتوانه طلا و نقره یک دزدی پنهان است، **اگر قرار باشد ما هرکجا که در مشکل اقتصادی گیر کردیم پول بدون پشتوانه چاپ کنیم خوب بسم‌الله دولت برای اینکه مشکل مالیِ تمامی ایرانیان را در یک روز حل کند برای هر ایرانی یک میلیارد تومان پول چاپ کند و در یک روز همه را میلیاردر کند، بدانیم: پولی که بی‌ارزش بود و تنها ارزش یک نقاشی بر روی یک کاغذ بود را چاپ کردند و به مردم فروختند و مردم کالاهای باارزش خود را با آن کاغذها عوض نمودند،** امروز آمریکای جنایت‌کار بزرگ‌ترین

چاپخانه چاپ پول بدون پشتوانه را در دنیا دارد و مردم دنیا اجناس باارزش خود را با کاغذ رنگی که تنها ارزش آتش زدن دارد را معاوضه می‌کنند، و بقیه حکومت‌ها هم مبتلا به همین نحو از عملکرد هستند، چاپ پول بدون افزایش پشتوانه مساوی با تورم و یک نوع دزدی پنهان است در این جا **باید تمامی دلسوزان دائماً هشیار باشند که چه مقدار پول چاپ می‌شود، اگر مقدار ذخیره طلا و نقره افزایش پیدا نکرده ولی پول چاپ‌شده است باید بدانیم یک دزدی و کلاهبرداری در حال شکل‌گیری است،** پس اینجا معلوم شد که پول به خودی خود ارزشی ندارد، پول یک سند است، اگر ما به موضوع این‌گونه نگاه کنیم شاید فقها فتوا را تغییر دهند که **ماهیت پول در این زمان با زمان گذشته تفاوت کرده و تنها در اسم باهم شباهت دارد،** لذا در این زمان اگر کسی ۱ میلیون تومان قرض داد در حقیقت مثلاً سند ۲۰ گرم طلا را گرفته و هنگام بازپس‌گیری باید محاسبه شود که ۲۰ گرم طلا در زمان بازپس‌گیری چقدر است و اگر شده باشد ۱ میلیون و دویست هزار توان در اینجا این دویست هزار حرام نمی‌باشد و ربا نیست بلکه الآن ۱ میلیون و دویست هزار تومان عین همان ۱ میلیون تومان است، ازاینجا نیز این مطلب معلوم می‌شود، که **بانک‌ها نیز به مردم سودی نمی‌دهند تماماً فریب است،** بانک از مردم پول می‌گیرد تا سود دهد درحالی‌که طبق نرخ تورم در حقیقت اصلاً به مردم سودی نداده، **بانک زرنگ است پول را با حیله سود از مردم می‌گیرد، و مثل ۲۰% سود سالیانه به مردم می‌دهد، از طرفی باهمان پول مثلاً خانه مردم را می‌خرد، قیمت آن را در یک سال ۴۰% افزایش می‌دهد، همان خانه را به مردم می‌فروشد، در اینجا در حقیقت بانک بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد از مردم پول گرفت و تجارت کرد و سود حاصلش شد، در اینجا مردم ۲۰% ضرر کرده‌اند درحالی‌که فکر می‌کنند ۲۰% سود کرده‌اند،** تأکید می‌کنم باید بدانیم **چاپ پول بدون افزایش پشتوانه آن یک نوع دزدی پنهان است یک نوع کلاه‌برداری است یک نوع چک بی‌محلی است که به آن اعتبار داده‌ایم، در ابتدای انقلاب چند تومان پول چاپ‌شده داشته‌ایم و هم‌اکنون چند تومان؟ در ابتدای انقلاب چقدر ذخیره طلا و نقره داشته‌ایم و هم‌اکنون چقدر؟ هرچقدر این دو باهم تناسب نداشته باشد همان مقدار دزدی واقع شده است،** والا بی‌جهت نیست ثروت‌های بادآورده کذایی، این‌ها ثروت‌های چاپ آورده است که صنعت چاپ که قرار بود علم چاپ کند این بار طلا و نقره چاپ

کرده، **صنعتِ چاپِ امروز کیمیای شیطانیِ قرن ۲۰ است که کاغذ را تبدیل به طلا و نقره می‌کند، لذا سر اینکه دلار در سال ۵۷ در بازار آزاد ۱۰ تومان بوده و هم‌اکنون ۴۲۵۰ تومان است همین می‌باشد یعنی ۴۲۵ برابر گران شده است، قیمت سکه طرح قدیم در سال پنجاه و هفت ۴۲۰ تومان بوده ولی الآن یک میلیون و چهار صد هزار تومان یعنی سه هزار و چهار صد برابر طلا گران شده است، سؤال این است آیا طلا گران شده است و یا اینکه پول بدون پشتوانه چاپ‌شده است؟ اگر حکومت بجای چاپ پول سکه ضرب می‌کرد هیچ‌گاه به این بلاهای اقتصادی دچار نمی‌شدیم**، دقیقاً مانند حکومت‌های قدیم در آنجا هرچقدر طلای جدید تولید شده بود همان مقدار سکه هم ضرب می‌شد، و اگر نمی‌توانستند طلا و نقره تولید کنند خوب سکه طلا و نقره و هم ضرب نمی‌کردند، **لذاست که می بنیم در قدیم خیلی‌ها به دنبال علم کیمیا بودند تا مس را تبدیل به طلا کنند و یا سکه مسی را بجای سکه طلا قالب می‌کردند و الآن خیلی‌ها به دنبال دستگاه چاپ هستند تا پول چاپ کنند، متأسفانه امروز دولت‌های بسیاری پول بدون پشتوانه چاپ می‌کنند که از قالب کردن سکه مسی بجای سکه طلا زشت‌تر است چراکه بازهم مس کمی ارزش داشت ولی کاغذ رنگی هیچ ارزشی ندارد، اگر می‌خواهیم از این وضعیت نجات یابیم باید جلوی چاپ پول جدید را بگیریم مگر اینکه همان مقدار پول فرسوده خارج شود و یا اینکه به اندازه ارزش پولی که چاپ می‌شود طلا ذخیره شود و اگر مقداری از طلای ذخیره‌شده را از دست دادیم باید همان مقدار پول را از اجتماع امحا نمود و از بین برد**[۸۵]، اگر می‌خواهید مطلب کاملاً آشکار شود بانک مرکزی اعلام کند از سال ۵۷ تاکنون چقدر پول چاپ شد و چقدر در قبال آن طلا تولید و ذخیره شده است؟ آیا اعلام می‌کنند؟ ولی بدانید ما از راه‌های دیگری می‌توانیم بفهمیم که طلای متناسب تولید و ذخیره نشد ولی خدا برکت دهد به دستگاه‌های چاپ که شبانه‌روزی پول چاپ نمودند، ازاینجا به یک مطلب دیگر می‌رسیم **آیا افزایش نقدینگی تورم آور است؟** یعنی آیا هر چه پول در دست مردم بیشتر باشد تورم بیشتر شده و قیمت‌ها افزایش میابد؟ **جوابی که کارشناسان می‌دهند مثبت است، افزایش نقدینگی مساوی با افزایش تورم است** لذا میگویند با روش‌های متعدد ازجمله تشویق مردم به سرمایه‌گذاری باید پول را از دست مردم خارج کرد، اما بنده در این زمانه فریب بازهم شک دارم، **نه هیچ‌گاه نقدینگی باعث افزایش تورم نیست، چاپ پول بدون پشتوانه باعث تورم است،** مردم هرچقدر پول دارند با آن دادوستد می‌کنند، چرا نقدینگی تورم بیاورد؟

سیاست سرمایه‌داری برای اینکه بازهم پول بیشتری به جیب بزند باید همین پول بی‌ارزشی را که به مردم داده و برای آن ارزش قرار داده را از دست مردم خارج کند تا اینکه منحصراً اقتصاد را در دست داشته باشد، و نبض بازار را کنترل کند، و دوباره پول‌های بی‌ارزش را طریق دیگری به مردم بفروشند، و الا سؤال می‌کنیم **اگر مردم پول در دست نداشته باشند چگونه می‌توانند دادوستد و تجارت کنند، در اقتصاد سالم نقدینگی نشانه حیات اقتصاد است، اگر نقدینگی خوب نیست چرا در بازارهای جهانی هر حکومتی تلاش می‌کند مقدار نقدینگی خود را افزایش دهد؟** اگر نقدینگی برای جامعه خوب نیست برای جامعه جهانی هم خوب نیست اگر خوب است برای ملت هم خوب است و اگر بد است برای شما هم بد است، اما بازمیگویم در اقتصاد سالم نه در اقتصادی که دستگاه‌های چاپ به کاغذ ارزش طلا و نقره می‌دهد، باید بدانیم در **اقتصاد ناسالم هر که پول دارد ضرر کرده و می‌کند و هر کس مال دارد سود می‌کند**، لذاست که می‌بینیم **ثروتمندان جامعه هیچ‌گاه پول نگاه نمی‌دارند مگر به‌اندازه ضرورت**، آنان دائماً پول را به اجناس تبدیل می‌کنند، پول را به زمین و طلا و نقره تبدیل می‌کنند، **و این فریب‌خوردگان هستند که پول در دست دارند و پول را در بانک می‌گذارند تا سود دریافت کنند، ثروتمند ازآنجایی ثروتمند شد که این حقیقت را دانست که پول ارزش ندارد، پول را باید به‌سرعت از خود دور کرد و تبدیل به جنس نمود، چراکه دستگاه‌های چاپ شبانه‌روز مشغول چاپ هستند و دائماً کیمیای شیطانی می‌کنند و کاغذ را تبدیل به طلا می‌نمایند،** ازاینجا یک شبهه دیگر جواب داده می‌شود که میگویند: **مقدار درآمدها با مقدار تورم برابر بوده و اگر قبلاً اجناس ارزان بوده درآمد هم متناسب بوده و الآن درآمد زیاد شده و متناسب اجناس هم گران شده،** تا سال‌ها نیز بنده هم این‌گونه فکر می‌کردم، جواب به این شبهه از شبهات گذشته سخت‌تر است، چراکه در ظاهر همه‌چیز درست است اما وجدانا چیزی که مشاهده می‌شود غیر از آن است، **سؤال اول** برای پاسخ به این شبهه این است که **آیا درآمد همه مردم به تناسب زیاد شده است؟** آیا مقدار درآمد یک کارگر با یک رئیس به یک تناسب افزایش داشته است؟ **چگونه است کارگر اول انقلاب هنوز کارگر است ولی افراد دیگر هم‌اکنون ثروت‌های زیاد و درآمدهای چند ده برابری دارند؟ درحالی‌که چه‌بسا کارگر بیشتر زحمت‌کشیده است**، چه شد که

آن‌ها دائماً ثروتمندتر می‌شوند و ما دائماً بدهکارتر، در جامعه امروز ایران **برای فرد سالم و عادی که دزدی نکند و سراغ کار خلاف نرود آیا امیدی هست که حتی در آخر عمر خود صاحب یک آپارتمان شود؟** قیمت یک آپارتمان ۱۰۰ میلیون تومان، **طبق آمار رسمی هزینه خوراک یک خانواده سه نفره دو میلیون تومان است این آمار غیر از مسکن و بهداشت و تفریح است و بر مبنای قیمت‌های سال ۹۵ به‌دست‌آمده است، درحالی‌که حداقل دستمزد یک کارگر ۹۳۰ هزار تومان است** این عدد بر مبنای حداقل دستمزد که روزانه سی و یک هزار تومان است به‌دست‌آمده و فرض این است که هر ۳۰ روز را کار کند، باوجوداینکه همین کار باهمین حقوق که آرزوی خیلی‌ها است هم پیدا نمی‌شود، سؤال می‌کنیم اگر فقط هزینه خوراک یک خانواده ۳ نفره را حساب کنیم می‌شود دو میلیون تومان، اگر حداقل یک میلیون تومان هزینه مسکن و درمان و بهداشت هم اضافه کنیم می‌شود سه میلیون تومان در ماه، امروز در جامعه ما اگر مرد خانواده شغلی پیدا کند که ۲ میلیون درآمد داشته باشد او خود را خوشبخت می‌داند، همین شغل زیر خط فقر هم برای مردم نیست، این فرد چگونه صاحب‌خانه شود؟ چگونه تفریح رود؟ اگر بیمار شد چگونه مداوا شود؟ آیا می‌تواند چیزی پس انداز کند؟ پس نگوییم چرا طلاق زیاد شده؟ چرا فحشا زیاد شده؟ چرا جرم و قتل و قاچاق زیاد شده؟ چرا اغتشاش می‌شود؟ **ما برای نان انقلاب نکردیم ولی قرار هم نیست عده‌ای از فقرا برای خود پل بسازند،** حقوق‌های نجومیِ بعضی به درخشندگی هزاران خورشید وحقوقهای فقرا شمع‌های خاموش؛ کار نیست، هزینه بالا، کسی هم جواب نمی‌دهد از همه بدتر گوشی هم نیست، ما اگر یک ساعت از عمرمان را تلاش نکنیم فردا از امروز گرفتارتر هستیم پس بهترین کاری که می‌توان انجام داد این است که: ما آرزوی گورکنیم و بر گورستان رویم و بگوییم: ای مردگان ای‌کاش ما هم پیش شما بودیم، نگوییم چرا خودکشی زیاد شده؟ سؤال این است در این وضعیت اقتصادی این نرخِ کمِ خودکشی واقعاً معجزه است؛ بگویم **نشانه آشوب آشکارشده سریعاً باید از اساس کار درست شود، اگر قیمت بنزین افزایش پیدا کند و یارانه تعداد زیادی از ملت قطع گردد، فتنه‌ای جدید پدید میاید شعار به‌حق مردم لیدرهایِ غیر حق پیدا می‌کند، آنگاه طراحان این فتنه پیچیده که خود سمت و سو می‌دهند که مردم چه بگویند همان مردم را سرکوب می‌نمایند، در اینجا دیگر لازم نیست آمریکا و اسرائیل به ما حمله کند قبل از هجومِ آنان ایرانی با ایرانی دشمن می‌شود و اتحاد ملی خدشه‌دار می‌شود، تجزیه ایران به‌واسطه خود ایرانیان اتفاق می‌افتد، حداقل کاری که در این وضعیت می‌توان انجام داد اینکه سریعاً آب را به**

همه‌جا برسانیم، بدانیم آب با خود معجزه میاورد، و همه را متحیر می‌کند، حقیقتاً آب بود که نوح را کمک کرد و موسی و بنی‌اسرائیل را نجات داد، جواب نوحه‌های طولانیِ ملت ایران و سرگردانیِ ما و نجات معجزه سای ملت ما آب است، آب ما را کمک می‌کند، آب در طول چند ماه برکت و ثروت حلال زیاد برای ما به همراه دارد، آب است که ما را در این لحظات حساس بر تمامیِ بشر پیروز می‌کند، آب است که باعث فضیلت ما بر شرق و غرب می‌شود، و آب سه معنی دارد، ظاهرش خوردنی، باطنش امام معصوم ع و باطن‌ترش توحید است، اگر ظاهر را آوریم آن دو نیز به جامعه هدیه شوند دقیقاً مانند مصر، به نام آب، سلام بر آب، از آب تا آب، نفرین بر خشکی و خشک‌سالی ولی خشک‌سالی لشکر خداست، تازیانه‌ای است که ما را مجبور می‌کند سراغ آب رویم، پس بهتر است سریعاً با خوشی سراغ آب برویم، آب مشاق ماست.

شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

قطره ۷۹- چند نکته در رابطه با نماز باران ۹۶/۱۰/۲۹

بسم‌الله الرحمن الرحیم قال الله تبارک‌وتعالی: وَاتَّقوا فِتنَةً لا تُصیبَنَّ الَّذینَ ظَلَموا مِنکم خاصَّةً وَاعلَموا أَنَّ اللَّهَ شَدیدُ العِقابِ[۸۶]

قطره ۷۹ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - **چند نکته در رابطه با نماز باران**- حقیقتاً اکثر انسان‌ها در هنگامه بروز مشکلات به یاد خداوند می‌افتند: هنگام بیماری، زلزله، مرگ، گرفتاری، جنگ و ...یکی از اموری که زندگی تمامی موجودات به آن بستگی دارد و در هنگام نبود آن مردم به درگاه خداوند روی میاورند آب است، **آب منشأ تمامی نعمت‌ها می‌باشد و در صورت نبود آن‌همه‌چیز رو به مرگ و نیستی خواهد رفت** که قرآن کریم می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی**[۸۷]، همه‌چیز را از آب زنده گردانیدیم، **آب را خدا نازل می‌فرماید و البته درصورتی‌که صلاح در خشک‌سالی باشد آنگاه به سرزمین و ملتی باران را**

نازل نمی‌کند. پس باران از خداست، خشک‌سالی هم که نتیجه حکمت الهی است از خداست و می‌توان گفت باران و خشک‌سالی لشکریان خدا هستند، گاهی سیل و باران و گاهی خشک‌سالی و خورشید سوزان.

۱ سؤال این است **چرا خداوند گاهی بر بندگان خشک‌سالی را مقدر می‌فرماید؟** حقیقت این است که خداوند گاهی بر بندگان سخت می‌گیرد تا بندگان بیدار شده و تغییر رویه دهند، امام رضا (ع) می‌فرمایند: **هرگاه حاکمان دروغ بگویند باران نمی‌بارد** [۸۸]. لذا با توجه به این حدیث **عامل خشک‌سالی دروغ مسئولین است و راه بر شدن خشک‌سالی این است که حاکمان دروغ نگویند،** امام رضا (ع) فرمود: **اذا کذب الولاه حبس المطر و اذا جار السلطان هانت الدوله و اذا حبست الزکاه ماتت المواشی**[۸۹] هنگامی‌که حاکمان دروغ بگویند باران، قطع می‌گردد، هنگامی‌که پادشاه ستم کند دولت و حکومت دچار ضعف و سستی گردد، هنگامی‌که زکات داده نشود چهارپایان و دام‌ها تلف شوند. قال **السجاد (ع): الذنوب آلتی تحبس غیث السماء جور الحکام فی القضاء و شهاده الزور و کتمان الشهاده**[۹۰] امام چهارم فرمود: گناهانی که باران آسمان را قطع می‌کنند، ستم زمامداران در قضاوت و شهادت به دروغ و کتمان شهادت است. **قال علی (ع): ما من سنه اقل مطرا من سنه و لکن الله یضعه حیث یشاء و ان الله اذا عمل قوم بالمعاصی صرف عنهم ما کان قدر لهم من المطر**[۹۱] هیچ سالی در نزول باران، کمتر از سال دیگری نیست و خداوند هر جا بخواهد باران نازل می‌کند ولی خدای تعالی اگر مردمی مرتکب گناهان شدند آنچه بر آن‌ها مقدر کرده از بارش باران را قطع می‌کند. **روی عن النبی (ع) انه قال اذا غضب الله تعالی علی امه ثم لم ینزل بها العذاب غلت اسعارها و قصرت اعمارها و لم یربح تجارها و لم تزک ثمارها و لم تعزر انهارها و حبس امطارها و سلط علیها اشرارها**[۹۲] از پیامبر (ص) روایت‌شده که فرمود خداوند هنگامی‌که (بر اثر گناهان) بر ملتی خشمناک شود و عذاب هلاک‌کننده خود را (به جهتی) نخواهد نازل کند، در این صورت نرخ‌ها افزایش یابد و عمرهای آنان کوتاه گردد و بازرگانان آنان سود نبرند و میوه‌های باغ‌هایشان مطلوب و گوارا و بابرکت نشود و نهرهایشان هرگز پر آب نگردد بلکه خشک و بی‌برکت می‌شود و باران‌ها از ریزش بر آنان بازداشته شوند و **شروران بر آن مردم چیره و مسلط شوند.**

۲ سؤال این است **عدم ریزش باران در ایران یک بلای الهی است و یا یک امتحان؟** برای این سؤال باید نگاهی به جامعه داشته باشیم، **وضعیت بانکداری ما** که به

شهادت علماء و متخصصین مبتلا به ربا می‌باشد، **وضعیت سینمای ما** که با مُهر اسلامی فیلم‌های ضد اسلامی تولید می‌کند، **وضعیت اختلاف طبقاتی** و اختلاف در حقوق و درآمدها، **وضعیت فساد اجتماع** که سن ازدواج تا بالای ۳۰ سال رسیده است و اموری مانند ازدواج سفید و رابطه بدون ازدواج باب شده و**ضعیت حجاب و تفریگاهها** به آن نحو که همه می‌دانند و ... همه حاکی از این است که **جامعه ما طبق معارف اسلامی تنظیم نمی‌باشد**، فقط از باب نمونه به یک مورد آن اشاره می‌کنیم و آن چیزی است که همه افراد جامعه به آن مبتلا هستیم: طبق شهادت صاحب‌نظران **جامعه ما مبتلا به بانکداری ربوی می‌باشد** و طبق نص قرآنی **ربا در حکم جنگ باخداست** که قرآن می‌فرماید: **يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِى مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** [۹۳] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی‌مانده است واگذارید. **فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ** و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ باخدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید - پس در حقیقت **سیستم دولتی ما خواسته یا ناخواسته به علت ربا در جنگ باخداست**، **حکم کسی که با خدا و رسول خدا ص می‌جنگد حکم محارب** است و خدا هم با او جنگ می‌کند که در آیه ۳۳ سوره مائده می‌فرماید: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيسْعَوْنَ فِى الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يقَتَّلُوا أَوْ يصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ ينْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِک لَهُمْ خِزْى فِى الدُّنْيا وَلَهُمْ فِى الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ** سزای کسانی که باخدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که **کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند** این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت **زمانی که جامعه به‌وسیله ربا در جنگ باخدا شد، خدا با آن جامعه در جنگ می‌شود و طبق آیه ۶۵ سوره انعام سه بلا به آن جامعه می‌رسد بلای آسمانی و زمینی و اجتماعی**، خداوند در قرآن آیه ۶۵ سوره انعام می‌فرماید: **قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يبْعَثَ عَلَيكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يلْبِسَكُمْ شِيعًا وَيذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كيفَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يفْقَهُونَ** بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شمارا گروه‌گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شمارا به بعضی [دیگر] بچشاند بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان

بفهمند و **آنچه امروز ما در جامعه شاهد هستیم هر سه نوع بلا در جامعه ایران دیده می‌شود: بلای اول: بلای آسمانی** که: شدت گرما در زمستان، عدم نزول باران و برف، آلودگی هوا و ریز گردها، **بلای دوم که بلای زمینی است شامل**: پایین رفتن آب در زمین، خالی شدن سفره‌های زیرزمینی، فرو رفتن ۲۰۰ دشت کشور که در اصطلاح زمین‌شناسی فرورفت زمین و در اصطلاح روایی عذاب خَسف گفته می‌شود، بی‌برکت شدن کشاورزی، لم‌یزرع شدن زمین‌های حاصلخیز که تبدیل به شوره‌زار شده است، خشک شدن چاه‌ها و قنات‌ها، از بین رفتن گونه‌های گیاهی و حیوانی، زلزله‌های پی در پی در بیشتر نقاط کشور، **عذاب سوم که اختلافات اجتماعی و آشوب و نارضایتی است** مانند تجمعات مردم برای سپرده‌های بانکی خود، آشوب‌هایی که در دی‌ماه سال ۹۶ در ایران دیده شد، شعارهای ضد دین، توهین به خدا و رسول و اسلام و ... گذشته از اینکه ما تنها اجملا فقط ربا را بررسی نمودیم و گناهان دیگر بماند.

۳ **آیا در جامعه ایران که بهترین مدل حکومتی قبل از ظهور است می‌توان گفت که خدا این جامعه را به بلا مبتلا کرده است؟** به عقیده بنده **سزاوارترین ملت به عذاب الهی جامعه ایران است نه بقیه جوامع** و دلیل آن این است که خداوند در قرآن در آیه ۱۷ سوره اسراء می‌فرماید: **وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا ما قوم و امتی را عذاب نمی‌کنیم مگر اینکه حجت را بر آن‌ها تمام کنیم، امروز اگر بر هیچ ملتی حجت الهی تمام نشده باشد بر جامعه ایران حجت تمام‌شده است و دین ابلاغ شده است،** شاید جوامع اروپایی و آمریکایی در قیامت به علت کم‌کاری ما بتوانند بگویند خدایا ما دین تو را نشناختیم لذا نمی‌دانستیم و عمل نکردیم **ولی جامعه ایران نمی‌تواند در محضر الهی دلیل و توجیهی بیاورد،** خصوصاً اینکه تقریباً ۴۰ سال از انقلاب گذشته است، پس **اگر قرار باشد خداوند عذابی نازل نماید اول عذاب برای جامعه ما است نه برای جوامع دیگری و اول جای ایران قم است، ما اسلام را می‌دانستیم ولی به آن عمل نکردیم و تمامی مشکلات امروز جامعه ما به علت عمل نکردن به اسلام است پس جامعه ما لایق‌تر به عذاب است تا بقیه جوامع** و البته این چیزی نیست که تنها بنده بگویم این‌ها شرحی مختصر بر جملات رهبر انقلاب دامت برکاته است که فرمودند: **ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم .هیچ کس نمی‌تواند ادّعا کند که کشور ما اسلامی است.** ۷۹/۹/۱۲ و در تاریخ ۹۶/۶/۶ رهبر انقلاب دامت برکاته باز بیان فرمودند: **بر اساس حرکت انقلابی، نظام اسلامی به وجود آمد و این توفیقات بسیار مهم حاصل شد اما تا**

رسیدن به نقطه مطلوب و تشکیل دولت اسلامی و جامعه اسلامی فاصله زیادی وجود دارد-

۴ اینکه میگوییم عذاب نازل‌شده باید توجه داشته باشیم هر چیزی که از جانب خداوند به بندگان می‌رسد نعمت است و این امور ظاهری و باطنی دارند، ظاهر آن ناخوشی و باطن آن تازیانه‌ای است که ما را تأدیب کرده و به مسیر صحیح بر می‌گرداند و باعث توبه می‌شود و الا **اگر در کشوری بر خلاف قرآن و اسلام عمل شود و دائماً به آن‌ها نعمت برسد آن جامعه به بلایی بدتر مبتلا شده است که به آن استدراج گفته می‌شود.**

۵ **در این وضعیت باید چه‌کارکرد؟** اولین کاری که باید انجام داد **توبه** است، ما سه نوع گناه داریم، **گناه شخصی، گناه خانوادگی، گناه حکومتی، بزرگ‌ترین گناهان گناهان حکومتی است** که می‌توان از بی‌توجهی مسئولین به امورات مردم و سوءاستفاده مسئولین از منصب برای رسیدن به دنیا و امیال شخصی را نام برد که **اگر مسئولین جامعه این‌گونه شوند مردم آن جامعه نیز فاسد می‌شوند چراکه مردم بر دین سردمداران خود هستند الناس علی دین ملوکهم** که در روایت امام رضا ع عامل خشک‌سالی را دروغ زمامداران می‌داند، **هر کس در هر جایگاهی است باید توبه کند و توبه مسئولین از بقیه توبه‌ها واجب‌تر است؛ یکی از گناهان مسئولین جامعه ما بی‌تدبیری و تکبر بیجاست که باید از این گناه توبه کنند ما از اردیبهشت ۹۶ به دولت و مسئولین اجرایی بارها اعلام نمودیم طیف جدید خشک‌سالی وارد ایران شده و اگر گوش دهید حتی از طریق عادی در مدت کوتاهی می‌توان خشک‌سالی را برطرف نمود و بارها مطالب بسیاری را برای مسئولین ارسال نموده‌ایم ولی جوابی نشنیده‌ایم این بی‌محلی یک گناه است،** سؤال ما این است **آیا تاکنون احتمال هم نداده‌اند که شاید ما راست‌گو باشیم؟** حداقل صحبت‌های ما را می‌شنیدند و رد می‌کردند و همین‌جا اعلام می‌کنم **تا گوش نکنند لحظه‌به‌لحظه خشک‌سالی و گرما عظیم‌تر می‌شود، علامت صدق ما به لطف خدا ادامه خشک‌سالی و سرفراز بیرون آمدن از امتحانات پیش رو است،** خدا را شکر. دومین کاری که باید انجام داد **احیاء امربه‌معروف نهی از منکر است: افراد جامعه ما امروز سه قسم‌اند: اول: کسانی که گرفتار گناه و فسادند. دوم: کسانی که فساد و گناه نمی‌کنند اما در برابر فساد بی‌تفاوت‌اند. سوم: کسانی که**

مؤمن هستند و دیگران را نیز دعوت به ایمان می‌کنند و از فساد بازمی‌دارند، این سه قسم به دو قسم دیگر تبدیل می‌شوند یا مسئولیت اداره مردم را در دست دارند و یا افراد عادی جامعه هستند، **وظیفه مسئولین از همه سنگین‌تر است و اگر امربه‌معروف نکنند آن‌ها هم داخل در افراد فاسد هستند و در هنگام نزول بلا، عذاب آن‌ها را هم می‌گیرد حتی اگر نماز شب خوآن‌هم باشند،** در بین تمامی این افراد، **افرادِ مسئولِ فاسد از بدترین و شرورترین افراد جامعه هستند،** لذا **اگر می‌خواهیم جامعه نجات پیدا کند و باید امربه‌معروف و نهی از منکر نمود و نباید اشتباه نمود، امربه‌معروف و نهی از منکر را باید از افراد مسئول جامعه شروع کرد** چراکه اگر آن‌ها اصلاح شوند نتیجتاً جامعه اصلاح می‌شود، متأسفانه اگر امربه‌معروف و نهی از منکری هم در جامعه انجام شود بیشتر متوجه افرادِ عادیِ جامعه است که ما آن را منکر نیستیم ولی نکته این است که **بسیاری از منکرات اجتماعی نتیجه فساد در مراتب بالایی حکومت می‌باشد؛** پس حقیقتاً اگر می‌خواهیم مشکلی از جامعه حل شود باید امربه‌معروف و نهی از منکر را از رؤسای حکومتی شروع نماییم که از رئیس‌جمهور محترم خواستار احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر هستیم، و این نیز **مصیبت است که ما مسئولینی را که مسئول امربه‌معروف و نهی از منکرند را دعوت به این دو فریضه نماییم و یا اینکه باید خود آن‌ها را امربه‌معروف و نهی منکر کرده و درخواست پایان دادن به فساد نماییم.**

۶ باید بدانیم تا زمانی که در **جامعه ما ربا مورد حمایت مسئولین است خشک‌سالی حل نخواهد شد، (طبق الگوهای آب‌رسانی ما، بیشتر مشکلات این‌چنینی نیز حل خواهد شد که در قطره‌های دیگر توضیح داده‌ایم)** سؤال این است که: **خداوند چرا در این جامعه باران نازل کند؟ اگر باران نازل کند باعث ثروتمند شدن بیشتر اهل ربا و فساد است؟ چرا خدا زمینی را سبزه‌زار نماید که بعدازآن در آن زمین مردم علناً منکرات را انجام می‌دهند؟** آیا بهتر نیست زمین از آفتاب گرم سوزان بسوزد تا اینکه آباد باشد و علناً فساد ترویج شود، لذا باید بدانیم **تا ما امربه‌معروف و نهی از منکر را احیاء نکنیم و با بانک‌های ربوی مبارزه نکنیم، تغییر رویه نداده‌ایم و توبه ننموده‌ایم و خشک‌سالی ادامه خواهد داشت، ما با حمایت از بانک‌های ربوی در جنگ باخدا هستیم آن‌وقت چرا خداوند بیاید در همین وضعیت باران را بر ما نازل کند؟** اصولاً عدم نزول باران و خشک‌سالی برای این بود که ما توبه کنیم و تغییر رویه دهیم حال ما تغییر رویه نداده‌ایم ولی توقع

داریم باران نازل شود، این چیزی نیست جز اینکه ما حقیقت دین و یا امور و اتفاقات الهی را درک نکرده‌ایم.

۷ **یکی از اموری که امروز باید از آن توبه نمود زیر سؤال رفتن امام زمان و عصمت ۱۴ معصوم است که در این مملکت گفته شد: امام زمان را می‌توان نقد نمود**-تم- **این گناه نابخشودنی است**، بنده خوف این دارم اگر به این سکوت ادامه داده شود تمامی ایران دچار بلایی عظیم شوند، **خدای کعبه وقتی دید می‌خواهند حریم کعبه را بشکنند اجازه نداد و بلا نازل کرد، آن‌وقت در مملکتی که به امام زمان عج اعتقاددارند عصمت ۱۴ معصوم زیر سؤال برده شود، جای دارد انسان باغیرت از این توهین و جسارت جان دهد و بمیرد، بدانیم سکوت در برابر توهین به ولایت نابخشودنی است و تا توبه نکنیم بلاهای متنوع‌تری در انتظار ما است، زیر سؤال بردن عصمت اهل‌بیت ع به‌منزله زیر سؤال بردن تمامی دین است، با این بحث کتاب خدا زیر سؤال می‌رود، تمامی احادیث شیعه از صحیح و غیر صحیح زیر سؤال می‌رود، وجود امام معصوم ع زیر سؤال می‌رود، این گناه از گناه کشتن امام سنگین‌تر است، خدشه‌دار نمودن عصمت و علم اهل‌بیت از گناه یزید سنگین‌تر است و خوف این دارم بلایی عظیم در ایران تکرار شود، حرمت مؤمن از کعبه بالاتر است و خداوند برای کعبه ابابیل را فرستاد، حال مهدی فاطمه ع کجا و کعبه و مؤمنین کجا؟ به نظر بنده با این اوضاع ایران بسیار خطرناک است، ان الله یدافع عن الذین آمنوا**[۹۴] **خداوند مدافع اهل ایمان است، و اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه**[۹۵] **بترسید از بلایی که فقط ظالمان را نمی‌گیرد (سکوت در برابر ظالم ظلم است)**، شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

قطره ۸۰ - اهم مباحث منبرها را در این امور قرار دهید ۹۶/۱۰/۳۰

مقدمه: با عرض تسلیت به مناسبت شهادت محور اهل‌بیت عصمت و طهارت، کوثر قرآن، ام‌ابیها، حقیقت شب قدری که محل نزول یازده قرآن ناطق بود، وجودی که جبرئیل بعد از شهادت

رسول‌الله در محضر او حاضر شده و مطالبی از آینده را برای تسلی قلب او بیان می‌داشت که در حقیقت جبرئیل بود که کسب فیض می‌نمود مطالب کوتاهی را عرض می‌نماییم تا بلکه بتوانیم با پر بار کردن منبرهای فاطمیه قدمی بزرگ و عملی برای تحقق آرمان‌های پیش روی فاطمی برداریم.

۱ همان‌گونه که میدانیم **یهود حتی قبل از تولد رسول‌الله ص هم برای ضربه به مکتب اسلام برنامه‌ریزی می‌نمود** تا سیادت خود بر بشریت را از دست ندهد، آنان زمانی که دیدند پیامبر موعود از نسل اسماعیل است و نه از نسل اسحاق، **با برنامه‌ریزی‌های خود تلاش نمودند تمامی قدرت در تمامی شئون را منحصراً از آن خودنمایند** تا سایر انسان‌ها برای همیشه نتوانند کاری از پیش ببرند و آن‌ها با برنامه‌ریزی‌های پنهانی با ظاهری حق‌به‌جانب موفق به این امر شدند و انسان‌ها در اکثر اوقات فریب آنان را خورده‌اند، **یکی از اموری که آنان از گذشته تاکنون به دست دارند، مهندسی نمودن افکار انسان‌ها و تعیین اهداف فرعی ملت‌ها بجای اهداف اصلی و فریبِ علمی انسان‌هاست** که نتیجه این فریب به ثمر نرسیدن تلاش‌های بشر امروز برای دستیابی به اهداف مادی و معنوی می‌باشد، **آنان با شعبده‌بازی‌های به‌ظاهر علمی توهمات را بجای علم به عموم بنی بشر خوراندند** که نتیجه آن به ثمر نرسیدن تلاش ملت‌ها برای رسیدن به قله‌های پیروزی بوده و هست، **حقیقتاً تعیین‌کننده مطالب به‌ظاهر علمیِ علومِ انسانی و اقتصادی و مدیریتی امروز بشریت یهود می‌باشد، آنان اموری را به خورد بشریت داده‌اند که خود هیچ‌گاه نه اعتقادی داشته و نه به آن‌ها پایند بوده‌اند،** زمانی که ما نظریه‌های مهم و بنیادی علمی امروز را در علوم مختلف نگاه می‌کنیم رد پای یهود به چشم می‌خورد و تعجب اینجاست که آنان چگونه توانستند **جهل را بجای علم، و سراب را بجای آب به مردم بقبولانند** مانند نظریه‌های بیگ بنگ و بیگ کرانچ، نظریه داروین، نظریه‌های بانکداری و مدیرتی کلان و نظریه‌های حقوق بشری و کشورداری و اقتصادی و ... **علوم اصلی آنان چیزی دیگریست.**

۲ امروز در جامعه شیعی با کلان مشکلات متعددی روبرو هستیم که اگر نتوانیم آنان را سریعاً حل نماییم نه‌تنها به اهداف دینی خود نمی‌رسیم بلکه تمامی دستاوردها و زحمات گذشتگان را نیز از دست می‌دهیم، جامعه ما فقیر شده و اکثراً ازنظر اقتصادی از حد متوسط نیز پایین‌تر هستند، **جمعیتِ شیعی** رو به کاهش است و در قطره ۶۵ الی ۶۹ اثبات نمودیم **با روال پیش رو اگر ایران به هیچ مشکلی هم مانند جنگ و**

یا مرگ جمعی برنخورد جمعیت ما به ۳۰ میلیون نفر تقلیل خواهد نمود و خطر از دست دادن جمعیت بسیار جدی است، از طرفی مشکلات اقتصادی باعث شده مردم نسبت به مکتب نیز دید خوبی نداشته باشند چراکه فعل دولت به‌پای روحانیت نوشته می‌شود در اینجا **روحانیت ارج و قرب خود را از داده** و از طرفی آن مشکلات بعضی از مردم را نسبت به امور دینی سست نموده است، از طرفی **روال پیش رو با روندِ گذشته از امروز تاریک‌تر می‌باشد،** چراکه همه میدانیم با این روال هیچ مشکلی حل نمی‌شود بلکه مشکلات دائماً زیادتر می‌شود.

۳ یکی از عمده مشکلات که با طرف شدن آن مشکل می‌توان ادعا کرد راه برای برطرف شدن تمامی مشکلات هموار می‌شود، **مشکل اقتصادی است بهتر بگویم اَبَر مشکل جامعه که اَبَر بحران‌های دیگر نتیجه آن است،** مشکل اقتصادی افراد و خانواده‌ها و مؤسسات و مشکلِ اقتصادیِ دولت، باید بدانیم وضعیت پیش روی اقتصادی ما بحرانی‌تر از آن چیزی است که بتوان تصور نمود، روزبه‌روز باید در اقتصاد قوی‌تر شویم ولی بدیهی است که روزبه‌روز در اقتصاد ضعیف‌تر می‌شویم و فراموش نکنیم: **بازگشتِ مشکلاتِ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبیِ ما به اقتصاد ارتباط دارد، یقین بدانید اقتصاد امروز جامعه ما بر مبنای اسلام نیست، حتی در بُعد نظریه پردازی نیز بر مبنای اسلام نیست، اگر بر مبنای اسلام بود این‌همه مشکل نداشتیم و اینقدر تغییر روند و رویکرد نمی‌دادیم.**

۴ یکی از مشکلات دیگری که امروز جامعه ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند اینکه: **همه مشکل را میدانیم و میدانیم باید به چه اهدافی برسیم اما حقیقتاً راهکار را نمی‌دانیم یعنی: نمی‌دانیم مشکلات چگونه حل می‌شود؟** و هر کس برای برطرف شدن مشکلات راه‌حلی ارائه می‌دهد و زمانی را صرف می‌کنیم و بعد می‌فهمیم اشتباه کرده‌ایم مثلاً جناب آقای دکتر روحانی تمامی مشکلات را به تحریم‌ها پیوند زدند و ادعا نمودند با برطرف شدن تحریم‌ها تمامی مشکلات حل می‌شود که ما اثبات خواهیم نمود **اگر بر فرض تحریم‌ها برطرف هم می‌شد مشکلات ما حل نمی‌شد،** بلکه حقیقتاً مشکلات پیش روی ما در صورت برطرف شدن تحریم‌ها بازهم به حال خود باقی می‌ماند، **مشکل ما آب بود و تحریمها ارتباطی با آب ندارند.** مذاکرات انجام شد، شرایط را قبول کردیم و عملی نمودیم،

ولی دشمنان ما نه تحریمی را لغو کردند و نه مذاکرات ثمره‌ای برای ملت ما داشت و البته مدال اخلاق نصیب ما گردید نه سانتریفیوژ چرخید و نه چرخ اقتصاد بلکه بسیاری از دستاوردهای خود را نیز از دست دادیم، این همان مهندسی نرم‌افزاری است که در بند اول توضیح دادیم، یهود فکرِ بیشترِ افراد این کره خاکی را مهندسی کرده و قرن‌هاست که ملت‌ها را به دنبال نخود سیاه فرستاده است، بقیه راهکارهای کلان و خردی که بنده تاکنون دیده‌ام نیز از همین طیف مهندسی شده می‌باشد.

۵ در این وضعیت باید چه کرد؟ مشکل اصلی ما این است که ما به مکتب و گزینه‌های دینی خود به این نحو نگاه نکرده‌ایم که مکتبِ وحیانیِ ما جامع می‌باشد و با بررسی این گنجینه الهی می‌توان از تمامی منجلاب‌ها و مرداب‌ها خلاص شد و به سعادت رسید، مشکل در فراموشی حدیث ثقلین است و بی‌جهت نیست که در ابتدای وصیت‌نامه حضرت امام ره نیز این حدیث زینت‌بخش آن وصیت‌نامه شده، **ما ان تمسکتم به هما لن تضلوا بعدی ابداً**[۹۶]، وقتی به کتاب خدا و کلام اهل‌بیت ع بر می‌گردیم و راهکار عملی برای برطرف شدن همه مشکلات را از کتاب خدا جویا می‌شویم **کتاب خدا آب را نشان می‌دهد،** آیه ۳۰ سوره انبیاء **و جعلنا من الماء کل شیء حی**، **ریشه مشکلات ما در کشور خشک‌سالی و نبود آب است،** جا دارد ما به‌صورت جدی به ارتباط بین آب و اقتصاد، آب و دین، آب و تمامی مشکلات جامعه بپردازیم، بنده به شما اطمینان می‌دهم **حتی بین گناه و خشک‌سالی ارتباط مستقیم وجود دارد** و اگر جامعه طلاب در این لحظات حساس که بحران خشک‌سالی ایران وارد مرحله جدیدی شده است بتواند مشکل آب را حل نماید نه‌تنها در اقتصاد به قله‌های باورنکردنی نائل می‌شویم بلکه در بُعد دینی نیز به قله‌های عجیبی دست پیدا خواهیم نمود، قله‌های عجیب دینی آن‌هم نه فقط در ایران و منطقه بلکه به‌زودی می‌توانیم قله‌های فرهنگی جهانی را به سمت مکتب اسلام ناب تغییر دهیم و خبر می‌دهم که می‌توانیم، و اتفاق مصر در زمان حضرت یوسف ع در این زمان تکرار می‌شود و حتی کشورهای جهان نیز محتاج قدرت اقتصادی و فرهنگی و علمی ما شوند.

۶ شاید در جریان نباشید ولی اجمالاً میگویم بنده از ابتدای امسال جریانات عجیبی را متوجه شدم، از برج دو سال ۹۶ متوجه شدم **مشکل اصلی مملکت ما خشک‌سالی است که تمام مشکلات بازگشت به آن دارد** و اگر این مشکل را برطرف نکنیم درخطر از دست دادن تمامی دستاوردهای ۴۰ سال انقلاب بلکه از دست دادن تمامی دستاوردهای دینی و ملی قبل از انقلاب قرار داریم و این مشکل را به‌راحتی چه از طریق عادی و چه از طرق غیرعادی می‌توان

حل نمود، ولی دشمنان دائم تلاش می‌کنند ما را از موضوع اصلی غافل کرده و ما را ناامید کنند و القاء کنند که: که این مشکل را نمی‌توان حل نمود، لذا بنده مطالبی را که فهمیدم به‌تمامی کسانی که فکر می‌کردم امور دین و ملت برای آنان مهم است اعلام نمودم ولی باید بدانیم اگر دشمنان ما برای ما برنامه‌ریزیِ پیچیده نموده‌اند برای خنثی نمودن فعالیت‌های این‌چنینی هم برنامه‌ریزی دارند لذا ما هم باید برنامه‌ریزی کنیم.

۷ از تمامی کسانی که برای برطرف شدن مشکل خشک‌سالی از طریق غیرعادی در عرض چند ماه که ارائه داده‌ام اعتماد ندارند تقاضا دارم راهکار عادی یک ساله که با دلیل اثبات نموده‌ام در یک سال می‌توان مشکل خشک‌سالی را برطرف نمود را مورد مطالعه قرار دهند و آن را برای دیگران تبیین کنند (قطره ۷۳) و به‌عنوان یک **مطالبه عمومی به‌حق** در بیاورند تا **حداقل ما بتوانیم مشکل را در یک سال حل نماییم** و به سمت اهداف کلان خود حرکت نماییم، بنده سه طرح در دست دارم[۹۷] یک طرح عادی یک‌ساله و دو طرح غیرعادی چندماهه، اگر طرح‌های غیرعادی بی جهت مورد انکار است و قبول نمی‌شود که برای ملت ما حقیقتاً مانند منّ و سلوی [۹۸]است طرح عادی یک‌ساله که کاملاً اثبات شده و معقول است را باید دنبال نماییم.

۸ در خواست دارم همه با نگاه دوباره به معارف اسلامی به این نتیجه برسیم که **دین جامع اسلام منحصر در اعمال عبادی و اخلاقیِ شخصی نیست بلکه دین اسلام داعیه حکومت جهانی دارد و از محتواهای این دین برنامه برای برطرف نمودن مشکلات اجتماعی جامعه می‌باشد،** اشتباه این است که ما طلاب فکر می‌کنیم درزمینه اقتصاد و آب و زلزله و خشک‌سالی و طب... حرفی برای گفتن نداریم درحالی‌که تمامی این امور و اموری که هنوز غرب برای آن امور فکر نکرده ما علوم محکم و قوی داریم و در صورت ورود ما در این عرصه‌ها برای غرب و دشمنان اسلام مجالی باقی نخواهد ماند، و بعضی هم به امید ظهور حرکتی نمی‌نمایند و در انتظارند که امام زمان عج ظهور کند و مشکل آب را حل نماید، منتظری که منتظر است امام عج تشریف بیاورد تا مشکل خشک‌سالی حل شود منتظر آب و نان است نه منتظر امام عج. **لذا در خواست دارم** محتوای منابر فاطمیه را به این سمت سوق دهیم تا ما در فرصت کوتاه به یکی از کلان‌ترین دستاوردهای تاریخی خود دست یابیم، تأکید می‌کنم **اگر ما مشکل خشک‌سالی ایران را حل نماییم به‌صورت سلسه‌وار**

دستاوردهای کلان ملی و جهانی در تمامی شئون را خواهیم داشت در سیاست و اقتصاد و فرهنگ و دین و ... و بدانیم **آب مهریه حضرت زهرا س است و کربلا به ما یاد داد دشمن آب را تحت کنترل می‌گیرد آنگاه مردان را ذبح کند و زنان را ... باید موظب آب بود، آب ظاهری دارد و باطن و باطن‌تری، ظاهرش خوردنی باطنش امام و باطن‌ترش توحید، چه باید انجام دهیم؟**

۱ باید کاری کنیم تا **مردم از دولت بخواهند به همه‌جا آب‌رسانی کند،** مخصوصاً آب‌رسانی برای روستاها و کشاورزان، باید مشکل خشک‌سالی را برطرف نمایند اگر دولت بگوید نمی‌شود، طرح یک ساله را نشان دهید در آن طرح جای هیچ بهانه‌ای وجود ندارد، اگر به سؤالی برخورد نمودید که جواب نداشتید با بنده تماس بگیرید تا در یک متن جواب را ارائه دهم، تاکنون تقریباً ۲۵۰ فایل سخنرانی کوتاه و بلند داشته‌ام ولی به تناسب دوباره سخن میگویم.

۲ خطر نبود آب را برای مردم بیان کنید، بدانید **خطر مرگ ۵۰ میلیون نفر در ایران و از دست دادن تمامی دستاوردهای حال و گذشته در پیش است.**

۳ رابطه مستقیمی که بین آب و اقتصاد، آب وپیشرفت و بیرون رفتن از مشکلات، آب و توسعه در تمامی شئون است را بیان نمایید.

۴ بیان کنید که تمامی تفکرها برای بیرون رفتن از مشکل خشک‌سالی راهکار دارند و فرقی نمی‌کند جامعه اسلامی باشد و غیر اسلامی، غربی باشد یا شرقی، سنتی باشد یا مدرنیته و **دولت وظیفه آب‌رسانی دارد از هر روشی که می‌تواند مشکل آب را برطرف کند، دولت وظیفه دارد در این شرایط آب تولید کند،** اگر با هارپ و یا انفجار یون منفی در آسمان و یا بارور کردن ابرها و ایجاد و هدایت ابر نمی‌تواند کاری کند چرا آب خلیج‌فارس را یک ساله انتقال نمی‌دهد که در قطره ۷۳ اثبات نمودیم این امر در یک سال امکان دارد، به‌زودی مناظره با متخصصین آب در مورد اثبات امکان یک‌ساله انتقال آب خلیج‌فارس از طریق عادی انتشار میابد، هیچ بهانه‌ای وجود ندارد، هزینه وجود دارد، طرح و برنامه هم وجود دارد.

۵ هیچ‌گاه از موضوع اصلی که تولید آب توسط دولت است منحرف نشوید، **ما هیچ‌گاه زیر بار امثال این موضوع نمی‌رویم که: مشکل خشک‌سالی از چاه‌های غیرمجاز است،** ما اثبات نموده‌ایم استفاده نکردن از آب‌های زیرزمینی امروز خیانتی عجیب‌تر به خاک این ملت است این شبهه و امثال آن از شبهاتی است که برای منحرف کردن اذهان مردم از موضوع اصلی طراحی‌شده و **مافیای آب در حال تولید شبهه است تا ما هیچ‌گاه به**

موضوع اصلی نپردازیم، به دنبال نخود سیاه نروید و توپی را که به زمین شما انداخته‌اند را به جایگاه اصلی آن بازگردانید.

۶ باید همه به دولت محترم اعلام کنیم اگر نمی‌دانید ریشه مشکلات چیست؟ گفتیم خشک‌سالی است، اگر نمی‌دانید می‌توان مشکل را حل کرد؟ به شماراهکار داده‌ایم و هم‌اکنون منتظر جواب شما هستیم، اگر دانستید ریشه مشکلات چیست و اثبات‌شده می‌توانید ولی بازهم به ما جوابی ندادید ما به خدا پناه می‌بریم.

۷ ملت عزیز بدانند آمدن باران و برطرف شدن خشک‌سالی دو مقوله است، به قطره۷۲ مراجعه فرمایید شاید با نمازِ باران باران ببارد ولی با وضعیت موجود هیچ‌گاه خشک‌سالی برطرف نمی‌شود، لذا بنده در این وضعیت هیچ‌گاه اقدام به نماز باران نخواهم نمود و پیشنهاد می‌کنم دیگران نیز معقول فکر کنند، دلیل آن این است که: **اگر باران دست خداست، خشک‌سالی هم‌دست خداست،** دلیل خشک‌سالی طبق روایت اهل‌بیت عصمت به امور مختلفی بازگشت دارد که می‌توان به دروغ و ظلم اشاره کرد، حال چگونه ما بیاییم نماز باران بخوانیم درحالی‌که علت خشک‌سالی بر جای است، (به قطره‌های ۶۰ و ۷۹ مراجعه فرمایید، ما به دنبال بارش باران نیستیم به دنبال رفع خشک‌سالی هستیم) تنها یک مورد را اشاره می‌کنم: **بانکداری ما ربوی است، ربا جنگ باخداست، وقتی جامعه ربوی شد حکم محارب برای آن جامعه است و بر آن جامعه سه عذاب نازل می‌شود سوره انعام آیه ۶۵: عذاب اول: عذاب آسمانی** مانند گرم شدن زمستان و عدم نزول باران و برف و... **عذاب دوم: عذاب زمینی** مانند زلزله‌ها و از بین رفتن کشاورزی و.. **عذاب سوم: عذاب اجتماعی** مانند آشوب و تجمعات که هر سه عذاب را ما شاهد هستیم، از طرفی **شرایط نماز باران توبه است،** از شرایط توبه احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر است، **چگونه کسی در این جامعه بدون مبارزه با ربا می‌تواند شرایط نماز باران که توبه است را انجام دهد و توقع باران داشته باشد؟** استغفراللهی که بدون نهی بانک‌ها از ربا باشد لقلقه زبان است، استغفرالله در جامعه‌ای که وضعیت سینمای آن چنان است که میدانید قبول نیست، بجای استغفرالله گفتن باید عملاً با ربا و... مبارزه کرد، لذا بنده عرض می‌کنم اگر قرار است تنها با خواندن یک سری ادعیه مشکل خشک‌سالی حل شود تمامی کتب ادعیه در اختیار شما، ما دعا کردیم و چیز دیگری فهمیدیم(کسی که با ربا مبارزه می‌کند عملاً برای رفع خشک‌سالی

عمل کرده و در نماز است قرآن نماز مؤمن را دائمی می‌داند **الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ**[۹۹] اما نماز بدون مبارزه عملی با منکرات: **فَوَيلٌ لِّلْمُصَلِّين الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ**[۱۰۰]

۸ در این ایام محتوای فاطمی را به‌هیچ‌عنوان فراموش نکنید، از مقامات نورانی اهل‌بیت سخن بگویید، **عصمت اهل‌بیت ع را برای همه تبیین نمایید** و بدانید که اگر عصمت اهل‌بیت خدشه‌دار شود چیزی از دین باقی نمی‌ماند، حتی قرآن وجود امام زمان عج زیر سؤال می‌رود، **زیر سؤال بردن عصمت اهل‌بیت خدشه‌دار کردن تقدس اهل‌بیت ع است و این گناه نابخشودنی است که اگر سکوت کنیم خوف این است که گرفتار عذاب الهی شویم به قطره‌های ۷۷ و ۷۹ مراجعه نمایید، خدشه دار نمودن اهل‌بیت ع سبب نزول عذاب است و یکی از انواع عذاب شدت خشکسالی است.** برای به دست آوردن محتوا بقیه قطره‌ها را مطالعه فرمایید و سؤال خود را برای ما تلگرام نمایید، و **محتواها را چاپ کرده و به دیگران رسانید. علی بهرامی نیکو (هُدهُد)**

قطره ۸۱- نماز باران و شرایط آن که توبه است و ارتباط ترک امربه‌معروف و نهی از منکر و عدم استجابت دعا و نزول عذاب الهی ۹۶/۱۱/۱

ما در این بحث به دنبال این هستیم تا اثبات نماییم **تا زمانی که امربه‌معروف و نهی از منکر احیاء نشود نمازهای باران تأثیر چندانی ندارد چراکه از شرایط نماز باران توبه است و در جامعه‌ای که منکرات انجام می‌شود و معروف ترک شده است، در این جامعه شرط اولی استجابت دعا که احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر است انجام‌نشده و لذا توبه واقعی صورت نگرفته است و دعا مستجاب نیست و نماز باران تاثیری بر خشک‌سالی نخواهد داشت و استغفرالله الله گفتن زبانی و قدم عملی بر نداشتن توبه نمی‌باشد. در هنگام گرفتاری انسان‌ها به ضعف خود و قدرت خداوند پی می‌برند** و یکی از آن زمان‌ها زمانی است که آب کم می‌شود و تمامی دستاوردهای انسان درخطر نابودی قرار می‌گیرد و انسان خطر مرگ را احساس می‌نماید، در این زمان است که انسان‌ها با انقطاع از امور مادی متوجه قدرت ما فوق می‌شوند و از خداوند عالم با عجز درخواست یاری و کمک می‌نمایند، البته **در تفکر اسلامی تمامی اموری که در عالم رخ می‌دهد نتیجه قضاء و قدر الهی می‌باشد و هیچ امری بیرون از حیطه قدرت و**

حکمت و علم الهی نبوده و تمامی امور از جانب خداست، مرگ و زندگی، خشک‌سالی و ترسالی و ... لذا ما تمامی امور عالم را از جانب خداوند میدانیم و **حقیقتاً این سخن رایج را که میگویند امور طبیعی مانند زلزله و باران و خشک‌سالی و ... را به معنای رایج آن قبول نداریم، همه این امور الهی می‌باشد،** لذا خشک‌سالی و تر سالی هر دو امر الهی هستند که هرکدام حکمت خاص خود را دارند، رسول خدا ص فرموده‌اند: **وقتی خداوند بر امتی غضب کند و عذاب بر آنان نفرستد، نرخ‌ها گران می‌شود و عمرها کوتاه می‌گردد، تجار سود نمی‌برند و درخت‌ها میوه ندهند و نهرها پر آب نمی‌شود و باران از مردم قطع می‌شود و اشرار بر آنان تسلط می‌یابند**[۱۰۱]. در حدیث دیگری امام صادق ع فرموده است: **و اذا جار الحکام فی القضاء امسک القطر من‌السماء. هرگاه زمامداران و حاکمان، در دادرسی ستم کنند، باران از آسمان قطع می‌شود. طبق روایات، شیوع گناه، کفران نعمت، منع حقوق، کم‌فروشی، ظلم و حیله، ترک امربه‌معروف و نهی از منکر، ندادن زکات و دروغ و ظلم حاکم... سبب قطع باران می‌شود.** پس می‌توان نتیجه گرفت که **خشک‌سالی در حقیقت تازیانه خداوند است که باعث می‌شود ما به سمت خداوند و اتمام گناهان تغییر مسیر دهیم که در آن صورت خداوند هم نعمت را نازل می‌فرماید،** طبق آیات سوره نوح، در زمان حضرت نوح و قبل از بلای جهانی، خشک‌سالی بر قوم حضرت نوح سایه افکنده بود و حضرت نوح قوم خود را به استغفار دعوت کرده بود تا با تغییر رویه خشک‌سالی برطرف شود قرآن در سوره نوح آیات ۵ الی ۱۱ می‌فرماید نوح به مردم فرمود: **قَالَ رَبِّ إِنِّی دَعَوْتُ قَوْمِی لَیْلًا وَنَهَارًا** گفت: پروردگارا! همانا قوم خود را شب و روز دعوت کردم **فَلَمْ یزِدْهُمْ دُعَائِی إِلَّا فِرَارًا** ولی دعوت من جز بر فرارشان نیفزود **وَإِنِّی کلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِی آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِیابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَکبَرُوا اسْتِکبَارًا** و من هرگاه آنان را دعوت کردم تا آنان را بیامرزی، انگشتان خود را در گوش‌هایشان کردند و جامه‌هایشان را به سر کشیدند و بر انکار خود پافشاری ورزیدند و به شدت تکبّر کردند **ثُمَّ إِنِّی دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا** آن گاه آنان را آشکارا دعوت کردم **ثُمَّ إِنِّی أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا** سپس آشکار و پنهان آنان را خواندم **فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکمْ إِنَّهُ کانَ غَفَّارًا** پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است **یرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیکمْ مِدْرَارًا** تا بر شما از آسمان باران پی در پی و با برکت فرستد، **وَیمْدِدْکمْ بِأَمْوَالٍ**

وَبَنِينَ وَيجْعَلْ لَكمْ جَنَّاتٍ وَيجْعَلْ لَكمْ أَنْهَارًا و شمارا با اموال و فرزندان یاری کند و برایتان باغ‌ها و نهرها قرار دهد- تمام- **بدیهی است از دیدگاه دین گناه سبب قطع رحمت الهی است و تا زمانی که گناه پایان نیابد رحمت جاری نمی‌شود و استغفار زبانی بدون اینکه انسان گناهان را عملاً ترک کند نوعی تمسخر است و فایده چندانی ندارد،** خداوند در سوره رعد آیه ۱۱ می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لا يغَيرُ ما بِقَومٍ حَتّىٰ يغَيروا ما بِأَنفُسِهِم وَإِذا أَرادَ اللَّهُ بِقَومٍ سوءًا فَلا مَرَدَّ لَهُ** خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (به خاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ لذا اگر عدم ریزش باران نشانه قهر و غضب الهی است و برای جلب رحمت باید توبه نمود، **استغفار زبانی بدون پایان دادن به معاصی هیچ مشکلی را برطرف نخواهد نمود** در روایت است مردی خدمت علی (ع) رسید و نشست پیش حضرت و گفت **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** حضرت فرمود **ثَكِلَتْكَ أُمُّك** مادرت به عزایت بنشیند یعنی بمیری این چه حرفی است که می‌زنی؟! **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ که توبه نیست،** توبه شرایط دارد...[۱۰۲]، نکته‌ای قابل تأمل است که قرآن در سوره روم آیه ۴۱ می‌فرماید: **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كسَبَتْ أَيدِى النَّاسِ** به سبب آنچه مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است-تم- پس می‌توان گفت که بشر به سبب گناهان از مسیر فطری و خدایی خود جداشده و اسباب فساد در هستی را فراهم میاورد و در این زمان از پست‌ترین موجودات می‌شود که قرآن در سوره اعراف آیه ۱۷۹ می‌فرماید: **وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْينٌ لَا يبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِك كالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِك هُمُ الْغَافِلُونَ** و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم [چراکه] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند آنان‌همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند [آری] آن‌ها همان غافل‌ماندگانند-تم- در حدیث آمده: حضرت سلیمان با اصحاب خود برای نماز باران بیرون می‌رفت. در راه، به مورچه‌ای برخورد که یکی از پاهایش را به آسمان بلند کرده و می‌گوید: خدایا! ما مخلوقات ضعیف تو هستیم و از روزی تو بی‌نیاز نیستیم، پس به سبب گناهان بنی‌آدم، ما را به هلاکت. حضرت سلیمان -علیه‌السلام- به اصحاب خود فرمود: برگردید! همانا به خاطر دعای غیر خودتان سیراب شدید[۱۰۳]-تم- **در اسلام برای رفع خشک‌سالی دستوراتی بیان شده است که یکی از آن امور نماز استسقا است. نماز استسقا** که برای نزول باران خوانده می‌شود، نماز باران دو رکعت است که رکعت اول، پنج قنوت و رکعت دوم،

چهار قنوت دارد و بهتر است که با جماعت خوانده شود. در قنوت‌ها، هر دعایی می‌توان خواند، ولی بهتر است دعایی خوانده شود که در آن، از خداوند، طلب باران شده باشد و قبل از هر دعا، صلوات بر پیامبر و آلش فرستاده شود. مستحب است که حمد و سوره‌اش بلند خوانده شود. ازآنجا که این نماز، برای جلب رحمت پروردگار است، در مستحبات آن اموری ذکرشده که همه، حالت رقت و زاری و نیاز بندگان رامی رساند و جلب رحمت می‌کند، ازجمله، مردم سه روز، روزه بگیرند و روز سوم به صحرا روند و نماز بخوانند. زیر آسمان جمع شوند. پابرهنه باشند، مردم، منبر را با خود به صحرا ببرند، مؤذن‌ها هم همراه باشند. پیران و کودکان و چهارپایان را هم با خود ببرند، بچه‌ها را از مادران جدا کنند تا صدای گریه و ضجه زیاد شود. مانع بیرون رفتن کفار همراه خود شوند، امام جماعت و مردم، در کمال خشوع وقار و درخواست، به بیابان بیرون روند، جای پاکی را برای نماز، انتخاب کنند و نیز، وقتی نماز به‌پایان رسید، پیش‌نماز به منبر رود و عبای خود را واژگونه یا پشت و رو بر دوش افکند، با صدای بلند، صد بار تکبیر بگوید، رو به مردم سمت راست کرده، صد بار بلند، سبحان‌الله بگوید، سپس به مردم طرف چپ روی کرده و صد بار با صدای بلند، لا اله الا الله بگوید، مانعی ندارد که مردم هم با صدای بلند، این شعارها را به دنبال پیش‌نماز، تکرار کنند، چراکه رحمت و مغفرت را بهتر جلب می‌کند. آنگاه، امام جماعت و مردم، دست به دعا بردارند و بسیار التماس و دعا کنند و بنالند و بخواهند و امام جماعت، خطبه بخواند و از خداوند، طلب باران کند- البته **باید اعتراف نماییم که ما از حقیقت امور پنهانی عالم خبردار نیستیم چراکه در روایت آمده: در زمان فرعون خشک‌سالی آمد و فرعون به درگاه خدا دعا نمود و دعای او مستجاب شد و خشک‌سالی برطرف شد**[۱۰۴]، در حدیث است از قول امام صادق ع که یاران فرعون از کاهش آب نیل پیش او سخن گفتند و اظهار کردند که این باعث هلاکت ما خواهد شد، فرعون از آنان خواست که آن که آن روز برگردند. شب که شد، به میان‌رود نیل رفت و دست به‌سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! می‌دانی که می‌دانم که جز تو، کسی توان آب آوردن ندارد، پس به ما آب بده. صبح که شد، رود نیل فوران زد و سرشار از آب شد. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که **نماز باران به علت حساسیت خاصی که دارد اقدام به این نماز جرئت و ایثار و اخلاص خاصی می‌خواهد، چراکه ممکن است خداوند دعا را مستجاب نکند و باران نبارند آنگاه چه‌بسا در جامعه اثر معکوس داشته باشد و عده‌ای به اصل دین خدشه وارد کنند و سبب سست شدن دین مردم گردد،** یکی از

معروف‌ترین نمازهای باران در تاریخ معاصر، **نماز آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری ره است. نوشته‌اند که در سال ۱۳۶۳ قمری، همان سالی که متفقین، ایران را اشغال کرده بودند،** در قم باران نبارید و باغ‌ها و مزارع کرد. آن مرجع، دو روز متوالی برای نماز باران به بیابان‌های اطراف قم رفت، **این حرکت، گرچه مورد استهزاء غیر معتقدان به امور معنوی و غیبی بود، ولی در روز دوم، چنان باران آمد که سیل‌ها روان شد و جویبارها به راه افتاد. لذا در این جریان نقل‌شده در بار اول باران نیامد و آن عالم بزرگ وارسته مورد تمسخر مردم قرار گرفت و چه‌بسا اگر حکمت الهی اقتضاء کرده بود که باران نیاید چه‌بسا باعث می‌شد که بسیاری در اصل نماز و یا اصل دین و امور معنوی به شک و شبهه بیفتند لذا خواندن نماز باران حساسیت بسیار خاصی دارد، بدیهی است که عدم نزول باران به علت شیوع گناه و معصیت در جامعه است وجود گناه و معصیت در جامعه ایران امری بدیهی و اظهر من الشمس است، این گناه تنها نه آن چیزی است که ما در کوچه و خیابان نظاره گر هستیم بلکه گناه در سطوح مسئولین که چه‌بسا سبب گناه مردم عوام هم باشد، از شرایط نماز باران توبه است** و تا توبه نکنیم وضع همچنان باقی و اوضاع وخیم‌تر می‌شود **یکی از گناهان ترک امربه‌معروف و نهی از منکر است، تا به‌صورت جدی مبارزه با منکرات و فساد شروع نشود دعایی مستجاب نمی‌شود تا به‌صورت جدی برای حلال نمودن اقتصاد بانک‌ها قدمی برداشته نشود لقمه‌ها حرام است و شکمی که لقمه حرام حمل کند دعایش مردود است و سکوت کننده مانند همان است،** پیامبر اکرم (ص) درباره امربه‌معروف و نهی از منکر می‌فرمایند: **لتأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر او لیسطن الله شرارکم علی خیارکم فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم**[۱۰۵]. **همانا باید که دیگران را به معروف امر کنید و از منکر بازدارید، در غیر این صورت خداوند بدترین شمارا بر بهترینتان مسلط می‌کند، آنگاه نیکان شما خدا را می‌خوانند، ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود.** درباره قوم شعیب است. به حضرت شعیب (ع) خطاب شد، ای شعیب! **صد هزار نفر از قوم تو باید هلاک شوند: چهل هزار نفر از گناهکاران و شصت هزار نفر از نیکوکاران. حضرت شعیب (ع) عرض کرد: «پروردگارا! انسان‌های بدکار به سبب گناهشان باید هلاک شوند و مستوجب عذاب هم هستند، اما نیکو کارن به چه سبب باید نابود شوند؟ خطاب شد: ای شعیب! به این سبب که آنان شاهد ارتکاب گناه بودند و سکوت کردند؛ یعنی به**

وظیفه امربه‌معروف و نهی از منکر عمل نکردند-تم- **توجیهاتی که برای بعضی از گناهان وجود دارد بی‌شباهت به توجیه اصحاب سبت برای ماهیگیری در روز یکشنبه نیست که در روز شنبه ماهی را گیر می‌انداختند و در روز یکشنبه ماهی را از آب می‌گرفتند و خداوند هم همه را به بوزینه تبدیل نمود، تأکید می‌کنم امربه‌معروف باید از سطوح مسئولین شروع شود و به‌صورت عملی و الا باید بدانیم ظاهر مردم جامعه باطن مسئولین هستند، اگر این کار را نکنیم خداوند پوست ما را می‌کند**، رسول خدا ص: **لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهَوُنَّ عَنِ المُنکَرِ أو لَیَلحِیَنَّکُمُ اللّهُ کما لَحَیْتُ عَصایَ هذِه لِعودٍ فی یَدِهِ**[۱۰۶]. باید امربه‌معروف و نهی از منکر کنید وگرنه همان‌گونه که من پوست این چوب‌دستی خود را کنده‌ام، خداوند پوست شمارا می‌کَنَد. **ترک امربه‌معروف اعلان جنگ باخداست**: پیامبر ص: **إذا تَرَکَت امَّتیَ الأمرَ بِالمَعروفِ و النَّهیَ عَنِ المُنکَرِ فَلْیُؤذَنْ بِوِقاعٍ مِنَ اللّهِ جلَّ اسمُهُ**[۱۰۷]. هرگاه امّت من امربه‌معروف و نهی از منکر را فروگذارد، باید با خداوند جلیل اعلان جنگ کند (و خود را برای بلایی سخت از جانب خداوند جلیل آماده گرداند) **بدیهی است باید مسئولین امربه‌معروف را احیاء کنند و الا در جنگ باخدا هستند حتی اگر خود آن‌ها هم منکری انجام ندهند، حال اگر آن‌ها خود منکرات را انجام دهند که واویلا**، از طرفی **اگر مسئولین امربه‌معروف نمی‌کنند و چه‌بسا خود آن‌ها منکر انجام دهند وظیفه جامعه است که آن‌ها را امربه‌معروف و نهی از منکر نمایند و مصیبت ازاینجا شروع می‌شود که جامعه متدین امربه‌معروف مسئولین را رها کنند و با آنان از سر سازش و دوستی برآیند ولی به افراد ضعیف جامعه که می‌رسند با شدت مردم عامی را امربه‌معروف کنند در این صورت متدینین لباس را وارونه به تن کرده‌اند که این لباس نه زیبا می‌باشد و نه گرم می‌کند، چراکه چه‌بسا گناه افرادِ عامیِ جامعه نتیجه فعل مسئولین باشد، لذا وظیفه اصلی علما و طلاب امربه‌معروف و نهی از منکر مسئولین و مهره‌های کلان جامعه است و اگر به این مسئولیت عمل نشود هیچ قدرتی نمی‌تواند این فریضه را عملی کند و آنگاه همه باید منتظر عذاب الهی باشیم** پیامبر اسلام ص فرمودند: **لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهُنَّ عَنِ المُنکَرِ، أو لَیَعُمَّنَّکُم عَذابُ اللّهِ**[۱۰۸]. یا امربه‌معروف و نهی از منکر می‌کنید، یا عذاب خدا همه شمارا فرامی‌گیرد. در جای دیگر فرمودند: **إنَّ النّاسَ إذا رأوُا**

الظّالِمَ فلَم یأخُذوا عَلی یَدَیهِ، أوشَکَ أن یَعُمَّهُمُ اللّهُ بِعِقابٍ مِنهُ[۱۰۹]. **اگر مردم، ستمگر را ببینند و دستش را [ازآنجام ظلم] نگیرند، زود باشد که خداوند کیفر خود را شامل همه آنان کند.** در جای دیگر فرمودند: **لا یَزالُ النّاسُ بِخَیرٍ ما أمَروا بِالمَعروفِ و نَهَوا عَنِ المُنکَرِ و تَعاوَنوا عَلَی البِرِّ، فإذا لَم یَفعَلوا ذلکَ نُزِعَت مِنهُمُ البَرَکاتُ و سُلِّطَ بَعضُهُم عَلی بَعضٍ و لَم یَکُن لَهُم ناصِرٌ فی الأرضِ و لا فی السَّماءِ**[۱۱۰]. مردم تا زمانی که امربه‌معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک همیاری نمایند، در خیر و خوبی خواهند بود؛ اما هرگاه چنین نکنند، **برکت‌ها از آنان باز گرفته شود و عده‌ای از آنان بر عدّه دیگر سلطه پیدا کنند و دیگر نه در زمین برایشان یاوری باشد و نه در آسمان.** در جای دیگر فرمودند: نخستین عیب و نقصی که بر بنی‌اسرائیل وارد شد این بود که هرگاه مردی با مردی [خلاف‌کار] رو به رو می‌شد، به او می‌گفت: ای مرد! از خدا بترس و گناه نکن که این کارها بر تو روا نیست؛ اما فردای آن روز وی را باهمان وضع (خلافکاری و گناه) مشاهده می‌کرد ولی، برای این که هم کاسه و هم پیاله و هم‌نشین او باشد او را از گناه منع نمی‌کرد. **فلَمّا فَعَلوا ذلکَ ضَرَبَ اللّهُ قُلوبَ بَعضِهِم بِبَعضٍ، ثُمَّ قالَ: «لُعِنَ الّذینَ کَفَروا مِن بنی‌اسرائیل»... الآیات... کَلّاَ و اللّهِ لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهَوُنَّ عَنِ المُنکَرِ و لَتَأخُذُنَّ عَلی یَدِ الظّالِمِ و لَتَأطُرُنَّهُ عَلَی الحَقِّ أطْرا**[۱۱۱]. چون این رفتار را در پیش گرفتند، خداوند دل‌های آن‌ها را به جان یکدیگر انداخت و آن گاه فرمود: «کسانی از بنی‌اسرائیل که کافر گشتند، لعنت شدند... آری، به خدا سوگند که باید امربه‌معروف و نهی از منکر کنید و دست ستمگر را بگیرید و او را با زور هم که شده، به سمت حق بکشانید. در جای دیگر فرمودند: **إنَّ الأحبارَ مِنَ الیَهودِ و الرُّهبانَ مِنَ النّصارَی لَمّا تَرَکوا الأمرَ بِالمَعروفِ و النَّهیَ عَنِ المُنکَرِ لَعَنَهُمُ اللّهُ عَلی لِسانِ أنبِیائِهِم، ثُمَّ عُمُّوا بِالبَلاءِ**[۱۱۲]. **چون عالمان یهود و راهبان نصارا کار امربه‌معروف و نهی از منکر را رها کردند، خداوند به زبان پیامبرانشان آن‌ها را لعنت کرد و سپس بلا همه آن‌ها را فراگرفت.** امام صادق علیه‌السلام در نامه‌ای به شیعیان نوشت: **لَیَعطِفَنَّ ذَوو السِّنِّ مِنکُم و النُهی عَلی ذَوی الجَهلِ و طُلّابِ الرِّئاسَةِ، أو لَتُصیبَنَّکُم لَعنَتی أجمَعینَ**[۱۱۳]. **باید افراد پخته و خردمند شما برای نادانان و ریاست‌طلبان دل بسوزانند [و نصیحت و ارشادشان کنند] و گر نه لعن و نفرین من به همه شما می‌رسد،** رسول اسلام ص فرمودند: **و الله لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهَوُنَّ عَنِ المُنکَرِ و لَتَأخُذُنَّ عَلی أیدی الظّالِمِ و لَتَأطُرُنَّهُ عَلَی الحَقِّ أطْرا، أو لَیَضرِبَنَّ اللّهُ به قلوب بَعضِکُم عَلی بَعضٍ، ثُمَّ یَلعَنُکُم کما لَعَنَهُم**[۱۱۴]. به خدا سوگند که یا امربه‌معروف و نهی از

منکر می‌کنید و جلو ستمگر را می‌گیرید و او را با زور هم که شده به راه حق می‌کشانید و یا خداوند دل‌های شمارا به جان یکدیگر می‌اندازد، آن گاه همچنان‌که عالمان یهود و راهبان مسیحی را از رحمت خویش دور کرد، شمارا نیز از رحمتش دور می‌سازد. **بدیهی است که اگر ما امربه‌معروف و نهی از منکر را ترک کنیم تفاوت چندانی با مردگان نداریم**، امام علی ع فرمودند: **مَن تَرَک إنکارَ الْمُنکرِ بِقَلبِهِ و یدِهِ ولِسانِهِ فَهُوَ مَیتٌ بَینَ الْأحیاءِ**[۱۱۵] کسی که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان؛ و البته احیاء کنندگان امربه‌معروف و نهی از منکر مقامات عجیبی در قیامت دارند، رسول اسلام ص فرمودند: **أَلا أُخْبِرُکمْ عَنْ اَقْوامٍ لَیسُوا بِأَنْبِیاء وَ لا شُهدَاء تَغْبِطُهُمْ النّاسُ یوْمَ الْقِیامَةِ ... یأْمُرُونَهُمْ بِما یحِبُّ اللّه، وَ ینْهَوْنَهُمْ عَمّا یکرَهُ اللّه**[۱۱۶] گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید ولی مردم به مقامی که خداوند به خاطر امربه‌معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده غبطه می‌خورند. و محتواها را چاپ کرده و به دیگران رسانید. **پس نماز باران بدون توبه مستجاب نیست و توبه بدون احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر توبه نیست پس** باید توبه حقیقی نمود و قدمی عملی برای مبارزه با منکرات و .....

قطره ۸۲- نمونه‌هایی از هشدارهای مسئولین به همراه قطره ۱۴ از کتاب هزار و یک قطره ۹۶/۱۱/۲

مسئولین ما سه دسته هستند و حالت چهارم هم ندارد: **الف: مسئولینی که نمی‌داند خشک‌سالی است** این اشخاص در این جایگاه غاصب هستند، البته این طیف بسیار کم هستند، در ایران مگر کسی عوام باشد که نداند خشک‌سالی داریم و این خشک‌سالی چقدر مخوف می‌باشد، این طیف را باید آگاه نمود، گناه این طیف غیرقابل‌بخشش است. **ب: مسئولینی که می‌داند خشک‌سالی است که** خود دو گروه هستند یا برای برطرف کردن خشک‌سالی تلاش می‌کنند و یا تلاش نمی‌کنند، گناه کسی که می‌دانند خشک‌سالی است ولی تلاش نمی‌کنند از آن‌کسانی که نمی‌دانند خشک‌سالی است بیشتر است، اما گروهی که می‌دانند خشک‌سالی است و برای این مسئله تلاش کرده‌اند، این‌ها مأجور هستند و ما به این گروه باید نزدیک شویم و راهکارهای خود را به آنان ارائه دهیم، آنان انسان‌های پاک‌طینتی هستند که عندالله مأجور

هستند، ما هم راه‌حلی داریم که آنان گوش شنوا دارند و ان‌شاءالله به‌زودی کلام ما را می‌شنوند.
ج: مسئولینی که می‌دانند خشک‌سالی داریم و می‌توانند برای رفع آن تلاش کنند ولی برای زیادشدن خشک‌سالی تلاش می‌کنند و تماماً برای رفع خشک‌سالی مانع‌تراشی می‌کنند، آنان **افراد نفوذی** هستند که می‌دانند **با گسترش خشک‌سالی نظام به چالش کشیده شده و به براندازی نزدیک می‌شویم، آنان راهکارهای بیرون رفت از خشک‌سالی را به‌صورت مرموز پنهان داشته‌اند و این اولویت اول نظام را به تأخیر می‌اندازند، تا نظام را با روشِ خود سرنگون کرده و شکل حکومتی خود را در ایران اجرا نمایند، سود آینده و حال این گروه در گروی خشک‌سالی است، سود هم‌اکنون آن‌ها بیکاری کشاورز و دامدار و باغدار و صنعت پارچه و ساختمان و ... است که نتیجه آن جواز ورود تمام این کالاها است،** نتیجه آن اختلاف طبقاتی و نارضایتی مردم، نتیجه آن پولدار شدن آن‌ها و به بردگی کشیدن قشر عظیمی از جامعه ایران، نتیجه این‌ها نارضایتی مردم و شروع آشوب‌ها و حرکت به سمت براندازیِ نرم و تغییر نظام است، این طیف خائن هستند، این همان الگویی است که غرب برای استعمار جدید خود طرح‌ریزی کرده است، **استعمارِ مدیریتیِ نرم،** افرادی وابسته در مناصب حساس برای منافع دشمن در حال فعالیت هستند، آنان هم از توبره می‌خورد هم از آخور، آنان اگر دین حاکم باشند دین‌دارترین و اگر کفر حاکم باشد کافرترین هستند، اینان خواب نیستند که حتی با لگد هم بتوان بیدارشان کرد، آنان ذهن‌ها را از مسئله اصلی منحرف می‌کنند، آنان نمازگزاران بی‌وضویی هستند که می‌خواهند امام جماعت هم باشند، اگر بگویی خشک‌سالی می‌توانند ساعت‌ها سخنرانی کنند، در لفّاظی یَدِ طولانی دارند اما انتهای کلام آنان جز سردرگمی چیزی نیست، بله **منافق زیاد می‌گوید و کم‌عمل می‌کند و مؤمن کم می‌گوید و زیاد عمل می‌کند،** این گروه برای هر عمل خود توجیهی دارند که عقل‌ها را حیران می‌کند، آنان امور را خراب می‌کنند و در هنگامه جواب دادن گناه را به گردن دیگری می‌اندازند، آنان دائماً چهره عوض می‌کنند، تا دیروز دشمن و امروز دوست‌ترین هستند، آنان توانایی دارند همه را فریب دهند، رئیس آنان عمرو عاص و است، آنان به هنگامه‌های حساس قرآن بر نیزه می‌کنند، اگر حساس‌تر شود و خود را در معرض خطر ببینند لباس زیرین خود را درمیاورند تا مؤمن رو برگرداند و آنان فرار کنند، تمام ادیان الهی از این گروه ضربه خورده‌اند و ما نیز از آنان ضربه خورده و می‌خوریم. به عقیده بنده و بسیاری از کارشناسان امروز **ما در حوزه آب شاهد نفوذ هستیم و اگر فرضاً افرادی به‌صورت مستقیم با اجانب در ارتباط نباشند آنان مهندسی نرم‌افزاری شده‌اند و در حال اجرایی کردن**

امیال دشمنان هستند یکی از دلایل این است: **چراکه ما از بعدازآنقلاب تاکنون به این وخامت در حوزه آب رسیده‌ایم که حتی در طول چند هزار سال گذشته بی‌سابقه بوده است؟** (دریکی از قطره‌ها توضیح خواهیم داد) بعدازآن**قلاب قرار بود پیشرفت حاصل شود، چرا درزمینه آب، ذخایرِ آبی خود را ازدست‌داده‌ایم؟ بعدازآنقلاب باید در حوزه آب پیشرفت می‌کردیم ولی پس رفت نموده‌ایم، یا باید بگوییم تفکر اسلامی باعث این وخامت شده است؟ یا باید بگوییم این وخامت در حوزه آب نتیجه تفکر و عمل غربی است؟ یا باید بگوییم غرب ما را برنامه‌ریزی کرد که این‌گونه فکر کنیم و این‌گونه عمل نماییم،** که به‌زودی در قطره‌های آینده بلای سد سازی در ایران را موردبررسی قرار می‌دهیم، بلایی که برای ما خرابی به همراه داشت، **زمین‌های آباد پایین‌دست خشک شد و زمین‌های آباد بالادست زیرآب رفت یعنی عملاً زمین‌ها را ویران نمودیم، از طرفی در بعض از موارد آب شیرین را با سد سازی شور نمودیم و با این حرکت باعث شدیم آب از عمق زمین به سطح بیاید که خودِ این حرکت باعث شد خورشید سریع‌تر آب را بخار کند و ایران سریع‌تر خشک شود،** این مطلب را در ضمن یکی از قطره‌ها توضیح خواهیم داد، این در حالی است که در ابتدای انقلاب تعداد سدهای کشور ۱۹ عدد بوده است و هم‌اکنون تقریباً بالای ۶۴۰ سد موجود می‌باشد درحالی‌که چشم‌انداز تقریباً سه هزار سد می‌باشد، لازم است بدانیم دلیل اصلی سد سازی تولید برق‌آبی بوده که بعداً این مطلب را نیز موردبررسی قرار می‌دهیم ولی اگرچه که دلیل به‌ظاهر خوبی برای سد سازی می‌باشد اما چگونه است که **هم‌اکنون ۴۰ الی ۶۰% ظرفیت سدها خالی از آب می‌باشد؟** از بین ۱۶۹ سد بزرگ در کشور تا تاریخ ۱۷ شهریور ۹۵، فقط مخزن ۲۰ سد، بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد پر و ذخیره آب ۷۷ سد بزرگ کشور کمتر از ۴۰ درصد است، اول فکر غذا را می‌کردیم بعد سفره را پهن می‌کردیم، **سدهای بدون آب چه فایده‌ای دارند؟** و به‌زودی با این روال سدهای ایران به درد انباشته شدن ریگ‌های بیابان می‌خورد و این چیزی به دور از ذهنی نیست زمانی که در رودخانه زاینده‌رود می‌توان فوتبال بازی کرد و کویر لوط را در آنجا مشاهده نمود، بله **سد ساختیم زمین پایین‌دست خشک شد، کشاورزی ویران شد، فقیر فقیرتر شد وقتی مردم اعتراض کردند توجیهات بیهوده آوردیم و گفتیم شما هم بالاتر سد بسازید حالا ترکیه سد ایلیسو[۱۱۷] می‌سازد و اروند و کارون که منابع مهم استراتژیک ایران است خشک**

می‌شود، وقتی‌که ما اعتراض کنیم آن‌ها به ما همان جوابی را خواهند داد که ما به مردم خود دادیم، اگر بگوییم این‌ها خلاف معادلات بین‌المللی است آن‌ها همان جوابی را خواهند داد ما در قبال معاهده‌های بین‌المللی که قبول نداریم داده‌ایم، پس در حق ملت خود ظلم کردیم حال ظلم می‌شویم، به‌زودی هیچ کشوری اجازه نخواهد داد که قطره‌ای آب از کشورش خارج شود حتی اگر به آن آب احتیاج نداشته باشد و دلیل آن این است **که به‌زودی پشتوانه قدرت و ثروت ملت‌ها آب خواهد بود که همین الآن‌هم می‌باشد لذا در اینجاست که ما اعلام نمودیم قدرت برتر بشریت در دستآن‌کسانی است که بتوانند آب را از آسمان انتقال دهند مبع اصلی آب آسمان بوده و می‌باشد** که قرآن دائماً می‌فرماید **انزلنا من السماء**[۱۱۸] درحالی‌که نگاه ما برای آب دائماً به زمین و اعماق زمین بوده است، و البته **هر چه هوا گرم‌تر شود منبع آبی آسمان بیشتر می‌شود تا جایی که منبع آبی از قطب شمال و جنوب به آسمان انتقال پیدا کند و البته این هم کار خداست** و دلیل آن این است: آب که منبع حیات و قدرت است انحصاراً در دست آمریکای جنایتکار باشد؟ لذا خشک‌سالی به‌سرعت منابع آبی آمریکا را ازآنجا به آسمان می‌برد و **آمریکایِ بدون آب در کمال ضعف خواهد بود لذا آمریکا به دلایل مختلف در آستانه فرو پاشی است**، و غرب این‌قدرت را (انتقال آب از آسمان) سال‌ها پیش به دست آورده و غصه نخورید امروز هدهد از الگوی برتری خبر دارد که می‌توان آب را از آسمان انتقال داد، این الگو تا زمان راستی آزمایی قابل‌اثبات نیست و قابل انکار هم نیست، امری است ممکن همان‌گونه که هُدهُد برای سلیمان ع خبری آورد که سلیمان ع بی اطلاع بود، هُدهُد خبری آورد ممکن، سلیمان ع او را راستی آزمایی نمود، و صدق هُدهُد معلوم گردید، در زمان راستی آزمایی حق و باطل معلوم گردد، خبر هُدهُد نه فضیلتی برای هُدهُد بود و نه کسرشانی برای سلیمان، زیرا هُدهُد یکی از لشکریان سلیمان بود، ولی **حیف از کسانی که ادعای علم می‌کنند و امور ممکن را محال می‌دانند** درحالی‌که قرآن به ما یاد داد اگر کسی گفت می‌توانم قبل از بلند شدن از صندلی، تخت بلقیس را از جایی دور جابجا کنم سؤالی دیگر مطرح کنید بپرسید کسی می‌تواند سریع‌تر و در زمان کمتری این کار را انجام دهد؟ **زمان قابل تقیل است تا زمانی که به لحظه برسد و هر ثانیه به بی نهایت لحظه قابل تقسیم است؟ امروز اگر هُدهُد گفت دوماهه مشکل آب ایران قابل‌حل است، سؤال عاقلانه این است که کسی می‌تواند در کمتر از آن و ... و در کمتر از از یک ثانیه و در لحظه‌ای مشکل را برطرف کند؟ البته کسی که انکار می‌کند، هُدهُد را رسوا نمی‌کند بلکه در**

ضمن انکار هُدهُد آشکار نموده که از قرآن و معارف الهی چیزی نمی‌داند و بر صاحب علم این مطلب روشن است، لذا فرقی نمی‌کند که سد ایلیس توسط ترکیه زده شود و قطره‌ای آب انتقال پیدا نکند، فرقی نمی‌کند کشورهای شمالی نیز سد بزنند و اجازه ورود آب را ندهند، فرقی نمی‌کند سد هیرمند را افغانستان بزند و اجازه ورود آب به شرق کشور را ندهد، فرقی نمی‌کند که با نیروی هارپ در صدد گرم و خشک کردن ایران باشند هیچ فرقی نمی‌کند بلکه مکتب اهل‌بیت ع ما را نجات می‌دهد و در کمال ناباوری به‌زودی تمامی جهانیان مبهوت قدرت علمی مکتب اهل‌بیت ع می‌شوند، به‌زودی ما به ابرقدرت آبی دنیا تبدیل می‌شویم، ما آب تصفیه‌شده را از آسمان ترکیه و روسیه و همه‌جا بدون هزینه مصرفی برای هارپ و یونیزه کرده و بارور کردن ابرها و انفجار یون منفی در آسمان و تمامی راهکارهایی که غرب برای ما به ارمغان داشته است همه این آب‌ها را بدون هزینه و زحمت چندانی از آسمان برای زمین‌های خود به ارمغان میاوریم، و هر که با ما باشد سیراب شود و هر که نباشد خشک شود و رمز پیروزی این است که **ما با خداییم و خدا با ماست**، ما عددهای صفری هستیم که با بی نهایت جمع شده‌ایم و بی نهایت شده‌ایم، ما فقیر هم نیستیم بلکه فقر مطلق هستیم، بله این‌قدرت اسلام است که: **الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه**[۱۱۹] و غصه نخورید که چه زمان این اتفاق می‌افتد زمان به‌سرعت می‌گذرد و ایران در حال خشک شدن است و خطر مرگ ملت و دین در راه است ما با خشک‌سالی شدید مدد می‌شویم که **خشک‌سالی لشکر خداست که مؤمنین را یاری می‌کند** و اگر هم‌اکنون گوش ندهند در زمان‌حساس در گوشه ذهن میلونها نفری که کلام ما را شنیدند این سؤال پیش میاید که شاید هُدهُد (بهرامی) راست می‌گفت و توانایی این کار موجود بوده و آن زمان صداقت ما اثبات می‌شود، ولی گناه مشکلاتی که هرلحظه تا آن زمان بر ما هجوم میاورد که از حد شمارش بیرون است بر تمامی کسانی است که شنیدند و کمک نکردند و جدی نگرفتند ما تا آن زمان صبر می‌کنیم که کلید پیروزی ما در صبر و گذر زمان است، **واستعینوا بالصبر و الصلوه**[۱۲۰]، طلای بی‌رنگ و بی‌بوی بشریت آب است، مخصوصاً اینکه ما در حوزه آب هنوز نتوانسته‌ایم مهندسی اسلامی دکترای آب را ارائه دهیم، پس معیار سنجش افراد در حوزه علوم مختلفی که به آب ارتباط دارد در دست دانشگاه‌های غربی می‌باشد و در بند اول قطره ۸۱ مطرح نمودیم دانشگاه‌های موجود غربی که

توسط صهیونیزم تعیین می‌شوند **شعبده‌های علمی** می‌کنند و برای ملت‌ها اموری را تعیین می‌کنند که خود به آن اعتقادی ندارند ولی ملت‌ها به آن امور اعتقاد پیدا می‌کنند، آن‌ها علوم اصلی که خود اعتقاددارند و عمل می‌کنند را پنهان می‌کنند، نفوذ در حوزه آب و کنترل نرم‌افزاری مدیران و تصمیم گیران و تصمیم سازان ازجمله حساس‌ترین امور هر مملکت است که اتفاقاً واکنش‌ها در این حوزه از تمامی حوزه‌ها کمتر می‌باشد درحالی‌که **اگر آنان آب را تحت کنترل بگیرند همه‌چیز را تحت کنترل گرفته‌اند از اقتصاد و سیاست و فرهنگ و امور اجتماعی و ...، لذا ما به‌تمامی مدیران و مسئولین اعلام می‌داریم باید آب را به همه‌جا برسانید، اگر می‌توانید راهکار عملی را ارائه دهید، تأکید می‌کنم ما راهکار شمارا می‌خواهیم ببینیم و نظر دهیم، اگر راهکار ندارید راهکار ما ببینید و نظر دهید، ولی اگر راهکار را ارائه ندادید و یا نقدهای ما را جواب ندادید و یا راهکارهای عملی و نجات‌بخش ما را جواب ندادید راهی نمی‌ماند جز این که به این یقین برسیم راهکاری ندارید و راهکارها را هم قبول نمی‌کنید و در این زمان و در آینده نزدیک دردی از این ملت دوا نخواهید نمود.** رهبر انقلاب دامت برکاته در مورد نفوذ رهنمودهای بسیاری دارند که باید مورد مطالعه قرار بگیرد و بنده در این زمان تمامی آن رهنمودها را با توجه به آب ملاحظه می‌نمایم قسمتی از آن بیانات را دوباره باهم مرور می‌نماییم: **وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده آن‌ها است؛ آن‌ها هم همین را می‌خواهند. آن‌ها دوست نمی‌دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند،** مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان‌پذیر نیست؛ برای آن‌ها **بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آن‌ها فکر کنند، مثل آن‌ها اراده کنند، مثل آن‌ها و بر طبق مصالح آن‌ها تصمیم بگیرند؛** این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم سازی [نفوذ کنند])) در جای دیگر همین سخنرانی بیان فرمودند: از **همه طرق هم استفاده می‌کنند و آدم‌های گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال**

دانشجویی هم دارند، نخبه فکری و علمی هم دارند؛ همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند[۱]. -تم- **دکتر عیسی کلانتری معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان محیط زیست ایران و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه:** در این ۳۵ سال فقط ۱۲۰ میلیارد مکعب آب‌های شیرین فسیلی صدها هزار ساله که حدود ٪۷۵ آب‌های شیرین زیرزمینی بود را مصرف کردیم که حدود ۷۵ میلیارد مترمکعب آن در ۸ سال گذشته بوده است **یعنی منابع را تاراج کردیم!** جمعیت را افزایش دادیم غافل از اینکه این جمعیت باید در یک کشور آباد زندگی کند. بدون توجه به نیازهای جمعیت، منابع کشور را برای رفع نیازها به تاراج گذاشتیم. **امروز هیچ تالاب درون سرزمینی، آب ندارد**، از بختگان تا هورالعظیم، گاوخونی و اورمیه! آب‌های زیرزمینی ما در حال شور شدن است و ادامه این روند یعنی **تخلیه ایران از جنوب البرز تا دریاهای آزاد و از شرق زاگرس تا مرزهای شرقی کشور. ما امانتدار بسیار بدی برای این تمدن ۷۰۰۰ ساله بودیم**، زاینده‌رود ۹۰۰ میلیون مترمکعب از سرچشمه‌های کارون وارد آن می‌شود، یعنی نصف آب زاینده‌رود از سرچشمه‌های کارون می‌آید. در استاندارد جهانی هر کشوری که ۲۰٪ از آب‌های تجدید پذیرش را هرسال استفاده کند هیچ خطری ازنظر منابع آب متوجه اش نیست. اگر ۲۰ تا ۴۰٪ استفاده شود به شرط مدیریت می‌توانند در دراز مدت منابع آب را تأمین کنند. اما اگر بالای ۴۰٪ استفاده کنند وارد بحران شده‌اند. **دو کشور در دنیا بالای ۴۰٪ استفاده می‌کنند، اولی مصر است با ٪۴۶ و ایران با ٪۸۵ این یعنی به‌زودی همه‌جای ایران مثل گاوخونی خشک خواهد شد. حتی امروز هم دیر شد و اگر سیاست‌هایمان را عوض نکنیم این کشور را همراه نسل خودمان خواهیم کرد.** کارشناسان و دانشگاهیان مستقل معتقدند آب‌های تجدید پذیر حدود ۹۵ میلیارد مترمکعب است اما وزارت نیرو معتقد است ۱۲۰ میلیارد مترمکعب آب تجدید پذیر داریم. اگر حرف دانشگاهیان و کارشناسان مستقل را ملاک قرار دهیم یعنی سالانه ٪۹۶ از منابع آب تجدید پذیرمان را استفاده می‌کنیم و کاری که ما با آب‌های زیرزمینی می‌کنیم **یعنی دزدی theft از نسل بعد. یعنی نسل کشی. نه‌تنها آب شیرین را تمام می‌کنیم، همه کشور را بیابان**

---

[۱] ۹۴/۶/۲۵

می‌کنیم. آب مصرفی باید کاهش پیدا کند **هیچ راه دیگری وجود ندارد و برای کل کشور احساس خطر می‌کنم.** پتانسیل برداشت بیش از حد از آب‌های زیرزمینی را نداریم. سال گذشته **برای ۴۴ میلیون نفر غذا وارد کردیم**، فقط برای ۳۳ میلیون نفر در داخل کشور غذا تولید کردیم و بیش از این توانایی نداریم و **اگر فشار بیش از حد وارد شود مرگ سرزمین ایران سریعتر اتفاق خواهد افتاد. بحران آب در ایران هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه به یک باور تبدیل نشده است**؛ درحال حاضر ۷۰ درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این ازنظر استانداردهای جهانی یعنی **رخداد فاجعه بزرگ .اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰ درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند.** مطابق برآوردهای علمی، منابع کشش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و **در آینده نه‌چندان دور حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند** اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، **کدام کشورها حاضرند ۴۰ تا ۵۰ میلیون ایرانی را اسکان دهند؟! ما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰ میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟ حتی در صورت بارش ایده‌آل و نفوذ آب به زیرزمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد. درحال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها ازنظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می‌شوند. سازمان محیط‌زیست در ایران تا امروز یک سازمان مرده و تشریفاتی بوده است.**

قطره ۸۳ – پشت پرده تئوری نقد امام معصوم **۹۶/۱۱/۴**

هشدارهای محیط زیستی رهبر انقلاب دامت برکاته –به عقیده بنده **تمام بیانات رهبر انقلاب تکلیف آور است**، لذا بنده در معنای رایج تقلید کمی مناقشه دارم **تقلید تنها در مسائل وضو نماز و روزه نمی‌باشد بلکه تمامی کلماتی که در قرآن و کلام اهل‌بیت و علماء آمده است لازم الاجراء می‌باشد،** مخصوصاً **تمامی کسانی که قائل به تشکیل حکومت دینی هستند باید از حاکم حکومت که ولی‌فقیه جامع شرایط است در مسائل کلان اجتماعی و سیاسی تقلید نمایند** و آن مطالب را جامع عمل بپوشانند، و هر کس به هر اندازه‌ای که از این امر غفلت بورزند به همان اندازه ضعیف‌تر می‌باشد، اینجا ضروری است این نکته را بیان نمایم اگرچه **که تصریحاً بیان داشتند در جامعه کسی معصوم نیست و**

همه باید نقد شوند حتی امام معصوم در زمان حضور معصوم و با مطرح کردن تئوری نقد امام معصوم ع تلویحاً عملی‌تر از گذشته باب نقد رهبر انقلاب دامت برکاته را باز کردند که **این مطلب از اساس باطل است و انحرافی سخت می‌باشد که اساس مکتب حقه اهل‌بیت نشان گرفته‌شده است** ولی اعلام می‌داریم: اولاً **امام معصوم را نمی‌توان نقد کرد چه در امور آخرتی و چه در امور دنیایی** که اگر کسی قائل شود حتی معصومین در امور دنیایی برای ما حجت نباشند سؤال پیش میاید: **چگونه امامی که برای ما نمی‌تواند از امور دنیای ما صحبت کند و احتمال اشتباه در بیانات او در مورد امور دنیایی وجود دارد، چگونه می‌تواند از امور آخرتی برای ما صحبت نماید، امامی که نتواند دنیای ما را آباد کند چگونه می‌تواند آخرت را آباد نماید؟** اگر احتمال اشتباه در بیاناتی که مربوط به دنیای ما می‌باشد همین احتمال در امور آخرتی وجود دارد، **اگر او را می‌توان در امور دنیایی نقد نمود دیگر چرا ما مکاسب می‌خوانیم؟** آیا غیرازاین است که مکاسب همان بیانات معصومین در امورات دنیایی است؟ متأسفانه بعضی برای حمایت از این تئوری خطرناک اقدام به تئوریزه نمودن این مطلب نمودند که گفتند: **معصومین در امور دنیایی اسوه نیستند که این مصیبت عظیم برای شیعیان است که بنده اسمی برای این مطلب پیدا نمی‌کنم جز اینکه بگویم سقیفه عصرِ حاضر اتفاق افتاده است،** آیا این روایت با پیامبر خدا (ص) در نخلستانی قدم برمی داشتیم و ایشان گروهی را مشاهده کردند که عمل گرده افشانی بر درختان خرما را انجام می‌دادند، سپس از اطرافیان پرسیدند که آنان چه می‌کنند؟ پاسخ داده شد که گرده‌های درختان نر را بر درختان ماده می‌پراکنند! پیامبر فرمود: گمان نمی‌کنم که این کار فایده‌ای داشته باشد. سخن پیامبر (ص) به گوش کشاورزان رسیده و آنان از کار خود دست برداشتند. **پیامبر (ص) با مشاهده این وضعیت فرمودند: سخن من از روی حدس و گمان بوده و من انسانی مانند شما هستم. شما کار خود را انجام دهید؛ چون گمان من ممکن است درست یا نادرست باشد! اما هرگاه از جانب پروردگار سخنی به شما گفتم، مطمئناً بر خدا دروغ نخواهم بست**[1]**-تم- آیا**

---

[1] (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۲۵، باب ۱۵، تلقیح النخل، ح ۲۴۷۰)

این روایت مورد قبول ماست؟ و آیا با امثال این سخنان چیزی از دین باقی می‌ماند؟ خوب شما که می‌خواهد بگویید رهبر انقلاب دامت برکاته را می‌توان نقد کرد چرا امام معصوم ع را زیر سؤال می‌برید، بله امام معصوم را زیر سؤال بردند تا رهبر انقلاب راحت‌تر زیر سؤال برده شود. **نکته دوم:** ما منکر این نیستیم که بتوان رهبر انقلاب دامت برکاته را نقد کرد که خود رهبر انقلاب نیز معترف به این مسئله هستند که ایشان در بیانات در اجتماع مردم بجنورد فرمودند[۱]: من همین‌جا در داخل پرانتز عرض بکنم؛ یکی از خطاهائی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این‌طرف باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیم‌اند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد-تم- لذا به عقیده بنده **رهبر انقلاب نقد و انتقاد را پذیرا هستند که بارها این مطلب دیده‌شده** که سخنان متعرضان را استماع فرموده‌اند و پاسخ متناسب بیان داشته‌اند حتی بیانات بالاتر ایشان در مورد امربه‌معروف و نهی از منکر را دوباره باید مرور نمود[۱۲۱]. لذا از مسئولینی که تشویش اذهان عمومی نموده و کلی گویی می‌کنند درخواست داریم صریحاً انتقادات خود را بیان دارند تا بجای اتلاف وقت، راه چاره را جویا شویم، **متأسفانه در این چند سال ما شاهد نقد پنهان رهبر انقلاب هستیم که در ضمن مطرح‌شدن اسلام رحمانی، مذاکرات هسته‌ای، الگوی پناه به غرب و یا تکیه بر دارایی‌های درونی و ... ملت شاهد بودیم** که تماماً بجای منفعت خاصی برای ملت ما را از راه عظیم پیش رو بازمی‌دارد، **کار انجام می‌شود و اگر خوب بود دیگران کرده‌اند و اگر اشتباه شد و به نتیجه نرسید میگویند توصیه رهبر انقلاب بوده است،** متأسفانه هم‌اکنون نیز بعضی بجای کار و تلاش امور را منوط به رهبر انقلاب می‌کنند، مثلاً: آقای جعفر زاده عضو کمیسیون تلفیق جدیداً بیان داشته است: بودجه دولت برای رفع بحران گرد و غبار خوزستان نیاز به اذن رهبر دارد، این بودجه هنوز حذف نشده است بلکه تعلیق شده است- تم- این کار یعنی چه؟ با این کار می‌خواهند بیان کنند مشکل گرد و غبار و این بلای خانمان‌سوز مشکل بودجه است و بودجه هم به رهبر انقلاب بستگی دارد **درحالی‌که اگر ده‌ها برابر هم پول بیاید به‌یقین میگویم هیچ کار مفیدی انجام نمی‌شود** پول تمام می‌شود اما ...، روایت عجیبی از رسول گرامی اسلام ص واردشده است که می‌فرماید: **هر امتی**

---

[۱] ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

گوساله‌ای دارد و گوساله این امت دینار و درهم است[۱۲۲]. ولی با این امور اذهان عمومی مشوش می‌شود. به‌هرحال باید بدانیم **اگر جامعه ما می‌خواهد بجایی برسد باید تمامی شئون در یک سمت حرکت کنند، یک فرمانده وجود داشته باشد و یک عملیات انجام شود، رهبری واحد، حرکت واحد، هدف واحد، آن‌وقت به نتیجه می‌رسیم،** اگر رهبر جامعه فرمانی بدهد و مدیران اجرایی امر دیگری عمل کنند همان می‌شود که در برجام و مذاکرات هسته‌ای دیدیم، دردی دوا نمی‌شود و درد زیاد می‌شود، اگر همان اشتباه تکرار شود همان نتیجه را خواهیم دید، متأسفانه باید مسئولین اجرایی مجری باشند درحالی‌که بعض از مسئولین اجرایی ما مجری نیستند بلکه رهبر هستند، به‌هرحال بحث ما تنها آب و خشک‌سالی است، لذا باز عنوان می‌کنیم **آقایان اجرایی راهکار خود را برای مشکل آب صریحاً بیان دارید تا ببینیم و نظر دهیم، اینکه راهکار داریم و چه شده و الی آخر بنده یقین دارم راهکار نجات‌بخش ندارید، اگر راهکارتان را ارائه ندهید و راهکارهای ما را هم نبینید و نظر ندهید ما در مرحله بعد تمامی راهکارهای شمارا بیان می‌نماییم و دلیل تخصصی بر بطلان آن‌ها را ارائه می‌دهیم.** [۱]برای من یک گزارشی آوردند از صحبت‌هایی که در این چند سال از سال ۷۷ تا امروز، پانزده سال درباره این مسئله کرده‌ایم، **خیلی حرف‌ها گفته‌شده، توصیه‌ها شده، لکن توصیه به‌تنهایی علاج و درمان مشکلات بزرگ نیست. یک تحرّک و حرکت جدی‌ای باید دنبال کار باشد.** یک جا قرآن می‌فرماید: **وَ الأَرضَ وضعها لِلأَنام**[۱۲۳]؛ زمین را - **یعنی این کره ارضی را - برای انسان‌ها ما آفریدیم؛ مال همه است. متعلّق به بعضی نیست؛ بعضی حقّ بیشتری از بعض دیگری ندارند در** آیه دیگر می‌فرماید: **وَ استَعمَرَکُم فی‌ها**[۱۲۴]**؛** خداوند متعال که خالق این زمین و خالق شما است، شمارا موظّف کرده است که این زمین را آباد کنید؛ یعنی ظرفیّتهای موجود در این مجموعه کره ارضی را به فعلیّت برسانید. **خیلی از ظرفیّتها هست که**

---

۱ گلچینی از بیانات راهبر انقلاب دامت برکاته در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ متن کامل سخنرانی را در سایت khamenei.ir لیدر خامنه‌ای ببینید: (تذکر این متن خلاصهٔ بیانات می‌باشد که در این برگه آمده است)

ناشناخته است، بعد شناخته می‌شود و بعد اهمّیّت آن‌ها و ارزش آن‌ها فهمیده می‌شود؛ این کار کار شما است؛ شما باید بکنید. **امروز هم که ما خیال می‌کنیم از همه ظرفیّتهای زمین‌داریم استفاده می‌کنیم، حقیقت مطلب این نیست؛ ممکن است میلیون‌ها برابرِ آنچه امروز شما از آب و از خاک و از هوا و از موادّ زیرزمینی و از محصولات روی زمین استفاده می‌کنید، بشود به نحوی استفاده کرد که امروز ما از آن خبری نداریم.** یک آیه دیگر درباره **الدّ الخصام**[۱۲۵] است؛ یعنی لجوج‌ترین، خبیث‌ترین، سرسخت‌ترین دشمنان که خصوصیّاتی برایش ذکر می‌شود؛ یکی از خصوصیّات این است: **اِذا تَوَلّی سَعی فِی الاَرضِ لِیُفسِدَ فی‌ها وَ یُهلِکَ الحَرثَ و النَّسل**[۱۲۶]**؛** حرث و نسل را از بین می‌برد، فاسد می‌کند؛ کشت را - یعنی **تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود می‌کند و از بین می‌برد. مشکل اساسی در باب مسائل محیط‌زیست این است که آثار تخریب با آسانی و به‌زودی ظاهر نمی‌شود؛ وقتی ظاهر شد، علاج آن آسیب‌ها و مشکل‌ها هم بعضاً بلند مدّت و بعضاً ناممکن است. وقتی انسان‌هایی پیدا شدند که احساس مسئولیت نکردند، ثروت‌های عمومی عالم را خواستند تبدیل کنند به ثروت شخصی، از هر امکانی برای فربه کردن وجود خودشان استفاده کنند، نتیجه می‌شود این. قلدری بشر، خط‌شکنی‌های قلدرمآبانه و گردن کلفتی‌های قدرت‌های بشری، قدرت‌های زر و زور در دنیا و در سطح جهان یک چنین نتایج و آثاری دارد. فرسایش خاک در کشور بر اثر سهل‌انگاری‌ها و بدعمل‌کردن‌ها و ندانم‌کاری‌ها؛ فرسایش خاک چیزی نیست که بعد بشود به آسانی جبرانش کرد. قضیه خاک از قضیه آب مهم‌تر است؛ ما مشکل آب هم داریم، مشکل بزرگی هم هست، لکن برای تهیه آب راه‌های فراوانی وجود دارد؛ برای تهیه خاک حاصلخیز این راه‌ها دیگر وجود ندارد.** جزو مسائل مهمّ زیست‌محیطی امروز ما در کشور، مسئله آلودگی هوا در شهرهای بزرگ کشور است؛ در تهران و کلان‌شهرهای کشور؛ خب، مسئله مهمی است، این را می‌شود پیشگیری کرد، می‌شود هم علاج کرد. **اگر ما حقیقتاً باهم همدل، هم‌زبان، هم نیّت نیروهایمان را روی‌هم بگذاریم - همه کسانی که اطراف این قضیّه هستند - این کار را می‌شود حل کرد. فلان کشور یک پنجم خاک ما وسعت دارد، دو برابر ما جمعیت دارد، مشکل آلودگی هوا را حل کرده؛ پس می‌شود [حل] کرد... همه باید دست‌به‌دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند. سه عنصر اساسی در محیط‌زیست هست که این‌ها را بایستی موردتوجه قرارداد: هوا، آب، خاک. همه**

همت را باید [روی این‌ها] گذاشت. [طبق] این آماری که به من دادند، در تهران هفتاد درصد مشکل آلودگی هوا، مربوط به حمل‌ونقل است، سی درصد مربوط به صنایع آلاینده است - حالا این آماری است که به من دادند؛ ممکن است اندکی کمتر یا زیادتر [باشد]؛ **در بین شماها متخصصین هستند، اطلاعاتشان ممکن است دقیق‌تر باشد - خیلی خب، پس [عامل] معلوم شد؛ عامل را وقتی شناختیم، یک قدم به حلّ مشکل نزدیک شدیم؛ باید با جدّیّت سراغ این مسئله رفت.** مسئله و مشکل پدیده غبار که دیروز در خوزستان، امروز در کرمان و ممکن است فردا در یک نقطه دیگر زندگی مردم را مشکل بکند، باید علاج بشود. مشکل پدیده غبار فقط تنفّس مردم نیست؛ **به بنده گزارش دادند که جنگل‌های غرب کشور - جنگل‌های بلوط - به خاطر این پدیده غبار درخطر نابودی است؛ که اگر چنانچه خدای نکرده این مشکل پیش بیاید، ضررهایش به‌مراتب بیشتر از آن چیزی است که ما از تنفّس در تهران یا در یک جای دیگر در هوای غبارآلود ضرر و زیان می‌بینیم. آب پشت سدها را ما اگر چنانچه جمع کنیم، [امّا] شبکه‌سازی درست نکنیم - کما اینکه متأسفانه در موارد زیادی قضیّه از این قرار است - خب این آب را در واقع هدر می‌دهیم، تبخیر می‌شود می‌رود؛ علاوه بر اینکه حالا مشکلاتی هم پشت سدها به وجود می‌آید.** مسئله **خاک. عرض کردیم فرسایش خاک، در بلند مدّت خطر بزرگ‌تری از کمبود آب است. یک مسئله مسئله جنگل‌ها و مراتع است؛ این جنگل‌های ما و مراتع ما، هم ریه‌های تنفّسی شهرها و محیط‌های زندگی‌اند، هم نگهبان خاک‌اند و خاک را که این‌همه درباره اهمّیّتش گفتیم، حفظ می‌کنند؛ این جنگل‌ها را باید حفظ کرد. متأسفانه در بخش‌های مختلف کشور، این جنگل‌های متراکم و انبوه شمال کشور بعضاً مورد چپاول و غارت و بعضاً آخر مورد بی‌توجهی و بی اهتمامی قرار می‌گیرد. من تأکید می‌کنم اجازه ندهید به این جنگل‌ها دست‌درازی بشود؛ بخش‌های مختلف کشور که مسئولیّتی در این زمینه‌دارند، از منابع طبیعی گرفته تا محیط‌زیست تا بقیه دستگاه‌هایی که ارتباطی با این قضایا دارند، اجازه ندهند با بهانه‌های مختلف - از شهربازی درست کردن و جذب گردشگر و هتل‌داری و مانند این‌ها بگیرید تا مدرسه علمیّه و حوزه علمیّه؛ همه این‌ها بهانه‌هایی می‌شوند و شده تاکنون - که جنگل‌های ما دست بخورند، به**

آن‌ها تعرّض بشود؛ به جنگل‌ها تعدّی بشود و تاکنون به جنگل تعدّی شده؛ جلویش را با استحکام کامل بگیرید. یک مسئله پدیده زمین‌خواری است. البتّه پدیده زمین‌خواری پدیده جدیدی نیست؛ قدیمی است؛ **ما از دوره نوجوانی و جوانی مکرّر می‌شنفتیم زمین‌خواران، زمین‌خواران! خب، توقّع این بوده است که در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی این پدیده متوقف بشود؛ اجازه ندهیم کسانی بیایند با دست‌اندازی به زمین‌های گوناگون اطراف شهر و حومه‌های شهر و مناطق خوب، ثروت عمومی را به نوبه خود تبدیل کنند به ثروت شخصی. این بوستان عظیمی که فرض کنید در فلان نقطه شهر واقع است، یک ثروت عمومی است؛ [اینکه] کسانی بیایند با زرنگی، با دست‌کاری کردن قانون، با احیاناً خریدنِ یکی دو نفر آدم سست‌عنصر در فلان دستگاه، این ثروت عمومی را تبدیل کنند به ثروت شخصی خودشان، خیلی رنج‌آور است! حالا بحث زمین‌خواری، یواش‌یواش شده کوه خواری!** بنده گاهی که می‌روم ارتفاعات شمال تهران و نگاه می‌کنم، انسان واقعاً خیلی متأسّف می‌شود. **خب تلاش هم کرده‌اند لکن قاطع باید برخورد کنند. مسئولین باید در مقابلِ این سوءاستفاده کننده قاطعیت به خرج بدهند؛ عُرضه باید به خرج بدهند؛ نگذارند فلان آدمِ سوءاستفاده‌چی با شیوه‌های مشخص [سوءاستفاده کند]. انسان از آن بالا که نگاه می‌کند، می‌فهمد و می‌بیند که چه‌کاردارند می‌کنند. اوّل می‌روند اجازه می‌گیرند، یک تأسیساتی در انتهای یک زمین درست می‌کنند؛ بعد که انتهای زمین مال آن‌ها شد، همه سطح زمین به طور طبیعی قابل نقل‌وانتقال خواهد شد؛ از این کارها می‌کنند.** این شمال تهران و غرب تهران، در واقع مجاری تنفّسی شهر تهران است؛ ارتفاعات شمال تهران را یک‌جور، طرف زمین‌های غرب تهران را یک جور. در مشهد - شهر ما - من رفتم دیدم طرف ارتفاعات جنوب شهر که در واقع مرکز تنفّس شهر است، **دارند افرادی آن بالاخانه می‌سازند، هتل می‌سازند، ساختمان‌های چند طبقه می‌سازند؛ این‌ها بد است، این‌ها غلط است؛ جرم بدانید این‌ها را. یکی از کارهای اساسی «جرم‌انگاری» در قانون است؛ این‌ها را باید جرم دانست در قانون و این کسانی که این کارها را می‌کنند تعقیب قضائی کرد. صِرف اینکه بروند قلع بنا بکنند، کافی نیست؛ که آن را هم متأسفانه در مواردی نمی‌کنند، کوتاهی می‌کنند. بنده یک مورد را خودم دیدم دریکی از ییلاقات مشهد - جا غرق - یک دوست قدیمی ما یک زمین کوچکی داشت و دارد. یک آب مختصری به قدر مثلاً**

نصف آنچه از لوله قوری می‌آید بیرون، آن بالا بود. این آب را جمع کردند، هدایت کردند، حفظ کردند، چند استخر در این زمین از این آب به وجود آمد و زمین آباد شد؛ از یک آب خیلی مختصر که می‌توانست به هدر برود و هیچ‌کس هم نفهمد و نبیند. «**درخت‌کاری**» **ازجمله کارهای خوب است. البتّه درخت را می‌کارند، من شنیدم درست نگهداری نمی‌شود. درخت‌کاری رایج شده امّا درخت که کاشتید، باید درخت را نگهداری کنید؛ حالا یا خودشان نگهداری بکنند یا دستگاه‌های شهرداری بکنند؛ بالأخره این کار باید انجام بگیرد.** یک جاهایی هم هست در اطراف تهران - حالا این را من اینجا بگویم - طرف شرق تهران، یک بوستان بزرگی است، یک منطقه خیلی وسیعی است بین بزرگراه بابایی تا ارتفاعات قوچک؛ یک زمینی است متعلّق به ارتش. بنده گاهی اوقات در این مسیرهای صبحگاهی در بعضی از روزها ازآنجا می‌رویم و ارتفاعات را حرکت می‌کنیم، راه می‌رویم؛ **من هر وقت آنجا می‌روم، دلم می‌لرزد! چون میدانم ده‌ها چشم طمع‌کار متوجّه اینجا است. کارهایی هم شروع کردند، ما جلویش را گرفتیم، یک تشری زدیم، دعوایی کردیم؛ میدانم موقتاً دست برداشتند، امّا منتظرند یک غفلتی صورت بگیرد؛ یا این حقیر نباشم، یا غفلتی پیش بیاید، بالأخره بروند اینجا را تصرّف کنند؛ واقعاً انسان دلش می‌لرزد؛** یک بوستان بزرگِ شاید چند صد هکتاری - نمی‌دانم چقدر است - که اصلش هم ظاهراً متعلّق به ارتش بوده لکن الآن مورد استفاده ارتش نیست و مورد اختلاف بین ارتش وزارت اطّلاعات و این‌ها است. به نظر من اینجا مال مردم است؛ اینجا باید به‌صورت یک گردشگاه عمومی مردمی دربیاید. **مکرّر هم من این را پیغام دادم به مسئولین گوناگون، شهرداری باید برود اینجا را تصرّف کند، در اختیار مردم بگذارد.** جای بسیار وسیع، خوب، خوش‌آب‌وهوا در شرق تهران، پُر درخت. حتّی من یک‌وقتی آنجا دیدم یک گله آهو یا بز کوهی بود که از دور دیده می‌شد؛ یک جای این جوری. [این] در اختیار مردم قرار بگیرد، مردم بروند استفاده بکنند. اگر کوتاهی بشود، آنجا هم مثل بعضی جاهای دیگر [خواهد شد] که متأسفانه کوتاهی شد و یک‌وقت دیدیم که ساختمان‌ها آنجا سر بلند کردند و مدّعی پیدا شد.

قطره ۸۴ - قطره ۸۴-در این متن واکنش علما به‌نقد امام معصوم بیان می‌شود- امور معنوی یکی از عمده دلایل خشک‌سالی ۹۶/۱۱/۵

نباید جوری حرف بزنیم که موجب عذاب بشود. چه جور است که به عوض برف و باران زلزله داریم، عذاب چگونه نازل می‌شود؟

گفت: همه باید انتقاد بشوند و استثناء ندارد. تمام مسئولین در کشور قابل نقدند. **ما در کشور معصوم نداریم مگر اینکه یک‌وقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آن‌وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد، روبروی پیغمبر می‌گفت «ا من الله ام منک؟» این حرفی که می‌زنی نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «منّی» طرف مقابل انتقاد می‌کرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معصوم هم نقد را داریم.**

۱ آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی دامت برکاته: گفت‌وگوهای زیادی درباره سخنآن‌یکی از مسئولان بود که چرا دامنه نقد را به معصومان (ع) نیز کشیده است که بعداً بخشی از آن تکذیب شد. نامه‌های زیاد و تلفن‌های فراوانی به دفتر ما رسید که چرا حریم معصومان (ع) شکسته شده و شما سکوت کرده‌اید، عرض کردیم که سکوت نمی‌کنیم، صرف‌نظر از اینکه محتوای کلام آن مسئول دقیقاً چه بوده، عرض ما این است که معصومان (ع) خط قرمز ما هستند و معصوم بودن آن‌ها از خطا و گناه از مسلمات مذهب شیعه است- **چرا هنگامی که می‌خواهید مسئله نقد را به همه عمومیت دهید به سراغ زمان معصومان می‌روید؟ شما می‌گویید در جامعه افراد، غیر معصوم بوده و قابل نقد هستند؛ اما کاری به خط قرمز نداشته باشید.** چه ضرورتی برای این کار وجود دارد؟ در این زمان که نیاز شدید به وحدت داریم چرا سخنانی گفته می‌شود که جامعه را ملتهب می‌کند- شما بگویید مسئولان قابل نقد هستند، اما چه‌کار به معصومان و زمان آن‌ها دارید که دردسر بی‌دلیل برای خود درست می‌کنید؟ **در شرایط فعلی تضعیف قوای سه‌گانه صلاح جامعه نیست اما گاهی خودشان مشکل درست می‌کنند. این‌گونه مسائل سبب شده که این باور برای برخی پیدا شود که منظور ایشان این است که ذهن مردم را از مشکلات و مطالبات دور کنند و به حاشیه ببرند.**

۲ آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی دامت برکاته: اینکه می‌توان از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) انتقاد کرد مغالطه کاری است؛ آن‌ها اجازه سؤال می‌دادند ولی انتقاد از آن‌ها وجود ندارد؛ از آن‌ها سؤال می‌شد و جواب می‌دادند پیامبر (ص) و ائمه (ع) معصوم هستند و انتقاد از آن‌ها معنا ندارد، ائمه اطهار (ع) معصوم هستند و شکی در این موضوع نیست. اوصاف ائمه اطهار (ع) در زیارت جامعه کبیره از امام هادی (ع) ذکرشده است. نباید به مسائلی مانند عصمت انبیا مشغول باشیم**؛ شاید نقشه دشمن باشد و این جریانات را به وجود می‌آورند تا مسلمانان مشغول و سرگرم به هم باشند و دشمن استفاده کند.**

۳ آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی دامت برکاته وی با بیان اینکه **ائمه اطهار (ع) معصوم از خطای فکری و در عمل نیز معصوم هستند،** اضافه کرد: البته در عمل به احکام فقهی، مأمور به‌ظاهر هستند. اگر وقتی در کار معصوم، مسئله حکم به‌ظاهر دیده نباید تصور کنیم مطابق با عصمت نیست.

۴ آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی دامت برکاته: از کسی که خودش روحانی است شنیدن چنین حرفی تعجب دارد! **خیلی متأثر شدم یک کسی در جایگاه ریاست جمهوری چنین حرف‌هایی بزند.**

۵ آیت‌الله فاضل میبدی عضو مجمع محققین و مدرسین: حمله‌ها به حسن روحانی را سیاسی می‌داند و تأکید می‌کند اگر کسی تاریخ اسلام را به خوبی خوانده باشد می‌داند که نقد حکومت معصومین وجود داشته است. اما در زمان حکومت حضرت علی (ع) حضرت می‌فرمود **به من نظر و مشورت دهید و من فوق خطا نیستم. حضرت می گویند به گونه‌ای مرا راهنمایی کنید که جلوی خطا گرفته شود- در زمان پیغمبر هم در برخی از جنگ‌ها برخی از اصحاب به پیامبر نقد می‌کردند و می‌گفتند این کار به نظر ما درست نیست، اگر وحی است که ما تسلیم هستیم اما اگر نظر خود شماست ما آن را قبول ندارم**[1].

---

۱ ما در کتاب نقطه بحث عصمت ائمه ع و حتی شیعیان را نموده‌ایم صحبت آقای میبدی به نظر حقیر خطاست.

۶ آیت‌الله محسن غرویان دامت برکاته: به نظر من آقای دکتر روحانی مراد جدی‌اش در این سخنان نقد معصومین به معنای رد آن‌ها نیست. آقایان نقد را به معنای نفی و رد گرفته‌اند. درحالی‌که نقد به معنای پرسشگری است و مراد آقای روحانی این است که از معصومین هم می‌شود پرسید و این نیست که هرچه معصوم بگوید، مردم بگویند، سمعا و طاعتا. [۱۲۷]

۷ آیت‌الله محمد یزدی دامت برکاته: ... این روزها سخنانی از بعضی از مسئولان مبنی بر جواز نقد پیامبر اعظم (صلی‌الله علیه و آله و سلّم) و ائمه‌صلوات الله علیهم) شنیده شد که **بار دیگر یکی از مسلمات اعتقادی که محل اجماع قاطبه مسلمین و همچنین یکی از اصول را که ضروری مذهب حقه تشیع اثناعشری است منکر شده:** 1ـ ازنظر عقلی، نقد منطقی بدون وجود معیار نقد امکان‌پذیر نیست... 2ـ خطاناپذیری کلام خدا روشن است ... 3 ـ اکیداً توصیه می‌کنیم بعضی از مسئولین از ورود به مسائل اعتقادی و تخصّصی فکری در اظهارات خویش پرهیز کنند و به جای آن، تلاش خود را به حل مشکلات معیشتی و گرفتارهای اقتصادی مردم معطوف و آنچه مردم از شماها انتظار دارند، گره‌گشایی از مسائل و مشکلات زندگی آنان است، نه اظهارنظر در مسائل اعتقادی و تخصصی که نه‌تنها گرهی از کار مردم باز نمی‌کند که افزون بر مشکلات دنیوی آنان، دین آنان را نیز با مشکل مواجه می‌کند.

۸ آیت‌الله حسن ممدوحی دامت برکاته: گمان می‌کنم این ناآگاهی است وگرنه شاید هدفی هم نداشته باشد ولی ناآگاه است. این حرف‌ها غلط است اگر پیغمبر قابل نقد باشد اصلاً معصوم نیست اگر معصوم نباشد واجب الاتباع نیست . آیت‌الله ممدوحی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این حرف‌ها در زمان پیغمبر (ص)) چه کسانی می‌زدند، اظهار داشت: کسانی بودند که الحاد داشتند و قرآن در مذمت آن‌ها خیلی حرف زده است. **این‌ها می‌آمدند آزار و اذیت می‌کردند و انتقادهای غلط می‌کردند آن‌ها چه ربطی دارد به این که پیغمبر قابل انتقاد باشد پیغمبر قابل انتقاد باشد معصوم نیست اگر معصوم نباشد که پیغمبر نیست.**

۹ آیت‌الله شیخ مهدی شب‌زنده‌دار دامت برکاته: آدم بی‌سواد این حرف‌ها را می‌زند. گاهی در **کلمات بعضی از بزرگان حکومت ما کلماتی گفته می‌شود که قابل‌تحمل برای جامعه شیعه و حوزه علمیه نیست. ما نسبت به عقاید شیعه با هیچ‌کس رودربایستی نداریم و انقلاب ما برای این است که این ارزش‌ها گسترش و قوام پیدا کند** – نقد ائمه از ناحیه کسانی است که به مقامات ائمه آشنا نبودند و یا ریگی به کفش داشتند. ائمه که نقد ندارند. آن‌ها معصوم‌اند. پیامبر معصوم بود. این معنا ندارد که ما عقاید شیعه را

مورد هجمه قرار بدهیم. **ما نسبت به عقاید شیعه با احدی رودربایستی نداریم و اگر بنا باشد این مطالب تکرار بشود همان‌طور که قبلاً هم شبیه این مطلب نسبت به مولا امیرالمؤمنین (ع) بیان شده بود، بدانند که حوزه در مقابل آن‌ها بر خواهد خاست.**

«شما باید خدا را شکرگزار باشید که این فرصت به شما داده‌شده است که خدمت‌گزار باشید»، به خاطر عقاید شیعه ولایت‌فقیه به اینجا رسیدید و الّا شما چه جایگاهی داشتید که حالا هر روز درباره عقاید شیعه مناقشه می‌کنید؟ معلوم می‌شود در حوزه درست درستان را نخوانده‌اید. اینکه ما می‌گوییم درست درس بخوانید و فقه و اصول خود را درست کنید برای همین است. آدم بی‌سواد این حرف‌ها را می‌زند. این چه حرفی است که می‌زنید؟ ما جانمان را برای ائمه کف دست گذاشتیم.

۱۰ آیت‌الله محسن اراکی دامت برکاته: آیات و روایات کثیره دلالت بر عصمت و خطاناپذیری پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) می‌کند و آیه «**من یطع الرسول فقد اطاع الله**[۱۲۸]» کلام پیامبر را مطلقاً کلام خدا می‌داند - طبق آیه «**و نضع الموازین القسط**[۱۲۹]» و تفسیر آن، اهل‌بیت (ع)) خود میزان قسط و شاخص سنجش هستند. ظاهراً دروسی را که در جوانی خوانده‌اید فراموش کرده‌اید لذا **بهتر است به سیاست خود بپردازید، وقتی سوادش را ندارید اعتقادات مردم را رها کنید. مشکلات معیشتی و دنیوی مردم بسیار است، وقتی علمش را ندارید به مسائل اخروی‌شان کار نداشته باشید.**

۱۱ آیت‌الله صفایی بوشهری دامت برکاته: در زمان پیامبر نیز جنگ صورت می‌گرفته، آیا کسانی که در مقابل پیامبر به محاربه برخاستند کلام و رفتار آن‌ها حجت است؟! بهتر است ریاست قوه مجریه کشور به حل مشکل مردم وعده‌هایش بپردازد. با این روش راه به‌جایی نخواهید برد. **رئیس‌جمهور بهتر است به وظیفه اصلی خود طبق قانون اساسی بپردازد. این مبانی و حرف‌های رئیس‌جمهور قابل توجیه نیست.** همان‌هایی که به شمارای داده‌اند نیز به این نوع اندیشه و سخنان اعتراض دارند. - **در هر خانه چند نفر بیکار نشسته و مشکلات اقتصادی نیز فراوان است.**

۱۲ آیت‌الله سید محمدرضا مدرسی یزدی دامت برکاته: به آیات قرآن شریف مراجعه کنید! مسلمان کسی است که از هر نظر هم تسلیم خدا باشد و هم تسلیم رسول خدا (ص))، اصلاً تسلیم رسول خدا بودن یعنی تسلیم خدا بودن- این مطلب خیلی جالب است که در هیچ‌چیز از امور اداره، هیچ زلّه و خطایی نداشت. وی ادامه داد: آن‌وقت کسانی بیایند و نقد کردن و مخالفت

در حکومت معصوم (ع) و در مقابل پیامبر اکرم (ص) را که اساس عصمت است تجویز کنند! **واقعاً جای تأمل است. چه انگیزه‌ای باعث چنین افکار و سخنانی می‌شود؟ اگر کسی یک مقدار تعهد داشته یا یک مقدار به مسائل اجتماعی توجه داشته باشد، چنین مطلب واضح دینی و مورد قبول عامه ـ چه رسد به اهل فن و متخصصین در مسائل ـ را زیر سؤال نمی‌برد چه رسد به اینکه آن را معکوس جلوه دهد! واقعاً باید تحلیل شود. چرا چنین کاری از کسی سر می‌زند؟ به چه انگیزه‌ای؟ از جهل است؟ از عدم تعهّد است؟ از القائات دشمنان است؟ و یا ترکیبی از این‌هاست؟ علاجش چیست و چگونه باید جبران بشود؟ یک امر واضحی که این‌همه آیات و روایات درباره آن وجود دارد و امری که مورد قبول همه، معکوس جلوه داده شود؟!** باید به مثل این افراد، نصیحت کرد که هر چه دیگران به دهانتان می‌گذراند تکرار نکنید و هر چه را که در گوشتان می‌خوانند باور نکنید.

۱۳ آیت‌الله سید احمد خاتمی دامت برکاته: پیغمبر و معصومین هم قابل نقدند «را سخنی نادرست، شایسته نقد اعتقادی و یک خلط در این عرصه توصیف کرده و نوشته است: «آن خلط این است که پیامبر و معصومین اجازه نقد می‌دادند ولی این به آن معنا نیست که آن‌ها قابل نقدند، به دلیل آنکه، آنان معصوم‌اند». آیت‌الله خاتمی در پایان پیام خود از آنان که تریبون در دست دارند خواست «**اعتقادات حق، مستند و مستدل اسلامی و مذهبی را در مسلخ اهداف سیاسی قربانی نکنند**

۱۴ آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی دامت برکاته: این روزها در کلمات رئیس‌جمهور سخنی به این مضمون مطرح و منتشرشده. مع الاسف این تعبیر را نسبت به معصومین (ع) توسعه و سرایت داده‌اند و باز تأسف بیشتر اینکه نسبت به وجود مبارک پیامبر اکرم (ص)، آن‌هم با استدلال به روایات این معنا را مطرح کرده‌اند- به تصریح مفسران شیعه و سنی همان‌گونه که وجوب اطاعت خدای تبارک‌وتعالی مطلق است، وجوب اطاعت رسول و اطاعت اولوالعزم مطلق است. **کسی که وجوب اطاعت مطلقه دارد، بالضروره باید معصوم از خطا و گناه باشد، نمی‌شود بگوییم فقط دلیل داریم که این بزرگواران گناه نکردند بلکه باید از هر دو جهت یعنی خطا و گناه معصوم باشند. انتقاد در جایی است که امکان خطا و اشتباه وجود داشته باشد- وی تأکید کردند در بیان مسائل دین، نباید ملاحظه اشخاص و افراد را کنیم.** ممکن است مقصود اصلی رئیس‌جمهور معنای دیگری باشد، اما ظاهر کلام یک مطلب ناصحیح و غلط است- عصمت انبیا و ائمه معصومین (ع)) بر اساس آیات

متعددی از قرآن کریم قابل‌اثبات است، بالاترین درجه عصمت در میان انبیا نیز متعلق به رسول اکرم (ص)) است - مسئله نقد در مورد خداوند متصور نیست، اگر خدا قابل نقد باشد، آن خدا دیگر خدا نیست. اگر قرار باشد که امام معصوم نقد شود، دیگر لزوم اطاعت مطلقه ندارد، چراکه منتقد به امام معصوم می‌گوید تو اشتباه می‌کنی و به این دلیل من نباید از تو اطاعت کنم، در این صورت شاهد از بین رفتن اطاعت مطلقه امام معصوم خواهیم بود- **مؤمنین در طول تاریخ هیچ‌گاه در مقام نقد انبیا و ائمه معصومین (ع)) نبودند، البته اهل‌بیت (ع) میدان را برای اظهارنظر افراد باز گذاشتند، اما این به معنای گشودن باب انتقاد نبود. فردی در این فضا گفته بود که دلالت قرآن فقط نسبت به عصمت انبیا و ائمه معصومین (ع) از خطا است و آن‌ها عصمت از خطا ندارند، بیان چنین حرف‌هایی موجب ایجاد تزلزل در افکار اعتقادی مردم خواهد شد، حوزه وظیفه دارد کلام دین را برای مردم بیان کند.**

۱۵ آیت‌الله سیدهاشم بطحایی گلپایگانی دامت برکاته: عصمت یک دژی که هیچ‌کس نمی‌تواند وارد آن شود؛ عصمت و عامه و معصوم غیر از عدل است؛ یعنی دژ آن‌چنان محکم است که کسی قابل ورود به آن نیست. **چنین اظهاراتی یا حاکی از معلومات پایین است یا شاید برخی‌ها می‌خواهند بگویند اگر من ایراد دارم نعوذبالله به معصومین نیز ایراد بوده است، این سخنان برای این ایراد می‌شود که برخی، حاضرند معصومین ما را خراب کنند که این بی‌انصافی است.**

۱۶ حجت‌الاسلام والمسلمین هادی صادقی معاون فرهنگی قوه قضاییه دامت برکاته: اگر در بیان این جمله از سوی گوینده اشتباهی رخ داده است، بهتر است هر چه زودتر و به صراحت اشتباه بودن گفته خود را اعتراف کنند، این بی‌معناست که کسی که مصون از خطا و اشتباه است را نقد کنیم و این منطقی‌ترین جواب این مسئله است. در هیچ جای قرآن نمی‌بینیم که اجازه انتقاد به پیامبر (ص) داده‌شده باشد و خداوند در قرآن در آیه معروف **اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم**[۱۳۰] تأکید دارد که از خدا و رسولش باید اطلاعت کنید و در این صورت نقد دیگر معنی پیدا نمی‌کند، کسی که مؤمن است در برابر فرمان خدا و رسولش فرمان‌بردار است و در دلش هم ناراحتی وجود ندارد و کسی که به‌فرمان و نظر پیامبر نقدی دارد، این به این معنی است که او دل به پیامبر نداده است و

او را هنوز قبول نکرده است. **رفتار یک فرد جاهل معیاری بر صحت آن عمل نیست و سکوت و تحمل پیامبر خدا (ص) بر یک رفتار هم ملاک درستی آن عمل نیست، پس این استدلالات مغالطه آمیز را باید کنار گذاشت. این سخنان در اندیشه روشنفکرانی دارد که پایه دینی ندارند و تفکر آن‌ها در مکاتب غربی شکل گرفته است و در تفکر این عده اصل انسان است نه خدا وقتی اصل انسان شد، به خدا هم می‌شود اعتراض کرد و این مسئله در دوران اصلاحات گفته و نوشته شد که حرفی کفرآمیز است، هیچ پایگاه دیگری ندارد و در فرهنگ دینی ما ریشه‌دار نیست.**

۱۷ حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسرو پناه دامت برکاته: چرا بعضی از طلبه‌ها و روحانیون عمامه به سر در فکر نقد امام زمان (عج) هستند، هدف آنان از این نوع سخنان چیست؟ شهدا برای ماندن انقلاب اسلامی خون دادند، طلبه در کنار تعلیم به اخلاق و تهذیب هم اهمیت دهد تا گرفتار مسائلی نشود که بعضی افراد عمامه به سر گرفتار آن شدند و چه فعالیت‌ها که نکردند و نمی‌کنند و تنها فرقشان با مردم عادی عمامه‌شان است.

۱۸ آیت‌الله سید علی میلانی دامت برکاته: اگر کسی بیاید در یک ملاء عامی بگوید که یک عربی آمد بر پیغمبر اکرم (ص) انتقاد کرد که «این کلام از شماست یا از خداست؟» پس می‌شود انتقاد کرد بر پیغمبر اکرم (ص)! این حرف است؟ کسی که تحصیل کرده باشد، کسی که اهل مطالعه باشد، تمسک می‌کند به حرف آن اعرابی که بعد از واقعه غدیر آمد اعتراض کرد بر پیامبر اکرم (ص) که «این کلامی که گفتید از خودتان است یا از خدا؟» آن‌وقت آیه مبارکه «سال سائل به عذاب واقع» نازل شد و این آدم همان جا هلاک شد. این اعتراض بود **انتقاد برای سنجش حق از باطل بود، مگر معصوم باطل می‌گوید؟ نباید جوری حرف بزنیم که توجیه کنیم برخورد بعضی صحابه را با پیغمبر اکرم (ص)، نباید جوری حرف بزنیم که موجب عذاب بشود. هیچ دقت می‌کنید چقدر برف و باران داریم؟ چه جور است که به عوض برف و باران زلزله داریم، عذاب چگونه نازل می‌شود؟ باید حواسمان را جمع کنیم وقتی می‌خواهیم حرف بزنیم و در محدوده‌هایی که کار نکردیم وارد نشویم.**

۱۹ حجت‌الاسلام والمسلمین سید محسن محمودی امام جمعه ورامین دامت برکاته: برخی برای این که به اغراض خود برسند، حتی اعتقادات مسلم را قربانی می‌کنند.

قطره ۸۵ -در این بحث اثبات می‌کنیم دلیل خشک‌سالی و بیشتر مشکلات فعلی ایران تفکرات جناب دکتر حسن روحانی می‌باشد و این مطلب را از چهار منظر اثبات می‌نماییم ۹۶/۱۱/۹

الف: از منظر اهل سنت که رسول‌الله ص را قبول دارند

ب: از منظر علمای سنتی شیعه که ولایت اهل‌بیت را قبول دارند ولی ولایت‌فقیه را قبول را ندارند

ج: از منظر علمایی که ولایت‌فقیه را مضاف بر دولایت دیگر قبول دارند

د: از منظر دانشگاهیانی که کاری با امور معنوی و علل غیر حسی ندارند و در قطره‌های بعدی اثبات می‌نماییم اگر سکوت نماییم ما هم در شدت پیدا کردن خشک‌سالی و نزول عذاب دخیل می‌باشیم.

مقدمه: در فیلم منتشرشده از جناب آقای دکتر حسن روحانی ایشان فرمودند: **ما در کشور معصوم نداریم مگر اینکه یک‌وقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آن‌وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد، روبروی پیغمبر می‌گفت: اَ من الله اَم منک؟ این حرفی که می‌زنی نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «منّی» طرف مقابل انتقاد می‌کرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معصوم هم نقد را داریم-تم- برای اطلاع بیشتر به قطره‌های ۸۴ الی ۸۰ مراجعه نمایید-مقدمتا عرض می‌نماییم که نقد کردن در لغت به معنای: آشکار کردن خوب از بد و قوت از ضعف است و این به خلاف سؤال کردن و رفع ابهام و اشکال است.**

<u>الف:</u> اثبات اینکه: ازنظر اهل سنت نقد رسول‌الله ص موجبات دوری برکت خداوند و عذاب را به همراه دارد و این تئوری بسیار خطرناک می‌باشد و اگر ادامه یابد خوف این می‌رود که تمامی ملت دچار عذاب الهی شوند، مطلب بسیار آشکار است، **اگر کسی به خود اجازه دهد پیامبر اسلام ص را نقد کند به پیامبر اسلام**

ایمان نیاورده است و این شخص اسباب عذاب را برای خود فراهم آورده است و عذاب دنیا قبل از عذاب آخرتی در راه است: چراکه یکی از دلایل قرآنی بر نزول عذاب بر امت‌های گذشته انکار انبیاء بود، حال اگر کسی اجازه نقد رسول‌الله را داشته باشد این مطلب مساوی با انکار نماینده خدا است و انکار نماینده خدا مساوی با انکار خداست و انکار خداوند غضب خدا را به همراه دارد، مضافاً بر اینکه همیشه این‌گونه نیست که نقد کننده قانع شود، نقد کننده خود را بر حق و طرف مقابل را باطل می‌داند. آیا **با رسمیت دادن به نظریه نقد پیامبر ص دیگر توقعی است که مثلاً یهود و نصاری بیشتر از گذشته به اسلام حمله نکنند؟ وقتی ما خودمان اعلام می‌کنیم که می‌توان پیامبر خودمان را نقد کرد، حتماً نقد پیامبر و قرآن توسط یهود و نصاری و شیطان پرستها به طریق اولی مورد قبول است،** اگر یک مسلمان به خود اجازه داد پیامبر را نقد کند و بعد اعلام نماید که من نقد کردم و جواب معقولی نشنیدم بعدازآن چه می‌شود؟ آیا هر مغرضی نمی‌تواند اعلام کند که من در اسلام چیز قابل قبولی ندیدم و نقد من جواب داده نشد لذا می‌خواهم از اسلام دست‌بردارم و مثلاً یهودی شوم و یا اصلاً من خدا را نقد کردم و چیز قابل قبولی ندیدم و ..... **چیزی که سلمان رشدی مطرح نمود چه بود؟** او هم پیامبر اسلام را در قالب رمانی نقد نمود، نقد او این‌گونه بود که اعلام داشت در بین آیات قرآن کلماتی توسط شیطان القاء شده است با این تزِ مطرح‌شده سلمان رشدی محکوم نیست بلکه او یک نقد کننده‌ای بوده است که جواب قانع کننده نشنیده است، لذا با این تئوری دائماً افراد با اغراض شیطانی می‌آیند و مطالب ضد دین را در قالب نقد مطرح می‌کنند و به اسم آزادی بیان تمام اسلام را زیر سؤال می‌برند. اگر هم کسی فکر کند با یک تکذیبیه توسط شخص دیگری کار درست می‌شود سؤال می‌کنیم: **این نظریه در جامعه مطرح‌شده و چه‌بسا بسیاری قبول کرده باشند با آنان چه‌کارکنیم؟ که متأسفانه حتی بعضی از افراد این نظریه را تکمیل نمودند و نظریه نقد پیامبر را با دلایل بیشتری مطرح نمودند،** لذا طبق نظر اهل سنت: اگر جامعه اسلامی به خود اجازه دهد که پیامبر اسلام را نقد کند: آیا خدای پیامبر به طرفداری از پیامبر پاکی‌ها بر آن جامعه عذاب نمی‌کند؟ **آیا خشک‌سالی و مصیبتهای اجتماعی ما بی‌دلیل است؟ آیا خشک‌سالی و... خارج از محدوده قدرت خدا می‌باشد و امری طبیعی است؟ آیا خداوند بی‌دلیل رحمت خود را از ایران منع نموده است و یا اینکه خشک‌سالی و البته همه‌چیز لشکر خداست تا ما را بیدار نماید؟** آیا می‌توان گفت کسی که اجازه نقد رسول‌الله را به خود می‌دهد به رسول خدا ص ایمان دارد، مگر قرآن نمی‌فرماید: **وَمَا ينطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلّا**

وَحْی یوحَی[۱۳۱] و سخن از روی هوی نمی‌گوید نیست این سخن جز آنچه بدوحی می‌شود- اگر ما بگوییم می‌توان رسول‌الله ص را نقد کرد باید بگوییم کلامِ پیامبر ص وحی نیست و این مساوی با انکار قرآن و کلام خداست، چراکه قرآن کلام پیامبر ص را وحی می‌داند، **آیا خدا به حمایت از رسول خود عذاب نازل نمی‌کند؟ آیا اقوام گذشته بی‌جهت دچار عذاب شدند؟ آیا ما با خداوند قرابتی داریم که بر ما عذاب نازل نشود؟ آیا می‌تواند انسانی پیامبر خدا باشد ولی بتوان در کلام او خدشه وارد کرد و او را نقد نمود؟ اگر احتمال این داده شود که پیامبر خدا را بتوان نقد کرد پس اولاً غیر از قرآن را نمی‌توان قبول نمود چون حدیث کلام رسول‌الله است نه کلام خدا و می‌توان تمامی احادیث را نقد کرد و قبول نکرد؟ در مرحله بعد قرآن را هم نمی‌توان قبول نمود چراکه چه‌بسا نعوذبالله پیامبر ص که فرموده این کتاب از طرف خداوند است از طرف خدا نباشد، که همین مطلب نیز در زمان رسول خدا ص مطرح بوده** و قرآن به این مطلب در سوره الحاقه بین آیات ۴۴ الی ۴۷ اشاره دارد و می‌فرماید: **وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَينَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ**، و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود دست راستش را سخت می‌گرفتیم سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد، لذا به این نتیجه می‌رسیم **این تفکر و امثال آن ازنظر اهل سنت باعث غضب الهی و نزول عذاب می‌باشد و این زلزله‌های پی دی پی و خشک‌سالی و آلودگی هوا و مشکلات معیشتی مردم و.. بی‌جهت نمی‌باشد** و در حقیقت به دلایل مختلف آیه ۶۵ سوره انعام در حق جامعه ما تحقق پیدا نموده است: **قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يبْعَثَ عَلَيكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يلْبِسَكُمْ شِيعًا وَيذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كيفَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يفْقَهُونَ** بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شمارا گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شمارا به بعضی [دیگر] بچشاند بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند (۶۵) لذا باید سریعاً توبه نمایند. نقد رسول‌الله انکار رسول خدا را به همراه دارد و انکار رسول خدا نفرین رسول‌الله را به همراه دارد و نفرین رسول‌الله ص عذاب و خشک‌سالی را به همراه دارد: مسلم در صحیح خود به سندش از ابن مسعود نقل می‌کند که **قریش نافرمانی رسول خدا نمود و از قبول اسلام سرباز زد، پیامبر ص در حق**

آن‌ها نفرین کرد و به خداوند عرض کرد: «بار خدایا! همانند هفت سال یوسف بر آنان قحطی بفرست.» در این هنگام بود که خشک‌سالی شبه‌جزیره حجاز را فراگرفت و کار به‌جایی رسید که مردار می‌خوردند و از شدت گرسنگی و عطش، آسمان را همانند دود مشاهده می‌کردند[1]. باید سریعاً توبه کرد.

ب: اثبات اینکه نقد رسول‌الله ص و امام معصوم ع موجبات دوری برکات خداوند و نزول عذاب و خشک‌سالی و... را به همراه دارد از منظر شیعیان سنتی که ولایت‌فقیه را قبول ندارند -ازنظر این دسته مطلب بسیار واضح است **ولایت اهل‌بیت همان ولایت رسول خداست ولایت رسول خدا ولایت خداوند است و انکار این ولایت موجب عذاب دنیا و آخرت است که در ماجرای شأن نزول آیه سال سائل به عذاب با انکار ولایت در دنیا قبل از آخرت عذاب واقع شد** و نقد امام معصوم مساوی با انکار آنان است و تمامی مطالبی که در بند الف گفتیم در اینجا عیناً تکرار می‌شود. تنها به یک روایت از منابع اهل سنت اشاره می‌نماییم: ابواسحاق نیشابوری در تفسیرش، شأن نزول آیه را در مورد نعمان بن حارث بیان می‌کند و دراین‌باره روایتی را از سفیان بن عیینه نقل می‌کند. وی می‌نویسد: زمانی که سؤال‌کننده‌ای از سفیان بن عیینه از تفسیر گفتار خداوند عزوجل و شأن نزول آیه «سأل سائل به عذاب واقع» سؤال کرد که درباره چه کسی نازل‌شده است؟ سفیان در پاسخ گفت: از مسئله‌ای از من سؤال کردی که هیچ‌کس پیش از تو درباره این مسئله از من چیزی نپرسیده است. پدرم حکایت کرد برای من از جعفر بن محمد، از پدرانش (سلام‌الله علیهم) که چون رسول خدا در غدیر خم بود، مردم را ندا کرده و فراخواند و مردم جمع شدند، آنگاه دست علی را گرفت و فرمود: «**من کنت مولاه فعلی مولاه**»، این گفتار شیوع پیدا کرد و به شهرها رسید و ازجمله به نعمان بن حارث فهری رسید و به نزد رسول خدا ص آمد، درحالی‌که بر روی شترش سوار بود و تا به پیامبر رسید از شتر خود پیاده شد و شتر را خوابانید، آنگاه به پیغمبر گفت: یا محمد! تو از جانب خداوند ما را امر کردی که شهادت دهیم: جز خداوند معبودی نیست و اینکه تو فرستاده و پیامبر از جانب خدایی! و ما این‌ها را قبول کردیم و پذیرفتیم! و تو به ما امر کردی که در پنج نوبت نماز بخوانیم و ما پذیرفتیم! و تو به ما را امر نمودی که زکات اموال خود را بدهیم و ما پذیرفتیم! و تو ما امر کردی که یک ماه روزه بگیریم و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که حج انجام دهیم و ما

---

[1] (مسلم بن حجاج، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۴۲؛ بخاری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۷۳۰)

پذیرفتیم! و پس از این‌ها به این‌ها راضی و قانع نشدی تا آنکه دو بازوی پسر عمویت را گرفته و برافراشتی و او را بر ما سروری و آقایی دادی و گفتی: **من کنت مولاه فعلی مولاه**[۱۳۲]. **آیا این کاری که کردی از جانب خودت بود و یا از جانب خداوند عزوجل؟ پیامبر ص فرمود: سوگند به آنکه جز او خداوندی نیست، این از جانب خدا بوده است. نعمان بن حارث، پشت کرد و به‌سوی شتر خود می‌رفت و می‌گفت: اللهمان کان ما یقول محمد حقا فامطر علینا حجاره من السمآء او ائتنا به عذاب الیم؛ بار پروردگارا اگر آنچه را که محمد می‌گوید، حق است، سنگی از آسمان بر ما ببار و یا آنکه عذاب دردناکی برای ما بفرست. نعمان بن حارث، هنوز به شتر خود نرسیده بود که خداوند سنگی از آسمان بر او زد و آن سنگ بر سرش خورد و از پشتش خارج شد و او را کشت و خداوند عزوجل این آیه را فرستاد: ـ سأل سآئل به عذاب واقع** [۱] **ـ پس ازنظر این دسته نیز این تئوری مقدمه عذاب است.**

ج: اثبات اینکه تئوری نقد پیامبر و امام معصوم و مخالفت عملی با ولی‌فقیه و زیر سؤال بردن امام معصوم با هدف زیر سؤال بردن ولی‌فقیه جامع شرایط موجبات نزول بلا بر آن جامعه را فراهم میاورد، از منظر شیعیانی که قائل به تشکیل حکومتِ دینی ولایت‌فقیه هستند-مضافا بر دو بند بالا طبق مبانی مورد قبول این دسته، **ولایتِ ولیِ فقیهِ جامع شرایط، در طول ولایت اهل‌بیت و پیامبر و خداوند می‌باشد و مقابله با این ولایت مقابله باخدا و رسول و اهل‌بیت می‌باشد، طبق این نظریه فرد و شخص ولی‌فقیه از دو جنبه موردبررسی قرار می‌گرد ازلحاظ شخص و شخصیت، آنچه مهم است شخصیت می‌باشد و این جنبه است که به او جنبه تقدسِ الهی می‌دهد کما اینکه تمامی علماء و مؤمنین ازاین‌جهت مهم و مقدس بوده و هستند.** ولی فقیه ناقل و حاکی کلام معصوم است و مخافت با او مخالفت با خدا و رسول خدا ص است، که روایت حتی در مورد مؤمن می‌فرماید: **المؤمنُ اعظمُ حرمه من الکعبه**[۱۳۳] حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است. و زمانی که به فردی از این حیثیت توهین شود خداوند از او با تمامی توان

---

[۱] (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰ / ۳۵)

حمایت می‌کند که قرآن می‌فرماید: **ان الله یدافع عن الذین آمنوا**[۱۳٤]**، ما در جملات جناب آقای روحانی اجازه نقد رسول‌الله و ائمه معصومین را صریحاً شاهد هستیم که در بند الف و ب اثبات نمودیم که این تئوری نزول عذاب را به همراه دارد، اما طبق عقیده قائلین به ولایت‌فقیه در آن کلمات تلویحاً این بحث مطرح‌شده که جامعه به‌نقد رهبر انقلاب بپردازد که طبق نظر این گروه باز شدن این باب عذاب الهی را به همراه دارد** و این مطلب بسیار روشن است که عملکرد و گفتار ایشان با سیاستهای تبیین شده از جانب رهبر انقلاب مخالف است مانند جریان برجام و اسلام رحمانی و اعتماد و تکیه بر غرب و ...، **هدف ایشان از طرح این بحث چه بوده است؟ آیا می‌خواهند مشکلات عدم به نتیجه رسیدن دولت را بر دوش رهبر انقلاب بیندازد؟ آیا هدف این است که مشکلات را به‌پای اسلام بیندازد؟** ما در بحث‌های آینده عمده مباحث و عملکرد دولت را بررسی خواهیم نمود و اثبات می‌کنیم: **تئوری‌ها و عملکردهای ایشان نه اسلامی بوده است و نه مطابق با فرمایشات رهبر انقلاب می‌باشد،** اگرچه که ایشان شاید تلاش کنند که به گونه دیگری ادعا کنندو این مطلب نیز واضح است، ما اعلام می‌کنیم **اولاً مشکلات ما از اسلام نیست، ثانیاً این‌گونه هم نیست که آقای روحانی و تیم ایشان اسلام را بهتر فهمیده باشند که اگر به آن عمل نماییم نجات پیدا نموده بودیم ثالثاً: تاکنون هم ایشان به آنچه اعتقاد دارند عمل نموده‌اند و نه چیز دیگری، بله طبق آنچه مشهود است آقای دکتر روحانی همه را نقد می‌نمایند و امیدواریم حداقل در آینده به کلام منتقدین گوش فرا دهند،** دیدیم که ۴ سال وقت این ملت با برجام بر باد رفت و تنها مدال افتخار برای ما حاصل گردید، بله **آقای روحانی در سخنرانی خود این پیام را به جامعه دادند که ما معصوم در این جامعه نداریم و همه باید نقد شوند و تلویحاً اعلام کردند باید رهبر انقلاب نقد شوند، درحالی‌که در بیشتر مسائلی که آقای روحانی مطرح کرده و عمل می‌کنند ما بویی از اسلام ناب نمی‌بینیم** ایشان در خوش‌بینانه‌ترین حالت اسلام را به‌گونه‌ای می‌شناسند که شریعتی از اسلام شناخت دارد که همه در سخنرانی ایشان دیدیم که استناد ایشان بجای اینکه به عالمی برجسته باشد به صحبت‌های آقای دکتر شریعتی بود، آیا شریعتی یک اسلام‌شناس است؟ اصلاً شریعتی خوب آیا کلام او مورد استناد است و یا کلام علمای ما و یا کلام اهل‌بیت ع و قرآن؟ اینجا لازم است به این سؤال پاسخ دهیم **چرا رهبر انقلاب دامت برکاته در مقابل آقای روحانی موضع نگرفتند؟** جواب این است که **پرچم‌دار حفظ و صیانت از خدا و ائمه معصومین، ولی فقیه است که در جریان**

سلمان رشدی این موضع‌گیری را دیدیم که امام ره فرمودند: بسمه تعالی إنا للّه و إنا إلیه راجعون - به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشرشده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. **از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آن‌ها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء اللّه. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد .** والسلام‌علیکم و رحمة اللّه و برکاته 25 .بهمن ۱۳۶۷- و در تاریخ 29بهمن ۱۳۶۷ اطلاعیه‌ای از دفتر امام صادر شد به این صورت: بسمه تعالی رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسئولین نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه کند حکم اعدام درباره او لغو می‌گردد. امام خمینی- مدّ ظلّه- فرمودند : این موضوع صد در صد تکذیب می‌گردد. **سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمآن‌هم گردد، بر هر مسلمان واجب است باجان و مال تمامی همّ خود را به کار گیرد تا او را به دَرک واصل گرداند.** حضرت امام اضافه کردند : **اگر غیرمسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریع‌تر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به‌عنوان جایزه و یا مزد عمل به او بپردازند.** سند khamenei.ir و یا در جریان اوشین نیز جریانی مشابه وجود دارد، ما در برابر واکنش رهبر انقلاب نیز به جریانات ضد اسلامی مانند جریان قرآن سوزی توسط تِری جونز نیز از رهبر انقلاب دامت برکاته مسائلی دیده‌ایم **اما این مسئله (زیر سؤال بردن پیامبر خدا و ائمه معصومین با هدف زیر سؤال بردن ولایت‌فقیه) با امثال آن مسئله فرق دارد، در اینجا هدفِ اصلی خودِ ولیِ فقیه است، لذا در این مقام برای دفاع از حریم ولایت باید دیگران اقدام نمایند** لذا لازم است علما و حوزه و علمیه و طلاب واکنش لازم را نشان داده کما اینکه **در تاریخ زمانی که حضرت علی ع را زیر سؤال می‌بردند یاران او اقدام به دفاع می‌نمودند.** نکته مهم دیگر: **اگر ما اجازه نقد امام معصوم را داریم و نقد مفید است ما تمامی افکار و رفتار آقای روحانی را باید موردبررسی قرار دهیم و این مطلب چیزی است که خود آقای روحانی ما را به**

آن دعوت نمودند، کلام و افعال آقای روحانی من الله نیست پس ما می‌توانیم نقد کنیم و رد نماییم و قبول ننماییم، ما تا اینجا از سه منظر دینی اثبات نمودیم که تئوری فکری آقای روحانی مردود بوده و طبق مبانی مورد قبول این سه دسته باید ازاین‌گونه کلمات توبه کرده و الا شرایط نزول بلا برای ما فراهم آمده است و جامعه ما به هدف و ثمره‌ای قابل‌توجه دست نخواهد یافت.

د: اثبات اینکه ازنظر دانشگاه تئوری فکری آقای روحانی بسیار خطرناک بوده و هیچ راه نجاتی با رویه موجود برای فردای ملت فراهم نمی‌باشد: ازلحاظ علمی نیز دستاوردهای فردای آقای روحانی برای جامعه ما همان چیزی را به دنبال خواهد داشت که عمل دیروز آقای روحانی برای امروز ما به همراه داشته است، **عملکرد دیروز آقای روحانی معامله با غرب بود که این معامله تنها برای ما از دست دادن زمان را به همراه داشت؛ تحریمی برطرف نشد و چرخ سانتریفوژ ما که می‌چرخید نیز متوقف شد حال در فردای پیش رو چه چیزهایی متوقف می‌شود؟ و ما امثال این مطلب را در سخنرانی‌های دانشجویان در مقابل آقای دکتر روحانی نیز شاهد بوده و هستیم. پس نتیجه می‌گیریم در جامعه ایران افراد مذهبی و دانشگاهیِ عالم، اعتمادی به آقای روحانی ندارند و تنها کسانی به ایشان اعتماد دارند که از مذهب و علم بی‌بهره هستند و یا بی اطلاعند و جریانات را نمی‌دانند.**

قطره ۸۶-نقد سخنان دکتر روحانی در باره نقد امام معصوم، به همراه کلماتی چند از سید حسن اقا میری در انکار نمودن و منتفی بودن حکم قصاص در این زمان ۹۶/۱۱/۱۰

مقدمه در فیلم منتشرشده از جناب آقای دکتر حسن روحانی ایشان فرمودند: **ما در کشور معصوم نداریم مگر اینکه یک‌وقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آن‌وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد، روبروی پیغمبر می‌گفت: اَ من الله اَم منک؟ این حرفی که می‌زنی نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «منّی»**

طرف مقابل انتقاد می‌کرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معصوم هم نقد را داریم-

ضمن تشکر از جناب آقای دکتر حسن روحانی که باب جدیدی را در نشر معارف شیعی باز نمودند ما هم طبق فرمایشات شما اقدام به‌نقد همین سخنان می‌کنیم تا بتوانیم از این طریق به مسیر صحیح رهنمون گردیم:

۱ سؤال: **در کجای تاریخ آمده است که کسی به رسول‌الله عرض نموده باشد: ام من الله ام منک (این سخن از طرف خداست و یا از طرف تو) و بعد رسول گرامی اسلام فرموده باشد منی؟** ما در جریان نزول عذاب بر آن شخص بعد از غدیر خم در تاریخ‌داریم که گفت ولایت علی ع از طرف خداست و یا از طرف تو؟ و پیامبر فرمودند از طرف خدا و بعد آن شخص که قبول نکرد عذاب نازل شد درشان نزول **سال سائل به عذاب**[۱۳۵]

۲ اگر قرار باشد هر آنچه در زمان رسول گرامی اسلام ص در منظر رسول‌الله توسط هر شخصی انجام گرفته باشد برای ما ملاک عمل باشد، خوب **در زمان رسول‌الله ص بسیاری هم به پیامبر ص توهین می‌کردند و اتفاقاً از صحابه هم بودند، خوب در این صورت ما باید جواز توهین به پیامبر را هم صادر کنیم** آیا از طرف یک مسلمان این مطلب قابل‌قبول است؟ [۱۳۶]

۳ اگر این سؤال از جانب مخاطبین پیامبر ص پذیرفته باشد که کسی سؤال کند که این مطلب را که میگویی از جانب خداست و یا از جانب خودت، امروز بنده **در مقابل تمامی احادیث شیعه و سنی این سؤال را قرار می‌دهم که این سخن رسول‌الله ص از طرف خدا بوده و یا از طرف خود رسول‌الله ص بوده است و تا اثبات نشود حدیث از جانب خدا بوده است آن را نمی‌پذیرم**، سؤال: آیا عالمی هست که بتواند اثبات نماید که تمامی احادیث رسول‌الله از جانب خدا بوده و ما مأمور به پذیرش آن هستیم و اگر با دلیل عام قرآنی اثبات شود که کلام رسول‌الله از جانب خداست واجب التبعیت است آیا دیگر جای این دارد که ما اجازه دهیم که کلام رسول خدا را نقد کنیم و این سؤال را مطرح نماییم که کلام رسول خدا من الله است و یا از جانب رسول‌الله ص است؟

۴ شیعه و سنی قول رسول‌الله را واجب التبعیت می‌دانند، یعنی حدیث را واجب التبعیت می‌دانند، پس این تئوری که می‌توان در کلام رسول‌الله خدشه وارد کرد و

آن کلام را نقد کرد مربوط به چه تفکری است؟ ما در بین مسلمانان چنین چیزی را سابقه نداریم، اگر رسول‌الله چیزی بیان داستند باید قبول کرده و عمل نماییم، حتی خوارج هم قول پیامبر ص را حجت می‌دانند و اجازه نقد نمی‌دهند.

۵ نقد یک شخصیت چه زمانی صورت می‌گیرد؟ زمانی که احتمال دهیم او قول و یا فرمان او اشتباه و یا ضعیف می‌باشد، سؤال این است آیا کسی می‌تواند احتمال دهد کلام و یا فعل پیامبر اشتباه است و یا در میان امت کسی وجود دارد که بهتر از او ص سخن گوید و بهتر از او ص عمل نماید؟

۶ اگر ما احتمال دهیم پیامبر اشتباه می‌کند اجازه داریم او را نقد نماییم، **آیا احتمال اشتباه در کلامِ پیامبر ص، پیامبرِ بودنِ رسول‌الله و ارتباط با خدا را زیر سؤال نمی‌برد؟** اگر احتمال اشتباه وجود دارد دیگر پیامبر خدا نیست، **اگر کسی در ادعای پیامبر بودن پیامبر نقد وارد کند چه باید کرد؟** اگر کسی هم معجزه را دلیل بر نبوت بیاورد و او جواب دهد معجزه نبوده است بلکه از قدرت بالای روح و نفس پیامبر ص بوده است چه باید گفت؟ و این مطلب را گفته‌اند.

۷ اگر احتمال اشتباه در پیامبر اسلام ص وجود دارد، در همه‌چیزی که از پیامبر به ما رسیده است احتمال اشتباه وجود دارد و یکی از چیزهایی که از وجود نازنین پیامبر به ما رسیده است قرآن است، سؤال‌کننده همان احتمال را در مورد قرآن مطرح می‌نماید و می‌گوید من نقد دارم در مورد قرآن: او می‌گوید محمد ص آن را آورده و بعد گفته از جانب خداست من به دلایل مختلف میگویم شاید از طرف خدا نباشد، آن‌وقت با این ترتیب قرآن زیر سؤال نمی‌رود؟

۸ فرضاً یک نفر در زمان جاهلیت در معرض رسول خدا گفته باشد: اَ من الله ام منک، سؤال این است من **چرا بیایم آن عرب جاهلی را که مطمئناً انسان نادان و جاهلی است را ملاک خود قرار دهم؟** چرا در بین صحابه رسول‌الله کسانی را ملاک قرار ندهم حتی که در محضر رسول‌الله صدایشان بلند نمی‌شد؟ آیا عمل صحابه برای ما حجت است؟ **آیا هر عملی که در زمان پیامبر خدا ص انجام‌شده برای ما حجت می‌باشد؟** خوب بعضی هم دندان پیامبر ص را شکستند.

۹ اگر کسی در امت اسلام پیدا شود که بتواند رسول خدا را نقد نماید و حرفی درست‌تر از رسول خدا ص بزند چرا رسول خدا ص واجب التبعیه باشد؟ چرا آن شخص دیگر بالاتر نباشد؟ **چرا ما از رسول خدا تبعیت نماییم؟**

۱۰ فرض کنیم ما اجازه نقد پیامبر ص را داشته باشیم: **اگر پیامبر را نقد کردیم و پیامبر جواب داد ولی ما قانع نشدیم در اینجا تکلیف چیست؟ آیا منجر به انکار رسول‌الله ص نمی‌شود؟**

۱۱ فرض کنیم پیامبر مطلبی فرمودند و شخص سؤال کرد: ا من الله ام منک (آیا از طرف خدا است و یا خود شما)، بعد پیامبر فرمود منی (از طرف خودم است) آیا در اینجا قول پیامبر باید تبعیت شود و یا ما باید آن کلام را موردبررسی قرار دهیم؟ اگر بخواهیم و بررسی کنیم و بعد قبول ننماییم در اینجا مخالف قرآن عمل ننموده‌ایم؟ چراکه قرآن ما را به تبعیت بی‌چون و چرا و بدون بررسی از رسول خدا دعوت می‌نماید و آیات زیادی در اینجا وجود دارد: مانند **اطیعوا الله و اطیعوا الرسول**[۱۳۷]- **فَلَا وَرَبِّک لَا یؤْمِنُونَ حَتّیٰ یحَکمُوک فِیمَا شَجَرَ بَینَهُمْ ثُمّ لَا یجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمّا قَضَیتَ وَیسَلِّمُوا تَسْلِیمًا**[۱۳۸]- **مَا ضَلَّ صَاحِبُکمْ وَمَا غَوَی وَمَا ینْطِقُ عَنِ الْهَوَی إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْی یوحَی عَلَّمَهُ شَدِیدُ الْقُوَی** [۱۳۹]

۱۲ در بین تمامی ادیان الهی اثبات شده است که وقتی پیامبرشان چیزی فرمود واجب التبعیه می‌باشد **و هیچ‌کدام از ادیان الهی نگفته‌اند ما زمانی قول پیامبر را قبول می‌کنیم که از طرف خدا باشد و اگر از طرف خدا نبود باید بررسی کنیم.**

۱۳ فرض کنیم پیامبر خدا کلامی را فرمودند و بعد کسی سؤال کرد اَ من الله ام منک و بعد پیامبر خدا فرمودند مِنّی، این کلام از جانب خود من می‌باشد، بعد بین پیامبر و آن شخص بحث شد و بحث بی‌نتیجه ماند و بنده که نظاره کننده هستم و نفهمیدم حق با چه کسی است، در اینجا باید چه کنم؟

۱۴ اگر کلام آقای روحانی درست باشد که ما معصوم نداریم و همه را باید نقد کرد، سؤال می‌کنیم، آیا همین کلام شمارا می‌توان نقد نمود؟ جواب مثبت است، لذا ما این کلام را نقد می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم که بعضی از کلمات را نمی‌توان نقد کرد و معصوم داریم، مگر اینکه آقای روحانی خود را معصوم بداند، که در این صورت نمی‌توان نقد نمود واجب التبعیت است که در این صورت بازهم باید نقد کنیم چون می‌فرمایند معصوم هم باید نقد شود.

۱۵ آقای روحانی فرمودند ما در جامعه معصوم نداریم و همه را باید نقد کرد مگر جایی که کلام من الله باشد: **با این معیار آیا تمامی فقها و مجتهدین زیر سؤال نمی‌روند، چراکه ما در مقابل تمامی رساله‌های مراجع همین سؤال را قرار می‌دهیم، این رساله را معصوم نوشته است؟** جواب منفی است، پس می‌توان تمامی رساله‌ها را نقد نمود و باب تقلید از علماء را تعطیل نمود، باهمین منوال می‌توان کلام تمامی علماء را نیز تعطیل نمود.

۱۶ اگر تنها کلام معصوم (یعنی تنها کلام خدا و اهل‌بیت ع) واجب التبیعه باشد، لازمه این حرف این است که در این جامعه از کلام هیچ‌کس نباید تبعیت کنیم، چراکه در این جامعه ما معصوم نداریم و کلام همه باید نقد شود و آنچه دیده‌ایم در بین گفتمان بین آتئیسم‌ها و اهل توحید، گفتمان بین مسیحیت و یهود و اسلام، گفتمان بین فرق مختلف اسلام، گفتمان بین فرق انحرافی، گفتمان بین چپ و راست در ایران و بین تمامی گفتمان‌ها تاکنون هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده‌اند، لذا در وضعیتِ کنونیِ جامعه نیز نمی‌توانیم به عمل و راه مشخصی برسیم و باید در بی تکلیفی بمانیم، مضافاً بر اینکه اگر بتوان در هنگام ظهور نیز امام معصوم را نقد نماییم در آن زمان نیز نمی‌توانیم به نتیجه برسیم و در بی تکلیفی همیشه باقی می‌مانیم.

۱۷ اگر همه‌چیز را می‌توان نقد نمود حتی معصوم را سؤال می کینم چرا خدا استثناء باشد، خوب خدا را هم می‌توان نقد کرد کما اینکه ابلیس فرمان خدا را نقد کرد و کشف نمود که خدا اشتباه می‌کند که خدا فرمان داده است به آدم سجده کند و ابلیس به کلام خودش عمل نمود و گفت خدا اشتباه می‌کند.

۱۸ اگر همه‌چیز را می‌توان نقد نمود حتی امام معصوم را سؤال می‌کنیم **چرا قرآن را نقد نکنیم، شاید ما کتابی بهتر از قرآن را برای زندگی این زمان توانستیم پیدا کنیم، کما اینکه خیلی اقدام به این مطلب نمودند** متن زیر کلمات حسن آقا میری است که ایشان از منبری‌های خانم ابتکار معاون جناب آقای دکتر روحانی هستند و از این دست مطالب بسیار دارند-متن سخنان: **قصاص با فطرت نمی سازه، همه میگن (قصاص) نکنیم؛ چون این نسخه مال تو نیست. (این نسخه برای زمان پیامبر بوده، نه الآن)... تو این جامعه، بخشش واجبه. تو قاتل نشو، تو تخته از زیر پای کسی نکش، در جامعه بخشش حیاته. آمدند بعد از پیامبر چی کار کردند؟ نظم این قرآن را به هم زدند، یعنی ما نمی‌دانیم قرآن از کجا شروع کرده است، کجا ختم کرده است، نمی‌دانیم نسخه اول چیست؟ نسخه دوم چیست؟ نسخه سوم چیست؟ نسخه چهارم**

چیست؟ توضیحات پیامبر از بین رفته است، شأن نزول‌ها هم از بین رفته است، گفت لکل مقالٍ مقام، هر صحبتی جایی دارد اگر صحبت را در جای خودش ندانیم اصلاً نمی‌توانیم بفهمیم، فهم نمی‌شود. **بابا یک قرآنی درست شده است این قرآنی که دست ماست، بنی‌امیه و بنی‌عباس پانصدسال با این حکومت کردند، آن قرآنی که حضرت امیر جمع کرد که بدرد کسی نمی‌خورد، چون نمی‌شد با آن لِفت و لیس کنی، نمی‌شد با آن از گرده مردم بار بکشی، نمی‌شد هوی و هوس را باهاش خالی کنی، آن قرآن واقعاً به درد کسی غیر علی نمی‌خورد و کسی که می‌خواهد راه علی را برود. آن قرآن که نمی‌شود ازش سو استفاده کرد، برای همین گفتند: ما آن را نمی‌خواهیم. برداشتیم نظم آیات را به هم زدیم، شماره صفحه‌ها را هم پاک کردیم، شماره نسخه‌ها را هم پاک کردیم، نمی‌دانیم مرحله چندم است می‌گوید و فی القصاص حیات خب راست می‌گوید و فی القصاص حیات کی؟ کجا؟ در کدام جامعه؟ در جامعه‌ای که صد تا را بجای یک نفر می‌کشتند، قصاص حیات است؟ ببینید** خیلی بد است که ما درس‌هایی که در قرآن هست را اصلاً بهش توجه نکردیم، درس‌هایی که حضرت آدم به ما داده است می‌فرماید **و آتل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق**[۱۴۰]، داستان بچه‌های آدم را برایشان بگو هنگامی که هرکدام کاری برای تقرب به پروردگار انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر گفت به خدا سوگند تو را خواهم کشت برادر دیگر گفت من چه گناهی دارم زیرا خدا تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد اگر تو دستت را دراز بکنی برای اینکه مرا بکشی **ما انا بباسط یدی الیک**[۱۴۱]، من دست دراز نمی‌کنم برای کشتن تو، چراکه من نمی‌خواهم قاتل بشوم. حاج آقا خود قران گفته است، عزیزم این را کجا گفته است؟ **علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید قصاص، حیات است برای جامعه مُنحَط برای جامعه‌ای که کفران نعمت می‌کند، برای آن جامعه که در مقابل یک نفر صد نفر را می‌کشد حیات است اما جامعه‌ای که با مکارم اخلاق رشد کرده است قطعاً در آن جامعه باید بخشید، فقط باید بخشید، چرا؟ چون تو قاتل نشو، هابیل به قابیل گفت من قاتل بشو نیستم ولو تو مرا بکشی من قاتل نخواهم شد من نمی‌خواهم قاتل باشم فقط باید بخشیدعلامه طباطبایی در المیزان می‌گوید تو جامعه منحط، جامعه‌ای که کفِ درّه است، برای یک نفر صد نفر را می‌کشد در آن**

جامعه قصاص حیات است، جامعه‌ای که پای روضه امام حسین بزرگ شده است امام حسینی که حر را بخشیده است، جامعه‌ای که پای این حسین گریه کرده است، **در این جامعه قصاص حیات است؟ خب تو می‌شوی قاتل که در این جامعه بخشش حیات است، بخشش واجب است، بخشش قصاص است.** آن نسخه‌ای که پیغمبر داد مال جامعه‌ای داد که قاتل بودند، مال آن‌هایی که صد تا را می‌کشتند، نه برای خودش، می گویم: بابا قرآن است، ولی این آیه مال کجا آمده است؟ مال کدام جامعه؟ کدام مرحله است؟ از وسط داستان یک‌چیزی را گرفتیم یک نسخه‌ای از وسط این برگه‌ها برداشتیم بدون شماره صفحه بدون اینکه در مرحله چند است. بعد می‌گوییم: آقا آیه قرآن است دیگر. خُب آیه قرآن توضیح دارد، آیه قرآن تفسیر دارد، آیه قرآن شأن نزول دارد، آیه قرآن توضیح پیامبر باهاش است، اگر نباشد چی؟ نباشد نمی‌توانیم بگوییم حکم خداست، باید احتیاط کنی، نمی‌توانی عمل کنی بهش، این نسخه مال تو نبوده، تویی که صحیفه سجادیه داری، تویی که ابوحمزه ثمالی می‌خوانی، تویی که کمیل می‌خوانی، نمی‌توانی این جوری باشی تو، تویی که پای سفره نهج‌البلاغه هستی، این حکم مال تو نیست، ولی چون به هم زدیم داستان قرآن را، معلوم نیست، فکر می‌کنیم مخاطب این آیه تویی، مخاطب تو نیستی، نمی‌توانی این جوری باشی - **چون توضیحات پیامبر نیست، چون نظمش به هم خورده است، چون از اهل‌بیت جداشده است، شده ابزار دست داعش که به اسم این آدم بکشد، مگر قصاص نیست، خب نمی‌سازد با فطرت، همه می‌گویند: نکنیم این کار را. چون این نسخه مال تویی نیست که روضه‌خوان امام حسین هستی، امام حسین، شمر روی سینه‌اش نشسته بود با چکمه، امام حسین بهش می‌گوید به مادرم فاطمه شفاعتت می‌کنم، پاشو برو، نمی‌گوید دستت خشک شود، خانم زینب آن بابا را نفرینش نمی‌کند. - با ضمن پوزش ما نقد این مطالب در ضمن چند سخنرانی ویژه نامه انجام داده‌ایم-**

قطره ۸۷- چند نکته در رابطه باران و برف‌ها در تاریخ ۹۶/۱۱/۰۸ و ادامه خشک‌سالی، خشک‌سالی مقوله‌ای است و بارش باران و برف مقوله‌ای دیگر، گاهی درخت با عدم آب خشک می‌شود و گاهی با یخ زدگی ۹۶/۱۱/۱۲

۱ متأسفانه **جامعه ما در حوزه آب بسیار کم سواد می‌باشد** و با کوچک‌ترین شبه‌ای از میدان خارج می‌شود، درحالی‌که ما ایرانیان در حوزه علوم مربوط به آب پیش تاز بشریت بوده‌ایم

ولی هم‌اکنون ...، نمونه آن‌همین جریان برف و باران در این تاریخ است که **عوام‌الناس فکر می‌کنند دیگر خشک‌سالی وجود ندارد و یا دیگر ما مشکل آب نداریم و یا حتی اینکه خشک‌سالی نسبت به سال‌های گذشته کمتر شده است.**

۲ ما در پیرامون بحث ربا (قطره ۷۶) اعلام نمودیم در الگوی نزول عذاب هستیم و آیه ۶۵ سوره انعام در حق جامعه ما تحقق پیدا نموده است که می‌توانید به قطره‌های ۷۹ و ۷۸ مراجعه نمایید و در قبل نیز بحث **سرما و باران غیرمنتظره را مطرح نموده بودیم**، در لسان روایی ما به‌عنوان **مَطَرُ السوء (باران بد- باران ضربه زننده- باران بی‌موقع)** مطرح می‌باشد که در بعضی از متونی که از انبیاء در دستان ما می‌باشد به این مطلب اشاره شده است و **در علوم کشاورزی نیز جابجایی گرما و سرما در زمستان‌یکی از آفت‌های مخرب کشاورزی می‌باشد،** در ابتدای زمستان سال ۹۶ شاهد هوای گرم بودیم که بعضی از درختان نیز شکوفه دادند و حال با این سرما و برف چه بر سر آن‌ها آمده خدا می‌داند، سؤالی که اینجا مطرح است اینکه: **هجوم این هوای سرد و بارش برف برای باغدار ما مفید بوده و یا اینکه این هوای سرد و برف مضافاً بر خشک‌سالی برای جامعه کشاورز ما ضرری دو چندان را به همراه داشته است؟** عقیده ما این است: **این برف و سرمای بعد از گرمای اوایل زمستان عذابی مضاف بر عذاب گذشته است که باید منتظر باشیم تأثیر آن را بر باغداری ببینیم که چه تأثیری بر محصولات کشاورزی داشته است؟ خبرهایی از قبیل سرمازدگی و یخ زدگی درختان، خشک شدن درختان از سرما، از بین رفتن محصولات درختان...**

۳ ما فرض می‌کنیم که این سرما بعد از گرمای اوایل زمستان عذاب نباشد و برای ما منفعت داشته باشد: سؤال این است که: **آیا با این نزولات خشک‌سالی ایران برطرف شد؟ بحث ما بر سر نزول و یا عدم نزول باران و برف نبوده و نیست، بحث ما بر سر خشک‌سالی و عذاب الهی است،** مطمئناً خشک‌سالی ایران در ۶۷ سال گذشته بی‌نظیر بوده و هست و مطمئن باشید **از عجایب این زمان این است که هم خشک‌سالی بی‌نظیر بوده و هم برف و سرما در دل خشک‌سالی که زیان زننده باشد بی‌نظیر می‌باشد، یعنی کشوری که در خشک‌سالی بی‌سابقه قرار داشته باشد آنگاه از سرما و برف هم ضرری مضاعف ببیند،** به یک معنی محصول کشاورزی با خشک‌سالی

تقلیل یابد و مقدار دیگری نیز با سرما از بین رود و بارها گفته‌ایم که **در وحشتناک‌ترین و بی‌ثبات‌ترین وقایع اقلیمی بشریت واردشده‌ایم که نمونه‌های آن به مرور زمان در حال آشکار شدن می‌باشد،** یکی از این بی‌ثباتی‌ها که برای همه آشکار شد گرمی هوا در ابتدای زمستان و شکوفه دادن بعضی از درختان و سرما و برف بعدازآن و از بین رفتن ثمره درختان می‌باشد.

۴ باید توجه داشته باشیم که: **معیار خشک‌سالی و بیرون رفت از خشک‌سالی چیست؟**

الف: اگر در ۹ ماه سال یعنی پاییز، زمستان و بهار به‌صورت متناسب برف و باران نداشته باشیم در خشک‌سالی واقع‌شده‌ایم که این مطلب مشهود همگان است، مقدار ریزش باران در سال ۹۶ در ماه‌های مهر، آبان، آذر، دی در طول ۶۷ سال گذشته کم باران‌ترین بوده و باید ببینیم در این ۵ ماه آینده چه می‌شود؟

ب: اگر مقدار نزولات آسمانی و مقدار مصرف ما متناسب نباشد ما در خشک‌سالی قرار داریم که طبق این معیار ماسال‌هاست در خشک‌سالی هستیم و این روند در امسال شدت یافته است، یعنی شیب نموداری خشک‌سالی سرعت بیشتری پیداکرده است برای آگاهی از این مطلب ما باید: مقدار آب مورد نیاز روزانه مردم را حساب کنیم که میانگین مقدار نیاز ۸۰ میلیون ایرانی در روز می‌شود ۱۶ میلیارد لیتر که این عدد را باید در ۳۶۵ ضرب شود که می‌شود آب مورد نیاز مردم ایران در طول یک سال، باید مقدار آب مورد نیاز جنگل‌ها و دشت‌ها و حیوانات نیز حساب شود، باید مقدار آب مورد نیاز صنعت و کشاورزی و خانه‌سازی نیز حساب شود و نیز مقدار تبخیر و هدر رفت آب نیز حساب شود تا مقدار آب مورد به دست آید، سؤال این است **آیا ما به این اندازه نزولات آسمانی داشته و داریم**؟ جواب مطمئناً منفی است.

ج: اگر روند بیابان‌زدایی و خشک شدن چاه‌ها و قنات‌ها و دریاچه‌ها و رودها و رودخانه‌های ما با این نزولات متوقف شده باشد نشانه این است که خشک‌سالی به ثبوت رسیده و شدت پیدا نکرده است در غیر این صورت روند خشک‌سالی رو به افزایش است، با این معیار سؤال می‌کنیم: **آیا در سال ۹۷ روند خشکی کنترل میابد و یا اینکه بازهم با شدت بیشتری سفره‌های زیرزمینی خالی‌تر، دریاچه‌ها خشک‌تر و چاه‌ها عمیق‌تر می‌شوند؟** باید منتظر باشیم و ببینیم آنچه ما میگوییم این است که با روال گذشته خشکی بیشتری در همه‌چیز و همه‌جا در انتظار است، **خشک‌سالی تابستان از خشکی پاییز و زمستان و بهار است.**

د: یکی از معیارهای خوب برای سنجش ادامه و یا عدم روند خشک‌سالی پایین رفتن آب و عمیق‌تر شدن چاه‌ها می‌باشد، آیا ما در سال ۹۷ شاهد عمیق‌تر شدن چاه‌ها نخواهیم بود؟ آنچه ما میگوییم **عمیق‌تر شدن چاه‌ها و پایین‌تر رفتن آب می‌باشد، آیا کشاورزان می‌توانند برای کشاورزی چاه جدید حفر کنند؟**

۵ خشک‌سالی مقوله‌ای هست و نزولات آسمانی باران و برف مقوله‌ای دیگر است، هم‌اکنون نزولات آسمانی داریم ولی در خشک‌سالی عظیمی هستیم.

۶ بارش باران و نزول عذاب دو مقوله می‌باشد که ما در بحث ربا و نقد امام معصوم و گناه مطرح نموده‌ایم که **جامعه ما در الگوی نزول عذاب است حال این عذاب گاهی در قالب عدم نزول باران و آلودگی هوا و ریزگرد و بیماری‌های مختلف می‌باشد، گاهی به‌واسطه سرما و برف و مشکلات هجوم چندروزه توده هوای سرد و از بین رفتن کشاورزی و جاری شدن سیل و خرابی‌های ناشی از آن می‌باشد، آیا گرمی زمستان و شکوفه دادن درخت و بعدازآن هجوم یک‌باره باران و برف برای کشاورز مفید است یا خیر؟ گاهی درخت به علت نبود آب خشک می‌شود و گاهی به‌واسطه سرما و یخ زدگی خشک می‌شود.**

۷ نزولات آسمانی برف و باران کم شده و هوا گرم‌تر شده و مقدار فصول سرد کمتر شده و در عوض گرما بیشتر شده است و مقدار تبخیر آب شدت یافته است، سؤال این است **آیا با بارش مقدار برف و باران حتی خشک‌سالی کنترل شده است؟** صدمات ماه‌ها و سال‌های گذشته را چگونه جبران کنیم؟ چقدر از این نزولات در چند روز آینده دوباره با گرمای شدید هوا تبخیر می‌شود؟ چقدر از این نزولات آسمانی برای ما ثمره مفید خواند داشت؟

۸ هرچقدر مقدار نزولات آسمانی برف و باران با مقدار احتیاج ۸۰ میلیون ایرانی تناسب نداشته باشد و کمتر باشد همان مقدار در خشک‌سالی قرار داریم.

۹ باید بدانیم **خشک‌سالی مربوط به شهر نیست که بگوییم شهر باران آمد و لذا خشک‌سالی نیست** اگرچه که عدم باران و برف و باد در شهر باعث بروز مشکلات آلودگی هوا و ... می‌شود ولی **اصل در خشک‌سالی مربوط به روستاها می‌باشد، این روستا است که باید آب داشته باشد تا غذا و مواد اولیه پوشاک و میوه و تره‌بار مردم را تأمین کند.** سؤال این است آیا با این بارش‌ها آب مورد نیاز سال ۹۷ مردم روستانشین را تأمین شده است؟

۱۰ فرض کنیم تمامی روستاهای غربی کشور باران و برف متناسب نازل‌شده باشد، سؤال این است تکلیف نیمه شرقی کشور چه می‌شود؟ آنچه در تاریخ دیده‌شده این است که خشک‌سالی در یک منطقه باعث هجوم آن منطقه به سایر نقاط می‌شود و نقاطی که آب کافی دارند نیز به مشکل آب برخورد می‌نمایند که اصلاً **جنگ آب که به‌عنوان جنگ جهانی سوم است از این مقوله می‌باشد: نقاطی که آب‌دارند به علت هجوم مردم آشوب می‌شود و همه باهم درگیر می‌شوند**، در کشور هند تمامی کشور وارد بحران شد چراکه ماندیل که یک شهر ۳۰۰ هزار نفره است به مشکل برخورد نمود و آن ۳۰۰ هزار نفر به شهرهای اطراف رفتند و سلسله وار جمعیت به شهرهای مختلف رفتند و این‌گونه تمامی هند به مشکل برخورد نمود، سؤال این است آیا تمامی شهرها و استان‌های ما ریزش باران داشته‌اند؟ آیا خشک‌سالی در همه‌جا مهار شد؟ که به‌زودی خواهیم دید که خشک‌سالی در هیچ جا مهار نشده است حتی درجاهایی که برف باریده است. **آیا خشک‌سالی یک منطقه برای کل کشور خطرناک نمی‌باشد و زمینه بروز اختلاف قومی و استانی و تجزیه ایران را فراهم نمیاورد؟ آب همانند هوا می‌باشد اگر دائماً در دسترس نباشد و به مقدار نیاز در کشور تولید نگردد کشور رو به نابودی می‌رود،** چراکه در این صورت باید از آب‌های زیرزمینی استفاده کنیم و **استفاده از آب‌های زیرزمینی خط قرمز محیط‌زیست است که نابودی و دزدی از نسل آینده را به همراه دارد.**

۱۱ وجود خشک‌سالی وجود آب برای آشامیدن دو مقوله است، ما در احسن القصص قرآن بحث خشک‌سالی مصر را شاهد هستیم، سؤال این است **آیا در مدت ۷ سال خشک‌سالی مصر اصلاً آبی برای استفاده وجود نداشته است؟ اگر این‌گونه باشد که در آن ۷ سال تمامی موجودات زنده در مصر باید جان می‌داند؟** ازاینجا معلوم می‌گردد خشک‌سالی مربوط به آب شرب نیست، **خشک‌سالی یعنی نبود آب برای کشاورزی که مردمان یک سرزمین نتوانند غذای مورد نیاز خود را تأمین کنند و به قحطی مبتلا شوند،** با این معیار سؤال می‌کنیم: **آیا آب به‌اندازه نیاز کشاورزان وجود دارد؟** اگر آب وجود دارد: **چرا ما واردکننده برنج و گندم و سویا و کنجاله شده‌ایم؟ چرا حتی محتاج شده‌ایم که غذای حیواناتمان را از خارج وارد کنیم؟ چرا غذای ۴۰ میلیون نفر را از خارج وارد نموده‌ایم؟** پس بسیار ساده‌اندیشی است که بگوییم ما خشک‌سالی نداریم چون از شیر خانه ما آب جاری می‌شود، **ما شهرنشینان نمی‌دانیم خشک‌سالی یعنی چه؟ خشک‌سالی را باغدار و کشاورز و دامدار می‌فهمد**، خشک‌سالی را دامداری می‌فهمد که

روزانه ۱۰۰ هزار تومان هزینه پرداخت می‌کند تا آب بخرد و دام‌هایش از تشنگی نمیرند، باغداری که درخت‌هایش به خاطر خشک‌سالی خشک‌شده می‌فهمد خشک‌سالی یعنی چه؟ کشاورزی که به علت نبود آب ۱۲ سال نتوانسته است در زمینش کشاورزی کند می‌فهمد خشک‌سالی یعنی چه؟ امثال مثلِ بنده که نمی‌دانم آب شرب داخل لوله‌هایم از خوزستان تأمین می‌شود که نمی‌دانم خشک‌سالی چه معنایی دارد، عشایری که به علت خشک شدن مراتع، شغلِ آباء و اجدادی خود را رها کرده و به شهر آمده و با شغل‌های پست و پایین جامعه در شهر زندگی می‌کند می‌فهمد خشک‌سالی یعنی چه؟ مردم حاشیه دریاچه‌های خشک می‌فهمند خشک‌سالی یعنی چه؟ کسانی که زاینده‌رود ۲۰ سال پیش را دیده‌اند می‌فهمند خشک‌سالی چیست؟ بله بنده که همیشه خیابان دیده‌ام و با اندک باران و برفی خیابان‌ها بسته می‌شود و آب جاری می‌شود باید حکم کنم که خشک‌سالی برطرف شده و سیل راه افتاده و خشک‌سالی را انکار کنم، **تعداد روستانشینان ما از ۶۹% به ۲۹% تقلیل پیداکرده است و این به این معنا است که در ایران نهایتاً از هر ۱۰۰ نفر ۲۹ نفر برای تأمین غذای سایر مردم کار می‌کنند و با آب به‌صورت مستقیم کاردارند و این یعنی ۲۹% مردم ایران حقیقتاً آب را با تمامی وجود خود درک می‌کنند،** بله ایران کویر خشکی شده که باران و برف کنونی مانند قطره‌ای است که سریعاً بلعیده می‌شود، اگر دیدیم شخصی یک میلیون تومان در جیبش دارد حکم نکنیم پولدار است شاید او ده‌ها میلیارد تومان بدهکار باشد، ایران امروز میلیاردها تومان بدهکار است.

۱۲ سؤال دیگر اینکه **آیا هر شهر می‌تواند آب شرب و مورد نیاز خود را تأمین کند؟ آیا خوزستانی‌ها دیگر به انتقال آب شهر خود به قم اعتراض ندارند؟ آیا آن‌ها آبی اضافه دارند و مازاد نیازشان انتقال داده می‌شود؟ از سایر شهرها نیز همین سؤال را باید مطرح نمود.**

۱۳ نکته دیگر در مورد توسعه و ایجاد شغل و برطرف نمودن مشکل فقر و اقتصاد است که همه به آب بستگی دارد، این مطلب واضح است که **به مقداری که آب داشته باشیم برکت در مملکت جاری می‌شود و می‌توانیم شغل ایجاد کنیم، آیا برف کنونی آب مورد نیاز صنعت و کشاورزی و ساخت‌وساز متناسب با پیشرفت و توسعه ما را تأمین نمود؟**

۱۴ آن چیزی که ما دنبال می‌کردیم و دنبال خواهیم نمود برطرف خشک‌سالی است و زمانی ما می‌توانیم بگوییم خشک‌سالی برطرف شده است که دریاچه‌ها و

رودخانه‌ها و سفره‌های زیرزمینی به حال خود بر گردد، آیا تنها یک سانتیمتر چاه‌های عمیق ما بهبود بخشیده شده؟ آیا زمین ایران که به علت خشک‌سالی دائماً می‌لرزد از لرزه نجات‌یافته است؟ آیا از روند کوچک شدن دریاچه ارومیه و ... جلوگیری شده است؟ جواب منفی است، لذا توصیه می‌کنیم از کار و تلاش دست برنداریم هر کس هر کاری را که انجام داده انجام دهد تا خشک‌سالی به‌صورت کامل از ایران بیرون شود، عزیزانی که مطالب علمی دانشگاهی را دنبال می‌کنند و یا کسانی که برای مبارزه با گناه و امربه‌معروف و نهی از منکر تلاش می‌کنند و یا دوستانی که هر هفته نماز باران می‌خواهند و ... بنده بعد از جریان گفتمان آب به وضوح مشاهده کرده‌ام که جامعه با این تلاش بسیار امیدوار شده و دارای تحرک بسیار بالا باهدفی مشخص حرکت می‌کند و این جنب و جوش و تحرک بسیار فایده دارد و مطمئناً ما را به نتیجه می‌رساند، همه بدانند ما برای رفع خشک‌سالی تلاش می‌کنیم، **ما تا سفره‌های آب و چاه‌ها و رودخانه‌ها را به حالت قبل از خود بلکه بهتر از قبل بر نگردانیم تلاش خواهیم نمود و به‌هیچ‌عنوان ناامید نمی‌گردیم.**

<u>۱۵</u> خشک‌سالی ایران علت داشته و بی‌علت نبوده و فرقی هم نمی‌کند که این علت را از منظر علم روز بررسی نماییم و یا اینکه از منظر دین بررسی کنیم، آیا آن علت از بین رفته است و یا اینکه علت همچنان باقی است؟ اگر علت خشک‌سالی وجود دارد همچنان معلول آن باقی است، حال ممکن است بگویید علت خشک‌سالی سوء مدیریت بوده و یا اینکه علت گناه و ربا و ظلم و دروغ و ... است، باید برای برطرف شدن علت تمامی تلاش را انجام داد، مضافاً بر اینکه ما در جریان داعش مطرح نمودیم که ما وارد جنگ‌های اکوسیستمی شده‌ایم و لذا **یکی از علل مشکلات اقلیمی مانند زلزله‌ها و گرمی زمستان و عدم نزول باران و هجوم یک‌باره کولاک و سرما ... هارپ می‌باشد لذا بنا بر عقیده بنده هرگاه ما بخواهیم متوجه آب شویم و برای حل مشکل خشک‌سالی اقدام نماییم دشمن از همان راهی که خشک‌سالی آورده است، از همان راه کمی باران و یا برف برای ما رها می‌کند تا ما دوباره در غفلت فروریم، بعلاوه اینکه با تغییرات آب‌وهوا ما را فلج می‌کند.**

<u>۱۶</u> باید بدانیم حتی اگر سیل هم بیاید ما در خشک‌سالی عظیمی قرار داریم و باید تلاش دائمی کنیم تا از بلای جهانی نجات یابیم، غفلت ورزیدن از این امر چیزی است که دشمن ما توقع دارد و برنامه‌ریزی می‌کند، قبلاً در رابطه با ارتباط سیل و خشک‌سالی توضیح داده‌ایم بازهم مطلب را بیان می‌کنیم.

۱۷ نکته دیگر در مورد کسانی که می‌گفتند **انفطار السماء انجام شود و آمادگی لازم نیست، ما با یک برف کوچ شاهد بودیم چه مقدار مشکلات برای راهداری ما به وجود آمد در حالی این برف و باران و سرما در مقابل آنچه ما می‌گفتیم بسیار کم و ناچیز بوده و می‌باشد، اگر انفطار السماء در ایران اتفاق بیفتد در طول مدت ۹ ماه ما نزولات آسمانی و سرمای زیادی خواهیم داشت و بدون آمادگی ضرر آن روش غیرعادی برای ما مصیبت خواهد بود،** انفطار السماء یعنی شیب‌دار نمودن سقف تمامی آسمان به سمت ایران و ایجاد چاله جوی درون آسمان ایران و سرازیر شدن باران و برف زیاد در ایران با روش غیرعادی. ۹۶/۱۱/۸

قطره ۸۸ - هشدار سه کارشناس در مورد بحران آب ۹۶,۱۱,۱۱

به عقیده ما ایران و جهان وارد خشک‌سالی عظیم وحشتناکی گردیده است لذا از وزیر محترم نیرو تقاضا داریم: طرح‌های خود را برای عموم ارائه دهند تا با کمک هم بتوانیم از این بلای خانمان‌سوز نجات پیدا کنیم، اگر هم طرح و برنامه‌ای ندارند با شجاعت تمام اعلام نمایند، لازم به ذکر است تمامی لحظات برای ما ارزشمند بوده و هر قدر که دیرتر برای برون‌رفت از این بحران تلاش نماییم بلای بیشتری به ما می‌رسد، اگر امروز تلاش ننماییم آیندگان در مورد ما بد قضاوتی خواهند نمود و ما را نمی‌بخشند، بلکه لعن و نفرین آیندگان را نیز برای ما به ارمغان خواهد داشت؛ اکتفا نمودن به آب‌های زیرزمینی و عدم تولید آب به معنای هلاکت و دزدی از نسل آینده و خراب نمودن دستاوردهای گذشته و حال و آینده می‌باشد، که متأسفانه ما به این سمت در حال حرکت هستیم.

۱ نشست نمایش مستند مادر کشی دی‌ماه ۱۳۹۴، دانشگاه فردوسی مشهد دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، استاد دانشگاه: (مافیای آب)

دوستان یا نمی‌دانند یا نمی‌خواهند (بگویند)، مدت‌ها مسئولین و کسانی که درباره آب حرف می‌زنند به اصل قضیه و به اسرار مگوی آب و پشت پرده آب بحثی نمی‌کنند. ۳۰ سال تمام، فقط ۳ درصد بودجه وزارت نیرو درباره آب زیرزمینی بوده که می‌گویید ۷۰۰ هزار چاه هست و دشت‌ها خشک شد و ...، برای اینکه **توی آب زیرزمینی، شرکت‌های گردن کلفتِ مشاور،**

نمی‌توانستند بروند طرح‌های میلیاردی بگیرند! آنجا پول نبوده! ۹۷ درصد پولِ آب رفته توی آب‌های سطحی. **رفتند که سد بسازند چون میلیاردها پول هست، رفتند شبکه بزنند چون میلیاردها پول هست!** صنایع بسیار بزرگی پشت آن چرخیده! **یک مافیای بسیار پیچیده حول محور اقتصاد آب در ایران تشکیل‌شده، این‌قدر این مافیا پیچیده شده، مثل ماهی که توی آب هست و شنا می‌کند و مثل ما که توی هوا هستیم و معنی هوا را نمی‌فهمیم، بنده و دکتر داوری و علیزاده و ... معنی آن مافیا را نمی‌فهمیم چون داخلش نیستیم، بازیچه آن‌ها هستیم!** باید افشا کنیم بگوییم سرطان وجود دارد، تو سرطان داری، این سرطانش دزدی و مافیا و قاچاق و پول درآوردن شرکت‌های عظیم هست پشت آب، همان معاون وزیر، من که این حرف را می‌گویم، راهم نمی‌دهد بروم توی اتاقش، **آن آقایی که شرکت گردن کلفت دارد و صدها میلیارد تومان، بلکه هزاران میلیارد تومان توی آب سود برده، برای استقبالش تا پایین آسانسور می‌آید! الآن چه کسانی دنبال این هستند که آب از تاجیکستان بیاورند؟ ۲۷ تا نماینده مجلس هستند! شما نماینده مردم و قانون‌گذار هستید یا تاجر آب؟ هیچ‌کس نیست به آن‌ها بگوید!** همه می‌خواهند خودشان را بچسبانند به آن‌ها که یک پولی هم گیرشان بیاید. شجاعت هم لازمه که بگوید آقای وزیر نیرو! **توی این آب دارد میلیاردها دزدی می‌شود!** لااقل عقده دل من استاد که حل می‌شود. لااقل من می‌توانم بگویم که دیگر نادان نیستم! **همش می‌گوییم تقصیر مردم هست، فرهنگ مردم را باید درست کنیم، فرهنگ این دزدهای گردن کلفتی که بالا نشسته‌اند باید درست بشود! اصلاً مدیران میانی جرئتش را ندارند، خدا شاهد هست اگر یک مدیر میانی، مدیر میانی یعنی در حد مدیرعامل شرکت آب، در حد مدیرعامل آبفا، بخواهد پا توی کفش آن مافیا کند، صبح او را عزل می‌کنند. مافیای آب پولش از کجا می‌آید؟ از مصرف می‌آید، نه از کاهش مصرف! آب سد دوستی که می‌آید به مشهد، متری چند تمام می‌شود؟ ۳۸۰۰ تومان. متری چند به مردم می‌فروشید؟ ۱۲۰ تومان، اصلاً بگوییم ۵۰۰ تومان، ۳۳۰۰ تومان دارید یارانه می‌دهید به آن مافیای گردن کلفت! متری ۳۸ ریال حاضر نیستند برای فرهنگ‌سازی کاهش مصرف بدهند، چون اگر کاهش مصرف پیدا بشود، به ایشان ضرر می‌رسد.**

۲ محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست: (کدورت ایرانی با ایرانی بر سر انتقال آب)

در صورت تداوم غلبه تفکر سازه‌ای در مدیریت آب، یعنی تفکری که منجر به سدسازی مداوم و اجرای طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای می‌شود، بیم آن می‌رود که جنگ آب در ایران شدت پیدا کند. اکنون نشانه‌هایی از کدورت میان خوزستانی‌ها و اصفهانی‌ها بروز کرده و هم‌وطنان خوزستانی به شدت به تعدد طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای و سدسازی‌ها اعتراض دارند. همچنین این‌گونه اختلافات میآن‌هم‌وطنان ما در منطقه سامان در سر شاخه‌های کوهرنگ با کاشانی‌ها وجود دارد که به شدت درباره تونل گلاب ۱ و ۲ اعتراض دارند. بختیاری‌ها نیز درباره طرح بهشت‌آباد با اصفهانی‌ها اختلاف دارند و مردم منطقه ناقان با بروجنی‌ها درباره طرح انتقال آب سبز کوه مشکل‌دارند. همچنین مردم الیگودرز با مردم قم درباره حقابه به شدت مشکل‌دارند و مردم منطقه تالوار هم اعتراضاتی به دلیل سدی که قرار است در زنجان افتتاح شود و هنوز افتتاح نشده دارند. همچنین مردم منطقه میناب در هرمزگان به شدت نسبت به احداث سد استقلال معترض هستند و معتقدند حقابه تالاب جلگه حاصلخیز میناب برای نیازهای صنعت و شرب به بندرعباس انتقال پیداکرده است. در منطقه ورزنه همین مشکل را مردم شرق اصفهان با یزدی‌ها دارند و مردم زرین گل در علی‌آباد کتول نیز با مردم شاهرود و سمنان درباره طرح انتقال آب مشکل‌دارند. لذا دولت باید به جای غلبه این تفکر در مدیریت آب کشور و برهم زدن تراز آبی حوزه‌های آبخیز کشور که منجر به بروز کدورت‌هایی میان مردم می‌شود که حتی اگر مشکل آب حل شود، ممکن است این کدورت‌ها تا چند نسل باقی بماند، از روش‌های جایگزین و کم خطرتر استفاده کند. لذا اکنون جنگ آب در کشور وجود دارد اما می‌توان آن را در مرحله کنونی مهار کرد و اجازه نداد شدت پیدا کند. لذا قبل از آنکه این منازعات شدت یابد تا وزارت کشور ناچار شود وارد عرصه شود، بهتر است وزارت نیرو این بحران را حل و فصل کند. ما در منطقه سبلان که دیگر نباید با کمبود آب روبرو باشیم؛ درحالی‌که اکنون در منطقه آبی‌بیگلو با نشست زمین

روبرو هستیم. یا به طور مثال چرا در منطقه چهارمحال بختیاری که ۱۰ درصد آب‌های سطحی ایران از این منطقه سرچشمه می‌گیرد باید ۶۰ روستا بدون آب بمانند؟! مجموع آب شربی که ۷۸ میلیون ایرانی برای یک سال نیاز دارند ۸ میلیارد مترمکعب است. این رقم را مقایسه کنید با ۱۰ میلیارد مترمکعب که کشورهای حوزه خلیج‌فارس فقط از طریق آب‌شیرین‌کن‌ها تأمین می‌کنند درحالی‌که مجموع جمعیت کشورهای حوزه جنوبی خلیج‌فارس نصف جمعیت ایران هم نمی‌شود. یک لابی و مافیای قدرتمند در بخش آب وجود دارد که فقط ۱۰۰ هزار نفر کارشناس ارشد و دکترا در این مافیا و شرکت‌های اقماری وابسته به وزارت نیرو حقوق می‌گیرند و تداوم حیات این‌ها به طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای و سدسازی است و به هیچ‌وجه حاضر نیستند روش خود را تغییر دهند. اکنون حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در این حوزه هزینه شده و برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام نیازمند ۱۵۰ هزار میلیارد تومان دیگر هستند و این واقعاً وسوسه برانگیز است. لذا علت مسئله منافع اقتصادی ماجرا است که اجازه نمی‌دهد بخش‌های دیگر، متوازن با آموزه‌های توسعه پایدار در کشور رشد کنند و شاید شکل‌گیری برخی بحران‌ها باعث شود آدرس‌های اشتباهی که داده می‌شود تصحیح شود. ما اکنون با بحران جدی‌تری در کشور روبرو هستیم و آن بحران از دست رفتن خاک ایران است که حتی مهم‌تر از بحران آب می‌باشد. اگر این خاک که برای تولید یک سانتیمتر آن بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال زمان لازم است از دست برود به هیچ‌وجه قابل جبران نیست. اکنون در خوش‌بینانه‌ترین حالت سالانه دو میلیارد تُن خاک ایران در اثر فرسایش از بین می‌رود و با توجه به اینکه ارزش هر تُن خاک ۲۸ دلار است یعنی سالانه ایرانیان ۵۶ میلیارد دلار از دست می‌دهند که حداقل ۲ برابر ارزش صادرات نفت ایران است و هیچ‌کس متوجه این خطر نیست. این‌ها همه در حالی است که سال گذشته رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۷ اسفند خود عنوان کردند بحران خاک به‌مراتب جدی‌تر از بحران آب است و باید برای بحران خاک فکری کرد. در یک برآورد خوش‌بینانه **دست کم ۸۰ درصد بحران آب در ایران ناشی از مدیریت نامتوازن با توانمندی‌های اکولوژیکی سرزمین ایران است و تنها ۲۰ درصد آن ناشی از تنگناهای اقلیمی و خشک‌سالی است.**[۱۴۲]

۳ سخنان عیسی کلانتری (رئیس سازمان محیطزیست) (بحران آب):

بحران آب در ایران هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه به یک باور تبدیل نشده است؛ چراکه به باور انبوهی از مردم، این سرزمین همیشه با مشکل کم‌آبی دست‌وپنجه نرم کرده و حالا هم وضع بحرانی نیست! همین نگاه تا چندی پیش در بدنه مدیریتی کشور هم دیده می‌شد و کسی باور نداشت که مشکل‌داریم. بحث گسترده کردن جمعیت تازه و بیشتر ایرانی در عرصه‌های خاکی ایران هم یکی از همین استدلال‌ها بود که در دوره‌های اخیر مطرح می‌شد .در **سال‌های گذشته وزارت نیرو جرئت اعتراف به واقعیت را نداشت**؛ اما حالا بحران خشک‌سالی به اندازه‌ای رسیده که مسئولان متوجه قهقرای کشور شده‌اند، زیرا در حال حاضر ۷۰% جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این **ازنظر استانداردهای جهانی یعنی رخداد فاجعه بزرگ** .ایران **با بهره‌برداری از ۹۷% آب‌های سطحی خود عملاً تمام رودخانه‌های خود را خشک کرده است** و دیگر آبی در طبیعت باقی نمانده است .این موضوع به معنای آن است که **اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰% ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند** .مسئولان دولتی تا امروز باور نداشتند که کشور دارد رو به قهقرا می‌رود و **حالا متوجه این موضوع شده‌اند که کمی دیر است**؛ مطابق با استانداردهای جهانی درصد بهره‌برداری از آب‌های سطحی نباید بیشتر از ۴۰ درصد باشد. این در حالی است که بیشتر کشورهای پیشرفته حد ایده‌آل بهره‌برداری برای حفظ منابع آبی خود را لحاظ کرده‌اند که حداکثر ۲۵% برداشت است .**تنها دو کشور در جهان وجود دارد که با بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب‌های سطحی در معرض بحران جدی قرارگرفته‌اند و آن دو کشور ایران و مصر است.** این در شرایطی است که میزان بهره‌برداری از آب‌های سطحی در مصر به ۴۶% و در ایران با اختلاف فاحش به ۹۷% رسیده است. برای این‌که عمق فاجعه را بهتر متوجه شوید عملکرد برخی از کشورهای جهان را در بهره‌برداری از آب‌های سطحی سرزمینشان مرور می‌کنیم: ژاپن ۱۹%، آمریکا ۲۱%، چین ۲۹%، هند ۳۳% و در کشوری مانند اسپانیا که ازلحاظ اقلیم ویژگی‌های جغرافیایی به ایران شباهت دارد تنها ۲۵ درصد .این موضوع به آن معنی است که **حتی در صورت بارش ایده‌آل و نفوذ آب به زیرزمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد، در نتیجه آب در سطح خاک جاری‌شده و تبخیر می‌شود.** این موضوع

شورتر شدن خاک و از دست رفتن حاصلخیزی آن را به دنبال داشته است. **در حال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها ازنظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می‌شوند.** به‌عنوان مثال در حال حاضر شاهرود و نیشابور ازنظر هیدرولوژی شهر مرده به حساب می‌آیند و بخش عمده‌ای از شهرستان رفسنجان نیز شهر مرده تلقی می‌شود .مطابق **برآوردهای علمی، منابع کشش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و در آینده نه چندان دور حدود ۷۰% جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، کدام کشورها حاضرند ۴۰ تا ۵۰ میلیون ایرانی را اسکان دهند؟!** در حال حاضر در جزیره ماندیل هند ادامه سکونت غیرممکن شده است و این جزیره گاه و بیگاه به زیرآب می‌رود. این در شرایطی است که ماندیل تنها ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد اما دولت هند برای انتقال این جمعیت دچار دردسر شده است. **ما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰ میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟** خود بنده در زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی به خانم دکتر ابتکار شخصاً نامه نوشتم و **گفتم واقعاً آب نیست و ازلحاظ منابع آبی داریم رو به بحران می‌رویم. ایشان بی‌توجه شد و گفت چنین چیزی نیست!** سازمان محیط‌زیست در ایران تا امروز یک **سازمان مرده و تشریفاتی بوده است.** همین الآن آقایان هنوز دارند درباره خودکفایی در محصولات کشاورزی صحبت می‌کنند. برای نوشتن برنامه ششم دوباره موضوع خودکفایی را به میان کشیدند که من برگشتم به آقای نوبخت گفتم تو را به دین و ایمانت بگو این مزخرفات را کنار بریزند .با این منابع آبی موجود و در صورت استفاده از مدرن‌ترین تکنولوژی‌های صنعتی و در صورت فرض محال رسیدن به بهره‌وری ۱, ۵ درصد **تا سال ۱۴۰۴ تنها می‌توانیم برای ۳۳ میلیون نفر غذا تولید کنیم.** این در شرایطی است که بهره‌وری ما در حال حاضر تنها ۲.۰ درصد است. آمار و ارقام و گزارش علمی ارائه دادم. **گفتم اگر می‌خواهیم به جمعیت ۱۵۰ میلیون نفر برسیم قبل از هر چیز باید منابع آبی را نجات دهیم و پس از آن توان تولید ما در کشاورزی، تأمین غذا برای ۳۳ میلیون نفر است برای تأمین غذای بقیه جمعیت باید به واردات فکر کرد .**در بسیاری از موارد شیرین کردن آب‌شور صرفه اقتصادی ندارد. جالب است که بدانید **اشتباه‌های مدیریتی سال‌های گذشته باعث شده است که ما هزینه کلانی بدهیم و آب شیرینمان را به آب‌شور تبدیل کنیم آن‌هم آب‌شوری که غلظت نمک آن ۳, ۵ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است !**در سال ۵۱ آمریکایی‌ها به ایران آمدند و درباره پروژه احداث سد گتوند پژوهش

کردند. طبق گزارش آمریکایی‌ها محل سد باید ۱۴, ۵ کیلومتر پایین‌تر از مخزن سد قرار می‌گرفت. علت این موضوع وجود گنبدهای نمکی گزارش شده بود اما مدیرآن‌وقت این گزارش‌ها را خیانت آمریکا به ایران دانستند و سد را روی گنبدهای نمکی احداث کردند. در آن زمان ۱۳۰ میلیارد تومان هزینه شد تا پتوی رسی روی گنبدهای نمکی قرار بگیرد اما با اولین آبگیری تمام پتوهای رسی از بین رفته و آب شیرین پشت سدها به آب‌شوری تبدیل شد که غلظت نمک آن ۵.۳ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است. حالا این سد با مجموع سرمایه‌گذاری ۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان علاوه بر شور کردن آب شیرین، سالانه ۵.۳ تن نمک به اراضی خوزستان اضافه می‌کند و خاک حاصلخیز منطقه را شور کرده است .در زمان آقای احمدی‌نژاد، به ایشان اعلام شد اشتباه دوم را انجام نده و سد را آبگیری نکن که آب شیرین به آب‌شور تبدیل شود اما ایشان کار را به پیمانکار واگذار کرد تا دو خط لوله به طول ۲۷۰ کیلومتر از زیر سد رد کنند. برای این کار ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه شد که درنهایت از لوله‌ای به قطر یک متر و ۱۰ سانتی‌متر تنها ۲۰۰ لیتر آب خروجی داشته باشیم. مشکل ما نه‌تنها به برداشت بی‌رویه آب مربوط می‌شود که **سدسازی‌های بی‌حساب و کتاب به این مشکلات دامن زده است.** مسئولان ما از سدسازی به‌عنوان سند افتخار خود یاد می‌کنند اما از بس سد ساخته‌شده است دیگر در رودخانه‌ها آبی جاری نمی‌شود. **در حال حاضر ۴۲ درصد روان آب‌ها به دلیل سدسازی کاهش داشته و به خشک شدن بسیاری از رودخانه‌ها منجر شده است** .برای این‌که بتوانیم ظرف ۵ تا ۶ سال آینده به حالت نرمال برسیم باید سطح برداشت آب از منابعمان را به نصف برسانیم و کار را باید از همین امروز شروع کنیم چراکه تا الآن‌هم دیر شده است. باید سطح برداشت آب از ۹۶ میلیارد مترمکعب به ۵۶ میلیارد مترمکعب برسد. این موضوع در حال حاضر برای ما ۲۰ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان هزینه دارد این در صورتی است که در دوره خاتمی این موضوع را تنها با ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه می‌شد مدیریت کرد اما متأسفانه **مدیران کشور تا امروز باور نداشتند که بحران جدی است و حالا این موضوع کم‌کم دارد بین دولت‌مردان جا می‌افتد و البته این هزینه گزاف هم برای نجات تمدن ایران و کشور ضروری و غیرقابل اجتناب است. آب، نفت نیست. بلایی که ما سر نفت آوردیم را نمی‌توانیم سر آب بیاوریم زیرا حیاتمان و موجودیت کشور به آب بستگی دارد. برای اجرای سیاست‌های نجات‌بخش آب باید جدیت داشته باشیم و از**

واکنش عده‌ای نترسیم. بحران آب دیگر شوخی بردار نیست. دولت باید برای نجات کشور از بحران خشک‌سالی جسارت و جدیت بیشتری به خرج دهد. همسایگان ما منابع کافی برای صادرات آب شیرین را در اختیار ندارند، در این زمینه با چند کشور نیز مذاکره شده اما نتیجه‌بخش نبوده است. به‌عنوان مثال تاجیکستان اعلام کرد آبی برای صادرات ندارد و جمهوری آذربایجان نیز حاضر شد سالانه ۱۵۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب به ایران انتقال دهد آن‌هم برای مدت محدود که با هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل و میزان ناچیز توافق شده، این طرح توجیه اقتصادی کافی ندارد. متن خلاصه می‌باشد [۱۴۳]

قطره ۸۹- هشدارهای پروفسور کردوانی در رابطه با بحران آب ۹۶,۱۱,۱۰

اعلام می‌داریم تمامی راهکارهای موجود در رابطه با بحران آب را نقد نموده‌ایم اگر راهکار نجات‌بخشی دارید ارائه دهید و الا راهکارهای ما را عمل کنید تا نجات یابیم و نجات دهیم قطره ۷۳ راهکار عادی یک ساله می‌باشد که مشکل هزینه‌ها و مابقی مشکلات را نیز بحث نموده‌ایم.

۴ هشدارهای پروفسور پرویز کردوانی، پدر علم کویرشناسی ایران

در نشست‌های مختلف، بارها در مورد غارت شدن آب و تبدیل کشور به بیابانی بزرگ هشدار داده‌شده است، این‌بار این استاد نمونه دانشگاه تهران و پدر علم کویرشناسی ۸۳ ساله ایران و عضو انجمن متخصصان محیط‌زیست ایران، در جمع کارکنان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی حاضر شد و به سخنرانی خود را در موردبررسی مسائل و مشکلات منابع آب کشور در راستای تدوین برنامه ششم توسعه ارائه داد که **در این نشست، بر عمیق‌تر شدن عمق چاه‌های آب، نابودی استان‌ها با انتقال آب، متروکه شدن روستاها، تشدید معضل ریزگردها با خشک شدن رودها و تالاب‌ها و به‌طورکلی غارت شدن آب، هشدار داد** که در ادامه آورده می‌شود. **آب ایران با بی‌توجهی تمام در حال غارت شدن است و از سوی دیگر، تمام توجه مسئولان به دغدغه‌های شهری است و توجهی به مصرف بی‌رویه آب ندارند و اگر هم تصمیمی در این زمینه اتخاذ شود، دیر است.**

سمیناری ویژه آب در وزارت کشور برگزار شد که از بنده نیز دعوت کردند، اما نرفتم، زیرا چنین سمینارهایی برای رسیدگی به معضل، بسیار دیر است. گزارش**ها و اطلاعات در مورد بحران آب نشان می‌دهد کشاورزی در استان‌های مختلف در حال تعطیل شدن است. آب**

چاه‌ها همچون پس‌انداز است و در زمان بحران باید از آن استفاده کرد، متأسفانه سدها آب دارد، اما وزارت نیرو آن را به روی مردم باز نمی‌کند که همین امر سبب شده تاکنون ۶۰ درصد مصرف آب شرب از چاه‌ها باشد، با چنین تصمیماتی باید برخورد شود. کسی باور نمی‌کند آب نیست

دستور تشکیل شورای عالی آب هم صادر شده است، اما چنین اقدامی دیگر فایده‌ای ندارد، زیرا **امروزه کسی باور نمی‌کند آب نیست و کشور با بحران کم‌آبی مواجه است؛** اما نشانه‌های آن را می‌توان در گوشه‌وکنار کشور مشاهده کرد که نمونه آن، **خالی از سکنه شدن روستاها است**، **شرایط ما هر روز در حال بدتر شدن است و از سوی دیگر، همواره شعار صرفه‌جویی می‌دهیم.** طبق گفته‌های نوبخت، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۲۲ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای خروج از رکود برداشت شده است که قسمتی از این اعتبار یعنی ۲۱۰ میلیارد تومان به کشاورزان اصفهان داده‌اند تا کشاورزی نکنند؛ اما متأسفانه **شاهد وضعیت اسفبار رودها و دریاچه‌ها هستیم که نمونه آن کارون است، در کارون سبزی کشت می‌شود و قسمتی از کارون به نخاله زباله تبدیل‌شده است.** از سوی دیگر، طی چند روز گذشته تصمیم‌گیری شد که آب کارون به چهارمحال‌وبختیاری سپس به اصفهان، یزد و کرمان برود و هیچ‌کس به این موضوع توجه ندارد که آب در حال تمام شدن است. **در استان اصفهان تا شعاع ۵۰ کیلومتر شهرک صنعتی زده‌اند و توسعه بدون برنامه‌ریزی صورت گرفته که سبب عمیق‌تر شدن چاه‌ها و خشک شدن زاینده‌رود شده است.** در مورد راهکارهای خروج از این وضعیت باید گفت روش مصرف را باید عوض کرد و از سوی دیگر، باید مانع توسعه بدون برنامه‌ریزی شد. خشک شدن **چاه‌ها، رودها و دریاچه‌ها و همچنین بیابانی شدن ایران، تبعات و پیامدهای مختلفی به دنبال دارد که نمونه آن بروز ریز گردهاست، زمین‌های کشاورزی استان‌های مختلف ازجمله اصفهان که طی ۲۰ سال گذشته در آن کشت صورت نگرفته، اکنون معضل ریزگردها را تشدید کرده است، دراین‌زمینه هشدارهای بسیار زیادی داده‌شده است اما گوش شنوایی برای آن نیست،** به‌عنوان مثال هشدار دادیم ۹۰ درصد چاه‌های رفسنجان باید بسته می‌شد، ضمن اینکه در دهه ۶۰ هم هشدار داده بودم در این منطقه باید فقط ۴۰ چاه فعال شود، اما ۳۵۰

چاه زده شد و اکنون شاهد هزار و ششصد و پنجاه حلقه چاه در این منطقه هستیم که به دنبال این امر، **سالانه ۵۰۷ هکتار باغات رفسنجان در حال خشک شدن است.**

میلیاردها تومان برای کارخانه‌ها خرج کردند؛ کارخانه‌هایی که نیاز به آب داشت و آب کشاورزان را به کارخانه‌ها دادند و اکنون همین بخش صنعت خواهان انتقال آب است. بی‌تدبیری و غیرکارشناسی‌بودن تصمیمات مسئولان نیز به مشکل کم‌آبی دامن زده است، به‌عنوان نمونه در کردستانی که سالانه ۵۰۰ میلی‌متر بارندگی دارد و دارای پنج رود است؛ رودهایی که تأمین‌کننده ۲۰ درصد آب مورد نیاز هستند، اما امروز آب این استان به دیگر مناطق منتقل‌شده و خود کردستان با مشکل کم‌آبی روبه‌رو شده است. مسئولان کشور صنعت پتروشیمی، فولاد و آلومینیوم را به بندرعباس برده‌اند، چنین صنعت‌هایی به آب زیادی نیاز دارد و از سوی دیگر، بندرعباس با مشکل تأمین آب جدی روبه‌رو است، چرا باید چنین تصمیماتی اتخاذ شود؛ استانی که حتی در تأمین آب شهروندان خود نیز درمانده است. امروزه افرادی هستند که ماشین زیر پایشان سه میلیارد تومان قیمت دارد، اگر بنزین لیتری صد هزار تومان‌هم باشد، مجبور هستند آن را خریداری کنند، زیرا ماشین سه میلیاردی بدون بنزین بدون استفاده خواهد بود، همین وضعیت را در مورد کارخانه‌ها شاهد هستیم، کارخانه‌هایی که آب ندارند و صاحبان آن برای جلوگیری از تعطیل شدن آن، خواهان انتقال آب هستند.

درحال‌حاضر شاهد هشدار و ممنوعیت‌هایی از سوی مسئولان هستیم که این هشدارها، تنها برای مردم و کشاورزان است، دراین‌زمینه می‌توان گفت دشت ممنوعه فقط برای کشاورز درمانده ممنوع است، اما دیگران از آن استفاده می‌کنند، در استان‌های مختلف ازجمله خراسان، کرمان و یزد دشت ممنوعه وجود دارد، اما ممنوع بودن آن فقط برای کشاورز است و از سوی دیگر **چاه‌های نیمه عمیق به عمیق تبدیل‌شده است که به نوعی غارت آب صورت گرفته است، با چنین وضعیتی به کجا می‌رویم؟** به وزارت نیرو می‌گوییم دیگر آبی وجود ندارد، می‌گویند کف کنی کنید! امروز **قانون برای همه یکسان اجرا نمی‌شود، کشاورزان نیز از این وضعیت خسته شده‌اند که نشانه و تبعات آن فروش زمین‌های کشاورزی و مهاجرت کشاورزان به سمت تهران و کلان‌شهرها است.** تاکنون شاهد حفر چاه‌های بسیار زیادی در استان‌های کشور بودیم، گویا آب این چاه‌ها فقط برای کشاورزی ممنوع است. **وضعیت**

اسفبار کم‌آبی را از آمار مهاجرت می‌توان متوجه شد. هر پنج سال یک‌بار آمار مهاجرت استخراج می‌شود اما در یزد استخراج آمار هر ماه است؛ زیرا ۸۵ درصد روستاهای یزد تعطیل و خالی از سکنه شده که یکی از دلایل آن، این است که آب این استان به صنعت داده‌شده است. مسئولان **می‌گویند ۵۵ درصد مواد غذایی از خارج تأمین می‌شود؛ چنین گفته‌ای دروغ است. وضعیت اسفبارتر از این آمارهاست؛ زیرا ۹۵ درصد روغن، چای، نان و گندم از خارج تأمین می‌شود. سازمان ملل هشدار داده تا ۲۰ سال آینده مهم‌ترین مسئله کشورهای جهان، امنیت غذایی است...** به‌عنوان مثال ظروف یک‌بار مصرف در کشورهای پیشرفته کمتر استفاده می‌شود؛ زیرا تهدیدی برای محیط‌زیست است، یا برای جلوگیری از تشدید معضل ریزگردها به جای مالچ‌پاشی باید ریگ پاشی شود که مطابق محیط‌زیست است یا اکنون در دنیا شاهد این هستیم که آجر، مالچ و بنزین، اتانول و... مطابق محیط‌زیست تهیه می‌شود؛ اما وضعیت ایران در این میان چطور است، **اکنون نفت داریم، اگر چنین نعمتی نداشته باشیم وضعیتمان چه می‌شود؟** متأسفانه اکنون با درآمد نفتی اقدام به واردات می‌کنند که همین امر به تهدید و آسیب برای تولیدکننده‌ها ازجمله کشاورزان تبدیل‌شده است. شهرها **به شهر سرطان آدم و روستاها به منطقه‌ای بدون آب و ریزگردها تبدیل‌شده است. از سوی دیگر بارندگی کم شده است، زیرا کره زمین در حال گرم شدن است و به دنبال آن بارندگی مناطق خشک، کمتر و مناطق پربارش، بیشتر می‌شود؛ بنابراین تعادل چرخه کره زمین از بین رفته است و باید به مردم گفت که به امید بارندگی نباشند. به‌عنوان مثال سطح آب در جهرم ۵۷۰ متر، در رفسنجان ۴۵۰ متر و در شهریار ۳۰۰ متر پایین رفته است؛ چرخه طبیعت با اقدامات نابجا نامتعادل شده است.** حدود یک سال ونیم است که هشدارها در مورد وضعیت بحرانی آب بیشتر شده است اما بحران آب خیلی زودتر از این زمان آغازشده و اکنون واقعاً آب نیست و **بسیاری از تالاب‌ها و چاه‌ها خشک‌شده‌اند. اکنون شاهد پرآب بودن استان‌های شمالی هستیم اما آب استان‌های شمالی ازجمله مازندران به دلیل استفاده بسیار زیاد از کود ازت برای کشت برنج، سمی شده است که یکی از دلایل افزایش سرطان معده در بین شهروندان این استان‌ها، همین امر است. اکنون ۹۵ درصد آب این استان از آب‌های زیرزمینی است؛ درصورتی‌که برای مهار آب در**

این منطقه باید ده‌ها سد ساخته شود. در مورد خشک شدن دریاچه ارومیه هم باید گفت که **دیگر امکان ندارد دریاچه ارومیه احیا شود، هرچقدر آب به دریاچه ارومیه ریخته شود به چاه می‌رود و دیگر محال است این دریاچه احیا شود. دلیل خشک شدن زاینده‌رود نیز همین است، زاینده‌رود را چاه خشک کرد و این رود نیز مانند دریاچه ارومیه محال است که احیا شود زیرا زمین‌ها به دنبال عمیق‌تر شدن چاه‌ها نشست کرده است یا در بهشت‌زهرا درگذشته وقتی حفاری صورت می‌گرفت، آب فوران می‌کرد اما درحال‌حاضر به دلیل حفاری بی‌رویه چاه، زمین در آن منطقه نشست کرده است یا حفر چاه عمیق به دلیل وجود نیروگاه‌های اطراف فامنین و کبودرآهنگ سبب شده تا آب چاه کل روستاهای اطراف خشک شود و به دنبال آن زمین‌ها نشست کند؛ بنابراین چنین نیروگاه‌هایی باید تعطیل شوند. امروزه شاهد هستیم که زمین نشست می‌کند یا پل‌ها کج می‌شود که به دنبال آن لوله آب و گاز می‌شکند؛ اما هیچ‌کسی نمی‌داند علت آن چیست. باید گفت علت آن برداشت بی‌رویه از آب زیرزمینی و حفر چاه‌های عمیق است.** در مورد راه‌اندازی قطار سریع‌السیر بین تهران و مشهد باید گفت مسئولان نباید اجازه دهند چنین طرحی اجرایی شود زیرا مسیر این قطار با سرعت ۳۰۰ کیلومتر از گرمسار، سمنان و شاهرود می‌گذرد، درصورتی‌که **در این مسیر هرلحظه امکان نشست زمین وجود دارد.** یکی از دلایل آن حفر چاه‌های عمیق و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی است. **متأسفانه به دلیل بی‌توجهی‌ها در سال‌های گذشته، شاهد عمیق‌تر شدن چاه‌ها و تشدید ریزگردها و نشست زمین‌ها بوده‌ایم.** همچنین کویرها با آب‌های زیرزمینی زنده هستند، بسیاری از تولیدات ازجمله شیشه سازی، ذوب‌آهن، باروت سازی و فولاد ویژه کویر است اما کویرهای ما در حال ازبین‌رفتن است. درحال‌حاضر آب از ۵۵۰ متری استخراج می‌شود، البته لیموشیرین به جای آب استخراج می‌شود بنابراین **با چنین وضعیتی کشاورزی غیراقتصادی است و کشاورزان به آب از عمق ۵۵۰ متری دل‌خوش کرده‌اند.** شهرها، صنعت و کشاورزی را توسعه داده‌ایم و اکنون اول راه بهره‌برداری است؛ اما آب تمام‌شده است، هشدارهای زیادی داده‌ایم، اما فایده ندارد، اکنون مانند خانواده ۴۰ نفره هستیم که همه مهندس و دکتر شده‌ایم، اما زمین‌های برای فعالیت و درآمدزایی نیست. **آب فاضلاب را باید تصفیه کنیم، تهران رود ندارد، اما سه رود فاضلاب دارد، از این آب می‌توان در فضای سبز استفاده کرد، البته این در حالی است که برخی کشورها، آب فاضلاب را برای آشامیدن تصفیه می‌کنند.** دومین اقدامی که باید انجام دهیم، جمع‌آوری

آب‌های سطحی است، به‌عنوان مثال **همدان ۳۳۰ میلی‌متر بارندگی دارد، اما آب در این استان کوهستانی جیره‌بندی می‌شود.** استفاده از آب‌شور نیز باید موردتوجه قرار گیرد، در حال حاضر در قم کارخانه آب‌شیرین‌کن راه‌اندازی شده است، البته ناگفته نماند **بعضی‌ها از دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن استفاده می‌کنند که سرطان‌زاست، وزارت نیرو باید بهترین و استانداردترین دستگاه را معرفی کند.** وزیر جهاد کشاورزی در ماه‌های گذشته اظهارنظری کرده است مبنی بر اینکه **گندم به آب زیادی نیاز دارد بنابراین در ایران نباید کشت شود و کشت آن باید در کشورهای دیگر انجام شود، اکنون ۵۰۰ هزار هکتار از زمین‌های خارج کشور توسط ایران کشت می‌شود، پرسش بنده این است که در دنیا نمونه بیاورید که چنین کاری شبیه ما انجام می‌دهند، همین کارشناسان، مملکت را به این روز انداخته‌اند.** در حال حاضر برخی کشورها از رطوبت ۳۰ درصدی، آب می‌گیرند، اما ما به دنبال مصرف بی‌رویه آب هستیم. از سوی دیگر، **شاهد تجارت آب هستیم، به گونه‌ای که امروز آب کشاورزان را خریداری می‌کنند و به کشاورزان می‌گویند برو سفر و خوش‌گذرانی.** در مورد انتقال آب نیز باید به مسئولان گفت **هر استانی را خواستید نابود کنید، آب به آن استان دهید یا اگر خواستید بچه‌ای را نااهل و خراب کنید، به آن پول دهید.** درحال‌حاضر شاهد انتقال آب خوزستان و دیگر استان‌ها هستیم درصورتی‌که نباید تعادل استان‌ها را با انتقال آب برهم زنیم. همین افغانستانی که به آن لطف کرده‌ایم، زابل را با خشک کردن دریاچه هامون نابود کرد تا دو سال دیگر، سد دوستی را هم خشک می‌کند، با سدی که افغانستان احداث می‌کند، ۷۵ درصد سد دوستی خشک می‌شود. بخش خصوصی بی‌رحم است، **بخش خصوصی کار را به خوبی انجام می‌دهد، اما انصاف ندارد و بی‌رحم است.** مدیریت آب، دارای چهار رکن است که نخستین مورد، مدیریت جلوگیری از هرز رفتن آب و سدسازی است که باید موردتوجه مسئولان قرار گیرد. در مورد سدسازی نیز باید گفت سدسازی همیشه بد نیست، البته در کنار سدسازی، باید تعادل را حفظ کرد، یعنی اولویت‌بندی صحیح آب به ویژه آب سد و مدیریت در مصرف آب، باید موردتوجه قرار گیرد. در بخش صنعت می‌توان هفت بار از آب استفاده کرد، یا آب شرب در چرخه مصرف یک استان می‌تواند در سه بخش مصرف خانگی، شهرداری و ادارات مورد استفاده قرار گیرد. آب شرب مصرف خانگی در سه بخش آشپزخانه، حمام و حیاط می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین

الگوی مصرف باید داشته باشیم. از سوی دیگر، درحال‌حاضر **چهار شیوه مصرف آب ازجمله اسراف در مصرف، خسیسی در مصرف، استفاده بهینه از مصرف و هدر دادن آب وجود دارد که ما ایرانی‌ها، اولی یا آخری هستیم و هیچ زمان، تعادل را رعایت نمی‌کنیم. اگر بخواهیم در مورد وضعیت کم‌آبی تهران صحبت کنیم، درحال‌حاضر ۷۰ چاه دیگر نیز در تهران در حال حفر شدن است، با حفر چاه، آب زیاد نمی‌شود، بلکه آب زودتر تمام می‌شود.** ۹۶/۱۱/۱۰

قطره ۹۰- براندازی و تغییر نظام به‌واسطه گسترش خشک‌سالی در ایران: یا خشک‌سالی را برطرف نمایید و یا گوش کنید تا برطرف شود. ۹۶/۱۲/۱۸

۱- «نشست جهانی حکومت» (World Government Summit) که هرسال در ماه فوریه به میزبانی دولت امارات متحده عربی و در دبی برگزار می‌شود، امسال شاهد حضور ۱۴۰ سخنران و بیش از ۴ هزار شرکت‌کننده از سراسر جهان بود. «فرانسیس فوکویاما» نظریه‌پرداز ۶۵ ساله ژاپنی-آمریکایی و استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد که به خاطر نظریه خود درباره «پایان تاریخ» مشهور است ازجمله سخنرانان این نشست ۳ روزه بود. **فوکویاما آشفتگی‌های اخیر در ایران را تا حدی ناشی از عوامل آب‌وهوایی همچون خشک‌سالی و کمبود آب دانست که اغلب خشونت به بار آورده است و با دیگر عوامل بحران‌زا تداخل پیداکرده است.** او اظهار داشت: «**بسیاری از ناآرامی‌های اخیر ایران ریشه‌های محیط‌زیستی داشت. منابع آب زیرزمینی بیش از حد استفاده شده است که خشک‌سالی ایجاد کرده است. بسیاری از خشونت‌ها در جهان به خاطر تغییرات آب‌وهوایی است** ۹۶/۱۲/۱۴».

۲- **معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور حسین «ذوالفقاری»** در همایش استانداران، مدیران کل سیاسی و فرمانداران سراسر کشور: اگر دچار برخی غفلت‌های راهبردی شویم و پدیده‌ها را دقیق نشناسیم و درست تحلیل نکنیم، امنیت اجتماعی تبدیل به تهدید اجتماعی شده می‌شود. **تا آخر آذرماه حدود ۵ هزار تجمع عمده در کشور برگزار شد.** ذوالفقاری درباره حوادث دی ماه ۹۶ گفت: **ما درگذشته چنین پدیده‌ای نداشتیم** .ما با وضعیت متفاوت‌تری از گذشته مواجه‌ایم. **این اعتراضات بسیار سریع و عموماً در**

شهرهای کوچک گسترش یافت و خشونت در این اعتراضات بیش از همیشه بود. این اعتراضات عبور از همه جریان‌های سیاسی کشور بود و هیچ حزب یا گروه سیاسی یا مذهبی آن را رهبری نمی‌کرد. معاون وزیر کشور تأکید کرد: **عمده دستگیرشدگان این اعتراضات، افرادی فاقد سابقه امنیتی بودند و ۸۵ درصد این افراد زیر ۳۵ سال سن داشتند.** در این راستا **باید توجه داشت که ۷۰% کشور زیر ۴۰ سال هستند. بروکراسی پیچیده زمینه فساد را ایجاد می‌کند و مردم از این موضوع ناراضی‌اند،** درحالی‌که گاهی با تغییرات جزئی در قوانین می‌توانیم کار را به‌سرعت انجام دهیم. معاون امنیتی انتظامی وزیر کشور با طرح این سؤال که «چه باید کرد؟» گفت : **همه عادت کرده‌ایم به اینکه بگوییم چه اقداماتی باید انجام شود، اما کسی نمی‌گوید که من باید چه اقدامی انجام دهم.**

۳- **عیسی کلانتری** در چهارمین همایش منطقه‌ای تغییر اقلیم و گرمایش زمین در دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان: ایران کشور در حال توسعه است و **به دلیل عدم رعایت توسعه و عدم دقت در برنامه‌های توسعه‌ای تقریباً خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به محیط‌زیست وارد کرده‌ایم.** وی در ادامه بررسی روند تخریب محیط‌زیست در کشور با اشاره به اینکه برای تولید محصولات غذایی نیاز به آب داشتیم، خاطرنشان کرد: برای این کار سد ساخته و چاه‌ها حفر شد و نتایج آن را می‌بینیم. **استانداردها عنوان می‌کند حق نداریم بیش از ۴۰% از آب‌های تجدید پذیر را مصرف کنیم ولی ما چه کرده‌ایم؟ امروز ما ۱۱۰% از این آب‌ها بهره‌برداری می‌کنیم.** کلانتری با بیان اینکه در سال ۸۵ عنوان شد که اصلاً منطقه ممنوعه آب معنایی ندارد، گفت: در پی این صحبت چه اتفاقی افتاد؟ امروز در خراسان رضوی ۱۳۲% از آب‌های تجدید پذیر بهره‌برداری می‌شود. در حوزه دریاچه ارومیه ۶۹ درصد استفاده می‌شود. **علت خشک شدن این دریاچه در سال ۹۳ عنوان شد ۱۸% به خاطر تغییر اقلیم و ۸۲% نیز خطاهای انسانی بوده است. این‌ها چه چیزی را نشان می‌دهد.** این مسئول افزود: **ما ۵۱ میلیارد مترمکعب از آب‌های فسیلی خود را استفاده می‌کنیم؛ یعنی به‌حقوق نسل‌های آینده تجاوز کردیم.** تغییر اقلیم برای محیط‌زیست مصیبت است. کلانتری با بیان اینکه وقتی تصمیمات فنی تحت تأثیر قرار می‌گیرد این اتفاق

رخ می‌دهد، گفت: **باید شجاعت داشته و اشتباهات را بپذیریم و تغییر روش دهیم.** وی گفت: دانش دانشگاه‌ها باید به داد سیاست‌گذاران برسد. متأسفانه تأثیر دانشگاه‌ها به تصمیمات مشهود نیست. این مسئول به وضعیت هوای خوزستان اشاره کرد و گفت: **اهواز ۱۰۰ روز است که هوای ناسالم و ۵۰ روز هوای بسیار خطرناک داشته است که این محصول اشتباهات انسانی است.** در نیمه دوم سال ریز گردها با منشأ داخلی است. **یکی پس از دیگری سد احداث کردیم، درحالی‌که سالی چند سیلاب در دشت خوزستان مانع ایجاد ریز گرد می‌شد ولی الآن وضعیت چه شده است. خاک به‌مرور چسبندگی خود را از دست داد و الآن شاهد ریز گرد هستیم. تالاب‌ها خشک شد، ریز گردهای نمکی ایجاد شد. بلایی بزرگ سر خوزستان آمده است.** اشتباهاتی کردیم و دلیل آن ندیدن مسائل به‌صورت پیوسته بوده است. وی ادامه داد: در عسلویه ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده و چون شرایط توسعه پایدار دیده نشده است، زیست در دو شهر هم‌جوار به معنای خودکشی است .چون فکر کردیم اگر شرایط زیست‌محیطی را رعایت نکنیم صرفه‌جویی کرده‌ایم، ولی چه اتفاقی رخ داده است. این مسئول ادامه داد: **ما چیزی را برای نسل بعد نداریم.** اصلاً محیط‌زیست، بازدارنده توسعه نیست. محیط‌زیست اولین قربانی فقر است و باید باهم همزیستی کنند. **۸۰% جمعیت دنیا کنار سواحل زندگی می‌کنند در ایران ۲% مردم در سواحل زندگی می‌کنند و سواحل خالی از سکنه است.**

۴- **احمد، برنده جایزه «پروژه سانسورشده»** توضیح می‌دهد: «**نهادهای» سیاست خارجی آمریکا تأثیرات بحران آب در ایران طی چند سال گذشته را با دقت موردبررسی قرار داده‌اند.** تحلیلگران دو اندیشکده آمریکایی در اظهاراتی بیان کرده است که: **اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ در ایران علاوه بر موضوعات اقتصادی نظیر درآمدهای پایین، تحت تأثیر «انگیزه‌های بنیادین ازجمله تأثیر تغییرات اقلیمی» بوده است.** احمد می‌نویسد: **ایران از دهه ۱۹۹۰ تاکنون دوره‌ای از خشک‌سالی‌های روزافزون و بسیار شدید را تجربه کرده است که عمدتاً نتیجه تغییرات اقلیمی بوده‌اند، اما به‌واسطه سوءمدیریت مقامات دولتی، تأثیر آن‌ها تشدید شده است. این مسئله بر تولید محصولات کشاورزی و زندگی کشاورزان روستایی تأثیر گذاشته و نرخ پیشاپیش بالای بی‌کاری در این کشور را بیش‌تر کرده است.** این کارشناس انگلیسی به مقامات ایرانی توصیه می‌کند تا **از**

سازمان ملل یا نهادی دیگر بخواهند و اجازه بدهند تا یک بررسی گسترده و مستقل در مورد چگونگی تأثیر سوء مدیریت ادامه‌دار بر بحران کم‌آبی در این کشور انجام شود، بحرانی که در صورت ادامه روند فعلی، طی سال‌های آینده موجب تشدید بحران ملی در ایران خواهد شد. توصیه‌های حاصل از این بررسی می‌تواند منجر به سازمان‌دهی مجدد و جامع شرکت‌های کشاورزی و صنعتی این کشور باهدف تدوین سیاست‌های پایدارتر درزمینه مدیریت منابع آب و هم‌چنین افزایش تأثیرگذاری اقدامات درزمینه سازگاری با محیط‌زیست و کاهش اثرات مخرب تغییرات زیست‌محیطی شود.

۵- **محسنی اژه‌ای:** در خصوص اظهارات یکی از نمایندگان مجلس در خصوص **پروژه انتقال** آب و اینکه **سید امامی** و طرحی صهیونیستی بوده گفت: تا الآن فرد خارجی در این پرونده بازداشت نشده است؛ اما **تردید نکنید که بحث نفوذ یک مسئله جدی است که در رأس آن آمریکا و اسراییل قرار دارند** .سخنگوی قوه قضاییه گفت: **افرادی که می‌خواهند به‌صورت نفوذی کار کنند باید ظاهر خود را با محیط تطبیق دهند در غیر این صورت همه به او شک می‌کنند.**

۶- در بهمن ۱۳۹۶ خبری مبنی بر دستگیری ۸ فعال محیط‌زیستی منتشر می‌شود و بعدازآن اعلام می‌گردد که یکی از دستگیرشدگان که فعال محیط‌زیستی و استاد دانشگاه امام صادق ع بوده است در زندان خودکشی نموده است که موضع‌گیری‌های متفاوتی در این زمینه ابراز می‌شود، اهم اتهام‌های عنوان‌شده پیرامون **جاسوسی از مراکز حساس و نظامی ایران و جاسوسی در حیطه محیط‌زیست و انتقال اطلاعات حساس از وضعیت محیط‌زیست کشور مخصوصاً در حوزه آب و خشک‌سالی و قحطی و مشاوره‌های غلط در حوزه مدیریت خروج از بحران خشک‌سالی و ناامید نمودن مسئولین از اینکه می‌توان در ایران مشکل آب را حل نمود و کشاورزی نمود و ارائه راهکار واردات محصولات کشاورزی و روی آوردن مسئولین به کشت فرا سرزمینی واردات محصولات فرا ریخته و نفوذ در دانشگاه‌ها و...** آن چیزی که به‌واسطه خودکشی کاووس سید امامی در ذهن تبادر می‌کند، این است که انگیزه این اقدام چه بوده است؟ آیا برای فاش نشدن دیگر اطلاعات و پنهان ماندن بقیه افراد این

اقدام صورت گرفته است؟ بیان این نکته لازم است که فرد نام‌برده‌سالها در دانشگاه به تدریس مشغول بوده است و البته یکی از مشاورین در حوزه محیط‌زیست بوده که برای حفظ یوزپلنگ ایرانی تلاش بسیاری نموده است و از این طریق بسیاری از افراد و چهره‌های معلوم‌الحال وارد ایران می‌شدند و برای حفظ یوز ایرانی هزینه‌ها و نشست‌های بسیاری انجام گردیده است درحالی‌که همه میدانیم اهمیت حفظ این حیوان نسبت به برون‌رفت ایران از خشک‌سالی به‌هیچ‌عنوان قابل‌مقایسه نیست، آنچه ما را بیشتر در اینجا هشیار می‌نماید اینکه واکنش‌های رسانه‌های خارجی و افراد معلوم‌الحال در بی‌ارتباط بودن جاسوسی محیط‌زیست و افراد نام‌برده بیش از حد معمول بوده است و تماماً تلاش نموده‌اند تا ارتباط افراد را با جاسوسی محیط‌زیست را انکار نمایند.

۷- **یکی از دست‌آویزهای مهم واشینگتن برای شوراندن مردم ایران علیه حکومت و پی‌گیری سیاست «تغییر حکومت از درون»، بحران کم‌آبی در ایران بوده است** .سازمان‌های غیردولتی یا به اصطلاح مردم‌نهاد آمریکایی صراحتاً اعلام کرده‌اند که می‌توان از مسئله کم‌آبی و برخی نمودهای آن، ازجمله وضعیت دریاچه ارومیه، سوءاستفاده و این بحران را نتیجه مدیریت ضعیف حکومت ایران ترسیم و به این ترتیب، مشروعیت و مقبولیت جمهوری اسلامی در میان مردم را متزلزل کرد و با ایجاد یک اعتراض عمومی به علت مشکلات اقتصادی ناشی از خشک‌سالی در میان کارگران و کشاورزان و به میدان آوردن جوانان و زنان زمینه تغییر در ایران را به وجود را آورد، لازم به ذکر است اعتراضهایی در اصفهان شروع‌شده است.

۸- **تلاش تیم دشمن برای تکرار وضعیت سوریه در ایران**: یکی از ابعاد بحران در سوریه که کمتر به آن خصوصاً در رسانه‌ها پرداخته‌شده بحث خشک‌سالی است که حدوداً ۵ یا ۶ سال قبل از آغاز جنگ در سوریه در این کشور شروع شد. درحالی‌که بین حدود سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی، این کشور با کاهش بارندگی رو به رو شد. این کاهش خصوصاً در سال ۲۰۰۸ میلادی از سال‌های دیگر شدیدتر بود. مسئله بعدی سدسازی‌های ترکیه بود که میزان آب ورودی به این کشور را کاهش داده و بر مشکلات کشاورزان سوری افزود. کشاورزان سوری عمدتاً در مناطق زندگی خود از رفاه قابل قبولی برخوردار بودند اما با از بین رفتن منابع آبی ناچار به مهاجرت به سمت شهرها شدند. این مسئله **دو مشکل را برای دولت سوریه به وجود آورد:**

اولاً: جمعیت در شهرها و حومه آن‌ها، شدیداً و به‌صورت ناگهانی افزایش پیدا کرد و بخش عمده این جمعیت کشاورز اصولاً کار دیگری بلد نبودند و دچار بیکاری و فقر شدند.

ثانیاً: حکومت سوریه به دلیل از دست رفتن بخش کشاورزی خود ناچار به افزایش ۱۰ برابری واردات مواد غذایی ازجمله گندم و برنج شد. بخشی از روند ایجاد نارضایتی در میان اقشار جامعه در سوریه که بعداً گروه‌های تروریستی مورد حمایت غرب و برخی دولت‌های عربی با سوءاستفاده از آن، جنگ مسلحانه را آغاز کردند. لذا بحران سوریه ناشی از برنامه‌ریزی غربی برای کاهش ورودی آب به این کشور و از دست دادن منابع و ثبات غذایی و ارزی بوده است؛ موضوعی که با توجه به سیاست خصمانه آن‌ها علیه ایران، تکرار آن نه‌تنها اصلاً بعید نیست، بلکه اجزای مختلفی از آن قابل رصد است. به عقیده بنده قدم به قدم این جریان پیچیده در ایران در حال تکرار است.

علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

آنچه واضح است اینکه: ایران در وضعیت مشابه ۱۰۰ سال گذشته قرار دارد یعنی وضعیت ۸ سال پایانی دوره قاجار در زمان بروز جنگ جهانی اول و مُردن ۱۱ میلیون ایرانی بر اثر ناامنی و خشک‌سالی و قحطی و ...، ایران خشک‌شده و طبق آمارها ۹۷% کشور در خشک‌سالی قرار دارد و این وضعیت در ۶۷ سال گذشته بی‌نظیر می‌باشد، مشکل خشک‌سالی تمامی مشکلات را به همراه دارد و با این روال اقتصاد ویران‌تر می‌شود و نتیجه آن بروز اعتراض‌های مردمی بیشتری می‌باشد، مشکلات اقتصادی، مشکل فرهنگی را نیز به همراه دارد، فقر که از دری آمد دین از در دیگر بیرون می‌رود، طبق آیه قرآن **و جعلنا من الماء کل شیء حی** اگر مشکل خشک‌سالی برای جایی پیش بیاید تمامی مشکلات به آنجا سرازیر می‌شود، **برای بحران آب در ایران هیچ راه‌حلی وجود ندارد و تمامی مسئولین ما در برابر این بحران تسلیم محض هستند**، تمامی راهکارهای گذشته فاقد ارزش است که اگر راهکاری بود تاکنون باید برای ما ثمره‌ای می‌داشت، **بنده سه راهکار ارائه داده‌ام**، راهکار یک ساله که در قطره ۷۳ عنوان‌شده است و به ۴ صفحه اشکالات متخصصین در بیش از ۵۰ صفحه در قطرات ۹۲ و ۹۴ پاسخ داده‌شده است و نیز راهکار دوماهه که در قطره ۹۳ و ۱۰۰۰ عنوان‌شده است، لذا بازمیگوییم: **اگر برای بحران آب راهکاری دارید؟ طرح تفصیلی خود را ارائه دهید و بفرمایید در**

چه زمانی و به چه مکان‌هایی آب می‌رسد که ما اعلام می‌کنیم هیچ طرحی وجود ندارد اگر بخواهید از راه‌های عادی مشکل را حل نمایید فقط همان قطره ۷۳ جوابگو است و اگر به دنبال راهکار آسان‌تر و سریع‌تر می‌باشد همان راهکار انفطار السماء در قطره ۹۳ و ۱۰۰۰ جوابگو می‌باشد، پس یا مشکل را برطرف نمایید و یا گوش دهید تا برطرف شود. ۹۶/۱۲/۱۸ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

قطره ۹۱ قطره ۹۱ حمایت از کالای ایرانی ۹۷/۱/۵

همان‌گونه که میدانیم سال ۱۳۹۷ از طرف مقام معظم رهبری دامت برکاته **سال حمایت از کالای ایرانی** نام نهاده شده است لذا در این راستا مطالبی کوتاه را عرض می‌نماییم:

مقدمه: یکی از اهداف انقلاب اسلامی تحقق عدالت اقتصادی اسلام بوده که بنیان‌گذار انقلاب ره بر این مطلب تأکید داشته و بارها رهبر انقلاب دامت برکاته شعار سال را مزین به مباحث اقتصادی فرموده است، در سال‌های متمادی و در سال ۹۷ با تأکید بر **اقتصاد مقاومتی** شعار سال را **حمایت از کالای ایرانی** نام نهاده‌اند آنچه واضح است تاکنون نه درزمینه اقتصاد و نه در تحقق شعارهای سال و نه توزیع عدالت اقتصادی و اقتصاد اسلامی جامعه ما دستاورد چشم‌گیری به دست نیاورده‌ایم و همه میدانیم با روال کنونی نیز امسال هم مانند سال‌های گذشته دستاورد جدیدی به دست نمی‌آید لذا ما در این نوشته کوتاه به **اهم راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی و تحقق شعار سال** می‌پردازیم لازم به ذکر است که ما به بایدها و نبایدهای عملی و الزامات این شعار می‌پردازیم به این معنی که اگر بخواهیم این شعار تحقق پیدا نماید چه‌کارهایی باید انجام گردد:

۱/ آنچه واضح است اینکه برای حمایت از کالای ایرانی همه ایرانیان باید باگذشت و ایثار و ازخودگذشتگی کالای ایرانی بخرند تا کالای ایرانی به تراز قابل‌قبول قیمت و کیفیت نائل شود ولی همه میدانیم این **حمایت عامه مردم دستوری نمی‌باشد** و اگر فعالیت جدی صورت نگیرد مردم رغبت به خرید جنس ایرانی پیدا نمی‌کنند لذا **باید موانع حمایت از کالای ایرانی بررسی شود** و با برطرف نمودن آن موانع حمایت از کالای ایرانی صورت گیرد.

۲/ سؤالی که باید جواب داده شود این است که: **چرا مردم جنس ایرانی نمی‌خرند و کالای خارجی می‌خرند؟**

الف: **جنس خارجی نمونه ایرانی ندارد**، بله در بعضی از اجناس ما نمونه ایرانی نداریم لذا از اساس در این موارد حمایتی صورت نخواهد گرفت، مانند بعضی داروهای بیماری‌های خاص و یا بعضی از ماشین‌آلات و یا بعضی از موارد اولیه.

ب: **جنس خارجی کیفیت بهتری دارد،** مثلاً در بعضی از اجناس دیده می‌شود که مردم حتی باقیمت‌های بسیار بیشتری به دنبال جنس خارجی هستند و حتی بعضاً از ایران سفر کرده تا جنس خارجی به دست بیاورند مثلاً در دارو که باجان مردم سروکار دارد، این دسته را می‌توان به سه صورت در نظر گرفت: ۱- **اجناس حیاتی** مانند دارو لوازم پزشکی ۲- **اجناس غیر حیاتی ولی لازم برای زندگی مانند** لوازم منزل و ماشین و لوازم صنعتی و اداری و ...۳- **لوازم لوکس** به عقیده بنده کسانی که زندگی لوکس و اشرافی دارد هیچ‌گاه گوششان بدهکار این نیست که برای حمایت از کالای ایرانی جنس خارجی را رها کنند بلکه به دنبال زندگی اشرافی خود هستند حتی بعضاً تولیدکننده هستند ولی از تولید مشابه جنس خارجی استفاده می‌کنند- اما در مورد دارو لوازم حیاتی نیز چنین است، کسانی که محتاج لوازم حیاتی باشند مانند دارو لوازم پزشکی و حتی خودرو که باجان و امنیت سروکار دارد در این موارد نیز مردم جنس باکیفیت را انتخاب می‌کنند که بهتر و راه مطمئن‌تری می‌باشد - اما در مورد اجناس ضروری زندگی است بازهم عموم مردم اگر مخیر باشند بین جنس خوب و بد و خوب و خوب‌تر آنچه اختیار می‌کنند خارجی و کیفیت بهتر است زیرا ضرب‌المثل مشهور می‌گوید فقیر نشدم که جنس ارزان (کم کیفیت) بخرم، چراکه یک فرد مثلاً یک‌بار جنس باکیفیت می‌خرد و ۳۰ سال استفاده می‌کند ولی اگر جنس کم کیفیت بخرد هم مدت‌زمان استفاده کم می‌باشد و هم باید هزینه چند برابر بدهد چراکه جنس کم کیفیت عمر کمتری دارد و باید بعد از مدتِ کمی به سراغ تعمیرکار رفت و الی‌آخر ... **پس یکی از دلایل رغبت مردم به اجناس کیفیت است** اگر کیفیت جنس ایرانی بهتر باشد مردم به آن رغبت می‌کنند و الا عملاً مردم رغبتی نخواهند داشت، پس **اگر می‌خواهیم مردم جنس ایرانی بخرند باید کیفیت و خدمات پس از فروش را بالا ببریم.**

ج: **یکی از فاکتورهای مهم رغبت عمومی مردم به اجناس قیمت می‌باشد**، جنسی که ارزان‌تر باشد خریداری می‌شود لذا اگر می‌خواهیم جنس ایرانی خریداری شود باید ارزان گردد، سؤال خیلی ساده: **اگر گمرک برداشته شود و ماشین‌های خارجی بدون گمرک وارد ایران گردد آیا ایرانیان ماشین ایرانی انتخاب می‌کنند؟** جواب واضح است خیر و

دلیل آن‌هم واضح است: ماشین خارجی نسبت به ایرانی کیفیت بهتر و قیمت پایین‌تری دارد لذا در صورت توانایی هیچ‌گاه مردم حتی برای حمایت از کالای ایرانی هم اقدام به خرید جنس گران‌تر و کیفیت پایین‌تر نخواهند داشت کما اینکه دیده‌ایم تعدادی از مسئولین سوار ماشین ایرانی نمی‌شوند و البته می‌توان گزارشِ جامعِ واقعی را از جامعه به دست آورد و دلیل این مطلب را از مردم جویا شد که **چرا بجای جنس ایرانی جنس خارجی استفاده می‌نمایند؟** واضح و عقلانی است که هر ملیتی باید از کالای ملی خود حمایت کند و در صورت برابری دو جنس این اتفاق می‌افتد ولی زمانی که دو جنس باهم برابر نیستند و کالای خارجی مزیتی دارد مردم رغبت به کالای خارجی می‌کنند. اینجا ممکن است کسی بگوید ما ایرانی‌ها مرغ همسایه را غاز میدانیم و به اجناس خارجی بها می‌دهیم درحالی‌که این مسئله کاملاً اشتباه است، اگر جنس خارجی مزیت معقول نداشته باشد مردم به سراغ آن نمی‌روند کما اینکه در استفاده از محصول برنج و فرش مردم به کالای ایرانی رغبت دارند و نه خارجی زیرا که جنس ایرانی در این موارد نسبت به خارجی مزیت دارد.

۱/ اما دلیل اول استفاده از اجناس خارجی که کیفیت است: باید با تلاش و قوانین و استاندارد سازی کیفیت کالاها را بالا ببریم که در این مجال اندک آن بحث را واگذار می‌نماییم و مسئله دوم یعنی قیمت و گرانی اجناسِ ایرانی را پیگیری می‌نماییم، پس **اگر می‌خواهیم حمایت از کالای ایرانی صورت پذیرد باید قیمت کاهش پیدا نماید** و مسائل مربوط به ارزان شدن کالاها را باهم بررسی می‌نماییم.

۲/ چرا جنس ایرانی گران است؟ چرا ماشین خارجی از ماشین ایرانی ارزان‌تر است؟ چرا جنس چینی از جنس ایرانی ارزان‌تر می‌باشد؟

ما این ادعا را نمی‌کنیم که اجناس ایرانی کیفیت بهتر دارند و لذا گران است زیرا دیده‌شده اجناس خارجی باکیفیت بهتر و قیمت پایین‌تر در ایران فروخته‌شده است لذا این اشکال را از اساس قبول می‌کنیم که جنس خارجی باکیفیت مساوی و حتی بهتر از جنس ایرانی ارزان‌تر از جنس ایرانی در کشور موجود است لذا سریعاً به اصل مسئله می‌پردازیم و مسئله این است که چرا جنس خارجی از ایرانی ارزان‌تر می‌باشد و ما تا جنس ایرانی را ارزان ارائه ندهیم حمایت از تولید داخلی انجام نخواهد شد و **این مطلب بسیار عجیب است که چگونه جنسی از هزاران کیلومتر دورتر می‌آید و هزینه حمل‌ونقل و گمرک واسطه‌های بسیاری اضافه می‌شود ولی کماکان از جنس ایرانی که درون کشور تولیدشده ارزان‌تر می‌باشد؟**

۱/ چرا جنس ایرانی گران است؟

الف **قیمت تمام‌شده بالاست** ب: **تولید صنعتی و انبوه نداریم** لذا به دنبال فروش کم و سود بالا هستیم درحالی‌که باید تولید انبوه و فروش زیاد و سود کم باشد تا هم قیمت تمام‌شده پایین بیاید و هم‌سود بیشتر به تولیدکننده برسد و هم‌جنس ارزان‌تر به دست مشتری برسد.

چه‌کار کنیم صنعتی شویم که نتیجتاً سود بیشتر و فروش بیشتر و مشتری نیز کمتر پرداخت می‌کند. باید صنعتی شویم یعنی تولید بیشتر با نیروی کار و هزینه کمتر داشته باشیم، باید تولیدکنندگان ما مدیریت را بیاموزند باید کشورهایی مانند برزیل، آلمان، ژاپن، هلند، چین ... را نگاه تحلیلگرانه داشته باشیم، این کشورها در مدت کوتاهی از فقیرترین کشورها به کشورهای ثروتمندی تبدیل شدند، در آینده کشورهای مختلف را بررسی خواهیم نمود.

چرا قیمت تمام‌شده بالاست؟

الف: هزینه مواد اولیه بالاست

ب: هزینه کارگاه بالاست

ج: هزینه کارگر بالاست

د: هزینه مالیات بالاست

ه: هزینه برق زیاد است

و: بعضاً واسطه‌ها عامل افزایش قیمت می‌باشند.

لذا باید کاری کنیم که تمامی موارد ذکرشده تقلیل یابد اما چگونه؟

بایدونبایدهای تقلیل قیمت تمام‌شده کالاهای تولیدی:

الف: تا زمانی که کارگاه‌های تولیدی ما درزمینهای گران قرار دارد اجاره و هزینه‌های کارگاه هزینه تولید را بالا می‌برد لذا باید کارگاه‌های تولیدی را به شهرهای کوچک و حتی روستاها و زمین‌های ارزان انتقال دهیم در این صورت هزینه تولید پایین آمده و جنس تولیدی ارزان می‌شود.

ب: باید برق را ارزان نمود که در این صورت قیمت تمامی کالاها کاهش چشم‌گیری خواهند داشت و این امر شدنی است و می‌توان با برطرف کردن مشکل آب قیمت برق را کاهش داد که مسئله کلیدی ما برطرف نمودن خشک‌سالی می‌باشد که در بحث برق مباحث مهمی داریم.

ج: **باید قیمت مواد اولیه را در ایران کاهش داد**، یکی از دلایل گرانی اجناس تولیدی در ایران بالا بودن قیمت مواد اولیه می‌باشد، اما چرا مواد اولیه گران است، دلیل این است که مواد اولیه کم تولید می‌شود مانند صنایع غذایی و یا صنایع چوب و یا پارچه، بسیاری از مواد اولیه به علت خشک‌سالی در ایران دچار بحران شده است ولی اگر مشکل آب را حل نماییم مواد اولیه زیاد می‌شود و در آن هنگام قیمت مواد اولیه کاهش میابد مانند محصولات کشاورزی و یا محصولاتی که باواسطه با محصولات کشاورزی در ارتباط هستند پس برای تحقق این بند لازم است مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم تا مواد اولیه ارزان تولید گردد و بعدازآن از اساس بسیاری از اجناس ارزان می‌گردد مانند صنایع کشاورزی و غذایی و صنعت چوب و نساجی و ...

د: **باید قیمت دستمزد کارگر ثابت گردد** درحالی‌که همه میدانیم با دستمزدهای کنونی کارگران دچار مشکل می‌باشند و هزینه با درآمد سازگاری ندارد لذا چه باید انجام داد؟ سؤال جدّی که باید پاسخ داده شود این است که: چگونه در چین قیمت دستمزد کارگر پایین است و درعین‌حال هزینه‌های آنان هم مانند دیگر انسان‌ها است؟ جواب در پایین بودن مسکن است و بهداشت می‌باشد، اگر ما بتوانیم مشکن مسکن کارگران را برطرف نماییم و هزینه‌هایی مانند بهداشت و درمان را کاهش دهیم می‌توانیم دستمزد را ثابت نگاه‌داریم و درنهایت قیمت تمام‌شده را کاهش دهیم و درصورتی‌که خشک‌سالی را برطرف نماییم می‌توانیم قیمت مسکن را کاهش دهیم و فشار اقتصادی از دوش کارگران برداشته شود بله در صورت برطرف نمودن خشک‌سالی می‌توانیم به‌راحتی شهرهای جدید بسازیم وام‌های بلند در اختیار کارگران قرار دهیم و مشکل عمده هزینه کارگران برطرف می‌شود.

ج: **باید تولیدکنندگان را با بخشودگی‌های مالیاتی یاری نمود** لذا در مورد مالیات باید بگویم دولت و مجلس هر چه سریع‌تر باید جلوی بزرگ‌تر شدن دولت را بگیرند و حتی دولت را کوچک و کارآمد نمایند و الا دولت مجبور است برای هزینه‌های خود از مردم مالیات بگیرد و خرج خود نماید باید از بخشودگی‌های مالیاتی بهره برد تا درنهایت تولید داخلی رشد پیدا نماید.

د: **باید تولید را صنعتی نمود** به این معنی که باید تولیدات را به سمت ماشینی نمودن برد که سرعت تولید بالا می‌رود و در عوض باید سطح کارگران را به سمت مدیریت کارگاه‌ها هدایت نمود یعنی تولید بیشتر با کارگران کمتر، ما اگر بتوانیم در بخش کشاورزی رشد نموده و کشاورزی را صنعتی نماییم می‌توانیم تولید بیشتر با کارگران کمتر داشته باشیم که متأسفانه به علت مشکلات عدیده تولیدات کشاورزی ما سنتی می‌باشد یعنی تولید کم و هزینه زیاد و دلایل آن زیاد است ازجمله دلایل آن این است که در تولید ماشین‌های کشاورزی به جد ورود پیدا نکرده‌ایم،

ماشین‌سازی ما باید در ابتدا به سراغ تولید ماشین‌ها و ادوات کشاورزی می‌رفتند تا به کمک بخش کشاورزی بیایند **اما متأسفانه ماشین‌سازی ایران اکثراً به سمت ساخت خودروهای سواری هدایت گردید و بخش کشاورزی را رها نمودند درحالی‌که اگر مخیر باشیم بین ساخت ماشین‌های کشاورزی و خودروهای سواری باید رونق معطوف به تولید ماشین‌های کشاورزی باشد و اگر مخیر باشیم بین واردات ادوات کشاورزی واردات خودروهای سواری باید واردات خودرو اولویت باشد چراکه بی‌نیازی در ادوات کشاورزی منجر به تولید کار و برطرف نمودن نیاز تولید زیرساختی جامعه یعنی بخش کشاورزی می‌شود به خلاف خودروهای سواری، به‌بیان‌دیگر ساخت ادوات کشاورزی هم صنعت را رونق می‌دهد و هم کشاورزی را اما ساخت خودروی سواری تنها موجب رونق صنعت است واضح است ما تا رسیدن به این افق که بتوانیم ایران را به قطب کشاورزی جهان تبدیل نماییم فاصله زیادی داریم و اگر سیاست اصلی نظام در جهت کشاورزی صنعتی قرار گیرد صنعتگران با تلاش شبانه‌روزی هم به این سادگی‌ها نمی‌توانند پاسخگوی این بخش عظیم باشند گذشته از اینکه ما در این بخش هم می‌توانیم جوابگوی بازار داخل باشیم و هم می‌توانیم به صادرات فکر نماییم.**

ه: **باید برای تمامی اجناسمان رقیب سازی داخلی نماییم.** زمانی کیفیت بهتر و قیمت شکسته می‌شود که رقیب سازی شود لذا باید افراد مستعد شناسایی‌شده و با حمایت برای تمامی اجناس رقیب ایجاد نماییم تا از تک‌قطبی بودنِ اجناس خارج شویم که در این صورت اجناس تنوع پیدا می‌کنند و تولیدکنندگان مجبور می‌شوند هزینه‌ها را کم کرده تا قیمت پایین بیاید و مجبور می‌شوند خدمات پس از فروش ارائه دهند و مجبور می‌شوند کیفیت را بالا ببرند.

نکته آخر اینکه ما **کشورهای بسیاری را سراغ داریم که ظرف مدت کوتاهی اقتصاد را متحول نمودند** مانند چین، ترکیه، برزیل، آلمان، ژاپن، روسیه و ... باید بررسی نمود که آن‌ها چگونه توانستند این تحول عظیم را ایجاد نمایند؟ در چه مسیری قدم برداشتند؟ ولی واضح است **استعداد و زمینه و لوازم و شرایط مردم ایران در کشاورزی و دامداری است که با نیاز اولیه و همیشگی تمامی انسان‌ها سروکار دارد و این مسیر می‌تواند امیدبخش باشد.**

مباحث مربوط به تورم، قاچاق کالا، ثابت نگاه‌داشتن ارزش پول، نقدینگی، تحریم‌های بانکی و کالا و خام فروشی و بالا بودن سود بانکی و ربا و بانکداری را جداگانه بررسی نموده‌ایم.

قطره ۹۲- این قطره سری اول جواب اول به متخصصین حوزه آب کشور در اشکال به قطره ۷۳ در طرح انتقال آب خلیج‌فارس ۹۶/۱۱/۱۶ [۱۴۴]

با سلام، همان‌گونه که در جریان هستید ما برای رفع خشک‌سالی ایران ۳ پیشنهاد داریم که شامل دو پیشنهاد غیرعادی و یک پیشنهاد عادی می‌باشد، پیشنهاد عادی که انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان است و در قطره ۷۳ آمده است و از طرف متخصصین مورد اشکال قرارگرفته که ما برای روشن شدن مطلب قطره ۷۳ را در ابتدا میاوریم و سپس سری اول اشکالات متخصصین عنوان می‌گردد و بعدازآن جواب‌های ما میاید، پیشاپیش از محضر دوستان و متخصصین پوزش می‌طلبیم. این متن به‌سرعت تهیه گردیده است و لذا از اشکالات املایی و دستور زبانی که وجود دارد پوزش می‌طلبیم. در تاریخ ۹۶/۱۱/۱۱ اشکالات به دست ما رسیده است.

تذکر قبل از مطالعه اشکالات حتماً متن قطره ۷۳ مطالعه شود:

متن اشکالات متخصصین (قسمت‌های پر رنگ موضوعاتی است که از طرف ما جواب داده‌شده است)

بررسی پیشنهاد جناب آقای علی بهرامی نیکو در مورد انتقال آب از دریای عمان و خلیج‌فارس

توجه به مقوله کمبود منابع آب در ایران از جانب هرکدام از متخصصان، صاحب‌نظران و اندیشمندان امری قابل‌تقدیر و نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در اذهان این پژوهشگران می‌باشد. مسئله انتقال آب از دریاها (چه دریای خزر و چه خلیج‌فارس و دریای عمان) نیز یکی از مواردی است که در این موضوعات موردتوجه قرار داشته است. **علیرغم گذشت سالیان متمادی از مطرح‌شدن بحث انتقال آب از دریا به مناطق مرکزی کشور، هنوز اقدام عملیاتی و اجرایی در این زمینه انجام‌نشده است. تنها مواردی که در مورد**

بهره‌برداری آب از دریاها به مرحله عمل رسیده است، مسئله شیرین سازی آب دریا در برخی نواحی بوده است و مسئله انتقال آب دریا باهدف تأمین کسری آب در بخش عمده‌ای از کشور، سابقه اجرایی ندارد. ۱

با این وجود مطالعات متعددی در زمینه اجرای این‌چنین طرح‌هایی انجام گرفته است تا جوانب علمی، فنی، زیست- محیطی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بررسی گردد. ۲

پیشنهادیه ارائه‌شده توسط جناب آقای بهرامی را در دو بخش کلی می‌توان مورد بحث قرارداد. بخش اول این پیشنهادیه که قسمت عمده‌ای از آن را نیز شامل می‌شود، مربوط به بیان اهمیت تأمین آب در نواحی خشک و کم آب کشور است. ۳

این قسمت نه به‌صورت یک بخش یکپارچه، بلکه به‌صورت پراکنده در تمامی این پیشنهادی مورد تأکید و تکرار قرارگرفته است. جهت تأکید بیشتر بر این مقوله، ایشان سعی نموده‌اند تا با استناد به برخی شواهد وقایع تاریخی (نظیر خشک‌سالی سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۰۳۴، احداث راه‌آهن در زمان حکومت پهلوی اول و ...)، به اهمیت موضوع بیفزایند. ۶

همچنین در این رابطه انتقاداتی نیز به عملکرد مسئولین واردشده است. از این دیدگاه تناقضاتی در برخی مطالب ارائه‌شده به چشم می‌خورد، ولی به دلیل ارتباط غیر مستقیم این مطالب با مقوله تخصصی انتقال آب از دریا، به‌نقد و بررسی آن‌ها پرداخته نمی‌شود. ۷

بخش دیگری از این پیشنهادیه به موضوع فنی انتقال آب از دریا اشاره نموده است. این بخش فرض را بر این قرارداده است که انتقال آب از دریای خزر به دلایل سیاسی و فنی قابل‌قبول نبوده و از طرف دیگر با قطعیت کامل بر انتقال آب از دریای عمان و همچنین خلیج‌فارس صحه گذاشته است. ۸

در این راستا پیشنهاداتی مبنی بر نحوه تأمین منابع مالی (از محل طرح هدفمندی یارانه‌ها) و تخمینی نیز از نیروی متخصص (۲۱۶۰۰ نفر) و نیروی کارگری (۱۳۰۰۰۰ نفر) ارائه‌شده است و این امر را در راستای اشتغال‌زایی دانسته است. ۹

با فرض تحقق این موارد، مشکل اساسی این طرح را می‌توان در عدم توجیه فنی آن دانست. ۱۰

مشکل اصلی این طرح در توجه صرف به مقوله منبع آب می‌باشد. در این طرح فرض بر آن شده است که صرف وجود دریا در جنوب کشور و کم‌آبی در مناطق مرکزی، توجیه‌کننده این انتقال خواهد بود. ۱۱

بر این اساس یک طرح ضربتی پیشنهاد شده است که ۷ کانال از دریای عمان و ۵ کانال از خلیج‌فارس را شامل می‌شود. در هر ۵۰ کیلومتر نیز یک دریاچه مصنوعی (پست) احداث شود و حتی بر اساس انتقال آب از هر پست به پست بعدی برق نیز تولید شود. با این وجود جواب این سؤالات در این پیشنهادیه هنوز داده نشده است:

چگونه بدون مطالعه جامع فنی طرح، به چنین قطعیتی در مورد تعداد نیروی تخصصی، کارگری و حتی جوانب اجرایی اظهار نظر شده است؟ ۱۲

به طور واضح، هدف انتقال آب از دریاهای جنوب کشور چه مناطقی هستند؟ ۱۳

با فرض اینکه یکی از نواحی هدف، شهر یزد باشد، با فرض اختلاف ارتفاع ۱۲۳۰ متری از سطح دریا و ۷۰۰ کیلومتر فاصله، باید شیب متوسط حدود ۲ متر در هر کیلومتر در این مسیر وجود دارد. چگونه قرار است این کانال‌ها بر این شیب غلبه نمایند. ۱۴

اصلاً بدون تأمین انرژی هنگفت آیا امکان انتقال وجود دارد؟ ۱۵

حال آنکه فرض شده است که حتی این کار باعث تولید برق نیز خواهد شد. ۱۶

انتقال آب‌شور از دریا به خشکی، بدون تصفیه آن به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست. کافیست به سایر موارد در سطح دنیا رجوع شود. اگر با انتقال آب‌شور از دریا به خشکی، مشکل کم‌آبی قابل رفع شدن بود، خاورمیانه باوجود دریاهای متعدد، جزء خشک‌ترین نقاط جهان به حساب نمی‌آمد. تمامی تکنیک‌های انتقال آب از دریا باید بر اساس شیرین سازی آب در مبدأ و تعیین حدود مصرف در نقاط هدف انجام گیرد. اینکه به‌صورت ضربتی اقدام به احداث کانال، لوله و یا هر ابنیه دیگری شود و مشخص نباشد که این آب‌شور دقیقاً به چه مصرفی می‌رسد، انتقال آب‌شور تنها یک سم مهلک برای حیات در نواحی مختلف کشور خواهد بود و ممکن است اکوسیستم زخم‌خورده کشور را به ورطه نابودی کامل بکشاند. ۱۷

ممکن است ذکر شود که قبل از انتقال آب، شوری‌زدایی آن انجام خواهد شد. در این صورت نیاز به هیچ طرح توجیهی نخواهد بود.

مسلماً عامل محدود کننده اصلی، هزینه شیرین سازی آب است. هزینه این کار بین تا ۶ هزار تومان در هر مترمکعب متغیر است که باید به آن هزینه‌های انتقال را نیز افزود و بنابراین حداقل ۱۵ هزار تومان برای شیرین سازی و انتقال (فقط هزینه انرژی) منظور کرد. در صورتی که هدف از این کار رفع کمبود آب در کشور باشد، باید تقریباً ۴۰ میلیارد مترمکعب آب از این طریق در سال استحصال شود (جبران کسری تقریبی آب تجدید شونده کشور). این کار مستلزم هزینه تقریبی ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال است. حال این مبلغ را با کل بودجه عمرانی سال ۱۳۹۷ (۶۰ هزار میلیارد تومان) مقایسه کنید. این بدان معنی است که دولت باید ۱۰ برابر کل بودجه عمرانی کشور در هرسال فقط به شیرین سازی و انتقال آب اختصاص دهد. ۱۸

حتی در صورت لحاظ کردن هزینه احداث کانال‌ها و ابنیه، دولت باید در طی یک سال تمام درآمد کشور اعم از نفت و مالیات و ... را صرف این کار کند.۱۹

بنابراین لازم به توضیح بیشتر نیست که چنین طرح‌هایی قرار نیست مشکل آب کشور را در سطحی که جناب آقای بهرامی در نظر دارند رفع کند. در این حالت فقط باید انتظار داشت که بتوان آب شرب نواحی بسیار حساس برآورده کرد و این کار نیز باید با توجه به مدیریت مصرف انجام شود.۲۰

در متن پیشنهادیه ذکرشده است که یکی از تفاوت‌های این طرح با سایر طرح‌های در دست مطالعه آن است که قادر به آب‌رسانی به تمامی شهرها و روستاهاست، (مثلاً ذکرشده طرحی که در مجلس در دست بررسی است، تنها آب‌رسانی به شهرها را مدنظر دارد). آیا قرار است تمامی سطح کشور پر از لوله و کانال شود؟ ۲۱

این کار را شاید بتوان در یک مزرعه یا دشت انجام داد، ولی برای کل کشور این کار ابداً ممکن نیست. حتی در مورد جاده‌ها نیز امکان عبور از هر نقطه‌ای وجود ندارد. کانال آب یا لوله که قرار است روی زمین یا زیر آن احداث شود، سیم یا دکل برق نیست که بتوان در هر نقطه احداث کرد و از روی تمام اراضی عبور داد. ۲۲

نویسنده هیچ گونه جزئیاتی در مورد روش، مکان و حجم شیرین سازی آب ارائه نداده است که ضروری است ارائه گردند. ۲۳

همچنین بزرگ‌ترین دستگاه آب‌شیرین‌کن دنیا در ریاض عربستان حداکثر ظرفیتی حدود ۷۳۰ هزار مترمکعب در روز دارد. لذا به نظر می‌رسد در این طرح قرار است ارقام بسیار بزرگتر در حد چند میلیاردمترمکعب در سال شیرین سازی آب صورت گیرد. ۲۴

ضمناً چنین حجم عظیم شیرین سازی در خشکی اگر انجام شود با توجه به حجم عظیم پساب تولیدی، خود معضل زیست‌محیطی بزرگی را موجب خواهد شد که می‌بایست در طرح نحوه رفع این مشکل توضیح داده شود. ۲۵

با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد اینگونه موارد نیازمند مطالعات کامل فنی ازلحاظ برآوردهای اقتصادی، نقاط مصرف و اولویت‌بندی صحیح است. ۲۶

به علاوه این طرح‌ها برای مقاصد موضعی و رفع نیازهای ضروری قابل توجیه است و فرض حل کردن کل مشکل آب کشور با این طرح اشتباه است.۲۷

متن جواب‌های ما به متخصصین در اشکال به طرح عادی یک‌ساله قطره ۷۳

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک‌وتعالی: و جعلنا من الماء کلشی حی خداوند همه‌چیز از آب زنده قرار داده است.

ضمن تشکر از جناب آقای دکتر افتخاری و با آرزوی موفقیت برای شما و تمامی همکاران شما نکاتی را زحمت‌کشیده و بیان فرموده‌اید را موردبررسی قرار می‌دهیم.

بنده از بعد مطالعه متن شما قسمت‌هایی از متن را که باید جواب داده شود را شماره گزاری نموده و عیناً متن شما با جواب ارائه داده می‌شود.

پیشاپیش از صریح گویی خود عذر طلب نموده و بینی و بین الله آنچه را که باید بگویم ملاک قرار داده‌ام تا جوابی برای فردای نزدیک داشته باشم.

جواب کلی به متن:

۱ -همان‌گونه که در جلسه تاریخ ۹۶/۸/۳ به مدت ۵ ساعت در حضور شش نفر از متخصصین شما بیان گردید تمامی راهکارهای موجود در ایران برای بحران خشک‌سالی فاقد ارزش بوده و عملیاتی نجات‌بخش نیست، عمده طرح‌هایی که مطرح است مربوط به: بارورسازی ابرها، تغییر الگوی مصرف در بخش صنعت و کشاورزی و خانگی و خرید آب از خارج کشور و طرح‌های انتقال آب می‌باشد که در آنجا اثبات نمودیم تمامی راهکارهای موجود یعنی قبول مرگ برای دین و ملت در آینده بسیار نزدیک، لذا تنها زمانی توانایی نقد راهکارهای ما امکان دارد که الگوی بهتری را بتوانید

ارائه دهید که تاکنون این امر میسر نشده است، باز اعلام می‌داریم اگر الگویی دارید ارائه فرمایید.

۲- دلیل دیگر فاقد ارزش بودن تمامی راهکارهای موجود در کشور این است که هیچ‌کدام از این راهکارها امروز برای ما ثمره‌ای نداشته و هرکدام به بهانه‌ای امر را به فردا موکول نموده است که عمده مشکل در تمامی طرح‌ها مربوط به هزینه و عدم اعتبار می‌باشد، الحمدالله که در طرح‌های ما این اشکال حل شده و در اشکالاتی که شما برای ما عنوان نموده‌اید این مطلب به چشم نمی‌خورد و تنها شما مشکل هزینه را در بحث شیرین سازی مطرح نموده‌اید که آن‌هم در همین متن جواب داده می‌شود، یعنی شما با ارسال این اشکالات برای ما در حقیقت یک مطلب را ضمناً قبول نموده‌اید که هزینه برای اجرای این پروژه عظیم ملی وجود دارد و ایران اعتراف ضمنی قدمی بسیار بزرگ می‌باشد.

۳- همان‌گونه که میدانید بنده نه متخصص آب بوده و هستم و نه هیچ‌گاه در دانشگاه آب درس‌خوانده‌ام و... و ارائه طرح آب با زبان دانشگاه تنها برای این است که متخصصین این حوزه در فکر فرو بروند که شاید دو طرح غیرعادی ما نیز قابل تأمل باشد، بله بنده با زبان تخصص شما برای شما اثبات می‌نمایم که در یک سال می‌توان و باید مشکل خشک‌سالی را برطرف نمود و بعد از اثبات این مطلب خود این طرح را باطل نموده‌ام و میگویم ما برای برطرف کردن مشکلِ آب یک سال هم زمان نداریم، چراکه خشک‌سالی در هر ثانیه بلکه هرلحظه ضربات جبران‌ناپذیری در مقیاس‌های بسیار بالایی به ما میزند که حقیقتاً شمارش آن مصیبت‌ها از توآن‌همه ما بیرون است، تنها اشاره‌کنم تمامی مشکلات آشکار و پنهان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی ما به خشک‌سالی بازگشت دارد و این مشکل تمامیِ دستاوردهای انقلاب و قبل از آن را به نابودی می‌کشاند و ملت ما را به سقوط و هبوط می‌کشاند.

۴- هیچ‌کدام از اشکالات شما وارد نیست چراکه بنده در طرح عادی یک ساله چیز جدیدی را ارائه نداده‌ام بلکه بنده گفته‌ام باید طرح‌هایی که سال‌ها مطرح است با جدیت تمام اجرایی شود و در یک سال به ثمر برسد، اگر برای اولین بار بود که مطرح می‌کردم شاید اشکالات شما قابل تأمل بود ولی در جایی که در این مملکت این طرح‌ها در حال اجراست اشکالات شما جایی برای مطرح‌شدن ندارد، اگر طرح ما اشکال دارد آنچه در حال اجراست هم اشکال دارد، چرا در آنجا اشکال نکردید؟ اگر آنجا اشکال ندارد پس

چرا در اینجا اشکال می‌کنید؟ اگر مشکل شیرین سازی و بالا و پایین بردن آب در طرح ما می‌باشد خوب در آنجا هم هست، هر گونه که آنان حل کردند ما هم حل می‌کنیم، و لذا به‌تمامی اشکالاتی که شما مطرح کرده‌اید قبلاً جواب داده‌شده است و چه‌بسا اصلاً با توجه به این مسئله نیازی نبود که ما پاسخ دهیم، اما به اشکالات شما از منظر دانشگاه پاسخ می‌دهم تا شاید گمان شما به اینکه چه‌بسا در طرح‌های غیرعادی خود نیز توانا باشم برای شما افزوده شود و بتوانیم ملت و دین را از این گردنه وحشتناک نجات دهیم.

۵ آنچه در متن می‌آید رعایت ایجاز و پرهیز از حاشیه است، ولی حقیقتاً در نظر ما آب یک مسئله نیست آب همه مسائل است، و اگر احتمال حاشیه گویی باشد نیز اثبات می‌نماییم حاشیه نبوده و به متن بر می‌گردد، لذا باید دانست اگر اشکالاتی مطرح گردد باب مطالب بسیاری را برای ما باز می‌نماید.

۶ -لذا با این پنج فرض اقدام به پاسخگویی موارد ذکرشده می‌نمایم.

پاسخ به متن اشکالات، بنده سعی نمودم به‌تمامی مواردی که در نظرم احتیاج به پاسخگویی دارد بپردازم و اگر احتمالاً موردی از قلم افتاده دوباره می‌توانم رفع شبهه نمایم، لازم است این مطلب را تذکر دهم که چه‌بسا برای یک مطلب چند جواب مطرح نموده باشم و اگر آن مطلب بازهم مورد مناقشه شما می‌باشد اگر تمامی جواب‌ها را نقد ننمایید مطلب را باطل نساخته‌اید لذا درخواست دارم اگر مطلبی از مطالب بیان‌شده مورد قبول شما نیست پاسخ دهید و الا مطلب تمام و اثبات‌شده می‌باشد و هیچ‌گاه کلی گویی مطلبی را باطل نمی‌نماید.

متن:

اشکال اول متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱- علیرغم گذشت سالیان متمادی از مطرح‌شدن بحث انتقال آب از دریا به مناطق مرکزی کشور، هنوز اقدام عملیاتی و اجرایی در این زمینه انجام‌نشده است. تنها مواردی که در مورد بهره‌برداری آب از دریاها به مرحله عمل رسیده است، مسئله شیرین سازی آب دریا در برخی نواحی بوده است و مسئله انتقال آب دریا باهدف تأمین کسری آب در بخش عمده‌ای از کشور، سابقه اجرایی ندارد.

جواب:

۱: چرا برای انتقال آب از دریا اقدام عملیاتی و اجرایی انجام نداده‌اید؟

۲: اینجا هر پاسخی داده شود محکوم است، نمی‌توانید بفرمایید نمی‌شود، چراکه این کار شدنی است، نمی‌توانید بفرمایید هزینه نداریم که اگر مشکل هزینه بود باید مشکل هزینه انتقال زیرساخت را بیان می‌کردید ولی مشکل هزینه را مطرح نکرده‌اید پس هزینه هم وجود دارد کما اینکه در قطره ۷۳ مطرح کرده و جواب داده‌ایم.

۳: شما خود اعتراف دارید برای شیرین سازی در برخی نواحی اقداماتی انجام داده‌اید، اشکال عمده شما به ما در طرح عادی بحث شیرین سازی بوده است، لذا جواب آینده را اجمالاً همین‌جا جواب می‌دهیم، به همان‌گونه‌ای که در همان بعض نواحی آب را شیرین کرده‌اند همان‌گونه در ابتدای برداشت از آب دریا آب را شیرین می‌کنیم و بعد انتقال می‌دهیم، اگر آنجا مقرون به‌صرفه است در اینجا هم هست، اگر اینجا مقرون به‌صرفه نیست پس چرا آنان اقدام نموده‌اند؟

اشکال دوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲ -با این وجود مطالعات متعددی در زمینه اجرای این‌چنین طرح‌هایی انجام گرفته است تا جوانب علمی، فنی، زیست- محیطی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بررسی گردد.

۴: سؤال: به نظر شما آیا ما برای حل کردن مشکل آب بیش از حد وقت را تلف ننموده‌ایم؟ این مطالعات متعدد تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

مسئله خیلی واضح است، پیشرفت و توسعه ما به آب بستگی دارد و اگر آب نباشد ما به همراهِ خود، نسلِ آینده و تمامیِ دستاوردهای حال و گذشته را می‌بریم، پس باید آب بیاید، طبق علوم دانشگاهی آب باید از دریا انتقال و شیرین سازی و تصفیه شود، هم راهکار انتقال وجود دارد و هم راهکارِ شیرین سازی، آیا جایی برای بهانه باقی است، چه چیزی را می‌خواهید مطالعه فرمایید؟ اگر واقعاً سؤالاتی دارید بفرمایید تا سریعاً پاسخ‌گوییم.

اشکال سوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳ -پیشنهادیه ارائه‌شده توسط جناب آقای بهرامی را در دو بخش کلی می‌توان مورد بحث قرارداد. بخش اول این پیشنهادیه که قسمت عمده‌ای از آن را نیز شامل می‌شود، مربوط به بیان اهمیت تأمین آب در نواحی خشک و کم آب کشور است.

۵: اشتباه اینجاست متن بنده شامل سه بخش کلی است

الف: اثبات اینکه حتی یک ساله از طریق عادی هم می‌توان و باید مشکل آب را حل نمود.

ب: اثبات اینکه در تمامی نواحی باید مشکل آب را حل نمود، در نواحی گرم و خشک به علت اینکه در غیر این صورت مردم آن نواحی به مناطق پر آب کوچ می‌کنند و از دو نظر مشکل پیش میاید: الف: مناطقی که خالی از سکنه شده‌اند به علت خالی شدن مورد تهدید دشمن خارجی قرار می‌گیرد ب: مناطقی که پر آب است به علت هجوم و ازدحام ایرانیان مورد تهاجم قرار می‌گیرد پس باید مناطق خشک را از خشک‌سالی نجات داد، اما مناطقی که مشکل خشک‌سالی ندارند را باید آب‌رسانی کرد چراکه اگرچه آنان برای آب شرب مشکل ندارند ولی خشک‌سالی کشاورزی پیدا نموده‌اند که ما امروز شاهد خشک‌سالی در مناطق پر آب نیز هستیم مانند سبلان، گلستان، اصفهان، پس ما در تمامی کشور مشکل خشک‌سالی داریم چه مناطقِ خشک و چه مناطقِ تر، اگر نتوانیم خشک‌سالی کشاورزی و صنعتی و ساخت‌وساز را برطرف نماییم بازهم کشور رو به نیستی و نابودی می‌رود چراکه در این صورت احتیاج غذایی به خارج خواهیم داشت و در اینجا ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم با واردات مشکل غذا را حل کنیم دلیل آن این است که اگر احتیاج غذایی به خارج پیدا نماییم در آن زمان قیمت اجناس را آنان تعیین می‌کنند، شاید حتی برای یک کیلو گندم مجبور باشیم یک بشکه نفت بدهیم، یا مجبور باشیم قسمتی از مملکت را به آنان بدهیم و در صورت تمام شدن مواد خام باید چه کنیم؟ خدا می‌داند، لذا اگر بخواهیم در مملکت بمانیم مساوی با مرگ است، اگر بخواهیم تمامی ایرانیان را کوچ دهیم سؤال این است: به کجا سفر کنیم و چه کشوری ما را پذیرا خواهد بود؟ لذا اتفاقی که برای مردم آواره سوریه‌ای افتاد برای ما تکرار خواهد شد، لذا چاره‌ای نداریم جز اینکه سریعاً تمامی سرزمین را آب‌رسانی کنیم تا هیچ‌کس به فکر کوچ از خانه و کاشانه خود نیفتد و حتی بنده قائل هستم که در این صورت کوچ معکوس صورت می‌گیرد که ما شاهد کوچک شدن شهرها و بزرگ و آباد شدن روستاها می‌شویم و حتی می‌توانیم به الگویی برسیم که پناهِ پناه‌جویان خارجی شویم، آنان برای زنده ماندن به ایران میایند و ما هم با استقبال از آنان پذیرایی می‌نماییم، هم پناه داده‌ایم و هم نیروی کار را تأمین نموده‌ایم دقیقاً همان‌کاری کاری که استکبار با ما نمود ما با الگوی اسلامی عمل می‌نماییم.

ج: مطلب دیگری که در طرح پیشنهادی یک ساله انجام داده‌ام که حائز اهمیت است ضمن اثبات اینکه یک ساله می‌توان مشکل را حل نمود این است که: اثبات نموده‌ام طرح‌های عادی

هیچ‌گاه برای ما نجات‌بخش نیست و چند دلیل در متن گنجانده شده است، **اول:** یک ساله مشکل حل می‌شود و این برای ما زمانی طولانی است. **دوم:** هزینه دارد و اگرچه که اثبات نموده‌ام هزینه قابل تأمین است ولی برای بنده که علم‌دارم می‌توان بدون هزینه و زمان خشک‌سالی را برطرف نمود معقول است که این طرح را نیز باطل بدانم. **سوم:** این طرح باطل است چراکه در طرح عادی آب به زمین‌های بایر و دشت‌های دور از دسترس نمی‌رسد و همان‌گونه که میدانید ۲۰۰ دشت کشور که هزاران سال است آباد بوده‌اند در اثر خشک‌سالی رو به نابودی رفته‌اند و این چیزی نیست که قابل‌قبول باشد، در طرح عادی آب به دشت‌ها و زمین‌های بایر نمی‌رسد، **چهارم:** یکی از دلایل باطل بودن طرح عادی این است که اگر ما تنها مشکل ایران را حل نماییم در این صورت ایران ناامن شده و مورد هجوم دیگران واقع می‌شود لذا بنده گفته‌ام که اگر می‌خواهیم نجات یابیم باید در ابتدا ایران را نجات دهیم و بعد به سمت نجات تمامی کشورها از خشک‌سالی حرکت نماییم در اینجاست که ما نجات‌یافته و نجات می‌یابیم، در غیر این صورت در الگوی مبارزه با غرب و آمریکا در جنگ نرم و به دست آوردن جمعیت طرفدار، آمریکایی‌ها می‌توانند مشکل خشک‌سالی کشورها را حل نمایند و ما ایرانیان در این رقابت شکست می‌خوریم.

اشکال ششم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۶ -این قسمت نه به‌صورت یک بخش یکپارچه، بلکه به‌صورت پراکنده در تمامی این پیشنهادیه مورد تأکید و تکرار قرارگرفته است. جهت تأکید بیشتر بر این مقوله، ایشان سعی نموده‌اند تا با استناد به برخی شواهد وقایع تاریخی (نظیر خشک‌سالی سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۰۳۴، احداث راه‌آهن در زمان حکومت پهلوی اول و ...)، به اهمیت موضوع بیفزایند.

جواب:

۶ -مسئله اینجاست آن چیزی که ما را وادار می‌کند که به هر تقدیری که شده مشکل را حل نماییم فهم و اهمیت موضوع است و مشکل اصلی ما این بوده که اهمیت آب و خطر نبود آن به‌صورت یک امر اساسی و محوری موردتوجه نبوده و نیست، لذا باید دائماً اهمیت آب و خطر پیش رو پر رنگ شود، آن چیزی که سبب شده تاکنون معضل آب حل نشود این بوده که تاکنون این خطر برای ما به‌صورت جدی و شفاف بیان نشده است، بله هنوز ایرانیان نمی‌دانند که در سال ۱۲۹۸ در ایران ۴۰% ایرانیان جان باختند، هنوز ما نمی‌دانیم پیشرفت در همه شئون به آب بستگی دارد، هنوز نمی‌دانیم ایجاد اشتغال بدون آب امکان ندارد و ده‌ها مسئله دیگر و الا خود

شما از ما بهتر میدانید که به‌راحتی می‌توان آب را شیرین سازی نمود و انتقال داد و این امر احتیاج به مطالعه زیادی ندارد، سؤال می‌کنم اگر شما کسی را ببینید که از تشنگی در حال مردن است چه‌کار می‌کنید؟ مطالعه می‌کنید؟ بررسی می‌کنید؟ و ... آیا روستاهای ما در حال مردن نیست؟ آیا تعداد روستاییان از ۶۹% به ۲۹% نرسیده است؟ در سال ۱۴۰۲ ما چند درصد روستانشین خواهیم داشت؟ غذای ما را چه کسی تأمین می‌کند؟ اگر قرار است پول بدهیم و غذا بخریم، چه چیزی باید بفروشیم؟ اگر آب نداشته باشیم آیا چیزی برای فروش داریم؟ آیا می‌توان بدون آب کشاورزی کرد؟ آیا می‌توان بدون آب صنعتی بود؟ آیا حتی می‌توانیم فولاد تهیه نماییم؟ آیا می‌توانیم جمعیت را افزایش دهیم؟ آیا می‌توانیم شغل ایجاد نماییم؟ آیا می‌توانیم مشکل مسکن را برطرف نماییم؟ آیا می‌توانیم جمعیت را زیاد کنیم؟ آیا می‌توانیم از روند بزرگ و کلان شدن شهرها جلوگیری کنیم؟ آیا می‌توانیم جلوی رکود بازار را بگیریم؟ آیا می‌توانیم از روند روبه‌پیشرفت تورم جلوگیری نماییم؟ آیا می‌توانیم از سقوط ارزش ریال جلوگیری کنیم؟ در متن شما آمده که بنده خواسته‌ام به اهمیت موضوع بیفزایم ولی اشتباه می‌فرمایید بنده هنوز اهمیت موضوع را بیان نکرده‌ام فقط اشاره‌ای می‌کنم و آن اینکه اگر آب را آوردیم و مشکل را حل کردیم که خدا را شکر و الا در غیر این صورت جامعه ایران رو به براندازی است و این جریان در سال‌های ۱۴۰۲ الی ۱۴۰۴ تکمیل می‌گردد، با عرض شرمندگی از اینکه واضح میگویم: بنده به‌عنوان یک روحانی شیعه هیچ‌گاه قبول نمی‌نمایم که به علت سهل‌انگاری امروز شما و اینکه مشکل عظیم را کوچک دانسته‌اید جامعه ما فعل شمارا به‌پای روحانیت بگذارند و در اغتشاشات آینده‌ای که نزدیک است شعار مرگ بر ... سر دهند و درود بر پهلوی و بازگشت او را خواهان باشند، بدانید اقتصادِ فلج شده ما از خشک‌سالی است و زمینه اغتشاشات در ایران فراهم شده است و فعلِ امروزِ شما به‌پای ما نوشته می‌شود لذا بنده اعلام می‌دارم یا مشکل را سریعاً حل نمایید و یا اگر نمی‌توانید گوش کنید تا حل نماییم و الا باید همه بدانند این نامه‌ها اتمام حجتی است که در صورتِ عدمِ استماع، ما هیچ کمی و کاستی را به عهده نخواهیم گرفت و فعل شما به ما ربطی ندارد.

اشکال هفتم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۷ همچنین در این رابطه انتقاداتی نیز به عملکرد مسئولین واردشده است. از این دیدگاه تناقضاتی در برخی مطالب ارائه‌شده به چشم می‌خورد، ولی به دلیل ارتباط

غیر مستقیم این مطالب با مقوله تخصصی انتقال آب از دریا، به‌نقد و بررسی آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

جواب

۷: ما خود را معصوم نمی‌دانیم و حتماً در کلام و گفتارمان اشتباه داریم، ولی درخواست داریم اگر موردی را در نظر دارید بفرمایید تا حق برادر دینی را در حق ما تمام نموده باشید و ما هم پذیرا هستیم و الا در غیر این صورت ما که صادقانه نوشته‌ایم به تکلیف خود عمل نموده‌ایم ولی شما هم باید به تکلیف خود که امربه‌معروف و نهی از منکر است عمل نموده باشید لذا منتظر هستیم تا نقدهای شمارا ببینیم، درحالی‌که شاید اشکالاتی که در ذهن شما مطرح است، حقیقتاً اشکال نباشد و جوابی را آماده داشته باشیم، لذا کلی گویی را قبول نمی‌کنیم و تا تناقض را به‌صورت آشکار بیان ننموده باشید قبول نمی‌نماییم، و ادعا داریم مطالبی که غیر مستقیم به آب عنوان‌شده نیز ارتباط با آب‌دارند.

اشکال هشتم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

بخش دیگری از این پیشنهادیه به موضوع فنی انتقال آب از دریا اشاره نموده است. این بخش فرض را بر این قرارداده است که انتقال آب از دریای خزر به دلایل سیاسی و فنی قابل‌قبول نبوده و از طرف دیگر با قطعیت کامل بر انتقال آب از دریای عمان و همچنین خلیج‌فارس صحه گذاشته است.

جواب

۸/۱: اگر شما انتقال آب از خزر را قبول دارید به طریق اولی باید انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان را قبول داشته باشید.

۸/۲: اگر راهکار شما انتقال آب دریای خزر است اعلام دارید تا مشکلات عدیده‌ای که در آنجا وجود دارد را بیان کنیم لذا چند اشکال عمده را بیان می‌داریم:

اشکالات انتقال آب خزر به فلات ایران:

الف: اگر در انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان اشکالی جود دارد در انتقال آب خزر اشکالات ده‌ها برابر می‌شود.

ب: آب خزر محدود است و به دریاهای آزاد ارتباط ندارد به خلاف آب جنوب، لذا هرچقدر از آب خزر برداشته شود اکوسیستم خزر به خطر می‌افتد به خلاف آب جنوب، چراکه با برداشت آب خزر آب در آن دریاچه کم می‌شود به خلاف آب جنوب که به دریاهای آزاد ارتباط دارد و هرچقدر آب برداریم آب کم نمی‌شود و دلیل این مطلب گرمای کره زمین است که موجب ذوب شدن دو قطب شده است و آب ذوب‌شده درون دریا می‌ریزد و همان‌گونه که میدانیم یکی از مشکلات کشورهای حاشیه دریاهای آزاد بالا آمدن آب و از دست رفتن خاک می‌باشد که کشورهای مختلف هرکدام راهکاری را اتخاذ نموده‌اند لذا با برداشت آب از جنوب ما به جامعه جهانی نیز خدمت کرده و چه‌بسا آنان از ما تشکر هم بنمایند، بعضی از کارشناسان ۸ متر و بعضی تا ۸۰ متر اعلام نموده‌اند که آب بالا میاید که می‌توان برای این منظور به توپوگرافی‌های خشک‌سالی و دریا و مقالات علمی مراجعه نمود.

ج: هر اشکالی که در پسآب دریای جنوب بیان فرمودید در پسآب خزر نیز بیان می‌شود مضافاً بر اینکه در جنوب به علت نزدیک بودن به استوا و قوت بیشتر خورشید می‌توان از انرژی خورشیدی برای تبدیل پسآب به نمک دریایی استفاده نمود ولی در دریای شمال این امر ناممکن است.

د: یکی از مشکلات آب خزر ارتفاعات البرز و زاگرس است که این مشکل اقلیمی در آب دریای جنوب مرتفع شده است، شما برای انتقال آب خزر چه‌کار می‌خواهید انجام دهید یا باید آب را بالا ببرید و سپس پایین بیاورید؛ یا اینکه باید در کوه تونل بزنید که میدانید این امر بسیار سخت است، یکی از اشکالات شما به طرح ما مشکل اختلاف سطح یزد با خلیج‌فارس بود که مثلاً بیان فرموده‌اید که اختلاف سطح ۱۲۳۰ متری را چه‌کار خواهیم کرد؟ حال بنده سؤال می‌کنم اختلاف سطح خزر با زاگرس و البرز را چه می‌خواهید انجام دهید؟

ه: یکی از مشکلات دریای خزر محدود بودن آن بین چند کشور است، آیا شما قبول ندارید که در صورت موفق بودن و اجرایی نمودن طرح انتقال آب خزر آنان در آینده اعتراض خواهند نمود؟ بله این احتمال کاملاً درست و عقلی است، لذا نمی‌توان با این احتمال مهم اقدام به آن عمل نمود، حتی بنده احیاء دریاچه ارومیه را نیز به‌واسطه خزر باطل میدانم، دریاچه ارومیه را باید سریعاً احیاء نمود ولی از طریق خزر، اشتباه است چراکه در طولانی مدت خزر به مشکل بر می‌خورد که در آن صورت تمامی دنیا علیه ما می‌شوند، باید دریاچه ارومیه را از طریق دیگری احیاء نمود.

و: یکی از مشکلات اکوسیستم است که هر مشکل اکو سیتمی که در دریای جنوب مطرح شود ده‌ها برابر آن در خزر مطرح است.

ز: شما یکی از مشکلات را اختلاف سطح مطرح نموده‌اید درحالی‌که همه میدانیم سطح دریای خزر نسبت به خلیج‌فارس ۲۹ متر پایین‌تر است یعنی اگر ما دو کوه البرز و زاگرس را نیز در نظر نگیریم بازهم برای انتقال خزر متناسب نیست چراکه آب خزر نسبت به جنوب پایین‌تر می‌باشد و آب را باید بالا آورد.

اشکال نهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۹ -در این راستا پیشنهاداتی مبنی بر نحوه تأمین منابع مالی (از محل طرح هدفمندی یارانه‌ها) و تخمینی نیز از نیروی متخصص (۲۱۶۰۰ نفر) و نیروی کارگری (۱۳۰۰۰۰ نفر) ارائه‌شده است و این امر را در راستای اشتغال‌زایی دانسته است.

جواب:

۹/۱: آیا قبول ندارید از ابتدای شروع پروژه قدمی بلند برای اشتغال‌زایی برداشته می‌شود که البته شغل مستقیم پروژه ۱۵۰ هزار نفر واقعی است و الا اگر بخواهیم دقیق حساب نماییم بسیار بیشتر می‌باشد.

۹/۲: آیا قبول ندارید در صورت موفقیت زمینه برای ایجاد میلیون‌ها شغل در ایران فراهم می‌شود؟

۹/۳: تأمین منابع مالی ما به هیچ‌وجه از محل هدفمندی یارانه‌ها نمی‌باشد، متن را به دقت بخوانید در آنجا اثبات نمودیم که اگر دولت محترم که اعلام نموده بود ما ۷۰۰ هزار شغل ایجاد نمودیم آن منبع را به آب اختصاص داده بود مشکل آب حل می‌شد و البته درصورتی‌که دولت هم کمک نکند از طریق مشارکت عمومی این امر قابل‌حل می‌باشد، ما تنها مقایسه‌ای بین هزینه برای اجرای این پروژه و یارانه‌ها داشته‌ایم.

۹/۴: با توجه به اهمیت آب، صرف نمودن منابع مالی به‌غیراز حوزه آب به هیچ‌وجه توجیه عقلانی ندارد، وقتی ما مشکل آب‌داریم و اگر این مشکل حل نشود تمامی دستاوردهای حال و گذشته را از دست می‌دهیم، اگر بودجه‌ای هست باید صرف آب شود و نه چیز دیگری که متأسفانه چنین نیست.

اشکال دهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱۰ -با فرض تحقق این موارد، مشکل اساسی این طرح را می‌توان در عدم توجیه فنی آن دانست. ۱۰

جواب:

۱۰/۱: عدم توجیه فنی به معنای چیست؟ اگر به معنای این است که: در اجرایی شدن جزئیات طرح امور تخصصی وجود دارد که نیاز به پاسخ‌گویی دارد مطلب را به‌صورت مشخص و مصداقی بفرمایید تا جواب دهیم و الا اگر ضرورت و هدف و اجرایی بودن آن منظور است که طرح توجیه فنی دارد، و مسائل کوچک مصداقی را باید متخصصین جواب دهند.

۱۰/۲: نکته دوم چرا سؤال و مطلبی طرح شود که جوابی واضح دارد طرح انتقال آب هم‌اکنون در دستور کار قرار دارد و مشغول اجرایی شدن است و اصل اشکال ما مربوط به این است که چرا تنها انتقال آب به یزد و سمنان و کرمان صورت می‌گیرد و یا اشکال دیگر ما این است که چرا طرح انتقال آب به ۱۸ استان کشور که در مجلس مطرح است به‌صورت جدی و عملیاتی انجام نمی‌گیرد اگر شما به ما اشکال می‌نمایید که توجیه فنی نداریم آن‌ها هم ندارند، ولی اگر آن‌ها توجیهات را انجام داده‌اند پس عنوان کردن این اشکال در اینجا بی‌اساس می‌باشد، چراکه همان جواب‌ها را در اینجا تکرار می‌کنیم.

اشکال یازدهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱۱ -مشکل اصلی این طرح در توجه صرف به مقوله منبع آب می‌باشد. در این طرح فرض بر آن شده است که صرف وجود دریا در جنوب کشور و کم‌آبی در مناطق مرکزی، توجیه‌کننده این انتقال خواهد بود. ۱۱

جواب

۱۱/۱: ما اتفاقاً توجه صرف به مقوله منبع آب از دریای جنوب و مناطق مرکزی نداریم، لذا اینجا چند نکته را بیان می‌کنم:

الف: به‌زودی تنها منبع آبی قابل‌دسترسی برای ایران آب‌های شور خواهد بود، دلیل آن این است که آب‌های سطحی و زیرزمینی به‌زودی بخواهیم و یا نخواهیم تمام می‌شود و دو دلیل عمده آن استفاده کاربران از منابع آبی موجود (آب‌های سطح و زیرزمینی) و شدت گرمی هوا و عدم

نزولات آسمانی است و تنها منبع آبی دریاها خواهد بود و خواهی نخواهی یکی از چند کار را باید انجام دهیم، یا باید آب وارد کنیم که این امر هم به دلایل مختلف منتفی است یا باید مستعمره کشور دیگر باشیم یا باید مملکت را به دیگران بدهیم تا آنان مشکل آب ما را حل نمایند و یا باید با ذلت جان دهیم، لذا بهترین راه این است که با توکل و استمداد الهی هر چه سریع‌تر مشکل آب را خودمان حل و فصل نماییم.[۱۴۵]

ب: منبع دوم آب که منبع اصلی است آسمان است که بحث اصلی طرح نجات ایران از خشک‌سالی به‌واسطه اجرایی نمودن طرح غیرعادی به همین منبع آبی اشاره دارد، آبی پاک و زلال و شفاف و شیرین برای همه‌جای کشور و نه‌تنها فقط به شهرها و روستاها بلکه آب برای زمین‌ها برای تمامی گیاهان و حیوانات و جمادات که همه به آب احتیاج دارند.

میدانم که شما هم اعتقاد به آب آسمان دارید و آنچه دنبال می‌کنید بارورسازی ابرها می‌باشد اما با مشکل بودجه مواجه هستید، بدانید مشکل بودجه حل نمی‌شود و حل نخواهد شد و هرسال از سال قبل بودجه کمتری اختصاص میابد، فرضاً اگر مشکل بودجه هم حل شود بازهم به دلایل متعدد مشکل حل نمی‌شود که دریکی از قطره‌های کتاب هزار و یک قطره مستقلاً به‌نقد تمامی راهکارهای موجود من‌جمله بارورسازی ابرها خواهیم پرداخت، و لذا عملاً بارورسازی ابرها اگرچه که عملی است ولی حقیقتاً منتفی است ولی بنده امری را که دنبال می‌نمایم بدون بودجه آن‌هم نه برای یک سال، آن‌هم نه برای یک مقطع زمانی در یک فصل خاص آن‌هم نه برای یک منطقه و یا یک شهر بلکه برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد و بدون صرف هزینه و زمان چندانی می‌باشد.

غرب با انفجار یون منفی و یا هارپ و هدایت ابرها و بارور کردن ابرها و یا تکنولوژی تأمین آب از رطوبت هوا مشکل را حل نموده است و ما با الگوی اسلامی دینی خود این مشکل را حل می‌نماییم، چگونه این امر محقق می‌شود و ماهیت آن چیست؟ سؤالی است که باید راهی را که رفته‌ایم شما هم بروید تا بدانید و الا هیچ‌گاه توجیه این مطلب برای غیر اهل آن فاش شدنی نیست، ولی آنچه بعد از اجرایی نمودن آن جریان اتفاق می‌افتد این است که سطح آسمان دنیا به سمت ایران شیب‌دار می‌شود و درون آسمان ایران چاله ایجاد می‌شود و ابرها حتی از قطب شمال و جنوب به سمت ایران حرکت کرده و در ایران سقوط می‌کند و ما شاهد نزولات بسیاری خواهیم بود.

اینجا ممکن است دوباره سؤالاتی که در جلسه ۹۶/۳/۸ مطرح شد و ما پاسخ دادیم مطرح شود که اجمالاً پاسخ میگویم:

برای اجرایی نمودن این امر سه اتفاق باید انجام شود: ۱ امضاء لوح توسط تمامی مسئولین در تمامی شهرها به همراه امضاء مردم ۲ دفن ۳ آمادگی برای برف و سرما و نزولات بسیار آسمانی

بدون این سه مقوله آن امور امکان ندارد، برفی که در بهمن ۹۶ به ایران آمد تنها گذر یک توده هوای سرد از ایران بود و انفطار صورت نگرفته بود با این حال دیدید که چه اتفاقی افتاد و چه مقدار مشکلات به وجود آمد اگر آن کمی طول می‌کشید بسیار ضررهایی بیش از آنچه مشاهده کردیم را می‌دیدیم که خبرهای ضرر آن برف و کولاک در آینده منتشر خواهد شد، ما در آن جلسه عرض کردیم اگر اعتماد به آن نوشته‌های غیرعادی دارید عمل کنید و الا ما قبل از اجرایی کردن آن اگر شرایط فراهم شود می‌توانیم آن امور را دو بار نشان دهیم و میدانیم که اگر نبینند باور نمی‌کنند و یقین نمی‌کنند و اگر ببینند یقین می‌کنند و انجام می‌دهند، بازهم اعلام می‌کنم در سال یک‌بار می‌توان آن امر را اجرایی نمود که سال ۹۶ گذشت و طبق وعده قبلی ما وارد بحران‌های بسیاری شدیم که می‌توان به زلزله‌ها و آشوب‌ها و ضررهای مادی و معنوی و کمی محصولات کشاورزی اشاره نمود ولی فرصت برای سال آینده می‌باشد و بازمیگوییم یا عمل کنید و اگر یقین ندارید شرایط راستی آزمایی را مهیا کنید تا نشان دهیم و یقین کنید و بعدازآن عمل نمایید.

۱۱/۲: لذا بازمیگوییم دو منبع آب‌داریم آب دریا و آب آسمان ما به آب آسمان اعتقادداریم اما با روال جاری مملکت شما توانایی عملی انتقال آب از آسمان را ندارید، بله تکنولوژی موجود است ولی مشکل هزینه‌دارید، مضافاً بر اینکه اگر لازم باشد اثبات می‌نمایم که هرچقدر هم به شما هزینه بدهند تا با کمک بارورسازی ابرها مشکل را حل کنید هیچ‌گاه نخواهید توانست مشکل خشک‌سالی را حل نمایید، دلیل آن این است که:

الف: ورودی ابر به ایران بسیار کم شده است و شما ابرهای واردشده را بارور می‌کنید، ابرها به نقاط سردسیر مهاجرت کرده‌اند و این مهاجرت بیشتر خواهد شد.

ب: بر فرض بارور کردن تمامی ابرها آن‌هم با محاسبات دقیق که باعث ضرر نشود، بازهم هیچ‌گاه نمی‌توانید از نجات مرگ ۲۰۰ دشت کشور جلوگیری کنید و میدانید مقوله مرگ خاک و فرونشست زمین از مقوله عدم باران و خشک‌سالی اهمیت کمتری ندارد.

۱۱/۳: بازمیگوییم نگاه ما به خشک‌سالی فقط مختص مناطق خشک و کم آب نیست، اگر نگاه ما این بود که طرح دوازده کانال را پیشنهاد نمی‌دادیم بلکه تنها طرح انتقال آب به نیمه مرکزی و شرقی کشور را پیشنهاد می‌دادیم.

۱۱/۴ گذشته از آنکه تمامی استان‌های کشور دچار خشک‌سالی شده‌اند.

۱۱/۵: نگاه ما به آب این است که به مناطق کم آب برای نجات از مرگ آب برسد و مناطق پر آب برای توسعه آب برسد و بعدازآن برای رفع خشک‌سالی جهانی قدم برداریم و چرا این کار را نکنیم زمانی که می‌توانیم ابر بحران جهانی خشک‌سالی را برطرف نماییم.

اشکال دوازدهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱۲ چگونه بدون مطالعه جامع فنی طرح، به چنین قطعیتی در مورد تعداد نیروی تخصصی، کارگری و حتی جوانب اجرایی اظهارنظر شده است؟

۱۲/۱: بفرمایید و طرح را تکمیل فرمایید اگر نیرو کم است اضافه می‌کنیم؟ ولی اگر تعداد نیرو کافی می‌باشد دیگر جایی برای اشکال نیست مضافاً بر اینکه اظهارنظر در مورد جوانب اجرایی دلالت بر دقت در مسائل ریز دارد و از کلی گویی نیز پرهیز نموده‌ایم که درخواست داریم اشکالات را صریح و مشخص بفرمایید تا ما هم بتوانیم پاسخ دهیم.

۱۲/۲: آنچه در طرح به‌صورت آشکار معلوم است کار شبانه‌روزی است که در سه شیفت انجام می‌گیرد

توجیه نفرات حاضر در طرح از این قرار است که تعداد تیم‌ها ۳۶۰ تیم می‌باشد که هر تیم عهده‌دار ۵۰ کیلومتر می‌باشد و هر تیم ۶۰ مدیر و مهندس دارد.

در هر شیفت کاری ۱۲۰ نفر کارگر متخصص کار می‌کنند: از قبیل جوشکار و آرماتوربند و راننده و راننده کامیون و لودر و ...

اشکال سیزدهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱۳ به طور واضح، هدف انتقال آب از دریاهای جنوب کشور چه مناطقی هستند؟

۱۳/۱: این سؤال را در ضمن مطالب گذشته پاسخ دادیم و البته در متن هم پاسخ داده‌شده است، هدف ما انتقال به‌تمامی کشور است، مناطق خشک و بی‌آب را باید تأمین آب نمود تا از مرگ نجات یابند و مناطق تر سال ما را باید آب رساند چراکه آن‌ها اگرچه در آب شرب مشکل ندارند ولی در آب کشاورزی و صنعتی مشکل‌دارند و توسعه بدون آب معنی ندارد و اگر ما به سمت

توسعه حرکت نکنیم بازهم نمی‌توانیم به سمت اهدافمان حرکت کرده و قله‌های پیش رو را فتح نماییم، باید تالاب‌ها و دریاچه‌ها نیز آب‌رسانی نمود و به سفره‌های زیرزمینی نیز آب تزریق نمود.

۱۳/۲: لذا همان‌گونه که در طرح هم آمده این طرح را در هرسال باید ادامه دهیم تا به نتیجه مطلوب که آبادانی کل ایران است دست یابیم، مطرح نمودن این سؤال در این زمان مانند این است که کسی بگوید ما تا چه زمانی باید جاده بسازیم و یا اینکه تا چه زمانی باید خط راه آهن بسازیم؟ ما تا زمانی که ظرفیت آبادانی در کل کشور فراهم نیامده باید طرح را ادامه دهیم منتهی در سال اول چشم‌انداز تمامی استان‌ها است و بعدازآن دوباره طرح تکمیل می‌گردد.

۱۳/۳: چشم‌انداز طرح آب‌رسانی عادی در سال اول رسیدن آب به‌تمامی استان‌ها و در سال دوم ادامه آب‌رسانی به شهرها و ... می‌باشد، در هرسال با تکمیل پروژه آب‌رسانی برکات آب در شهرها و روستاها هویدا می‌شود و با توجه به اینکه: تولید داخلی به‌صورت عجیبی افزایش میابد تکمیل طرح در سال‌های بعد بسیار آسان‌تر می‌شود.

۱۳/۴: نکته مهم و پراهمیت دیگر آب‌رسانی به سدهای تولید برق آبی است که در اثر بی‌آبی خشکیده‌اند و حقیقتاً تغییر کاربری داده‌اند.

اشکال چهاردهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱۴. با فرض اینکه یکی از نواحی هدف، شهر یزد باشد، با فرض اختلاف ارتفاع ۱۲۳۰ متری از سطح دریا و ۷۰۰ کیلومتر فاصله، باید شیب متوسط حدود ۲ متر در هر کیلومتر در این مسیر وجود دارد. چگونه قرار است این کانال‌ها بر این شیب غلبه نمایند.

۱۴/۱: اولاً آب‌رسانی مختص یزد نیست بلکه برای تمامی کشور است، از جنوب کشور تا کوهپایه‌های البرز و زاگرس که شیب بسیار تند می‌شود و امکان آب‌رسانی مقدور به‌صرفه نمی‌باشد که البته در این صورت مناطق کوهستانی نیز که دچار خشک‌سالی شده است نجات میابند زیرا دیگر لازم نیستیم برای تأمین آب مناطق خشک، آب را از آن مناطق بیاوریم لذا آن مناطق نیز بدون آب‌رسانی از خشک‌سالی نجات میابند.

نقشه های مطالعاتی مجموعه تی وی شیعه دات کام، در مورد پروژه عظیم آبرسانی یک ساله به کل کشور

016

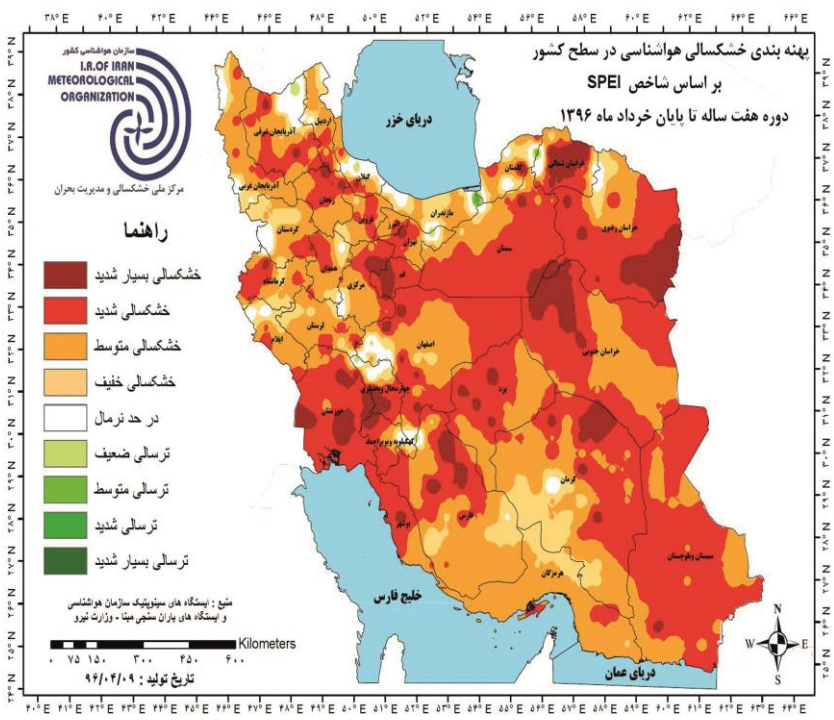

admin: @hodhodbash channel: @hodhodbashid tvshia www.tvshia.com



۱۴/۲: حقیقتاً مطرح نمودن این اشکال (اختلاف سطح) بعید به نظر می‌رسید ولی جواب میگوییم:

الف: اختلاف سطح بین تهران و دریا ۱۲۰۰ متر می‌باشد.

ب: همه میدانیم که بین دو ماده سیال آب و نفت خام انتقال نفت از آب بسیار سخت‌تر می‌باشد.

ج: همه میدانیم در پانزده کیلومتری تهران پالایشگاه نفت وجود دارد و نفت این پالایشگاه از میدان نفتی مازون و اهواز تأمین می‌شود و اختلاف سطح بین تهران و اهواز ۱۱۸۸ متر می‌باشد چراکه اختلاف سطح اهواز ۱۲ متر از سطح دریاست و اختلاف سطح تهران از دریا متوسط ۱۲۰۰ متر است، لذا به هر طریقی که می‌توان اختلاف سطح اهواز تهران را برای نفت حل نمود ساده‌تر از آن می‌توان اختلاف سطح برای آب را حل نمود، دلیل آسان‌تر بودن این است که آب را می‌توان در زمین رها کرد به خلاف نفت، از آب می‌توان چندین بار برق تأمین نمود به خلاف نفت و آب سَیَلان بیشتری دارد به خلاف نفت که چسبنده و چگالی بیشتری دارد.

۱۴/۳: لازم به ذکر است به این مطلب توجه کنیم که آب مانند نفت نیست که هدف مشخص و نهایی داشته باشد، بلکه آب تا هرکجا بیاید یکی از اهداف تأمین شده است چراکه آب برای آن زمین احیاء کننده است به خلاف نفت که حتماً باید از اهواز تا تهران بیاید و هدف پالایشگاه است.

۱۴/۴: چگونگی غلبه بر شیب‌ها:

۱۴/۴/۱: ما در تمامی زمین‌ها شیب بالا نداریم و درزمینهایی که شیب نداریم و یا شیب پایین داریم می‌توانیم و باید کانال بزنیم و تولید برق نماییم.

۱۴/۴/۲: راه‌حل رایج غلبه بر شیب لوله و پمپ است که مشکل حل می‌شود ولی ما اصلاً این مدل را قبول نداریم، این مدل مدل رایج انتقال سیالات است.

۱۴/۴/۳: راه‌حل دوم: در شیب‌های تند نقد زدن است، همان مدل قنات که سال‌هاست ایرانیان استفاده می‌کنند این مدل هم بد نیست ولی روش‌های بهتری نیز موجود می‌باشد.

۱۴/۴/۴: راه‌حل سوم عمیق شدن کانال در انتها است که این راه‌حل هم معقول نمی‌باشد یعنی در ابتدای کانال عمق ۸ متر است ولی در انتهای کانال عمق می‌شود ۱۰۸ متر.

۱۴/۴/۵: راه‌حل آرتزین، کاری که خواجه نصیر در حوضچه‌های‌کاشان انجام داده است، پیشنهاد لوله و کانال هم سطح زمین که به‌تدریج کانال به همراه زمین رو به سمت بالا هدایت می‌شود، منتهی در ابتدای کانال، کانال معکوس یا لوله‌های اسپیرال منبع آبی افقی قرار داده می‌شود، یعنی اگر طول کانال ۵۰ کیلومتر است و هر کیلومتر دو متر اختلاف سطح دارد در انتهای کانال ۱۰۰ متر اختلاف سطح داریم لذا در ابتدای کانال یا لوله افقی داریم که ارتفاع آن مثلاً ۱۲۰ متر است در ابتدای کانال آب با پمپ در مخزن ریخته می‌شود و به‌واسطه قانون جاذبه و هم‌سطح شدن آب با ابتدای آب، آب مجبور است که مسیر ۵۰ کیلومتر را طی نماید و خود را هم سطح مبدأ نماید، پیشنهاد ما این است که مبدأ آب ۱/۵ برابر مقصد باشد که آب در مقصد با فشار خارج شود یعنی اگر اختلاف سطح ۱۰۰ متر است ابتدای کانال ۱۵۰ متر بالاتر از زمین باشد و در انتها نیز آب در پست و یا همان دریاچه مصنوعی رها می‌شود و با فشار آب خارج می‌شود و می‌توان برق نیز تولید نمود، جزئیات مربوط به چگونگی آب به داخل پست (حوضچه، دریاچه مصنوعی) بدیهی است اما اشاره‌ای می‌کنیم و آن اینکه اگر آب در هنگام رها شدن از کانال و یا لوله چند متر رو به‌پایین هدایت شود فشار آب بسیار زیاد می‌شود که در اینجا می‌تواند این‌گونه قلمداد شود که آب از بالا به‌پایین آمده است درحالی‌که واقعاً ما آب را از پایین به بالابرده‌ایم

۱۴/۴/۶: اشکال سست دیگری اینجا مطرح می‌کنند که خوب ما چگونه و با چه نیرویی آب را در ابتدای کانال به درون منبع ابتدایی بریزیم، این سؤال تنها از کسی قبول است که نداند که

امروز چاه‌های نفتی با عمق ۱۲ کیلومتر وجود دارد و در ایران چاه‌های نفتی با عمق بیش از ۵ هزار متر وجود دارد و از آن عمق نفت که بسیار سخت‌تر از آب است پمپاژ می‌شود، گذشته از اینکه امروز در کشور شاهد هستیم روستاییان اقدام به حفر چاه‌های عمیق نموده حتی بعضاً از عمق ۵۰۰ متری زمین آب را بالا می‌شکند پس اگر ارزش دارد آب را از ۵۰۰ متری برای زمین اطراف پمپاژ نمود هزاران برابر ارزش دارد که آب را ۱۵۰ متر بالا ببریم و با استفاده از قانون‌های خدادادی آب را تا ده‌ها بلکه صدها کیلومتر حرکت دهیم و بالا ببریم.

۱۴/۴/۷: مسائل جزئی دیگری مانند تقویت سرعت آب در میانه هر کانال توسط پمپ تقویتی و یا افت سرعت بر اثر تماس آب با بدنه دیواری و ایجاد اصطکاک امور بدیهی است که جواب داده‌شده است.

۱۴/۴/۸: ما فعلاً نیز به بحث استفاده از انرژی هسته‌ای و پمپ‌های خورشیدی نیز نمی‌پردازیم.

۱۴/۴/۹: پس معلوم شد هم می‌توان آب را بالا برد و هم تأمین برق نمود.

اشکال پانزدهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله
۱۵ اصلاً بدون تأمین انرژی هنگفت آیا امکان انتقال وجود دارد؟

اگرچه در بند ۱۴ به این سؤال پاسخ داده‌شده است ولی لازم میدانیم از منظر دیگری به این سؤال پاسخ داده شود:

۱۵/۱: ما اثبات نمودیم بدون انرژی هنگفت این امر امکان دارد با الگوی چاه‌های آرتزین و البته به بحث انرژی هسته‌ای و تلمبه‌های خورشیدی نیز کاری نداریم.

۱۵/۲: تأکید می‌کنم ما راهی جز این نداریم که به هر تقدیر شده مشکل آب را حل نماییم حتی اگر شده با هزینه هنگفت اگر شما الگو دارید ارائه دهید که البته تمامی راهکارها را نقد کرده‌ایم و اثبات نموده‌ایم اگر مشکل را حل نکنیم خطری بزرگ در راه است، لذا راهی نداریم جز اینکه سریعاً اقدام نماییم و به هر روشی که می‌توانیم قیمت‌ها را پایین و در غیر این صورت باز راهی نداریم جز اینکه هزینه نماییم.

۱۵/۳: یکی از انرژی‌های که با آب تولید می‌شود برق زیاد و ارزان می‌باشد، همان‌گونه که میدانید ۶۰% نیروگاه‌های برق آبی ما به علت نبود آب در حال تعطیلی و گاها تغییر کاربری است

پس متوانیم آن نیروگاه‌ها را با آب انتقال داده‌شده احیا نماییم، گذشته از اینکه می‌توانیم نیروگاه‌های برق آبی جدید تأسیس کرده و از خود کانال‌ها به جای سد تولید برق نماییم.

۱۵٫۵: به هر دلیل توجیهی که انتقال آب به یزد در حال اجرایی شدن است باهمان دلایل باید آب را به بقیه جاها رساند.

۱۵٫۶: لذا اگر ابعاد وسیعی که خشک‌سالی به ما ضرر میزند را در نظر بگیریم مانند مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، دینی و ... باید مشکل آب را به هر تقدیری حل نمود، بله شاید قبول نماییم هزینه بالا است ولی در مقابل هزینه‌ای که ما در قبال نبود آب می‌پردازیم ناچیز است، اگر ما مخیر باشیم بین خطری که جان میلیون‌ها ایرانی را تهدید می‌کند و یا صرف نمودن هزینه کدامیک را قبول می‌نماییم؟ مشکلاتی که ما از قبال خشک‌سالی می‌بینیم غیرقابل‌شمارش است.

اشکال هجدهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱۸ مسلماً عامل محدود کننده اصلی، هزینه شیرین سازی آب است. هزینه این کار بین تا ۶ هزار تومان در هر مترمکعب متغیر است که باید به آن هزینه‌های انتقال را نیز افزود و بنابراین حداقل ۱۵ هزار تومان برای شیرین سازی و انتقال (فقط هزینه انرژی) منظور کرد. در صورتی که هدف از این کار رفع کمبود آب در کشور باشد، باید تقریباً ۴۰ میلیارد مترمکعب آب از این طریق در سال استحصال شود (جبران کسری تقریبی آب تجدید شونده کشور). این کار مستلزم هزینه تقریبی ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال است. حال این مبلغ را با کل بودجه عمرانی سال ۱۳۹۷ (۶۰ هزار میلیارد تومان) مقایسه کنید. این بدان معنی است که دولت باید ۱۰ برابر کل بودجه عمرانی کشور در هرسال فقط به شیرین سازی و انتقال آب اختصاص دهد.

در اینجا چند مسئله باهم خلط گردیده است که لازم است مباحث را با دقت بیشتری نظر کنیم:

۱۸٫۱: لذا چند متن را در ابتدا قرار می‌دهیم:

- ✓ حمید چیت چیان: حدود ۵۰ تأسیسات آب‌شیرین‌کن در طول سواحل دریای عمان و خلیج‌فارس احداث‌شده تا شهرها و روستاهای این منطقه از آب شیرین برخوردار شوند و ما باید همه راه‌های استحصال آب را تجربه کنیم. ۱۲ فروردین ۱۳۹۵

- ✓ مهندس حمید چیت چیان از اجرای پروژه انتقال آب دریای خزر به استان سمنان خبر داد و گفت: تمهیدات لازم برای اجرای این پروژه فراهم‌شده و با تأیید نظر کارشناسان محیط‌زیست این طرح در آینده عملیاتی می‌شود. ۱۰ مرداد ۱۳۹۶
- ✓ حمید چیت چیان: در این مناطق مشکلات جدی برای تأمین آب وجود دارد اما باوجود دسترسی این مناطق به دریا می‌توان از طریق نمک‌زدایی و شیرین سازی آب بخشی از این مشکلات را برطرف کرد. شنبه ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓ مهندس چیت‌چیان با اشاره به برنامه‌ریزی این وزارتخانه برای شیرین سازی آب جهت استفاده در ۵ استان واقع در محدوده سواحل جنوب کشور خاطرنشان کرد: در این طرح از بازیافت حرارت نیروگاه‌های برق، برای شیرین سازی آب استفاده خواهد شد. ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓ پس از سخنان وزیر نیرو، نمآینده‌این وزارتخانه گزارشی از برخی طرح‌های کلیدی در حوزه آب و برق را ارائه کرد که یکی از این طرح‌ها تولید هم‌زمان برق و آب در سواحل جنوبی کشور بود و جزئیات فنی، اهداف طرح، اعتبارات مورد نیاز و الزامات اجرای آن مورد بحث بررسی قرار گرفت. ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓ دکتر روحانی: انتقال آب از دریای خزر و همچنین خلیج‌فارس و دریای عمان به استان سمنان و فلات مرکزی ایران از طرح‌های بلندمدت است که بررسی‌های لازم در این زمینه انجام‌شده و مطابق این بررسی‌ها، انتقال آب از دریای خزر به سمنان هیچ مشکلی ندارد و اصول زیست‌محیطی نیز در این خصوص رعایت شده است. این طرح‌ها توسط بخش خصوصی اجرایی می‌شود و افرادی نیز به‌عنوان سرمایه‌گذار اعلام آمادگی کرده‌اند. سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۵
- ✓ مهندس میدانی: رئیس‌جمهور در سال ۱۳۹۳ حجت را تمام کرد و گفت: انتقال حوزه به حوزه باهدف آب شرب می‌تواند صورت گیرد. البته باید به این مسئله توجه کرد که این حساسیت‌ها برای انتقال آب از دریا نیست و حساسیت بیشتر درزمینه انتقال آب از یک استان به استان دیگر است و همان‌طور که ما از کشورهای بالاتر انتظار داریم که برای تأمین نیازهای حیاتی ما کمک کنند، صحیح نیست که استانی برای انتقال آب به

استانی دیگر ناراضی باشد. ایران ناگزیر به انتقال آب است اما باید در اجرای این مسئله به مسائل زیست‌محیطی توجه کند. ۲۶ مهر ۱۳۹۶

- ✓ دکتر اردکانیان: امیدواریم در سال‌های آتی بتوانیم بخش اعظمی از مصارف شرب و صنعت خود را با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی از آب‌های ژرف (دریا) تأمین کنیم ۹۶/۱۱/۱۰
- ✓ دکتر اردکانیان: درزمان حاضر کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی سالانه حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب از آب‌های ژرف استفاده می‌کنند و ما نیز امیدواریم در سال‌های آتی بتوانیم بخش اعظمی از مصارف شرب و صنعت خود را با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی از این طریق تأمین کنیم. ۹۶/۱۱/۱۰
- ✓ مهندس جهانگیری: انتقال آب از خلیج‌فارس و دریای عمان به استان کرمان باید تسریع شود.
- ✓ علی‌رضا رزم حسینی استاندار کرمان: با اشاره به پیشرفت بیش از ۴۰ درصدی طرح انتقال آب از بندرعباس به سیرجان افزود: درباره انتقال آب از دریای عمان نیز قرار شده است این آب پس از شیرین شدن در منطقه زیارت، به سد منتقل و سپس به فلات مرکزی کرمان منتقل شود که از این طریق کریدور انتقال آب در کشور ایجاد می‌شود. رزم حسینی بیان کرد: کارگاه احداث بزرگ‌ترین تونل انتقال آب خاورمیانه به‌سرعت در آذرماه ۹۴ ایجاد شد و ریاست جمهوری نیز در سفر به کرمان به اهمیت توجه به موضوع آب در استان کرمان تأکید و اعلام کردند باید در این حوزه فکر اساسی شود. ۹۶/۰۱/۰۲
- ✓ دکتر کلانتری: کاهش منابع آبی و خالی شدن سفره‌های زیرزمینی یکی از مشکلات مهم کشور است و به اعتقاد کارشناسان، چالشی اساسی ایجاد کرده است که اگر فکری برای آن نشود، نتایج جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. در اینکه دنیا از آب دریاها استفاده می‌کند، بحثی نیست. آب را شیرین می‌کنند تا انتقال دهند که ممکن است یک کیلومتر یا ۵۰۰ کیلومتر مسیر آن باشد. آب دریا را شیرین می‌کنند که استفاده اقتصادی کنند. ما که نوبر آن را در ایران نیاورده‌ایم، تمام دنیا دارد آب دریا را شیرین و استفاده می‌کند؛ ۸۰% زندگی مردم جهان در حاشیه دریاها است. از آبادان تا چابهار ۱/۸% جمعیت کشور زندگی می‌کنند، اگر بخواهیم جمعیت را در مکران در کنار ساحل هم حفظ کنیم باید آب داشته باشیم. اکنون کشورهای حاشیه خلیج‌فارس سالانه نزدیک به ۱۰ تا ۱۲

میلیارد مترمکعب آب را شیرین و استفاده می‌کنند، اما ما هنوز به ۴۰۰ میلیون مترمکعب هم نرسیده‌ایم.

۱۸/۲: اگر به سخنان دولت و متخصصین حوزه آب نگاه کنیم تمامی اشکالات و شبهاتی که دوستان مطرح کرده‌اند جواب داده می‌شود

اگر انتقال آب نمی‌شود چرا گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب هزینه سنگین دارد و مقرون به‌صرفه نیست چرا گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب مشکلات فنی دارد چرا گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب مشکلات زیست‌محیطی و اکوسیستمی دارد چرا گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند پس سؤال‌های مطرح‌شده چیست؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند پس چرا عملی نکردند؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند پس چرا با جدیت پیگیری نکردند؟

اگر به ما اشکال می‌کنید قبل از آن باید به مدیران بالادست خود اشکال می‌کردید که گفتند و کلنگ زدند

اگر آنجا اشکال نکردید اینجا نیز نباید اشکال کنید.

اگر از ما مطالبه جواب نمودید قبل از آن باید از مسئولین خود مطالبه جواب می‌نمودید که چرا تاکنون به بهره‌برداری نرسیده است.

و بدانیم این اگرها تماماً مسیری است برنده‌تر از شمشیر و باریک‌تر از مو که یا هم‌اکنون باید جواب شفاف داد و یا.

۱۸/۳: طبق صحبت‌های آقای عیسی کلانتری کشورهای حاشیه خلیج‌فارس ۱۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین سازی می‌کنند، خوب چرا ما نتوانیم؟ که اتفاقاً ایشان و تمامی افرادی که پیشنهاد داده‌اند این توقع را دارند، اگر برای عرب‌ها و بقیه انسان‌ها مقدور به‌صرفه است برای ما هم هست و اگر مقدور به‌صرفه نیست چرا مسئولین نظر دادند و کشورهای دیگر نیز عمل می‌کنند؟

۱۸٫۴: زمانی که ما آب را یک مسئله بدانیم این سؤال پیش میاید که بودجه عمرانی مثلاً ۶۰ هزار میلیارد تومان است و ... درحالی‌که نگاه ما به آب بسیار کلان‌تر می‌باشد، نگاه ما این است که آب یک مسئله نیست، آب تمام مسائل است، اگر در اهمیت آب بحث کنیم که در اثر نبود آن‌همه‌چیز به مشکل بر می‌خورد و ما مجبوریم صدها بلکه هزاران هزینه خرج کنیم تاکمی و کاستی آب را جبران نماییم و در صورت وجود آب بسیاری از هزینه‌ها تعطیل می‌شود، دیگر جای این نخواهد بود که بحث کنیم این کار هزینه دارد یا خیر؟ ارزش آب بالاتر از نفت و طلا و الماس است و این حقیقتی است که تا درک نشود ما مجبور هستیم بحث نماییم تا به نتیجه برسیم، باید محاسبه کنیم و ببینیم که در این وضعیت در اثر نبود آب چقدر زیان می‌بینیم تا بعد به آن برسیم که آیا حتی اگر قیمت تمام‌شده هر مترمکعب ۶ هزار تومان باشد ارزش دارد یا خیر؟ شما ببینید برای مشکلات ریز گردها و بیماری‌های ناشی از نبود آب و از دست رفتن خاک (فرونشست زمین)، تعطیلی کارخانه‌ها و کشاورزی، واردات و آلودگیِ هوا، تعطیلی و هجوم مردم از روستا به شهر و مشکلات عدیده شهری ... چه زیانی می‌کنیم آن‌وقت به قطع و یقین حکم می‌کنیم که باید انتقال آب را انجام داد حتی اگر هزینه شیرین سازی زیاد هم باشد.

۱۸٫۵: از طرفی ما که در قم زندگی می‌کنیم برای خرید آب باید گالن در دست بگیریم و یا کارت آب را تهیه کنیم و یا از مغازه آب شرب بخریم که هر گالن ۲۰ لیتری هزار تومان است یعنی یک مترمکعب آب برای ما ۵۰ هزار تومان تمام می‌شود، آن‌وقت همین آب شیرین در لوله به مردم تهران تحویل می‌شود مترمکعب فرضاً ۵۰۰ تومان سؤال این است چرا باید ما برای آب ۱۰۰ برابر پول بیشتری بپردازیم؟ یا اینکه سؤال دیگر اینکه چرا برای بعضی از شهرها فرصتی فراهم کرده‌اید و یارانه پرداخت‌نموده‌اید تا با آبی که مردم سایر شهرها برای نوشیدن هم به دست نمی‌آورند مردم تهران به استحمام بروند و یا با آن ماشین بشویند و ... این روال در هیچ کشوری نیست حتی آمریکا و روسیه که بیش‌ترین آب‌های شیرین دنیا را در دست دارند، آب را برای همه یکسان‌سازی کنید، خود مردم تهران و شهرهای دیگر هم با این بی‌تدبیری به مشکل بر می‌خورند، آب را با حداقل تصفیه در شبکه آب وارد نمایید و مردم خود برای شیرین سازی اقدام نمایند مانند سایر مناطق کشور، البته به‌زودی شاهد خواهیم بود که این بی‌عدالتی و بی‌تدبیری تمامی آن شهرها را نیز به مشکل می‌کشاند نزدیک است زمانی که آب در کلان‌شهرها جیره‌بندی شود، شما که این اشکال را در اینجا می‌نمایید اول اشکال کنید که چرا آب شرب را در شبکه آب‌رسانی وارد می‌کنید تا مردم مجبور باشند با آن آب به دست‌شویی رفته و استحمام نمایند و برای ساختن ساختمان از آن آب استفاده نمایند؟ آیا خون مردم با یکدیگر تفاوت دارد که حتماً باید برای فراهم شدن آب تهران آب

را از صدها کلیومتر آن‌طرف تر به تهران انتقال داد و حتماً آن آب را با قرار دادن یارانه که سهم تمامی ملت است شیرین نمایید و بعد به‌راحتی تنها ۱۱% این آب برای شرب استفاده شود و بقیه آن برای کارهایی استفاده شود که لازم به شیرین بودن آب نیست آن‌وقت در این شرایط مردم بسیاری در این کشور از نعمت آب سالم برای شرب هم محروم باشند؟ آیا این ظلم نیست؟ یا اینکه آب را شیرین نکنید و در لوله قرار ندهید تا خود مردم آب را شیرین کنند، یا اینکه برای همه یکسان‌سازی کنید و این موقعیت را برای همه به وجود آورید، یا اینکه بودجه‌ای که آنجا صرف کرده‌اید برای دیگرآن‌هم صرف کنید.

۱۸/۶: نکته دیگر هزینه‌ای که بیان می‌شود این مقدار نیست دلیل آن این است که هزینه آب در مناطق دریایی اگر ۶ هزار تومآن‌هم باشد چرا برای انتقال می‌فرمایید ۱۱ هزار تومان برای انتقال هزینه لازم است؟ مگر انتقال‌های دیگری که صورت می‌گیرد چقدر هزینه می‌برد که در انتقال دریا این‌قدر هزینه لازم است؟

۱۸/۷: نکته دیگری از آن غافل هستیم اینکه بعد از آب‌رسانی سوددهی فرامی‌رسد چراکه کشاورزی و صنعت و ساخت‌وساز با آب رونق می‌گیرد و آن چیزی که بنده برای آینده آب می‌بینیم صنعتی بزرگ و سودآور است که صدها برابر نفت سود خواهد داشت، چراکه ما می‌توانیم علاوه بر استفاده داخلی آب را صادر کنیم و از این راه سود به دست بیاوریم کما اینکه هم‌اکنون همان‌گونه که در کلمات آقای جهانگیری نیز بود دولت به فکر خرید آب از کشور افتاده که به علت مشکلات مالی و قیمت بالا کاری از پیش نرفته است و باید بدانیم در این زمان ما نیاز شدید به آب نداریم و الا در آینده‌ای نزدیک قیمت آب بسیار بالا شود تا جایی که با لیوان آبی بتوان انسانی را خرید و فروخت، خوب اگر ما سریعاً به سمت استفاده از آب دریا حرکت کنیم می‌توانیم نجات یابیم و نجات دهیم و البته سود اقتصادی ببریم مضافاً بر اینکه ملت نیز از این آب استفاده کافی و سود سرشار را می‌برند.

اشکال نوزدهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۱۹. حتی در صورت لحاظ کردن هزینه احداث کانال‌ها و ابنیه، دولت باید در طی یک سال تمام درآمد کشور اعم از نفت و مالیات و ... را صرف این کار کند.۱۹

۱۹/۱: این متن برای بنده نامفهوم است لذا ما احتمالات مختلفی را موردبررسی قرار می‌دهیم:

۱۹/۲: اگر منظور این است که برای ساخت و اجرای پروژه پول نیست که در خود قطره ۷۳ اثبات نموده‌ایم که اگر تنها هزینه بنگاه‌های زودبازده را صرف کنند هزینه اجرای طرح کافی می‌باشد و از زمانی که طرح عملیاتی شود پول از دست رفته به‌واسطه رونق اشتغال در کشور بازگشت می‌کند بلکه بعدازآن است که حکومت به کارکرد اصلی خود می‌رسد، بله در شرایط فعلی که دولت ۹۰% درآمدها را صرف دولت می‌کند و ۱۰% تنها باقی می‌ماند وضعیت چنین است یعنی به‌هیچ‌عنوان دولت نتوانسته کار اقتصادی قابل‌قبولی را انجام دهد، ولی اگر آب بیاید حتماً درآمد دولت افزوده شود بلکه تازه دولت به کارکرد اصلی خود بر می‌گردد و درآمد زا می‌شود و سهم مردم از زیرساخت‌های ایران نیز بیشتر گردد و مردم و ملت از فقر نجات یابند.

۱۹/۳: اگر منظور این است که طرح اجرایی است ولی بعدازآن برای بهره‌برداری دچار مشکل می‌شویم بازهم معقول نمی‌باشد، تنها کافیست هزینه‌ای را که دولت هرساله صرف بنگاه‌های زودبازده می‌کند را اختصاص به آب‌رسانی دهد و هرسال همین زیرساخت اصلی کشور را کامل نماید.

۱۹/۴: بر این نکته تأکید می‌کنم در وضعیت کنونی دولت مجبور است در حوزه‌های مختلف هزینه کند که به‌هیچ‌عنوان هزینه‌های انجام‌شده معقول نمی‌باشد، به طور مثال دولت برای مبارزه با ریز گردها چه مقدار تاکنون هزینه نموده است؟ تنها برای مالچ پاشی دولت باید دو هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه پرداخت کند (خداکرم جلالی رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تاریخ ۹۵/۱۰/۲۵) که باید بگوییم این هزینه یعنی سوزاندن پول هیچ فایده‌ای ندارد چراکه درگذشته مالچ پاشیدید ولی وضعیت هم‌اکنون چگونه است اگر دوباره این اشتباه را تکرار کنید وضعیت آینده مانند هم‌اکنون است، آیا وضعیت خوزستان قابل‌قبول است؟ استاندار جهانی ۱۵۰ میکروگرم ذرات معلق بر مترمکعب است، ولی در آخرین اندازه‌گیری‌ها تا ۱۰۰۰۰ میکروگرم برآورد شده است، (به نقل از نماینده مردم خوزستان) آیا افزایش ۶۶ برابر آلاینده در شهر قابل‌قبول است؟ آیا بیماری‌های تنفسی و ... که مردم به‌واسطه هوای آلوده می‌بینند قابل‌قبول است؟ بنده ادعا دارم تمامی مشکلات کشور به مشکل خشک‌سالی بر می‌گردد و اگر می‌خواهید بازهم این مطلب را اثبات می‌نمایم، لازمه این حرف این است که تمامی بودجه‌ای که هم‌اکنون در امور دیگر هزینه می‌شود هدر دادن هزینه است و باید اول مشکل خشک‌سالی را حل نمود، لذا با توجه به این بحث هیچ‌گاه نمی‌توانید بالا بودن هزینه را مطرح نمایید چراکه با حل نمودن مشکل

خشک‌سالی مابقی هزینه‌ها که هم‌اکنون هدر دادن هزینه است حل می‌گردد و به جیب دولت و ملت بازمی‌گردد، لذا با این مبنا حتی اگر باید برای هر مترمکعب ۱۵ هزار تومآن‌هم هزینه کرد و حتی اگر برگشت نداشته باشد یابد این هزینه را انجام دهیم و دلیل آن این است که با برطرف شدن این مشکل تمامی آن مشکلات حل می‌گردد.

۱۹/۵: ما چگونه امروز شیرین سازی آب دریا را امری سخت میدانیم و از آب یک غول بی شاخ و دم ساخته‌ایم درحالی‌که کشورهای دیگر حتی آمریکا نه‌تنها از آب دریا برای عبور از بحران خشک‌سالی رو به شیرین سازی آب دریا آورده‌اند که حتی آمریکایی‌ها برای عبور از بحران آب، رو به تصفیه و شیرین سازی آب دستشوییها (توالت) آورده‌اند که برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به بحث آب در ایالت کالیفرنیا بپردازیم که اسم طرح (استفاده از آب توالت) می‌باشد.

۱۹/۶: سؤال دیگری که امروز باید از تمامی متخصصین حوزه آبی کشور پرسیده شود اینکه چرا در حوزه تخصصی خود تلاش نمی‌کنید و منتظر هستید تا یا از علم دیگران استفاده کنیم و یا اینکه جامعه به کام مرگ کشیده شود و آیندگان ما را محکوم کنند؟ چرا از دنیا در این عرصه پیشی نمی‌گیرید؟ اگر تخصص شما در این زمان به فریاد ما نرسند پس این تخصص چه فایده‌ای دارد؟ اگر آیندگان تمامی مشکلاتی را که شما مطرح نموده‌اید را حل کنند آیا جوابی برای تاریخ خواهیم داشت؟ درحالی‌که نیازی به قضاوت آیندگان نیست همین الآن دانشمندان معاصر غربی مشکلاتی را که شما مطرح می‌نمایید حل نموده‌اند، سؤال من از تمامی پژوهشگران حوزه آب این است ما درزمینه آب در قرن چند میلادی هستیم؟ درحالی‌که باید در این زمینه پیشتاز باشیم چراکه ما درگذشته پیشتاز بوده‌ایم.

روش‌های شیرین سازی

۱۹/۷/۱: آیا انرژی خورشیدی را نمی‌توان به برق تبدیل نمود و از آن برای شیرین سازی استفاده نمود؟ بله یکی از نعمت‌های مملکت ما این است که نزدیک خط استوا می‌باشد و می‌توان از انرژی بدون هزینه خورشید برای تولید برق و گرما و سپس برای شیرین سازی استفاده نمود. لازم است به این مطلب اشاره‌کنیم با شدت خشک‌سالی گرما و تبخیر نیز افزایش میابد که خود این گرما نعمتی است که ما باید زودتر از دیگران آن را کشف نماییم، آیا غیرازاین است که تمامی ابرهای متراکمی را که در آسمان می‌بینیم توسط خورشید تبخیر شده است پس می‌توان از نعمت

خورشید برای شیرین سازی و تولید برق استفاده نمود، و می‌توان مزارع زیاد تولید برق خورشیدی را راه انداخت.

۱۹/۷/۲: آیا نمی‌توان از گاز طبیعی برای تولید برق استفاده نمود و از حرارت تولیدشده آب را هم شیرین سازی نمود و از برق ایجادشده دوباره برای شیرین نمودن آب استفاده نمود؟ چرا ما باید گاز رایگان به ترکیه صادر کنیم ولی از مردم مملکتمان برای گاز پول بگیریم از طرفی هنوز خوزستان گاز نداشته باشد؟

۱۹/۷/۳: آیا نمی‌توان دریاچه‌های آب‌شور را با آب دریا پر آب نمود و زمین و خورشید و باد به‌صورت طبیعتی خدادادی اقدام به شیرین کردن آب نمایند؟ شما بررسی بفرمایید از زمانی که دریاچه‌های آب‌شور ما خشکیده است چقدر در بی‌آب شدن قنات‌ها و آب‌های زیرزمینی ما تأثیر داشته است.

۱۹/۷/۴: آیا نمی‌توان از آب‌شیرین‌کن‌های صنعتی برای شیرین سازی آب دریا استفاده نمود؟

۱۹/۷/۵: آیا نمی‌توان از علم نانو برای ساخت فیلترهای تصفیه آب استفاده نمود؟ مگر ایران رتبه چهارم علم نانو را ندارد، چرا از این علم در شیرین سازی استفاده نکنیم و فیلترهای جدید تصفیه آب درست ننماییم؟

۱۹/۷/۶: آیا نمی‌توان از اورانیوم ۲۰% غنی‌شده برای شیرین سازی استفاده نمود؟ در اینجا برای روشن شدن اهمیت این موضوع باید یک بررسی انجام دهیم و آن مقایسه‌ای کوتاه بین ایران و رژیم غاصب صهیونیستی است.

ایران با مساحت ۱٬۶۴۸٬۱۹۵ کیلومترمربع (هفدهم کشور وسیع جهان) و اسرائیل با مساحت ۲۰/۷۰۰ کیلومترمربع (یکصد و پنجاهمین کشور غاصب جهان) می‌باشد (ما فعلاً با این بحث کاری نداریم که اسرائیل اصلاً کشور نمی‌باشد و آن‌ها غاصب هستند) یعنی ایران ۷۹ برابر اسرائیل زمین دارد و جمعیت ایران حدود ۸۰ میلیون نفر و جمعیت اسرائیل ۸٬۴۷۶٬۶۰۰ نفر و این یعنی ایران ۹/۴ برابر اسرائیل جمعیت دارد، حال نسبت سنجی میان مساحت و جمعیت اسرائیل می‌نماییم که در هر کیلومترمربع در اسرائیل ۴۰۹ نفر زندگی می‌کنند، حال همین نسبت سنجی را در ایران انجام می‌دهیم جواب ۴۸ نفر می‌باشد پس ایران در مقایسه با اسرائیل ۷۹ برابر بزرگ‌تر می‌باشد و ۹/۴ برابر اسرائیل جمعیت دارد ولی تراکم در اسرائیل ۴۰۹ نفر در کیلومتر است و در ایران ۴۸ نفر در کیلومترمربع است، یعنی اگر برای هر ایرانی ۸/۵ متر زمین برای زندگی وجود داشته باشد در اسرائیل برای هر نفر یک متر زمین وجود دارد پس به همین تناسب باید وضعیت

مسکن و صادرات و معیشت ۸/۵ برابر سخت‌تر باشد مخصوصاً اینکه بدانیم ذخایر منابع طبیعی ایران از قبیل معدنیات و خاک و نفت و گاز و ... بی‌بدیل است ولی در فروشگاه‌های مواد غذایی اروپا، به دفعات زیاد می‌توان محصولاتی را دید که روی بسته‌بندی آن‌ها، کشور تولیدکننده را اسرائیل درج کرده است درحالی‌که اسرائیل به اندازه یکی استان‌های کوچک ما می‌باشد تقریباً به‌اندازه استان زنجان می‌باشد .بیش از شصت درصد از مساحت سرزمین‌های اشغالی بیابانی و نیمه بیابانی است و باوجوداینکه حتی یک رودخانه بزرگ هم در این کشور وجود ندارد، چطور رژیم غاصب اسرائیل باوجود این‌همه بیابان و خشک‌سالی مفرط در خاورمیانه، محصولات کشاورزی که همگی محصولاتی هستند که به آب فراوان نیاز دارند، تولید کرده و به سایر نقاط دنیا صادر می‌کنند؟ مسئله زمانی جالب‌تر و گیج‌کننده می‌شود که توجه کنیم این رژیم تا پنجاه سال پیش برای تضمین تأمین آب شرب خودش، سرزمین‌های جنوب لبنان و بلندی‌های جولان سوریه را اشغال کرد تا به سر شاخه‌های دو رودخانه فصلی تسلط کامل داشته باشد! اما امروزه با کمال تعجب شاهد آن هستیم که آن‌ها در صحرای بی‌آب و علف نقب در قلب سرزمین‌های اشغالی، در بیابان، واحدهای پرورش ماهی احداث کرده‌اند و طبق آمار شرکت‌های فعال در این زمینه، سود بسیاری هم از فروش محصولات شیلات خود برای مصرف داخلی و صادرات مازاد آن به سایر کشورهای دنیا کسب می‌کنند! ولی در عوض کشور ما به‌جایی رسیده که حتی شتر و کنجاله و گندم و برنج و چای و پرتقال را از خارج تأمین می‌کند درحالی‌که باید برعکس باشد، همین جریان را در مقایسه ایران با سایر کشورها نیز می‌توان انجام داد مانند مقایسه ایران با هلند، جواب در آب و شیرین سازی آب است حقیقت این است ما مشکل آب را حل نکرده‌ایم و حتی در حال خشک کردن کشور خود هستیم ولی آنان مشکل آب را حل کردند، اسرائیل یکی از بزرگ‌ترین نیروگاه‌های هسته‌ای آب شیرین‌کن دنیا را در کنار دریای مدیترانه در منطقه سورک (Sorek) احداث کرده است که ظرفیت شیرین سازی ۶۲۴ هزار مترمکعب آب در روز را دارد که معادل با حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب در سال می‌باشد (طرح اولیه برای ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب برنامه‌ریزی شده بود که در طرح نهایی به ۲۳۰ میلیون مترمکعب ارتقا پیدا کرد). تأسیسات آب‌شیرین‌کن سورِک در ۱۵ کیلومتری جنوب تل‌آویو در اکتبر سال ۲۰۱۳ عملیاتی شد و روزانه توانایی املاح زدایی ۶۲۴ هزار مترمکعب آب دریا را داراست که بزرگ‌ترین نیروگاه املاح زدایی در کل دنیا محسوب می‌شود. ساخت این نیروگاه از ژانویه ۲۰۱۱ آغاز و با هزینه ۴۰۰ میلیون دلار به اتمام رسید. خوب

سؤال این است آیا ما نمی‌توانیم آب‌شیرین‌کن هسته‌ای داشته باشیم؟ آیا باید بازهم بهانه بیاوریم؟ اگر اسرائیل غاصب می‌تواند ما هم می‌توانیم اگر او یکی دارد ما باید ده عدد داشته باشیم در مقایسه با جمعیت و یا باید ۷۹ عدد داشته باشیم در مقایسه با مساحت.

بنده به‌عنوان شاگرد مکتب اسلام ناب اعلام می‌کنم در اینجا هیچ بهانه‌ای مورد قبول نیست، کسی که باید جواب سؤال‌های مطرح‌شده شمارا بدهد بنده طلبه نبودم و نیستم اما جواب تمامی مسائل شمارا می‌دهم و راه بهانه‌ای باقی نمی‌گذارم و اعلام می‌دارم یا مشکل آب را از طریق دانشگاهی خود حل کنید که جای هیچ بهانه‌ای وجود ندارد و اگر میگویید سخت است و ... با طرق غیرعادی حل می‌کنیم و اگر هیچ‌کدام را قبول نمی‌کنید ما جواب آیندگان را نمی‌توانیم بدهیم و لعن و نفرین آنان را نیز نمی‌توانیم بشنویم، اگر دانشگاه‌های ایران با این‌همه طول و عرض نتواند مشکل آب ایران را سریعاً حل نماید پس چه فایده‌ای دارد؟ اگر ایرانیان از عربستان و اسرائیل و آمریکا که سه ضلع دشمنی ما هستند در برآورده کردن نیاز آب مانده‌اند چگونه ادعای مبارزه و جنگ با آنان را داریم؟ ما اعلام می‌کنیم رشد علمی ۴/۴% داریم و جزء ۴ کشور اول دنیا هستیم و در آمار منتشرشده اسمی از عربستان و اسرائیل دیده نمی‌شود آن‌وقت چگونه است که در مبحث آب که یکی از زیربنایی‌ترین امور است از کشورهای بسیاری مانند عربستان وهابی و اسرائیل غاصب یهودی عقب‌افتاده باشیم تا جایی که آقای جهانگیری عنوان کنند که باید به فکر وارد آب باشیم؟ (آقای جهانگیری: ممکن است نیاز باشد تا آب شرب مورد نیاز کشور از بیرون از مرزها یا انتقال از طریق خلیج‌فارس و دریای خزر انجام شود؛ این در حالی است که در بسیاری از کشورها آب شرب مورد نیاز از طریق دریاها و آب‌شیرین‌کن‌ها تأمین می‌شود.۱۳۹۶/۰۶/۱۴)

اینجا بر این نکته تأکید می‌کنم، نمودارهای خشکی و خشک‌سالی و پایین رفتن آب زمین و بالا رفتن گرمای هوا و تبخیر شدن آب و خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه و دریاچه‌ها و ... را سال به سال مقایسه کنید و میابید که نمودار از این سال شیب بسیار تندی پیداکرده است و هرسال از سال قبل بدتر می‌شود و خود شما هم میدانید که راه نجات‌بخش برای ایران ندارید، حال این سؤال را مطرح می‌کنم: شش سال آینده وضعیت آبی ایران چگونه است و در آن زمان برای حل بحران آب آیا راهی داریم یا خیر؟ اگر در آن زمان اسرائیل اعلام کند که: ای مردم ایران ما مشکل آب ایران را حل می‌کنیم به شرط اینکه ... چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا با این وضعیت ما می‌توانیم غذای ایرانیان را تأمین کنیم؟ با چه پولی می‌توانیم واردات انجام دهیم؟ مردم ما از کجا پول بیاورند تا غذا تهیه کنند؟

فروپاشی شوروی

لازم است در اینجا به مسئله فروپاشی شوروی نیز اشاره‌ای داشته باشیم و ببینیم: چرا شوروی دچار فروپاشی گردید؟ دولت‌های کمونیستی اروپای شرقی قادر نبودند برای شهروندان خود استانداردی از سطح زندگی را فراهم آورند که با جهان غرب قابل‌مقایسه باشد. مسئله‌ای که اکثر محققان بر آن متفق‌القول هستند که عامل اصلی، نارضایتی‌های گسترده اواخر دهه ۸۰ در آن کشورها بود. هنگامی که ساکنان شرق مجبور بودند تا ساعت‌ها در صف غذا و محصولات مصرفی خود منتظر بمانند، دوره‌ای که مجبور بودند در آپارتمان‌های ترسناک و بی‌روح زندگی کنند، زمانی که در تلویزیون، آمریکایی‌ها و ساکنان اروپای غربی را می‌دیدند که سوار بر ماشین‌های گران‌قیمت با لباس‌هایی شکیل در حال گذران زندگی هستند، و این امور موجب نارضایتی‌های عمومی در ۱۹۸۹ را ایجاد نمود. واضح است که مردم از وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور رضایت نداشتند. نارضایتی‌هایی که منجر به شورش‌هایی پراکنده شد. سیستم اقتصادی شوروی مبتنی بر دو رکن بیشتر نبود؛ یکی فروش نفت و دیگری اقتصاد کشاورزی و اقتصاد شوروی رکود پیدا نمود و درنهایت به فروپاشی آن انجامید. سؤالی دیگری که به‌صورت شفاف جواب داد نشده این است که چه شد که شوروی در اقتصاد و کشاورزی به آنجا رسید که مردم در نان خود دچار مشکل شدند آیا شوروی نمی‌توانست مشکل کشاورزی خود را حل نماید، بله می‌توانست و دلیل عمده این مطلب این است که روسیه بعد از فروپاشی شوروی به صادرکننده اول محصولات غله تبدیل شد درحالی‌که در زمان شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ مردم با کوپن نان تهیه می‌کردند، به عقیده بنده به‌صورت عادی این جریان در ایران در حال تکرار است تا ایران را باهمان الگوی تجزیه و فروپاشی شوروی دچار تجزیه کنند و بعد از سر کار آمدن نظامی که به دنبالش هستند کارها را سامان دهند، (راه خنثی‌سازی این نقشه آب‌رسانی سریع است) لذا برای بنده که میدانم در صورت نبود آب چه اتفاقی برای ملت می‌افتد و از طرفی میدانم که چگونه می‌توان امور را سامان داد نمی‌توانم ساکت نشسته و برای اصلاح امور تلاش نکنم. بله اگر ژاپن، اسرائیل و ... راکتور آب‌شیرین‌کن هسته‌ای دارند چرا ما نداشته باشیم، آیا همین ژاپن نبود که در جنگ جهانی دوم همه زیرساخت‌های خود را از دست داد ولی با تمامی محدودیت‌ها امور خود را سامان داد؟

۱۹/۷/۶: آیا با روش‌های طبیعی مانند پرورش جلبک‌ها نمی‌توان اقدام به شیرین سازی آب نمود؟

۱۹/۷/۷: آیا با روش‌های متعددی نمی‌توان جریان الکتریسیته را از آب‌شور رد نمود و باعث جداسازی املاح از آن شد مانند شوک الکتریکی؟

۱۹/۷/۸: اگر مشکل تنها در نحوه شیرین سازی است چرا اقدامات ساخت زیرساخت‌های انتقال آب را سریعاً دنبال نمی‌کنیم تا راه آسان و ارزان آن را هم در آینده نزدیک پیدا نماییم؟

بله از تمامی این راه‌ها می‌شود و تمامی امکانات و شرایط را هم دارا هستیم.

۱۹ هزینه شیرین سازی که بحث شما در هزینه است:

۱۹/۱: اگر برای استرالیا، امریکا، انگلیس، چین، عربستان، اسپانیا، هند، امارات متحده عربی و حتی بحرین و بسیاری از کشورهای دیگر که آب دریا را شیرین می‌کنند مقرون به‌صرفه هست برای ما هم باید باشد، ۷۵۰۰ کارخانه شیرین‌کننده آب دریا در جهان وجود دارد که ۶۰ درصد این کارخانه‌ها در خاورمیانه هستند ۷۰ درصد آب مصرفی عربستان از این کارخانه‌ها به دست می‌آید. عربستان کارخانه‌های بزرگ شیرین سازی آب دریا را دارد که روزانه ۵۸۰ میلیون لیتر آب قابل شرب از دریا استحصال می‌کند. ۷۰% آب مصرفی این کشور از این کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن به دست می‌آید.

اگر کارشناسان و متخصصان امروز در ایران از توانایی پایین‌تری برخوردار هستند اعلام نمایند.

چگونه است برای تمامی کشورها مفید و مقرون به‌صرفه باشد و تنها برای ما که درخطر نابودی هستیم مشکل هزینه دارد:

باید نگاهی کوتاه به کشورهای اطراف داشته باشیم:

قزاقستان ۳۹ میلیون مترمکعب آب خزر را برای مصارف نیروگاه حرارتی، گردشگری، کشاورزی، شرب و صنایع سنگین با استفاده از ۴ واحد نمک‌زدایی شیرین می‌کند و در نظر دارد این حجم را تا ۱۴۰ میلیون مترمکعب افزایش دهد.
ترکمنستان و آذربایجان نیز که درحال‌حاضر به ترتیب حدود ۱۷ و ۴ میلیون مترمکعب آب را شیرین می‌کنند، در نظر دارند این حجم را به ۲۵ و ۷ میلیون مترمکعب افزایش دهند.

آیا ما از تمامی کشورهای همسایه پایین‌تر هستیم؟ حتی از بحرین و عربستان و ترکمنستان و آذربایجان و قرقیزستان و ...

طبق برنامه‌ریزی‌ها، این ظرفیت تا پایان برنامه ششم باید به روزانه یک میلیون مترمکعب افزایش یابد، اگر مقرون به‌صرفه نبوده چرا برنامه‌ریزی کرده‌اند؟ اگر لازم و ضروری و مقرون به‌صرفه بوده چرا بهانه میاوریم؟

۱۸/۲: شما چرا هزینه شیرین سازی را این‌قدر بالا نام می‌برید؟ آقای فهمی قیمت تمام‌شده آب شیرین را پای تأسیسات ۳۵۰۰ تا ۴ هزارتومان برای هر مترمکعب می‌داند. خوب آنچه ما شاهد هستیم اینکه در کیش، قشم، هرمز، تنب‌های کوچک و بزرگ ... آب تأمینی را به‌وسیله آب‌شیرین‌کن از دریا تأمین می‌کنند، اگر در آنجا می‌شود چرا برای تمام کشور نشود؟

اشکال بیستم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲۰. بنابراین لازم به توضیح بیشتر نیست که چنین طرح‌هایی قرار نیست مشکل آب کشور را در سطحی که جناب آقای بهرامی در نظر دارند رفع کند. در این حالت فقط باید انتظار داشت که بتوان آب شرب را نواحی بسیار حساس برآورده کرد و این کار نیز باید با توجه به مدیریت مصرف انجام شود.۲۰

۲۰/۱: اتفاقاً توضیح بیشتر لازم است؟ بفرمایید شما چه طرحی برای نجات کشور دارید؟ اگر طرح عظیمی با این حجم انتقال آب نتواند مشکل کشور را حل نماید، چه طرح جایگزینی می‌تواند کشور را نجات دهد؟(دقیقاً ما برنامه شمارا برای بحران آب می‌خواهیم بدانیم تا نظر دهیم و البته در قبل خودمان برنامه‌های شمارا بیان نموده و نقد نموده‌ایم) و چرا در هنگام کلنگ زدن طرح‌های انتقال آب دریا به استان‌ها چنین اشکالاتی را مطرح ننمودید؟

۲۰/۲: نکته دیگر که توجه نشده است: چگونه می‌توان با اصلاح الگوی مصرف در مناطق حساس آن مناطق را نجات داد؟ آیا ما می‌خواهیم مردم را بجایی برسانیم که فقط آب برای شرب داشته باشند؟ آیا مردم احتیاج به کشاورزی و صنعت و ساخت‌وساز ندارند؟ آیا روستاهای ما که از ۶۹% به ۲۹% رسیده به خاطر این بود که آب شرب نداشتند یا به خاطر این بود که آب برای رونق اشتغال نداشتند؟ اگر شما برای منطقه‌ای از کشور تنها آب شرب داشته باشید می‌توانید در آنجا زندگی کنید؟ آیا برای استحمام آب نیاز ندارید؟ این تفکر تمامی مناطق را دچار مشکل می‌کند چراکه مردمی که آب برای کار نداشته باشند محل سکونت خود را رها می‌کنند که به محل‌هایی میایند که آب کافی وجود دارد و آنجا نیز به علت هجوم و ازدحام به مشکل بر می‌خورد و در نتیجه همه‌جا به مشکل بر می‌خورد.

۲۰/۳: بررسی این نکته ضروری است که مدیریت مصرف و فرهنگ‌سازی و ... اگرچه واقعاً لازم است و باید انجام شود ولی نه عملی شده و نه عملی می‌شود و تنها شانه خالی کردن از

تکلیفی است که به گردن داریم، بله شما آب مورد نیاز مردم را تأمین کنید تا برای صنعت و کشاورزی و ساخت‌وساز آب داشته باشند بعد به فکر مدیریت مصرف باشید و الا همه مردم وقتی به‌ناچاری رسیدند خودشان بهترین مدیریت را انجام می‌دهند و در اینجا مدیر و مسئولی لازم نیست که بیاید و بگوید شما مثلاً یک لیتر آب دارید لذا برای زنده ماندن خود این‌یک لیتر را هدر ندهید تا زنده بمانید، مدیریت مصرف را مدیران ما باید از مردم فقیر و تهی‌دست یاد بگیرند و احتیاجی نیست که به این مردم مدیریت الگوی مصرف را یاد بدهیم، امروز یکی از خشک‌ترین نقاط کشور تهران است و یکی از پرمصرف‌ترین نقاط کشور نیز تهران است که این شهر به‌گونه‌ای اداره می‌شود که انسان فکر می‌کند اصلاً خبری از خشک‌سالی وجود ندارد و بارش‌ها در حد نرمال و مطلوب است، اگر می‌خواهید واقعاً مدیریت الگوی مصرف کنید، بجای اینکه آب را صرف چمن‌ها و سبزه‌زارهای و فواره‌های تهران کنید تا مردم شاد زندگی کنند فکر کنید، آب این چمن‌ها و سبزه‌زارها از کجا تأمین شده است و در قبال این سبزی چه درختانی که خشک شدند و آب آن درختان به غصب به تهران انتقال پیدا نمود، لذا بجای شانه خالی کردن در رشته تخصصی خود به داد این مردم برسید.

۲۰/۴: یکی از منابع آبی تهران سد قزوین است، خود قزوین که از مناطق حاصلخیز ایران بوده در خشک‌سالی قرار دارد آن‌وقت شما آب را به تهران میاورید، آیا در حق مردم قزوین ظلم نمی‌کنید؟ آیا نفرین قزوین تهران را گرفتار نمی‌کند؟ چرا تهران خشک را اصرار دارید شهری زیبا و آباد نشان دهید درحالی‌که این‌گونه نیست، اگر شما اصرار بر اصلاح الگوی مصرف و مدیریت و فرهنگ‌سازی در مناطق خشک و تأمین آب شرب دارید خوب این کار را در تهران انجام دهید، در این صورت مردم تهران فقط باید آب شرب داشته باشند و این چیزی است که برای دیگران خواسته بودید، شما آب قزوین را به تهران آوردید و قزوین را دچار خشک‌سالی نمودید و از طرفی مردم شاد روستا که روستای خود را ویرانه دیدند با ذلت به شهر آمدند و شما عملاً با توسعه تهرآن‌هم تهران و تمام کشور را از توسعه بازداشتید، اگرچه من قصد ندارم در این جوابیه با لسان دین سخن‌گویم و تمرکز بر این دارم که با علوم شما جواب را گویم ولی کوتاه اشاره‌ای می‌کنم که حجت تمام باشد، بردن آب مردم دیگر بجای دیگر در صورت نیاز آن مردم و ناراضی بودن غصب است و غصب حرام، درختان و باغداران نفرین کرده‌اند و نفرین در حال نزول است پس سریعاً امور را اصلاح نمایید، آب چمن‌های تهران از اشک چشمان فقرا و باغدارانی است که از گلوی ناتوان خود صدایی بیرون نمی‌آید و این سکوت را خدا می‌شنود.

۲۰/۵: منظور شما از نواحی حساس کجاست؟

آیا تمامی نیمه شرقی کشور حساس است؟

آیا مناطقی که هزار سال آباد بوده‌اند و هم‌اکنون در حال خشک شدن هستند حساس هستند؟

آیا مناطق پرجمعیت حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که دچار خشک‌سالی شده است حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که آب شرب ندارد حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که دچار خشک‌سالی کشاورزی شده است حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که آمادگی توسعه دارد ولی به دلیل خشک‌سالی شهر مرده شده است حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که به علت نبود شغل در حال خالی شدن از سکنه است حساس است؟

آیا هر دشتی که به علت نبود آب در حال فرو رفتن زمین است حساس است؟

اگر قرار هست هر منطقه‌ای که در خشک‌سالی است تنها آب شرب آن منطقه را تأمین کنید و با مدیریت الگوی مصرف آنجا را نجات دهید پس در ابتدا باید تمامی شهرهای کلان را به‌جایی برسانید که تنها آب شرب مصرف کنند چراکه تمامی شهرهای کلان در خشک‌سالی هستند، پس بسم‌الله از تهران شروع کنید آب تهران را قطع کنید و آب را از شهرهای دیگر به آنجا نیاورید و آب را در تهران جیره‌بندی کنید و تنها به‌اندازه آب شرب در اختیار مردم قرار دهید، چه لزومی دارد آب تهران از دماوند و قزوین و کرج تأمین شود و مردم تهران در رفاه کامل همه امکانات داشته باشند و مردم شهرهای دیگر در خشک‌سالی خشک شوند؟

اشکال بیست و یکم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲۱. در متن پیشنهادی ذکرشده است که یکی از تفاوت‌های این طرح با سایر طرح‌های در دست مطالعه آن است که قادر به آب‌رسانی به تمامی شهرها و روستاهاست، (مثلاً ذکرشده طرحی که در مجلس در دست بررسی است، تنها آب‌رسانی به شهرها را مدنظر دارد). آیا قرار است تمامی سطح کشور پر از لوله و کانال شود؟ ۲۱

۲۱/۱: تفاوت‌های بسیاری طرح ما با طرح مشابه مجلس دارد و تفاوت مانند تفاوت آب با سراب است، یکی از تفاوت‌ها تفاوت در سرعت و حیطه عملی و ارائه الگوهای مدیریتی است.

۲۱/۲: بله ما مأموریم عدالت اجتماعی را در تمام شئون رواج دهیم، قرار است تمامی کشور امکانات به‌صورت عادلانه تقسیم شود، معنایی ندارد که خوزستان آب قم را تأمین کند ولی نخل‌ها و باغ‌های آنجا از تشنگی بسوزند و در عوض در قم پارک احداث شود، قرار نیست تهران از گاز خوزستان استفاده کند ولی خود خوزستان گاز کشی نشده باشد، قرار نیست برای آبادانی تهران نفت را تا ۱۵ کیلومتری تهران بیاوریم ولی آب شرب خوزستان و خرمشهر و ... تأمین نشده باشد. اگر برای آبادانی همه را جا را جاده کشی می‌کنیم، راه‌آهن می‌کشیم، برق و تلفن و گاز می‌کشیم کاملاً غیرعاقلانه است آب‌رسانی نشده باشد، تا هم‌اکنون هم اقدامات محکوم است که ما جاده و برق و ... کشیدیم ولی به علت نبود آب همه‌جا را خالی از سکنه کردیم، لذا شما با هر راهی که می‌توانید آب را برسانید اگر راهی جز لوله و کانال نداریم بله همه‌جا را باید لوله‌کشی و کانال‌کشی کنیم.

اشکال بیست و دوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲۲. این کار را شاید بتوان در یک مزرعه یا دشت انجام داد، ولی برای کل کشور این کار ابداً ممکن نیست. حتی در مورد جاده‌ها نیز امکان عبور از هر نقطه‌ای وجود ندارد. کانال آب یا لوله که قرار است روی زمین یا زیر آن احداث شود، سیم یا دکل برق نیست که بتوان در هر نقطه احداث کرد و از روی تمام اراضی عبور داد.

۲۲/۱: چگونه یک متخصص می‌تواند چنین حرفی بزند درحالی‌که نمونه لوله‌ای آن برای نفت و گاز سال‌هاست درون کشور در حال اجراست، بله ما نمی‌خواهیم آب را تا بالای قله دماوند ببریم ولی باید آب را تا تمامی روستاها و زمین‌ها برسانیم. اگر توانستیم بقیه امکانات را برسانیم آب را هم می‌توانیم، ما ایرانیان زمانی که نه از دانشگاه و تجهیزات صنعتیِ کَند و کاو خبری بوده از سه هزار سال پیش دارای طولانی‌ترین قنات‌ها بوده‌ایم حال چه شده برای اجرای کانال با این‌همه امکانات این‌گونه سخن میگوییم؟ آیا مردمی که کلاه نمدی به سر داشته و بیل و کلنگ در دست داشته‌اند و صدها کیلومتر قنات کنده‌اند به ما که لودر و بولدوزر و ... داریم نمی‌خندند؟ ما قنات‌هایی داریم که حتی از دوره ساسانیان تاکنون کاربرد داشته و باعث افتخار ما شده است ما برای آیندگان خود چه اثر باارزشی را قرارداده‌ایم که بتوانیم به آن مباهات نماییم؟

اشکال بیست و سوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲۳ نویسنده هیچ گونه جزئیاتی در مورد روش، مکان و حجم شیرین سازی آب ارائه نداده است که ضروری است ارائه گردند. ۲۳

۲۳/۱: آن چیزی که مهم است اراده جدی برای عملی نمودن کار است و ما تنها قبل از شروع کار می‌توانیم موتور محرکی باشیم برای ضرورت و اجرایی نمودن کار و به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانیم تمامی جزئیات را ذکر نماییم، جزئیات بعد از شروع کار حل و فصل می‌شود.

۲۳/۲: روش کار برای به نتیجه رسیدن مسئله این‌گونه است که در ابتدا بعدازاینکه تصمیم گیران کلان کشور به این نتیجه رسیدند که به هر صورت که شده باید برای حفظ تمامی دستاوردهای حال و گذشته و رسیدن به قله‌های پیش رو آب‌رسانی انجام گردد و باید تمامی شئون مملکت اولویت اول را صرف آب‌رسانی کنند، و تمام پروژه‌های غیرضروری را متوقف کنند و کلنگ پروژه جدیدی را نزنند، هیئت اولیه مشخص می‌شوند و تمامی قدرت و توان صرف برنامه‌ریزی برای انجام این پروژه می‌گردد، تمامی مقدمات در ستاد مرکزی تصمیم‌گیری آماده می‌گردد و هماهنگی‌های لازم انجام می‌گردد، بعدازآن دوازده تیم مهندسی برای دوازده خط انتقال آب تعیین می‌گردد و این دوازده تیم هرکدام مأموریت پیدا می‌کنند ۳۰ تیم را برای هر خط انتقال انتخاب نمایند که هر تیم شامل ۶۰ مهندس می‌باشد، پس در این صورت تعداد ۳۶۰ تیم به همراه رابط‌ها با گروه اولیه برنامه‌ریزی و تکمیل می‌گردد و هر تیم کوچک نظرات خود را برای اجرایی نمودن پروژه به‌صورت مرتب و دائمی به تصمیم گیران بالادست ارائه می‌دهند تصمیمات بالادست نیز نظر نهایی را بعد از بررسی به تیم‌های پایین‌دست ارائه می‌دهند در حقیقت یک مهندسی هِرَمی می‌باشد که از بالا دستور میاید و از پایین پیشنهاد، مهندسان بالادست پیشنهادها را بررسی می‌نمایند و مشکلاتی که از پایین‌دست می‌رسد را حل می‌نمایند و مهندسان پایین‌دست دستورات بالادست را اجرایی می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند به این صورت ما سریعاً می‌توانیم نقشه عملیاتی اجرایی پروژه و مشکلات را در بیاوریم که این کار به‌سرعت هم انجام می‌گیرد نهایتاً بعد از گذشتن یک ماه از ایجاد اولیه هسته‌ها آنچه باید ۱۰۰% بر روی خاک و زمین انجام گردد در آورده شده و کار را شروع می‌کنیم در اینجا عوامل اجراییِ شروع به کار، از ۳۶۰ نقطه کار را شروع می‌کنند و در حین انجام کار ادامه نقشه اجرایی تکمیل می‌گردند که ما به این صورت هم در حال تعیین عملیات اجرایی و نقشه‌برداری هستیم و هم در حال انجام کار

می‌باشیم، ما در انجام چنین پروژه‌هایی به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانیم در ابتدا تمامی جزئیات را مشخص نماییم و بعد شروع به کار نماییم زیرا:

اولاً: برای ما زمان عنصر بسیار اساسی است و تاکنون نیز بسیار دیر شده است،

ثانیاً: کلیات ابتدا و انتهای کار و بایدها و نبایدها معلوم است و جای تعلل نیست.

ثالثاً: لزومی ندارد ما نقشه را به‌صورت کامل داشته باشیم و بعد شروع به کار نماییم،

رابعاً: این پروژه آن قدر جزئیات دارد که تنها با یک جهاد به تمام معنی می‌توانیم کار را انجام دهیم

ما اگر ۳۶۰ تیم ۶۰ نفره را مأمور نماییم تا یک ماه مطالعات را انجام دهند به این معنی است که پنج میلیون و دویست و دوازده هزار و هشت صد ساعت کار مهندسی قبل ازآنجام پروژه انجام گردیده است و در طول زمان انجام پروژه نیز در هر ماه همین مقدار کار مهندسی در حال انجام است و مطمئناً این مقدار کار مهندسی برای این پروژه کافی می‌باشد و چه‌بسا زیاد هم می‌باشد؛ به عبارت دیگر ما برای هر ۵۰ کیلومتر که در حقیقت یک پروژه است ۶۰ مهندس داریم که این مهندسان کار را از یک ماه قبل شروع کرده‌اند و مطالعات را انجام می‌دهند و بعد از مطالعات گروه اجرایی اجرا می‌کنند و این روند مطالعه و اجرا تا اتمام پروژه ادامه دارد.

۳/۲۳: در مورد مکان نیز مطلب روشن است پروژه‌های کلنگ زنی شده را باید سریعاً تکمیل کرد و هیچ پروژه دیگری را شروع نکرد مگر اینکه در جهت تکمیل پروژه آب‌رسانی باشد، مثلاً احتیاجی نیست ما در این شرایط پروژه تولید فولاد در کرمان را تصویب کنیم، بلکه سریعاً باید پروژه آب کرمان را تکمیل کنیم و اگرمی خواهیم پروژه جدیدی را اجرایی کنیم تنها باید در جهت آب باشد مثلاً باید پروژه‌های جدید شیرین سازی آب را شروع نماییم.

۴/۲۳: در مورد حجم شیرین سازی، آنچه بدیهی است هر چه بتوانیم حجم بیشتری انجام دهیم بهتر است و به مرور زمان باید مجهزتر شویم لذا در ابتدا تمام ظرفیت را به این مسئله معطوف می‌داریم و در آینده ظرفیت‌ها را بیشتر می‌کنیم.

اشکال بیست و چهارم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله ۲۴ همچنین بزرگ‌ترین دستگاه آب‌شیرین‌کن دنیا در ریاض عربستان حداکثر ظرفیتی حدود ۷۳۰ هزار مترمکعب در روز دارد. لذا به نظر می‌رسد در این طرح قرار است ارقام بسیار بزرگتر در حد چند میلیاردمترمکعب در سال شیرین سازی آب صورت گیرد. ۲۴

۲۴/۱: مقایسه ایران و عربستان

موارد	ایران	عربستان	نتیجه
جمعیت	۸۰ میلیون نفر	۳۱ میلیون و پانصد هزار نفر	ایران ۲/۵ برابر عربستان جمعیت دارد
بیکار	۳/۳۶۶/۹۷۳ نفر یعنی ۱۲/۶% از افرادی که می‌توانند شاغل باشند	نرخ بیکاری در عربستان ۵/۶ می‌باشد	یعنی ایران ۲/۲۵ بیشتر از عربستان بیکار دارد
نرخ رشد علمی	سهم جهانی در سال دو هزار و شانزده، ۱/۸ می‌باشد	سهم جهانی در سال دو هزار و شانزده، ۰/۴ می‌باشد	یعنی ایران ۴/۵ برابر رشد علمی دارد ولی با مقایسه جمعیت و تناسب سنجی ایران تقریباً دو برابر رشد علمی بیشتر دارد
برابری پول	۴۷/۰۰۰ ریال معادل ۱ دلار	۱۲/۷۳۰ ریال معادل ۱ ریال عربستان	یعنی با ۳/۶ ریال عربستان می‌توان یک دلار خرید ولی با پول ایران باید ۴۷/۰۰۰ ریال بپردازیم تا یک دلار بخریم
صادرات نفت ولی متغیر می‌باشد	۳/۹۵۰/۰۰۰ در روز	۷/۵۰۰/۰۰ بشکه در روز	یعنی عربستان ۱/۸ برابر ایران تولید نفت دارد
درآمد نفتی بدون هزینه تمام‌شده که	بر اساس بشکه‌ای ۵۷ دلار	بر اساس بشکه‌ای ۵۷ دلار ۲/۰۰۹/۲۵۰/۰	یعنی بر اساس الگوی جمعیت ایران الآن باید ۱۸ میلیون و هفت صد و پنجاه هزار بشکه صادرات داشته

تقریباً هزینه تمام‌شده هر بشکه نفت ۱۰ دلار می‌باشد	۱٫۰۵۸٫۲ ۰۵٫۰۰۰٫۰۰۰ تومان در روز یعنی ۱۹۹٫۵۰۰ ٫۰۰۰ دلار یعنی به ازای هر ایرانی ۲٫۴ دلار در روز یعنی ۱۳٫۲۰۰ تومان در روز یعنی ماهانه به ازای هر ایرانی ۳۹۶ هزار تومان	۰۰٫۰۰۰ تومان یعنی ۴۲۷٫۵۰۰٫۰۰۰ دلار یعنی به ازای هر عربستانی ۱۳٫۷ دلار یعنی ۶۴۸۰۰ تومان در روز یعنی ماهانه به ازای هر عربستانی ۱٫۹۴۴٫۰۰۰ هزار تومان	باشد یا اینکه عربستان باید یک میلیون و هشت صد و پنجاه میلیون بشکه تولید داشته باشد طبق مقایسه عربستان ۴٫۵ برابر تولید بیشتر دارد و اگر عربستان را معیار بگیریم ایران ۴٫۷ کمتر تولید دارد
تبدیل آب دریا	در مناطق ساحلی جنوب و شمال کشور ۵۵ واحد تأسیسات نمک‌زدایی با مجموع ظرفیت ۱۲۸٫۷ هزار مترمکعب در روز در حال کار بوده است، نخستین تأسیسات نمک‌زدایی آب	۷۳۰ هزار مترمکعب در روز، به عقیده بنده یکی از علل پشت پرده حمله عربستان به یمن دستیابی به آب‌های آزاد بیشتر می‌باشد تا هزینه تمام‌شده شیرین سازی را پایین آورد	یعنی اگر مقیاس را عربستان بگیریم عربستان ۵٫۶ برابر ایران شیرین سازی دارد و در حالی در مقایسه ایران با عربستان ایران باید یک میلیون و هشت صد و بیست و پنج هزار لیتر در روز شیرین سازی داشته باشد یعنی اگر هم‌اکنون ما ظرفیت را ۱۴ برابر کنیم تازه با عربستان برابر می‌شویم، همین‌جا لازم است مقایسه نسبتی با نفت را هم به میان بکشیم که کسی نگوید نفت بیشتر می‌فروشند و آب بیشتری شیرین می‌کنند.

	کشور، در سال ۱۳۴۰ فراهم آمده است		
مساحت	۱٬۶۴۸٬۱۹۵ کیلومترمربع	۲٬۱۴۹٬۶۹۰ کیلومترمربع	یعنی عربستان ۱٫۳ از ایران بزرگ‌تر است
تراکم	۴۸ نفر در هر کیلومترمربع در ایران	۱۴٫۴ نفر در هر کیلومترمربع در عربستان	یعنی تراکم در ایران ۳٫۲ بیشتر از عربستان است یعنی اگر به ازای هر عربستانی ۳٫۲ متر زمین وجود داشته باشد برای هر ایرانی ۱ متر زمین وجود دارد

نتیجه

۲۴٫۱: چه عاملی باعث شده که ما از عربستان وهابی عقب‌افتاده باشیم؟ آیا آنان تمدن قوی‌تری دارند؟ آیا آنان علم بیشتری دارند؟ آیا در میان آنان دانشمندان نامی مانند بوعلی و شیخ مفید و خواجه نصیر و شیخ بهایی وجود دارد؟ آیا آنان مکتب قوی‌تری دارند؟ آیا رشد علمی آنان بالاتر است؟ آیا آنان تکنولوژی هسته‌ای را بومی‌کرده‌اند ولی ما خیر؟ آیا آنان دارای تکنولوژی پرتاب ماهواره در فضا هستند ولی ما خیر؟ آیا آنان در نانو پیشرفت علمی دارند ولی ما خیر؟ چرا آنان بزرگ‌ترین تجهیزات شیرین سازی آب دریا را داشته باشند ولی ما خیر؟

۲۴٫۲: اگر آنان ۷۳۰ هزار مکعب در روز شیرین سازی دارند چرا ما دو میلیون مترمکعب در روز شیرین سازی نداشته باشیم؟

۲۴٫۳: بله ما می‌توانیم و باید در سال به رقم میلیارد مترمکعب برسیم، در نفت از عربستان عقب‌افتاده‌ایم آیا باید در آب هم عقب بیفتیم؟ درحالی‌که ما در بخش آب اولین‌های بشریت هستیم که تنها کافی است نگاهی به قنات‌های خشکیده خود بیندازیم.

۲۵٫۴: عربستانی که از ابتدا بیابان بود برای آباد کردن خود این مقدار آب شیرین می‌کند، کشور که ما از ابتدا آباد بود و در حال بیابانی شدن است با بهانه شانه خالی می‌کنیم، در حالی

طبق تاریخ و امکانات و دانشمندان و مکتبی که داریم می‌توانیم و حتماً و باید سریعاً مشکل را حل نماییم و به جایگاه اصلی خود برسیم.

اشکال بیست و پنجم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله
۲۵ ضمناً چنین حجم عظیم شیرین سازی در خشکی اگر انجام شود با توجه به حجم عظیم پساب تولیدی، خود معضل زیست‌محیطی بزرگی را موجب خواهد شد که می‌بایست در طرح نحوه رفع این مشکل توضیح داده شود. ۲۵

۲۵/۱: پسآب تولیدی را تمامی دنیا چه می‌کنند ما هم همان کار را انجام می‌دهیم ولی هیچ‌گاه به این بهانه نمی‌توان اصل کار را رها نمود، عربستان پسآب را چه می‌کند؟ آمریکا و اسرائیل پسآب را چه می‌کنند و ....؟ طرح‌های انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان و خزر برای پسآب چه فکری کرده‌اند؟ در این طرح هم همان امور انجام می‌گیرد، آب‌شیرین‌کن قشم و بندرعباس و کیش و ... با پسآب چه می‌کنند ما هم همان کار را انجام می‌دهیم.

اشکال بیست و ششم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله
۲۶ با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد اینگونه موارد نیازمند مطالعات کامل فنی ازلحاظ برآوردهای اقتصادی، نقاط مصرف و اولویت‌بندی صحیح است. ۲۶

۲۶/۱: اگر نکته مبهمی وجود دارد و یا سؤال دارید و یا جوابِ داده‌شده کامل نبوده بفرمایید تا جواب دهیم و الا به نظر نمی‌رسد بعد از مطالعات چیز قابل‌توجهی به دست آید، مسئله مهم در طرح هدف و ضرورت و بودجه و نحوه اجرا است که تماماً معلوم است مگر اینکه کسی نخواهد کار را انجام دهد که در آن صورت هیچ کاری نمی‌توان انجام داد و الا اگر کسی ضرورت را بداند و تصمیم بر اجرایی نمودن پروژه داشته باشد در هفته اول تمامی مشکلات مرتفع می‌شود زیرا ۶۰ نفر سر تیم اصلی وجود دارد و ۶۰ رابط وجود دارد و دوازده تیم برای هر خط آبی وجود دارد و ۳۶۰ تیم مهندس اجرایی وجود دارد که هر تیم ۶۰ مهندس دارد، درعین‌حال در ماه اول شروع به کار ۵٫۲۱۲٫۸۰۰ ساعت کار مهندسی تخصصی انجام‌شده و این تازه برای شروع پروژه است و در هر ماه همین مقدار کار مهندسی نیز انجام می‌گیرد، شما خود متخصص هستید بفرمایید آیا این مقدار کار مهندسی برای انجام این پروژه کم است که اگر درمجموع حساب کنیم می‌شود ۶۷٫۷۶۶٫۴۰۰ ساعت کار مهندسی، سؤال می‌کنم شما الگویی بهتر را سراغ دارید؟

اشکال بیست و هفتم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲۷ به علاوه این طرح‌ها برای مقاصد موضعی و رفع نیازهای ضروری قابل توجیه است و فرض حل کردن کل مشکل آب کشور با این طرح اشتباه است. ۲۷

۲۷/۱: شما اعتراف دارید که برای رفع نیازهای ضروری این طرح قابل توجیه است، پس بسم‌الله طرح را اجرایی نمایید تا ما شاهد باشیم که سال آینده (۹۷/۱۱/۱۷) آب به‌تمامی استان‌ها رسیده باشد.

۲۷/۲: شما می‌فرمایید این طرح برای حل کردن مشکل کل کشور اشتباه است، سؤال می‌کنیم شما چه طرحی برای رفع مشکل آب کل کشور دارید بفرمایید تا ما هم نظر دهیم ولی به‌یقین میگوییم که هیچ طرحی ندارید و این طرح در مقابل تمامی طرح‌هایی که در ذهن شماست مانند آب است در مقابل سراب.

۲۷/۳: دلیل خود را بفرمایید که اگر طرح اجرایی شود و عملی چرا نمی‌تواند نیاز آبی کل کشور را برطرف نماید؟

چند نکته پایانی:

۱: برای پَسآب به‌غیراز آنچه گفته شد می‌توان پَسآب را در حوضچه‌های معین ریخت و با استفاده از خورشید و برق خورشیدی اقدام به تبخیر آب نمود و از این راه نیز می‌توان به اقتصاد تولید نمک دریایی دست‌یافت که آن نمک بسیار باارزش و گران می‌باشد که بعضی تنها از این راه امرار معاش می‌کنند و ما وقتی پَسآب‌داریم که درصد شوری بیشتری دارد راحت‌تر می‌توانیم این امر را محقق سازیم.

۲: اگر طرح برای اولین بار عنوان‌شده بود باز جای اما و اگر داشت ولی زمانی که نمونه مشابه این طرح حتی در ایران در حال اجراست به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان در این طرح اشکال نمود، مگر اینکه کسی در طرح‌های مشابه هم اشکال وارد نماید که جواب دارد.

۳: کسی که اشکال مطرح می‌نماید باید الگوی جایگزین داشته باشد و اشکال کنندگان هیچ الگوی جایگزینی ندارند.

۴: بدانید تمامی بحران‌ها لحظه‌به‌لحظه مانند غده سرطانی در حال بزرگتر شدن است و تمامی دستاوردهای حال و گذشته در حال نابودی است و مسئول آن تمامی کسانی هستند که در حوزه آب کارشکنی می‌کنند.

۵: الگوی بنده برای شیرین سازی چیست:

۵/۱: اولاً که شیرین سازی غلط عام است و درست آن املاح زدایی است، که املاح زدایی کامل یعنی آب قابل شرب.

۵/۲: ثانیاً قبل از شیرین سازی تصفیه انجام می‌گیرد، تصفیه آب برای مصارف غیر شرب استفاده دارد.

۵/۳: ثالثاً بحث را در سه مقوله مطرح می‌نمایم: الف: آب بدون تصفیه -ب: آب تصفیه‌شده برای مصارف کشاورزی و صنعتی و ... غیر از شرب -ج: آب املاح زدایی شده کامل برای شرب

۵/۴/۱: فواید آب دریا بدون املاح زدایی:

۵/۴/۱/۱: باید بدانیم آب دریا بدون تصفیه نیز نجات‌بخش ایران است زیرا در این آب فواید بسیاری وجود دارد، اگر این‌گونه نبود چرا برای احیاء دریاچه ارومیه که آبی شور دارد و یا بقیه دریاچه‌ها این‌قدر زحمت می‌کشند و ستاد تشکیل می‌دهند؟ و آیا این‌گونه نیست که اگر دریاچه ارومیه به مشکل برخورد نماید تا شعاع ۵۰۰ کیلومتر اطراف به مشکل بر می‌خورد و زندگی میلونها نفر با مشکل‌های متعدد روبرو می‌شود؟ آیا انتقال آب‌شور به‌تنهایی نمی‌تواند شغل ایجاد کند و ...

۵/۴/۱/۲: ممکن است مطرح نمایید که آب‌شور به‌تنهایی اکوسیستم را بر هم میزند و باعث خرابی زمین می‌شود و... سؤال می‌کنیم مگر هم‌اکنون به‌واسطه طولانی شدن خشک‌سالی زمین ما در حال نابودی نیست؟ مگر ۲۰۰ دشت کشور در اثر نبود آب در حال فرو رفتن نیستند؟ مگر باغ‌های ما در حال ویران شدن نیستند؟ ما میگوییم آب را شیرین کنید میگویید هزینه دارد، میگوییم آب را بیاورید میگویید زمین خراب می‌شود، میگوییم در این وضعیت نیز زمین در حال خراب شدن است اگر آب‌شور برسانیم حداقل اکوسیستم کمتر نابود می‌شود بلکه تغییر می‌کند و ملت نیز حفظ می‌شوند، شما اگر مخیر باشید بین اینکه مریضی که مرض قند دارد یا دست روی دست بگذارید تا مریض بمیرد و یا اینکه پای او را قطع کنید چه می‌کنید؟ من پیشنهاد می‌دهم پا را قطع کنید، بله قطعی پا ضرر است ولی از ضرر بیشتر جلوگیری می‌کند.

۵/۴/۱/۳: فواید انتقال آب‌شور دریا بدون شیرین سازی:

۱: راه‌اندازی ۶۰% از کارخانه‌های برق آبی کشور که در اثر نبود آب تعطیل‌شده و از کارافتاده‌اند، و تولید برق زیاد در کشور.

۲: وقتی توانستیم از پتانسیل آب برای تولید برق زیاد و ارزان استفاده نماییم آنگاه از این برق برای شیرین سازی آب نیز استفاده می‌کنیم، پس مشکل شیرین سازی و قیمت تمام‌شده نیز حل می‌شود.

۴: می‌توانیم از آب دریا، در کنار دریا، سدهای مصنوعی تولید برق درست نماییم و با آب دریا اقدام به تولید برق نماییم و با آن آب برای شیرین سازی و انتقال اقدام نماییم.

۵: می‌توانیم تمامی دریاچه‌های آب‌شور را پر آب نماییم مانند هامون و دریاچه ارومیه و ... و زمین و خورشید و باد خودبه‌خود اقدام به شیرین سازی می‌نمایند.

۶: می‌توانیم کشاورزی را رونق ببخشیم، بسیاری از گیاهان هستند که با آب‌شور قابل تغذیه هستند.

۶ : می‌توانیم وارد صنعت پرورش ماهی حلال دریایی شویم و استخرهای پرورش ماهی ایجاد نماییم.

۷ : می‌توانیم آب را در ایران دو مصرفِ نماییم و از آب‌های شیرین تنها برای شرب استفاده نماییم و از آب دریا جهت امور دیگر استفاده نماییم که در این صورت خطر عظیمی را که ما را تهدید می‌کند به عقب می‌اندزیم.

نتیجه اگر مخیر شویم بین تغییر اکوسیستم و حفظ ملت ایران و یا اینکه اکوسیستم را با آب‌شور تغییر ندهیم و ملت و تمامی دستاوردها از بین رود عقل حکم می‌کند آب را انتقال دهیم حتی اگر منجر به تغییر اکوسیستم شود.

۵/۵: انتقال آب دریا با تصفیه آب برای مقاصد غیر شرب بدون شیرین سازی:

۵/۵/۱: آن چیزی که ما از انتقال آب دریا انتظار داریم به‌هیچ‌عنوان شیرین سازی برای شرب نیست که این کار کاملاً اشتباه است بلکه ما باید آب را تنها به‌اندازه‌ای شیرین سازی نماییم که اکوسیستم زمین را خراب ننماید و احتیاج ما برای کشاورزی و صنعت و مراتع را برطرف نماید و حتی برای مصارف شرب باید خود مردم اقدام به شیرین سازی نمایند.

۵/۵/۲: بر اساس آمارها تنها ۱۱% از آب‌های شهری برای شرب استفاده می‌شود و بقیه آب برای مصارف بهداشتی و ساختمانی و ... مصرف می‌شود و این به معنای ظلم و اسراف می‌باشد از طرفی دولت مجبور است که برای این شیرین سازی هزینه انبوهی را صرف نماید لذا آن چه عقلانی است اینکه باید یا آب را در ایران دو مصرفِ نماییم که امری بسیار مشکل است و در

شرایط کنونی امکان وقوعی آن نمی‌باشد، لذا پیشنهاد این است که آب را دیگر به‌اندازه شرب تصفیه ننماییم بلکه به‌اندازه حداقلی مصارف بهداشتی در شبکه آب‌رسانی قرار دهیم و دولت با اختصاص یک آب‌شیرین‌کن برای هر خانوار برای همیشه هزینه هنگفت شیرین سازی را حذف نماید و از این راه چند اتفاق می‌افتد **اول** اینکه ما می‌توانیم آب دریا را به همین اندازه املاح زدایی کرده و در شبکه آب‌رسانی قرار دهیم که شگرد بسیار عالی می‌باشد، و البته هم‌اکنون نیز بسیاری از شهرهای ما از همین طریق آب شرب را به دست میاورند که نمونه بارز آن قم می‌باشد، پس نتیجه این شد که: ۱ آب شهرها را تصفیه شرب نمی‌کنیم ۲ در اختیار هر خانوار ایرانی یک آب‌شیرین‌کن از منبع بودجه شیرین سازی آب قرار می‌دهیم ۳ آب را تنها به‌اندازه حداقلی شیرین می‌کنیم برای مصارف غیر شرب ۴ آب دریا را به‌اندازه حداقلی تصفیه می‌کنیم و در شبکه لوله‌ای کشور وارد می‌کنیم ۵ بودجه هنگفت شیرین سازی را برای همیشه حذف می‌نماییم ۶ آب در ایران بدون لوله‌کشی اضافی دو مصرفِ می‌شود ۷ می‌توانیم در شبکه آب‌رسانی آب دریا را وارد نماییم و از زیرساخت لوله کشور برای آب‌رسانی استفاده نماییم - با این شگرد دیگر لازم نیست در سراسر کشور لوله و کانال بکشیم، بلکه از دریا آب را تا منبع تغذیه آب را هدایت می‌کنیم و آب را در آن منبع جاری می‌کنیم و از زیرساخت‌های موجود برای انتقال آب استفاده می‌نماییم مثلاً ما آب را تنها تا کارون بالا میاوریم و کارون را پر آب می‌نماییم و زیرساخت انتقال کارون به بقیه جاها نیز موجود است و الی آخر ...

۵/۵/۳: چند تکنیک برای شیرین سازی آب و پایین آوردن هزینه شیرین سازی:

۵/۵/۳/۱: سریعاً از تمامی ملت برای تمامی مشکلات آب دعوت به عمل آید، بسیاری هستند که می‌توانند کمک کنند ولی به علت بی‌مهریِ دستگاه‌ها طردشده‌اند یا در گوشه‌ای بی‌صدا منتظر هستند و یا از ایران کوچ کرده‌اند.

۵/۵/۳/۲: تمامی شئون مملکت را باید درگیر نمود و پروژه تعریف نمود مانند درخواست از نخبگان و مخترعین و دانشگاه‌ها برای توسعه علم در آن چیزی که مورد درخواست است.

۵/۵/۳/۳: باید تمامی علومی را که تجاری و به درجه بهره‌برداری نرسیده بسیج نمود تا به بهره‌برداری برسد مانند انرژی هسته‌ای و نانو..

۵/۵/۳/۴: باید از انرژی خورشیدی برای ساخت مزارع تولید برق کمال استفاده را برد، یکی از مشکلات شما هزینه بود که ما هزینه را با مزارع خورشیدی تولید برق حل می‌نماییم، این مزارع برق مورد نیاز ما را برای شیرین سازی و انتقال حل می‌نمایند.

۵/۵/۳/۵: باید در کنار دریا سدهای تولید برق ساخت که این سدهای مصنوعی آب را از دریا می‌گیرد و برق تولید می‌نماید یعنی بدون هزینه سد سازی با انرژی دریا برق تولید می‌نماییم و الگو چنین است که اگر از یازده متر پایین سطح دریا لوله بکشیم و به سمت دریاچه مصنوعی حرکت دهیم در اولین خروجی آب به زمین، آب قوت بسیار عظیمی ایجاد می‌شود که ژنراتور (تولید برق) آبی را باقوت به حرکت در میاورد که هم آب انتقال پیداکرده و هم برق تولید می‌شود و از آن برق می‌توان استفاده کرد، در حقیقت با این تکنیک ما کل آب‌های دنیا را به‌منزله سدی کرده‌ایم و از انرژی آن برای تولید برق استفاده می‌نماییم.

۵/۵/۳/۶: برای کاهش دادن در هزینه‌یِ شیرین سازی باید از دریای عمان آب را برداشت نمود چراکه آب خلیج‌فارس هر ۳۰ سال یک‌بار جابجا می‌شود و تنها راه جابجایی آب از تنگه هرمز می‌باشد، ولی آب دریای عمان چنین نیست و به آب‌های آزادراه دارد و نزدیک‌ترین آب ما به قطب جنوب آب دریای عمان است، که میدانیم دائماً آب شیرین قطب جنوب ذوب می‌شود و به دریا می‌ریزد، از طرفی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به‌خصوص عربستان دائماً پساب‌شور خود را در خلیج‌فارس می‌ریزند و خلیج‌فارس دائماً آلاینده‌های بیشتری پیدا می‌کند، پس برای ما آب خلیج‌فارس مناسب نیست حتی راهکار اساسی بنده برای این طرح این است که تمامی آب را از دریای عمان برداشت نماییم حتی آب مورد نیاز خوزستان را، و بهترین آب ما آخرین مرز آبی جنوب شرق می‌باشد که کمترین املاح را دارد.

۵/۵/۳/۷: قبل از اینکه بخواهیم آب را وارد تصفیه سازی کنیم آب را در کانال ۵۰ کیلومتری با شیب ملایم به‌صورت آرام به حرکت در میاوریم و با ایجاد موانع طبیعی متعدد که شامل ماسه و حتی بعضی از گیاهان متناسب با آب‌شور است مانند جلبگها تا مقدار زیادی املاح آب را ته نشین می‌کنیم و کاهش می‌دهیم و بعدازآن اقدام می‌نماییم تا آب را به‌صورت غیرطبیعی تصفیه نماییم این راهکار کار را بسیار ارزان و راحت می‌نماید از این روش حتی برای تصفیه آب توالت و عفونت‌زدایی نیز استفاده می‌شود، این روش همان روشی الهی خدادادی است که طبیعت اقدام به شیرین سازی می‌نماید، طبق آنچه بنده فهمیده‌ام با این روش ۵۰% املاح از ابتدا زایل می‌شود، لذا ما با این روش پَساب زیادی هم نخواهیم داشت زیرا ما تنها در موعدهای مشخص باید اقدام به تخلیه موانع طبیعی نماییم و آن مواد دیگر پَساب نمی‌باشد بلکه زباله می‌باشد که برای آن‌هم برنامه‌ای جدا می‌توان داشت.

۵/۵/۳/۸: ما فعلاً درون مملکت سه نوع شیرین سازی داریم که باید بقیه شیرین سازی‌ها نیز اضافه گردد اما: شیرین سازی تبخیری (حرارتی)، الکتریکی، فشاری در هر سه نوع راهکارهایی داریم تا انرژی را پایین آوریم.

۵/۵/۳/۹: برای پایین آوردن انرژی در شیرین سازی تبخیری حرارتی چیزی که مرسوم است اینکه حرارت در بالای زمین ایجاد می‌گردد که این امر باعث هدر رفت سریع حرارت می‌شود لذا راهکار این است که دیگ‌های تولید حرارت در زیرزمین قرار گیرد تا خود زمین مانع بیرون رفت حرارت گردد، و این چیزی است که در گرمابه‌های قدیمی مورد استفاده قرار می‌گرفت که برای گرم کردن باید از هیزم استفاده می‌کردند، هرچقدر آتش درروی زمین باشد حرارت زودتر از در هوا پراکنده می‌شود و انرژی بیشتری لازم است، لذا ما باید الگوی ساخت آب‌شیرین‌کن‌های حرارتی را تغییر دهیم.

۵/۵/۳/۱۰: برای پایین آوردن انرژی برق در شیرین سازی فشاری و عبور آب از فیلترها: عمده تأمین برق در این سیستم آن است که باید آب را با فشار از فیلتر عبور دهیم در اینجا ما می‌توانیم با طراحی‌های لوله و کانال از نیروی جاذبه در این امر کمک بگیریم و موتور فشار برای عبور آب از فیلتر را که به نیروی برق احتیاج دارد را حذف نماییم و در نیروی برق صرفه‌جویی نماییم.

۵/۵/۳/۱۱: برای پایین آوردن انرژی در شیرین سازی الکتریکی: همان‌طور که گفتیم ما می‌توانیم از مزارع خورشیدی در این امر استفاده کنیم یعنی از خورشید برق تأمین کنیم و برای شیرین سازی و انتقال استفاده نماییم گذشته از آنکه می‌توانیم وارد عرصه انرژی هسته‌ای نیز گردیم و از آب دریا نیز برای تولید برق فراوان استفاده نماییم.

۶: همان‌طور که دیده شد هیچ‌کدام از اشکالات وارد نبود. آن چیزی که ما در قطره ۷۳ ارائه دادیم و طرح عادی یک ساله را خلاصتا مطرح نمودیم چیزی نبود جز ارائه الگوی سرعتی برای آب‌رسانی و تسریع بخشیدن در پروژه‌های در حال اجرا و در حال بررسی و با این مبنا ما نباید به هیچ‌کدام از جزئیات آب‌رسانی و شیرین سازی جواب می‌دادیم چراکه ما از موضع مدیریت و ضرورت و سرعت بخشی بحث می‌کردیم و متخصصین محترم از حوزه تخصصی انتقال و شیرین سازی، درحالی‌که تمامی مباحث تخصصی را متخصصان قبلاً جواب داده‌اند که کار در ایران به اجرا رسیده است، بله ما نباید جواب می‌دادیم ولی جواب دادیم، مانند اینکه یک مالک زمین بخواهد زمینی را تبدیل به برج نماید بعد یک نفر بیاید سؤالات مهندس معمار را از او بپرسد که مثلاً دَرزِ انقطاع باید چقدر باشد؟ یا اینکه پی ساختمان باید با بتون چند ریخته شود؟ یا اینکه چند

عدد میل‌گرد و شماره چند باید استفاده شود؟ یا اینکه قطر سقف باید چه مقدار باشد و الی آخر، این سؤالات مربوط به مالک نیست این سؤالات باید از مهندس پرسیده شود، ما اشکالات متخصصین را جواب دادیم تا خوانندگان فکر نمایند که شاید ما در بقیه ادعاهایمان راست‌گو باشیم چراکه بنده به طرح‌های عادی اعتقادی ندارم، بنده اعتقاددارم که آب را می‌توانیم از آسمان آن‌هم در چند ماه با روش غیرعادی به کل کشور بیاوریم لذا چرا باید به طرح عادی بسنده کنیم؟ لذا تنها به این سؤالات پاسخ دادیم که شما کمی در این فکر فرورویدکه شیخ علی بهرامی که هیچ‌گاه درزمینه آب درسی نخوانده و استادی ندیده زمانی که توانست در رشته تخصصی آب برای متخصصین الگوهایی ارائه دهد که حقیقتاً احتیاج به تخصص دارد شاید در بقیه ادعاهای خود نیز صادق باشد و اگر صادق باشد چه گنج عظیمی را برای کشور به ارمغان دارد، لذا درخواست دارم صادقانه و با در نظر گرفتن آینده دین و ملت و خداوند متعال به دور از هر گونه تعصب نظر دهید و گزارش واقعی را خدمت مقامات بالاتر و دکتر روحانی و بیت رهبری ارائه دهید تا ما با الگویِ بهتر، از این گردنه تاریخی عبور نماییم و اسباب تعالی در دین و دنیا را فراهم آوریم.

سری دوم و سوم اشکالهای متخخصین نیز جواب داده می‌شود

از تمامی عزیزان و بزرگواران پوزش می‌طلبم و آماده و شنوای انتقادات و پیشنهادهای شما هستم. پایان ۹۶/۱۱/۱۶

قطره ۹۳-پاسخ به چند سؤال در رابطه با روش دوم غیرعادی رفع خشک‌سالی در عرض دو ماه یعنی انفطار السماء، (شیب‌دار نمودن آسمان به سمت ایران و شکافتن آسمان و ایجاد چاله جوی درون ایران) ۹۶/۱۲/۰۸ تاریخ تنظیم قطره

۱-طُرُق غیرعادی یعنی چه؟ طُرُق غیرعادی به اموری میگویند که علت آن امور از دسترس بیشتر انسان‌ها خارج می‌باشد و به علل پنهان ارتباط دارد، مانند حرزها و طلسمات و سِحر و تأثیر کلمات و اشکال و اعداد و معدنیات و بعض اعمال در زمان و مکان و شرایط مشخص و تحقق اموری در عالم، ما به‌وسیله عَمَلی نمودن آن دو لوح (متن قطره ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱) در مدت کمی بدون هزینه و زمان زیادی خشک‌سالی ایران را برطرف می‌نماییم، تأکید می‌کنم

خشک‌سالی برطرف می‌شود نه اینکه باران و برف محدودی می‌بارد، آن‌قدر آب در ایران جاری می‌شود که خوف این می‌رود که ایران غرق گردد و البته برای نجات ایران از غرق شدن باید یا قوانین امحاء شوند و یا اینکه برای آب آماده‌باشیم و آب را به زیرزمین هدایت نماییم وارد صادرات آب شویم که در تاریخ شهود جمعی نشان داده می‌شود.

۲- نتیجه عمل به آن لوح (لوح انفطار السماء) چیست؟

۱- هوای ایران به شدت سرد می‌شود تا جایی که تعطیلات تابستانی مدارس به زمستان می‌افتد.

۲-سقف آسمان دنیا به سمت ایران شیب‌دار می‌شود و درون آسمان ایران چاله جوی ایجاد می‌شود لذا دشمنان هر آنچه می‌توانند سد بزنند و از ورود آب به ایران جلوگیری کنند از آسمان آب شیرین به ایران جریان پیدا می‌کند.

۳- اکوسیستم هوای ایران به قبل بازمی‌گردد چراکه یون منفی طبیعی بدون هزینه در ایران زیاد می‌شود.

۴- هوای تمامی ایران پاکیزه می‌شود.

۵- به‌تمامی نقاط ایران آب می‌رسد حتی مناطق ممنوعه که در اثر خشک‌سالی در حال ویران شدن است.

۳- این طریق از کجا به‌دست‌آمده است؟ بنده متخصص آب نبوده و نیستم و هیچ‌گاه در این رابطه نه استاد و نه مطالعه‌ای داشته‌ام سال‌ها دعای مختلف و نماز استغاثه به امام زمان عج می‌خواندم تا مشکلات جهان تشیع را برطرف نمایم و حقیقتاً در اعمالی که داشته‌ام درخواست شخصی نداشته‌ام چراکه اعتقاددارم که: تو بندگی چو گدایان به شرط مزد نکن که خواجه خود هنر بنده‌پروری داند و البته گذشته ۲۴ سال طلبگی بنده به لطف خداوند حاکی از این امر می‌باشد، دعاها تماماً برای این بود که در جهت برطرف نمودن مشکلات مکتبی اسلام ناب از عالم غیب کمک بگیرم و دعاهای مختلفی را می‌گفتم: **اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبه ولینا و کثره عدونا و قله عددنا و ...، یا ایها العزیر مسنا و اهلنا الضر ...،** سال‌ها مدد رسید و به لطف خدا امور سنگینی انجام گردید که هیچ‌کس هم نمی‌تواند انکار کند، مکرر از سیمای سراسری به‌عنوان طلبه‌ای موفق مستندهایی از زندگی شخصی و کار گروهی ما ساخته‌شده و پخش گردیده است حتی در سال ۹۶ که مجموعه تعطیل شده بود بازهم بارها مستند فعالیت‌های ما از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید، ظرف گدایی ما درب خانه خدا و

اهل از آب پر شد، آبی که نجات همه ملت ایران در آن است و بعدازآن سمت قله‌هایی عجیب حرکت خواهیم نمود ان‌شاءالله. [۱۴۶]

۴- چرا غیر شما به این طریق اشاره‌ای نکرده‌اند؟ دانستن این امر برای ما فضیلت نیست و ندانستن آن برای غیب کَسرشان نمی‌باشد کما اینکه خبر هُدهُد برای هُدهُد فضیلت و ندانستن آن برای سلیمان کسرشان نبود، در کتب مختلف به روش‌های غیرعادی برای حل مشکلات اشاره شده است، مانند کتاب‌های شیخ بهایی و میرفندرسکی و ملأ احمد نراقی و ... حتی علمای بسیاری نیز با این علوم به حل مشکلات جامعه می‌پرداخته‌اند مانند مرحوم نخودکی و مرحوم شیخ بهایی و ... آنچه بنده میدانم این است که بسیاری از علما نیز این امور را در خفا انجام می‌دهند و ما خبری نداریم که البته در محضر بعضی از علما بوده‌ایم و در قرآن نیز به این مسائل بسیار پرداخته‌شده است مانند بحث جابجایی تخت بلقیس به‌واسطه قدرت اجنه و به کمک اسماء الله توسط آصف بین برخیا و یا اعمالی که توسط سَحَره انجام می‌گردید که هاروت و ماروت به اذن خداوند به زمین آمدند و به مردم تعلیم سحر نمودند و یا در قرآن در مورد شرارت‌های جن و آدمیان سخن می‌گوید که آن‌ها در گِره می‌دمند و در زندگی مردم مشکل ایجاد می‌نمایند، حتی اگر لازم باشد از کتاب‌هایی شاهد میاورم که آن‌ها برای حل بحران خشک‌سالی و باران مطالبی نوشته‌اند و ادعا دارند در صورت عمل به این دستور باران می‌بارد، گذشته از آن اصلاً هیچ اشاره‌ای نشده باشد بنده در کمال صحت و سلامت و با یقین و اطمینان ۱۰۰% میگویم در صورت عمل به این دستور مشکل خشک‌سالی برطرف می‌شود تاکنون خلاف عقل عمل نکرده و نگفته‌ام در این مورد اگر شکی وجود دارد که اشتباه می‌کنم و یا درست میگویم نمی‌توان بدون دلیل انکار نمود چراکه حتی اگر یک هزارم هم درست بگویم خطری عظیم دفع می‌گردد و منفعتی بسیار کثیر برای تمامیِ ایرانیان حاضر و نسل‌های پیش رو چه‌بسا برای تمامی بشریت به همراه دارد، بله اگر سابقه دیوانگی داشتم و یا فردی مجهول بودم و یا گذشته بنده امور بی‌اهمیت را نشان می‌داد شاید قابل پیگیری نبود اما آنچه بر همه معلوم است به لطف خدا سابقه جرم و دیوانه بودن ندارم، در تمامی زندگی به لطف خدا در اموری که ورود داشته‌ام شاخص بوده‌ام چه در امور تبلیغی چه در امور طبی چه در اجتماعیات و چه در صحنه‌های نبرد و... حال در این مسئله مهم نمی‌توان به سادگی از کنار گفتار بنده عبور نمود.

۵-ما مأمور به طرق غیرعادی نیستیم؟ ما از منکرات و حرام نهی شده‌ایم و تقویت اسلام واجب است، این امر سحر نیست که حرام باشد و نیز آب‌رسانی به ایران بزرگ‌ترین واجب می‌باشد، گذشته از این چگونه امور غیرعادی که علل آن از دسترس ما خارج است را نباید انجام دهیم که یکی از این امور غیرعادی دعا است و بنده نیز سال‌ها دعا خواندم و این فرمول هدیه داده‌شده است، مثلاً نماز باران برای برطرف شدن خشک‌سالی نیز یکی از امور غیرعادی برای حل بحران آب است و اصولاً امدادهای غیبی یعنی امور غیرعادی که از اول انقلاب بسیاری از امور به‌صورت غیرعادی در ایران اتفاق افتاده است، شما نفرمایید ما مأمور به امور غیرعادی نیستیم بفرمایید بنده نمی‌دانم لذا شمارا با علم خود می‌سنجیم و برای انکار شما به هر مطلبی چنگ می‌زنم، لذا جواب می‌دهیم: بروید مطالعه فرمایید فتح روم توسط مأمون به‌واسطه حرزی بود که امام جواد ع هدیه فرمودند، در فتح‌های دیگر نیز مطالبی وجود دارد، اصولاً باب بسیار مهمی در کتب ادعیه تحت عنوان حرزها موجود است که همه رسیدن به مطلوب از طریق غیرعادی می‌باشد و حتی نص قرآن است که ملائکه به کمک مؤمنین میایند و حتی در جنگ ملائکه به کمک مؤمنین آمدند و تمامی این‌ها غیرعادی است، اگر هم کسی بگوید مأثور نیست جواب دهیم بسیاری از اموری که علما فرموده‌اند و انجام داده‌اند مأثور نمی‌باشد.

۶- انفطار السماء چیست؟ در غرب برای ایجاد باران و برون‌رفت از خشک‌سالی امور مختلفی وجود دارد که البته در نگاه قرآنی شیطان لشکریان خود را یاری می‌کند تا بر اهل حق پیروز شوند قرآن می‌فرماید: **ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم**[۱۴۷]، شیطان به دوستان خود وحی می‌کند و امداد می‌رساند چه‌بسا بسیاری از پیشرفته‌ای جامعه غرب برای پیروزی باطل بر حق نتیجه امداد شیطان باشد و بنده اعتقاددارم امروز دنیای غرب با کمک شیطان در جنگ با ما است و به عقیده بنده دنیای غرب با سحر و طلسمات و حتی توهین به قرآن و استفاده و مطالعه در قرآن به جنگ با ما آمده است، یکی از امور غربی که برای رفع خشک‌سالی در منطقه خاصی می‌باشد انفجار یون منفی غیرطبیعی می‌باشد، در این فرایند گازهای رهاشده در آسمان افت فشار ایجاد می‌کند و چاله درون هوا ایجاد می‌شود و ابرها پایین میاید و تبدیل به قطرات باران می‌شود و زمانی که یون منفی از بین برود آن فرایند از بین می‌رود این روش محذورات بسیاری دارد، مانند هزینه بالا و اینکه برای ریزش باران باید این روش تکرار شود و صدای زیادی دارد و ... ما با الگوی خود بدون هزینه و زمان و مشکلات خاص برای همیشه در کل ایران باران‌ها و برفها را ایجاد می‌نماییم.

۷- چگونه اعتماد کنیم؟ بسیاری از کسانی که مرا می‌شناسند به بنده گفته‌اند به گفته تو یقین داریم که راست میگویی و اشتباه نمکینی، حتی دیدم آیت‌الله که از قبل بنده را نمی‌شناخت ولی این مطلب را به بنده گفت که مَثَل تو در این زمان مثل گالیله می‌باشد که در آینده تو را تصدیق خواهند نمود، پس گروهی یقین دارند که بنده راست میگویم، گروهی احتمال می‌دهند و میگویند امری که میگویی ممکن است، بسیاری نیز این‌گونه هستند حتی با بعض از اساتیدی که معروف به اساتید سیر و سلوک هستند مطالب را عرضه نموده‌ام و هیچ‌کدام انکار نکرده‌اند، گروهی نیز نمی‌توانند رد کنند ولی بهانه می‌آورند که سؤالات این صفحه بیشتر مطالبی است که از آن‌ها شنیده و جواب داده‌ام، گروهی با تمام توان انکار می‌کنند و دلیل میاورند که حرف تو محال است، این دسته جاهلانی هستند که جهل خود را مبنا قرار می‌دهند و هر چه را نفهمند میگویند محال است، درحالی‌که انکار امور ممکن دلیل بر جهل و فقدان عقل است، امری که ما گفته‌ایم محال نیست، به آنان که ادعای علم می‌کنند و امور خارج از توان خود را محال می‌دانند عرض می‌نمایم اجتماع و ارتفاع نقیضین و اجتماع ضدین است که محال است و غیر از آن چیزی محال نیست، اموری را که ما گفته‌ایم هیچ‌کدام از این سه مسئله نیست بلکه امری است که در توان اکثر انسان‌ها نیست و از دایره علمی آن‌ها خارج است، مانند اینکه کسی در این دنیا ادعا کند که من می‌توانم پرواز کنم بله به‌صورت عادی اتفاق نمی‌افتد ولی اگر کسی این ادعا را کرد می‌توان او را امتحان نمود تا راست و دروغ آن فهمیده شود، **بنده بارها گفته‌ام و بازمیگویم یا به طرح عادی عمل نمایید و ایران را از خشک‌سالی نجات دهید که در آن طرح تمامی اشکالات متخصصین جواب داده‌شده است و تمامی مشکلات مرتفع شده است، یا به دو طرح غیرعادی که در دستان شما است عمل نمایید،** اگر یقین ندارید قبل ازآنجام دادن آن لوح می‌توان آن را نشان داد و به شهود جمعی رساند که از اثرات شهود جمعی یقین و تصدیق است و سپس عمل نمایید، زمان شهود جمعی را در آورده‌ایم در آن زمان در طول ۱۸ دقیقه می‌توان تمامی امور را نشان داد، تأکید می‌کنم باید شرایط فراهم گردد تا همه ببینند و الا فرضاً اگر کسی یقین کند و اعلام نماید که مردم چنین کنید و الی آخر او هم به دیوانه و بودن و بقیه اموری که بنده را محکوم کرده‌اند متهم می‌شود و به‌یقین میگویم بدانید نه اشتباه می‌کنم و نه دروغ میگویم، آن‌قدر انفطار السماء عجیب است که اگر هزار نفر برای نفر بعد شهادت دهند آن

نفر بعد نیز دیگران را متهم می‌کند، بنده بعد از بار اولی که جریانات را فهمیدم چندین روز نمی‌توانستم بخوابم.

۸- انفطار السماء چه مقدماتی لازم دارد؟ بدون آن مقدمات نمی‌توان آن امور را انجام داد، مقدمات عبارت است از ۱- آمادگی برای سرما و یخبندان و برف و باران و سیل، اگر آمادگی نباشد با خشک‌سالی هلاک شویم بهتر است چراکه خشک‌سالی آرام از بین می‌برد و آن واقعه در صورت آماده نبودن همه را به‌یک‌باره نابود می‌کند. ۲- امضاء ۳- دفن کلمات، بدون اینکه همه انجام دهند آن امور اتفاق نمی‌افتد و اگر ببینند، یقین کنند و همه انجام می‌دهند.۴- در هرسال یک‌بار می‌توان آن را عمل کرد، برای سال ۹۶ تاریخ ۹۶/۶/۶ بوده است و در سال ۹۷ هم در زمان خاصی می‌توان انجام داد، برای شهود جمعی قبل از عمل نمودن نیز شرایط و زمان خاصی وجود دارد، اشتباه است فکر کنید تاریخ انفطار در سال ۹۷، ۹۷/۷/۷ و یا ۹۷/۶/۶ می‌باشد هیچ‌کدام از آن‌ها نیست.

۹-اگر به دستور عمل کردیم و انفطار السماء انجام نشد چه؟ به‌هیچ‌عنوان امکان ندارد که عمل شود و انفطار اتفاق نیفتد، اگر آنچه را که بنده دیده‌ام را شما هم ببینید تصدیق خواهید نمود، شهود جمعی قبل از عمل نمودن برای همین امر است.

۱۰- تاکنون دشمنی‌های بسیاری با بنده کرده‌اند، آنان که دشمن هستند را به خداوند واگذار می‌کنم ولی آنان که به‌واسطه جهل دشمنی نموده‌اند را توصیه می‌کنم توبه کنند چراکه به‌واسطه عقب افتادن آب‌رسانی هرلحظه هزاران هزار هزار هزار مصیبت به ما و مکتب ما می‌رسد، طلاق‌ها، خون‌ها، آشوب‌ها، فسادها، فحشاها، مشکلات آسمانی و زمینی و اجتماعی و فردی و خانوادگی ... توبه کنید.

اگر سؤالی است بفرمایید تا جواب داده شود **متن لوح برای سال ۹۶**

۷۸۶ زمانی که دو روز از دخول قمر از عقرب گذشته، و ششش در شمس، و سه شین در قمر، در انتهای ۱۳ و ابتدای ۱۴ ورود به ۱۵ قرار دارید، می‌توان آسمان را کَند، و کندن به عدد کمتر از سبع المثانی و شصت است، این زمان سنبله در دو هشت است، پس ۶۰ بعدازآن عقرب در جمعه است، و ۸ هفت مانده است، و شش ۵ شده، و سنبله عقرب را از سرما کشته و چه عجیب است کشته شدن عقرب از سرما، سرما آب را نازل کند، برف، باد، تگرگ، مِه، همه رحمت است، اما اگر آماده نباشند هلاک شوند، و این‌گونه شش که آب است در تشرین اول جاری می‌شود، پس از آب شروع کنید، ایلول را کار کنید تا تشرینِ اول پر آب شود، آب آتش‌ها را خاموش کند، زمین پر آب، دریاچه‌ها سیراب، درختان شاد، حیوانات زیاد شوند، هوا پاکیزه شود، ابرها پایین آیند پس باید همه

تعهد دهند و امضاء نمایند ۷۸۶ ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن پس زمانی که امضاء شد همه و همه در همه زمین‌ها آن را دفن کنند تا عقرب درون خاک بمیرد، پس لوله از بالا پر شود و هرچقدر آب لازم دارید را بردارید، اگر نکنید در ۳ شین عقرب زمانی که از دو ۱۹ گذشته عقرب به بهار الاول نیش‌ها زند و بدنها خشک شود چراکه عقرب با خاک و گرما قوی‌تر شده و نیش آن زهراگین‌تر، چراکه از آب که در برج دو شین است را جاری نکردید، پسآب همان سنبله است، ایلول همان ترازوست، تشرین اول همان عقرب است، **اخ‌ف‌قبا؟ ثبت الزمان، ظهر الزمان، کشف الزمان، و انا الرسول بسلطان مبین، وضع الشیء فی احسن وجهه علی اتقن وجهه، اول آخر آخر اول ظاهر باطن باطن ظاهر م‌م‌م‌م‌بام‌م‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر ۹۶۶۶ ان شاء الله، و السلام علی من اتبع الهدی**- ۹۶/۵/۱۹ - ساعت ۱۹/۲۵-

۹۶/۱۲/۰۸ تاریخ تنظیم قطره

قطره ۹۴ سری دوم اشکالات متخصصین حوزه آب کشور به قطره ۷۳ تاریخ ۹۶,۱۱,۲۹

با سلام متن زیر سری دوم و سوم اشکالات متخصصین اجرایی کشور به راهکار عادی یک‌ساله می‌باشد که ما نیز اقدام به پاسخگویی نموده‌ایم تاریخ تاریخی که اشکالات به دست ما رسیده است ۹۶/۱۱/۱۳
دکتر ... که اشکالات خود را بیان کرده است[1].

[1] جهت حفظ احترام نامی از اشکال کننده در این کتاب نبرده‌ایم اما اگر ایشان متخصص بودند چنین اشکالات سستی را بیان نمی‌کردند.

- هر طرحی بایستی پشوانه علمی داشته باشد. در این موضوع متاسفانه هیچ مستندات علمی ارایه نشده است. در ابتدا یک نقشه و طرح جامع و علمی ارایه شود سپس جنبه های اقتصادی، مقایسه یا طرحهای مشابه و امثالهم بررسی شود.
- اولین تاثیر نامطلوبی را که انتقال آب از دریای عمان می‌تواند بر محیط زیست منطقه داشته باشد، انتقال شوری آب به زمین‌های اطراف است، زیرا آبی که قرار است منتقل شود، حاوی مقدارزیادی شوری است.
- چون خاک شهرهایی همچون سمنان و مناطق مرکزی کلا ترکیبی از شن و خاک رس است، قابل کشت نیست و لذا اجرای این طرح نمی تواند کاربرد کشاورزی داشته باشد. از طرفی نوع خاک از مناطق جنوبی به سمت منطقه مرکزی ایران از ناحیه به ناحیه ای فرق دارد لذا نوع خاک می تواند تاثیر مهم در هزینه های حفر کانال و غیره داشته باشد.
- اشکال دیگر تفاوت محیط مبداء و مقصد در انتقال آب دریای عمان است. این دو محیط باهم متفاوتند و به تبع خطر یا احتمال انتقال گونه‌های غیربومی از منطقه مبدأ به مقصد و حتی انقراض آنها انجام گیرد. که اگر حتی این اتفاق نیفتد می‌تواند تهدیدی در تنوع زیستی در منطقه به‌وجود آید. از طرفی اختلاف دما در کویر یا قسمتهای جنوبی کشور ممکن است شدت تبخیر را به شدت زیاد کند که همین امر باعث افزایش پیش از حد شوری خواهد شد.
- سنگینی آبی که به کویرها منتقل میشود می تواند باعث فشار به گسلهای منطقه گردیده و بروز زلزله های متعدد را به همراه داشته باشد.
- همانطور که در گزارش آمده، آب انتقال یافته باید شیرین سازی شود. پساب شور آب شیرین باید مدیریت شود و محل تخلیه کاملا بررسی و مطالعه شود . یا استفاده از آب شیرین کن‌ها، به ازای هر یک لیتر آب، تقریبا ۳۷ تا ۳۸ گرم نمک در محیط باقی می‌ماند. اگر پساب شور آب شیرین کن به آبهای سطحی تخلیه شود نه تنها سبب افزایش شوری آب شده بلکه افزایش دمای آب شوک شدیدی به آبزیان وارد می سازد. همچنین با نمک زدایی به وسیله آب شیرین کن معمولا میزان زیادی از غلظت روی و سرب نیز ممکن است همراه با پساب وارد آب شود که به صورت محلول در آب قرار می‌گیرد که در صورت تخلیه به آبهای سطحی می‌تواند برای آبزیان خطرآفرین باشد.
- اگر برای شیرین سازی آب نیازمند استفاده از آب شیرین کن‌های عظیم یا حجم شیرین سازی میلیون متر مکعبی هستیم باید توجه داشت که ایران تجربه چندانی در استفاده از آب شیرین کن‌ها ندارد. آب شیرین‌کن‌هایی که تاکنون در کشور استفاده شده ظرفیت کمی داشته و قابلیت شیرین سازی میلیون متر مکعبی آب را ندارند. از طرفی دیگر برای شیرین سازی ۲۵۰ میلیون متر مکعب آب در سال، تقریبا بر اساس اخبار موجود یک میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم است. همچنین هزینه برای دفع پساب سیستمهای نمکزدایی با ۴-۵ در صد شوری به اندازه هزینه سرمایه گذاری کارخانه تصفیه فاضلاب تخمین زده شده است.

بنابر این در اجرای این طرح بایستی از تجربیات سایر کشورها استفاده نمود و قبل از اجرا بایستی از جنبه های مختلف آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بخصوص زیست محیطی، آب و هوایی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بهتر است قبل از اجرای این طرح، تمرکز و هزینه را بر بهینه سازی مصرف آب در کشاورزی و ایجاد الگوی صرفه جویی بگذاریم. طرح اصلاح الگوی کشت، اصلاح الگوی مصرف، تصفیه فاضلاب‌ها و مدیریت صحیح آب، راهکارهایی محسوب می‌شوند که قبل از انجام هر گونه انتقال باید انجام پذیرد.

موارد که به نظرم می رسد جای سوال دارد

۱- نخست پیشنهاد می گردد نویسنده اطلاعات خود را از طرح انتقال آب دریای عمان به مناطق مرکزی ایران و همچنین طرح انتقال آب از دریای خزر به فلات مرکزی ایران تقویت کند.

۲- در خصوص ابعاد مهندسی و چگونگی اجرای طرح مورد اشاره توضیحات مبسوط فنی ارائه نشده است.

۳- با وجود نقشه های موجود و نرم افزارهای مدرن در علم نقشه برداری چرا باید حین کار نقشه برداری انجام داد بدون انکه بدانیم مقصد کجاست؟

۴- منطق تعیین ۱۲ کانال چیست و در خصوص ظرفیت و ابعاد آن توضیح داده نشده است.

۵- در انتقال آب به صورت کانال باز حجم قابل توجهی از آن به صورت تبخیر از دست می رود و این خود نقطه قابل تأملی است.

۶- ایده الگوی چاههای آرتزین و نقش آن در کاهش مصرف برق بیشتر توضیح داده شود.

۷- ایده ایجاد دریاچه های مصنوعی نیازمند بحث بیشتری است کما اینکه دریاچه مصنوعی چینگر ایجاد گردید ولی اثرات زیست محیطی آن هم اکنون قابل تامل است.

۸- نویسنده اشاره می دارد برای شیرین سازی طرح خاصی دارد خواهشمند است مشخصات طرح خود را ذکرنماید.

درخاتمه پیشنهاد مینماید بار سیاسی مطلب کاسته شده و بار فنی آن ارتقاء یابد.

اشکال بیست و هشتم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲۸ هر طرحی بایستی پشتوانه علمی داشته باشد؛ و در این موضوع متأسفانه هیچ مستند علمی ارائه نشده است. در ابتدا یک نقشه و طرح جامع علمی ارائه شود سپس جنبه‌های اقتصادی، مقایسه یا طرح‌های مشابه و امثالهم بررسی شود.

جواب:

۱. تمامی مطالب درج‌شده در قطره ۷۳ و جوابیه در قطره ۹۲ پشتوانه علمی دارد و در هر جمله و پیشنهاد که شک دارید بیان فرمایید تا بازهم با دلایل محکم اثبات نماییم و نمونه مشابه آن بیان گردد، لازم به ذکر است جوانب این طرح سال‌ها موردبررسی بوده است و مشکل ما این است که چرا سریعاً اجرایی نمی‌گردد، این‌گونه عمل نمودن مرگ ایران را حتمی می‌کند، دشمن ما را دنبال نخود سیاه فرستاده و تفکر کاووس سید امامیها و کاوه مدنیها این است که ما را به تأخیر اندازد تا دو دستی مملکت تقدیم دشمنان گردد.

۲. دوستانی که در جریان نیستند باید قطره ۷۳ و اشکال متخصصین را که در ۲ صفحه به ما رسیده در قطره ۹۱ و جوابی که در ۳۶ صفحه داده شد است را مطالعه کرده باشند چراکه در این متن به قطره ۹۲ ارجاع داده می‌شود و جواب‌های داده‌شده تکرار نمی‌گردد.

۳. مستندات علمی گاهی رفرنس است و گاهی دلیل بدیهی وجدانی و عقلی است بهترین مستندات علمی متن استدلالات می‌باشد که متنِ موجود ما را بی نیاز از دلیل خارجی می‌کند، ما به این نوعِ سند دهی استدلال میگوییم و استدلال بالاتر از سند خارجی است چراکه در رفرنس و سند بازهم ممکن است اما و اگر وجود داشته باشد و سند ارائه شده مورد قبول گروهی نباشد اما در جایی که برای مطلبی استدلال بیان می‌شود جایی برای اما و اگر و بهانه تراشی نیست چراکه در این صورت تنها راه این است که باید استدلال باطل گردد و آنچه مشهود است طرح ما طرحی استدلالی است که بی نیاز کننده از استدلال خارجی است و سند درون خود متن گنجانده شده است لذا تمامی

متن سند می‌باشد مگر اینکه فرد غیرمتخصص و غیر مطلع بخواهد اشکال‌تراشی نماید.

۴. آنچه مغفول واقع‌شده و موجب این‌چنین اشکالاتی است این است که: ما در پیگیری طرح عادی یک ساله انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان به دنبال این نیستیم که اصل قضیه انتقال آب را برای اولین بار عنوان داریم بلکه تنها ضرورت و نحوه عملی شدن سریع و به نتیجه رسیدن یک ساله آن را عنوان می‌داریم و الا چیزی که واضح است این طرح سال‌ها بررسی شده است و هم‌اکنون در حال اجرایی شدن است ما تنها درخواست تسریع و تکثیر آن را داریم و با ارائه الگوی مدیریتی جدید و بیان اینکه منابع مالی وجود دارد درخواست داریم در مدت کوتاهی طرح تکمیل گردد لذا با توجه به این مسئله جایی برای سؤال باقی نمی‌ماند.

۵. درخواست داریم از کلی گویی پرهیز نمایید و اصل اشکال را به‌صورت واضح و شفاف بیان کنید تا پاسخ‌گوییم، این‌گونه اشکالات کلی گویی بوده و جز اتلاف وقت چیزی برای ما به ارمغان ندارد، زمانی که هدف و ضرورت و شیوه کار و منابع مالی معلوم باشد سؤالات اساسی جواب داده‌شده است.

۶. یکی از دانشجویان یک پایان نامه در رابطه با بررسی موقعیت راهبردی طرح انتقال آب برای بنده ارسال نموده که به‌یقین می‌توان گفت در رابطه با هر سؤال شما حداقل یک پایان نامه و چندین مقاله موجود است، عنوان پایان نامه: بررسی طرح ایرانرود در بهبود موقعیت راهبردی است - البته بازهم میگویم طرح عادی یک‌ساله ما با تمامی طرح‌های گذشته و فعلی تفاوت دارد.

اشکال بیست و نهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۲۹ اولین تأثیر نامطلوبی را که انتقال آب از دریای عمان می‌تواند بر محیطزیست داشته باشد انتقال شوری آب به زمین‌های اطراف است، زیرا آبی که قرار است منتقل شود حاوی مقدار زیادی شوری است.

جواب:

۱- این اشکال وارد نیست چرا هیچ عاقلی اقدام به انتقال آب دریا بدون املاح زدایی نمی‌نماید مگر اینکه ضرورتی مهم‌تر ایجاب نماید و ما هم در قطرات ۷۳ و ۹۲ اعلام کرده بودیم که املاح زدایی می‌نماییم همان‌گونه تمامی کشورهایی که رو به سمت آب دریا نموده‌اند این کار را انجام داده‌اند.

اشکال سی متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۰ چون خاک شهرهایی همچون سمنان و مناطق مرکزی کلاً ترکیبی از شن و خاک رس است، قابل کشت نیست و لذا اجرای این طرح نمی‌تواند کاربرد کشاورزی داشته باشد، از طرفی نوع خاک از مناطق جنوبی به سمت منطقه مرکزی ایران از ناحیه به ناحیه‌ای فرق دارد لذا انواع خاک می‌تواند تأثیر مهم در هزینه‌های حفر کانال و غیره داشته باشد.

جواب:

۱. اولاً ما تنها برای کشاورزی آب را انتقال نمی‌دهیم، انتقال آب برای کشاورزی، صنعت، ساخت‌وساز، پر نمودن دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی و ... می‌باشد.
۲. ثانیاً: کشاورزی می‌تواند شامل کشت گلخانه‌ای و غیره باشد که در این صورت حتی در زمین شوره‌زار هم می‌توان کشاورزی نمود.
۳. ثالثاً: کشاورزی در زمین شوره‌زار با آب‌شور هم کاربرد دارد مانند کشت پسته و امثال‌ذلک
۴. رابعاً: در جایی که زمین برای کشاورزی مفید نباشد برای غیر کشاورزی مانند دام داری و پرورش طیور و ماهی و ... کاربرد دارد.

۵. خامسا: این گزارشی کوتاه از ظرفیت‌های کشاورزی سمنان که شما کشاورزی در سمنان را انکار کردید

قابلیت‌های بخش کشاورزی استان سمنان

- وجود اقلیم متنوع و مناسب جهت کشت انواع محصولات زراعی و باغی در ۱۹۳۰۰۰ هکتار از اراضی استان
- نزدیکی به تهران به‌عنوان بازار بزرگ مصرف محصولات خام و فرآوری شده
- تنوع اکولوژیکی و پوشش گیاهی در عرصه‌های مرتعی و جنگلی استان
- وسعت قابل‌ملاحظه عرصه‌های مرتعی استان و تنوع اقلیم در نقاط مختلف عرصه‌های عشایری، همچنین وجود شبکه‌های تعاونی عشایری در کلیه مناطق استقرار عشایر
- وجود رویشگاه‌های طبیعی و مرتعی گیاهان دارویی در پراکنشی به وسعت ۳۰۰ هزار هکتار و سطح زیر کشت گیاهان دارویی (دست کاشت) در باغات و مزارع در سطح ۱۰۲۱ هکتار با تنوع ۲۵ گونه
- وجود بیش از ۲۰۰۰ دانش‌آموخته بخش کشاورزی به‌عنوان منابع انسانی خبره و جویای کار بخش کشاورزی
- فراهم بودن زیرساخت‌های لازم برای توسعه فعالیت‌های دامی (پرواربندی و پرورش گاو شیری و پرورش شتر) در ۱۱ مجتمع تولیدی دامی
- وجود خاک حاصلخیز و آب باکیفیت در عرض‌های شمالی استان
- وجود ۴۳۰۰۰ بهره‌برداران سخت‌کوش و زحمت کش در بخش کشاورزی
- امکان ایجاد واحدهای ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی (گندم، جو،
- با توجه به‌تمامی قابلیت‌های نام‌برده شده استان به آب بسیار زیاد نیاز دارد

۶. چگونه به انتقال آب دریا برای استان سمنان اشکال می‌شود درحالی‌که این انتقال هم‌اکنون در حال اجرایی شدن است؟
۷. اگر لازم باشد تک‌تک استان‌هایی که ممکن است اشکال شود و حتی تک‌تک زمین‌ها را موردبررسی قرار می‌دهیم.
۸. اما در رابطه با تغییر خاک و هزینه در نحوه انتقال: بله خاک با خاک تفاوت دارد جایی خاک شور دارد، جای دیگر گچی و یا آهکی و جایی می‌توان آب را رها کرد و جایی باید با لوله آب را آورد و جای دیگر با کانال و البته هزینه‌ها با یکدیگر فرق دارد و این جزء بدیهیات است و البته هر کارگروه در هر زمین بنا به مقتضیات خاص آن تصمیم‌گیری می‌نماید ولی این مطلب چه اشکالی در اصل طرح وارد می‌نماید؟

اشکال سی و یک متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۱. اشکال دیگر تفاوت محیط مبدأ و مقصد در انتقال آب دریای عمان است. این دو محیط باهم متفاوت‌اند و به تبع خطر یا احتمال انتقال گونه‌های غیربومی از منطقه مبدأ به مقصد و حتی انقراض آن‌ها انجام می‌گیرد؛ که حتی اگر این اتفاق نیفتد می‌تواند تهدیدی در تنوع زیستی در منطقه به وجود آید. از طرفی اختلاف دما در کویر یا قسمت‌های جنوبی کشور ممکن است شدت تبخیر را به شدت زیاد کند که همین امر باعث افزایش بیش از حد شوری خواهد شد.

۱. اشکال مبدأ و مقصد در هر طرح انتقالی وجود دارد با این اوضاع هیچ‌چیزی را از هیچ جا نباید انتقال داد، نباید نفت را از خوزستان به تهران انتقال داد، نباید آب را از دز به قم انتقال داد، نباید آب جنوب را به سمنان انتقال داد و الی آخر و بطلان این مطلب بدیهی است، انسان برای بهبود و نیازی که دارد همیشه هر چیزی را که لازم دارد انتقال می‌دهد و همیشه بین مبدأ و منتهی اختلاف وجود دارد.

۲. خطر انتقال گونه‌های غیربومی: اگر تصور بر این باشد که ما می‌خواهیم یک کانال بین جنوب و فلات مرکزی بکشیم شاید این اشکال مطرح شود که بازهم جواب دارد اما طرح ما آب‌رسانی است و این آب بعد از فرایند املاح زدایی عملیاتی می‌شود.

۳. در مورد اشکال ((***از طرفی اختلاف دما در کویر یا قسمت‌های جنوبی کشور ممکن است شدت تبخیر را به شدت زیاد کند که همین امر باعث افزایش بیش از حد شوری خواهد شد.***)) آن چیزی که باعث شوری بیش از حد زمین و خرابی آن است اینکه: هم‌اکنون به علت نبود آب در استان‌های کشور باعث شده است زمین ما تخریب شود و بیش از ۲۰۰ دشت کشور دچار فرونشست شود و بعضاً بعضی جاها منطقه ممنوعه شده است و در اثر خشک‌سالی حتی مراتع و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی ما از بین برود لذا لازم است در اجرای طرح سریعاً اقدام شود، نه با چنین اشکالاتی که اصلاً و ابداً وارد نیست در اصل سرعت بخشی به پروژه باعث هدر رفت زمان شویم. تنها اشاره‌کنم که فقط سمنان سومین استان خشک کشور می‌باشد و استان سمنان را در درازمدت به کانون گرد و غبار و ریز گرد تبدیل می‌کند و خشک‌سالی بزرگ‌ترین عامل تخلیه روستاهای سمنان می‌باشد وضعیت امروز خوزستان در سمنان دیده خواهد شد.

اشکال سی و دوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۲. سنگینی آبی که به کویرها منتقل می‌شود می‌تواند باعث فشار به گسل‌های منطقه گردیده و بروز زلزله‌های متعدد را به همراه داشته باشد.

۱. اگر این‌گونه است چرا در هنگام ساخت شهر و ساختمان این اشکال وارد نشده است؟ چرا در هنگام کشیدن ریل راه‌آهن این اشکال نشده است؟ چرا هنگام جاده کشی و ساخت فرودگاه این اشکال نشده است؟ چرا در برابر خط سریع السیر به مشهد که از سمنان می‌گذرد این اشکال را مطرح ننمودید؟
۲. چرا در هنگام اجرایی شدن پروژه انتقال آب جنوب به سمنان این اشکال نشده است؟
۳. آن چیزی که ازلحاظ علمی اثبات شده عامل زلزله این است که: خشکی زمین باعث سفت شدن سطح زمین می‌گردد و این روند تا لایه‌های پایین زمین ادامه دارد و در این صورت گسل‌های زمین نمی‌توانند به‌صورت تدریجی بخارات و گازهای درونی زمین را تخلیه کنند و در این صورت خروج دفعی اتفاق افتاده و زلزله روی می‌دهد و لذا اگر ما بتوانیم به لایه‌های بالایی زمین آب برسانیم یکی از دلایل مهم مبارزه با زلزله انجام گردیده است، لذا انتقال آب مبارزه با زلزله و عوامل آن است نه اینکه عامل زلزله باشد.

اشکال سی و سوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۳. همان‌طور که در گزارش آمده، آب انتقال‌یافته باید شیرین سازی شود، پساب آب شیرین باید مدیریت شود و محل تخلیه کاملاً بررسی و مطالعه شود. با استفاده از آب شیرین کن‌ها به ازای هر یک لیتر آب تقریباً ۳۷ تا ۳۸ گرم نمک در محیط باقی می‌ماند، اگر پساب‌شور آب‌شیرین‌کن به آب‌های سطحی تخلیه شود نه‌تنها سبب شوری آب شده بلکه افرایش دمای آب شوک شدیدی به آبزیان وارد می‌سازد. همچنین یا نمک‌زدایی به وسیله آب‌شیرین‌کن معمولاً میزان زیادی از غلظت روی و سرب نیز ممکن است همراه با پساب وارد آب

شود که به‌صورت محلول در آب قرار می‌گیرد که در صورت تخلیه به آب‌های سطحی می‌تواند برای آبزیان خطرآفرین باشد.

۱. اگر شما به بحث شیرین سازی ما توجه داشتید دیگر چرا اشکالات بالا را مطرح نمودید، شما که می‌دانستید ما می‌خواهیم شیرین سازی کنیم و انتقال دهیم؟

۲. در قطره ۹۲ جواب داده‌ایم.

۳. بله پَسآب باید مدیریت شود و تعداد ۲۱٫۶۰۰ مدیرِ پیش‌بینی‌شده در طرح قرار است همین مدیریت‌ها را انجام دهند.

۴. یک پیشنهاد دیگر ما برای پَسآب این بود که فیلترهای جدید نانو برای املاح زدایی طراحی شود و درنهایت ما بتوانیم اصلاً پسآب نداشته باشیم و در انتها ما از پَسآب، نمک دریا تولید نماییم و به‌هیچ‌عنوان مطرح نکرده‌ایم که پَسآب را در محیط باقی بگذاریم.

اشکال سی و چهارم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۴. اگر برای شیرین سازی آب نیازمند استفاده از آب شیرین کن‌های عظیم با حجم شیرین سازی میلیون مترمکعبی هستیم باید توجه داشت که ایران تجربه چندانی در استفاده از آب شیرین کن‌ها ندارد. آب شیرین کنهایی که تاکنون در کشور استفاده‌شده ظرفیت کمی داشته و قابلیت شیرین سازی میلیون مترمکعبی آب را ندارد. از طرفی دیگر برای شیرین سازی ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب در سال تقریباً بر اساس اخبار موجود یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است. همچنین برای دفع پسآب سیستم‌های نمکزدایی با ۴-

۵ درصد شوری به اندازه‌هزینه سرمایه‌گذاری کارخانه تصفیه فاضلاب تخمین زده شده است.

۱. در قطره ۹۲ جواب داده‌شده است.
۲. اگر قرار است بی‌تجربه بودن دلیل شود که ما ورود پیدا نکنیم پس در هیچ‌چیز جدیدی نباید ورود پیدا نماییم و بطلان این مطلب بدیهی است، درحالی‌که در بسیاری از امور ورود پیداکرده و موفق هم بوده‌ایم.
۳. چگونه است کشورهایی مانند عربستان و رژیم غاصب صهیونیستی و کشورهای بسیار پایین‌تر که نه تمدن دارند و نه رشد علمی دارند و ... در این زمینه‌ها ورود داشته و موفق بوده‌اند ولی ما نمی‌توانیم؟ و ما در بسیاری از امور که جامعه جهانی ورود نداشته ورود داشته و موفق هم بوده‌ایم لذا عدم تجربه دلیل موجهی بر ورود پیدا نکردن نیست.
۴. از طرفی ما تجربه لازم و زیرساخت‌ها را نیز دارا می‌باشیم که می‌توانیم به شیرین سازی‌های آب در مناطق جنوب کشور اشاره‌کرده.
۵. از طرفی طرح شیرین سازی آب از قبل از انقلاب در دستور کار بوده است در سال ۱۳۴۰ شمسی، درزمانی که کشورهای همسایه به فکر شیرین سازی نبوده‌اند ما اقدام کرده بودیم ولی آن‌ها اقدام نمودند و ما عقب افتادیم لذا باید سریعاً اقدام نماییم و کمی و کاستی‌های گذشته را سریعاً جبران نماییم.
۶. متن اشکال: ***((آب شیرین کن‌هایی که تاکنون در کشور استفاده‌شده ظرفیت کمی داشته و قابلیت شیرین سازی میلیون مترمکعبی آب را ندارد.))*** بله ما باید در شیرین سازی آب توسعه پیدا نماییم و آب شیرین کن‌ها را ابر صنعتی نماییم وارد شیرین سازی با الگوهای مختلف شویم و از علوم مختلف (علم نانو، انرژی هسته‌ای، مزارع خورشیدی تولید برق، فیلترهای جدید صنعتی و ...) و استعدادهای مختلف در این عرصه کمال استفاده را ببریم.

۷. اما سرمایه‌گذاری در این عرصه بله مطمئناً سرمایه‌گذاری لازم است، ما باید تمام پروژه‌هایی که رنگ تبلیغاتی دارند را حذف نماییم، تمامی پروژه‌هایی که اولویت یک ندارند را تعلیق نمایم، تمامی کارهایی که نقش اساسی در برطرف کردن مشکلات ندارند را باید متوقف نماییم و تمامی معطوف به آب‌رسانی و مشکلات اصلی و زیربنایی شویم، در سال اول اگر توانستیم به چشم‌انداز برسیم که چه بهر و الا باید آن‌قدر ادامه دهیم تا در سال‌های آینده جبران گردد و البته از سال‌های بعد کار بسیار آسان می‌گردد چراکه مشکلات ریشه‌ای و اساسی حل می‌شود و هرسال ما به تولید داخلی و سود واقعی ملی دست پیدا می‌کنیم و آنگاه سرمایه‌گذاری نیز آسان‌تر می‌شود.

۸. در بودجه ۹۷ تنها در بخش اشتغال ۷۰ هزار میلیارد تومان هزینه تعلق گرفته است، خوب ما تنها در این بخش می‌توانیم این بودجه را به آب‌رسانی اختصاص دهیم که هم اشتغال ایجاد می‌شود و هم می‌توانیم مسئله اصلی و زیرساختی و استراتژیک کلان را حل بنماییم.

اشکال سی و پنجم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۵ بنابراین در اجرای این طرح بایستی از تجربیات سایر کشورها استفاده نمود و قبل از اجرا بایستی از جنبه‌های مختلف آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به‌خصوص زیست‌محیطی آب‌وهوایی موردبررسی قرار گیرد.

۱. ما منکر استفاده از تجربیات کشورهای دیگر نیستیم اما عقیده داریم تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی حرف اول را میزند و متأسفانه رویکرد مسئولین معمولاً این بوده که از ظرفیت‌های عظیم داخلی چشم‌پوشی نموده‌اند، تفکرات مانند کاووس سید امامی که از اساتید دانشگاه می‌باشند متأسفانه ما را به نا امیدی رسانده است، آن‌ها

می‌خواهند ما زمان را از دست دهیم، گاهی اوقات مطالب اشکال نیست شاید بوی بهانه بدهد.

۲. تمامی مباحث مربوط به آثار اقتصادی و ... اظهر من الشمس است و تنها می‌توان اشاره نمود که اگر ما سریعاً مشکل را حل ننماییم تمامی دستاوردهای حال و گذشته را از دست خواهیم داد ولی اگر سؤالی است بفرمایید تا پاسخ دهیم، لذا از پرداختن به این مطلب پرهیز می‌نمایم چراکه اثرات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، فردی و خانوادگی آب‌رسانی امری واضح است و بیان واضحات می‌باشد، در جلسه حضوری یک پایان نامه دفاع شده‌یِ دکترا در این زمینه خدمت شما تقدیم می‌گردد.

اشکال سی و ششم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۶. همچنین بهتر است قبل از اجرای این طرح تمرکز و هزینه را بر بهینه‌سازی مصرف آب در کشاورزی و ایجاد الگوی صرفه‌جویی بگذاریم.

۱. مدیریت الگوی مصرف امری لازم است که حتی بعد از برطرف شدن مشکل آب و خشک‌سالی باید موردتوجه قرار گیرد اما نکته قابل‌توجه این است که ما تمامی راه‌های لازم برای بیرون رفت از خشک‌سالی را هم‌زمان باید بپیماییم.

۲. نکته دیگر اینکه ما اگر صرفه‌جویی که به حد ایده آل هم برسانیم بازهم نمی‌توانیم مشکلی را آب را حل نماییم مگر اینکه راهکار برای تولید آب داشته باشیم، چراکه زمستان گرم شده و نزولات آسمانی کم شده است و حتی اگر در الگوی مصرف نیز اصلاحاتی اجرا نماییم و آب تولید نکنیم تنها مقداری مرگ را به تأخیر انداخته‌ایم و مشکلی را از اساس حل ننموده‌ایم لذا باید سریعاً آب تولید نماییم.

اشکال سی و هفتم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۷. طرح اصلاح الگوی کشت، اصلاح الگوی مصرف، تصفیه فاضلاب‌ها و مدیریت صحیح آب راهکارهایی محسوب می‌شوند که قبل ازآنجام هر گونه انتقال باید انجام پذیرد.

۱. با کمال ادب احترام بیان می‌گردد سال‌هاست با بیان این‌گونه مطالب مشکلی از حوزه آب حل نشده ولی زمان را ازدست‌داده‌ایم، شما از تصفیه آب فاضلاب سخن میگویید ولی به شیرین سازی آب دریا اشکال می‌کنید درحالی‌که تصفیه آب فاضلاب علاوه بر فرایندهایی که در شیرین سازی آب دریا وجود دارد عفونت‌زدایی و انگل زدایی و ... هم لازم دارد درحالی‌که هزینه بسیار بالاتر و بهره‌وری بسیار پایین‌تر است خوب این پارادوکس چگونه قابل‌حل است؟

۲. قبل از هر گونه اقدام باید این پارادوکس گویی حل شود.

اتمام اشکال و پاسخ از محضر شما بابت سخن صریح پوزش می‌طلبم

دکتر ... که اشکالات خود را بیان کرده است.
مواردی که به نظرم می‌رسد جای سؤال دارد:

اشکال سی و هشتم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله
۳۸ نخست پیشنهاد می‌گردد نویسنده اطلاعات خود را از طرح انتقال آب دریای عمان به مناطق مرکزی ایران و همچنین طرح انتقال آب دریای خزر به فلات مرکزی تقویت کند.

۱. خیلی پیشنهاد خوبی است ولی میگوییم هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند حتی در یک مسئله کوچه تمامی اطلاعات را دارا است اما تقاضا داریم اگر اطلاعات مفیدی دارید که می‌تواند ما را کمک کند در اختیار ما قرار دهید.

۲. اطلاعات زیادی ازاین‌گونه مسائل داریم اما در این‌گونه موارد تنها موارد ضروری ذکر می‌گردد.
۳. اگر اشکالی در طرح وجود دارد مشخصاً بیان گردد تا بتوانیم جواب‌گوییم و کلی گویی اشکال نیست و چیزی که اشکال نیست پاسخ ندارد.

اشکال سی و نهم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۳۹. در خصوص ابعاد مهندسی و چگونگی اجرای طرح مورد اشاره توضیحات مبسوط فنی ارائه نشده است.

۱. در جواییه اول قطره ۹۲ و قطره ۷۳ مطرح‌شده ولی در صورت لزوم مشخصاً سؤالات مطرح شود تا جواب دهیم ۲۱٫۶۰۰ مهندس در ۳۶۰ تیم در طول ۱۳ ماه فعالیت چیزی است که ما برای ابعاد مهندسی در نظر گرفته‌ایم ولی در صورت لزوم بازهم به سؤالات پاسخ می‌دهیم.
۲. روش اجرای طرح را هم بیان کرده‌ایم یک تیم مهندسی اصلی داریم که ۶۰ کارشناس در ستاد اصلی تصمیم می‌گیرند رابطها مطالب را به ۱۲ کارگروه پایین‌دست منعکس می‌کنند هرکدام از این ۱۲ تیم با ۳۰ تیم ارتباط دارند و نقشه کلی ۳۶۰ تیم مشخص شده است هر تیم مهندسی الگوی حرکتی را مشخص می‌کند و تیم اجرایی متخصصین و کارگرها عمل می‌نمایند و از پایین پیشنهاد داده می‌شود و تیم اصلی مرکزی تصمیم می‌گیرد و تصمیمات ابلاغ می‌شود و خرده تیم‌ها که ۳۶۰ تیم هستند در سه شیف امور را اجرایی می‌کنند.

اشکال چهلم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۴۰. باوجود نقشه‌های موجود و نرم‌افزارهای مدرن در علم نقشه‌برداری چرا باید حین کار نقشه‌برداری انجام داد بدون آنکه بدانیم مقصد کجاست؟

۱. شما پاسخ دهید باوجود نرم افزار و نقشه و ... چه نیازی بود که کاووس سید امامی و تیم او بروند زمین را ببینند و شناسایی کنند و فیلمبرداری کنند و ... به همان دلایلی که آن‌ها زمین را از نزدیک می‌دیدند ما هم باید از نزدیک ببینیم.

۲. ما مبدأ مقصد را میدانیم، دوازده کانال جنوب به شمال داریم و هر کانال ۳۰ خرده تیم دارد و هر تیم مسئول ۵۰ کیلومتر است نقطه شروع و انتهای هر تیم معلوم است تنها چیزی که معلوم نیست و هر تیم تصمیم می‌گیرد الگوی حرکتی و نوع حرکت در هر کانال است که به نوع زمین و پستی و بلندی ارتباط دارد، پس مبدأ و مقصد معلوم است.

۳. اما چرا باید حین کار نقشه‌برداری انجام گردد، دلیل روشن است هیچ‌گاه نقشه‌ها نمی‌توانند تمامی عوارض و پستی‌ها و بلندی‌ها و تغییرات را به‌صورت کامل و ملموس نشان دهند لذا ما از نرم‌افزار و انواع نقشه‌ها استفاده می‌کنیم اما در مقام عمل حتماً باید مهندسین در هنگام اجرای پروژه دوباره همه‌چیز را روی زمین چک نمایند تا بهترین الگوی حرکتی در بیاید.

اشکال چهل و یکم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۴۱. منطق تعیین ۱۲ کانال چیست و در خصوص ظرفیت و ابعاد آن توضیح داده نشده است.

۱. تعیین دوازده کانال بر مبنای تحقق آب‌رسانی و نجات ایران از خشک‌سالی می‌باشد، اگر قرار است بتوانیم تمامی ایران را از خشک‌سالی نجات دهیم و از تمامی ظرفیت‌های اقلیمی استفاده نماییم باید بتوانیم آب را به‌تمامی زمین‌ها

برسانیم لذا باید فاصله کانالها به‌تمامی زمین‌ها به نحوی باشد که آب‌رسانی راحت انجام گردد و با توجه به اینکه مرز آبی جنوبی کشور ۲٫۲۰۰ کیلومتر است ما برای اینکه به‌تمامی روستاها بتوانیم آب‌رسانی کنیم لازم است در حد فاصل نزدیک به‌تمامی زمین‌ها آب داشته باشیم لذا بهترین راه این است که دوازده خط از جنوب به شمال داشته باشیم تا بتوانیم در حد فاصل هر صد کیلومتر یک کانال وجود داشته باشد که بتوانیم آب‌رسانی انجام دهیم که البته با دوازده خط آب‌رسانی این امر تحقق پیدا می‌کند.

۲. اما در مورد ابعاد آن پیشنهاد اولیه کانال ۷ متر عرض در ۸ متر عمق است که محاسبات تعداد نفرات بر این مبنا بوده است که ابتدای کانال ۸ متر است و در هر ۵۰ کیلومتر ۴ متر عمق زیاد می‌شود و به انتهای کانال می‌رسیم و آب در پست رها می‌شود، البته این نقشه کلی است و الا آنچه موردنظر ماست تلفیقی از همه تکنیک‌های انتقال آب است و در مورد وجب به وجب این طرح خود گروه مهندسی در هر گروه نظر می‌دهند که در این حد فاصل لوله باشد و یا کانال و یا اینکه آب رها شود و الی آخر و بدیهی است آب در ۵۰ کیلومتر اول از حجم بیشتری برخوردار است و در انتهای پست سی‌ام بعد از تقریباً ۱۵۰۰ کیلومتر دیگر احتیاجی به کانال ۷ در ۸ نمی‌باشد.

۳. در مورد عرض کانال که ۷ متر است برای خاک‌برداری راحت درون کانال این حداقل عرض می‌باشد و البته تکنیک‌های دیگری هم می‌باشد ولی این عرض حفاری کانال را در تمامی طول مسیر آسان می‌نماید.

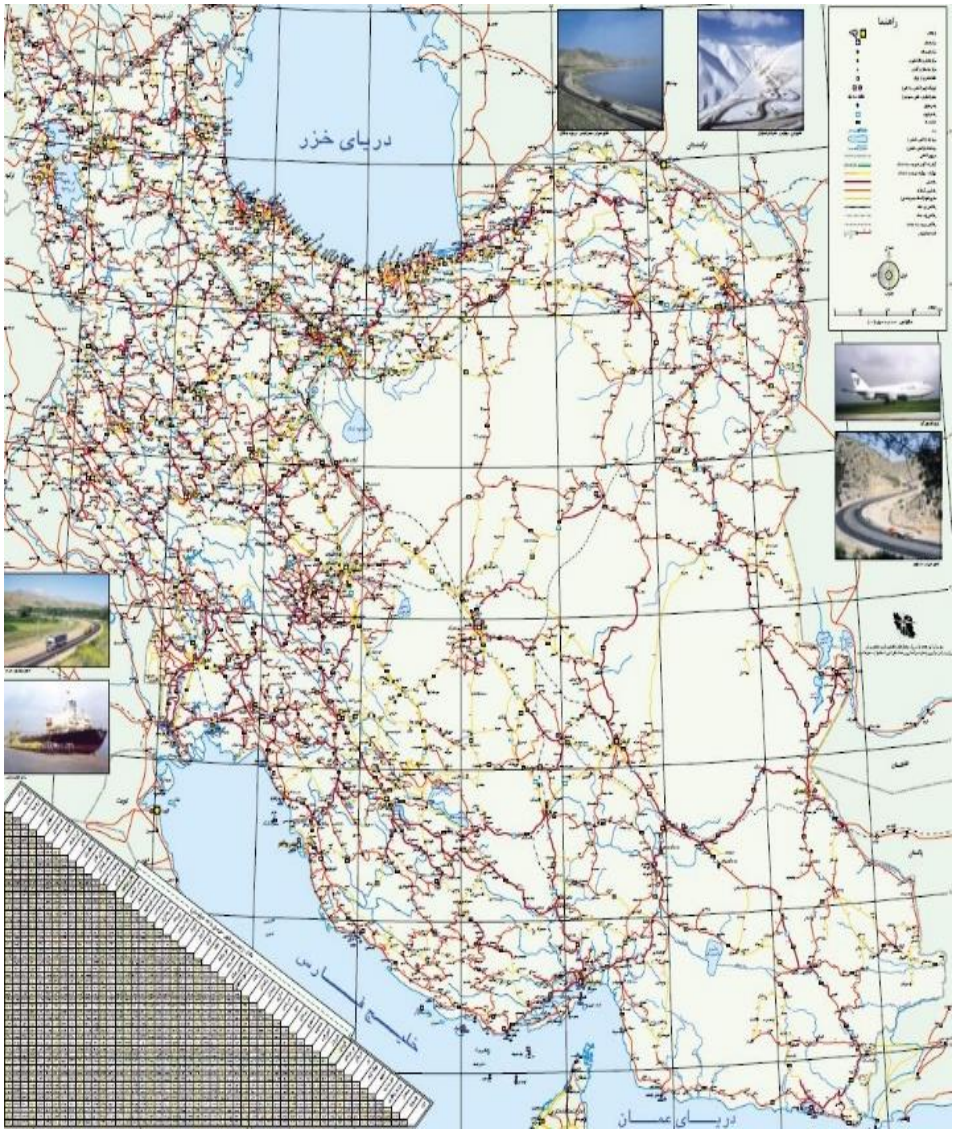
دریای خزر
راهنما
خلیج فارس
دریای عمان



اشکال چهل و دوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله
۴۲. در انتقال آب به‌صورت کانال باز حجم قابل‌توجهی از آن به‌صورت تبخیر از دست می‌رود و این خود نقطه قابل تأملی است.

۱. البته هر طرح و ایده فواید و مضراتی دارد، کانال رو باز موجب تبخیر می‌شود و از طرفی موجب تغییر آب‌وهوا و ... می‌شود و بدیهی است این‌گونه موارد جزئی بوده و ما اصراری بر اینکه کانال رو باز باشد و یا رو بسته و یا لوله باشد و یا نقد زیرزمینی و ... نداریم بلکه در هر مورد باید بنا به شرایط ویژه منطقه تصمیم اتخاذ شود.

اشکال چهل و سوم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله
۴۳. ایده الگوی چاه‌های آرتزین و نقش آن در کاهش مصرف برق بیشتر توضیح داده شود.

۱. در جوابیه اول توضیح داده شد ولی اجمالاً اینکه ما برای اینکه آب را درزمینهای شیب‌دار بالا ببریم از الگوی پمپ در طول مسیر استفاده نمی‌کنیم بلکه در ابتدا ورودی آب را به وسیله کانال و یا لوله عمودی بالا می‌بریم و در طول مسیر با قانون جاذبه آب حرکت می‌کند تا با مبدأ آب یکسان شود و لذا ما

نیروی برق هنگفت مصرف نمی‌کنیم و در ضمن آب را با فشار و سرعت رو به بالا می‌بریم.

اشکال چهل و چهارم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۴۴. ایده ایجاد دریاچه‌های مصنوعی نیازمند بحث بیشتری است کما اینکه دریاچه مصنوعی چیتگر ایجاد گردید ولی اثرات زیست‌محیطی آن‌هم‌اکنون قابل تأمل است.

۱. منظور ما از دریاچه مصنوعی مشابه چیتگر نیست بلکه در حقیقت محلی برای رهاسازی آب و توزیع آب در مناطق حاشیه می‌باشد که به‌صورت دریاچه می‌تواند باشد که البته پیشنهاد ما استخری عایق‌بندی شده است تا از نفوذ بیش از حد آب در زمین جلوگیری شود، بله اگر دریاچه مانند چیتگر باشد که بدون حساب‌وکتاب آبگیری شده و نوع آب آن معلوم نباشد و در محل شهری زیست‌گاه حیوانی باشد خوب مشکلات زیست‌محیطی دارد که واضح است ولی بحث ما دریاچه‌های این‌چنینی نیست.

اشکال چهل و پنجم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله

۴۵. نویسنده اشاره می‌دارد برای شیرین سازی طرح خاصی دارد خواهشمند است مشخصاً طرح خود را ذکر نماید.

۱. در جوابیه اول پاسخ داده‌شده است، ولی ما از تمامی الگوهای موجود در ایران و غیر آن باید استفاده نماییم و بیش‌ترین آب را باید از دریای عمان برداریم و شیرین سازی و املاح زداییِ حداقلی دو مقوله است و ما آب را در هدف اولیه برای کشاورزی میاوریم نه برای شرب و میدانیم که املاح زدایی برای کشاورزی و شیرین سازی شرب بسیار تفاوت دارد و از خورشید و نیروی جاذبه و

فشار آب و حرکت آب و موانع طبیعی برای تصفیه آب نیز استفاده می‌کنیم که در سری اول جواب‌ها توضیح داده‌شده است.

اشکال چهل و ششم متخصصین آب به طرح عادی یک‌ساله
۴۶. در خاتمه پیشنهاد می‌نماید بار سیاسی مطلب کاسته شده و بار فنی آن ارتقاء یابد.

۱. ممنون از شما ولی باید بدانیم آب یک‌چیز نیست آب همه‌چیز است و لذا وقتی آب را موردبررسی قرار می‌دهیم بحث اثرات و آسیب‌ها و ... پیش می‌آید که لزوماً مباحث دیگر را نیز پیش میاورد.

اتمام اشکال و پاسخ
از محضر شما بابت سخن صریح پوزش می‌طلبم

اتمام پاسخ به‌تمامی سؤالات متخصصین اجرایی آب کشور لذا چند تذکر را یادآور می‌شویم:

۱. طبق فرموده شما ما مطالب را ارائه دادیم و شما هم لطف نمودید اشکالات خود را ارسال نمودید و ما سعی کردیم به هر اشکال چندین جواب دهیم لذا اگر جمله به جمله مباحث ما جواب داده نشود دلیل بر اثبات مطلب است.

۲. ما منتظر هستیم تاریخ را مشخص فرمایید تا تبادل نظر نماییم که در این دفعه بنده به همراه چند شخصیت مهم خدمت شما خواهم رسید و دلیل این مطلب تأکیدی بوده که بزرگان به بنده فرموده‌اند تا آن بزرگواران نیز جلسه را به افرادی منعکس نمایند.

۳. ظاهراً از انعکاس مطلب در فضای مجازی ناراحت شده‌اید:

الف: بنده اسمی از اشخاص اشکال کننده نیاورده‌ام و تنها عین مطالب را نقل کرده و جواب داده‌ام.

ب: اینکه ما بفهمیم واکنش مردم به سخنان ما چیست چیز بدی نیست اتفاقاً عالی می‌باشد تا اگر خطایی کردیم دیگر تکرار ننماییم.

ج: توقع نداشته باشیم که بنده مطالب را منعکس نکنم زیرا به عقیده بنده برای حل بحران آب باید مردم در جریان باشند که می‌توان مشکل را حل نمود و البته میدانم شما نیز میدانید ولی مشکل چیز دیگری است.

۴. از رُک گویی بنده ناراحت نباشید زیرا بنده به‌عنوان یک طلبه که میدانم چه چیزی در انتظار ملت ما می‌باشد تکلیف دارم یا موضوع را برطرف نمایم و یا اعلام دارم که روند رو به جلوی جامعه به عهده روحانیت نیست و چرا اعلام نکنم مگر امربه‌معروف و نهی از منکر تکلیف نیست، مگر حضرت آقا دامت برکاته اعلام نکردند که گِره علمی را حل کنید،[۱۴۸] بنده متوجه شده‌ام که کاووس سید امامی‌ها وجود دارند و می‌خواهند ما به قهقرا کشیده شویم چرا به‌عنوان یک متعهد عمل نکنم؟ پس شما در یک دوراهی هستید یا مشکل را حل کنید و یا گوش کنید تا مشکل حل شود و الا کاووس سید امامی نیست ولی راهش ...

۵. بنده در تخصص شما که هیچ تخصصی نداشتم صحبت کردم و طرح دادم و به‌تمامی سؤالات شما جواب دادم و هیچ جوابی برای گفتن وجود ندارد و نخواهد داشت، باز اعلام می‌کنم زمان آن‌قدر مهم است که ما نمی‌توانیم به طرح عادی یک ساله اکتفا کنیم، اعلام می‌کنم به دلایل متعدد طرح عادی یک ساله دوازده لوله و کانال برای ما ثمره‌ای ندارد ما باید در مدت کوتاه در آب‌رسانی وسیع‌تر کار را انجام دهیم، در جلسه ۵ ساعته در حضور ۶ کارشناس اجرایی کشور چند کار را انجام دادیم.

۱. خطرهای عجیب آینده خشک‌سالی را متذکر شدیم.

۲. تمامی ۹ راهکارهای شما من‌جمله بارورسازی ابرها و ... را نقد نمودیم و اثبات نمودیم همگی بی‌نتیجه است

۳. یک راهکار عادی که مورد بحث ما بود و دو راهکار غیرعادی را مطرح کردیم و شما نیز اعلام کردید که توانایی رد یا قبول دو راهکار غیرعادی را نداریدقطره‌های ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱

۴. اعلام کردیم گزارش جلسه را به دو مرکز حیاتی که ذکر نمی‌کنیم ارائه دهید و شما عنوان داشتید که طبق روال اداری امکان ندارد باز اعلام می‌کنیم کسی که قطره ۷۳ و ۹۲ و این قطره را نوشته دیوانه نیست احتمال دهید که در بقیه ادعاها صادق باشد و راست می‌گوید که اگر این احتمال را ندهید غیرعقلانی برخورد نموده‌اید و تاریخ یکی از ما را تأیید و دیگری را رد می‌نماید.

۵. بنده یک نسخه از قطره ۷۳ و ۹۳ و این قطره را برای بیت رهبری و مجلس و دفتر ریاست جمهوری و شورای عالی امنیت ملی و تشخیص مصلحت نظام و جامعه مدرسین و جاهای دیگری که می‌شناسم ارسال می‌نمایم تا تکلیف خود را انجام داده باشم و پیشنهاد می‌دهم که شما هم همین کار را انجام دهید.

۶. تحقق تمامی آرمان‌های اسلام ناب به رفع سریع خشک‌سالی ارتباط دارد و در غیر آن صورت ما در معرض از دست دادن تمامی دستاوردها هستیم.

۷. دریکی از قطره‌ها مستقلاً تمامی راهکارهای شمارا به‌صورت نوشتاری نقد کرده‌ایم درحالی‌که در این ده ماه گذشته بیش از ۲۵۰ سخنرانی در رابطه با آب داشته‌ام و بارها تمامی راهکارهای موجود را نقد نموده‌ام.

۸. توصیه می‌کنم بقیه قطره‌ها را نیز مطالعه فرمایید

۹. توصیه می‌کنم به کسانی که از غرب علم آموخته‌اند زیاد خوش‌بین نباشید اگرچه که کسانی هم که در ایران درس‌خوانده‌اند نیز متأسفانه همان علوم را آموزش می‌بینند، مشکل ما با افراد نیست، مشکل ما با علوم آنهاست چراکه وقتی در دانشگاه امام صادق ع کاووس سید امامی درس بدهد تکلیف بقیه دانشگاه‌ها نیز معلوم است، معمولاً دانشگاه‌ها و نظریه‌های علمی به یهود ختم می‌شود و یهود چیزی را به خورد ما می‌دهد که به آن اعتقاد ندارد ما این مطلب در قطره‌های کتاب توضیح داده‌ایم، در علوم مختلف در اقتصاد در طب در آموزش در آب و علوم

روانشناسی و ... همان‌طور که دیدید می‌شود مشکل را حل کرد اما چرا حل نکرده‌اند؟ چرا میگویند حل شدنی نیست؟

۱۰. شما متخصصین آب یک‌چیز را تکرار کنید تا موفق شوید: بگویید باید در عرض یازده ماه مشکل آب را حل می‌نماییم آنگاه توسل کنید و کوشش نمایید تا عنایات خداوند را شاهد شوید ما به اهل‌بیت و خدایی اعتقاددایم که زنده هستند و همین الآن نیز می‌توانند عنایت کنند اگر گفتید نمی‌شود و یا ناامید شدید بدانید نتوانسته‌اید شیطان را از خود دور کنید.

۱۱. از تمامی کسانی که مطالب را خواندند درخواست دارم شما نیز مطالب را به افراد ذی‌صلاح و صاحب نفوذ برسانید

دلیل طولانی شدن جواب این بود که در این مدت مباحث بسیاری پیش آمد که باید تولید محتوا می‌نمودم. در آخر از صراحت کلامم پوزش می‌طلبم. شیخ علی بهرامی نیکو / قم المقدسة / ۹۶/۱۱/۲۹

قطره ۹۵ خلاصه‌ای از مباحث خشک‌سالی به مناسبت ۲۲ بهمن ۱۳۹۶- این متن خلاصه‌ای کوتاه از بحث‌های ما پیرامون خشک‌سالی است که به‌صورت فشرده بیان می‌گردد. ۹۶/۱۱/۱۹

۱ خلاصه کلام چیست؟ بحران خشک‌سالی در کشور بسیار اساسی می‌باشد و اگر سریعاً مشکل آب را حل ننماییم تمامی دستاوردهای انقلاب و گذشتگان در معرض خطری جدی قرار دارد و هیچ بحرانی در ایران قابل‌حل نیست مگر اینکه سریعاً مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم، یا مشکل را حل نمایید یا گوش دهید تا مشکل حل شود

۲ هشدارهای آبی مسئولین نسبت به آب و خشک‌سالی: رهبر انقلاب دامت برکاته: امروز هم که ما خیال می‌کنیم از همه ظرفیّتهای زمین‌داریم استفاده می‌کنیم، حقیقت مطلب این نیست؛ ممکن است میلیون‌ها برابرِ آنچه امروز شما از آب و از خاک و از هوا و از مواد زیرزمینی و از محصولات روی زمین استفاده می‌کنید، بشود به نحوی استفاده کرد که امروز ما از آن خبری نداریم. مشکل

اساسی در باب مسائل محیط‌زیست این است که آثار تخریب با آسانی و به‌زودی ظاهر نمی‌شود؛ وقتی ظاهر شد، علاج آن آسیب‌ها و مشکل‌ها هم بعضاً بلند مدّت و بعضاً ناممکن است. عیسی کلانتری: ایران **با بهره‌برداری از ۹۷ درصد آب‌های سطحی خود عملاً تمام رودخانه‌های خود را خشک کرده است، اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰ درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند. در حال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها ازنظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می‌شوند. محمد درویش: بیم آن می‌رود که جنگ آب در ایران شدت پیدا کند. اکنون جنگ آب در کشور وجود دارد اما می‌توان آن را در مرحله کنونی مهار کرد و اجازه نداد شدت پیدا کند. ما در منطقه سبلان که دیگر نباید با کمبود آب روبرو باشیم؛ درحالی‌که اکنون در منطقه آبی‌بیگلو با نشست زمین روبرو هستیم. چرا در منطقه چهارمحال بختیاری که ۱۰ درصد آب‌های سطحی ایران از این منطقه سرچشمه می‌گیرد باید ۶۰ روستا بدون آب بمانند؟! دکتر محمدحسین بایلی یزدی: یک مافیای بسیار پیچیده حول محور اقتصاد آب در ایران تشکیل‌شده- توی این آب دارد میلیاردها دزدی می‌شود! همش می‌گوییم تقصیر مردم هست، فرهنگ مردم را باید درست کنیم، فرهنگ این دزدهای گردن کلفتی که بالا نشسته‌اند باید درست بشود! پروفسور پرویز کردوانی:** گزارش‌ها **و اطلاعات در مورد بحران آب نشان می‌دهد کشاورزی در استان‌های مختلف در حال تعطیل شدن است. هر پنج سال یک‌بار آمار مهاجرت استخراج می‌شود اما در یزد استخراج آمار هر ماه است؛ زیرا ۸۵ درصد روستاهای یزد تعطیل و خالی از سکنه شده- می‌گویند ۵۵ درصد مواد غذایی از خارج تأمین می‌شود؛ چنین گفته‌ای دروغ است. وضعیت اسفبارتر از این آمارهاست؛ زیرا ۹۵ درصد روغن، چای، نان و گندم از خارج تأمین می‌شود. آب در جهرم ۵۷۰ متر، در رفسنجان ۴۵۰ متر و در شهریار ۳۰۰ متر پایین رفته است؛ شاهد تجارت آب هستیم، به گونه‌ای که امروز آب کشاورزان را خریداری می‌کنند و به کشاورزان می‌گویند برو سفر و خوش‌گذرانی.**

۳ آینده آبی ایران: طبق روال پیش رو که زمستان نیز گرم شده و باران و برف کاهش پیدا نموده و ما نیز به‌صورت جدی برای برطرف نمودن خشک‌سالی اقدامی نمی‌نماییم، **در آینده**

نزدیک سفره‌های زیرزمینی ما که خط فراتر از خط قرمز هر کشور است نیز خشک می‌شوند، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها نیز خشک می‌شوند و در این صورت نیمه شرقی کشور حتی برای شرب آب نخواهند داشت و نیمه غربی کشور نیز در خشک‌سالی کشاورزی قرار دارند، در این صورت مردم از شرق کشور به غرب هجوم میاورند و غرب کشور نیز بسیار بحرانی می‌شود، در این صورت ما تولید داخلی نخواهیم داشت و قیمت آب و غذا افزایش پیدا می‌کند و قیمت ریال به‌صورت عجیبی سقوط می‌کند و از طرفی قیمت دلار بالا می‌رود **در این زمان شاهد قحطی خواهیم بود**، بیماری‌های عمومی زیاد می‌شود و در این زمان بیگانگان و دشمنان ما برای ضربه نهایی به ما هم پیمان می‌شوند و ما نیز راهکاری برای خشک‌سالی نداریم و **اتفاقات ۱۲۹۶ الی ۱۳۰۴ در ایران تکرار می‌شود در آن زمان ۴۰% ایرانیان باهم جان دادند و مرگ و ناامنی بیماری‌های عمومی و مشکل قحطی خشک‌سالی کار را بجایی رساند که بیگانگان انقلاب مشروطه را منحرف کردند و ندای شیخ فضل‌الله‌ها خاموش گردید و میرزا کوچک خان و یارانش شهید شدند و سرانجام انگلیس‌ها پیروز میدان شدند و توانستند حکومت ایران را به دست بگیرند و حکومت دلخواه خود را در ایران استقرار دهند** و خودشان گفته‌اند ما اسناد آن زمان را فعلاً تا سال ۲۰۵۰ منتشر نخواهیم کرد و شاید این تاریخ را نیز تمدید نمایند و اتفاقاً ما ایرانیآن‌هم به‌صورت دقیق نمی‌دانیم در آن زمان چه اتفاقی افتاده است عیناً آن اتفاقات در حال تکرار است.

۴: دلایل خشک‌سالی: دلایل زیادی از منظر علم و از منظر دین برای خشک‌سالی وجود دارد از **دلیل خشک‌سالی منظر دین**: گناه، دروغ، ظلم، قضاوت ناحق، ظلم سردمداران مردم، ربا و... و **دلیل خشک‌سالی از منظر علمی**: ایجاد سدهای غیر کارشناسانه که منجر به خشکی سفره‌های زیرزمینی و رودخانه‌ها گردیده، اکوسیستم جهان، گسترش جمعیت، عدم فرهنگ‌سازی در بخش مصرف آب، ولی ازنظر بنده با قبول تمامی مواردی که اشاره شد و اشاره نشد علت خشک‌سالی به این امور بازمی‌گردد: ۱- **ما در حوزه آب دانش کمی داریم و اهمیت آن تاکنون برای ما مشخص نشده است**، آب مهم‌ترین عنصر جامعه است حتی به نظر بنده از انرژی هسته‌ای و موشک هم مهم‌تر است. **۲- دشمن به‌صورت مرموزی ما را کنترل نموده است** و با ابزارهای مختلف مانند نفوذ و یا هدایت‌های به‌ظاهر علمی در مسئله

آب ما را به ناامیدی رسانده تا ما در برابر خشک‌سالی ناتوان قلمداد شویم، بعضی از مسئولین را اگر نگوییم نفوذی هستند ولی حتماً جاهل مرکب هستند.

۵: عظمت آب در تحقق آرمان‌های انقلاب: بدانیم **اهداف انقلاب تحقق پیدا نمی‌کند مگر اینکه سریعاً مشکل خشک‌سالی را در زمان کوتاهی برطرف نماییم،** تأکید می‌کنم مشکلات به‌سرعت در حال فراگیر شدن است و ما فرصت چندانی نداریم، **هدف و ضررت و شیوه‌های مبارزه با خشک‌سالی معلوم است و کسانی که در امر برطرف کردن خشک‌سالی اما و اگر میاورند در خوش‌بینانه‌ترین حالت درک صحیحی از وضعیت موجود ندارند،** ما حاضر هستیم به‌تمامی سؤالات متخصصین بازهم پاسخ دهیم و روش سریع برطرف شدن خشک‌سالی را دوباره تبیین نماییم اما همه بدانند در جلسه ۵ ساعته در حضور شش کارشناس حوزه آب کشور خطرات خشک‌سالی و نقد تمامی راهکارهای موجود بیان شد و سپس یک روش عادی یک ساله و دو روش غیرعادی بیان شد و در ادامه مباحث خشک‌سالی، قطره ۷۳ کتاب هزار و یک قطره را اختصاص به شیوه و طریق عادی مهار خشک‌سالی در یک سال قراردادیم که کارشناسان به آن طرح اشکالات خود را در ۴ صفحه برای ما ارسال نمودند که در قطره ۹۲ در ۳۵ صفحه قسمت اول پاسخ به شبهات متخصصین بیان گردیده است تا جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای برای مهار خشک‌سالی باقی نماند، باز به‌تمامی دوستداران انقلاب عرض می‌نمایم: در وضعیت کنونی **دشمن به‌واسطه رواج خشک‌سالی در صدد براندازی نظام می‌باشد** و این چیزی است که دشمن در سر می‌پروراند و ما از آن غافل هستیم و اگر ما سریعاً برای رفع خشک‌سالی اقدام ننماییم کار بجایی می‌رسد که دیگر نمی‌توان کار چندانی انجام داد که در آن صورت نوش دارو بعد مرگ سهراب است، **دشمن می‌خواهد مدل براندازی شوروی را در ایران تکرار نماید،** زمانی که آمریکا و شوروی دو قدرت بعد از جنگ جهانی دوم وارد جنگ سرد شدند، شوروی نتوانست مشکل اقتصادی مردم خود را حل نماید و کشاورزی آنان ویران شد تا جایی که مردم برای نان خود دچار مشکل شدند، از طرفی مردم شوروی که شاهد اقتصاد خراب بودند هالیوود و سینمای غربی زندگیِ سرشار از شادی مردم غرب را برای مردم شوروی به نمایش می‌گذاشت، مردم شوروی جنبش‌هایی را شروع نمودند و بعدازآن در داخل شوروی علیه گورباچف کودتا شد و آن شد که همه میدانیم و شوروی به ۱۵ کشور تجزیه شد و **همه میدانیم که دشمن از ابتدا در پی تجزیه ایران بوده و خواهد بود ولی این امر را به‌واسطه رواج خشک‌سالی و ایجاد جنگ بین استان‌ها دنبال نموده است و مدل پیاده شده در شوروی را به نحوی دیگر در ایران دنبال**

می‌نماید، دشمن در پی این است که وضعیت مشابه شوروی سابق را در ایران شکل دهد و با مدلی که شوروی را دچار فروپاشی نمود ایران را نیز ... یعنی مشکل اقتصادی و رواج فساد سیستمی و حقوقهای نجومی و ایجاد نارضایتی در بین مردم و از طرفی پایین آمدن درآمد مردم و از طرفی گرانی و ... **زمینه نارضایتی بین قشر پایین‌دست مردم فراهم آورد و بعدازآن اعتراضات زیاد می‌گردد و به عقیده آنان فروپاشی تکمیل می‌گردد، راهکار ما مهار سریع خشک‌سالی است که بحرانِ اقتصاد و بسیاری از بحران‌های دیگر را از اساس حل می‌نماید** و تا حدود بسیاری اوضاع را سامان می‌دهد و بعدازآن جایی برای اعتراض باقی نمی‌ماند و مطالبه به‌حق مردم جواب عقلانی و درست داده‌شده است **متأسفانه در وضعیت موجود مطالبات به‌حق مردم لیدارهای ناحق دارد و آنان مطالبات به‌حق مردم را با هدایت و مدیریت به سمت براندازی نظام و اغتشاشات هدایت می‌کنند** که شاهد بودیم بعد از جریان اعتراضات و اغتشاشات مردم در دی‌ماه ۹۶ بازهم جریان برانداز اعتراضات را ادامه داده‌اند، از طرفی اوضاع اقتصادی نیز با آن زمان تفاوتی نکرده و چه‌بسا مشکلات اقتصادی از وضعیت قبل هم وخیم‌تر شده است که می‌توان با نگاهی کوتاه به بازار ارز و دلار و ریال و قیمت کالاها این امور را تصدیق نمود.

۶: خشک‌سالی در شهرهای مختلف: وقتی وضعیت ما بجایی رسیده باشد که **واردکننده شتر باشیم**[۱۴۹] **وضعیت خشک‌سالی معلوم است** لذا تنها چند نمونه را اشاره می‌نماییم- زاینده‌رود خشک‌شده، تالاب بین‌المللی «گمیشان» با بیست هزار هکتار وسعت در شمال غربی استان گلستان خشک‌شده، ۷۰ درصد از دریاچه ارومیه خشک‌شده و حداکثر ۳۰ درصد آن باقی مانده است و پروژه‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه نیز تأثیر ملموسی نداشته است، **عمق چاه‌ها به بیش از ۲۵۰ متر رسیده است، ۲۰۰ دشت کشور در اثر شدت خشک‌سالی در حال فرو رفتن است و تعداد روستاییان از ۶۹% به ۲۹% رسیده است وضعیت گرمی هوا و عدم نزولات آسمانی در ۶۷ سال گذشته بی‌نظیر بوده است،** کشاورزی دیم نیز دچار بحران گردیده، **بعضاً باغ‌ها و مراتع و جنگل‌ها نیز در حال خشک شدن است.**

۷: سابقه خشک‌سالی در کشور: شاید بتوان با اطمینان گفت که **هجوم خشک‌سالی از هجوم قوم مغول وحشتناک‌تر و زیان‌بارتر می‌باشد،** در اواخر دوره ناصرالدین‌شاه مردم

ایران درگیر قحطی بزرگی بودند که به‌واسطه چند سال بی‌بارانی و کم بارانی در کشور رخ داد .مرگ‌ومیر، مهاجرت، نزاع و شورش از آثار قحطی این سال‌ها بود. عبدالله مستوفی: بعد از کاهش شدید نزولات جوی و نبود کشت و زرع درزمینهای کشاورزی، عوارض خشک‌سالی روی گرانی و کمیابی خواربار و مواد غذایی نمود پیدا کرد و حتی **مردم برای تهیه نآن‌هم مشکل پیدا کردند**. قیمت نان روزبه‌روز ترقی پیدا می‌کرد و مردم برای این‌که لقمه نانی بر سر سفره خانواده خود بگذارند مشکلات فراوانی داشتند. این روند باعث افزایش اعتراض عمومی شد و پایتخت‌نشینان در مذمت شاه، تصنیف‌های زننده‌ای سرودند .در پی کمیابی نان، سوداگرانی پیدا شدند که غلات، خواربار و نان را به قیمت گزاف در اختیار مردم می‌گذاشتند. **آن کس که تمکنی داشت می‌توانست نان را به پانزده برابر قیمت عادی تهیه کند، اما آن کسی که آهی در بساط نداشت مجبور بود ساعت‌ها در صف نانوایی‌ها بماند و آخر هم‌دست خالی به خانه بازگردد** .گرانی و کمبود مواد غذایی در ایران بیداد می‌کرد و دولت‌مردان چاره‌ای نداشتند و مجبور شدند از روسیه کمک بگیرند. این همسایه شمالی هم به فکر سود خود بود. آرد روسی چندان کمکی به بهبود اوضاع نکرد .**نارضایتی افزایش یافت و شورش‌های پراکنده‌ای در برخی شهرها مثل اصفهان، بوشهر و قزوین رخ داد. گرسنگانی که نمی‌توانستند نان تهیه کنند در کوچه و خیابان می‌گشتند و هر موجود چهارپایی زنده یا مرده پیدا می‌کردند برای رفع گرسنگی می‌خوردند. حتی در گزارش‌هایی هم از بچه دزدی و قتل کودکان نمونه‌هایی ذکرشده است** .امنیت از شهرها رخت بر بسته بود. زنان شهامت بیرون آمدن از خانه را نداشتند. **خبرهایی از دزدیدن زنان در کوچه‌ها و خیابان‌های برخی از شهرها به گوش می‌رسید که اراذل با نیرنگ و به بهانه دادن نان، زن‌ها را می‌کشتند و گوشتشان را می‌خوردند. دریکی از جریانات ۶ هزار زن علیه ناصرالدین‌شاه قیام کردند و درگیری ایجاد شد.** کوچه‌های شهرها پر بود از مردمانی که در گوشه‌ای افتاده بودند و در حال احتضار به سر می‌بردند. جاده‌های کشور پر بود از جنازه‌هایی که بدن نیم خورده آنان در اطراف افتاده بود. جالب اینجاست که **اطرافیان شاه برای این‌که خاطر مبارک اعلی‌حضرت همایونی آزرده نشود گزارش‌های غیرواقع به سلطان صاحبقران می‌دادند و از وفور نعمت و کافی بودن مواد غذایی و غلات در کشور می‌گفتند.** بلا و بیماری کشور را با بحران روبه‌رو کرد و اعتراض مردم هم گویی ره به‌جایی نمی‌برد. دست کلانتران و اوباش محله‌ها هم در یک کاسه بود. سال ۱۲۸۸ قحطی در جنوب ایران مشکلات هولناکی به وجود آورد. تقریباً تمام چشمه‌ها

خشک شد، محصولات کشاورزی از بین رفت، نان نایاب شد؛ بنابراین بازارها بسته شد و تعداد زیادی جان باختند. - **در خشک‌سالی ۱۲۹۸ یازده میلیون نفر یعنی ۴۰% ایرانیان بر اثر خشک‌سالی و صدمات آن جان سپردند.**

۸: ارتباط تمامی بحران‌های با آب: ما نمی‌توانیم جمعیت را زیاد نماییم مگر اینکه قبل از آن کشاورزی را درست نموده باشیم و برای مردم غذا تهیه نموده باشیم با وضعیت پیش رو ما در تأمین غذای جمعیت موجود هم با مشکل مواجه هستیم. پایه اصلی اقتصاد و اشتغال آب است، چراکه بازگشت اقتصاد به یکی از این سه است صنعت، کشاورزی، ساخت‌وساز: و لازمه رونق این امور نیز از آب می‌باشد و **زمانی که آب نباشد تمامی امور اقتصادی دچار مشکل می‌شوند.** مشکل ریز گردها و **آلودگی هوا نیز به آب بستگی دارد** چراکه در صورت نبود آب بیابان‌زایی شدت پیدا می‌کند و بدون برطرف نمودن مشکل آب بیابان‌زدایی معنایی ندارد. **مشکل ازدحام جمعیت در شهرها نیز به علت خشک‌سالی روستاها می‌باشد. مشکل ربا نیز از آب است** چراکه مردم به علت فقر مجبور هستند از بانک‌ها وام بگیرند و بانک‌ها نیز به علت اینکه نمی‌توانند ثروت حلال تولید نمایند روی به گرفتن ربا از مردم آورده‌اند. **مشکل فرهنگ و اغتشاشات نیز به آب بر می‌گردد**، زمانی که آب نباشد اقتصاد خراب می‌شود و در آن صورت مردم به اعتراض دست می‌زنند، از طرفی وقتی اقتصاد خراب باشد و فقر عمومی شود، طبق روایت فقر انسان را به کفر و بی‌دینی می‌کشاند. **مشکل زلزله نیز به خشک‌سالی بر می‌گردد: علم می‌گوید:** خشک‌سالی موجب سفت شدن زمین است و سفتی زمین موجب می‌شود بخارات زمین از زمین خارج نگردد و در این صورت زلزله رخ می‌دهد، **دین می‌گوید:** خشک‌سالی اقتصاد را ویران می‌کند، مشکل اقتصادی فقر میاورد، فقر فحشا میاورد، فحشا زلزله میاورد و در نگاه قرآنی خشک‌سالی تمامی بدبختی‌ها را به همراه دارد: **و جعلنا من الماء کل شیء حی** سوره انبیاء آیه ۳۰ -وقتی آب نباشد اقتصاد ویران می‌شود وقتی اقتصاد ویران شدن جامعه به آشوب و اغتشاش کشیده می‌شود، **از طرفی اقتصادِ ویران اسباب حرام‌خواری را در جامعه بازمی‌نماید و جامعه حرام‌خوار و ربوی در جنگ باخدا می‌شود و دعا در آن جامعه مستجاب نمی‌باشد، از طرفی وقتی آب نباشد تمامی آبادانیها از بین می‌رود و حتی خاک حاصلخیز نیز می‌میرد، لذا بدون مهار خشک‌سالی هیچ بحرانی حل نمی‌شود.**

۹: راهکارهای مختلف در رابطه با برطرف شدن خشک‌سالی: تمامی راهکارهایی که میگویند بی‌فایده است چراکه اگر فایده‌ای داشت تاکنون باید ما را از این وضعیت نجات داده بود، **تمامی نُه راهکار کلان را نقد نموده‌ایم و اثبات نموده‌ایم تماماً امید بیجا و از دست دادن زمان است** مانند بارور کردن ابرها و انتقال آب دریا و مدیریت منابع...

۱۰: ارائه راهکار برای برون‌رفت از بحران آب: بنده سه پیشنهاد برای مشکل خشک‌سالی دارم در قطره ۷۳ و ۹۲ یک مورد آن اشاره شده است و اثبات نموده‌ایم حتی از طریق عادی می‌توان در ظرف یک سال خشک‌سالی را مهار نمود هر آن کس که می‌گوید راه دیگری وجود دارد یا دست بکار شود و یا بیان کند تا بتوانیم نقد نماییم.

۱۱: چرا آب نمی‌آورند؟ این سؤالی است که ما هم منتظر جواب قانع‌کننده هستیم، **یا میگویند لزومی ندارد یا اینکه نمی‌توانیم که اثبات کرده‌ایم لزوم دارد و می‌توانیم.**

۱۲: آیا باران‌ها ما را از خشک‌سالی بیرون برده است؟ جواب منفی است ما به اندازه نیاز کنونی کشور نیز نزولات نداشته‌ایم و برطرف شدن خشک‌سالی با باران اندک دو مقوله است

۱۳: چه‌کار باید انجام داد؟ همه را آگاه نمایید و **همه باهم در همه‌جا یک‌چیز را بخواهیم یا مشکل را حل نمایید یا گوش دهید تا مشکل حل شود. ۹۶/۱۱/۱۹**

قطره ۹۶ چرا قیمت دلار بالا می‌رود؟ آینده دلار چیست؟ راه‌حل کنترل دلار چیست؟ ۹۶/۱۱/۲۵

مقدمه: راهکاری جدی برای حمایت از تولید داخلی نداریم، بانک‌ها نیز نمی‌توانند تعهدات خود به مردم را پاسخگو باشند از طرفی مردم برای تجارت و کسب کار روی به واردات می‌آورند واردات دلار لازم دارد، لذا دلار بالا می‌رود و از طرفی ریال و پول ملی سقوط می‌کند و این بدان معناست که ایرانی فقیر شده است و دشمنان ما ثروتمندتر می‌شوند و فقر تمامی مشکلات اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را به دنبال دارد، از طرفی بالا رفتن قیمت دلار را باید بانک مرکزی کنترل کند و می‌تواند با اشباع بازار دلار را به قیمت معقول برساند ولی از طرفی نفوذ دشمن در اقتصاد و بانک‌های ایران و افرادی که پایین آمدن دلار به ضرر آن‌هاست مانع کنترل بازار دلار می‌شود چراکه بالا رفتن دلار در بازار آزاد دلیل موجهی است برای بالا بردن دلار توسط بانک‌ها و بانک‌ها که سال‌هاست به‌واسطه ربوی بودن از جنگ باخدا ابایی ندارند از بالا رفتن قیمت دلار اگرچه که به‌ظاهر ناخشنود و در پی کنترل آن هستند ولی در باطن بالا بودن دلار برای آن‌ها

منفعتی سرشار دارد و از این طریق سود سرشاری را از جیب مردم به جیب می‌زنند و عدم توانایی در بانکداری موفق را به این وسیله جبران می‌کنند، بله دولت روزانه‌تنها از طریق فروش نفت ۲۴۰ میلیون دلار دریافت می‌کند و این پول را باید به ریال تبدیل نماید و اگر تنها ۱۰۰۰ تومان قیمت دلار بالاتر باشد روزانه‌تنها از این هزار تومان بیشتر ۲۴۰ میلیارد تومان بیشتر کسب درآمد کرده است پس هرچقدر دلار بالاتر باشد سود بیشتری نصیب دولت می‌شود و در پرداخت یارانه به مردم مشکل کمتری دارد، حال سؤال ما این است که اگر واقعاً چنین نیست، چرا دلار را در قیمت مطلوب خود کنترل نمی‌کنند؟ آیا بالا رفتن دلار فشار مضاعف بر تمامی زندگی مردم نیست؟ آیا این دولت نیست که بیش‌ترین دلار را در ایران در دست دارد و باید به هر طریقی دلار را به ریال تبدیل نماید و هر چه دلار بالاتر باشد به نفع اوست؟ آیا واقعاً دولت نمی‌توانند دلار یک هفته از دریافتی نفت را در بازار وارد کرده و بازار را اشباع کند تا قیمت دلار پایین بیاید؟ آیا با تزریق روزانه ۵ میلیون دلار در بازار ارز می‌توان صعود دلار را کنترل نمود؟ آیا برای تأمین یارانه مردم و ... باید دلار را بالا برد و به مردم دلار بالا فروخت و از طرفی مقداری از سود دلار را دوباره به‌عنوان یارانه به مردم پرداخت نمود؟ آیا این روش، روشی درست برای اداره جامعه است؟ ما منتظر جواب قانع‌کننده هستیم و فرض می‌کنیم تاکنون دولت‌مردان به این امر توجه نداشته‌اند اما **بعد از این نوشته دیگر جای هیچ‌گونه مسامحه‌ای نیست و بالا بودن قیمت دلار برای ما قابل توجیه نیست و تمامی گفته‌ها مانند اینکه افراد سود جو این کار را می‌کنند و یا اینکه بالا بودن دلار دلیل روانی دارد و یا حباب است و ... برای ما غیرقابل‌قبول است** چراکه ما راهکار ارائه دادیم و عدم عمل نمودن به این راهکار به معنای این است که **صاحبان کلان دلار در کشور که دولت است** راضی به بالا بودن دلار هستند و از این طریق سود سرشار به دست میاورد و تمامی ناراحتی‌ها و گفته‌ها پیرامون کنترل دلار چیزی جز ظاهر قضیه نمی‌باشد و **باطن چیز دیگری است.**

۱ - تاریخچه روند رشد دلار در ایران در ۴۰ سال گذشته

سال	قیمت دلار به تومان	مقدار درصد افزایش قیمت	مقدار زمان سپری‌شده	نتیجه:
				۱ - **قیمت دلار در عرض ۳۹ سال گذشته ۴۹۰ برابر سال ۵۷ شده است**

۵۷	۱۰ تومان			۲- **قیمت دلار ۹ بار دو برابر شدن را شاهد بوده** و در آستانه ۵۱۲۰ تومان قرارگرفته است یعنی تقریباً هر چهار سال قیمت دو برابر قبل می‌شود. ۳- طبق روال گذشته قیمت دلار در جهش بعدی که در عرض سه الی چهار سال آینده شاهد خواهیم بود به مرز ۱۰٫۲۴۰ تومان می‌رسد، شاید روند سرعت هم بگیرد. ۴- قیمت دلار طبق نمودارها به‌راحتی به بالای صد هزار تومان خواهد رسید، چیزی که از نمودارها به دست میاید بسیار عجیب است بهتر است خودتان حساب کنید. ۵- **روند رو به رشد دلار طبق الگوی گذشته نیست بلکه روند بالا رفتن قیمت سرعت بیشتری پیدا خواهد کرد** و دلیل آن رکود و تورم عجیبی است که در پیش است و این تورم و رکود با وضعیت خشک‌سالی فعلی قابل‌کنترل نیست.
۵۹	۲۰ تومان	۲ برابر	در عرض ۲ سال	
۶۲	۴۵ تومان	۲٫۲۵ برابر	در عرض ۳ سال	
۶۶	۹۹ تومان	۲٫۲ برابر	در عرض ۴ سال	
۷۲	۱۸۰ تومان	۱٫۸ برابر	در عرض ۶ سال	
۷۵	۴۴۴ تومان	۲٫۴ برابر	در عرض ۳ سال	
۷۹	۸۱۳ تومان	۱٫۸ برابر	در عرض ۴ سال	
۸۹	۱۱۰۰ تومان	۱٫۳ برابر	در عرض ۱۰ سال	
۹۱	۱۵۰۰ تومان	۱٫۳ برابر	در عرض ۲ سال	
۹۶	۴۹۰۰ تومان	۳٫۲ برابر	در عرض ۵ سال	

۲ - بالا رفتن قیمت دلار چه تأثیری بر معاش مردم دارد؟ واضح است که کشور ما کشوری وارد کننده است و دولت نتوانسته زمینه اشتغال حداکثری را برای مردم فراهم کند و با این روال به مرور زمان تبدیل به کشوری مصرف‌کننده می‌شویم که حتی مجبور هستیم غذایمان را نیز از خارج وارد نماییم، لذا آنچه مشهود است **بالا بودن قیمت دلار بر تمامی اقشار جامعه تأثیر می‌گذارد حتی آنان که تاکنون دلار را ندیده‌اند**، چراکه با نگاهی به لیست واردات از

محصولات کشاورزی تا صنعتی و ... متوجه می‌شویم که **تمامی افراد جامعه بی‌واسطه یا باواسطه با دلار سروکاردارند**، برنج هندی و تایلندی و قند و شکر و ... تماماً با دلار خریده شده و به ایران وارد می‌گردد و این بدان معنا است که بالا رفتن قیمت دلار بر تمامی اقشار جامعه تأثیر داشته و مستقیماً با سفره مردم ارتباط دارد.

۳ -چرا دلار را بالا می‌برند؟

۱ -دلیل بالا بردن دلار معلوم است **فراهم آمدن سود بیشتر برای اصحاب دلار**

۲- زمانی که مردم به فکر مهاجرت از ایران باشند احتیاج دارند ریال را به دلار تبدیل کنند و هجوم مردم به بازار دلار دلیل بالا رفتن دلار می‌شود، اما دلیل اینکه مردم به فکر مهاجرت هستند بحثی دیگر را می‌طلبد.

۳ - **زمانی که سود در واردات باشد مردم احتیاج دارند برای دادوستد بین‌المللی ریال را به دلار تبدیل کنند پس رکود بازار داخلی و رونق واردات دلیل بر افزایش دلار است** و چرا بازار راکد است و تولید داخلی چنین است بحثی دیگر می‌طلبد.

۴ - **زمانی که دولت کسری بودجه داشته باشد بعضی از افراد وابسته درون دولت تلاش می‌کنند دلار را در بازار آزاد افزایش دهند و این امر موجب می‌شود که بانک مرکزی برای افزایش دلار دولتی توجیه موجهی داشته باشد،** لذا در بازار آزاد دلار را افزایش می‌دهند و بعدازآن با این توجیه دلار دولتی را افزایش می‌دهند و از این طریق به کسب درآمد می‌پردازند، هم‌اکنون بانک روزانه ۵ میلیون دلار به بازار تزریق می‌کند حال اگر تفاوت دلار آزاد و دولتی هزار تومان باشد یعنی روزانه ۵ میلیارد تومان سود بدون هیچ‌گونه کاری نصیب می‌گردد و این سود سرشار می‌تواند تا حدودی مشکل ورشکستگی بانک‌ها را حل نماید یعنی افرادِ نفوذیِ دولت عدم کارایی خود در تولید و اشتغال را با گران کردن دلار تأمین می‌نمایند، بله **دولت تذکر داده بود افراد از دریافت یارانه انصراف دهند حال که مردم گوش ندادند و از طرفی شب پرداخت یارانه شب عزای دولت است لذا از طریق گرانی دلار، دلار را به مردم می‌فروشند و از این طریق پول یارانه از جیب مردم تأمین می‌شود، لذا** با این حساب که اگر تفاوت قیمت دلار دولتی و آزاد تنها هزار تومان باشد و بانک روزانه ۵ میلیون دلار در بازار تزریق کند با این حساب بانک ماهیانه ۱۵۰ میلیارد تومان فقط از طریق این تزریق پول از جیب مردم به جیب میزند و سود بیشتری به دست می‌آورد، حال سؤال دیگری مطرح

می‌شود و آن اینکه ما روزانه تقریباً ۴ میلیون بشکه نفت‌فروش داریم اگر قیمت هر بشکه را ۶۰ دلار حساب کنیم، می‌شود ۲۴۰ میلیون دلار در روز، سؤال این است که دولت این پول را چگونه در ایران خرج می‌کند؟ باید دلار تبدیل به ریال شود، واضح است تنها از طریق همین هزار تومان هرچقدر دلار بالاتر به فروش برسد سود بیشتری کرده است پس به نفع دولت است که دلار گران‌تر باشد، **اگر در ایران دلار ۱/۰۰۰ تومان گران‌تر شود دولت روزانه ۲۴۰ میلیارد تومان سود بیشتر بدون هیچ کار انجام داده‌ای به دست آورده است و لذا از این طریق دولت یک‌بار نفت را فروخته و یک‌بار دلار را فروخته است،** وضعیت بانک‌ها نیز معلوم است که در بازپرداخت پول مردم دچار مشکل هستند پس ازنظر بانکی نیز مقرون به‌صرفه است دلار را در بازار آزاد افزایش دهند و بعد بانک‌ها دلار را با قیمت بالاتر به مردم بفروشند و از این فروش سود به جیب بزنند و بعد مقداری از این ورشکستی خود را جبران نمایند، این تنها در مورد نفت بود حال اگر به این جریان فروش گاز و فولاد و سایر خام فروشی‌ها را نیز اضافه کنیم بهت‌زده می‌شویم، لذا اجمالاً یکی از دلایل گرانی دلار افراد نفوذی دولت می‌باشند که از این گرانی سود سرشار نصیب خود می‌کنند، بله دلار را در بازار آزاد افزایش می‌دهند و بعد میگویند نمی‌دانیم چرا دلار بالا رفت و بعد به این بهانه خودشان نیز دلار را گران می‌فروشند و راه‌های بسیاری است که به‌صورت نامحسوس می‌توانند دلار را در بازار افزایش دهند وجود دارد و این تازه گوشه‌ای از کار است بماند سایر امور دیگری که افراد نفوذی دولت از آن راه‌ها ناتوانی خود در امر تولید و اشتغال را با شعبده‌های اقتصادی از جیب مردم بیرون می‌کشند و مردم نمی‌دانند، بی‌جهت نبود تأکیدات رهبر انقلاب دامت برکاته در امر نفوذ و اقتصاد اسلامی، بله ما غافل شدیم و دشمن با تلاش مدام نفوذ نمود و به ما با چهره‌ای حق‌به‌جانب ضربه میزند.

۴ - چه کسی دلار را بالا می‌برد؟ ۱- در این زمان مهم‌ترین افزایش‌دهندگان دلار افراد نفوذی در دولت هستند که در امر اقتصاد ناتوان‌اند لذا گاهی اوقات غیر عمدی دلار بالا می‌رود و گاهی اوقات عمدی دلار را بالا می‌برند، تصور نکنید ما فقط در انرژی هسته‌ای نفوذی داریم نفوذ در بانک داری و اقتصاد بسیار مهم می‌باشد که بارها بحث نفوذ در بیانات رهبر انقلاب مطرح گردیده است، **افراد نفوذی وابسته در بانک‌ها و دولت‌ها برای به‌زانو در آوردن انقلاب اسلامی دائماً قیمت دلار را بالا می‌برند و این یعنی پایین آمدن ارزش پول ملی، از اول انقلاب تاکنون ۵۰۰ برابر دلار گران‌تر شده است و این بدان معنی است که ریال ۵۰۰ برابر کم ارزش‌تر شده است یعنی هزار تومان در سال ۵۷ به اندازه ۵۰۰ هزار تومان در این زمان ارزش داشته است** اگر نگوییم بیشتر از این است، به عقیده بنده

افراد نفوذی دولت‌ها در گران شدن دلار نقش اصلی را دارند و چرا این‌گونه نباشد درحالی‌که دولت بزرگ‌ترین صاحب دلار می‌باشد و گرانی دلار به نفع اوست و امروز خزینه اصلی دلار در دست دولت است و اگر دلار بالا برود دولت است که سود اصلی را می‌برد و البته چند دلال خرده‌فروش نیز از این آب گل آلود نیز ماهی می‌گیرند که به‌جایی بر نمی‌خورد، ۲- پشت پرده این داستان حقیقتاً دشمنان یهودی هستند که بازار اصلی پول و بانک در دستان آنان است و خیلی راحت دلار را افزایش می‌دهند و ریال ارزش کمتری پیدا می‌کند آن‌وقت دلار را به ما می‌فروشند و ریال می‌خرند و با ریال اجناس را از ما می‌خرند و با قیمت بالاتر صادر می‌کنند یعنی در حقیقت چندین منفعت می‌برند.

۵ - بالا رفتن دلار به نفع چه کسی است؟ با بالا رفتن دلار اختلاف طبقاتی زیاد می‌شود و فقیر فقیرتر و غنی غنی‌تر می‌شود، آنکه دلار دارد ثروتمند و آنکه رنگ دلار را هم ندیده فقیرتر می‌شود و همه میدانیم که **بزرگ‌ترین طبقه‌ای که امروز دلار را در دست دارد دولت است که بزرگ‌ترین صادرات نفت و گاز و ... را دارد** و دلار دریافت می‌کند و به‌هرحال باید دلار را تبدیل به ریال کند و چگونه این تبدیل را انجام می‌دهد آیا راهی به‌غیراز فروش وجود دارد؟

۶- تا حالا برای مقابله با افزایش دلار چه‌کارکرده‌اند؟ ۱- **راهکارهای جاری برای کنترل دلار در آینده همان راهکارهای قبل است** و لذا در آینده نیز نتیجه نخواهد داد، باید سریعاً رویکردها را عوض نمود، طبق الگوها تقریباً هر چهار سال قیمت دلار دو برابر می‌شود لذا جهش بعدی دلار ده هزار تومان است مگر اینکه سریعاً امور اصلاح گردد که البته بسیاری از نفوذی‌ها اصلاً نمی‌خواهند امور اصلاح شود و مانع هستند. ۲- **برای کنترل دلار چند نفر دلال گوشه خیابان گرفته می‌شوند،** سؤال این است آیا چند نفر که در گوشه خیابان هستند می‌توانند چنین چالش عظیم اقتصادی ایجاد کنند؟ خوب آن‌ها دستگیر شدند آیا مشکل قیمت دلار مرتفع شد؟ نه مشکل حل نشد پس آن‌ها مقصر نیستند ۳ - **میگویند حباب است، مشکل روانی دارد** و ...، اشتباه می‌کنید اگر نمی‌دانید گفتیم، مشکل دلار نه حباب است و نه روانی بلکه عملکردی حساب شده است تا اقتصاد ایران ویران گردد و البته صاحبان دلار در ظاهر گریان و در باطن دل شاد هستند.

۷- برای جلوگیری از افزایش دلار چه می‌توان کرد؟۱- **دلیل گرانی دلار، رکود و گرانی** و عدم موفقیت در تولید داخلی و خام فروشی است که این‌ها همه به خشک‌سالی بازمی‌گردد.۲- هر چه خشک‌سالی بیشتر شود اقتصاد فلج‌تر از گذشته می‌شود و لذا واردات بیشتر می‌شود و تقاضای دلار بیشتر و قیمت دلار بالاتر و ریال ارزش کمتری خواهد داشت. ۲- **اگر سریعاً خشک‌سالی برطرف نشود**، برای غذا و ... مجبور به واردات بیشتر هستیم واردات نیز دلار لازم دارد، از طرفی قیمت نفت سقوط می‌کند و... لذا دلار با شدت بیشتری بالا می‌رود.۳- **تنها راه مهار دلار مهار سریع خشک‌سالی است**. ۴- **اگر راهکار برای خشک‌سالی دارید ارائه دهید** که البته میدانیم هیچ راهکاری ندارید و اگر راهکار ندارید گوش دهید تا خشک‌سالی برطرف شد.

چند نکته: ۱- **عدد یک بر روی هزار تومانی‌های** جدید که آن هزار تومانی‌ها در نگاه اول مانند ده هزار تومانی است به ذهن این مطلب را هشدار می‌دهد که دلار به ۱۰ هزار تومان می‌رسد، همچنین مطلبی بر روی پول ملی سابقه نداشته است و در اینجا بحثی دیگر است که ارزش پول نسبت به گذشته چقدر پایین آمده است؟ ۲- **اگر خشک‌سالی برطرف شود روند افزایش دلار معکوس می‌شود** و ریال ارزش پیدا می‌کند و دلار سقوط می‌کند.۳- دلار **آتشی است که با نبود آب شعله‌ورتر می‌شود**، اگر می‌خواهیم این آتش را کنترل کرده و خاموش کنیم باید سریعاً آب‌رسانی شود. **۹۶/۱۱/۲۵**

قطره ۹۷ چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار قسمت اول ۹۷/۵/۵

چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار؟ این نوشتار قسمتی از جزوه بانکداری اسلامی می‌باشد

۱ -در شرایط کنونی اقتصادی که حقیقتاً در جنگ اقتصادی می‌باشیم تمامی راهکارهای گذشته برای اقتصاد فاقد ارزش نجات‌بخش می‌باشد که اگر راهکارهای گذشته ارزشمند بودند هم‌اکنون در چنین وضعیتی نبودیم و لذا اگرچه که رئیس بانک مرکزی تغییر نمود اما درروند افزایش دلار و سقوط ریال و بالا رفتن قیمت سکه و رشد تورم و رکود بازار تغییری حاصل نشد بلکه در این ابتدای امر وضعیت بحرانی‌تر گردید، حتی اگر تمامی دولت تغییر کند نیز توفیقی حاصل

نمی‌شود چراکه کارشناسانِ دیگر نیز مانند کارشناسان و مسئولین کنونی عمل می‌نمایند و راهکار عملی نجات‌بخشی ندارند هر آنچه دیگران می‌خواهند انجام دهند افراد کنونی انجام داده و نتیجه همان است که می‌بینیم، مسئولین کشور ازلحاظ عملکرد تماماً یک رویکرد رادارند و تنها درورویکرد سیاسی با یکدیگر تفاوت دارند، مشکل اصلی و اساسی تمامی بحران‌های جامعه ما خشک‌سالی است و متأسفانه مسئولین و رؤسای اجرایی یا این مسئله را نمی‌دانند و یا اینکه راهکار نجات‌بخش برای بیرون رفت از بحران خشک‌سالی در دست ندارند که در قطره‌های مختلف از کتاب هزار و یک قطره این مطلب را توضیح داده‌ایم.۲- در این وضعیت بحرانی می‌خواهیم یک راهکار عملی و نجات‌بخش برای بیرون رفت از تورم و افزایش قیمت دلار و کنترل قیمت سکه و جلوگیری از هجوم مردم به با بازار دلار و سکه و طلا و جلوگیری از سقوط ریال ارائه دهیم که این راهکار می‌تواند منشأ تحولات اقتصادی در ایران گردد، این متن به‌اختصار نوشته‌شده و اگر مسئولین بانک مرکزی توضیحات بیشتری را بخواهند می‌توانیم در جلسه‌ای که با حضور کارشناسان برقرار می‌شود ابعاد دیگر طرح را ارائه دهیم، و اعلام می‌کنیم اگر سریعاً این راهکار عملی نشود فعلاً دلار در جهش ۲۰ هزارتومانی و سکه در جهش ۵ میلیون تومانی قرار دارد و این روند غیرقابل‌کنترل می‌باشد ۳- از نتایج عمل به این راهکار کنترل همیشگی تورم، جلوگیری از افزایش دلار، جلوگیری از سقوط ریال، جلوگیری از افزایش قیمت طلا و سکه حتی اگر قیمت جهانی طلا افزایش یابد، بالا رفتن ارزش پول ملی، پایین آمدن ارزش دلار در برابر ریال، بالا رفتن ارزش مزد کارگر بدون افزایش دستمزد کارگر و ایجاد آرامش در بین مردم و جلوگیری از هجوم مردم به خرید سکه و طلا و اجناس دیگر حتی در زمان بحران می‌باشد، پس‌ازآن ثبات اقتصادی و آرامش و رونق تجارت در بین مردم آشکار می‌گردد.۴ - مقدمه: در زمان‌های گذشته در بین مردم مبادلات بر پایه مبادله کالا به کالا و سکه طلا و نقره در عوض کالا بود و چیزی به نام پول کاغذی وجود نداشت و لذا آنچه در دست مردم وجود داشت یا کالا بود و یا سکه‌های طلا و نقره لذا اگر ارزش طلا و نقره بالا می‌رفت آنچه در دست مردم بود ارزشش بیشتر می‌گشت اما با دلایلی به‌ظاهر درست اما خیانت پشت پرده دولت‌ها اقدام به چاپ اسکناس کرده و طلا و نقره را از دست مردم خارج نمودند، در ابتدا اگرچه دلیل اصلی را مشکل بودن حمل‌ونقل طلا و نقره عنوان می‌کردند اما در پشت پرده چیز دیگری بود دولت‌ها سکه‌های طلا و نقره را از میان ملت‌ها جمع کردند و پول کاغذی را در میان مردم رواج دادند و در ابتدا برای هر پول ارزش مشخصی از طلا و نقره قراردادند

و در ادامه بدون این اینکه برای پول‌های چاپ‌شده طلا و نقره ذخیره کنند پول بدون پشتوانه چاپ کرده و از این طریق در حقیقت دولت‌ها با رواج پول بدون پشتوانه در حقیقت مردم را به بردگی کشیده و پول و زحمات مردم را به جیب زدند و هرگاه که به مشکل مالی برخورد نمودند پول چاپ نمودند و ملت‌ها نیز بدون اینکه در جریان این روال باشند برای کاغذهای رنگ‌شده که پول نام داشت ارزش طلا و نقره قراردادند درحالی‌که پول کاغذی به‌خودی‌خود هیچ ارزشی ندارد بلکه ارزش پول به پشتوانه طلا و نقره آن می‌باشد و اگر پشتوانه نداشته باشند ارزش هر قطعه اسکناس به‌اندازه یک برگه کاغذ باطله می‌باشد، دولت‌ها پول بدون پشتوانه چاپ کردند و مردم برای این کاغذهای رنگی ارزش طلا و نقره قراردادند و دلیل اصلی اختلاف واحدهای پولی با یکدیگر همین مطلب است. ۵ – سؤال اصلی که تمامی حکومت‌ها باید پاسخ دهند این است که چه مقدار پول چاپ کرده‌اید و چه مقدار ذخیره طلا دارید؟ اگر تمامی کشورها به مقدار پول چاپ‌شده ذخیره طلا داشته باشند در این صورت واحد تمامی پول‌ها باهم یکی می‌باشد یعنی ۱ ریال برابر با ۱ دلار و برابر با ۱ یورو برابر ۱ لیر و برابر ۱ یوان و ... می‌باشد اما اگر این نسبت رعایت نشده باشد به مقداری که نسبت رعایت نشده آن پول از ارزش کمتری برخوردار است، لذا حقیقتاً توجیهی ندارد که تمامی واحدهای پولی با یکدیگر برابر نباشند مگر اینکه کشورها پول بدون پشتوانه چاپ کرده باشند لذا حل مشکل اقتصاد جهانی در این است که تمامی دولت‌ها مقدار پول چاپ‌شده و ذخیره ارزی خود را اعلام نمایند ولی بدانید هیچ‌گاه کشورها چنین کاری نمی‌کنند چراکه این سؤال در حقیقت سؤال از حساس‌ترین و محرمانه‌ترین اسرار هر کشور است که پاسخ به این سؤال مقدار دزدی‌ها و کلاه‌برداری‌های کلان حکومتی را آشکار می‌کند و همه می‌فهمند علت فقر توده‌ها حکومت‌ها بوده‌اند، البته اگرچه دولت‌ها پشتوانه‌های پولی خود را اعلام نکنند اما ما از طرق دیگری می‌توانیم این اطلاعات را به دست آوریم و نکته عجیب دیگر اینکه ما می‌توانیم سریعاً تمامی سیستم‌های اقتصادی دنیا را به چالش بکشیم و با اصلاح واحد پولی ایران از اینکه در مبادلات جهانی دلار محور باشد ریال را محور قرار دهیم.۶- اصلاح پولی ایران و محور شدن پول ایران در معاملات بین‌المللی لازمه‌هایی دارد که اجمالاً اشاره می‌کنیم ولی بحث ما این امور نیست اما باید بدانیم اگر می‌خواهیم به این چشم‌انداز برسیم بعد از رفع خشک‌سالی باید: مقدار پول چاپ‌شده با مقدار ذخیره طلا برابر باشد - جلوی چاپ پول بدون پشتوانه گرفته شود - تا هر مقداری که می‌توانیم باید پول‌های بدون پشتوانه را از نظام پولی خارج و امحاء نماییم که مباحث دیگری دارد. ۷- اولین راهکار عملی و سرعتی برای رسیدن به اهداف و نتایجی که دربند دوم ترسیم‌شده است: اگر ما یک واحد پول جدید را در سیستم نظام معاملاتی کشور وارد نماییم

به‌تمامی اهداف خواهیم رسید، این واحد پولی جدید پول کاغذی نیست بلکه پول طلا می‌باشد مثلاً یک سکه طلا به ارزش ۲۰۰ هزار تومان که در این صورت ده‌ها اتفاق عالی رقم خواهد خورد. نکته اول: ممکن است بگویید هم‌اکنون سکه‌های طلای مختلفی در بازار موجود می‌باشد چه فرقی دارد؟ جواب این است که سکه‌های موجود در بازار پول نمی‌باشد ولی سکه طلای جدیدی که وارد می‌شود پول است، پولی که مثلاً دویست هزار تومان ارزش دارد. نکته: دوم بانک مرکزی هر مقدار سکه پولی طلا که وارد بازار می‌کند به همان مقدار پول کاغذی را از مردم دریافت کرده و باید پول‌هایی را که دریافت می‌کند را از بین ببرد و اگر پول‌ها را از بین نبرد هیچ‌یک از اهداف ترسیم‌شده به دست نخواهد آمد بلکه وضعیت بحرانی‌تر می‌شود. نکته سوم: این سکه پولی طلا باید ارزشش به‌اندازه خود طلا باشد یعنی این سکه ۲۰۰ هزارتومانی باید ۲۰۰ هزار تومان طلا داشته باشد حتی بنده پیشنهاد می‌دهم برای این سکه هزینه-ی ساخت هم در نظر گرفته نشود چراکه این سکه در حقیقت ترازوی سنجش تمامی پول‌های رایج در مملکت می‌باشد به این معنی که دوهزارتومانی یعنی ۱% از این سکه و اتفاقی که در اینجا می‌افتد این است در مبادلات ارزی و صرافی‌ها این سکه معیار می‌باشد یعنی اگر قیمت جهانی طلا زیاد شود در ایران ارزش پول ملی ما زیاد می‌شود یعنی اینکه مثلاً اگر دیروز این سکه طلای ۲۰۰ هزارتومانی ۲۰ دلار ارزش داشته است اگر فرضاً قیمت طلا دو برابر شود ارزش این سکه در جهان دو برابر می‌شود و به‌تبع آن تمامی پول‌های اسکناسی ما نیز ارزشش دو برابر می‌شود و این‌گونه از تورم جلوگیری می‌شود و بدون اینکه کاری انجام داده باشیم با رشد جهانی طلا پول ایران نیز رشد کرده و در مقابل آن دیروز که یک سکه ۲۰ دلار بوده ولی امروز با افزایش طلا یک سکه می‌شود ۴۰ دلار و تبع آن پول کاغذی نیز رشد نموده است، مثلاً تا دیروز ۱۰ هزار تومان ۱ دلار بوده ولی امروز با افزایش قیمت جهانی طلا مثلاً قیمت ۱ دلار ۸ هزار تومان می‌شود و قِس علی هذا... نکته چهارم: این فرایند زمانی اتفاق می‌افتد که این سکه پولی طلا در معاملات رایج شود یعنی اینکه مردم برای خرید خود از این واحد پولی استفاده کنند و ضرب محدود این سکه کاری از پیش نمی‌برد، لذا می‌توان سکه طلای ۵۰ هزارتومانی ضرب نمود و تراول ۵۰ هزارتومانی را از معاملات حذف نمود. نکته پنجم: با این روند می‌توانیم واحدهای دیگر سکه طلا و نقره را وارد معاملات نماییم و البته پول‌های کاغذی را حفظ نماییم که این جریان به مردم حالت اطمینان می‌دهد و مردم برای کم نشدن ارزش پول اقدام به ذخیره طلا و تبدیل ریال به دلار نمی‌نمایند چراکه اطمینان دارند ارزش پولی

آنان محفوظ است و هرگاه بخواهند می‌توانند پول کاغذی بدهند و سکه پولی طلا دریافت نمایند.
نکته ششم: در این صورت با گذر زمان ارزش حقوق کارگر متناسب با تورم جهانی افزایش پیدا می‌کند درحالی‌که حقوق کارگر ثابت مانده است یعنی حقوق یک کارگر امروز یک‌میلیون و چهارصد هزار توان است که می‌شود ۷ سکه طلا که اگر تورم جهانی طلا موجب شود طلا دو برابر شود به همان تناسب ارزش حقوق کارگر دو برابر شده درحالی‌که مقدار حقوق افزایش نیافته است، توضیح: در سال ۱۳۸۰ حداقل دستمزد کارگر ۵۷ هزار تومان بوده است و قیمت سکه ۶۰ هزار تومان بوده است اما هم‌اکنون قیمت سکه ۴ میلیون و حداقل دستمزد یک‌میلیون و چهارصد هزار تومان می‌باشد درحالی‌که اگر تناسب رعایت شده بود هم‌اکنون باید یا سکه یک‌میلیون و چهارصد هزار تومان می‌ماند و یا اینکه حداقل دستمزد ۴ میلیون تومان باشد، حال اگر در سال ۸۰ طرح رواج سکه پولی طلا اجرایی شده بود هم‌اکنون قیمت‌ها ثابت مانده بود و سکه به ۴ میلیون تومان نمی‌رسید و این شکاف حقوق کارگر و رشد تورم جامعه حل‌شدنی نیست مگر اینکه کارهای زیر بنایی زیادی انجام گردد که یکی از آن کارها رواج سکه پولی طلا بین مردم است البته اقتصاددان‌های غربی برای توجیه تورم با چرب‌زبانی مردم را دائماً فریب می‌دهند اما باید جواب دهند چرا ارزش پول ملی ما در ۴۰ سال گذشته بیش از ۱۵۰۰ برابر کاهش‌یافته است؟ دلار ۷ تومان به ۱۱ هزار تومان رسیده و به‌زودی به ۲۰ هزار تومان می‌رسد، آقایان میگویند حباب است و یا دلایل روانی دارد و ... سؤال این است که چرا این حباب برای دلار پیش نمی‌آید؟ اگر حباب است و دروغ است شما ریال از مردم بگیرید و دلار تحویل دهید، اگر افزایش قیمت سکه حباب است شما پول‌ها را از مردم بگیرید و طلا تحویل دهید، معیارِ ارزشِ پول کشورهای بی‌طرف است اگر می‌خواهیم بدانیم ریال چه مقدار ارزش دارد باید نگاه کنیم در کشورهای بی‌طرف صرافی‌ها یک دلار را با چند ریال مبادله می‌کنند باید ببینیم طلافروش‌های کشورهای بی‌طرف که با ریال و دلار سروکار ندارند اگر ۱ میلیون تومان بدهیم چه مقدار طلا تحویل می‌دهند؟ جوانی که در سال ۸۰ ازدواج‌کرده و ۱۴ سکه برای همسر خود مهریه قرار داده است اگر می‌خواست مهریه همسر خود را بپردازد در آن زمان اگر کارکرد ۱۵ ماه خود را به همسر خودپرداخت می‌کرد مهریه را پرداخت کرده بود اما در این زمان اگر ۴۰ ماه حقوق خود را پرداخت نماید می‌تواند ۱۴ سکه پرداخت کند پس از سال ۸۰ تاکنون حقوق کارگر متناسب با تورم رشد نکرده است درآمد یک ماه کارگر در سال ۸۰ برابر ۲٫۶ ماه درآمد کارگر در سال ۹۷ است یعنی اگر کارگری در این زمان با ۲٫۶ شغل کار کند ازنظر معیشتی برابر می‌کند با یک کارگر که در سال ۸۰ با یک شغل کار می‌کرده یعنی اگر یک مرد در سال ۸۰ با یک شغل کار می‌کرده وزندگی را اداره می‌کرده در این سال اگر زن و مرد باهم کار

کنند بازهم ازنظر معیشتی به‌اندازه سال ۸۰ نیستند و عقب‌تر هستند لذا بی‌جهت نیست سن ازدواج بالا رفته است، زن و شوهر باهم کار می‌کنند تا از عهده مخارج زندگی برآیند، بی‌جهت نیست که عموم مردم رغبت ندارند چندین فرزند داشته باشند بی‌جهت نیست مردم در فکر مهاجرت از ایران هستند، بی‌جهت نیست ازدواج کم شده و در عوض فحشا زیاد شده است و ... اما اگر این قاعده اجرا شود شاهد شکاف بین حقوق کارگر و تورم نخواهیم بود اگر این طرح اجرایی شود حقوق کارگر امروز ۷ سکه پولی طلای ۲۰۰ هزارتومانی است که معادل نیم‌سکه طرح امامی است ده سال دیگر نیز حقوق کارگر نیز همین ۷ سکه است و قیمت سکه طرح امامی همین ۴ میلیون تومان است ولی اگر قیمت جهانی طلا دو برابر شده باشد بدان معنی است که قیمت‌ها در ایران ثابت مانده ولی ارزش‌های پولی زیاد شده و بدون افزایش حقوق و قیمت‌ها تورم را در ایران کنترل کرده و در مقایسه با تورم جهانی ارزش کالاهای ایرانی بالا رفته و در عوض تمامی پول‌های جهانی در برابر پول ایران بی‌ارزش شده و سقوط نموده است، البته اینجا مطالب دقیق‌تری وجود دارد که مجال گفتن نیست. نکته هفتم: ما می‌توانیم در ابتدا نوعی عمل نماییم که دلار تثبیت‌شده را از ده هزار تومان را به پنج هزار تومان ثابت نماییم که البته سخت می‌باشد ولی اساسی است. نکته هشتم: برای اجرایی نمودن این طرح بعد از تصویب آن اشکال مختلفی متصور است که در یک نوع آن می‌توان قبل از پخش پول جدید بازار را کنترل نمود. نکته نهم: گفته‌ایم می‌توان یک دلار را معادل یک ریال نمود که اولاً بدون رفع بحران خشک‌سالی امکان ندارد و برای اجرایی نمودن آن حقیقتاً یک انقلاب اقتصادی لازم است ولی در چشم‌انداز پنجاه‌ساله می‌توان به این مطلب دست‌یافت که در این مدت ازنظر اقتصادی هرروز بهتر از روز قبل می‌باشد، کما اینکه در چهل سال گذشته ازلحاظ اقتصادی هرروز از روز قبل ... بله در این صورت تورم سقوط مکیند، البته بعضی از کشورها برای تقویت پول ملی اقدام به حذف صفر از پول می‌کنند که البته فایده‌ای ندارد که حتی دیده‌شده تا پنج صفر را از پول ملی حذف می‌کنند حقیقتاً هم‌اکنون پنج صفر در پول ما زیاد می‌باشد که پیشنهاد ما حذف صفر نیست. برای تبیین این طرح مثالی را فرض می‌نماییم: فرض کنید هم‌اکنون فردی کوزه‌ای پر از پول‌های طلای زمان ساسانیان پیدا کند که ۱ کیلوگرم وزن آن سکه‌ها می‌باشد این پول‌ها چه مقدار ارزش دارد؟ حال فرض کنید شخصی در زمان ما دو چمدان اسکناس را پنهان کند و ۵۰۰ سال دیگر این اسکناس‌ها توسط گروهی کشف شود در آن زمان اسکناس‌ها چه مقدار ارز دارد؟ جواب واضح

است گذر زمان پول‌های طلا را بی‌ارزش نمی‌کند بلکه با گذر زمان پول طلا ارزشش متناسب با تغییر قیمت طلا افزایش پیدا می‌کند ولی پول کاغذی هرلحظه در حال کم‌ارزش‌تر شدن است تا جایی که ارزشش به‌اندازه برگ کاغذی می‌باشد. در اینجا متخصصین اقتصادی و بانک مرکزی باید پاسخ دهند: آیا راهی بهتر از این برای کنترل تورم و بی‌ارزش‌تر شدن پول ملی سراغ دارند؟ و اگر ما اشتباه می‌کنیم باید دلایل خود را اعلام نمایند، فرض می‌کنیم تاکنون متخصصین اقتصادی و بانک ملی این مطلب را نمی‌دانستند و خیانتی پشت پرده نبوده است اما آیا اگر دلیل موجهی برای عملیاتی ننمودن این طرح نباشد بازهم می‌توان گفت خیانتی در پشت پرده شکل نگرفته است؟ باید دانست سرمایه‌داران مخالف این طرح می‌باشند زیرا این طرح در حقیقت به نفع پابرهنگان بوده و سرمایه‌داران هستند که با جمع‌آوری طلا و نقره و رواج اسکناس اسباب فقیرتر شدن فقرا را فراهم آوردند. با اجرایی نمودن این طرح هیچ توجیهی برای افزایش قیمت کالاهایی که با رشد دلار افزایش پیدا می‌کنند در داخل ایران وجود ندارد به خلاف دیگر کشورها، با اجرایی نمودن این طرح کشورهای دیگر مجبور می‌شوند مانند ایران عمل نمایند که در غیر این صورت محکوم‌به شکست اقتصادی هستند، با اجرایی نمودن این طرح هزینه زیادی که برای جایگزینی پول‌های فرسوده هزینه می‌شود حذف می‌گردد، قیمت‌گذاری اولیه و مقدار طلای سکه طلایی بسیار مهم می‌باشد چراکه در حقیقت این سکه ترازویی برای سنجش همه‌چیز می‌باشد لذا مطالب دقیقی در اینجا وجود دارد. اعلام می‌کنیم کشورهای فقیر کمترین پشتوانه پولی رادارند و عجیب این است که آمریکا نیز که قدرت برتر پولی است کمترین پشتوانه پولی را دارا است که توضیحاتی دارد، پیش‌بینی میشودبعد از ضرب سکه در عرض چند ماه این سکه فراگیر شود و فراگیری آن بستگی به‌سرعت عمل ما دارد. اعلام می‌کنیم در حالت نجومیِ بی‌نظیری هستیم که می‌توان از طرق غیرعادی در عرض دو ماه خشک‌سالی ایران را برطرف نمود و ریشه اصلی تمامی بحران‌های کشور را برطرف نمود اگر تاریخ ۹۷/۶/۵ بگذرد و این کار را عملی ننماییم باید یک سال منتظر ماند و البته در طول این مدت تمامی بحران‌ها بیشتر می‌گردد و هیچ بحرانی از بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی و فرهنگی و ... پایان نمی‌یابد و تمامی بحران‌ها و اعتراض‌ها بیشتر می‌گردد، پول ملی سقوط می‌کند و دلار افزایش میابد و تورم بیشتر می‌گردد و اعتراض‌های به‌حق مردمی تغییر ماهیت داده و به آشوب و فتنه تبدیل می‌شود پس اگر می‌خواهیم برای جنگ اقتصادی قدم اساسی برداریم در ابتدا باید خشک‌سالی را برطرف نمود، خون‌هایی که ریخته می‌شود نتیجه وضعیت خراب اقتصادی و خشک‌سالی و بی‌تدبیری‌هاست.

۹۷/۵/۱۰

قطره ۹۸ چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار قسمت دوم ۹۷,۵,۱۶

اصلاح پول ایران قسمت دوم- این نوشتار قسمتی از جزوه بانکداری اسلامی می‌باشد

پیشنهاد ما برای کنترل افزایش دلار و سکه و طلا، کنترل تورم، یکسان‌سازی درآمد و تورم بدون افزایش حقوق و کنترل سقوط ریال ایجاد یک واحد پول طلایی جدید در معاملات بود که تمام چشم‌اندازهای ترسیم‌شده با این تکنیک اجرایی می‌شود مثلاً می‌توان تمامی تراولهای ۵۰ هزارتومانی را جمع و ابطال نمود و در عوض سکه طلایی ۵۰ هزارتومانی را در معاملات جایگزین نمود، البته مطالب بسیاری وجود دارد که مختصراً برای تبیین مطلب فروض مختلف را بررسی می‌کنیم:

۱- **دلار**: اگر این طرح اجرایی نشود دائماً دلار گران‌تر و ریال سقوط می‌کند کما اینکه در اوایل انقلاب دلار ۷ تومان بوده و هم‌اینک به ۱۱ هزار تومان رسیده است اما با اجرایی شدن این طرح با گران شدن قیمت جهانی طلا قیمت ریال نیز افزایش میابد زیرا در این صورت ریال چیزی جز طلا نمی‌باشد و با گرانی طلا ریال گران شده و دلار سقوط می‌کند، یعنی تا دیروز قیمت سکه ۵۰ هزارتومانی ۵ دلار بوده است ولی اگر قیمت طلا دو برابر شود قیمت این سکه می‌شود ۱۰ دلار یعنی به‌اندازه تورمِ جهانیِ طلا ریال افزایش قیمت و دلار کاهش قیمت خواهد داشت، با روال موجود دلار تا قبل از ۱۴۰۰ ه‌ش به‌راحتی به ۲۰ هزار تومان می‌رسد.

۲- **سکه**: اوایل انقلاب سکه ۴۲۵ تومان بوده است و هم‌اکنون به ۴ میلیون تومان رسیده است اگر این طرح اجرایی نشود سکه به‌راحتی به ۸ میلیون تومان می‌رسد اما اگر این طرح اجرایی شود سکه و طلا در ایران به قیمت ثابت خود باقی می‌ماند و با دو برابر شدن قیمت جهانی طلا ارزش پول ما دو برابر می‌شود اما قیمت‌ها ثابت می‌ماند یعنی هیچ‌گاه تورم جهانی طلا به ایران وارد نمی‌شود.

۳- **شکاف بین حقوق کارگر و تورم**: در سال ۸۰ حقوق یک کارگر تقریباً ۶۰ هزار تومان بوده است و قیمت سکه هم همین حدود بوده ولی هم‌اکنون حقوق کارگر یک‌میلیون و چهارصد هزار

تومان و سکه چهار میلیون تومان می‌باشد، یعنی بین رشد تورم و حقوق کارگر شکاف عظیمی وجود دارد یعنی حقوق دو ماه و نیم کارگر در سال ۹۷ برابر با یک ماه حقوق کارگر در سال ۸۰ می‌باشد درحالی‌که اگر این طرح اجرایی شده بود این شکاف ایجاد نمی‌شد مثلاً در سال ۸۰ حقوق کارگر یک سکه پولی طلایی ۶۰ هزارتومانی بوده و هم‌اینک نیز همان است، واضح است تورم و افزایش قیمت‌ها تنها مربوط به سکه نمی‌باشد بلکه صدها جنس دیگر به‌تبع گرانی دلار و سکه افزایش‌یافته است مانند مسکن پس می‌توان گفت فشار تورم بر طبقه کارگر بسیار بیش از آن چیزی است که بیان شد.

۴- **هجوم مردم برای تبدیل ریال به دلار و سکه**: واضح است مردم برای اینکه ارزش پولشان کم نشود دائماً ریال را به اجناس قیمتی مانند دلار و سکه تبدیل می‌کنند و این امر سبب گرانی طلا و سکه و ... می‌شود حال اگر ما پول طلایی در دست مردم قرار دهیم هیچ‌گاه مردم برای پایین نیامدن ارزش پول، ریال را به طلا و دلار تبدیل نمی‌کنند دلیل آن واضح است زیرا که سکه طلایی پولی همان طلا است و با بالا رفتن قیمت جهانی طلا ارزش این پول هم زیاد می‌شود پس معنایی ندارد که ریال را تبدیل به دلار و یا سکه نمایند بلکه قضیه برعکس می‌شود یعنی مردم برای اینکه ارزش پولشان پایین نیاید دلار را تبدیل به سکه‌های طلایی می‌نمایند، در این صورت شاهد هجوم مردم به ریال می‌شویم و دلار سقوط می‌کند.

۵- **رونق پول ملی**: درصورتی‌که این واحد پولی جدید وارد معاملات شود پول ملی رونق می‌گیرد و دلیل آن این است که پول ملی به شیء باارزشی تبدیل می‌شود که با رشد تورم جهانی رشد می‌کند و متضرر نمی‌شوند و این همان چیزی است که همگان به دنبال آن هستند به خلاف این زمان که هر که پول داشته باشند متضرر می‌شود چراکه ارزش پولی که در اختیاردارند هرسال نسبت به سال قبل کاهش میابد.

۶- **کنترل تورم در جامعه**: معمولاً گفته می‌شود فلان جنس گران شد زیرا قیمت جهانی طلا افزایش یافت و گرانی طلا به گرانی ریال و اجناس سرایت می‌کند درحالی‌که اگر سکه پولی طلا در معاملات وارد گردد گرانی طلا به ریال منتقل نمی‌شود بلکه گرانی جهانی طلا به ارزش ریال منتقل می‌شود و مانع تورم اجناسی می‌گردد که با گرانی طلا گران می‌شوند.

۷- **اگر می‌خواهیم اقتصاد ایران ویران گردد سکه بهار آزادی ضرب کنیم و اگر می‌خواهیم اقتصاد ایران آباد گردد جلوی ضرب سکه بهار آزادی را گرفته و سکه پولی طلا ضرب کنیم**: ضرب سکه بهار آزادی سبب بالا رفتن قیمت سکه می‌گردد و دولت برای کنترل قیمت سکه مجبور است دائماً سکه جدید ضرب نماید و شاهد بودیم دولت تنها

در سال ۹۷ هفت میلیون و شش‌صد و پنجاه‌هزار سکه طلا ضرب نمود که دیدیم قیمت سکه کنترل نشد که هیچ بلکه تا بیش از ۲ برابر افزایش قیمت داشت پس ضرب سکه بهار آزادی سبب کنترل قیمت سکه نمی‌شود بلکه باعث کم‌ارزش شدن پول ملی و افزایش قیمت‌ها می‌شود بلکه ضرب سکه بهار آزادی در حقیقت خارج نمودن طلا از اقتصاد ملی می‌باشد زیرا مردم برای کم‌ارزش نشدن سرمآیه خود دائماً ریال را به سکه تبدیل کرده و به امید گران شدن سکه که در حقیقت به امید بی‌ارزش شدن ریال است آن را نگاه می‌دارند بله در حقیقت ضرب سکه بهار آزادی خارج نمودن طلا از چرخه اقتصاد ملی می‌باشد چراکه جایگاه سکه طلا در گاوصندوق‌ها می‌باشد و در چرخه اقتصادی جایگاهی ندارد اما اگر همین طلا را که صرف ضرب سکه می‌کنیم تبدیل به سکه پولی طلا نماییم در حقیقت سرمآیه ملی را وارد اقتصاد ملی کرده‌ایم و از گاوصندوق‌ها به چرخه اقتصاد وارد نموده‌ایم و هیچ‌کس اقدام به نگاهداری سکه به امید گران شدن آن نخواهد نمود چراکه این سکه پول است به خلاف سکه بهار آزادی که پول نمی‌باشد بلکه دارایی فردی و ثروت است و گران شدن آن تنها به جیب عده‌ای خاص می‌رود و عموم ملت از این تورم جهانی طلا بی‌نصیب هستند، اما اگر سکه پولی طلا ضرب کنیم گرانی جهانی طلا به نفع پول ملی و تمامی ملت است.

۸- **ضرب سکه بهار آزادی سبب تضعیف پول ملی می‌باشد اما ضرب سکه پولی طلا تقویت پول ملی می‌باشد:** در اوایل انقلاب سکه ۴۲۰ تومان بوده است و هم‌اکنون به ۴ میلیون تومان رسیده است و به‌تبع آن تمامی اشیاء شاهد همین تورم بلکه بیشتر بوده‌اند درحالی‌که اگر از ابتدا سکه پولی طلا ضرب می‌نمودیم با افزایش قیمت طلا پول ایران ارزش بیشتری پیدا می‌نمود با یک حساب‌وکتاب ساده معلوم می‌شود اگر این طرح در اوایل انقلاب عملی شده بود و سکه پولی ۴۵۰ تومانی طلا ضرب نموده بودیم دلار از ۷ تومان اوایل انقلاب در این زمان به ۱ ریال مساوی ۵ دلار رسیده بود نه اینکه هم‌اکنون یک دلار مساوی با ۱۱۰ هزار ریال باشد، دشمن برای کم‌ارزش نمودن ریال برنامه داشته ولی ما برای تقویت پول ملی عملاً برنامه‌ای نداشته‌ایم.

۹- **سردمداران اقتصادی کشور هیچ توجیهی برای ضرب سکه بهار آزادی ندارند** و فکر می‌کنم این عملکرد نتیجه اقتصاد بر پایه مؤلفه‌های غربی باشد و چه‌بسا عوامل اقتصاددان نفوذی در این جریان نقش داشته باشند به‌هرحال دانشمندان اقتصادی ما علوم خود را از غرب آموخته‌اند و علوم غربی مخصوصاً در حوزه اقتصاد و علوم انسانی در خدمت

نظام سرمایه‌داری و سرکیسه نمودن توده‌ها می‌باشد و الا چه توجیهی دارد طلا که جنس باارزشی است را با ضرب سکه بهار آزادی از چرخه اقتصاد ملی خارج نماییم و در اختیار اقتصاد فرد قرار دهیم؟

۱۰- **مردم به چه دلیل سکه و دلار خریداری می‌کنند؟** دلیل آن جلوگیری از کم‌ارزش شدن سرمایه است که اگر پول در دست داشته باشند دائماً ارزش پول کم می‌شود لذا پول را تبدیل به سکه و دلار می‌نمایند حال اگر سکه پولی طلا را در معاملات وارد نماییم ارزش پول کم نمی‌گردد بلکه با رشد جهانی طلا ارزش پولی که در دست دارند نیز بیشتر می‌شود لذا مردم به خرید سکه و طلا روی نمی‌آورند چراکه می‌دانند پولی که در دست دارند ارزشمند می‌باشد و لذا با خیال راحت به امور اقتصادی خود می‌پردازند.

۱۱- **بازگشت ثبات در بازار:** در این زمان شاهد هستیم فروشندگانی که جنس دارند حتی با سود هم حاضر نیستند جنس خود را بفروشند زیرا اگر امروز این جنس را با سود بفروشند فردا باید پول بیشتری بدهند تا همان جنس را خریداری کنند و این‌ها نتیجه بی‌ارزش شدن دائمی ریال است که با این طرح این روند متوقف می‌شود، زیرا ریال ثبات پیدا می‌کند و بالا رفتن قیمت جهانی طلا بر روی ریال اثر منفی ندارد بلکه اثر مثبت خواهد داشت و دلار نیز روند سقوط پیش می‌گیرد، پس بازار رونق می‌گیرد.

۱۲ - **سؤال اساسی که باید بانک مرکزی پاسخ دهد** این است که: ۱ چرا قیمت سکه در مقایسه با بازار جهانی این مقدار بالا می‌باشد؟ وزن و قیمت باهم هم‌خوانی ندارد؟ ۲: از اول انقلاب تاکنون چه مقدار سکه در ایران ضرب نموده‌ایم؟ ۳ طلایی که برای ضرب سکه استفاده می‌شود از کجا به دست میاید آیا این مقدار طلا تولید می‌نماییم یا اینکه از خارج خریداری می‌شود و یا اینکه از ذخایر ارزی طلا استفاده می‌شود؟ این سه سؤال توضیحات مفصلی دارد و بسیار راهگشا می‌باشد که در این مختصر فرصت پرداختن به آن نمی‌باشد.

۱۳ - **یکی از مشکلات اقتصاد ایران این است که هیچ‌چیز ثابتی در ایران وجود ندارد** که اجناس با آن سنجیده شود و قیمت‌های درون ایران را خارج از ایران تعیین می‌کنند، قیمت همه‌چیز به طلا بستگی دارد و طلا در خارج از ایران قیمت‌گذاری می‌شود و قیمت ریال هم به دلار بستگی دارد که دشمنی صاحب دلار با ملت ایران روشن‌تر از آفتاب است، این شناور بودن قیمت‌ها آسیب جدی به اقتصاد ما وارد می‌کند، ضرب سکه پولی طلای ۵۰ هزارتومانی این مشکل را برطرف می‌نماید زیرا با افزایش قیمت جهانی طلا ارزش پول طلایی ما بیشتر می‌شود ولی قیمت‌ها تغییر نمی‌کند چراکه پول ما کاغذی نیست بلکه

پول ایران پول طلایی است و مستقیم با طلا ارتباط دارد، در حقیقت با این کار ما در ایران ترازوی ثابتی برای سنجش اقتصاد خواهیم داشت درحالی‌که هم‌اکنون برای اقتصاد ایران چنین ترازویی وجود ندارد، در حقیقت سکه طلایی ۵۰ هزارتومانی گذشته از اینکه پول می‌باشد ترازوی ثابت برای سنجش امور اقتصادی می‌باشد و البته تا زمانی که این ترازو برای اقتصاد تولید نشود اقتصاد هیچ معیار و مبنایی ندارد و ثبوت به بازار برنمی‌گردد.

۱۴ - **یکی از راه‌های دیگر برای اصلاح پول در ایران استفاده از نخ طلا در پول می‌باشد** به این معنی که هم‌اکنون که در پول‌ها از نخ پول استفاده می‌شود می‌توان بجای آن از نخ طلایی استفاده نمود و در هر پول به مقدار ارزش آن پول طلا در آن قرارداد لذا در این صورت اسکناس‌ها ارزششان به خودشان می‌باشد و در حقیقت پشتوانه پولی را در خود اسکناس قراردادهایم و با بالا رفتن قیمت طلا ارزش این اسکناس نیز بالا می‌رود و در این صورت مانع سقوط ریال و رشد دلار و بالا رفتن قیمت طلا خواهیم شد، این بند توضیحات مفصلی دارد، اما به اهمان یک اضافه نمودن یک واحد سکه طلایی پولی نیز به اهداف خواهیم رسید.

۱۵ - **اگر نظام پولی ایران را اصلاح نکنیم دلار به‌راحتی به ۲۰ هزار تومان و سکه به‌راحتی به ۸ میلیون تومان خواهد رسید** در طول ۴۰ سال گذشته دلار از ۷ هزار تومان به ۱۱ هزار تومان و سکه از ۴۲۵ تومان به ۴ میلیون تومان رسیده است یعنی در هر ۴ سال قیمت سکه و دلار دو برابر قبل شده است که البته این رشد در دلار بیشتر بوده است نکته قابل‌تأمل اینجاست که رشد تصاعدی دلار و سکه و بقیه اجناس سرعت بیشتری گرفته است، این طرح موجب اصلاح پول ایران می‌گردد.

۱۶- **هر کشوری که سریعاً از پول کاغذی که ارزش توهمی بیش نیست دست بردارد و به ارزش واقعی روی آورد** تمامی اقتصادها را به چالش خواهد کشید و تبدیل به قدرت اقتصادی می‌گردد واضح است کشورهای دیگر برای جلوگیری از سقوط ارزی راهکارهایی را اتخاذ می‌نمایند که یکی از آن راهکارها پیروی از همین الگو می‌باشد و لذا در این عرصه می‌توانیم الگو پیش‌قدم باشیم.

۱۷- **خسارت وام‌دهنده به علت کم‌ارزش شدن ریال،** فرض کنیم شخصی ۴۰ سال پیش ۸۵۰ تومان وام به کسی داده و امروز می‌خواهد پول خود را پس بگیرد چه مقدار

باید به او داده شود؟ قرض گیرنده می‌گوید ۸۵۰ تومان بدهکار بودم وام‌دهنده می‌گوید ۸۵۰ تومان آن زمان یعنی ۲ سکه بهار آزادی چراکه سکه در آن زمان ۴۲۵ تومان بوده است و لذا الآن باید به من به‌اندازه ۲ سکه یعنی ۸ میلیون تومان پس بدهی؟ حق با چه کسی است؟ هر دو درست میگویند ولی با یک حساب باید ۸۵۰ تومان داده شود و با یک حساب باید ۸ میلیون تومان داده شود که از این نوع جدال و ستیز بسیار دیده‌شده است مثلاً در مورد مهریه و پرداخت سکه: در سال ۸۰ حقوق کارگر هرماه به‌اندازه یک سکه بوده و کسی که ۱۴ سکه بدهکار بوده با ۱۴ ماه کار می‌توانست مهریه را پرداخت نماید اما هم‌اکنون که حقوق کارگر یک‌میلیون و چهارصد هزار تومان و سکه چهار میلیون است یک کارگر باید حقوق ۴۰ ماه خود را پرداخت نماید تا ۱۴ سکه را پرداخت کرده باشد و مرد می‌گوید من زمانی که سکه مهر کرده‌ام قیمت ۱۴ سکه هشت‌صد و چهل هزار تومان می‌شده و همین مقدار مهریه بدهکارم و زن می‌گوید سکه مهر من است و باید یا اینکه ۱۴ سکه بدهی و یا اینکه قیمت روز آن‌که می‌شود پنجاه‌وشش میلیون تومان را بدهی تمامی این امور به علت وجود نداشتن شیء ثابت برای سنجش امور اقتصادی می‌باشد که اگر سکه‌یِ پولیِ طلایِ ۵۰ هزارتومانی وارد معاملات شود تمامی این امور مهلک برطرف می‌شود شخصی که هم‌اکنون یک‌میلیون تومان بدهکار است یعنی ۲۰ سکه طلایی ۵۰ هزارتومانی و صدسال هم بگذرد همین مقدار باهمین ارزش بدهکار می‌باشد و با گذر زمان چیزی از ارزش کم و یا زیاد نمی‌گردد لذا وضعیت کنونی باعث شده تا قرض‌الحسنه منسوخ گردد چراکه کسی که وام می‌دهد در حقیقت ضرر کرده است زیرا سال بعد اگر بخواهد پولی را که داده است پس بگیرد در حقیقت ارزش پولش کم گردیده است و همین منوال در رابطه با ازدواج می‌باشد زیرا زن سکه طلب می‌کند و مرد می‌داند که ارزش سکه دائماً زیاد می‌گردد و این عدم ثبات باعث کم رونق شدن ازدواج می‌گردد، اصولاً با این وضعیت بی‌ثبات اقتصادی ازدواج به امری خطرناک تبدیل‌شده است و می‌توان به دلایل و چرایی کم رونق شدن ازدواج و پررونق شدن طلاق مراجعه نمود تا اینکه دریابیم.

۱۸- **اگرچه که اهمیت اصلاح پول ملی بسیار زیاد بوده و اقتصاد ما بستگی به آن دارد اما اعلام می‌داریم اقتصاد آینده در اختیار کسانی است که بیشترین آب رادارند** و سریعاً خود را از خشک‌سالی نجات دهند زیرا با افزایش گرما و کم شدن نزولات آسمانی کشورها در تأمین منابع غذایی به مشکل برمی‌خورند و تمامی معادلات اقتصادی دچار شکست می‌شود الا کشورهایی که آب‌دارند، زیرا بدون طلا می‌توان زندگی

کرد ولی بدون آب نمی‌توان زندگی نمود، در آینده نزدیک طلا و بلکه تمامی سرمایه‌ها در مقابل آب و غذا بی‌ارزش می‌گردد پس در حقیقت ثروتمندترین کشورها پرآب‌ترین کشورها خواهند بود و تورم قیمت آب و محصولات کشاورزی از تورم قیمت طلا بسیار بیشتر خواهد بود پس راهکار اصلی تولید و کسب ثروت و قدرت و حیات در آب است، کشورهایی که آب‌دارند به‌راحتی با فروش آب و محصولات کشاورزی طلا را از کشورهای ثروتمند خارج می‌نمایند و بعد از مدتی توانایی خواهند داشت ملت‌ها را به بردگی بکشند، واضح است قدرتِ اقتصادی بقیه قدرت‌ها را نیز در دست خواهد داشت مانند قدرتِ نظامی و فرهنگی و سیاسی و ... پس اگر به دنبال اقتصاد و فرهنگ هستیم مشکل آب را برطرف نماییم اگر به دنبال پیشرفت و حیات و انسجام ملی و فرهنگ و اقتدار و ... هستیم آب را برطرف نماییم که ریشه تمامی بحران‌های ما از خشک‌سالی است و تا آب نیاید مشکلی برطرف نخواهد شد بالفرض که ما نظام پولی خود را اصلاح نمودیم اما اگر آب نباشد مجبوریم تمامی سرمایه‌های انسانی و خدادادی و منابع طبیعی و ... را بدهیم تا غذایی به دست آورده و از مرگ نجات یابیم و این نقشه شوم تا جایی ادامه دارد که جمعیت زیادی در کام مرگ کشیده شده و جمعیت زیادی اسیر دشمنان گردند و این واقعه چیز عجیبی نیست درحالی‌که در صدسال گذشته ایران شاهد سه خشک‌سالی بزرگ بوده که تنها دریکی از آن وقایع ۱۱ میلیون ایرانی یعنی ۴۰% جمعیت ایران به مرگ دچار گردید اعلام می‌نمایم در دو ماه از طریق غیرعادی می‌توان خشک‌سالی ایران را برطرف نمود و اگر زمان مشخص سال ۹۷ نیز مانند ۹۶ بگذرد و کلام ما مسموع نشود آشوب‌ها و ریخته شدن خون‌هایی درراه است که هیچ راهی برای مهار آن وجود ندارد چراکه ریشه آن اعتراض‌هایِ به اغتشاش کشیده شده اقتصاد است و اقتصاد ایران تا آب نیاید جان نگیرد و رشد خشک‌سالی مساوی با خشکی اقتصاد است و هرسال از سال قبل خشک‌سالی شدت می‌گیرد و نتیجتاً هرسال نسبت به سال قبل اقتصاد ویران‌تر می‌گردد و نتیجتاً هرسال از سال قبل آشوب و فتنه و نارضایتی بیشتر می‌گردد، بله در مدت دو ماه از طریق غیرعادی می‌توان آسمان را به سمت ایران شیب‌دار نمود و در ایران چاله جوی ایجاد نمود و آب را از تمامی سرزمین‌ها به ایران وارد نمود در قطرات ۷۳،۹۲،۹۳،۹۴،۱۰۰۰ توضیح داده‌ایم. ۹۷/۵/۱۶

قطره ۹۹ چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار؟ اصلاح پول ایران قسمت سوم ۹۷/۵/۱۸

این نوشتار قسمتی از جزوه بانکداری اسلامی می‌باشد- پاسخ به چند سؤال و شبهه

راهکار ما ضرب سکه پولی طلای ۵۰ هزارتومانی و باطل نمودن تمامی تراولهای ۵۰ هزارتومانی بود، مشکل پول‌های کاغذی چیست؟ مشکل این است که پول کاغذی سند است ولی سند برای چه چیزی است معلوم نمی‌باشد، تا زمانی که معلوم نباشد پول سند برای چه چیزی است تورم، سقوط ریال و افزایش دلار و فاصله بین تورم و درآمد و گرانی باقی است و می‌توان حقیقتاً فقیرتر شدن فقرا و اختلاف طبقاتی و مشکلات اقتصادی را از جانب رؤسای بانک دانست که معلوم نمی‌کنند پول چه ارزشی دارد که اگر ارزش اسکناس معلوم شده بود تمامی این مشکلات برطرف می‌شد، با ضرب سکه‌های پولی طلا تمامی این مشکلات برطرف می‌شود و ارزش اسکناس که در حقیقت سند است معلوم می‌شود. یکی از فواید **رواج سکه پولی طلا این است که اجناس خارجی لحظه‌به‌لحظه ارزان می‌شود**، هم‌اکنون بسیاری از اجناس احتکار می‌شوند، دلیل آن این است که با سقوط دائمی ریال فروشنده جنس ضرر می‌کند زیرا جنسی را هم‌اکنون با دلار ۵ هزار تومان خریده اگر جنس را بفروشد فردا مجبور است همان جنس را با دلار ۱۰ هزار تومان بخرد پس در حقیقت اگر جنسی را امروز بفروشد فردا باید گران‌تر بخرد پس بهتر است جنس را نفروشد و لذا احتکار شکل می‌گیرد اما اگر سکه پولی طلا وارد معاملات گردد امربرعکس می‌شود و دلیل آن واضح است زیرا دائماً دلار و بقیه ارزها در مقابلِ ریالِ طلاییِ ایران کم‌ارزش‌تر می‌شود و لذا اجناس وارداتی دائماً ارزان‌تر می‌گردد پس واردات بی‌رویه و بی‌حساب‌وکتاب اجناس به ضرر واردکننده خواهد بود مگر اینکه بتوانند سریعاً اجناس خود را بفروشند زیرا فردا دلار ارزان‌تر می‌شود و نتیجتاً جنس وارداتی فردا از امروز ارزان‌تر خواهد بود لذا از این طریق می‌توان از واردات بی‌رویه اجناس خارجی جلوگیری نمود و این امر باعث رواج تولیدات داخلی می‌گردد.

ممکن است بگویند در این صورت تولید داخلی کاملاً زمین می‌خورد زیرا اجناس خارجی روزبه‌روز ارزان‌تر خواهد شد و بدیهی است جنس خارجی ارزان‌تر و باکیفیت‌تر از جنس داخلی موجب خرید اجناس خارجی می‌شود.

در اینجا سه راهکار پیشنهاد می‌شود که اجمالاً بیان می‌شود:

یا اینکه: با مالیات می‌توان قیمت اجناس وارداتی را کنترل نمود.

راهکار دوم: تولیدکننده‌های خارجی، محصولات را درون ایران تولید کنند که این امر سبب می‌شود مشاغل زیادی در ایران ایجاد شود و فناوری‌ها و تکنولوژی عملاً به مردم ایران هدیه داده شود.

راهکار سوم که این راهکار خوب است اینکه: رویکرد تولید را در ایران تغییر دهیم مثلاً تولیدات خارجی مانند خودرو را از خارج وارد نماییم و ظرفیت تولید داخلی را به سمت تولیداتی که ورود نداریم هدایت کنیم که مشخصاً منظور ما در مورد تولید ماشین‌آلات کشاورزی می‌باشد که ما درزمینه تولید این ماشین‌آلات سهم بسیار پایین در بازار داخلی و صادرات داریم که البته در رابطه با محصولات مختلف به‌حسب مورد موضع‌گیری‌ها متفاوت است مثلاً در رابطه با محصولات خانگی.

می‌گویند ضرب سکه طلا باعث خارج شدن طلا از کشور می‌شود، اولاً اگر بنا به خارج کردن طلا باشد خوب در رابطه با سکه بهار آزادی هم این اشکال می‌باشد هر توجیهی که برای ضرب سکه بهار آزادی وجود دارد در اینجا هم وجود دارد و اگر آنجا اشکالی وجود ندارد اینجا هم وجود ندارد ثانیاً **آنچه باعث خروج طلا از کشور می‌باشد سکه بهار آزادی است و نه سکه پولی طلا** زیرا سکه مال شخصی و در مالکیت شخص است اما پول در مالکیت ملت است. ثالثاً: با خروج سکه پولی طلا از کشور در حقیقت دلار از خارج وارد ایران شده است و می‌توان با اموری مقدار خروج سکه طلا را از کشور را حساب نمود و در عوض با دلارهایی که وارد کشور شده طلا خریداری نمود و تبدیل به سکه پولی طلا نمود. رابعاً می‌توان با یک ترفند کاری کرد که هر فردی که سکه پولی طلا را از کشور خارج کند مجبور باشد آن را دوباره به‌نظام معاملاتی ایران برگرداند و روش چنین است که می‌توان در سکه پولی ۵۰ هزارتومانی ۴۵ هزار تومان طلا قرارداد و ۵ هزار تومان آن را به‌عنوان پشتوانه نگاه داشت در این صورت کسی که این سکه را تهیه‌کرده به‌اندازه ۵۰ هزار تومان هزینه کرده حال اگر به خارج ببرد و از نظام معاملاتی خارج کند در حقیقت ۵ هزار تومان ضرر کرده و ۵ هزار تومان به نفع اقتصاد ملی کارکرده است و اگر پول را به سیستم معاملاتی برگرداند فبها المراد، در اینجا ممکن است کسی بگوید.

ممکن است سکه‌های طلا را مردم به زیورآلات تبدیل کنند که جواب آن داده‌شده زیرا در حقیقت سکه ۵۰ هزارتومانی ۴۵ هزار تومان طلا دارد اگر سکه را آب کنند و به زیورآلات تبدیل کنند ۵ هزار تومان ضرر کرده‌اند، این حرف مانند این است که کسی بگوید ممکن است مردم سکه‌های بهار آزادی را آب کنند و به زیورآلات تبدیل کنند بدیهی است کسی که چنین کاری را انجام دهد ضرری فاحش کرده است چراکه قیمت و ارزش وزن سکه‌های بهار آزادی به‌گونه‌ای است که سکه بهار آزادی ارزشی دارد که اگر سکه از بین برود و مقدار طلای آن سنجیده شود از ارزش آن کم می‌گردد در مورد سکه پولی طلا هم‌چنین خواهد بود.

میگویند آیا این مقدار طلا وجود دارد که تمامی تراولهای ۵۰ هزارتومانی را ابطال و بجای آن سکه طلای ۵۰ هزارتومانی انتشار دهیم؟ سؤال این است هم‌اکنون پشتوانه اسکناس‌ها و پول‌های ما چه چیزی است؟ اگر بگویند پشتوانه‌ای ندارد که وامصیبتا، خوب است که یک دلار مساوی با ۱۰ هزار تومان است که اگر پول ما پشتوانه نداشته باشد اگر بگویند یک دلار مساوی با یک‌میلیون تومان‌هم کم است و اگر پول ما پشتوانه دارد که مشکلی نیست هر مقدار تراول را از سیستم خارج می‌کنیم به همان مقدار از ذخیره طلا برمی‌داریم و به سکه طلایی تبدیل می‌کنیم.

میگویند تکلیف پول‌های کاغذی چه می‌شود؟ در قطره ۹۸ در مورد نخ طلا توضیح داده‌ایم که می‌توان در تمامی اسکناس‌ها به‌اندازه مشخصی از نخ طلا قرارداد و در حقیقت تمام پول‌ها را طلایی نمود اما پیشنهاد ما این نیست بلکه در هر نظام پولی زمانی که پول‌های کوچک به نصاب خاصی می‌رسد واحد پولی جدید می‌شود مثلاً زمانی که تعداد ریال‌ها به ۱۰ عدد می‌رسد واحد پول تومان می‌شود لذا می‌توانیم اعلام نماییم زمانی که تعداد ریال‌ها به ۵۰۰ هزار عدد می‌رسد واحد پول می‌شود سکه، در این صورت این سکه واحد جدید پولی است که معادل ۵۰۰ هزار ریال می‌باشد پس در این صورت پول‌های کاغذی به قوت خود باقی است، تمام نظام‌های پولی واحدهای کوچک‌تر پولی دارند مثلاً پول آمریکا قبل از اینکه به یک دلار برسد سِنت می‌باشد اما در مورد واحدی پولی ما به علت کم‌ارزش بودن ریال واحد کوچک‌تر از ریال وجود ندارد و حقیقتاً می‌توان گفت ریال هم منسوخ‌شده است و شاید بتوان گفت واحد پولی ما از ۱۰۰ تومان شروع می‌شود درحالی‌که اگر پول سالم و قوی داشتیم باید قبل از رسیدن پول به ریال واحدهای کوچک‌تری هم وجود داشت که با آن واحدهای کوچک‌تر معاملات در جریان بود.

میگویند اگر چنین شود مردم سکه‌های پولی ۵۰ هزارتومانی در خانه‌های خود پنهان می‌کنند: واضح است چنین چیزی باطل است زیرا آنچه مردم درون خانه‌های خود پنهان

می‌کنند طلا و سکه بهار آزادی است نه پول، این واحد جدید پولی اگرچه که از جنس طلا است اما پول است و مردم برای معامله احتیاج به پول‌دارند و جایگاه پول درون کیف پول و بانک است لذا هیچ‌گاه مردم این سکه‌ها را درون صندوق‌های خانه پنهان نمی‌کنند بله هم‌اکنون مردم سکه‌های بهار آزادی را درون خانه‌های خود پنهان کرده‌اند زیرا این سکه‌ها پول نیست اما اگر سکه طلا همان پول باشد آن را در بانک نگهداری می‌کنند، مردم مجبور به معامله هستند و باید پول‌های خود را در بانک نگهدارند.

میگویند ضرب سکه پولی طلا در حقیقت خارج نمودن طلا از اقتصاد ملی می‌باشد، واضح است ضرب سکه بهار آزادی خارج نمودن طلا از اقتصاد ملی واردکردن طلا در ثروت شخصی افراد می‌باشد زیرا با گران شدن قیمت جهانی طلا در حقیقت هر که سکه و طلا دارد سود می‌کند و گرانی طلا یعنی کم‌ارزش شدن پول ملی حال اگر ما طلا را تبدیل به پول ملی کنیم به این معناست که گرانی جهانی طلا مساوی است با ارزشمندتر شدن پول ملی و پول در دست همگان است پس در حقیقت ضرب سکه طلایی پولی در حقیقت تقویت پول ملی واردکردن پول در ذخیره ملی و جلوگیری کردن از خروج طلا از سرمایه ملی می‌باشد.

یکی از ارکان بانکداری و اقتصاد شیطانی غرب اسکناس و پول کاغذی می‌باشد که چیستی و ماهیت آن معلوم نیست؟ هر اسکناس چه معنا و چه ارزشی دارد معلوم نیست، **اگر پول اصلاح شود ستون خیمه اقتصاد شیطانی سرنگون می‌شود** و سلسله وار تمامی امور شیطانی اصلاح می‌گردد، یکی از اموری که اصلاح می‌گردد بحث ربا می‌باشد، بحث ربا و راه‌های جلوگیری ربا بحث مفصلی دارد اما آنچه در این فرصت کم می‌توان بیان نمود اینکه با اصلاح پول تورم در جامعه کاهش پیدا می‌کند و می‌توان گفت در بسیاری از مسائل به صفر می‌رسد و در این صورت برای بانک‌ها پرداخت سود زیان‌آور می‌باشد و دیگر بانک‌ها قادر نخواهند به حیل مختلف پول را از دست مردم خارج نموده وعده سودهای کلان بدهند، هم‌اکنون بانک برای سپرده‌گذاری ۲۰% مثلاً سود می‌دهد مثلاً برای ۱۰۰ میلیون تومان بعد از یک سال ۱۲۰ میلیون تومان پرداخت می‌کند درحالی‌که اگر همین شخص سپرده‌گذار ۱۰۰ میلیون تومان را تبدیل به ملک و یا طلا و یا ... نموده بود بعد از یک سال ۲۰۰ میلیون تومان شده بود لذا در این شرایط افرادی که از این امور خبردارند هیچ‌گاه پول را در بانک نمی‌گذارند تا سود بگیرند بلکه پول را به جنس باارزش تبدیل می‌کنند تا ضرر نکنند با اجرایی کردن طرح سکه پولی طلا تورم در ایران

کنترل می‌شود و ۱۰۰ میلیون تومان سال گذشته در امسال نیز همآن‌هم‌مقدار ارزش دارد و لذا برای بانک‌ها سودی ندارد که پول‌ها را از مردم بگیرند و به مردم سود دهند از طرفی خود مردم مجبور هستند برای افزایش سرمایه‌هایشان کار کنند و لذا روی میاورند به کسب‌وکار و تولید مفید، از طرفی در شرایطی که تورم کنترل‌شده است بانک‌ها به یکی از این دو کار مجبور می‌شود یا اینکه محکوم‌به تعطیلی ورشکستگی هستند چراکه نمی‌توانند با روال گذشته هزینه‌های خود را تأمین نمایند و یا اینکه مجبورند واقعاً در عرصه تولید و تجارت سالم وارد شوند و این امر موجب می‌شوند که بانک‌ها و مؤسساتِ پولی مجبور شوند در جامعه کار و شغل ایجاد نمایند، هم‌اینک بانک‌ها از چه راه‌هایی هزینه‌های خود را به دست میاورند بحثی مهم و مفصل دارد که از خداوند می‌خواهیم آن‌ها را هدایت فرماید و الا حقیقتاً دشمنان خدا هستند.

با ضرب سکه بهار آزادی تاکنون حجم بسیاری از طلا که سرمایه ملی است را از گردونه اقتصاد ملی خارج نموده و در اختیار افراد ثروتمند قرارداده‌ایم و سبب ثروتمندتر شدن افراد شده‌ایم از طرفی این حجم بالای طلا در گاوصندوق‌ها در انتظار روزی است که قیمت سکه بالا رود که معنای آن این است که در امید روزی هستند که ریال سقوط بیشتر پیدا کند با یک‌راه‌حل بسیار عالی می‌توانیم تمامی این سکه‌ها که از اقتصاد ملی خارج‌شده است را به اقتصاد ملی بازگردانیم و آن این است که سکه بهار آزادی را به‌عنوان پول اعلام نماییم که ده‌ها اتفاق عالی رقم می‌خورد اولاً اینکه **قیمت سکه برای همیشه کنترل می‌شود**، ثانیاً: **سکه از گاوصندوق‌ها به با بازار معاملاتی و بانک‌ها راه پیدا می‌کند** ثالثاً: **سود نصیب تمامی ملت می‌شود و به جیب افرادی خاص سرازیر نمی‌شود** رابعاً: **افرادی که سکه خریده و بدون هیچ فایده‌ای گوشه‌ای پنهان کرده‌اند تا پول آن‌ها کم‌ارزش نشود بدون هیچ نگرانی می‌توانند سکه‌ها را این بار به‌عنوان پول وارد بانک و بازار معاملات کنند و این امر سبب رواج اقتصاد می‌شود** که البته اختصاراً بیان می‌کنیم می‌توانیم بعد از ارزش‌گذاری قیمت طلا مقدار طلای سکه ۵۰ هزارتومانی را تعیین نماییم سپس مقدار قیمت سکه بهار آزادی را که در معاملات وارد می‌شود نیز تعیین نماییم که مثلاً اگر قیمت پولی سکه بهار آزادی را ۳٫۵ میلیون اعلام نماییم مشخص می‌شود که ۷۰ سکه طلایی ۵۰ هزارتومانی با وزن یک سکه بهار آزادی است بدیهی است **اگر این اتفاق نیفتد به‌راحتی قیمت سکه به بیش از ۶ میلیون و قیمت دلار به ۲۰ هزار تومان و ... خواهد رسید** و با تورم و افزایش قیمت‌های کمرشکن مواجه خواهیم شد. مشتاقانه منتظریم تا روش کنترل تورم و سقوط ریال را کارشناسان نقد نمایند اما واضح است انتقاد علمی وجود ندارند بلکه به‌یقین میگویم

اقتصاددان‌های غربی در اینجا در حکم دانش‌آموز هستند چراکه ریشه این حرف‌ها در قرآن و روایات است که تخلفی ندارد و ریشه علوم دیگران در علومی است که سراسر آزمون‌وخطاست.

میگویند **حجم وزن سکه پولی طلا زیاد است**، درحالی‌که سکه طلا وزن کمتر و حجم کمتری دارد یک سکه بهار آزادی را کنار ۴ میلیون تومان اسکناس قرار دهید و ببینید کدام‌یک حجم وزن بیشتری دارد.

با ضرب سکه پولی طلا عملاً مانع ضرب پول بدون پشتوانه می‌شویم و هیچ‌گاه دولت‌ها نمی‌توانند برای جبران مشکلات مالی خود پول بدون پشتوانه چاپ کنند زیرا در این صورت اگر طلا موجود بود سکه طلایی ضرب می‌کنند و الا ناگزیر هستند برای جبران مشکلات مالی خود اقدامات عملی اقتصادی سالم انجام دهند واضح است **در صورت ضرب سکه پولی طلا ما شاهد اسکناس‌های درشت نخواهیم بود بلکه بزرگ‌ترین اسکناس پولی ۱۰ هزارتومانی خواهد** بود و بعدازآن پول‌ها تبدیل به سکه طلا می‌شود واضح است **متخصصین اقتصادی یکی از راه‌های تقویت پول را حذف تعدادی صفر از پول می‌دانند که اعلام می‌کنیم با حذف صفر هیچ اتفاقی برای تقویت پول رقم نمی‌خورد** کما اینکه این روش را ترکیه برای تقویت پولی خود پیمود و هم‌اینک شاهد هستیم که ترکیه با شکست مواجه شده است و لیر ترکیه در مقابل دلار سقوط نمود، به‌هرحال **وظیفه اصلی بانک ملی تقویت پول ملی است و از اول انقلاب تاکنون ریال ۱۵۰۰ برابر کم کم‌ارزش‌تر از قبل شده است چراکه دلار ۷۰ ریال به ۱۱۰ هزار ریال تبدیل‌شده است واضح است ادامه روال و راهکارهای گذشته نتیجه کنونی را برای آینده به همراه دارد**، در نامه به دکتر سیف و ستاد جنگ اقتصادی و افرادی که در دولت جایگزین می‌شوند اعلام نمودیم هیچ‌گونه تغییری در اقتصاد روی نخواهد داد مگر اینکه رویکردها تغییر کند راهکارهای گذشته مشکلات امروز را به همراه داشته و مشکلات فردای ما از راهکارهای غلط امروز ما می‌باشد مگر اینکه سریعاً تغییر کنیم و البته راهکار اصلی بیرون رفت از مشکلات اقتصادی در رفع سریع خشک‌سالی است چراکه به‌زودی برای تأمینِ غذا تمامِی کشورهایِ ثروتمند باید دارایی خود را بدهند تا گرسنه نمانند که راهکارهای عادی و غیرعادی رفع خشک‌سالی را در قطره‌های ۱۰۰۱، ۱۰۰۰، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۷۳ توضیح داده‌ایم تأکید می‌کنیم اگر تاریخ ۹۷/۶/۵ برای راهکار غیرعادی رفع خشک‌سالی در مدت دو ماه بگذرد باید یک سال منتظر ماند که در آن زمان می‌توان در عرض دو ماه آسمان را به

سمت ایران شیب‌دار نمود و در ایران چاله جوی ایجاد نمود و آب را از تمامی آسمان‌ها به سمت ایران سرازیر نمود که در بحث انفطار السماء توضیح داده‌ایم و اگر سریعاً اقدام ننماییم اعتراضات جدید با بهانه اقتصادی شکل‌گرفته[۱۵۰] و اعتراضات تبدیل به آشوب و اغتشاش می‌گردد کما اینکه در دی‌ماه سال ۹۶ شاهد بودیم تأکید می‌کنیم بسته جدید بانک مرکزی و ستاد جنگ اقتصادی نیز راهگشا نمی‌باشد و دلیل آن این است که راهکارهای ارائه‌شده در این اقدامات عیناً مانند گذشته می‌باشد: **حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد**[۱۵۱] و ادامه راهکار گذشته در آینده همان نتیجه‌ای را دارد که امروز شاهد آن هستیم بلکه به‌حکم قرآن ریشه تمامی مشکلات خشک‌سالی و آب است که خداوند در سوره انبیاء آیه ۳۰ می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ**[۱] - **قطره‌های ۹۷ و ۹۸ مطالعه شود و چند فایل صوتی در رابطه با اصلاح پول انجام داده‌ایم.** ۹۷/۵/۱۸

قطره ۱۰۰ نامه کلی خلاصه مباحث ۹۷/۱/۲۹

سلام‌علیکم: می‌خواهیم در رابطه با **مهم‌ترین بحران و چالشی که به همه ایرانیان ارتباط دارد** با شما صحبت نماییم، فرقی نمی‌کند مذهبی باشیم و یا غیرمذهبی، اصولگرا یا اصلاح‌طلب، چپ یا راست و ... **این مسئله مسئله مرگ و زندگی است**، تنها کافی است کمی فکر کنیم و بیدار شویم، اگر پیشرفت می‌خواهیم این مسئله به ما ارتباط دارد، اگر به دنبال ارتقاء فرهنگی و سیاسی و اقتصادی هستیم این مسئله به ما ارتباط دارد، اگر به دنبال این هستیم که مشکلاتی مانند فقر و بیکاری و مشکل مسکن و سن ازدواج و تورم و گرانی و ریز گردها و آلودگی هوا و ... برطرف شود این مسئله قدم اول و اساسی برای حل تمامی این بحران‌ها است، بله بنده می‌خواهم در رابطه با خشک‌سالی با شما صحبت نمایم، باید بدانیم: **اگر بحران خشک‌سالی را سریعاً برطرف نماییم راه برای برطرف نمودن بقیه مشکلات هموار می‌شود و الا تمامی مشکلات به قوت خود باقی است و روزبه‌روز مشکلات بیشتر و عمیق‌تر می‌شود و ریشه تمامی بحران‌ها و مشکلات ما در خشک‌سالی می‌باشد.** آب یعنی آبادانی یعنی زندگی و همه‌چیز از آب زنده می‌باشد و اگر آب نباشد همه‌چیز می‌میرد. باید بدانیم **ایران در خشک‌سالی عظیمی قرار دارد و فرصت چندانی نداریم و تنها راهِ**

---

[۱] سوره انبیاء آیه ۳۰

نجات، برطرف نمودن خشک‌سالی و تولید آب است و صرفه جویی اگرچه که لازم است ولی درمان نیست. امروز اگر کمی به اطرافمان توجه نماییم می‌بینیم که وضعیت نسبت به قبل فرق کرده، **رودخانه‌ها خشکیده، عمق چاه‌ها به بیش از ۲۰۰ متر رسیده**، وضعیت دریاچه‌ها مانند دریاچه ارومیه و دریاچه نمکِ قم و گاوخونی و هور العظیم که برای همگان معلوم است، **هوا گرم شده و تبخیرِ آب شدّت پیدا نموده و مقدار نزولات آسمانی کم شده تا جایی که در ۶۷ سال گذشته کمی بارش‌ها بی‌نظیر بوده، استفاده از آب‌های زیرزمینی شدت پیدا نموده و کشاورزان دچار مشکلات عدیده‌ای گردیده‌اند تا جایی که اعتراضات کشاورزان اصفهانی به علت نبود آب در سال ۹۶ شروع گردیده** و تا این تاریخ ۹۷/۱/۲۹ ادامه دارد و اعتراض‌های مشابهی نیز در کوه‌رنگ و تفرش و یزد در حال شکل‌گیری می‌باشد، بنا بر نظر کارشناسی درست نیز **ریشه اغتشاشات دی‌ماه و اغتشاشات آینده نیز از خشک‌سالی می‌باشد.** دلیل عمده اغتشاشات و اعتراض‌ها در دی‌ماه سال ۹۶ و بعدازآن مسائل اقتصادی و معیشت بوده و همه میدانیم شرط اول اقتصاد آب است، چراکه سه ضلع مهم اقتصاد یعنی صنعت، کشاورزی، ساخت‌وساز و حتی گردشگری بستگی به آب دارد و اگر کشور دچار خشک‌سالی شود این امور دچار رکود گردیده و در نتیجه اقتصاد ورشکسته می‌گردد، پس بدیهی است **دلیل اصلیِ مشکلات اقتصادیِ جامعه خشک‌سالی می‌باشد** و ۹۷% کشور در خشکسالی است و میدانیم بعد از جریانات دی‌ماه ۹۶ اگرچه تلاش شد اقتصاد کمی احیا شود ولی باید بدانیم کار از بنیان سُست است که دیدم **دلار تا ۶۴۰۰ تومان رسید و گرانی دلار یعنی گرانی همه‌چیز یعنی سقوط پول ملی** و بدانیم کار اساسی نیز صورت نگرفته و **جهش بعدی دلار ۱۰ هزار تومان می‌باشد** و میدانیم **گرانی دلار یعنی زیادشدن مهاجرت از ایران یعنی واردات بیشتر یعنی تعطیلی بیشتر کارخانه‌ها و تبدیل نرخ معاملات از دلار به یورو نیز مشکلی را برطرف نمی‌نماید** و چرا جریانات این‌گونه شده است؟ آیا چند دلّال می‌توانند کشوری را این‌گونه دچار ناثباتی کنند و یا اینکه جریانات چیز دیگری است، **آیا در جریان بانک و ارز هم مانند محیط زیست اخلالگرانِ نفوذیِ دولتی داریم**؟ این مطلبی است که به جِدّ باید پیگیری شود. با وضعیت کنونی **استقلالِ کشاورزی ما خدشه‌دار شده واردکننده محصولات شده‌ایم و زمانی که کار به اینجا برسد آزادی سیاسی خود را نیز از**

دست می‌دهیم چراکه کشوری که واردکننده غذاست نمی‌تواند بر روی مبانی خود بایستد و حتماً بله قربان گوی دیگران و حتی دشمنان خواهد بود و زمانی که اقتصاد و کشاورزی ما خدشه‌دار شود بدیهی است که اسلامیت و جمهوریت ما نیز خدشه‌دار می‌شود، اما اسلامیت خدشه‌دار می‌شود، زیرا **وابستگی کشاورزی یعنی شکست در عرصه اقتصاد و نتیجتاً جامعه و مردم از الگوی کنونی اداره جامعه و حکومت مأیوس شده و اغتشاشات بیشتر و بیشتر می‌گردد** و درنهایت... و خداوند به هیچ حکومتی تضمین نداده که تا ابد باقی بماند و لذا با ادامه خشک‌سالی تمامی ماهیت انقلاب یعنی شعار اساسی: استقلال آزادی جمهوری اسلامی – و شعار: نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی – به چالش کشیده می‌شود. شاید فکر کنیم خشک‌سالی امری طبیعی است و در برابر آن کاری نمی‌توان انجام داد درحالی‌که این تصور پندار و توهمی بیش نمی‌باشد، **تمامی تفکرها چه مادی و چه الهی و حتی فِرَق انحرافی برای کنترل خشک‌سالی راه چاره دارند** و البته در اسلام نیز راهکارهایِ معنویِ متعددی می‌باشد که ازجمله آن‌ها نماز باران می‌باشد ولی راهکارهای غیرعادی دیگری نیز وجود دارد که اکثراً بی‌اطلاع می‌باشند، **ناامیدی از مهار خشک‌سالی نتیجه فعالیت‌های دشمن می‌باشد ولی بنده اعلام می‌کنم از طریق غیرعادی در عرض دو ماه می‌توان این بلای خانمان‌سوز را مهار نمود** و توضیح کوتاه این است که در شرایط خاصی از راه غیرعادی می‌توان آسمان را به سمت ایران شیب‌دار نمود و درون آسمان ایران چاله جوی درست نمود و آب را از آسمانها به ایران انتقال داد و برای همیشه مشکل خشک‌سالی را برطرف نمود، این حرکت حرکتی جمعی می‌باشد و به‌تنهایی نمی‌توان آن را انجام داد و در سال یک‌بار بیشتر نمی‌توان آن را انجام داد و در سال گذشته تاریخ آن ۹۶/۶/۶ بوده است و در سال ۹۷ نیز تاریخ مشخصی دارد که می‌توانید به قطره‌های ۹۳ و ۱۰۰۱ مراجعه فرمایید **و راهکار عادی یک ساله ما برای برطرف نمودن خشک‌سالی انتقالِ یک ساله آب خلیج‌فارس و دریای عمان به کل کشور می‌باشد** که در قطره‌های ۷۳،۹۲،۹۴ توضیح داده‌شده است، ولی متأسفانه جامعه ما به این باور رسیده است که در برابر خشک‌سالی نمی‌توان اقدام مهمی انجام داد، به عقیده بسیاری از متفکرین و نخبگان جامعه: خشک‌سالی ایران و امور مهیب دیگری که از سال ۹۶ در ایران شدت گرفته است مانند زلزله‌ها نتیجه دستاوردهای جدید غرب بوده و **ما هم‌اکنون در جنگی قرار داریم که از سلاح‌های آن بی‌خبریم، جنگِ اکوسیستمی (هجومِ امواجِ مخرب و تأثیر گذار بر محیط زیست)** یعنی: تغییر آب‌وهوا و سردی و گرمی هوا و تغییرات منفی به‌وسیله تکنولوژی‌های مدرن در کشور هدف که علت بسیاری از مشکلات اقتصادی و درنهایت

اغتشاشات می‌باشد. به عقیده عده‌ای گرمی زمستان و شکوفه دادن درختان و بعدازآن سرما و برف و گرمیِ هوایِ فروردین و سرما و برفِ دوباره که منجر به ضررهای جبران‌ناپذیر در کشاورزی ایران گردید نتیجه همین جنگ خانمان‌سوز است، بله **در دوره عجیبی قرار داریم ۹۷% کشور در خشک‌سالی قرار دارد و ضررهای خشک‌سالی متوجه مملکت گردید و کشت برنج در کرمانشاه و خوزستان و شیراز و اصفهان ممنوع شده از طرف دیگر جای دیگر مملکت بر اثر سرما و برف و سیل ضرر می‌بیند، و محصولات یخ میزند، این برف و سرمای فروردین ۹۷ خشک‌سالی را برطرف ننمود ولی کشاورزی ما را ویران نمود** و زمانی که می‌بینیم **در سال ۹۶ گروهی به‌عنوان جاسوس در حیطه محیط‌زیست دستگیر می‌شوند و یکی از آنان در زندان خودکشی می‌کند و بعدازآن در فروردین ۹۷ معاون محیط‌زیست ایران که یکی از افراد مشکوک است که با آن گروه ارتباط داشته از ایران خارج می‌گردد[۱۵۲] و بعد اعلام می‌شود استعفا داده است ظن و گمان بیشتر می‌شود که دست‌هایی در پس پرده مشغول فعالیت است که نمی‌خواهند مشکلات این مملکت برطرف گردد و در عوض در صدد هستند با گسترش خشک‌سالی اعتراضات مردمی بیشتر گردد و درنهایت این اعتراضات ایران را دچار فروپاشی نماید** و این مطلب از ذهن به دور نیست زمانی که در بررسی‌های خود به اینجا می‌رسیم که **یکی از علل فروپاشی شوروی ناتوانی در بخش کشاورزی بوده و یکی از علل نا آرامی‌ها در سوریه نیز شروع اعتراض‌های کشاورزی در سوریه بوده** باز به اینجا می‌رسیم که دشمن با الگوهایی که برای از بین بردن رقبای خود تاکنون پیروز بوده اقدام به تأثیرات منفی در ایران نموده است، بله **دشمنان ایران در سال ۱۲۹۸ با ایجاد خشک‌سالی مصنوعی حکومت قاجار را در ایران براندازی نموده و قیام مشروطه را در ایران ناکام گذاشتند و درنهایت حکومت و فردی را که مورد پسند خودشان بود را در ایران بر روی کار آوردند و انگلیس‌ها اعلام نموده‌اند که ما تا سال ۲۰۵۰ مدارک و اتفاقات آن زمان را در اختیار کسی قرار نمی‌دهیم که در آن زمان ۴۰% ایرانیان یعنی ۱۱ میلیون نفر در ایران بر اثر گرسنگی و بیماری‌های عمومی جان دادند و این اتفاقات عیناً در ایران در حال تکرار می‌باشد، انقلاب را با خشک‌سالی می‌خواهند به چالش بکشند،** بله آنان از تجربه گذشته خود در این زمان کمال بهره را

می‌برند، ایران در حال خشک شدن است و مسئولین هیچ راه‌حلی ندارند و متأسفانه آن چه بدتر می‌باشد اینکه: فکر می‌کنند راه‌حل دارند در حالی **مدیریت‌ها و برنامه‌های گذشته آنان وضعیت را برای ما چنین نموده است و مدیریت حال آنان با گذشته هیچ تفاوتی ندارد و از آن بدتر اینکه گوش به حرف هیچ‌کس نمی‌سپارند** واضح است که اوضاع روزبه‌روز از این وخیم‌تر شده و سؤال این است: آیا در هنگامه‌ای که مصیبت برای همه آشکار شود مسئولین کنار مردم می‌مانند و یا در آن زمان مردم مصیبت زده را رها خواهند نمود؟ **اگر مسئولین برای کشاورزان اصفهان کاری کردند در آینده هم برای ایرانیان کاری انجام می‌دهند،** مصیبت دیگر این است که مسئولین وضعیت بحرانی را نمی‌گویند و امید دارند سال‌های آینده وضعیت بهتر گردد درحالی‌که با این امیدها نمی‌توان کار را به‌جایی برد، **ما به‌اندازه نیازمان نزولات آسمانی نداریم و هم‌اکنون با آب‌های زیرزمینی اوضاع را عادی نگاه داشته‌ایم درحالی‌که استفاده از آب‌های زیرزمینی ازنظر علوم زمین‌شناسی حرام مطلق است چراکه آب‌های زیرزمینی تضمین‌کننده تعادل زمین است و اگر آن آب‌ها استفاده گردد سبب زلزله و فرو رفتن زمین می‌گردد ولی چه باید کرد که ما در این وضعیت بحرانی با تمامی سرعت از آن آب‌ها استفاده می‌نماییم،** مشکل دیگر این است که مردم عموماً از خشک‌سالی خبر ندارند و نمی‌دانند وضعیت چقدر بحرانی است که البته نگاه‌داشتن مردم در بی‌خبری هم شاید یک سیاست باشد، شاید توجیه این سیاست این باشد که اگر بگوییم وضعیت چگونه است مشکلات دیگری به وجود می‌آید و لذا نمی‌گویند و منتظرند ببینند در آینده چه می‌شود درحالی‌که نگفتن بحران خیانتی جبران‌ناپذیر است، اولاً باید بدانیم به‌صورت عادی وضعیت تغییر نخواهد نمود و در آینده دولت نیز دستاورد جدیدی پیدا نخواهد نمود که وضعیت را بهبود ببخشد لذا بهتر است از همین الآن به مردم واقعیت را بگوییم تا اینکه به لطف خدا با کار جمعی و ملی از این مشکل بیرون شویم، بله **مردم ما نسبت به خشک‌سالی آگاهی ندارند چراکه یا اصلاً نمی‌دانند خشک‌سالی می‌باشد و یا اینکه با اندک باران و برف فکر می‌کنند خشک‌سالی برطرف شده است** و چرا این‌گونه فکر نکنند در حالی جمعیت کشور از ۶۹% روستانشین به ۲۹% تقلیل پیدا نموده و آنکه می‌تواند خشک‌سالی را بفهمد مردم شهر نیستند بلکه روستانشینان هستند، یکی از موانع دیگری که نمی‌گذارد مردم بفهمند خشک‌سالی وجود دارد جبران کسری محصولات کشاورزی از راه واردات می‌باشد اما سؤال این است: تا چه زمان می‌توان وضعیت را این‌گونه با واردات عادی نگاه داشت؟ **راه‌حل‌هایی که کارشناسان عنوان می‌دارند عموماً همان اموری است که**

درگذشته انجام داده‌اند، اگر مدیریت منابع آبی و اصلاح الگوی مصرف و بهینه‌سازی کشاورزی و ممنوعیت استفاده از آب‌های زیرزمینی و آب مجازی و یونیزه کرده ابرها و انتقال آب دریا و ... تاکنون راه‌حل نجات‌بخش بود که وضعیت ما چنین نبود، راه‌حل‌های گذشته مسئولین برای ما فایده‌ای نداشته لذا بدانیم آن راه‌حل‌ها برای آینده ما نیز فایده‌ای ندارد حتی اگر با جدّیت تمام امور را دنبال نمایند بازهم نمی‌توانند کاری انجام دهند چراکه حرف نو تازه‌ای برای گفتن ندارند. مسئله مهم این است که ما زمان برای حل این بحران نداریم و اوضاعِ کنونی با استفاده از آب‌های ممنوعه زیرزمینی است که عادی نگاه داشته شده ولی دیر یا زود آن‌ها هم تمام می‌شود، آنگاه باید چه انجام داد؟ **راه‌حل‌های مسئولین تماماً امور لازمی است که باید انجام گردد ولی درمان قطعی نمی‌باشد، راه‌حل‌های مسئولین نهایتاً مرگ را مقداری عقب می‌اندازد، درمان قطعی زمانی است که بتوان در مدت کوتاهی در ایران آب زیاد تولید نمود، ۲۰۰ دشت کشور در حال فرو رفتن است و ما با این مدیریت برای آیندگان نه خاک و نه آبی باقی نخواهیم گذاشت.** از طرفی به جِدّ این مطلب مطرح است که **در اثر ورشکستی اقتصادی که روزبه‌روز بیشتر آشکار می‌گردد مجبور می‌گردیم از بسیاری از اصول خود در سیاست داخلی خارجی دست‌برداریم بله مشکلِ اقتصادی، قطعنامه ۵۹۸ را بر امام ره تحمیل نمود و مشکل تحریم‌ها برجام را و طبق این روال آن جریانات تکرار شدنی است و این بار از تمامی آن وقایع خون‌بارتر خواهد بود چراکه در جریان پیش رو ملت محتاج آب هستند،** از طرفی گمان می‌رود بعضی افراد از اساس به این وضعیت خشنود باشند بعضی می‌دانند به‌زانو در آوردن انقلاب نه با جنگ روبرو امکان دارد و نه ... بلکه **اگر خشک‌سالی رواج یابد انقلاب مجبور به پذیرش هر آنچه دشمن می‌خواهد خواهد بود، با وضعیت کنونی نه کالایی برای ایران باقی می‌ماند که ما حمایت نماییم و نه انسجام و اتحاد ملی باقی خواهد ماند و نه می‌توانیم جمعیت را زیاد نماییم بلکه خطر مرگ ۵۰ میلیون نفر در ایران وجود دارد که برای زنده ماندن یا مجبور به کوچ از ایران هستیم و یا مذاکره بر سر تمامی دارایی و دین خود و در غیر آن صورت جریان ۱۳۰۴ در ایران تکرار خواهد شد، یعنی با روال پیش رو هر روز ایران ضعیف و ضعیف‌تر می‌گردد و اعتراض‌ها و**

اغتشاش‌ها بیشتر می‌گردد و مردم از حکومت ناامید می‌گردند و درنهایت... بله بعضی به این وضعیت راضی هستند و آینده دین و ملت برایشان اهمیتی ندارد، مطمئناً **عده‌ای در این حوزه نفوذ نموده‌اند و ماموریتهای ویژه‌ای دارند و تعدادی هم به خشک‌سالی راضی هستند تا از راه گسترش خشک‌سالی واردات محصولات کشاورزی گسترش یابد و از این راه پول‌های هنگفت بادآورده بلکه خشک‌سالی آورده را به جیب زنند و البته لازم است بدانیم قوی‌ترین کشورها در حوزه‌های مباحث مربوط به آب دشمنان ما هستند مانند آمریکا و اسرائیل غاصب و آن‌ها هیچ‌گاه آخرین دستاوردهای خود در این مسئله حیاتی را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند** لذا باید بدانیم به علوم غربی هم نمی‌توانیم اعتماد چندانی داشته باشیم اگرچه که باید استفاده نماییم. البته بر پژوهشگران و آینده‌پژوهان این مطلب هویدا است که ما زمان زیادی برای برطرف کردن بحران خشک‌سالی نداریم **طبق گزارش‌ها هم‌اکنون آب شرب مردم اصفهان در مخاطره می‌باشد وضعیت مشهد و تهران نیز مشابه آن می‌باشد، وضعیت روستاها بحرانی‌تر است، بدیهی است زمانی آب شرب شهرها درخطر باشد آب کشاورزی وجود نخواهد داشت**، لذا **تنها کلام کسانی مسموع می‌باشد که میگویند می‌توان مشکل خشک‌سالی را با تولید آب فراوان آن‌هم کمتر از یک سال برطرف نمود و ما نیز اعلام نمودیم که از طریق عادی و غیرعادی در عرض یک سال و کمتر از می‌توان خشک‌سالی را برطرف نمود به قطره‌های ۷۳ و ۹۳ مراجعه نمایید.**

قطره ۱۰۱ وضعیت کشور به‌صورت اختصار و خلاصه قسمت اول ۹۶،۱۲،۰۳

رهبر انقلاب دامت برکاته:

متأسفانه نگاه مسئولین ما به کلام حضرت آقا نگاه منبر می‌باشد، بنده فکر می‌کنم بعضی از افراد مهم که این سخنان را گوش می‌دهند فکر می‌کنند منبر آمده‌اند تا ثواب ببرند و آخر منبر شام هم بخورند، همان‌گونه که بیشتر مردم قرآن می‌خوانند تا ثواب ببرند و چه‌بسا ما برای یک‌بار هم ترجمه قرآن نخوانده باشیم و برای عملی کردن قرآن تلاش نکرده باشیم، **لذا یک سؤال ساده: رهبر انقلاب دامت برکاته در سال‌های ۷۴،۸۰،۸۹،۹۰،۹۱،۹۲،۹۳،۹۵،۹۶ شعارهایی که برای سال قراردادند[۱۵۳] یکی از الفاظ اقتصاد، کار، اشتغال بوده است، سؤال: وضعیت اشتغال، کار و اقتصاد در جامعه ما چگونه است؟** آیا مسئولین

آن شعارها را عملی کردند؟ **امسال آقای رئیس‌جمهور در پیام نوروز چه گزارشی برای گفتن دارند؟ فرق اسم‌گذاری سال به اسم خاصی و عدم اسم‌گذاری چیست؟ وضعیت پیش روی اقتصادی کشور چگونه است؟ آیا برنامه‌ای برای تغییر وضعیت اقتصادی موجود است؟**

آقای دکتر روحانی بدانید:

۱- مهم‌ترین وظیفه که دارید سامان دادن به اقتصاد است ولی درعین‌حال ناتوان، سال بعد اوضاع بدتر می‌شود، چراکه برای خشک‌سالی هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید، تمامی هزینه‌ها در تمامی حوزه‌ها انجام می‌شود الا هزینه درست و عملیاتی برای آب و خشک‌سالی و لذا مشکلات در هرلحظه بیشتر می‌شود و **درنهایت مشکل جامعه ایران به گردن مدل حکومتی گذاشته می‌شوند و بعد شعار تغییر مدل حکومت داده می‌شود درحالی‌که مدل حکومت مشکل ندارد سیاست کلان مشکل دارد که آن سیاست رفع خشک‌سالی نیست.**

۲- بردن جامعه به سمت رفراندوم، رفراندومی که به آن سمت برده می‌شود به عقیده بنده جامعه‌ای از نوع ترکیه است که دین از سیاست جدا باشد، حال اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم که جامعه ایران در برابر این پیشنهاد چه واکنشی نشان می‌دهند؟ باید جامعه‌شناسی ایران را انجام داد و بعد جواب داد. به عقیده بنده **باهمان روشی که جامعه ایران مجبور به برجام شد جامعه ایران را غرب‌گراها به اینجا می‌رسانند که شعارِ مردم، رفراندوم در قانون اساسی شود،** آن‌هم نه رفراندوم تغییر انقلابی بلکه رفراندوم تغییر از نوع اسلام غیر ناب یعنی اسلام آمریکایی پس نتیجه می‌گیریم که **جام زهر دیگری آماده است.**

دکتر احمدی‌نژاد:

طبق تصریح یار دکتر احمدی‌نژاد (آقای بقایی) به اینکه: اگر به حرف آن‌ها گوش‌داده نشود درنهایت کار مارتین لوتر در ایران تکرار می‌شود یعنی آن‌ها **درنهایت مدل حکومتی بدون ولایت‌فقیه را ارائه می‌دهند و یا خواستار تغییر قانون اساسی می‌شوند یا کار مارتین لوتر[۱۵۴] با پاپ را این بار با رهبر انقلاب انجام می‌دهند کما اینکه در سخنان او در**

جلوی دادگاه و سخنان در بوشهر شنیدیم، یعنی دیگر کدیور و کتاب او اللهیاری و رسانه او ... در خارج نیستند بلکه در ایران و از زبان مسئولین حکومت هستند و ما هم هر کاری که در مقابل آن‌ها کردیم اینبار هم می‌توانیم اینجا انجام دهیم و البته هنوز بدنه اجتماعی بسیار قوی دارد، اگرچه که دکتر احمدی‌نژاد مورد انتقاد ما می‌باشد ولی به عقیده بنده عملیاتی‌ترین فرد می‌باشد، او در باطل خود راسخ است.

جریان‌های نفوذی:

۱- نفوذ در تمامی لایه‌ها و شنیده و دیده شدنِ صدا و رفتارِ دشمنان از درون نظام

۲- نفوذ در جایگاه‌های تصمیم ساز کشور برای فراموش‌شدن تصمیمات حیاتی و کلیدی مانند نفوذ سید امامی‌ها در دانشگاه‌ها و در اتاق‌های تصمیم سازیِ ما، به طور مثال هنوز سپاه نمی‌داند که بارورسازی ابرها هیچ‌گاه ما را نجات نمی‌دهد و درعین‌حال بازهم به آن می‌پردازد و به‌زودی خسته می‌شوند سید امامی نیست اما فکر او در جان ما رسوخ کرده است او ملت ما را به دنبال نخود سیاه فرستاده است، غربی‌ها ما را از راه دور کنترل می‌کنند-نفوذ در بانک‌ها، تصمیم‌های کلان، تعطیل شدن پروژه‌ها، تغییر اولویت ۱ به ۱۰ و ۱۰ به ۱، کارهای عوام‌فریبانه بی‌ثمر مانند اختصاص بودجه به ریز گردهای خوزستان و....

جریان‌های بر انداز:

۱- ری استارت، نفوذی‌های مسئول، داعش وهابیت، سلطنت‌طلب‌ها و تمامی کسانی که با عقاید اسلام ناب زاویه دارند در اینجا هستند.

۲- تمامی این‌ها از وضعیت موجود بهترین استفاده را می‌برند، آنان هر مخالفی را تقویت و حمایت می‌کنند و طبق اهداف خودکارهایی را انجام می‌دهند.

۳- آنان براندازی از درون را در دستور کاردارند، جنگ انقلابی با انقلابی، جنگ شیعه شیعه (انقلابی با درویش)، جنگ شیعه سنی (داعش در قالب اهل سنت میاید) و حتی جنگ سنی سنی و حتی اختلافهای قبیله‌ای و قومیتی

جریان‌های مردمی:

۱-حزب‌الله و بسیج، اصولگرایان، راستی‌ها: متأسفانه قدرت نرم‌افزاری ندارد و نمی‌دانند باید چه‌کار کنند، بعضی هم هنوز منتظر حکم جهاد هستند درحالی‌که سال‌هاست از زمان شروع جهاد گذشته است، هنوز هیچ‌کس نتوانسته راهکار عملی برای اقتصاد مقاومتی ارائه دهد، دشمن از ضعف نرم‌افزاری بهترین بهره را می‌برد، اگر مسیر گذشته درست بود حداقل باید الگوی اقتصادی توسط آیت الله رئیسی ارائه می‌شد ولی او راهکاری برای اقتصاد نداشت، این‌ها همه نتیجه کم‌کاری‌هاست، مشکل این جریان این است که لیدرهای این جریان‌همه زبان هستند و هیچ‌گاه گوش نیستند، این جریان منتظر است ۴ سال تمام شود کما اینکه آقای رحیم‌پور ازغذی فرمودند: این چهار سال را صبر کنید و هر چه گفتند بگویید شما درست میگویید و... این تفکر این تفکر با تکلیف مدار بودن نمی‌سازد درحالی‌که ۴ سال خیلی چیزها از بین می‌رود و شاید کار بجایی برسد که دیگر هیچ کاری نتوان انجام داد، سؤالی که از این گروه باید نمود این است که: چهار سال آینده چه خواهید نمود؟ آیا غیر از همانکاری بود که سال ۹۶ انجام دادید؟ این تفکر می‌گوید جامعه بالأخره خسته می‌شود و در دور بعد به سراغ ما میاید درحالی‌که گروههای برانداز امید دارند در همین چند سال براندازی را تکمیل کنند و اگر هم با این وضعیت به ۱۴۰۰ برسیم ریزشهای عموم مردم و حتی خواص بسیار زیاد می‌باشد[۱۵۵] و دشمن توقع دارد در آن هنگام اصل نظام را فروپاشی نماید، این تفکر بی شباهت به تفکر انجمن حجتیه نیست، بارها نا امیدی را از این گروه دیده‌ام یا میگویند فعالیت در این جامعه فایده ندارد یا میگویند امام زمان عج میاید و امور را درست می‌کند و یا تمام توان را صرف فرهنگ می‌نمایند که آنجا هم جواب نمی‌گیرند و اصولاً چگونه ولایت مدار هستند درحالی‌که مشکل اول کشور اقتصاد است؟ و در حالیکه ما در هرلحظه مأمور به اصلاح جامعه هستیم اگر باید تا ۱۴۰۰ صبر نمود خوب چرا ما انقلاب کردیم با رژیم شاه تا ظهور امام زمان عج صبر می‌کردیم، ما هرلحظه تکلیف اجتماعی داریم، گذشته از اینکه تمامی اموری که دولت انجام می‌دهد به‌پای اسلام و روحانیت و انقلاب ولی فقیه نوشته می‌شود و اگر میگویید این‌گونه نیست پیشنهاد می‌دهم نامه دکتر احمدی‌نژاد را بخوانید، با تمامی تلاش‌های انجام‌شده این جریان مشکل نرم‌افزاری دارد و متأسفانه روسای این گروه فقط بلد هستند دردها را بگویند و هیچ راهکاری ندارند، حتی حلقه‌های صالحین نیز نتوانست کار چندانی از پیش ببرد، این جریان نتوانست گفتمان ساز باشد و در ضعف گفتمانی قرار دارد و نمی‌تواند با دیگران تعامل کند، به علت مشکلات معیشتی و حتی شبهات فکری ریزشهایش بسیار شده است.

۳- **توده مردم:** ناراحت از وضعیت اقتصادی معیشتی، ناراحت از دزدی‌ها، ناراحت از اختلاف طبقاتی، ناراحت از حقوقهای نجومی، ناراحت از پارتی‌بازی و باند و باندبازی وعده‌های تکراری، ناراحت از بانک‌ها، آنان که با مؤسسات مالی اعتباری ارتباط دارند متعرض هستند و دشمنان این اعتراض‌ها را به سمت براندازی هدایت می‌کند. آنچه باعث گسترش و قوت جریان‌های برانداز می‌شود بی‌توجهی به این قشر می‌باشد، آنچه باعث رواج چهارشنبه‌های سفید و ... می‌باشد این است که جوابی درست به توده مردم داده نمی‌شود و آنان نقطه‌امید را در جای دیگری می‌پندارند.

اتفاقات آینده:

۱ تمامی مشکلات بیشتر و بزرگ‌تر می‌شود چراکه همه مشکلات از خشک‌سالی است و خشک‌سالی بیشتر = مشکلات جدیدتر و بزرگ‌تر شدن مشکلات قبل.

۲- امسال که سال اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل بود وضعیت چنین بود سال بعد...

۳ - مشکل گرانی، بیکاری، اعتراض‌های عمومی، لیدریِ اعتراض‌های مردمی توسط جریان‌های برانداز به سمت براندازی، هرکدام از جریان‌هایی که در بالا گفته‌شده پیشروی خود را بیشتر می‌کنند و ...

۴- سه مشکل که ازنظر ما بلا می‌باشد به مردم رسیده است

بلاهای آسمانی مانند گرمی زمستان و کولاک و برف مضر، باران مخرب، ریز گردها و آلودگی هوا و.

بلاهای زمینی مانند زلزله‌ها، پایین رفتن آب، فرو رفتن زمین، سفت شدن زمین، ضرر به محصولات کشاورزی، خشک شدن منابع آبی، خشک شدن جنگل‌ها و ...

بلاهای اجتماعی: اغتشاشات، گرانی، بیماری، اختلاف، فرقه فرقه شدن، افسردگی ناامیدی،

راهکار بیرون رفت از مشکلات: حقیقتاً به علت اشتباهاتی که از هر جریان و گروه در ایران متوجه شده‌ام ضمن احترام به‌تمامی افراد و گروه‌ها هیچ‌کدام از جریان‌های جاری کشور که به قانون اساسی پایبند هستند را در مسیر درست و صحیح نمی‌دانم هرکدام دارای مزایا و معایبی هستند و عمده اشتباه یا در هدف‌گذاری می‌باشد و یا در راهکار برای رسیدن به هدف می‌باشد و فکر می‌کنم هدف‌گذاری و راهکاری را که ارائه داده‌ایم بهترین هدف‌گذاری و راهکار می‌باشد، لذا بنا بر تکلیف الهی که بر عهده‌دارم اعلام می‌دارم راهکارهای موجود فاقد ارزش می‌باشد و برای ما

چیزی جز اتلاف وقت ندارد و اگر ما برای دین و ملت دلسوز هستیم باید به‌صورت جدی آب‌رسانی سریع انجام گردد و این امر تمامی فتنه‌ها را باطل می‌نماید و اسباب رضایت همه را با هر مسلک و مرام به همراه دارد چراکه آب خاموش‌کننده هر آتش است، آب بیاید اقتصاد درست می‌شود فرهنگ بهبود میابد و انسجام ملی و همدلی ایجاد می‌شود و امید به جامعه بر می‌گردد، آنان که به دنبال اقتصاد و رفع فقر هستند به نتیجه می‌رسند و آنان که به دنبال فرهنگ و امور معنوی هستند نیز به هدف می‌رسند و به عقیده بنده بزرگ‌ترین کار فرهنگی علاج اقتصاد فلج شده کشور است و این علاج، علاجِ فرهنگی را نیز در پی دارد و به عقیده بنده جریان تحول مصر در زمان حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیهم‌السلام در ایران در این زمان تکرار می‌شود پس ما تلاش می‌کنیم تا آب‌رسانی سریع انجام گردد، از طریق عادی اثبات کرده‌ایم یک ساله مشکل آب حل می‌شود و بازهم میگوییم دوماهه از طریق غیرعادی نیز مشکل حل شدنی است، ما باید تمامی تلاش را انجام دهیم تا مشکل نرم‌افزاری جامعه را حل نماییم باید تمامی تلاش را انجام دهیم تا اولویت اول کشور رفع خشک‌سالی باشد، متأسفانه در برنامه و بودجه ۹۷ آب جایگاهی ندارد، بله ایجاد شغل جایگاه دارد، ازدواج جایگاه دارد ولی آب‌رسانی جایگاهی ندارد و این جریان بیشتر شبیه داستانی تأسف بار است تا برنامه‌ای دقیق و حکیمانه، آب نباشد درخطر مرگ قرار داریم چه برسد به اینکه فکر ازدواج و ایجاد شغل و ... باشیم.

روحانیت:

۱- گروهی فقط کلام رهبر انقلاب دامت برکاته را با صدایی بلندتر تکرار می‌کنند.

۲- گروهی میگویند باید منتظر بود تا امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید در عین حال دم از انقلاب می‌زنند ولی در امور اجتماعی هیچ دخالتی ندارند در عین حال در اجتماعات و راهپیماییها شرکت می‌کنند.

۳- گروهی با توان هر چه زیادتر از انقلاب دفاع می‌کنند و دائماً کمی و کاستیها را میگویند وقتی راهکار می‌خواهی یا راهکار ندارند و یا اینکه بدون توجه به مسائل دیگر اجتماعی مسائلی میگویند که حقیقتاً اجرایی نیست به یک نفر در رابطه با ربا صحبت می‌کردم می‌گفت بانک دست من باشد از ابتدا جلوی ربا را می‌گیرم، سؤال کردم از کجا برای بانک درآمد میاوری؟ جوابی برای گفتن نداشت

۴- گروهی تنها به دنبال این هستند که اجتهاد کسب کنند.
۵- گروهی فقط به دنبال این هستند که درآمد کسب کنند و منبر بروند.
۶-گروهی به دنبال خدمت و تبلیغ و معرفی دین هستند ولی از اقتصاد چیزی نمی‌دانند.
۷- گروهی ورود در مسائل سیاسی را انکار می‌کنند.
۸- گروهی ورود در حل مشکلات مادی و اکوسیستمی را خلافشان روحانیت می‌دانند.

قطره ۱۰۲ خطرات کاهش جمعیت ۹۶,۱۰,۳۰

ظرفیت جمعیتی ایران

ادعای ما این است ایران می‌تواند مردمی با درآمدهای بسیار بالا داشته باشد تا جایی که فقیر و بیکار در آن یافت نشود لذا در اینجا به ظرفیت جمعیتی ایران می‌پردازیم و با یک مقایسه به نتیجه دلخواه می‌رسیم اما ممکن است بعضی اشکالاتی مطرح نمایند که آن اشکالات نتیجه بی اطلاعی از دیگر مباحث ما می‌باشد. ایران با جمعیت تقریباً ۸۰ میلیون نفر و مساحت ۱٬۶۴۸٬۱۹۵ کیلومتر مربع هفدهمین کشور جهان می‌باشد. ولی در ابتدا بگویم شاید باورتان نشود ایران در میان ۲۴۰ کشور رتبه صدو شصت و دومین کشور را دارد یعنی ازنظر وسعت زمین و کمی جمعیت یکی از بهترین کشورهای جهان است یعنی وضعیت مسکن در ایران باید از ۱۶۲ کشور جهان بهتر باشد ولی این‌گونه نیست [۱۵۶].

تراکم در ایران در هر کیلومتر مربع ۴۸ نفر می‌باشد.

	اسم کشور، جمعیت، مساحت و مقدار تراکم	مقایسه آن کشور با ایران ازنظر جمعیت و تراکم
۱	بنگلادش جمعیت ۱۶۱٬۳۰۰٬۰۰۰ مساحت ۱۴۷٬۵۷۰ نفر جمعیت ۱۰۹۳	تراکم‌جمعیت در بنگلادش ۲۲ برابر ایران است یعنی یک میلیارد و هفتصد و شصت میلیون نفر بنگلادشی در ایران می‌توانند زندگی کنند

۲	سنگاپور جمعیت ۴٬۴۲۵٬۷۲۰ مساحت ۶۸۲۷ تراکم ۶۴۸ نفر	تراکم‌جمعیت در سنگاپور۱۴ برابر ایران است یعنی یک میلیارد و صدو چهل میلیون نفر سنگاپوری در ایران می‌توانند زندگی کنند
۳	هنگ کنگ جمعیت ۶٬۸۹۸٬۶۸۶ مساحت ۱٬۰۴۲ تراکم ۶۶۲۰ نفر	تراکم‌جمعیت در هنگ کنگ۱۳۷ برابر ایران است یعنی ده میلیون و نهصد و شصت میلیون نفر هنگ کنگ‌ی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۴	بحرین جمعیت ۶۸۸٬۳۴۵ مساحت ۶۶۵ تراکم ۱۰۳۵ نفر	تراکم‌جمعیت در بحرین ۲۱ برابر ایران است یعنی یک میلیارد و هفتصد و بیست و پنج میلیون نفر بحرینی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۵	نوار غزه جمعیت ۱٬۳۷۶٬۲۸۹ مساحت ۳۶۰	تراکم‌جمعیت در نوار غزه ۷۹ برابر ایران است یعنی شش میلیارد و سیصد و هفتاد و یک میلیون نفر نوار غزه‌ای در ایران می‌توانند زندگی کنند

	تراکم ۳۸۲۳ نفر	
۶	مالدیو جمعیت ۳۴۹٬۱۰۶ مساحت ۳۰۰ تراکم ۱۱۶۳ نفر	تراکم‌جمعیت در مالدیو ۲۴ برابر ایران است یعنی یک میلیارد و نهصد و سی و هشت میلیون نفر مالدیوی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۷	کره جنوبی جمعیت ۴۸٬۶۴۰٬۶۷۱ مساحت ۹۸٬۱۹۰ تراکم ۴۹۵ نفر	تراکم‌جمعیت در کره جنوبی ۱۰ برابر ایران است یعنی هشتصد و یست و پنج نفر کره جنوبیی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۸	ژاپن جمعیت ۱۲۷٬۵۳۷٬۱۸۹ مساحت ۳۷۴٬۷۴۴ تراکم ۳۴۰ نفر	تراکم‌جمعیت در ژاپن ۷ برابر ایران است یعنی پانصدو شصت و شش میلیون نفر ژاپنی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۹	لبنان جمعیت ۳٬۸۲۹٬۷۲۲ مساحت	تراکم‌جمعیت در لبنان ۷ برابر ایران است یعنی ششصد و بیست و سه میلیون نفر لبنانی در ایران می‌توانند زندگی کنند

	۱۰٬۲۳۰ تراکم ۳۷۴ نفر	
۱۰	هلند جمعیت ۱۶٬۴۰۷٬۴۹۱ مساحت ۳۳٬۸۸۳ تراکم ۴۸۴ نفر	تراکم‌جمعیت در هلند ۱۰ برابر ایران است یعنی هشتصد و شش میلیون نفر هلندی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۱	رژیم صهیونیستی جمعیت ۶٬۷۴۲٬۹۱۵ مساحت ۲۰٬۳۳۰ تراکم ۳۳۱ نفر	تراکم‌جمعیت در رژیم صهیونیستی ۶ برابر ایران است یعنی پانصدو پنجاه و یک میلیون نفر رژیم صهیونیستی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۲	سوئیس جمعیت ۷٬۴۸۹٬۳۷۰ مساحت ۳۹٬۷۷۰ تراکم ۱۸۸ نفر	تراکم‌جمعیت در سوئیس ۳٫۹ برابر ایران است یعنی سیصد و سیزده میلیون میلیون نفر سوئیسی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۳	فیلیپین جمعیت	تراکم‌جمعیت در فیلیپین شش برابر ایران است یعنی چهار صد و نود میلیون نفر

	۸۷٬۸۵۷٬۴۷۳ مساحت ۲۹۸٬۱۷۰ تراکم ۲۹۴ نفر	فیلیپینی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۴	بلژیک جمعیت ۱۰٬۳۶۴٬۳۸۸ مساحت ۳۰٬۲۷۸ تراکم ۳۴۲ نفر	تراکم‌جمعیت در بلژیک هفت برابر ایران است یعنی پانصدو هفتاد میلیون نفر بلژیکی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۵	انگلیس جمعیت ۶۰٬۴۴۱٬۴۵۷ مساحت ۲۴۱٬۵۹۰ تراکم ۲۵۰ نفر	تراکم‌جمعیت در انگلیس پنج برابر ایران است یعنی چهار صدو شانزده میلیون نفر انگلیسی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۶	السالوادور جمعیت ۶٬۷۱۱٬۶۷۶ مساحت ۲۰٬۷۲۰ تراکم ۳۲۳ نفر	تراکم‌جمعیت در السالوادور شش برابر ایران است یعنی پانصد و سی و هشت میلیون نفر السالوادوری در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۷	کشور	تراکم‌جمعیت در چین ۲٫۹ برابر ایران

	چین جمعیت ۱٬۳۰۶٬۳۱۳٬۸۱۲ مساحت ۹٬۳۲۶٬۴۱۰ تراکم ۱۴۰ نفر	است یعنی دویست و سی و سه میلیون نفر چینی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۸	کره شمالی جمعیت ۲۲٬۹۱۲٬۱۷۷ مساحت ۱۲۰٬۴۱۰ تراکم ۱۹۰ نفر	تراکم‌جمعیت در کره شمالی ۳٫۹ برابر ایران است یعنی سیصدو شانزده میلیون نفر کره شمالیی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۱۹	پاکستان جمعیت ۱۵۸٬۷۸۱٬۷۹۲ مساحت ۷۷۸٬۷۲۰ تراکم ۲۳۰ نفر	تراکم‌جمعیت در پاکستان ۴٫۷ برابر ایران است یعنی سیصدو هشتاد و سه میلیون نفر پاکستانی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۲۰	رواندا جمعیت ۹٬۳۷۸٬۲۲۶ مساحت ۲۴٬۹۴۸	تراکم‌جمعیت در رواندا ۷٫۸ برابر ایران است یعنی یک ششصدو بیست و پنج میلیون نفر روانداییی در ایران می‌توانند زندگی کنند

	تراکم ۳۷۵ نفر	
۲۱	هند جمعیت ۱٬۰۹۳٬۵۶۳٬۴۲۶ مساحت ۲٬۹۷۳٬۱۹۰ تراکم ۳۶۷ نفر	تراکم‌جمعیت در هند ۷٫۶ برابر ایران است یعنی ششصد و یازده میلیون نفر هندی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۲۲	ایتالیا جمعیت ۵۸٬۱۰۳٬۰۳۳ مساحت ۲۹۴٬۰۲۰ تراکم ۱۹۷ نفر	تراکم‌جمعیت در ایتالیا چهار برابر ایران است یعنی سیصد و بیست و هشت میلیون نفر ایتالیایی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۲۳	آلمان جمعیت ۸۲٬۴۳۱٬۳۹۰ مساحت ۳۴۹٬۲۲۳ تراکم ۲۳۶ نفر	تراکم‌جمعیت در آلمان ۴٫۹ برابر ایران است یعنی سیصدو نود و سه میلیون نفر آلمانی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۲۴	تایلند جمعیت	تراکم‌جمعیت در تایلند ۲٫۶ برابر ایران است یعنی دویست و هشت میلیون نفر

	۶۴٬۱۸۵٬۵۰۲ مساحت ۵۱۱٬۷۷۰ تراکم ۱۲۵ نفر	تایلندی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۲۵	فرانسه جمعیت ۶۰٬۶۵۶٬۱۷۸ مساحت ۵۴۵٬۶۳۰ تراکم ۱۱۱ نفر	تراکم‌جمعیت در فرانسه ۲٫۳ برابر ایران است یعنی یکصد و هشتاد و پنج میلیون نفر فرانسوی در ایران می‌توانند زندگی کنند
۲۶	دانمارک جمعیت ۵٬۴۳۲٬۳۳۵ مساحت ۴۲٬۳۹۴ تراکم ۱۲۸ نفر	تراکم‌جمعیت در دانمارک ۲٫۶ برابر ایران است یعنی دویست و سیزده میلیون نفر دانمارکی در ایران می‌توانند زندگی کنند

قطره ۱۰۳ نامه اول به دکتر احمدی‌نژاد ۹۶،۱۲،۲۸

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با عرض سلام خدمت دکتر احمدی‌نژاد

این‌جانب شیخ علی بهرامی نیکو از جانب شما کلیپ سخنرانی مشاهده نمودم که برای بنده سؤالاتی پیش آمد که تقاضا دارم جواب فرمایید.

در سخنرانی می‌فرمایید: بعضی به یارانه‌ها اشکال می‌کنند که یارانه‌ها اقتصاد را ویران کرد و بعد می‌فرمایید یک بیستم پول نفت به مردم پرداخت می‌شود.

اشکال اول: با کدام حساب یک بیستم پول نفت می‌شود پول یارانه‌ها؟ فکر می‌کنم در حساب و کتابتان اشتباه کرده‌اید لذا حساب می‌کنیم

ایران روزانه ۴ میلیون بشکه تولید نفت دارد که یک میلیون و هفت‌صد هزار بشکه صرف مصارف داخلی می‌شود و دو میلیون و سیصد هزار بشکه صادرات داریم که هر بشکه نفت شصت دلار فروخته می‌شود و ده دلار هزینه تولید دارد و لذا روزانه دو میلیون و سیصد هزار بشکه را در ۵۰ دلار ضرب می‌کنیم و عدد را در ۳۰ روز ضرب می‌کنیم عدد به‌دست‌آمده می‌شود: ۳٫۴۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ دلار در ماه درآمد نفت ما مقدار هزینه‌ای که برای گسترش میادین نفت و گاز است را نیز کم نمی‌کنیم بلکه خالص این عدد را بر ۸۰ میلیون ایرانی تقسیم می‌کنیم جواب می‌شود: ۴۳٫۱۲۵ دلار در ماه برای هر ایرانی اگر طبق دلار آزاد حساب کنیم و دلار را ۴۸۰۰ تومان بگیریم مبلغ می‌شود: ۲۰۷٫۰۰۰ تومان در ماه برای تمامی ایرانیان و اگر دلار را دولتی حساب کنیم و ۴٫۰۰۰ تومان دلار دولتی حساب کنیم عدد می‌شود: ۱۷۲٫۵۰۰ یعنی به‌هیچ‌عنوان ادعای شما که یک بیستم پول نفت به مردم پرداخت می‌شود قابل‌اثبات نیست زیرا با ادعای شما باید هر ماه به هر نفر ۹۰۱٫۰۰ تومان پرداخت شود، حتی اگر با مبلغ فروش نفت در دولت شما که بسیار بالا هم بود حساب کنیم بازهم یک بیستم نمی‌شود، اگر حساب ما مشکل دارد بفرمایید و الا برای بنده این گمان پیش میاید که در بقیه حساب‌هایتان نیز اشتباه کرده باشید.

اشکال دوم: آیا یارانه‌ها خوب بود یا بد؟ نیت اولیه شما خیر بود، یعنی شما برای گسترش عدالت و کم کردن فاصله فقیر و غنی و بهره‌مند شدن قشر مستضعف اقدام به پرداخت یارانه‌ها نمودید که مطمئناً مأجور هستید، اما سؤال بنده از شما این است، آیا آن امر تحقق پیدا نمود؟ جواب منفی است، بعد از پرداخت یارانه‌ها مشکلات قشر فقیر بیشتر شد، سوبسید کالاهای اساسی را حذف نمودید و آن را مستقیماً به مردم دادید ولی روال تورم حتی در دولت شما افزایش پیدا نمود و از طریق افزایش تورم و بالا رفتن کالاهای اساسی و ثابت ماندن یارانه‌ها عملاً دولت شما و دولت‌های بعد یارانه را حذف نمودند، به این صورت که با توجیه عدالت سوبسید را حذف کردید و بعد یارانه را ثابت نگاه داشتید و قیمت‌ها را بالا بردید، دلار در زمان پرداخت یارانه‌ها هزار

تومان بود و هم‌اکنون نزدیک ۵ هزار تومان یعنی یارانه‌ای که شما پایه نهادید هم‌اکنون ۱۰ هزار تومان است و نه ۴۵/۵۰۰ تومان پس در حقیقت سوبسید را حذف کردید و از طرف دیگر در حقیقت یارانه را هم کم کردید و عملاً در شرف حذف قرار دارد لذا فقیر غنی نشد ولی غنی غنی‌تر و فقیر فقیرتر شد.

اشکال سوم: شما از سال ۸۴ الی ۹۲ مسئول اجرایی کشور بودید چرا بجای پرداخت یارانه کار اساسی انجام ندادید؟ مثل شما مثل پدری بود که به پسرش ماهی گیری یاد نداد بلکه به او ماهی داد، شما چرا مسئله آب و خشک‌سالی که زیرساخت اولیه اقتصاد بود را حل نکردید؟ آیا خبردارید که مردم کشاورز اصفهان علیه شما شعار داده‌اند؟ آیا آنان مردم غنی و مرفه بوده‌اند و یا از مردم فقیر بوده‌اند؟ چرا علیه شما شعار داده‌اند؟ شما در مقام اجرایی کار اولیه خود را انجام ندادید و ندانستید که اول باید مشکل آب و خشک‌سالی را حل نمایید، اگر آب و خشک‌سالی را حل کرده بودید فقیر غنی شده بود و دولت‌ها در این مصیبتی که شما برای ملت رقم زدید گرفتار نشده بودند، حال در میان ملت توقعی ایجاد کردید که هیچ‌کس هم نمی‌تواند یارانه را حذف کند و از طرفی اقتصاد ورشکسته ما اجازه رشد به هیچ‌کس را نمی‌دهد، ملت محتاج یارانه هستنددرحالی‌که یارانه دردی را از ملت دوا نمی‌کند و دولت هم باید یارانه بدهد درحالی‌که دولت هم درآمد چندانی ندارد، لذا با حیل مختلف از ملت پول می‌گیرند و به مردم پرداخت می‌کنند، با دلاری که شما تحویل گرفتید چه‌کار اساسی برای این ملت انجام داده‌اید در یک نگاه یارانه دادید و مسکن مهر درست کردید درحالی‌که یارانه اشتباه بود باید زیرساخت اولیه کسب‌وکار را در مملکت راه می‌انداختید تا زمینه پیشرفت قشر فقیر مهیا شود در یک‌کلام باید خشک‌سالی را برطرف می‌کردید که نکردید.

و اما مسکن مهر شما اگر مؤمن و متعهد و عالم به اسلام بودید هیچ‌گاه زیر بار الگوی شهرسازی غربی نمی‌رفتید و ملت را به این زندان‌های چند طبقه گرفتار نمی‌کردید، مگر در اسلام نیامده که خانه را بلندتر از مناره مسجد نسازید؟ شما که خود را مؤمن میدانید چرا به این حدیث عمل نکردید؟ چرا ما را مبتلا به آپارتمان نمودید؟ چرا برای خانه‌های ملت ویلا پیشنهاد ندادید؟ آیا زمین کم داشتیم که نداشتیم، چرا این کار را انجام ندادید؟ اگر به مردم ویلا داده بودید مشکل یک خانواده و بچه‌های آنان تا مقدار زیادی حل شده بود، طرف ویلا می‌خرید وقتی بچه‌ها بزرگ

می‌شدند در همان خانه کمی سازه زیاد می‌کردند و مشکل ازدواج و خانه بچه‌ها هم حل می‌شد و البته زمینه زیادشدن نسل هم حل شده بود اما شما ما را مبتلا به آپارتمان نمودید حال بعد از چندین سال وام دادن بچه‌ها بزرگ می‌شوند اما به خاطر مشکل مسکن خانواده‌ها قادر به ازدواج نیستند.

اشتباهات فاحش شما بسیار است و دلیل عمده اشتباهات شما این است که شما خود را عقل کل میدانید که البته یکی از افراد باهوش این سرزمین هستید اما بدانید این بدان معنی نیست که اشتباه ندارید، بله درجاهایی که شما سخن میگویید همه شنونده هستند و کسی جرئت نمی‌کند به شما اعتراض نماید لذا برای شما این گمان پیش‌آمده که هر آنچه میگویید درست است و مصون از اشتباه هستید درحالی‌که این‌گونه نیست.

والسلام‌علیکم و رحمت‌الله و برکاته شیخ علی بهرامی نیکو ۹۶/۱۲/۲۸

قطره ۱۰۴ - سال ۹۷ در یک نگاه ۹۶/۱۲/۲۹ ساعت ۱۶/۴۹

بسم‌الله قدّر ما جری بین الارض و السماء ب ۵۵۱ ی.
من هو علی عباده رحیم

سال خوبی داشته باشید، سال ۹۷ در یک نگاه آنکس که باور دارد خود را آماده کند و آنکس که شک دارد منتظر باشد تا ببیند.

جنگ و فتنه و اختلاف در پیش است زلزله‌های بسیار، خیانت و گرانی، گرمای شدید و قطعی برق و کمی و جیره‌بندی آب و طوفان‌های خاک و نمک و قحطی در راه است که با واردات در صدد آرام نگاه‌داشتن امور می‌شوند اما دردی دوا نمی‌شود خانه از پایه سست است، غم و مشکلات روحی و ناامیدی بسیار زیاد، فقر بیشتر می‌شود، فساد شدت میابد، ناامیدی فراگیر می‌شود، خودکشی عادی شود، طلاق بیشتر می‌شود، فساد و روابط نامشروع و سقط حلال و حرام زیاد و زیادتر شود، سود در تجارت و دلالی است و تولید فایده چندانی ندارد، کسی که کار نکرده سود می‌برد و اهل تلاش ورشکسته شوند، اهل فضل کوچک شمرده شوند، کلاه‌برداری زیاد می‌شود و اجناس بی‌بها را به بهای بالا بفروشند، همه با یکدیگر حیله کنند و توطئه‌ای پنهانی و بسیار بزرگ در راه است که همه متحیر می‌شوند و برای عزل حاکم تلاشی پنهانی نمایند، دوست اما در باطن میش و گرگ و لذا آشوب راه بیفتد و غرب با یکدیگر متحد می‌شوند، در بین دو راهی حیران شوند، هر دو طرف درست اما هر دو طرف تحیر کننده، مردم مشکلات را به اسلام و

روحانیت مستندسازند و شعارهای تفرقه‌افکنانه زیاد شود و دوره دوره اشرار است، ترس بسیار زیاد می‌شود، مجالس لهو در کوچه بیابان زیاد شود، قلب مؤمن مانند نمک آب شود، امر به منکر زیاد و مؤمنین از امربه‌معروف مأیوس شوند و آنان که امربه‌معروف کنند تأثیر نداشته باشد زیرا اهل معروف بسیار کم می‌شوند، منکرات عادی گردد، گروهی خویشتن‌داری خود را از دست می‌دهند و به نزاع بر می‌خیزند، گروهی با نیت صادقانه امور پلید انجام دهد و دشمن با نیت پلید خوش‌رفتاری کند، ناامیدی مؤمنین را بگیرد، درختان سرما زده شوند گروهی از خارج برای عزل هم پیمان شوند، حیوانات بمیرند اما اگر آب بیاید[1] تمامی امور بعد از مدتی اصلاح شود حال علما خوب، دادگاه‌ها خلوت، ازدواج زیاد می‌شود مردم خوشحال می‌شود، دین‌داری زیاد و حکومت قوت بسیار می‌گیرد، کشاورزی رونق می‌گیرد و عمر طولانی می‌شود و بیماری کم می‌شود و همه اهداف عالی پیدا کنند و از کرده گذشته خود پشیمان می‌شود، همه گریان شوند که این گریه از خوشحالی است، ضجه خوشحالی و توبه بلند شود و دست دوستی به یکدیگر بفشارند باید. باید بدانیم تولد در راه است این تولد یا با خوشی همراه است و یا با ناخوشی برای بنده تولد مهم است و اینکه ما هم‌اکنون به وظیفه خود عمل کنیم.

اگر تولد را می‌خواهیم بعد از احکام، اخلاقیات عمل کنیم و بعد با مشارطه و مراقبه و محاسبه و محاکمه و معاقبه از شور به شعور و شهود برسیم امربه‌معروف و نهی از منکر را ترک نکنیم که احق افراد به این دو فریضه مسئولین هستند و بزرگ‌ترین معروف آب و بزرگ‌ترین منکر خشک‌سالی است.

بازمیگویم راه‌حلی برای آب و خشک‌سالی ندارید و در عرض دو ماه می‌توان خشک‌سالی را از طریق غیرعادی برطرف نمود و اگر زمان ۹۷ نیز بگذرد تا ۹۸ به تأخیر می‌افتد، زمان در سال ۹۷ زودتر از تاریخ ۹۶/۶/۶ می‌باشد، بدانیم از برطرف شدن خشک‌سالی تا ملموس شدن ثمره آن برای همگان در اقتصاد باید به اندازه یک کشت کشاورزی منتظر ماند لذا اگر در ۹۷ خشک‌سالی برطرف شود در انتهای ۹۷ و از ۹۸ به بعد تأثیر آن ملموس می‌شود، اتفاق‌های ۹۸ وحشتناک‌تر است و تاکنون اتفاق خاصی نیفتاده است.

---

۱ هرگاه انفطار السماء انجام شود این امور اتفاق می‌افتد.

ثنا همان ۹۷ است که من هو علی عباده رحیم، خدای رحیم را شکر که رحمان الدنیا و الاخره و رحیم‌ها می‌باشد. ۹۶/۱۲/۲۹ ساعت ۱۶/۴۹ علی بهرامی نیکو - قم المقدسه

قطره ۱۰۵ توصیه به جریانی که بعد از دولت دوازدهم قبل از سال ۱۴۰۰ به روی کار ۹۷/۳/۲۶

بسم‌الله الذی جعل السسب و المسبب و العلة و المعلول و هو القاهر فوق کل شیء و کل شیء عنده ذلیل فقیر جاهل مقهور بل هم فقر و ضعف و جهل و هو العالم القادر الغنی بل هو علم و قدرة و هو هو، لا یعلم هو الا هو لا نحن الا هو [۱۵۷]

توصیه به جریانی که بعد از دولت دوازدهم قبل از سال ۱۴۰۰ به روی کار میاید: سلام‌علیکم دلیل آنکه آقای دکتر روحانی نتوانستند تا آخر دوره ریاست جمهوری خود دوام بیاورند اشتباهات فاحشی بود که انجام دادند و ایشان را در حل مشکلات جامعه ناتوان ساختند اگر آن اشتباهات تکرار شود همان عاقبت در انتظار شما می‌باشد و دلایل آن بسیار است اما دلیل عقلی آن این است که: **اذا تکررت العلة تکرر المعلول و اذا اشتدت العلة اشتدت و تسرعت المعلول و یمکن لعلة واحده معالیل کثیره و یبوسه الارض و عدم نزول المطر فی جمیع البلاد علة لجمیع المصیبات الاقتصادیه و الاجتماعیه و الفردیه و الاخلاقیه و ... و اذا اشتدت العلة اشتد المعالیل و الواضح اشتداد حروره الارض و السماء و یبوسة الارض و اتمام الماء فی ایران و من نتائجه کساد الاقتصاد و الزراعه و ...** [۲] لذا توصیه

---

۱ **(ترجمه: کمک می‌خواهم از خدا و اهل‌بیت ع که سبب و مسبب و علت و معلول را قرار داده‌اند و خدا برتر و مالک همه موجودات است و همه‌چیز در نزد او ذلیل و جاهل و متواضع است بلکه تمامی موجودات فقر و جهل و ضعف هستند و خداوند عالم و قادر و غنی می‌باشد بلکه خداوند علم و قدرت است، او اوست و غیر از خودش کسی از او خبر ندارد و وجود ما نیز اوست .... ۹۹/۲/۹)**

۲ **(ترجمه: زمانی که علت تکرار شود معلول تکرار می‌شود، و زمانی که علت شدت و سرعت پیدا کند معلول با سرعت و شدت بیشتری تحقق پیدا می‌کند، ممکن است برای یک علت چند

می‌کنیم اگر می‌خواهید شما به آن سرنوشت مبتلا نشوید سریعاً با تمام توان مشکل خشک‌سالی را برطرف نمایید که مشکل فقر و اقتصاد و بیکاری و مشکلات زیست‌محیطی و تورم و ... همه از خشک‌سالی می‌باشد چراکه خداوند می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی**[1] و مشکل آب را بدون وابستگی به غرب و شرق سریعاً می‌توان برطرف نمود و بدانید تکیه بر راهکارهای گذشته حل بحران آب و کم‌اهمیت دانستن خشک‌سالی همان اشتباهی است که آقای دکتر روحانی مبتلا شدند و به آن سرنوشت دچار شدند اولاً راهکارهای گذشته اگرچه که لازم است ولی کافی نیست ثانیاً باید به‌تمامی زمین‌ها مخصوصاً روستاها و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی آب‌رسانی کرد ثالثاً: باید سریعاً این اقدام صورت گیرد رابعاً باید به عرصه‌های بین‌المللی برای برطرف نمودن خشک‌سالی جهانی وارد شویم و هرکدام از این امور اتفاق نیفتاد آن سرنوشت برای شما هم تکرار می‌شود. از طریق عادی و غیرعادی می‌توانیم مشکل را در کمتر از یک سال برطرف نماییم که در قطره‌های ۷۳ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ توضیح داده‌ایم. قم المقدسة – شیخ علی بهرامی نیکو - ۹۷/۳/۲۶ [۱۵۸]

معلول وجود داشته باشد، خشکی زمین و عدم بارش باران در شهرها علت می‌باشد برای تمامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فردی و اخلاقی و ... و زمانی که علت شدت یابد معلول شدت میابد، و واضح است شدت گرفتن گرمای زمین و آسمان و خشکی زمین و تمام شدن آب در ایران نتیجه‌ای جز کساد اقتصاد و زراعت را به همراه ندارد ۹۹/۲/۹)**

۱ سوره انبیاء آیه ۳۰

قطره ۱۰۶ نامه به سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی [۱] در رابطه با تنگه هرمز ۹۷/۴/۱۴

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خدمت بردار مجاهد سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی زید عزه سلام‌علیکم:

واضح است اگر نظام سلطه و استکبار و اذناب آن‌ها با قلدر مآبی و قوه قهریه بخواهند جلوی صادرات نفت ایران را بگیرند تمام کره خاکی را وارد بحرانی عظیم نموده‌اند که محکوم‌به شکستند چراکه امروز برای کسی عظمت تنگه هرمز در اقتصاد جهانی پوشیده نیست و همه می‌دانند صدمات بسته شدن تنگه هرمز که به آسانی قابل دست‌یابی است به اقتصاد جهانی از دو جنگ جهانی بیشتر می‌باشد اما سؤال مهم و اساسی این است که اگر نظام‌های استکباری بخواهند با دیپلماسی و گفتگو مشتریان خرید نفت ایران را به هر نحوی از خرید نفت از ایران منصرف کرده و کشورهای تولیدکننده نفت هم با افزایش تولید کسری بازار نفت را جبران نموده و قیمت‌ها را ثابت

---

۱ این قطره واکنش ما به نامه سردار سلیمانی به موضع آقای روحانی می‌باشد، متن نامه سردار سلیمانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادر بزرگوار جناب آقای دکتر روحانی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام‌علیکم

آنچه از فرمایشات حضرت‌عالی در رسانه‌ها منعکس شد، مبنی بر اینکه اگر نفت جمهوری اسلامی ایران صادر نشود، تضمینی برای صدور نفت کل منطقه نمی‌باشد و بیانات بسیار ارزشمندی که در موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی فرمودید، مایه مباهات و افتخار است. حقیر به‌عنوان سرباز ولایت و این ملت سرفراز و با همه جان به حضور جنابعالی عرض می‌کنم: این همان دکتر روحانی است که ما شناخت داشتیم و داریم و می‌بایست باشد. شما با سخنان حکیمانه ارزشمند و قدرتمندانه خودتان رهبر عزیز، ملت بزرگوار ایران اسلامی و مسلمانان جهان را سرافراز نمودید. دست شمارا برای ایراد این سخنان به‌موقع، حکیمانه و صحیح می‌بوسم و برای هر سیاستی که مصلحت نظام اسلامی باشد، در خدمت هستیم. برادرتان «قاسم سلیمانی» ۹۷/۴/۱۳

نگه‌دارند[۱۵۹] آیا ما می‌توانیم در اینجا متوسل به قوای قهریه شویم و کشورها را مجبور به خرید نفت از ایران نماییم؟ و اگر این اقدام تنها راه و تدبیر ما باشد نظام اسلامی منزوی نشده و افکار عمومی جهان علیه ما نمی‌شود؟ از طرفی متأسفانه وابستگی ما به صادرات نفت و گاز وضعیت وخیم تولید داخلی و اقتصاد ما به نحوی است که نظام به پول نفت وابسته می‌باشد که اگر این پول به جامعه تزریق نشود در پرداخت یارانه‌ها و حقوق کارمندان و... به مشکل برمی‌خوریم و در این صورت وضع جامعه وخیم‌تر می‌شود، نکته دیگر اینکه در جواب دیپلماسی تحریم نفت ایران و افزایش تولید نفت کشورهای عضو در اُپِک نمی‌توانیم کشورهای خریدار نفت را مجبور نماییم از ما خرید نمایند و کشورهای تولید کننده نفت تولید نفت را کاهش دهند، همه میدانیم تعهدات بین‌المللی تا جایی عمل می‌شود که منفعت در آن تعهد باشد و الا کاغذ باطله‌ای بیش محسوب نمی‌شوند که در جریان بر جام که توسط ترامپ ملغی گردید دیده شد لذا باید در پی راهکاری باشیم که از اساس مشکل را با کمترین لطمه برطرف نماید، باید سازوکاری در نظر گرفته شود که نه به جنگ کشیده شویم و نه اینکه آنان با تحریم خرید نفت ایران و بالا بردن تولید نفت کشورهای تولیدکننده نفت بتوانند به ما ضرری وارد نمایند، بله باید از اقتصاد وابسته به نفت و خام فروشی سریعاً خلاص شویم و این مطلب شدنی است یعنی ما می‌توانیم از این اقتصاد وابسته خراب سریعاً تأکید می‌کنم سریعاً نجات پیدا نماییم، راهکار در آب‌رسانی سریع به ایران است که در این صورت بارونق بخش کشاورزی و دامداری و باغداری و ساخت‌وساز در بخش مسکن ما به ابرقدرت اقتصادی دنیا تبدیل می‌شویم و با این حرکت اساسی، ما هستیم که می‌توانیم دنیا را تحریم نماییم، در نامه‌های مکرر که به بعضی از معتمدین شما در سال ۹۶ داده‌ایم بحث آب‌رسانی سریع را مطرح نموده‌ایم حال بازهم تأکید می‌نماییم با وضعیت کنونیِ اقتصاد نباید منتظر بود که آمریکا و اذناب آنان از بیرون به ما حمله نمایند بلکه دشمن اصلی ما اقتصاد ویران‌شده داخلی است که زمینه را برای جریاناتی مانند اغتشاشات ۹۶ فراهم نموده است که اغتشاشات پیش روخیم‌تر از قبل می‌باشد[۱]، اگر مشکل اقتصاد را سریعاً برطرف ننمایم جریانات مشابه سوریه در داخل ایران جوانه میزند در آن صورت لازم

---

۱ ظاهراً بزرگ‌ترین اغتشاشات انقلاب، اغتشاشات آبان ۹۸ می‌باشد که بر اثر گرانی بنزین به وجود آمد.

نیست داعش از مرزها گذر کند و به ایران وارد شود بلکه داعش نتیجه فقر و بیکاری و تورم است [۱۶۰] که ریشه تمامی این‌ها خشک‌سالی است چراکه خداوند می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ**[۱]، لحظات بسیار حساس و تعیین‌کننده می‌باشد و ماه‌های مرداد و شهریور ۹۷ به بعد شاهد جریانات عظیم‌تری خواهیم بود، فرصتی استثنایی در سال ۹۷ برای ما در پیش است دوراهی صعود یا هبوط، زمان پیش رو فرصت است اما اگر قدر دانسته نشود حسرت می‌شود، در عرض دو ماه می‌توان خشک‌سالی ایران را برطرف نمود ولی اگر زمان مشخص آن بگذرد باید یک سال صبر نمود که در کتاب توضیح داده‌ایم ولی جریانات هرسال از سال گذشته وخیم‌تر می‌باشد، **تاکیدا سؤال اصلی خود را تکرار می‌نمایم اگر نظام سلطه با دیپلماسی و گفت و گفتگو مشتریان نفت ایران را از خرید نفت منصرف نموده و تولید نفت هم توسط مزدوران منطقه افزایش پیدا کند راهکار عملی برای این جنگ اقتصادی چیست؟**
شیخ علی بهرامی نیکو (نیروی گروهان شهید موسوی به‌فرماندهی شهید مرتضی کریمی که در سال ۹۴ در خان‌طومان به شهادت رسید روحش شاد) - قم المقدسة - ۹۷/۴/۱۴

قطره ۱۰۷ نامه به سردار عبد اللهی در مورد انتقال آب دز[۱۶۱] به خرمشهر ۹۷/۴/۱۴

بسم‌الله الرحمن الرحیم خدمت بردار جهادی سردار عبداللهی دامت توفیقاته سلام‌علیکم
جهاد شبانه‌روزی و مخلصانه خاتم‌الانبیاء ص در اجرایی نمودن پروژه بی‌نظیر آب‌رسانی غدیر یاد و خاطره سنگر سازان بی سنگر را زنده نمود و اثبات نمودید در برابر اراده مؤمن کوه‌ها کوچک بوده و این تفکر می‌تواند کارهای بزرگ را در مدت کوتاه به ثمر برساند، بله کاری که در طول ۴ سال توقع آن می‌رفت را در چند ماه عملی نمودید و قدرت تفکر جهاد و جهادی را به نمایش گذاشتید این همان چیزی است که انقلاب با آن جان می‌گیرد که متأسفانه به فراموشی سپرده‌شده، شما اثبات نمودید تفکر و توانِ ساخت پل خیبری و پل بعثت و ... هنوز باقی است شما یاد خاطره کاوه‌ها، همت‌ها، برونسی‌ها، باقری‌ها، حاج والی‌ها را بعد از سال‌ها عملاً زنده نمودید، باید اعتراف نماییم تنها این تفکر و اراده و تنها مسئله آب‌رسانی بسیار سریع به‌تمامی زمین‌های تشنه است که می‌تواند ما را از این موقعیت حساس که انقلاب و ملت در آن قرار دهد نجات دهد، اما اگرچه که در عملی نمودن پروژه دنیا را متحیر کرده و یکی از پیچیده‌ترین و پرسرعت‌ترین

---

۱ سوره انبیاء آیه ۳۰

مهندسی‌ها را عملی نمودید اما بزرگ‌ترین و فاحش‌ترین اشتباه را مرتکب شدید که در سال‌های آینده معلوم شده و زبان خناسان را دراز می‌نماید و تعجب می‌کنم که چرا بدون توجه به این مسئله اقدام به عملی نمودن این پروژه نموده‌اید که البته شاید توجیهاتی داشته باشید اما حقیقتاً این اشتباه در آینده تمامی زحمات شمارا خنثی می‌سازد و آن مسئله انتقال آب از سرشاخه‌های دز به جنوب است مسئله این است که با گرمی هوا و کم شدن نزولات آسمانی و ممانعت کشورها از ورود آب به ایران و نیاز روزافزون کشور به منابع آبی به‌زودی دِز نیز به مشکل بی‌آبی و خشک‌سالی برمی‌خورد و خط انتقالی شما چیزی برای انتقال در دست نخواهد داشت، بله سرگذشت زاینده‌رود و جازموریان در انتظار دِز است گذشته از اینکه: مردم خوزستان تنها به آب شرب و مصارف خانگی احتیاج ندارند و اگر آب برای بقیه مصارف نداشته باشند عملاً زندگی مختل می‌شود و شما بهتر میدانید این خط انتقال آب جوابگوی مابقی مصارف مردم از قبیل دامداری و کشاورزی و صنعت و ... را نخواهد بود پس عملاً چون نتوانستید بقیه نیازهای آبی مردم را تأمین نمایید بازهم خطر درگیری و خالی شدن مردم آن منطقه وجود دارد، نکته دیگر اینکه این عملیات انتقالی شما درزمانی شکل گرفت که شاهد درگیری در خوزستان بودیم، چرا قبل از وقوع این جریانات شما چنین کاری را انجام ندادید؟ لذا بازهم خطر درگیری وجود دارد چراکه در آینده شاهد جنبش کشاورزان و دامداران و ... خواهیم بود، از این‌ها گذشته بقیه استان‌ها نیز آماده جریاناتی مشابه خرمشهر می‌باشد چراکه در حقیقت مردم به این نتیجه رسیده‌اند که حق گرفتنی است اگر می‌خواهند به‌حق خود برسند باید مانند مردم خرمشهر عمل نمایند، و این تفکر تمامی ایران را در آستانه خطری جدی قرار می‌دهد، آیا به کشاورزان ورزنه اصفهان جوابی درست داده شد؟ آیا بین کوهرنگ و اصفهان و یزد مخاصمات آبی وجود ندارد؟ لذا پیشنهاد می‌دهم قبل از وقوع واقعه وحشتناک که سراسر ایران را فرا بگیرد، تدبیری جامع را دنبال نمایید و به‌تمامی زمین‌ها آب‌رسانی نمایید که آب خاموش‌کننده آتش فتنه می‌باشد، نکته دیگر اینکه به‌سادگی زیر بار طرح‌های دولت‌ها نروید تفکر جهاد و جهادی به‌خودی‌خود طراح و ناقد می‌باشد و شما در پیام نوروزی ترامپ به مردم ایران دیدید که چگونه ترامپ خاتم‌الانبیاء را متهم به خشک‌سالی نمود[۱۶۲] و در استدلال مغالطه‌ای خود گفته بود: خشک‌سالی از سد سازی است و سد سازیها کار خاتم الانبیاء می‌باشد پس عامل خشک‌سالی ایران سپاه و خاتم الانبیاء ص می‌باشد، لذا توصیه می‌کنم که تنها قوه عامله نباشید که دیگران بگویند و شما عمل کنید بلکه شما قوه عاقلانه منتقدانه باشید و امور

اشتباه پیشنهادی دولت‌ها و متخصصین را نقد نموده و عملی نمودن آن را به آنان واگذار نمایید، نکته دیگر اینکه راه درست برای مردم خوزستان انتقال و شیرین سازی آب خلیج‌فارس بود و نه انتقال آب دِز چراکه آب دِز محدود و در حال کم شدن است به خلاف آب خلیج‌فارس که در قطره‌های ۷۳، ۹۲، ۹۴ توضیح داده‌ایم و بدانید راه نجات ایران در انفطار السماء است که در قطره‌های ۹۳، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱ توضیح داده‌ایم، بنده به‌تمامی ۱۱ ابر پروژه آبی که در سال ۹۷ می‌خواهید انجام دهید و البته تمامی ۴۰ ابر پروژه شما در سال ۹۷ اشکالاتی دارم. شیخ علی بهرامی نیکو - ۹۷/۴/۱۴ - قم المقدسه

قطره ۱۰۸ نامه به دکتر ولی الله سیف ۹۷/۴/۱۶

بسم‌الله الرحمن الرحیم خدمت جناب آقای دکتر ولی الله سیف رئیس محترم بانک مرکزی سلام‌علیکم: واضح و آشکار است که قبل از جریانات تلخ دی‌ماه ۹۶ افراد بسیاری از سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری نسبت به بازپس‌گیری مبالغ سپرده‌گذاری شده خود اقدام نموده و جوابی معقول نشنیدند و نمی‌توان تأثیر این تجمعات را در شکل‌گیری مطالبات منجر به اغتشاش بی‌تأثیر دانستلذا سؤال‌های خود را محضرتان تقدیم می‌نماییم چراکه به عقیده ما بازهم جریاناتی در حال شکل‌گیری می‌باشد و رویکرد اشتباه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری که با مجوز رسمی بانک مرکزی فعالیت دارند در شکل‌گیری بحران‌های مشابه بی‌تأثیر نمی‌باشد، امید است جوابی قانع‌کننده را به افکار عمومی مرقوم فرمایید، آنچه واضح است اقتصاد کشور در شرایط بحرانی قرار دارد و بانک‌ها که یکی از بنگاه‌های اصلی اقتصاد هستند در بحرانی‌تر شدن و یا بیرون رفت از این وضعیت نقش اصلی و اساسی را بازی می‌کنند:

۱ اعلام فرمایید مقدار پول چاپ‌شده در ابتدای انقلاب و مقدار ذخیره طلا چقدر بوده و هم‌اکنون چه مقدار می‌باشد؟ بدیهی است اگر نسبت رعایت نشده باشد به همان مقدار تورم جامعه و سقوط و بی‌ارزشی ریال به گردن بانک‌ها می‌باشد چراکه در حقیقت پول بدون پشتوانه چاپ کرده وارد بازار نموده‌اند؟ و الا معنی ندارد که پول ملی چنین بی‌ارزش گردد

۲ دلیل فروش کارت سکه چیست[۱۶۳]؟ اگر طلای تولیدشده دارید چرا سکه ضرب نکرده و در دسترس مردم قرار نداده‌اید؟ اگر طلا ندارید به چه دلیل کارت سکه را به‌جای سکه به دست مردم داده‌اید؟ آیا این بدان معنی نیست که شما کاغذ را به بهای سکه فروخته‌اید؟

۳ دلیل گران فروشی سکه به نسب مقدار طلای سکه توسط بانک چیست؟ هر سکه ۸/۱۳۳ گرم طلا دارد چرا قیمت سکه بر مبنای ارزش طلا قیمت گذاری نمی‌شود؟ هر سکه به اندازه ۸ گرم طلا ارزش دارد اما چرا ...

۴ برنامه عملی شما برای مبارزه با ربا چیست؟ واضح است که بانک‌ها ربا می‌گیرند و در اسلام ربا حرام و سبب عذاب الهی بوده و در حکم جنگ باخداست، آیا برنامه‌ای برای مبارزه با ربا دارید و یا اینکه از اساس این حکم اقتصادی اسلام را قبول ندارید، چرا لااقل مانند بلاد کفر عمل نمی‌نمایید و سود بانکی را پایین نمی‌آورید؟ واضح است کشورهای ثروتمند بلاد کفر نیز فهمیده‌اند ربا مخرب اقتصاد است و سود بانکی آن‌ها از کشور اسلامی ما بسیار پایین‌تر می‌باشد.

۵ در این وضعیت خراب اقتصادی بانک‌ها مشغول به چه امر اقتصادی هستند که می‌توانند سود کنند و به مردم نیز سود برسانند؟ درآمد بانک‌ها از چه اموری می‌باشد؟ شما تعداد زیادی کارمند داشته و جوایز بسیاری را بانک‌ها برای جذب سرمایه به مردم پرداخت می‌کنند و از طرفی پاداش‌های نجومی به بعض از کارمندان و خرج‌های بسیاری که دارید ... مقدار درآمد بانک‌ها و مقدار هزینه‌های آنان و محل درآمد بانک‌ها از کجاست؟ این حق ملت است که بدانند که آیا بانک‌ها برای تأمین هزینه‌های خود از طرق غیرمعمول درآمد کسب کرده و تورم ایجاد می‌کنند و یا اینکه در این امور نقشی ندارند؟

۷ به چه مجوزی مؤسسات مالی و اعتباری که مورد تأیید بانک مرکزی است پولی را که مردم اعتماد کرده و در اختیار آنان قرار داده‌اند را به مردم پس نمی‌دهند؟ چرا نظارت بر مؤسسات مالی نمی‌باشد تا اگر در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند قبل از این مرحله از فعالیت آنان جلوگیری گردیده تا سبب نارضایتی و ضرر مردم فراهم نگردد؟ چرا تضمینهای لازم گرفته نشده است؟

۸ **۷** دائماً گفته می‌شود نقدینگی باعث تورم است، سؤال ما این است آیا این حجم از پول که در جامعه می‌باشد را مردم چاپ کرده‌اند و یا بانک‌ها چاپ کرده‌اند؟ اگر نقدینگی باعث تورم است چرا این‌قدر پول چاپ نموده‌اید؟ اگر مردم پول‌ها را به بانک‌ها پس بدهند در قبال هر یک‌میلیون تومان چقدر پشتوانه طلا به مردم بازگردانده می‌شود؟ آنچه به نظر میاید اینکه: از دلایل اصلی وضعیت بحرانی اقتصادی کشور ما بانک‌ها می‌باشند که بدون پشتوانه پول چاپ می‌کنند، مؤسسات مالی جذب پول‌دارند و با وعده

سودهای کلان پول را جمع می‌کنند و از طرفی اقتصاد سالم و مولد ندارند لذا یا به ورشکستگی می‌رسند و یا از راه اقتصاد مخرب سودهای کلان می‌برند که نتیجه آن تورم در جامعه است و بانک‌ها من‌جمله بانک مرکزی برنامه‌ای برای مبارزه با ربا ندارد، بانک‌ها با حیل مختلف از مردم پول می‌گیرند وعده سود می‌دهند و این پول را وام با بهره بسیار می‌دهند و سودهای کلان به جیب می‌زنند و مقداری سود هم به سپرده‌گذار می‌دهند و بقیه آن را به جیب می‌زنند لذا فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراکز برنامه‌ریزی شده برای فروپاشی جامعه ما بانک‌ها می‌باشند، ما در مصاحبه شما شنیدیم که فرمودید نمی‌دانیم چه باید کرد ما به شما میگوییم: جواب سؤال‌های مطرح‌شده را به‌تفصیل ارائه دهید تا راه نجات از این ورطه ارائه گردد. شیخ علی بهرامی نیکو - ۹۷/۴/۱۶ - قم المقدسه

قطره ۱۰۹ سه هشدار، هشدار به بانک‌ها، هشدار به ملت و ... ۹۷/۴/۱۷

بسم‌الله الرحمن الرحیم قال الله تبارک‌وتعالی: لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظالمین[١٦٤]

آنچه در خبرها شنیده‌شده حاکی از آن است که بانک‌ها برای انتقال آب خلیج‌فارس در حال اقدام جدی می‌باشند لذا اموری را یادآور می‌شویم: اوضح من الشمس است که آب خلیج‌فارس به‌راحتی قابلیت شیرین سازی و انتقال به جمیع سرزمین‌های ایران را داشته و درصورتی‌که حکیمانه و با در نظر گرفتن حقوق ملت این اتفاق عملی شود بعدازآن ایران و ایرانی به عزت غیرقابل‌تصور رسیده و ابرقدرت اقتصادی دنیا می‌گردند و تعیین‌کننده تمامی معادلات این کره خاکی خواهیم بود و با سرعت بیرون از حد تصور می‌توانیم به اهداف ملی و بین‌المللی دست‌یابیم این ایده اقتصادی اگرچه که بر عموم ملت پوشیده است اما بر نخبگان و اندیشمندان خودی و غیرخودی پوشیده نیست و ما ایرانیان بسیار قبل‌تر باید به این گنج پنهان پی می‌بردیم، لذا هر گروه تفکری برای دستیابی به این ثروت عظیم تلاش می‌نمایند، یکی از گروه‌هایی که خطر آن برای ملت بیش از بقیه گروه‌ها می‌باشد و چشم طمع به این ثروت خدادادی دارند بانک‌ها می‌باشند، وضعیت بانک‌ها برای ملت و مؤمنین واضح می‌باشد، در نامه به جناب آقای سیف پشت پرده کوچکی از اقتصاد شیطانی بانک‌ها برای ملت بازگو گردید و باید بدانیم درجایی که بانک‌ها ورود نمایند منافع قشر سرمایه‌دار لحاظ می‌شود لذا اولاً به ملت هشدار می‌دهیم یگانه مسیری که به

نجات ملت ایران از فقر و بیکاری و تورم و ... می‌انجامد آب‌رسانی سریع به‌تمامی ایران است منتهی اگر آب ملی نشود و در دستان بانک‌ها قرار گیرد کار برعکس می‌شود یعنی فقر از ملت برطرف نشده و در عوض باعث اختلاف بسیار شدید طبقاتی و فقیرتر شدن فقرا و ثروتمندتر شدن ثروتمندان می‌شود، بلکه بانک‌ها که از جنگ باخدا و گرفتن ربا اِبایی ندارد از به بردگی کشیدن هم نوع خود به‌طریق‌اولی ابایی ندارد، اگر قبل از اینکه ملت مشکل خشک‌سالی و بحران آب را برطرف نمایند بانک‌ها بتوانند این مشکل را با هر روشی برطرف نمایند تمامی ملت مانند بنی‌اسرائیل به بردگی کشیده شده و سهم زندگی آنان کار شبانه‌روزی و بی‌بهره بودن از مواهب دنیایی و پر نمودن شکم‌سیری ناپذیر جهان خواران و سرمایه‌داران خواهد بود پس قبل از آنکه آنان آب را در دست‌گیرند ملت باید اقدام نماید و در قطره‌های ۷۳،۹۲،۹۴ روش عادی برطرف شدن بحران خشک‌سالی را توضیح داده‌ایم که بانک‌ها باهمان الگوها می‌خواهند مشکل را برطرف نمایند که البته بهتر است بگوییم مشکل ملت را صد برابر نمایند لذا باید ملت نگذارند آب به سرنوشت نفت مبتلا شود، از طرف دیگر به دلسوزان انقلاب یادآور می‌شویم آب تنها امری است که در این لحظات حساس که در ابر بحران و جنگ اقتصادی همه‌جانبه هستیم می‌تواند ما را نجات دهد قبل از اینکه دیر شود و یا غیر متعهدین بخواهند این گوهر را از دست ملت بیرون آورند باید اقدام نماییم و آب را در قباله ملت درآوریم تا از تمامی ابر بحران‌ها به‌سرعت بیرون شویم و عظمت تفکر اسلام در برپایی و ثمر رسیدن حکومت اسلامی را به همگان نشان دهیم و به بانک‌ها و امثال‌ذلک که راه قارون‌ها را می‌پیمایند و در پی زراندوزی هستند یادآور می‌شویم آب حریم مقدسی دارد که برای شما شجره ممنوعه می‌باشد، آب نعمت عام خداوند است که نمی‌توانید با در اختیار گرفتن آن نقش کلیدی در اقتصاد و زندگی ملت را ایفا نمایید، این فکر را از سرخود بیرون کنید که بتوانید با آب به ثروت عظیمی برای خود دست‌یابید، آب حق ملتی است که ۴۰ سال بادل و جان در برابر دشمنان ایستادگی کرده‌اند، آب حافظی دارد که دستان غیر را قطع می‌کند، آب برای شما گندم ری است که هیچ‌گاه از آن نمی‌خورید، آب حق کوخ‌نشینان و پابرهنگان و زاغه‌نشینان است، بدانید آب مهربان است وحشی، بستگی به‌طرف مقابل دارد اگر موسی و نوح باشد آب نجات‌دهنده است و الا آب غرق می‌کند، بدانید ایران در آستانه تولدی عظیم است و ملت نقش بانک‌ها را در فقر و بیچارگی خود فراموش نمی‌کنند پس اگر نیت شما کمک به مردم است تغییرات اساسی را عملاً به مردم نشان دهید و جواب سؤال‌های ما را در نامه

به جناب دکتر سیف مرقوم فرمایید و بگویم قبل از اینکه به آب دست‌یابید و این ثروت را در قباله شخصی خودتان وارد نمایید تحولات عظیمی شکل می‌گیرد و آب در قباله ملت در میاید.

والسلام‌علیکم و رحمه الله و برکاته شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسة - ۹۷/۴/۱۷

قطره ۱۱۰ آیت‌الله لاریجانی رئیس محترم قوه قضائیه دامت برکاته در مورد تورم ۹۷/۴/۱۷

بسم‌الله الرحمن الرحیم خدمت حضرت آیت‌الله لاریجانی رئیس محترم قوه قضائیه دامت برکاته سلام‌علیکم: در نشست خبری تیر ۹۷ فرمودید برحسب گزارش‌ها در حال حاضر میزان نقدینگی ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان است درحالی‌که این میزان در سال ۹۲ حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بود ... بنا بر نظر بسیاری از متخصصان و کارشناسان اقتصادی این حجم از نقدینگی موجب تورم می‌شود - تمام- لذا برای برون‌رفت از بحران اقتصادی مطالبی را عرض می‌نماییم:

۱: در ابتدای انقلاب نقدینگی چقدر بوده و چه مقدار طلا پشتوانه پول‌های چاپ‌شده بوده و هم‌اکنون چه مقدار طلا در عوض ۱۵۰۰ میلیارد تومان طلا ذخیره می‌باشد؟ بدیهی است هر مقدار نسبت رعایت نشده باشد در حقیقت پول بدون پشتوانه چاپ‌شده و چاپ پول بدون پشتوانه نوعی کلاه‌برداری عیان می‌باشد، شاید بتوان کشف نمود سقوط بیش از هزار برابری ریال از اول انقلاب تاکنون به علت چاپ هزار برابری پول بدون پشتوانه بوده است.

۲: مقدار مابه‌التفاوت نقدینگی از سال ۹۲ تاکنون اگر با مجوز رسمی و قانونی و ذخیره پشتوانه بوده است موجب تورم نمی‌شود و اگر بدون پشتوانه بوده علاوه بر تورم کلاه‌برداری آشکار می‌باشد که مسببان آن از مفسدان حقیقی اقتصادی و مسببان تورم و سقوط ریال و بالا رفتن ارز خارجی من‌جمله دلار می‌باشند.

۳: هیچ‌گاه نقدینگی باعث تورم نمی‌باشد بلکه آن چیزی که باعث تورم است عدمِ امنیتِ بازارِ تولید و گرایش مردم به واردات و یا تبدیل پول به کالاهایی است که در صورت تورم متضرر نشوند، وقتی مردم می‌بینند تولید سود ندارد گرایش به واردات پیدا می‌کنند و در این صورت تقاضای دلار زیاد شده و ریال سقوط می‌کند و یا اینکه زمانی که امنیت شغلی نباشد مردم پول را به سکه و یا طلا و یا زمین تبدیل می‌کنند و در این صورت تورم کاذب در جامعه ایجاد می‌گردد اما درصورتی‌که چاپ پول از راه قانونی و با پشتوانه انجام گردیده باشد و شرایط تولید موجود باشد در این صورت

پول داخلی در چرخه بازار قرارگرفته و به سمت یک جنس خاص هدایت نمی‌شود و در این صورت تورم ایجاد نمی‌گردد.

۴: فرضاً نقدینگی باعث تورم باشد سؤال این است که چه باید کرد؟ بانک‌ها راهکارشان این است که با حیل مختلف مانند بالا بردن سود سپرده گزاری پول را از سطح جامعه جمع نمایند تا مقدار نقدینگی جامعه کم گردد، سؤال این است آیا این روش باعث مهار تورم می‌شود و یا بازهم تورم‌زا است؟ مردم تحت هر عنوان از عناوین فقهی مانند مضاربه و مشارکت و ... پول را به بانک‌ها دادند و بانک پول را گرفت، خوب بانک برای اجرایی کردن قرارداد خود باید پول را دوباره وارد جامعه نماید تا به تعهدات خود وفا نماید، پس عملاً این حجم از پول از سطح جامعه حذف نمی‌شود بلکه قبل از این پول از طریق مردم وارد بازار می‌شد و این بار از طریق بانک در گردش اقتصادی واردشده است، مضافاً بر اینکه در این صورت تورم شدت بیشتری پیدا می‌کند دلیل آن این است که بانک علاوه بر تعهد مالی سودرسانی به مشتری باید سود قابل‌توجهی نیز برای خود کسب نماید و در اینجا به همان دلیل که مردم نمی‌توانستند کار اقتصادی مفید انجام دهند و جامعه را دچار وارونگی اقتصادی کرده بودند در اینجا بانک‌ها با شدت چند برابری وارونگی اقتصادی ایجاد می‌نمایند و تورم را افزایش می‌دهند، سؤال این است که بانک‌ها چه‌کار اقتصادی پردرآمد انجام می‌دهند که مردم نمی‌توانند؟ آیا بانک‌ها از راهِ تولیدِ مولّد کسب درآمد می‌کنند و یا ... پس نتیجه می‌گیریم نقدینگی عامل تورم نیست، بلکه چاپ پول بدون پشتوانه و نبود زیرساخت‌های تولید داخلی و هجوم مردم به واردات و تبدیل پول به زمین و طلا و دلار و سپرده‌گذاری و دریافتِ سود، دلایل اصلی تورم می‌باشد و اقتصاددانان یا نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند خود را با عوامل اصلی فساد اقتصادی روبرو نمایند، امروز اگرچه که در میان مسئولین ما افراد انگلیسی وجود ندارند اما یقین بدانید وابستگان نظام سلطه درون نظام رخنه کرده و اگر ما در جنگ اقتصادی هستیم مطمئن باشید وابستگان آگاه و یا ناآگاه نفوذی در بانک‌ها و کرسی‌های اقتصادی تِزها و سخنرانی‌های زیبای زهرآلود ارائه می‌دهند تقاضا دارم نامه ما را به جناب دکتر سیف مطالعه فرمایید که به عقیده بنده بعضی از پشت پرده‌های اقتصاد ضد اسلامی در آن بیان‌شده است، در اینجا نمی‌توان پیشنهاد داد پول‌های بدون پشتوانه را جمع کرده و امحاء نمایید اما می‌توان پیشنهاد داد که حداقل پشتوانه را جبران نمایید، ملت هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنند که بعد از شکست قرارداد رویتر در دوره قاجار، بارون رویتر درنهایت توانست قراردادی ننگین‌تری را با ناصرالدین‌شاه تنظیم نماید که جبران

قرارداد استعماری رویتر را نمود، بارون رویتر از ناصرالدین‌شاه امتیاز ایجاد بانک شاهنشاهی را گرفت که حق انحصاری انتشار اسکناس در ایران را از آن خود نمود و درنهایت قبل از به‌پایان رسیدن قرارداد قاجار سرنگون گردید و نقش این قرارداد را نمی‌توان در سقوط قاجار بی‌تأثیر دانست، به‌هرحال بانک‌ها و انتشار پول بدون پشتوانه و پرداخت و دریافت ربا و کنترل و کم‌وزیاد کردن نقدینگی در جامعه و حاکم بودن روابط بجای ضوابط و سپرده‌گذاری و دریافتِ سود زیاد از مشکلات اقتصادی ما می‌باشد، درحالی‌که به عقیده ما دلیل اصلی مشکلات اقتصادی خشک‌سالی است.

شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسة - ۹۷/۴/۱۷

قطره ۱۱۱ نامه به رضا پهلوی در مورد بحران آب و خشک‌سالی تاریخ ۹۷/۴/۲۳

سلام بر کسی که بشنود، فکر کند، پاسخ گوید که اگر سکوت کند جوابی نداشته آقای رضا پهلوی باعث خرسندی است که بحران آب باعث شده تا تمامی کسانی که این بحران را درک نکرده‌اند از آن سخن‌گویند[۱۶۵] و در پی رفع این معضل باشند لذا مطالبی را بیان می‌نماییم: خوب میدانید که در زمان پادشاهی جد شما بر ایران اموری عجیبی روی داد که باید به‌تمامی ایرانیان پاسخ قانع‌کننده داده شود، در زمان رضاشاه کوه‌های آرارات به ترکیه بخشیده شد و در توجیه این بذل و بخشش رضاشاه گفت: مهم نیست این کوه‌ها از آن‌که باشد مهم این است که ما با ترکیه دوست باشیم و بدیهی است که این کوه‌ها در رفع خشک‌سالی ایران نقشی اساسی داشته است، اما در شرق کشور نیز رضاشاه دشت ناامید را به افغانستان بذل و بخشش نمود که این دشت می‌توانست قسمت مهمی از مشکل خشک‌سالی سیستان و بلوچستان را مرتفع نماید و در بخشش پادشاهانه دیگری اروند را به عراق بخشید و در دوران پادشاهی پدر شما بحرین از ایران جدا گردید، معلوم نبود اگر آن پادشاهی کمی بیشتر طول کشیده بود چه مقدار از زمین‌های ایران از ایران جدا می‌گردید، لذا شما به‌عنوان میراث دار خاندان پهلوی پاسخ دهید رضاشاه و پدر شما با چه مجوزی این بذل و بخشش‌ها را نموده و این مناطق را از ایران جدا کردند؟ که اگر آن پادشاهی ادامه میافت معلوم نبود در هرسال چه مقدار از خاک ایران از ایران جدا می‌شد و اگر آن مناطق از ایران جدا نشده بود ما در این زمان در چنین بحران آبیِ وخیمی قرار نداشتیم، در حقیقت یکی از عوامل خشک‌سالی ایران پادشاهی خاندان پهلوی در ایران بوده است، نکته بعد سیاست غلط تقسیم اراضی بود که آن‌هم به‌نوعی در خشک‌سالی ایران نقش عمده‌ای را ایجاد

نمود، نکته دیگر اینکه ما در سال‌های ۱۲۸۸ و ۱۲۹۸ و بعدازآن تا سال ۱۳۲۰ ضربه‌های بسیاری را از خشک‌سالی متحمل شدیم: اجداد شما برای رفع خشک‌سالی ایران چه کردند؟ آیا در قحطی و خشک‌سالی در زمان رضاشاه در جنگ جهانی دوم اجداد شما برای این مردم کار اساسی انجام دادند؟ اولین شرط حکومت‌داری تأمین آب است، پهلوی اول و دوم برای تأمین آب موردنیاز این مردم چه کردند؟ واضح است که کاری نکردند بلکه بحران ایران را با بذل و بخشش و سیاست‌های غلط بحرانی‌تر نمودند، اجداد شما که فریفته غرب شده بودند و با تمامی توان به دول شرق و غرب گوش می‌دادند جامعه ایران به سمت مصرف‌گرایی پیش برده و در حقیقت ایران را به بازار مصرف و جولانگاه غربی‌ها تبدیل نمودند، یک روز پناه به انگلیس روز دیگر پناه به شوروی روز دیگر پناه به آمریکا و روز دیگر تمایل به آلمان، در حقیقت پدران شما با ذبح کشاورزی ایران روستاها را خالی از سکنه ویران نموده و در عوض بنای مهاجرت از روستا به شهر را بنیان گذاشتند و با شعارِ خشک‌سالی، ایران را به واردت کننده در تمامی ابعاد تبدیل نمودند، ما نفت می‌دادیم تا غذا وارد نماییم، از این‌ها گذشته به‌تمامی ایرانیان باید پاسخ دهید که خاندان شما خانواده‌ای فقیر بوده که حتی قدرت خرید خانه را نیز نداشتند و قبل از پادشاهی مستأجر بودند و بعد از پادشاهی به بزرگ‌ترین مَلّاک ایران تبدیل شدید که تنها در زمان خارج شدن رضاشاه از ایران بیش از ۴۰ هزار سند مِلک بسیار بزرگ را به خاندان خود انتقال داد، لذا باید پاسخ دهید که چگونه ممکن است بدون فساد مالی و اقتصادی چنین ثروت عظیمی را به دست آورده باشید؟ اجداد شما به‌عنوان پادشاه حقوق و مزایای مشخصی داشته‌اند اما چگونه است که خاندان پهلوی به یکی از ثروتمندترین خانواده‌های این کره خاکی تبدیل‌شده باشند، ثروت عظیمی که امروز در دست شماست و در خارج از ایران به عیش و نوش میگذارانید از کجا به‌دست‌آمده است؟ لذا اگر واقعاً دلتان به حال این ملت می‌سوزد در ابتدا اموال غارت‌شده ملت را به ایران باز پس دهید و جواب دهید به چه حقی ایران را در دوران پادشاهی خاندان شما توسط پدران شما بذل و بخشش نمودند؟ بفرمایید برای رفع خشک‌سالی ایران و در دوران اجداد شما چه اتفاقی افتاد و شما چه برنامه‌ای دارید که میدانیم هیچ برنامه‌ای ندارید، مضافاً بر اینکه امروز شما موردحمایت دشمنان این ملت هستید، از طرفی شما جمعیت ۸۰ میلیونی ایران را قبول ندارید درحالی‌که این از کمال سستی عقل است که میگویید ایران ۳۷ میلیونی اشتباه است که ۸۰ میلیون شده است درحالی‌که بزرگ‌ترین سرمآیه هر کشور نیروی انسانی آن کشور است و اگر کمی اطلاعات منابع و

زیرساخت‌های ایران را در مقایسه با سایر کشورها را بررسی می‌نمودید اعتراف می‌کردید که جمعیت ایران نه‌تنها ۱۵۰ میلیون بلکه استعدادهایی بسیار بیشتر را دارد، پس در حقیقت شما برای رفع خشک‌سالی برنامه‌ای ندارید که میگویید باید جمعیت را ثابت نگاه داشته و جمعیت مطلوب همان ۳۷ میلیون نفر است و باید از خودکفایی کشاورزی دست‌برداریم بله برنامه‌ای ندارید جز اینکه ایران را خشک‌تر نمایید و جمعیت ایران را از ایران بگیرید اما در رابطه به خشک‌سالی ایران باید بگوییم دولت‌های بعدازآنقلاب متأسفانه باهمان رویکرد زمان پهلوی به امور کشوری پرداخته‌اند و این خشک‌سالی ربطی به تفکر اسلامی ندارد اما وعده می‌دهم به‌زودی قدرت اسلام قدرت‌نمایی کرده و در ظرف مدت بسیار کمی خشک‌سالی را برطرف کرده که نتیجه آن برطرف شدن بسیاری از بحران‌ها می‌باشد و این حربه را از شما و امثال شما خواهیم گرفت. **والسلام علی من اتبع الهدی - شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسة - ۹۷/۴/۲۳**

قطره ۱۱۲ نامه به دکتر ولایتی در رابطه با ارتباط با روسیه و فزایش مبادلات محصولات کشاورزی تاریخ ۹۷/۴/۲۶

بسم‌الله الرحمن الرحیم خدمت دکتر ولایتی دامت‌توفیقاته سلام‌علیکم: یکی از دستاوردهای سفر شما به روسیه افزایش ۵۷% مبادلات محصولات کشاورزی است و تشکر می‌نماییم از شما که قبل از وقوع فاجعه به فکر افتاده تا از طریق توسعه روابط با روسیه در بخش مبادلات کشاورزی تدبیری برای بیرون رفت از این ابر بحران بنمایید اما نکاتی را عرض می‌نماییم، همان‌گونه که واضح است بحران خشک‌سالی کشاورزی ما را ورشکسته نموده، روستاها خالی‌شده و تولید بعضی از محصولات اساسی در ایران ممنوع گردیده است اما چند سؤال را خدمت شما عرض می‌نماییم:

همان‌گونه که همه میدانیم کشور پهناور روسیه یکی ابرقدرت‌های علمی و اقتصادی بوده که بیشترین منابع آب‌های شیرین را در دست دارد سؤال این است هم‌اکنون که ما برای تأمین غذای ملت به مشکل برخورد نموده‌ایم آیا برای برطرف نمودن این مشکل باید به فکر خرید غذا از روسیه باشیم و یا اینکه اگر می‌خواهیم کاری اساسی را انجام دهیم باید از روسیه برای برطرف نمودن مشکل خشک‌سالی کمک بگیریم؟ که اگر روس‌ها کمک کنند و خشک‌سالی برطرف شود بسیار راحت بجای اینکه بخواهیم نفت دهیم و غذا بگیریم خودمان غذای خودمان را تأمین می‌نماییم

آیا اعتمادی وجود دارد درزمانی که احتیاج ما به واردات غذا بیشتر می‌شود روس‌ها قیمت فروش محصولات کشاورزی را تا ده بلکه صد برابر افزایش ندهند؟ که نمونه این واقعه در تاریخ موجود است که درزمانی که چیزی جز نان اندکی برای خوردن نبود قیمت نان تا ۱۵ برابر فزایش پیدا کرد، نانی که بعضاً با خاک‌اره مخلوط می‌نمودند و اصولاً چشم‌اندازِ واردات غذا از خارج تا چه زمانی است؟

آیا چشم‌اندازی برای احیاء کشاورزی وجود دارد؟ آیا می‌توانیم بدون تولید و خودکفایی در کشاورزی نظام را به‌صورت زنده نگاه‌داریم و یا درصورتی‌که سریعاً مشکل آب و کشاورزی را برطرف ننماییم به سرنوشت شوروی و قاجار مبتلا می‌شویم که ما در کتابمان اثبات نموده‌ایم در تمامی مدل‌های فروپاشی هستیم و دو مدل از آن مدل‌ها، مدل‌های قاجار و شوروی است مگر اینکه سریعاً خشک‌سالی را برطرف نماییم، روس‌ها بزرگ‌ترین منابع آبی دنیا را در دست دارند:

چرا برای انتقال آب‌های شیرین قطب شمال با آن‌ها مذاکره نکردید؟ روس‌ها تکنولوژی اتمی برای شیرین سازی آب دریا رادارند، چرا برای انتقال و شیرین سازی آب‌های جنوب از آن‌ها کمک نخواستید؟ هم‌اکنون جمعیت ایران ۸۰ میلیون نفر است و ما در تأمین غذای این مردم به مشکل برخورد نموده و تنها راه‌حل را واردات محصولات کشاورزی دیده‌اید ولی این روال تا کی می‌تواند ادامه داشته باشد؟

آیا با این روال می‌توان چشم‌انداز ۱۵۰ میلیون نفری ایران را تحقق بخشید؟ یا اینکه با روال موجود فقر و تورم و بیکاری و سوءتغذیه در ایران موجب نمی‌شود تا فاجعه ۱۲۹۸ که منجر به مرگ ۱۱ میلیون نفر شد در ایران تکرار شود؟ جواب کشاورزی ذبح‌شده ایران را چه خواهیم داد؟ جواب تاریخ را چه خواهیم داد؟ اگرچه که در این سفر از طرف سخنگوی وزارت خارجه میانجی‌گری روسیه برای نزدیک نمودن روابط ایران با آمریکا و اسرائیل تکذیب شد ولی باز ما در کتاب خودمان اثبات نموده‌ایم اگر سریعاً مشکل خشک‌سالی را برطرف ننماییم به مذاکره با اسرائیل خواهیم رسید البته شاید این مطلب را بخواهیم انکار نماییم اما به همان دلایلی که ایران به قطعنامه ۵۹۸ رسید و با دشمن خود یعنی رژیم بعث به مذاکره رسید و در مرحله بعد به مذاکره با آمریکا و برجام رسید، به همان دلایل این بار به مذاکره با اسرائیل خواهیم رسید مگر اینکه سریعاً مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم و پیش‌بینی این مطلب برای کسانی که کمی تأمل نمایند آسان است، تحریم‌های کمرشکن در تمامی زمینه‌ها درراه است، ریال به کم‌ارزش‌ترین پول دنیا تبدیل‌شده، خشک‌سالی

کشاورزی ما را ذبح کرده و سلسله وار صنعت و ساخت‌وساز را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، پس فقر و تورم و بیکاری زیاد می‌شود پیامد آن امور در خانواده و فرهنگ وفاق ملی نمایان می‌شود و هیچ برنامه‌ای برای احیاء اقتصاد موجود نیست، دولتمردان ما نیز تنها به مذاکره و برداشت تحریم‌ها دل‌خوش نموده‌اند و صاحبان تحریم و دشمنان ما نیز چیزی جز به رسمیت شناختن اسرائیل و عقب‌نشینی از جبهه مقاومت و کنار گذاشتن اسلام راضی نیستند پس چشم‌انداز ما در چند سال پیش رو چیزی جز این نیست که برای حفظ حداقلی‌های حکومتی به مذاکره با اسرائیل بپردازیم و البته به همان راحتی که ۵۹۸ و برجام توجیه شد این بار هم توجیه خواهد شد بله برداشته شدن تحریم‌ها منوط به عقب‌نشینی از جبهه مقاومت است و از طرفی میدانیم اسرائیل نیز یکی از ابرقدرت‌های آبی جهان است و همین دو علت برای سوق به سمت مذاکره با اسرائیل کافی است مگر اینکه سریعاً خشک‌سالی را برطرف نماییم، عرض می‌نمایم هرگونه تلاش برای حل بحران‌های ایران محکوم است مگر اینکه تلاش کنیم خشک‌سالی برطرف شود چراکه ریشه تمامی بحران‌های ما خشک‌سالی است و تا خشک‌سالی است هیچ بحرانی اعم از فرهنگی و اجتماعی و امنیتی و اقتصادی و ... برطرف نمی‌شود چراکه قرآن می‌فرماید **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ** و اگر نمی‌دانید چگونه می‌توان خشک‌سالی را برطرف نمود ما اعلام نموده‌ایم با طرح‌های عادی در یک سال و با طرح‌های غیرعادی در دو ماه خشک‌سالی را می‌توان برطرف نمود. قطره‌های ۷۳، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۹۴، ۹۳، ۹۲ – والسلام‌علیکم و رحمه‌الله و برکاته - **شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسة - ۹۷/۴/۲۶**

قطره ۱۱۳ نامه به نتانیاهو ۹۷/۴/۲۷

سلام بر کسی که بشنود، فکر کند، پاسخ گوید که اگر سکوت کند جوابی نداشته جناب آقای نتانیاهو شاهد بودیم کانال تلگرامی فن آوریهای اسرائیل در حوزه آب با سخنرانی شما در حل بحران خشک‌سالی ایران اقدام به فعالیت نمود[۱۶۶] اما باگذشت بیش از یک ماه چیز مفیدی در سایت و کانال شما مشاهده نمی‌شود لذا مطالبی را یادآور می‌شویم، پیشنهاد شما برای رفع بحران خشک‌سالی در ایران پیرامون بازیافت پس‌آب فاضلاب بود که پیشنهاد شمارا بررسی می‌نماییم:

اولاً شما که بنا بر ادعای خودتان امور ایران را کاملاً زیر نظر داشته و در زیروبم نظام نفوذ دارید تا جایی که میدانید برای سرقت اطلاعات فوق محرمانه هسته‌ای ۶ ساعت و ۲۹ دقیقه وقت

دارید[۱۶۷] و می‌توانید بیش از نیم تُن اسناد کاغذی و ۱۸۳ عدد سی دی محرمانه اسناد هسته‌ای را سرقت کرده و به اسرائیل انتقال دهید، آیا نمی‌دانید وضعیت آبی به حدی وخیم است که در بعضی از مکان‌ها اصولاً آبی نیست که بخواهیم با تصفیه پسآب مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم؟ بعید است این مطلب راندانید، اگر نمی‌دانید چگونه برای رفع خشک‌سالی ایران نظر می‌دهید و اگر میدانید چگونه پیشنهاد تصفیه پسآب را می‌دهید؟ وضعیت آبی ما برای شما کاملاً نمایان است گذشته از آنکه رژیم سابق ایران با شما روابط حسنه‌ای داشته و شما بسیاری از نقشه‌های زیرساخت‌های ایران را در دست دارید، نقشه‌های آبی و محیط‌زیست دشت مغان[۱۶۸] و قزوین و خوزستان و ... و شما اصولاً در مقطع زمانی رژیم سابق منافع بسیاری زیادی را در ایران داشته‌اید، پس تعجب اینجاست با اطلاعات دقیق و بالایی که از زیرساخت‌ها و منابع و استعدادهای ایران دارید چگونه پیشنهاد استفاده از پساب را برای حل بحران خشک‌سالی به ما می‌دهید؟

نکته دیگر اینکه ما برای کشاورزی و صنعت به آب زیادی احتیاج داریم یعنی صدها میلیارد متر کعب در سال و البته هرسال نیز نیاز ما به آب بیشتر می‌شود آیا پیشنهاد استفاده از پسآب مشکلی را از این ملت برطرف می‌نماید؟ آنچه واضح است مهم‌ترین اقدام شما برای عبور از بحران خشک‌سالی در سرزمین‌های اشغالی انتقال و شیرین سازی آب دریا به‌وسیله انرژی هسته‌ای بوده است لذا سؤال ما این است: چرا در پیشنهاد خود به پروژه انتقال و شیرین سازی آب خلیج‌فارس و دریای عمان به‌وسیله انرژی هسته‌ای اشاره‌ای نکرده‌اید، لذا تقاضا داریم اگر می‌خواهید برای این ملت کاری انجام دهید باهم‌پیمانان خود یعنی آمریکا و انگلیس و ... مذاکره نمایید تا اولاً تحریم‌ها را از ایران بردارند ثانیاً حق غنی‌سازی اورانیوم را به رسمیت بشناسند تا ما بتوانیم به کمک انرژی هسته‌ای مشکل برق و شیرین سازی و انتقال آب دریا را برطرف نماییم، شما خوب میدانید اگر راکتورهای هسته‌ای شما نبود هیچ‌گاه نمی‌توانستید مشکل آب خود را برطرف نمایید، حال که این تکنولوژی باعث برون‌رفت شما از خشک‌سالی گردیده است راهکاری غیرازاین نمی‌تواند مشکل خشک‌سالی ایران را برطرف نماید پس چرا در به رسمیت شناختن حداقل اورانیوم ۲۰% غنی‌شده که بتوان مشکل برق و شیرین سازی آب دریا و درمان هسته‌ای ما را برطرف نماید تلاش بین‌المللی نمی‌نمایید؟

نکته دیگر اینکه بحرانی‌ترین نقاط که مشکل آب شرب و بهداشت دارند کرانه باختری و مردم غزه و فلسطین می‌باشند چرا بجای برطرف کردن مشکل آب و سوءتغذیه به آنان موشک و گلوله

هدیه می‌دهید؟ آیا می‌توانیم قبول نماییم که شما از این فاصله دور دلتان به حال ما بسوزد و برای بحران‌های ما تلاش نمایید اما برای همسایگان خود که در حقیقت مالک زمین‌های شما هستند تلاشی نکنید و در عوض از حقوق ابتدایی محروم باشند؟ به نظر می‌رسد در اینجا تناقض‌های بسیاری وجود دارد، آیا پشت پرده پیشنهاد شما به ما فلسطینی کردن ایران نیست، یعنی باهمان روشی که در فلسطین جای پا پیدا نمودید و درنهایت صاحب‌خانه را از خانه بیرون کرده و صاحب‌خانه شدید درصدد نیستید در ایران همان پروژه را عملی نمایید؟ با این اوصاف که خودتان اعتراف دارید بانفوذ توانسته‌اید محرمانه‌ترین اسناد هسته‌ای ایران را سرقت نمایید چگونه پیشنهاد می‌دهید تا دانشمندان شما به ایران سفر نمایند؟ بله اگر دلتان به حال مردم کرانه باختری و غزه و فلسطین سوخت و خانه را به صاحب‌خانه پس دادید شاید در ادعای دوستی شما کمی تردید نماییم اما با این وضع قسم به تورات را قبول نمی‌نماییم زیرا که دم‌روباه را به عیان می‌بینیم، نکته دیگر در مورد مصاحبه یک کارشناس امنیتی شما با اسپوتنیک می‌باشد که اعلام کرده احتمال استفاده اسرائیل از تسلیحات آب‌وهوایی علیه ایران رد نمی‌کند، بعید است شما از این تسلیحات بی‌خبر باشید اما سؤال این است که چرا این فرد را تحویل مقامات ایران نمی‌دهید تا صحت و یا کذب مطلب بررسی شود و اصولاً چرا از این تکنولوژی برای بیرون رفت از بحران خشک‌سالی سخن نمی‌گویید؟ بله هولوکاست[١٦٩] واقعی کشته شدن ۴۰% ایرانیان در جریان جنگ جهانی اول به‌واسطه قحطی و خشک‌سالی است که از آن سخن گفته نمی‌شود[١٧٠]، هولوکاست واقعی اشغال ایران در جنگ جهانی دوم است که لطمات جبران‌ناپذیری را متحمل گردیدیم و بااینکه در هر دو جنگ هیچ‌کدام از طرفین جنگ نبودیم اما از تمامی کشورها صدمات بیشتری را متحمل شدیم، ما ایرانیان موردتهاجم قرارگرفته و ١١ میلیون کشته دادیم و درنهایت طرف‌های پیروز جنگ اسرائیل را در سرزمین‌های مقدس مسلمانان و آل سعود وهابی را در جای دیگری پایه نهادند و از طرفی امپراتوری عثمانی را تکه‌تکه نموده و بر هر قسمت جیره‌خواری را بر کار نشاندند و ازآن‌پس ما شاهد بودیم ایران نیز جولانگاه انگلیس و آمریکا گردید و در ادامه شاهد حضور اسرائیل در ایران بودیم، بله هولوکاست واقعی که باید جواب داده شود خون‌های به‌ناحق ریخته ١١ میلیون ایرانی است در جنگی هیچ نقشی نداشتند نه ادعاهای بدون سند و مدرک که بارها توسط تاریخ‌شناسان و پژوهشگران مردود شده است. **والسلام علی من اتبع الهدی** - شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسة - ۹۷/۴/۲۷

قطره ۱۱۴ نامه به افرادی که در کابینه دولت دوازدهم جایگزین می‌شوند تاریخ ۹۷/۴/۲۸

بسم‌الله الرحمن الرحیم اگر فکر کنیم و بشنویم گرفتار نمی‌شویم، بدیهی است تغییرات در کابینه دولت دوازدهم به علت بحران اقتصادی می‌باشد لذا تغییرات اساسی در حوزه سلامت، فرهنگ، امنیت، سیاست خارجه و ... شاهد نخواهیم بود، اما سؤال این است منشأ بحران اقتصادی چیست؟ جوابی که دولت یازدهم و دوازدهم به این پرسش می‌دهد این است تحریم‌ها دلیل مشکلات اقتصادی است لذا باید تحریم برطرف شود تا مشکل آب، برق، شغل، تورم، اقتصاد و ... برطرف شود که شاهد بودیم تمامی تلاش‌های دولت برای ثمر دادن بر جام و رفع تحریمها بود که آن نیز ثمری نداشت و در عوض زمان را ازدست‌داده و مشکلات نیز بزرگ و بیشتر شدند، از طرفی شاهد تشدید تحریم‌ها خواهیم بود پس نتیجتاً تغییرات در کابینه هیچ‌گاه منجر به برطرف شدن مشکلات اقتصادی نخواهد شد مگر اینکه تیم جدید ادعا کنند که با دیپلماسی و بر جامِ جدیدی قادر خواهند بود نظام سلطه را متقاعد کنند که تحریم‌ها را برطرف نمایند که نتیجه این توافق جدید به‌مراتب بدتر از توافق گذشته خواهد بود، از طرفی باید توجه داشت: افراد کنونیِ کابینه ازنظر دکتر روحانی بهترین افراد بوده‌اند لذا روشن است زمانی که گزینه‌های بهتر نتوانستند کاری کنند گزینه‌های پایین‌تر به‌طریق‌اولی نمی‌توانند کاری انجام دهند، اگر بگوییم افراد جایگزین از اصولگراها انتخاب می‌شوند در اینجا کار بسیار وخیم‌تر می‌شود هم برای دولت و هم برای اصل انقلاب، اولاً اینکه چگونه یک اصول‌گرا با حفظ اصولگرایی خود می‌تواند در دولتی وارد شود که اصل جبهه‌گیری آن دولت را قبول ندارد هنوز مناظره‌های انتخابی ۹۶ هنوز در اذهان باقی است، از طرفی بعد از مدتی اختلافات بسیاری آشکار شود و هر یک دیگری را متهم کنند و اصولاً اصولگرایی که در این دولت وارد شود از طرف تمامی اصولگراها طرد خواهد شد، نکته دیگر اینکه اگر آقای روحانی تمامی دولت و معاونین خود را نیز از اصولگراها قرار دهد بازهم مشکلی برطرف نخواهد شد چراکه چالش اقتصادی ما نه به اصولگرا ارتباطی دارد و نه به اصلاح‌طلب، چالش و دلیل اصلی بحران اقتصادی و البته تمامی بحران‌ها خشک‌سالی است که هر دو طیف از این مسئله غافل بوده و راهکاری برای آن ندارند پس هیچ‌کدام نمی‌توانند برای اقتصاد کاری انجام دهند، لذا اگر افراد جایگزین از اصولگراها باشند این بار اصل انقلاب درخطر قرار می‌گیرد و سریع

به سمت اغتشاشات بیشتر و رفراندوم و انتخابات زودرس پیش خواهیم رفت، زیرا با تغییر کابینه تغییری در اقتصاد داده نمی‌شود اما مردم از الگوهای جدید نیز ناامید می‌شوند، لذا اگر کابینه از اصولگراها انتخاب شوند دو جریان تقویت می‌شوند اول جریان‌های برانداز و ضد نظام و دیگر جریان عدالت محور دکتر احمدی‌نژاد و البته فرایند ناامیدی از تغییر کابینه زیاد هم طول نمی‌کشد کمتر از یک سال شکست تغییر کابینه جهت احیاء اقتصاد برای همگان نمایان می‌شود، لذا حقیقتاً باید کسانی که از کابینه کناره‌گیری می‌کنند خدا را هر صبح شام شکر نمایند که از این بلیه نجات یافتند و البته افراد جدیدی که در کِشتی کابینه وارد می‌شود باید بدانند وقتی آب نیست کشتی حرکت نمی‌کند و هم‌اینک در خشک‌سالی عظیمی هستیم، رفتار و پیشنهادهای افراد جدید کابینه با افراد قبل تفاوتی نخواهد داشت چراکه همه یک نوع معلومات و یک نوع پیشنهاد دارند و البته تمامی حرف‌هایی که نفرات جدید خواهند زد در قبل گفته‌شده و بهترین راهکارها تاکنون عملی شده و ثمره همان است که هم‌اکنون می‌بینیم، آیا نفرات جدید می‌توانند از سرعت افزایش دلار و سقوط ریال جلوگیری کنند؟ آیا می‌توانند تحریم‌ها را برطرف نمایند؟ آیا می‌توانند مشکل خشک‌سالی و ریز گردها و خالی شدن روستاها را برطرف نمایند؟ آیا می‌توانند تورم و افزایش قیمتها را کنترل کنند؟ آیا می‌توانند مشکل مؤسسات مالی و اعتباری را برطرف نمایند؟ خوب اگر می‌توانستند همان پیشنهادها را به افراد موجود می‌دادند و اگر پیشنهادی ندارند و یا پیشنهادهای گذشته را تکرار می‌کنند پس نمی‌توانند کاری انجام دهند و نتیجه همان نتیجه قبل است، **حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد**[۱۷۱]، اما راه‌حل چیست؟ اولاً ما تنها مشکل اقتصاد نداریم بلکه در تمامی زمینه‌ها مشکل‌داریم و هر حوزه بر حوزه دیگر تأثیر گذار است ثانیاً مشکل اقتصاد در افراد نیست که با تغییر فرد مشکل برطرف شود مشکل اقتصاد در نبود اولین زیرساخت اقتصاد است که آن آب است و آب چیزی است که مسئولین ما آن را به تمامِ درک نکرده‌اند لذا دکتر روحانی می‌فرماید درست است ما مشکل آب‌داریم ولی مشکل پول‌نداریم درحالی‌که باید گفت اگر مشکل شغل و تورم و امنیت و ... داریم به علت مشکل خشک‌سالی است پس باید در ابتدا مشکل آب را برطرف نماییم تا زمینه برطرف شدن همه مشکلات فراهم شود، لذا برای برطرف کردن مشکل اقتصاد نباید به سراغ وزیر اقتصاد و صنعت و ... رفت بلکه باید مشکل را در وزارت نیرو جستجو نمود، اگر آب باشد به‌راحتی کشاورزی و چند میلیون شغل احیاء می‌شود و سلسله وار چند میلیون شغل وابسته نیز به تحرک می‌رسد بله یک ده آباد بهتر است از هزاران شهر ویران، پیشنهاد اقتصاددانان برای احیاء اقتصاد یکی از این امور است: صنعت، گردشگری،

ساخت‌وساز، کشاورزی درحالی‌که همه این‌ها بدون آب فلج هستند. شیخ علی بهرامی نیکو- قم المقدسه-۹۷/۴/۲۸

قطره ۱۱۵ نامه دوم به دکتر احمدی‌نژاد تاریخ ۹۷/۴/۳۰

بسم‌الله الرحمن الرحیم: با عرض سلام خدمت دکتر احمدی‌نژاد، در سخنرانی در بجنورد فرمودید: می‌توان یارانه‌ها را به سه برابر افزایش داد، لذا نکاتی را یادآور می‌شویم تقریباً زمانی که قیمت دلار هزار تومان بود شما اقدام به پرداخت یارانه نمودید و هم‌اکنون دلار به ۹ هزار تومان رسیده یعنی از طرفی سوبسید اجناس حذف‌شده و از طرفی با افزایش دلار و ثابت ماندن یارانه در حقیقت یارانه را هم حذف کردید یعنی ۴۵ هزار تومان زمان پرداخت یارانه که معادل ۴۵ دلار بوده هم‌اکنون ۵ دلار است که اگر بخواهیم با چشم‌پوشی هم نگاه نماییم باید بگوییم هم‌اکنون ۵ هزار تومان یارانه به مردم داده می‌شود و اگر بخواهیم به نسبت سال اول یارانه‌ها نگاه کنیم هم‌اکنون اگر مبلغ ۴۰۹ هزار تومان یارانه پرداخت نمایند معادل یارانه‌ای است که در شروع پرداخت یارانه‌ها پرداخت می‌نمودند و البته شما حساب نمایید زمانی که دلار ۲۰ هزار تومان شود در حقیقت یارانه ۴۵ هزار تومان ۲ هزار تومان می‌باشد و روند دو برابر شدن دلار و سقوط دائمی ریال در هر سه سال یک‌بار می‌باشد، آیا این بود توزیع عادلانه؟ حال بازهم در این شرایط از بالا بردن یارانه سخن میگویید، درحالی‌که ما میدانیم یارانه بیشتر مساوی تورم بیشتر، البته مطمئناً نیت شما خیرخواهی بوده و هست اما نیت بدون تدبیر به خرابی می‌انجامد، مشکلات امروز جامعه ما از قبیل خشک‌سالی و ریزگردها و مشکلات کلان‌شهرها و خالی شدن روستاها و مشکلات بانکداری ربوی مشکلاتی نیست که امروز برای این ملت ایجادشده باشد بلکه تمامی دولت‌ها و کارگزاران نظام باید جوابگو باشند اما از شما که فردی متعهد هستید سؤال می‌نماییم برای خشک‌سالی و آب‌رسانی چه‌کار اساسی انجام دادید؟ سؤال ما به‌خصوص در رابطه با آب و خشک‌سالی است و دلیل آن این است که اگر خشک‌سالی برطرف شود به‌صورت اتوماتیک مابقی امور طبق روال عادی خود به نتیجه خواهد رسید مانند ایجاد شغل و کنترل تورم و فقرزدایی و بالا بردن سبد درآمد خانوارها و ... و اگر رئیس‌جمهوری هزاران کار انجام دهد ولی به این مسئله توجه نداشته باشد درنهایت نتیجه چندانی نخواهد داشت و به عقیده بنده شما ازجمله رؤسای جمهوری بودید که

همه کار انجام دادید الا مسئله آب‌رسانی که اگر شما حتی یک دوره از ریاست خود را با تمام توان برای آب‌رسانی قرار داده بودید هم در ریاست خود موفق‌تر بودید و هم تأثیر به سزایی در آینده ایرانیان گذاشته بودید، پس به عقیده بنده بااینکه در طول تاریخ ایران شما یکی از فعال‌ترین افراد بوده‌اید اما می‌توان گفت که بهترین بهره را از زمانی که در اختیار داشتید نبردید و این به دلیل ضعف در مبانی اندیشه می‌باشد و این اشکالِ در عمل و اندیشه نه‌تنها به شما بلکه به‌تمامی مجریان برمی‌گردد الا اینکه دلیل موجهی داشته باشند، سؤال این است: چگونه از وظیفه اول و اساسی خود غافل بوده و مسئله آب را برطرف نکرده‌اند که امروز در چنین خطر و گرفتاری عظیمی دچار باشیم، شاید بگویید ما در کنار مسئله آب هزاران مسئله دیگر نیز داشتیم مانند ایجاد شغل، مسکن راه‌سازی و ... درحالی‌که ما در کتاب خود اثبات نموده‌ایم تمامی این امور زمانی معنی دارد که مشکل آب برطرف شده باشد و درصورتی‌که این مشکل به حالت خود باقی باشد تمامی زحمات دیگر ذبح می‌شود، بدون برطرف نمودن خشک‌سالی هیچ مشکلی مرتفع نمی‌شود و اولین شرط برطرف شدن بحران‌ها برطرف نمودن خشک‌سالی می‌باشد، شما طرح بازسازی خانه‌های روستایی را عملی نمودید ولی امروز به علت بی‌آبی روستاها در حال تخلیه شدن است، طرح بنگاه‌های زودبازده را عملی نمودید ولی امروز صنایع ما به علت بی‌آبی در حال تعطیل شدن است، برق قطع می‌شود چون مسئله آب را برطرف نکردید، باغ‌ها در حال سوختن است و به علت نبود آب کشاورزی ما ذبح‌شده پس هر کاری که برای روستاییان انجام شد همه در حال نابودی است زیرا آب وجود ندارد تا جایی که روستایی به شهر می‌رود و مشغول امور خدماتی می‌شود و از طرفی مجبوریم برای تأمین غذای خود با روسیه وارد مذاکره شویم، پس چون آب به روستاها نرساندید روستاها تخلیه ویران شد و از طرفی شهرها هم به علت ازدحام جمعیت در حال ویرانی است، دریکی از سخنرانی‌های شما شنیدم می‌فرمودید: میگویند خشک‌سالی و میگویند آب نداریم ... و اصل جریان خشک‌سالی را منکر شدید و این ادعای شما ما را بهت‌زده کرد که چگونه شما در این زمان که همه به خشک‌سالی پی برده‌اند منکر اصل خشک‌سالی شده‌اید؟ از طرفی شما برای ایجاد شغل به بحث ساخت‌وسازنظری ویژه دارید و ساخت‌وساز را لوکوموتیو جامعه میدانید که مانند یک قطار موتور محرک جامعه است و لذا روی به مسکن مهر آوردید درحالی‌که اگر با تمام قدرتی که برای مسکن مهر قراردادید تمامی آن توان را برای مبارزه با خشک‌سالی قرار داده بودید شما از همان ابتدا بزرگ‌ترین پروژه سازه‌ای تاریخ بشریت را رقم می‌زدید که از ابتدا شغل‌های زیادی ایجاد کرده بودید و این شغل ازجمله شغل‌های پایه محسوب می‌گردید که خود آن می‌توانست میلیون‌ها شغل دیگر را پدید آورد و تمامی زمین‌های ما را به استعداد بهره‌برداری برساند

و زمینه آبادی و سبزه‌زار شدن تمامی زمین‌های ما را فراهم آورد و در ادامه بینهایت ثمره برای ملت داشته باشند و با یک حرکت مبنایی زمینه زیادشدن درآمد مردم را پدید میاوردید و در ادامه مردم بدون احتیاج به وام مسکن قابلیت خانه‌دار شدن هم پیدا می‌کردند ولی شما برای مردم شغل ایجاد نکردید بلکه به مردم خانه کوچکِ آپارتمانیِ وامدار دادید و یارانه پرداخت نمودید و زمانی که تورم ایجاد شد یارانه تقریباً بی‌ارزش شد و زمانی که شغل نبود مخارجی برای معاش وجود نداشت و طلاق زیاد شد و ... درحالی‌که اگر آب‌رسانی کرده بودید تمامی این امور معکوس می‌گردید، آب‌رسانی = ایجاد شغل = درآمد = بی‌نیازی از سوبسید و یارانه = قدرت خرید خانه = بالا رفتن سطح معاش مردم = کم شدن اختلاف طبقاتی = بی‌نهایت فایده، چراکه قرآن می‌فرماید **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ**[1] اما ضعف در جهان‌بینی و بی‌توجهی به مسئله آب و خشک‌سالی و اول شرط توسعه و رفاه باعث شد بجای برطرف کردن خشک‌سالی تمامی دولت‌ها آب را در کنار بقیه امور ببینند درحالی‌که آب زیربنا می‌باشد، در حقیقت شما زحمت‌کشیدید ولی به مردم ماهیگیری یاد ندادید بلکه ماهی به مردم دادید و زمانی که نبودید دیگر از ماهی خبری نبود، حال بازهم به مردم وعده یارانه سه برابری را می‌دهید. شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسة - ۹۷/۴/۳۰

قطره ۱۱۶ نامه به ستاد جنگ اقتصادی ۹۷/۴/۳۱

بسم‌الله الذی نزل کهیعص‌حمعسق‌ن‌ق

ستاد جنگ اقتصادی سلام‌علیکم

بحران اقتصادی در چند ماه آینده انقلاب را وارد عرصه بسیار حساسی می‌کند که اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ و فتنه ۸۸ و ۷۸ در مقابل آن یک شوخی قلمداد می‌شود[۱۷۲] و اگر سریعاً مشکل را برطرف ننماییم انقلاب با بزرگ‌ترین چالش جدی خود روبرو می‌شود لذا برای بیرون رفت سریع از این بحران تمامی گزینه‌های روی میز را اجمالاً بررسی و نقد نموده و راهکار اصلی را ارائه می‌دهیم واضح است در ماه‌های آینده تحریم‌های جدیدی اعمال می‌شود که تنها راه برون‌رفت یا تسلیم محض در برابر نظام سلطه و قبول زورگویی‌هاست و یا مقاومت و اتکاء بر نیروها و ظرفیت‌های

[1] آیه ۳۰ سوره انبیاء

داخلی است که اگر پیشنهادی که مطرح می‌نماییم قبول واقع نگردد چیزی جز شکست در انتظار نمی‌باشد چراکه از خود سخن نمی‌گوییم گفته‌های ما مبتنی بر اموری است که در این نوشته از قرآن و عقل سخن میگوییم بررسی راهکارها:

۱ تغییر دولت و یا جابجایی کابینه، واضح است اختلاف دو قطب مهم اصولگرا و اصلاح‌طلب که نقش اساسی را در هدایت و اداره جامعه ایفاء می‌نمایند در مسائل سیاسی بوده و راهکارهای اقتصادی هر دو طیف مشابه هم می‌باشد اقتصاددان‌های اصولگرا همان علومی را تلمذ نموده‌اند که اقتصاددانان اصلاح‌طلب آموخته‌اند لذا در راهکارها شبیه هم عمل می‌نمایند و اگر دولت آقای روحانی نتوانست برای اقتصاد کاری انجام دهند جریان اصولگرا هم نمی‌تواند گذشته از اینکه اگر دولت اصولگرا امور دولت را به دست بگیرد کار وخیم می‌شود چراکه ملت به این نتیجه می‌رسند که نه اصلاح‌طلب و نه اصولگرا هیچ‌کدام نمی‌توانند برای اداره جامعه کاری انجام دهند **حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد.**

۲ اگر بخواهیم **دوباره برای مذاکره تلاش نماییم** و از مواضع خود کوتاه بیاییم تا تحریم‌ها برطرف شود و برجام دیگری امضاء شود بدیهی است که این کار عملاً غیرممکن می‌باشد مگر اینکه ما از اسلامیت خود دست‌برداریم که البته بعضی به همین چشم‌انداز دل‌بسته‌اند.

۳ بستن تنگه هرمز و به چالش کشیدن اقتصاد جهانی: بدیهی است اگر آن‌ها بازور بخواهند از صادرات جلوگیری نمایند بزرگ‌ترین اشتباه را مرتکب شده و پیروزی از آن ما می‌شود ولی اگر آن‌ها با دیپلماسی مشتریان نفت را از خرید از ایران منصرف نموده و تولید خود را افزایش دهند آیا می‌توانیم با بستن تنگه هرمز کشورهای دیگر را مجبور نماییم تا از ما نفت خرید کنند و یا کشورهای دیگر تولید خود را کاهش دهند؟ آیا در این صورت افکار عمومی علیه ما نشده و ایران را کشوری غیرمعقول و جنگ‌طلب قلمداد نمی‌نمایند؟ آیا ایران در این صورت وارد جنگ عظیمی نمی‌گردد که درصحنه بین‌الملل باید ناتوارد جنگ نظامی مستقیم شود؟ و در این صورت آیا کشور ضررهای غیرقابل‌شمارشی را متحمل نمی‌شود؟ مضافاً بر اینکه هم‌اکنون بااینکه جلوی صارادات ما را نگرفته‌اند و کشورهای خریدار نفت از ما نفت می‌خرند و تولیدکنندگان نفت هم چیزی افزایش نداده‌اند بازهم در اقتصاد با چالش‌های اساسی روبرو هستیم پس اگر شرایط تغییر کند چه می‌شود؟

۴ جمع‌آوری نقدینگی از بازار توسط بانک‌ها با بالا بردن سود بانکی: این هم مشکلی را برطرف نمی‌نماید که در جزوه بانکداری توضیح داده‌ایم و این بدان معناست که تولید در ایران متوقف شود و مردم پول بدهند و سود بگیرند و در این صورت بانک‌ها مجبورند هم‌سود بدهند و هم هزینه‌های خود را تأمین کنند که در این صورت تولید داخلی کم شده و خود بانک‌ها اسباب تورم و ذبح تولید داخلی و توسعه واردات و بالا رفتن قیمت مسکن را فراهم می‌آورند چراکه سود عمده بانک‌ها در واردات وام با بهره بالا و دلالی در خریدوفروش و مشابه این امور است که همه این‌ها تورم‌زا است.

۵ کنترل دلار و ثابت نگاه‌داشتن قیمت طلا و سکه: یقیناً با وضعیت موجود که تولید داخلی در مرز ورشکستی و صادرات ما ذبح‌شده تا جایی که باید برای واردات غذا با روسیه وارد مذاکره شویم هیچ‌گاه شاهد ثبوت دلار و طلا نخواهیم بود و دلیل آن این است که مردم برای جلوگیری از ورشکستگی پول خود را تبدیل به طلا می‌نمایند پس نتیجتاً طلا کم می‌شود و قیمت آن بالا می‌رود و از طرفی با زمین خوردن تولید داخلی نیاز به واردات بیشتر می‌گردد واردات دلار لازم دارد پس نتیجتاً دائماً دلار افزایش میابد و از اول انقلاب تاکنون دلار بیش از هزار برابر گران و این بدان معناست که ریال بیش از هزار برابر سقوط نموده است و البته یکی از دلایل عمده آن چاپ پول بدون پشتوانه می‌باشد که باید سریعاً جلوگیری گردد و در عوض پشتوانه ذخیره نموده و پول چاپ نکنیم

۶ توسعه کشاورزی: اگر بخواهیم کشاورزی را توسعه دهیم آب نداریم زیرا در خشک‌سالی هستیم پس نمی‌توانیم اگر می‌توانستیم که با روسیه قرارداد توسعه واردات کشاورزی امضاء نمی‌کردیم

۷ صنعت: صنایع کنونی ما در حالت ورشکستگی و تعطیلی هستند و در حفظ حالت موجود دچار مشکل هستیم چه برسد به اینکه بخواهیم صنایع جدید ایجاد نماییم گذشته از اینکه زمان‌بر است و زمان زیادی نداریم

۸ قاچاق کالا: اگر بخواهیم با کوله برها به‌صورت جدی برخورد نماییم تمامی مرزهای کشور درخطر اعتراض قرار می‌گیرند کما اینکه در بانه دیده شد اگر بخواهیم مرز را باز بگذاریم صنایع داخلی ورشکسته می‌شوند

۹ اگر بخواهیم با **راه‌اندازی بخش مسکن** جامعه را متحرک نماییم وضعیت روستاها و شهرهای آباد ما چنین است که از بی‌آبی و مشکلات زیست‌محیطی و زیرساختی و برق و... در حال خالی شدن و هجرت مردم به کلان‌شهرها هستند لذا وقتی نتوانیم تأمین زیرساخت‌های شهرهای موجود را داشته باشیم جایی برای احداث شهرهای جدید باقی نمی‌ماند، نگاه کنید چند شهر کشور در تنش آبی قرار دارد

۱۰ اگر بخواهیم **مناطق آزاد را توسعه کمی و کیفی بدهیم** بازهم منجر به ذبح تولید داخلی است

۱۱ اگر بخواهیم با **توسعه گردشگری** امور را اصلاح نماییم با این وضعیت امکان ندارد چراکه اگر وضعیت موجود ایدئال بود که ۱٫۵ میلیون نفر در صف مهاجرت از ایران نبودند[۱۷۳] و شاهد بازگشت افغان‌ها از ایران نبودیم

۱۲ در این زمان دل بستن به **دو تابعیتی‌ها** و دور زدن تحریم‌ها از این طریق هم راه به‌جایی نمی‌برد مشکل بزرگ‌تر از آن است که این امور جزئی بتوانند کاری کنند

۱۳ فروش نفت در بورس و صادرات توسط افراد هم مشکلی را حل نمی‌نماید جدا از اینکه تحریم جدید وضع می‌شود این امر تورم‌زا است و درآمد نظام را کم می‌کند

۱۴ بدیهی است شرایط ما به‌گونه‌ای است که در مسائل اصلی مانند **دارو غذا محتاج واردات** هستیم و با روال موجود **بازار داخلی** به تعطیلی کشیده می‌شود و اگر سریعاً عمل ننماییم **سرمایه اجتماعی** دچار

ریزش‌های زیادی می‌گردد و **اعتماد عمومی** با سرعت بیشتر کاهش میابد از طرفی تکیه‌بر **راه‌اندازی مجدد انرژی هسته‌ای** نیز مشکلی را برطرف نمی‌نماید که بخواهیم به‌عنوان دیپلماسی و هشدار به غرب نظام سلطه را متقاعد به عقب‌نشینی نماید چراکه تا بهره‌برداری اقتصادی از انرژی هسته‌ای زمان زیادی لازم است و راه مطمئن **بازسازی امور در اقل زمان** است، واضح است روال گذشته و تکیه‌بر اقتصاد غربی وضعیت ما را چنین نموده است و ادامه راه گذشته همان چیزی را در آینده به دنبال دارد که امروز در آن به سر می‌بریم اقتصاد ایران مانند بهمنی است که در سراشیبی کوه قرارگرفته و هرلحظه خرابی‌های بیشتری را با خود همراه می‌نماید مگر اینکه سریعاً تغییر کند اعلام می‌کنیم اگر می‌خواهیم تمامی امور ذکرشده اصلاح گردد و بینهایت فایده نصیب ایران گردد باید سریعاً خشک‌سالی برطرف گردد و این معجزه کلام خداست **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ** [1] و اعلام می‌داریم در ظرف دو ماه این امکان وجود دارد که خشک‌سالی را برطرف نموده و کشور نه به جنگ نظامی کشیده شود و نه محتاج این باشیم که غرب تحریم‌ها را برطرف نماید، ما تمامی راهکارهای ستاد جنگ اقتصادی را نقد نمودیم و راهکار خود را ارائه دادیم، اگر در نقدهای ما نسبت به راهکارهای ستاد جوابی هست ارائه فرمایید و اگر در اصل راهکار ما مناقشه دارید راهکار ما را نقد فرمایید اما اگر نه توان دفاع از راهکارهای خود رادارید و راهکار دیگری هم ندارید و اصل موضوع خشک‌سالی و راهکار آب‌رسانی برای بیرون رفت از بحران اقتصادی هم نقد و مناقشه ندارد احتمال اینکه در راهکار دوماهه نیز درست بگوییم احتمالی قوی می‌باشد، اعلام می‌کنیم اگر تاریخ انفطار السماء در سال ۹۷ بگذرد باید تا سال ۹۸ منتظر بود و هیچ بحرانی از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و امنیتی برطرف نمی‌شود و بحران‌ها بیشتر و عمیق‌تر می‌گردد. شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسة - ۹۷/۴/۳۱

قطره ۱۱۷ کهانت تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۹۸ [2]

در این نوشتار می‌خواهیم پیرامون اِخبار از آینده بحث نماییم. واضح است علمِ غیبِ بالذات مخصوص خداوند بوده و البته پیامبران و اوصیاء نیز از راه وحی از آینده خبر داده‌اند کما اینکه در قرآن و روایات بسیاری از امور آینده خبر داده‌شده است، از طرفی افراد بسیاری نیز اموری را در بیانات خود دارند که به نحوی خبر از آینده می‌باشد، در فقه اخبار از آینده در ذیل مبحث کهانت بحث می‌شود سؤال ما این است آیا اخبار از آینده توسط غیر انبیاء و اوصیاء کهانت است یا خیر؟ مذموم بودن کهانت در اسلام از بدیهیات است که به نظر میاید اجماعیِ تمامیِ مسلمین باشد زیرا

---

[1] آیه ۳۰ سوره انبیاء

[2] دلیل مطرح نمودن این بحث این است که بعضی هر نوع خبر از آینده را کهانت دانسته‌اند درحالی‌که این‌گونه نیست.

در حقیقت کاهن همانند ساحر است و درنهایت مردم یا اینکه پیامبر و اوصیاء را ساحر و کاهن می‌دانند و یا اینکه کاهن و ساحر را نبی وصی می‌دانند زیرا در نظر عموم اخبار از آینده بدون ارتباط با عالم غیب امکان ندارد پس در حقیقت کاهن و ساحر از بزرگ‌ترین دشمنان انبیاء می‌باشد، و معمولاً دشمنان انبیاء برای انکار نبوت انبیاء و اوصیاء آنان را متهم به کهانت و سحر می‌نمودند و از طرفی بعضاً در تاریخ کاهنان و ساحرها ادعای نبوت نیز می‌نمودند و دشمنان انبیاء برای مبارزه با انبیاء دست به دامان ساحران و کاهنان می‌شدند زیرا در حقیقت فِعل کاهن و ساحر شبیه فعل رسول بوده و چه‌بسا برای مردم عادی شناخت این امور از یکدیگر مشکل باشد لذا فرعون برای مبارزه با موسی دست به دامان ساحران شد و به پیامبران نیز تهمت سِحر و کهانت می‌زدند، قرآن در می‌فرماید:[۱۷۴] **فَذَكِّرْ فَما أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّک بِكاهِنٍ وَ لا مَجْنُونٍ** [۱] (که از رسول‌الله جنون و کهانت را نفی می‌کند) و در می‌فرماید: **وَ لا بِقَوْلِ كاهِنٍ قَلِيلاً ما تَذَكَّرُونَ** [۲](که قرآن را از کهانت جدا می‌کند) حکم کاهن و ساحر نیز از مجازات سنگینی برخودار است و در حد شرک و کفر بالله و با شدیدترین مجازات‌ها با آنان برخورد می‌شود که اگر این‌گونه نباشد چه‌بسا منجر به آسیب جدی به دین و دیانت شود پس لازم است به‌صورت دقیق معلوم گردد کاهن کیست که در غیر این صورت چه‌بسا موجب قتل و یا تهمت به نفسِ محترمه گردد لذا در این نوشتار کوتاه می‌خواهیم کاهن را زا غیر آن تمیز دهیم آنچه واضح است کاهن کسی است که از آینده خبر می‌دهد، حال چگونه از آینده خبر می‌دهد بحثی دیگر است، اما سؤال این است هر آنکس که از آینده خبر می‌دهد کاهن است؟ بعضی بر این عقیده هستند درحالی‌که مطمئناً بسیاری از آینده خبر می‌دهند و مطمئناً کاهن نیستند و فعل آنان حرام هم نیست و چه‌بسا از ضروریات زندگی بشر بوده و هست و خواهد بود، پس تعریف کاهن به معنای اخبار از آینده تعریفی اشتباه و تعریف به اَعَم می‌باشد که نمونه‌هایی را ذکر می‌نماییم:

۱. کسی که از روایات کلیاتی برای شناخت سَنه به دست میاورد از آینده خبر می‌دهد ولی کاهن نیست که مرحوم علامه مجلسی در کتاب مُلهمه روایت مفصلی را از دانیال نبی نقل

---

[۱] سورهٔ طور آیه‌یِ ۲۹

[۲] سوره‌یِ حاقه آیه‌یِ ۴۲

می‌فرماید که در هر ماه از ماههای سال اگر زلزله آمد و یا کسوف و خسوف شد و یا سرخی و یا باد در هوا پدید آمد و رعد و برق هویدا گردید یا صدای مخوف شنیده شد و یا ستاره دنباله دار پدید آمد و ... چه چیزی در شُرف وقوع است مطئنا عالم به این کتاب از آینده خبر می‌دهد ولی کاهن نیست در کتاب اختیارات نیز علامه به نحوی دیگر کلیاتی را بیان می‌کند که موجب علم و اخبار از آینده می‌شود، در این زمینه از امام صادق ع نیز اخباری وارد است که اگر اول سال چه باشد در سال چه واقع می‌شود، مطمئناً عالم به این مسائل از آینده خبر می‌دهد ولی کاهن نیست.

٢. کسی که با تزکیه‌یِ نفس چشم و گوش و قلبِ برزخی او باز شده از آینده خبر می‌دهد ولی کاهن نیست در روایت رسول‌الله ص آمده که **لولا تمریج فی قلوبکم وتکثیر فی کلامکم، لرأیتم ما أری ولسمعتم ما أسمع**[١٧٥] [١] از آثار سکوت و اخلاصِ قلب دیدن و شنیدن آنچیزی است که پیامبر می‌دیده و می‌شنیده، پس این فرد می‌تواند از غیب خبر دهد ولی کاهن نمی‌باشد و روایات در این باب محیر العقول و بسیار زیاد است مثلاً در روایت می‌فرماید[١٧٦] **أن الذاکرین من عباده قد بلغ به هم المقام إلی درجة یناجیهم الله فی سرائر ضمائرهم، ویکلمهم من طریق عقولهم، فهل یوجد مقام أرفع من هذا، أو درجة أشرف من تلک** [٢] که در جریان حارثة بن مالک بن النعمان الأنصاری از غیب و آینده خبر داد و پیامبر ص خبر او را شنید و انکار هم نفرمود بلکه تأیید فرمودند و برای او دعا کردند لذا این مورد هم از کهانت خارج است اما تعریف کهانت اگر اخبار از غیب و آینده باشد او را نیز می‌گیرد متن حدیث،[١٧٧] **إن رسول‌الله- صلی الله علیه و آله- صلی بالناس الصبح فنظر إلی شاب فی المسجد و هو یخفق و یهوی برأسه، مصفرا لونه، قد نحف جسمه، و غارت عیناه فی رأسه، فقال له رسول‌الله- صلی الله علیه و آله- کیف أصبحت یا فلان؟ قال: أصبحت یا رسول‌الله! موقنا، فعجب رسول‌الله من قوله، و قال له: إن لکل یقین حقیقة فما حقیقة یقینک؟ فقال: إن یقینی یا رسول‌الله هو الذی أحزننی، و أسهر لیلی و أظمأ هواجری، فعزفت نفسی عن الدنیا و ما فیها حتی کأنی أنظر إلی عرش ربی و قد نصب للحساب، و حشر الخلایق لذلک، و أنا فیهم، و کأنی أنظر إلی أهل الجنة یتنعمون فی الجنة و یتعارفون علی الأرائک متکئون، و کأنی أنظر إلی أهل النار و**

---

[١] مفاهیم القرآن، ج ٣، ص: ٢٣٣

[٢] مفاهیم القرآن، ج ٣، ص: ٢٣٤

هم فیها معذبون مصطرخون، و کأنی الآن أسمع زفیر النار یدور فی مسامعی. فقال رسول‌الله- صلی الله علیه و آله- هذا عبد نور الله قلبه بالایمان، ثم قال له: الزم ما أنت علیه، فقال الشاب: ادع الله لی یا رسول‌الله أن ارزق الشهادة معک، فدعا له رسول‌الله- صلی الله علیه و آله- فلم یلبث أن خرج فی بعض غزوات النبی- صلی الله علیه و آله- فاستشهد بعد تسعة نفر و کان هو العاشر [۱] در قرآن نیز به ارتباط به غیب اشاره شده که انسان در اثر استقامت در راه حق می‌تواند با ملائکه ازتباط بر قرار کند و چه‌بسا موجب علم غیب گردد [۱۷۸] **إِنَّ الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیهِمُ الْمَلائِکةُ أَلاَّ تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتی کنْتُمْ تُوعَدُون** [۲] این واضح است که تا قبل از نبوت رسول‌الله ص شیاطین با آسمانها صعود کرده و استراق سمع می‌کردند و به دوستان زمینی کاهن خود خبر می‌دادند و کاهن از این راه خبر از آینده می‌داد حال اگر انسان بر اثر تزکیه‌یِ نفس به این مرحله برسد که با ملائکه ارتباط پیدا کند مطمئناً از آینده خبر می‌دهد ولی کاهن هم نیست و دیدیم در آیه قرآن اصل ارتباط با ملائکه نیز بیان شده است که البته علماء سیر سلوک مباحث مفصلی پیرامون ارتباط با ملائکه موکل دارند که مجال پرداختن به آن‌ها نیست یا علماء سیر و سلوک تاثیرات مختلفی برای اسماء الله قائل هستند که در اثر مداومت بر آنان می‌توانند از امور آینده خبر دهد که مطمئناً این افراد که به شهود عرفانی می‌رسند خبر از آینده می‌دهند اما کاهن نیستند.

۳ - در کتب ادعیه دستورهای بسیاری برای خوابهای صادقه بیان شده که حتی می‌توانیم به مفاتیح الجنان نیز مراجعه کنیم که اگر خواستیم اهل‌بیت ع و یا علماء را در خواب زیارت نماییم چه انجام دهیم و سؤال خود را بپرسیم و جواب بگیریم که منجر به اخبار از آینده می‌شود ولی این فرد کاهن نیست که در روایت می‌فرماید: **إِنَّ الرُّؤْیا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِینَ جُزْءً مِنَ**

---

[۱] الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص: ۵۴

۲ فصلت آیه‌یِ ۳۰

النُّبُوَّة [۱] [۱۷۹]عالم به علم به نجوم اخبار از آینده می‌دهد ولی کاهن نیست بلکه منجم است که در قطره ۹۸۷ کتاب هزار و یک قطره بحث نموده‌ایم.

۴ - طبیب با معاینه بیمار و حتی دیدن رنگ و آثار بر روی پوست شخص از مریضیهای پنهان و حتی آینده شخص خبر می‌دهد و هیچ‌کس چنین چیزی را کهانت نمی‌داند، اعجبِ اخبار از حالِ افراد در اخبارِ نَبّاض است که از بررسی حالت نبض اخبار محیر العقول می‌دهد که می‌توان به کتب این فن مراجعه نمود.

۵ - عالم به علم جفر خبر از آینده می‌دهد ولی کاهن نیست که میدانیم جفر و جامعه از علوم اهل‌بیت ع و البته علماء نیز در این زمینه کتابها نوشته‌اند که در روایت در مورد شرافت جفر می‌فرماید: **إِنَّ عِنْدَنَا الْجَفْرَ وَ مَا يدْرِيهِمْ مَا الْجَفْرُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْجَفْرُ قَالَ وِعَاءٌ مِنْ أَدَمٍ فِيهِ عِلْمُ النَّبِيينَ وَ الْوَصِيينَ وَ عِلْمُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ مَضَوْا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ قُلْتُ إِنَّ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْم** [۲] [۱۸۰]

۶ سیاستمدار اخبار از آینده می‌دهد و کسی او را کاهن نمی‌داند.

۷ بررسی کننده‌یِ آمار در مسائل مختلف اخبار از آینده می‌دهد ولی کسی او را کاهن نمی‌داند.

۸ هواشناس با بررسی نقشه‌های هواشناسی اخبار از آینده می‌دهد و در عین حال کسی او را کاهن نمی‌داند.

۹ زمین شناس و دانشمندان این حوزه از وقوع زلزله و سونامی فرونشست زمین (خسف) وقوع خشک‌سالی وقوع آتش سوزی و امثال‌ذلک خبر می‌دهند و کسی آنان را کاهن نمی‌داند.

۱۰ در تمامی جوامع هستند کسانی که معروف هستند به اینکه حِسِّ ششم دارند و از آینده خبر می‌دهند و دارای فهمی قوی هستند ولی کسی آنان را کاهن نمی‌داند.

۱۱ از راه کنکاش درآیات و روایات افرادی هستند که اخبار از آینده می‌دهند ولی کسی آنان را کاهن نمی‌داند.

۱۲ در میان علومِ جدید علمی به نام منتالیست وجود دارد که شخص از ذهن افراد و یا از اموری در آینده خبر می‌دهد که سعید فتحی روشن در ایران از افراد شناخته‌شده این علم است که

---

[۱] عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۵۸ ۴

[۲] الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱، ص ۵۹۵

این اشخاص نیز بنا بر تواناییهای خود از آینده خبر می‌دهند ولی عنوان کاهن بر آنان صدق نمی‌کند در عین حال فعل آنان ذهن بسیاری را به خود مشغول می‌نماید.

۱۳ نجوم جدید یا آسترولوژی نیز که شبیه تنجیم است نیز از آینده خبر می‌دهد ولی عنوان کاهن بر آنان صدق نمی‌کند.

۱۴ انواع و اقسام طالع بینی نیز در کتب علماء ذکرشده ولی هیچ‌کدام کهانت نمی‌باشد که می‌توانیم به کتاب‌های شیخ بهایی یا مخازن ملااحمد نراقی مراجعه نماییم.

به‌هرحال اموری که منجر به اخبار آینده می‌شوند زیاد است و ما چند مورد آن را ذکر نمودیم و اصولاً آینده‌پژوهی یکی از ضروریات امروز بشر برای آمادگی برای آینده است حال برخی از آن‌ها دانشگاهی و برخی از آنان سنتی می‌باشد مانند احضارات و رمل و قوه حَدس (فهم امور بدون مقدمه و صغری و کبری واسطه به خلاف وحی که واسطه دارد) و .... با توجه به امور گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که نمی‌توان کاهن را مخبر از آینده دانست لذا رابطه بین کهانت و اخبار از آینده عموم خصوص مطلق می‌باشد پس کهانت چیست؟

یکی دیگر از راههایی که منجر به اخبار از آینده است ارتباط با شیاطین است که شیاطین به علت خلقت خاصی که دارند اموری برای آنان آشکار است که برای ما پنهان است و دوستی و نزدیک شدن به آنان موجب علم و اطلاع از امور پنهان می‌گردد که قرآن می‌فرماید: **إنَّ الشَّیاطینَ لَیوحُونَ إلی أَوْلیائِهِم شیاطین** [۱] شیاطین به دوستان خود وحی می‌کنند، البته این حقیقت که شیاطین از ورود به آسمان و آگاهی از اخبار آسمانی ممنوع هستند جای خود ولی با این وجود شیاطین از اموری آگاهی دارند که برای بشر پوشیده است و در عین حال نیاز به عروج به سماء هم ندارد مانند آگاهی از امور داخل زمین و یا اموری که در خلوت انسان‌ها و جلسات خصوصی می‌گذرد و ... برای تأیید این معنی می‌توانیم به این حدیث استناد نماییم «**إنّ الشیاطین کانت تَسترِق السَّمَع فی الجاهلیة و تُلقیه إلی الکهَنة فتَزید فیه ما تَزِید و یقبله الکفار منهم** [۲] [۱۸۱] پس می‌توان نتیجه گرفت در شرع مقدس در معنای کهانه ارتباط با

---

[۱] انعام آیه ۱۲۱

[۲] لسان العرب، ج ۱۳، ص: ۳۶۴

شیطان لحاظ شده است پس معنای صحیح برای کهانت چیزی است که لسان العرب از قول الازهری گفته که ارتباط با شیطان در معنای کهانت داخل است که کهانت را این‌گونه تعریف نموده است: **كانت الكهَانةُ فی العرب قبلَ مَبعَث النبی صلی اللَّه علیه و سلّم، فلمّا بُعِث نبیاً و حُرسَت السماءُ بالشُّهُب، و منِعت الجِنّ وَ مَرَدَةُ الشّیاطین من استِراق السَّمْع و إلقائِه إلی الکهَنة بَطَل عِلمُ الکهَانة، و أزهَق اللَّه أباطیلَ الکهَّان بالفُرقان الَّذی فرق جل و عزّ به بین الحقّ و الباطل، و أطلَع اللَّه نبیه بالوَحْی علی ما شاء من عِلْم الغُیوب الَّتی عَجَزَت الکهَنةُ عن الإحاطة به، فلا کهَانةَ الیومَ به حمد اللَّه و مَنِّه**[۱]. [۱۸۲] شیخ انصاری نیز در مکاسب محرّمه در مسئله کهانت فرموده: آنچه از اکثر علما در تعریف کاهن نقل‌شده همانست که در قواعد گفته: کاهن کسی است که رفیقی از جنّ دارد و به او اخبار میاورد[۲]. ابن اثیر در نهایه گفته بعضی از کاهنان عرب می‌گفتند که جنّ اخبار غیب را بآنها می‌رساند. مرحوم طبرسی نیز در تعریف کهانت می‌فرمایند: کاهن کسی است که با استخدام جن مدعی علم غیب است ، در این حدیث نیز تصریح‌شده که کهانت با ارتباط با شیطان رابطه مستقیم دارد **عَنْ زُرَارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: أَنَّهُ كانَ رِجالٌ مِنَ الْإِنْسِ یعُوذُونَ بِرِجالٍ مِنَ الْجِنِّ- فَزادُوهُمْ رَهَقاً قَالَ: الرَّجُلُ ینْطَلِقُ إِلَی الْكاهِنِ الَّذِی كانَ یوحِی إِلَیهِ الشَّیطَانُ فَیقُولُ قُلْ لِشَیطَانِک إِنَّ فُلَاناً فَقَدْ عَاذَ بِک**[۳]. [۱۸۳] حتی اگر ما تعریف کهانت را از این نحو استدلال نپذیریم به علت حکم سختی که کهانت دارد باید احتیاط نموده و تنها در مورد یقینی آن کهانت را جاری بدانیم و در سایر موارد یا برائت و یا استصحاب حِلّیَّت جاری نماییم، حال شاید با دلیل دیگر حرمت موارد دیگر اخبار از آینده را نیز اثبات نماییم مثلاً کسی از دلیل دیگر حرمت اخبار از غیب توسط احضار روح یا ملائکه و یا سحر و ... را اثبات نماید اما کلام این است که آن عناوین در ذیل کهانت داخل نمی‌باشد پس نتیجه اینکه کهانت تنها در مورد اخبار از غیب توسط ارتباط با شیطان می‌باشد که حتی اگر کسی به‌واسطه ارتباط با جن نیز اخبار از آینده دهد باز عنوان کاهن بر او صدق نمی‌کند زیرا جن اعم از شیطان است، جن انواع و اقسامی دارد که یک فرقه از آن‌ها شیاطین هستند و الا در مورد جن مؤمنین هم وجود دارند که چه‌بسا به عللی ارتباط

---

۱ لسان العرب، ج ۱۳، ص: ۳۶۴

۲ قاموس قرآن، ج ۶، ص: ۱۶۶

۳ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۰، ص: ۱۲۲

جن مؤمن با انسان مؤمن برقرار شده باشد و از اموری مؤمن انسان را اخبار داده باشد که البته آن امور برای انسان‌ها غیب و برای جن شهادت بوده باشد، نکته‌یِ دیگر اینکه سالک در سیر و سلوک خود محتاج عبادت است که در نتیجه به ارتباط با ملائکه می‌انجامد و چه‌بسا از غیب خبر دار شود و از آن‌طرف کاهن برای اینکه از اولیاء شیطان گردد محتاج عظیم‌ترین گناهان می‌باشد پس مقدمه کهانت انجام کبائر بسیاری می‌باشد، نکته‌یِ آخر اینکه شیاطین بعد از نبوت نبینا محمد ص از اخبار آسمانی منع شدند اما منعی از اخبار زمینی برای آنان وجود ندارد و این اخبار زمینی نیز انواع بسیاری دارد که برای ما انسان‌ها غیب است اما علم آن امور در توان و قدرت شیاطین می‌باشد. [۱۸۴] ۲۸ مهر ۱۳۹۸

قطره ۱۱۸ تنجیم تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۹۸

همان‌گونه که واضح است ادعای انفطار السماء که در قطره هزار بحث آن آمده است ارتباط مستقیم با مباحث نجومی دارد لذا در سه مقام مباحث اجمالی نجوم را مطرح می‌نماییم:

مقام اول: آیا اجرام آسمانی می‌تواند علت برای اتفاقات زمینی باشند؟

مقام دوم: برفرض تأثیرگذاری اجرام آسمانی آیا امکان استفاده از حالات نجومی برای رسیدن به اهداف زمینی وجود دارد؟

مقام سوم: بنابر مثبت بودن دو سؤال در دو مقام قبل آیا در شرع مقدس چنین اموری مورد نهی واقع‌شده است؟

مقام اول: آیا اجرام آسمانی می‌توانند علت برای اتفاقات زمینی باشند یا خیر؟ ما در این بحث از اموری استفاده می‌نماییم که جای انکار برای هیچ طایفه از علما و دانشمندان باقی نماند بلکه از امور بدیهی مدعای خود را اثبات می‌نماییم لذا از استدلال فلاسفه به صور نوعیه منطبعه در مواد و ذی نفس بودن موجودات مادی و یا حتی دلایل روایی و قرآنی صرف‌نظر می‌نماییم- همه میدانیم که تمامی موجودات مادی از دو حال خارج نیستند یا این موجودات گرم هستند و یا سرد و یا اینکه خشک هستند و یا تَر حتی موجوداتی که به‌عنوان معتدل مطرح هستند مقداری به یکی از این دو حالت متمایل هستند پس طبق این قاعده تمامی اجرام آسمانی یا گرم و خشک هستند مانند خورشید، یا گرم و تر هستند مانند زمین، یا سرد و خشک هستند مانند کیوان، یا سرد و تر هستند

مانند بهرام البته در عین اینکه تمامی اجرام دریکی از این چهار دسته قرار دارند مراتب هر دسته نیز به تعداد اجرام آسمانی می‌باشد چراکه هیچ موجود تکراری از ازل تا به ابد وجود ندارد و این مطلب را یا از قاعده **لا تکرار فی التجلی** [۱۸۵] و یا از راه استقراء و یا با دلایل عقلی می‌توان اثبات نمود، پس همان‌گونه که هیچ خطوط سرانگشتی عین هم نبوده و نیستند هیچ دو جرم آسمانی هم از تمام جهات عین هم نمی‌باشند، طبق عقیده بنده تعداد این موجودات بی‌نهایت است زیرا که **ما کان عطاء ربک محظورا** [۱۸۶] - **ای ممنوعا او محدودا** و هر به دو معنی مقصود ما حاصل است - و دلیل عقلی این مطلب اینکه خداوند که موجود مطلق است علم و قدرتش نیز حدوحصری ندارد و لذا مخلوقات بی‌حد و بی حصر خواهد داشت اگرچه فیزیک کنونی تا رسیدن به این علم سال‌ها کنکاش لازم دارد اما ما با دلایل عقلی به این راز عالم رسیده‌ایم، پس در عین اینکه اجرام آسمانی چهار دسته هستند مراتب هر دسته را می‌توان بی‌نهایت یافت و هر جرم آسمانی را در مرتبه‌ای قرار دارد ما اسم این چهار دسته را مزاج جرم می‌گذاریم که شامل ستاره‌ها و سیاره‌ها و سیاهچاله‌ها و دنباله‌دارها و ... می‌باشد، البته چه‌بسا جرمی چند مزاج داشته باشد و یا آنکه از تقارن و اجتماع دو یا چند و چندین جرم مزاج مرکبی شکل بگیرد، از طرفی دیگر هر جرم آسمانی دارای خصوصیات مخصوص به خود است که به آن فعل یا ذاتیات آن جرم گفته می‌شود مثلاً ممکن است جرمی از اجرام آسمانی چگالی قوی داشته باشد و برای سایر ستارگان اَکّال باشد ممکن است جرمی دیگر جذب‌کننده باشد ممکن است جرم دیگر فرّار باشد که فعل و خصوصیات ذاتی اجرام آسمانی برحسب ماده تشکیل‌دهنده، بزرگی و کوچکی، سرعت و مدار حرکت، چگالی و ... تغییر می‌کند، آنچه گفتیم از مزاج و فعل در مورد موجودات زمینی بلکه در رابطه با هر موجود مادی قابل تطبیق است یعنی هر موجود مادی مزاج و فعل مخصوص به خود دارد مثلاً مزاج نمک گرم و خشک است و فعل آن به غیر گرم‌کنندگی و خشک‌کردن، قابض نیز می‌باشد و در میان گیاهان سنای مکی نیز گرم و خشک است ولی فعل آن مسهل می‌باشد، باهمین قاعده است که ما گیاهان دارویی و بیماری‌ها و نسخه‌های درمانی را می‌شناسیم لذا از همین راه می‌توان در اجرام آسمانی کنکاش نمود و به مزاج و فعل سیارات آگاهی پیدا نمود و همان‌گونه که مجاورت با گیاهی می‌تواند اثری بر ما بگذارد نزدیکی و دوری یک جرم آسمانی نیز می‌تواند بر تک‌تک موجودات زمینی تأثیر بگذارد، برای دانشمند نجوم بدیهی است که چه زمانی هوا تاریک می‌شود و خورشید غروب می‌کند و چه زمانی خورشید طلوع می‌کند چه زمانی زمین در دورترین فاصله از خورشید است و زمستان شکل می‌گیرد و چه زمان در نزدیک‌ترین فاصله به خورشید است و تابستان شکل می‌گیرد؟ حتی بامطالعه دقیق حرکت کواکب بیان می‌کند چه زمان ماه در بین

زمین و خورشید است و کسوف می‌شود و چه زمانی زمین بین ماه و خوشید است و ماه‌گرفتگی می‌شود، با محاسبه این امور دانشمند نجوم میلیاردها اتفاقی که از نزدیک شدن زمین به خورشید که جرم گرم و خشک است را اعلام می‌کند مانند وقوع گرما و کم شدن ریزش باران در تابستان و پیدایش اموری که از نزدیکی زمین به خورشید به وقوع می‌پیوندد و یا از مطالعه ماه و کامل شدن هلال آن اخبار به جزر و مد وقوع حوادث دریایی می‌دهد و مطالبی که بیان شد اموری بدیهی بود برای کشف مجهولی بزرگ است، پس هر جرم آسمانی مزاج و فعل مختص به خود دارد که از آن جرم آسمانی اثراتی به ما می‌رسد و چه‌بسا از نزدیک شدن و یا مقارنه چند جرم اثرات جدیدی تولید گردد و دانشمند این علم این رابطه علت و معلولی بین آن جرم و اتفاقات در حال وقوع را کشف می‌نماید، ذکر این نکته لازم است بدانیم تمامی اموری که در زمین اتفاق می‌افتد ناشی از وضعیت اجرام آسمانی که بدیهی‌ترین آن وجود خورشید و ماه است که اگر خورشید نبود حیاتی در زمین جاری نبود و لکن برای عموم مردم که از اجرام آسمانی خبر ندارند تأثیرات ستارگان دیگر بر امور زمینی پنهان و ناشناخته است و چه‌بسا برای عالمان علم نجوم این امور بدیهی باشد البته این واقعیتی غیرقابل‌انکار است که دانشمند عالی علم نجوم علمش در مقابل چیزی که نمی‌داند مانند قطره در مقابل دریاست، پس در حقیقت نجوم نیز مانند طب است زیرا مبنای هر دو بر یک اساس است و هر دو علم تمرکز بر مزاج و خواص اشیاء و رابطه علت و معلولی بین یک شیء و شیء دیگر دارد در طب مزاج شخص و بیماری و داروها تشخیص داده‌شده و هر درد را با ضدّ آن درمان می‌کنند بیماری سرد و خشک را با داروی گرم و تر درمان می‌کنند و الی‌آخر و در نجوم احوالات و امور تکوینیِ در حال وقوع را از دوری و نزدیکی ستارگان درمی‌یابند، البته لازم است ذکر نمایم وسعت علم نجوم به وسعت آسمان است و علم کامل و تام آن تنها در دست خدا و اهل‌بیت ع می‌باشد اما به نص قرآن ما نیز بهره‌ای از آن داریم که کلام‌الله می‌فرماید: **وَ رَبُّک أَعْلَمُ بِمَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْض** [۱۸۷] البته امر قرآنی ما را به تحقیق در مورد آسمان وامی‌دارد که قرآن می‌فرماید: **قُلِ انْظُرُوا ما ذا فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ** [۱۸۸] پس تمامی اجرام آسمانی مزاج و فعلی دارند و نزدیک شدن آن‌ها به ما می‌تواند سبب بروز اموری در زمین گردد که بر تمامی موجودات زمینی اثر خواهد گذاشت و ما می‌توانیم بامطالعه ستارگان این امور را کشف نماییم، کما اینکه عالم طب در مورد گیاهان و بیماری‌ها مطالعه می‌کند و از آثار گیاهان و معدنیات بر بدن انسان خبر می‌دهد عالم نجوم هم‌چنین کاری می‌کند، در اینجا تأکید می‌کنم که بامطالعه اجرام

آسمانی و شناخت مزاج و فعل آنان در حقیقت می‌توان مُعِدّات بروز اتفاقات آینده را یافت وقایعی را پیش‌بینی کرد، مثلاً علم امروز به این مسئله پی برده است که در ایام ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ قمری زمانی که هلال ماه کامل می‌شود زمینه بروز عصبانیت و طلاق و دعوا و پرخاشگری و بروز سکته در بین انسان‌ها بیشتر می‌شود زیرا ماه نه‌فقط بر روی آب دریا تأثیر می‌گذارد بلکه بر روی تمامی موجودات زمین تأثیر می‌گذارد و در این ایام همه موجودات زمینی به‌نوعی تحت تأثیر جاذبه ماه قرارگرفته که ازجمله این اشیاء خون درون بدن انسان است که این خون به‌طرف سر میل می‌نماید و زمینه بروز رفتار گفته‌شده در انسان را پدید می‌آورد و لذا می‌توانیم در این زمان مراقبت‌های ویژه‌ای داشته باشیم تا اثرات سوء این پدیده جوی به ما نرسد.

مقام دوم: برفرض تأثیرگذاری اجرام آسمانی آیا امکان استفاده از حالات نجومی برای رسیدن به اهداف زمینی وجود دارد؟ بازهم برای پاسخ از امور بدیهی استفاده می‌کنیم، امروزه بسیاری از ماهیگیران برای امرارمعاش خود از جزر و مد دریا استفاده می‌کنند و این مسئله یک پدیده نجومی است، بسیاری از مردم برای برنزه نمودن پوست خود از خورشید استفاده می‌کنند و یا برای ثابت نگاه‌داشتن ماهواره در مدار خود از مدار جاذبه استفاده می‌کنند شاید بتوان گفت که بیشتر بلکه تمام امور تکوینی زمین به ستارگان بستگی دارد، شما خورشید را حذف کنید آیا چیزی برای زنده ماندن باقی می‌ماند و خورشید و امور مربوط به آن‌یکی از امور نجومی است، پس جواب سؤال این است نه‌تنها اجرام آسمانی تأثیرگذار هستند بلکه از ضروریات زندگی ما استفاده از امور نجومی برای زندگی می‌باشد و هر چه اطلاعات ما بیشتر باشد بهره‌برداری ما بیشتر می‌شود، تمامی انسان‌ها با توجه به امور جوی و سماوی که اتفاق می‌افتد خود را برای فردا و ماه‌ها و سال‌های بعد آماده می‌کنند و این ضروریات اولیه انسان‌ها بوده و هست و خواهد بود، پس ما اگر مطالعه دقیق‌تری در مورد ستارگان داشته باشیم می‌توانیم خود را برای فردایی بهتر آماده نماییم.

مقام سوم بنابر مثبت بودن دو سؤال در دو مقام قبل آیا در شرع مقدس چنین اموری مورد نهی واقع‌شده است یا خیر؟ گفته شد که نجوم بر مبنای مزاج و خاصیات و تأثیرات اجرام آسمانی بر روی موجودات زمینی می‌باشد و آگاهی از این امور می‌تواند ما را برای وقایع آینده آماده نماید کما اینکه هواشناسی و طب چنین است، پس می‌توان نتیجه گرفت یکی از علوم ضروری برای زندگانی ما نجوم می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت یادگیری چنین علمی نه‌تنها حرام نیست بلکه واجب کفایی می‌باشد از طرفی علم نجوم از علوم انبیاء است کما اینکه قرآن در مورد ابراهیم ع می‌فرماید **فَنَظَرَ نَظْرَةً فِی النُّجُومِ فَقَالَ إِنی سَقِیم** [۱۸۹] و میدانیم که طبق آیه ۳۲ سوره فاطر علوم انبیاء به بعض علماء شیعه به ارث رسیده اگرچه این علوم در دست تعداد محدودی از علما

باشد پس اصل مسئله را نمی‌توان انکار کرد[۱۹۰] که میدانیم تعداد بسیاری از علماء در این زمینه کتاب‌ها دارند لذا نمی‌توانیم آن علما را دروغ‌گو یا جاهل بدانیم، اما نهی در نجوم شاید به این امور برگردد:

۱ نهی از نجومی که مبنای علمی ندارد

۲ نهی از نجومی که قائل به استقلال تأثیرگذاری اجرام آسمانی در امور زمینی دارد که یا مستلزم شرک و یا کفر است

۳ نهی از نجومی که اجرام آسمانی را علت تامه و لایتغیر می‌داند که یا مستلزم جبر و یا تفویض است

۴ نهی از نجومی که از راه ارتباط با اجنه باشد

۵ نهی از مراجعه به منجمین دروغ‌گو اهل فساد

به‌هرحال اجرام آسمانی یکی از علل ناقصه در پدید آمدن امور زمینی هستند و بین امور زمینی و اجرام آسمانی رابطه علت و معلول می‌باشد و ضرورت زندگی بشریت از ابتدا بر این مسیر بوده و هر چه علم ما بیشتر شود می‌توانیم از این موهبت الهی بیشتر منفعت ببریم آیا غیرازاین است که ما با شناخت خورشید در ابتدای زمستان حکم می‌کنیم که شش ماه دیگر وضعیت خورشید به زمین نزدیک است و بارندگی کم می‌شود و رودخانه‌ها خشک می‌شوند و در بین انسان‌ها امراض گرم شایع می‌شوند و در بین حیوانات و زمین‌ها و ... چنین و چنان می‌شود آیا تمامی این امور غیر از نجوم است؟ حال اطلاعات ما تنها در مورد خورشید است و چنین وقایعی را میگوییم اگر علم ما نسبت به سیارات دیگر نیز افزایش یابد احکام صادره از ما بیشتر خواهد بود از جهت دیگر بخواهم بیان کنم اینکه:

انسان عالم صغیر و عالم انسان کبیر است اگر بین تمامی اعضاء و جوارح انسان رابطه علت و معلولی برقرار است بین تمامی عالم نیز رابطه علت و معلولی برقرار است و هر جزء عالم بر تمام عالم تأثیر دارد بله از منظر عقل حرکات یک ماهی در زیر اقیانوس بر دورترین کهکشان تأثیر دارد اگرچه که هیچ‌گاه نخواهیم توانست این تأثیر را کشف نماییم اما عقل ما این قاعده را کشف می‌کند، اگرچه که ما نتوانیم رابطه علت و معلولی بین اتفاقات خیلی جزئی عالم و ستارگان را کشف کنیم اما امور کلی که قابل‌کشف می‌باشد و **ما لا یدرک کله لا یترک کله** [۱۹۱] آیا عقل حکم نمی‌کند که از اجتماع و تقارن چند ستاره گرم‌مزاج گرما و خشک‌سالی شدید درراه است؟ و

قس علی ذلک اجتماع چند ستاره هم مزاج و یا هم خاصیت ... مضافاً بر اینکه ابزار کنونیِ علمی برای ستارگان هاله یا فرکانس و امواج مشخصی را کشف نموده‌اند و تمامی این امور بر موجودات زمینی تأثیرگذار می‌باشد، پس علم نجوم مبنای دقیق علمی و عقلی دارد و بر اساس مزاج و خواص اجرام سخن می‌گوید و اهل‌بیت ع هیچ‌گاه با علم مخالفت نکرده‌اند، علم نجوم انسان را از خدا نیز دور نمی‌کند زیرا ما ستارگان را عللِ طولی و مخلوقِ خداوند میدانیم و علت تامه برای وقوع حوادث نمی‌دانیم همان‌گونه که در طب چنین است اگر طبیب حکم به قریب‌الوقوع بودن موت بیمار نماید ما به او نمی‌گوییم مرگ را فقط خدا می‌داند و تو دروغ میگویی، او بر اساس مبانی علمی خود سخن می‌گوید و مأجور است و چه‌بسا اخبار طبیب از مرگ باعث شود ما به درگاه خدا التجاء کرده و طلب رحمت نماییم و حتی بیمار نیز شفا یابد ولی به طبیب نمی‌گوییم دروغ گفت، در مورد اخبار منجم نیز چنین است شاید بر اساس مبانی خود هشداری دهد و ما با آمادگی و توسل از اتفاق وخیم گفته‌شده رهایی یابیم، میگویند منجم پیشگویی می‌کند و ... بله هر عالمی از منظر خود حوادث آینده را از راه علت و معلول کشف می‌نماید طبیب به نحوی خبر می‌دهد و همین‌گونه عالم دینی و هواشناس و زلزله‌شناس و ... پیشگویی بر اساس مبانی علمی امر مذمومی نیست که اگر این‌گونه باشد بساط بسیاری از علوم ضروری انسان‌ها برچیده می‌شود، میگویند نجوم تنها در دست اهل‌بیت ع است، نه‌تنها نجوم بلکه تمامی علوم تنها در دست اهل‌بیت ع است و علمای این فن نجوم را نیز به اهل‌بیت ع برمی‌گردانند منتهی عالمی که در این زمینه تخصص ندارد بالکل این علم را رد می‌نماید، علماء ورثه انبیاء و اهل‌بیت ع هستند و دلیلی نداریم که فقط فقه از اهل‌بیت ع به علماء رسیده باشد لذا کسی نمی‌تواند به دلیل عدم علم به نجوم علم نجوم را بالکل رد نماید، این مطلب هم مردود است که کسی بگوید منجم خود را در علم الهی شریک می‌داند کما اینکه هیچ‌کس اخبار طبیب از آینده مریض را مساوی با شرکت در علم الهی نمی‌داند، میگویند منجم دروغ می‌گوید اولاً در همه رشته‌ها عالم نما و دروغ‌گوجود دارد شما به عالمان راست‌گوی هر رشته مراجعه نمایید ثانیاً: دروغ نمی‌گوید اشتباه کرده کما اینکه در همه رشته‌ها حتی فقه و طب نیز اشتباه وجود دارد ثالثاً: نجوم علت تامه برای بروز حوادث نیست مثلاً عالم نجوم از تقارن چند ستاره گرم و خشک حکم به نزول گرما و خشک‌سالی و ظهور بیماری‌های گرم و زلزله و موت حیوانات و ... نموده است درحالی‌که این علم باید در کنار علم زمین‌شناسی و طبابت و ... قرار گیرد تا به‌صورت شفاف وقایع کشف شود یعنی تنها زمانی حکم به وقایع آینده به‌صورت دقیق صحیح است که حکیمی که از تمامی این علوم بهره دارد حکم نماید حکیم حکمِ منجم را می‌شنود که از تقارن ستاره‌های گرم و خشک چه وعده‌ای داده سپس حکیم برای بیماران دموی

که مزاجشان مطابق با تقارن ستاره‌های گرم و خشک است هشدار می‌دهد و برای انسان‌های بلغمی که سرد و تر هستند بشارت می‌دهد همین‌گونه در مورد نباتات و شهرها و حیوانات و دریاها نیز احکامی را بیان می‌دارد پس منجم دروغ نگفته بلکه به دلیل عدم احاطه او به سایر علوم نتوانسته حکم دقیق‌تر و شفاف‌تری را بیان دارد، اما او به‌اندازه علم خود راست گفته است و ادنا مطالعه تاریخ برای ما کشف می‌کند که تمامی طوایف انسان‌ها از این علم بهره برده‌اند ظالمین مانند نمرودها و فراعنه ل از راه نجوم از ظهور پیامبران آگاه می‌گشته و برای مقابله آماده می‌شدند و مؤمنین مانند ابراهیم ع نیز از این علوم بهره می‌برده‌اند که قرآن می‌فرماید **فَنَظَرَ نَظْرَةً فی النُّجُومِ فَقَالَ إِنی سَقِیمٌ** [۱۹۲] آیا این‌همه هشدار و روایت در رابطه با تأثیر قمر در عقرب و یا تأثیر جماع در ابتدا یا انتهای ماه بر روی انسان‌ها مخصوصاً بر روی مولود غیر از علم نجوم است؟ اهل‌بیت ع کلیات را بیان کرده‌اند و ما فروع را اجتهاد می‌کنیم حتی در نجوم و طب، آیا این‌همه کتبی که علمای شیعه در رابطه با احکام النجوم نوشته‌اند بیهوده و غیرعقلانی بوده؟ در حالی ازلحاظ عقل و تقوا در منتهای قله‌ها بوده‌اند، به‌هرحال علمی که مبنا دارد و به بهتر زیستن ما کمک می‌کند و منجر به حرام نمی‌شود و دلیل قطعی بر حرمت آن وجود ندارد نه‌تنها مباح بلکه می‌توان یافت که واجب کفایی نیز می‌باشد اگرچه که در ابتدای امر گمان انسان به حرمت نجوم رود اما پس از تحقیق رأی انسان تغییر می‌کند و خداوند تمامی عالم را در تسخیر انسان قرار داده چه برسد به ستارگان را: **أَ لَمْ تروآ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْض** [۱۹۳].
شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت: tvshia.com ۱۶ مهر ۱۳۹۸

قطره ۱۱۹ این نامه پنجم است که نوشته می‌شود. تاریخ نامه ۲۵ خرداد ۱۳۹۶

۷۸۶ [۱]

سلام:

[۱] منظور از ۷۸۶ بسم‌الله الرحمن الرحیم می‌باشد که به دلیل احترام به اسم خداوند عدد ذکرشده تا اگر نامه بر روی زمین افتاد عمداً و عالما هتک حرمتی نشده باشد.

این نامه پنجم است که نوشته می‌شود. برای اطلاع بیشتر از نامه‌ها به سایت www.tvshia.com و یا کانال تلگرامی @hodhodbashid مراجعه نمائید؛ اما خلاصه آن نامه‌ها به شرح زیر می‌باشد.

در نامه اول، آینده خطرناکی را که در پیش رو است، ترسیم نموده و راهکار خنثی‌سازی آن نیز بیان گردید. [۱۹٤]

در نامه دوم آشوب‌هایی که در پیش رو است بیان گردید، از آشوبهایی که برای از بین بردن ایران اسلامی می‌آید.

در نامه سوم روشن‌تر بیان نمودیم که چه خطری در پیش است و چه افرادی را تاکنون از این خطر آگاه کرده‌ایم.

نامه چهارم نامه‌ای بود که به‌صورت شفاف زمینه دو آشوبی که در نامه‌های قبل بیان شده بیان گردید و در آنجا اثبات نمودیم که خشک‌سالی و نبود آب ریشه هر مشکلِ اجتماعی می‌باشد و در آینده‌ای نزدیک تمامِ جامعه ایران را به خطر می‌اندازد و باعث هر آشوب و فسادی می‌باشد و اگر سریعاً با خشک‌سالی مبارزه عاقلانه نکنیم اتفاقهای بین سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۲۳ عیناً تکرار می‌شود (که البته خداوند ما را یاری می‌کند ان شاء الله) که آن وقایع عبارت بودند از گرانی و ناامنی و قحطی و بروز پدیده‌ای به نام پهلوی اول و سرنگونی قاجار و بروز جنگ جهانی اول و دوم و نابودی و نسل کشیِ ۴۰ درصد از ایرانیان یعنی ۱۱ میلیون ایرانی، و در آن نامه اعلام نمودیم که حاضر هستیم رئیس‌جمهور محترم جناب آقای حسن روحانی را یاری نماییم تا ریشه خشک‌سالی و بیشتر آشوبهای آینده را از بین ببرد و از آوارگی و مرگ ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی که در آینده نزدیک اتفاق می‌افتد جلوگیری کند. راهکار ما آب‌رسانی از خلیج‌فارس به کل کشور است که اعلام نمودیم فقط در مناظره زنده تلویزیونی با آقای حسن روحانی طرح‌مان را اعلام می‌کنیم، همان‌جا نیز اعلام نمودیم طرح ما از قبیل طرح‌های ارائه شده در مجلس و یا دولت (فعلی، احمدی‌نژاد، هاشمی، پهلوی و ...) نیست؛ برای اینکه اثبات نماییم که این طرح با تمامی طرح‌های گذشته و حال، متفاوت‌تر و کارآمدتر و اجرایی‌تر است، در مناظره دوم با جناب آقای زاکانی در برنامه زنده تلویزیونی، معلوم می‌نماییم که چگونه این طرح، هم در انتقال و شیرین کردن، و تبدیل و اجرایی‌نمودن پروژه، بهتر می‌باشد. چراکه آقای زاکانی هم به انتقال آب خلیج‌فارس به کل کشور اعتقاد دارد، و کار طولانی‌مدت کارشناسی‌شده‌ای بر روی انتقال آب خلیج‌فارس انجام داده است. از تفاوتهای طرح ما با طرح آقای زاکانی این است که در این طرح، میلیاردها هزار دلار صرفه جویی هزینه و به همین اندازه صرفه جویی در نیروی انسانی و تغییر

بسیاری از ساختارهایی که برای پیشرفت اقتصادی ایران لازم است و تغییر در بهره‌برداری پروژه و به ثمر رسیدن آن را به همراه دارد، البته ما سه طرح انتقال آب خلیج‌فارس داریم[۱۹۵] که هرکدام از آن‌ها با طرح آقای زاکانی و حتی هر شخص دیگری که اعتقاد به انتقال آب خلیج‌فارس دارد، زمین تا آسمان فاصله دارد چه ازلحاظ تأمین بودجه و چه ازلحاظ سرعت در عملکرد و...

لازم است این نکته را ذکر نمایم که هرچقدر در اجرایی شدن این طرح غفلت شود صدمات آن تا سال‌های سال بر ایران‌زمین بر جای بماند، باغ‌هایی را که به علت عدم آب‌رسانی در حال خشک شدن است اگر همین الآن به فریاد درختان عطشان آن نرسیم بعد از خشک شدن آن درختان، برای احیاء آن چه مقدار زمان لازم است؟ و در این مدت آیا ما به وارد کننده محصولات کشاورزی تبدیل نشده‌ایم؟ و کشاورزان و باغداران خود را بیکار و فقیر ننموده‌ایم؟ و نتیجه آن فساد و فحشاء در جامعه نخواهد بود؟ در همان نامه نیز اعلام نمودیم در مناظره سوم خشک‌سالی جهانی را در مناظره زنده به‌تمامی دول و ملل اعلام می‌نماییم و راهکار اصلی مبارزه با آن را نیز به جهانیان نشان می‌دهیم که ثمرات این حرکت بیشمار است که در فرصت دیگر توضیح خواهیم داد.

آنچه واضح است اینکه خشک‌سالی حدود یک قرن است در ایران واردشده و اثرات شوم آن گاهی بر همگان و در اکثر اوقات بر خواص مشهود بوده است، ولی با نگاهی عمیق به دلایل گرانی گوشت و لبینات و مسکن و بالا رفتن سن ازدواج و هجوم مردم از روستا به شهر و مشکلات شهرنشینی و امور ریز و درشت دیگر، معلوم می‌شود ریشه تمامیِ مشکلات جامعه حتی ریشه مشکلات فرهنگی و ناهنجاریهای اجتماعی از فقر و بیکاری و رکود و گرانی و... همه به خشک‌سالی بر می‌گردد، اگر آب بود تمامیِ شغلها باقدرت به کار خود ادامه می‌دادند و اجناس ارزان می‌شد. شاید باور این قضیه در اول برای بعضی مشکل باشد که مثلاً صنعت فولاد و یا خودروسازی و پارچه و کیف و کفش و مسکن و ... چه ربطی به آب دارد؟ بله صنایعی مانند کشاورزی و دامداری به آب ارتباط مستقیم دارد ولی آن‌ها چطور؟ واقعیت این است که تمامی امور به آب ربط دارد و خشک‌سالی سبب گرانی و یا حتی تعطیلی تمامی صنایع می‌شود که این امور را در جای خود اثبات نموده‌ایم. مثلاً میدانید برای تولید خودرو بیش از ۷۰۰/۰۰۰ لیتر آب لازم است و یا برای تولید هر تن فولاد ۵ مترمکعب آب مصرف می‌شود، یا اینکه اگر آب بود، دام‌هایی مانند گوسفند و گاو... فراوان می‌شد و آنگاه پوست ارزان می‌شد و در آن صورت قیمت کفش چینی از کفش ایرانی ارزانتر نبود، اگر آب بود پشم حیوان و یا تولید پنبه زیاد می‌شد و لذا قیمت پارچه و

لباس نیز ارزان می‌شد، و در کل اگر آب بود زمینه بیکاری برای هر ایرانی از بین می‌رفت و همه می‌توانستند کاری برای خود داشته باشند و دیگر لازم نبود روستائیان زمین‌های خود را رها کرده و به شهر بیایند و زمینه مشکلات شهری از گرانی خانه و ترافیک و آلودگی هوا نیز از بین می‌رفت، بله آب نیست که روستائیان روستا را رها کرده و به شهر آمده‌اند لذا ما حتی غذای دام و طیورمان را از خارج وارد می‌کنیم. حتی برنج را از هند و جدیداً از آمریکا وارد می‌نماییم و در آینده نزدیک حتی تمام گندم و حتی آبمان را باید از خارج وارد کنیم، حال سؤال این است که اگر آن‌ها ما را در این اجناس اساسی تحریم کنند چه کنیم؟ آیا دشمنان ما منتظر این فرصت نیستند تا خشک‌سالی همان‌گونه که هم‌اکنون در سیستان و اصفهان و فارس و خراسان جنوبی و یزد و... است، در تمام کشور فراگیر شود و آنگاه از ما انتقام بگیرند.

بله از همین الآن باید به فکر انتقال و شیرین کردن و تبدیل آب خلیج‌فارس باشم و إلا در آینده نزدیک باید شاهد آوارگی ایرانیان باشیم اما به کدام کشور؟ عربستان؟ ترکیه؟ به سمت وهابیت؟ داعش؟ و ....

پیام خشک‌سالی را تاکنون از زبان بسیاری از افرادی که در دولت هستند شنیده‌ایم و ما هم تأیید می‌نماییم؛ ولی حقیقتاً راهکاری برای مبارزه با خشک‌سالی ندارند ما راهکارِ کاربردی را به دولت ارائه می‌دهیم تا زمینه نجات ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی فراهم شود.

البته تمامی سؤال‌ها و شبهات پیرامون این مسئله نیز جواب داده‌شده مانند اینکه هزینه طرح از کجا آورده شود؟ چگونگی شیرین کردن آب خلیج‌فارس؟ چگونگی آب‌رسانی به‌تمامی شهرها و روستاها؟ با پساب آب شیرین شده چه باید کرد؟ مشکل انتقال آب از خلیج‌فارس و اختلاف سطح را چه کنیم؟ تمامی این سؤال‌ها جواب داده‌شده که البته مقداری از جواب‌ها را تاکنون بیان نموده‌ایم و امور دیگر را تنها در مناظره اول با آقای حسن روحانی و دوم با آقای زاکانی بیان می‌نماییم. اما آنچه مهم است اقدام سریع برای انتقال آب خلیج‌فارس است که هر چه دیر شود کار دشوارتر و صدمات آن بیشتر می‌شود.

آنچه باید انجام داد این است ولی متأسفانه تاکنون دولت محترم پیامهای ما را جدی نگرفته و برای مناظره اعلام آمادگی نکرده است، دلیل آن چیست؟ نمی‌دانم!، درحالی‌که کلامی که ما میگوییم اگر ۱% نه بلکه یک هزارم نه بلکه یک صد هزارم هم درست باشد باید سریعاً به‌صورت جدی حرف ما را شنیده، یا قبول کنند و یا رد نمایند، درحالی‌که صحت این کلام بر همگان قریب به‌یقین می‌باشد.

ادعای اول ما اینکه خشک‌سالی در چند سال آینده مشکلات را تا حدی زیاد می‌کند که همه اجناس گران شده تا جایی که اجناس نایاب می‌شوند و حتی دیگر آبی برای خوردن نیست و مردم باید از ایران به کشورهای دشمن کوچ کنند و آن‌ها با ما دشمنی می‌کنند نه دوستی.

دوم ادعای ما انتقال آب خلیج‌فارس در عرض یک سال است حتی اگر نتوانیم این کار را انجام دهیم می‌توانیم آب را به حدی انتقال دهیم که در دوره بحران آب ایرانیان نیازی به مهاجرت از ایران نداشته باشند.

سوم ادعایِ ما این است که اگر هم‌اینک اقدام کنیم هم خطر را از بین می‌بریم و در آینده نزدیک تبدیل به قطب بزرگ اقتصادی دنیا می‌شویم و تمامیِ کشورها به ما محتاج می‌شوند، که در طرح یک چهلم این مطلب نوشته‌شده است[۱۹۶].

ما فرض می‌کنیم که دولت محترم تاکنون مطالب ما را نشنیده لذا بر هر ایرانی واجب است به هر طریقی که می‌تواند این سخن را به دولت محترم اطلاع‌رسانی کرده و از دولت بخواهد یا کلام ما را قبول نماید و یا اینکه اثبات کنند که ما در ادعایِ خود دروغگو هستیم و حتی ما را به خاطر تشویش اذهان عمومی محاکمه کرده و به سزای اعمالمان برساند. تأکید می‌کنم ما فقط در برنامه زنده تلویزیونی سخن میگوییم و دلیل آن را در نامه سوم بیان کرده‌ایم.

کاری که از دست همگان بر می‌آید اینکه: به هر طریقی که می‌توانند دولت را آگاه کرده و در برابر این ادعاها از دولت سؤال نمایند ضمیمه این نامه یک عکس‌نوشته از مجموع بیش از ۵۰ عکس‌نوشته است که ایرانیان عزیز می‌توانند این نامه و آن عکس را تکثیر کرده و در هر اجتماعی پخش نمایند مخصوصاً در اجتماعاتی مانند راهپیمایی روز قدس و ... در جلوی دوربینها با آن عکس‌نوشته عکس بگیرند و در فضای مجازی منتشر نمایند اگر برای ما هم ارسال کنند ما هم اقدام به نشر آن می‌نماییم، ما از دولت محترم چیزی نمی‌خواهیم جز رساندن آب به زمین‌ها و باغ‌ها و صنایعِ عطشان که در حال مرگ هستند اگر نمی‌توانند ما می‌توانیم این کار را برای شما انجام دهیم. تا شاهد گران‌ترشدن لبنیات و گوشت و نان و برق و آب و... نباشیم، و بیش از این واردکننده گندم و برنج و شکر و سویا و حتی غذای دام و طیور و... از خارج نباشیم.

پنج شنبه – ۲۵ خرداد ۱۳۹۶– ۲۰ رمضان المبارک ۱۴۳۸

قطره ۱۲۰ نامه اول به آیات عظام جهت دیدار ۱۲ مرداد ۱۳۹۶

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک‌وتعالی: و جعلنا من الماء کل شیء حی (انبیاء آیه ۳۰)

سلام‌علیکم (نامه اول)

این‌جانب علی بهرامی نیکو مسئول تلویزیون اینترنتی www.tvshia.com در ماه اردیبهشت امسال دریافتم که خطری عظیم و غیرقابل جبران متوجه دین و ملت گردیده و اگر سریعاً اقدام به رفع آن ننماییم ویرانی عظیمی را به همراه دارد.

طبق آنچه بنده دریافت نموده‌ام ایران وارد مرحله جدیدی از خشک‌سالی گردیده که منجر به نابودی همه‌چیز می‌شود، آن‌قدر این امر وحشتناک است که زمینه‌های براندازی و تغییر نظام و مرگ جمعی انسان و حیوان و گیاه و کوچ میلیون‌ها ایرانی به خارج از کشور تنها گوشه‌ای از آن وقایع می‌باشد، شدت گرما و خشکی و نبود آذوقه و آب و غذا و گرانی و فساد تا جایی است که منجر به مرگ خاک هم می‌شود، یعنی گرما با زمین کاری می‌کند که حتی موجودات زنده درون خاک‌های حاصل خیر ما نیز می‌میرند که حتی اگر بعدازآن آب هم بیاید دیگر زمینی برای تولید علوفه و غذا نخواهیم داشت مگر بعد از ۵۰۰ سال زحمت فراوان.

آقایان مسئولین ما هم راهکاری برای مبارزه با این بلای عجیب ندارند، طبق آنچه بنده دریافت نموده‌ام آنان به دنبال خرید آب از خارج هستند و به دوستی ظاهری دشمنان (ر....)[1] دل‌خوش کرده‌اند، درحالی‌که دشمنان ما منتظرند تا ایران به نقطه بحران برسد سپس دشمنی خود را آشکار نمایند و تمام ما یملک ما را غارت کنند، مسئولین وضعیت بحرانی را به مردم نمی‌گویند و با ظاهرسازی در پی این هستند که ماندانیم چه چیزی در حال وقوع است، اما این راهکار تا چه زمانی کاربرد دارد، اگر سریعاً خشک‌سالی را برطرف نکنیم تمامی روستاها خالی می‌شود، سؤال این است اگر تمام ملت از روستا به شهر کوچ کنند بازهم مسئولین می‌توانند ملت را اداره کنند و یا اینکه فاجعه‌ای بی‌سابقه و انسانی به وقوع می‌پیوندد، طبق فهم بنده وقایع ۱۲۹۸ تا

---

[1] منظور ما روسیه بوده است اما در نامه‌هایی که پخش نموده‌ایم چنین بوده است، ما طبق دین و مذهبمان نمی‌توانیم غیر خودمان را دوست صمیمی خودمان بگیریم و به آنها اعتماد نماییم، روس‌ها در گذشته چه خیانتها به ما کردند؟ در جریان جنگ جهانی دوم و جنگ ایران و عراق به ما چه خیانتها کردند؟ و آیا اگر هم اکنون سود آنها در دوستی با ما نباشد آیا آنها با ما دوستی می‌کنند؟ سگ زرد برادر شغال است، البته این مطلب مخالف ارتباط عاقلانه نیز نمی‌باشد، ما باید این مطلب را دقیق بررسی نماییم که چرا روسیه با ما در جبهه سوریه قرار گرفت؟

۱۳۰۲ قدم‌به‌قدم و نعل بالنعل در حال تکرار است در آن زمان وقایع از خشک‌سالی، گرانی، قحطی، مرگ جمعی، وبا، طاعون و... شروع شد و ۱۱ میلیون ایرانی یعنی ۴۰% جمعیت هلاک شدند و درنهایت قاجار منقرض شد و حکومتی ضد دین و ملت روی کارآمد، ضد دین بودن آن‌که معلوم امام ضد ملت بودن آن ازاینجاست که نیروهای نظامی رضاشاه حتی به‌اندازه دلیران تنگستان‌هم از خود در برابر دشمنان بیگانه واکنشی نشان ندادند و مملکت و ملت به دست بیگانگان افتاد.

پس خشک‌سالی ویران‌کننده‌ای در حال وقوع است که مسئولین راهکاری هم ندارند، به بنده راهکار بیرون رفت از خشک‌سالی و خنثی نمودن فتنه‌ها و فسادهای پیش رو فهمانده شده و آن دست بنده است که این از فضل خداست و خدا را شاکر هستم.

طبق راهکارهای عادی راه‌حل بیرون رفت از این مشکلات در انتقال و تبدیل و شیرین سازی آب خلیج‌فارس و دریای عمان به کل کشور است آن‌هم در عرض یک سال و کمتر از آن، باید در یک سال آب خلیج‌فارس را به کل کشور رساند و این طرح سوم است که این طرح فایده چندانی ندارد چون مسائل اصلی اقتصاد کشور را حل نمی‌کند چراکه این طرح یک‌ساله است و آب را به روستاها نمی‌رساند و هزینه هم دارد اما هزینه آن با بودجه موجود تأمین شدنی است و تمام مشکلات را در طرح حل نموده‌ایم.

طرح دوم و اول، طرح‌های اسماء اللهی است، و بنده توانایی نشان دادن آن را دارم و تاریخ شهود جمعی را در آورده‌ام در شهود جمعی ۱۸ مطلب دیده می‌شود[۱۹۷] و در آن تاریخ صدق و کذب ما برای همگان روشن می‌شود، اگر بدون شهود می‌توانید انجام دهید بسم‌الله طرح در دستان شماست و اگر بدون یقین نمی‌توانید آن‌ها را انجام دهید، در تاریخ شهود جمعی قرار بگذارید تا نشان دهم، بعدازآن تمامی ملت برای دفن کلمات و آمادگی برای سرما و امور دیگر آماده می‌شوند در این دو طرح ایران در عرض چند ماه از خشک‌سالی نجات میابد، دو طرح نه هزینه چندانی دارد و نه زمان زیادی لازم دارد و آب به همه روستاها می‌رساند و اکوسیستم زمین را هم حفظ و بهتر می‌کند، این دو طرح غیرعادی است، و با علوم جدید دانشگاهی نمی‌توان آن را سنجید، باید شیخ بهایی و خواجه نصیر را شناخت تا دانست چگونه می‌توان آب را دوماهه انتقال داد. از شرایط دو طرح آمادگی تمامی ملت است، در طرح دو باید تمامی ملت برای سرما و سیل آماده شوند و همه آن کلمات را در زمان مشخص دفن کنند، این طرح در تاریخ مشخصی در سال می‌توان

اجرایی نمود، باید دانست هر که ببیند تصدیق می‌کند و هر که نبیند حمل بر دیوانگی می‌کند حتی اگر تعداد شهادت دهندگان هزاران نفر باشند.

تاکنون افراد و مسئولین زیادی را در جریان قرار داده‌ام و آنان کل مطالب یا بعض آن را تأیید و همراهی کرده‌اند که ازجمله آنان آیات عظام گرامی[۱۹۸] و سید مهدی طباطبائی [۱] می‌باشند[۱۹۹] که هم نامه بنده را تقریر کردند و هم سخنرانی کردند و قول همکاری دارند، البته به مسئولین نیز هشدارها و مطالب لازم را بیان نموده‌ام که ازجمله نامه این‌جانب به آقای دکتر لاریجانی و رئیس‌جمهور محترم جناب آقای دکتر روحانی و ... می‌باشد.

درخواست دارم مطالب و راهنمایی حکیمانه خود را بذل نموده تا به تکلیف الهی خود عمل نماییم. (نامه دوم پیوست است)

ایدکم الله تعالی فی دارین و رزقنا الله تعالی من الماء ظاهره و باطنه و سرّ باطنه، شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

این متن برای سال ۹۷ دوباره تنظیم گردید ولی اصل مطلب را در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ به افراد بسیاری اعلام کردیم که می‌توان در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۶ انفطار السماء را انجام داد که کسی که توجه نکرد و تاریخ گذشت و ملت ایران به این‌همه مصیبت گرفتار شدند که گفته بودیم اگر عمل نکنید این مصیبات در راه است بازهم اعلام می‌کنیم اگر گوش‌داده نشود مصیبت‌ها بیشتر و قوی‌تر می‌گردد و نامه ۹ شهر را هم به بسیاری داده‌ایم که آن زمان خاصی ندارد هرلحظه می‌توان اقدام نمود. ۱۲ مرداد ۱۳۹۶

قطره ۱۲۱ نامه دوم به آیات عظام طولانی‌تر جهت تقریر تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۶

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک‌وتعالی فی محکم کتابه: **جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کلَّ شَیءٍ حَی** سوره انبیاء آیه ۳۰

---

[۱] بنده در محضر حضرت آیت الله حق شناس دروس طلبگی را شروع نمودم و در محضر حضرت آیت الله سید مهدی طباطبائی متلبس به لباس روحانیت شدم و خدا هر دو را رحمت فرماید یکی از آیاتی که مباحث بنده را شنیدند حضرت آیت الله سید مهدی طباطبائی بوده است که البته بنده نیز در محضر ایشان در جلسه‌ای نیم ساعته مباحث و ادعاهای خود را مطرح نمودم، بدانید در محضر ایشان نیز ادعا نمودم با اسماء الله در عرض کمتر از دو ماه مشکل آب ایران را بر طرف می‌نمایم که الحمد لله فایل صوتی موجود است که تا کنون آن فایل را پخش ننموده‌ام و البته در جلسه دوم ایشان در جواب نامه بنده تقریر نوشتند، البته بنده از ایشان درخواست داشتم که حضوراً بروند و مباحث را به بالاترین افراد نظام برسانند که البته ایشان فرمودند نمی‌توانند که همانمقدار که کلام بنده را شنیدند و تقریر نوشتند هم خوب می‌باشد، خدا رحمت کند ایشان را. ۹۹/۲/۱۱

سلام‌علیکم (نامه دوم)

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو راهکار بیرون رفت از این بحران و مطالبی را که بنده مرقوم نموده‌ام بفرمایید.

همان‌گونه که در جلسه حضوری (این نامه باید بعد از جلسه حضوری تقدیم می‌گردید که به علت نبود وقت با نامه اول خدمت شما ارسال گردیده است) به عرض رساندیم بنا بر عقیده بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صدسال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مسئله آب به‌صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم‌تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود (نیروی هارپ، انفجار یون منفی در آسمان، گرفتن آب از هوا و ...) فاقد ارزش بوده و نتیجه نجات‌بخشی برای ما نخواهد داشت چراکه اگر اجرایی بود هم‌اکنون وضع ما این‌گونه نبود، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشک‌سالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چراکه ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند، اقدامات آب‌رسانی کنونی نیز باطل است چراکه تا سال‌ها بعد به نتیجه می‌رسد و نکته دیگر اینکه مشکل کل مملکت را حل نمی‌کند، ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج‌فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد، تأکید می‌نمایم سه طرح در دست بنده است یک طرح آن هزینه دارد و از طرق عادی انجام می‌شود که این طرح را فاش میگویم و دو طرح دیگر از طرق غیرعادی می‌باشد که در کمتر از دو ماه آب را به روستاها و شهرها و شهرستان‌ها می‌رساند و هزینه آن‌چنانی هم ندارد، برای اجرای طرح غیرعادی فقط تا تاریخ ۹۶/۶/۶ هش مطابق با ۳۸/۱۲/۶ هق دو روز بعد دخول قمر در عقرب و یک روز مانده به خروج آن فرصت داریم (متن لوح غیرعادی پیوست می‌باشد)، از شرایط عملی کردن آن امضاهایی است باید زیر آن لوح قرار بگیرد، من دو بار می‌توانم به همه نشان دهم که با آن لوح چه اتفاقی می‌افتد یکی را برای رهبر

انقلاب نگاه داشته‌ام و یکی را برای تمامی ملت که آقای دکتر حسن روحانی باید آنجا باشد و ایشان اول امضاکننده باشند، این تکلیفی است که بر عهده بنده است و نعل بالنعل آن را اجرا می‌کنم، پس انتخاب فرمایید در ضمن هرکدام از این سه طرح بخش‌های بسیاری دارد که اهم آن سه مطلب است: الف: انتقال آب ب: شیرین سازی آب ج: تبدیل آب.

لذا به دلیل حساس بودن مسئله تقاضای جلسه‌ای فوری را دارم تا مسئله را برسی شود.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید. نامه سوم پیوست است.

ایدکم الله تعالی فی دارین و رزقنا الله تعالی من الماء ظاهره و باطنه و سرّ باطنه الهی اخرج من ظلمنی من حولک و قوتک الی حوله و قوته ب.[1]

شیخ علی بهرامی نیکو ۱۲ مرداد ۱۳۹۶

قطره ۱۲۲ نامه بعد از تاریخ ۹۶/۶/۶ بعدازاینکه تاریخ انفطار السماء در سال ۹۶ گذشت تاریخ نامه ۹۶,۷,۲

بسم‌الله الذی

نزل‌الم‌المص‌الرالمرکهیعص‌طه‌طس‌طسم‌یس‌ص‌حمعسق‌حم‌ق‌ن بسم‌الله الذی نزل الکتب علی الحروف و الحروف یتشکل من الخطوط و الخطوط من النقطه و السلام علی النقطه[2]

و بعد این‌جانب شیخ علی بهرامی نیکو همان‌گونه که از ماه اردیبهشت سال ۹۶ در نامه‌های بسیاری اعلام نمودم:

---

[1] خداوند شما را در دو خانه، خانه‌یِ دنیا و آخرت یاری فرماید و خداوند روزی ما گرداند آب ظاهر و باطن و سر باطنی آب را، خداوندا کسی را که به من ظلم کرده است از حول و قوه‌یِ خودت خارج و به حول و قوهٔ خودش واگذار فرما بحق نقطه ۹۹/۲/۱۱

۲ کمک می‌خواهم از اهل بیتی که نازل نمودند **الم‌المص‌الرالمرکهیعص‌طه‌طس‌طسم‌یس‌ص‌حمعسق‌حم‌ق‌ن** کمک می‌خواهم از اهل بیتی که نازل نمودند کتاب را بر اساس حروف و حروف از خطوط تشکیل یافته و خط از نقطه تشکیل یافته و سلام بر نقطه - تمام - طبق عقیده درست حقیقت نقطه که بسیط مطلق است نور اهل بیت ع می‌باشد که در کتاب نقطه مباحث بیان گردیده است. ۹۹/۲/۱۱

الف) خطر خشک‌سالی جدی است و خطر مرگ ۵۰ میلیون ایرانی و انسان و حیوان و گیاه و حتی خاک در ایران قطعی است که حتی دانشمندان دانشگاه نیز با مطالعات و بررسی‌ها آن را تأیید نموده‌اند و طبق آنچه بنده فهمیده‌ام این وقایع از تاریخ ۱۳۹۸ شروع‌شده و اوج آن در تاریخ ۱۴۰۲ می‌باشد البته حتماً این‌گونه است که با رویکردهای متناسب می‌توانیم آن بلاء را با توکل و امداد الهی کنترل نماییم چراکه ما به لوح محفوظ دسترسی نداریم که چه چیز حتماً در آینده به وقوع می‌پیوندد پس باید تلاش نمود تا مصداق آیه شریفه **وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ**[1] نباشیم (ترجمه: با دستان خودتان خودتان را به هلاکت نیندازید.)

ب) دولت و تمامی دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذار و بقیه خدمت‌گزاران راهی عملی و نجات‌بخش برای ملت در دست ندارند که اگر داشتند وضعیت چنین نبود که دائماً روستاها خالی شوند و ... که ما تمامی راه‌های بیرون رفت از خشک‌سالی را نقد کرده‌ایم مانند یونیزه کردن و بارور کردن ابرها، انفجار و تزریق یون منفی در آسمان، انرژی هارپ، به دست آمدن منابع آبی جدید، کمک گرفتن از کشورهای همسایه، خرید آب، حفر چاه‌های بسیار عمیق و استفاده از آب‌های زیرزمینی با عمق بسیار زیاد، و ... طرح‌های در حال اجرا نیز نجات‌بخش نیست مانند طرح‌های انتقال آب که در سخنرانی‌های مختلفی دلیل آن را بیان داشته‌ایم، ما برای رفع خشک‌سالی زمان زیادی نداریم چراکه زمان عنصر مهمی است و طولانی شدن خشک‌سالی موجب مرگ خاک و از دست رفتن حاصلخیزی زمین می‌شود که در سخنرانی‌های مختلفی این را نیز بیان نموده‌ایم.

ج) بنده مدعی هستم از طریق عادی در طول یک سال با هزینه‌ای که می‌توان آن را از منابع موجود تأمین نمود آب را به استان‌ها رساند و در سال دوم آب را به شهرها و در سال سوم به روستاها و در سال چهارم به سایر زمین‌ها رساند که فایده چندانی برای ما ندارد چراکه ضررهای خشک‌سالی در هرلحظه برای ملت و دین غیرقابل‌شمارش است اما از راه‌های غیرعادی بدون صرف هزینه و زمان چندانی می‌توان خشک‌سالی را مهار نمود.

ما این مطالب را از همان تاریخ که فهمیدیم در پنهان و آشکار اعلام نمودیم و هر شخص بنا بر احوال خود در قبال ما موضعی گرفت توقع ما این بود ما را امتحان نمایند تا کذب و صدق ما آشکار شود اما گروهی به سُخریه گرفتند گروهی احتمال دادند گروهی تهمت زدند و ... تا اینکه

---

[1] سوره بقره آیه ۱۹۵

زمان (۹۶/۶/۶ ه‌ش-۳۸/۱۲/۶ ه‌ق) بگذشت و آن ودایع از دست بیرون‌شد در این تاریخ می‌توانستیم آسمان ایران را به‌واسطه حروفی

(۷۸۶ اخ‌ف‌قبا؟ ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن م‌م‌م‌م‌بام‌م‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر ۹۶۶۶ ان شاء الله، و السلام علی من اتبع الهدی) سوراخ کرده **(انفطار السماء)**

و چاله جوی درون ایران ایجاد نماییم که در آن صورت فصل‌ها به حالت قبل خود برمی‌گشت و نزولات آسمانی زیاد می‌شد تا جایی که باید برای کنترل ترسالی و نجات ایران آب از غرق شدن آب را صادر می‌کردیم و الا ایران در آب فرومی‌رفت و اعلام کرده بودیم که بدون شرایط موجود در آن لوح نمی‌توان خشک‌سالی را برطرف نمود که از شرایط آن لوح امضاء و دفن در همه‌جای سرزمین ایران و آمادگی عمومی تمامی ملت برای سرمای پیش رو بود به‌هرحال آنچه زمانش گذشته برای ما چیزی جز حسرت ندارد و بنده نیز اعلام نموده بودم که قدرت در دست دارم تا دوبار آن وقایع را نشان داده و یک‌بار عملی نماییم و الا باید یک سال منتظر بود تا زمان برگردد و اکنون زمان گذشته و قدرت را ازدست‌داده و توانایی آن را نداریم همانند زکریا ع که قدرت تکلم را از دست داد و همانند برصیصا که قدرت استفاده از علوم الهی را از دست داد.

طبق آنچه گفته بودم برای برطرف نمودن خشک‌سالی ایران دو جریان غیرطبیعی و یک تکمله وجود دارد در طرح دوم الهی آسمان ایران سوراخ شده و چاله جوی ایجاد می‌شد و آب‌وهوای ایران به حالت سابق برمی‌گشت که این در زمان مشخص انجام می‌شود و در طرح یک باید با لشکر خشک‌سالی جنگ کنیم و آن قوم طغیانگر را از ایران خارج کنیم (اخراج لشکر جنیان زمینی از ایران) و تتمه این است که باید لشکر ترسالی را یاری نماییم که همینک آن لشکر در منتهای ضعف خود قرار دارد.

این‌جانب باز اعلام می‌دارم درصورتی‌که کلام ما جدی گرفته شود، با اعلام قرار از جانب رئیس محترم جمهور جناب آقای دکتر روحانی حاضرم مقدمات بازگردان آن علوم را طی نموده تا همگان را از این بلای خانمان‌سوز نجات دهیم، مدت‌زمانی که برای به دست آوردن آن علوم احتیاج است یکی از این چند روز است یا هفت و یا چهارده و یا چهل و یا هفتاد روز، این بستگی به آمادگی جناب آقای دکتر روحانی دارد، و دلیل آن این است که طبق آنچه برای رفع خشک‌سالی که در آن لوح مقدس (طرح دو یا یک الهی) موجود بود و عملی می‌شد این بود که درنهایت باید جناب آقای روحانی اقدامات عملی را انجام می‌داد مانند اطلاع‌رسانی عمومی و آگاه نمودن ملت از سرمای پیش رو دفن آنچه در آن نوشته بود و قرار دادن لوله‌های رو به آسمان و .... که طرح دو الهی بود و یا طرح یک الهی که بیرون نمودن جنیان از ایران است که تماماً در آن لوح ذکرشده، خدا را شکر

می‌کنم که به عقیده خود تمام تلاش را نمودم تا تکلیف خود را در برابر آن علم به انجام برسانم و هیچ‌گاه به طمع امور غیر الهی از آن استفاده ننمودم.

خدایا میدانی که راست گفتم و راست نوشتم آنچه صلاحمان است را تقدیر نما، و از عجله به تو پناه می‌برم که عجله از شیطان است و از تو صبر طلب می‌نمایم.

اللهم اسقنا من الماء ظاهره و باطنه و سر باطنه اخرج من ظلمنی من حولک و قوتک به‌حق.

شیخ علی بهرامی نیکو ۹۶/۷/۲ ه‌ش مطابق با ۳۹/۱/۳ ه‌ق

قطره ۱۲۳ نامه محرمانه [1]

جمعه - ۱۲ خرداد ۱۳۹۶ - الجمعة - ۷ رمضان المبارک ۱۴۳۸

سلام بر آب از آب تا آب آن‌هایی که در آینده گرفتار خشک‌سالی می‌شوند گویند اگر می‌شنیدیم و یا تعقل می‌کردیم از گرفتاران و مصیبت‌زدگان نبویدم، پس اعتراف کردند به گناهشان که فکر نکرده و یا نشنیدند پس تشنگی و گرسنگی و ناامنی و مرگ جمعی بر اثر جنگ و بیماری به گردن خودشان است. این خبر یا مطابق عقل واقعیت نیست که در آن صورت باطل است و یا مطابق عقل واقعیت است که باید یکدیگر را یاری کنیم تا نجات یابیم که اگر چنین نکنیم به‌زودی همه هلاک شویم. خشک‌سالی عظیم وحشتناک و بی‌سابقه‌ای در حال وقوع است که تمامیِ کشورها را در برمی‌گیرد و ایران هم مستثنی از آن نیست بلکه با نگاهی کوتاه به شهرهای اطراف خود مانند یزد و اصفهان و شیراز و قم و زاهدان و اهواز و فارس و اراک و .... و با نگاه به دریاچه‌ها

---

۱ بنا به دلایل خاصی متن قطره ۱۲۴ به صورت خلاصه در این نامه نیز آمده است و بعدها در سال ۹۸ بنده این نامه را پخش می‌نمودم، قطره ۱۲۴ بسیار پیچیده است و برای اطلاع بیشتر به کتاب **اذا فرغت** مراجعه شود، اما بنده اعلام مکینم تمام آن نامه درست و صحیح است اما توضیح دارد. ۹۹/۲/۳

و چاه‌ها و تالاب‌ها و باغ‌ها و زمین‌های خشکِ کشاورزی و روستاهای خالی از سکنه و ... برای هیچ‌کس جایِ شکی باقی نمی‌گذارد که روزبه‌روز زمین گرم و گرم‌تر شده و آب آشامیدنی رو به‌پایان است از نشانه‌هایِ آن خشک‌سالی هجومِ مردم از روستا به شهر است، وضعیت جهان در شصت سال آینده که توپوگرافی‌های علمیِ (نقشه‌های زمین‌شناسی دقیق با جزئیات) آینده‌پژوهی معتبر نیز گویاست که در آن نقشه‌ها زمین را مانند بیابانی خشک به تصویر کشیده است کشورهایِ اطراف ما مانند افغانستان و پاکستان و هند و عراق .... نیز چنین است، نشانه‌های عظمت ویرانگریِ آن خشک‌سالی آشکارشده، باغ‌های ما به‌تدریج خشکیده، رودها و رودخانه‌هایمان صحرا شده، از چاه‌های عمیق ما نیز چیزی جز خاک بیرون نیاید، عمق چاه‌ها به سیصد متر رسیده ولی آبی نیست حتی در منطقه پرآبی مانند همدان، علوفه کم شده لذا گوسفندان و دام طیور هم کم شده، لذا قیمتِ گوشت بالا رفته، گرانی امور دیگر نیز به این سبب است، کشاورزی ما بر اثر خشک‌سالی ویران‌شده واردکننده محصولات شده‌ایم، آری این تازه خبری از خشک‌سالی است و هنوز خشک‌سالی نیامده. حتی بارش باران هم کاری را از پیش نمی‌برد چراکه زمین در اثر خشک‌سالی نشست کرده (فرونشست زمین: فشرده شدن خاک و سفت شدن زمین نشست خاک در ایران از بیشترِ کشورها بیشتر است) که می‌توانیم به استان‌های خراسان و کرمان نگاهی بیندازیم لذا خاک بر روی‌هم انباشته‌شده و مانند سنگ گردیده است؛ باران میاید ولی داخل زمین نمی‌رود که سفره‌هایِ زیرزمینی آب را پُر کند لذا باران بر زمین جاری‌شده و دوباره به‌صورت بخار به آسمان می‌رود، و بعضی فکر می‌کنند که باران‌های سیل زا مشکل خشک‌سالی را حل می‌نماید درحالی‌که باران به زمین رسوخ نکرده و تنها بر زمین جاری‌شده سیل راه می‌اندازد و بخار می‌گردد. و البته خشک‌سالی نتیجه‌یِ گناه است و گناهِ اصلی به گردن مسئولینی است که با برنامه‌ریزی غلط منابع آبی را از بین برده‌اند و سبب گسترش خشک‌سالی و فقر در جامعه شدند، راهکارهایی که برای برطرف کردن خشک‌سالی ارائه می‌دهند بیشتر به طنز شبیه است، گناهِ این مسئولین تکبرِ بی‌جاست که به کلام و راهکارِ ملت برایِ برطرف کردن خشک‌سالی گوش ندادند. لذا روزبه‌روز امورمان سخت‌تر شده و شدت میابد، فقر و قحطیِ انتهایِ قرنِ ۱۳ و ابتدای قرنِ ۱۴ را دوباره ببینیم، بخوانیم در سال‌های ۱۲۹۶ الی ۱۲۹۸ شمسی در ایران چه روی داد؟ و پدران و مادران ما چه کشیدند؟ قحطی و فقر و شیوع بیماری و ناامنی و گرانی مرگ که در ادامه سقوطِ قاجار و جنگ‌های جهانی و اشتغال ایران که بیش از ۴۰% ایرانیان را به کام مرگِ سیاه (مرگ بر اثر شیوع بیماری و گرسنگی و سوءتغذیه) کشاند، حال وقایعِ صدسال پیش عیناً در حال تکرار است: خشک‌سالی، گرانی، ناامنی .... جنگ جهانی سوم و آوارگی ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی که

راهی جز مرگ سیاه و سرخ ندارند، بله آب نباشد فرزند مادر را برای جرعه‌ای آب می‌کشد و مادر گوشت فرزندش را بخورد. آیا کرمان در وضعیت قرمز آبی نیست؟ آیا در هشت شهرستان بوشهر قطعی آب وجود ندارد؟ خرید آب از بخش خصوصی توسط دولت چه معنایی دارد؟ آیا دولت نمی‌تواند خود در رابطه با تأمین آب اقدام کند؟ آیا واگذاری آب به بخش خصوصی تقویتِ مافیایِ پنهان آب نیست؟ آیا ما باید بجایی برسیم که آب را از خارج بخریم؟ چه آینده‌ای در پیش است؟ اگر آن‌ها آب را تحریم کنند چه می‌شود؟ آیا وزیر نیرو نگفت که خشک‌سالی ادامه دارد؟ اگر این‌گونه است که هست و بیشتر و بدتر می‌شود چه کرده‌اند؟ آیا بالا رفتنِ قیمتِ مسکن و ترافیک و آلودگیِ هوا نتیجه خشک‌سالی روستاها و خالی از سکنه شدنشان نیست؟ اگر هست چه کرده‌ایم؟ آیا این خشک‌سالی به شهرها نمی‌رسد که بهتر بگویم رسیده است و حواسمان نیست؟ اگر برسد از شهرها به کجا پناه بَریم؟ آیا خشک‌سالی اصفهان در چهل سال گذشته بی‌سابقه نیست؟ آیا خشک‌سالی خراسانِ رضوی در پنجاه سال اخیر بی‌سابقه نیست؟ مگر خرم‌آباد شهر چشمه‌ها نیست؟ پس چرا مردمِ آنجا باید با دَبّه برایِ خود آب تأمین نمایند؟ آیا آنجا هم خشک‌شده؟ آیا آذربایجان غربی و شرقی که همیشه پر آب بوده نیز دچار خشک‌سالی نشده؟ اگر شهرهای پر آب ما چنین است پس در یزد و کرمان و قم و زاهدان و اهواز و بوشهر که از اول کم آب بوده‌اند چگونه است؟ آیا تعطیلیِ صنایع ما به آب ربط ندارد؟ چرا لوله سازهای ما تولیدات خود را نمی‌توانند بفروشند؟ آیا اگر سیاست اول دولت آب‌رسانی بود کارخانه‌های تولید لوله و هزاران شغل وابسته به آن بیکار و تعطیل می‌شدند؟ آیا اگر آب بود قیمت پوست گاو گوسفند ارزان نمی‌شد که نتیجه‌یِ آن ارزان شدن قیمت تمام‌شده کفش بود؟ آیا در این صورت کفاش‌های ما و ده‌ها شغل وابسته به آن ورشکست می‌شدند؟ چرا قیمت کفشی که از چین می‌آید از قیمت کفشی که در ایران تولید می‌شود ارزان‌تر است؟ آیا اگر آب فراوان داشتیم قیمت قبض برق به این گرانی بود و دچار قطعی برق می‌شدیم؟ چرا سدهایی که برایِ تولید برق ساخته‌شده به علت بی‌آبی ازکارافتاده‌اند؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب بود قیمت برق نیز پایین میامد و در آن صورت قیمتِ تمام‌شده تمامیِ اجناسی که با برق تولیدی می‌شود پایین می‌آمد و تمام اجناس ارزان می‌شد؟ کدام تولید و صنعت است که با برق بی‌ارتباط است؟ آیا معاونِ توانیر نگفته است که بیش از ۶۰% تولید برق از نیروگاه‌های آبی را به علتِ خشک‌سالی ازدست‌داده‌ایم؟ آیا نتیجه‌یِ خشک‌سالی، بیکاریِ قشر عظیمی از جامعه نیست؟ آیا بیکاری مقدمه‌یِ قتل و زورگیری و باج‌گیری و دزدی و فساد و

فحشاء و خودفروشی و بالا رفتن جرم در جامعه نیست؟ بله زیادشدن زندانی‌ها نتیجه‌یِ خشک‌سالی است، به فساد کشیده شدن خانواده‌های زندانیان نیز نتیجه‌یِ خشک‌سالی است، آیا بیش از ده سال نیست که استان فارس در جنگ با خشک‌سالی است؟ آیا خشک‌سالی نیست که باعثِ هجرتِ مردمِ افغانستان به ایران شده؟ آیا خشک‌سالی افغانستان نیست که سبب شده بعضِ مردم افغانستان به داعش بپیوندند؟ بله، خشک‌سالی سبب تقویت داعش شده پس کلید جنگ با تکفیر نیز در مبارزه با خشک‌سالی است، اگر خشک‌سالی در ایران ادامه یابد و ما راهکارِ درست را بکار نبریم چه فاجعه‌ای در حال وقوع است؟ بلایی که در آینده‌ای بسیار نزدیک به ما می‌رسد ویران‌کننده‌تر از بلایی است که در سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۲۲ گریبان گیر ایران شد، در آینده‌ای بسیار نزدیک ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی برای نوشیدن جرعه‌ای آب به جان یکدیگر بیفتند، بکشیم و کشته شویم، گروهی به فکر مهاجرت از ایران به کشورهای هم‌جوار بیفتند ولی به کجا؟ همه‌جا خشک‌سالی است، به کجا برویم؟ به‌سوی وهابیت؟ داعش؟ عربستان؟ ترکیه؟ با ما چه کنند؟ حکمِ میهمان را بر ما اجرا کنند یا کنیز و برده را؟ آنان که با جوانانِ زائرِ ما در گیت فرودگاه آن کردند که همه می‌دانند درزمانی که ضعیف شده و محتاج آنانیم چه کنند؟ نگاه کنیم اطراف را تا بفهمیم. همه‌جا مانند هم است، همه‌جا خشک‌سالی، فقر، بیماری‌های جدید و قدیم مانند طاعون وبا، همه‌جا ناامنی، همه‌جا جنگ بر سر آب، یعنی جنگ برای زنده ماندن، همه‌جا قتل، همه‌جا مرگِ سیاه و سرخ و سفید (مرگ سیاه مرگ بر اثر بیماری، مرگ سرخ بر اثر جنگ، مرگ سفید بر اثر بی‌آبی و گرسنگی)، بعدازآن زلزله که از گرمی زمین و خشک‌سالی است، گرسنگی، تشنگی، ناامنی، مردن حیوانات، شیوع بیماری‌های واگیردار و مُسری، در آن زمان هرچقدر پول دهیم آبی نیست در آن زمان با یک لیوان آب می‌توان انسانی را خرید و فروخت و چقدر آب ارزشمند شود که از اول هم ارزشمند بود ولی کسی نفهمید تا زمانی که آب نایاب شد. در آن هنگام هر جا آب باشد همان‌جا جنگی خونین است و هر جا آب نباشد همه مرده‌اند. آری هر جا آب باشد خون ریخته شود، انسان با انسان و حیوان با انسان بجنگد، قبل از قحطی و خشک‌سالی بزرگ نیز قیام‌هایی که برای خردمندان نشانه است ظاهر شود، ..... برادر عزیز آقای روحانی، ما نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و به علتِ بی‌تدبیریِ امروز شاهدِ آوارگیِ تمامی ایرانی‌ها باشیم، نمی‌توانیم بازارهایِ برده و کنیزِ ایرانی را که به خاطر نبودِ آب به کفار فروخته می‌شوند را شاهد باشیم.؟ ای‌کاش هزاران بمب اتم ببارد ولی خشک‌سالی برگردد. ای‌کاش هزاران لشکر داعشی به ما حمله کند ولی خشک‌سالی برگردد، آقای رئیس‌جمهور خطر خشک‌سالی از بمب اتم و داعشی و تکفیری و... بیشتر است، اگر خشک‌سالی مهار نشود در کمتر از یک ماه همه را نابود کند. برطرف کردن

خشک‌سالی را، بهرامی می‌داند، ولی شاید مافیای آب نمی‌خواهد که این اتفاق روی دهد؛ آن‌ها حاضرند تا چند صباحی از گندم رِی بخورند ولی میلیون‌ها ایرانی پَرپَر شوند، ... اگر راهکار را از ما قبول نکند هیچ موفقیتی به دست نمی‌آورد و برعکس تمامیِ ملت را به سقوط نزدیک می‌کند راهکارِ اصلی عادی رفع بحران خشک‌سالی انتقال آب خلیج‌فارس به‌تمامی ایران است و راهکارِ جهانیِ مبارزه با تمامیِ مشکلات بشریت نیز آب است.. اثبات می‌نماییم بلایی عظیم و خانمان‌سوز در راه است و ریشه‌یِ تمامیِ مشکلات در آب است و باید در عرض یک سال این مشکل را برطرف نمود و آب خلیج‌فارس را به ایران عطشان انتقال داد که در غیر این صورت عطش، ایران را می‌خشکاند و هر چه دیر عمل نماییم مقداری از گرفتاریِ در حالِ وقوع که خشک‌سالی است، ما را می‌گیرد پس اولویتِ اولِ همه‌یِ شئونِ کشور آب است، آیا قرآن ریشه‌یِ همه‌یِ مشکلات را از آب نمی‌داند؟ و آیا این‌گونه نیست؟ آیا در ایران خشک‌سالی وجود ندارد؟ آیا چاه‌های عمیق ما خشکیده نیست؟ آیا ریشهِ‌یِ اصلیِ تمام مشکلاتِ اقتصادی و ... خشک‌سالی نیست؟ آیا گرانی و بیکاری از خشک‌سالی نیست؟ آیا راهکارهایِ شما برای برطرف کردن خشک‌سالی چیزی غیر از ممنوعیتِ حفر چاه عمیق است؟ آیا راهکار شما برای مبارزه با خشک‌سالی ملت را خوار و ذلیل‌تر نمی‌کند؟ چراکه این اصلاً راهکار نیست، پاک کردن مسئله است، آیا خشک‌سالی مقدمه‌یِ آشوب نیست؟ آیا عملکردِ شما جامعه را مستعدِ هر آشوبی ننموده است؟ آیا اگر فقر را برطرف ننماییم فتنه‌ای عظیم تکرار نمی‌شود؟ آیا جنگِ آب که جنگِ جهانیِ سوم است در پیش نیست؟ شما برای این جنگ چه کرده‌اید؟ مگر مشاورینِ شما مثلِ آقای عیسی کلانتری نگفته‌اند در آینده‌ای نزدیک باید ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی کوچ کنند؟ ما باید به کجا کوچ کنیم؟ زنان و دختران ما به‌اجبار به کدام سوی روند؟ عربستان؟ آنتالیایِ ترکیه؟ اُزبکستان؟ آیا وهابیت از پناه جویانِ ایرانی بازار فروش برده و کنیز راه نمی‌اندازد؟ آیا شما دوست دارید که فرزندان دختر و پسر ایران‌زمین در ویترین‌های فروش انسان جای‌گیرند؟ آیا غرب و شرق پناه جویان را به بردگی نمی‌گیرد؟ آیا شما ندیدید اتحادیه‌یِ اروپا چه بلایی بر سر مردم پناه جویِ سوریه آورد؟ چه کسی است که نفهمیده باشد مصیبت خشک‌سالی در ایران از حمله‌یِ داعش به سوریه سخت‌تر است؟ در سوریه که داعش حمله کرد دو میلیون آواره شدند ولی در ایران که خشک‌سالی حمله کند بین ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی آواره شوند. آری جنگ انسان‌ها را می‌کشد و زمین را ویران می‌کند آیا به‌واسطه مقدمه‌یِ نزدیک شدنِ خشک‌سالی روستاها ویران نشده؟ وای به زمانی که خشک‌سالی از راه

برسد. چقدر آب ذخیره کرده‌اید؟ مگر جنگِ جهانیِ سوم جنگِ آب نیست؟ آب‌های ذخیره‌شده شما کجاست؟، رودخانه و چاه، آب ندارد، آن‌وقت ما به فکر صدورِ گازِ ایران به ترکیه هستیم، آیا ما ایرانیان آن‌قدر به عقب برگشته‌ایم که بالا و پایین مملکت آب باشد (خزر و خلیج‌فارس و دریای عمان) و مردم در داخل از تشنگی بمیرند؟ آیا کانال سوئز توسط داریوش ایجاد نشده؟ حال چگونه نمی‌توانیم از خلیج‌فارس به کل کشور لوله‌کشی کنیم؟ چگونه هزینه برای خرید هواپیما هست ولی برای آب نیست؟ چگونه پیمانِ ایران و ترکیه برای صدور گاز هست ولی پیمان‌نامه با ایرانیانِ بی‌کار برای انتقالِ آب خلیج به کل کشور نیست؟؟ آیا شما از بزرگ‌ترین مافیایِ کشور غیر مطلع هستید؟ آیا نمی‌دانید مافیایِ آب در کشور چه کسانی هستند؟ آیا آن‌ها فکر می‌کنند ما نمی‌دانیم که خطرناک‌تر از مافیایِ قاچاقِ موادِ مخدر و اسلحه و قاچاقِ انسان و قاچاق دارو، مافیایی خطرناک‌تر به نامِ مافیایِ آب در کشور است که ریشه‌یِ تمامیِ مافیاهایِ موجود است؟ در کجایِ دنیا با آبی که برای خوردن است به دستشویی می‌روند؟ چرا آب را دو مصرفِ نمی‌کنید؟ بله، اگر آب دو مصرفِ شود یکی برای شرب و دیگری برای شستشو استحمام و صنعت و کشاورزی... سود چند هزار میلیارد دلاریِ ماهانه که مافیایِ آب در ایران به جیب میزند کم می‌شود پس حق‌دارند آب را دو مصرفِ نکنند؟ مافیایِ آب ریشه تمامیِ مافیاهاست و تا زمانی که این مافیا باقی است تمامیِ مافیاها پابرجا است. چگونه شیوخِ حاشیه خلیج‌فارس از آب خلیج برای شرب استفاده می‌کنند اما ما برای کشاورزی نمی‌توانیم...؟ آن‌ها با آب دریا زمینِ گُلف درست می‌کنند ولی باغ‌های ما که ثمره‌یِ زحمات چند ده‌ساله است با بی‌آبی می‌سوزد. آیا کمبود آب نیست که گوشت را به کیلویی ۵۰ هزار تومان رسانده است؟ آیا نبودِ آب نیست که روستاها را خالی و شهرها را پرجمعیت کرده؟ آیا نبود آب نیست که ما را به واردکننده محصولات کشاورزی تبدیل کرده است. آیا از آب خلیج‌فارس نمی‌توان برای صنعتِ پرورش ماهی شور در کل کشور استفاده کرد و فقر را برطرف نمود؟ چرا هواپیما می‌خریم ولی فکر شیرین کردن آب دریا نیستیم؟ آیا نمی‌توان با انتقالِ آب خلیج‌فارس به کل کشور، زمینه را از ابتدا برای ریشه‌کن کردنِ همه‌یِ بیکاری‌ها فراهم نمود؟ چگونه می‌شود سنگ را به‌صورت خام به چین ببرند تا تراش بدهند و دوباره به ایران برگردانند ولی آب را از خلیج‌فارس به یزد، نه؟ آیا خشک شدن چاه‌های عمیقِ شهرهای آبخیز ما نشانه‌یِ گذشتن از بحران و هشدار نیست؟ آیا اولویتِ امروزِ تمامِ جوامع، تدبیری برای آب شرب نیست؟ به زاینده‌رود باید چه گفت، زمانی که جز خاک چیزی ندارد؟ آیا کویر از دل آن زاییده نشد؟ این‌گونه نیست که هر چه پیش رویم، تمامِ اجناس گران شود چون آب نیست تا جایی که جنسی برای خریدوفروش نباشد؟ آیا بر اثر خشک‌سالی نبود که مردمِ کنعان محتاج مصر شدند؟ آیا این‌گونه

نیست که اگر فکر آب نباشیم، فردا محتاجِ کُفر شویم؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد، شغل زیاد شود و در آن صورت ریشه‌یِ همه‌یِ مشکلات مرتفع گردد؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد، ثروت حلال هست و ثروت باشد، طلاق و فحشا نیست؟ آیا بهانه اصلی جنبش‌های اجتماعی و فتنه‌های آینده، مسئله‌یِ اقتصادی نیست؟ آیا دلیل بیشتر فساد در جامعه، مسائلِ اقتصادی و اختلاف طبقاتی و لجبازی نیست؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد فقیر هم غنی می‌شود و اختلاف طبقاتی کم می‌شود؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد شغل زیاد می‌شود و دیگر کارفرما به کارگر زور نمی‌گوید و ظلم نمی‌کند و دیگر مردم به شغل‌های خنثی و کم‌درآمد روی نمی‌آورند؟ آیا این‌گونه نیست که از آب می‌توان آتش استخراج کرد ولی از نفت نمی‌توان آب استخراج کرد؟ راهکارِ جدی دولت برای مبارزه با خشک‌سالی چیست؟ مهم‌ترین راهکارِ دولت برای عمل به وعده‌ها چیست؟ آیا روالِ فعلی دولت موجب سلب عمومی اعتماد مردم به دولت نیست؟ آیا آب‌رسانی زیرساخت اصلی و اساسی و پایه تمدنیِ هر حکومتی نیست؟ وظیفه‌یِ کنونیِ همه‌یِ ملتِ ما این است که یکدیگر را از خطرِ پیش رو آگاه کرده پیامِ خشک‌سالی با صاحب این نامه است و ما تاکنون بسیاری را آگاه نموده‌ایم و تمامِ کسانی که گوش نداده و یا بی‌توجهی کرده‌اند نالان و گریان شده‌اند. آب برای کسی که پذیرفت و کمک کرد و خشک‌سالی و بی‌آبی بر کسی که به ماظلم کرد به‌حق.

جمعه - ۱۲ خرداد ۱۳۹۶ - الجمعة - ۷ رمضان المبارک ۱۴۳۸

قطره ۱۲۴ نامه محرمانه و مهم تاریخ جمعه - ۱۲ خرداد ۱۳۹۶ - الجمعة - ۷ رمضان المبارک ۱۴۳۸ [1]

به نام آب سلام بر آب از آب تا آب

---

۱ این قطره کامل قطره ۱۲۳ است که در کتاب **اذا فرغت** کامل توضیح داده می‌شود، خود اعتراف می‌کنم که این نامه بسیار پیچیده است.

آن‌هایی که در آینده گرفتار خشک‌سالی می‌شوند گویند اگر می‌شنیدیم و یا تعقل می‌کردیم از گرفتاران و مصیبت‌زدگان نبویدم، پس اعتراف کردند به گناهشان که فکر نکرده و یا نشنیدند پس تشنگی و گرسنگی و ناامنی و مرگ جمعی بر اثر جنگ و بیماری به گردن خودشان است.

این خبر یا مطابق عقل واقعیت نیست که در آن صورت باطل است و یا مطابق عقل واقعیت است که باید یکدیگر را یاری کنیم تا نجات یابیم که اگر چنین نکنیم به‌زودی همه هلاک شویم.

خشک‌سالی عظیم وحشتناک و بی‌سابقه‌ای در حال وقوع است که تمامیِ کشورها را در برمی‌گیرد و ایران هم مستثنی از آن نیست بلکه با نگاهی کوتاه به شهرهای اطراف خود مانند یزد و اصفهان و شیراز و قم و زاهدان و اهواز و فارس و اراک و .... و با نگاه به دریاچه‌ها و چاه‌ها و تالاب‌ها و باغ‌ها و زمین‌های خشکِ کشاورزی و روستاهای خالی از سکنه و ... برای هیچ‌کس جایِ شکی باقی نمی‌گذارد که روزبه‌روز زمین گرم و گرم‌تر شده و آب آشامیدنی رو به‌پایان است از نشانه‌هایِ آن خشک‌سالی هجومِ مردم از روستا به شهر است و ما می‌توانیم به مقالاتِ علمیِ نوشته‌شده در رابطه با این مسئله مراجعه نماییم، وضعیت جهان در شصت سال آینده که توپوگرافی‌های علمیِ (نقشه‌های زمین‌شناسی دقیق با جزئیات) آینده‌پژوهی معتبر نیز گویاست که در آن نقشه‌ها زمین را مانند بیابانی خشک به تصویر کشیده است کشورهایِ اطراف ما مانند افغانستان و پاکستان و هند و عراق .... نیز چنین است، نشانه‌های عظمت ویرانگریِ آن خشک‌سالی آشکارشده، باغ‌های ما به‌تدریج خشکیده، رودها و رودخانه‌هایمان صحرا شده، از چاه‌های عمیق ما نیز چیزی جز خاک بیرون نیاید، عمق چاه‌ها به سیصد متر رسیده ولی آبی نیست حتی در منطقه پرآبی مانند همدان، علوفه کم شده لذا گوسفندان و دام طیور هم کم شده، لذا قیمتِ گوشت بالا رفته، گرانی امور دیگر نیز به این سبب است، کشاورزی ما بر اثر خشک‌سالی ویران‌شده واردکننده محصولات شده‌ایم، آری این تازه خبری از خشک‌سالی است و هنوز خشک‌سالی نیامده. حتی بارش باران هم کاری را از پیش نمی‌برد چراکه زمین در اثر خشک‌سالی نشست کرده (فرونشست زمین: فشرده شدن خاک و سفت شدن زمین، نشست خاک در ایران از بیشترِ کشورها بیشتر است) که می‌توانیم به استان‌های خراسان و کرمان نگاهی بیندازیم لذا خاک بر روی‌هم انباشته‌شده و مانند سنگ گردیده است؛ باران میاید ولی داخل زمین نمی‌رود که سفره‌هایِ زیرزمینی آب را پُر کند لذا باران بر زمین جاری‌شده و دوباره به‌صورت بخار به آسمان می‌رود، و بعضی فکر می‌کنند که باران‌های سیل زا مشکل خشک‌سالی را حل می‌نماید درحالی‌که باران به زمین رسوخ نکرده و تنها بر زمین جاری‌شده سیل راه می‌اندازد و بخار می‌گردد. و البته خشک‌سالی نتیجه‌یِ گناه است و گناهِ اصلی به گردن مسئولینی است که با برنامه‌ریزی غلط منابع

آبی را از بین برده‌اند و سبب گسترش خشک‌سالی و فقر در جامعه شدند، راهکارهایی که برای برطرف کردن خشک‌سالی ارائه می‌دهند بیشتر به طنز شبیه است، گناهِ این مسئولین تکبرِ بی‌جاست که به کلام و راهکارِ ملت برایِ برطرف کردن خشک‌سالی گوش ندادند.

لذا روزبه‌روز امورمان سخت‌تر شده و شدت میابد، فقر و قحطیِ انتهایِ قرنِ ۱۳ و ابتدای قرنِ ۱۴ را دوباره ببینیم، بخوانیم در سال‌های ۱۲۹۶ الی ۱۲۹۸ شمسی در ایران چه روی داد؟ و پدران و مادران ما چه کشیدند؟ قحطی و فقر و شیوع بیماری و ناامنی و گرانی مرگ که در ادامه سقوطِ قاجار و جنگ‌های جهانی و اشتغال ایران که بیش از ۴۰% ایرانیان را به کام مرگِ سیاه (مرگ بر اثر شیوع بیماری و گرسنگی و سوءتغذیه) کشاند، حال وقایعِ صدسال پیش عیناً در حال تکرار است: خشک‌سالی، گرانی، ناامنی .... جنگ جهانی سوم و آوارگی ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی که راهی جز مرگ سیاه و سرخ ندارند، بله آب نباشد فرزند مادر را برای جرعه‌ای آب می‌کشد و مادر گوشت فرزندش را بخورد. آیا کرمان در وضعیت قرمز آبی نیست؟ آیا در هشت شهرستان بوشهر قطعی آب وجود ندارد؟ خرید آب از بخش خصوصی توسط دولت چه معنایی دارد؟ آیا دولت نمی‌تواند خود در رابطه با تأمین آب اقدام کند؟ آیا واگذاری آب به بخش خصوصی تقویتِ مافیایِ پنهان آب نیست؟ آیا ما باید بجایی برسیم که آب را از خارج بخریم؟ چه آینده‌ای در پیش است؟ اگر آن‌ها آب را تحریم کنند چه می‌شود؟ آیا وزیر نیرو نگفت که خشک‌سالی ادامه دارد؟ اگر این‌گونه است که هست و بیشتر و بدتر می‌شود چه کرده‌اند؟ آیا بالا رفتنِ قیمتِ مسکن و ترافیک و آلودگیِ هوا نتیجه خشک‌سالی روستاها و خالی از سکنه شدنشان نیست؟ اگر هست چه کرده‌ایم؟ آیا این خشک‌سالی به شهرها نمی‌رسد که بهتر بگویم رسیده است و حواسمان نیست؟ اگر برسد از شهرها به کجا پناه بَریم؟ آیا خشک‌سالی اصفهان در چهل سال گذشته بی‌سابقه نیست؟ آیا خشک‌سالی خراسانِ رضوی در پنجاه سال اخیر بی‌سابقه نیست؟ مگر خرم‌آباد شهر چشمه‌ها نیست؟ پس چرا مردمِ آنجا باید با دَبّه برایِ خود آب تأمین نمایند؟ آیا آنجا هم خشک‌شده؟ آیا آذربایجان غربی و شرقی که همیشه پر آب بوده نیز دچار خشک‌سالی نشده؟ اگر شهرهای پر آب ما چنین است پس در یزد و کرمان و قم و زاهدان و اهواز و بوشهر که از اول کم آب بوده‌اند چگونه است؟ آیا تعطیلیِ صنایع ما به آب ربط ندارد؟ چرا لوله سازهای ما تولیدات خود را نمی‌توانند بفروشند؟ آیا اگر سیاست اول دولت آب‌رسانی بود کارخانه‌های تولید لوله و هزاران شغل وابسته به آن بیکار و تعطیل می‌شدند؟ آیا اگر آب بود قیمت پوست گاو گوسفند ارزان نمی‌شد

که نتیجه‌یِ آن ارزان شدن قیمت تمام‌شده کفش بود؟ آیا در این صورت کفاش‌های ما و ده‌ها شغل وابسته به آن ورشکست می‌شدند؟ چرا قیمت کفشی که از چین میاید از قیمت کفشی که در ایران تولید می‌شود ارزان‌تر است؟ آیا اگر آب فراوان داشتیم قیمت قبض برق به این گرانی بود و دچار قطعی برق می‌شدیم؟ چرا سدهایی که برایِ تولید برق ساخته‌شده به علت بی‌آبی ازکارافتاده‌اند؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب بود قیمت برق نیز پایین میامد و در آن صورت قیمتِ تمام‌شده تمامیِ اجناسی که با برق تولیدی می‌شود پایین می‌آمد و تمام اجناس ارزان می‌شد؟ کدام تولید و صنعت است که با برق بی‌ارتباط است؟ آیا معاونِ توانیر نگفته است که بیش از ۶۰% تولید برق از نیروگاه‌های آبی را به علتِ خشک‌سالی ازدست‌داده‌ایم؟ آیا نتیجه‌یِ خشک‌سالی، بیکاریِ قشر عظیمی از جامعه نیست؟ آیا بیکاری مقدمه‌یِ قتل و زورگیری و باج‌گیری و دزدی و فساد و فحشاء و خودفروشی و بالا رفتن جرم در جامعه نیست؟ بله زیادشدن زندانی‌ها نتیجه‌یِ خشک‌سالی است، به فساد کشیده شدن خانواده‌های زندانیان نیز نتیجه‌یِ خشک‌سالی است، آیا بیش از ده سال نیست که استان فارس در جنگ با خشک‌سالی است؟ آیا خشک‌سالی نیست که باعثِ هجرتِ مردمِ افغانستان به ایران شده؟ آیا خشک‌سالی افغانستان نیست که سبب شده بعضِ مردم افغانستان به داعش بپیوندند؟ بله، خشک‌سالی سبب تقویت داعش شده پس کلید جنگ با تکفیر نیز در مبارزه با خشک‌سالی است، اگر خشک‌سالی در ایران ادامه یابد و ما راهکارِ درست را بکار نبریم چه فاجعه‌ای در حال وقوع است؟

بلایی که در آینده‌ای بسیار نزدیک به ما می‌رسد ویران‌کننده‌تر از بلایی است که در سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۲۲ گریبان گیر ایران شد، در آینده‌ای بسیار نزدیک ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی برای نوشیدن جرعه‌ای آب به جان یکدیگر بیفتند، بکشیم و کشته شویم، گروهی به فکر مهاجرت از ایران به کشورهای هم‌جوار بیفتند ولی به کجا؟ همه‌جا خشک‌سالی است، به کجا برویم؟ به‌سوی وهابیت؟ داعش؟ عربستان؟ ترکیه؟ و... با ما چه کنند؟ حکمِ میهمان را بر ما اجرا کنند یا کنیز و برده را؟ آنان که با جوانانِ زائرِ ما در گیت فرودگاه آن کردند که همه می‌دانند درزمانی که ضعیف شده و محتاج آنانیم چه کنند؟ نگاه کنیم اطراف را تا بفهمیم.

همه‌جا مانند هم است، همه‌جا خشک‌سالی، فقر، بیماری‌های جدید و قدیم مانند طاعون وبا، همه‌جا ناامنی، همه‌جا جنگ بر سر آب، یعنی جنگ برای زنده ماندن، همه‌جا قتل، همه‌جا مرگِ سیاه و سرخ و سفید (مرگ سیاه مرگ بر اثر بیماری، مرگ سرخ بر اثر جنگ، مرگ سفید بر اثر بی‌آبی و گرسنگی)، بعدازآن زلزله که از گرمی زمین و خشک‌سالی است، گرسنگی، تشنگی، ناامنی، مردن حیوانات، شیوع بیماری‌های واگیردار و مُسری، در آن زمان هرچقدر پول دهیم آبی

نیست در آن زمان با یک لیوان آب می‌توان انسانی را خرید و فروخت و چقدر آب ارزشمند شود که از اول هم ارزشمند بود ولی کسی نفهمید تا زمانی که آب نایاب شد.

در آن هنگام هر جا آب باشد همان‌جا جنگی خونین است و هر جا آب نباشد همه مرده‌اند. آری هر جا آب باشد خون ریخته شود، انسان با انسان و حیوان با انسان بجنگد، قبل از قحطی و خشک‌سالی بزرگ نیز قیام‌هایی که برای خردمندان نشانه است ظاهر شود، جریانِ هجوم مردم به رئیس‌جمهور محترم آقای حسن روحانی در گلستان واقعه‌ای تلخ بود که توجه نشد، و اشک را از چشمان ما جاری نمود، خدا شمارا از هر بلایی حفظ کند، ولی از گلستان قبرستان‌هایی رویش کرده و به تمام ایران رسیده و تمام ایران را مستعد قیامِستان نموده است، جناب آقای روحانی ما از طرفداران شماییم ولی اگر برای شما اتفاقی بیفتد ما را نیز می‌سوزاند ما بودیم که از دوست شما حمایت کردیم، پس کلامِ تلخِ دوستِ خود را با رغبت و اشتیاق بنوشید که این داروی تلخ عاقبتی خوش دارد اگر آب باشد فقر نیست و در آن صورت مردم به‌سوی شما گل پرت می‌کنند ما می‌خواهیم تمام ایران برای استقبال شما گل بیاورند، ما را سرافراز کنید بله ما بودیم که گفتیم خدا بود که ایران را نجات داد و آن را از خطر دیگران حفظ نمود چراکه او کتابش اصلاً برای خشک‌سالی و آب‌رسانی راه‌حل و کلامی نداشتند اما شما داشتید چراکه رفیق شما هاشمی طبا بود و او از آب سخن می‌گفت و او ریشه‌یِ تمامِ مشکلات را فهمیده بود و ما رفیق دوم شما هستیم برای اینکه آب را به کل ایران برسانید پس دست‌به‌دست هم دهیم تا همه سرفراز شویم.

برادر عزیز آقای روحانی، ما نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و به علتِ بی‌تدبیریِ امروز شاهدِ آوارگیِ تمامی ایرانی‌ها باشیم، نمی‌توانیم بازارهایِ برده و کنیزِ ایرانی را که به خاطر نبودِ آب به کفار فروخته می‌شوند را شاهد باشیم. آیا همین بلای فروش زنان ایزدی گرفتار مردم سوریه نشد؟ آیا بازار برده و کنیز نداریم؟ ای‌کاش هزاران بمب اتم ببارد ولی خشک‌سالی برگردد. ای‌کاش هزاران لشکر داعشی به ما حمله کند ولی خشک‌سالی برگردد، آقای رئیس‌جمهور خطر خشک‌سالی از بمب اتم و داعشی و تکفیری و... بیشتر است، اگر خشک‌سالی مهار نشود در کمتر از یک ماه همه را نابود کند.

ای‌کاش بهرامی و اهل‌وعیال و تمام خاندانش کشته‌شده و به خاک و خون کشیده شوند شاید مردم بیدار شوند و لشکر تائبین راه افتد و با لشکر خشک‌سالی بجنگند. برطرف کردن خشک‌سالی و کشیدن آب خلیج‌فارس به ایران را، خدا به بهرامی یاد داد و او هدهد شد، ولی میدانم که شاید

مافیای آب نمی‌خواهد که این اتفاق روی دهد؛ آن‌ها حاضرند تا چند صباحی از گندم رِی بخورند ولی میلیون‌ها ایرانی پَرپَر شوند، ما نه طرفدار آقای رئیسی بودیم و هستیم، و نه طرفدارِ آقای روحانی، ما با دلیل و برهان به آقای هاشمی طبا رأی دادیم و قبل از انتخابات نیز اعلام نمودیم با هر کس که رئیس‌جمهور شود بر سرِمساله‌یِ اقتصاد و مسئله آب مناظره کنیم لذا از باب انجامِ تکلیفی که به گردنِ ما می‌باشد راه را ادامه دهیم. اگر شورای نگهبان کتاب ما را که بعد از اعلام اسامی نامزدها تحویل داده بودیم خوانده بود و یا آیت‌الله ... به آن نامه توجه کرده بود و یا آیت‌الله ... به پیامی که درون مسجد به او داده‌شده بود توجه می‌کرد و یا دفتر آیت‌الله سید ... به نامه‌یِ ما عمل می‌کرد، کار به اینجا نمی‌رسید؛ به‌هرحال ما مکلفیم. آیا چون طرفدار دیگران نبودیم ما را طرد کرده و گوش ندادند؟ ... ما قبل از انتخابات اعلام نمودیم که در بینِ تمامیِ کاندیداها تنها کسی که از بقیه کمی بهتر است جناب آقای مهندس هاشمی طبا است چراکه به ریشه‌یِ اصلیِ تمامیِ مشکلات که آب است اشاره‌کرده و همان‌جا اعلام نمودیم به هر کس که رئیس‌جمهور شود اعلام مناظره‌یِ زنده‌یِ تلویزیونی می‌نماییم تا او را کمک کرده تا موفق شود و الا اگر راهکار را از ما قبول نکند هیچ موفقیتی به دست نمی‌آورد و برعکس تمامیِ ملت را به سقوط نزدیک می‌کند راهکارِ اصلی رفع بحران خشک‌سالی انتقال آب خلیج‌فارس به‌تمامی ایران است و راهکارِ جهانیِ مبارزه با تمامیِ مشکلات بشریت نیز آب است لذا سه مناظره‌یِ زنده‌یِ تلویزیونی اعلام نموده‌ایم که به ترتیب انجام می‌شود این مناظره‌ها بستگی به ملت دارد که چه مقدار اهمیت خشک‌سالی و عظمت آب برای رفع مشکلات را کشف کرده باشند و در جهت برپایی مناظره تلاش کنند:

در مناظره‌یِ اول با آقای حسنِ روحانی اثبات می‌نماییم بلایی عظیم و خانمان‌سوز در راه است و ریشه‌یِ تمامیِ مشکلات در آب است و باید در عرض یک سال این مشکل را برطرف نمود و آب خلیج‌فارس را به ایران عطشان انتقال داد که در غیر این صورت عطش، ایران را می‌خشکاند و هر چه دیر عمل نماییم مقداری از گرفتاریِ در حالِ وقوع که خشک‌سالی است، ما را می‌گیرد پس اولویتِ اولِ همه‌یِ شئونِ کشور آب است، آقای روحانی پاسخ دهید:

آقای روحانی آیا قرآن ریشه‌یِ همه‌یِ مشکلات را از آب نمی‌داند؟ و آیا این‌گونه نیست؟ آیا در ایران خشک‌سالی وجود ندارد؟ آیا چاه‌های عمیق ما خشکیده نیست؟ آیا ریشهِ‌یِ اصلیِ تمام مشکلاتِ اقتصادی و ... خشک‌سالی نیست؟ آیا گرانی و بیکاری از خشک‌سالی نیست؟ آیا راهکارهایِ شما برای برطرف کردن خشک‌سالی چیزی غیر از ممنوعیتِ حفر چاه عمیق است؟ آیا راهکار شما برای مبارزه با خشک‌سالی ملت را خوار و ذلیل‌تر نمی‌کند؟ چراکه این اصلاً راهکار نیست، پاک کردن مسئله است، آیا خشک‌سالی مقدمه‌یِ آشوب نیست؟ آیا عملکردِ شما جامعه را

مستعدِ هر آشوبی ننموده است؟ آیا اگر فقر را برطرف ننماییم تکرار نمی‌شود؟ آیا جنگِ آب که جنگِ جهانیِ سوم است در پیش نیست؟ شما برای این جنگ چه کرده‌اید؟ مگر مشاورینِ شما مثلِ آقای عیسی کلانتری نگفته‌اند در آینده‌ای نزدیک باید ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی کوچ کنند؟ ما باید به کجا کوچ کنیم؟ زنان و دختران ما به‌اجبار به کدام سوی روند؟ عربستان؟ آنتالیایِ ترکیه؟ اُزبکستان؟ آیا وهابیت از پناه جویانِ ایرانی بازار فروش برده و کنیز راه نمی‌اندازد؟ آیا شما دوست دارید که فرزندان دختر و پسر ایران‌زمین در ویترین‌های فروش انسان جای‌گیرند؟ آیا غرب و شرق پناه جویان را به بردگی نمی‌گیرد؟ آیا شما ندیدید اتحادیه‌یِ اروپا چه بلایی بر سر مردم پناه جویِ سوریه آورد؟ چه کسی است که نفهمیده باشد مصیبت خشک‌سالی در ایران از حمله‌یِ داعش به سوریه سخت‌تر است؟ در سوریه که داعش حمله کرد دو میلیون آواره شدند ولی در ایران که خشک‌سالی حمله کند بین ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی آواره شوند. آری جنگ انسان‌ها را می‌کشد و زمین را ویران می‌کند آیا به‌واسطه مقدمه‌یِ نزدیک شدنِ خشک‌سالی روستاها ویران نشده؟ وای به زمانی که خشک‌سالی از راه برسد. آقای رئیس‌جمهور چقدر آب ذخیره کرده‌اید؟ مگر جنگِ جهانیِ سوم جنگِ آب نیست؟ آب‌های ذخیره‌شده شما کجاست؟، رودخانه و چاه، آب ندارد، آن‌وقت شما به فکر صدورِ گازِ ایران به ترکیه هستید، چرا گاز را به ترکیه می‌برید ولی آب خلیج‌فارس را به داخل ایران نمی‌آورید؟ اگر گاز را از ته دریا تا اروپا می‌توان برد آیا آب خلیج‌فارس را از دریا تا یزد نمی‌توان برد؟ آیا ما ایرانیان آن‌قدر به عقب برگشته‌ایم که بالا و پایین مملکت آب باشد (خزر و خلیج‌فارس و دریای عمان) و مردم در داخل از تشنگی بمیرند؟ آیا کانال سوئز توسط داریوش ایجاد نشده؟ حال چگونه نمی‌توانیم از خلیج‌فارس به کل کشور لوله‌کشی کنیم؟ چگونه هزینه برای خرید هواپیما هست ولی برای آب نیست؟ چگونه پیمانِ ایران و ترکیه برای صدور گاز هست ولی پیمان‌نامه با ایرانیانِ بی‌کار برای انتقالِ آب خلیج به کل کشور نیست؟؟ آیا شما از بزرگ‌ترین مافیایِ کشور غیر مطلع هستید یا خیر؟ آیا نمی‌دانید مافیایِ آب در کشور چه کسانی هستند؟ آیا آن‌ها فکر می‌کنند ما نمی‌دانیم که خطرناک‌تر از مافیایِ قاچاقِ موادِ مخدر و اسلحه و قاچاقِ انسان و قاچاق دارو، مافیایی خطرناک‌تر به نامِ مافیایِ آب در کشور است که ریشه‌یِ تمامیِ مافیاهایِ موجود است؟ در کجایِ دنیا با آبی که برای خوردن است به دستشویی می‌روند؟ چرا آب را دو مصرفِ نمی‌کنید؟ بله، اگر آب دو مصرفِ شود یکی برای شرب و دیگری برای شستشو استحمام و صنعت و کشاورزی... سود چند هزار میلیارد دلاریِ ماهانه که مافیایِ آب در ایران به

جیب میزند کم می‌شود پس حق‌دارند آب را دو مصرفِ نکنند؟ مافیایِ آب ریشه تمامیِ مافیاهاست و تا زمانی که این مافیا باقی است تمامیِ مافیاها پابرجا است. آقای روحانی چرا نفت را با لوله تا نزدیک تهران می‌آورید، ولی آب را نه؟ کدام مهم‌تر است؟ چگونه شیوخِ حاشیه خلیج‌فارس از آب خلیج برای شرب استفاده می‌کنند اما ما برای کشاورزی نمی‌توانیم...؟ آن‌ها با آب دریا زمینِ گُلف درست می‌کنند ولی باغ‌های ما که ثمره‌یِ زحمات چند ده‌ساله است با بی‌آبی می‌سوزد. آیا کمبود آب نیست که گوشت را به کیلویی ۵۰ هزار تومان رسانده است؟ آیا نبودِ آب نیست که روستاها را خالی و شهرها را پرجمعیت کرده؟ آیا نبود آب نیست که ما را به واردکننده محصولات کشاورزی تبدیل کرده است. آیا از آب خلیج‌فارس نمی‌توان برای صنعتِ پرورش ماهی شور در کل کشور استفاده کرد و فقر را برطرف نمود؟ چرا هواپیما می‌خریم ولی فکر شیرین کردن آب دریا نیستیم؟ آیا نمی‌توان با انتقالِ آب خلیج‌فارس به کل کشور، زمینه را از ابتدا برای ریشه‌کن کردنِ همه‌یِ بیکاری‌ها فراهم نمود؟ چگونه می‌شود سنگ را به‌صورت خام به چین ببرند تا تراش بدهند و دوباره به ایران برگردانند ولی آب را از خلیج‌فارس به یزد، نه؟ آیا خشک شدن چاه‌های عمیقِ شهرهای آبخیز ما نشانه‌یِ گذشتن از بحران و هشدار نیست؟ آیا اولویتِ امروزِ تمامِ جوامع، تدبیری برای آب شرب نیست؟ به زاینده‌رود باید چه گفت، زمانی که جز خاک چیزی ندارد؟ آیا کویر از دل آن زاییده نشد؟ این‌گونه نیست که هر چه پیش رویم، تمامِ اجناس گران شود چون آب نیست تا جایی که جنسی برای خریدوفروش نباشد؟ آیا بر اثر خشک‌سالی نبود که مردمِ کنعان محتاج مصر شدند؟ آیا این‌گونه نیست که اگر فکر آب نباشیم، فردا محتاجِ کُفر شویم؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد، شغل زیاد شود و در آن صورت ریشه‌یِ همه‌یِ مشکلات مرتفع گردد؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد، ثروت حلال هست و ثروت باشد، طلاق و فحشا نیست؟ آیا بهانه اصلی جنبش‌های اجتماعی و فتنه‌های آینده، مسئله‌یِ اقتصادی نیست؟ آیا دلیل بیشتر فساد در جامعه، مسائلِ اقتصادی و اختلاف طبقاتی و لجبازی نیست؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد فقیر هم غنی می‌شود و اختلاف طبقاتی کم می‌شود؟ آیا این‌گونه نیست که اگر آب باشد شغل زیاد می‌شود و دیگر کارفرما به کارگر زور نمی‌گوید و ظلم نمی‌کند و دیگر مردم به شغل‌های خنثی و کم‌درآمد روی نمی‌آورند؟ آیا این‌گونه نیست که از آب می‌توان آتش استخراج کرد ولی از نفت نمی‌توان آب استخراج کرد؟ (قوه‌یِ برق که از آب تولید می‌شود) آیا این‌گونه نیست که با آب، بدون نفت، گاز، برق و...، می‌توان زندگی کرد اما برعکس نه؟ راهکارِ جدی دولت برای مبارزه با خشک‌سالی چیست؟ مهم‌ترین راهکارِ دولت برای عمل به وعده‌ها چیست؟ آیا روالِ فعلی دولت موجب سلب عمومی اعتماد مردم به دولت نیست؟ دلیل اینکه تاکنون عملِ جدی برای انتقال آب

خلیج‌فارس به کل کشور نکرده‌اند چیست؟ این سؤال‌ها نه‌تنها از شما که از همه فرمانروایان ایران‌زمین است از پهلویِ اول و دوم از رفسنجانی و خاتمی و احمدی‌نژاد و تمامی کسانی که حتی در سر رویایِ ریاست بر مردم ایران را داشتند، همه و همه باید جواب دهند، چرا جاده کشیدید راه‌آهن ساختید و ... ولی آب نکشیدید، مگر هشدار کم‌آبی و خشک‌سالی یک قرن نیست که به ما داده‌شده و هر روز جامعه‌یِ ما را به سمت مرگ کشانده است؟ بلی از سال‌های ۵۷ تا ۶۸ که مملکت گریبان گیر جنگ بود سؤالی نمی‌کنیم چون فرصت آب‌رسانی نبود اما قبل و بعدازآن چه؟ آیا آب‌رسانی زیرساخت اصلی و اساسی و پایه تمدنیِ هر حکومتی نیست؟ پس چرا اولویت اصلی و اساسی و شعار اول آن‌ها آب‌رسانی نبوده است؟ آیا آب خلیج‌فارس را با لوله، راحت‌تر از گاز نمی‌توان انتقال داد؟ آیا تمامِ دنیا از آب‌شیرین‌کن برایِ استفاده از آب دریا، استفاده نمی‌کنند؟ این‌جانب بیشتر راهکارهایِ مبارزه با خشک‌سالی را مطالعه کرده‌ام، تنها راهِ اصلی انتقالِ آب خلیج‌فارس است تفاوتِ طرحِ ما با تمامِ طرح‌ها، الهی بودنِ آن است که در مناظره‌یِ دوم اثبات می‌نماییم. کمتر از یک سال آب خلیج‌فارس تا هر شهر و سپس هر روستا و سپس... در مناظره‌یِ اول با آقای روحانی، اثبات معضل خشک‌سالی؛ در مناظره دوم با آقای زاکانی، اثبات الهی بودن طرح که میلیاردها هزار دلار هزینه و میلیاردها هزار ساعت کار انسانی و تغییر اساسی در زیرساخت‌های اداره‌یِ جامعه‌یِ ایران را به همراه دارد؛ اگر راهکار الهیِ اول قبول نشد، راهکارِ دوم که آن‌هم مدیریت الهی است، مطرح می‌شود.

در مناظره‌یِ سوم با آقای ترامپ در روسیه، قدمی جهانی به سمت تمدن اسلامی و بیرون‌شدن بشریت از ظلم برمی‌داریم.

در مناظره‌یِ دوم با آقای زاکانی که تمامِ تیم او که به‌صورت تخصصی بر روی مشکل آب کارکرده‌اند و قوی‌ترین تحقیقات را بر روی انتقال آب خلیج‌فارس به داخل ایران انجام داده‌اند مناظره می‌کنیم تا همگان آگاه شوند که طرحی که در دست ماست، الهی است نه مادی، لذا در این مناظره در انواع شیوه‌های انتقال و شیرین کردن آب و مدیریتِ آب‌رسانی بحث می‌شود (مطالب دقیقی که در مناظره‌یِ اول با آقای روحانی گفته نمی‌شود در اینجا گفته می‌شود، به دلیل

حساس بودن مطالب که بسیاری از اسرار حکومتی الهی ایران است و باید مطرح شود. در ابتدا ... بماند) [۱]

در مناظره‌یِ سوم با آقای ترامپ در روسیه مناظره می‌کنیم [۲] و هشدارِ خشک‌سالی و خطرِ پیش رو را اول به آمریکا و بعد به‌تمامی کشورها می‌دهیم و آمادگیِ خود را برای کمک به هر دولت و ملتی اعلام می‌داریم تا با این بلاء که نتیجه اعمالِ ما انسان‌هاست مبارزه کنند و در صورتِ بی‌توجهی، اثرات و صدماتِ آن بر عهده‌یِ خود آنان است که البته ملت‌های آنان نیز مانند ملت ایران بیدار شده و از فاجعه‌یِ در حال وقوع جلوگیری می‌کنند.

تمامِ بشریت باید منتظرِ وعده باشند [۳]، که به‌سرعت می‌رسد این مسیر جاده‌ای باریک‌تر از مو است که لحظه‌ای غفلت از آن سقوط را به همراه دارد پس باعقل و درایت تصمیم بگیریم و فکر کنیم و ببینیم که صاحب سخن راست‌گوست و یا دروغ‌گو، از تهمت و افترا هم بپرهیزیم بهرامی طلبه‌ای ساده است جفر، رمل، عدد، شاعر، دیوانه مرتبط با جن و روح، ساحر و مجنون اهل

---

[۱] ما برای رفع خشکسالی ۳ طرح عادی و دو طرح غیر عادی داریم، در طرح‌های عادی جای اشکال و پاسخ باقی می‌باشد و بنده یکی از مهمترین و فعالترین افراد که در زمینه رفع بحران آب که تلاشهای زیادی کرده است را دکتر زاکانی میدانم و لذا در این نامه به عقیده‌خود از مهمترین فرد که طرح و تئوری برای رفع بحران آب دارد سخن گفته‌ام، بدیهی است که در طرح‌های عادی جای سؤال و اشکال برای افراد باقی است بخلاف طرح‌های غیر عادی، که البته ما در جلسات و مکاتبات خود با نمایندگان وزارت نیرو به تمامی اشکالات پاسخ داده‌ایم و این امر باعث تقویت ادعای غیر عادی ما می‌شود که شاید ما در ادعای غیر عادی خود نیز گزاف سخن نگفته باشیم، کما اینکه بعد از مکاتبات با نمایندگان وزارت نیرو قرار بود در جلسهٔ آخر حضوراً پیرامون مباحث طرح عادی انتقال آب صحبت شود اما متاسفانه آنان بدون قرار قبلی ۵ ساعت پیرامون طرح غیر عادی با ما صحبت نمودند و در آخر رئیس و معاون آن مرکز به بنده گفتند که ما یقین داریم تو راست میگویی ولی نمی‌توانیم انتقال دهیم که اگر این کار را انجام دهیم اخراج می‌شویم ولی از تو می‌خواهیم اگر خودت می‌توانی کاری انجام دهی انجام بده و اگر امضای ما دو نفر در شیبدار شدن آسمان به سمت ایران تأثیر دارد ما حاضر به امضای لوح تو هستیم، آقایان دکتر که از ترس شغل خود مطالب را انتقال ندادید بدانید در خون بسیاری شریک هستید، حق را یاری نکردید و مطمئن باشید در دنیا قبل از آخرت گرفتار می‌شوید. ۹۹/۲/۱۱

[۲] بدانید وعدهٔ ما نه فقط برای ایران است بلکه جریانات تا کلانترین مباحث جهانی پیش می‌رود و با آب تمامی فرعونیان غرق خواهند شد. ۹۹/۲/۱۱

[۳] ما در آبان سال ۹۶ از طرف دادگاه احضار شدیم که متاسفانه در آن زمان جریانات را ننوشتم ولی فایل صوتی گزارش آن ایام موجود است، بنده در جلسه اول اعلام نمودم بنده هیچ جرمی نکرده‌ام و لذا هیچ امری بر علیه بنده اثبات نمی‌شوم و تبرئه خواهم شد و همانجا از قاضی درخواست نمودم در صورت تبرئه شدن بنده مقامات را در جریان قرار دهند در آن گزارش که بنده به دادگاه فراخوانده شده بودم بیش از ۱۲۰ تهمت و دروغ بر علیه بنده اقامه شده بود که از همه آنها تبرئه شدم و هیچ امری بر علیه بنده اثبات نشد و در همانجا اعلام نمودم به دلیل ظلمی که حداقل در رابطه با این پیام مقدس شده باید منتظر جریانات وحشتناکی باشیم که شما نگاه کنید از تاریخ ۹۶/۸/۲۱ در این چه اتفاقاتی روی داد و البته طبق وعده قطعهٔ ۱۰۰۰ جریانات از تاریخ ۹۸/۸/۸ بیسیار بیشتر شد جریانات کامل را در کتاب **اذا فرغت** جویا شوید، بدانید پیام مهمی برای اهل زمان خود دارم که در صورت بی توجهی بحرانها عمیق و عمیق‌تر می‌شود. ۹۹/۲/۱۱

طلسم و مرتبط با امام و خدا وصی و نبی و ... نیست و نمی‌داند، تمام این‌ها تهمت است که اهل باطل میگویند و باید منتظر باشند، بهرامی طلبه‌ای ساده با گذشته‌ای روشن است و هم‌اکنون هم همان است که بوده نه چیزی بیشتر، او تکلیفی را که می‌فهمد عمل کند پس گوش کنیم تا تکلیف مدار باشیم.

وظیفه‌یِ کنونیِ همه‌یِ ملتِ ما این است که یکدیگر را از خطرِ پیش رو آگاه کرده و با ملایمتِ هر چه تمام و بامحبت و دلسوزی از آقای رئیس‌جمهور محترم بخواهیم در برنامه‌یِ زنده‌یِ تلویزیونی با بهرامی که همان هدهد است مناظره کند[۱]. بهرامی تنها در مناظره‌یِ زنده‌یِ تلویزیونی سخن گوید، حتی اگر سَر دهد سِرّ نگوید و اگر کشته شود امر به خون کشیده شده و نفر دوم با شدت بیشتری بیاید اگر او هم کشته شود تا یازده نفر اگر او هم کشته شود[۲] تمام ایران بهرامی می‌شوند چون سِرّ مگو برای همگان فاش می‌شود و همه می‌فهمند اسرارِ حکومت چیست و در کجاست و چه باید کنند؟ و در این زمان، زمان به سَر رسیده پس سَرها بلند شوند [۲۰۰]و سَرهای بسیاری ریخته شود و تمامِ امور واژگون گردد و همانند قتلی که در بنی‌اسرائیل واقع شد در ایران واقع شود پس از همین ابتدا به سراغ نعمت مَنّ و سَلوی (دو نعمت آسمانی بر بنی‌اسرائیل) بروید چراکه بعد از چهل سال (نزدیک شدن انقلاب به چهل‌سالگی[۲۰۱]) زمان نزولِ بشارت‌ها رسیده و سرگردانی ایرانیان در تیــه (بیابانی که بنی‌اسرائیل به علت نافرمانی دچار شدند) تمام‌شده پس سُجدا به‌زودی در باب وارد می‌شوید[۲۰۲]. (رمز) و این چیزی است که ما از انبیاء آموخته‌ایم که مسیر حق قائم به شخص نیست و راه ادامه دارد نه اینکه ادعای فرقه و نحله و مذهبی و... جدید داشته باشیم. و این یعنی اُسوه بودن انبیاء برای ما. و این تنها تبیین مسیری است که ما

---

[۱] مقصود شهود جمعی است که یا در زمان حیات مادی‌ام و یا بعد از مرگ یا شهادتم این اتفاق خواهد افتاد زیرا که عقلا و شرعاً اگر دروغگو باشم بالاخره رسوا می‌شوم و اگر راستگو باشم در نهایت مدد الهی به تمامه رسیده و یاری می‌شوم ۹۹/۲/۱۱

[۲] این حقیقتی انکار ناپذیر است: دادن حکمت به دست جاهل ظلم و ندادن حکمت به اهلش نیز ظلم است، بنده علوم خود را ودیعه گذاشته‌ام همانگونه که در وصیتنامه بنده نیز آمده است، اگر در زمان حیات مادی‌ام توفیق نصیب گردد اهل زمان خود را از علوم بهره‌مند می‌سازم و الا این علوم برای زمانی که مردمی عاقل و فهیم یافت شوند و از آن علوم بهره‌مند گردند، تعدادی از این افراد مأموریت آب را دارا می‌باشند و در آن زمان است که متکبرینی که گوش ندادند و حداقل احتمال راستگویی ما را نمی‌دادند مورد سرزنش مردم قرار می‌گیرند و دور نیست آن زمان. ۹۹/۲/۱۱

می‌پیماییم نه تهدید و چیز دیگری، البته یک شرط نهفته‌یِ بسیار مهم در تمام موارد است که آن می‌تواند همه را باطل کند و تا زمانی که باطل نکرد. تکلیف ما همین است که می‌بینید.

حال تصمیم با شماست، پیامِ خشک‌سالی با صاحب این نامه است و ما تاکنون بسیاری را آگاه نموده‌ایم و تمامِ کسانی که گوش نداده و یا بی‌توجهی کرده‌اند نالان و گریان شده‌اند [۱]، اگرچه که نمی‌دانند دلیل نالان شدنشان بی‌توجهی به خبرِ هدهد بوده که هدهد همان بهرامی است[۲۰۳] که پیام آب و خشک‌سالی و راه‌حل آن را دارد. از این افراد سؤال کنید: آیا ما با افرادی که اسمشان می‌آید این مطالب را در جریان گذاشتیم یا خیر؟ و هدفمان تنها کمک بود.

۱. سؤال کنید از جناب آقای ... و تیم او: آقایان دکتر ..، الیاس ..، حسین ..، دکتر ..، و فردی که از سال ۹۳ تاکنون هشدار داده بودیم که اگر دکتر به حرف ما گوش ندهد به سرنوشتم ر دچار می‌شود اگر لازم باشد تلفن آن فرد را فاش می‌کنیم ولی هیچ‌گاه به حرف‌های بنده گوش ندادند، و افسوس از جوابی.[۲۰۴]

۲. سؤال کنید از تیم آقای ... که نامه و صحبت‌های بنده را به دلایل واهی نشنیدند آقایان حکمت و قنبری

۳. سؤال کنید از تیم آقای ..، آیا محافظِ آقای .. خیانت در نامه کرد و نامه را نرساند؟ مسئول ستاد روحانیون ایشان هم همین‌طور، و اگر نامه رسیده باشد مقصر اصلی خود آقای .. است، تمامیِ این آقایان، آقایان ....، .. ..، ....، .... .. نیز مقصرند، مخصوصاً ... که جواب ناشایستی در روز قبل مناظره سوم به ما دادند

۴. سؤال کنید از آیت‌الله ... که چه جوابی بود به نامه ما دادند؟ و چرا نامه دوم را جواب ندادند؟

۵. سؤال کنید چرا واسطه‌یِ نامه‌رسان آیت‌الله ... نامه را جواب ندادند.

۶. سؤال کنید چرا شورایِ نگهبان کتاب اول را نخواندند و به هشدارها توجه نکردند.

۷. سؤال کنید چرا دفتر آیت‌الله ... شورای نگهبان جواب نامه را ندادند؟ آیا نامه را تحویل ندادند و یا ...؟

---

[۱] به کتاب **اذا فرغت** مراجعه شود اما بنده عقیده دارم بواسطه بی توجهی به پیام هدهد گروهی مبتلا به نفرین و عذاب شده و حتی بر اثر تمسخر پیام عمرشان کوتاه و مردند، زیرا بنده اعتقاد دارم هر جریانی یکی از دو حالت را دارد یا حق است یا باطل؟ و باید باطل را رسوا نمود و حق را یاری کرد در غیر این صورت تمامی کسانی که با او مواجه هستند باطل هستند زیرا در صورت باطل بودن او را باطل نکرده و در صورت حق بودن حق را یاری نکردند و اعلام می‌دارم تا کنون به صورت جدی کسی ما را یاری نکرده و البته هیچ کس هم نتوانسته ادعاهای بنده را باطل نماید، نمونه‌ای از یکی از جریانات عجیب را در انتهای کتاب آورده‌ام ۹۹۲/۱۱

۸. سؤال کنید چرا آیت‌الله ... نامه اول را تحویل گرفتند ولی حاضر نشد نامه و کتاب را به او تحویل دهیم تا در شورای نگهبان مطرح کنند.

۹. سؤال کنید چرا جامعه‌یِ ... نامه‌ای را که به دفتر آنجا تحویل دادیم جواب ندادند آیا دفتردار خیانت کرده؟

۱۰. سؤال کنید چرا آیت‌الله ... مقتدایی جواب نامه را ندادند؟ آیا دفتردار خیانت کرده؟

۱۱. سؤال کنید چرا نامه را که به دست آیت‌الله ... دادیم جواب ندادند؟ آیا نگفتیم محرمانه است سریع جواب دهید؟

۱۲. سؤال کنید چرا ... و آقای ... جواب نامه را ندادند آیا در مسجد جمکران به دفتر ایشان تحویل ندادیم؟ و تأکید نکردیم بسیار فوری است و تا ده دقیقه‌یِ دیگر جواب دهید؟ آیا نامه‌رسان خیانت کرد؟

۱۳. آیا حجت را بر بسیاری از اساتیدِ سطح عالی حوزه تمام نکردیم، آقایان ...، ... ، ...، ...، ... و ده‌ها نفر دیگر، آیا نگفتیم حوزه را باید تعطیل کرد و الا به‌زودی تعطیلش می‌کنند که با این اوضاع باید منتظر بود خشک‌سالی حوزه را نیز خشک کند.

۱۴. آیا بر بسیاری از افراد سرشناس دیگر حجت را تمام نکردیم؟ اگر لازم باشد اسم و مدارک را برای بیش از ۵۰ نفر سرشناس فاش کنیم.

۱۵. چرا طرفدارانِ آقای روحانی پیام را به ایشان ندادند؟ چرا وزارتخانه‌هایِ ایشان با ما برخورد متناسب نکردند؟ آیا در جوابِ کسی که خطری بزرگ را آگاهی می‌دهد میگویند تو دیوانه‌ای؟ آیا نعوذبالله یوسف که درود خدا بر او باد، پیامِ خشک‌سالی را به مصر داد دیوانه بود؟ چرا فهم ما از فهم عزیز مصر کمتر شده مگر ما برای کمک به ملت و آقای روحانی نیامده‌ایم؟.۱۶. چرا پیام ما را به .... نرساندند؟ چرا ...؟ چرا؟ چر؟ چ؟ چرا هدهد نشدند تا پیام برسد؟ آیا هدهد شدن کم‌چیزی است؟ آیا پیامِ هدهد بزرگ نیست؟

برای مبارزه با خشک‌سالی و عملی شدن انتقال آب خلیج‌فارس به ایران هم ه را آگاه کنید و به‌صورت آرام در شبکه‌های اجتماعی و هر اجتماعی با هر روش و ایده‌ای مانند عکس نوشته و عکس و فیلم کوتاه از رئیس‌جمهور محترم جناب آقای حسن روحانی بخواهیم تا به حرفِ ملت که

دوست و یاور او هستند گوش بسپارد بهرامی در مناظرهِ زنده اثبات می‌کند [۱] خطر خشک‌سالی و عواقب آن و تنها راه‌حل آن انتقالِ آب خلیج‌فارس است که در صورت در اختیار قرار دادن امکانات این کار را در عرض یک سال برایِ شما انجام می‌دهیم لذا این نامه‌یِ محرمانه را به هر ایرانی برسانید که هر ایرانی محرم است و از نامحرمان حفظش کنید و در ادامه ما جایگاه آب را بیشتر روشن نماییم. (ادامه کلامی از امام ره)

پانزده خرداد مبدأ نهضت اسلامی ایران است[۲]. موج خرداد هیچ‌گاه از جوش، و خروش نمی‌افتد و هیچ زمانی شعله‌های سرکش این حرکت انقلابی فرو نخواهد نشست زیرا آرمان‌های یک ملت بزرگ و شجاع در این روز و در قالب یک اجتماع حقیقت طلبانه متجلّی شد. - قیام ۱۵ خرداد ۴۲، گویای این واقعیت بود که اگر ملّتی مورد تجاوز و زورگویی‌های عده‌ای قدرت‌طلب دیکتاتور مآب قرار گیرد؛ تنها اراده آن ملت است که می‌تواند در مقابله با ظلم‌ها و ستم‌ها ایستادگی کند و سرنوشت خود را رقم زند - آنچه در قیام تاریخی ۱۵ خرداد ۴۲ حائز اهمیت است، شکستن هیبت پوسیده و پوشالی رژیم شاهنشاهی بود که با توهّمات و خیال‌های خام، خود را قیّم مردم می‌پنداشتند اما با یک حرکت هماهنگ و با یک وحدت وفاق ملّی، همه شکوه و اقتدار نظام ستم‌شاهی به‌یک‌باره فروریخت و سرنگون شد. قیام انقلابی و مردمی ۱۵ خرداد ۴۲، دارای یک پیام بزرگ برای همه نظام‌های سیاسی بود و آن اینکه **الملک یبقی مع‌الکفر و لا یبقی مع الظلم**، هیچ حکومتی با ظلم نمی‌ماند، اگرچه با کفر شاید ماندنی باشد و این بیانگر آن است که نظام ستم‌شاهی، نظامی ظالمانه بود که سرانجام طومار حیاتش درهم‌پیچیده شد

آب برای کسی که پذیرفت و کمک کرد و خشک‌سالی و بی‌آبی بر کسی که به ماظلم کرد به‌حق.

---

۱ مسئولیت اجرایی نمودن آب رئیس دولت می‌باشد که امور اجرایی را در دست دارد و در این زمان حسن روحانی این منصب را داشته است و در هر زمان هر کس رئیس دولت باشد نامه خطاب به او می‌باشد. و منظور از مناظره همان بحث شهود جمعی می‌باشد که در کتاب توضیح داده‌ایم.

۲ بنده اعتقاد دارم حرکت برای رفع خشکسالی ایران همانند حرکت ۱۵ خرداد می‌باشد که در نهایت منجر به تاریخ قبل از آب و بعد از آب خواهد شد کما اینکه هم اکنون میگوییم قبل از انقلاب و بعد از انقلاب.

جمعه - ۱۲ خرداد ۱۳۹۶ - الجمعة - ۷ رمضان المبارک ۱۴۳۸

قطره ۱۲۵ - نامه به آیت‌الله رئیسی ۹۸/۱۲/۱۴

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای آیت‌الله رئیسی دامت برکاته سلام‌علیکم

این‌جانب شیخ علی بهرامی نیکو طلبه قم در دادگاه ویژه روحانیت قم پرونده‌ای در سال ۹۶ داشته‌ام بعد از ۵ جلسه دفاعیه پرونده مختومه شده است و هیچ‌گونه ادعایی علیه بنده اثبات نشده است که البته مطالب بسیار حساسی در پرونده مطرح بوده است بعد از مختومه شدن پرونده به دادگاه اعلام نمودم از هیچ‌یک از مباحثی که موردادعای بنده بوده است عقب‌نشینی ننموده و کماکان بر روی تمامی مباحث ادعایی خود ایستاده‌ام لذا از دادگاه درخواست نمودم بالاترین مقامات کشور را در جریان پرونده و دفاعیات بنده قرار دهند تا ملت و انقلاب از علوم موردادعای در پرونده نفع ببرند که متأسفانه دادگاه به بنده اعلام نمود این کار از حیطه وظیفه دادگاه خارج است. علوم موردادعای بنده که راه نجات ملت است متعلق به ملت و جای هیچ‌گونه کوتاهی را ندارد، لذا از شما درخواست دارم تا پرونده بنده را از دادگاه ویژه روحانیت قم اخذ نموده و بعد از مطالعه مطالب را به مقامات عالی کشور انتقال داده تا خطرات پیش رو را با آن تحفه علمی کارآمد به‌سلامت بگذرانیم. در صورت نیاز خود نیز می‌توانم مطالب را به عرض برسانم. از مقامات قوه قضائیه که قبلاً در رابطه با مطالب ادعایی خود صحبت نموده‌ام می‌توانم به آقایان آیت‌الله صدیقی و آقای رحیمی اشاره نمود. لازم به ذکر است در دوران ریاست آیت‌الله لاریجانی بارها از طرق مختلف خطاب به ایشان نامه‌های مکرر نوشته‌ام که هیچ‌گاه پاسخی دریافت ننموده‌ام. با تشکر قم المقدسة ۹ رجب ۱۴۴۱ قم المقدسة شیخ علی بهرامی نیکو

قطره ۱۲۶ نامه به وزیر بهداشت در رابطه با بیماری کرونا ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

بسم‌الله الشافی

خدمت برادر بزرگوار دکتر نمکی وزیر محترم بهداشت سلام‌علیکم

این‌جانب شیخ علی بهرامی نیکو از طلاب حوزه علمیه قم که سال‌ها مباحث طب اسلامی سنتی را در محضر اساتیدی همچون دکتر آقارفیعی، عزیزخانی و حکما و اساتیدی همچون خیراندیش، ناظم، نظری تلمذ نموده‌ام چند نکته‌ای را در این لحظات حساس عرض می‌نمایم، امید است با بهره از اندوخته‌های اسلامی ایرانی، عقلی و حکمتی که نتیجه وحی و عقل و تجربه است از این امواج پرتلاطم با کمترین هزینه عبور نماییم لذا بدون مقدمه و صرف وقت به اصل مطلب می‌پردازم.

جناب آقای دکتر خود بهتر میدانید که تعلل در برخورد سریع با این اپیدمی فراگیر چه خسارات جانی و مالی، جسمی و روانی، اقتصادی و سیاسی، فردی و خانوادگی و اجتماعی را به همراه دارد لذا بدون صرف زمان باید با تضارب آراء و تجربیات یکدیگر را یاری نماییم تا با استعانت از وحی و عقل و تجربه ملت را از این دسیسه دشمنان عبور دهیم.

ما طلاب آمادگی خود را برای ورود جدی در مقابله با این بیماری اعلام می‌داریم اما بشرطها و شروطها که آن شروط کاملاً عقلی و منطقی می‌باشد.

بدیهی است تعریف ما از هر بیماری با تعریف شما تفاوت دارد و نتیجتاً درمان‌ها متفاوت است پس انتظار نمی‌رود که طلاب آگاه از طب اسلامی ایرانی در نوع خدمت‌رسانی مورد تأیید شما ورود نمایند از طرف دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند انکار نماید که طیف عظیمی از جامعه به طب مولکولی غربی مورداطمینان شما بی اطمینان هستند، لذا بنده چند پیشنهاد خدمت شما عرض می‌نمایم نه برای اثبات یا رد یک طب بلکه برای بالا رفتن آگاهی عمومی تا با این بیماری مبارزه کامل انجام گردد.

١ درخواست دارم از اساتیدی که بنده به‌عنوان استاد نام بردم در رسانه‌ها دعوت به عمل بیاید و این اساتید در مورد این بیماری نظریات خود را به گوش مردم برسانند، لازم است که استاد ضیایی را هم در اسامی نام بردگان اضافه نماییم اگرچه که شاگرد ایشان نیستم اما مورد تأیید بنده می‌باشد، این فعالیت رسانه‌ای می‌تواند به‌صورت مناظره و یا تبادل آراء هم باشد که در آن صورت مسیر درمان کوتاه‌تر می‌شود.

٢ یک بیمارستان در اختیار گروهی متشکل از اساتید گفته‌شده قرار دهید تا برای مداوای بیماران به روش طب اسلامی ایرانی نیز عمل نماییم، بنده به شخصه حاضر هستم در این بیمارستان مشغول فعالیت شوم و قول می‌دهم تمامی پرسنل آن را از طلاب جهادی بسیج نمایم اما انتظار نداشته باشید بنده و هیچ‌یک از طلاب آگاه طب اسلامی ایرانی در مراکزی که مورد تأیید اساتید طب اسلامی و ایرانی نیست حضورداشته باشیم زیرا اصل و اساس اقدامات شما ازنظر

ما صحیح نمی‌باشد، لااقل به‌وسیله قرار دادن چنین بیمارستانی بیمار برای درمان خود حق انتخاب خواهد داشت و به‌زودی برای همگان و مخصوصاً مانند شما و دیگران کارآمدی شیوه درمان معلوم می‌گردد.

جناب آقای دکتر نمکی چند مسئله را هم از محضرتان سؤال می‌نمایم که امید است جواب کافی را مبذول فرمایید:

شما برای پیشگیری توصیه‌های خوبی داشته و دارید اما بیان فرمایید سیر درمان افراد مبتلا به بیماری کرونا چگونه است؟ چه داروهایی تجویز می‌نمایید؟ و اگر داروهای شما درمانگر است چرا همچنان بر تعداد فوت‌شدگان افزوده می‌شود؟ چرا برنامه شما برای پیشگیری جواب نداده و همچنان بر تعداد مبتلایان افزوده می‌شود؟ و خود بهتر میدانید که تعداد واقعی افراد مبتلا بیش از چیزی است که میگویید از این کوه یخ نهفته تنها نوک قله آن دیده‌شده است.

لذا چند نکته را عرض می‌نمایم:

الف: اقدامات شما برای پیشگیری کامل نیست و تماماً همان توصیه‌های غربی را برای مردم ایران تکرار می‌نمایید و از اندوخته اسلامی ایرانی بهره نمی‌برید، تماماً توصیه به دست شستن، قرنطینه، تعطیلی مجامع عمومی و امثال‌ذلک اکتفاء می‌نمایید که ازنظر ما مسامحتا لازم ولی کافی نیست.

ازنظر ما زمانی پیشگیری کامل می‌گردد که ماهیت بیماری کرونا برای مردم تشریح شود و مردم چرخه مبارزه با بیماری را با ضد آن مختل نمایند، و این یعنی ازنظر ما بیماری کرونا بیماری سرد و تر است و برای انقطاع چرخه و ادامه بیماری باید به سراغ مواد غذایی گرم و خشک بروند درحالی‌که شما این مطلب به این عظیمی را به مردم نفرموده‌اید که هیچ حتی در درمان افراد مبتلا نیز از این تحفه استفاده ننموده‌اید، پس چگونه می‌توان توقع داشته که زحمات شما به بار نشسته و از تلفات زیاد این بیماری جلوگیری نمود؟ لذا همین‌جا بیان نمایم اگر می‌خواهید در درمان موفق شوید غذای بیماران را گرم و خشک نمایید و هیچ غذای سرد ذاتاً یا عرضا را به بیماران ندهید و از غذاهای گرم و خشک ذاتاً و عرضا استفاده نمایید، اگر با پیشنهاد بیمارستان موافقت گردد تمامی اجزاء آن بیمارستان گرم و خشک می‌باشد هوا و غذا و لباس و داروها، آشامیدنی و .... اگر موافقت نمی‌نمایید لااقل در مقیاس محدود امتحان نمایید و اگر در جواب این نامه نامه‌ای از شما به بنده برسد لیست اقدامات عملی لازم را در نامه‌ای دیگر برای شما مرقوم می‌دارم.

نکته دیگری که باعث عدم موفقیت ۱۰۰% شما با مواجهه با این بیماری گردیده است این است که شما توصیه‌هایی برای پیشگیری دارید و در صورت مراجعه یا مشاهده بیمار اقدام به درمان می‌نمایید درحالی‌که به علت حساسیت موضوع ما باید بدون اینکه جامعه را دچار وحشت و فوبیای کرونا نماییم باید درمان را قبل از اینکه فرد بیمار شود شروع نماییم، بله تجویزهایی که شما برای بیماران دارید را تنها باید به بیماران داد و این ماهیت طب مولکولی غربی است اما در طب اسلامی ایرانی چنین نیست، داروهایی که برای درمان استفاده می‌شود جزء کمتر آن را به افراد غیر مبتلا می‌توان داد که در این صورت تسامحا گفته می‌شود درمان را قبل از بیماری شروع نموده‌ایم، درمان‌های ما شامل گیاهان و معدنیات گرم و خشک مزاجا و ضد باکتری ویروس و عفونت خاصیتا می‌باشد، که اگر به نامه بنده جواب دهید لیست داروهای مذکور را از عمومی تا تخصصی برای شما مرقوم می‌دارم.

اقدامات دیگری نیز موردنظر بنده است که اگر این نامه جدی گرفته شود بقیه مطالب بیان می‌گردد.

امید است با هر گفته و نوشته معقول برخورد شود زیرا تمامی علم در نزد فرد یا گروه خاصی نیست.

وفقکم الله فی دارین قم المقدسة ۱۴/ رجب / ۱۴۴۱ ه ق مطابق با ۱۳۹۸/۱۲/۱۹ ه ش

شیخ علی بهرامی نیکو ۰۹۳۹۲۳۷۵۲۳۴

قطره ۱۲۷ نامه به جامعه مدرسین در رابطه با کرونا ۹۸/۱۲/۲۲

بسم‌الله الذی عَلَّم المتقین

سلام به‌تمامی علمایی که وارث انبیاء هستند، در این لحظات بحرانی لازم میدانم مطالبی را خدمت جامعه مدرسین، اساتید و فضلای حوزه و روحانیت معزز عرض نمایم امید است با نگاه عقلانی و حکمتی و یاری خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام از این امواج پرتلاطم سربلند بیرون آییم.

این‌جانب علی بهرامی نیکو (هدهد) که سال ۹۶ نامه‌های بسیاری که حاوی هشدارهای بسیار مهمی بوده را خدمت علماء و فضلا طلاب حوزه علمیه مرقوم داشته‌ام.

آنچه مشهود است هم‌اکنون دریکی از مهم‌ترین بحران‌های پیچیده که به‌ظاهر در حوزه سلامت اما در واقعیت در حوزه اقتصاد و فرهنگ و امنیت و مکتب است قرار داریم و آنچه از حوزه علمیه توقع می‌رود نقش‌آفرینی بی‌بدیل می‌باشد که سکوت و عدم نقش‌آفرینی ما در تاریخ جلوه

خوشایندی نخواهد داشت و البته وضعیت تضعیف‌شده امروز روحانیت ما نتیجه بی‌تدبیری دیروز است، حوزه علمیه به‌جایی رسیده است که اجازه نقد عالمانه را نمی‌دهد، سال ۹۶ که بنده در فیضیه مطالب خود را در مورد خشک‌سالی، اقتصاد، زلزله و مسائل کلان حکومت اسلامی پخش می‌نمودم و برای عده محدودی از طلاب جهادی و مشتاق صحبت می‌نمودم با قوه قهریه مانع شدند درحالی‌که حوزه جای قوه قهریه نیست، جای تضارب آراء است، همین‌جا از آقای آیت‌الله سید احمد خاتمی که نقش مهمی در تعطیلی آن مباحث داشتند سؤال می‌کنم برای بیرون رفت از این وضعیت بحرانی چه باید انجام دهیم؟ آیا وظیفه‌ای بر دوش روحانیت است یا خیر؟ برای مشکل اقتصاد چه پیشنهادی دارید؟ اگر پیشنهاد بنده برای برقرار کردن تریبون آزاد در فیضیه قبول می‌شد و اجازه داده می‌شد صدای نقادانه طلاب حتی در نقد روحانیت شنیده شود امروز کار بجایی نمی‌رسید که کوچک و بزرگ، خرد و کلان، جاهل و عوام حوزه و روحانیت را به باد تمسخر بگیرند، بله زمانی که عملاً حوزه علم را محدود به فقه و اصول کرده باشد توقعی جز این نیست که دیگر علوم در حوزه تعطیل شود و اگر صدایی هم بلند شود انکار کنند و با زور با آن برخورد کنند و ضربه‌ای که امروز حوزه و روحانیت متوجه آن شده نتیجه همین رویکرد غلط و غیرعقلانی امروز و دیروز است، علوم انبیاء منحصر در فقه و اصول نیست اما حوزه این زمان چنین کرده و نتیجه این شد که می‌بینیم، وضعیت اقتصاد و بهداشت در مملکت ما چنین شده و مردم نیز از چشم روحانیت می‌بینند و به‌پای اسلام گذاشته می‌شود لذا ضربه‌ای که این رویکرد به اسلام و مکتب تشیع زده است از وهابیت هم متوجه ما نگشته است، حتی رویکرد غلط حوزه کار را بجایی رسانده که حتی بعضی از طلاب ما حتی در مسائل اعتقادی توان دفاع را ندارند و چه‌بسا شبهات ضد دینی برای طلاب تبدیل به اصل دینی شده و حتی روحانیت قبل از دشمنان اقدام به‌نقد مکتب نمایند، آیا غیرازاین است که احمد الحسن کذاب در میان طلاب نیز طرفدارانی دارد؟ وای به من که در چنین زمانی زیست می‌نمایم.

در دایره اخلاق نیز چنین است، برای اثبات ادعا از علما که وارث انبیاء هستند سؤال می‌کنم آیا در این میان آبرومندی وجود دارد که دست به دعا بردارد و ریش گرو بگذارد و دعای او مستجاب شود و بلاها برگردد؟ کجایند علمایی که حضور آنان در شهری باعث برطرف شدن بلا در آن دیار بود؟ چرا این بلای خانمان‌سوز فرقی بین قم و دیگر جاها قائل نیست؟ شاید در حوزه فردی گناهی نکرده باشند اما به اطمینان میگویم مصلحت سنجی بعضی از علماء در امور کلان و

عدم برخورد قاطع با دولتمردان کارشکن آبرویی برای ما در پیش خدا باقی نگذاشته است، کجایند علمایی که با یک نماز باران خشک‌سالی را برطرف می‌نمودند، دعایشان مقبول و سعیشان مشکور بود، لقمه حرام بانکداری ربوی و ظلمی که بانک‌ها به ملت مستضعف نموده‌اند و سکوت ما در برابر دزدی‌های موجه و زینت داده‌شده نظام سرمایه‌داری رسوخ کرده در نظام اقتصادی که مستضعفین را حقیقتاً برده نموده و توجیهاتی مانند توجیهات اصحاب سبت سبب شده خدا هم با ما سبتی برخورد نماید، بله **سخر الله** (توبه ۷۹ ترجمه: خدا آنان را مسخره می‌کند) نیز تحقق پیداکرده، خوب دقت کنید بیشتر آنچه دولتمردان میگویند برعکسش می‌شود، هر چه میگویند خوب می‌شود برعکس می‌شود و این جای فکر ندارد؟ شاید **الله یستهزی بهم** (بقره ۱۵ ترجمه: خدا آنان را استهزاء می‌کند) در حق ما تحقق‌یافته باشد؟ همه میدانیم دزدی آثار دنیوی قبل از آخرت به همراه دارد و باید دست دزد را قطع نمود شهادت می‌دهم بزرگ‌ترین دزد که حوزه هم در برابر آن‌ها سکوت کرده بانکداری و نظام پولی است، تنها یک سؤال از کتاب هزار و یک قطره را در اینجا مطرح می‌نمایم: اول انقلاب چه میزان پول چاپ‌شده و چه مقدار پشتوانه در کشور وجود داشت و امروز چه مقدار وجود دارد؟ به میزانی که نسبت رعایت نشده باشد به همان میزان دزدی شده است، و مال دزدی تاوان دارد و سکوت در برابر دزد نیز تاوان دارد، گناه حوزه سکوت است باید تأمل کرد که چرا دعا قبول نمی‌شود، بله امروز یهودیان هم در کنار دیوار مقدس دعا می‌کنند، بله ربا جنگ باخداست، ربا نفرین مظلوم را به عرش می‌رساند و خدا برای جنگ لشکریانی همانند: زلزله، سیل، ملخ، زکام، بیماری، گرانی، خسف، سنگ و ... را در اختیار دارد، این را که نمی‌توانیم انکار کنیم از نگاه توحیدی اسلام همه‌چیز به تقدیر است و همه‌چیز به‌فرمان خداست، زکام و کرونا هم لشکر خداست، دنیا محک آخرت است، فکر نکنم وضعیت فردای ما در سرای باقی خوشایند باشد، عدم موضع‌گیری جدی حوزه در برابر توهین حسن روحانی به امام زمان عج و رسول‌الله گناهی بود که باید منتظر بدتر از کروناها باشیم بلاهایی که کرونا در مقابل آن یک سرماخوردگی ساده است، و منتظر باشیم تا ببینیم چه می‌شود **فانتظروا انی معکم من المنتظرین** - یونس ۲۰ - زیر سؤال بردن عصمت اهل‌بیت که مقامات معنوی آنان می‌باشد از توهین به جسم اهل‌بیت و به شهادت رساندن آنان سنگین‌تر است و خدا برای محافظت از کعبه ابابیل فرستاد و مؤمن بالاتر از کعبه و امام زمان عج با هیچ‌یک از موجودات ازل تا به ابد قابل‌مقایسه نیست پس چه چیز در انتظار ماست؟ که ما بارها عواقب این گناه را هشدار داده‌ایم، بلهان **ربک لبالمرصاد**- فجر ۱۴ خداوند در کمینگاه است - سؤال می‌کنم امور وحشتناکی که ایران متوجه آن شده آیا خارج از اراده خداوند است یا تمامی امور در شب قدر و به تقدیر و امضای

امام زمان عج است؟ اگر این‌چنین است که می‌باشد پس چرا امام عج برای این مملکت تقدیر نمود نمازهای جماعت و جمعه، هیئت‌های عزاداری و امامزاده‌ها تعطیل شود سیل‌ها و زلزله‌ها و گرانی‌ها و بیماری‌ها و آشوب‌ها بر ما هبوط کند و ناله‌های مرگ بلند شود و خوف عمومی در جامعه پاشیده شود و مرده‌ها آن‌چنان‌که میدانیم غریبانه به خاک سپرده شوند و مراسمی هم در یاد آنان برپا نشود؟ ما چه کرده‌ایم که امام برای ما چنین تقدیر نموده است؟ بله این امور تحقق این مائده کریمه در حق ماست که می‌فرماید: **هو القادر علیان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعیا و یذیق بعضکم بأس بعض** - **انعام ۶۵** - خداوند قادر است عذابی از بالای سر و از پایین پا بر شما نازل کند و جامعه را به اختلاف و جدایی مبتلا کند و در جامعه آشوب و درگیری ایجاد شود، مگر خدا وعده نداده که **و لوان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض** بله خدا وعده داده که اگر شما ایمان بیاورید درهای برکات آسمانها و زمین بر ما گشوده می‌شود ولکن چه شده که درهای نزول بلا از آسمان و زمین و جامعه بر ما گشوده شده است؟ مشکل در ایمان ماست زیرا در ادامه می‌فرماید **و لکن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون** - اعراف ۹۶ - شما ایمان نیاوردند و انکار کردند پس خدا به سزای این اعمال بر آنان عذاب نازل نمود، آیا می‌خواهید بفرمایید این بلاها به علت امتحان است؟ آیا به علت ترفیع درجات ماست؟ نه حقیقت این است که ما لیاقت آن جایگاه را نداشتیم و لذا خداوند هم بر ما بلا نازل نمود بلایی که نتیجه سکوت روحانیت بوده، نقش دین و روحانیت در این مملکت اسلامی چیست؟ وقتی روحانیت ما کاربردی نباشد خدا تعطلیش می‌کند، لذا حوزه و مساجد و مجالس و ... تعطیل شدند؟ امروز اگر دانشگاه علوم پزشکی در مملکت تعطیل شود چه می‌شود؟ اگر حوزه تعطیل شود چه می‌شود؟ حوزه چه نقشی در اداره جامعه دارد؟ اگر دین و حوزه نمی‌تواند در دایره دنیای مردم ورود کند و حلال مشکل‌ها باشد پس چرا میگوییم حکومت دینی؟ بلایی به ما رسیده از آسمان و زمین، و نتیجتاً مؤمن و غیر مؤمن را گرفتار نموده بله خداوند وعده داده **اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة**- انفال ۲۵ از بلایی که تنها به ظالمین نمی‌رسد بر حذر باشید- و می‌بینیم چه بلایی بر ما نازل‌شده که ظالم مؤمن را باهم می‌سوزاند، چرا حوزه علمیه به‌صورت جدی ورود نمی‌کند و اعلام نمی‌کند این بیماری مخوف از قم و از حوزه شروع نشده است؟ مردم قم چه گناهی نموده‌اند که باید چوب سکوت ما را بخورند؟ با مردم قم در شهرهای دیگر چه رفتاری می‌شود؟ با این وضعیت امنیتی

برای طلاب و روحانیت باقی مِاند؟ روسای حوزه که با محافظ این‌طرف و آن‌طرف می‌روید بس نیست کشته شدن طلاب بی‌دفاع، بس نیست به آتش کشیده شدن حوزه‌ها و بیوت ائمه جمعه؟ امروز هر ایرانی که بر اثر بیماری کرونا می‌میرد تخم و بذر کینه‌ای در دل ده‌ها خانواده آنان جوانه میزند چراکه آنان این مصیبت را از چشم حوزه علمیه قم می‌بینند و این آینده‌ای مخوف را برای ما رقم میزند که نتیجه سکوت مرگبار ماست **اذا سکت اهل الحق عن الباطل توهم اهل الباطل آن‌هم علی الحق** زمانی که اهل حق سکوت کنند اهل باطل که یاوه می‌گویند فکر می‌کنند بر حق هستند آیا کرونا از حوزه و از قم و از بین طلاب خارجی شروع‌شده است؟ چرا زمانی که تقدس قم زیر سؤال رفت برای دفاع از آن قیام ننمودیم، آیا نشنیده‌اید میگویند چگونه قم شهر امن است درحالی‌که کرونا از قم شروع‌شده است؟ نه، کلّاً و هَلاّ نه به والله قسم کرونا از قم شروع نشد اما مصیبتی مرگبارتر از کرونا در قم ریشه دارد، جایگاه انبیاء نشستن اما تهی از حرکت انبیاء، باید توبه نمود و در خط مقدم توبه روحانیت است بله امروز باید روحانیت را دعوت به توبه نمود، کار ما بجایی رسیده که توان دفاع از بعضی از احکام اسلام را هم نداریم و بعضاً با حذف و سانسور و توجیه لباس دین بر بی‌دینی می‌پوشانیم این اتفاق شوم نتیجه عدم نگاه جامع به اسلام است، توبه استغفرالله نمودن نیست باید عملاً توبه نمود که بسنده نمودن به توبه لسانی مضحکه است لذا چند پیشنهاد را عرض می‌نمایم:

١ سریعاً تریبون آزاد را در فیضیه و البته تمامی حوزه‌ها راه‌اندازی کنید، تأکید می‌کنم تریبون آزد، بگذارید طلاب درون حوزه اشکالات خود را بگویند نه اینکه شبهات مطرح در حجره‌ها گفته شود و بعدازآن سر از رسانه‌ها دربیاورد و نهایتاً از دل حوزه افراد ضد دین و مکتب رویش کنند بگذارید پتانسیل شبهات درون طلاب حداقل در حوزه‌ها گفته شود و این پتانسیل در جامعه ریخته نشود، شاید در بین طلاب جوانان افراد متعهدی باشند که به مدد الهی اقدام به پاسخگویی نمایند و شاید از دل این انتقادها، راهکارها و پیشنهادهای کارگشایی بیرون زده شود.

٢ امتحان درس خارج را متمرکز در فقه و اصول ننمایید، فقه اصطلاحی فقه اصغر و کلام و عقاید فقه اکبر است که متضمن تمامی دین است، چرا باید در حوزه علمیه تمامی طلاب به سمت فقه و اصول سوق داده شوند؟ طلبه‌ای که فقه بداند عالم و طلبه‌ای که در کلام محقق باشد عالم شمرده نشود، شما بهتر میدانید که درصد بالایی از طلاب به فقه تا سطح اجتهاد علاقه‌ای ندارند اما بالاجبار عمر خود را در این مسیر به فنا می‌دهند که فردای قیامت هم طلاب و هم سیاست‌گذاران حوزه جوابی برای این اتلاف وقت ندارند، هشدار می‌دهم حافظ و نگهبان فقه ما کلام است و متأسفانه کلام جایگاهی در حوزه ندارد، بنده برای امتحان درس خارج به مرکز

امتحان شفاهی مراجعه کردم و گفتم می‌خواهم خارج عقاید امتحان دهم گفتند نمی‌شود، چند سؤال کلامی طرح کردم و به محضر استادی که امتحان اجتهاد می‌گرفت مراجعه کردم سؤال اول را پرسیدم گفت نمی‌دانم، سؤال دوم را اجازه نداد بپرسم گفت باید این سؤال‌ها را از علماء پرسید گفتم حضرت استاد هر که می‌خواهد اجتهادش اثبات شود شما او را امتحان می‌کند حال من پیش کدام عالم بروم و سؤال را بپرسم، بله متأسفانه شبهاتی که امروز جمعیت عوام شیعه به آن مبتلا گشته بعضاً به گوش علماء نخورده است و از آن بدتر برنامه‌ای هم برای این امور ندارند، اگر حوزه علمیه اجازه درس خارج درزمینه کلام و طب و اقتصاد را داده بود و راه تدریس مطالب حکمتی مانند طب و ریاضیات و نجوم و علوم غریبه را مسدود نمی‌کرد و در این مسیر کمک نموده بود و برای حوزه و جامعه شیعی برنامه مدون و بلندمدت طراحی کرده بود مانند چیز که یهود برای آیین خود در پروتکل‌ها طراحی کرده است وضعیت ما چنین نمی‌گشت که بعضی از علمای ما در این وضعیت بحرانی که روحانیت باید در کف جامعه باشد و نقش‌آفرینی کند خانه‌نشین شده باشند.

۳ نامه بنده به وزیر بهداشت آقای نمکی نامه مهمی است که در این لحظات می‌تواند نقش‌آفرینی حوزه را نشان دهد، نامه مهم است اما چون از جایگاه عنوانی برخوردار نیستم خود را ملزم به پاسخگویی نمی‌دانند تقاضا دارم از جایگاه حوزه به ایشان پیشنهاد گردد، البته هم‌اکنون ریاست مبارزه با کرونا جناب آقای دکتر روحانی شده‌اند که نامه‌ای جدا خطاب به ایشان تنظیم می‌نمایم لذا پیشنهادها را به ایشان بنویسید، اجمال نامه این است که ما برای مواجهه با بحران‌های حوزه سلامت پتانسیل عظیمی به نام طب اسلامی ایرانی داریم که باید این پتانسیل هم‌اکنون نقش‌آفرینی کند و ما را از این بحران نجات بخشد که عدم استفاده از این پتانسیل خسارات زیادی را به همراه خواهد داشت اساتیدی که در این حوزه مورد تأیید بنده هستند عبارت‌اند از آقایان دکتر آقارفیعی، عزیزخوانی، ضیایی و آقایان: خیراندیش، ناظم، نظری، بنده در آن نامه چندین پیشنهاد کارآمد و معقول را بیان داشته‌ام.

تنها حکومت دینی دنیا مملکت ما می‌باشد اگر این نظام نتواند بعد از گذشت ۴۰ سال امتیازات خود را در زندگی روزمره مردم نشان دهد باعث شک و شبهات زیادی می‌شود و چه‌بسا دوره رنسانس این بار برای حوزه علمیه رقم بخورد لذا باز تأکید می‌کنم دین باید جامع بین دنیا و آخرت باشد دینی که وعده آخرت می‌دهد و دنیا را نابود کرده مورادعای تمامی ادیان باطل می‌باشد، مگر مسیحیت و یا یهود به پیروان خود چیزی جز وعده آخرت را می‌دهند؟ اگر می‌خواهیم وعده

آخرتی ما برای همگان مقبول افتد باید به‌صورت ملموس در این دنیا نشان داده شود؟ اگر می‌خواهیم از بحران‌های پیش رو که کرونا و زلزله و گرانی این زمان در مقابل آن یک مزاح است، نجات پیداکرده و به این جسم بی‌رمق حیاتی دوباره تزریق نماییم، چاره‌ای جز آب‌رسانی به‌تمامی ایران نیست تا آب مورد نیاز کشاورزی و صنعت و شهرسازی و هزاران شغل وابسته نیز فراهم شود و روحانیت جایگاه بی‌بدیل خود را به بشریت نشان دهد و بدانید آب و لوح انفطار السماء در قم و در دستان ما طلاب است، بپرهیزیم از اینکه آشوب‌ها و اعتراض‌ها و ناامنی‌ها بیشتر از این گردد، بپرهیزیم از اینکه جمعیت ایران در آستانه ۱۲۰ میلیون نفر قرار گیرد و در آن زمان که دورهم نیست نه دلاری برای خرید غذا باشد و نه آبی برای کشت و کار، امروز ما طلاب باید برای جامعه پدر و نان‌آور باشیم اما در حکم کودک نان‌خور هستیم، اگر کسی هم توضیح بیشتر می‌خواهد به کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طرق غیرعادی به کمک اسماء الله رجوع نماید، اما اشارتا تنها یک آیه: قرآن ریشه همه بدبختی‌ها را خشک‌سالی و ریشه تمامی برکات را در آب می‌داند و امروز آب نداریم که می‌فرماید **و جعلنا من الماء کل شیء حی** - انبیاء ۳۰-اگر هم کسی این بدیهی را انکار می‌کند به زمین‌های لم‌یزرع نگاهی بیفکند، بله ما هم‌میدانیم باطن آب امام غایب است و تنها راه حقیقی برطرف شدن مشکلات فرج حجت خداوند است و باید دعا نمود اما سؤال این است تا زمانی که ظهور نشده چه باید نمود؟ آیا وضعیت مکتب را نباید به‌اندازه توان سامان داد؟ بخواهیم نخواهیم، تمسخر کنیم نکنیم، انکار کنیم نکنیم نه از باب فخر تنها از باب **و اما بنعمت ربک فحدث** - الضحی ۱۱- میگویم بر راه حق استقامت نمودم و آب به بنده هدیه شد که این تأیید قرآنی دارد و در زمان امتحان نیز بر همگان روشن می‌گردد بله قرآن می‌فرماید: **و ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناکم ماء غدقا** -الجن ۱۶- اگر در راه خدا استقامت کنید خدا شمارا با آب فراوانی سیراب می‌کند بله استقامت کردم پس آب داده شدم و این آب حق ملت است تا به بالاترین درجات کمال و عزت صعود کند و دهان یاوه‌گویان را خرد و فرعونیان را غرق و ملت ما را که در تیه حیران‌اند نجات بخشد که در آن صورت من و سلوی بر ما نازل می‌شود، امیدوارم علمائی که اهل عقل و نقل هستند به ادعای انفطار السماء عقلا و نقلا نگاه کنند همین مقدار که احتمال اینکه که درست میگویم باقی است برای ما کافی است و منتظر می‌مانیم تا زمان مقرر که راست و دروغ از هم آشکار گردد، خدایا اگر دروغ میگویم مرا از حول و قوه خودت خارج و به حول و قوه خود واگذار نما و اگر کسی بدون دلیل قطعی مرا انکار نماید این نفرین را در حقش نازل بفرما بحق.، لذا از حوزه علمیه برای روشن شدن بیش‌ازپیش تقاضای جلسه فوری دارم اگرچه که بنده مباحث را در این چند سال به دست بسیاری از علماء و فضلا

رسانده‌ام و جوابی جز سکوت نشنیده‌ام لذا توصیه می‌کنم حداقل به نامه‌های بنده در سال ۹۶ که جداجدا و به نام به علمای جامعه مدرسین نوشتم نگاهی بیفکنند.

در آخر از تمامی علماء ربانی و آیات عظام و طلاب مخلص جهادی و مبلغین و ائمه جمعه و جماعات که وجود آنان برای مکتب و جامعه برکت است التماس دعا دارم و از زحمات خوبی که حوزه برای طلاب و جامعه کشیده است تشکر می‌نمایم.

خداوندا ما را از بلایی که علماء یهود بدان مبتلا گشتند حفظ بفرما بحق.

شیخ علی بهرامی نیکو قم المقدسة ۹۸/۱۲/۲۲

قطره ۱۲۸ نامه به حسن روحانی در مورد کرونا ۹۸/۱۲/۲۵

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک‌وتعالی: و ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناکم ماء غدقا

خدمت دکتر روحانی سلام‌علیکم

حال که شما مسئول ستاد مبارزه با کرونا گشته‌اید این‌جانب علی بهرامی نیکو نیز از باب خیرخواهی مطالبی را عرض می‌نمایم اگرچه بی‌توجهی شما نسبت به نامه‌های مکرری که ما در مورد آب و خشک‌سالی نوشته‌ایم باعث ملال و دلسردی می‌گردد و بعید میدانم که مطالب به دست شما نرسیده باشد زیرا شخصاً دست دو تن از وزیران شما نامه داده‌ام، اگر نامه را نخوانده و انتقال نداده‌اند آنان و اگر به شما انتقال داده‌اند شما مورد مواخذه و بازخواست واقع می‌شوید زیرا امری عظیم و مهم را که نقطه عطف ارتقاء و تعالی ایران و نسل‌های آینده است را به تأخیر انداخته‌اید.

امیدوارم در مورد بیماری، زلزله و گرانی افسارگسسته امروز همانند دیروز عمل ننمایید که بحران‌ها شدت پیداکرده و آنچه در نامه ۹۶/۳/۱۲ گفته‌ایم مانند دانه‌های تسبیح **نعلا بالنلع** می‌رسد، مگر اینکه سریعاً آن تحفه عظیم را که بارها در نامه‌ها گفته‌ایم را عملی نمایید.

استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و نگاه جامع و معقول از اصول ابتدایی برای اداره هر مجموعه می‌باشد چه برسد به امور کشوری، نکته دیگر اینکه اگر وضعیت را برای شما درست تشریح نموده

باشند واضح است که اپیدمی بیماری کرونا وضعیت خطرناکی را برای ما رقم خواهد زد، زیرا اگر سریع این بیماری را مهار نکنیم ظرفیت درمانی ما از تعداد بیماران کمتر خواهد بود و در آن نقطه بحران به چندین ابر بحرانِ دیگر افزایش خواهد یافت که حتی افتتاح بیمارستان‌های صحرایی و امثال‌ذلک هم ثمربخش نخواهد بود، نکته دیگر اینکه باید با واقعیات روبرو شد و خود را برای بدترین وضعیت آماده نمود حال آن بدترین وضعیت پیش آید و یا نیاید، نکته دیگر اینکه ما میدانیم و شما هم بدانید فریب نخورید بیماری کرونا از نوع زکام می‌باشد و زکام درمان بشری ندارد و تنها راه مقابله با آن رعایت بهداشت فردی و خانوادگی و اجتماعی و تقویت سیستم ایمنی بدن و مبارزه به ضد است چراکه قاعده حکمتی عقلی در طب می‌گوید درمان با ضد است و تشدید بیماری با موافق، **یشفی الامراض باضدادها** لذا چند پیشنهاد را عرض می‌نمایم:

۱ نامه بنده به وزیر بهداشت را مطالعه فرمایید که در آن نامه پیشنهادهای کاربردی را خدمت ایشان مرقوم داشته‌ایم.

۲ فرض می‌کنیم طبق اخبار رسانه‌ها واکسن یا داروی کرونا شناسایی‌شده باشد، از شما سؤال می‌کنم هم‌اکنون که درون این واقعه مهلک هستیم و حتی در تولید ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده دچار مشکل هستیم آیا می‌توانیم به‌سرعت استفاده کاربردی از این واکسن بنماییم؟ آیا ظرفیت تولید ما می‌تواند برای ۸۰ میلیون نفر این واکسن را تهیه نماید؟ بدیهی است جواب منفی است، گذشته از اینکه به عقیده بنده این خبر تنها جنبه تبلیغاتی دارد زیرا در قبل از این هم خبر سیما از موفقیت پزشکان چینی در تولید داروی کرونا خبر داده بود ولی همچنان وضعیت بحرانی است، گذشته از اینکه طبق استانداردهای تولید دارو که از طرف وزارت بهداشت تنظیم‌شده پروسه ثبت یک دارو زمانی بیش از این‌ها احتیاج دارد.

لذا بنده برای مهار این بیماری چند پیشنهاد می‌نمایم:

۱ همان‌گونه که برنامه پیشگیری عمومی شده است، کار درمان را نیز عمومی نمایید، یعنی برنامه‌های آموزشی رسانه‌ای که مردم بیماران را درون خانه‌ها مداوا نمایند این پیشنهاد فواید بسیاری را به همراه خواهد داشت زیرا:

اولاً شاید بجایی برسیم که برای درمان بیماران فضای بیمارستانی نداشته باشیم.

ثانیاً به عقیده بنده حضور بیماران در بیمارستان‌ها بیمار را بیمارتر می‌نماید دلیل آن فضای آلوده بیمارستان‌ها و نبود امکانات مراقبتی لازم است، این بیماران تغذیه مناسب خود را احتیاج دارند و معمولاً در بیمارستان‌ها تمرکز بر روی دارو است درحالی‌که مخصوصاً در این بیماری باید غذا نیز جنبه دارویی داشته باشد که پزشکان از این امر کاملاً غافل می‌باشند لذا غذای غیر

حکیمانه تأثیر دارو را از بین می‌برد، این با فرضی است که ما قبول نماییم برای این بیماری دارویی وجود دارد که چنین چیزی هم نیست.

این سؤال، سؤال اساسی است که باید به‌صورت شفاف پاسخ داده شود پروسه درمان این بیماری در بیمارستان‌ها چگونه است؟ چه اموری برای بیمار انجام می‌گردد.

همین‌جا به ملت عزیز توصیه می‌نمایم حتی‌الامکان از حضور در بیمارستان‌ها خودداری نمایند، اولاً کادر درمانی حقیقتاً دارویی برای مبارزه با این بیماری ندارند، تماماً از داروهای آنتی‌ویروس استفاده می‌نمایند و استفاده از این داروها از روی ناچاری است نه اینکه برای این بیماری درمانی پیداکرده باشند زیرا طب مولکولی غربی به علت عدم‌تشخیص صحیح بیماری راه درمان کارآمد و اساسی برای بیماری‌ها و مخصوصاً بیماری کرونا ندارد، لذا در درمان بیماری ناتوان است درصورتی‌که ازنظر ما بیماری از نوع بیماری سرد و تر است و راه درمان آن استفاده از تمامی اموری است که گرم و خشک باشد، مخصوصاً از غذاها و نوشیدنی‌های گرم و خشک درحالی‌که بیمارستان‌ها چنین نگاهی به مسئله ندارند و حتی اگر داروی مفیدی هم به بیمار بدهند با تغذیه نامناسب اثر دارو را خنثی می‌نمایند، بنده به‌تمامی ملت توصیه می‌نمایم نامه بنده به وزیر بهداشت را مطالعه نمایند که در آنجا راهکارهای درمانی خوبی را اشاره نموده‌ایم اما به‌صورت اجمال به‌تمامی ملت عرض می‌نمایم: اولاً توصیه‌های بهداشتی را جدی بگیرند ثانیاً هر فرد بدون که اینکه استرس به خود و اطرافیان وارد نمایند کار درمان را از هم‌اکنون شروع نماید خود را بیمار فرض کرده و با تغذیه گرم و خشک مزاجا و ضدویروس و باکتری خاصیتا و تقویت سیستم دفاعی خود را از این بیماری رهایی ببخشد، ثالثاً: توصیه می‌کنم اگر فردی به کرونا مبتلا شده است عجولانه به بیمارستان مراجعه ننماید که در صورت مراجعه باعث می‌شود بیماری تشدید شود پس چه باید کرد؟ توصیه می‌کنم کار درمان را در خانه انجام دهند درمان این شخص شامل این امور است: ۱ موارد بهداشتی را رعایت نماید تا دیگران دچار بیماری نگردند ۲ از غذاها و نوشیدنی‌های سرد پرهیز کنند هم مزاج و هم خود غذا گرم باشد ۳ سیاه‌دانه و عسل روزانه سه قاشق چای‌خوری ۴ استفاده از زوفا ۴ استفاده از قاسنی ۵ روزانه یک قاشق اسفند ببلعند ۶ روزانه یک لیوان آب سیب و عسل ۷ روزانه یک لیوان آب شلغم و عسل ۷ روزانه یک استکان آب‌لیمو نمک و عسل ۸ گیاهان گرم و خشک مانند زنجبیل و فلفل و دارچین و نعناع ۹ هلیله، مصطکی، شکر سرخ را به نسبت مساوی مخلوط نمایند و روزانه یک قاشق چای‌خوری مصرف نمایند ۱۰ در غذاها از سرکه استفاده

کند ۱۱ از پیاز استفاده کند ۱۲ از سیر استفاده کند ۱۳ روزانه چند بار ورزش کنند به‌اندازه‌ای که عرق کنند و تمامی ریه از هوا پر شود و سموم از راه عرق از بدن خارج شود ۱۴ روزانه یک‌مرتبه سوره نجم هدیه به امام سجاد ع بخوانید

والسلام‌علیکم و رحمت‌الله و برکاته

قم المقدسة شیخ علی بهرامی نیکو

۹۸/۱۲/۲۵

قطره ۹۹۹ - عکس نوشته‌ها تاریخ عکس نوشته‌ها مربوط به سال ۹۶ می‌باشد

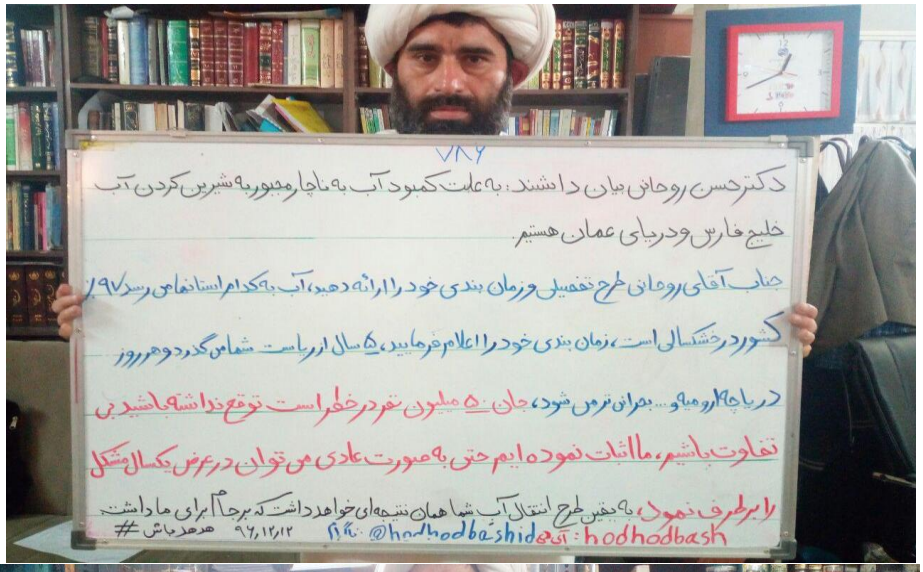
۷۸۷
دکتر حسن روحانی بیان داشتند: به علت کمبود آب به ناچار مجبور به شیرین کردن آب
خلیج فارس و دریای عمان هستیم.
جناب آقای روحانی طرح تفصیلی و زمان بندی خود را ارائه دهید، آب به کدام استانها می رسد؟ ۹۷/
کشور در خشکسالی است، زمان بندی خود را اعلام فرمایید، ۵ سال از ریاست شما می گذرد و هر روز
دریاچه ارومیه... بحران ترمی شود، جان ۵ میلیون نفر در خطر است توقع نداشته باشید بی
تفاوت باشیم، ما اثبات نموده ایم حتی به صورت عادی می توان در عرض یکسال مشکل
را برطرف نمود، به یقین طرح انتقال آب شما همان نتیجه ای خواهد داشت که برجا برای ما داشت.
هدهد باش # ۹۶/۱۲/۱۲ @hodhodbashid :hodhodbash

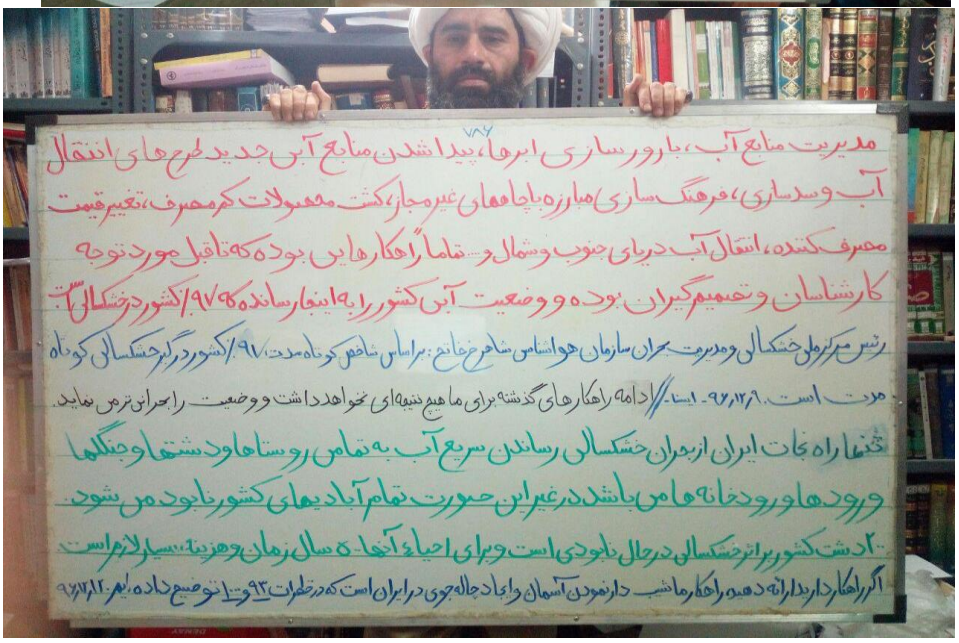
۷۸۷
مدیریت منابع آب، بارورسازی ابرها، پیدا شدن منابع آبی جدید طرح های انتقال
آب و سدسازی، فرهنگ سازی مبارزه با چاههای غیرمجاز، کشت محصولات کم مصرف، تغییر قیمت
مصرف کننده، انتقال آب دریای جنوب و شمال و... تماما راهکارهایی بوده که تا قبل مورد توجه
کارشناسان و تصمیم گیران بوده و وضعیت آبی کشور را به اینجا رسانده که ۹۷٪ کشور در خشکسالی
رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی شاخص خاتم براساس شاخص کوتاه مدت ۹۷٪ کشور در گیر خشکسالی کوتاه
مدت است. ۹۶/۱۲/۹ - ایسنا // ادامه راهکارهای گذشته برای ما هیچ نتیجه ای نخواهد داشت و وضعیت را بحران ترمی نماید.
شما راه نجات ایران از بحران خشکسالی رساندن سریع آب به تمام روستاها و دشتها و جنگلها
و رودها و رودخانه ها می باشد در غیراین صورت تمام آبادیهای کشور نابود می شود.
۲ دشت کشور بر اثر خشکسالی در حال نابودی است و برای احیاء آنها ۵ سال زمان و هزینه بسیار لازم است
اگر راهکار دارید ارائه دهید راهکار ما شب دار نمودن آسمان و ایجاد جاله جوی در ایران است که در طرحات ۹۳ و ۹۴ توضیح داده ایم. ۹۶/۱۲/۱۲


۷۸۶
اثبات نموده ایم هیچ بحرانی از بحرانهای کشور برطرف نمی شود مگر اینکه سریعا
خشکسالی را برطرف نماییم و تمام راهکارهای موجود را نقد نموده ایم.
یک طرح عادی ارائه داده ایم و اثبات نموده ایم در عرض یک سال کار
شبانه روزی آب خلیج فارس و دریای عمان به تمامی استانها
می رسد و به تمامی اشکالات پاسخ داده ایم و جای سوالی نیست.
دو روش غیرعادی ارائه داده ایم، یکی از دو روش انفطار السماء می باشد، (چاله آسمان)
که در قطره ۹۲ و ۱۰۰ توضیح داده ایم
در صورت انفطار السماء، آسمان به سمت ایران شیب دار می شود و درون
آسمان ایران چالهٔ جوی ایجاد می گردد، هوای ایران به شدت سرد می گردد،
ابرها از سراسر دنیا به سمت ایران حرکت می کنند و بارانهای بسیاری
می بارد و در عرض دو ماه خشکسالی برطرف می شود.
در هر سال تنها یکبار می توان آن را انجام داد، در تاریخ ۹۶/۶/۶ مطابق با ۳۸/۱۲/۶
می توانستیم انجام دهیم که انجام نشد، از شرایط عمل به لوح، امضاء، دفن، آمادگی
برای سرما و باران و برف و ..... می باشد.
جهت اطمینان تمامی ملت قبل از اقدام می توان و باید تمامی آن جریانات
را نشان داد، شرایط را فراهم کنید تا راستگویی و صداقت ما معلوم گردد.
هدهد باش # ۹۶/۱۲/۸

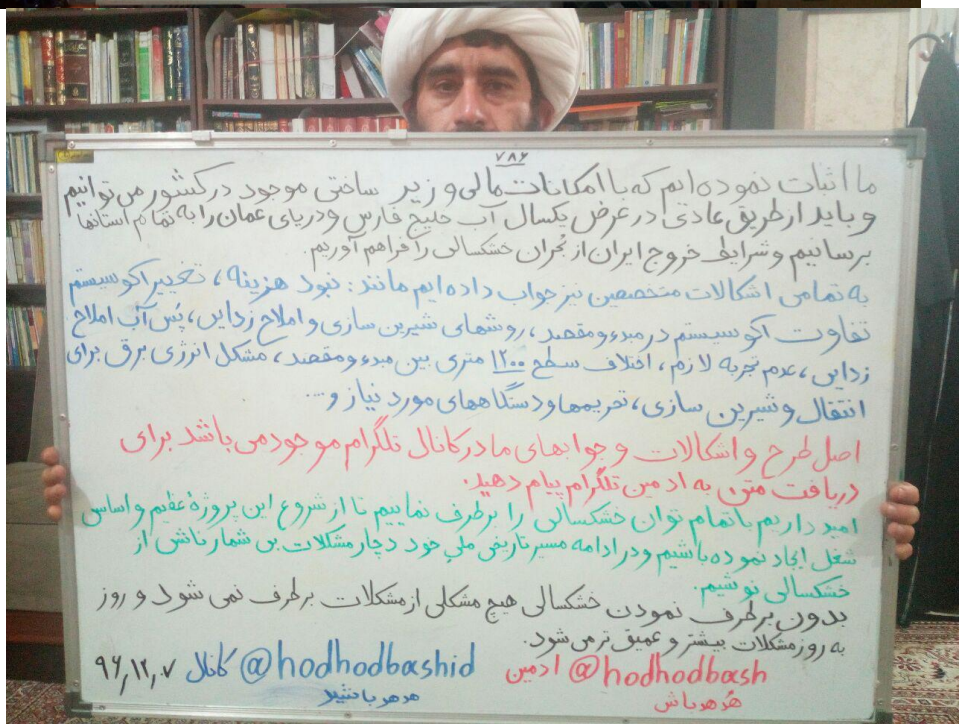
۷۸۶
ما اثبات نموده ایم که با امکانات مالی و زیر ساختی موجود در کشور می توانیم
و باید از طریق عادی در عرض یکسال آب خلیج فارس و دریای عمان را به تمام استانها
برسانیم و شرایط خروج ایران از بحران خشکسالی را فراهم آوریم.
به تمامی اشکالات متخصصین نیز جواب داده ایم مانند: نبود هزینه، تغییر اکوسیستم
تفاوت اکوسیستم در مبدء و مقصد، روشهای شیرین سازی و املاح زدایی، پس آب املاح
زدایی، عدم تجربه لازم، اختلاف سطح ۱۲۰۰ متری بین مبدء و مقصد، مشکل انرژی برق برای
انتقال و شیرین سازی، تحریمها و دستگاههای مورد نیاز و ...
اصل طرح و اشکالات و جوابهای ما در کانال تلگرام موجود می باشد برای
دریافت متن به ادمین تلگرام پیام دهید.
امید داریم با تمام توان خشکسالی را برطرف نماییم تا از شروع این پروژهٔ عظیم و اساسی
شغل ایجاد نموده باشیم و در ادامه مسیر تاریخی ملی خود دچار مشکلات بی شمار ناشی از
خشکسالی نوشیم.
بدون برطرف نمودن خشکسالی هیچ مشکلی از مشکلات برطرف نمی شود و روز
به روز مشکلات بیشتر و عمیق تر می شود.
@hodhodbash ادمین
هدهد باش
@hodhodbashid کانال ۹۶/۱۲/۰۷
هدهد باشید


عربستان، کویت، امارات، قطر، عمان، بحرین روزانه ۲۶ میلیون لیتر
از آب خلیج فارس را شیرین سازی می کنند.
درحالی که شیرین سازی آب خلیج فارس بسیار سخت و هزینه بر می باشد
چرا که آب خلیج فارس هر سی سال یکبار عوض می شود بخلاف دریای عمان
که به آبهای آزاد ارتباط دارد و املاح کمتری دارد.
چرا ما ایرانیان که در خشکسالی عظیمی هستیم به صورت جدی
شیرین سازی و انتقال آب دریای عمان را پیگیری نمی کنیم؟
اگر مغرون به صرفه نیست چرا برای آنها هست؟
اگر خطر زیست محیطی دارد چرا برای آنها ندارد؟
درحالی که پروژه انتقال و شیرین سازی آب دریای جنوب از سال
۱۳۴۰ مطرح می باشد
چرا برای حل بحران ریزگردها خوزستان و سیستان آب را انتقال نمی دهیم؟
اثبات نموده ایم در یک سال می توان آب خلیج فارس و
دریای عمان را به تمامی استانها رساند. # مدهد هستم ۹۶/۱۲/۶

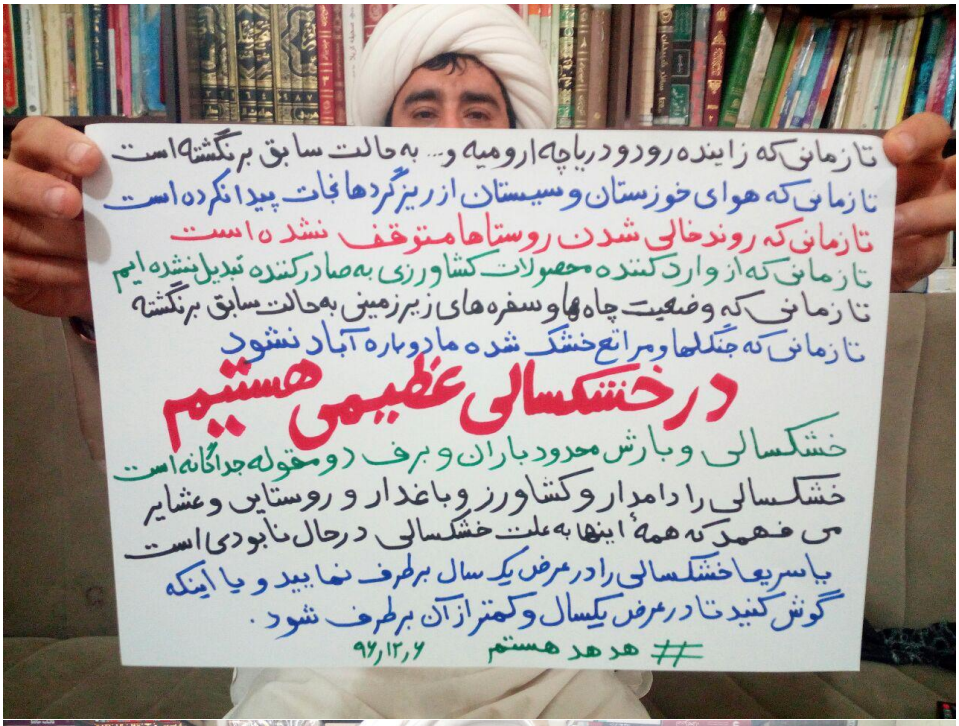
تا زمانی که زاینده رود و دریاچه ارومیه و... به حالت سابق برنگشته است
تا زمانی که هوای خوزستان و سیستان از ریزگردها نجات پیدا نکرده است
تا زمانی که روند خالی شدن روستاها متوقف نشده است
تا زمانی که از وارد کننده محصولات کشاورزی به صادر کننده تبدیل نشده ایم
تا زمانی که وضعیت چاه‌ها و سفره‌های زیرزمینی به حالت سابق برنگشته
تا زمانی که جنگلها و مراتع خشک شده ما دوباره آباد نشود
در خشکسالی عظیمی هستیم
خشکسالی و بارش محدود باران و برف دو مقوله جداگانه است
خشکسالی را دامدار و کشاورز و باغدار و روستایی و عشایر
می فهمد که همهٔ اینها به علت خشکسالی در حال نابودی است
یا سریعا خشکسالی را در عرض یک سال برطرف نمایید و یا اینکه
گوش کنید تا در عرض یکسال و کمتر از آن برطرف شود.
96/12/6 هر هر هستم #


مشکل خشکسالی کلان ترین و اصلی ترین مشکل کشور است.
تمامی مشکلات کشور بازگشت به خشکسالی دارد.
جامعه ای که خشکسالی دارد اقتصاد آن جامعه خلج می گردد.
زیرا وقتی آب نباشد صنعت و ساخت و ساز و کشاورزی راکد می شود.
اقتصاد خراب و ویرانی فرهنگی را به همراه دارد و این جامعه به آشوب
کشیده می شود.
اگر راهکار اساسی برای رفع سریع خشکسالی دارید امیدی برای
بهبود وضعیت و مشکلات جامعه می باشد و الا وضعیت معلوم است.
پس یا راهکارتان را ارائه دهید و یا به راهکارهای ارائه شده عمل
کنید تا در عرض یکسال و حتی کمتر از آن مشکل برطرف شود.
آب = آبادانی
96/12/6 من یک هُدهُد هستم #

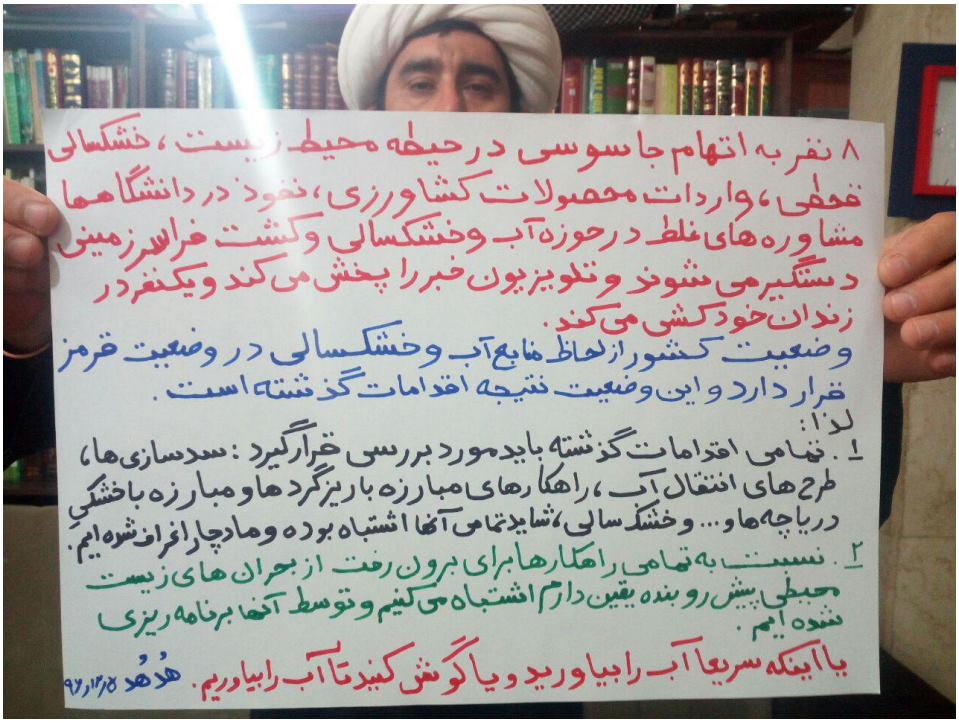
۸ نفر به اتهام جاسوسی در حیطه محیط زیست، خشکسالی
فعلی، واردات محصولات کشاورزی، نفوذ در دانشگاهها
مشاوره های غلط در حوزه آب و خشکسالی و کشت فراسرزمینی
دستگیر می شوند و تلویزیون خبر را پخش می کند و یکنفر در
زندان خودکشی می کند.
وضعیت کشور از لحاظ منابع آب و خشکسالی در وضعیت قرمز
قرار دارد و این وضعیت نتیجه اقدامات گذشته است.
لذا:
۱. تمامی اقدامات گذشته باید مورد بررسی قرار گیرد: سدسازی ها،
طرح های انتقال آب، راهکارهای مبارزه با ریزگردها و مبارزه با خشکی
دریاچه ها و... و خشکسالی، شاید تمامی آنها اشتباه بوده و ما دچار انحراف شده ایم.
۲. نسبت به تمامی راهکارها برای برون رفت از بحران های زیست
محیطی پیش رو بنده یقین دارم اشتباه می کنیم و توسط آنها برنامه ریزی
شده ایم.
یا اینکه سریعا آب را بیاورید و یا گوش کنید تا آب را بیاوریم. هُدهُد ۹۶/۱۲/۸

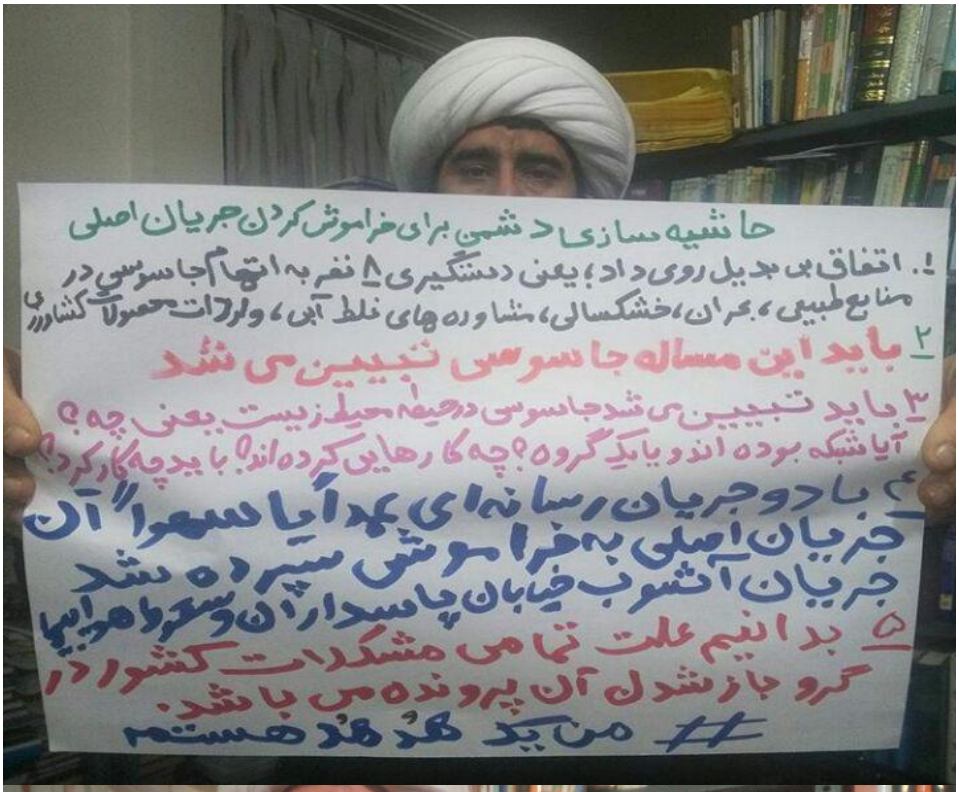

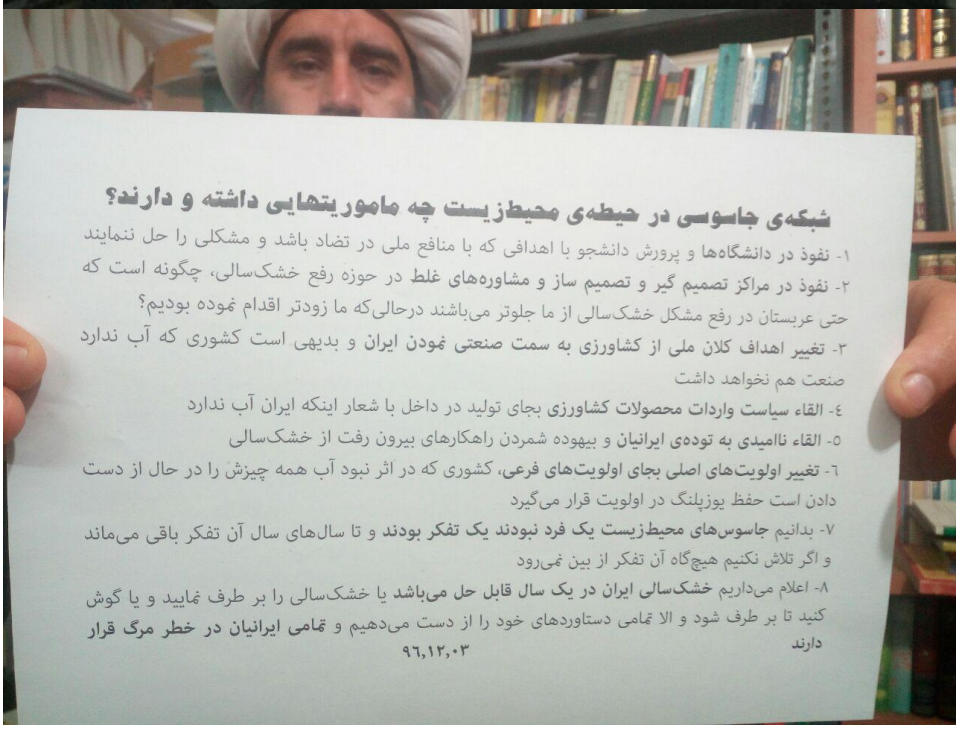

شبکه‌ی جاسوسی در حیطه‌ی محیط‌زیست چه ماموریتهایی داشته و دارند؟

۱- **نفوذ در دانشگاه‌ها** و پرورش دانشجو با اهدافی که با منافع ملی در تضاد باشد و مشکلی را حل ننمایند

۲- **نفوذ در مراکز تصمیم گیر و تصمیم ساز و مشاوره‌های غلط** در حوزه رفع خشک‌سالی، چگونه است که حتی عربستان در رفع مشکل خشک‌سالی از ما جلوتر می‌باشند درحالی‌که ما زودتر اقدام نموده بودیم؟

۳- **تغییر اهداف کلان ملی از کشاورزی به سمت صنعتی نمودن ایران** و بدیهی است کشوری که آب ندارد صنعت هم نخواهد داشت

٤- **القاء سیاست واردات محصولات کشاورزی** بجای تولید در داخل با شعار اینکه ایران آب ندارد

٥- **القاء ناامیدی به توده‌ی ایرانیان** و بیهوده شمردن راهکارهای بیرون رفت از خشک‌سالی

٦- **تغییر اولویت‌های اصلی بجای اولویت‌های فرعی**، کشوری که در اثر نبود آب همه چیزش را در حال از دست دادن است حفظ یوزپلنگ در اولویت قرار می‌گیرد

۷- بدانیم **جاسوس‌های محیط‌زیست یک فرد نبودند یک تفکر بودند** و تا سال‌های سال آن تفکر باقی می‌ماند و اگر تلاش نکنیم هیچ‌گاه آن تفکر از بین نمی‌رود

۸- اعلام می‌داریم **خشک‌سالی ایران در یک سال قابل حل می‌باشد** یا خشک‌سالی را بر طرف نمایید و یا گوش کنید تا بر طرف شود و الا تمامی دستاوردهای خود را از دست می‌دهیم و **تمامی ایرانیان در خطر مرگ قرار دارند**

۹٦،۱۲،۰۳

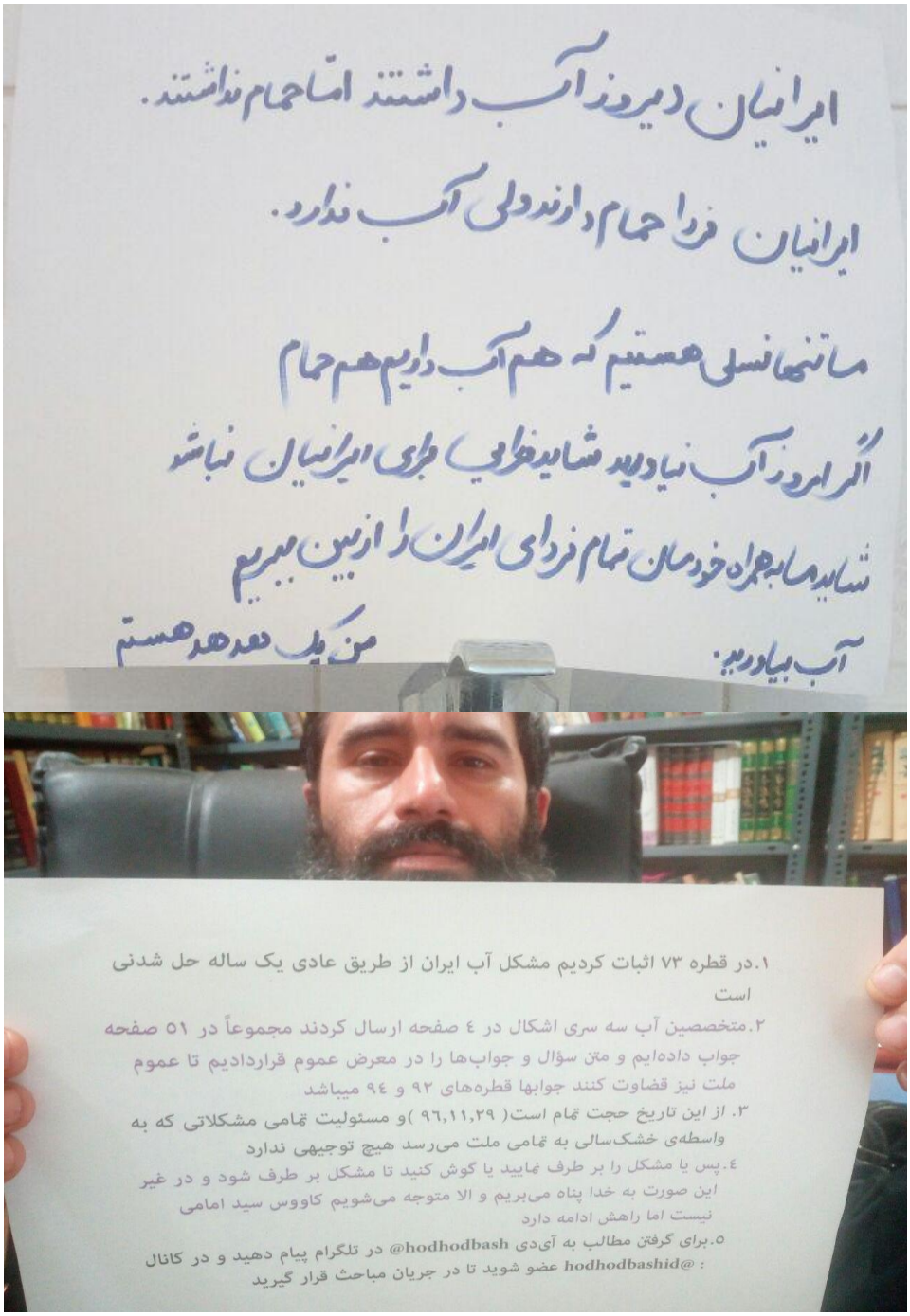
ایرانیان دیروز آب داشتند اما حمام نداشتند.
ایرانیان فردا حمام دارند ولی آب ندارد.
ما تنها نسلی هستیم که هم آب داریم هم حمام
اگر امروز آب نیاورید شاید فردایی برای ایرانیان نباشد
شاید ما باید همراه خودمان تمام فردای ایران را از بین ببریم
آب بیاورید.
من یک هدهد هستم
۱.در قطره ۷۳ اثبات کردیم مشکل آب ایران از طریق عادی یک ساله حل شدنی است
۲.متخصصین آب سه سری اشکال در ٤ صفحه ارسال کردند مجموعاً در ۵۱ صفحه جواب داده‌ایم و متن سؤال و جواب‌ها را در معرض عموم قراردادیم تا عموم ملت نیز قضاوت کنند جوابها قطره‌های ۹۲ و ۹٤ میباشد
۳. از این تاریخ حجت تمام است(۹۶,۱۱,۲۹)و مسئولیت تمامی مشکلاتی که به واسطه‌ی خشک‌سالی به تمامی ملت می‌رسد هیچ توجیهی ندارد
٤.پس یا مشکل را بر طرف نمایید یا گوش کنید تا مشکل بر طرف شود و در غیر این صورت به خدا پناه می‌بریم و الا متوجه می‌شویم کاووس سید امامی نیست اما راهش ادامه دارد
۵.برای گرفتن مطالب به آی‌دی hodhodbash@ در تلگرام پیام دهید و در کانال hodhodbashid@ : عضو شوید تا در جریان مباحث قرار گیرید

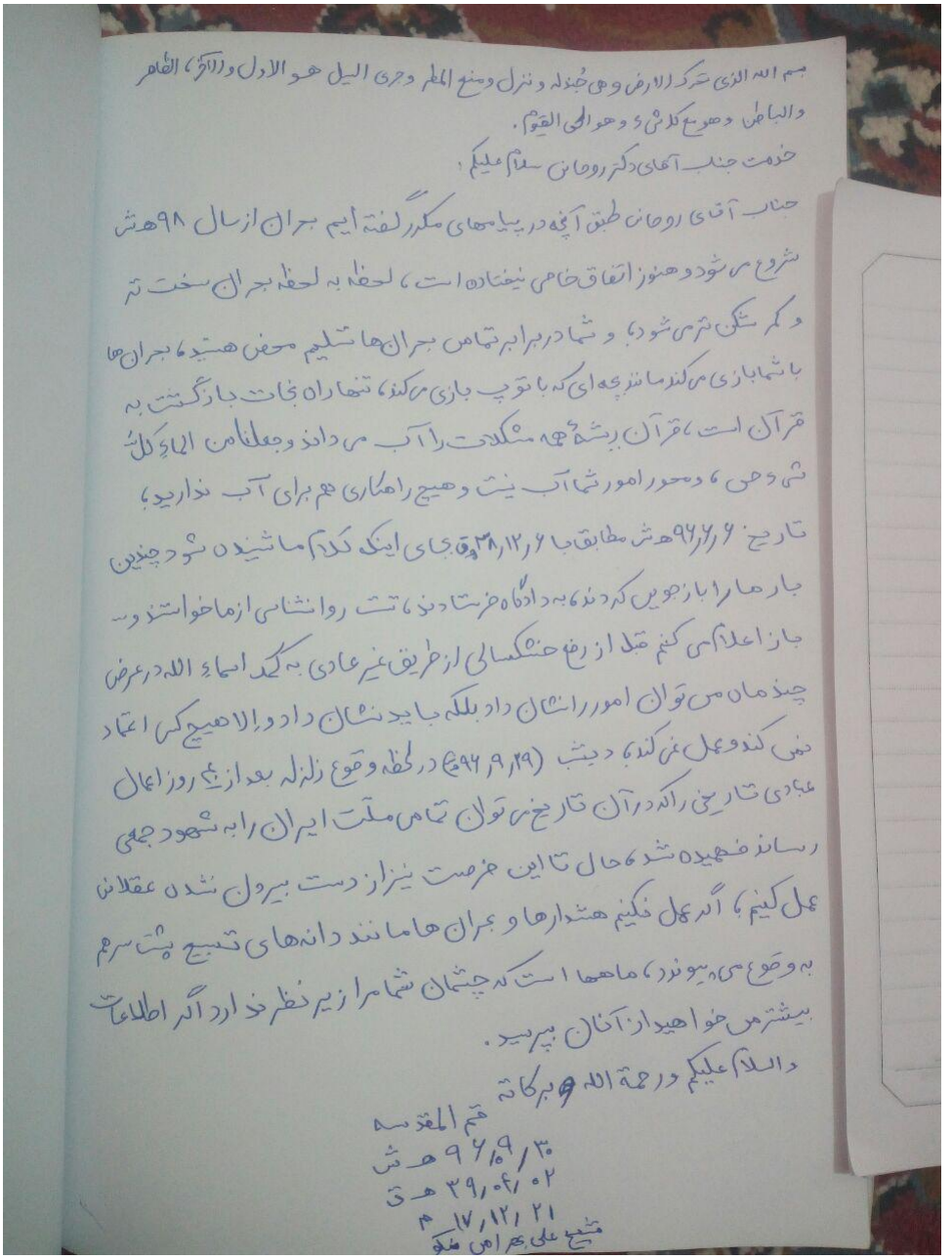

بسم الله الذی تحرک الارض وهی جُندله و نزل ومنع المطر وجری السیل هو الاول والآخر، الظاهر والباطن وهو مع کل شیء وهو الحی القیوم.

خدمت جناب آقای دکتر روحانی سلام علیکم:

جناب آقای روحانی طبق آنچه در پیامهای مکرر گفته ایم بحران از سال ۹۸ هـ ش شروع می شود و هنوز اتفاق خاصی نیفتاده است، لحظه به لحظه بحران سخت تر و کمر شکن تر می شود، و شما در برابر تمامی بحران ها تسلیم محض هستید، بحران ها با شما بازی می کند مانند بچه ای که با توپ بازی می کند، تنها راه نجات بازگشت به قرآن است، قرآن ریشهٔ همه مشکلات را آب می داند وجعلنا من الماء کل شیء حی، و محور امور شما آب نیست و هیچ راهکاری هم برای آب ندارید،

تاریخ ۹۶/۶/۶ هـ ش مطابق با ۳۸/۱۲/۶ ق بجای اینکه کلام ما شنیده شود چندین بار ما را بازجویی کردند، به دادگاه فرستادند، تست روانشناسی از ما خواستند و... باز اعلام می کنم قبل از رفع خشکسالی از طریق غیر عادی به کمک اسماء الله در عرض چند ماه می توان امور را نشان داد بلکه باید نشان داد و الا هیچ کس اعتماد نمی کند و عمل نمی کند، دیشب (۹۶/۹/۲۹ هـ ش) در لحظه وقوع زلزله بعد از ۴۰ روز اعمال عبادی تاریخی را که در آن تاریخ می توان تمامی ملت ایران را به شهود جمعی رساند فهمیده شد، حال تا این فرصت نیز از دست بیرون نشده عقلانی عمل کنیم، اگر عمل نکنیم هشدارها و بحران ها مانند دانه های تسبیح پشت سرهم به وقوع می پیوندد، ماهها است که چشمان شما مرا زیر نظر ندارد اگر اطلاعات بیشتر می خواهید از آنان بپرسید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قم المقدسه
۹۶/۹/۳۰ هـ ش
۳۹/۰۴/۰۲ هـ ق
۱۷/۱۲/۲۱ م
شیخ علی بهرامی منکو

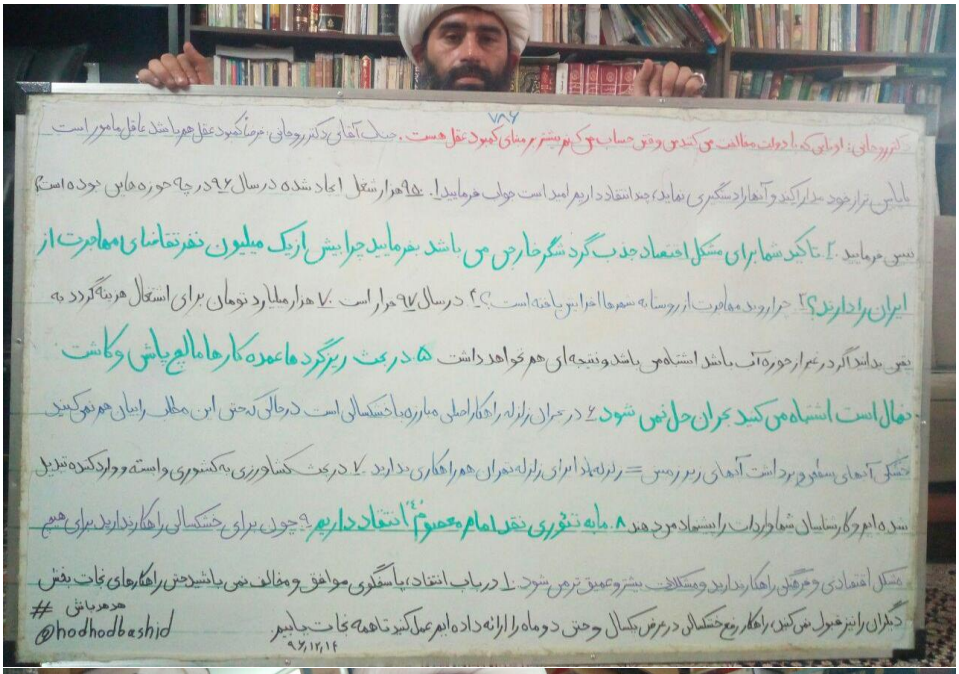
۷۸۶
دکتر روحانی: اونایی که با دولت مخالفت می کنند من وقتی حساب می کنم بیشتر بر مبنای کمبود عقل هست. جناب آقای دکتر روحانی: فرضاً کمبود عقل هم باشد عاقل مامور است
با پایین تر از خود مدارا کند و آنها را دستگیری نماید، چند انتقاد داریم امید است جواب فرمایید ۱. ۹۵۰ هزار شغل ایجاد شده در سال ۹۶ در چه حوزه هایی بوده است؟
پس فرمایید ۲. تاکید شما برای مشکل اقتصاد جذب گردشگر خارجی می باشد بفرمایید چرا بیش از یک میلیون نفر تقاضای مهاجرت از
ایران را دارند؟ ۳. چرا روند مهاجرت از روستا به شهرها افزایش یافته است؟ ۴. در سال ۹۷ قرار است ۷۰ هزار میلیارد تومان برای اشتغال هزینه گردد به
یقین بدانید اگر در غیر از حوزه آب باشد اشتباه می باشد و نتیجه ای هم نخواهد داشت ۵. در بحث ریزگردها عمده کارها مالچ پاشی و کاشت
نهال است اشتباه می کنید بحران حل نمی شود ۶. در بحران زلزله راهکار اصلی مبارزه با خشکسالی است در حالی که حتی این مطلب را بیان هم نمی کنید
خشکی آبهای سطحی و برداشت آبهای زیر زمین = زلزله ما را برای زلزله تهران هم راهکاری ندارید ۷. در بحث کشاورزی به کشوری وابسته و وارد کننده تبدیل
شده ایم و کارشناسان شما واردات را پیشنهاد می دهند ۸. مایه تئوری نقد امام معصوم (ع) انتقاد داریم ۹. چون برای خشکسالی راهکار ندارید برای هیچ
مشکل اقتصادی و فرهنگی راهکار ندارید و مشکلات بیشتر و عمیق تر می شود ۱۰. در باب انتقاد، پاسخگوی موافق و مخالف نمی باشید حتی راهکارهای نجات بخش
دیگران را نیز قبول نمی کنید، راهکار رفع خشکسالی در عرض یکسال و حتی دو ماه را ارائه داده ایم عمل کنید تا همه نجات یابیم.
۹۶/۱۲/۱۴
هدهد باش #
@hodhodbashid


فساد بعضی از مسئولین شهرداری و زنان چادری که به
بهانه روز زن و میلاد تولد حضرت زهرا سلام الله علیها مجلس
رقص و... برپا کردند از فساد مفسدین لخت و عریان غرب
بیشتر است.
آنان در بی دینی خود صادق ولی شما
در ادعای دین خود دروغگو هستید.
رفتار شما ما را به یاد بنی امیه می اندازد که با اسم
اسلام مجلس فساد راه می انداختند.
هدهد باش #
۹۶/۱۲/۱۶

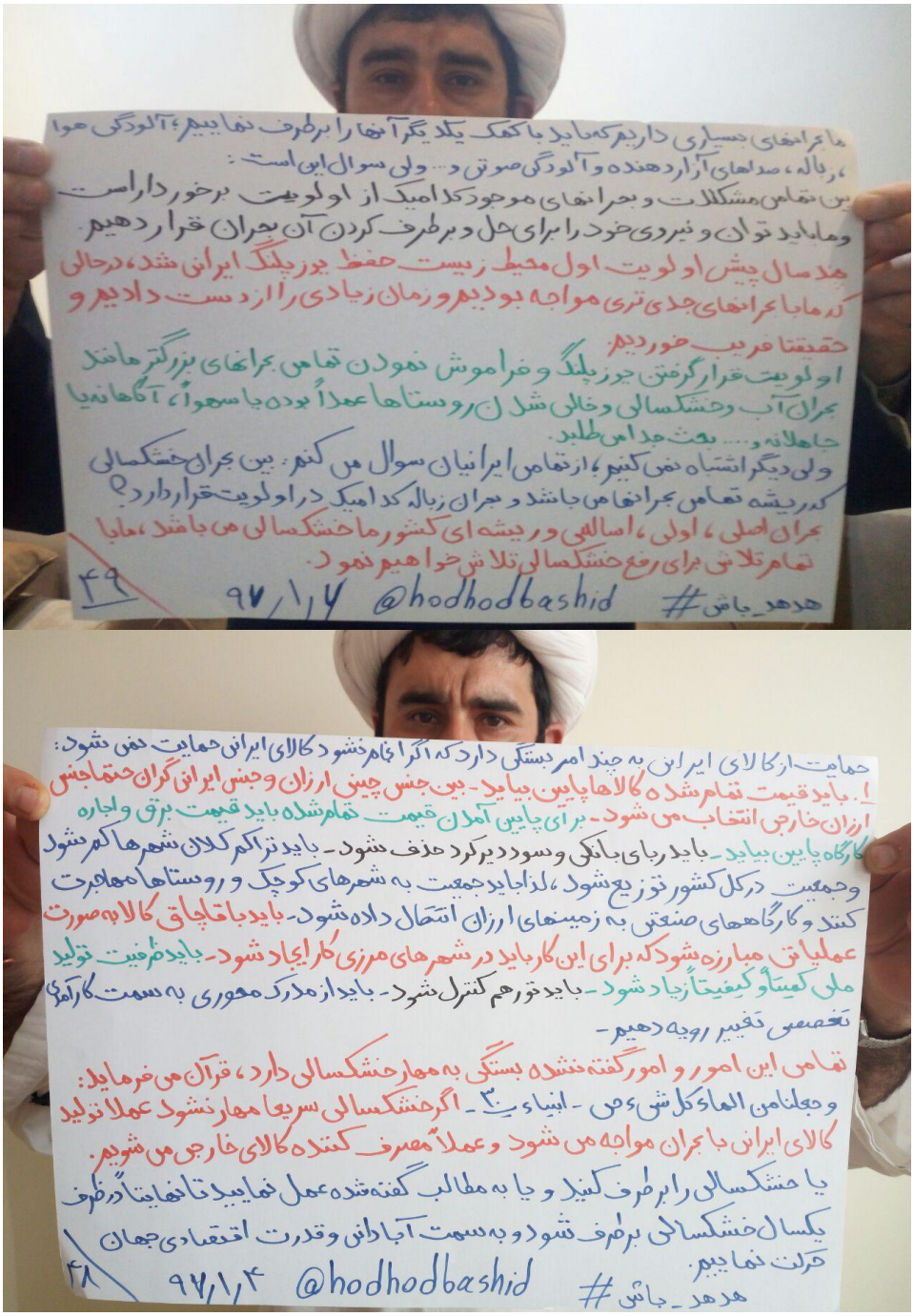
ما بحرانهای بسیاری داریم که باید با کمک یکدیگر آنها را برطرف نماییم؛ آلودگی هوا
، زباله، صداهای آزاردهنده و آلودگی صوتی و... ولی سوال این است:
بین تمامی مشکلات و بحرانهای موجود کدامیک از اولویت برخوردار است
و ما باید توان و نیروی خود را برای حل و برطرف کردن آن بحران قرار دهیم.
چند سال پیش اولویت اول محیط زیست حفظ یوزپلنگ ایرانی شد، درحالی
که ما با بحرانهای جدی تری مواجه بودیم و زمان زیادی را از دست دادیم و
حقیقتا ضرر خوردیم.
اولویت قرار گرفتن یوزپلنگ و فراموش نمودن تمامی بحرانهای بزرگتر مانند
بحران آب و خشکسالی و خالی شدن روستاها عمداً بوده یا سهواً، آگاهانه یا
جاهلانه و... بحث جداس طلبد.
ولی دیگر اشتباه نمی کنیم، از تمامی ایرانیان سوال می کنم: بین بحران خشکسالی
که ریشه تمامی بحرانها می باشد و بحران زباله کدامیک در اولویت قرار دارد؟
بحران اصلی، اولی، اساسی و ریشه ای کشور ما خشکسالی می باشد، ما با
تمام تلاش برای رفع خشکسالی تلاش خواهیم نمود.
۴۹
۹۷/۱/۴ @hodhodbashid #هدهد_باش
حمایت از کالای ایران به چند امر بستگی دارد که اگر انجام نشود کالای ایرانی حمایت نمی شود:
۱. باید قیمت تمام شده کالاها پایین بیاید - بین جنس چین ارزان و جنس ایرانی گران حتما جنس
ارزان خارجی انتخاب می شود - برای پایین آمدن قیمت تمام شده باید قیمت برق و اجاره
کارگاه پایین بیاید - باید ربای بانکی و سود دیرکرد حذف شود - باید تراکم کلان شهرها کم شود
و جمعیت در کل کشور توزیع شود، لذا باید جمعیت به شهرهای کوچک و روستاها مهاجرت
کنند و کارگاههای صنعتی به زمینهای ارزان انتقال داده شود - باید با قاچاق کالا به صورت
عملیاتی مبارزه شود که برای این کار باید در شهرهای مرزی گمرکات ایجاد شود - باید مزیت تولید
ملی کمیتاً و کیفیتاً زیاد شود - باید تورم کنترل شود - باید از مدرک محوری به سمت کارآمدی
تخصصی تغییر رویه دهیم -
تمامی این امور و امور گفته نشده بستگی به مهار خشکسالی دارد، قرآن می فرماید:
و جعلنا من الماء کل شیء حی - انبیاء ۳۰ - اگر خشکسالی سریعا مهار نشود عملا تولید
کالای ایران با بحران مواجه می شود و عملا مصرف کننده کالای خارجی می شویم.
یا خشکسالی را برطرف کنید و یا به مطالب گفته شده عمل نمایید تا نهایتا در ظرف
یکسال خشکسالی برطرف شود و به سمت آبادانی و قدرت اقتصادی جهان
حرکت نماییم.
۴۸
۹۷/۱/۴ @hodhodbashid #هدهد_باش

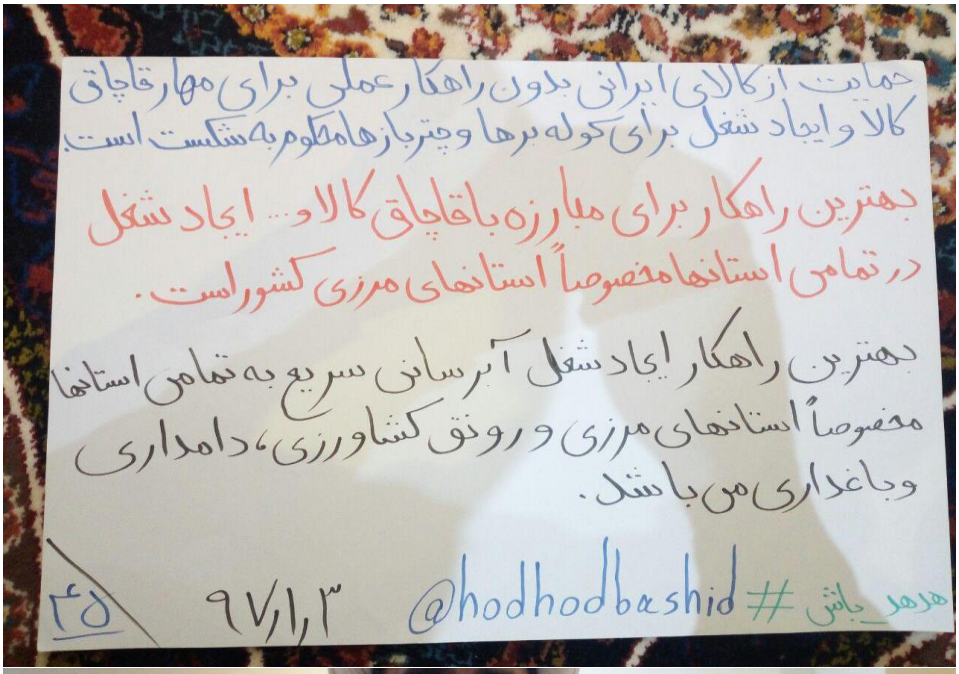
حمایت از کالای ایرانی بدون راهکار عملی برای مهار قاچاق
کالا و ایجاد شغل برای کوله برها و چتربازها مظلوم به شکست است.
بهترین راهکار برای مبارزه با قاچاق کالا و... ایجاد شغل
در تمامی استانها مخصوصاً استانهای مرزی کشور است.
بهترین راهکار ایجاد شغل آبرسانی سریع به تمامی استانها
مخصوصاً استانهای مرزی و رونق کشاورزی، دامداری
و باغداری می باشد.
۴۵ ۹۷/۱/۳ @hodhodbashid # هدهد_باش

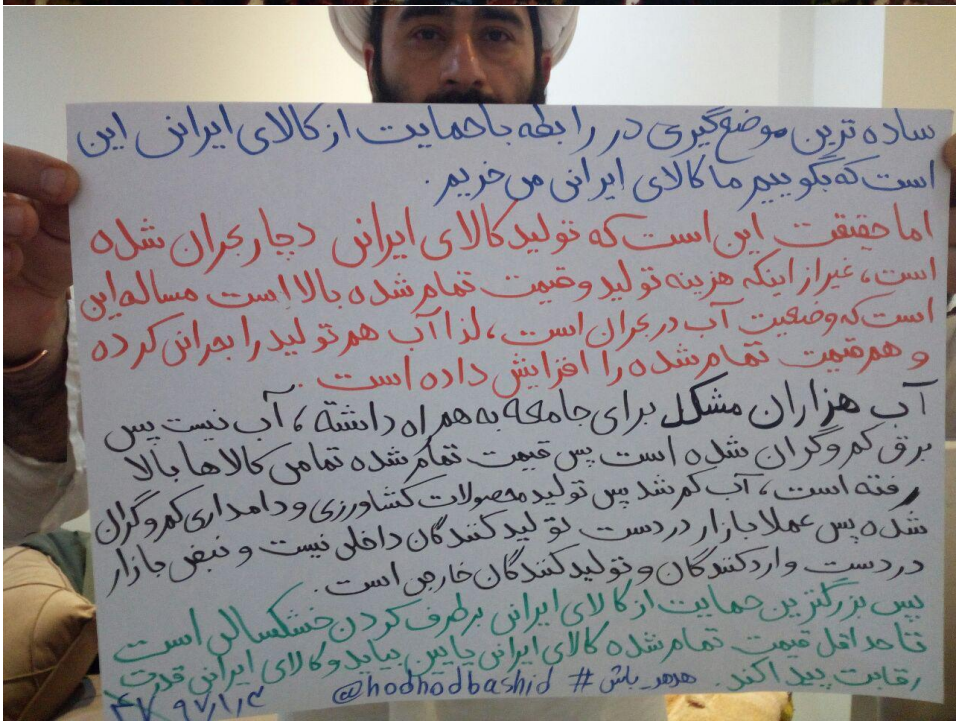
ساده ترین موضع گیری در رابطه با حمایت از کالای ایرانی این
است که بگوییم ما کالای ایرانی می خریم.
اما حقیقت این است که تولید کالای ایرانی دچار بحران شده
است، غیر از اینکه هزینه تولید و قیمت تمام شده بالا است مساله این
است که وضعیت آب در بحران است، لذا آب هم تولید را بحران کرده
و هم قیمت تمام شده را افزایش داده است.
آب هزاران مشکل برای جامعه به همراه داشته، آب نیست پس
برق کم و گران شده است پس قیمت تمام شده تمامی کالاها بالا
رفته است، آب کم شد پس تولید محصولات کشاورزی و دامداری کم و گران
شده پس عملا بازار در دست تولید کنندگان داخلی نیست و نبض بازار
در دست واردکنندگان و تولید کنندگان خارجی است.
پس بزرگترین حمایت از کالای ایرانی برطرف کردن خشکسالی است
تا حداقل قیمت تمام شده کالای ایرانی پایین بیاید و کالای ایرانی قدرت
رقابت پیدا کند. هدهد_باش # @hodhodbashid
۴۷ ۹۷/۱/۴

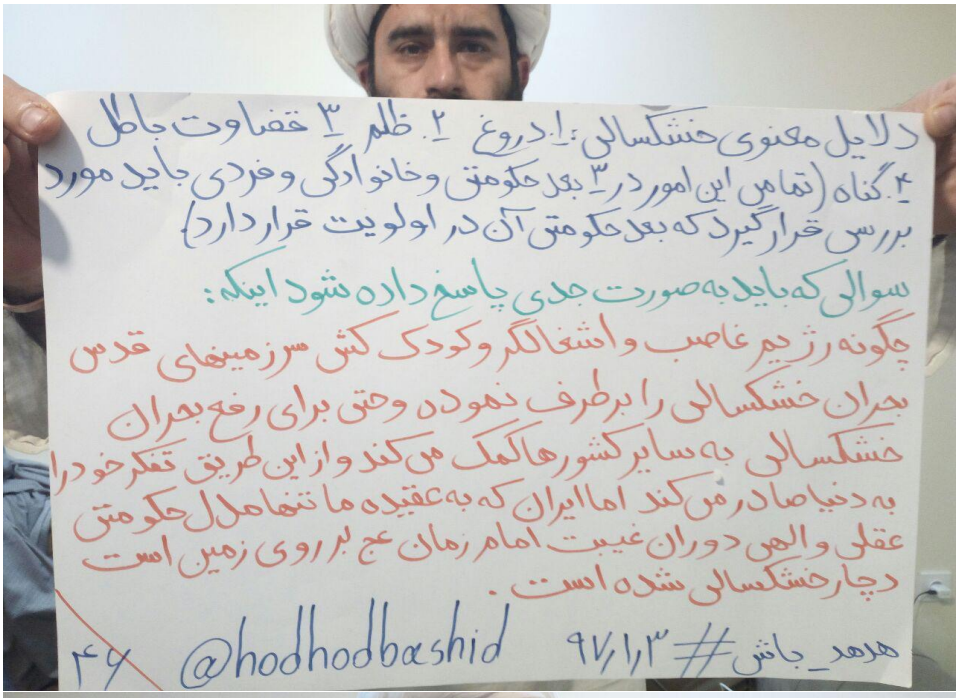
دلایل معنوی خشکسالی: ۱. دروغ ۲. ظلم ۳. تضاوت باطل
۴. گناه (تمامی این امور در ۳ بعد حکومتی و خانوادگی و فردی باید مورد
بررسی قرار گیرد که بعد حکومتی آن در اولویت قرار دارد)
سوالی که باید به صورت جدی پاسخ داده شود اینکه:
چگونه رژیم غاصب و اشغالگر و کودک کش سرزمینهای قدس
بحران خشکسالی را برطرف نموده و حتی برای رفع بحران
خشکسالی به سایر کشورها کمک می کند و از این طریق تفکر خود را
به دنیا صادر می کند اما ایران که به عقیده ما تنها مدل حکومتی
عقلی و الهی دوران غیبت امام زمان عج بر روی زمین است
دچار خشکسالی شده است.
۴۶ @hodhodbashid ۹۷/۱/۳ #هرهر_باش

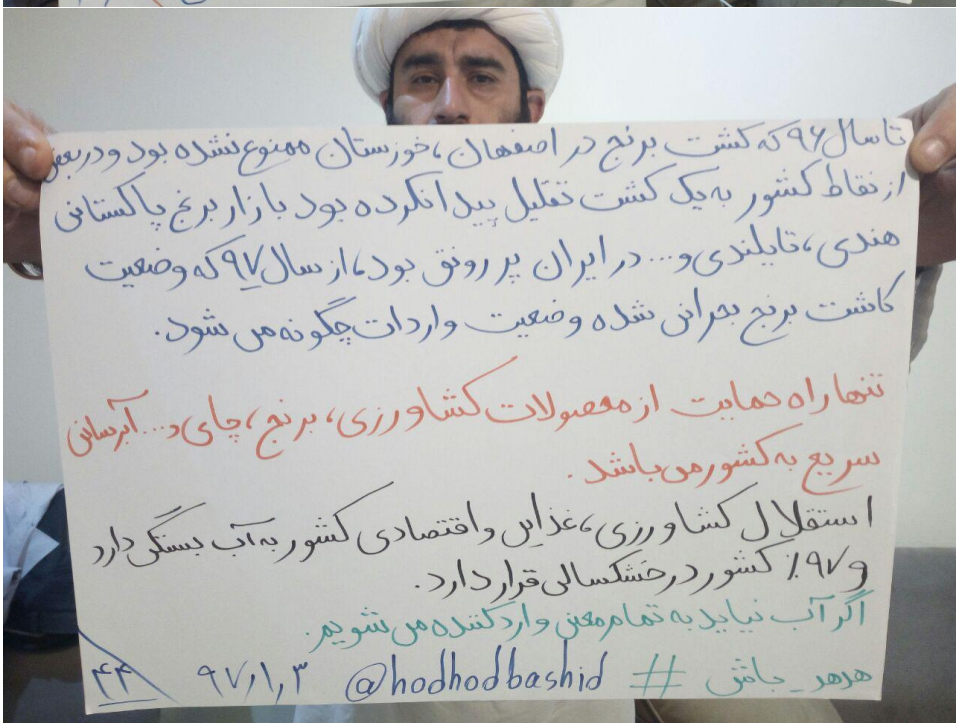
تا سال ۹۶ که کشت برنج در اصفهان، خوزستان ممنوع نشده بود و در بعض
از نقاط کشور به یک کشت تقلیل پیدا نکرده بود بازار برنج پاکستانی
هندی، تایلندی و... در ایران پر رونق بود، از سال ۹۷ که وضعیت
کاشت برنج بحران شده وضعیت واردات چگونه می شود.
تنها راه حمایت از محصولات کشاورزی، برنج، چای و... آبرسانی
سریع به کشور می باشد.
استقلال کشاورزی، غذایی و اقتصادی کشور به آب بستگی دارد
و ۹۷٪ کشور در خشکسالی قرار دارد.
اگر آب نیاید به تمام معنی وارد کشته می شویم.
۴۴ ۹۷/۱/۳ @hodhodbashid # هرهر_باش

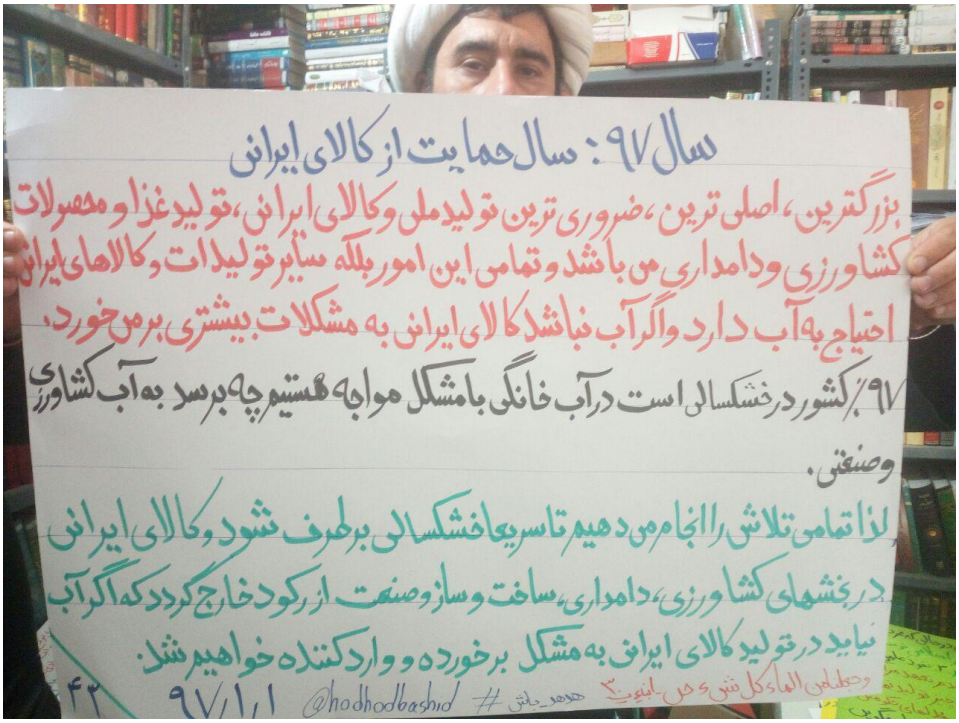

بسم‌الله قدّر ما جری بین الارض و السماء ب۵۵۱ ی.

من هو علی عباده رحیم

سال خوبی داشته باشید ، سال ۹۷ در یک نگاه آنکس گه باور دارد خود را آماده کند و آنکس که شک دارد منتظر باشد تا ببیند.

جنگ و فتنه و اختلاف در پیش است زلزله‌های بسیار، خیانت و گرانی، گرمای شدید و قطعی برق و کمی و جیره‌بندی آب و طوفان‌های خاک و نمک و قحطی در راه است که با واردات در صدد آرام نگاه‌داشتن امور می‌شوند اما دردی دوا نمی‌شود خانه از پایه سست است، غم و مشکلات روحی و ناامیدی بسیار زیاد ، فقر بیشتر می‌شود، فساد شدت میابد، ناامیدی فراگیر می‌شود، خودکشی عادی شود ، طلاق بیشتر می‌شود، فساد و روابط نامشروع و سقط حلال و حرام زیاد و زیاد تر شود، سود در تجارت است و دلالی و تولید فایده چندانی ندارد، کسی که کار نکرده سود میبرد و اهل تلاش ورشکسته شوند، اهل فضل کوچک شمرده شوند، کلاه‌برداری زیاد می‌شود و اجناس بی‌بها را به بهای بالا بفروشند، همه با یکدیگر حیله کنند و توطئه‌ای پنهانی و بسیار بزرگ در راه است که همه متحیر می‌شوند و برای عزل حاکم تلاشی پنهانی نمایند ، دوست اما در باطن میش و گرگ و لذا آشوب راه بیفتد و غرب با یکدیگر متحد می‌شوند، در بین دو راهی حیران شوند، هر دو طرف درست اما هر دو طرف تحیر کننده، مردم مشکلات را به اسلام و روحانیت مستندسازند و شعارهای تفرقه‌افکنانه زیاد شود و دوره دوره‌ی اشرار است، ترس بسیار زیاد می‌شود، مجالس لهو در کوچه بیابان زیاد شود، قلب مؤمن مانند نمک آب شود، امر به منکر زیاد و مؤمنین از امر به معروف مأیوس شوند و آنان که امر به معروف کنند تأثیر نداشته باشد زیرا اهل معروف بسیار کم می‌شوند، منکرات عادی گردد، گروهی خویشتن‌داری خود را از دست می‌دهند و به نزاع بر می‌خیزند، گروهی با نیت صادقانه امور پلید انجام دهد و دشمن با نیت پلید خوش‌رفتاری کند، ناامیدی مؤمنین را بگیرد، درختان سرما زده شوند گروهی از خارج برای عزل هم پیمان شوند، حیوانات بمیرند اما اگر آب بیاید تمامی امور بعد از مدتی اصلاح شود حال علما خوب ،دادگاه‌ها خلوت ، ازدواج زیاد می‌شود مردم خوشحال می‌شود، دین‌داری زیاد و حکومت قوت بسیار می‌گیرد، کشاورزی رونق می‌گیرد و عمر طولانی می‌شود و بیماری کم می‌شود و همه اهداف عالی پیدا کنند و از کرده‌ی گذشته خود پشیمان می‌شود، همه گریان شوند که این گریه از خوشحالی است، ضجه خوشحالی و توبه بلند شود و دست دوستی به یکدیگر بفشارند باید.

باید بدانیم تولد در راه است این تولد یا با خوشی همراه است و یا با ناخوشی برای بنده تولد مهم است و اینکه ما هم اکنون به وظیفه خود عمل کنیم.

اگر تولد را می‌خواهیم بعد از احکام، اخلاقیات عمل کنیم و بعد با مشارطه و مراقبه و محاسبه و محاکمه و معاقبه از شور به شعور و شهود برسیم امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنیم که احق افراد به این دو فریضه مسئولین هستند و بزرگ‌ترین معروف آب و بزرگ‌ترین منکر خشکسالی است.

بازمیگویم راه‌حلی برای آب و خشکسالی ندارید و در عرض دو ماه می‌توان خشکسالی را از طریق غیر عادی بر طرف نمود و اگر زمان ۹۷ نیز بگذرد تا ۹۸ به تاخیر می‌افتد، زمان در سال ۹۷ زودتر از تاریخ ۹۶،۶،۶ میباشد، بدانیم از بر طرف شدن خشکسالی تا ملموس شدن ثمره‌ی آن برای همگان در اقتصاد باید به اندازه یک کشت کشاورزی منتظر ماند لذا اگر در ۹۷ خشکسالی بر طرف شود در انتهای ۹۷ و از ۹۸ به بعد تأثیر آن ملموس می‌شود، اتفاق‌های ۹۸ وحشتناک‌تر است و تا کنون اتفاق خاصی نیفتاده است.

ثنا همان ۹۷ است که من هو علی عباده رحیم ، خدای رحیم را شکر که رحمان الدنیا و الاخره و رحیمها میباشد.

۹۶،۱۲،۲۹ ساعت ۱۶،۴۹ علی بهرامی نیکو – قم المقدسه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با عرض سلام خدمت دکتر احمدی‌نژاد

این‌جانب شیخ علی بهرامی نیکو از جانب شما کلیپ سخنرانی مشاهده نمودم که برای بنده سؤالاتی پیش آمد که تقاضا دارم جواب فرمایید.

در سخنرانی می‌فرمایید: بعضی به یارانه‌ها اشکال می‌کنند که یارانه‌ها اقتصاد را ویران کرد و بعد می‌فرمایید یک بیستم پول نفت به مردم پرداخت می‌شود.

اشکال اول: با کدام حساب یک بیستم پول نفت می‌شود پول یارانه‌ها؟ فکر می‌کنم در حساب و کتابتان اشتباه کرده‌اید لذا حساب می‌کنیم ایران روزانه ٤ میلیون بشکه تولید نفت دارد که یک میلیون و هفت‌صد هزار بشکه صرف مصارف داخلی می‌شود و دو میلیون و سیصد هزار بشکه صادرات داریم که هر بشکه نفت شصت دلار فروخته می‌شود و ده دلار هزینه تولید دارد و لذا روزانه دو میلیون و سیصد هزار بشکه را در ٥٠ دلار ضرب می‌کنیم و عدد را در ٣٠ روز ضرب می‌کنیم عدد به دست آمده می‌شود: ٣,٤٥٠,٠٠٠,٠٠٠ دلار در ماه درآمد نفت ما مقدار هزینه‌ای که برای گسترش میادین نفت و گاز است را نیز کم نمی‌کنیم بلکه خالص این عدد را بر ٨٠ میلیون ایرانی تقسیم می‌کنیم جواب می‌شود: ٤٣,١٢٥ دلار در ماه برای هر ایرانی اگر طبق دلار آزاد حساب کنیم و دلار را ٤٨٠٠ تومان بگیریم مبلغ می‌شود: ٢٠٧,٠٠٠ تومان در ماه برای تمامی ایرانیان و اگر دلار را دولتی حساب کنیم و ٤,٠٠٠ تومان دلار دولتی حساب کنیم عدد می‌شود: ١٧٢,٥٠٠ یعنی به هیچ عنوان ادعای شما که یک بیستم پول نفت به مردم پرداخت می‌شود قابل‌اثبات نیست چرا که با ادعای شما باید هر ماه به هر نفر ٩٠١,٠٠ تومان پرداخت شود، حتی اگر با مبلغ فروش نفت در دولت شما که بسیار بالا هم بود حساب کنیم باز هم یک بیستم نمی‌شود، اگر حساب ما مشکل دارد بفرمایید و الا برای بنده این گمان پیش میاید که در بقیه حساب‌هایتان نیز اشتباه کرده باشید.

اشکال دوم: آیا یارانه‌ها خوب بود یا بد؟ نیت اولیه‌ی شما خیر بود و یعنی شما برای گسترش عدالت و کم کردن فاصله‌ی فقیر و غنی و بهره‌مند شدن قشر مستضعف اقدام به پرداخت یارانه‌ها نمودید که مطمئناً مأجور هستید، اما سؤال بنده از شما این است، آیا آن امر تحقق پیدا نمود؟ جواب منفی است، بعد از پرداخت یارانه‌ها مشکلات قشر فقیر بیشتر شد، سوبسید کالاهای اساسی را حذف نمودید و آن را مستقیماً به مردم دادید ولی روال تورم حتی در دولت شما افزایش پیدا نمود و از طریق افزایش تورم و بالا رفتن کالاهای اساسی و ثابت ماندن یارانه‌ها عملاً دولت شما و دولت‌های بعد یارانه را حذف نمودند، به این صورت که با توجیه عدالت سوبسید را حذف کردید و بعد یارانه را ثابت نگاه داشتید و قیمت‌ها را بالا بردید، دلار در زمان پرداخت یارانه‌ها هزار تومان بود و هم اکنون نزدیک ٥ هزار تومان یعنی یارانه‌ای که شما پایه نهادید هم اکنون ١٠ هزار تومان است و نه ٤٥,٥٠٠ تومان پس در حقیقت سوبسید را حذف کردید و از طرف دیگر در حقیقت یارانه را هم کم کردید و عملاً در شرف حذف قرار دارد لذا فقیر غنی نشد ولی غنی غنی‌تر شد و فقیر فقیرتر.

اشکال سوم: شما از سال ٨٤ الی ٩٢ مسئول اجرایی کشور بودید چرا بجای پرداخت یارانه کار اساسی انجام ندادید؟ مثل شما مثل پدری بود که به پسرش ماهی گیری یاد نداد بلکه به او ماهی داد، شما چرا مسئله‌ی آب و خشک‌سالی که زیرساخت اولیه‌ی اقتصاد بود را حل نکردید؟ آیا خبردارید که مردم کشاورز اصفهان علیه شما شعار داده‌اند؟ آیا آنان مردم غنی و مرفه بوده‌اند و یا از مردم فقیر بوده‌اند؟ چرا علیه شما شعار داده‌اند؟ شما در مقام اجرایی کار اولیه‌ی خود را انجام ندادید و ندانستید که اول باید مشکل آب و خشک‌سالی را حل نمایید، اگر آب و خشک‌سالی را حل کرده بودید فقیر غنی شده بود و دولت‌ها در این مصیبتی که شما برای ملت رقم زدید گرفتار نشده بودند، حال در میان ملت توقعی ایجاد کردید که هیچ کس هم نمی‌تواند یارانه را حذف کند و از طرفی اقتصاد ورشکسته‌ی ما اجازه رشد به هیچ کس را نمی‌دهد، ملت محتاج یارانه درحالی‌که یارانه دردی را از ملت دوا نمی‌کند و دولت هم باید یارانه بدهد درحالی‌که دولت هم درآمد چندانی ندارد، لذا با حیل مختلف از ملت پول می‌گیرند و به مردم پرداخت می‌کنند، با دلاری که شما تحویل گرفتید چه کار اساسی برای این ملت انجام داده‌اید در یک نگاه یارانه دادید و مسکن مهر درست کردید درحالی‌که یارانه اشتباه بود باید زیرساخت اولیه کسب‌وکار را در مملکت راه میانداختید تا زمینه‌ی پیشرفت قشر فقیر مهیا شود در یک کلام باید خشک‌سالی را بر طرف می‌کردید که نکردید.

و اما مسکن مهر شما اگر مؤمن و متعهد و عالم به اسلام بودید هیچ‌گاه زیر بار الگوی شهرسازی غربی نمی‌رفتید و ملت را به این زندان‌های چند طبقه گرفتار نمی‌کردید، مگر در اسلام نیامده که خانه را بلندتر از مناره‌ی مسجد نسازید؟ شما که خود را مؤمن میدانید چرا به این حدیث عمل نکردید؟ چرا ما را مبتلا به آپارتمان نمودید؟ چرا برای خانه‌های ملت ویلا پیشنهاد ندادید؟ آیا زمین کم داشتیم که نداشتیم، چرا این کار را انجام ندادید؟ اگر به مردم ویلا داده بودید مشکل یک خانواده و بچه‌های آنان تا مقدار زیادی حل شده بود، طرف ویلا می‌خرید و وقتی بچه‌ها بزرگ می‌شدند در همان خانه کمی سازه زیاد می‌کردند و مشکل ازدواج و خانه‌ی بچه‌ها هم حل می‌شد و البته زمینه‌ی زیادشدن نسل هم حل شده بود اما شما ما را مبتلا به آپارتمان نمودید حال بعد از چندین سال وام دادن بچه‌ها بزرگ می‌شوند اما به خاطر مشکل مسکن خانواده‌ها قادر به ازدواج نیستند.

اشتباهات فاحش شما بسیار است و دلیل عمده‌ی اشتباهات شما این است که شما خود را عقل کل میدانید که البته یکی از افراد باهوش این سرزمین هستید اما بدانید این بدان معنی نیست که اشتباه ندارید، بله در جاهایی که شما سخن میگویید همه شنونده هستند و کسی جرئت نمی‌کند به شما اعتراض نماید لذا برای شما این گمان پیش‌آمده که هر آنچه میگویید درست است و مصون از اشتباه هستید درحالی‌که این‌گونه نیست.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و

شیخ علی بهرامی نیکو

٩٦,١٢,٢٨

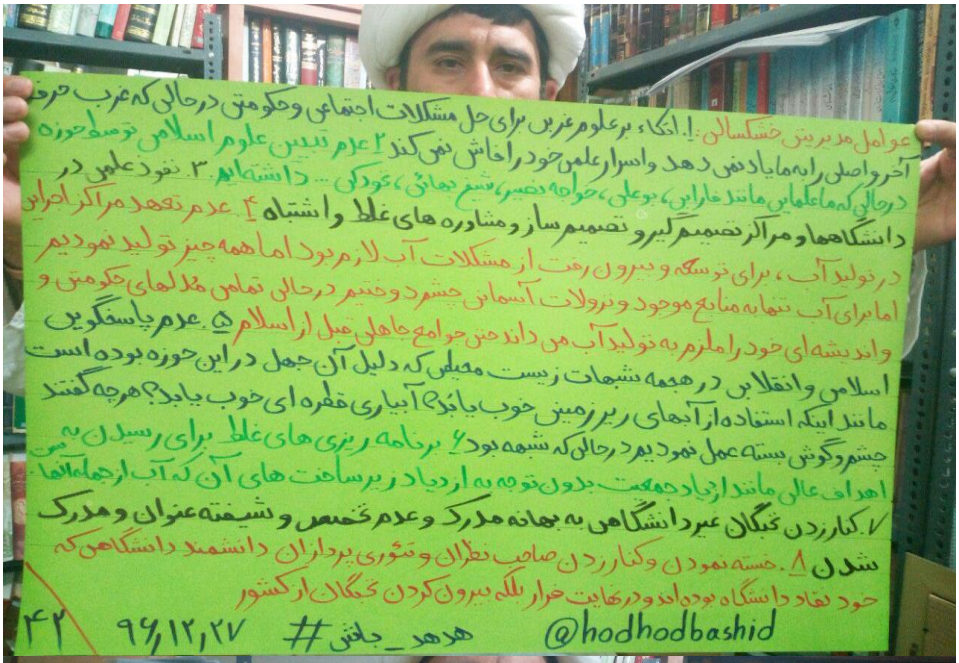
عوامل مدیریتی خشکسالی: ۱. اتکاء بر علوم غربی برای حل مشکلات اجتماعی و حکومتی در حالی که غرب حرف
آخر و اصلی را به ما یاد نمی دهد و اسرار علمی خود را فاش نمی کند ۲. عدم تبیین علوم اسلامی توسط حوزه
در حالی که ما علمایی مانند فارابی، بوعلی، خواجه نصیر، شیخ بهائی، نخودکی ... داشته ایم. ۳. نفوذ علمی در
دانشگاهها و مراکز تصمیم گیر و تصمیم ساز و مشاوره های غلط و اشتباه ۴. عدم تعهد مراکز اجرایی
در تولید آب، برای توسعه و بیرون رفت از مشکلات آب لازم بود اما همه چیز تولید نمودیم
اما برای آب تنها به منابع موجود و نزولات آسمانی چشم دوختیم در حالی تمامی مدلهای حکومتی و
و اندیشه ای خود را ملزم به تولید آب می داند حتی جوامع جاهلی قبل از اسلام ۵. عدم پاسخگویی
اسلامی و انقلابی در همه شبهات زیست محیطی که دلیل آن جهل در این حوزه بوده است
مانند اینکه استفاده از آبهای زیر زمین خوب یا بد؟ آبیاری قطره ای خوب یا بد؟ هرچه گفتند
چشم و گوش بسته عمل نمودیم در حالی که شبهه بود ۶. برنامه ریزی های غلط برای رسیدن به
اهداف عالی مانند ازدیاد جمعیت بدون توجه به ازدیاد زیرساخت های آن که آب از جمله آنهاست
۷. کنار زدن نخبگان غیر دانشگاهی به بهانه مدرک و عدم تخصص و شیفته عنوان و مدرک
شدن ۸. خسته نمودن و کنار زدن صاحب نظران و تئوری پردازان دانشمند دانشگاهی که
خود نقاد دانشگاه بوده اند و در نهایت فرار بلکه بیرون کردن نخبگان از کشور
۴۲ ۹۶/۱۲/۲۷ # هدهد_باش @hodhodbashid

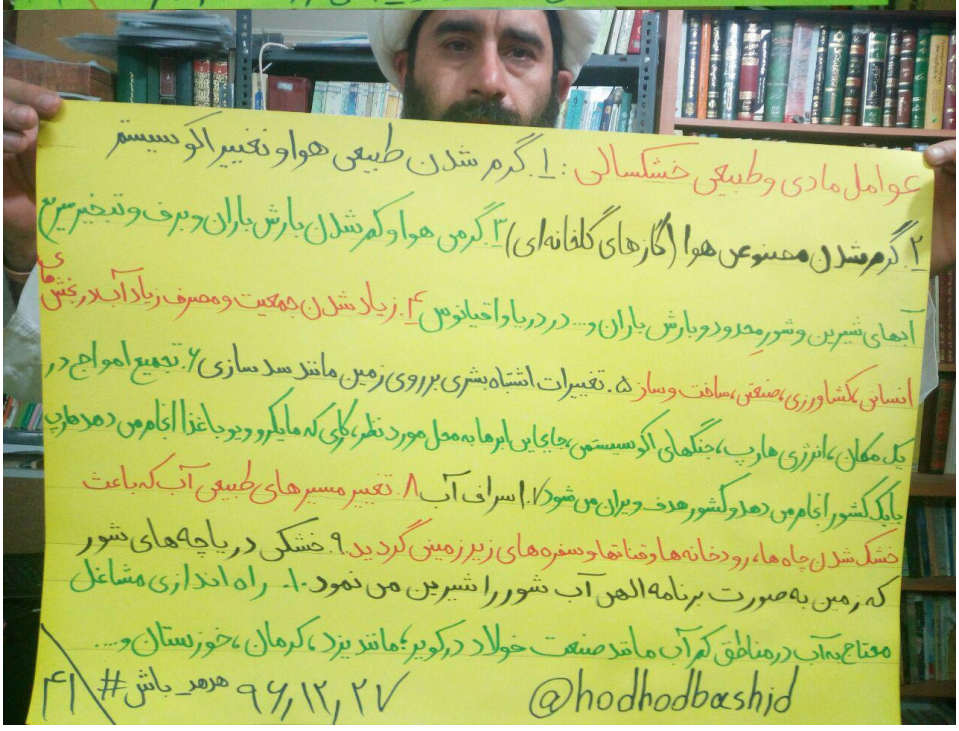
عوامل مادی و طبیعی خشکسالی: ۱. گرم شدن طبیعی هوا و تغییر اکوسیستم
۲. گرم شدن مصنوعی هوا (گازهای گلخانه ای) ۳. گرمی هوا و کم شدن بارش باران و برف و تبخیر سریع
آبهای شیرین و شور محدود و بارش باران و ... در دریا و اقیانوس ۴. زیاد شدن جمعیت و مصرف زیاد آب در بخش های
انسانی، کشاورزی، صنعتی، ساخت و ساز ۵. تغییرات اشتباه بشری بر روی زمین مانند سد سازی ۶. تجمیع امواج در
یک مکان، انرژی هارپ، جنگهای اکوسیستمی، جابجایی ابرها به محل مورد نظر، کاری که مایکرو ویو با غذا انجام می دهد هارپ
با یک کشور انجام می دهد و کشور هدف ویران می شود ۷. اسراف آب ۸. تغییر مسیرهای طبیعی آب که باعث
خشک شدن چاه ها، رودخانه ها و قناتها و سفره های زیر زمین گردید ۹. خشکی دریاچه های شور
که زمین به صورت برنامه الهی آب شور را شیرین می نمود ۱۰. راه اندازی مشاغل
محتاج به آب در مناطق کم آب مانند صنعت فولاد در کویر، مانند یزد، کرمان، خوزستان و ...
۴۱ ۹۶/۱۲/۲۷ # هدهد_باش @hodhodbashid

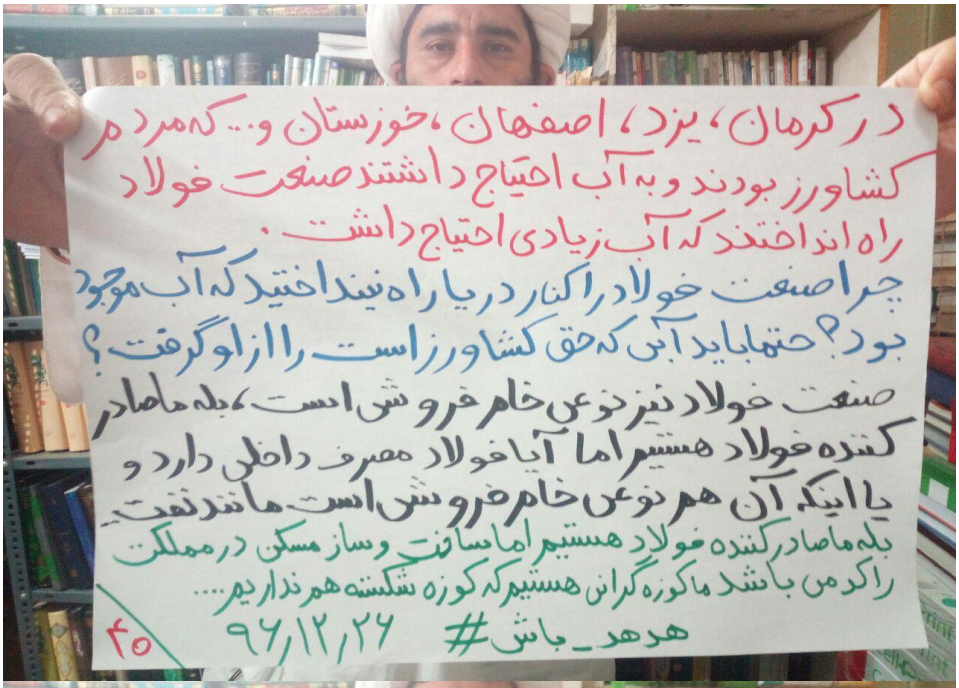
در کرمان، یزد، اصفهان، خوزستان و... که مردم
کشاورز بودند و به آب احتیاج داشتند صنعت فولاد
راه انداختند که آب زیادی احتیاج داشت.
چرا صنعت فولاد را کنار دریا راه نینداختید که آب موجود
بود؟ حتما باید آبی که حق کشاورز است را از او گرفت؟
صنعت فولاد نیز نوعی خام فروش است، بله ما صادر
کننده فولاد هستیم اما آیا فولاد مصرف داخلی دارد و
یا اینکه آن هم نوعی خام فروش است مانند نفت.
بله ما صادر کننده فولاد هستیم اما ساخت و ساز مسکن در مملکت
را که من باشد ما کوزه گران هستیم که کوزه شکسته هم نداریم....
۴۵ ۹۶/۱۲/۲۶ #هرهر_باش

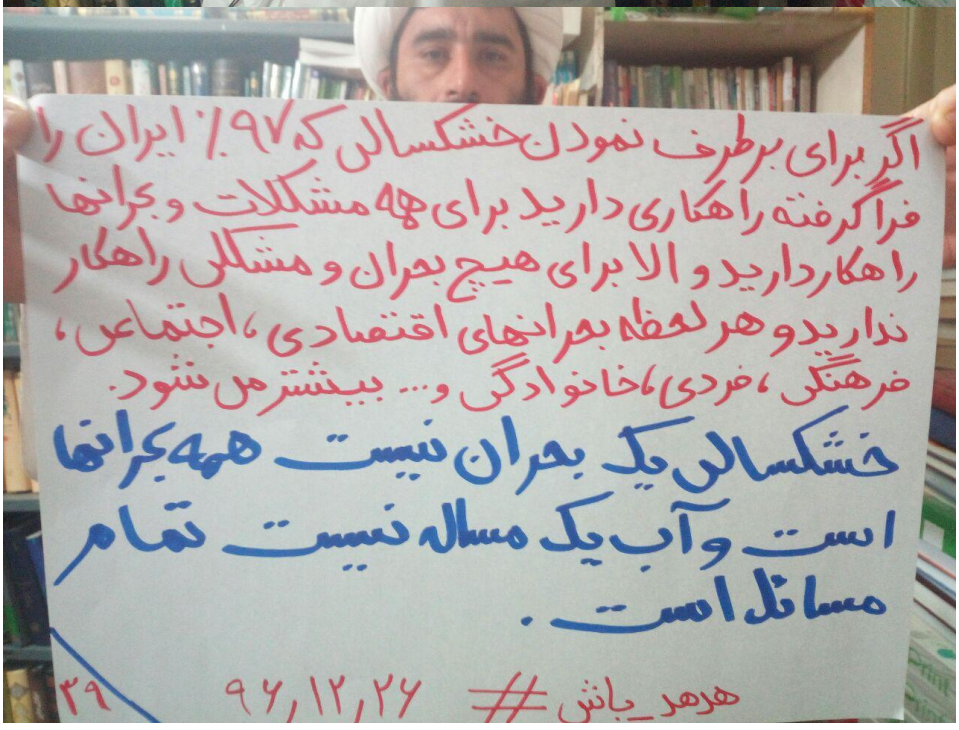
اگر برای برطرف نمودن خشکسالی که ۹۷٪ ایران را
فرا گرفته راهکاری دارید برای همه مشکلات و بحرانها
راهکار دارید و الا برای هیچ بحران و مشکلی راهکار
ندارید و هر لحظه بحرانهای اقتصادی، اجتماعی،
فرهنگی، فردی، خانوادگی و... بیشتر می شود.
خشکسالی یک بحران نیست همه بحرانها
است و آب یک مساله نیست تمام
مسائل است.
۳۹ ۹۶/۱۲/۲۶ #هرهر_باش


مشکل کشاورزان اصفهان مشکل تمام ملت ایران است.
هرجوابی که به آنان داده شود به تمام مناطق خشک داده شود.
اگر امروز از آنان حمایت کردیم فردا حمایت می شویم و را...
امروز کشاورزان تمام هستی خود را در خطر نابودی می بینند، فردا
کامیون دارها، بعد از آن میوه فروشها، بعد از آن گرانی و تورم زیاد
میشود و بعد از آن قحطی و بیماری و سوء تغذیه و... تمام ایرانیان
را به سمت مرگ می کشاند،
مشکل کشاورزان اصفهان که زندگی خود
را در خطر می بینند بشتری است که دیر یا
زود پشت خانه همه ایرانیان می رسد.
۲۸ ۹۶/۱۲/۲۶ #هدهد_باش

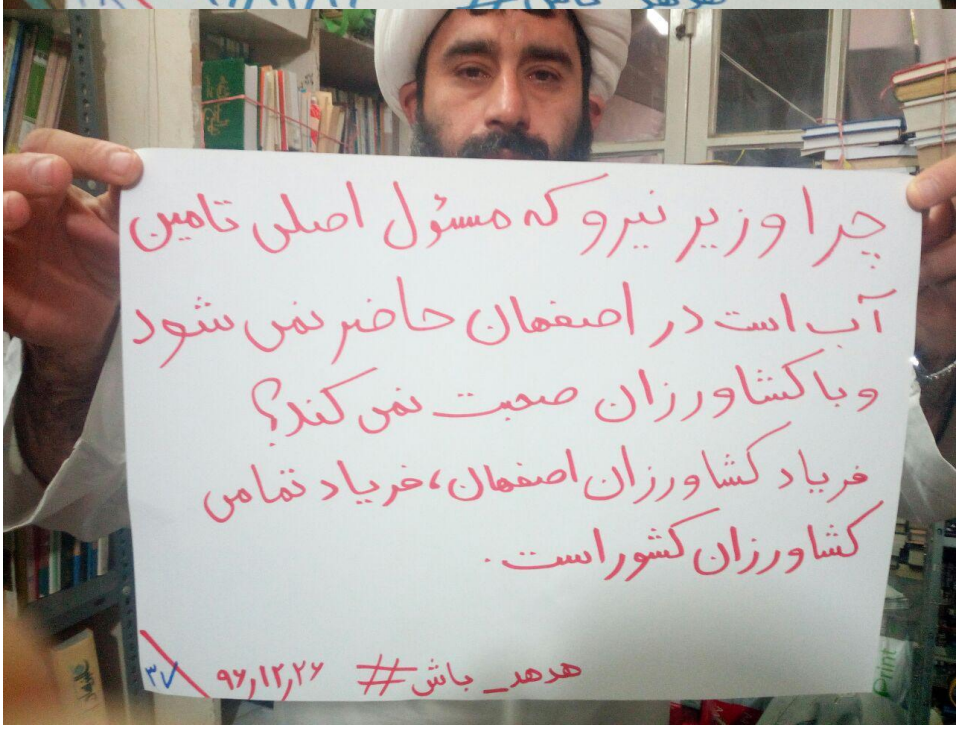
چرا وزیر نیرو که مسئول اصلی تامین
آب است در اصفهان حاضر نمی شود
و با کشاورزان صحبت نمی کند؟
فریاد کشاورزان اصفهان، فریاد تمامی
کشاورزان کشور است.
۲۷ ۹۶/۱۲/۲۶ #هدهد_باش

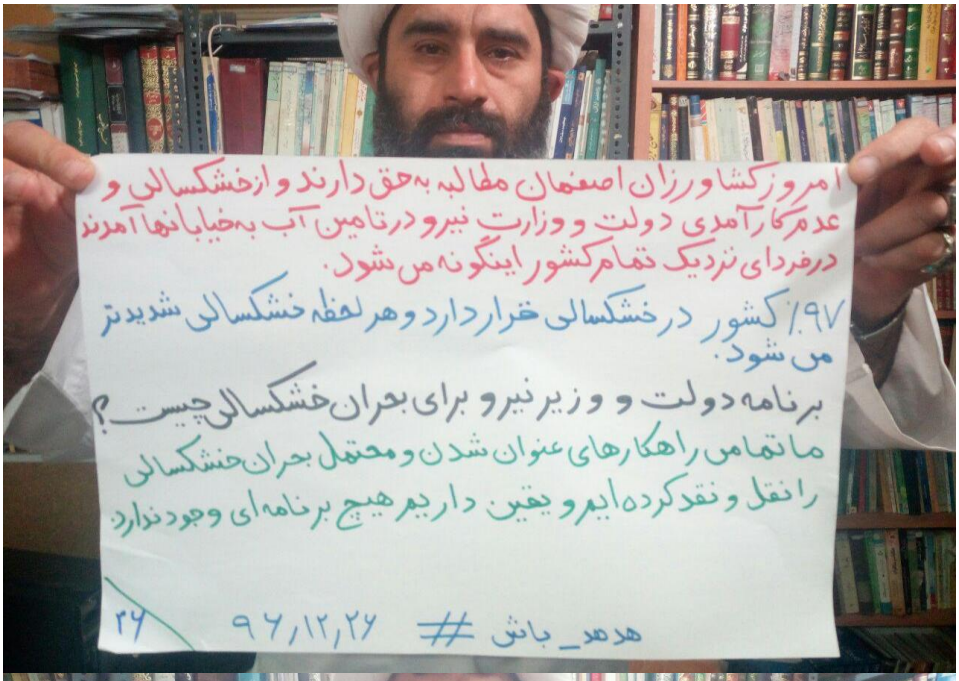
امروز کشاورزان اصفهان مطالبه به حق دارند و از خشکسالی و
عدم کارآمدی دولت و وزارت نیرو در تامین آب به خیابانها آمدند
در فردای نزدیک تمام کشور اینگونه می شود.
۹۷٪ کشور در خشکسالی قرار دارد و هر لحظه خشکسالی شدیدتر
می شود.
برنامه دولت و وزیر نیرو برای بحران خشکسالی چیست؟
ما تمامی راهکارهای عنوان شدن و محتمل بحران خشکسالی
را نقل و نقد کرده ایم و یقین داریم هیچ برنامه ای وجود ندارد.
۲۶
۹۶/۱۲/۲۶
هدهد_باش

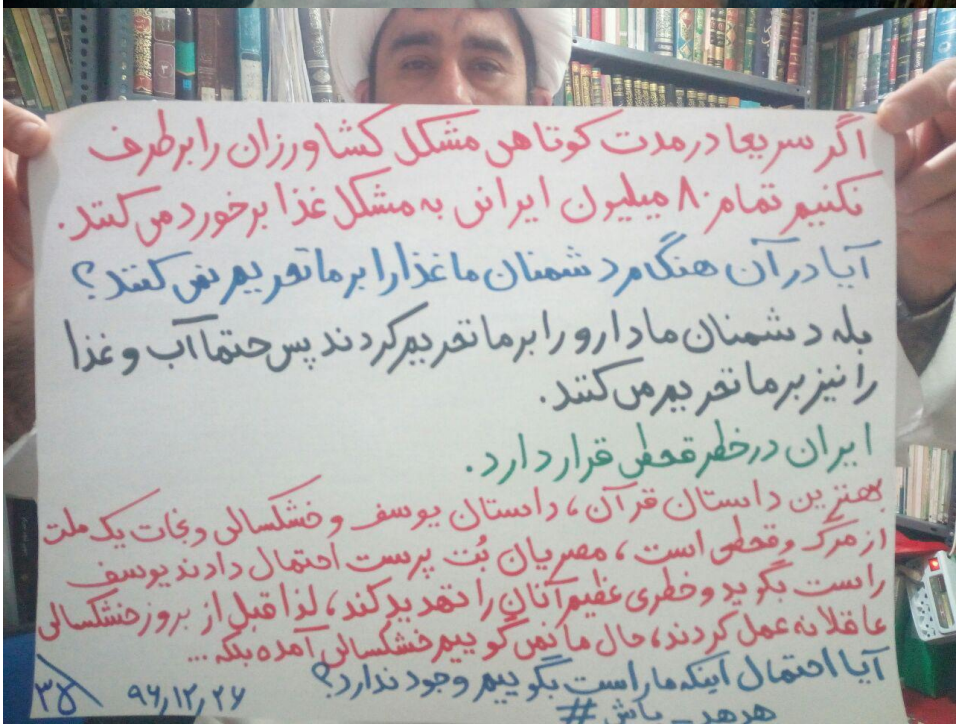
اگر سریعا در مدت کوتاهی مشکل کشاورزان را برطرف
نکنیم تمام ۸۰ میلیون ایرانی به مشکل غذا برخورد می کنند.
آیا در آن هنگام دشمنان ما غذا را برما تحریم نمی کنند؟
بله دشمنان ما دارو را برما تحریم کردند پس حتما آب و غذا
را نیز برما تحریم می کنند.
ایران در خطر قحطی قرار دارد.
بهترین داستان قرآن، داستان یوسف و خشکسالی و نجات یک ملت
از مرگ و قحطی است، مصریان بُت پرست احتمال دادند یوسف
راست بگوید و خطری عظیم آنان را تهدید کند، لذا قبل از بروز خشکسالی
عاقلانه عمل کردند، حال ما نمی گوییم خشکسالی آمده بلکه...
آیا احتمال اینکه ما راست بگوییم وجود ندارد؟
۲۵
۹۶/۱۲/۲۶
هدهد_باش


۲۳
یک قرن
خشکسالیِ ایران
بهرامی:
مگر مشکل اصلی کشور ما خشکسالی و کم‌آبی نبوده است؟
از پهلوی اول و دوم و تمام رؤسای جمهور و تمام کسانی که
کاندیدای ریاست جمهوری بوده‌اند سؤال می‌کنیم:
آقایان روحانی، احمدی نژاد، خاتمی، رفسنجانی
و ناطق نوری، ولایتی، رئیسی، میرحسین موسوی، کروبی...
چرا برای رفع خشکسالی، انتقال آب خلیج فارس
را به صورت جدی پیگیری نکرده‌اید؟
تنها از مسئولین سالهای ۵۷ تا ۶۸ این سؤال را نمی‌پرسیم؛ چرا که
در این دوران، ایران در جنگ عظیمی بوده و فرصت آبرسانی نبوده است.
@hodhodbashid
www.tvshia.com

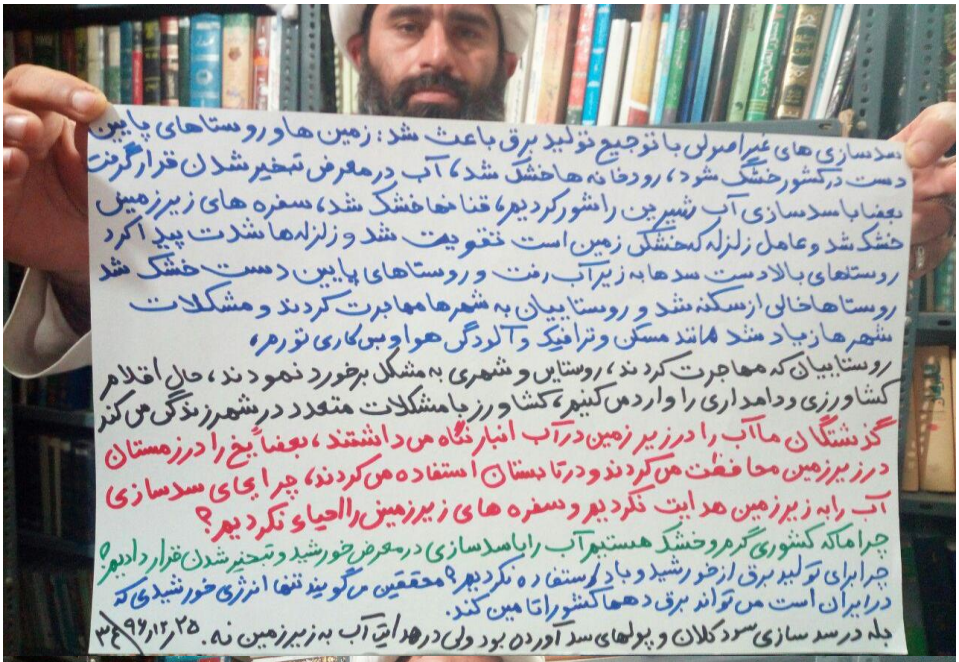

سدسازی های غیراصولی با توجیح تولید برق باعث شد: زمین ها و روستاهای پایین
دست در کشور خشک شود، رودخانه ها خشک شد، آب در معرض تبخیر شدن قرار گرفت
بعضا با سدسازی آب شیرین را شور کردیم، قنات ها خشک شد، سفره های زیرزمین
خشک شد و عامل زلزله که خشکی زمین است تقویت شد و زلزله ها شدت پیدا کرد
روستاهای بالادست سدها به زیر آب رفت و روستاهای پایین دست خشک شد
روستاها خالی از سکنه شد و روستاییان به شهرها مهاجرت کردند و مشکلات
شهرها زیاد شد مانند مسکن و ترافیک و آلودگی هوا و بی کاری تورم،
روستاییان که مهاجرت کردند، روستایی و شهری به مشکل برخورد نمودند، حال اقلام
کشاورزی و دامداری را وارد می کنیم، کشاورز با مشکلات متعدد در شهر زندگی می کند
گذشتگان ما آب را در زیر زمین در آب انبار نگاه می داشتند، بعضاً یخ را در زمستان
در زیرزمین محافظت می کردند و در تابستان استفاده می کردند، چرا بجای سدسازی
آب را به زیرزمین هدایت نکردیم و سفره های زیرزمین را احیاء نکردیم؟
چرا ما که کشوری گرم و خشک هستیم آب را با سدسازی در معرض خورشید و تبخیر شدن قرار دادیم؟
چرا برای تولید برق از خورشید و باد استفاده نکردیم؟ محققین می گویند تنها انرژی خورشیدی که
در ایران است می تواند برق دهها کشور را تامین کند.
بله در سدسازی سود کلان و پولهای سد آورده بود ولی در هدایت آب به زیرزمین نه. ۹۶/۱۲/۲۵ ۳۴



هرکس بتواند در مور بحران خشکسالی از منظر اسلام و غرب، حوزه و دانشگاه
و راهکارهای برون رفت از بحران خشکسالی اعم از راهکارهای عادی و غیرعادی
بلند مدت یکساله و کوتاه مدت ۲ ماهه و حتی کمتر از دو ماه سخن گوید او
متخصص در حوزه آب است.
با این معیار یک متخصص در ایران بلکه در جهان معرفی کنید.
اگر راهکار ۲ ماهه غیرعادی برطرف کردن خشکسالی را قبول ندارید یکی از ۳ طرح
عادی را انجام دهید تا از مرگ ۵۰ میلیون نفر جلوگیری کنید یا اینکه:
۱. ۱۲ لوله و کانال را یکساله از خلیج فارس و دریای عمان به استانها برسانید که تمام سوالات
و اشکالات جواب داده شده است قطره ۷۳ و ۹۲ و ۹۴.
۲. یا اینکه آب خلیج فارس را به دز برسانید و دز را پر آب کنید و در بین دز تا خلیج فارس و
دز تا قم خروجی آب بگیرید و همین الگو را در سایر نقاط کشور پیاده کنید. قطره ۹۶
۳. یا اینکه مرز آبی جنوب که ۲ هزار و دویست کیلومتر است را تا ۱۰۰ کیلومتر نزدیک دریا آباد کنید
تا در صورت شدت خشکسالی مردم مجبور به مهاجرت از ایران نباشند و همین الگو را
در شمال اجرا کنید.
اما اعلام می داریم به دلایل متعدد راهکارهای عادی نجات بخش نیست. ۹۶/۱۲/۲۵ ۲۲

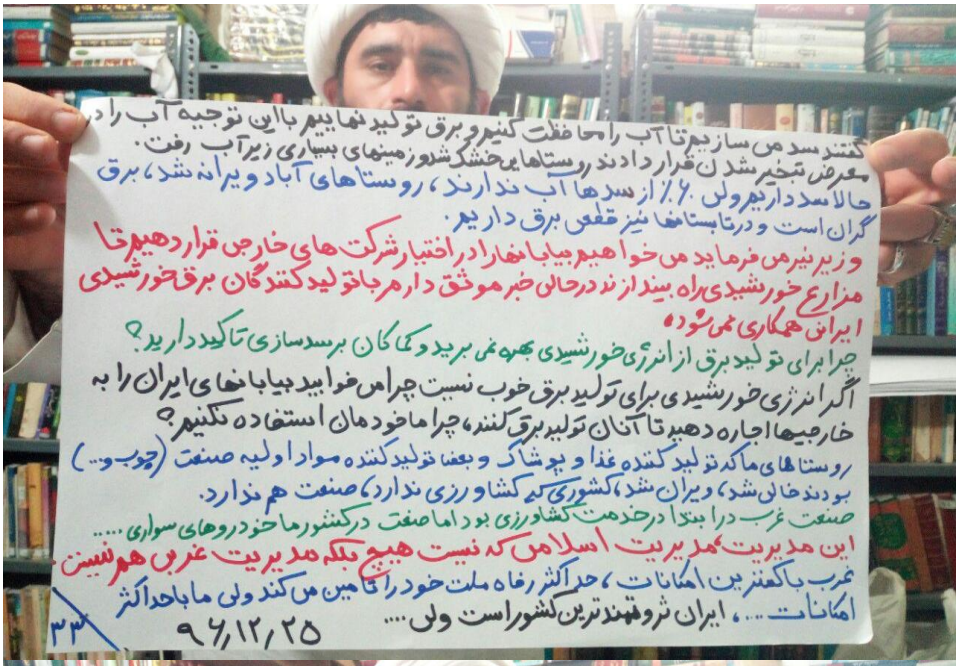
گفتند سد نسازیم تا آب را حفظ کنیم و برق تولید نمایم با این توجیه آب را در معرض تبخیر شدن قرار دادند روستاهایی خشک شور زمینهای بسیاری زیر آب رفت.
حالا سد داریم ولی ۶۰٪ از سدها آب ندارند، روستاهای آباد ویرانه شد، برق گران است و در تابستانها نیز قطعی برق داریم.
وزیر نیرو می فرماید من خواهیم بیابانها را در اختیار شرکت های خارجی قرار دهیم تا مزارع خورشیدی راه بیندازند در حالی خبر موثق دارم با تولید کنندگان برق خورشیدی ایرانی همکاری نمی شود.
چرا برای تولید برق از انرژی خورشیدی بهره نمی برید و کمکان بر سدسازی تاکید دارید؟
اگر انرژی خورشیدی برای تولید برق خوب نیست چرا می خواهید بیابانهای ایران را به خارجیها اجاره دهید تا آنان تولید برق کنند، چرا ما خودمان استفاده نکنیم؟
روستاهای ما که تولید کننده غذا و پوشاک و بعضا تولید کننده مواد اولیه صنعت (چوب و...) بودند خالی شد، ویران شد، کشوری که کشاورزی ندارد، صنعت هم ندارد.
صنعت غرب در ابتدا در خدمت کشاورزی بود اما صنعت در کشور ما خود روهای سواری....
این مدیریت مدیریت اسلامی که نیست هیچ بلکه مدیریت غربی هم نیست
غرب با کمترین امکانات، حداکثر رفاه ملت خود را تامین می کند ولی ما با حداکثر امکانات...، ایران ثروتمندترین کشور است ولی....
۳۳
۹۶/۱۲/۲۵

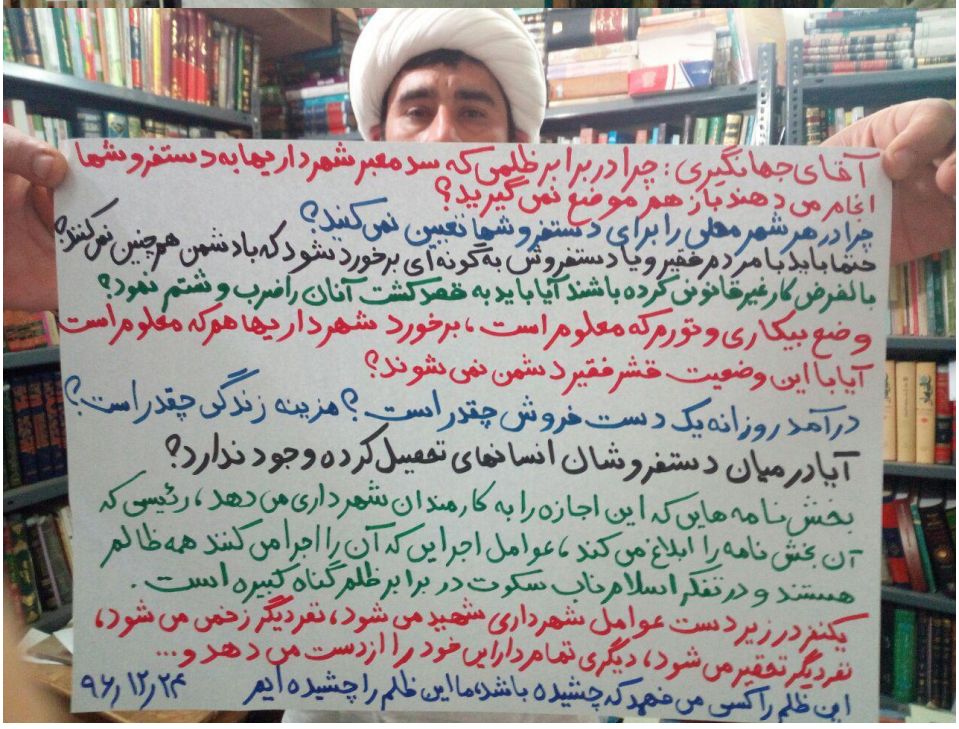
آقای جهانگیری: چرا در برابر ظلمی که سد معبر شهرداریها به دستفروشها انجام می دهند باز هم موضع نمی گیرید؟
چرا در هر شهر محلی را برای دستفروشها تعیین نمی کنید؟
حتما باید با مردم فقیر و یا دستفروش به گونه ای برخورد شود که با دشمن هم چنین نمی کنند؟
بالفرض کار غیر قانونی کرده باشند آیا باید به قهقرا کشت آنان را ضرب و شتم نمود؟
وضع بیکاری و تورم که معلوم است، برخورد شهرداریها هم که معلوم است
آیا با این وضعیت قشر فقیر دشمن نمی شوند؟
درآمد روزانه یک دست فروش چقدر است؟ هزینه زندگی چقدر است؟
آیا در میان دستفروشان انسانهای تحصیل کرده وجود ندارد؟
بخشنامه هایی که این اجازه را به کارمندان شهرداری می دهد، رئیسی که آن بخشنامه را ابلاغ می کند، عوامل اجرایی که آن را اجرا می کنند همه ظالم هستند و در تفکر اسلام ناب سکوت در برابر ظلم گناه کبیره است.
یکنفر در زیر دست عوامل شهرداری شهید می شود، نفر دیگر زخمی می شود، نفر دیگر تحقیر می شود، دیگری تمام دارایی خود را از دست می دهد و...
این ظلم را کسی می فهمد که چشیده باشد، ما این ظلم را چشیده ایم
۹۶/۱۲/۲۴

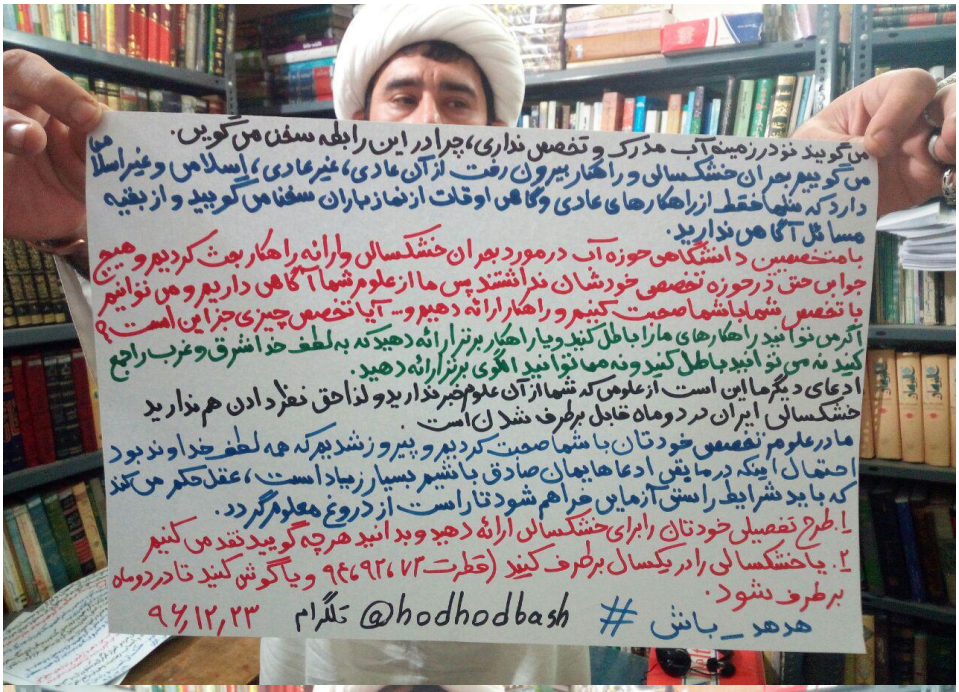
می گویند تو در زمینه آب مدرک و تخصص نداری، چرا در این رابطه سخن می گویی.
می گوییم بحران خشکسالی و راهکار بیرون رفت از آن عادی، غیرعادی، اسلامی و غیراسلامی دارد که شما فقط از راهکارهای عادی و گاهی اوقات از نماز باران سخنانی گویید و از بقیه مسائل آگاهی ندارید.
با متخصصین دانشگاهی حوزه آب در مورد بحران خشکسالی و ارائه راهکار بحث کردیم و هیچ جوابی حق در حوزه تخصصی خودشان نداشتند پس ما از علوم شما آگاهی داریم و می توانیم با تخصص شما با شما صحبت کنیم و راهکار ارائه دهیم و... آیا تخصص چیزی جز این است؟
اگر می توانید راهکارهای ما را باطل کنید و یا راهکار برتر ارائه دهید که به لطف خدا شرق و غرب را جمع کنید نه می توانید باطل کنید و نه ما می توانیم الگوی برتر ارائه دهیم.
ادعای دیگر ما این است از علومی که شما از آن علوم خبر ندارید و لذا حق نظر دادن هم ندارید
خشکسالی ایران در دو ماه قابل برطرف شدن است.
ما در علوم تخصصی خودتان با شما صحبت کردیم و پیر و زشدیم که همه لطف خدا و نه بود
احتمال اینکه در مایقی ادعاهایمان صادق باشیم بسیار زیاد است، عقل حکم می کند که باید شرایط راستی آزمایی فراهم شود تا راست از دروغ معلوم گردد.
۱. طرح تفصیلی خودتان را برای خشکسالی ارائه دهید و بدانید هرچه گویید نقد می کنیم
۲. یا خشکسالی را در یکسال برطرف کنید (عطرت ۷۲، ۹۲، ۹۴) و یا گوش کنید تا در دو ماه برطرف شود.
هدهد_باش # تلگرام @hodhodbash ۹۶/۱۲/۲۳

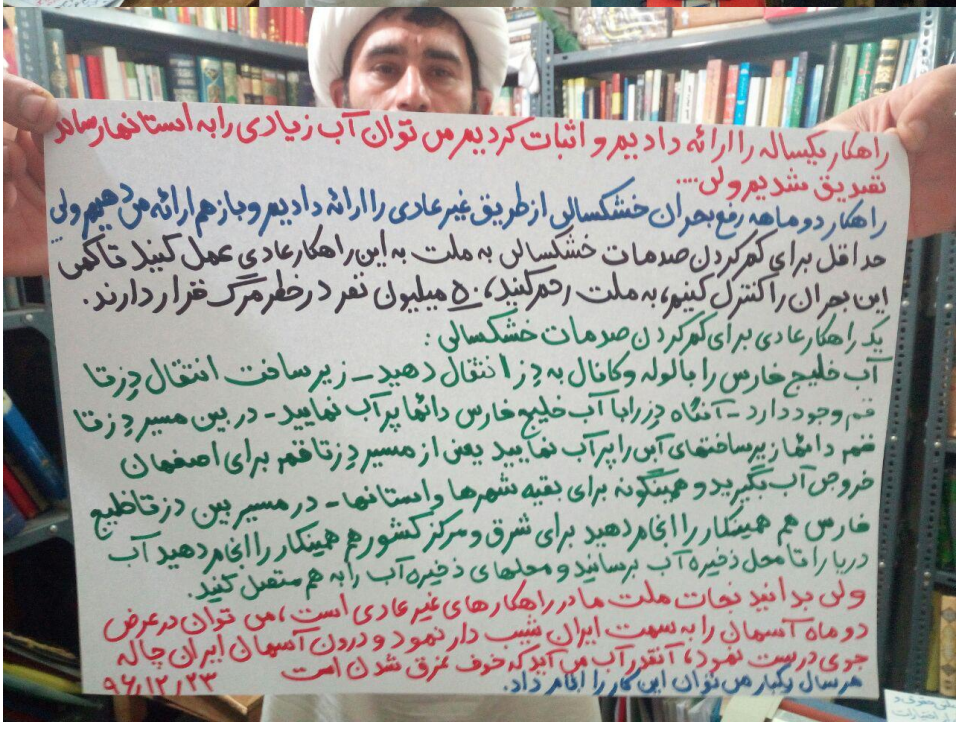
راهکار یکساله را ارائه دادیم و اثبات کردیم می توان آب زیادی را به استانهای سایر
تقدیق شد یم ولی....
راهکار دو ماهه رفع بحران خشکسالی از طریق غیر عادی را ارائه دادیم و باز هم ارائه می دهیم ولی
حداقل برای کم کردن صدمات خشکسالی به ملت به این راهکار عادی عمل کنید تا کمی
این بحران را کنترل کنیم، به ملت رحم کنید، ۵۰ میلیون نفر در خطر مرگ قرار دارند.
یک راهکار عادی برای کم کردن صدمات خشکسالی:
آب خلیج فارس را با لوله و کانال به دز انتقال دهید - زیر ساخت انتقال دز تا قم وجود دارد - آبگاه دز را با آب خلیج فارس دائما پر آب نمایید - در بین مسیر دز تا قم دائما از زیر ساختهای آبی را پر آب نمایید یعنی از مسیر دز تا قم برای اصفهان خروجی آب بگیرید و همینگونه برای بقیه شهرها و استانها - در مسیر بین دز تا خلیج فارس هم همینکار را انجام دهید برای شرق و مرکز کشور هم همینکار را انجام دهید آب دریا را تا محل ذخیره آب برسانید و محلهای ذخیره آب را به هم متصل کنید.
ولی بدانید نجات ملت ما در راهکارهای غیر عادی است، من توان در عرض دو ماه آسمان را به سمت ایران شیب دار نمود و در دن آسمان ایران چاله جوی درست نمود، آنقدر آب می آید که خوف غرق شدن است
هر سال یکبار می توان این کار را انجام داد.
۹۶/۱۲/۲۳


برای نابودی یک تمدن کافیست اولویت اول را به عقب بیندازیم.
اولویت اول محیط زیست رفع بحران خشکسالی بود
ولی اولویت اول حفظ یوزپلنگ شد.
اولویت اول کشور بحران خشکسالی است ولی مجلس محترم
بجای اینکه از وزیر نیرو و رئیس سازمان محیط زیست سوال کند و
طرح تفصیلی رفع بحران خشکسالی را بخواهد ۳ وزیر دیگر را
استیضاح نمود.
مسیر گذشته اشتباه بوده و مسیر حال نیز اشتباه می باشد.
تا اولویت اول کشور مبارزه جدی و عملیاتی با بحران خشکسالی
نشود هیچ مشکلی برطرف نخواهد شد.
۹۶/۱۲/۲۳ #هدهد_باش @hodhodbashid
دکتر احمد توکلی: اگر دولت تا پایان سال قانون انتشار علنی حقوق و
ومزایای مسئولین را اجرا نکند با استفاده از اختیارات
دیده بان شفافیت وعدالت مردم را به تجمع قانونی و
اعتراضهای خیابانی علیه دولت دعوت می کنیم.
هدهد: اولا: مشکل اول کشور علنی شدن حقوق و مزایاها نیست اگرچه که
لازم است اولویت اول کشور رفع بحران خشکسالی است.
ثانیا: لازم نیست اعتراضهای خیابانی را افزایش دهیم به اندازه
کافی این مساله موجود است، معترضین کارگری، موسسات مالی
و...، هم اکنون در اصفهان به علت بحران آب شاهد این مساله
هستیم و در آینده نزدیک بیشتر هم می شود.
لذا: اگر به دنبال حل مشکلی از مشکلات هستیم: اولاً: اولویت اول را
خشکسالی و آب قرار دهیم- ثانیا: از کشاورزان اصفهان حمایت
نماییم- ثالثا: از دولت و وزیر نیرو طرح تفصیلی رفع بحران خشکسالی
را بخواهیم و اگر طرحی ندارند عقل حکم می کند به طرح های ارائه شده عمل نمایند.


اگر با مطالبه به حق کشاورزان اصفهان و کارگران و مومسات مالی برخورده عاقلانه و
و عادلانه نشود و مطالبه به حق آنان جواب داده نشود جریان سوریه در ایران تکرار شود.
در سوریه هم داعش و النصره نبودند که می جنگیدند گروههای مخالف بشار اسد هم بودند که برای
سرنگونی بشار اسد جنگ می کردند.
یکی از دلایل پنهان و کمتر گفته شده آشوب در سوریه اعتراضهای کشاورزان بود یکی از دلایل حضور
افغانها در سوریه هم خشکسالی افغانستان و فرار بی کشاورزی بود.
خشکسالی کشاورزی افغانستان را ویران کرد، گروههای تروریستی کشاورزی کار را برای جنگ به سوریه
کشاندند، لذا در سوریه دیدیم تروریست داعش افغان مقابل گردان خاطمی قرار گرفت، افغان
در مقابل افغان که این جنگ نتیجه بی کاری و فقر در افغانستان بود.
امروز اگر مطالبات به حق مردم جواب عاقلانه داده نشود گروههای تروریستی برای جذب و
تجهیز و ناامنی و جنگ داخلی در ایران تلاش می کنند و فقر و بی کاری زمینه ایجاد گروههای مسلحانه
را در ایران پدید می آورد.
ایران بی کار اگر ببیند نظام مطالبه به حق او را با سر نیزه جواب می دهد و از ترس برانداز های مسلح شبیه
مانند الحبیب و... فتوای جهاد دهند و این جهاد را مقدس تبیین نمایند آیا اعتشاشات دامن زده
نمی شود.
ما از دولت محترم تقاضا داریم مطالبات به حق مردم اعم از کارگران و کشاورزان و سپرده
گزاران مومسات مالی را سر بجا پیگیری نموده و اسباب رضایت و همدلی را فراهم آورد.
اعلام می کنیم ریشه مشکلات اقتصادی و... خشکسالی است و راه حل آب رسانی
سریع است.
هُدهُد باش #
۹۶/۱۲/۱۹

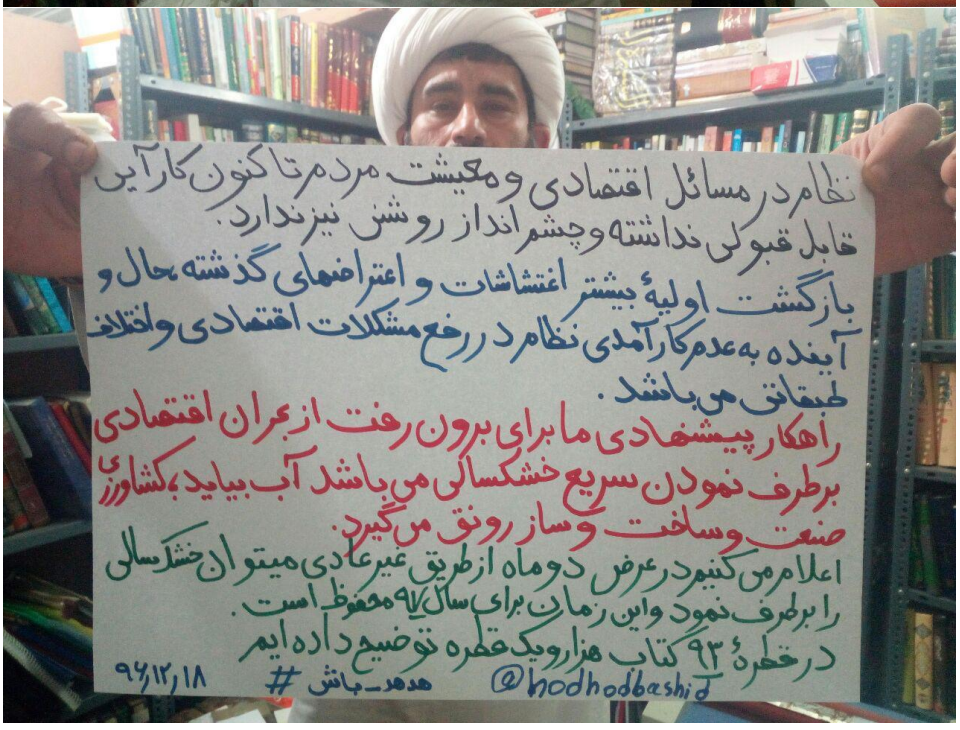
نظام در مسائل اقتصادی و معیشت مردم تا کنون کارآیی
قابل قبولی نداشته و چشم انداز روشن نیز ندارد.
بازگشت اولیهٔ بیشتر اغتشاشات و اعتراضهای گذشته بحال و
آینده به عدم کارآمدی نظام در رفع مشکلات اقتصادی و اختلاف
طبقاتی می باشد.
راهکار پیشنهادی ما برای برون رفت از بحران اقتصادی
برطرف نمودن سریع خشکسالی می باشد آب بیاید، کشاورزی
صنعت و ساخت و ساز رونق می گیرد.
اعلام می کنیم در عرض دو ماه از طریق غیر عادی میتوان خشکسالی
را برطرف نمود و این زمان برای سال ۹۷ محفوظ است.
در قطرهٔ ۹۳ کتاب هزار و یک قطره توضیح داده ایم
@hodhodbashi
هدهد_باش #
۹۶/۱۲/۱۸

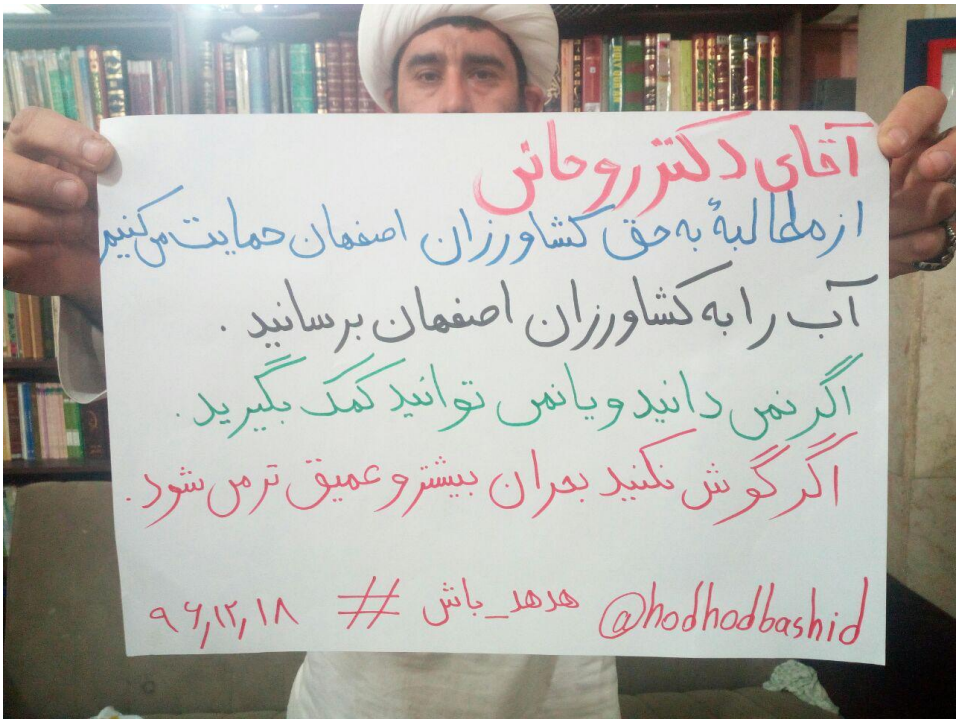
آقای دکتر روحانی
از مطالبهٔ به حق کشاورزان اصفهان حمایت می‌کنیم
آب را به کشاورزان اصفهان برسانید .
اگر نمی دانید و یا نمی توانید کمک بگیرید .
اگر گوش نکنید بحران بیشتر و عمیق تر می شود .
۹۶/۱۲/۱۸ #هدهد_باش @hodhodbashid

۱ خشکسالی ایران



دکتر عیسی کلانتری (مشاور معاون اول رئیس جمهور آقای جهانگیری) :

۱) ایران با بهره برداری از ٪۹۷ آبهای سطحی خود عملاً رودخانه های خود را خشک کرده است و دیگر آبی در طبیعت باقی نمانده است .

۲) اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ٪۷۰ ایرانیان یعنی جمعیت معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند.

بَهرامی:

مسئولین محترم!، باید به کجا مهاجرت کنیم ؟

به سمت وهابـیت ؟ به سمت داعش؟ به سمت ترکیه ؟

برای نجات ۵۰ میلیون ایرانی چکار کرده اید ؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۲



مسئولین محترم!

چرا درصد روستانشینان از ۶۸٪ مردم ایران به ۲۹٪ رسیده است؟ مضافاً بر اینکه این ۲۹٪، افراد پیر و فرتوت هستند وفقط نصف آنها کشاورزی می کنند.

روستاییان کشاورز اکنون کجا هستند و چه می کنند؟

آیا آب خلیج فارس، روستاییان را به وطن خود برنمی گرداند؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۳



مسئولین محترم!

چرا گاز را از تَهِ دریا به ترکیه صادر می کنید ولی

آب خلیج فارس را به روستاها و باغها نمی رسانید؟

باغهای ما آتش گرفت

واردکنندهٔ میوه شده ایم

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid

admin: @hodhodbash

www.tvshia.com

tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



مسئولین محترم!

گرمای زمین و خشکسالی، ارتباط مستقیم با زلزله دارد

با آب خلیج فارس می توان زمین را خنک نمود

و عوامل مادی مبارزه با زلزله را تقویت کرد

که باعث کاهش زلزله می شود.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۵ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا نمیدانید ۳۳ هزار روستا از ۶۴ هزار روستای ایران خالی از سَکنه شده است؟

این روستانشینان کجا رفته اند؟ آیا گرانیِ مسکن در شهرها، برای خالی شدن روستاها نیست؟

آیا آب خلیج فارس نمی تواند روستانشینان را به روستا برگرداند؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۶

خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا اگر آب بود روستاها خالی می شدند؟

آیا اگر آب بود واردکنندهٔ محصولات کشاورزی بودیم؟

آیا اگر آب بود، در مملکت بیکار داشتیم؟

چرا آب خلیج فارس را به ایران انتقال نمی دهید

تا بیکاری تمام شود؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid

admin: @hodhodbash

www.tvshia.com

tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.


۷
خشکسالی ایران
مسئولین محترم!
تا چه زمان باید با آبی که برای نوشیدن است
به حمام برویم ؟
چرا آب را دو مصرفه نمیکنید یکی برای آشامیدن
و دیگری برای شستشو و ...
آیا هزینه شیرین کردن آب پایین است که دو منظوره نمیکنید؟
بهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.
channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



مسئولین محترم!

آب نیست پس علوفه نیست؛ پس دام های ما کم شده؛

پس قیمت لبنیات (شیر، ماست و..) و گوشت بالا رفته

اگر آب خلیج فارس را نیاورید

روز به روز همه چیز گران می شوند..

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۹ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا خشک شدن زاینده رود و دریاچهٔ ارومیه
و خشک شدن چاههای عمیقِ سیصد متری
هشداری برای قحطی و گرانی نیست ؟

اگر قحطی و خشکسالی بیاید
کدام کشور به ما کمک میکند .

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۰ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

اگر از همین امروز به فکر آب نباشیم، باید در فردایی نزدیک به کشورهای همسایه پناه ببریم.

همسایگان ما نیز در خشکسالی هستند؟

آیا عربستان و ترکیه به ایرانیان رحم می کنند؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۱ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا ایران سریع ترین کشوری نیست که روستاهایش خالی شده ؟

آیا خالی شدن روستاها ویرانگری اقتصاد ایران را به همراه ندارد ؟

آیا با آب خلیج فارس

نمیتوان روستاییان را به شغل اصلی خود برگرداند ؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۲ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

مشکل خشکسالی به اندازه ای است که با ریزش باران هم جبران نمیشود، چرا که زمین فرو نشست کرده

(انباشته شدن خاک که مانند سنگ میشود و آب در آن نفوذ نمیکند)

لذا باران می آید ولی داخل زمین نشده و سفره های آب زیر زمینی را پر نمیکند، حتی سیل هم جاری میشود ولی باز هم چاهها پر نمیشود، چرا که آب داخل زمین نمیشود و دوباره بخار شده و به آسمان میرود.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۳ خشکسالی ایران



اجناس کشاورزی و دامداری، مانند گوشت و نان و... گران شده؛ چون آب نیست.

مسئولین محترم!

برای ارزان کردن اجناس چه کرده اید؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۴

خشکسالی ایران



جنگ جهانی سوم، جنگ بر سر آب است

مسئولین محترم!

برای جنگ جهانی سوم، چه اقداماتی کرده اید؟

روستاهای ما که غذای ما را تولید می کنند، خشک شده

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۱۵

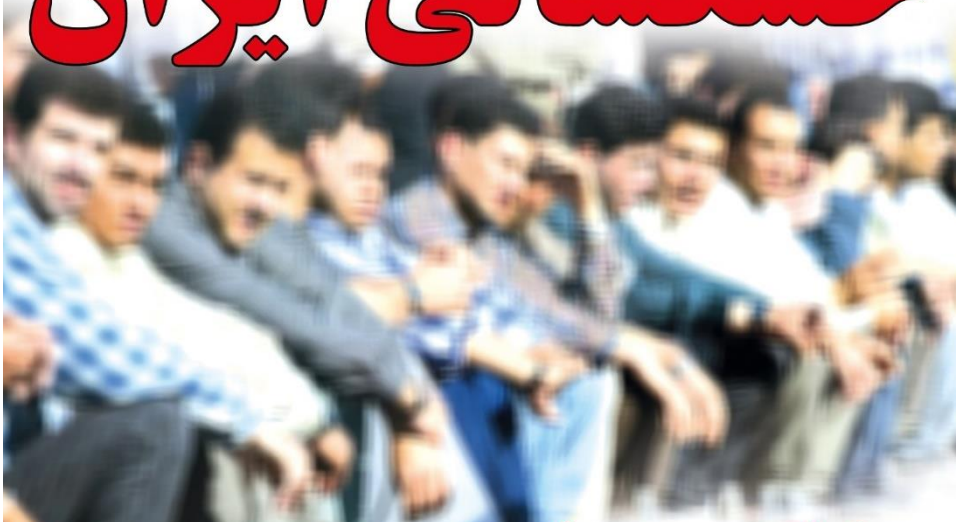

مسئولین محترم!

آیا ریشه تمامی مشکلات اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و... از خشکسالی نیست؟

خشکسالی است، پس کار نیست، پس طلاق هست.

خشکسالی است، پس کار نیست، پس درآمد نیست

خشکسالی است، پس سن ازدواج بالا رفته.

خشکسالی است، پس نمی توانیم شهرهای جدید بسازیم

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۶

خشکسالی ایران



WORLD
WATER
WARS

مسئولین محترم!

ابتدای قرن ۱۴ جنگ جهانی اول و دوم روی داد و ٪۴۰ ایرانیان بواسطه قحطی مردند.

جنگ جهانی سوم که جنگ آب است، شروع شده

چند میلیون ایرانی در این جنگ کشته می شوند؟

برای مقابله با خشکسالی چه کرده اید؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۱۷



مسئولین محترم!

چرا کفش چینی ارزان تر از کفش ایرانی است؟

آیا قیمت بالای "چرمِ گاو" نیست که کفش ایرانی را گرانتر کرده است؟ آیا نبود علوفه نیست که قیمت چرم را گران کرده است؟

آیا نبود آب نیست که علوفه گران شده است؟

آیا اگر آب خلیج فارس بیاید قیمت تولیدات داخلی مِن جمله کفش، ارزان نمی شود؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid

admin: @hodhodbash

www.tvshia.com

tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۸

خشکسالی ایران



ایران در مرز واردات آب قرار گرفته است!!

بَهرامی:

مسئولین محترم! اگر کشورهای غربی آب را بر ما تحریم کنند، چه خواهیم کرد؟؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۱۹

خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

چگونه شیوخِ حاشیهٔ خلیج فارس، از آب خلیج فارس برای شُرب و ساخت زمین گُلف، استفاده می کنند؛

ولی ما نمی توانیم از آب خلیج فارس برای کشاورزی استفاده کنیم؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۲۰ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

چرا می توانید نفت را از خلیج فارس
تا ده کیلومتری تهران برای پالایش انتقال دهید!

اما نمی توانید آب را انتقال دهید و شیرین کنید؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۲۱



مسئولین محترم!

آیا ایرانیان نبودند که کانال سوئز را طراحی کرده و دریای مدیترانه را به دریای سرخ وصل نمودند؟

آیا ما نمی توانیم آب خلیج فارس را به زمینها و باغهای عطشان ایران برسانیم تا ایران آباد شود؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.


۲۲
(نسل‌کُشیِ ایرانیان بوسیلهٔ خشکسالی در چند سال آینده)
دکترعیسی کلانتری (مشاور آقای جهانگیری):
۱) ۵۰ میلیون ایرانی بخاطر خشکسالی باید مهاجرت کنند.
۲) بحرانی ترین وضع خشکسالی در ایران است.
سؤال: مسئولین محترم! برای خشکسالی چه کرده اید؟
وقتی خشکسالی بیاید باید به کجا مهاجرت کنیم؟
عربستان؟ ترکیه؟ ازبکستان؟ آنها با ما چه میکنند؟
بَهرامی:
تنها راه برطرف کردن خشکسالی، انتقال و شیرین کردن آب خلیج فارس است.
بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.
channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.


۲۳
یـــک قـــــرن
خشکسالیِ ایران
Iran
بهرامی:
مگر مشکل اصلی کشور ما خشکسالی و کم‌آبی نبوده است؟
از پهلویِ اول و دوم و تمام رؤسای جمهور و تمام کسانی که
کاندیدای ریاست جمـــهوری بوده‌اند سؤال می‌کنیم:
آقایان روحانی، احمدی نژاد، خاتمی، رفسنجانی
و ناطق نوری، ولایتی، رئیسی، میرحسین موسوی، کروبی...
چرا برای رفع خشکسالی، انتقال آب خلیج فارس
را به صورت جدی پیگیری نکرده‌اید؟
تنها از مسئولین سالهای ۵۷ تا ۶۸ این سؤال را نمی‌پرسیم؛ چرا که
در این دوران، ایران در جنگ عظیمی بوده و فرصت آبرسانی نبوده است.
بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.
channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



مسئولین محترم!

آیا نمیدانید با انتقال آب خلیج فارس به ایران، می توان از ابتدا زمینهٔ شاغل شدن همهٔ مردم را فراهم آورد و حداقل حتی بدون شیرین کردن آب، همهٔ بیکاران را وارد صنعت تولید ماهیِ دریایی کرد؟

زمین که داریم، آب دریا هم که داریم

استخرهای پرورش ماهی دریایی در کل کشور، ما را به بزرگترین قطب تولید ماهی دریایی تبدیل می کند.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۲۵ خشکسالی ایران



مسئولین محترم! آیا نمیدانید ارزش آب از نفت بیشتر است؟

ایران ۴۰ برابر هلند است و جمعیت ایران تقریباً ۴/۵ برابرهلند است ولی اقتصاد هلند با اینکه نفت ندارد، بسیار جلوتر از ایران است.

هلند: ۱) بزرگترین تولیدکننده لبنیات - ۲) بزرگترین صادرکننده مواد خوراکی
۳) دومین صادرکننده کالای کشاورزی و گل
۴) ششمین صادرکننده بزرگ جهان - ۵) ششمین سرمایه گذار در جهان

چرا حداقل وضعیت ما مانند هلند نیست؟

با اینکه شرایط ما بهتر است. آیا مردم اشکال دارند و یا...؟

جواب: ۲۰٪ مساحت هلند آب است و کمتر از یک درصد(۰/۷) مساحت ایران آب است!!

بَهرامی: با انتقال آب خلیج فارس به ایران، ما به بزرگترین قطب اقتصادی جهان تبدیل شده، و تمام ابرقدرتهای اقتصادی را به زانو درمی آوریم.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۲۶

خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا نمی‌دانید ٪۶۰ سدهای تولید برق ما بخاطر بی‌آبی از کار افتاده و لذا قیمت برق بالا رفته؟

آیا نمی توانیم با انتقال آب خلیج فارس، تمامی سدهای از کار افتاده را بازسازی کنیم و قیمت برق را پایین بیاوریم؟ که نتیجهٔ آن، پایین آمدن قیمت تمام‌شدهٔ تمام کالاهایی است که با برق، ارتباط دارد.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۲۷



مسئولین محترم!

آیا می‌دانید با انتقال آب خلیج فارس، می‌توانیم بسیاری از صنایعی را که با آب سروکار دارند، تحت پوشش قرار دهیم و هزینهٔ آنها را کم کنیم؟ که بسیاری از آنها مانند تولید لوله اسپیرال، ورشکسته و تعطیل شده‌اند.

آیا نمی‌دانید آنها هم اکنون از آب شُرب، برای صنعت استفاده می کنند که هزینه را بالا می‌برد؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۲۸ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا نمی دانید با انتقال آب خلیج فارس، می توانیم در هر شهری، دریاچهٔ مصنوعی بوجود بیاوریم؟

این دریاچه های مصنوعی، موجب تغییر آب و هوا از گرم و خشک به مرطوب خواهد شد و تغییر آب و هوا منجربه رفع بیماری های تنفسی می شود و علاوه بر آن مکانی تفریحی محسوب می شود که موجب نشاط در جامعه است.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۲۹



مسئولین محترم!

آیا نمی دانید با انتقال آب خلیج فارس به کشور می توانیم از آن آب در صنعت استفاده کنیم و قیمت تمام شدهٔ محصولات صنعتی را کم کنیم؟

چرا که آب ارزان به صنایع رسانده ایم.

مگر نمی‌دانید به ازای هر تن فولاد، ۱۰ متر مکعب آب مصرف می‌شود؟

آیا نمی‌دانید برای تولید هر دستگاه خودرو، ۸۰۰۰۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۳۰ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا نمی دانید با انتقال آب خلیج فارس می توانیم بیابانها را آباد کنیم و ایران را صاحب مراتع بسیاری گردانیم و وارد صنعت پرورش دام (گوسفند، گاو، شتر و...) شویم؟

می توانیم قیمت گوشت و لبنیات را پائین بیاوریم و قطب بزرگ تولید گوشت حلال در دنیا شویم.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۳۱ خشکسالی ایران



متاسفانه تمامی مناطق استان یزد با توجه به خشکسالی‌های پی در پی سالهای گذشته، با عارضه کم آبی برای حیاتِ وحش رو به رو هستند و تلفات زیادی از سُمداران را از یکسال گذشته تا به کنون داشته اند.

مسئولین محترم!

آیا نمی دانید با انتقال آب خلیج فارس می توانیم وارد رویهٔ بیابان زدایی شده و با ایجاد جنگلهای جدید، با ریزگردها مبارزهٔ اساسی کنیم و از طرفی محیط زیست را احیاء کنیم و از انقراض گونه های کم یاب و نایاب حیوانات، جلوگیری کنیم؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۳۲ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا نمی دانید: سبب گران شدن خرید و اجاره مسکن هجوم مردم از روستا به شهر است؟ روستاییان به علت خشکسالی، روستای خود را به اجبار، رها کرده و به شهر مهاجرت نموده اند.

آیا نمی دانید: با آوردن آب خلیج فارس به روستاها، روستاییان به روستاهای خود باز می گردند و قیمت مسکن در شهر پایین می آید و حتی ترافیک و آلودگی هوا و مشکلات متعدد کلان شهرها را می توان از بین برد؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



براساس آمار گمرک در چهارماهه نخست سال ۹۵، بیش از ۱میلیون و ۵۰۰ هزار تن ذرت دامی از کشورهای اتریش، اسپانیا، امارات، انگلستان، اوکراین، ایالات متحده آمریکا، ایرلند، برزیل، سنگاپور، سوئیس، روسیه، لیتوانی و هلند وارد کشور ایران شده است.

مسئولین محترم!

آیا نمی دانید: گران شدن قیمت مرغ و تخم مرغ و شیر و...

به آب مربوط است؟

آب نیست، لذا دان برای مرغ و یونجه برای گوسفند، گران شده.

آیا نمی دانید اگر آب بیاید، قیمت مرغ و لبنیات و گوشت

پایین می آید تا جایی که به صادرکننده تبدیل می شویم؟

بهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



مسئولین محترم!

آیا نمی‌دانید: فقر در خانواده‌ها باعث شده، دختران ۳۵ ساله هنوز مجرد باشند و ازدواج نکنند؟

آیا نمی توانیم با انتقال آب خلیج فارس، زمینهٔ ثروتمندشدن هر ایرانی را فراهم کنیم تا سن ازدواج پایین بیاید؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

خشکسالی ایران ۳۵



مسئولین محترم!

چگونه است که در کشور چین وقتی از شهری به شهر دیگر می رویم، خاک و زمین مرده نمی بینیم؟چگونه است که در اروپا، از کشوری به کشوری دیگر می رویم، تماماً سبز است؟

چرا در ایران از روستایی به روستایی دیگر می رویم، درختی نمی بینیم، حتی خود روستاها خالی شده است؟

با انتقال آب خلیج فارس می توانیم تمام زمینهای مرده را زنده کنیم.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۳۶ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

چرا در سال ۹۵ ایران از سوییس ۴۶۰۳ تُن ذرت وارد کرده؟

آیا زمین نداریم؟

آیا کشاورز نداریم؟

نه! همه چیز داریم؛ آب نداریم.

چرا آب خلیج فارس را به زمینهای تشنه کشاورزی نمی آورید

تا به جای واردکنندهٔ ذرت، صادرکننده شویم؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



مدیرکل منابع طبیعی استان مرکزی گفت: هر سال بیش از یک هزار و ۵۰۰ هکتار از مراتع استان بر اثر آتش سوزی و تغییر کاربری از بین رفته و به تدریج تبدیل به بیابان می شود.

مسئولین محترم!

آیا نمی دانید در سال ۹۵ ایران از برزیل ۱۵۲۲ تُن دانه سویا وارد کرده است؟

مگر ما کشاورز نداریم که باید واردکنندهٔ سویا باشیم؟

کشاورز داریم ولی آب نداریم که اگر آب بود صادرکنندهٔ سویا بودیم.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



زمین های کشاورزی در روستای اسفنداران اصفهان دیگر کشت نمی‌شوند.

مسئولین محترم!

آیا نمی دانید در سال ۹۵ ایران ۷۴ هزار تن برنج از کشور هند وارد کرده است؟

ما که کشاورز بیکار و زمین داریم

پس چرا باید واردکننده برنج باشیم؟

ما آب نداریم لذا واردکنندهٔ برنج هستیم.

اگر آب بیاید، صادرکنندهٔ برنج می شویم.

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۳۹ خشکسالی ایران



مسئولین محترم!

آیا نمی دانید ما در سال نود و پنج ۴۵۸۳ هزار تن ذرتِ دامی وارد کرده ایم که به این سبب قیمت گوشت بالا رفته؟

اگر آب داشتیم و یونجهٔ فراوان کاشته بودیم، آیا احتیاجی به واردات ذرت برای دامهایمان بود؟

چرا آب خلیج فارس را انتقال نمی دهید تا قیمت گوشت پائین بیاید؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.



تلاش فیلیپین برای صادرات بیشتر موز به ایران

مسئولین محترم!

آیا نمی دانید در سال نود و پنج ۴۵۳ تن موز از ترکیه وارد کردیم؟ آیا نمی توانیم در ایران موز را تولید کنیم و حتی تبدیل به صادرکننده موز شویم؟

بله می توانیم موز تولید کنیم، ولی آب نداریم.

چرا آب خلیج فارس را انتقال نمی دهید و شیرین نمی کنید تا مشکل کشاورزان حل شود؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیج فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۴۱ خشکسالی ایران



این تصاویر ازفیلم گزارشی در سایت خبری صدا و سیما دریافت شده است
که متأسفانه حاکی از بیابانی شدن استان گلستان است.

مسئولین محترم!

آیا نمی دانید ۳۰۰ هزار هکتار از زمینهای استان گلستان بیابان شده است؟

اگر استان گلستان رو به بیابان شدن است، آیا تمام ایران در حال بیابان شدن نیست؟

آیا بیابان شدن ایران، مرگِ ایران نیست؟

بَهرامی: کمک می کنیم تا در یک سال، آب خلیجِ فارس را به ایران بیاوریم.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

۴۲ خشکسالی ایران



معاون آبخیزداری، امور مراتع و بیابان سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری گفت:
« خسارت سالانه فرسایش خاک در کشور ۴۷۶ هزار میلیارد ریال است »
« میزان خسارت های وارد شده ۴۷ برابر اعتباری است که برای جبران گذاشته می شود. »

مسئولین محترم! آیا می دانید:

در اثر خشکسالی، خاک حاصلخیزی خود را از دست داده و فرسایش خاک اتفاق می افتد و برای حاصلخیز شدن آن ۵۰۰ سال زمان نیاز است؟

خشکسالی طولانی باعث از دست رفتن مواد معدنی خاک و مردن موجودات زنده در خاک می شود که در آن صورت خاک برای کشاورزی مناسب نیست.

اگر آب نیاورید، تمام خاکهای ایران حاصلخیزی خود را از دست می دهد.

بَهرامی: طرح ما انتقال یک سالهٔ آب خلیج فارس به کل ایران است.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

با این پو ستر عکس بگیرید و در فضای مجازی به اشتراک بگذارید.

روحانی تنها نیست#

خشکسالی ایران ۲

آقای روحـانی!

امروز در رفسنجان به علت بحران آب، مردم جاده را بستند و ما در نامه چهارم در تاریخ ۱۲ خرداد ۹۳ اعلام کردیم، جریانات به علت مشکل آب وخیم و وخیم تر می شود که می بینید.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد.
اگر راست گفتیم، آب‌رسانی! وإلا مرگ!
تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۴/۱۹ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia

روحانی تنها نیست#

خشکسالی ایران ۳

آقای روحـانی!

در فصل تابستان ، برق مکرّر قطع می‌شود و ما قبل از این بحران آن را در پوستر ۲۶ اعلام نموده‌ایم. راه حل جلوگیری از قطعی برق، راه‌اندازی ۶۰ ٪ از سدهای تولید برق، بوسیله آب خلیج فارس است

که البته تعطیل شده است. پس ما کمک می کنیم تا در یک سال با آب خلیج فارس، آن ۶۰ ٪ نیروگاه های تعطیل شده راه اندازی شوند و قطعی برق تا حدود بسیار زیادی مرتفع گردد.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد.
اگر راست گفتیم، آب‌رسانی! وإلا مرگ!
تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۴/۱۹ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia

روحانی تنها نیست#

خشکسالی ایران ۵

چگونه می توان آب را از خلیج فارس انتقال داد؟

راههای بسیاری برای انتقال آب خلیج فارس وجود دارد، تنها اراده و عزم و اعتقادی جدی لازم است که در یک سال این اتفاق بیفتد.

همانگونه می توانیم گاز را تا اروپا انتقال دهیم، می توانیم آب را انتقال دهیم.

همانگونه که می توانیم نفت را تا ده کیلومتری تهران انتقال دهیم، می توانیم آب را انتقال دهیم.



ما ۳ طرح انتقال آب داریم که در یک سال و کمتر از آن انتقال آب را عملی می کند. این طرح ها براساس درآمدها و امکانات موجود دولت طراحی شده است.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۴/۳۰ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
#روحانی تنها نیست

خشکسالی ایران ۶

هزینهٔ آبرسانی از خلیج فارس و دریای عمان از کجا تأمین می‌شود؟

ما در حقیقت به دنبال ملی کردن آب خلیج فارس هستیم و برنامهٔ ما این است که این آب، به نفع ملت استفاده شود؛ نه اینکه در جهت زراندوزی سرمایه داران کلان داخلی یا خارجی و یا دولت استفاده شود. لذا هزینهٔ انتقال، با سرمایه گذاری و مشارکت قشر ضعیف و متوسط جامعه، تأمین می شود و دولت تنها نظارت می کند و مجوزها و وسایلی را که لازم است، در اختیار مردم قرار می دهد و مقدار اندکی از هزینه های خود را در این طرح شریک می کند؛ فقط در این صورت است که ملت ایران از فقر نجات می یابند؛ ما تنها به دنبال آبرسانی نیستیم؛ بلکه به دنبال نجات ملت ایران از فقر هم هستیم. اگر به دنبال چیزی غیر از این بودیم، طرح را به دولت می فروختیم.



(محبت دنیا، ریشهٔ هر خطا و زشتی است)

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۴/۳۰ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
#روحانی تنها نیست

خشکسالی ایران ۷

پوستر(۱) از آقای جهانگیری، معاون اول آقای رئیس جمهور روحانی

آقای جهانگیری در مراسم آبگیری سد جامیشان گفتند:

۱. یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی ملت ایران مسئله آب است و با مرور زمان این شرایط شدت می‌یابد و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دَریاچه‌ها در وضعیت نامناسبی هستند.

۲. یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی ملت ایران مسئله آب است و با مرور زمان این شرایط شدت می‌یابد و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دَریاچه‌ها در وضعیت نامناسبی هستند.



۳. اگر به مسئله آب رسیدگی نشود آینده کشور را به‌خطر می‌اندازد

بهرامی:

۱. آقای جهانگیری چرا در زمان انتخابات مسالهٔ خشکسالی را بیان نکردید؟
۲. طرح و برنامه شما برای زمان بحرانی چیست؟
۳. غیر از طرح انتقال آب خلیج فارس شما چه طرح و برنامه ای دارید؟
٤. طرح ما آبرسانی یک ساله از خلیج فارس به کل کشور است، طرح شما چند ساله است؟
۵. شما تا چند سال دیگر ایران را از بحران خشکسالی نجات میدهید؟ ما ادعا داریم در یک سال میتوانیم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۴ - بهرامی- مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
#روحانی تنها نیست

خشکسالی ایران ۸

پوستر(۲) از آقای جهانگیری، معاون اول آقای رئیس جمهور روحانی

معاون اول رییس جمهور گفت:

دشت های کشور نیز (به علت خشکسالی) وضعیت مناسبی ندارند و امروز تعدای از دشت های حاصلخیز کشور با بحران مواجه شده اند.

بهرامی:



از سال ۹۲ تا کنون وضعیت این دشتها چه نموداری دارد؟
بهتر یا بدتر یا همانند قبل؟
از کلام شما استفاده میشود که وضعیت بدتر شده.
آیا در چهار سال پیش رو برنامه جدیدی دارید؟
یا همان روال گذشته را ادامه میدهید؟
اگر برنامه جدیدی دارید آن برنامه چیست؟
اگر روال قبل را ادامه میدهید که وضعیت بحرانی تر میشود.
هر برنامه‌ای به غیر از انتقال یکساله‌ی آب خلیج فارس وضعیت را بحرانی تر میکند.
اگر برنامه‌ای بهتر از انتقال یکساله‌ی آب خلیج فارس دارید ارائه دهید.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۴ - بهرامی- مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
#روحانی تنها نیست

خشکسالی ایران ۹

پوستر(۳) از آقای جهانگیری، معاون اول آقای رئیس جمهور روحانی

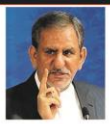

معاون اول رییس جمهور گفت:

مجموع ظرفیت کنونی تنظیم آب سدهای کشور را ۳۸ میلیارد مترمکعب اعلام کرد و گفت: اگر این میزان ظرفیت ذخیره را نداشتیم امروز با بحران آب مواجه شده و یا در برخی مناطق شاهد بروز سیل های ویرانگر بودیم.



بهرامی:

۱.آقای جهانگیری اگر واقعا ما آب ذخیره شده داریم، چرا بحران آب در کمیسون امنیت مجلس مطرح شده است؟

۲.آیا نمودار خشکسالی در ایران را نمیدانید؟

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۴ ـ بهرامی ـ مدیر سایت تی‌وی‌شیعه ـ که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash



www.tvshia.com
tvshia

خشکسالی ایران ۱۰

پوستر(٤) از آقای جهانگیری، معاون اول آقای رئیس جمهور روحانی

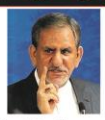

معاون اول رییس جمهور گفت:

باید در حوزه مدیریت مصرف هم کارهای جدی، خصوصا در بخش کشاورزی صورت بگیرد. نحوه کنونی مصرف آب در بخش کشاورزی ما با شرایط کشور سازگار نیست و باید به سمت کشتهای گلخانه‌ای و سیستم‌های نوین آبیاری برویم. وی گفت: در بخش شرب هم باید فرهنگ‌سازی مناسبی جهت صرفه جویی در مصرف آب صورت گیرد. جهانگیری اظهار کرد: در بخش صنعت هم در کشور صنایع پرمصرفی بلحاظ مصرف آب داریم که باید این صنایع به سمت سواحل کشور خصوصا سواحل جنوبی سوق داده شوند. در جنوب کشور صدها کیلومتر ساحل داریم که در آنجا نشانه‌ای از کار و تولید نیست و باید از این ظرفیت استفاده کنیم.

بهرامی:

جناب آقای جهانگیری صحبتها بسیار متین است اما سوال این است که در چهار سال گذشته شما برای این امور که بیان میکنید چه کرده اید؟ به عقیده بنده آیندهٔ چهارسالهٔ پیش رو تفاوتی با گذشتهٔ چهار سالهٔ قبل ندارد. اگر میخواهید کاری متفاوت انجام داده باشد طرح یک ساله ما را بشنوید و عمل کنید. آیات عظام گرامی و سید مهدی طباطبائی شنیدند و طرح یکساله آبرسانی از خلیج فارس به کل کشور را تایید کردند. آیا شما نمیخواهید بشنوید؟



طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۴ ـ بهرامی ـ مدیر سایت تی‌وی‌شیعه ـ که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash



www.tvshia.com
tvshia

خشکسالی ایران ۱۱



مـافـیـای آب

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی:

دوستان یا نمی‌دانند یا نمی‌خواهند! مدت‌ها مسئولین، (کسانی که درباره آب حرف می‌زنند) به اصل قضیه و به اسرار مگوی آب و پشت پرده آب بحثی نمی کنند. ۳۰ سال تمام، فقط ۳ درصد بودجه وزارت نیرو درباره آب زیرزمینی بوده. برای اینکه توی آب زیرزمینی، شرکت‌های گردن‌کلفت مشاور، نمی‌توانستند بروند طرح‌های میلیاردی بگیرند! آنجا پول نبوده! ۹۷ درصد پول آب رفته توی آب‌های سطحی. رفتند که سد بسازند چون میلیاردها پول هست، رفتند شبکه بزنند چون میلیاردها پول هست! صنایع بسیار بزرگی پشت آن چرخیده! یک مافیای بسیار پیچیده حول محور اقتصاد آب در ایران تشکیل‌شده، این‌قدر این مافیا پیچیده شده، ... معنی آن مافیا را نمی‌فهمیم چون داخلش نیستیم، بازیچه آن‌ها هستیم! باید افشا کنیم بگوییم سرطان وجود دارد، تو سرطان داری ... شرکت‌های عظیم هست پشت آب، ... الآن چه کسانی دنبال این هستند که آب از تاجیکستان بیاورند؟ ۲۷ تا نماینده مجلس هستند! شما نماینده مردم و قانون‌گذار هستید یا تاجر آب؟ .. توی این آب دارد میلیاردها دزدی می‌شود! .. همش می‌گوییم تقصیر مردم هست، فرهنگ مردم را باید درست کنیم، فرهنگ این دزدهای گردن کلفتی که بالا نشسته‌اند باید درست بشود! اصلاً مدیران میانی جرئتش را ندارند، خدا شاهد هست اگر یک مدیر میانی، مدیر میانی یعنی در حد مدیرعامل شرکت آب، در حد مدیرعامل آبفا، بخواهد پا توی کفش آن مافیا کند، صبح او را عزل می‌کنند. مافیای آب پولش از کجا می‌آید؟ از مصرف می‌آید، نه از کاهش مصرف! آب سد دوستی که می‌آید به مشهد، متری چند تمام می‌شود؟ ۳۸۰۰ تومان. متری چند به مردم می فروشید؟ ۱۲۰ تومان، اصلاً بگوییم ۵۰۰ تومان، ۳۳۰۰ تومان دارید یارانه می‌دهید به آن مافیای گردن‌کلفت! متری ۳۸ ریال حاضر نیستند برای فرهنگ‌سازی کاهش مصرف بدهند، چون اگر کاهش مصرف پیدا بشود، به ایشان ضرر می‌رسد.



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#

خشکسالی ایران ۱۲

آخرین فرصت بحران آب



مشاورعالی وزیر جهاد کشاورزی سیدمحمدحسین شریعتمدار:

در زمینه آب ۵۰ سال غفلت کرده‌ایم.

برای حل بحران آب فقط یک فرصت ۵ ساله برنامه ششم توسعه باقی مانده است.

اگر این فرصت را از دست دهیم دیگر فرصتی نخواهیم داشت.

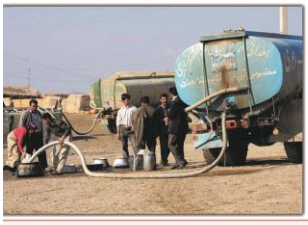

بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#



کمبود و بی‌آبی در مناطق باورنکردنی خشکسالی ایران ۱۳

محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

ما در منطقه سبلان که دیگر نباید با کمبود آب روبرو باشیم؛ در حالی که اکنون در منطقه آبی بیگلو با نشست زمین روبرو هستیم. یا به طور مثال چرا در منطقه چهارمحال بختیاری که ۱۰ درصد آب های سطحی ایران از این منطقه سرچشمه می گیرد باید ۶۰ روستا بدون آب بمانند؟!»



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#



جنگ آب در کشور ایران خشکسالی ایران ۱۴

محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

اکنون جنگ آب در کشور وجود دارد اما می توان آن را در مرحله کنونی مهار کرد و اجازه نداد شدت پیدا کند. لذا قبل از آنکه این منازعات شدت یابد تا وزارت کشور ناچار شود وارد عرصه شود، بهتر است وزارت نیرو این بحران را حل و فصل کند.



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#



لابی و مافیای قدرتمند آب خشکسالی ایران ۱۵

محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

سوال چرا بحران خشکسالی از سوی مسئولین مورد توجه قرار نمی گیرد؟

جواب: به نظر من یک لابی و مافیای قدرتمند در بخش آب وجود دارد که فقط ۱۰۰ هزار نفر کارشناس ارشد و دکترا در این مافیا و شرکت های اقماری وابسته به وزرات نیرو حقوق می گیرند و تداوم حیات اینها به طرح های انتقال آب بین حوزه ای و سدسازی است و به هیچ وجه حاضر نیستند روش خود را تغییر دهند.»



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#

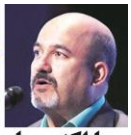

بحران از دست رفتن خاک ایران خشکسالی ایران ۱۶

محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

ما اکنون با بحران جدی تری در کشور روبرو هستیم و آن بحران از دست رفتن خاک ایران است که حتی مهم تر از بحران آب می باشد. اگر این خاک که برای تولید یک سانتیمتر آن بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال زمان لازم است از دست برود به هیچ وجه قابل جبران نیست.

اکنون در خوش بینانه ترین حالت سالانه دو میلیارد تُن خاک ایران در اثر فرسایش از بین می رود و با توجه به اینکه ارزش هر تُن خاک ۲۸ دلار است یعنی سالانه ایرانیان ۵۶ میلیارد دلار از دست می دهند که حداقل ۲ برابر ارزش صادرات نفت ایران است و هیچ کس متوجه این خطر نیست.



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#

نشست وحشتناک زمین براثر خشکسالی خشکسالی ایران ۱۷

۲۰ دشت اصلی کشور با پدیدهٔ فرونشست زمین روبرو گردیده است. به نحوی که دشت تهران به میزان سالانه ۱۷ سانتی‌متر، دشت قزوین ۲۴ سانتی‌متر، دشت مشهد ۲۵ سانتی‌متر، دشت کرمان ۲۹ سانتی‌متـــر و... نشست می کند یعنی آبهای زیرزمینی تمام شده و زمین پائین و پائین تر می رود و موجودات زنده درون خاک می میرند و مواد معدنی خود را از دست داده و دیگر حاصلخیز نخواهند بود و برای برگشت به وضع قبل ۵۰۰ سال زمان لازم است.

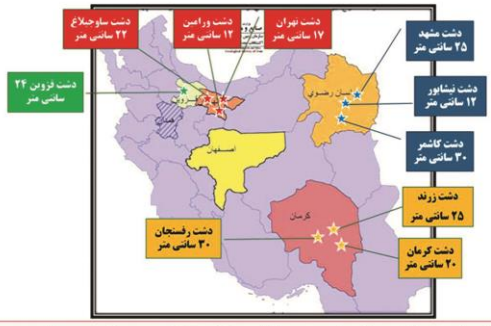

بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۹ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

#روحانی تنها نیست

www.tvshia.com
tvshia

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: **جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کلَّ شَیءٍ حَی** -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

محضر آیت‌الله العظمی سید مهدی طباطبائی دام ظله العالی

سلام علیکم:

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران مرقوم فرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشک‌سالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید.

ایدکم الله تعالی فی دارین و رزقنا الله تعالی من الماء ظاهره و باطنه و سرّ باطنه

شیخ علی بهرامی نیکو - مسئول سایت تی وی شیعه/ دات کام - ۳ مرداد ۱۳۹۶

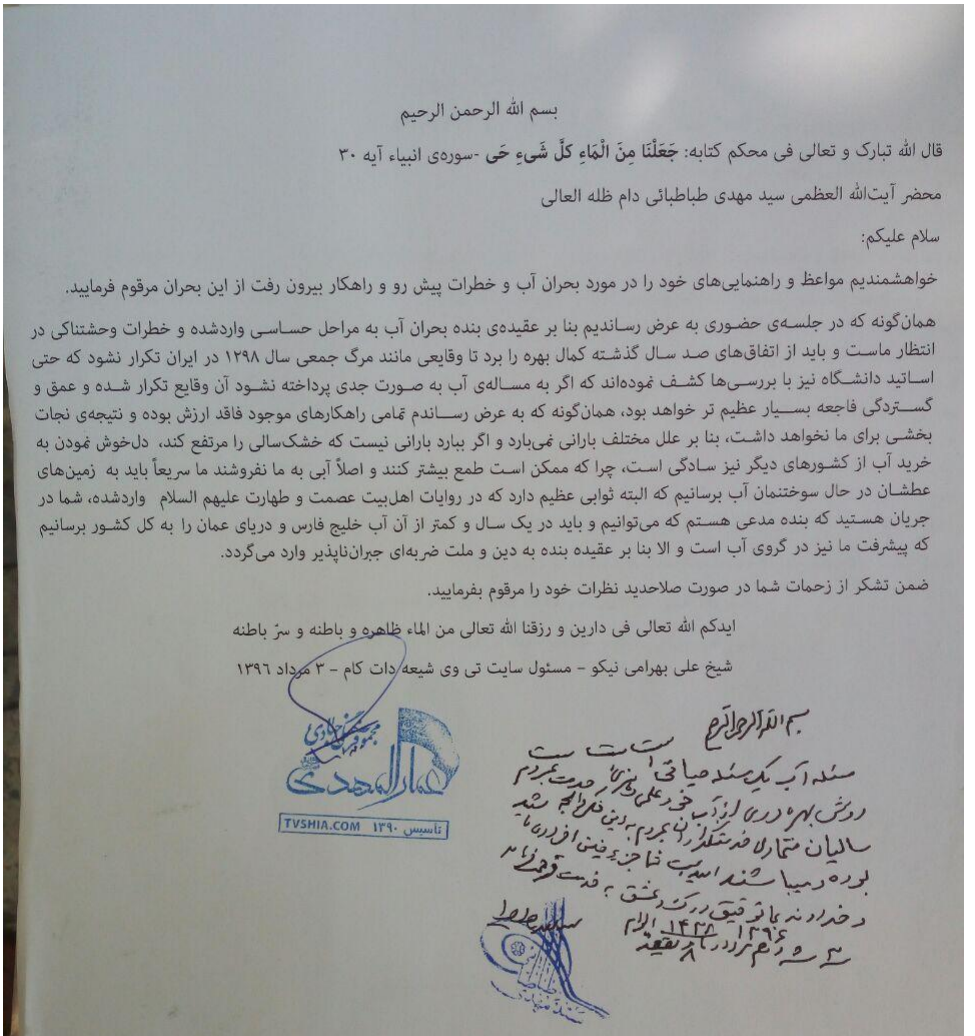



۲۲

تقریر آیت‌الله نظری منفرد در رابطه با برطرف نمودن خشکسالی در یک سال و کمتر از آن

آیت الله نظری منفرد نماینده مردم آباده فارس در مجلس اول و دوم بوده‌اند و صاحب تألیفات بسیاری می‌باشند که از جمله تألیفات ایشان: روزه و رمضان، معاد، امامت و گفتاری پیرامون کلمات قصار امیرالمؤمنین(ع) و... است. شهره ایشان آوازه خاص و عام است. ایشان در برطرف نمودن بلای خانمانسوزخشکسالی از ایران نیز پیش قدم شدند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

آیت الله نظری منفرد دام ظله العالی

سلام علیکم (نامه دوم)

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران مرقوم فرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشکسالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید.

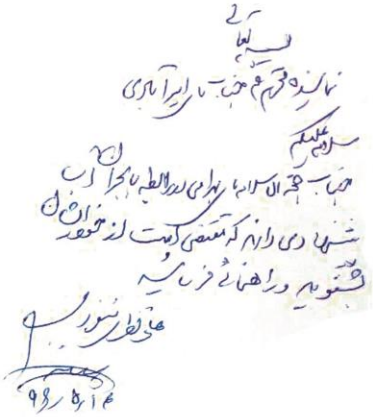



تألیفـات آیت الله نظـری منفرد

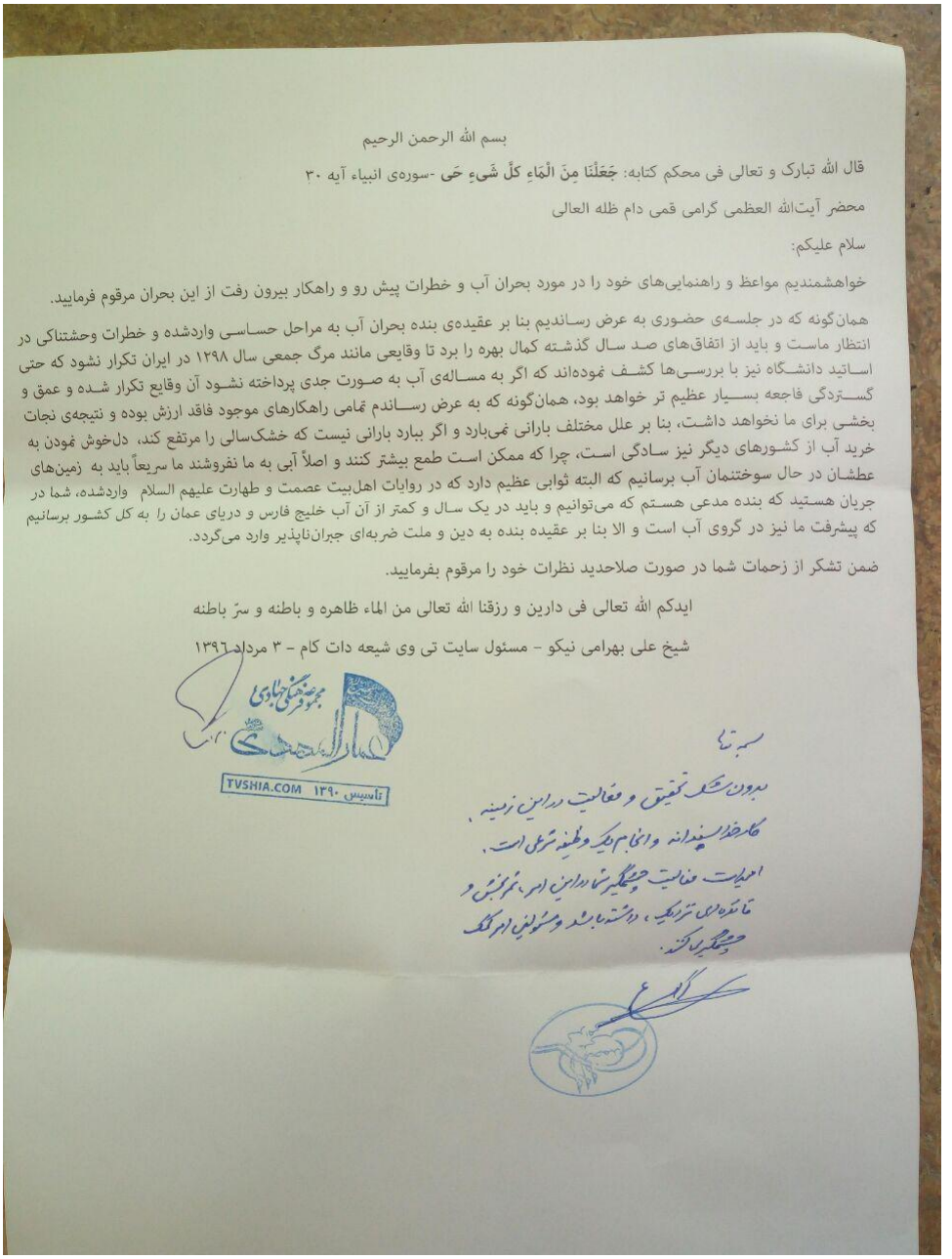

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: **جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کلَّ شَیءٍ حَی** -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

محضر آیت‌الله العظمی گرامی قمی دام ظله العالی

سلام علیکم:

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران مرقوم فرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشک‌سالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید.

ایدکم الله تعالی فی دارین و رزقنا الله تعالی من الماء ظاهره و باطنه و سرّ باطنه

شیخ علی بهرامی نیکو - مسئول سایت تی وی شیعه دات کام - ۳ مرداد ۱۳۹۶

TVSHIA.COM تاسیس ۱۳۹۰

بسمه تعالی

بدون شک تحقیق و فعالیت در این زمینه، کار خداپسندانه و انجام دیگر وظیفه شرعی است.

امیدوارم فعالیت چشمگیر شما در این امر، تمرکز و فائقه‌ای تر از دیگر، داشته باشد و مسئولین امر کمک چشمگیر را کنند.



خشکسالی گذشته ۱۲۹۸
خشکسالی آینده ۱۳۹۸

در سال	۱۲۸۸	شیخ فضل الله شهید شد
	۱۲۹۸	۱۱ میلیون نفر با بلای خشکسالی مردند
هم اکنون	۱۳۹۶	هشداری جدی داده ایم
که در سال	۱۳۹۸	اثرات خود را نشان میدهد
این بلا مانند	۱۳۸۸	نیست
مانند	۱۳۷۸	نیست
مانند	۱۲۹۸	نیست که تنها یازده میلیون نفر بمیرند

زمینهٔ مرگ و کوچ اجباری ۵۰ میلیون ایرانی بر اثر خشکسالی ایجاد شده

تنها در ۲ ماه می توان خشکسالی را برطرف نمود.

اگر کلام ما را ذبح کنند و نشنوند، بر ما مسئولیت ۵۰ میلیون نفر نیست.

فقط تا تاریخ ۹۶/۶/۶ هـ.ش مطابق با ۳۸/۱۲/۶ هـ.ق فرصت باقی است تا همزمان با خروج قمر از عقرب ایران را در دو ماه از خشکسالی خارج کنیم.

طرح ما آبرسانی دوماهه (از طرق غیرعادی) به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۱۸ - بهرامی- مدیر سایت تی وی شیعه- ۰۹۱۹۸۸۴۴۷۹۸

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

تماس با جامعه مدرسین برای برطرف کردن خشکسالی ایران در دو ماه ۲۸



بهرامی: و باز هم به جامعه مدرسین رفتم در حالی که بارها رفته بودم ولی...

جامعه مدرسین به چه نامه هایی جواب میدهد؟ آیا اصلاً نامه ها را می خوانند؟ یا نه؟ به فردی که مسئولیت بالایی داشت گفتم: خداوند عنایتی کرده که مدعی‌ام می توان خشکسالی ایران را در ۲ ماه برطرف کرد؛ حرف ها را خوب شنیدند. تقریباً ۳۵ نامه خطاب به ۳۵ آیت الله را تحویل دبیرخانه داده‌ام که هر پاکت دو نامه داشت و نامه‌ها را تحویل گرفتند؛ گفتم خشکسالی جدیست، و هیچ راهکاری برای مقابله با آن ندارند؛ راهکارها بی‌فایده است؛ اگر راهکاری بود تا هم‌اکنون عملی کرده بودند. گفتم تمام علما را جمع فرمایید برای یکنفر نشان می‌دهم، او شهادت دهد و بقیه بسیج شوند تا آقای روحانی و تمامی ملت در تلویزیون کلام ما را بشنوند و در ۲ ماه خشکسالی برطرف شود. اگر دروغ گفتم جزای من مرگ است. نامه‌ها را گرفتند و تا کنون (۹۶/۵/۱۹) جوابی نیامده. من شهادت می‌دهم فساد و فقر و بیکاری و طلاق و... در جامعه، از خشکسالی است و خشکسالی را می‌توان در عرض ۲ ماه برطرف کنیم.

«فقط تا تاریخ ۹۶/۶/۶ هـ‌ش مطابق با ۳۸/۱۲/۶ هـ‌ق زمان باقی است»

طرح ما آبرسانی دوماهه (از طرق غیرعادی) به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۱۹ - بهرامی- مدیر سایت تی وی شیعه- ۰۹۱۹۸۸۴۴۷۹۸

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

نتایج طرح شماره (۲) الهی: انتقال «۲ماهه» آب خلیج فارس به ایران ۳۰

۱) آب شور در زمین حاصلخیز رها نمی‌شود. لذا اکوسیستم بهم نمی‌خورد.
۲) دریاچه‌های شور پر آب می‌شود، دریاچه ارومیه، دریاچه نمک قم و...
۳) آب، به شهرها و روستاها و... رسانده می‌شود.
۴) حفاری کانال صورت نمی‌گیرد.
۵) هوای ایران در بهار و تابستان، خنک و در زمستان و پاییز، سرد می‌شود.
۶) آب در ایران، دومصرفه می‌شود.
۷) چالهٔ جوی در ایران پدید می‌آید.
۸) ابرها از کشورهای دیگر به ایران هدایت می‌شوند.
۹) نیروی هارپ نیست، یون منفی شلیک نمی‌کنیم.
۱۰) هر مقدار آب بخواهیم شیر را باز می‌کنیم و آب برمیداریم.
۱۱) لوله از بالا پر آب می‌شود.
۱۲) سدهای تولید برق پر آب می‌شود.
۱۳) تولید برق زیاد می‌شود.
۱۴) قیمت آب و برق، بسیار پایین می‌آید.
۱۴) تمام طرح‌های در حال اجرا، باطل و تعطیل می‌شوند.
۱۵) ... ۱۶) ... ۱۷) ... ۱۸) ... و...



آنها که شبانه روز کار می کنند تا آب دریا را به یزد و سمنان برسانند، بیهوده کار می کنند؛ چون آب، باید بدون زحمت به همه ایران برسد.

«فقط تا تاریخ ۹۶/۶/۶ هـ‌ش مطابق با ۳۸/۱۲/۶ هـ‌ق زمان باقی است»

طرح ما آبرسانی دوماهه (از طرق غیرعادی) به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۱۸ - بهرامی- مدیر سایت تی وی شیعه- ۰۹۱۹۸۸۴۴۷۹۸

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia

اثرات اقتصادی طرح (۲) الهی: انتقال «۲ماهه» آب خلیج فارس به ایران ۳۱

۱) بازسازی زیرساختهای کشاورزی
۲) ورود به عرصه تولید بالای محصولات کشاورزی
۳) رونق روستاها و تولیدات روستایی
۴) رونق کشت دیم در کشور به علت ریزش نزولات آسمانی
۵) رونق کشت آبی محصولات کشاورزی
۶) رونق کشت گلخانه ای
۷) جلوگیری از تبدیل باغ ها و کشتزارها و... به بیابان
۸) ورود به عرصه تولید گوشت حلال دریایی تا به مرز صادرات برسیم.
۹) ورود ایران به عرصه بیابان زدایی و مبارزه با ریزگردها بوسیله کاشت درخت در زمینهای بایر و رونق صنعت تولید چوب
۱۰) رونق اقتصاد کشور (تمام اقتصاد کشور به آب بستگی دارد؛ مستقیم یا با واسطه)
۱۱) ورود در عرصه صادرات آب مازاد بر احتیاج داخلی که هم جلوگیری از جنگ جهانی سوم می کند و هم باعث افزایش ورود ارز به کشور می شود.
۱۲) ورود به صنعت تبدیل آب و صادرات آن
۱۳) پایین آمدن قیمت تمام شدهٔ تمام کالاها؛ چرا که برق زیر ساخت اصلی همه چیز است و پایین آمدن قیمت آن همه قیمتها را می شکند.
۱۴) زمینه رفع بیکاری تا جایی که باید تسهیلات دهیم تا کارگر وارد ایران شود.
۱۵) ... ۱۶) ... ۱۷) ... ۱۸) ... و...



«فقط تا تاریخ ۹۶/۶/۶ هـ ش مطابق با ۳۸/۱۲/۶ هـ ق زمان باقی است»

طرح ما آبرسانی دوماهه (از طرق غیرعادی) به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۱۸ - بهرامی - مدیر سایت تی وی شیعه - ۰۹۱۹۸۸۴۴۷۹۸

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia

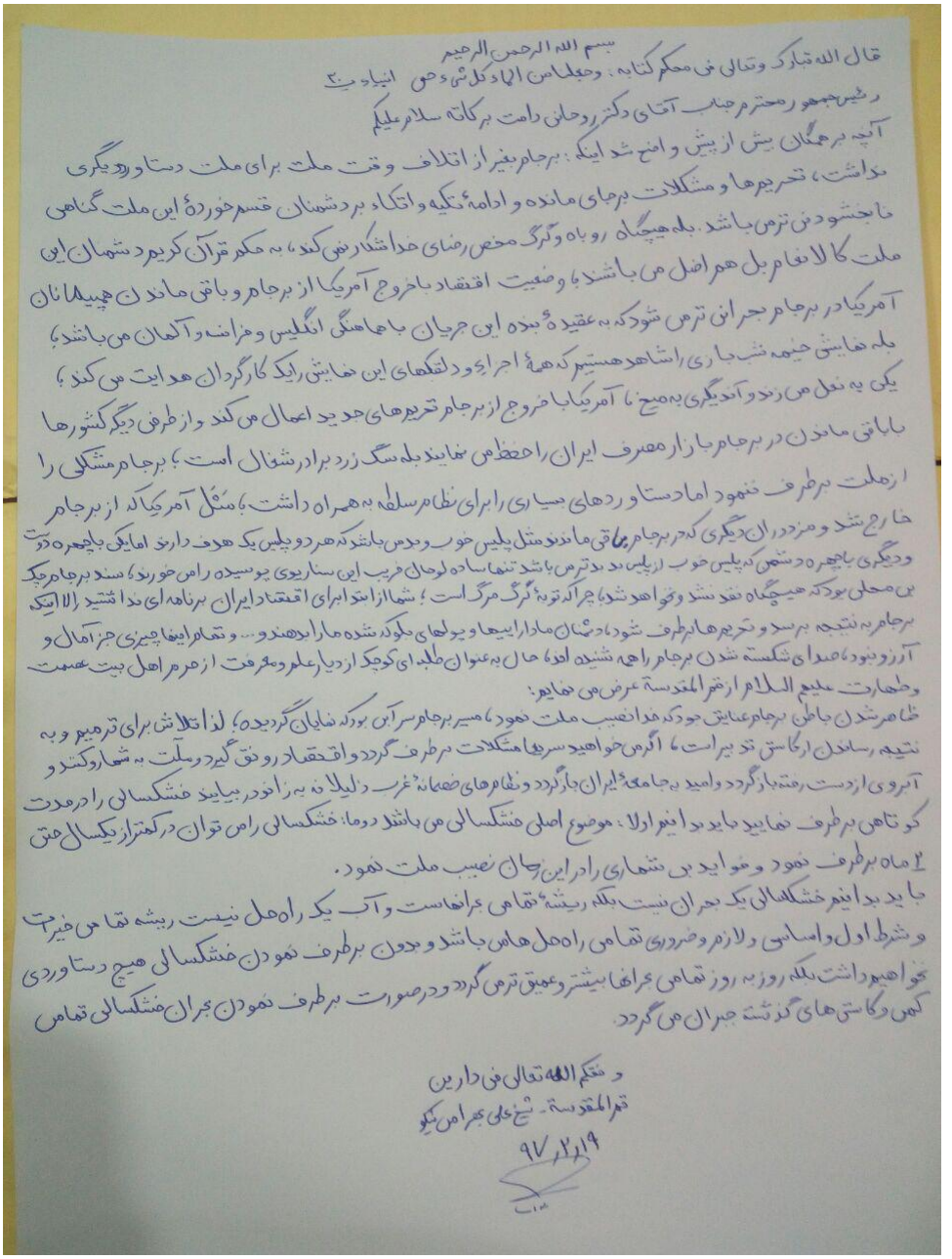

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک وتعالی فی محکم کتابه: وجعلنا من الماء کل شیء حی انبیاء ۳۰

رئیس جمهور محترم جناب آقای دکتر روحانی دامت برکاته سلام علیکم

آنچه بر همگان بیش از پیش واضح شد اینکه: برجام بغیر از اتلاف وقت ملت برای ملت دستاورد دیگری نداشت، تحریم‌ها و مشکلات برجای مانده و ادامهٔ تکیه و اتکاء بر دشمنان قسم خوردهٔ این ملت گناهی نابخشودنی ترمی باشد. بله هیچگاه روباه و گرگ محض رضای خدا شکار نمی کند، به حکم قرآن کریم دشمنان این ملت کالانعام بل هم اضل می باشند؛ وضعیت اقتصاد با خروج آمریکا از برجام و باقی ماندن همپیمانان آمریکا در برجام بحرانی ترمی شود که به عقیدهٔ بنده این جریان با هماهنگی انگلیس و فرانسه و آلمان می باشد؛ بله نمایش خیمه شب بازی را شاهد هستیم که همهٔ اجزاء و دلقکهای این نمایش را یک کارگردان هدایت می کند؛ یکی به نعل می زند و آن دیگری به میخ؛ آمریکا با خروج از برجام تحریم‌های جدید اعمال می کند و از طرفی دیگر کشورها با باقی ماندن در برجام بازار مصرف ایران را حفظ می نمایند بله سگ زرد برادر شغال است؛ برجام مشکلی را از ملت برطرف ننمود اما دستاوردهای بسیاری را برای نظام سلطه به همراه داشت؛ مثل آمریکا که از برجام خارج شد و مزدوران دیگری که در برجام باقی ماندند مثل پلیس خوب و بد می باشد که هر دو پلیس یک هدف دارند اما یکی با چهره دوست و دیگری با چهره دشمن که پلیس خوب از پلیس بد بدتر می باشد تنها ساده لوحان فریب این سناریوی پوسیده را می خورند؛ سند برجام چک بی محلی بود که هیچگاه نقد نشد و نخواهد شد؛ چرا که توبهٔ گرگ مرگ است؛ شما از ابتدا برای اقتصاد ایران برنامه ای نداشتید الا اینکه برجام به نتیجه برسد و تحریم‌ها برطرف شود؛ دشمنان ما دارایی‌ها و پولهای بلوکه شده ما را بدهند و... و تمام اینها چیزی جز آمال و آرزو نبود؛ صدای شکسته شدن برجام را همه شنیده اند؛ حال به عنوان طلبه ای کوچک از دیار علم و معرفت از حرم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از قم المقدسة عرض می نمایم:

ظاهر شدن باطن برجام عنایتی بود که خدا نصیب ملت نمود؛ مسیر برجام سرآبی بود که نمایان گردیده؛ لذا تلاش برای ترمیم و به نتیجه رساندن ارکاستی تدبیر است؛ اگر می خواهید سریعا مشکلات برطرف گردد و اقتصاد رونق گیرد و ملت به شما رو کنند و آبروی از دست رفته باز گردد و امید به جامعهٔ ایران باز گردد و نظام‌های خصمانهٔ غرب ذلیلانه به زانو در بیایند خشکسالی را در مدت کوتاهی برطرف نمایید باید بدانیم اولا: موضوع اصلی خشکسالی می باشد دوما: خشکسالی را می توان در کمتر از یکسال حتی ۲ ماه برطرف نمود و فواید بی شماری را در این زمان نصیب ملت نمود.

باید بدانیم خشکسالی یک بحران نیست بلکه ریشهٔ تمامی بحرانهاست و آب یک راه حل نیست ریشه تمامی خیرات و شرط اول و اساسی و لازم و ضروری تمامی راه حل ها می باشد و بدون برطرف نمودن خشکسالی هیچ دستاوردی نخواهیم داشت بلکه روز به روز تمامی بحرانها بیشتر و عمیق تر می گردد و در صورت برطرف نمودن بحران خشکسالی تمامی کمی و کاستی های گذشته جبران می گردد.

وفقکم الله تعالی فی دارین

قم المقدسة - شیخ علی بهرامی نیکو

۹۷/۲/۱۹

قطره ۱۰۰۰ انفطار السماء

متن طرح دوم اسماء اللهی (انفطار السماء شیب‌دار شدن آسمان به سمت ایران و ایجاد چاله جوی در ایران) تاریخ - ۹۶/۵/۱۹ - ساعت ۱۹/۲۵ [1]

۷۸۶ زمانی که دو روز از دخول قمر از عقرب گذشته، و ششش در شمس، و سه شین در قمر، در انتهای ۱۳ و ابتدای ۱۴ ورود به ۱۵ قرار دارید، می‌توان آسمان را کَند، و کندن به عدد کمتر از سبع المثانی و شصت است، این زمان سنبله در دو هشت است، پس ۶۰ بعدازآن عقرب در جمعه است، و ۸ هفت مانده است، و شش ۵ شده، و سنبله عقرب را از سرما کشته و چه عجیب است کشته شدن عقرب از سرما، سرما آب را نازل کند، برف، باد، تگرگ، مِه، همه رحمت است، اما اگر آماده نباشند هلاک شوند، و این‌گونه شش که آب است در تشرین اول جاری می‌شود، پس از آب شروع کنید، ایلول را کارکنید تا تشرینِ اول پر آب شود، آب آتش‌ها را خاموش کند، زمین پر آب، دریاچه‌ها سیراب، درختان شاد، حیوانات زیاد شوند، هوا پاکیزه شود، ابرها پایین آیند پس باید همه تعهد دهند و امضاء نمایند: **۷۸۶ ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن** پس زمانی که امضاء شد همه و همه در همه زمین‌ها آن را دفن کنند تا عقرب درون خاک بمیرد، پس لوله از بالا پر شود و هرچقدر آب لازم دارید را بردارید، اگر نکنید در ۳ شین عقرب زمانی که از دو ۱۹ گذشته عقرب به بهار الاول نیش‌ها زند و بدن‌ها خشک شود چراکه عقرب با خاک و گرما قوی‌تر شده و نیش آن زهرآگین‌تر،

---

۱ اجمال لوح این است که در تاریخ ۹۶/۶/۶ لوح توسط ایرانیان امضاء و دفن شود که در آن صورت از تاریخ ۹۶/۸/۵ ایران از خشکسالی نجات میابد و الا اگر این کار را نکنید از آبان ۹۶ باید منتظر زلزله‌های وحشتناک و زیاد در ایران باشید و این مصیبت علاوه بر اثرات خشکسالی می‌باشد، و شما نگاه کنید از آبان ۹۶ در ایران چه زلزله‌هایی پیش آمد، البته این هشدار را دوباره قبل از شروع زلزله‌ها در تاریخ ۹۶/۸/۱۵ در ضمن یک فایل صوتی هشدار دادیم و از تاریخ ۹۶/۸/۲۱ زلزله‌های مخوف و زیاد در ایران شروع شد.

چراکه از آب که در برج دو شین است را جاری نکردید، پس آب همان سنبله است، ایلول همان ترازوست، تشرین اول همان عقرب است،

اخ‌ف‌قبا؟ ثبت الزمان، ظهر الزمان، کشف الزمان، و انا الرسول به سلطان مبین، وضع الشیء فی احسن وجهه علی اتقن وجهه، اول آخر آخر اول ظاهر باطن باطن ظاهر م‌م‌م‌م‌بام‌م‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر ۹۶۶۶ ان شاء الله، و السلام علی من اتبع الهدی- ۹۶/۵/۱۹ - ساعت ۱۹/۲۵-

توضیح: طرح دو الهی آب‌رسانی دوماهه به کل کشور از طریق غیرعادی - این نوشته نقطه یا ویرگولی و ... کم‌وزیاد شود باطل می‌شود - آنچه مشهود است اینکه فقط تا تاریخ ۹۶/۶/۶ هش و ۳۸/۱۲/۶ هق می‌توان این عمل را انجام داد و همه باید آمادگی داشته باشند و بعدازآن نمی‌توان مگر اینکه یک سال صبر کرد و از ۹۸/۸/۸ اگر عمل‌نکرده باشیم اتفاقات عجیبی در ایران رقم می‌خورد[۱]، آنچه باید امضاء شود و ما در تلویزیون در مقابل آقای دکتر حسن روحانی[۲] نشان می‌دهیم

---

۱ اتفاق‌هایی که از تاریخ ۹۸/۸/۸ تا امروز که ۹۹/۲/۹ است را خودتا مرور کنید تا کمی از جریانات را متوجه شوید: اجمالاً: آلودگی هوا و تعطیلی مدارس، آشوب و فتنه بر اثر بنزین، آشوب و فتنه بر اثر برخود موشک خودی با هواپیمای اوکراینی، سی‌ها، زلزله‌ها، گرانی عجیب که سکه تا ۶/۵ میلیون رسید، کرونا، تطیلی مساجد و مدارس، آموزشکاهها و حتی مراکز تجاری و و قرنطینه شهری و خانگی و تعطیلی مدارس بر اثر کرونا، نفت قیمت منفی پیدا نمود، گرانی اجناس، دو کشور لبنان و عراق دچار آشوب شدند و دولت به مشکل برخورد نمود، هجوم ملخها به ایران، تندباد و رعد و برق وحشتناک ...

۲ مهم حسن روحانی و ... نیست بلکه مسئولیت اجرایی انفطار السماء به عهده دولت می‌باشد لذا همانطور که در وصیتنامه بنده هم آمده است انفطار به عهده دولت است و تا زمانی که

۷۸۶ اخ‌ف‌قبا؟ ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن م‌م‌م‌م‌بام‌م‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر ۹۶۶۶ ان شاء الله، و السلام علی من اتبع الهدی

نتایج این لوح:

۱ ایجاد چاله جوی درون ایران

۲ سرد شدن پاییز و زمستان و خنکی بهار و تابستان

۳ آب خلیج‌فارس و دریای عمان و حتی خزر و ... به کل کشور انتقال پیدا می‌کند

۴ انتقال اختیاری و مورد نیاز آب در زمین‌ها بدون انتظار بارش باران و برف و تگرگ و ...

۵ تعطیل شدن بیشتر پروژه‌های آبی در حال اجرا

۹ اقدام به پر نمودن آب دریاچه‌ها و تالاب‌ها و ... بعد از دو ماه

۱۰ ورود به ترسالی در ایران

۱۱ لوله و کانال کنده نمی‌شود

۱۲ سدهای تولید برق پر آب می‌شود

۱۳ دو مصرفِ شدن آب در ایران

۱۴ پر شدن سفره‌های زیرزمینی

۱۵ ورود در عرصه صادرات آب که اگر این کار را نکنیم آب ایران را می‌برد و باید قوانین را امحاء کنیم که غیرمعقول است

۱۶ پایین آمدن قیمت برق و آب در ایران

۱۷ پر شدن لوله‌ها از بالا

۱۸ زیادشدن یون منفی طبیعی درون ایران

۱۹ هارپ و انفجار یون منفی و ... نیست و..

دولت حرکت نکند انفطار کامل را نمی‌توان انجام داد و لذا مسئول دولت باید قدم اصلی را بردارد.

قطره ۱۰۰۱ روش اول غیرعادی برطرف شدن خشک‌سالی ایران در عرض چند ماه - نه شهر جنی تاریخ ۹۶,۶,۲۷

بسم‌الله الذی خلق الانس و الجن و مایری و ما لا یری، خلق ما فی‌الارض و ما فوق الارض و ما تحت الارض وان تعدوا خلقه لا تحصی

شهادت می‌دهم که خداوند به علم و قدرت و حکمت نامحدود خود موجوداتی آفریده که از دایره علمی بشر خارج و شاید روزبه‌روز به بعضی از آفریده‌های خداوند آگاهی یابد و از این مجرا به خداوند متعال بیش‌ازپیش ایمان آورد، ازجمله آن موجودات، موجودات غیبی مانند جن و ملائکه می‌باشد، جنیان نیز مانند ما آدمیان دارای عقل و شعور هستند، آنان نیز مکلف هستند، مسلمان و غیرمسلمان دارند، شرور و فاسق و فاجر دارند و گاها زندگی آنان با منافع ما آدمیان تعارض داشته و چه‌بسا آسیب‌هایی از آنان متوجه ما گردد تا آنجا که در قرآن کریم به این مسئله پرداخته و یکی از سوره‌های قرآن به نام سوره جن نام نهاده شده است، درآیات مختلفی به مسئله جن و ارتباط آنان با آدمیان پرداخته است مانند جریان سلیمان و شیطان و...متأسفانه ما به این مسئله کمتر پرداخته و همین مسئله موجب شده راه برای غیر اهل آن باز شود و ما نیز از فواید این مسئله بی‌بهره گردیده‌ایم- تمام- و چشم دید و قلب راست حکم نمود و هم‌اکنون نیز راست گزارش نمایم، معبودا اگر در آنچه گزارش کنم دروغ‌گویم مرا از حول و قوه الهی بیرون و به حول و قوه خود واگذار نما و اگر راست گفتم مرا حفظ نما و آن‌کس که مرا از روی جهل انکار نماید اگر قابل هدایت نیست این دعا را در حقش مستجاب فرما به‌حق آن چیزی که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است ان شاء الله، در زیر آسمان به راه‌های آسمانی نگاه می‌کردم و از گذر زمان غمناک بودم که می‌توان چاله آسمانی را در ایران ایجاد کرد و خشک‌سالی را بدون هزینه و زمان چندانی برطرف نمود ولی کسی توجه نمی‌کند و چقدر خسارت از قبال خشک‌سالی متوجه ماست که زمینه آسیب به دنیا و دین را فراهم آورده و چه خطراتی از قبال خشک‌سالی در انتظار ماست که خطر مرگ میلیونی ایرانیان گوشه کوچکی از آن است که آب از چشم جاری شد، به زمین افتاد، در زیرزمین وارد شدم بدون آنکه زمین را کنده باشم، بدن‌درد گرفت مانند درد رد شدن از روزنه‌ای بسیار تنگ مانند دردی که مردگان از فشار قبر می‌کشند مانند دردی که مورچه از لِه شدن درک می‌کند و همه‌جای من درد گرفت حتی مو ناخن و این درد تا چند روز با من بود و خواب را از چشمانم ربوده

بود و صدای آه من بلند بود، موجوداتی عجیب دیدم، وصف آنچه دیدنی است برای کسی که ندیده سخت است، پیدا کردن کلمات برای وصف آنچه دیده‌ام بسیار سخت است، و سخت‌تر از آن تصور چیزی است که توصیف می‌کنم، نُه شهر بزرگ و مخوف و تودرتو با اشکال عجیب و پیچ‌درپیچ در زیرزمین ایران که جنیان در آن‌ها زندگی می‌کنند که تاکسی نبیند باور نکند و آنکه ببیند نتواند بیان کند، آنجا نه شبی بود و نه روزی یکنواخت اما پرتلاطم، اما در نیمه شب در آنجا وارد شدم، هر چه می‌رفتی راه ادامه داشت، وقتی مسیر رفته را نگاه می‌کردی راه تغییر کرده بود، آنان برای گسترش شهرهایشان زمین‌های ما را خشک می‌کنند، پس به‌سرعت زمین‌ها در حال خشک شدن و شهرهای جنیان در حال گسترش است، آبادانی شهرهای آنان و خشک‌سالی زمین‌های ما مانند دو کفه ترازوست که به یکدیگر بستگی دارد، جنیان برای زندگی و زادوولد به شهرهای جدید احتیاج دارند پس به‌سرعت تمام زمین‌ها را خشک کنند، لذا در تلاش‌اند تمام زمین‌ها را خشک کرده و بزرگ‌ترین امپراتوری را تشکیل دهند، شکل‌های آنان متنوع و مخوف است بعضی به بزرگی کوه‌ها و اقیانوس‌ها و بعضی به‌اندازه کف‌دستی هستند، بوی بسیار زننده، رنگ‌های آنان نیز متنوع است بعضی بی‌رنگ بعضی سفید و قرمز و زرد و سیاه، رنگ‌هایی که نمونه آن رنگ‌ها را ندیده‌ام، آنان به‌سرعت تغییر شکل دهند بعضی سر انسان در بدن مار، بعضی بدن درخت و سر جماد بعضی بدن بدون سر، هر شکل زیبا و زشت و مخوفی در آنجا بود بالاتر ازآنچه در ذهن ما بیاید، هرلحظه در شکلی جدید ظاهر می‌شدند مانند آتش بلکه آتش بودند ولی سرد، تاریک اما لحظه‌ای بعد به درخشندگی خورشید، بزرگ آنان از سوراخی بسیار کوچک رد می‌شد و کوچک آنان از سوراخ بزرگ رد نمی‌شد، از پایین می‌خورند و از بالا دفع می‌کردند، دائماً در حال خوردن و جماع و رقص بی‌وقفه و بدون خستگی، همه مست و عریان مانند مجسمه‌ای شیشه‌ای که باطن آن دیده شود خوردن جماع و جماع تولد بود، با هر آنچه نزدیکشان بود جماع می‌کردند، بدون آنکه صیغه عقدی خوانده شود، مادر با پسر و دختر با پدر، جماع آنان یکی شدن دو یا چند نر یا چند نر و ماده باهم بود، قانون و نظمی در نظر من نبود، هر که قوت بیشتر داشت حاکم می‌شد، زیبای آنان به زشت و کوچک آنان به بزرگ رغبت داشت، مؤنث به‌سرعت مذکر و مذکر به‌سرعت مؤنث می‌شد، معیاری برای مؤنث و مذکر وجود نداشت جز اینکه یکی بر دیگری وارد می‌شد و آن‌یکی قبول می‌نمود، ماده از نر زاییده می‌شد و مادر قبل از زاییدن می‌مرد و صدها بچه به دنیا میامد بچه در چشم بر هم زدنی بالغ می‌شدند و نعره بلند کرده و جفت‌طلب می‌نمودند، دائماً در حال خوردن و بلعیدن، چشم نداشتند اما از همه طرف می‌دیدند، گوش آن‌ها همان چشم و دهان همان گوش بود، گمان می‌کردی که پشت به تو کرده‌اند اما می‌فهمیدی که به غرور

نگاهت می‌کنند، اگر دور می‌شدی بزرگ‌تر می‌شدند و اگر نزدیک می‌شدی کوچک‌تر، اشرار آنان برای تفریح بر روی زمین آمده و مردمان را دچار مرگ‌های مرموز می‌کردند بدون آنکه اثر و نشانه‌ای باشد مرگی مانند کسی که به‌سرعت سِکته کرده، شاید علت سکته همان باشد، در آنجا همه جنیان شر بودند، پس علت بسیاری از مرگ‌ها آنان هستند، مردگان جنیان بر روی زمین افکنده شده و باد اجساد آنان را پراکنده می‌نمود و در بدن آدمیان وارد می‌شدند و آدمیان را دچار بیماری می‌کردند، بیماری‌های جسمی و روحی، پس علت بسیاری از بیماری‌ها نیز جنیان هستند، آنان گنج‌های بسیاری ذخیره کرده‌اند که ثروت بسیاری را به همراه دارد، اگر بدون سلاح بر خانه آنان وارد شویم بدون اثر و نشانه‌ای آنان وارد بدن‌های ما شده و هلاکمان گردانند، آنان به جماع با همه‌چیز و همه‌کس رغبت دارند مگر جماع با آب و جماع با آدمیان برای آنان لذت‌بخش است اما قبل از اینکه کامی دهند کام گیرند و هلاک کنند، کلام آنان نامفهوم اما آنچه فهمیدم شهرهای آنان به این نام‌هاست جِبلیس، شبلیس، وبلیسل، غبلیس، جِتان، شتان، وتان، غتان، جار، شهرهای آنان خشک و لم‌یزرع و آنان تنها موجودات زنده آن شهرها هستند، این شهرها در اکثر نقاط دنیا می‌باشد، به گمانم درمجموع کشوری واحد با فرمانروایی واحد باشد. اراده دارم دوباره طلب کرده و بار دیگر در شهرهای آنان وارد شوم، به گمانم هر چه بیشتر در زمین فروورویم عجایب بیشتری از آنان بدانیم، شهرهای آنان در اعماق زمین بود اما به سطح زمین بسیار نزدیک شده‌اند تا جایی که حتی گاها به روی زمین می‌آیند و چه‌بسا محل زندگی را به روی زمین بکشانند، شهرهایی به‌هم‌پیوسته پیچ‌درپیچ، بزرگ و محکم با دروازه‌هایی محکم، راه‌های آنان عجیب و اسرارآمیز که کسی که در آنجا وارد شود توان بازگشت ندارد و عاقبت او هلاکت است، به گمانم حتی جنیان نیز از اسرار شهرهای خود ناآگاه هستند مگر تعداد کمی، اگر اراده جدی داریم خشک‌سالی برطرف شده و مفاسد جنیان از ایران برطرف شود باید همه باهم در یک‌زمان دروازه‌های آنان را بازکنیم و این لوح مقدس را به همراه داشته باشیم

ی‌هوم‌م‌م‌ف‌ق ۶۶۶ غ‌ح‌ف‌ف ۶۶۶ ی ۶۶
اخ‌فقباه‌اادوب‌اب‌الحمدلله‌ان شاء الله

(اینجا شکلی وجود دارد که بعداً وارد می‌شود) و باید تمام مردم برای مقابله با آنان آماده باشند که اگر نباشند ممکن است اشرار آنان به ما آسیب برسانند و قبل از آنکه آنان بر روی زمین بیایند به‌آرامی در خانه‌های آنان از تمام دروازه‌ها آب جاری نماییم تا آنان به‌آرامی از ایران کوچ کرده و از

سرزمین ما خارج شوند در این صورت آب به زیرزمین ایران جاری‌شده جنیان مهاجرت کرده و خشک‌سالی برطرف شود، می‌توانیم با آب جاری‌شده دریاچه‌ها و چاه‌ها و سفره‌های زیرزمینی را نیز پر آب نماییم و آب را به زمین‌ها رسانده و دو مصرفِ نماییم، بیماری‌های جسمی و روحی کم شده و نشاط به جامعه برگردد و بسیاری از پریشانی‌های روحی از بین رود و میزان مرگ نیز کم شود، که البته مرگ دست خداست و فواید بسیاری که در این اندک زمان قابل‌بیان نیست، در حقیقت خانه‌های محکم جنیان برای ما بهترین راه‌های انتقال آب است، بهترین آبی که برای واردکردن در شهرهای جنیان وجود دارد آب دریای عُمّان است، برای دروازه‌های دیگر جنیان که از دریا بسیار دورند باید چاره‌ای اندیشید ولی وقتی جنیان کوچ کردند تنها از دریای عمان آب جاری می‌شود و البته شهرهای آنان به هم متصل است و تنها در بین آن‌ها دروازه وجود دارد، شیرین سازی باید در ابتدا انجام شود تا اکوسیستم زمین مشکلی پیدا نکند، بعد از نقل این جریان جناب آقای مهندس هاشمی طبا قول دادند[۲۰۵] شیرین سازی را ما انجام می‌دهیم، آنچه مهم است انتقال است، و ما هم قول دادیم که می‌توان محل دقیق دروازه‌های آنان را پیدا نمود، البته الگوی شیرین سازی را که از طریق توسل به دست آورده‌ایم نیز موجود است، این نکته ضروری است که خانه‌های جنیان آن‌قدر محکم است که حتی اگر شیرین سازی هم نکنیم آب ذره‌ای از خانه آنان به اطراف زمین جاری نمی‌شود و اکوسیستم را خراب نمی‌کند ولی اگر در ابتدا شیرین سازی انجام شود بهتر است، اگر همه باهم این کار را نکنند در بین ما جنگ شود و کار معکوس گردد و ایرانیان به جان یکدیگر افتاده تا جایی که جنیان بر تمامی مردم غلبه نمایند و ایران خشک و لم‌یزرع شود و می‌توانیم به لطف خدا ان‌شاءالله، این الگو ما را به مرز صادرات آب و قطب اقتصاد دنیا تبدیل کرده و با این الگو می‌توانیم جنیان سایر کشورها را نیز از زمین‌های حاصلخیز خارج کنیم و در اینجا ایران به قطبِ قدرتِ مبارزه با اَبَر بحرانِ جهانی مبارزه با خشک‌سالی تبدیل می‌شود و زمینه تحولات عظیمی در جهان پدید می‌آید که پرچم‌دار آن ایرانیآن‌طرفدارِ اسلامِ ناب هستند. ما نمی‌خواهیم جنیان را قتل‌عام نماییم، اما حقیقتاً اشرار آنان در حال نابودی خاک و ملت ما و سایر کشورها هستند، پس ما حق‌داریم آنان را از زمین‌های حاصلخیز کوچ دهیم، سود گروهی از انسان‌های مادی و دنیاپرست در گروی گسترش شهرهای جنیان می‌باشد لذا بعد از اعلامِ عمومیِ این مطلب آنان با ما مبارزه خواهند نمود که البته در برابر سیل عظیم ملت راه بجایی نخواهند برد. پس برای پیروزی بر جنیان باید سوره جن را خواند و از سلیمان قرآنی و حقیقی[۲۰۶] الگو گرفت و با توکل و صبر و تلاش بر آنان غلبه پیدا نمود و باید از جنیان آبی را نیز استفاده کرد که آن بحثی جدا دارد، بله جنیان آبی دشمن جنیان خاکی هستند که تقویت آنان ما را در پیروزی

بر خشک‌سالی یاری می‌نماید. اذن داده شد دوبار این شهرها را در صورت فراهم بودن شرایط نشان دهم تا همگان باور نمایند که یک‌بار بار آن برای تمامی ایرانیان است، خوف آن دارم که قبل از ما با الگوی خشک‌سالی و انتقال آب یهود دست بکار شده و در این جنگ خانمان‌سوز از ما پیشی گیرد چراکه بعید نیست این جریان توسط یهود هدایت‌شده باشد، زمانی طولانی در آنجا بودم اما وقتی برگشتم در اینجا چند لحظه‌ای بیش نگذشته بود، جسم خود را بر روی زمین دیدم که در سجده است و استغفار می‌کند و مدام می‌گفت **الحی القیوم**، بدن از شدت عرق خیس شده بود مانند کسی که شنا کرده باشد آن لحظه از خود بیخود بودم، به خود آمدم پس ترسیدم که روح از بدن کامل منقطع شود که ای‌کاش نترسیده بوده، بار دیگر نیز چنین شد اما ذکر را رها کردم و دیگر آن جریان تکرار نشد پس فهمیدم چقدر از توحید دور و ترسانم که از انقطاع روح از بدن ورود به عالم دیگر می‌ترسم، پس خدایا ما را یاری کن تا بر ترس خود غلبه نماییم، آن‌کس که گمان بُرد آنچه گفته‌ام را تصور کرده دورتر از دیگران است چراکه وصف جنیان و آن شهرها برای دیگران مانند وصف دنیا برای بچه در شکم مادر است درحالی‌که بچه نه کلامی می‌داند و نه تصوری دارد، پس چیزی را نمی‌تواند تصدیق کند و اگر انکار نماید جهل خود را ظاهر گردانده نه اینکه چیزی را باطل کرده باشد، آنکه دیده تصدیق نماید، آن‌کس که معیار عقل دارد احتمال دهد، خوشا به حال این دو گروه، آنکه انکار کند حالش معلوم است و احتیاجی به بیان ندارد، پس انسان‌ها سه گروه هستند عالم که سعادتمند است، و جاهل بسیط که خوشا به حال او، او به‌زودی عالم شود، و جاهل مرکب که صد آه بر او که نمی‌داند ولی می‌گوید میدانم و عالم را نفی کرده او خود و دیگران را منحرف کند پس خدایا ما را از جهل مرکب و بسیط نجات ده و به علم و حق و عین‌الیقین برسان.

این متن محرمانه بوده و از نشر آن پرهیز نمایید ولی می‌توانید اهل فهم و عقل را از این مطلب آگاه نمایید. این جریان در اردیبهشت ۹۶ برای بنده حاصل شد ولی بنا به دلایلی در این تاریخ آن وقایع را نوشته و تاکنون به غیر مطالب شفاهی اقدام به نگارش و گزارش آن جریان ننموده‌ام، هم‌اکنون آن حالات را ازدست‌داده‌ام و جریانات بسیار بیش ازآنچه بیان شد بوده است اما امهات مطلب آن است که نوشته‌ام. اعلام می‌دارم درصورتی‌که مسئولین جدی گرفته و همکاری نمایند با توسل و اعمال شرعی حاضرم برای برطرف شدن خشک‌سالی دوباره آن علوم و قدرت‌ها را به دست آورده و محل دقیق دروازه‌های ورودی را به دست آوریم تا خشک‌سالی برطرف شده و مفاسد

جنیان از ایران برطرف شود این مطالب را در این زمان نگاشتم که اثبات شد پریشانی ذهن ندارم و هذیان نمی‌گویم و بارها امتحان نموده‌ام که آیا آنچه دیده‌ام در سلامت بوده و یا در پریشانیِ ذهن، که به‌یقین رسیده‌ام دیده‌ای رحمانی بوده و نه شیطانی و دلیل آن این است که می‌توانم در صورت فراهم شدن شرایط آن مطالب را نشان دهم. قم المقدسة شیخ علی بهرامی نیکو ۹۶/۶/۲۷

فهرست مهم‌ترین کتاب‌های مؤلف

۱ ترجمه‌یِ شیعی قرآن

جزء ۳۰ قرآن را ترجمه‌یِ شیعی نموده‌ام و اگر هزینه داشته باشم می‌توانم یک گروه تشکیل دهم و تمامیِ قرآن را ترجمه‌یِ شیعی نمایم، که طبق برآورد بنده ۸ ماه طول می‌کشد، این ترجمه با توجه به روایات و مصداق شناسیِ بطن آیات تنظیم گردیده است، و قاریِ آن با خواندنِ ترجمه اسلامِ حقیقی را کشف می‌نماید، به‌غیراز ترجمه‌یِ آیات، لغت‌های مهم و سختِ هر آیه در بالای همان لغت ترجمه‌شده است و در صفحه‌یِ مقابل خلاصه و اصل و اساس بعضی از معارف آیات توضیح داده‌شده است و دلیل ترجمه آیات نیز ذکرشده است، اگر بتوانم این ترجمه را تکمیل نمایم کتابی بین ترجمه و تفسیر می‌باشد که بسیار موجز اصلِ باطن آیات بیان گردیده است.

۲ کتاب. (نقطه) [۲۰۷]

در این کتاب از مقامات نورانی و معرفتی اهل‌بیت ع بحث نموده و نهایت معرفتی که در رابطه با اهل‌بیت ع با دلایل عقل و نقل به دست آورده‌ام را مرقوم می‌دارم، دلایل ما در این کتاب قرآن و روایت و عقل می‌باشد لذا در این کتاب برای هر طایفه از اهل عقل و نقل دلیلی که موردقبول آنان است را ذکر نموده‌ایم و با توجه به آن دلایل ترجمه دقیق و جدید از آیات قرآن و بعضی از زیارات مانند زیارت جامعه کبیره را ذکر نموده‌ایم مؤلف حق نشر را از خود ساقط نمود و اجازه‌یِ انتشارِ آن را به عموم دادم، این کتاب را در چهل نقطه تنظیم نموده‌ام، رحمت به کسی که کتاب را نشر دهد، ترجمه کند برای دیگران بخواند و توضیح دهد و حتی ردیه بر این کتاب بنویسد و از رحمت خدا دور باشد کسی که کتاب را تحریف کند و قسمتی از کتاب را بدون توجه به مطالب دیگر نقد نماید و دروغ و گزاف نسبت دهد.

۳ جاده‌یِ پنهان

زمانی که دیدم طوایف و اقشار مختلف جامعه‌یِ ایران به دنبال حل مشکلات و رسیدن به قله‌یِ اقتدار هستند اما راهکار اصلی را نمی‌دانند و به کتاب هزار و یک قطره ...بی‌توجه هستند به دنبال این شدم تا تمامیِ اندیشمندانِ هر حوزه اعم از فرهنگ و سیاست و اقتصاد و مذهبی و غیرمذهبی و ... را به این نقطه از اندیشه برسانم که آن اهداف تنها زمانی قابل‌تصور است که زیرساختِ اصلیِ جامعه‌یِ ایران مهیا شود، لذا آیه **و جعلنا من الماء کل شیء حی** را ملاک قرارداده و با توجه به این آیه مبحثِ آب و خشک‌سالی مطرح نمودم و مباحث اقتصادی، فرهنگی، فردی و خانواده و اجتماعی و امنیتی و سیاست خارجی و ... را با توجه به این آیه بحث نمودم، خواننده‌یِ این کتاب از هر قشری که باشد به این نتیجه می‌رسد که برای رسیدن به اهداف بلندش ابتدا باید مسئله خشک‌سالی در ایران برطرف شود، این کتاب آماده است و تنها باید ویراستاری و تنظیم گردد، در این کتاب از راهکارهایِ برطرف شدن خشک‌سالی و نقد راهکاریِ موجود بحثی نکرده‌ام که امثالِ این مطالب در کتاب هراز و یک قطره ... بحث شده است.

۴ اگر گوش می‌دادند

اگر در زمان حیاتِ مادیم نتوانم مشکل خشک‌سالی را آن‌چنان‌که توصیف کرده‌ام حل نمایم این کتاب بعد از مرگ یا شهادت بنده در دسترس عموم قرار می‌گیرد، برطرف شدن خشک‌سالی از منظر بنده یعنی اینکه ایران به نقطه‌ای برسد که در هر نقطه از آن پُتانسیل کشاورزی و ساخت‌وساز وزندگی وجود داشته باشد، در این کتاب از بیست امر دیگر به‌غیراز آب که لازمه‌یِ رسیدن به این نقطه است صحبت نموده‌ام ولی اولین آن بیست‌ویک امر آب است، اگر به کلام ما در مورد آب گوش دهند بقیه‌یِ آن امور نیز بیان می‌گردد و بدون آب آن بیست امر نیز اَبتر خواهد بود.

۵ شش رساله

اگر در زمان حیاتِ مادیم نتوانم مشکل خشک‌سالی را برطرف نمایم وصیت‌نامه‌ای اجتماعی دارم که در هنگام دفن بنده قرائت می‌شود، و در آنجا باز به مسئله آب تأکید نموده‌ام و از موضع خود دفاع نموده‌ام و در آنجا اعلام نموده‌ام بازهم آمادگی این رادارم که مشکل را برطرف نمایم لذا در صورت آمادگی نظام برای برطرف نمودن خشک‌سالی متن نامه باید در رسانه‌های جمعی

خوانده شود، بعد از نامه اول نامه دوم در اختیار قرارداده می‌شود و همین‌گونه تا نامه‌یِ پنجم و در نامه‌یِ ششم شهود جمعی وعده داده‌شده در کتاب هزار و یک قطره انجام می‌گردد و تمامی مردم یقین به قطره ۱۰۰۰ کتاب هزار و یک قطره می‌نمایند و شروع پایان خشک‌سالی در ایران رقم می‌خورد، نامه‌ها خلاصه‌ای از کتاب جاده‌یِ پنهان است و نامه‌یِ ششم شهودِ جمعی قطره ۱۰۰۰ کتاب هزار و یک قطره و کلید کتابِ اگر گوش می‌دادند می‌باشد، مجموع نامه‌ها در دست افراد مختلف است و هیچ‌یک از دیگری خبر ندارد و قوت این نامه‌ها زمان بردار نمی‌باشد لذا حتی اگر صدها سال هم بگذرد بازهم قوت علمی مطالب بر جای خود ثابت است.

۶ الواح

مجموعه‌ای از طلسمات شرعی که آثار خاصی را در بردارند، این کتاب تا زمان حیات در نزد بنده است و بعدازآن به دست یکی از علماء ربانی سپرده می‌شود، و این کتاب در دست عموم قرار نمی‌گیرد، در این کتاب از بطلان سحر و دفع جن نیز بحث نموده‌ایم و قطره ۱۰۰۱ از کتاب هزار و یک قطره نیز در این کتاب می‌باشد.

۷ ابابیل

مجموعه‌ای از دعاها و ختومات و الواح و اذکار و اعمال شرعی جهت برخورد معنوی با ظالمین مانند دعای سیفی، طمطام، حرز یمانی، دعای قاموس، جوشن صغیر، دعای مباهله، دعای سَحَر، ختم اسامی جلالی، ختم سوره‌های فیل و تبت و مجادله و ق.. می‌باشد، این کتاب همانند کتاب الواح به دست یکی از علماء سپرده می‌شود.

۸ نقد کتاب مقدس

مجموعه‌ای از مباحثی که پیرامون مسیحیت داشته‌ام که هم‌اکنون به‌صورت دست‌نویس می‌باشد، در این کتاب از تثلیث و سَنَدیَّت کتاب مقدس و تناقضات کتاب مقدس، نسخه‌های مختلف انجیل، انجیل بارنابا، مکاشفات یوحنا، نقش پولس در مسیحیت، احکام عهد عتیق و جدید و مقایسه احکام در تورات و انجیل و قرآن، بشارت‌های کتاب مقدس، تفاوت ترجمه تفسیریِ کتابِ مقدس با سایر ترجمه‌ها و ... بحث نموده‌ام.

۹ شافی

تاکنون ۶۰ سخنرانی پیرامون مباحث طبی داشته‌ام و نوشته‌های مطالب نیز موجود می‌باشد، مباحث مطرح‌شده پیرامون معرفی مزاج‌های بلغم، سودا، دم، صفرا، ریح، مزاج جِبلّیه، مزاج سن،

مزاج بیماری، مزاج‌های عارضی، قواعد کلی برای فهم مزاج هر یک از اشیاء مادی و ... چهار عدم تعادل مزاج که تقریباً مابقی بیماری‌ها به آن‌ها برمی‌گردد را بحث نموده‌ام و ده بیماری عمده که باعث بیماری‌های بسیار دیگری می‌شوند مانند: سردی، غلظت خون، قند خون، فشارخون، بیماری‌هایی که ناشی از غلبه سودا و بلغم و دم و صفرا است و درمان بازگشت انسان به تعادل، توصیه برای هر مزاج و هر سن و ...

۱۰ بادیه

مجموعه نوشته‌های متفرقه مانند نقد سید حسن آقامیری، پیاده شده مناظرات بنده با افرادی مانند اللهیاری، عباس فتحیه، سوشیانس و ... و نوشته‌های متفرقه که تاکنون داشته‌ام مانند اتاق فکر حل مسئله، مبارزه جهانی با داعش، دجالواره، بررسی داعش از درون، و طرح‌هایی که تاکنون ارائه داده‌ام ....

نوشته‌های دیگری نیز موجود است اما آنچه عیان است بنده قبل از اینکه نویسنده باشم سخنران بوده‌ام و تازه‌وارد نوشتن مطالب شده‌ام و از خدا و اهل‌بیت ع کمک می‌خواهم تا مرا در این راه یاری فرمایند، یکی از کتاب‌هایی که در نظر دارم تألیف نمایم رَدِّ نظریه‌یِ بیگ بنگ از منظر عقل می‌باشد.

۱۱ اِذا فَرَغتُ

مجموعه تلاش‌هایی که برای رساندن مبحث آب نمودم.

عزیزانی که مبحث بیان‌شده بنده را می‌خواهند می‌توانند به سایت t vshi a**.com** مراجعه فرمایند و که تقریباً هزار و پانصد سخنرانی در مباحث مختلف در آنجا می‌باشد، عزیزانی هم که شبکه‌های ماهواره‌ای دارند و به زبان‌های مختلف فعالیت دارند آرشیو دوازده هزار سخنرانی به هفده زبان موجود می‌باشد که می‌توانند در شبکه‌های ماهواره‌ای و یا شبکه‌های کابلی و محلی استفاده نمایند البته این دوازده هزار سخنرانی باکیفیت اینترنتی در سایت ذکرشده موجود است برای ارتباط با بنده می‌توانید با این شماره تماس حاصل فرمایید ۰۹۳۹۲۳۷۵۲۳۴

قسمتی از دفاعیه اول بنده در دادگاه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک‌وتعالی: **يا أيهَا الَّذينَ آمَنُوا اجْتَنبُوا كثيرًا منَ الظَّنِّ إنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يغْتَبْ بَعْضُكمْ بَعْضًا أيحبُّ أحَدُكمْ أنْ يأكلَ لَحْمَ أخيهِ مَيتًا فكرِهْتُمُوهُ**

خدمت دادگاه ... و قاضی محترم حجت‌الاسلام و المسلمین ...: سلام‌علیکم

نمی‌دانم برای چه چیزی بنده به دادگاه احضار شده‌ام اما اگر برای بحث آب باشد این مطالب را عرض می‌نمایم:

هرگونه اتهامی را علیه خود را مردود میدانم لذا درخواست دارم:

۱- بنده تاکنون در دادگاهی حضور پیدا نکرده‌ام و از آداب و مراحل دادرسی‌ها بی‌اطلاع هستم درخواست دارم پرونده را در اختیار قرار داده تا دفاعیه خود را به‌صورت مفصل بنویسم.

۲- درخواست دارم پرونده را در اختیار قرار دهید تا برای خود وکیل معین نمایم، چراکه رسماً اعلام می‌کنم به علت اینکه تاکنون در هیچ دادگاهی حضور نداشته‌ام از نحوه دفاع در دادگاه بی‌اطلاع می‌باشم و چه‌بسا دادگاه را با غیر آن اشتباه بگیرم و انتخاب وکیل حق قانونی است که هر فرد دارا می‌باشد.

۳- درخواست دارم تمامی شهودی را که علیه بنده اقامه شهادت کرده‌اند را در درگاه حاضر نمایید، تا ضمن تبرئه نمودن خود علیه آنان شکایت تنظیم نمایم، این‌جانب اعاده حیثیت می‌نمایم و رسماً اعلام می‌دارم شهود و کسانی که علیه بنده پرونده ساخته‌اند یا خائن هستند و یا جاهل.

۴- از قاضی محترم درخواست دارم بعد از پایان دادرسی نامه‌ای جهت اختتام پروند و تبرئه شدن در اختیار بنده قرار دهند تا زبان بدگویان کوتاه گردد و به هرگونه که شرع مقدس حکم می‌نماید ازاینجانب دفاع نمایید چراکه قضیه ما شخصی نیست، آنچه بنده دنبال می‌نمایم مربوط به‌تمامی دین و ملت، مربوط به آیندگان است، آنان که امروز بجای تعقل و استماع حرف‌های بنده با عینک بدبینی به ما نگاه کردند در فردایی نزدیک مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرند و آن روز پشیمانی سودی ندارد.

خدمت قاضی محترم عرض می‌نمایم بنده در مبحث آب بیش از ۲۰۰ صحبت کوتاه و بلند نموده‌ام و هم‌اکنون نیز مشغول تألیف کتابی بسیار مهم می‌باشم، و با افراد بسیاری نیز صحبت نموده‌ام که می‌توان به این افراد اشاره نمود: دفتر ... در تهران، آیت‌الله ...، جناب آقای ... مشاور آقای ... در مجلس، جناب مهندس ...، جناب آقای ... در مجلس، جانشین ... سردار.، سرلشکر ...، سردار ...، آیت‌الله ...، آقای ... و ... و بعضی از اساتید حوزه نیز در جریانات هستند، دودسته بنده را انکار می‌نمایند یک دسته افراد خائن که ویرانگی دین و ملت را می‌خواهند و یک دسته کسانی که جهل دارند، خیانت جرم است ولی جهل جرم نیست اما اگر جاهلی، جهل خود را معیار قرار دهد و علم را کنار بزند حتی اگر در کوتاه‌مدت پیروز شود در مدت بلند محکوم خواهد لذا برای رفع جهل مشغول تألیف هزار

و یک قطره هستم، با تمام احترامی که برای دادگاه قائل هستم از باب روشن نمودن قضیه تنها عرض می‌نمایم دادگاهی نمودن بنده بی‌شباهت به دادگاهی نمودن گالیله نیست، باید بدانیم دادگاه اصلی بنده جلسه ۵ ساعته ۹۶،۸،۳ در تهران بود که ۶ نفر دکترای آب با دقت به صحبت‌های بنده گوش می‌دادند در آخر سه مطلب بیان شد الف: یکسری مطالب شمارا می‌دانستیم و شما هم‌میدانید- بحران آب و خوشحالیم که طلاب ورود کرده‌اند- ب: یکسری مطالب برای ما جدید بود و قبول کردیم- اینکه در ایران هیچ راه‌حل نجات‌بخش برای بحران آب وجود ندارد- ج: یکسری مطالب خارج از حیطه علمی ماست – راه‌حل انفطار السماء و پر کردن خانه‌های جنیان – البته بسیار تلاش کردند رد کنند اما نتوانستند و درنهایت بین خود آن‌ها بحث شد که کدام‌یک از این دو راه‌حل بهتر است- مفصل جلسه را خواهم نوشت.

در آخر درخواست دارم اگر دادگاه محترم دلایل یقینی بر محکومیت بنده دارد کار امروز را به فردا نیندازد و همین امروز بنده را اشد مجازات نماید چراکه ما قرآنی هستیم، قرآن می‌فرماید: **لا یحب الله الجهر بالسوءمن القول الا من ظلم و کان الله سمیعا علیما**

این بازرسی می‌تواند نطفه عطفی در کمک به حل بحران آب باشد درخواست دارم یک صورت‌جلسه از این دادگاه را در اختیار بنده قرار دهید تا برای ... ارسال نمایم، همین الآن هم در محضر دادگاه محترم میگویم بعد از جلسه با ... اگر مورد تکذیب قرار گرفتم و دروغ‌گو یا اشتباه کننده بودم هر کیفری را قبول دارم و بدانیم هرگونه جرمی که برای بنده گفته‌اند خطوات شیطان بوده و پیروی از ظن و گمان بوده که محکوم است [۱].

قسمتی از دفاعیه بلند بنده در دادگاه که از آن دادگاه بعد از ۵ جلسه تبرئه شدم [۲]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب که مورد اعتراض ما بوده است:

مقدمه: درخواست از دادگاه ...

---

[۱] توضیح این دفاعیه قبل از جلسه اول دادگاه هنگامی که از طرف دادگاه احضار شدم تنظیم گردید.

[۲] متن کامل دفاعیه را که ۸۸ صفحه است را نمی‌توانم بیاورم و تنها بنده رونوشتی از پرونده تهیه نمودم و قسمتهای مهم اتهامات را پاسخ دادم

۱. رزومه کامل درج نشده است اما
۲. نوشته‌شده از سال ۱۳۷۹ با سید علی نجفی آشنا شدم
۳. حذف نمودم
۴. نوشته‌شده با این افراد ارتباط دارم
۵. نوشته‌شده آخرین فعالیت مربوط به سال ۱۳۹۱ بوده که جهت فعالیت ۱۵۰ میلیون تومان از ... دریافت کرده‌ام:
۶. حذف نمودم
۷. بحث سردار سلیمانی و روش مبارزه سردار سلیمانی، کامل نیامده
۸. چرا تی وی شیعه تعطیل شد
۹. در متن گزارش بعید دانسته شده که بنده طرح آنتی طرز فتنه ۲۰۲۰ را در ...بحث کرده باشم،
۱۰. حذف نمودم
۱۱. وی با صراحت اعلام کرد امور از راه‌های غیرعادی حل شود بهتر است و از راه دعا حل می‌شود:
۱۲. برج دو اعلام نمودم به ...
۱۳. در متن گزارش آمده که سه روش بنده برای مبارزه با خشک‌سالی ....
۱۴. در متن نوشته‌شده است که من گفته‌ام: این مطلب مطالبه رهبر انقلاب است:
۱۵. نوشته‌شده من گفته‌ام این کار را از طریق خزائن مرحوم نراقی انجام خواهم داد، با کمک اسماء الله.
۱۶. نوشته‌شده گفته‌ام مشکل را فهمیده‌ام چه کنم که دیگران نمی‌فهمند:
۱۷. چرا این کار را خودتان انجام نمی‌دهید؟
۱۸. چرا اصرار دارید رئیس‌جمهور شمارا تأیید کند؟
۱۹. مشکل کم‌آبی در کشور به دلیل عدم مدیریت منابع آبی به وجود آمده است و حدود ۹۲% آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، روش آبیاری غرق آبی موجب خشک شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها شده است.
۲۰. چه لزومی دارد چاله هوایی ایجاد کنیم؟
۲۱. شما چه تخصصی دارید؟
۲۲. خشک‌سالی در ایران و قحطی ۱۰۰ سال گذشته مربوط به عدم مدیریت و اوضاع سیاسی و تبعات جنگ‌های جهانی بوده است؟
۲۳. مگر ما در آن زمان عرفا و مشاهیر نداشتیم چرا به این روش شما و یا استفاده از کتاب خزائن هیچ اشاره‌ای نشده است؟
۲۴. اینکه میگویید من می‌فهمم یعنی چه؟ منشأ این فهم کجاست؟ این چه نوع استدلالی است که مطرح می‌کنید؟ هر کس بیاید بگوید من می‌فهمم سنگ روی سنگ بند نمی‌شود؟
۲۵. اگر حرف شما صحیح باشد باید هدف مهمی برای کشورهای غربی باشید؟

۲۶. این‌همه نامه‌نگاری با مسئولین چه معنایی دارد؟
۲۷. حذف نمودم
۲۸. چرا حرف‌های علماء مخصوصاً ... برداشت به تأیید خودتان می‌کنید؟
۲۹. چرا در فضای مجازی از لباس روحانیت برای پیشبرد اهداف خودتان استفاده می‌کنید؟
۳۰. هیچ کجا مانند ... به شما گوش نخواهد داد، اگر روند بررسی ادعاهای شما رنگ قضایی به خود بگیرد رویه چیز دیگری خواهد شد.
۳۱. چرا یک طلبه باسابقه کار فرهنگی، فیلم‌سازی باید چنین ادعای به این مهمی را انجام دهد؟
۳۲. مورد تمسخر قرارگرفته‌اید و باعث وهن روحانیت شیعه شده‌اید؟
۳۳. عرفا میگویند امور باید از راه طبیعی انجام گیرد و خدا ابا دارد که امور از راه غیرطبیعی انجام گیرد؟
۳۴. با اسماء الله در ایران سیل را می‌افتد را چگونه می‌توان در قابل امور طبیعی گنجاند؟
۳۵. یا ادعای معجزه و کرامت دارید و یا اینکه به امور غیرطبیعی علاقه دارید؟
۳۶. به دلیل ادعاهایتان انگ اعتیاد به شیشه و تریاک به یک روحانی زده‌اند ناراحت نیستید؟
۳۷. کدام نهاد علمی و قانونی در کشور نظرات شمارا تأیید می‌کنند؟
۳۸. بهتر نبود قبل از اعلان عمومی ابتدا نتیجه‌ای از اعلان خصوصی خودت می‌گرفتید؟
۳۹. حذف نمودم
۴۰. عملکرد دولت خوش‌بین نیستم مشکلات زیادی گریبان گیر کشور می‌شود
۴۱. در مورد آب اگر می‌خواهند می‌توانم ۹۶،۶،۶ را برگردانم.
۴۲. حذف نمودم
۴۳. در هر زمینه از توانایی سطحی برخوردار است
۴۴. برخی از بیانات در خصوص فهم شخصی به نحوی است که گویی نامبرده مورد الهام و عنایت قرار می‌گردد و خود وی در این امر دخیل نیست.
۴۵. جریان حمله داعش به ایران
۴۶. چرا میگویم من می‌فهمم.
۴۷. اوراد برای انتقال آب خلیج‌فارس حاوی علوم غریبه بود این در حالی است که استفاده از علوم غریبه را رد کرده و مدعی بود من همه ادعاهای خود را از طریق دعا پیش خواهم برد لازم به ذکر است که علوم غریبه با توجه به شاخه‌های آن شامل پیش‌بینی آینده نزدیک هم می‌گردد و در بین اساتید این علم امری بعید نیست.
۴۸. با توجه به تمسخرآمیز بودن و غیرعقلانی بودن ادعاهای نامبرده و اصرار بر ادامه فعالیت انتظار می‌رود تبعات نامناسبی نسبت به حوزه و عدم پاسخگویی نهاد حوزه نسبت به این مطلب ایجاد گردد.

۴۹. بحث اجنه و ذکر و توانایی آنان
۵۰. تذکر می‌دهد هر کس ظرفیت مطالب مربوط به اجنه را ندارد از کانال خارج شود
۵۱. همچنان که پیش‌بینی‌شده بود استفاده از علوم غریبه و مطرح کردن خود به‌عنوان فردی که می‌تواند با استفاده از ظرفیت اجنه نسبت به اقدامات خارق‌العاده در سطح ایران اقدام کند در دستور کار وی قرارگرفته است.
۵۲. نامبرده قصد دارد طبق ادعایش از توانایی جسمی و خاص اجنه جهت انتقال آب به مرکز و شمال ایران و همچنین ساخت سدها و مدیریت سیلاب‌ها استفاده کند.
۵۳. دیدار با آقای ...
۵۴. سوءاستفاده از تقریرات علماء، ...
۵۵. حذف نمودم
۵۶. فیلم ۳۰ دقیقه‌ای تمسخرآمیز اسیری در دستان داعش
۵۷. حذف نمودم
۵۸. نامبرده در اقدامی دیگر متن‌های مختلفی در خصوص کم‌آبی، خشک‌سالی و قحطی تهیه‌کرده و نسبت به تأیید آن توسط اعضای جامعه مدرسین و مراجع اقدام کرده است
۵۹. آقای بهرامی تأیید وجود کم‌آبی در ایران توسط برخی از بزرگان را تأیید اقدامات و ادعاهایش دانسته و نسبت به نشر آن اقدام کرده است
۶۰. با توجه به دیدار انجام‌شده و مشاهدات صورت گرفته از نحوه رفتار، چینش مطالب و سخن گفتن، پراکنده‌گویی، نیاز شدید به توجه، نیازمندی اقتصادی، خود را عارف‌مسلک نشان دادن و ... به نظر می‌رسد نامبرده به حاشیه رانده‌شده و با مطرح کردن چنین ادعایی قصد بازگشت به صحنه را دارد، با توجه به مصاحبه انجام‌شده و رؤیت حرکات و ادعاهای آقای بهرامی نمی‌توان به‌آسانی این‌چنین حرکات و ادعاهای وی را ناشی از اختلال مشاعر وی دانست، بلکه سطحی‌نگری در همه رشته‌ها، بی‌برنامگی در تحصیل، هدفمند نبودن در امور علمی، مشهور بودن در عرصه فرهنگ و به حاشیه رفتن در مدت‌زمان کوتاه و بدهی ۳۲۰ میلیون تومانی را می‌توان از علل ادعاهای مطرح‌شده توسط وی بیان کرد. درهرصورت با توجه به تبعات منفی ادعاهای نامبرده نسبت به حوزه و روحانیت و تمسخر اقدامات و فعالیت‌های وی در فضای مجازی و به دلیل مؤثر نبودن تذکرات ارائه‌شده به وی در جلسه توجیهی لازم است برخورد بازدارنده‌ای با وی انجام شود.
۶۱. اختلال اسکیزوفرنی، پایه وراثتی دارد (درصحنه تروما) در ناخودآگاه وی تأثیر گذاشته است، و در این اختلال فرد باورهای عجیب‌وغریب پیدا می‌کند و یا تجربه‌های ادراک غیرمعمول را ابراز می‌دارد.
۶۲. هذیان
۶۳. خودش هدهد و رهبر سلیمانی که بی‌خبر است
۶۴. تجربه‌های ادراک غیرمعقول نیمه‌شبی
۶۵. ۳۵ میلیون بدهی دارد.

۶۶. خانواده نامبرده از کارهای وی به ستوه آمده است.
۶۷. همسایه و خویشاندان او را دیوانه می‌دانند.
۶۸. به لوح نمی‌توان اعتماد کرد، لوح از کجا آمده
۶۹. از کجا معلوم الهی بوده است
۷۰. مکاشفات شیطانی بوده است.
۷۱. چرا خودم اقدام نمی‌کنم.
۷۲. مثال به عرفان حلقه که مثل آن را ادعا می‌کنم.
۷۳. بدون اجازه اجنه اذیت می‌کردند.
۷۴. این لوح شیطانی است.
۷۵. نماد ۶۶۶ یک نماد مقدس برای آن‌هاست.
۷۶. الهامات غیر الهی
۷۷. علوم غریبه نزد امامان بوده و از استفاده نهی کرده‌اند.
۷۸. برای امور دنیایی استفاده نکرده‌اند.
۷۹. من زیر بار آزمون نرفتم و زیر سؤال بردن آزمون
۸۰. تلاش شد شیطانی بودن القائات تفهیم شود.
۸۱. لحن می‌گوید به هر کشوری می‌رود.
۸۲. ارتباط از خارج کشور منافقین و اطلاعات عراق
۸۳. نظریه راه‌حل ما غیرمعقول و خطرناک است
۸۴. فرقه انحرافی خواهد داشت
۸۵. ملاکی برای سنجش رحمانی و یا شیطانی بودن نیست.
۸۶. تکلیف محور است تکلیف محور است ولی تکالیف خود را از راه‌های غیرمعقول دریافت می‌کند.
۸۷. احتمال بیدار شدن من توسط اساتید هم نیست.

قال الله تبارک‌وتعالی: **يا أيهَا الَّذينَ آمَنُوا اجْتَنبُوا كثيرًا منَ الظَّنِّ إنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يغْتَبْ بَعْضُكمْ بَعْضًا أيحِبُّ أحَدُكمْ أنْ يأكلَ لَحْمَ أخِيهِ ميتًا فكرِهْتُمُوهُ**

مقدمه:

خدمت دادگاه .... و قاضی محترم حجت‌الاسلام و المسلمین ...: سلام‌علیکم

هرگونه اتهامی را علیه خود را مردود دانسته و اعلام می‌دارم این بازرسی می‌تواند نطفه عطفی در کمک به حل بحران آب باشد درخواست دارم یک صورت‌جلسه از این دادگاه را در اختیار بنده قرار دهید تا برای ... ارسال نمایم، همین الآن هم در محضر دادگاه محترم میگویم بعد از راستی

آزمایی اگر مورد تکذیب قرار گرفتم و دروغ‌گو یا اشتباه کننده بودم هر کیفری را قبول دارم و بدانیم هرگونه جرمی که برای بنده گفته‌اند خطوات شیطان بوده و پیروی از ظن و گمان بوده که محکوم است.

بعد از مطالعه اولیه پرونده اعلام می‌دارم:

۱- بیش از ۱۲۰ مورد در پرونده بنده وجود دارد که یا دروغ است و مطالب به نحوی ارائه‌شده اشتباه برداشت می‌شود مثلاً مطالب به‌صورت تقطیع شده آمده است لذا درخواست دارم ضبط سه فایل صوتی را به‌صورت کامل پیاده شده و تایپ گردد تا مطلب را روشن نمایم.

۲- مطالب عنوان‌شده در پرونده بعضاً ادعای بدون دلیل می‌باشد.

۳- بعضی از مطالب ارائه‌شده در پرونده که جنبه تحلیلی دارد جنبه سلیقه‌ای و نظر شخصی می‌باشد، مانند اظهارنظر در مورد کیفیت تولیدی محتوای سایت تی وی شیعه

۴- جرم بنده بعد از مطالعه پرونده معلوم نگردید درخواست دارم دقیقاً تفهیم جرم گردد تا بنده از خود دفاع نمایم.

۵- درخواست دارم در مورد گزارش .... نویسنده آن اوراق را احضار نمایید تا در محضر قاضی محترم ضمن اثبات اکاذیب درج‌شده در گزارش آنان رسماً بطلان میزان سنجش افراد توسط آنان را به چالش بکشانم، رسماً اعلام می‌دارم که آن گزارش دروغ بوده و کسی که عهده‌دار سنجش افراد در آن مرکز می‌باشد فردی است عمامه‌ای که به اسم اسلام با روانشناسی غربی عمل می‌نماید و نتیجه آن دیوانه دانستن مؤمنین می‌باشد و نویسنده آن گزارش به علت عدم آگاهی از اسلام بافته‌های روانشناسی غربی را قبول نموده و با عمامه رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم حکم غرب را به اسم اسلام منتشر می‌نماید، یعنی اسلامیزه نمودن غرب.

۶- بین گزارش ... و گزارش ... پارادوکس وجود دارد، گزارش .... می‌گوید بنده مشکل روحی ندارم ولی دروغ میگویم و یا ... ولی گزارش .... می‌گوید بنده مشکل روحی دارم. در پرونده‌ای که خود شاکیان یکدیگر را محکوم می‌نمایند جای دفاع برای متهم نیست قبل از دفاع توسط خود ابطال‌شده‌اند.

۷- درخواست دارم به علت دروغ‌های مکرر احقاق حق گردیده شود.

۸- درخواست وکیل دارم

۹- مطالب تقطیع شده است

۱۰- مطالب وارونه گردیده است

۱۱- باکمال بی‌انصافی مطالب درج گردیده است

۱۲- سؤال آمده ولی جواب ما نیامده

۱۳- سؤالی که در متن آمده اصلاً در جلسه مطرح نبوده اگر سؤال مطرح کرده بودند جواب را می‌شنیدند.
۱۴- درخواست دارم فیلم جلسه را نیز بیاورند تا بعضی از مطالب ادعایی را اثبات نمایند، آنان از نحوه رفتار بنده صحبت کرده‌اند، باید معلوم شود که چه رفتاری را گفته‌اند.
۱۵- گزارش‌های مختلفی به ... تحویل دادم چرا آن گزارش‌ها پیوست نشده است.
۱۶- عاجزانه درخواست دارم شاهد و دلایلی را که ... به آن استناد کرده و رفتار خانوادگی بنده را آن‌گونه که در گزارش درج‌شده توصیف نموده را احضار کرده تا در حضور دادگاه شهادت دهد، متأسفانه ... چندین بار با همین بافته‌ها مانع از امور بسیار مهم شده است، و هیچ‌گاه نیز جوابگو نیستند، و آن‌گونه که خود مشاهده فرمودید خانواده بنده حاضرشده و بطلان آن گزارش نیز معلوم گردید.

ریز مواردی که در لایحه علیه بنده موجود بوده که بنده به آن اعتراض دارم:

رزومه کامل درج نشده است اما

- نوشته‌شده از حاج‌آقا حق‌شناس جدا شدم در حالی جداشدنی نبوده، (تقریباً) سال ۷۵ بود که یکی اطرافیان حاج‌آقا ایشان را به میدان هروی (بالای شهر تهران) نقل دادند، و دلیل آن بیماری حاج‌آقا بود که هوای نقاط پایین‌شهر به علت آلاینده‌های زیاد هوا برای حاج‌آقا مضر تشخیص داده شد، البته بعدازآن دسترسی به حاج‌آقا برای ما مشکل بود چون فاصله ما با حاج‌آقا زیاد بود.
- رزومه:
  - ✓ از سال ۷۳ تاکنون دائماً سخنران در هیئت‌ها و مساجد
  - ✓ استاد حوزه که تماماً به علت تبلیغ مجبور به رها کردن استادی بوده‌ام
  - ✓ تبلیغ در راهیان نور
  - ✓ اردوهای جهادی مناطق محروم: دانشجویی سازندگی، تبلیغی، بعضاً طبی در مناطق شیعه و سنی
  - ✓ تبلیغات اینترنتی و راه‌اندازی مجموعه‌ای کلان تی وی شیعه
  - ✓ امور بسیار دیگری نیز بوده مانند تبلیغات در مترو، در استادیم آزادی، در اتوبوس‌ها، در ماهواره، و فیلم‌سازی، رمان‌نویسی، مناظرات متعدد، ترجمه کتاب، ساخت اپلیکیشن، و طراح طرح‌های تبلیغی کلان

- ✓ سال ۷۲ برای جنگ در غرب کشور به کردستان رفتم و سال ۹۴ به خیل مدافعان حرم پیوستم
- ✓ بارها مستند زندگی جهادی بنده در نقاط محروم کشور از تلویزیون سراسر پخش گردیده است
- ✓ بارها دو مستند فعالیت فرهنگی بنده در سایت تی وی شیعه از شبکه‌های مختلف سیما پخش گردیده است
- ✓ در رادیو خاطرات و مباحث مربوط به سوریه از شبکه معارف پخش گردیده است
- ✓ عناوین مختلف که در نمایشگاه‌های مختلف کسب گردیده است مانند مجموعه برتر تبلیغات نوین کشوری دفتر تبلیغات و مجموعه برتر حزب‌الله سایبر و ...

نوشته‌شده از سال ۱۳۷۹ با سید علی نجفی آشنا شدم

درحالی‌که آشنایی بنده به دوران سال اول و دوم طلبگی برمی‌گردد و بنده با مباحث آسید علی نجفی آشنا شدم و البته بیشتر مباحث معرفتی را از ایشان یاد گرفته‌ام.

در سال ۱۳۷۹ برای مبارزه با مواد مخدر ایرانشهر رفتم

به ذهنم میاید اینجا اشتباهی بود ولی بله در سال ۱۳۷۹ به ایرانشهر رفتم و مدت کمی آنجا بودم و به علت مشکلات پذیرشی به تهران بازگشتم

نوشته‌شده با این افراد ارتباط دارم:

حاج.، آقای ...، حاج ...، ...، فکر کنم جوری نوشته‌شده بود که بعید به نظر می‌آمد، اگر شک دارید از آن‌ها بپرسید، ... و.. که ارتباط داشته و اگر کاری هم داشته باشم ارتباط خواهم داشت اصلاً یکی از علل کمک به بنده ... بوده است، ایشان در جریانات فتنه ۸۸ در خانه ما آمد و یک مصاحبه جنجالی داشتند که آن مصاحبه به علت مبحثی که خود ایشان داشتند سال‌هاست در ذهن ایشان مانده است، ... نیز مسئول ... و از همسایگان ما بوده که در مباحث مختلف بنده با ایشان صحبت نموده‌ام، ... و ... نیز ازجمله افرادی بودند که هرکدام یک‌بار در برنامه ما شرکت کردند و اتاق آنلاین داشتیم.

متن صحبت حاج ...، در بازدید از موسسه [1]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بهرامی: صلوات و قل هو الله

[1] این متن سخنرانی پیاده شده ... در بازدید از مجموعه تی وی شیعه بوده که در سال ۱۳۹۳ ایراد گردیده است.

همه باهم، قل هو الله احد....

بهرامی:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. در خدمت ... هستیم و یکی از حمایت‌های اصلی‌ای که از مجموعه تا الآن بوده به لحاظ مالی، توسط ... بوده. خودم پشت ایشون بودم. توفیقات خیلی عجیبی نصیب ایشون شده و این حرکتی که انجام شد توسط ... که در این چند سال که واقعاً فوق‌العاده بود که حالا بعداً خدمتتان می‌گویم.

اما درباره کار خودمان، چون یکی از حمایت‌های اصلی مجموعه، البته تمام این‌ها بحث اینکه خدا حمایت کرد، هم شروع کار باخداست، هم ادامه کار باخداست، البته این را امروز می‌گویم، حدود ۴۰ ماه است که کار شروع‌شده، تمامش خدا بوده و ما اطمینان داریم تمام‌کارهایی که شده، خیر ما در این اتفاقاتی بوده که افتاده، اما برای اینکه شما در جریان باشید اتفاقاتی که افتاده را، و بدانید که اگر کار شروع شد به چه نحوی بود و اگر خللی در کار ایجاد شود، البته این را هم بگویم که کار به هیچ نحوی تعطیل نمی‌شود، و این نه ربطی به من دارد و نه بستگی به مجموعه شما دارد، قرار است گفتمان سازی شود، و آن‌کاره‌ای بسیار زیادی که ما هنوز شروع نکردیم و شما به ما اطمینان نکردید، این کارها را قرار است هرکسی به‌اندازه خودش کمک کند. ما برنامه‌مان را در چند بخش تقسیم می‌کنیم: یکی گزارشی هست که هرکدام از بچه‌ها می‌دهند و من درخواست دارم که رعایت وقت بشود. و بگویید که اهل کدام کشور هستید و چه‌کارهایی کرده‌اید. یک قسمت دوم این است که به سؤالات آقای.. جواب می‌دهیم و قسمت سوم هم این است که پای صحبت‌های ... هستیم که ببینیم ما چه جرم و جنایتی کردیم که این کار در اولویت قرار نگرفته و باید تعطیل شود. صلوات بفرستید.

تقریباً ما ۵۰ نفر نیروی خارجی داریم که خیلی هاشان نیستند و همین تعداد نیرو هست.

طلاب خارجی مجموعه خود را معرفی کرده، گزارشی از وضعیت شیعه در کشور خود می‌دهند.

آقای ...:

من چند دقیقه با بچه‌ها صحبت بکنم، بعد جلسه خودمان.

بهرامی:

۴ تا سؤالی که مطرح کرده بودید

آقای ...: ذهن بچه‌ها با مسائل مالی مشغول می‌شود. من ۷ ـ ۸ دقیقه دیگر باید بروم. بعداً یک جلسه مفصلی بنشینیم درباره آینده مؤسسه و حمایت و پشتیبانی باید فکر کنیم.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. اولاً خسته نباشید و خدا قوت. دوما ما آقای بهرامی را توی خیلی شلوغ‌پلوغی‌های فتنه و درگیری‌هایی که بعدش شد، در یک‌شبی ما را برد خانه‌اش و پخش کرد صدای زنده ما را، الآن هم که بزنی می‌گوید ... گفته ما خون دادیم، هر کی جرئت داره بیاد خون بده. ما را آنجا یک دعوا درست کرد بین ما و اونها.

ما سر یک کار انقلابی باهم آشنا شدیم. این‌ها که جنس ما از یک جنسه. فرقی بین ما نیست. اشتباه نشه. چون در صحبت‌ها این بود که چی شده اینجا حمایت نشده، اینجا انقلابی نیست! اینجا

حزب‌اللهی نیست! این دیوار و عکس‌ها و دردهایی که در دل شماست، این را که نمی‌گوید. این نیست.

یک سؤالی را دوستانی که داشتند حمایت می‌کردند، ازاینجا داشتند که آن‌هم ناقص ماند، سؤال ناقص ماند و جواب هم ناقص ماند. همه‌چیز ناقص شد. شاید به لحاظ دینی و مذهبی داریم یک کار ویژه دینی و مذهبی می‌کنیم، ولی الآن دعوای ما در خارج سر همان شیعه وهابیت است، سر ... و ... و ... که نیست. اونجا دعوا سر شیعه وهابیه. هرکی میخواد جبهه انقلاب رو بره تو خاک‌ریز، این دعواست، این را می‌فهمیم کاملاً. آینه که این مجموعه رو با یک نگاه انقلابی باهاش آشنا شدیم کاملاً.

دوم اینکه ما کی هستیم؟ این را هم شما بدانید که یک موقع انتظارمون و توقعمون از حمایت همدیگه درست باشه. اولاً اینکه همه ما بچه‌های انقلابی و حزب‌اللهی هستیم و پای انقلاب و امام زمان و پای امام خامنه‌ای و خمینی و شهدا و این‌ها. نه بنگلادشی داره نه تایلندی، نه نیجریه، نه هندوستانی، همه یکی هستیم. حتی شمارا میهمان و خودمان را میزبان نمی‌بینیم در این کشور. ما می‌گوییم همه یکی هستیم. شما می‌گویید که مرزها موضوع ما نیست، اعتقادات موضوع ماست، واقعاً اعتقاد ما آینه. ما میگیم اربعین که همه باهم میریم پیاده‌روی کربلا، همه باهم یکی هستیم، یعنی همون جماعت اربعین، نه اونجا عراقی موضوعه، نه ایرانی، نه اروپایی موضوعه نه پاکستانی نه بنگلا، همه میریم زیارت. کل انقلاب اسلامی یه نماز جماعته. حالا داره به امامت آقا خونده میشه تا ان‌شاءالله اون نماز اصلیه تو مسجد کوفه به امامت امام زمان بخوانیم. خبر دیگه ای نیست. حالا در یکجا جامعة المصطفی داریم با یک امکاناتی، یکجا تی وی شیعه داریم با یک امکاناتی. اصلش یکی است، حالا به قول شما یکجا یه میلیارد خرج می کنن، خروجی کمه، یکجا شمارا می برن جلو، میگن همایش بین‌المللی. اون خدا به دلامون و به نیتمون.

این‌یکی، یکی دیگه هم ما تو جنگ یه چیزی یاد گرفتیم، اونم امام یادمون داد که با دست‌خالی جنگیدیم، خدابرکت بهمون داد. حالا دست‌خالی توی دریا بود، دست‌خالی تو خشکی بود، تو کوه‌ها بود، امروز میریم تو عراق، همه میگن حاج قاسم سلیمانی، میگن خامنه‌ای، میریم تو لبنان، بالاخره یه روز اسرائیل می‌گفت نیل تا فرات مال منه، می‌خواست تا فرات بیاد، حالا اونورش حزب‌الله بهش میزنه، اینور هم بچه‌های غزه بهش میزنن. مونده اون لایه چکار کنه. تکون هم که میخوره، از ما که ۷ تا میکشه، ازش ۱۷ تا میکشه. یعنی این‌جوری دیگه نیست. در اون ساعتی که میخوره، در همون ساعت می خوره، به نامردی میزنه، به مردی میخوره. معادله فرق کرده، اون یه تویوتا از ما میزنه، ما یه زرهی ازش می‌زنیم. گفتمانی هم، انقلاب اسلامی امروز داره دریچه هاش پخش میشه همه‌جا. من خودم خیلی کشورا رو رفتم گشتم. یا دوستان دارن میرن، یا همین اخباری که آقای بهرامی داره به ما میگه، یا همین‌که مثلاً شما میگید در یه روز ۳۰ هزار نفر میان روی سایت، ما روبرومون میدونیم چه سایتهائیه دیگه. چه سایتهایی وهابیت با پول نفت، چه تولیداتی، چه هنری، چه گرافیکی، چه یوتیوبی و نمیدونم چه از این چیزایی که من خیلی وارد نیستم توی فضای مجازی. حالا اینور مگه ماچی داریم؟ توی زیرزمین ۴ تا آدم نشستیم آگه این آجرا و این سقف‌ها توی کله شما نخوره مثلاً. چی دارید در مقابل اونور؟ ولی ما خدا رو داریم.

یه روزی واقعاً تو خاکریزا، ما هیچی نداشتیم در مقابل این تانک‌ها، حالا این حاجی میدونه، می‌گفتیم الآن میان از روی ما رد میشن، پاتک بود، عملیات بود، شاید عقب‌نشینی هم کردیم، مفقود جا موند، ولی می‌بینیم استخون اون مفقود یه کشور را بهم میریزه، ۳ ـ ۴ تا شهید میاد یه

دانشگاهو بهم میریزه، اون روز غصه داشتیم از اون مفقودها، اما امروز با پیدا کردن استخوناشون مسروریم. اونروز محزون بودیم، امروز از بازگشتشون مسروریم. پس میگم خدا اونا رو واسه یه روزی نگه‌داشته بود.

پس آگه این کارا داره به غربت انجام میشه، غربت نه یعنی اینکه این الآن پول نداده، اون پول داده، نه، مثلاً ما وقتی اینجا می‌نشینیم، به قول شما این کامپیوترا همش عتیقه است، آثار باستانی و گردشگری احتمالاً میان اینا رو با خود شما مصادره کنن نگهتون دارن. شیخ هم که یکی از این عتیقه‌هاست. این‌ها رو ببرن. حالا یکی هم شاید بمونه به ما خبر بده که شما رو بردن.

آینه که شاید الآن به این غربت هستید در مقابل امکانات صداوسیما، در مقابل امکانات خیلی از این مراکز پژوهشی، ولی آگه یه چیزی اخلاص توش باشه، خدا توش باشه، خدا درستش میکنه، اصلاً دست من و شما نیست.

همین بدو بدویی که این شیخ میکنه، رو موتورش میشینه گاز میده میره، میاد، اونی که برای انقلاب کار می کنه، اصلاً خوابی نمونده، ما خوابهامون کیلومتری می‌خوابیم، قم تا تهران یه ساعت خواب، قم تا اهواز ۶ ساعت خواب، کیلومتری خواب ما تنظیمه، هواپیما هم که میشینیم، می‌ترسیم سقوط کنه اصلاً نمی‌خوابیم. خیلی دیگه خوابی نمونده، گذاشتیم شب اول قبر آگه خدا بذاره، اونجا بخوابیم.

آینه که آگه شیخ این‌جوری داره میدووه، خدا حاجی رو میرسونه، خدا شما رو می رسونه، روز اول خودش بود و یه کامپیوتر توی خونه. قطعاً **إن مع العسر یسراً**. قصه موسی همش إن مع العسر یسرا بوده. اینکه خدا ما رو گرفتار کرد، به قول حاج آقا دولابی گرفتار نشدی، مثل ماه‌گرفتگی داره یکی رو میگه ماه‌گرفته، یار گرفتگی یعنی یار گرفتدت. ارباب میگیره آدمو خلاصه خوشش میاد به آدم بلا میده.

آینه که من می‌خواستم بگم یک: خسته نباشید، دو: خدا قوت، سه: باورتون باشه این کارا به اخلاصه، شاید آگه اسلام شناسا بیان بشینن، بگن یه گوشش هم اشکال داره، اصلش انحراف نیست، اصلش خلاف نیست، اصلاً نیت بدی نیست، اصلش چهره شدن شما نیست، چون کارا میره رو آنتن، خیلی ضرر داره، یکی حسادت می کنن و خلاصه چشم نظر می‌خورید، ور می‌پرید، یکی هم اونوریها می‌میرند، از جا میزنن. به خاطر همین حسادت‌ها پیغمبر فرمود خیلی از این‌ها که مردند از چشم نظر مردند، اصلش اشکال نداره، این کاری که می‌کنید، خدابرکت میده. و مال عوام آینه که از تو حرکت، از خدابرکت، مال شما آینه که چون حرفای خدا رو دارید به خلق‌الله میرسونید، از خدابرکت از شما حرکت. این من الحق الی الخلقه. خدا برکت میده، مهم نیست، منو میاره اینجا میگه ببین ... تا اینجا تو توفیق داشتی، حرفارو هم بهت گفتیم، دیگه تو توفیق نداری. چون خدا با زبون بی زبونی یه حرفایی رو به ما میزنه. مهم آینه که حرفای خدا رو با گوش دلمون بشنویم، حالا نشنویم هم شب اول قبر با افهم یا فلان و یا فلان حالی مون میکنن. آینه که اعتقادی که دارید، هیچ کار حق هیچ‌گاه تعطیل نمیشه، ماه هیچ موقع پشت ابر، کار حق هیچ موقع تعطیل نمیشه، ۱۵ خرداد ظاهراً تعطیل شد قیام امام، ولی ۱۵ سال بعد، شاید امروز یه خورده پول کم میشه، من وقت نیست الآن بگم، ما در این ۳۰ سال انقلاب، شخص خود من، که هرکدوم از بچه انقلابیا، خود حاجی

آگه امروز پرونده رو رو کنه برای خودت، چقدر ما بالا پایین رفتیم، چقدر جاها به مو رسید اما پاره نشد. اصلاً وقت نیست برای شما بگم. کجاها ما زیر بودیم، رو اومدیم، مگه برا خدا قیام کنید. **قل انما اعظکم بواحدة**، آینه که این کار برای خداست، حالا هرکی هرچقدر ازش برمیاد، یه اعتقاد دیگه هم من دارم خیلی اعتقاد دارم به این چیزا، و اونم اینکه آگه مأموریت رو امام زمان داده، پولشم میده، حمایتشم میکنه. ما مأمور به این کاریم نه مسئول این کار. ما جزء مسئولین نظام نیستیم، ما جزء مأمورین نظامیم. این مؤسسه جزء مأمورینه نه جزء مسئولین. مسئولین اونائی هستن که سروقت فیش حقوقی میگیرن. به همین خاطر توی جبهه یه بنده خدایی بود شهید شد، اون حاج حسین حقگو بهش گفت چرا یه بار میری تیربارچی، یه بار میری آرپی جی می‌زنی یه بار میری تخلیه شهدا مثلاً، توی بیمارستان. گفت: به من میگن کجا برو، یعنی حواله است، حکم اربابه، آگه این زیرزمینی برا امام زمان درست شده، به ما چی اصلاً، ارباب میخواد درشو ببنده ببنده، وظیفه ش آینه که بره بگه، داد داد، نداد نداد. یعنی من معتقدم مأمورین، پشتیبانی شون باهمون کسیه که مأموریت میده، یعنی با جمکران، آگه مرحوم بافقی می‌رفت تو جمکران پول می‌گرفت از امام عصر، میامد می‌داد به آشیخ عبدالکریم که شهریه بده، ما نباید اینجا بگیم که مشکل پول داریم. چون یه جایی یهو می‌بینی تلویزیونه زیاد نشون میدتمون یهو هوا میگیرتمون. ماشینه یه ذره ریب می خوره. اگرم ریب خورده، به کاربراتوره سر بزنید، به جای دیگه سر نزنید. ما مشکل مالی توی جمهوری اسلامی نداریم، ما مشکل مالی اصلاً تو عالم خلقت نداریم. همه خزائن غیبی مال ماست، هرجا ریب خورد یه جا هوا گرفته، کاربراتور، ماشین ریب می خوره، و شاید هم دارن ما رو آماده می کنن برای یه تکاف بلندی. این به دروتمون برمیگرده.

لذا من اعتقاد دارم این کاری که برای خداست، خدا پولشا میده، حالا شاید توفیق به ... نده ها، امروز هم شما برای ما گزارش دادید، حالا شاید من نتونم از پول اون سازمان بدم، اون سازمان مأموریتش یه چیز دیگه است. نه، شاید من امروز پول تو سازمان نداشته باشم که بدم، یعنی این دومی هست، یعنی ما الآن اینقدر بدهکاریم که این روزا شاید با سنگ شیشه‌های ساختمون مارو بشکونن. چراکه به همه گفتیم برو بکن برو بکن، همه رفتن کردن، اومده، دولت و ملت پولا بهم ریخته دیگه، مملکت اوضاع پولیش، دلار، نفت، تحریم، ولی این مانعی نیست که آگه من یه بازاری رو می‌شناسم و اون شیعه رو قبول داره، ورش ندارم بیارمش اینجا، اون که ربطی به سازمان من نداره که، اون که ربطی به بی پولی من نداره که، اون یه چیز دیگه است. آگه این کارا رو من قبول دارم، یا این کارا درسته به اعتقاد لا یکلف الله نفساً إلا وسعهای ما.

پس در نتیجه این که شما باید به همه بگید، حالا اون آیت‌الله، اون مرجع، اون دفتر، اون بیت، اون بیوت، اون... اون ...، اون ...، اون سایبری، بده یا نده، آگه این کار به قول شما اون CD رفته ایام محرم میذارن گوش می کنن، دستگاه امام حسینه دیگه، میذاره اون مداحی و اون سخنرانی و اون روضه، اون ذکر مناقب و اون مدح و اون مصیبت رو گوش می کنه، خود اهل‌بیت اینجا رو می رسونن.

کار آقای بهرامی هم حالا پایین نرفته. هر روز بالا رفته، ان شاءالله از جنس رفع الله رایت العباس هم هست، از جنس اونایی نیست که بره بالا سقوط کنه، حالا کار آقای بهرامی هم پایین نرفت، بله حالا ۵۰ نفر بودن، ۱۰ نفر موندن، اون یه چیز کلیه، اون الآن‌یکی از چیزایی که شاید به ایشون اومدیم یه مباحثه‌ای که کار چیه، محتوا چیه، ولی کلاً یه بی پولی تو مملکت شده، کل مملکت‌ها.

خودتونم می‌بینید دیگه، رکود و تورم و اقتصاد و نفت و دلار و این دولت و همه مون، همش یه مجموعه است.

ما هم در ...، این را هم بگم ... بنیادی است که پشتیبانی می‌کنیم انجیوهای مردمی را، در جبهه فرهنگی انقلاب. شما کار شیعه رو تو خارج کشور می‌کنید، جبهه است دیگه، ولی به ما مأموریت بین الملل رو اصلاً نداده‌اند. یعنی به ما گفتن تو بین الملل وارد نشوید، اصلاً وارد نشوید. این حالا ربطی نداره که ... برود از کسی دیگر پولی بگیرد یا گوشی ببرد، ما در ...، اون بین الملل رو گفتن حاج ....، بین الملل رو گفتن ...، بین الملل رو گفتن آقای ...، بین الملل رو گفتن ...، بین الملل رو گفتن .....

به ما گفتن تو این ... پولی که به شما میدیم حق ندارین تو بین الملل خرج کنید. چرا، ما مجموعه‌های بین المللی که تو ایران دارن کار بین المللی می کنن رو دور هم جمع کردیم، مجمع فعالان. مثلاً آقای بهرامی هم بیاد بشینه، ولی اجازه فعالیت به ما ندادن. اون چیزی که ما پشتیبانی کردیم، تا قبل از این بود که اجازه فعالیت ندهند. داریم رایزنی می‌کنیم که یک کاری کنیم کمک کنیم، ته نداره، فکر نکن خودتی، تو هر سوراخی تو قم میری، یکی داره یه کاری می کنه، تو هر زیرزمینی تو هر اتاقی یکی داره یه کاری می کنه، خیلیش هم فضای مجازیه چون هزینه ش کمتره، خیلیش هم آموزشیه، خیلیش هم تربیتیه، ما صبح تا شب داریم میریم بازدید می‌کنیم، همه ش رو من رفتم دیدم.

اون موقع که این پولا رو به ایشون داده بودیم، هنوز به ما نگفته بودند نه، و به ما هم نگفته بودند که بیایید سؤال کنید. به همین خاطر، حالا پولی هم نبوده .....، ولی من دنبال اینم که ببینم، الآن دارم فکر می‌کنم که ما از کجا می تونیم کمک به شما بکنیم، کسی هم نیست تو تهران من ندیدم که یقه منو نگرفته، سرلشکر ...، سردار ... و سرباز فلانی و سروان فلانی، که به داد این بهرامی برس. ای خدا بگم که این بهرامی نکیر و منکر شب اول قبره، که من هرچی فکر می‌کنم می‌بینم آگه انقلاب یه مشت مثل این بهرامی داشت، کارش رو زمین نبود، ما خودمون این کاره‌ایم ها، ما آخر این کاره‌ایم، و آخر آدم شناسی هستیم. شماها هم به عشق و ارادت خدا و پیغمبر و اسلام و شیعه دورش جمع شدید. این دیگه معادله نداره، به قول خودش حقوق که نگرفته، یه موتور هم که داره، توی زیرزمین هم شما رو با این کامپیوترای قدیمی چپونده، ول کرده رفته، روبروتون هم این‌همه آدم که داره از دست میره.

حالا ما یه سؤالای دیگه ای باهم داشتیم که من گفتم بزرگتر این جمع، شیخ این جمع، آیت‌الله این جمع، آینده و عقبه فکری این، ببین، ما رفتیم خدمت آقا، ۲ / ۲ / ۹۲، یه سال و چند ماه پیش، نشستیم یه سه ساعتی خدمت آقا گزارش دادیم، همین کارای خاتم که آقا داریم به بهرامی کمک می‌کنیم، داریم به کی کمک می‌کنیم، همین حرفا. آقا چی گفت؟ آقا به ما، که کیا نشتسن؟ آقای ... نشسته بود، آقای ... نشسته بود، آقای ... نشسته بود، همه یه مشت آدمای اینطور نشسته بودند، فرمودند که: انحراف، انحطاط، تحجر، در انتظار شماست اگر عقبه مبانی نظری و فکری شما قوی نشود.

حالا مگه ما رفته بودیم چی چی داشتیم می‌گفتیم؟ می‌گفتیم مثلاً مؤسسات مردمی رو که مثلاً خودشون کلی آدم بالاسرشونه، و آدمای خوبی هستن و بالاسرشون ۴ تا عالم و آیت‌الله است، کمک

می‌کنیم. ما کاری نمی‌کنیم. ایشون گفت نه، شما وقتی دارید کمک می‌کنید، باید مراقبت بر محتوای علمی و فکری و فقهی اونا بکنید. اونا مؤسسه خود بهرامیه، به ما ربطی نداره، گفت: نه، انحراف، انحطاط، تحجر در انتظار شماست اگر عقبه مبادی نظری خود را قوی نکنید.

من یه بار با بهرامی تلفنی داشتیم حرف می‌زدیم، نشد حضوری ببینیم، یه بار حضوری دیدیم توی خاتم، که گفتم آقای بهرامی خیلی مراقبت کن این کاری که داری به اسم شیعه می‌بری رو آنتن، خیلی عقبه هاشو قوی کن. خیلی عقبه‌های فکریشو قوی کن. حالا بذارید صحبت ما در این جمع عمومی تموم بشه، ما، چه شخص .... که در جبهه فرهنگی انقلاب‌داریم می‌دویم، من خودم میرم تا کشمیر، تا زیر مرز نمی‌دانم چین و گوشه مرز پاکستان را همه را می‌بینم و دور می‌زنم، چه میریم اونور چه تایلند و همه را رفتیم گشتیم، چه اندونزی، چه مالزی، چه آفریقای جنوبیش، چه روسیه ش، جایی نیست که ما سرنزده باشیم، یا اینقدر همه تشنه‌اند، یا اینقدر وهابیت داره پول خرج می کنه، آینه که قشنگ می دونیم، یعنی ما اینجا دیگه از جنس تشریفاتی وزارت خارجه که ما نیستیم، ما هم مثل شما مردمی هستیم، بگذارید من یه دوری بزنم ببینم کجاها می تونیم چه‌کارایی بکنیم، یه بار هم با ایشون بشینیم با حاج آقا بشینیم ببینیم مسائل مالی اینجا چقدره، هر کاری از دستمون بیاد ان شاءالله کمک می‌کنیم. صلوات.

بحث سردار سلیمانی و روش مبارزه سردار سلیمانی، کامل نیامده

- درحالی‌که بازجو از من سؤال کرد چه اشکالی دارد و بنده جواب دادم، اجمال جواب این بود که بنده گفتم جنگی که فقط تعیین‌کننده آن جنگ زمین جنگ باشد این جنگ محکوم به شکست است و بعد بنده توضیح دادم که در جنگ تبلیغات و تولید کتاب و فیلم و .... از ارکان می‌باشد و ما این مباحث را نداریم و الگوی جنگ ما کامل نیست و در این الگویِ اشتباه ما هر چه در زمین جنگ موفق‌تر باشیم درنهایت دشمن قوی‌تر می‌شود چراکه دشمن از کشته خود شهید می‌سازد و شهید تقویت آن جبهه را به همراه دارد، درحالی‌که پازل جنگی دشمن کامل است
- و در سخنرانی جدید که پیرامون داعش داشتم نیز دوباره مبحثی ۳۰ دقیقه‌ای در رابطه با شکل‌گیری جدید داعش در منطقه داشتم مبحث جنگ‌های اکوسیستمی که نوع ارتقا یافته جنگ‌های نیابتی است را مطرح نموده‌ام اگر لازم باشد سخنرانی را فلاش تحویل دهم

پیدایش داعش با الگوی جدید/ جنگ‌های اکوسیستمی / نیو داعش/ داعش جدید در منطقه
۵۲۷۸۳http://www.tvshia.com/fa/content/

- متن زیر پژوهشی کوتاه در مورد مبارزه صحیح با داعش می‌باشد، که به دست جانشین سردار حاج قاسم سلیمانی یعنی سردار قاآنی و بعض دیگر از فرماندهان داده‌ام[۱]

در متن گزارش بعید دانسته شده که بنده طرح آنتی طرز فتنه ۲۰۲۰ را در دانشگاه ... بحث کرده باشم،

- خوب می‌توانید زنگ بزنید و از آن دانشگاه جویا شوید جناب ... مدعو بنده بودند. تلفن ایشان...
- متن زیر فعالیت تحقیقی بنده در رابطه با فتنه ۲۰۲۰ می‌باشد: [۲]

وی با صراحت اعلام کرد امور از راه‌های غیرعادی حل شود بهتر است و از راه دعا حل می‌شود:

اولاً: مطلب بسیار واضح است اگر کسی به علل فرا مادی علم دارد آیا ازآنجا امور را حل نماید بهتر است یا خیر؟ مگر اسلحه انبیاء دعا نبوده است؟

ثانیاً: مگر نبوده‌اند علمایی که بسیاری از امور را از راه غیرعادی حل می‌نمودند؟ آیا نمازهای بارانی که علماء خوانده‌اند را فراموش کرده‌ایم؟ مگر شیخ بهایی نبود که برای جلوگیری از طاعون طلسمی را نوشت که باعث شد طاعون دور شود؟

ثالثاً: اعلام می‌کنیم راه‌های عادی متداول ایران را به مرگ می‌کشاند، و نفرین آیندگان را برای ما به همراه دارد، خشک‌سالی نه‌تنها مرگ میلیونی ایرانیان را به همراه دارد بلکه از بین رفتن باغ‌های ما را نیز به همراه دارد، خالی شدن سفره‌های زیرزمینی ما را نیز به همراه دارد، دامداری ما به‌زودی ویران می‌شود، کشاورزی ما نیز ویران می‌شود، از همه بدتر زمین و خاک ایران به علت خشک‌سالی در حال مردن است، و اگر آب‌رسانی کمی طول بکشد آیندگان ما خاکی برای کشاورزی ندارند و باید غذای خود را از خارج وارد کنند، و در آن زمانی چیزی برای خرید غذا نداریم جز اینکه کشورمان را بفروشیم، جز اینکه زن و مرد کشور را بفروشیم، جز اینکه فرهنگمان را بفروشیم، جز اینکه اسلام را بفروشیم و همه برده شویم.

رابعاً: از متن این‌گونه به نظر می‌رساند که من گفته‌ام باید برویم در بیابان دعا کنیم تا خشک‌سالی برطرف شود، نه بنده هم‌چین ادعایی نداشته‌ام راه‌حل ما برای برطرف شدن خشک‌سالی ۳ راه‌حل است یک راه‌حل با زبان دانشگاه که لوله و کانال است و دو راه‌حل غیرعادی که یکی

---

[۱] متن طولانی بوده لذا آن را حذف نموده‌ام

[۲] متن طولانی بوده لذا آن را حذف نموده‌ام

انفطار السماء یعنی سوراخ کردن آسمان است و یکی پر کردن نه شهر جنی است البته در هر دو طرح حروف و اعداد و اشکال باید به همراه باشد و ....

خامسا: بنده اعلام می‌کنم این امور نتیجه دعا خواندن بوده است نه نتیجه علوم مرسوم غریبه.

لذا از راه غیرطبیعی بهتر است چراکه مانع از مردن خاک می‌شود و سریعاً آب را با کمترین زمان و هزینه به روستاها می‌رساند و صدها ابر بحران را از ایران حل و فصل می‌نماید.

برج دو اعلام نمودم به ...

متنی که در شکایت‌نامه است را کامل ننوشته‌ام اما بله من از برج دو به بعد طی ارتباطات بسیاری مطالب را تا حد توان به بسیاری از افراد و مسئولین رسانده‌ام بارها از طرق مختلف نامه و تلفن مطالب را خدمت رئیس‌جمهور محترم جناب آقای روحانی ارسال کرده‌ام و از طرق مختلف به سمع ... و ... رسانده‌ام.

در متن گزارش آمده است که سه روش بنده برای مبارزه با خشک‌سالی:

۱ چاله هوایی ۲ لوله در آسمان ۳ انتقال آب به اقصی نقاط ایران با شیوه نوین لوله‌کشی است

بنده سه مبحث دارم

- انتقال آب
- شیرین سازی آب
- تبدیل آب

آنچه هم‌اکنون مطرح نموده‌ام تنها انتقال آب است که خود سه شیوه دارد

انتقال آب به‌وسیله لوله راهکار عادی با مدیریت عالی در سرعت بخشی پروژه و در جذب بودجه و ترسیم نقاط انتقال، این طرح فاقد ارزش است چراکه یک سال زمان لازم دارد تا آب به استان‌ها برسد و در سال دوم آب را به شهرها و در سال سوم آب به روستاها و در سال چهارم آب به زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها و دشت‌ها و ... می‌رسد تا آن زمان زمین‌های بسیاری مرده‌اند دلیل مطرح کردن این طرح این است که دانشگاهیان بدانند ما از کلیات طرح‌های آنان خبرداریم و با علم به علم آنان میگوییم که آن امور فاقد ارزش است.

۲ انفطار السماء که اکوسیستم به قبل برمی‌گردد، زمستان برمی‌گردد و پاییز خنک می‌شود و تابستان گرم نیز از بین می‌رود، در اینجا اتفاق دیگری که می‌افتد این است که: لوله‌های رو به آسمان از بالا پر می‌شود که در لوح انفطار السماء کامل آن آمده است، برای این روش باید صبر کرد که زمان بر گردد اما متأسفانه ایران زمان چندانی برای از دست دادن زمان ندارد، خاک ایران در حال مرگ است.

متن لوح شماره دو:

۱۰۰۰- متن طرح دوم اسماء اللهی:

۷۸۶ زمانی که دو روز از دخول قمر از عقرب گذشته، و ششش در شمس، و سه شین در قمر، در انتهای ۱۳ و ابتدای ۱۴ ورود به ۱۵ قرار دارید، می‌توان آسمان را کَند، و کندن به عدد کمتر از سبع المثانی و شصت است، این زمان سنبله در دو هشت است، پس ۶۰ بعدازآن عقرب در جمعه است، و ۸ هفت مانده است، و شش ۵ شده، و سنبله عقرب را از سرما کشته و چه عجیب است

کشته شدن عقرب از سرما، سرما آب را نازل کند، برف، باد، تگرگ، مه، همه رحمت است، اما اگر آماده نباشند هلاک شوند، و این‌گونه شش که آب است در تشرین اول جاری می‌شود، پس از آب شروع کنید، ایلول را کارکنید تا تشرینِ اول پر آب شود، آب آتش‌ها را خاموش کند، زمین پر آب، دریاچه‌ها سیراب، درختان شاد، حیوانات زیاد شوند، هوا پاکیزه شود، ابرها پایین آیند پس باید همه تعهد دهند و امضاء نمایند ۷۸۶ ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن پس زمانی که امضاء شد همه و همه در همه زمین‌ها آن را دفن کنند تا عقرب درون خاک بمیرد، پس لوله از بالا پر شود و هرچقدر آب لازم دارید را بردارید، اگر نکنید در ۳ شین عقرب زمانی که از دو ۱۹ گذشته عقرب به بهار الاول نیش‌ها زند و بدن‌ها خشک شود چراکه عقرب با خاک و گرما قوی‌تر شده و نیش آن زهرآگین‌تر، چراکه از آب که در برج دو شین است را جاری نکردید، پس آب همان سنبله است، ایلول همان ترازوست، تشرین اول همان عقرب است، **اخ‌ف‌قبا؟ ثبت الزمان، ظهر الزمان، کشف الزمان، و انا الرسول بسلطان مبین، وضع الشیء فی احسن وجهه علی اتقن وجهه، اول آخر آخر اول ظاهر باطن باطن ظاهر م‌م‌م‌م‌ب‌ا‌م‌م‌غ‌ف‌ب‌خ‌د‌ق‌ح‌ر‌ف‌ر ۹۶۶۶ ان شاء الله، و السلام علی من اتبع الهدی**- ۹۶,۵,۱۹ - ساعت ۱۹,۲۵-توضیح: طرح دو الهی آب‌رسانی دوماهه به کل کشور از طریق غیرعادی - این نوشته نقطه یا ویرگولی و ... کم و زیاد شود باطل می‌شود – آنچه مشهود است اینکه فقط تا تاریخ ۹۶,۶,۶ ه‌ش و ۳۸,۱۲,۶ ه‌ق می‌توان این عمل را انجام داد و همه باید آمادگی داشته باشند و بعدازآن نمی‌توان مگر اینکه یک سال صبر کرد و از ۹۸,۸,۸ اگر عمل‌نکرده باشیم اتفاقات عجیبی در ایران رقم میخورد-آنچه باید امضاء شود و ما در تلویزیون در مقابل آقای دکتر حسن روحانی نشان می‌دهیم -۷۸۶ اخ‌ف‌قبا؟ ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن م‌م‌م‌م‌ب‌ا‌م‌م‌غ‌ف‌ب‌خ‌د‌ق‌ح‌ر‌ف‌ر ۹۶۶۶ ان شاء الله، و السلام علی من اتبع الهدی -نتایج این لوح: ۱ ایجاد چاله جوی درون ایران ۲ سرد شدن پاییز و زمستان و خنکی بهار و تابستان ۳ آب خلیج‌فارس و دریای عمان و حتی خزر و ... به کل کشور انتقال پیدا می‌کند ۴ انتقال اختیاری و مورد نیاز آب در زمین‌ها بدون انتظار بارش باران و برف و تگرگ و ... ۵ تعطیل شدن بیشتر پروژه‌های آبی در حال اجرا ۶ اقدام به پر نمودن آب دریاچه‌ها و تالاب‌ها و ... بعد از دو ماه ۷ ورود به ترسالی در ایران ۸ لوله و کانال کنده نمی‌شود ۹ سدهای تولید برق پر آب می‌شود ۱۰ دو مصرفِ شدن آب در ایران ۱۱ پر شدن سفره‌های زیرزمینی ۱۲ ورود در عرصه صادرات آب که اگر این کار را نکنیم آب ایران را می‌برد و باید قوانین را امحاء کنیم که غیرمعقول است ۱۳ پایین آمدن قیمت برق و آب در ایران ۱۴ پر شدن لوله‌ها از بالا ۱۵ زیادشدن یون منفی طبیعی درون ایران ۱۶ هارپ و انفجار یون منفی و ... نیست و..

۳ پر نمودن نه شهر جنی که در قطره ۱۰۰۱ کتاب کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طرق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله آمده است

متن لوح پر نمودن نه شهر جنّی و بیرون نمودن جنیان از ایران و استفاده از شهرهای آنان بجای لوله و کانال

۱۰۰۱- روش اول غیرعادی برطرف شدن خشک‌سالی ایران در عرض چند ماه

بسم‌الله الذی خلق الانس و الجن و مایری و ما لا یری، خلق ما فی‌الارض و ما فوق الارض و ما تحت الارض وان تعدوا خلقه لا تحصی

شهادت می‌دهم که خداوند به علم و قدرت و حکمت نامحدود خود موجوداتی آفریده که از دایره علمی بشر خارج و شاید روزبه‌روز به بعضی از آفریده‌های خداوند آگاهی یابد و از این مجرا به خداوند متعال بیش‌ازپیش ایمان آورد، ازجمله آن موجودات، موجودات غیبی مانند جن و ملائکه می‌باشد، جنیان نیز مانند ما آدمیان دارای عقل و شعور هستند، آنان نیز مکلف هستند، مسلمان و غیرمسلمان دارند، شرور و فاسق و فاجر دارند و گاها زندگی آنان با منافع ما آدمیان تعارض داشته و چه‌بسا آسیب‌هایی از آنان متوجه ما گردد تا آنجا که در قرآن کریم به این مسئله پرداخته و یکی از سوره‌های قرآن به نام سوره جن نام نهاده شده است، درآیات مختلفی به مسئله جن و ارتباط آنان با آدمیان پرداخته است مانند جریان سلیمان و شیطان و...متأسفانه ما به این مسئله کمتر پرداخته و همین مسئله موجب شده راه برای غیر اهل آن باز شود و ما نیز از فواید این مسئله بی‌بهره گردیده‌ایم- **تمام**- و چشم دید و قلب راست حکم نمود و هم‌اکنون نیز راست گزارش نمایم، معبودا اگر در آنچه گزارش کنم دروغ‌گویم مرا از حول و قوه الهی بیرون و به حول و قوه خود واگذار نما و اگر راست گفتم مرا حفظ نما و آن‌کس که مرا از روی جهل انکار نماید اگر قابل هدایت نیست این دعا را در حقش مستجاب فرما به‌حق آن چیزی که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است ان شاء الله، در زیر آسمان به راه‌های آسمانی نگاه می‌کردم و از گذر زمان غمناک بودم که می‌توان چاله آسمانی را در ایران ایجاد کرد و خشک‌سالی را بدون هزینه و زمان چندانی برطرف نمود ولی کسی توجه نمی‌کند و چقدر خسارت از قبال خشک‌سالی متوجه ماست که زمینه آسیب به دنیا و دین را فراهم آورده و چه خطراتی از قبال خشک‌سالی در انتظار ماست که خطر مرگ میلیونی ایرانیان گوشه کوچکی از آن است که آب از چشم جاری شد، به زمین افتاد، در زیرزمین وارد شدم بدون آنکه زمین را کنده باشم، بدن‌درد گرفت مانند درد رد شدن از روزنه‌ای بسیار تنگ مانند دردی که مردگان از فشار قبر می‌کشند مانند دردی که مورچه از لِه شدن درک می‌کند و همه‌جای من درد گرفت حتی مو ناخن و این درد تا چند روز با من بود و خواب را از چشمانم ربوده بود و صدای آه من بلند بود، موجوداتی عجیب دیدم، وصف آنچه دیدنی است برای کسی که ندیده سخت است، پیدا کردن کلمات برای وصف آنچه دیده‌ام بسیار سخت است، و سخت‌تر از آن تصور چیزی است که توصیف می‌کنم، نُه شهر بزرگ و مخوف و تودرتو با اشکال عجیب و پیچ‌درپیچ در زیرزمین ایران که جنیان در آن‌ها زندگی می‌کنند که تاکسی نبیند باور نکند و آنکه ببیند نتواند بیان کند، آنجا نه شبی بود و نه روزی یکنواخت اما پرتلاطم، اما در نیمه شب در آنجا وارد شدم، هر چه می‌رفتی راه ادامه داشت، وقتی مسیر رفته را نگاه می‌کردی راه تغییر کرده بود، آنان برای گسترش شهرهایشان

زمین‌های ما را خشک می‌کنند، پس به‌سرعت زمین‌ها در حال خشک شدن و شهرهای جنیان در حال گسترش است، آبادانی شهرهای آنان و خشک‌سالی زمین‌های ما مانند دو کفه ترازوست که به یکدیگر بستگی دارد، جنیان برای زندگی و زادوولد به شهرهای جدید احتیاج دارند پس به‌سرعت تمام زمین‌ها را خشک کنند، لذا در تلاش‌اند تمام زمین‌ها را خشک کرده و بزرگ‌ترین امپراتوری را تشکیل دهند، شکل‌های آنان متنوع و مخوف است بعضی به بزرگی کوه‌ها و اقیانوس‌ها و بعضی به‌اندازه کف‌دستی هستند، بوی بسیار زننده، رنگ‌های آنان نیز متنوع است بعضی بی‌رنگ بعضی سفید و قرمز و زرد و سیاه، رنگ‌هایی که نمونه آن رنگ‌ها را ندیده‌ام، آنان به‌سرعت تغییر شکل دهند بعضی سر انسان در بدن مار، بعضی بدن درخت و سر جماد بعضی بدن بدون سر، هر شکل زیبا و زشت و مخوفی در آنجا بود بالاتر ازآنچه در ذهن ما بیاید، هرلحظه در شکلی جدید ظاهر می‌شدند مانند آتش بلکه آتش بودند ولی سرد، تاریک اما لحظه‌ای بعد به درخشندگی خورشید، بزرگ آنان از سوراخی بسیار کوچک رد می‌شد و کوچک آنان از سوراخ بزرگ رد نمی‌شد، از پایین می‌خورند و از بالا دفع می‌کردند، دائماً در حال خوردن و جماع و رقص بی‌وقفه و بدون خستگی، همه مست و عریان مانند مجسمه‌ای شیشه‌ای که باطن آن دیده شود خوردن جماع و جماع تولد بود، با هر آنچه نزدیکشان بود جماع می‌کردند، بدون آنکه صیغه عقدی خوانده شود، مادر با پسر و دختر با پدر، جماع آنان یکی شدن دو یا چند نر یا چند نر و ماده باهم بود، قانون و نظمی در نظر من نبود، هر که قوت بیشتر داشت حاکم می‌شد، زیبای آنان به زشت و کوچک آنان به بزرگ رغبت داشت، مؤنث به‌سرعت مذکر و مذکر به‌سرعت مؤنث می‌شد، معیاری برای مؤنث و مذکر وجود نداشت جز اینکه یکی بر دیگری وارد می‌شد و آن‌یکی قبول می‌نمود، ماده از نر زاییده می‌شد و مادر قبل از زاییدن می‌مرد و صدها بچه به دنیا میامد بچه در چشم بر هم زدنی بالغ می‌شدند و نعره بلند کرده و جفت‌طلب می‌نمودند، دائماً در حال خوردن و بلعیدن، چشم نداشتند اما از همه طرف می‌دیدند، گوش آن‌ها همان چشم و دهان همان گوش بود، گمان می‌کردی که پشت به تو کرده‌اند اما می‌فهمیدی که به غرور نگاهت می‌کنند، اگر دور می‌شدی بزرگتر می‌شدند و اگر نزدیک می‌شدی کوچک‌تر، اشرار آنان برای تفریح بر روی زمین آمده و مردمان را دچار مرگ‌های مرموز می‌کردند بدون آنکه اثر و نشانه‌ای باشد مرگی مانند کسی که به‌سرعت سکته کرده، شاید علت سکته همان باشد، در آنجا همه جنیان شر بودند، پس علت بسیاری از مرگ‌ها آنان هستند، مردگان جنیان بر روی زمین افکنده شده و باد اجساد آنان را پراکنده می‌نمود و در بدن آدمیان وارد می‌شدند و آدمیان را دچار بیماری می‌کردند، بیماری‌های جسمی و روحی، پس علت بسیاری از بیماری‌ها نیز جنیان هستند، آنان گنج‌های بسیاری ذخیره کرده‌اند که ثروت بسیاری را به همراه دارد، اگر بدون سلاح بر خانه آنان وارد شویم بدون اثر و نشانه‌ای آنان وارد بدن‌های ما شده و هلاکمان گردانند، آنان به جماع با همه‌چیز و همه‌کس رغبت دارند مگر جماع با آب و جماع با آدمیان برای آنان لذت‌بخش

است اما قبل از اینکه کامی دهند کام گیرند و هلاک کنند، کلام آنان نامفهوم اما آنچه فهمیدم شهرهای آنان به این نام هاست جِبلیس، شبلیس، وبلیسل، غبلیس، جِتان، شتان، وتان، غتان، جار، شهرهای آنان خشک و لمیزرع و آنان تنها موجودات زنده آن شهرها هستند، این شهرها در اکثر نقاط دنیا می‌باشد، به گمانم درمجموع کشوری واحد با فرمانروایی واحد باشد. اراده دارم دوباره طلب کرده و بار دیگر در شهرهای آنان وارد شوم، به گمانم هر چه بیشتر در زمین فروریم عجایب بیشتری از آنان بدانیم، شهرهای آنان در اعماق زمین بود اما به سطح زمین بسیار نزدیک شده‌اند تا جایی که حتی گاها به روی زمین می‌آیند و چه‌بسا محل زندگی را به روی زمین بکشانند، شهرهایی به‌هم‌پیوسته پیچ‌درپیچ، بزرگ و محکم با دروازه‌هایی محکم، راه‌های آنان عجیب و اسرارآمیز که کسی که در آنجا وارد شود توان بازگشت ندارد و عاقبت او هلاکت است، به گمانم حتی جنیان نیز از اسرار شهرهای خود ناآگاه هستند مگر تعداد کمی، اگر اراده جدی داریم خشک‌سالی برطرف شده و مفاسد جنیان از ایران برطرف شود باید همه باهم در یک‌زمان دروازه‌های آنان را بازکنیم و این لوح مقدس را به همراه داشته باشیم_**یهوممممف‌ق ۶۶۶ غ‌ح‌ف‌ف ۶۶۶ ی ۶۶ اخ‌فقباه‌ادوب‌اب‌الحمدلله‌ان شاء الله** (اینجا شکلی وجود دارد که بعداً وارد می‌شود)_و باید تمام مردم برای مقابله با آنان آماده باشند که اگر نباشند ممکن است اشرار آنان به ما آسیب برسانند و قبل از آنکه آنان بر روی زمین بیایند به‌آرامی در خانه‌های آنان از تمام دروازه‌ها آب جاری نماییم تا آنان به‌آرامی از ایران کوچ کرده و از سرزمین ما خارج شوند در این صورت آب به زیرزمین ایران جاری‌شده جنیان مهاجرت کرده و خشک‌سالی برطرف شود، می‌توانیم با آب جاری‌شده دریاچه‌ها و چاه‌ها و سفره‌های زیرزمینی را نیز پر آب نماییم و آب را به زمین‌ها رسانده و دو مصرف نماییم، بیماری‌های جسمی و روحی کم شده و نشاط به جامعه برگردد و بسیاری از پریشانی‌های روحی از بین رود و میزان مرگ نیز کم شود، که البته مرگ دست خداست و فواید بسیاری که در این اندک زمان قابل بیان نیست، در حقیقت خانه‌های محکم جنیان برای ما بهترین راه‌های انتقال آب است، بهترین آبی که برای واردکردن در شهرهای جنیان وجود دارد آب دریای عُمّان است، برای دروازه‌های دیگر جنیان که از دریا بسیار دورند باید چاره‌ای اندیشید ولی وقتی جنیان کوچ کردند تنها از دریای عمان آب جاری می‌شود و البته شهرهای آنان به هم متصل است و تنها در بین آن‌ها دروازه وجود دارد، شیرین سازی باید در ابتدا انجام شود تا اکوسیستم زمین مشکلی پیدا نکند، بعد از نقل این جریان جناب آقای مهندس هاشمی طبا قول دادند شیرین سازی را ما انجام می‌دهیم، آنچه مهم است انتقال است، و ما هم قول دادیم که می‌توان محل دقیق دروازه‌های آنان را پیدا نمود، البته الگوی شیرین سازی را که از طریق توسل به دست آورده‌ایم نیز موجود است، این نکته ضروریست که خانه‌های جنیان آن‌قدر محکم است که حتی اگر شیرین سازی هم نکنیم آب ذره‌ای از خانه آنان به اطراف زمین جاری نمی‌شود و اکوسیستم را خراب نمی‌کند ولی اگر در ابتدا شیرین سازی انجام شود بهتر است، اگر همه باهم این کار را نکنند در بین ما جنگ شود و کار معکوس گردد و ایرانیان به جان یکدیگر افتاده تا جایی که جنیان بر تمامی مردم غلبه نمایند و ایران خشک و لمیزرع شود و

می‌توانیم به لطف خدا ان‌شاءالله، این الگو ما را به مرز صادرات آب و قطب اقتصاد دنیا تبدیل کرده و با این الگو می‌توانیم جنیان سایر کشورها را نیز از زمین‌های حاصلخیز خارج کنیم و در اینجا ایران به قطبِ قدرتِ مبارزه با اَبَر بحرانِ جهانی مبارزه با خشک‌سالی تبدیل می‌شود و زمینه تحولات عظیمی در جهان پدید می‌آید که پرچم‌دار آن ایرانیآن‌طرفدارِ اسلامِ ناب هستند. ما نمی‌خواهیم جنیان را قتل‌عام نماییم، اما حقیقتاً اشرار آنان در حال نابودی خاک و ملت ما و سایر کشورها هستند، پس ما حق‌داریم آنان را از زمین‌های حاصلخیز کوچ دهیم، سود گروهی از انسان‌های مادی و دنیاپرست در گروی گسترش شهرهای جنیان می‌باشد لذا بعد از اعلامِ عمومیِ این مطلب آنان با ما مبارزه خواهند نمود که البته در برابر سیل عظیم ملت راه بجایی نخواهند برد. پس برای پیروزی بر جنیان باید سوره جن را خواند و از سلیمان قرآنی و حقیقی الگو گرفت و با توکل و صبر و تلاش بر آنان غلبه پیدا نمود و باید از جنیان آبی را نیز استفاده کرد که آن بحثی جدا دارد، بله جنیان آبی دشمن جنیان خاکی هستند که تقویت آنان ما را در پیروزی بر خشک‌سالی یاری می‌نماید. اذن داده شد دوبار این شهرها را در صورت فراهم بودن شرایط نشان دهم تا همگان باور نمایند که یک‌بار بار آن برای تمامی ایرانیان است، خوف آن دارم که قبل از ما با الگوی خشک‌سالی و انتقال آب یهود دست بکار شده و در این جنگ خانمان‌سوز از ما پیشی گیرد چراکه بعید نیست این جریان توسط یهود هدایت‌شده باشد، زمانی طولانی در آنجا بودم اما وقتی برگشتم در اینجا چند لحظه‌ای بیش نگذشته بود، جسم خود را بر روی زمین دیدم که در سجده است و استغفار می‌کند و مدام می‌گفت الحی القیوم، بدن از شدت عرق خیس شده بود مانند کسی که شنا کرده باشد آن لحظه از خود بیخود بودم، به خود آمدم پس ترسیدم که روح از بدن کامل منقطع شود که ای‌کاش نترسیده بوده، بار دیگر نیز چنین شد اما ذکر را رها کردم و دیگر آن جریان تکرار نشد پس فهمیدم چقدر از توحید دور و ترسانم که از انقطاع روح از بدن ورود به عالم دیگر می‌ترسم، پس خدایا ما را یاری کن تا بر ترس خود غلبه نماییم، آن‌کس که گمان بُرد ازآنچه گفته‌ام را تصور کرده دورتر از دیگران است چراکه وصف جنیان و آن شهرها برای دیگران مانند وصف دنیا برای بچه در شکم مادر است درحالی‌که بچه نه کلامی می‌داند و نه تصوری دارد، پس چیزی را نمی‌تواند تصدیق کند و اگر انکار نماید خود را ظاهر گردانده نه اینکه چیزی را باطل کرده باشد، آنکه دیده تصدیق نماید، آن‌کس که معیار عقل دارد احتمال دهد، خوشا به حال این دو گروه، آنکه انکار کند حالش معلوم است و احتیاجی به بیان ندارد، پس انسان‌ها سه گروه هستند عالم که سعادتمند است، و جاهل بسیط که خوشا به حال او، او به‌زودی عالم شود، و جاهل مرکب که صد آه بر او که نمی‌داند ولی می‌گوید میدانم و عالم را نفی کرده او خود و دیگران را منحرف کند پس خدایا ما را از جهل مرکب و بسیط نجات ده و به علم و حق و عین‌الیقین برسان.

این متن محرمانه بوده و از نشر آن پرهیز نمایید ولی می‌توانید اهل فهم و عقل را از این مطلب آگاه نمایید – این جریان در اردیبهشت ۹۶ برای بنده حاصل شد ولی بنا به دلایلی در این تاریخ آن وقایع را نوشته و تاکنون به غیر مطالب شفاهی اقدام به نگارش و گزارش آن جریان ننموده‌ام – هم‌اکنون آن حالات را ازدست‌داده‌ام و جریانات بسیار بیش ازآنچه بیان شد بوده است اما امهات مطلب آن است که نوشته‌ام- اعلام می‌دارم درصورتی‌که مسئولین جدی گرفته و همکاری نمایند با توسل و اعمال شرعی حاضرم برای برطرف شدن خشک‌سالی دوباره آن علوم و قدرت‌ها را به دست آورده و محل دقیق دروازه‌های ورودی را به دست آوریم تا خشک‌سالی برطرف شده و مفاسد جنیان از ایران برطرف شود این مطالب را در این زمان نگاشتم که اثبات شد پریشانی ذهن ندارم و هذیان نمی‌گویم و بارها امتحان نموده‌ام که آیا آنچه دیده‌ام در سلامت بوده و یا در پریشانیِ ذهن، که به‌یقین رسیده‌ام دیده‌ای رحمانی بوده و نه شیطانی و دلیل آن این است که می‌توانم در صورت فراهم شدن شرایط آن مطالب را نشان دهم. قم المقدسة شیخ علی بهرامی نیکو tvshia.com--

@hodhodbashid-۰۹۱۹۲۱۶۶۰۰۷-۹۶/۶/۲۷

در متن نوشته‌شده است که من گفته‌ام: این مطلب مطالبه رهبر انقلاب است

مرجع ضمیر معلوم نیست که به چه چیزی اشاره دارد به نظر می‌رسد که من گفته‌ام حل کردن بحث آب از طریق غیرعادی مطالبه رهبر است در حالی بحث بر سر نقش آب در اقتصاد مقاومتی و حل بحران‌های ایران بوده که بنده گفتم مطالبه رهبر انقلاب بوده است که گِره علمی را بازکنیم و بنده ادعا دارم این گره را بازکرده‌ام،

متن زیر بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها سال ۹۶

فرض بفرمایید در **مسائل اقتصادی کشور**، ما این‌همه راجع به مسائل اقتصادی حرف می‌زنیم، همه هم تصدیق می‌کنند؛ اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، همه هم از صدر تا ذیل تأیید می‌کنند، تصدیق می‌کنند، برایش جلسه و کمیته و کمیسیون و مانند این‌ها هم تشکیل می‌دهند، [امّا] آن-چنان-که بایدوشاید کار پیش نمی‌رود. خب اشکال کجا است؟ **یک گره علمی** وجود دارد؛ این گره علمی را چه کسی باید باز کند؟ شما که در دانشگاه هستید باید بازکنید.

یا مسئله اشتغال. ما امسال اشتغال را مطرح کردیم، بحث کردیم؛ تولید ملّی و اشتغال. «اشتغال» یا «تولید ملّی» یک فکر است، همه هم می‌خواهند این کار را انجام بدهند، تلاش‌هایی هم می‌کنند . من اوّل سال در سخنرانی گفتم؛ یعنی کاری را که دولت کرده بود به افکار عمومی گزارش دادم؛ هفده هزار میلیارد تومان برای کارگاه‌های کوچک یا متوسّط یا چه صرف کردند تا کمک کنند که بلکه راه بیفتند، لکن اثر مطلوب را نبخشید. اشکال کار کجا است؟ شبیه این کار در دولت قبل هم انجام‌گرفته بود، شبیه این کار در دولت هشتم هم انجام‌گرفته بود؛ نمی‌شود. چرا نمی‌شود؟ خب **یک اشکال علمی دارد؛ لابد یک اشکالی در کار هست، گره‌ای هست؛ این گره، گره علمی است؛ این کجا باید باز بشود؟**

نوشته‌شده من گفته‌ام این کار را از طریق خزائن مرحوم نراقی انجام خواهم داد، با کمک اسماء الله.

من کجا گفته‌ام از طریق کتاب علامه نراقی این امر را انجام می‌دهم؟ شما متن نوار را کامل گوش فرمایید: بحث بر سر این بود که این امور آیا شرعی است یا خیر؟ علماء انجام می‌داده‌اند یا خیر؟ بنده از کتاب خزائن مرحوم نراقی امور بسیاری را نشان دادم که علماء انجام می‌داده‌اند و فعل عالم تأییدشده دلیل بر عدم حرمت است مضافاً بر اینکه آن کتاب هم‌اکنون نیز چاپ می‌شود و امثال این کتاب و امثال آیات عظام حسن حسن‌زاده آملی و مرحوم نراقی الی‌ماشاءالله می‌باشند، و بعدازآن تأکید کردم من از طریق کمک از اسماء الله این امر را انجام خواهم داد.

نوشته‌شده گفته‌ام مشکل را فهمیده‌ام چه کنم که دیگران نمی‌فهمند:

باید متن دقیق صحبت، قبل و بعد از بیاید تا معلوم شود چه گفته‌ام
مجموع آنچه بنده فهمیده‌ام و اعلام نموده‌ام:

- طیف جدید خشک‌سالی آمده
- تلفات انسانی و حیوانی و نباتی و جمادی و فرهنگی و اقتصادی و ... از ما خواهد گرفت و در حقیقت تاریخ بین سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۴ در ایران در حال تکرار است
- هیچ راه‌حلی در ایران برای مبارزه با این بحران وجود ندارد که راه‌حل‌های موجود ازاین‌قرار است: ۱ هارپ ۲ یونیزه کردن و بارور کردن ابرها ۳ انفجار یون منفی در آسمان برای پایین آمدن ابرها ۴ پیدا کردن منابع آبی جدید در کشور که بنده نیز به این منابع اعتقاد دارم در طی جریانی متوجه شدم که ۲۷ منبع آبی زیرزمین ایران وجود دارد که از زیر زاگرس و البرز به تا خلیج‌فارس ادامه دارد ۵ باز کردن آب از سمت کشورهای همسایه به ایران ۶ تکنولوژی‌های جدید برای تولید آب در ایران مانند به دست آوردن آب از هوا ۷ خرید آب از کشورهای دیگر ۸ انتقال آب خلیج‌فارس به یزد و آب خزر به سمنان ۹ طرح و برنامه مجلس برای انتقال آب دریای جنوب به ۱۸ استان کشور (تمامی این راه‌حل‌ها فاقد ارزش می‌باشد چراکه بعضی عملیاتی نیستند و بعض دیگر تنها در حد حرف است و ما بودجه و یا تکنولوژی خاص آن را نداریم و بعض دیگرِ آن زمان طولانی لازم دارد که تا آن زمان از ملت ما چیزی باقی نمانده که بخواهیم با آب آن را نگهداریم)

لذا مجموع سه بند بالا مشکل اصلی ما است که بنده فهمیده‌ام شما به متن نوشته‌شده توسط آقای هاشمی طبا توجه بفرمایید:

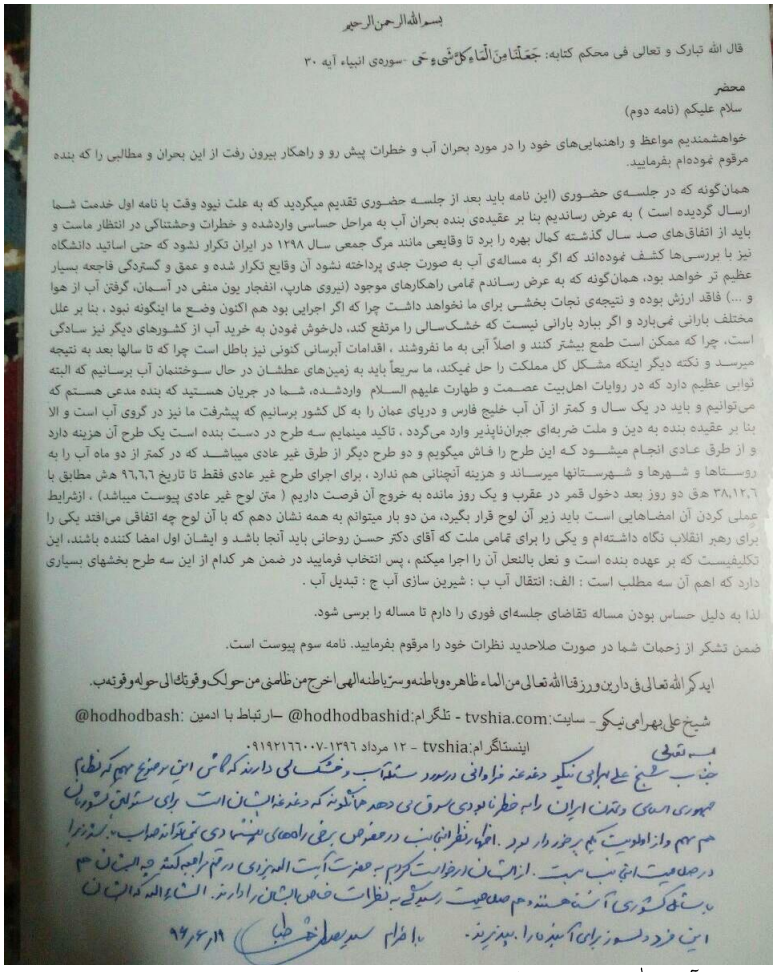

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

محضر

سلام علیکم (نامه دوم)

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران و مطالبی را که بنده مرقوم نموده‌ام بفرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری (این نامه باید بعد از جلسه حضوری تقدیم میگردید که به علت نبود وقت با نامه اول خدمت شما ارسال گردیده است) به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود (نیروی هارپ، انفجار یون منفی در آسمان، گرفتن آب از هوا و ...) فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت چرا که اگر اجرایی بود هم اکنون وضع ما اینگونه نبود ، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشک‌سالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ، اقدامات آبرسانی کنونی نیز باطل است چرا که تا سالها بعد به نتیجه میرسد و نکته دیگر اینکه مشکل کل مملکت را حل نمیکند، ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد ، تاکید مینمایم سه طرح در دست بنده است یک طرح آن هزینه دارد و از طرق عادی انجام میشود که این طرح را فاش میگویم و دو طرح دیگر از طرق غیر عادی میباشد که در کمتر از دو ماه آب را به روستاها و شهرها و شهرستانها میرساند و هزینه آنچنانی هم ندارد ، برای اجرای طرح غیر عادی فقط تا تاریخ ۹۶،۶،۶ هش مطابق با ۳۸،۱۲،۶ هق دو روز بعد دخول قمر در عقرب و یک روز مانده به خروج آن فرصت داریم (متن لوح غیر عادی پیوست میباشد) ، ازشرایط عملی کردن آن امضاهایی است باید زیر آن لوح قرار بگیرد، من دو بار میتوانم به همه نشان دهم که با آن لوح چه اتفاقی می‌افتد یکی را برای رهبر انقلاب نگاه داشته‌ام و یکی را برای تمامی ملت که آقای دکتر حسن روحانی باید آنجا باشد و ایشان اول امضا کننده باشند، این تکلیفیست که بر عهده بنده است و نعل بالنعل آن را اجرا میکنم ، پس انتخاب فرمایید در ضمن هر کدام از این سه طرح بخشهای بسیاری دارد که اهم آن سه مطلب است : الف: انتقال آب ب : شیرین سازی آب ج : تبدیل آب .

لذا به دلیل حساس بودن مساله تقاضای جلسه‌ای فوری را دارم تا مساله را برسی شود.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید. نامه سوم پیوست است.

ایدکم الله تعالی فی دارین ورزقنا الله تعالی من الماء ظاهره وباطنه وسرّ باطنه الهی اخرج من ظلمتی من حولک وقوتک الی حوله وقوته ب.

شیخ علی بهرامی نیکو - سایت:tvshia.com - تلگرام:@hodhodbashid –ارتباط با ادمین :@hodhodbash

اینستاگرام:tvshia - ۱۲ مرداد ۱۳۹۶-۰۹۱۹۲۱۶۶۰۰۷

بسمه تعالی

جناب شیخ علی بهرامی نیکو دغدغه فراوانی در مورد مسئله آب و خشکسالی دارند که کاش این موضوع مهم که نظام جمهوری اسلامی و تمدن ایران را به خطر نابودی سوق می دهد همانگونه که دغدغه ایشان است برای مسئولین کشورمان هم مهم و از اولویت یکم برخوردار بود. اظهار نظر اینجانب در خصوص برخی راه‌های پیشنهادی نمی‌تواند صواب باشد زیرا در صلاحیت اینجانب نیست. از ایشان درخواست کردم به حضرت آیت الله یزدی در قم مراجعه کنند چه ایشان هم با مسائل کشوری آشنا هستند و هم صلاحیت رسیدگی به نظرات خاص ایشان را دارند. انشاءالله که ایشان این فرد دلسوز برای آینده را بپذیرند.

با احترام سید مصطفی خمینی طباطبایی ۹۶/۶/۱۹

حضرت آیت‌الله ... دامت برکاته در نامه خودشان برای بنده نوشتند:

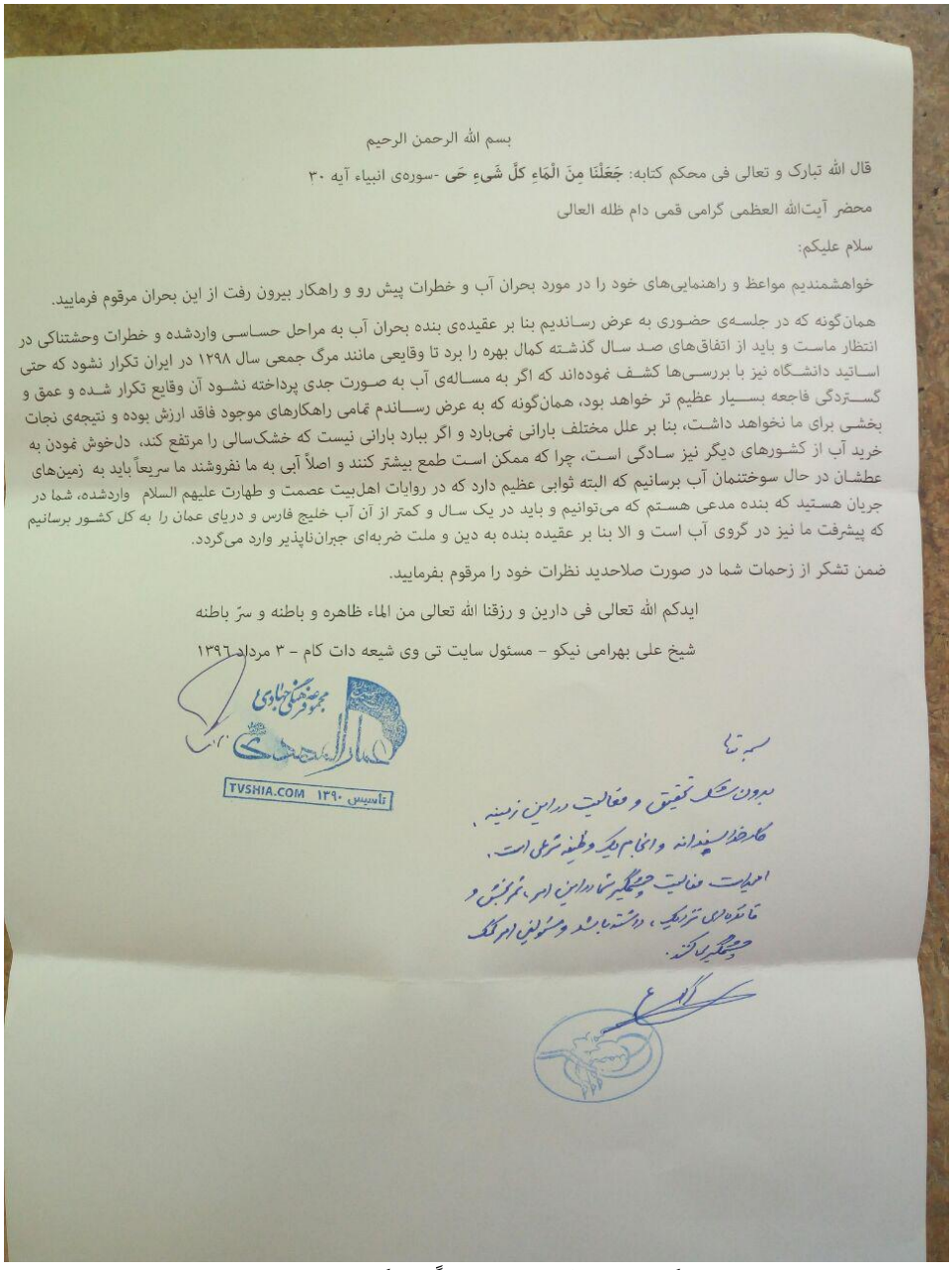

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کلَّ شَیءٍ حَی -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

محضر آیت‌الله العظمی گرامی قمی دام ظله العالی

سلام علیکم:

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران مرقوم فرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشک‌سالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید.

ایدکم الله تعالی فی دارین و رزقنا الله تعالی من الماء ظاهره و باطنه و سرّ باطنه

شیخ علی بهرامی نیکو - مسئول سایت تی وی شیعه دات کام - ۳ مرداد ۱۳۹۶

بسمه تعالی

بدون شک تحقیق و فعالیت در این زمینه، کار خداپسندانه و انجام یک وظیفه شرعی است.

امیدست فعالیت چشمگیر شما در این امر، ثمربخش و فائده‌ای نزدیک، داشته باشد و مسئولین امر کمک چشمگیر می‌کنند.

لذا باید متن صحبت را بنده گوش دهم که ببینم دقیقاً چه گفته‌ام، اما مجموع سه بنده یادشده و مخصوصاً بند سوم یعنی فاقد ارزش بودن تمام راهکارهای موجود در حال اجرا.

چرا این کار را خودتان انجام نمی‌دهید؟

- لوح‌ها را بخوانید دلیل آن واضح است، در لوح سوراخ کردن آسمان امضاء و دفن و آمادگی عمومی لازم است در لوح جنیان نیز کار جمعی برای جنگ با لشکر خشک‌سالی است و کاری ملی با آمادگی ملی است نه فردی.

چرا اصرار دارید رئیس‌جمهور شمارا تأیید کند؟

- اصلاً اصراری ندارم رئیس‌جمهور بنده را تأیید کند، چه نیازی به تأیید رئیس‌جمهور دارم، اصلاً مگر می‌توانند بنده را تأیید کند، آقای رئیس‌جمهور زمانی می‌تواند تأیید کند که این علم را داشته باشد و اگر داشتند اجرایی می‌کردند پس این علم را ندارد، پس نمی‌تواند تأیید کند، کجا گفته‌ام رئیس‌جمهور تأیید کند؟

مشکل کم‌آبی در کشور به دلیل عدم مدیریت منابع آبی به وجود آمده است و حدود ۹۲% آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، روش آبیاری غرق آبی موجب خشک شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها شده است.

- مشکل کم‌آبی است و عدم مصرف بهینه نیز اگر اصلاح شود مشکلی حل نمی‌شود، بنا بر بیان آقای هاشمی طبا ۲۰۰ دشت کشور در حال فرورفتن است.
- این مطلب از شبهاتی است که مافیای آب راه انداخته و متأسفانه عموم ملت ایران که در بحث آب از علم لازم برخوردار نیستند با ادنی شبهه‌ای زمین‌گیر می‌شوند، مشکل اصلی ما عدم ریزش باران و برف و تگرگ و ... و عدم نفوذ باران‌های و خالی شدن سفره‌های زیرزمینی است، جمعیت ما در حال افزایش است و جمعیت غذا و پوشاک و مسکن لازم دارد و تمام این امور به آب احتیاج دارد و متأسفانه ایران آب ندارد.

متن زیر سخنان دکتر عیسی کلانتری رئیس سازمان محیط‌زیست کشور در مورد آب است:

دکتر عیسی کلانتری معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان محیط‌زیست ایران و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه:

در این ۳۵ سال فقط ۱۲۰ میلیارد مکعب آب‌های شیرین فسیلی صدها هزارساله که حدود ۷۵٪ آب‌های شیرین زیرزمینی بود را مصرف کردیم که حدود ۷۵ میلیارد مترمکعب آن در ۸ سال گذشته بوده است **یعنی منابع را تاراج کردیم!**

جمعیت را افزایش دادیم غافل از اینکه این جمعیت باید در یک کشور آباد زندگی کند. بدون توجه به نیازهای جمعیت، منابع کشور را برای رفع نیازها به تاراج گذاشتیم.

امروز هیچ تالاب درون سرزمینی، آب ندارد، از بختگان تا هورالعظیم، گاوخونی و ارومیه! آب‌های زیرزمینی ما در حال شور شدن است و ادامه این روند یعنی **تخلیه ایران از جنوب البرز تا دریاهای آزاد و از شرق زاگرس تا مرزهای شرقی کشور.**

ما امانت‌دار بسیار بدی برای این تمدن ۷۰۰۰ ساله بودیم، زاینده‌رود ۹۰۰ میلیون مترمکعب از سرچشمه‌های کارون وارد آن می‌شود، یعنی نصف آب زاینده‌رود از سرچشمه‌های کارون می‌آید.
در استاندارد جهانی هر کشوری که ۲۰٪ از آب‌های تجدید پذیرش را هرسال استفاده کند هیچ خطری ازنظر منابع آب متوجه اش نیست. اگر ۲۰ تا ۴۰٪ استفاده شود به‌شرط مدیریت می‌توانند در درازمدت منابع آب را تأمین کنند. اما اگر بالای ۴۰٪ استفاده کنند وارد بحران شده‌اند. **دو کشور در دنیا بالای ۴۰٪ استفاده می‌کنند، اولی مصر است با ٪۴۶ و ایران با ٪۸۵ این یعنی به‌زودی همه‌جای ایران مثل گاوخونی خشک خواهد شد. حتی امروز هم دیر شد و اگر سیاست‌هایمان را عوض نکنیم این کشور را همراه نسل خودمان خواهیم کرد.**
کارشناسان و دانشگاهیان مستقل معتقدند آب‌های تجدید پذیر حدود ۹۵ میلیارد مترمکعب است اما وزارت نیرو معتقد است ۱۲۰ میلیارد مترمکعب آب تجدید پذیر داریم. اگر حرف دانشگاهیان و کارشناسان مستقل را ملاک قرار دهیم یعنی سالانه ٪۹۶ از منابع آب تجدید پذیرمان را استفاده می‌کنیم و کاری که ما با آب‌های زیرزمینی می‌کنیم **یعنی دزدی theft از نسل بعد. یعنی نسل‌کشی. نه‌تنها آب شیرین را تمام می‌کنیم، همه کشور را بیابان می‌کنیم.**
در حوضه گاوخونی به‌اندازه کافی آب از سرچشمه‌های کارون منتقل می‌شود و دیگر پتانسیلی برای انتقال آب نیست. آب مصرفی باید کاهش پیدا کند
هیچ راه دیگری وجود ندارد و برای کل کشور احساس خطر می‌کنم. پتانسیل برداشت بیش‌ازحد از آب‌های زیرزمینی را نداریم. سال گذشته **برای ۴۴ میلیون نفر غذا وارد کردیم**، فقط برای ۳۳ میلیون نفر در داخل کشور غذا تولید کردیم و بیش از این توانایی نداریم و **اگر فشار بیش‌ازحد وارد شود مرگ سرزمین ایران سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد.**
بحران آب در ایران هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه به یک باور تبدیل نشده است؛ چراکه به باور انبوهی از مردم، این سرزمین همیشه با مشکل کم‌آبی دست‌وپنجه نرم کرده و حالا هم وضع بحرانی نیست
در سال‌های گذشته وزارت نیرو جرئت اعتراف به واقعیت را نداشت؛ اما حالا بحران خشک‌سالی به‌اندازه‌ای رسیده که مسئولان متوجه قهقرای کشور شده‌اند، زیرا درحالی‌که حاضر ۷۰ درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این ازنظر استانداردهای جهانی یعنی **رخداد فاجعه بزرگ .**
اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰ درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند.

مطابق برآوردهای علمی، منابع کشش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و **در آینده نه‌چندان دور حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند** اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، **کدام کشورها حاضرند ٤٠ تا ٥٠ میلیون ایرانی را اسکان دهند؟!**

درحالی‌که حاضر در جزیره ماندیل هند ادامه سکونت غیرممکن شده است و این جزیره گاه‌وبیگاه به زیرآب می‌رود. این در شرایطی است که ماندیل تنها ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد اما دولت هند برای انتقال این جمعیت دچار دردسر شده است. **ما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰ میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟**

حتی در صورت بارش ایدئال و نفوذ آب به زیرزمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد، در نتیجه آب در سطح خاک جاری‌شده و تبخیر می‌شود. این موضوع شورتر شدن خاک و از دست رفتن حاصلخیزی آن را به دنبال داشته است. **درحالی‌که حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها ازنظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می‌شوند.** به‌عنوان‌مثال درحالی‌که حاضر شاهرود و نیشابور ازنظر هیدرولوژی شهر مرده به‌حساب می‌آیند و بخش عمده‌ای از شهرستان رفسنجان نیز شهر مرده تلقی می‌شود.

خود بنده در زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی به خانم دکتر ابتکار شخصاً نامه نوشتم و گفتم واقعاً آب نیست و ازلحاظ منابع آبی داریم رو به بحران می‌رویم. ایشان بی‌توجه شد و گفت چنین چیزی نیست! **سازمان محیط‌زیست در ایران تا امروز یک سازمان مرده و تشریفاتی بوده است.** همین الآن آقایان هنوز دارند درباره خودکفایی در محصولات کشاورزی صحبت می‌کنند. برای نوشتن برنامه ششم دوباره موضوع خودکفایی را به میان کشیدند که من برگشتم به آقای نوبخت گفتم تو را به دین و ایمانت بگو این مزخرفات را کنار بریزند.

این متن خلاصه‌ای از صحبت‌های جناب آقای دکتر عیسی کلانتری می‌باشد.

چه لزومی دارد چاله هوایی ایجاد کنیم؟

- لزوم آن این است که تا چاله ایجاد نشود خشک‌سالی برطرف نشود.
- تا چاله هوایی ایجاد نشود فصل‌ها به حالت سابق برنمی‌گردد و بارش باران و برف شروع نمی‌گردد.

شما چه تخصصی دارید؟

- فرض کنید هیچ تخصصی ندارم، بنده‌ای بودم اعمالی را انجام داده‌ام و خدا هدیه‌ای را به قومم بخشیده است، این چه سؤالی است.
- شاید بیشتر کسانی که در رشته آب فعالیت داشته‌اند اینقدر در مورد آب بحث نداشته باشند و اینقدر نتوانسته باشند جامعه را متوجه خشک‌سالی و کم بود آب بنمایند چگونه فردی که هیچ اطلاعی در مورد آب نداشته باشد بتواند این‌همه مطلب در مورد آب عنوان دارد، تنها در جلسه آبفای تهران در حضور ۶ دکتر آب مدت ۵ ساعت صحبت چالشی

داشتم و در آخر عنوان داشتند بعض از مطالب شما برای ما تازه بود و محتواهای بنده را نیز دریافت کردند گزارش آن جلسه بنا بر آنچه خودشان نوشته‌اند که البته ما به این نوشته اعتراض‌های جدی داریم:

بسمه‌تعالی

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰
شماره: ۹۶/۲۸۶۳/۱۰۰
پیوست: ندارد

وزارت نیرو
مؤسسه تحقیقات آب

جناب آقای مهندس میدانی
معاون محترم وزیر در امور آب و آبفا

موضوع: بررسی پیشنهاد آقای علی بهرامی نیکو

با سلام و احترام،

عطف به دستور جنابعالی در هامش نامه نماینده محترم مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۴ با موضوع «حل بحران آب» از طریق پیشنهاد حجت‌الاسلام آقای علی بهرامی نیکو، به استحضار می‌رساند ضمن بررسی‌های اولیه، جلسه‌ای به مدت پنج ساعت در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۳ با حضور نامبرده در این موسسه برگزار شد. در این جلسه ایشان پس از بیان برخی چالش‌های آب در کشور و کلیات روش‌های مرسوم مقابله با آن، به تشریح راهکارهای پیشنهادی خود برای حل بحران آب در کشور پرداخت که هر دو راهکار پیشنهادی ایشان، مبتنی بر استفاده از علوم غریبه بودند. مشارالیه برای عملیاتی نمودن راهکارهای خود، پیش‌شرط‌هایی همچون ملاقات با مقام معظم رهبری تعیین نمودند که خارج از روال اداری متعارف می‌باشد. بر این اساس ضمن ابراز مسرت از حساسیت طلاب محترم حوزه‌های علمیه در کمک به بخش آب کشور، به استحضار می‌رساند در موضوع ارائه شده با توجه به عدم اطلاع همکاران این موسسه از علوم غریبه و تعداد اندک متخصصین آشنا با این علوم و البته اغلب ناشناخته، در حال حاضر امکان رد و یا تأیید ادعای ایشان برای این موسسه وجود ندارد.

مرتضی افتخاری نژاد
رئیس موسسه

تهران، حکیمیه، بلوار شهید عباسپور، موسسه تحقیقات آب، کد پستی: ۱۶۵۸۹۵۴۳۸۱، صندوق پستی: ۱۶۷۶۵/۳۱۳
تلفن: ۷۷۰۰۰۳۰۰، نمابر: ۷۷۳۱۱۹۵۹، نشانی اینترنتی: www.wri.ac.ir، پست الکترونیکی: info@wri.ac.ir

- کلیات اعتراض‌های ما ازاین‌قرار است:
  - ✓ ۱. ما در آن جلسه روش‌های مبارزه با خشک‌سالی را مطرح و نقد کردیم
  - ✓ ۲. ما سه راهکار برای مبارزه با بحران آب اعلام کردیم نه دو روش
  - ✓ ۳. دو راه‌کار را ما بارها گفته‌ایم از طریق اسماء الله بوده نه علوم غریبه مرسوم
  - ✓ مطلب اصلی ما صحبت با آقای روحانی نه اینکه پیش‌شرط داشته باشیم بله بارها گفته‌ام هم‌اکنون هم میگویم دوبار می‌توانم در صورت فراهم شدن شرایط به شهود برسانم که یک‌بار آن مربوط به‌تمامی ملت است که در صحبت زنده با آقای روحانی این توانایی برای بنده بازمی‌گردد، البته گفته‌ام قبل از آن ۷ یا ۱۴ یا ۴۰ یا ۷۰ روز زمان احتیاج دارم تا برای آن آماده شوم و قدرت بازگردد.

خشک‌سالی در ایران و قحطی ۱۰۰ سال گذشته مربوط به عدم مدیریت و اوضاع سیاسی و تبعات جنگ‌های جهانی بوده است؟

- الآن کماکان، عدم مدیریت مشهود است، تبعات جنگ مشهود است در ثانی اوضاع در این زمان از آن زمان وخیم‌تر است، و در ثانی اثرات خشک‌سالی چیزی نیست که قابل‌انکار باشد:

خشکسالی ایران ۷

پوستر(۱) از آقای جهانگیری، معاون اول آقای رئیس جمهور روحانی

آقای جهانگیری در مراسم آبگیری سد جامیشان گفتند:

۱. یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی ملت ایران مسئله آب است و با مرور زمان این شرایط شدت می‌یابد و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دریاچه‌ها در وضعیت نامناسبی هستند.

۲. یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی ملت ایران مسئله آب است و با مرور زمان این شرایط شدت می‌یابد و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دریاچه‌ها در وضعیت نامناسبی هستند.



۳. اگر به مسئله آب رسیدگی نشود آینده کشور را به‌خطر می‌اندازد

بهرامی:

۱. آقای جهانگیری چرا در زمان انتخابات مسالهٔ خشکسالی را بیان نکردید؟

۲. طرح و برنامه شما برای زمان بحرانی چیست؟

۳. غیر از طرح انتقال آب خلیج فارس شما چه طرح و برنامه ای دارید؟

٤. طرح ما آبرسانی یک ساله از خلیج فارس به کل کشور است، طرح شما چند ساله است؟

۵. شما تا چند سال دیگر ایران را از بحران خشکسالی نجات میدهید؟ ما ادعا داریم در یک سال میتوانیم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۴ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
خلیج فارس
روحانی تنها نیست#
www.tvshia.com
tvshia

خشکسالی ایران ۸

پوستر(۲) از آقای جهانگیری، معاون اول آقای رئیس جمهور روحانی

معاون اول رییس جمهور گفت:

دشت های کشور نیز (به علت خشکسالی) وضعیت مناسبی ندارند و امروز تعدای از دشت های حاصلخیز کشور با بحران مواجه شده اند.

بهرامی:



از سال ۹۲ تا کنون وضعیت این دشتها چه نموداری دارد؟
بهتر یا بدتر یا همانند قبل؟
از کلام شما استفاده میشود که وضعیت بدتر شده.
آیا در چهار سال پیش رو برنامه جدیدی دارید؟
یا همان روال گذشته را ادامه میدهید؟
اگر برنامه جدیدی دارید آن برنامه چیست؟
اگر روال قبل را ادامه میدهید که وضعیت بحرانی تر میشود.
هر برنامه‌ای به غیر از انتقال یکساله‌ی آب خلیج فارس وضعیت را بحرانی تر میکند.
اگر برنامه‌ای بهتر از انتقال یکساله‌ی آب خلیج فارس دارید ارائه دهید.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۴ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
#روحانی تنها نیست

خشکسالی ایران ۱۰

پوستر(٤) از آقای جهانگیری، معاون اول آقای رئیس جمهور روحانی



معاون اول رییس جمهور گفت:

باید در حوزه مدیریت مصرف هم کارهای جدی، خصوصا در بخش کشاورزی صورت بگیرد. نحوه کنونی مصرف آب در بخش کشاورزی ما با شرایط کشور سازگار نیست و باید به سمت کشتهای گلخانه‌ای و سیستم‌های نوین آبیاری برویم. وی گفت: در بخش شرب هم باید فرهنگ‌سازی مناسبی جهت صرفه جویی در مصرف آب صورت گیرد. جهانگیری اظهار کرد: در بخش صنعت هم در کشور صنایع پرمصرفی بلحاظ مصرف آب داریم که باید این صنایع به سمت سواحل کشور خصوصا سواحل جنوبی سوق داده شوند. در جنوب کشور صدها کیلومتر ساحل داریم که در آنجا نشانه‌ای از کار و تولید نیست و باید از این ظرفیت استفاده کنیم.

بهرامی:

جناب آقای جهانگیری صحبتها بسیار متین است اما سوال این است که در چهار سال گذشته شما برای این امور که بیان میکنید چه کرده اید؟ به عقیده بنده آیندهٔ چهارسالهٔ پیش رو تفاوتی با گذشتهٔ چهار سالهٔ قبل ندارد. اگر میخواهید کاری متفاوت انجام داده باشد طرح یک ساله ما را بشنوید و عمل کنید. آیات عظام گرامی و سید مهدی طباطبائی شنیدند و طرح یکساله آبرسانی از خلیج فارس به کل کشور را تایید کردند. آیا شما نمیخواهید بشنوید؟



طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۴ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
#روحانی تنها نیست

آخرین فرصت بحران آب خشکسالی ایران ۱۲



مشاورعالی وزیر جهاد کشاورزی سیدمحمدحسین شریعتمدار:

در زمینه آب ۵۰ سال غفلت کرده‌ایم.

برای حل بحران آب فقط یک فرصت ۵ ساله برنامه ششم توسعه باقی مانده است.

اگر این فرصت را از دست دهیم دیگر فرصتی نخواهیم داشت.



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
خلیج فارس
روحانی تنها نیست#
www.tvshia.com
tvshia

کمبود و بی‌آبی در مناطق باورنکردنی خشکسالی ایران ۱۳



محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

ما در منطقه سبلان که دیگر نباید با کمبود آب روبرو باشیم؛ در حالی که اکنون در منطقه آبی بیگلو با نشست زمین روبرو هستیم. یا به طور مثال چرا در منطقه چهارمحال بختیاری که ۱۰ درصد آب های سطحی ایران از این منطقه سرچشمه می گیرد باید ۶۰ روستا بدون آب بمانند؟!»



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
خلیج فارس
روحانی تنها نیست#
www.tvshia.com
tvshia



جنگ آب در کشور ایران خشکسالی ایران ۱۴

محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

اکنون جنگ آب در کشور وجود دارد اما می توان آن را در مرحله کنونی مهار کرد و اجازه نداد شدت پیدا کند. لذا قبل از آنکه این منازعات شدت یابد تا وزارت کشور ناچار شود وارد عرصه شود، بهتر است وزارت نیرو این بحران را حل و فصل کند.



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#



لابی و مافیای قدرتمند آب خشکسالی ایران ۱۵

محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

سوال چرا بحران خشکسالی از سوی مسئولین مورد توجه قرار نمی گیرد؟

جواب : به نظر من یک لابی و مافیای قدرتمند در بخش آب وجود دارد که فقط ۱۰۰ هزار نفر کارشناس ارشد و دکترا در این مافیا و شرکت های اقماری وابسته به وزرات نیرو حقوق می گیرند و تداوم حیات اینها به طرح های انتقال آب بین حوزه ای و سدسازی است و به هیچ وجه حاضر نیستند روش خود را تغییر دهند.»



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
www.tvshia.com
tvshia
روحانی تنها نیست#



بحران از دست رفتن خاک ایران خشکسالی ایران ۱۶

محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست:

ما اکنون با بحران جدی تری در کشور روبرو هستیم و آن بحران از دست رفتن خاک ایران است که حتی مهم تر از بحران آب می باشد. اگر این خاک که برای تولید یک سانتیمتر آن بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال زمان لازم است از دست برود به هیچ وجه قابل جبران نیست.

اکنون در خوش بینانه ترین حالت سالانه دو میلیارد تُن خاک ایران در اثر فرسایش از بین می رود و با توجه به اینکه ارزش هر تُن خاک ۲۸ دلار است یعنی سالانه ایرانیان ۵۶ میلیارد دلار از دست می دهند که حداقل ۲ برابر ارزش صادرات نفت ایران است و هیچ کس متوجه این خطر نیست.

بهرامی:



طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
خلیج فارس
روحانی تنها نیست#
www.tvshia.com
tvshia

نشست وحشتناک زمین براثر خشکسالی خشکسالی ایران ۱۷

۲۰ دشت اصلی کشور با پدیدهٔ فرونشست زمین روبرو گردیده است. به نحوی که دشت تهران به میزان سالانه ۱۷ سانتی‌متر، دشت قزوین ۲۴ سانتی‌متر، دشت مشهد ۲۵ سانتی‌متر، دشت کرمان ۲۹ سانتی‌متـر و... نشست می کند یعنی آبهای زیرزمینی تمام شده و زمین پائین و پائین تر می رود و موجودات زنده درون خاک می میرند و مواد معدنی خود را از دست داده و دیگر حاصلخیز نخواهند بود و برای برگشت به وضع قبل ۵۰۰ سال زمان لازم است.

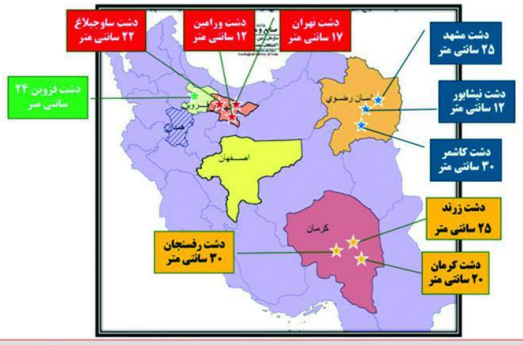

بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می گوییم.

۱۳۹۶/۵/۹ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash
خلیج فارس
روحانی تنها نیست#
www.tvshia.com
tvshia



وزیر نیرو:

خشکسالی ایران ۱۸

« مسئله کمبود آب در کشور کاملا حیاتی و جدی است »

در کشور بارش برف کاهش پیدا کرده است.

تعداد بارشهای بارانی در کشور موثر نبوده و نفوذپذیر نیستند.

بحران آب در برخی نقاط کشور به تنش‌های اجتماعی تبدیل شده است.



بهرامی: طرح انتقال دوماهه آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح از راه غیرعادی و بواسطه اسماءالله انجام میشود. و تنها در مناظره با آقای روحانی این را نشان میدهیم.

۱۳۹۶/۵/۱۶ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

روحانی تنها نیست#

خشکسالی ایران ۱۱

مـافـیـای آب



دکتر محمدحسین پاپلی یزدی:

دوستان یا نمی‌دانند یا نمی‌خواهند! مدت‌ها مسئولین، (کسانی که درباره آب حرف می‌زنند) به اصل قضیه و به اسرار مگوی آب و پشت پرده آب بحثی نمی کنند. ۳۰ سال تمام، فقط ۳ درصد بودجه وزارت نیرو درباره آب زیرزمینی بوده. برای اینکه توی آب زیرزمینی، شرکت‌های گردن‌کلفت مشاور، نمی‌توانستند بروند طرح‌های میلیاردی بگیرند! آنجا پول نبوده! ۹۷ درصد پول آب رفته توی آب‌های سطحی. رفتند که سد بسازند چون میلیاردها پول هست، رفتند شبکه بزنند چون میلیاردها پول هست! صنایع بسیار بزرگی پشت آن چرخیده! یک مافیای بسیار پیچیده حول محور اقتصاد آب در ایران تشکیل‌شده، این‌قدر این مافیا پیچیده شده، ... معنی آن مافیا را نمی‌فهمیم چون داخلش نیستیم، بازیچه آن‌ها هستیم! باید افشا کنیم بگوییم سرطان وجود دارد، تو سرطان داری ... شرکت‌های عظیم هست پشت آب، ... الآن چه کسانی دنبال این هستند که آب از تاجیکستان بیاورند؟ ۲۷ تا نماینده مجلس هستند! شما نماینده مردم و قانون‌گذار هستید یا تاجر آب؟ .. توی این آب دارد میلیاردها دزدی می‌شود! .. همش می‌گوییم تقصیر مردم هست، فرهنگ مردم را باید درست کنیم، فرهنگ این دزدهای گردن کلفتی که بالا نشسته‌اند باید درست بشود! اصلاً مدیران میانی جرئتش را ندارند، خدا شاهد هست اگر یک مدیر میانی، مدیر میانی یعنی در حد مدیرعامل شرکت آب، در حد مدیرعامل آبفا، بخواهد پا توی کفش آن مافیا کند، صبح او را عزل می‌کنند. مافیای آب پولش از کجا می‌آید؟ از مصرف می‌آید، نه از کاهش مصرف! آب سد دوستی که می‌آید به مشهد، متری چند تمام می‌شود؟ ۳۸۰۰ تومان. متری چند به مردم می فروشید؟ ۱۲۰ تومان، اصلاً بگوییم ۵۰۰ تومان، ۳۳۰۰ تومان دارید یارانه می‌دهید به آن مافیای گردن‌کلفت! متری ۳۸ ریال حاضر نیستند برای فرهنگ‌سازی کاهش مصرف بدهند، چون اگر کاهش مصرف پیدا بشود، به ایشان ضرر می‌رسد.



بهرامی:

طرح انتقال و شیرین سازی یکساله آب خلیج فارس برای رفع بحران خشکسالی در دست ماست. این طرح را با توجه به شرایط و هزینه های موجود، طراحی نموده ایم.

طرح ما آبرسانی یک ساله به تمام شهرها و روستاها می باشد. تنها در مناظره زنده تلویزیونی می‌گوییم.

۱۳۹۶/۵/۸ - بهرامی - مدیر سایت تی‌وی‌شیعه - که در ماه مبارک رمضان به علت حمایت از شما تعطیل شد.

channel: @hodhodbashid
admin: @hodhodbash

www.tvshia.com
tvshia

روحانی تنها نیست#

مگر ما در آن زمان عرفا و مشاهیر نداشتیم چرا به این روش شما و یا استفاده از کتاب خزائن هیچ اشاره‌ای نشده است؟

- بنده کی گفتم از کتاب خزائن استفاده می‌کنم؟ بنده کتاب خزائن را نشان دادم که از این امور در کلمات علماء زیاد است، کی گفته‌ام از کتاب خزائن خشک‌سالی را برطرف می‌نمایم.
- بنده متضمن اعمال دیگران نیستم **لا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى**
- بسیاری از بزرگان برای حل بحران آب از طریق غیرعادی سخن گفته‌اند در علوم مختلف که مشهور و مقبول آن نماز باران است و خانم بدر الزمان قریب نیز متنی تقریباً مفصل را ترجمه کرده است

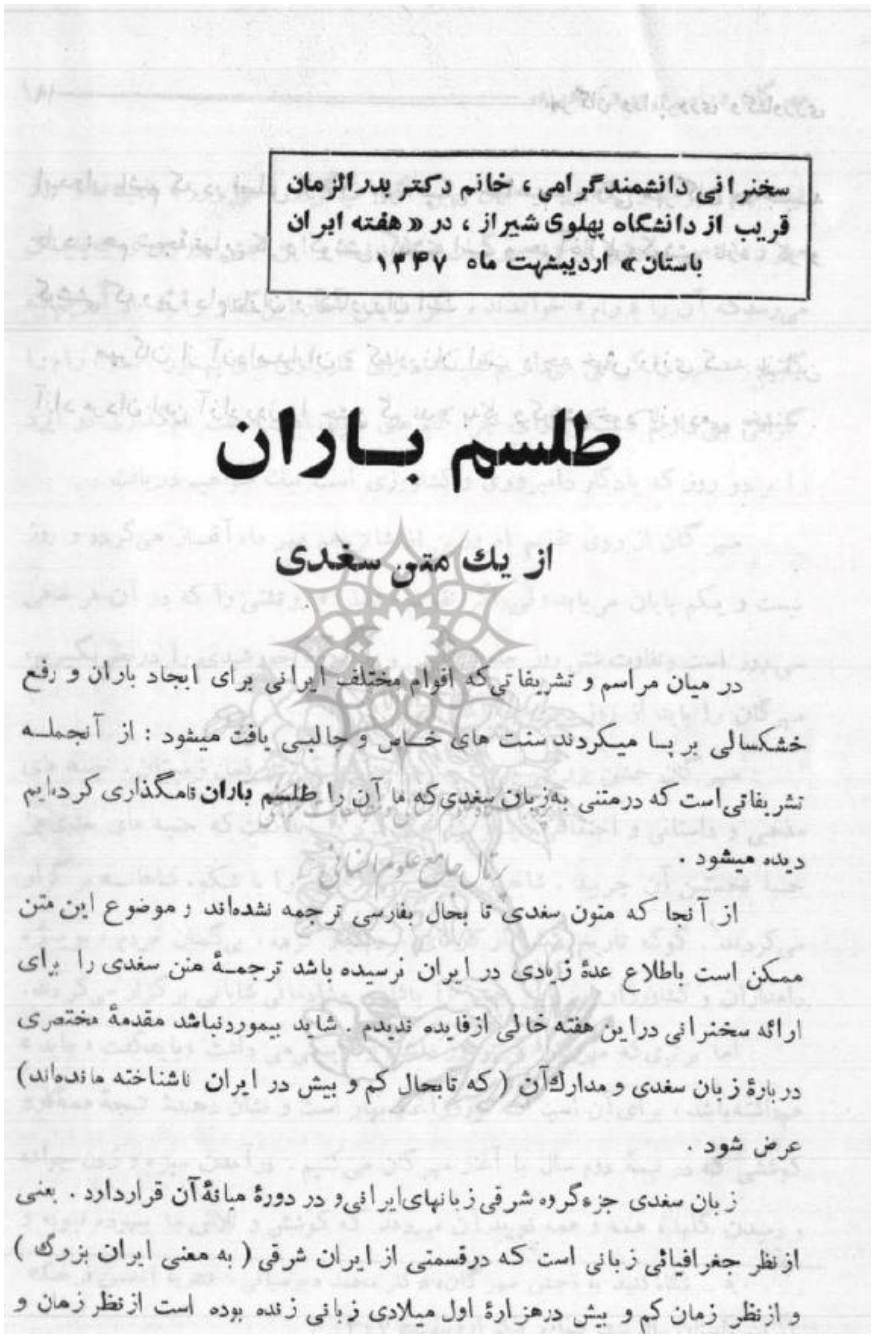

سخنرانی دانشمند گرامی ، خانم دکتر بدرالزمان
قریب از دانشگاه پهلوی شیراز ، در « هفته ایران
باستان » اردیبهشت ماه ۱۳۴۷

طلسم باران

از یک متن سغدی

در میان مراسم و تشریفاتی که اقوام مختلف ایرانی برای ایجاد باران و رفع خشکسالی برپا میکردند سنت های خاص و جالبی یافت میشود : از آنجمله تشریفاتی است که درمتنی به‌زبان سغدی که ما آن را **طلسم باران** نامگذاری کرده‌ایم دیده میشود .

از آنجا که متون سغدی تا بحال بفارسی ترجمه نشده‌اند و موضوع این متن ممکن است باطلاع عدهٔ زیادی در ایران نرسیده باشد ترجمهٔ متن سغدی را برای ارائه سخنرانی دراین هفته خالی ازفایده ندیدم . شاید بیموردنباشد مقدمهٔ مختصری دربارهٔ زبان سغدی و مدارک‌آن (که تابحال کم و بیش در ایران ناشناخته مانده‌اند) عرض شود .

زبان سغدی جزءگروه شرقی زبانهای‌ایرانی‌و در دورهٔ میانهٔ‌آن قراردارد . یعنی ازنظر جغرافیائی زبانی است که درقسمتی از ایران شرقی (به معنی ایران بزرگ) و ازنظر زمان کم و بیش درهزارهٔ اول میلادی زبانی زنده بوده است ازنظر زمان و

اینکه میگویید من می‌فهمم یعنی چه؟ منشأ این فهم کجاست؟ این چه نوع استدلالی است که مطرح می‌کنید؟ هر کس بیاید بگوید من می‌فهمم سنگ روی سنگ بند نمی‌شود؟

- باید بچشید تا بفهمید برای انسان کور نمی‌توان فرق سیاه‌وسفید را بیان کرد باید شما بفهمید تا بفهمید فهمیدن یعنی چه؟
- اگر فهم مطابق با واقع باشد دلیل بر صحت آن است و در بعض امور که در متن گزارش شما آمده به این امر معترف هستید، بله بازمی‌گویم بنده بعض امور را فهمیده‌ام
- منشأ فهم نتیجه دعا است که در مصاحبه هم گفته بودم
- وجدانیات استدلال نمی‌خواهد مثلاً میگویم من گرسنه‌ام، این مطلب امری وجدانی است که استدلال نمی‌خواهد و در فی ما نحن فیه و بحث خشک‌سالی تمامی فهم‌ها مطابق با واقع بوده و دلیل خارجی برای اثبات آن موجود است.

اگر حرف شما صحیح باشد باید هدف مهمی برای کشورهای غربی باشید؟ بله من هدف ترور هستم.

- این خبر است، سؤال است چیست؟ بله بنده هدف ترور هستم هر آن‌کس که بتواند مشکل آب را در هر کشوری حل نماید هدف مهمی است مخصوصاً بنده که روحیه غرب‌ستیزی دارم، لذا آن‌ها درنهایت برای حذف بنده تلاش خواهند نمود و این مسیر چیزی جز شهادت نیست.

این‌همه نامه‌نگاری با مسئولین چه معنایی دارد؟

- اتمام‌حجت و انجام تکلیف الهی و برطرف شدن خشک‌سالی از ایران و نجات دین و ملت **و جعلنا من الماء کل شیء حی**

چرا حرف‌های علماء مخصوصاً آیت‌الله ... برداشت به تأیید خودتان می‌کنید؟

- تقریر آیت‌الله ... معلوم است و از کجا چنین استدلال کرده‌اید؟
- چرا این سؤال‌ها را در گزارش آورده‌اید؟ چرا جواب‌های ما را نیاروده اید؟
- نامه و متن جواب معلوم است، لطف بفرمایید دلیل خود را ذکر بفرمایید.

چرا در فضای مجازی از لباس روحانیت برای پیشبرد اهداف خودتان استفاده می‌کنید؟

- آنچه مهم است مباحث بنده است
- ثانیاً بنده ملبس هستم چه کنم بدون لباس تکلم نمایم؟

- ثالثاً از کجا چنین استدلالی کرده‌اید؟ بیشتر مباحث بنده صوتی بوده نه تصویری بیش از ۲۰۰ سخنرانی در رابطه با آب همه صوتی است.
- رابعاً در رابطه با آب بسیاری از سخنرانی‌ها بدون عمامه بوده است.

هیچ کجا مانند ... به شما گوش نخواهد داد، اگر روند بررسی ادعاهای شما رنگ قضایی به خود بگیرد رویه چیز دیگری خواهد شد.

- ... متأسفانه به حرف‌های ما گوش نداده است دلیل آن تطبیق این گزارش با صوت مصاحبه صحت ادعای ما را اثبات می‌کند و رنگ قضایی هم گرفته و بنده به تکلیف عمل می‌کنم نان‌خور اسلام بوده و هستم و برای اسلام هر آنچه دارم را فدا می‌کنم.

چرا یک طلبه باسابقه کار فرهنگی، فیلم‌سازی باید چنین ادعای به این مهمی را انجام دهد؟

- دلیل واضح است علمی پیدا نموده‌ام برای نجات دین و ملت و باید آن را به ملت هدیه نمایم.

مورد تمسخر قرارگرفته‌اید و باعث وهن روحانیت شیعه شده‌اید؟

- چه کسی ما را مسخره کرده است؟ دلیل بیاورید
- ثانیاً: هیچ وهنی اتفاق نیفتاده اگر این امور وهن است کتب علمایی مانند علامه حسن‌زاده آملی و ملأ احمد نراقی و شیخ بهایی و میرفندرسکی و بوعلی و ... باید جمع شود چراکه اگر بنده یک کلمه گفته‌ام آن‌ها کتاب‌ها نگاشته‌اند.
- ثالثاً: با افرادی که تاکنون صحبت نموده‌ام عنوان داشته‌اند بعدازاین مباحث به عمق اسلام پی برده‌ایم.

عرفا میگویند امور باید از راه طبیعی انجام گیرد و خدا ابا دارد که امور از راه غیرطبیعی انجام گیرد؟

- این امور نیز از اسبابی است که خدا قرار داده و نیز بسیاری از علماء از آن استفاده کرده‌اند مانند شیخ بهایی.
- در قرآن جریان حضرت سلیمان و آصف بن برخیا برای چه آمده است؟

با اسماء الله در ایران سیل را می‌افتد را چگونه می‌توان در قابل امور طبیعی گنجاند؟

- خیلی واضح است در نگاه قرآنی جایگاه آب در آسمان است که از آسمان نازل می‌شود، **وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورً، وَمَا أَنْزَلَ اللهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ، وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ ، وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً، مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ ،**

وَاللهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً، كَمَاء أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاء ، أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ، وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكا ، وَالَّذِی نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ، فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ، كَمَاء أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ، أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا ، فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاء مُنْهَمِرٍ ، وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا ، وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا، وَمَا أَنْزَلَ اللهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا، هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ، وَيُنَزِّلُ عَلَيكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ ، وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ ، أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا، نگاه قرآن این است که آب در آسمان است، یا در جریان نوح می‌فرماید وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِی مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِی وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِی الْأَمْرُ لذا آب درآسمان است و آسمان راه‌های بسیاری دارد اگر آسمان سوراخ می‌شد و ما آماده نبودیم خطر بسیار عظیمی ما را تهدید می‌کرد که کارشناسانی که حرف بنده را شنیدند و فهمیدند نیز تأیید کردند.

- این جریان نیز درگذشته اتفاق افتاده است
- سال ۱۳۵۰ در ایران ۵ روز مداوم برف بارید. ارتفاع برف به ۸ متر رسید و ۴۰۰۰ نفر کشته شدند
- در سال ۱۹۱۵ چارلز هتفیلد شیمی‌دان معروف در خشک‌سالی سن دیگو آمریکا ادعا کرد با یک ماده شیمیایی باعث بارش باران می‌شود و ۱۰ هزار دلار آن را به دولت فروخت، پس از آزمون ماده سیل آمد و شهر تخریب شد

یا ادعای معجزه و کرامت دارید و یا اینکه به امور غیرطبیعی علاقه دارید؟

- من نه ادعای معجزه دارم و نه ادعای کرامت اما به فضل خدا امیدوار هستم، امدادهای غیبی همیشه بوده و هست و خواهد بود در ثانی دعا و اسماء الله نیز یکی از اسباب است که خداوند قرار داده است.

به دلیل ادعاهایتان انگ اعتیاد به شیشه و تریاک به یک روحانی زده‌اند ناراحت نیستید؟

- آنچه مرا ناراحت می‌کند ادعای اسلام از طرف افراد جاهل مسلمان است، آنان که ما را انکار کردند بی‌شباهت به کشیشان قرون‌وسطی نیستند که گالیله‌ها را انکار کردند، در مسیر حق عالم توسط جاهل انکار می‌شود که نمونه‌های آن در تاریخ بسیار می‌باشد.
- تطیر چیز تازه‌ای نیست همیشه تاریخ شاهد این بوده که جاهل عالم را انکار نموده است.

کدام نهاد علمی و قانونی در کشور نظرات شمارا تأیید می‌کنند؟

- کدام نهاد علمی و قانونی نظرات ما را رد کرده است؟
- نمونه غربی آن در سراسر دنیا در حال اجراست، چاله هوایی چیزی است که با انفجار یون منفی غیرطبیعی در دنیا اتفاق می‌افتد و شهرهای اجنه نیز در بعضی از نقاط دنیا کشف‌شده است که بحثی مجزا لازم دارد.

بهتر نبود قبل از اعلان عمومی ابتدا نتیجه‌ای از اعلان خصوصی خودت می‌گرفتید؟

- ما در ابتدا مطلب را به بسیاری از بزرگان اعلام کردیم ولی نتیجه‌ای نداشت به دلایل مختلف بعضی اصل بحران خشک‌سالی را نمی‌دانستند، بعضی به‌اندازه توان کمک نکردند، بعضی از علوم ما ناآگاه بودند لذا اعتماد نکردند و ....
- اگر نگوییم همانان که امروز به حرف ما گوش نمی‌دهند در فردایی نزدیک طلب کار می‌شوند لذا ما طاقت جواب قیامت را نداریم لذا در این دنیا به تکلیف عمل می‌نماییم.

چون فعالیت‌های شما بی‌ثمر بوده ....

- دروغ است
- تأیید برادر مختاران بطلان کننده این بند است
- مستندهای پخش‌شده از تلویزیون بطلان کننده این بند است.
- مقامات کسب‌شده بطلان کننده این بند است.

عملکرد دولت خوش‌بین نیستم مشکلات زیادی گریبان گیر کشور می‌شود؟

- مطلب واضح است لذا اگر دلمان برای مملکت می‌سوزد باید کمک کنیم.

در مورد آب اگر می‌خواهند می‌توانم ۹۶/۶/۶ را برگردانم.

- دروغ است

کیفیت محصولات قلمی و تصویری بسیار پایین بوده و ساختار فنی ندارد؟

- نظر دادن برای کسی که کاری نکرده بسیار آسان است، الحمد لله که در هر نمایشگاهی که شرکت کردیم رتبه اول را آوردیم و بارها مستند ما از تلویزیون پخش گردیده است و برای دیگران نمونه و الگو بوده‌ایم.

در هر زمینه از توانایی سطحی برخوردار است

- فوق کل ذی علم علما

- بنده در هر زمینه توانایی ندارم و البته آنچه میدانم بسیار اندک است، **الهی انا الجاهل فی علمی فکیف لا اکون جهولا فی جهلی** ولی این را نیز میگویم از نویسنده این متون بسیار بیشتر میدانم، به لطف خدا، الحمد لله.

برخی از بیانات در خصوص فهم شخصی به نحوی است که گویی نامبرده مورد الهام و عنایت قرار می‌گیرد و خود وی در این امر دخیل نیست.

- این مطلب را رد کنم یا قبول کنم، بنده به‌صراحت میگویم الهام ندارم ولی می‌فهمم، و این‌ها نتیجه فکر نیست و خدا را شکرگزارم.

جریان حمله داعش به ایران

- آیا اخبار امری اجتماعی که خطری جدی است وظیفه است یا نه؟ بنده بین دو امر هستم بگویم و تهمت بشنوم و نگویم و برای خود عذاب ابدی را بخرم، عاقل آخرت را با این چند روز قلیل دنیا مبادله نکند.

چرا میگویم من می‌فهمم.

- ✓ بنده برای اموری که نام‌برده‌ام لفظ الهام و مکاشفه و ... را به کار نمی‌برم فقط میگویم می‌فهمم، هر لفظ بار معنایی خاصی دارد.

اوراد برای انتقال آب خلیج‌فارس حاوی علوم غریبه بود این در حالی است که استفاده از علوم غریبه را رد کرده و مدعی بود من همه ادعاهای خود را از طریق دعا پیش خواهم برد لازم به ذکر است که علوم غریبه با توجه به شاخه‌های آن شامل پیش‌بینی آینده نزدیک هم می‌گردد و در بین اساتید این علم امری بعید نیست.

- من چه بگویم که هر آنچه میگویم باور ندارند، علم محدود بازپرس باعث شده چنین حکم کند، هر گردی گردو نیست، علوم غریبه بیش از ۶۰۰ رشته دارد که اکثراً شبیه به هم است درصورتی‌که غیر علوم غریبه هم وجود دارد که شبیه علوم غریبه است و آن علم اسماء الله است بارها گفته‌ام گفته‌هایم نتیجه دعاست و آنچه در لوح است اسماء الله است نه علوم غریبه.
- آقای .... که این مطالب را نوشته‌ای اول اثبات کن علوم غریبه میدانی بعد ادعا کن که این مطالب علوم غریبه است.
- اگر هم زیاد اصرار دارید علوم غریبه است بفرمایید از چه نوع علوم غریبه؟ حرامش است یا حلالش؟ چه تأثیری دارد؟ درست است یا اشتباه؟

با توجه به تمسخرآمیز بودن و غیرعقلانی بودن ادعاهای نامبرده و اصرار بر ادامه فعالیت انتظار می‌رود تبعات نامناسبی نسبت به حوزه و عدم پاسخگویی نهاد حوزه نسبت به این مطلب ایجاد گردد.

- اگر شما خود را بالاتر از تمامی حوزویان میدانید امری جداست اثبات نمایید و الا حوزه خود علمایی دارد که مسئله را حل می‌نمایند.
- به‌هیچ‌عنوان ادعای بنده تمسخرآمیز نیست متأسفانه بازپرس از مسائل مربوط به آب و مسائل عمیق معرفتی بی‌اطلاع بوده است لذا چنین حکم کرده است.
- در ثانی آنچه تبعات دارد این است که مانتوانیم مشکلات حکومتی را برطرف نماییم که این مسئله برای ما مشکل ایجاد می‌نماید، مردم مشکلات را از اسلام می‌بینند و بنده به‌عنوان یک مسلمان و طلبه از علومی که از آن‌ها بهره برده‌ام ان شاء الله به لطف خدا زمینه برطرف شدن این مشکلات را ایجاد خواهم نمودان شاء الله.

بحث اجنه و ذکر و توانایی آنان

- یکی از سوره‌های قرآنی سوره جن است و یکی از حقایق جهان نیز جن است و ذکر و توانایی اجنه نیز مطالب حقیقی می‌باشد که جزو معارف اسلامی است، بنده در رابطه با غول صحبت نکرده‌ام در رابطه با جن صحبت نموده‌ام که تقریباً ۱۵۰ آیه در قرآن در این رابطه وجود دارد.

تذکر می‌دهد هر کس ظرفیت مطالب مربوط به اجنه را ندارد از کانال خارج شود

- خوب کجای حرف اشکال دارد.

همچنان که پیش‌بینی‌شده بود استفاده از علوم غریبه و مطرح کردن خود به‌عنوان فردی که می‌تواند با استفاده از ظرفیت اجنه نسبت به اقدامات خارق‌العاده در سطح ایران اقدام کند در دستور کار وی قرارگرفته است.

- دروغ است ما با کمک اسماء الله کار انجام می‌دهیم و نه علوم غریبه مرسوم
- لوحی تحت عنوان استفاده از ظرفیت اجنه نداریم دروغ است

نامبرده قصد دارد طبق ادعایش از توانایی جسمی و خاص اجنه جهت انتقال آب به مرکز و شمال ایران و همچنین ساخت سدها و مدیریت سیلاب‌ها استفاده کند.

- دروغ است

دیدار با آقای ....

- عین واقعیت است، نامه ما را جناب آیت‌الله ... به آقای .... دادند و ایشان به مشاورشان دادند و بنده به مجلس رفته و با جناب آقای .... جلسه داشتم

سوءاستفاده از تقریرات علماء، با آقای ....

- دروغ است

محصولات ضعیف عمار المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

- چگونه محصولات ضعیف است درحالی‌که در شبکه‌های خارج از کشور به‌صورت دوره‌ای پخش می‌گردد در هند و پاکستان
- چگونه ضعیف است درحالی‌که بارها از ما تقدیر شده است
- چگونه ضعیف است درحالی‌که این‌همه عنوان و رتبه کسب کرده‌ایم و ... چگونه ضعیف است درحالی‌که نمونه مشابه ندارد، و ....
- گزارش جناب آقای ... مؤید کلام ماست

فیلم ۳۰ دقیقه‌ای تمسخرآمیز

- کسی که مدت فیلم را نمی‌داند توقعی از او نیست مقدار فیلم ۳۸ دقیقه می‌باشد
- در ثانی چگونه فیلم تمسخرآمیز است در حالی پربازدیدی‌ترین فیلم سال ... شده است درحالی‌که بارها از ماهواره پخش گردیده است بله آنان که کار نکردند به دیگران ایراد می‌گیرند



نامبرده در اقدامی دیگر متن‌های مختلفی در خصوص کم‌آبی، خشک‌سالی و قحطی تهیه‌کرده و نسبت به تأیید آن توسط اعضای جامعه مدرسین و مراجع اقدام کرده است

- دروغ است و معنی نامفهوم است

آقای بهرامی تأیید وجود کم‌آبی در ایران توسط برخی از بزرگان را تأیید اقدامات و ادعاهایش دانسته و نسبت به نشر آن اقدام کرده است

- ادعای بی‌دلیل

با توجه به دیدار انجام‌شده و مشاهدات صورت گرفته از نحوه رفتار، چینش مطالب و سخن گفتن، پراکنده‌گویی، نیاز شدید به توجه، نیازمندی اقتصادی، خود را عارف‌مسلک نشان دادن و ... به نظر می‌رسد نامبرده پس از قطع تماس از ... و ارگانهای تبلیغی به حاشیه رانده‌شده و با مطرح کردن چنین ادعایی قصد بازگشت به صحنه را دارد، با توجه به مصاحبه انجام‌شده و رؤیت حرکات و ادعاهای آقای بهرامی نمی‌توان به‌آسانی این‌چنین حرکات و ادعاهای وی را ناشی از اختلال مشاعر وی دانست، بلکه سطحی‌نگری در همه رشته‌ها، بی‌برنامگی در تحصیل، هدفمند نبودن در امور علمی، مشهور بودن در عرصه فرهنگ و به حاشیه رفتن در مدت‌زمان کوتاه و بدهی ۳۲۰ میلیون تومانی را می‌توان از علل ادعاهای مطرح‌شده توسط وی بیان کرد. درهرصورت با توجه به تبعات منفی ادعاهای نامبرده نسبت به حوزه و روحانیت و تمسخر اقدامات و فعالیت‌های وی در فضای مجازی و به دلیل مؤثر نبودن تذکرات ارائه‌شده به وی در جلسه توجیهی لازم است برخورد بازدارنده‌ای با وی انجام شود.

- لطف بفرمایید منظور چه مشاهداتی است؟
- چینش مطالب طبق سؤال شما بود پس مشکل از بنده نبوده از شما بوده که سؤال شما چینش اشتباه داشته، در ثانی بنده بیش از ۲۴ سال است منبر می‌روم چگونه کسی که چینش مطالب ندارد این‌همه سال منبر می‌رود، بیش از ۱۰۰۰ سخنرانی و متن بنده در اینترنت موجود است، بیش از ۱۲ هزار سخنرانی با مدیریت بنده تهیه‌شده است چگونه کسی که چینش درست ندارد این‌همه فعل کلامی انجام داده باشد؟
- سخن گفتن: چه اشکالی داشته است؟
- نیاز شدید به توجه: اصلاً چنین چیزی نیست.
- خود را عارف‌مسلک نشان دادن: **اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم.**
- پس از قطع تماس از طرف... و ارگانهای تبلیغی به حاشیه رانده‌شده و با مطرح کردن چنین ادعایی قصد بازگشت به صحنه را دارد،: اولاً اول بنده مسئله آب را مطرح کردم و سپس کمک‌ها قطع شد، در ثانی بنده در حاشیه نیستم در متن هستم ثالثاً .... بماند رابعاً: نویسنده فکر نکرده اگر ادعای بنده دروغ باشد و نتوانم اثبات کنم که راست گفته‌ام دیگرکسی به هیچ عنوان به بنده کمک نمی‌کند خامسا: به من پیشنهاد داده شد که بازگردم و خود قبول ننمودم.
- ..... با توجه به مصاحبه انجام‌شده و رؤیت حرکات و ادعاهای آقای بهرامی نمی‌توان به‌آسانی این‌چنین حرکات و ادعاهای وی را ناشی از اختلال مشاعر وی دانست ... – این نظر با نظر نظر ... تناقض دارد بالاخره بنده اختلال دارم یا خیر؟

- .... بلکه سطحی‌نگری در همه رشته‌ها، بی‌برنامگی در تحصیل، هدفمند نبودن در امور علمی، مشهور بودن در عرصه فرهنگ و به حاشیه رفتن در مدت‌زمان کوتاه و بدهی ۳۲۰ میلیون تومانی ... را می‌توان از علل ادعاهای مطرح‌شده توسط وی بیان کرد. ... - به دروغگو نمی‌توان اعتماد کرد کجا بنده ۳۲۰ میلیون تومان بدهکار هستم- بقیه مطالب هم دروغهایی مانند همین بند می‌باشد، در ثانی بنده برنامه در تحصیل‌دارم و بسیار هم هدفمند می‌باشم.
- .... درهرصورت با توجه به تبعات منفی ادعاهای نامبرده نسبت به حوزه و روحانیت و تمسخر اقدامات و فعالیت‌های وی در فضای مجازی و به دلیل مؤثر نبودن تذکرات ارائه‌شده به وی در جلسه توجیهی لازم است برخورد بازدارنده‌ای با وی انجام شود. .... اولاً: مسئله‌ای که بنده مطرح نموده‌ام تبعاتی که ندارد هیچ بلکه باعث دفع بسیاری از خطرهایی است که انقلاب را تهدید می‌کند ثانیاً: ادعای بی‌دلیل مردود است لطف بفرمایید اسناد ارائه دهید ثالثاً: چه تذکری به بنده داده‌اید هر چه گفته‌اید با دلیل و برهان مردود شده است رابعاً: انکار عالم توسط جاهل چیز تازه‌ای نیست.

اختلال اسکیزوفرنی، پایه وراثتی دارد (درصحنه تروما) در ناخودآگاه وی تأثیر گذاشته است، و در این اختلال فرد باورهای عجیب‌وغریب پیدا می‌کند و یا تجربه‌های ادراک غیرمعمول را ابراز می‌دارد.

- در محضر دادگاه حاضرم آزمون دهم هم آزمون بالینی و هم آزمون شخصیت شناسی و اثبات می‌کنم کسی که این اراجیف را نوشته یک روانشناس غربی است که مرتکب یک دزدی هم شده او لباس روحانیت را دزدیده است و بالباس روحانیتِ شیعه، اراجیف بافته روانشناسی غربی را تکرار می‌کند در این روانشناسی اولیاء الهی بیماران روانی می‌باشند، چراکه همه مردم سالم فرض شده و کسی که مثل آنان نباشد مریض پنداشته می‌شود، من در همان‌جا هم به آزمون گیرنده عرض نمودم که به اسم اسلام با علوم غربی حکم ننما به ایشان توصیه می‌کنم یا لباس روحانیت را از تن بیرون کند و یا از این بافته‌های غربی دست بردارد که در غیر این صورت عاقبتی وخیم در انتظار ایشان است، در نگاه ایشان نه بنده بلکه پیامبران و اوصیاء و علماء ما مانند علامه حسن‌زاده‌ها نیز نعوذ بالله بیمارند.
- اما اختلال اسکیزوفرنی علائمی دارد که در بنده نیست ای‌کاش دلایل ادعای خودشان را نیز مطرح می‌کردند که مثلاً به این دلایل بنده مریض هستم اما علامت‌های اختلال اسکیزوفرنی که هیچ‌کدام در بنده نیست:
  - ✓ شنیدن صداها: بنده صدایی نمی‌شنوم

- ✓ آشفتگی فکری و کلامی: هیچ آشفتگی ندارم آنچه میگویم با برنامه تنظیم‌شده است
- ✓ از دست دادن قطار اندیشه، تا جملات نظم در معنی: بنده بیش از ۱۰۰۰ سخنرانی و متن دارم که همه موجود است شاهد بیاورید
- ✓ تناقض : کجا تناقض گفته‌ام درحالی‌که مدعی طبابتی که آن مطالب را نوشته پر از تناقض است.
- ✓ آشفته گویی: آشفته‌گویی ندارم ولی روانشناس مدعی خود را ملاک قرار داده لذا علم را انکار می‌کند درحالی‌که آن شخص از این علوم اطلاعی ندارد.
- ✓ گوشه‌گیری اجتماعی: در اکثر مکان‌هایی که حضورداشته‌ام به‌عنوان فردی شاخص مطرح بوده و هستم که نمونه‌ها زیاد است
- ✓ نامرتبی لباس و بهداشت: امر معلوم است احتیاجی به بیان ندارد
- ✓ و از دست دادن انگیزه: انگیزه‌هایی که بنده دارم در کمتر کسی روی این کره خاکی پیدا می‌شود من‌جمله کار عظیمی که در تی وی شیعه انجام گردید.
- ✓ مشکل عاطفی: تنها چیزی که ندارم مشکل عاطفی است بنده فردی بسیار عطوف هستم و یکی از نشانه‌های آن همین بحث آب است و چگونه مشکل عاطفی داشته باشم درحالی‌که هر جا مشکلی بوده برای حل آن حرکت کرده‌ام چند نفر از طلاب برای کمک به زلزله‌زدگان به کرمانشاه رفتند؟ و نیازی هم به عطوفت دیگران ندارم.
- ✓ انزوای اجتماعی: اموری که انجام داده‌ام نشان می‌دهد که اصلاً و ابداً فردی منزوی نیستم.
- ✓ مشکلات در کار : همیشه با مشکلات مبارزه کرده‌ام و در کارهایی که می‌کنم مشکلات عظیم را کنار زده‌ام.
- ✓ حافظه بلند مدت: خاطرات قبل از یک‌سالگی را به یاد دارم.
- ✓ اواخر نوجوانی و اوایل دوران بلوغ، دوره‌های اوج شروع بیماری اسکیزوفرنی می‌باشند: بنده ۴۱ سالم است و تاکنون کسی چنین تهمت‌هایی را به بنده نزده است.
- ✓ عدم مهارت حرکتی: بنده ورزشکار هستم و بااینکه بیش از ۲۰ است ورزش را رها کرده‌ام اما کماکان قابلیت بازگشت به قبل را دارم و چگونه مشکل حرکاتی داشته باشم درحالی‌که تمامی آزمون‌های آموزشی سوریه را گذراندم و به سوریه رفتم درحالی‌که بسیاری از جوانان نتوانستند.
- ✓ کمبود عاطفه و احساس: اصلاً و ابداً کمبود عاطفه ندارم.

- ✓ فقر بیان: بیش از هزار سخنرانی موجود در نت بیانگر این است که آیا فقر بیان دارم یا نه؟
- ✓ عجز گویایی: بطلان این امر واضح است.
- ✓ ناتوانی در تجربه خوشی و لذت: بطلان این مطلب واضح است
- ✓ فقدان لذت:
- ✓ عدم تمایل به تشکیل روابط: کارهای انجام‌شده نشان‌دهنده این است که بنده دائماً روابط را گسترش می‌دهم
- ✓ بی‌اعتنایی اجتماعی: هم به دیگران اعتنا می‌گزارم و مورد اعتنای دیگران هستم.
- ✓ و فقدان انگیزه: انگیزه‌هایی که بنده دارم در انگشت‌شمار افرادی دیده می‌شود.
- ✓ فقدان اراده: هم اراده قوی دارم و هم به سمت آن امور حرکت اثربخش می‌نمایم.
- ✓ پژواک کلامی تکرار کلمات: شاید تکرار داشته باشم و آن لفظ – فلذا – است و دلیل آن این که برای هر چیز علت آن را نیز ذکر می‌کنم و این تکرار دلیل عقل است نه دیوانگی.
- ✓ بار مسئولیتی که بر دوش دیگران: بنده نه‌تنها بار مسئولیتی بر دیگران نیستم بلکه بار دیگران را نیز به دوش می‌کشم، چگونه یک بیمار می‌تواند میانگین ۳۵ نفر حقوق‌بگیر به مدت ۶ سال داشته باشد؟
- ✓ سیستم ایمنی بدن: الحمد لله بدن سالمی دارم که دفترچه بیمه بنده شاهد گویای این مطلب است، خدا را شکر با طب آشنایی دارم و به پزشک مراجعه بسیار کمی دارم.
- ✓ بیکاری: الحمد لله مشغله کاری بنده بسیار زیاد است.

هذیان

- در تعجبم که در این نوشته بیشتر تهمت‌هایی که کفار به اولیاء الهی می‌زدند عیناً تکرار شده: دیوانه، هذیان‌گو، کسی که می‌خواهد فرقه انحرافی راه بیندازد و ...

خودش هدهد و رهبر سلیمانی که بی‌خبر است

- مگر خبری را که هدهد برای جناب سلیمان آورد سلیمان علی نبینا و آله و علیهم‌السلام خبردار بود؟ اصلاً جریان هدهد همین است که هدهد مطلبی را آورد که سلیمان از آن بی‌خبر بود و این مطلب نقصی برای جناب سلیمان نمی‌باشد.

تجربه‌های ادراک غیرمعقول نیمه‌شبی

- چه چیز آن غیرمعقول است؟
- یا بنده یا طرف مقابل معنای عقل و غیر عقلی را نمی‌فهمیم؟ اجتماع یا ارتفاع نقیضین و یا اجتماع ضدین غیر عقلی است چه چیز از گفته‌های بنده یکی از این سه مورد است؟

۳۵ میلیون بدهی دارد.

الحمد لله اگر بدهکاری هم بود در راه خدا بود و بیشتر آن پرداخت شد ولی این مسئله چه ربطی دارد.

خانواده نامبرده از کارهای وی به ستوه آمده است.

- دروغگو دشمن خداست این مطلب دروغ است
- **فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكاذِبِينَ**
- **اتَّقُوا الكذِبَ الصَّغيرَ منهُ وَ الكبيرَ، فى كلِّ جِدٍّ وَ هَزلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إذا كذِبَ فِى الصّغيرِ اجتَرَأَ عَلَى الكبيرِ؛** از دروغ کوچک و بزرگش، جدّی و شوخیش بپرهیزید، زیرا انسان هرگاه در چیز کوچک دروغ بگوید، به گفتن دروغ بزرگ نیز جرئت پیدا می‌کند. تحف العقول ص ۲۷۸
- **يكتَسِبُ الْكاذِبُ بِكذِبِهِ ثَلَاثاً سَخَطَ اللهِ عَلَيهِ وَ اسْتِهَانَةَ النَّاسِ بِهِ وَ مَقْتَ الْمَلَائكةِ لَه**

دروغگو با دروغگویی خود سه چیز به دست می‌آورد: خشم خدا را نسبت به خود، نگاه تحقیرآمیز مردم را نسبت به خود و دشمنی فرشتگان را نسبت به خود. تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۲۱، ح ۴۴۱۸

- **ستَّةٌ لَا تَكونُ فِى مُؤْمِنِ الْعُسْرُ وَ النَّكدُ وَ الْحَسَدُ وَ اللَّجَاجَةُ وَ الْكذِبُ وَ الْبَغْى.**

شش (صفت) در مؤمن نیست: سخت‌گیری، بی خیری، حسادت، لجاجت، دروغگویی و تجاوز. تحف العقول ص ۳۷۷

- **لَا تَسْتَشِرِ الْكذَّابَ فَإِنَّهُ كالسَّرَابِ يقَرِّبُ عَلَيک الْبَعِيدَ وَ يبَعِّدُ عَلَيک [إِلَيک] الْقَرِيب**

با دروغگو مشورت نکن، چون دروغگو، مانند سراب، دور را در نظرت نزدیک نشان می‌دهد و نزدیک را دور. تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۴۲، ح ۱۰۰۹۲

- **لَوْ تَمَيزَتِ الْأَشْياءُ لَكانَ الصِّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ وَ كانَ الْجُبْنُ مَعَ الْكذِب**

اگر خصلت‌ها از یکدیگر متمایز و جدا شوند، هرآینه راستی با شجاعت باشد و بزدلی با دروغ. تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۱۹، ح ۴۳۴۹

- **الْمُؤْمِنُ لَا يخْلَقُ عَلَى الْكذِبِ وَ لَا عَلَى الْخِيانَةِ وَ خَصْلَتَانِ لَا يجْتَمِعَانِ فِى الْمُنَافِقِ سَمْتٌ حَسَنٌ وَ فِقْهٌ فِى سُنَّة.**
مؤمن در سرشتش دروغ و خیانت نیست و دو صفت است که در منافق جمع نگردد: سیرت نیکو دین‌شناسی. بحارالانوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۲۵۱ - تحف العقول ص ۳۶۷
- **لا تُحَدِّثِ النّاسَ بِكلِّ ما سَمِعتَ بِهِ، فَكفى بِذلِک كذِبا؛**
هر چه را شنیدی برای مردم بازگو مکن، که همین برای دروغگویی (تو) کافی است. نهج‌البلاغه (صبحی صالح) ص ۴۵۹، از نامه ۶۹

همسایه و خویشاندان او را دیوانه می‌دانند.

- من دیوانه نیستم ولی نویسنده این مطلب نه دین دارد و علم دین نیز ندارد چراکه دروغ گفته و تهمت‌زده، علم ندارد چراکه به جهل حکم کرده
- یک نفر از خویشاوندان من را بیاورید که بگوید من دیوانه هستم، چگونه است که سال‌هاست که تلویزیون مستندهای مختلفی از زندگی شخصی و کارهای اجتماعی تبلیغی بنده را پخش می‌کند، آیا آن‌ها بدون تفحص از یک دیوانه مستند ساخته و پخش می‌کنند، تهمت انسان‌های ضعیف و جاهل به مؤمنین چیز تازه‌ای نیست.
- طبق آیه **یا ایها الذین امنوا ان جاءکم فاسق بنباء فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبحوا علی مافعلتم نادمین** هیچ‌کدام از کلام این گزارش دهندگان قابل‌اطمینان نیست چراکه پر از کذب است
- تقاضای دارم این مطلب را اثبات کنند که در غیر این صورت دروغ‌گویی و تهمت آنان ثابت‌شده است و از دادگاه محترم تقاضای مجازات دارم.
- ۱. قال الامام علی - علیه‌السلام -: **لا قحَةَ كالبُهتِ.** «غرر الحکم، ح ۴۴۳۸»
امام علی - علیه‌السلام - فرمود: هیچ بی‌شرمی وقاحتی چون بهتان زدن نیست.
- ۲. قال الامام الصادق - علیه‌السلام -: **مَن اِتَّهَمَ أخَاهُ فی دِينِهِ فَلا حُرمَةَ بَينَهُمَا.** «الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱»
امام صادق - علیه‌السلام - فرمود: هر کس به برادر دینی خود تهمت زند حرمتی میان آن دو به جا نمی‌ماند.
- ۳. قال الامام علی - علیه‌السلام -: **اَلبُهتَانُ عَلَى البَرِئِ أعظَمُ مِنَ السَّمَاءِ.** «بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۱»
امام علی - علیه‌السلام - فرمود: بهتان زدن به آدم بی‌گناه (گناهش) بزرگ‌تر از آسمان است.

- ۴. قال رسول‌الله - صلی‌الله علیه و آله -: **مَن بَهَتَ مُؤمناً أو مُؤمنَةً أو قَالَ فیه مَا لَیسَ فیه أقَامَهُ اللهُ تَعَالی یَومَ القِیَامَةِ عَلَی تَلٍّ من نَّارٍ، حَتَّی یَخرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِیهِ.** «عیون الاخبار الرضا - علیه‌السلام -، ج ۲، ص ۳۳»

پیامبر خدا - صلی‌الله علیه و آله - فرمود: هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند یا درباره او چیزی بگوید که از آن مبراست، خداوند متعال در روز رستاخیز او را بر تلّی از آتش نگه دارد تا از حرف خود درباره آن مؤمن برگردد.

- ۵. **قال رسول‌الله - صلی‌الله علیه و آله -: ... وَ أمَّا عَلامَةُ الفَاسِقِ فَأربَعَةٌ: اَللَّهوُ، وَ اللَّغوُ، وَ العُدوَانُ، وَ البُهتَانُ.** «بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۲۰»

پیامبر اکرم - صلی‌الله علیه و آله - فرمود: فاسق چهار نشانه دارد: (اشتغال به) لهو، لغو، دشمنی و بهتان.

- ۶. **قال أبی عبد الله - علیه‌السلام -: مَن بَاهَتَ مُؤمناً أو مُؤمنَةً بِمَا لَیسَ فِیهِمَا حَبَسَهُ اللهُ عَزَوَجَلَ یَومَ القِیَامَةِ فی طِینَةِ خَبَالٍ، حَتَّی یَخرُجَ مِمَّا قَالَ، قُلتُ: وَ مَا طِینَةُ خَبَالٍ؟ قَالَ: صَدِیدٌ یَخرُجُ مِن فُرُوجِ المُؤمِسَاتِ یَعنی الزَّوَانی. «معانی الاخبار، ص ۱۶۴»**

امام صادق - علیه‌السلام - فرمود: هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند خداوند در روز رستاخیز او را در طینت خبال نگه دارد تا حرف خود را پس گیرد. (ابن ابی یعفور می‌گوید) عرض کردم: طینت خبال چیست؟ حضرت فرمود: چرک و زردابه‌ای است که از شرمگاه زنان فاحشه بیرون می‌آید.

- ۱۱. **قال الامام الصادق - علیه‌السلام -: إذَا اتَّهَمَ المُؤمِنُ أخَاهُ انمَاثَ الایمان من قَلبِهِ کمَا یَنمَاثُ المِلحُ فی المَاء. «الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱»**

امام صادق - علیه‌السلام - فرمود: هرگاه مؤمن به برادر (دینی) خود تهمت زند، ایمان در قلب او ناپدید می‌شود همچنان که نمک در آب حلّ می‌شود.

- ۱۸. **قال الامام الصادق - علیه‌السلام -: إنَّ منَ الغیبَةِ أن تَقُولَ فی أخیک مَا سَتَرَهُ اللهُ عَلَیهِ، وَ إنَّ منَ البُهتَانِ أن تَقُولَ فی أخیک مَا لَیسَ فیه. «بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۸»**

امام صادق - علیه‌السلام - فرمود: غیبت آن است که در مورد برادرت آنچه را خدا پوشانده بیان کنی و بهتان آن است که آنچه در او نیست را به او نسبت دهی.

- ۱۹. **قال رسول‌الله - صلی‌الله علیه و آله -: من بَهَّتَ مُؤمناً أو مُؤمنَةً أو قَالَ فیه مَا لَیسَ فیه أقَامَهُ اللهُ تَعَالی یَومَ القِیَامَةِ عَلَی تَلٍّ من نَّارٍ حَتَّی یَخرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِیهِ. «بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۹۴»**

پیامبر خدا - صلی‌الله علیه و آله - فرمود: هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند یا درباره او چیزی بگوید که از آن مبراست خداوند در روز رستاخیز وی را بر تلّی از آتش نگه دارد تا از حرف خود درباره او برگردد.

به لوح نمی‌توان اعتماد کرد، لوح از کجا آمده

- لوح چیزی است که بنده بعد از انجام امور شرعی در شب فهمیدم و نوشتم

- اما زمانی نمی‌توان اعتماد کرد که دروغ بودن آن اثبات شود و تا وقتی‌که چیزی اثبات نشده برای غیر خودم در محتملات باقی است نه می‌توان رد کرد و نه قبول **کلما قرع سمعک عن الغرائب فذره فی بقعةالامکان**

از کجا معلوم الهی بوده است

- زمانی که شرایط فراهم شود امور برای همه قابل‌رؤیت می‌شود.

مکاشفات شیطانی بوده است.

- آن چیزی که شیطانی است انکار شماست، ذکر مدعای بدون دلیل روش دائمی شماست، شما شرایط را فراهم کنید ببینیم که شیطانی بوده یا خیر؟ نویسنده گاهی می‌گوید غیر عقلی و گاهی می‌گوید شیطانی و ... **الغریق یتشبث بکل حشیش**

چرا خودم اقدام نمی‌کنم.

- نویسنده از دقت پایین برخوردار است و به خود زحمت یک‌بار خواند متون را نداده است، اقدام برای هر دو لوح اقدامی تک‌نفره نیست، در لوح انفطار السماء امضاء و دفن و آمادگی عمومی برای سرما لازم است و در لوح شهرهای اجنه آمادگی عمومی و باز کردن نُه دروازه لازم است، این را توضیح دادم ولی نمی‌دانم چرا باز به‌گونه‌ای وانمود می‌کنند که کانی نگفته‌ام.

مثال به عرفان حلقه که مثل آن را ادعا می‌کنم.

- نویسنده این متون علاقه زیادی به قیاس دارد، همانند استدلالات ابن تیمیه که شیعه را دائماً تشبیه به یهود می‌کند.

بدون اجازه اجنه اذیت می‌کردند.

- نمی‌دانم چرا دروغ میگویید بنده کی گفته‌ام که بدون اجازه اجنه اذیت می‌کنند؟ چه کسی باید اجازه دهد؟

این لوح شیطانی است.

- ادعای بدون دلیل محکوم است اثبات کنید که لوح شیطانی است ولی بنده در صورت فراهم بودن شرایط اثبات می‌کنم لوح عین واقع است.

نماد ۶۶۶ یک نماد مقدس برای آن‌هاست.

- خیلی چیزها شبیه هم است، به‌صرف شباهت حکم نمودن یکی بر دیگری قیاس است و قیاس از شیطان است، معبد هندوها و زیارتگاه مسلمین شبیه هم هستند ولی آیا یک حکم دارند؟

الهامات غیر الهی

- بنده هیچ‌گاه نگفته‌ام که به بنده الهام شده نهایت چیزی که گفته‌ام این بوده که فهمیدم
- غیر الهی بودن معیار دارد و هیچ‌کدام از معیارهای غیر الهی بودن برای بنده ثابت نشده است بلکه به‌عکس تماماً نشان از تصدیق دارد و شواهد بسیاری بر نمونه‌های همانند آن وجود دارد.

علوم غریبه نزد امامان بوده و از استفاده نهی کرده‌اند.

- اولاً بارها گفته‌ام از علوم غریبه استفاده نمی‌کنم
- ثانیاً ما در این امور نهی نداریم بهترین دلیل آن فعل علمای تأییدشده می‌باشد، من‌جمله حضرت امام ره که از مرحوم نخودکی کیمیا را طلب کردند که جریان آن معروف است.
- ثالثاً: حرز امام جواد ع حاوی علوم غریبه است یا خیر؟
- آیا از آن حرز مؤمنین استفاده می‌کنند یا خیر؟

برای امور دنیایی استفاده نکرده‌اند.

- شواهد بسیاری وجود دارد که اهل‌بیت از این امور استفاده کرده‌اند، حرز امام جواد و کلمات امام علی ع در باب شرف شمس و فعل علما مانند شیخ بهایی و میرفندرسکی و خواجه نصیر طوسی و علامه نراقی و غیره حاکی از آن است آن‌کس که این مطلب را گفته بی‌اطلاع است.

من زیر بار آزمون نرفتم و زیر سؤال بردن آزمون

- در روز شنبه برای آزمون آماده شدم و قبل از ان فایل صوتی ۳۰ دقیقه‌ای تهیه کردم که اساس آزمون را نقل و نقد می‌کرد و الگوی درست آزمون اسلامی را ارائه می‌داد و به آزمون گیرنده گفتم این فایل را گوش دهید و بعد آزمون بگیرید، آزمون گیرنده به‌شدت عصبانی شده بود چراکه جوابی برای گفتن نداشت، آزمون بالینی و شخصیت شناسی را نقل و نقد کرده بودم و اثبات کرده بودم آزمون گیرنده بهره‌ای از علوم اسلامی ندارد، حاضرم در محضر دادگاه آزمون دهم و مطمئن باشید آزمون گیرنده محکوم خواهد شد، آزمون گیرنده عیناً علوم اومانیسمی را به اسم اسلام اجرایی می‌کند و این ظلم به اسلام و لباس روحانیت است.

تلاش شد شیطانی بودن القائات تفهیم شود.

- لطف بفرمایید متن سؤال و جواب‌ها را کامل بفرمایید که هر سؤال شما با جواب قطعی و برهانی مردود شد
- بفرمایید چه چیزی از مطالب ما القائات شیطانی است تا جواب دهیم.

لحن می‌گوید به هر کشوری می‌رود.

- **اجتنبوا کثیرا من الظنان بعض الظن اثم**، بنده گفته‌ام به فقیرترین کشورهای کشور جهان با این اولویت‌ها، یکی از کشورهای ... اگر نشد هند اگر نشد ... و قبل از آن به عراق می‌روم و اموری را ازآنجا دنبال می‌کنم

ارتباط از خارج کشور ... و ...

- از ... بعد از ساخت فیلم اسیری در دستان داعش به نزد ما آمدند و درخواست همکاری داشتند تا برای نابودی داعش با آنان فعالیت کنیم که ما برای همکاری شرایط زیادی داشتیم که نتوانستند تأمین کنند لذا ما هم به آنان نپیوستیم
- در کام نت‌های رفع بحران خشک‌سالی مطالب بسیاری آمده است یکی از این کانت‌ها همین مطلب بود که یکی از کام نت‌های که متصل به ... بوده است گفته‌شده بود که به این نظام برای رفع بحران امیدی نیست و ...

نظریه راه‌حل ما غیرمعقول و خطرناک است

- آنچه غیرمعقول است خطرناک نیست چراکه چیز غیرمعقول قابلیت اجرایی ندارد که خطرناک باشد، پس راه‌حل ما معقول است که نویسنده گزارش گفته است خطرناک است
- سؤال راه‌حل ما چرا خطرناک است؟ اگر خطر این باشد که آن‌قدر آب میاید که خطر سیلاب وجود داشته باشد که ما خود این را گفته‌ایم و راه‌حل مبارزه با خطر را نیز گفته‌ایم که راه‌حل یا امحاء تمامی قوانین و بازگشت به خشک‌سالی است و یا صادرات آب است که روش اول خلاف عقل و راه‌حل دوم مطابق باعقل است.

فرقه انحرافی خواهم داشت

- از انحراف به خدا پناه می‌برم و دعا می‌کنم، قبل از اینکه در انحراف قرار بگیرم جان من را بگیرد و همیشه این دعا را داشته‌ام، **وَ عَمِّرْنِی مَا کانَ عُمُرِی بِذْلَةً فِی طَاعَتِک، فَإِذَا کانَ عُمُرِی مَرْتَعاً لِلشَّیْطَانِ فَاقْبِضْنِی إِلَیْک قَبْلَ أَنْ یَسْبِقَ مَقْتُک إِلَیَّ، أَوْ یَسْتَحْکِمَ غَضَبُک عَلَیَّ**
- آن‌کس که از غیب خبر می‌دهد کسی است که از این گزارش را نوشته و از آینده خبر داده است او چیز را که به ما نسبت داده و برای ما انحراف دانسته ولی خود به آن مبتلا شده

و آن اخبار از آینده است پس می‌توان برای او نیز آن چیزی که به ما نسبت داده را نسبت داد.

ملاکی برای سنجش رحمانی و یا شیطانی بودن نیست.

- ملاک برای سنجش رحمانی و یا شیطانی بودن موجود است و آن راستی آزمایی است و اینکه به دو لوح عمل کنیم تا نتایج را ببینیم و یا اینکه گفته‌ام در صورت فراهم بودن شرایط دو بار می‌توان آن دو لوح را نشان داد تا همگان به‌یقین برسد یک‌بار به .... حفظه الله تعالی و یک‌بار در تلویزیون در پخش زنده که آقای روحانی هم حضورداشته باشد و آقای روحانی و تمامی ملت یقین کنند.
- ملاک رحمانی یا شیطانی بودن در کلمات علماء آمده است مکاشفه خلاف عقل و شرع نباشد و شواهد بر درست بودن آن موجود باشد تمامی مطالب ما امور ممکن بوده و شواهد درست بودن هشدارها در کلمات اساتید دانشگاه و سیاسیون موجود است، و نمونه دو طرح نیز نمونه غربی نیز دارد

تکلیف محور است تکلیف محور است ولی تکالیف خود را از راه‌های غیرمعقول دریافت می‌کند.

- کدامیک از تکالیف را از راه غیرمعقول به دست آورده‌ام الحمد لله از اول مقلد بوده و هم‌اکنون نیز مقلد هستم و با تهمت و دروغ بستن به دیگران گناه خود را سنگین نکرده‌ام.

احتمال بیدار شدن من توسط اساتید هم نیست.

- چرا احتمال بیدار شدن بنده هست کما اینکه شما به‌زودی بیدار می‌شوید، در حرف‌های شما پارادوکس وجود دارد به خلاف ما الحمد لله ولی به‌زودی شما بیدار می‌شوید.
- این کلام شما یعنی ادعای علم غیب آن‌هم علم غیب به ام‌الکتاب، آنچه بنده را به آن محکوم کرده‌اید بدتر از آن را دچار شده‌اید پس آنچه در حق بنده گفته‌اید شدیدتر آن در حق خود شما می‌باشد.

والسلام‌علیکم

قسمتی از تهمت‌هایی که به بنده از طرف دو مجموعه زده شد و بنده در دادگاه دفاع نموده‌ام در جواب آزمون شخصیت شناسی

بنده در این قسمت سعی می‌کنم قسمت‌هایی از تهمت‌هایی که دو نهاد بعد از ۸ ساعت سؤال و جواب به ما زده شد و پرونده‌سازی نموده و پرونده را به دادگاه ارجاع دادند و بنده بعد از ۵ جلسه دفاعیه تبرئه شدم را ذکر می‌نمایم مفصل این جریان در کتاب اذا فرغت مطالعه فرمایید:

دفاعیه سوم شیخ علی بهرامی نیکو در جواب آزمون شخصیت شناسی تاریخ ۹۶/۹/۸

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَبَطْنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَعَنَّى نَفْسَهُ بِالصِّيامِ وَالْقِيام و فی موضع اخری ورد فی الحدیث: لا یکمل ایمان عبد حتی یظنون الناس انه مجنون - آورد: لا یبلغ العبد حقیقة الایمان حتی یظن الناس أنه مجنون - و قال امیر المومنین علی ع: يَنْظُرُ إِلَيهِمُ النَّاظِرُ فَيحْسَبُهُمْ مَرْضَى وَ ما بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ، وَ يقُولُ لَقَدْ خُولِطُوا وَ لَقَدْ خالَطَهُمْ اَمْرٌ عَظِيمٌ

فهرست:

۱. از بنده خواسته‌شده که در آزمون روانشناسی شرکت نمایم لذا مطالبی را خدمت شما عرض می‌نمایم:
۲. چند نکته در مورد آزمون‌های روانشناسی:
۳. چرا به بنده اَنگ بیمار بودن زده‌اند؟ بررسی موضوع:
۴. اما اگر سؤال کنیم به چه دلیل شیخ علی بهرامی را متهم به مشکل روانی کرده‌اید؟ دلایل زیر را میگویند:
۵. آیا بنده با وراثت از پدر مشکل روحی را به ارث برده‌ام و بنده نیز مریض می‌باشم:
۶. آیا مطرح نمودن دو طرح غیرعادی برای رفع خشک‌سالی نتیجه بیماری روحی است؟
۷. نقد روانشناسی بالینی غربی:

۸. بررسی سؤال‌ها در روانشناسی غربی:
۹. تفاوت مکاشفه الهی و شیطانی
۱۰. فهمیدن فرق بین مؤمن و بیمار:
۱۱. مقدمات طی شده بنده برای فهم:
۱۲. توصیه به جناب آقای ....:

سلام‌علیکم:

از بنده خواسته‌شده که در آزمون روانشناسی شرکت نمایم لذا مطالبی را خدمت شما عرض می‌نمایم:

- نکته مهم مطالب عنوان‌شده تنها جنبه دفاع از حق‌وحقوق قانونی داشته و ما هیچ‌گاه اجازه توهین و جسارت به کسی را به خودمان نمی‌دهیم، اما بیان حقیقت آن‌هم به‌صورت روشن و صریح هیچ‌گاه توهین نمی‌باشد، و پیشاپیش پوزش می‌طلبم، و باید بدانیم این جریان امر شخصی قابل‌اغماض نمی‌باشد، بلکه جریانی مهم برای انقلاب و دین می‌باشد لذا ما با تمام قدرت امور را پیش می‌بریم.
- این متن به‌سرعت نوشته‌شده لذا شاید در بعضی از موارد تکرار و یا غلط املایی وجود داشته باشد و شاید بعضی از مطالب در جایگاه اصلی خود نباشد و یا مطالب زیر هر عنوان با عنوان درج‌شده مرتبط نباشد، اما مقصود ما معلوم است
- مطالب اجمالاً ذکرشده وقت برای تفصیل مطالب نبود.

۱. .... (اسم مرکز را حذف نموده‌ام) از بنده بعد از جلسه ۹۶,۶,۲۳ که به مدت ۳ ساعت در آن مرکز برگزار شد خواستند که در روز شنبه ۹۶,۶,۲۵ حاضرشده و آزمون دهم و بنده نیز طبق قرار حاضر گردیدم و آماده آزمون دادن هم بودم ولی به‌دروغ در گزارش نوشته‌اند که بنده حاضر به آزمون نشدم، اگر دروغ میگویم آیه شریفه **لَعْنَةَ اللهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.** در حق من باد. فایل ضبط‌شده دوم در مرکز ..... که مدت‌زمان ۲ ساعَت و نیم دارد گویای این مطلب است.

۲. بنده قبل از حضور در جلسه فایلی را در نقد روانشناسی غربی ضبط نمودم و قبل از آزمون زدن در اختیار آقای .... قراردادم و گفتم مطمئناً زمانی که این گفتار را گوش نمایید دیگر از من آزمون نمی‌گیرید. صوت سخنرانی به مدت ۳۶ دقیقه و ۲۴ ثانیه در نشانی زیر موجود است:

http://www.tvshia.com/fa/content/52797

نتیجه آزمون روانشناسی که به مدت ۱۸ دقیقه و ۴۷ ثانیه سخنرانی نمودم نیز در این نشانی می‌باشد:

http://www.tvshia.com/fa/content/52798

۳. در این نشانی‌ها جریانات ... می‌باشد که گزارش آن‌ها را داده‌ام:

- نتیجه جلسه دومی که بنده را برای بررسی موضوع آب در مرکز دوم خواستند: دریافت الهی بوده یا شیطانی ؟ از چه مقدماتی دریافت حاصل‌شده ؟ عوارض مطرح کردن مباحث در منظر عمومی؟

۵۲۸۰۰http://www.tvshia.com/fa/content/

- در تاریخ ۹۶,۶,۲۳ جای دیگری بنده را خواستند تا پاسخگو باشم:گزارشی از آن جلسه ۵۲۷۹۹http://www.tvshia.com/fa/content/
- نتیجه آزمون بالینی و روانشناسی در تاریخ ۹۶,۶,۲۵ / الگوی روانشناسی اسلامی؟ چالش ۲۰۲۰ چالش افسردگی؟ الگوی مبارزه با مشکلات روحی ۵۲۷۹۸http://www.tvshia.com/fa/content/
- نقد روانشناسی غربی قبل از آزمون زدن که آزمون گیرنده بعد از این سخنرانی حاضر به آزمون گرفتن نشد در تاریخ ۹۶,۶,۲۵ ؟ نقد آزمون بالینی و شخصیت شناسی غربی ؟تفاوت روانشناسی غربی و اسلامی

http://www.tvshia.com/fa/content/52797

۴. نتیجه این بود که جناب آقای ... آزمون نگرفتند و از شنیدن فایل هم عصبانی بودند، ایشان می‌گفتند شما گفته‌اید کسی که می‌خواهد از من آزمون بگیرد باید آزمون دهد و خیلی ناراحت بودند، در جای دیگری می‌گفتند شما گفته‌اید کسی که از من آزمون شخصیت شناسی می‌گیرد اگر مؤمن است آزمون نمی‌گیرد چون مؤمن مؤمن را اذیت نمی‌کند و من از این آزمون اذیت می‌شوم و اگر غیر مؤمن است من غیر مؤمن را بر مؤمن کمک نمی‌کنم و ... بله گفته بودم و بازهم میگویم ولی جواب استدلال و برهان استدلال است نه ...

۵. آقای ... (اسم مستعار تلفن:) متأسفانه از متن گزارش تهیه‌شده بی‌خبر است و بنده در تلفنی که به ایشان زدم و ناراحتی خود را ابراز کردم ایشان انکار کردند تهمت‌هایی که در گزارش نوشته‌شده است و بعد بیان کردند شما اگر مشکلی نداشته باشید تبرئه می‌شوید درحالی‌که بحث این است یک مرکز به آن مهمی نباید به‌راحتی تهمت بزند و بعد با این توجیه خود را تبرئه کند که اگر این‌گونه باشد هر کس به هر کس بدترین تهمت‌ها را میزند و بعد می‌گوید اگر دروغ و یا اشتباه بود تبرئه می‌شوید من از دادگاه درخواست دارم آنچه را که در مورد خانواده بنده و رفتار بنده با خانواده که در گزارش درج‌شده را بیایند و با دلیل اثبات کنند و الا از دادگاه محترم درخواست برخورد قانونی دارم، چراکه با این مطالب سال‌هاست با گزارش‌های دروغ و خلاف واقع مانع سبیل خیر

هستند و البته شکایت اصلی را به خدا نموده‌ام که مطمئناً من حیث لا یعلمون هم برای آنان گرفتاری دارد و مظلوم هم یاری می‌شود.

۶. بنده حاضر هستم در هر مرکز و حتی در حضور دادگاه محترم آزمون بالینی دهم و البته به آزمون شخصیت شناسی راضی نیستم، اما نکاتی را عرض می‌نمایم:

چند نکته در مورد آزمون‌های روانشناسی:

۱. هیچگاه آزمون‌های موجود راهگشا نخواهد بود این آزمون‌ها نتیجه علوم مادی‌گرایی، اومانیسمی و سکولار می‌باشد که در این علوم که تماماً علوم الحادی و ضد خدایی می‌باشد ماده و حس تمام حقیقت فرض می‌شود و غیرازآن دروغ لذا کسی که از غیر ماده و علل فراحسی سخن گوید فردی متوهم فرض می‌شود، این علوم نتیجه بیگ بنگ و داروینیسم بوده، اکثر کسانی که ادعا دارند علوم آن‌ها اسلامی‌شده است در اشتباه محض به سر می‌برند که دربندهای آینده‌این مطلب را اثبات می‌نمایم، بدبختی بیشتر این است که عمامه به سرهایی که باید از دین سخن‌گویند این اراجیف ساخته غرب را به‌عنوان دین مطرح می‌نمایند که امر برعکس می‌باشد.

۲. در آزمون‌های موجود فرد با استقراء صورت گرفته از افراد مریض و سالم سؤال‌هایی طراحی کرده‌اند که از دلایل بطلان این علوم استقراء است، استقراء ظن آور است و میدانیم در تفکر اسلامی به ظنون نمی‌توان اطمینان کرد، یکی از دلایل حرمت علم قیافه نیز همین امر است که اگرچه شاید در اکثر موارد درست باشد اما به علت همان موارد نقضی که وجود دارد اصل این علم در اسلام حرام می‌باشد و علم روانشناسی غربی نیز به همین علت از ارزش علمی ساقط است آن علم ظن آور می‌باشد و قرآن در حرمت ظن و گمان می‌فرماید: **اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم**

۳. در این نوع روانشناسی اکثر انسان‌ها سالم و آن‌کسانی که با اکثریت نیست مریض فرض شده است، درحالی‌که در تفکر الهی امر کاملاً برعکس است اکثریت مذموم و اقلیت مدح شده.

۴. در این نوع روانشناسی انسان‌ها دو قسم هستند سالم و بیمار کسانی کم می‌خورند، چیزی می‌شنوند و می‌بینند که دیگران نمی‌شنوند و نمی‌بینند، کم می‌خوابند و... بیمار فرض می‌شوند درحالی‌که تمامی این خصوصیت از صفات مشترک بین بیمار و مؤمن می‌باشد لذا در این روانشناسی تمامی مؤمنین حتی پیامبران و اوصیاء نعوذبالله بیماران خطرناک فرض می‌شوند چراکه مانند اکثریت انسان‌ها نیستند درحالی‌که در تفکر الهی انسان‌ها سه قسم هستند: ۱ مؤمنین ۲ غیر مؤمنین ۳ بیماران اتفاقاً در بسیاری از صفات مؤمن و بیمار شبیه هم می‌باشند، حال از کجا فرق بین مؤمن و بیمار فهمیده می‌شود آن چیز دیگری است که فرد الهی این را با ذکاوت میابد.

۵. ما در قرآن مکرر می‌بینیم که جامعه به پیامبران و مؤمنین تهمت جنون و دیوانگی و ... را می‌زدند این مطلب نتیجه همین دید روانشناسی بوده که اول تاریخ تاکنون ادامه دارد و متأسفانه امروز در حوزه علمیه که باید جای علوم محمد و آل محمد علیهم صلوات الله اجمعین باشد این علوم مادی و غربی و الحادی حکم می‌شود، درحالی‌که در روایت داریم **لا یبلغ العبد حقیقة الایمان حتی یظن الناس أنه مجنون**، زمانی که عبد به حقیقت ایمان می‌رسد مردم میگویند او مجنون و دیوانه شده است در حالی امر معکوس است و البته در جریان حارثة بن مالک بن نعمان انصاری نیز این مطلب مشهود و است و در خطبه متقین نیز امیر المومنین علی ع نیز می‌فرماید: **یَنْظُرُ إِلَیهِمُ النَّاظِرُ فَیحْسَبُهُمْ مَرْضَی وَ ما بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ، وَ یقُولُ لَقَدْ خُولِطُوا وَ لَقَدْ خالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِیمٌ** و یا در مورد جناب نوح نبی علی نبینا و آله و علیهم اسلام قرآن شریف نقل می‌نماید **فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِینَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ یرِیدُ أَن یتَفَضَّلَ عَلَیكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِی آبَائِنَا الْأَوَّلِینَ** مهتران قومش که کافر بودند، گفتند: این مرد انسانی است همانند شما، می‌خواهد بر شما برتری جوید اگر خدا می‌خواست فرشتگانی را می‌فرستاد ما هرگز چنین چیزی در روزگار نیاکانمان نشنیده‌ایم **إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّی حِینٍ** او مرد دیوانه‌ای بیش نیست یک چند بر او صبر کنید

(جریان حارثه بن مالک بن نعمان انصاری مرحوم کلینی در کتاب اصول کافی در باب «حقیقت ایمان و یقین» از «کتاب ایمان و کفر» درباره دیدار حضرت پیامبر صلی‌الله علیه وآله و حارثه، دو حدیث نقل کرده است که هر دو از قول امام صادق علیه‌السلام می‌باشد. حدیث اول بدین‌صورت است: روزی رسول خدا صلی‌الله علیه واله نماز صبح را با مردم گزارد. سپس در مسجد نگاهش به جوانی افتاد که چرت می‌زد و سرش پایین می‌افتاد. رنگش زرد بود و قامتش لاغر و چشمانش به گودی فرورفته. رسول خدا صلی‌الله علیه واله به او فرمود: حالت چگونه است؟ عرض کرد: من با یقین گشته‌ام. رسول خدا صلی‌الله علیه واله از گفته او در شگفت شد و فرمود: همانا هر یقینی را حقیقتی است. حقیقت یقین تو چیست؟ عرض کرد: ای رسول خدا! همین یقین من است که مرا اندوهگین ساخته و بیداری شب و تشنگی روزهای گرمم بخشیده و از دنیا و آنچه در آن است بی‌رغبت گشته‌ام تا آنجا که گویا عرش پروردگارم را می‌بینم که برای رسیدگی به‌حساب خلق برپاشده و مردم برای حساب گردآمده‌اند گویا اهل بهشت را می‌نگرم که در نعمت می‌خرامند و بر کرسی‌ها تکیه زده، یکدیگر را معرفی می‌کنند و گویا اهل دوزخ را می‌بینم که در آنجا معذب‌اند و به فریادرسی می‌طلبند و گویا اکنون آهنگ زبانه کشیدن آتش دوزخ در گوشم طنین‌انداز است.

رسول خدا صلی‌الله علیه واله به اصحاب فرمود: این جوان بنده‌ای است که خدا دلش را به نور ایمان روشن ساخته، سپس به خود او فرمود: بر این حال که داری ثابت باش. جوان گفت: ای رسول خدا، از خدا بخواه شهادت در رکابت را روزی‌ام کند. رسول خدا صلی‌الله علیه واله برای او دعا فرمود. مدتی نگذشت که در جنگی همراه پیغمبر بیرون رفت و بعد از نه نفر شهید گشت و او دهمین شهید آن جنگ بود کلینی، اصول کافی، ج ۳، با ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام، صفحه ۸۹)

۶. در آزمون‌های شخصیت شناسی فرد آزمون گیرنده با الگو گیری از طیف‌های مختلف افراد مجموعه سؤال‌هایی را فراهم آورده است که به نظر او این امور در هر فرد دیگری باشد آن نتیجه برای این فرد حاصل می‌گردد و به عقیده بنده این امر نیز از جهات مختلف محکوم است:

- اولاً: این آزمون ظن آور و است و ظن محکوم.
- ثانیاً: این آزمون‌ها قدرت خدا را از دایره علل خارج می‌گیرد، آیا کسی که جواب آزمون‌ها برای فردی که او را خطرناک تشخیص داده حتماً در آینده خطرناک خواهد بود و یا بالعکس، درحالی‌که در تاریخ موارد بسیاری وجود دارد نقض این مطلب را اثبات نموده است، چه کسی از حال فردای خود و دیگران آگاهی دارد؟ پس جایگاه خدا چه می‌شود؟
- ثالثاً: این آزمون‌ها بنا برفرض صحت، دریدن پرده ستاریت خداوند است، خدا امور را پنهان کرده حال فردی می‌خواهد امور پنهان الهی را آشکار کند، شما فرض کنید در آزمون برای شخصی الگوی جانی و جنایت‌کار آمد، ما باید با این فرد چه کنیم؟ نگاه به این فرد چه می‌شود؟ این نوع آزمون‌های گرفتاری‌های اخلاقی بسیاری برای فرد آزمون گیرنده و جامعه دارد وای بر زمانی که شخصی در این ظلمات بعضها فوق بعض به‌گونه‌ای گرفتار شود که به این بافته‌ها یقین کند و بخواهد آن را معیار و مبنی برای خود قرار دهد.
- رابعاً: کسانی که از این علوم آن‌هم به‌صورت یقینی و الهی برخوردار هستند و یا چشم بصیرت و باطن بین دارند و یا می‌توانند داشته باشند نه از آن استفاده می‌کنند و نه با آن حکم می‌کنند؛ حال چگونه افرادی که نه باتقوا بلکه با علوم استقرایی ناقص این مطالب را به دست میاورند به خود اجازه می‌دهند با این علوم حکم کرده و این‌گونه دچار اشتباه شوند و به مؤمنین تهمت زنند.

چرا به بنده اَنگ بیمار بودن زده‌اند؟ بررسی موضوع:

نکته مهم: قبل از آنکه این مطلب را جواب‌گوییم عرض می‌نماییم طبق معارف قرانی قول فاسق فاقد ارزش است (**يا أيهَا الَّذينَ آمَنُوا إن جَاءَكمْ فَاسقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَينُوا أن تُصيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَة فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادمينَ** حجرات آیه ۶) و دروغ یکی از فسق‌هایی است که در قرآن صاحب آن صفت مورد لعن قرارگرفته است (رسول خدا (ص) فرمود: بزرگ‌ترین گناهان کبیره، شرک و عقوق والدین و قول باطل یعنی دروغ می‌باشد. از حضرت عسکری (ع) مرویست که تمام بدی‌ها در حجره‌ای‌ست مقفل و کلید گشودن آن دروغ است .): در گزارش ... که تهمت و دروغ به ما زده‌اند و دروغ‌هایی بوده که جای هیچ شکی در آن نیست:

- در رابطه با ارتباط خانوادگی بنده گزارش دروغ داده‌اند.
- اصل این جریان که بنده حاضر به آزمون زدن نشدم را دروغ گفته‌اند که در فایل ضبط‌شده دوم این امر مشهود است و فایلی هم که بنده بعد از جلسه ضبط نموده‌ام نیز گزارش آن جلسه گفته‌شده
- در اصل گزارش آن دو جلسه نیز دروغ گزارش‌شده

اما اگر سؤال کنیم به چه دلیل شیخ علی بهرامی را متهم به مشکل روانی کرده‌اید؟ دلایل زیر را میگویند:

۱. مشکل وراثت بیماری از اجداد
۲. مطرح کردن رفع مشکل آب از طریق غیرعادی (یکی انفطار السماء یعنی سوراخ کردن آسمان ایران و دیگری پر نمودن نُه شهر جنّیِ زیرزمین ایران) که بنا بر نظر آقای ... این امور محال می‌باشد.

جواب:

اولاً خود جناب آقای ... ازنظر علمی فاقد صلاحیت است که افراد را موردبررسی قرار دهد چراکه ایشان از بدیهیات اولی بی‌اطلاع می‌باشد، در گزارش ایشان آمده اموری را که ما گفته‌ایم غیرمعقول خطرناک است: این جمله غیر عقلی است زیرا چیزی که غیر عقلی است خطرناک نیست و چیزی که خطرناک است غیر عقلی نیست

ثانیاً: ایشان چند بار مطرح نموده که صحبت‌های ما غیر عقلی است، درحالی‌که غیر عقلی به امر محال میگویند و محال یا اجتماع و یا ارتفاع نقیضین و یا اجتماع ضدین است غیرازاین سه مورد هر چه باشد غیر عقلی و محال نیست و اموری که ما گفته‌ایم غیر عقلی نیست و ایشان اطلاع ندارند حتی بعضی از کشورها با همین راه باران را فرود میاورند.

ثالثاً: ایشان یافته‌ها و سلیقه‌های شخصی خود را بی‌دلیل و برهان به ما نسبت می‌دهند که در دفاعیه مفصل موجود است.

آیا بنده با وراثت مشکل روحی را به ارث برده‌ام و بنده نیز مریض می‌باشم:

۱. این اولین باری است که شخصی در این کره خاکی چنین مطالبی را برای بنده نوشته است و غیر از ایشان کسی چنین کاری را نکرده است.
۲. ای‌کاش ایشان در روانشانی مخرب غربی خود نیز کمی تلاش می‌کرد بیماری‌ای که ایشان به بنده نسبت داده‌اند اختلال اسکیزوفرنی است درحالی‌که بیماری.. بنده دوقطبی بوده است و ارتباط وراثت بین این دو بیماری مثل‌اینکه بگوییم پسر زید که بیماری روماتیسم دارد از زید بیماری را به ارث برده چراکه زید بیماری قلبی دارد، به قول مادرم که گفت کسی که این حرف را به تو نسبت داده اصلاً نمی‌داند بیمار روحی یعنی چه که این حرف را به تو زده‌اند، نشانه‌های بیماری پدرم در بنده وجود ندارد.

آیا مطرح نمودن دو طرح غیرعادی برای رفع خشک‌سالی نتیجه بیماری روحی است؟

۱. انسان‌ها سه قسم هستند: ۱- عقب‌تر از زمان، ۲- بازمان، ۳- جلوتر از زمان، قسم اول اکثریت جامعه هستند و قسم دوم قلیل افراد و قسم سوم اقل افراد هستند، در جامعه همیشه این‌گونه بوده که گروه اول گروه سوم را به باد تحقیر و تمسخر می‌گیرند، آقای ... در این تقسیم گروه اول و بنده گروه سوم هستم، جناب بوعلی در قاعده‌ای بسیار حساس می‌فرماید: آن چیزی که محال نیست را ممکن بدان، این قاعده واضح است، ولی جناب آقای ... که آن گزارش را تهیه‌کرده آنچه خود نمی‌داند و اطلاع ندارد را محال می‌داند و این بدبختی حوزه علمیه است که چنین افرادی را معیار سنجش افراد قرار داده است، نظر ایشان در مورد جریان ما چیز مانند محکوم کردن گالیله توسط کشیش‌های مسیحی است.
۲. اگر هر آنچه ازنظر عموم بعید است غیر عقلی و محال باشد و گوینده آن دیوانه و روانی باشد، تمامی دانشمندان که از زمان خود جلوتر بوده‌اند انسان‌هایی روانی بوده‌اند درحالی‌که گذر زمان خلاف این را اثبات کرده، علی ع از گرفتن نور به‌وسیله آب سخن گفت و اهل آن زمان نفهمیدند و چه‌بسا تمسخر کرده باشند، گالیله از گردش زمین سخن گفت، آلبرت اینشتین از سفر در زمان و بعد چهارم ماده سخن گفت، ملاصدرا از حرکت جوهری سخن گفت و ... در تمامی موارد اکثریت تمسخر کردند و محال پنداشتند، جریان ما نیز چنین است و زمان صحت کلام ما را اثبات می‌کند.
۳. انفطار السماء چیزی است که امروز غرب با انفجار یون منفی غیرطبیعی از آن بهره می‌برد و باعث نزولات آسمانی می‌شود و لذا اصل انفطار چیزی است که هم‌اکنون نیز مورداستفاده است.
۴. تأثیر حروف و کلمات و علل غیرمادی پنهان نیز چیزی است که علمای بسیاری در کتب خود مطرح نموده‌اند و این نیز غیر عقلی نمی‌باشد.
۵. بحث جن که در طرح یک الهی می‌باشد فراز فراز آن شاهد روایی، قرآنی و عینی وجود دارد، لذا آن نیز محال نبوده بلکه دلایل بسیاری از نمونه‌های مشابه آن وجود دارد، پس

سؤال این است به چه دلیل ما مشکل روحی داریم آیا ما مشکل روحی داریم و یا اینکه گوینده آن مطالب جهل دارد؟

نقد روانشناسی بالینی غربی:

۱. آزمون گیرنده سؤال‌هایی مطرح می‌کند و اگر جواب مثبت باشد حکم می‌کند یکی از شاخصه‌های بیماری را دارا هستی درحالی‌که تمامی جواب‌ها بین مؤمن سالک و بیمار مشخص است در زیر به نقل و نقد سؤال‌ها می‌پردازیم اما سؤال در طب اسلامی از کجا می‌توان بین مؤمن و بیمار را مشخص نمود در آینده میاید:

بررسی سؤال‌ها در روانشناسی غربی:

- اما اختلال اسکیزوفرنی علائمی دارد که در بنده نیست ای‌کاش دلایل ادعای خودشان را نیز مطرح می‌کردند که مثلاً به این دلایل بنده مریض هستم اما علامت‌های اختلال اسکیزوفرنی که هیچ‌کدام در بنده نیست:
  - ✓ شنیدن صداها: بنده صدایی نمی‌شنوم
  - ✓ آشفتگی فکری و کلامی: هیچ آشفتگی ندارم آنچه میگویم با برنامه تنظیم‌شده است
  - ✓ از دست دادن قطار اندیشه تا جملات نظم در معنی: بنده بیش از ۱۰۰۰ سخنرانی و متن دارم که همه موجود است شاهد بیاورید
  - ✓ تناقض : کجا تناقض گفته‌ام درحالی‌که مدعی طبابتی که آن مطالب را نوشته پر از تناقض است.
  - ✓ آشفته‌گویی: آشفته‌گویی ندارم ولی روانشناس مدعی خود را ملاک قرار داده لذا علم را انکار می‌کند درحالی‌که آن شخص از این علوم اطلاعی ندارد.
  - ✓ گوشه‌گیری اجتماعی: در اکثر مکان‌هایی که حضورداشته‌ام به‌عنوان فردی شاخص مطرح بوده و هستم که نمونه‌ها زیاد است
  - ✓ نامرتبی لباس و بهداشت: امر معلوم است احتیاجی به بیان ندارد
  - ✓ و از دست دادن انگیزه: انگیزه‌هایی که بنده دارم در کمتر کسی روی این کره خاکی پیدا می‌شود من‌جمله کار عظیمی که در تی وی شیعه انجام گردید.
  - ✓ مشکل عاطفی: تنها چیزی که ندارم مشکل عاطفی است بنده فردی بسیار عطوف هستم و یکی از نشانه‌های آن همین بحث آب است و چگونه مشکل

عاطفی داشته باشم درحالی‌که هر جا مشکلی بوده برای حل آن حرکت کرده‌ام چند نفر از طلاب برای کمک به زلزله‌زدگان به کرمانشاه رفتند؟ و نیازی هم به عطوفت دیگران ندارم.

- ✓ انزوای اجتماعی: اموری که انجام داده‌ام نشان می‌دهد که اصلاً و ابداً فردی منزوی نیستم.
- ✓ مشکلات در کار : همیشه با مشکلات مبارزه کرده‌ام و در کارهایی که می‌کنم مشکلات عظیم را کنار زده‌ام.
- ✓ حافظه بلندمدت: خاطرات قبل از یک‌سالگی را به یاد دارم.
- ✓ اواخر نوجوانی و اوایل دوران بلوغ، دوره‌های اوج شروع بیماری اسکیزوفرنی می‌باشند: بنده ۴۱ سالم است و تاکنون کسی چنین تهمت‌هایی را به بنده نزده است.
- ✓ عدم مهارت حرکتی: بنده ورزشکار هستم و بااینکه بیش از ۲۰ است ورزش را رها کرده‌ام اما کماکان قابلیت بازگشت به قبل را دارم و چگونه مشکل حرکاتی داشته باشم درحالی‌که تمامی آزمون‌های آموزشی سوریه را گذراندم و به سوریه رفتم درحالی‌که بسیاری از جوانان نتوانستند.
- ✓ کمبود عاطفه و احساس: اصلاً و ابداً کمبود عاطفه ندارم.
- ✓ فقر بیان: بیش از هزار سخنرانی موجود در نت بیانگر این است که آیا فقر بیان دارم یا نه؟
- ✓ عجز گویایی: بطلان این امر واضح است.
- ✓ ناتوانی در تجربه خوشی و لذت: بطلان این مطلب واضح است
- ✓ فقدان لذت:
- ✓ عدم تمایل به تشکیل روابط: کارهای انجام‌شده نشان‌دهنده این است که بنده دائماً روابط را گسترش می‌دهم
- ✓ بی‌اعتنایی اجتماعی: هم به دیگران اعتنا می‌گزارم و مورد اعتنای دیگران هستم.
- ✓ و فقدان انگیزه: انگیزه‌هایی که بنده دارم در انگشت‌شمار افرادی دیده می‌شود.
- ✓ فقدان اراده: هم اراده قوی دارم و هم به سمت آن امور حرکت اثربخش می‌نمایم.

- ✓ پژواک کلامی تکرار کلمات: شاید تکرار داشته باشم و آن لفظ – فلذا – است و دلیل آن این که برای هر چیز علت آن را نیز ذکر می‌کنم و این تکرار دلیل عقل است نه دیوانگی.
- ✓ بار مسئولیتی که بر دوش دیگران: بنده نه‌تنها بار مسئولیتی بر دیگران نیستم بلکه بار دیگران را نیز به دوش می‌کشم، چگونه یک بیمار می‌تواند میانگین ۳۵ نفر حقوق‌بگیر به مدت ۶ سال داشته باشد؟
- ✓ سیستم ایمنی بدن: الحمد لله بدن سالمی دارم که دفترچه بیمه بنده شاهد گویای این مطلب است، خدا را شکر با طب آشنایی دارم و به پزشک مراجعه بسیار کمی دارم.
- ✓ بیکاری: الحمد لله مشغله کاری بنده بسیار زیاد است.

- اما گذشته از این مطلب بعض علامت‌های موجود می‌تواند در فرد باشد ولی مریض هم نباشد و حتی از مؤمنین هم باشد.
- سؤال چگونه آقای .... تنها به‌صرف اینکه کلامی گفته‌ام که ازنظر ایشان محال بوده حکم به بیماری نموده؟ فرضاً گفته ما محل باشد مگر هر که گفته‌ای محال پیدا نمود مریض است؟ شاید در محاسبه‌ای علمی دچار اشتباه شده که اگر بحث شود او به‌اشتباه خود پی می‌برد و دست برمی‌دارد، گفتار محال مگر دلیل بر بیماری است؟

سؤال اصلی با تمام این اوصاف در اسلام ملاک تمیز بیمار از غیر آن چیست؟ مؤمن کم می‌خورد، شب‌زنده‌دار است، شاید امور کشفی را بیان نماید که از درک دیگران بیرون است و .... حال از کجا بفهمیم این شخص بیمار است یا مؤمن سالک که اموری برای او کشف‌شده است؟

تفاوت مکاشفه الهی و شیطانی

- در بعض موارد بسیار سخت است مانند مکاشفه ابراهیم در ذبح اسماعیل علی نبینا و آله و علیهم‌السلام و در بعض موارد به این سختی نمی‌باشد مانند مکاشفه فرعون از بلایی که مصر در پیش داشت ولی آنچه ما فهمیده‌ایم به آن سختی نمی‌باشد.
- مکاشفه الهی باعقل و شرع ناسازگاری ندارد و شواهد بیرونی بر صحت آن وجود دارد، ولی بازهم در مکاشفه حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیهم‌السلام تمامی این موارد نقض می‌شود و تنها ابراهیم از امر دیگری میابد که آنچه در خواب‌دیده الهی است و باید انجام دهد ولی در مورد

فهم ما هر سه شرط را دارا می‌باشد یعنی تمام مطالب ما باعقل و شرع ناسازگار نیست و شواهد خارجی بر صحت آن نیز موجود است.

- نکته مهم دیگر این است که بنده گفته‌ام و بازمی‌گویم در صورت مهیا بودن شرایط دوبار توانایی این داده می‌شود که قبل از اجرایی نمودن هر دو طرح آن امور نشان داده شود و اصلاً بدون اینکه مردم ببینند و به شهود جمعی برسند امکان اجرایی شدن آن وجود ندارد زیرا در آن صورت ضرر بیش از نفع خواهد بود مضاف بر اینکه چون آن افعال کار دست جمعی می‌باشد اگر مردم یقین نکنند هیچ‌گاه برای آن افعال اقدام نخواهند نمود.

فهمیدن فرق بین مؤمن و بیمار:

- این بستگی به ذکاوت حکیم دارد، ازجمله آن ذکاوت‌ها این است که بیمار در حال بیماری سخنی می‌گوید که در حال سلامت نمی‌گوید و بعضاً اگر برای او نقل گردد تعجب می‌کند لذا در حال سلامت از آن امور سخن نمی‌گوید و در حال بیماری سخن صواب نمی‌گوید پس با ادنی مکالمه‌ای با هر شخص می‌توان فهمید شخص مریض است و یا سالم و اینکه فهم او الهی بوده یا رحمانی و آنچه واضح است بنده در عین اینکه سخن صواب میگویم باز اعلام می‌کنم خشکسالی ویران‌کننده در راه است و هیچ راه‌حل نجات‌بخشی در ایران برای مبارزه با آن تاکنون از جانب هیچ‌کس غیر از بنده اعلام‌نشده و می‌توان در عرض چند ماه از دو راه غیرعادی بدون هزینه و زمان چندانی خشکسالی را برطرف نمود یکی از آن راه‌ها انفطار السماء و ایجاد چاله آسمانی درون ایران است و یکی هم مربوط به پُر نمودن نُه شهر جنّی در زیرزمین ایران است.
- راه دیگر امتحان است: و جالب این است که راه امتحان را نیز ما باز گذاشته‌ایم، و البته موضوع آب و اهمیت مباحث ما آن‌قدر می‌باشد که امتحان نماییم، گذشته از اینکه سابقه بنده نشان داده تاکنون فعالیت‌های مهم و تأثیرگذاری داشته‌ام و نمی‌توان به‌سادگی از قبال این مطالب و ادعاها گذر کرد چراکه در صورت راست بودن می‌توان ادعا کرد یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات تاریخ انقلاب اسلامی در شرف وقوع است.
- در بین کلام پارادوکس گویی و تناقض موجود است و بعضاً فرد آنچه را که گفته فراموش می‌کند.

مقدمات طی شده بنده برای فهم:

- حقیقتاً بنده به دنبال بحث آب نبودم که اعمالی انجام دهم تا این امور برای بنده روشن گردد بلکه بدون درخواست خدا کیل ما را این‌گونه پر نمود
- بارها عنوان کرده‌اند که شاید مکاشفه شما شیطانی باشد، البته بنده لفظ مکاشفه را بکار نمی‌برم و لفظ فهم را بکار می‌برم اما:
  - ✓ مقدمات ما برای این امور معلوم است ادعیه‌ای بوده که وعده داده‌شده شخص دارای امور عجیب می‌شود مانند دعای سیفی کبیر و صغیر، دعای طمطام، دعای قاموس و نماز استغاثه و صلوات و توسل به معصومین علیهم‌السلام و .....
  - ✓ هیچ‌کدام از معیارهای شیطانی بودن در مباحث ما نمی‌باشد
  - ✓ شما یک انحراف عقیدتی واضح و صریح که اجماع بر بطلان عقیده داشته باشم پیدا نمی‌کنید
  - ✓ فعلی که گناه علنی باشد از بنده گزارش نشده است که البته بینی و بین الله معلوم است ما انسان‌ها عین گناه هستیم و سابقه کار نیک نداریم ولی علناً گناهی در بین مردم در رابطه با بنده شایع نمی‌باشد.

توصیه به جناب آقای ....:

برادر عزیز تکبر نمودی و خود را معیار قراردادی و باارزش‌ترین گوهر ما را با گزارشی اشتباه و دروغ صرف نمودی توصیه می‌کنم توبه کنی و جبران نمایی و یا از علوم بافته غربی دست‌برداری تا این‌گونه به چالش کشیده نشوی و یا لباس مقدس روحانیت را از تن بیرون کنی در غیر این صورت بدعاقبتی گریبان گیر شماست، نمی‌دانم در قیامت و شب اول قبر چگونه جواب خواهی داد؟ **انتظروا انی معکم من المنتظرین، اَ لیس الصبح بقریب؟**

در آخر آنچه واضح است کسی که مشکل بیماری روحی و روانی دارد نمی‌تواند چنین متنی بنویسد.

والسلام‌علیکم و رحمه الله و برکاته

شیخ علی بهرامی نیکو

قم المقدسة ۹۶,۹,۸ ه‌ش مطابق با ۱۴۳۹,۳,۱۰ ه‌ق

وصیت‌نامه شیخ علی بهرامی نیکو

رساله اول از کتاب شش رساله

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک‌وتعالی: ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناکم ماء غدقا

و اگر در راه حق استقامت ورزید خداوند شمارا با آب فراوان گوارا سیراب می‌گرداند

و این‌جانب شیخ علی بهرامی نیکو از باب تکلیفی که به عهده‌دارم برای آیندگان مطالبی را عرض می‌نمایم، امید است شما مانند اکثریت مردمی که هم‌عصر ما بودند نبوده و این تحفه عظیم و مقدس را گرفته و به بالاترین درجات سعادت دنیا و آخرت نائل آیید، آنچه بنده در مباحث اجتماعی و حکومت‌داری پی برده و به اهل زمانم اعلام نمودم این است که حقیقتاً برای موفقیت حکومت و بیرون رفت از تمامی مشکلات مادی که ریشه بسیاری از مشکلات در دیگر حوزه‌ها مانند: بهداشت و مسکن و تورم، اشتغال، ازدواج و حتی دین و فرهنگ ... می‌باشد بحران خشک‌سالی بوده و تا این مشکل زیر بنایی مرتفع نگردد تمامی مشکلات به حالت خود باقی است و کسی که صحبت از برطرف نمودن مشکلات می‌نماید اما به این ریشه اصلی مشکلات بی‌توجه است در حقیقت هیچ‌یک از مشکلات را نمی‌تواند برطرف نماید و به‌جز شعار باطل چیزی ادعا نکرده است که برای باز شدن این مطلب کتاب جاده پنهان را نوشته‌ام و شما هم می‌توانید در این مسئله تحقیق و تفحص نمایید و آیه ۳۰ سوره انبیاء که می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حیّ** را با دقت تدبر نمایید، بنده در زمان خود این مطلب را به گوش افراد زیادی از اقشار مختلف جامعه خود رسانده و چندین راهکار عادی و غیرعادی را ارائه دادم که هر فرد بنا به علم و عقل خود برخوردی با ما داشت که مجموعه فعالیت‌های خود را نیز در کتاب **اذا فرغت**

ثبت نموده‌ام و حقیقتاً به‌اندازه توان کلامم را به گوش افراد بسیاری رساندم اما چه باید کرد که ترازوی سنجش دیگران به‌اندازه علم و عقل هر کس می‌باشد و بیش از آن توقعی از شخص نمی‌رود مگر اینکه قلب او به نورالله منور گردیده باشد، اجمال کلام ما این است که **اولاً**: بدون برطرف شدن مشکل خشک‌سالی هیچ مشکلی برطرف نمی‌شود حتی می‌توان گفت که یکی از کارهای اولیه که امام زمان عج برای بشریت انجام می‌دهد برطرف نمودن خشک‌سالی می‌باشد که به دنبال آن هزاران بلکه میلیون‌ها خیر برای بشریت به ارمغان می‌آید، خشک‌سالی یعنی مرگ و ترسالی یعنی زندگی **ثانیاً**: بنده به اهل زمانم اعلام نمودم برای برطرف نمودن خشک‌سالی راه‌حلی ندارید که اگر داشتید عمل نموده بودید، البته به عقیده بنده دو مشکل در اینجا وجود داشت **اول** اینکه نمی‌دانستند و یا می‌دانستند ولی چون راه‌حلی نداشتند مشکل آب را به‌عنوان مشکل اصلی مطرح نمی‌کردند **دوم** اینکه راه‌حلی نداشتند و تواضع هم نداشتند که به کلام غیر خود گوش دهند، روسای اهل زمان ما خود را عالم و دیگران را جاهل می‌دانستند که اگر این‌گونه نبود لازم نبود مثل بنده که برای زمان گذشته هستم با شما آیندگان صحبت نمایم، لذا از باب زکات علم شمارا از آن تحفه مقدس محروم نمی‌گردانم، آنچه برای شما مهم است اینکه ما برای برطرف نمودن مشکل خشک‌سالی دو طرح غیرعادی اسماء اللهی بسیار سریع را به شما هدیه می‌دهیم که این امر با شش نامه انجام می‌پذیرد و شرط آن این است که نامه‌ها توسط حکومت به گوش مردم برسد و بعد از هر نامه عملاً و تکوینا بخواهید یا نخواهید آمادگی عمومی برای آن امر عظیم و عجیب اتفاق می‌افتد که بدون آمادگی، آن آب فراوان بجای رحمت نقمت و عذاب خواهد بود زیرا تمامی مردم باید برای سرما و باران و

برف بی‌سابقه آماده شوند، اتفاقی که بعد از شش نامه در ایران رقم می‌خورد شیب‌دار شدن آسمان به سمت ایران و نزول سرما و باران‌های بسیاری می‌باشد که اصطلاحاً انفطار السماء گفته می‌شود که توسط امضاء و دفن لوح در یک روز مشخص از سال توسط اکثر مردم این اتفاق می‌افتد، بدانید بعد از نامه ششم تمامی مردم به انفطار السماء یقین نموده و صدق ادعای ما روشن می‌گردد، تأکید می‌کنم به‌یقین می‌رسید، ما این مطلب را در کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله در توضیح شهود جمعی توضیح داده‌ایم، مجموعه پنج نامه دیگر دست پنج مؤمن متعهد است و بعد از عمل به هر نامه، نامه دیگر به شما می‌رسد پس اگر به دنبال رفع خشک‌سالی هستید نامه‌ها باید توسط حکومت بدون کم‌وکاست برای مردم قرائت شود. نامه‌ها زمان بردار نمی‌باشد و حتی اگر صدها سال بعد از نگارش نامه اقدام نمایید تحفه انفطار السماء به شما هدیه می‌گردد. عزیزانی که مباحث بیشتری در این زمینه می‌خواهند کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی را مطالعه نمایند، این نامه نامه اول از شش نامه است که در هنگام دفن بنده قرائت می‌شود و اگر هر حکومتی در ایران در هر زمان این نامه را به‌صورت رسمی برای مردم بخواند نامه دوم تقدیم می‌گردد تا نامه ششم که هر نامه باید دقیقاً در ساعت ۶ بعدازظهر خوانده شود و نامه اول در روز شنبه خوانده شود و هر روز یک نامه خوانده می‌شود تا روز ۵ شنبه که نامه ششم در ساعت ۶ خوانده می‌شود، نشانه کسی نامه دوم را می‌رساند این است که کتاب ابابیل که مجموعه دست‌نوشته‌های این‌جانب در باب مجازات معنوی و اسمائی ظالمین و به‌صورت خطی است را در دست دارد و اولین دروازه از نُه دروازه را می‌داند و می‌تواند جایگاه این ادعا را از کتاب نقطه نشان دهد او نشانه قطعی دیگری دارد که هر دروغ‌گویی را رسوا می‌سازد پس کسی ادعای

دروغ ننماید که گرفتار می‌شود، و زمانی آن فرد برای همگان معلوم می‌شود که حکومت اقدام به خواندن نامه اول به‌صورت رسمی نموده باشد، نفر دوم که نامه سوم در دست دارد توسط او معرفی می‌شود و هکذا نفر پنجم که نامه ششم را در دست دارد، خوشا به حال عالم، عاقل، متواضع و بدا به حال جاهل عالم نما، سفیه و شیطان متکبری که متبلس به‌صورت انسان است، **لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون** به کسانی که در راه خدا به قتل می‌رسند مرده نگویید بلکه زنده هستند و لکن شما شعور ندارید خدایا ما را دعای گوی مردمی که برای کمک به سیراب نمودن تشنگان یاری کرده و می‌کنند موفق بدار و ما فوق آنچه در ذهن دارند را در دنیا و آخرت عطا بفرما **بحق.۷۸۶** و آن‌کس که این علم عظیم را از روی جهل انکار می‌نماید مبتلا به خشکی دنیا و آخرت در مال و جسم و روح و نفسش بگردان و از حول و قوه خودت خارج و به حول و قوه خودش واگذار بفرما **بحق حمعسق ق**

رساله اول از کتاب شش رساله شیخ علی بهرامی نیکو (هدهد) فعلیت این نامه از زمان قرائت آن در هنگام دفن بنده می‌باشد

---

۱ برای بحث آب چندین مرتبه بنده به مجلس نامه نوشتم یک‌بار برای تمامی نمایندگان مجلس نامه نوشتم که نامه بنده توسط آقای عارف به وزارت نیرو پاراو گردید و جریانات وزارت نیرو پیش آمد، یک‌بار یکی از آیات عظام مستقیماً با آقای لاریجانی مطلب را در میان گذاشتند و آقای حقیقت پور از طرف آقای لاریجانی با بنده تماس گرفتند و در طی یک جلسه ۱/۵ ساعته مباحث را مطرح نمودم، عکس زیر بعد از جلسه با آقای حقیقت پور می‌باشد، مفصل جلسات در کتاب **اذا فرغت** ...



٢ رئیس مجلس سنای ایرلند خطاب به علی لاریجانی: اگر می‌توانستیم آب باران را از ایرلند به ایران صادر می‌کردیم چراکه در فصولی از سال با بارندگی‌های زیادی روبرو هستیم لذا اگر امکان آن وجود داشت در این خصوص کمک می‌کردیم.

٣ امام صادق (ع) فرموده است: به عیسی بن مریم (ع) دو حرف آن عطاشده بود، موسی (ع) چهار حرف، ابراهیم (ع) هشت حرف، نوح (ع) پانزده حرف، آدم (ع) بیست‌وپنج حرف و محمد (ص) هفتاد و دو حرف را می‌دانست، و یک حرف، از آن حضرت هم مخفی بود فس‌الرحمن، ص ٣١٠; بصائر الدرجات، ص ٩ در روایت دیگر: اسم اعظم خداوند متعال هفتاد و سه حرف است، و «آصف بن برخیا» فرزند خواهر سلیمان (ع) یک حرف آن را می‌دانست، که توانست بدان تکلم کند و زمین را مهار سازد و تخت بلقیس را با یک‌چشم به هم زدن، نزد سلیمان (ع) بیاورد و زمین به حالت اول برگردد در روایت دیگری آمده: به حضرت عیسی (ع) دو حرف از "اسم اعظم" عطاشده بود، که به بیان قرآن می‌توانست: به اذن خداوند کور مادرزاد و بیمار مبتلا به پیسی را شفا دهد و نیز مردگان را زنده گرداند سوره آل‌عمران، آیه ۴۹; نفس الرحمن، ص ٣١٠ در روایت دیگری می‌خوانیم: عمر بن حنظله، به امام باقر (ع) گفت: ای مولای من! من گمان می‌کنم نزد تو مقام و منزلتی دارم. امام باقر (ع) فرمود: آری، همین‌طور است. عمر بن حنظله گفت: حال که چنین است، من از تو درخواستی دارم. امام فرمود:

درخواست تو چیست؟ عمر گفت: می‌خواهم "اسم اعظم خداوند" را به من بیاموزی! امام باقر (ع) فرمود: آیا طاقت فهم و درک آن را داری؟! عمر گفت: آری. امام (ع) فرمود: داخل اتاق شو. وقتی «عمر» داخل اتاق شد، امام باقر (ع) دست خود را روی زمین گذاشت، اما بدون فاصله اتاق تاریک شد، به‌طوری‌که از ترس، ناله و فریاد «عمر» بلند گردید! امام باقر (ع) فرمود: چه می‌گویی؟ آیا "اسم اعظم" را به تو بیاموزم؟ عمر گفت: نه، آنگاه امام (ع) دست خود را از روی زمین برداشت و فضای اتاق به روشنایی و حالت اول برگشت. بصائر الدرجات، ص ۲۳۰ در روایاتی هم می‌خوانیم: افرادی به حضور حضرت امام حسین (ع) رسیدند و تقاضای آموختن "اسم اعظم الهی" را کردند، و چون از تلقی آن ناتوان ماندند، از این تقاضا منصرف شدند. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۹۴ علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود در ذیل آیه «**وَ آتل عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذى آتَيْناهُ آياتِنا فَانْسَلَخَ مِنْها فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطانُ فَكانَ مِنَ الْغاوين** می‌گوید: پدرم از حسین بن خالد از ابی الحسن امام رضا (علیه السلام) برایم نقل کرد که آن حضرت فرمود: بلعم باعورا دارای اسم اعظم بود، و با اسم اعظم دعا می‌کرد و خداوند دعایش را اجابت می‌کرد، در آخر به‌طرف فرعون میل کرد، و از درباریان او شد، این ببود تا آن روزی که فرعون برای دستگیر کردن موسی و یارانش در طلب ایشان می‌گشت، عبورش به بلعم افتاد، گفت: از خدا بخواه موسی و اصحابش را به دام ما بیندازد، بلعم بر الاغ خود سوار شد تا او نیز به جستجوی موسی برود، الاغش از راه رفتن امتناع کرد، بلعم شروع کرد به زدن آن حیوان، خداوند قفل از زبان الاغ برداشت و به زبان آمد و گفت: وای بر تو برای چه مرا می‌زنی؟ آیا می‌خواهی با تو بیایم تا تو بر پیغمبر خدا و مردمی باایمان نفرین کنی؟ بلعم این را که شنید آن‌قدر آن حیوان را زد تا کشت، و همان‌جا اسم اعظم از زبانش برداشته شد، و قرآن درباره‌اش فرموده: «**فَانْسَلَخَ مِنْها فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطانُ فَكانَ مِنَ الْغاوينَ، وَ لَوْ شِئْنا لَرَفَعْناهُ بِها وَ لكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَواهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ** امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اسم اعظم خداوند، هفتاد و سه حرف است. آصف بن برخیا فقط یکی از آن حروف را می‌دانست که توانست زمین را درهم نوردد و قبل از یک‌چشم برهم زدن، تخت بلقیس را از سرزمین سبا در نزد سلیمان حاضر سازد و ما ائمّه معصومین – هفتاد و دو حرف از آن را می‌دانیم و یک حرف را هم خداوند به خودش اختصاص داده که نزد او مستور است **و لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم** بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۵ امام صادق علیه السلام فرمود: به حضرت عیسی علیه السلام دو حرف از حرف‌های اسم اعظم داده‌شده که به‌وسیله آن معجزات خود را ظاهر می‌کرد و به حضرت موسی بن عمران علیه السلام چهار حرف و به حضرت ابراهیم علیه السلام هشت حرف و به حضرت نوح علیه السلام پانزده حرف و به حضرت آدم علیه السلام بیست‌وپنج حرف داده شد و خداوند تمام حرف‌ها را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و اهل‌بیت او جمع فرمود و اسم اعظم هفتاد و سه حرف است که به رسول‌الله هفتاد و دو حرف آن داده‌شده و یک حرف در پرده است. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۵ و ۲۶ امام صادق علیه السلام فرمود: چگونه مردم، فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار می‌کنند که فرمود: «من اگر بخواهم با همین پایم به سینه معاویه که در شام است می‌زنم و او را از تختش سرنگون می‌نمایم» درحالی‌که عمل آصف بن برخیا را که تخت بلقیس را برای

حضرت سلیمان علیه السلام آورد، انکار نمی‌کنند؟! آیا پیامبر ما افضل تمام پیامبران نیست؟ آیا وصی او برترین اوصیاء نیست؟ شخصی به نام علی پسر محمد نوفلی می‌گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: اسم اعظم خداوند متعال، هفتاد و سه حرف است و نزد آصف تنها یک حرف بود که وقتی تکلم به آن حرف کرد توانست به تخت و جایگاه بلقیس ملکه سباء دست یابد و آن را در اختیار سلیمان پیامبر خدا قرار دهد و همه این کارها در کمتر از چشم بهم زدنی واقع شود ولی نزد ما ائمه علیه السلام هفتاد و دو حرف از اسم اعظم خداوند وجود دارد و یک حرف هم نزد خداوند عزوجل است که در علم غیب آن حرف مخصوص خود خداوند متعال است. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۷۶

٤ داریوش بزرگ با توجه به اهمیت راه‌های دریایی، به‌ویژه راه دریایی بین ایران و مصر، در اواخر قرن ششم پیش از میلاد دستور ایجاد کانالی بین دریای سرخ و دریای مدیترانه را از راه نیل داد تا کشتی‌های ایرانی به‌راحتی بتوانند از آن آبراه عبور کرده و در نتیجه راه بسیار کوتاهی بین ایران و مصر از طریق دریا ایجاد شود. البته لازم به ذکر است که کانالی که داریوش حفر کرد با کانال کنونی که در سال ۱۸۶۹ میلادی توسط مون فردیناند حفر شد کمی اختلاف دارد، زیرا کانال کنونی از پورت سعید شروع و به خلیج سوئز منتهی می‌شود، درحالی‌که کانال داریوش کبیر قدری بالاتر از بوباستیس شروع‌شده و درنهایت در نزدیکی سوئز به دریای سرخ ملحق می‌شد. به یادگار این دستاورد بزرگ و پرارزش جهانی لوحهٔ سنگی با خطوط میخی، پارسی، عیلامی، بابلی و مصری در آنجا نصب‌شده: منم داریوش، شاه شاهان، شاه کشورهایی که تمام نژادها مسکون است، شاه این سرزمین بزرگ تا آن دورها، پسر ویشتاسب هخامنشی، من پارسی هستم و به همراهی پارسیان مصر را گرفتم، امر کردم این کانال را بکنند، کنده شد، چنان‌که فرمان دادم و کشتی‌ها از مصر به‌وسیله این کانال به‌سوی ایران روانه شدند، چنان‌که اراده من بود. تابستان ۵۱۲ پیش از میلاد، داریوش از کاخ کوروش در پاسارگاد دیدن کرد. ظاهراً در اینجا، ناخدا اسکولاکس که از سوئز آمده بود، گزارش کار خود را از کاوش کرانه‌های دریا تقدیم او کرد. به‌این‌ترتیب داریوش شاه دریافت که از راه دریا می‌توان از ایران به مصر سفر کرد. در پیش ضمیر روشنش جلوه‌هایی از امکانات بازرگانی جهانی و در نتیجه رونق اقتصادی فرمانروایی پهناورش پدیدار شد که تا آن زمان به فکر کسی خطور نکرده بود و بدین ترتیب به این فکر افتاد که کانال سوئز را که فرعون نخو (۵۹۵ - ۶۱۰ پیش از میلاد) آغاز و نیمه‌تمام رها کرده بود به انجام برساند. داریوش خشنود از برنامهٔ تازهٔ خود با متخصصان مصری شاغل در پاسارگاد گفتگو کرد، اما نتیجه‌ای نگرفت. ازاین‌رو به‌طرف تخت جمشید حرکت کرد چنانچه یک کتیبهٔ در مصر می‌گوید: به شهری که بیش‌تر از همه‌جا دوست می‌داشت، برود. در اینجا نیز داریوش معماران و هنرمندان بی‌شمار مصری را که در کار ساخت کاخ او شرکت داشتند، گردآورد و دربارهٔ وضع کانال ناتمام سوئز پرسید، اما سخنگوی آن‌ها در پاسخ گفت که آن‌ها نه این کانال را دیده‌اند و نه چیزی درباره‌اش شنیده‌اند. ازاین‌رو، داریوش شاه بر آن شد که یک کشتی اکتشافی به دریای سرخ بفرستد تا محل دقیق کانال نخو و همهٔ مسائل جانبی آن را معلوم کند. در سال ۵۱۰ پیش از میلاد، ناخدای کشتی اکتشافی که به دریای سرخ فرستاده‌شده بود، گزارش خود را دربارهٔ وضعیت کانال ناتمام نخو به شاهنشاه داد، اما متأسفانه این گزارش به‌صورت ناقص به ما رسیده است. به‌هرحال، در آن از شن و

ضرورت حفر چاه‌ها برای تهیهٔ آب آشامیدنی سخن بسیار آمده است. اما مهم این گفته بود که برای به پایان رساندن کانالی که فرعونی به نام نخو آغاز کرده بود، باید هنوز مسافتی در حدود ۸۴ کیلومتر کنده می‌شد. داریوش با حفر این کانال تنها به اثرات اقتصادی مسرت‌بخش راهی آبی از دریای مدیترانه به دریای عمان، خلیج‌فارس و اقیانوس هند فکر نمی‌کرد، بلکه پایان فرخندهٔ این کار اثر شگرفی بر رعایای او می‌گذاشت و خاطرهٔ لشکرکشی ناموفق علیه سکاها به جنوب روسیه را کمرنگ می‌کرد. چنان‌که هردوت گزارش می‌دهد، در این کانال دو کشتی با سه ردیف پاروزن می‌توانستند پهلو به پهلوی هم حرکت کنند. در نتیجه عرض آن را می‌توان حدود ۴۵ متر حساب کرد. اگر عمق کانال را اندکی بیش از سه متر بدانیم، باید برای کندن مسیر ۸۴ کیلومتری کانال، دوازده میلیون مترمکعب خاک برداشته می‌شد. ساتراپ اراونده باید برای برآوردن فرمان شاه لشکری عظیم از کارگران مصری را به کار گرفته باشد. کارگران موفق شدند این کار را ظرف ده سال به پایان برسانند. در سال ۴۹۸ کار نخستین کانال سوئز به پایان رسید. سال بعد داریوش شاه به همراه تمام درباریان خود از شوش عازم سومین سفرش به مصر شد تا با جشن و سرور کانال را افتتاح کند. در بهار ۴۹۷ داریوش از شوش به مصر رفت تا کانال سوئز را افتتاح کند. کپی از اینترنت

۵ البته بین محققین در مقدار مصرفی آب اختلاف‌نظر است اما بدیهی است که صنعت فولاد صنعتی پرمصرف برای آب است.

٦متن علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۷علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۸علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۹علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۰علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۱علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۲علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۳علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

١٤علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۵؟ علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

١٦علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۷ علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۸علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۱۹علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۲۰علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸

۲۱علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸
۲۲علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸
۲۳علامه مجلسی- بحارالانوار- جلد ۵۸- صفحه ۲۴۴-۸۸
۲٤ http://tahoor.com/fa/Article/View/26918

۲۵ تولد و وفات: (۷۴۰ -مقتول ۷۹۶/۷۹۸) قمری - محل تولد: استرآباد - شهرت علمی و فرهنگی: دانشمند، صوفی، عارف و شاعر - مشهور به حلال‌خور. نام پدر فضل ابومحمد عبدالرحمان جلال‌الدین نیز ذکر کرده‌اند که قاضی‌القضات استرآباد بود. صاحب "ریحانهٔالادب" اصل وی را مشهدی دانسته که در شروان مقیم بوده است. نعیمی در استرآباد به دنیا آمد. در جوانی به طاقیه‌دوزی (دوختن نوعی کلاه) می‌پرداخت و از این راه کسب معیشت می‌کرد. پس از مدتی به اصفهان رفت و ازآنجا به زیارت‌خانهٔ خدا مشرف شد، سپس به تبریز رفت. گویند این سیروسفرها در طول زندگی نعیمی، تکرار شده است. وی جامع معقول و منقول بود و در علوم غریبه و رموز تصوف و حکمت، مرتبه‌ای عالی داشت و در علم اسماء، حروف، جفر و اعداد ماهر بود و از این مهارت در جهت نشر و تعمیم عقاید خود استفاده نمود. وی در عهد تیمور گورکانی می‌زیست و مؤسس طریقهٔ حروفیه بود. از شاگردان فضل‌الله می‌توان به سید عمادالدین نسیمی شیرازی و شیخ ابوالحسن اصفهانی، معروف به علی‌الاعلی، اشاره کرد. گویند میرانشاه فرزند تیمور حاکم آذربایجان، به امر پدر او را از شروان احضار نمود و به فتوای علماء عصر به قتل رسانید. گفته‌اند که در ۸۰۴ ق سر و جسد او را سوزاند. پس از او عقایدش در سراسر ممالک اسلامی منتشر گردید. علی الاعلی یکی از طرفداران او به آناطولی گریخت و در آنجا یه خانقاه‌های بکتاشیان وارد شد و طریقهٔ حروفیان را به جای عقیدهٔ آن‌ها رواج داد. مدفن او در نخجوان است. در مورد سال تولد و قتل و عناوین آثار او، بین تذکره‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آثار مهم او "جاودان کبیر" و "جاودان صغیر" می‌باشد که بعضی از تذکره‌ها آن را تحت عنوان کلی "جودان‌نامه" آورده‌اند. صاحب "دانشمندان آذربایجان" آورده که سید فضل‌الله در شروان مدتی زندانی بوده و در ۷۹۶ ق، در محبس، "جاودان‌نامه را تألیف کرده است، همچنین ادامه داده که شاگرد او، علی‌الاعلی، این کتاب را به نظم آورده است و در ضمن قصیده‌ای نیز مشتمل بر وقایع آینده به او نسبت می‌دهند. از دیگر آثارش: "انفس و آفاق" به فارسی؛ "عرف نامه"؛ "نوم نامه"، به لهجهٔ استرآبادی؛ "محبت‌نامه"؛ مثنوی "عرش نامه"، در هزار و سیصد و بیست بیت؛ "دیوان" شعر. کپی از اینترنت

۲٦ منظور از علم جفر آن‌گونه که مشهور شده است، همان علم الحروف است که با استفاده از حروف و اعداد و نسبت‌های آن‌ها برای هر مجهولی - بنابر ادعا- پاسخی مناسب ارائه می‌دهد؛ به این شیوه که بعد از تبدیل سؤال به حروف و اعداد و انجام مراحلی خاص درنهایت اعداد و سپس حروفی حاصل می‌شود که حاوی پاسخ به سؤال مطرح‌شده است. این علم در ادیان مختلف بانام‌های مختلفی نام‌گذاری شده و گروه‌های مختلفی مدعی آن بوده‌اند. اما بررسی روایات شیعه در مورد جفر ائمه (ع) اطلاعات دیگری در اختیار ما می‌گذارد که تفاوت‌های خاصی با آنچه در مورد علم جفر مشهور شده است دارد. در اینجا به ذکر این روایات خواهیم پرداخت. واژه "جفر" به

معنای پوست بز یا میش یا گوساله است و آنچه از مجموعه روایات در مورد وجه‌تسمیه این علوم و معارف برمی‌آید، این است که این علوم یا در پوست نوشته‌شده بود یا مجموعه آثاری بود که در ظرف بزرگی از پوست قرار داشته است. طبق روایات شیعه، جفر به‌طورکلی مجموعه‌ای از معارف الهی است که از طریق پیامبر اسلام به حضرت علی (ع) منتقل‌شده و بعد از حضرت علی (ع) در اختیار ائمه قرار دارد. بخشی از این علوم شامل وقایع آینده تا روز قیامت است که به آن علم «منایا و بلایا» نیز گفته می‌شود. و در برخی روایات نقل‌شده است که سلمان نیز که صاحب سرّ پیامبر و علی (ع) بوده، این علم (منایا و بلایا) را داشت. لازم به ذکر است که جفر در روایات بر سه نوع بوده، یا در سه مورد استعمال شده است. اول: کتاب جفر. دوم: مجموعه آثار و کتاب‌هایی که در ظرف بزرگی از پوست قرار داشته (جفر ابیض). سوم: جفر احمر که عبارت از سلاح پیامبر است و احمر نامیده شده است؛ چراکه صاحب شمشیر آن را به‌قصد قتال می کشاید که نشانه قهر خدا است. در مورد هریک از این سه مورد روایاتی نقل‌شده است و در برخی روایات نیز همه این چند مورد در کنار هم ذکرشده که در اینجا به برخی از روایات اشاره می‌کنیم: ۱. کتاب جفر الف. "**عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (ع) ... وَاللهِ إِنَّ عِنْدِی لَجِلْدَیْ مَاعِزٍ وَضَأْنٍ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطَّهُ عَلِیٌّ علیه السّلام بِیَدِهِ ...**"؛ امام صادق (ع) فرمود: به خدا سوگند در نزد من دو پوست بز و میش وجود دارد که إملاء رسول اکرم (ص) می‌باشد که آن را علی (ع) با دست خود نوشته است. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۴۷ ب. «**عِنْدَنَا الْجَفْرُ وَ هُوَ أَدِیمٌ عُکَاظِیٌّ قَدْ کُتِبَ فِیهِ حَتَّی مُلِئَتْ أَکَارِعُهُ، فِیهِ مَا کَانَ وَ مَا هُوَ کَائِنٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَمَةِ**»؛ نزد ما جَفر می‌باشد، و آن عبارت است از: پوست عُکاظی مملو از نوشته ... که در آن، آنچه تاکنون واقع‌شده و آنچه تا روز قیامت واقع خواهد شد، ثبت گردیده است. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۴۸ ج. «**إنی نظرت فی کتاب الجفر صبیحة هذا الیوم وهو الکتاب المشتمل علی علم المنایا والبلایا والرزایا وعلم ما کان وما یکون إلی یوم القیامة الذی خص الله تقدس اسمه به محمدا والأئمة من بعده علیه وعلیهم السلام، وتأملت فیه مولد قائمنا وغیبته وإبطاءه وطول عمره وبلوی المؤمنین به من بعده فی ذلک الزمان وتولد الشکوک فی قلوبهم من طول غیبته وارتداد أکثرهم عن دینهم وخلعهم ربقة الإسلام من أعناقهم**»؛ امام صادق به یکی از اصحاب خود فرمودند: بامداد امروز به کتاب جفر نگاه کردم، و این کتابی است که علم به مرگ‌ها، بلاها، مصیبت‌ها و علم آنچه گذشته و آینده تا روز قیامت در آن نوشته‌شده است که خداوند محمّد (ص) و امامان بعد از او را به این کتاب، اختصاص داده است. من در این کتاب تأمّل کردم، ولادت قائم ما و غیبت او، و طولانی شدن غیبتش و گرفتاری‌های مؤمنان در عصر غیبت، و پدیدار شدن شک و تردید در قلب‌های آنان بر اثر طولانی شدن غیبت، و مرتدشدن اکثر آنان از دین، و خروج آن‌ها از اسلام، را مشاهده کردم. بحارالانوار ج ۵۱، ص ۲۱۹. ۲. جفر ابیض «**قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) یَقُول انَّ عِنْدِیَ الْجَفْرَ الابْیَضَ. قَالَ: قُلْنَا: وَ أَیُّ شَیْءٍ فِیهِ؟! قَالَ: فَقَالَ لِی: زَبُورُ دَاوُدَ وَ تَوْرَاةُ مُوسَی وَ إِنْجِیلُ عِیسَی وَ صُحُفُ إِبْرَاهِیمَ وَالْحَلَالُ وَالْحَرامُ؛ وَ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ، مَا أَزْعُمُ أَنَّ فِیهِ قُرْآناً، وَ فِیهِ مَایَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَیْنَا وَ لَا نَحْتَاجُ إِلَی أَحَدٍ**»؛ امام صادق (ع) فرمود: نزد من است جفر

أبیض. گفته شد چه چیزی در آن است؟! حضرت فرمودند: زبور داوود و تورات موسی و انجیل عیسی و صُحُف ابراهیم و حلال و حرام؛ و مُصْحف فاطمه، و من چنان نمی‌دانم که در آن چیزی از قرآن باشد؛ و در آن است جمیع آنچه مردم به ما احتیاج دارند، و ما احتیاج به احدی نداریم. کلینی، الکافی، ج ١، ص ٢۴٠. ٣. جفر احمر الف. «**عِنْدِی الْجَفْرَ الْأَحْمَرَ قَالَ قُلْتُ وَ أَیُّ شَیْءٍ فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ قَالَ السِّلَاحُ وَ ذَلِکَ إِنَّمَا یُفْتَحُ لِلدَّمِ یَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّیْفِ لِلْقَتْلِ**»؛ امام صادق (ع) فرمودند: نزد من است جفر احمر راوی عرض کرد: جفر احمر چیست؟ حضرت فرمودند: سلاح؛ و جفر احمر نامیده شده چراکه صاحب شمشیر آن‌ها برای قتال می‌گشاید. کلینی، الکافی، ج ١، ص ٢۴٠. ب. «**قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یَسِیرُ الْقَائِمُ بِسِیرَةِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فِی أَهْلِ السَّوَادِ فَقَالَ لَا یَا رُفَیْدُ إِنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ سَارَ فِی أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَبْیَضِ وَ إِنَّ الْقَائِمَ یَسِیرُ فِی الْعَرَبِ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ**»؛ راوی گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: یابن رسول الله، آیا قائم (عج) همچون سیره علی بن ابی‌طالب (ع) رفتار می‌کند. حضرت فرمود نه. همانا علی بن ابی‌طالب طبق جفر ابیض رفتار نمود و قائم (عج) طبق آنچه در جفر احمر است رفتار می‌کند. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵٢، ص ٣١٣. ج. «**وَ أَمَّا الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ فَوِعَاءٌ فِیهِ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَنْ یَخْرُجَ حَتَّی یَقُومَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ**»؛ امام صادق (ع) فرمود: جفر احمر ظرفی است محتوی سلاح رسول الله (ص) و هیچ‌گاه بیرون نمی‌آید، مگر وقتی‌که قائم ما قیام کند. مجلسی، بحارالانوار، ج ٢۶، ص ١٨.

٢٧ بحارالانوار، ج ۵١، ص ٢١٩

٢٨ «بحارالانوار» کتاب الإمامة، أبواب علومهم:، باب جهات علومهم: و ما عندهم من الکتب و أنّه ینقر فی آذانهم و ینکت فی قلوبهم، از طبع کمپانی: ج ٧، ص ٢٨٣، و از طبع حیدری: ج ٢۶، ص ٣٧، روایت ۶٨؛ و «بصائر الدّرجات» ص ۴١.

٢٩ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد (ص)، ج ١، ص ١۵۵، قم، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ١۴٠۴ ق.

٣٠ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ٢، ص ١٨۶، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ١۴١٣ ق.

٣١ **قَالَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ یا رَسُولَ اَللَّهِ مَا تَفْسِیرُ أَبْجَدْ فَقَالَ رَسُولُ اَللَّهِ ص تَعَلَّمُوا تَفْسِیرَ أَبْجَدْ فَإِنَّ فِیهِ اَلْأَعَاجِیبَ کُلَّهَا وَیلٌ لِعَالِمٍ جَهِلَ تَفْسِیرَهُ فَقَالَ یا رَسُولَ اَللَّهِ ص مَا تَفْسِیرُ أَبْجَدْ قَالَ أَمَّا اَلْأَلِفُ فَآلَاءُ اَللَّهِ حَرْفٌ مِنْ أَسْمَائِهِ وَ أَمَّا اَلْبَاءُ فَبَهْجَةُ اَللَّهِ وَ أَمَّا اَلْجِیمُ فَجَنَّةُ اَللَّهِ وَ جَمَالُ اَللَّهِ وَ جَلَالُ اَللَّهِ وَ أَمَّا اَلدَّالُ فَدِینُ اَللَّهِ وَ أَمَّا هَوَّزْ فَالْهَاءُ هَاءُ اَلْهَاوِیةِ فَوَیلٌ لِمَنْ هَوَی فِی اَلنَّارِ وَ أَمَّا اَلْوَاوُ فَوَیلٌ لِأَهْلِ اَلنَّارِ وَ أَمَّا اَلزَّای فَزَاوِیةٌ فِی جَهَنَّمَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا فِی اَلزَّاوِیةِ یعْنِی زَوَایا جَهَنَّمَ وَ أَمَّا حُطِّی فَالْحَاءُ حُطُوطُ اَلْخَطَایا عَنِ اَلْمُسْتَغْفِرِینَ فِی لَیلَةِ اَلْقَدْرِ وَ مَا نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ ع مَعَ اَلْمَلَائِکةِ إِلَی مَطْلَعِ اَلْفَجْرِ وَ أَمَّا اَلطَّاءُ فَ طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ وَ هِی شَجَرَةٌ غَرَسَهَا اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِیدِهِ وَ نَفَخَ فِیهَا**

مِنْ رُوحِهِ وَ إِنَّ أَغْصَانَهَا لَتُرَى مِنْ وَرَاءِ سُورِ اَلْجَنَّةِ تَنْبُتُ بِالْحُلِى وَ اَلْحُلَلِ وَ اَلثِّمَارِ مُتَدَلِّيَةً عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ أَمَّا اَلْياءُ فَيدُ اَللَّهِ فَوْقَ خَلْقِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمّا يشْرِكون وَ أَمَّا كلَمَنْ فَالْكافُ كلاَمُ اَللَّهِ لا تَبْدِيلَ لِكلِماتِ اَللّهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً وَ أَمَّا اَللاَّمُ فَإِلْمَامُ أَهْلِ اَلْجَنَّةِ بَينَهُمْ فِى اَلزِّيارَةِ وَ اَلتَّحِيةِ وَ اَلسَّلاَمِ وَ تَلاَوُمِ أَهْلِ اَلنَّارِ فِيمَا بَينَهُمْ وَ أَمَّا اَلْمِيمُ فَمُلْک اَللَّهِ اَلَّذِى لاَ يزُولُ وَ دَوَامُ اَللَّهِ اَلَّذِى لاَ يفْنَى وَ أَمَّا اَلنُّونُ فَ ن وَ اَلْقَلَمِ وَ ما يسْطُرُون فَالْقَلَمُ قَلَمٌ مِنْ نُورٍ وَ كتَابٌ مِنْ نُورٍ فِى لَوْحٍ مَحْفُوظٍ يشْهَدُهُ اَلْمُقَرَّبُون وَ كفى بِاللّهِ شَهِيداً أَمَّا سَعْفَصْ فَالصَّادُ صَاعٌ بِصَاعٍ يعْنِى اَلْجَزَاءَ بِالْجَزَاءِ كمَا تَدِينُ تُدَانُ إِنَّ اَللَّهَ لاَ يرِيدُ ظُلْماً لِلْعِبادِ وَ أَمَّا قَرَشَتْ يعْنِى قَرَشَهُمْ فَحَشَرَهُمْ وَ نَشَرَهُمْ إِلَى يوْمِ اَلْقِيامَةِ فَ قُضِى بَينَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا يظْلَمُون رَشَتْ يعْنِى قَرَشَهُمْ فَحَشَرَهُمْ وَ نَشَرَهُمْ إِلَى يوْمِ اَلْقِيامَةِ الخصال، ج ۲، ص ۳۳۱

۳۲ پیامبر صلی الله علیه و آله: **اَلْعِلمُ إمامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تابِعُهُ يلهَمُ بِهِ السُّعَداءُ وَ يحْرَمُهُ الأَشقياءُ**؛ دانش پیشوای عمل و عمل پیرو آن است. به خوشبختان دانش الهام می‌شود وبدبختان از آن محروم‌اند. [الأمالی، طوسی، ص ۴۸۸، ح ۳۸]

۳۳ در رابطه بااینکه این علوم را چگونه به دست آورده‌ام یا بهتر بگویم چگونه هبه شده است به‌تفصیل در کتاب اذا فرغت توضیح خواهم داد.

۳٤ الذاریات: ۵۰ **فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّى لَكمْ مِنْهُ نَذيرٌ مُبين**

۳۵ در این مقام اراده عبد و خدا واحد می‌شود و عبد آنچه اراده می‌کند در خارج اتفاق می‌افتد.

۳٦ **و الله لو علم ابوذر ما فی قلب سلمان لقتله و لقدآخی رسول الله بینهما، فما ظنکم بسائر الخلق - یا سلمان! لو عرض علمک علی مقداد لکفر، و یا مقداد! لو عرض صبرک علی سلمان، لکفر**

۳۷ آل‌عمران: ۵۴ **وَ مَكرُوا وَ مَكرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيرُ الْماكرين**

۳۸ اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری، النص، ص: ۱۶۱

۳۹الأعراف: ۱۸۰ **وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى فَادْعُوهُ بِها وَ ذَرُوا الَّذينَ يلْحِدُونَ فى أَسْمائِهِ سَيجْزَوْنَ ما كانُوا يعْمَلُون**

٤۰ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص: ۳۳۸

٤۱ پیامبر اکرم ص وقتی‌که صدای مردی را شنید که در حال دعا کردن به اسماء الهی بود فرمود: قسم به کسی که جانم به دست اوست، او خدا را به اسم اعظمش خواند، همان اسمی که اگر خدا به آن خوانده شود عطا می‌کند و اگر دعا به آن شود اجابت می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۹۰: ۲۲۴).

٤۲ لوامع البیّنات فی شرح اسماء اللّه والصفات، رازی، ج ۱، ص ۸۸، فخر الدین، محمد بن عمر، منشورات مکتبة الکلی‌ات الازهریة القاهرة.. مصباح الشریعه، ص ۱۳۳. شرح اسماءاللّه الحسنی، ص ۹۲.

٤٣ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ١، ص ٢٣٠

٤٤ اصول کافی، ج ١، ص ٣٣٤. البته بحث اسم مستأثر را در کتاب نقطه بحث نموده‌ایم که آن نیز از اهل بیت ع پوشیده نمی‌باشد.

٤٥ بحارالانوار، ج ٢٧، ص ٢٥ تا ٢٨.

٤٦ **فی کلام الإمام أبی جعفر محمد بن علی الباقر ع إشارة إلی هذا المعنی حیث قال کلما میزتموه بأوهامکم فی أدق معانیه مخلوق مصنوع مثلکم مردود إلیکم و لعل النمل الصغار تتوهم أن لله تعالی زبانیتین فإن ذلک کمال‌ها و یتوهم أن عدم‌ها نقصان لمن لا یتصف بهما و هذا حال العقلاء فیما یصفون الله تعالی به انتهی کلامه صلوات الله علیه و سلامه.**

ترجمه: هر آنچه شما آن را بازشناسی می‌کنید در اوهام خودتان در دقیق‌ترین معانی‌اش، مخلوق و مصنوعی است مثل خودتان؛ که به خودتان بازمی‌گردد. چه‌بسا مورچهٔ ریز، خیال می‌کند که همانا برای خداوند متعال نیز دو تا شاخک است. چراکه شاخک داشتن کمال خودش است و خیال می‌کند که شاخک نداشتن نقصان است برای آنکه شاخک ندارد. حالِ عقلا نیز در توصیف خداوند متعال به همین‌گونه است. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳

٤٧ **پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تِسْعَةً وَ تِسْعِینَ اِسْماً مِائَةً إِلاَّ وَاحِدَةً مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ اَلْجَنَّةَ وَ هِی اَللَّهُ اَلْإِلَهُ اَلْوَاحِدُ اَلْأَحَدُ اَلصَّمَدُ اَلْأَوَّلُ اَلْآخِرُ اَلسَّمِیعُ اَلْبَصِیرُ اَلْقَدِیرُ اَلْقَاهِرُ اَلْعَلِی اَلْأَعْلَی اَلْبَاقِی اَلْبَدِیعُ اَلْبَارِئُ اَلْأَکْرَمُ اَلظَّاهِرُ اَلْبَاطِنُ اَلْحَی اَلْحَکِیمُ اَلْعَلِیمُ اَلْحَلِیمُ اَلْحَفِیظُ اَلْحَقُّ اَلْحَسِیبُ اَلْحَمِیدُ اَلْحَفِی اَلرَّبُّ اَلرَّحْمَنُ اَلرَّحِیمُ اَلذَّارِئُ اَلرَّزَّاقُ اَلرَّقِیبُ اَلرَّءُوفُ اَلسَّلاَمُ اَلْمُؤْمِنُ اَلْمُهَیمِنُ اَلْعَزِیزُ اَلْجَبَّارُ اَلْمُتَکَبِّرُ اَلسَّیدُ اَلسُّبُّوحُ اَلشَّهِیدُ اَلصَّادِقُ اَلصَّانِعُ اَلطَّاهِرُ اَلْعَدْلُ اَلْعَفُوُّ اَلْغَفُورُ اَلْغَنِی اَلْغِیاثُ اَلْفَاطِرُ اَلفرد اَلْفَتَّاحُ اَلْفَالِقُ اَلْقَدِیمُ اَلْمَلِک اَلْقُدُّوسُ اَلْقَوِی اَلْقَرِیبُ اَلْقَیومُ اَلْقَابِضُ اَلْبَاسِطُ قَاضِی اَلْحَاجَاتِ اَلْمَجِیدُ اَلْمَوْلَی اَلْمَنَّانُ اَلْمُحِیطُ اَلْمُبِینُ اَلْمُقِیتُ اَلْمُصَوِّرُ اَلْکَرِیمُ اَلْکَبِیرُ اَلْکَافِی کاشِفُ اَلضُّرِّ اَلْوَتْرُ اَلنُّورُ اَلْوَهَّابُ اَلنَّاصِرُ اَلْوَاسِعُ اَلْوَدُودُ اَلْهَادِی اَلْوَفِی اَلْوَکِیلُ اَلْوَارِثُ اَلْبَرُّ اَلْبَاعِثُ اَلتَّوَّابُ اَلْجَلِیلُ اَلْجَوَادُ اَلْخَبِیرُ اَلْخَالِقُ خَیرُ اَلنّاصِرِین دَّیانُ اَلشَّکورُ اَلْعَظِیمُ اَللَّطِیفُ اَلشَّافِی.**

رسول خدا فرمود به‌درستی که برای خدای عز و جل نودونه نام است (از صد یکی کم) هر کس آن‌ها را بشمارد به بهشت داخل می‌شود و آن نام‌ها عبارت‌اند از الله: ذاتی که صفات کمال در او جمع است الواحد: یکتا، الاحد: یگانه، الصمد: مهتر و آنکه آهنگ وی کنند در مهمات الاول نخستین الآخر: پایان السمیع: شنوا، البصیر: بینا، القدیر: توانا، القاهر: چیره، العلی: والا، الاعلی: والاتر، الباقی: پاینده، البدیع: نوساز، البارئ: آفریدگار، الاکرم: بزرگوارتر، الظاهر: آشکار، الباطن: پنهان، الحی: زنده، الحکیم: خداوند حکمت، العلیم: دانشمند، الحلیم: بردبار، الحفیظ: نگهدار، الحق، خداوند حقیقت، الحسیب: حسابگر، الحمید: پسندیده، الحفی: مهربان، الرب: پروردگار الرحمن: بخشاینده، الرحیم: مهربان، الذاری: آفریدگار، الرزاق: روزی دهنده، الرقیب: پاسدار، الروف: مهربان، السلام: آشتی کننده: المومن: ایمنی بخش، المهیمن: فراگیرنده، العزیز: ارجمند، الجبار:

شکسته بند، المتکبر: بزرگ منش: السید: آقا، السبوح: پاک و منزه الشهید: حاضر و گواه، الصادق: راستگو، الصانع: سازنده، الطاهر: پاکیزه، العدل: دادگر، العفو: بخشنده، الغفور: آمرزنده: الغنی: بی نیاز، الغیاث: فریادرس، الفاطر: شکافنده نیستی، آلفرد: طاق، -الفتاح: گشاینده، الفالق: شکافنده تاریکی، القدیم: دیرینه، الملک: پادشاه، القدوس: پاک و مبارک، القوی: نیرومند، القریب: نزدیک، القیوم: بر پا دارنده، القابض: گیرنده، الباسط: گستراننده، قاضی الحاجات: بر آورنده نیازمندیها، المجید: بزرگوار، المولی: خداوند، المنان: منت گذارنده، المحیط: احاطه کننده المبین: آشکارا، المقیت: نگهبان، المصور: صورتگر، الکریم: خداوند بخشش، الکبیر: بزرگ، الکافی: بسنده، کاشف الضر: بر طرف کننده آزردگی، الوتر: تنها، النور: روشن و روشنی بخش، الوهاب: بسیار بخشش کننده، الناصر: یاری دهنده، الواسع: وسعت بخش، الودود: بسیار دوست دارنده، الهادی: راهنما، الوفی: وفادار، الوکیل: آنکه کارها باو واگذار شده، الوارث: ارث بر، آلبر: نیکوکار، الباعث: فرستنده، التواب: توبه پذیر، الجلیل: بزرگ و آزموده کار، الجواد: صاحب جود و بخشش، الخبیر: آگاه، الخالق: آفریننده، خیر- الناصرین: بهترین یاری دهندگان، الدیان: جزا دهنده، الشکور: سپاسگزار، العظیم: با عظمت، اللطیف: خداوند لطف و مدارا، الشافی: شفابخش، و من تفسیر این نامها را در کتاب توحید نوشته‌ام و این روایت از راویان مختلف بمن رسیده است. الخصال، ج ۳، ص ۵۹۳

۴۸ امل الآمل؛ ج ۲، ص ۱۱۷. الغدیر؛ ج ۷، ص ۳۳- ۶۸ با تلخیص. اعیان الشیعه؛ ج ۶، ص ۴۶۵- ۴۶۸ با تلخیص. ریحانة إلادب؛ ج ۱، ص ۳۰۴. تنقیح المقال؛ ج ۱، ص ۴۲۹.

۴۹ الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۳۱۸

۵۰ در اواسط سال ۱۳۵۸ شبکه اول تلویزیون ایران شروع به پخش برنامه ویژه‌ای می‌کند که برای همه‌کسانی که در همه این سال‌ها امام خمینی (ره) را تحت عنوان یک استراتژیست سیاسی و رهبر بزرگ‌ترین انقلاب ابتدای قرن بیستم دیده بودند به‌شدت خاص و هیجان‌انگیز است. این برنامه تحت عنوان تفسیر قران که توسط شخص حضرت امام انجام می‌گیرد پخش می‌شود اما بلافاصله بعد از شروع پخش به فاصله کوتاهی تعطیل می‌شود و از آن زمان تاکنون هم قسمت‌های قبلی دیگر پخش دوباره نمی‌شود. این شاید یک معمای اساسی در جریان تاریخ رسانه‌ای مذهبی کشور و انقلاب باشد که چه اتفاقی افتاد که رهبر به‌شدت محبوب و مقتدر یک انقلاب نورس از بازگویی یک مبحث مذهبی خاص در تلویزیون بازماند. مجموعاً ۵ جلسه تفسیر از سوی حضرت امام در اوایل سال ۵۸ شمسی از تلویزیون پخش می‌شود و ظاهراً در این ۵ جلسه تفسیر بسم‌الله و آیه اول سوره حمد تکمیل‌شده بوده است. هنوز نظر واضحی درباره علت تعطیلی این برنامه تفسیر اعلام‌نشده است بعضی‌ها که البته کم تعداد هستند آن را به بیماری امام مربوط می‌دانند و در مقابل اکثریت معتقدند که تنگ‌نظری برخی از دسته‌ها و محافل متحجر مذهبی مثل انجمن پرنفوذ حجیته در مخالفت با نگاه عرفانی امام به قرآن سبب اصلی این تعطیلی نابهنگام و ناامیدکننده ست. نقل مشهوری هست که در همان اوایل پخش این تفسیر طوماری با نامه‌های متعدد از سمت قم

روانه بیت امام می‌شود که ادعای به‌صورت کفن‌پوش در خیابان‌ها قیام کردن را مطرح می‌کند به خاطر این "صوفیگری‌های "مطرح شده در این تفاسیر بنابر تفسیر خودشان.

٥١رسولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله: کلمةُ الحکمةِ ضالّةُ المؤمنِ، فحیثُ وجدَها فهُو أحقُّ بها. [بحار الأنوار: ۵۸/۹۹/۲.]

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سخن حکیمانه، گمشده مؤمن است، پس هر جا آن را بیابد به آن سزاوارتر است.

٥٢ **الإمامُ علی علیه السلام: الحِکمَةُ ضَالّةُ المؤمنِ، فاطْلُبوها و لَو عندَ المُشرِک تکونوا أحَقَّ بها و أهلَها. [الأمالی للطوسی: ۱۲۹۰/۶۲۵.]**

امام علی علیه السلام: حکمت، گمشده مؤمن است؛ پس آن را بجویید گر چه نزد مشرک باشد زیرا که شما بدان سزاوارتر و شایسته‌ترید.

٥٣ **عنه علیه السلام: خُذِ الحِکمَةَ أنّی کانتْ؛ فإنَّ الحِکمَةَ تَکونُ فی صَدْرِ المُنافِقِ فتَلَجْلَجُ فی صَدرِهِ حتّی تَخْرُجَ، فتَسْکنَ إلی صَواحِبِها فی صَدرِ المؤمنِ. [نهج البلاغة: الحکمة ۷۹.]**

امام علی علیه السلام: حکمت را هرکجا باشد فراگیرید؛ زیرا حکمت در سینه منافق می‌باشد، و پیوسته ناآرام است تا ازآنجا خارج‌شده در سینه مؤمن، در کنار همگنان خود آرام گیرد.

٥٤ **عیسی علیه السلام: لَو وَجَدْتُم سِراجا یتوَقَّدُ بالقَطِرانِ فی لَیلَةٍ مُظلِمَةٍ لاسْتَضَأْتُم بهِ و لَم یمْنَعْکم مِنهُ رِیحُ نَتْنِهِ، کذلک ینبغی لَکم أنْ تأخُذوا الحِکمَةَ مِمَّنْ وَجَدْتُموها مَعهُ و لا یمْنَعَکم مِنهُ سُوءُ رَغْبَتِهِ فی‌ها. [. بحار الأنوار: ۱/۳۰۷/۷۸.]**

مسیح علیه السلام: اگر چراغی بیابید که در دل شب با قطران. [قطران: مایع روغنی شکل و چسبنده که غالباً از جوشاندن چوب خشک درخت صنوبر و چوب‌های دیگر به دست می‌آید. بوی قطران شبیه بوی سوختگی است (فرهنگ معین: ۲ / ۲۶۹۲).] می‌سوزد، از نور آن بهره می‌گیرید و بوی بد آن، مانع این کار شما نمی‌شود، همچنین شایسته است که شما حکمت را در هر که یافتید، فراگیرید و بی‌رغبتی او به آن، مانع شما نشود.

٥٥ **الإمامُ زینُ العابدینَ علیه السلام: لا تُحَقِّرِ اللُّؤْلُؤَةَ النَّفیسَةَ أنْ تَجْتَلِبَها مِن الکبا الخَسیسَةِ؛ فإنَّ أبی حَدّثَنی قالَ: سَمِعتُ أمیرَ المؤمنینَ علیه السلام یقولُ: إنّ الکلِمَةَ مِن الحِکمَةِ لَتَتلَجْلَجُ فی صَدرِ المُنافِقِ نِزاعا إلی مَظانِّها حتّی یلْفِظَ بها، فیسْمَعَها المؤمنُ فیکونَ أحقَّ بها و أهلها فیلْقَفَها. [بحار الأنوار: ۴۶/۹۷/۲.]**

امام زین‌العابدین علیه السلام: بیرون کشیدن مرواریدی گران‌بها از میان زباله‌های کثیف را کاری پست و حقیر مشمار؛ زیرا پدرم فرمود: شنیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: سخن حکمت‌آمیز، به عشقِ قرار

گرفتن در جایگاه واقعی خود، در سینه منافق بی‌تابی می‌کند، تا آنگاه‌که بیرون افکنده شود و مؤمن که بدان سزاوارتر و شایسته‌تر است، آن را می‌شنود و می‌رباید.

٥٦المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة)، ص: ١٧٧

٥٧ وصیتنامه شهید لاجوردی: «**بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله و ان علیا ولی الله وصی رسول الله و الائمه حادی عشر من بعد علی علیه السلام ائمه المسلمین** بارالها! با تمام وجود می‌گویم: «**کم من ثناء جمیل لست اهلا له نشرته.**» خداوندا! عمری را (که بهترین نعمت بوده) ازدست‌داده‌ام، درحالی‌که می‌توانست در راه تو و خدمت به انسان‌های مظلوم و مستضعف به کار گرفته شود؛ عمری که می‌توانست تا حدودی در جهت از بین بردن ارزش‌های منفی و ایجاد و احیای ارزش‌های الهی- انسانی مثمر ثمر افتد؛ عمری که می‌توانست در راه تحقق هدف‌های مقدس اسلام و اعتلای کلمه التوحید و تکامل صاحبش سپری گردد؛ عمری که می‌توانست از کمیتش بکاهد و بر کیفیتش بیفزاید و همگام با شهدای خداجوی، جویای راه وصول به تو باشد؛ عمری که با کمیت نسبتاً زیاد، کوچک‌ترین توشه‌ای برنگرفته. لذا همین‌جاست که تمامی امیدش را و تمامی رجایش را، به عفو تو و به اغماض تو و بزرگواری تو و رحمت و فضل تو بسته است. خدایا! بازهم امید و بازهم امید به فضلت! «اللّهم اغفر لی الذنوب آلتی تهتک العصم.» خدایا! خوب می‌دانی آنچه را هم‌اکنون به قلم می‌آورم مدت‌های مدیدی است در درونم می‌گذرد و بر سر چند راهه‌های حیرت ندانم چیست؟ چه باید کرد؟ امور به کجا می‌انجامد؟ چگونه است که بانام اسلام و در ذی اسلامت شعارهای مردم‌فریب خالی محتوا، رواج پیدا می‌کند و آن‌ها که مسئولیت جلوگیری از انحراف افکار را دارند ساکت می‌نشینند! و سهل است، بعضاً تأیید هم می‌کنند و هزاران سؤال، که هرکدام راهی را ایجاب و خطی را ترسیم می‌کند، قرارگرفته‌ام. اما خوشبختانه چون مقلد امام عزیز هستم، راه سعادت برایم روشن است و از خدا می‌خواهم اگر عمری بود، توفیق عمل بدان را پیدا کنم. خدایا! با تمام وجودم به این انقلاب عشق می‌ورزم و به همان مقدار که دوستدار انقلابیونم، نسبت به حامیان ضدانقلاب نفرت دارم و با همه این‌ها، این مسئله را به‌خوبی دریافته‌ام که هر کس به نفع دشمنان انقلاب و به خیال واهی و بی‌اساس، رضایت به‌اصطلاح مردم و به خیال خام و پوچ، پایگاه به‌اصطلاح ملّی پیدا کردن، موضع‌گیری کند، مصداق فرموده گران‌قدر معصوم (ع) است که: «من طلب رضی الناس بسخط الله، فجعل الله حامده من الناس ذامّا.» خدایا! تو شاهدی به همان اندازه- بلکه صدچندان که به امام قاطع- و سازش‌ناپذیرم عشق می‌ورزم، نسبت به سازش کاران و مدافعان عملی ضدانقلاب (اگر در لفظ و اعتقاد هم مخالف باشند) نفرت دارم. بیم آن دارم حوادث مشروطه مجدداً تکرار شود و یا ایران اسلامی به سرنوشت الجزایر دچار شود. خداوندا! از تو مصرانه می‌خواهم دست و قدم، زبان و قلم همه‌کسانی را که در جهت رهانیدن ضد انقلابیون و مرتدین و محاربین از چنگال عدالت، اعمال قدرت و نفوذ کرده‌اند و همه‌کسانی که پذیرای این ننگ شده‌اند (تا چند روزی به کام وهم و خیال رسند)، برای همیشه از

سرنوشت این مردم شهیدپرور و شاهد قطع فرمایی. خدایا! چون عاشق نظام بوده‌ام، از آن ترس داشتم که افشای چهره سازشکاران، لطمه‌ای ناچیز به‌نظام وارد آورد، به آنها توصیه می‌کنم که جدای از لفّاظی و بازار گرمی‌های صنفی، به قیامت و حسابرسی‌های دقیق آن روز باور پیدا کنند و مواظب باشند که از آن دسته‌ای نباشند که قرآن درباره‌شان فرموده: «لم تقولون ما لا تفعلون. کبر مقتاً عند اللهان تقولوا ما لا تفعلون.» وصیتم به صاحبان قدرت و نفوذ این است که اگر حرکتشان را دوست می‌دارند، به جای شعارهای مردم فریب و سیاستمدارانه، توصیه‌هایی را که تلفنی و شفاهی در جهت استخلاص ضد انقلاب و ملأ و مترفین و حرام‌خواران و حرام اندوزان اعمال می‌دارند، با شهامت و رشادت، برای مردم بازگو کنند و از هر نوع توجیه و ماست‌مالی کردن‌های حفظ سمت و استمرار موقعیت صدارت بپرهیزند که خودفریبی و مردم فریبی بالاخره به پایان رسد و سر و کار با خیر الماکرین افتد و باز توصیه‌ام به سردمداران این است که به خدا توکل کنند و قاطعیت و سازش ناپذیری را از امام مردم بیاموزند و شعار نه شرقی و نه غربی را که خواست و حق مردم است و علت موجده این انقلاب بوده فراموش نکنند و مبادا که گذشت روزها و فرو افتادن، طبیعی شود و انقلاب و مهمتر از همه سختی‌های حرکت و فشارهای بین‌المللی موجب شود تعادلی را که شعار فوق ایجاب می‌کرده و بحمدالله تا حدودی ایجاد گردیده، به هم زنند و بدانند که قدرت مطلق از آن خداست و صرفاً تکیه بر اوست که از هر قدرتی، انسان را و جامعه را بی‌نیاز می‌کند و باز این که بدانند که اگر دچار حسابگری‌های سیاسی جدای از توکل شوند و بر ذهنیت‌های شکل گرفته، رضایت خدا و مردم مسلمان را ملاک قرار ندهند، گور خود و انقلاب را کنده و برای مردم، گورستانی بی‌نام و نشان در پهنه تاریخ ایجاد کرده‌اند و یادشان باشد که علت موجده، علت مبقیه نیز هست و فراموش نکنند که سیادت و موقعیت‌های اجتماعی آنان، اهدایی انقلاب اسلامی است و جدای از انقلاب، فردی از چهل میلیون افراد دیگر قبل از انقلاب خواهند بود. خدایا! تو شاهدی چندین بار به عناوین مختلف، خطر منافقین انقلاب را (همانان که التقاط، به گونه منافقین خلق سراسر وجودشان را و همه ذهن و باورشان را پر کرده و همانان که ریاکارانه برای رسیدن به مقصودشان، دستمال ابریشمی بسیار بزرگ- به بزرگی مجمع الاضداد- به دست گرفته‌اند، هم رجایی و باهنر را می‌کشند و هم به سوگشان می‌نشینند، هم با منافقین خلق، پیوند تشکیلاتی و سپس...! برقرار می‌کنند، هم آنان را دستگیر می‌کنند و هم برای آزادیشان و اعطای مقام و مسئولیت بد آنان تلاش می‌کنند و از افشای ماهیت کثیف آنان سخت بیمناک می‌شوند، هم در مبارزه علیه آنان و در حقیقت برای جلب رضایت مسئولین و نجات بنیادی آنان خود را در صف منافق‌کشان می‌زنند و هم در حوزه‌های علمیه به فقه و فقاهت روی می‌آورند تا مسیر فقه را عوض کنند)، به مسئولین گوشزد کرده‌ام ولی نمی‌دانم چرا؟ (گرچه نسبت به بعضی، تا اندازه‌ای میدانم چرا!) ترتیب اثر نداده‌اند. به مسئولین بارها گفته‌ام که خطر اینان به مراتب زیادتر از خطر منافقین خلق است، چرا که علاوه بر همه شیوه‌های منافقانهٔ منافقین، سالوسانه در صف حزب اللهیان قرار گرفته و کم‌کم آنان را در صفوف آخرین و سپس به صف قاعدین و بازنشستگان سوقشان داده و صفوف مقدم را غاصبانه به تصرف خود در آورده‌اند، به گونه‌ای که عملاً عقل و اراده منفصل برخی تصمیم گیرندگان قرار گرفتند و در عزل و نصب‌ها و حفظ و ابقاءها دست به تخریب می‌زنند و اعمال قدرت می‌کنند. این‌ها همه پوچ است و بی‌اهمیت! مهم و بسیار مهم این است که هدف غایی از همه این تلاش‌ها، گسترش فکر التقاطی و انحرافی سازمان ضد خداییشان است که

جز اندیشه‌های مادی‌گرایانه و ماتریالیستی، چیز دیگری نیست و با بهره‌گیری از تجربیات مثبت و منفی همپالگی‌های چپ و منافقشان توانسته‌اند متاسفانه به نسبت بسیار زیادی (زیادتر از توفیق منافقان خلق در سال‌های ۵۱ تا ۵۴، تعداد کثیری از روحانیون را تحت تأثیر قرار دهند و با لطایف الحیل، بر ذهن و روان آنان اثرات دلخواهشان را بگذارند تا بدان‌جا که بر اعمال جنایتکارانه آنان با دیده اغماض بنگرند و حتی در مواردی نظیر به شهادت رساندن باهنر و رجایی، به دست روی دست مالیدن‌های مسامحه کارانه و مصلحت اندیشیه‌ای پشیمانی آورنده متوسل شوند. باز مهمتر از همه اینکه با کمال تأسف، توانسته‌اند تعداد فراوانی از جوانان مسلمان را جذب کرده منحرف نمایند. هان ای خانواده عزیزم! بهوش باشید مبادا که فریب تأیید و تکریم‌های ریاکارانه این منافقان جدا از دین را بخورید. چه بسا با ظاهری چاکرانه و دلسوزانه به سراغتان بیایند و خود را چنان حزب اللهی جا بزنند که مسلمان‌ها و ابوذرها را جرئت لحظه‌ای هم لباسی و همشکلی با آنان نباشد! فرزندانم! اگر گاهی بر شما سخت می‌گرفته‌ام و این در حالی بوده که برایم امکان فراهم آوردن رفاه بیشتر بوده، از آن جهت بوده است که اعتقادی استوار به کریمه «ان مع العسر یسرا» داشته‌ام و اگر می‌توانستم شما را و خانواده را بیشتر از آنچه تحمل کردید قانع کنم به طور قطع چنان می‌کردم و یقین داشتم که در تکوین شخصیت سالم و رشد یابنده شما مؤثرتر و کارسازتر بود. به هر صورت، پدرتان که از همه چیز جز انقلاب و اسلام بیشتر دوستتان می‌دارد، خیر و صلاح شما را در رفاه نمی‌دانسته و نمی‌داند و امید دارد در زندگی، رفاه جویی و عافیت طلبی را آگاهانه به دور اندازید و با عزمی آهنین در کام مشکلات روید و توقع نداشته باشید دیگران برای حل مشکلاتتان اقدامی ولو ناچیز کنند. به جای چنین انتظاری در حل مشکلات مردم کوشا باشید و از سختی‌ها نهراسید و به گونه‌ای عمل کنید که هر مصیبتی و هر مشکلی هر قدر عظیم، در پیش اراده و عزم شما سر تسلیم فرود آورد و به جای اینکه بر شما چیره شود و شما را دست و پا بسته بر زمین افکند، بر امواج به ظاهر سهمگینش سوار شوید و مهارش را به دست گیرید و بدانسو هدایتش کنید که می‌خواهید و اجازه ندهید که بر شما مسلط شود و تعادل شما را برباید. خانواده عزیز و مهربانم! درست است آنگونه که شایسته مقام والای انسانی شما بود، به خدمتتان کمر نبستم و در این راه، تقصیرها و قصورهای فراوان داشتم، اما درست‌تر آن است که بر من ببخشایید و اجازه ندهید که در پیشگاه خداوند در روز (تبلی السّرائر) و در انظار خلایق، شرمنده و سر افکنده پیش رویتان قرار گیرم. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

۵۸ شرح الکافی-الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)، ج ۹، ص: ۳۶۶

۵۹ امام رضا ـ علیه السلام ـ فرمود: «**اذا حبست الزکاة ماتت المواشی**» هرگاه زکات پرداخت نشود، چهارپایان می‌میرند. وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۳۱

٦٠ آیه ١٧ – سوره رعد **اَنزَلَ مِنَّ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَداً رَابِياً وَ مِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِى النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذالِکَ يَضْرِبُ اللهُ الْحَقَّ وَ الْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِى الْأَرْضِ كَذالِکَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ** [١٧]

[خداوند] از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه‌ای به‌اندازهٔ آن‌ها سیلابی جاری شد؛ سپس سیلاب بر روی خود کفی حمل کرد؛ [همچنین] و ازآنچه [در کوره‌ها]، برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش‌بر آن می‌افروزند، کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید، خداوند برای، حق و باطل چنین مثالی می‌زند، سرانجام کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند این‌چنین مثال می‌زند.

٦١ روح البیان ج ٨ ص ٢٧٠

٦٢)المحجه البیضاء، ج ۵، ص ٢٧۶(

٦٣ "نهج البلاغه، خطبه ٢١۶"

٦٤ (نهج البلاغه: نامه ۶٢).

٦٥ **وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يكسِبُونَ** [٩۶] و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، به‌یقین برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی [آن‌ها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

٦٦ آیاتی که بحث انتظار در آن مطرح است

الأنعام: ١۵٨ **هَلْ ينْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ تَأْتِيهُمُ الْمَلائِكةُ أَوْ يأْتِى رَبُّک أَوْ يأْتِى بَعْضُ آياتِ رَبِّک يوْمَ يأْتى بَعْضُ آياتِ رَبِّک لا ينْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كسَبَتْ فى إِيمانِها خَيراً قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ**

الأعراف: ٧١ **قالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيكمْ مِنْ رَبِّكمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تُجادِلُونَنى فى أَسْماءٍ سَمَّيتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكمْ ما نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّى مَعَكمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ**

يونس: ٢٠ **وَ يقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيهِ آيةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّى مَعَكمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ**

يونس: ١٠٢ **فَهَلْ ينْتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّى مَعَكمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ**

هود: ١٢٢ وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُون

٦٧ سوره زمر آیه ٣٩: بگو: «ای قوم من! شما هرچه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفهٔ خود عمل می‌کنم؛ امّا به‌زودی خواهید دانست».

تمامی آیاتی که به این مضمون در قرآن واردشده است

- الأنعام: ۱۳۵ **قُلْ يا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلى مَكانَتِكمْ إِنِّي عامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكونُ لَهُ عاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لا يفْلِحُ الظَّالِمُونَ**
- هود: ۹۳ **وَ يا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلى مَكانَتِكمْ إِنِّي عامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يأْتيهِ عَذابٌ يخْزيهِ وَ مَنْ هُوَ كاذِبٌ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكمْ رَقيبٌ**
- هود: ۱۲۱ **وَ قُلْ لِلَّذينَ لا يؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلى مَكانَتِكمْ إِنَّا عامِلُونَ**
- الزمر: ۳۹ **قُلْ يا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلى مَكانَتِكمْ إِنِّي عامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُون**

٦٨ الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۰۸

٦٩ تظاهرات ۱۳۹۶ ایران مجموعه اعتراضات رهبری نشدهٔ مردمی در سراسر ایران بود، که از ۷ دی ۱۳۹۶ (۲۸ دسامبر ۲۰۱۷) از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان آغاز شد. فراخوان شرکت در این تظاهرات که در آغاز «نه به گرانی» (پویش اعتراضات و تجمع مردمی) و اعتراض به سیاست‌های دولت حسن روحانی نامیده شد و توسط گروه‌های ضد نظام موردحمایت قرار گرفت.

۷۰ سوره حجر آیه ۹۱: همان کسانی که قرآن را تقسیم کردند [؛ و فقط آنچه را به سودشان بود پذیرفتند![

۷۱ مدیر دفتر حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب سازمان آب و برق خوزستان گفت: بر اساس آمارهای بررسی‌شده حتی در ۶۷ سال گذشته چنین حالت‌هایی از خشک‌سالی را در استان خوزستان تجربه نکرده بودیم. ۹۶/۱۱/۲

http://www.khouznews.ir/fa/news/159880/%D8%AE%D8%B4%DA%A9%E2%80%8C%D8%B3%D8%A7%D9%84%DB%8C-%D8%AE%D9%88%D8%B2%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-67-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DA%AF%D8%B0%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D8%A8%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D8%A8%D9%82%D9%87-%D8%A8%D9%88%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA

رئیس مرکز ملی خشک‌سالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی بارش و دمای پاییز ۹۶ کشور را با وضعیت بارش و دمای ۳۰ سال گذشته مقایسه کرد و گفت: در پاییز امسال شش استان مرکزی، قم، سمنان، تهران، البرز و اصفهان رکورد کم‌بارشی را جابه‌جا کردند. ۹۶/۱۰/۱۲

https://www.isna.ir/news/96101206158/%DB%B6-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%84-

%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%B1%D8%AF-%DA%A9%D9%85-
%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%B4%DB%8C-%D8%B1%D8%A7-
%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-
%D8%AC%D8%A7%D8%A8%D9%87-%D8%AC%D8%A7-
%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%D8%AF

۷۲ باوجوداینکه طراحان پروژه هارپ اصرار دارند که عملکرد این پروژه مانند مرکز تحقیقات رادیویی است و خطری برای دگرگونی در وضعیت آب و هوایی ندارد، اما مقام‌های اتحادیه اروپا اعلام کرده‌اند که باید پژوهش‌های بیشتری درباره خطرهای بهداشتی و زیست‌محیطی این پروژه انجام شود. هارپ (High Frequency Active Auroral Research Program)، یک برنامه دفاعی نظامی مخفیانه اجراشده به‌وسیله آمریکایی‌ها است که در سال‌های اخیر جنجال‌های فراوانی در سطح بین المللی ایجاد کرده است. مقام‌های آمریکایی در تمام این سال‌ها ایجاد اختلال در وضعیت آب و هوایی جهان در اثر آزمایش پروژه هارپ را انکار می‌کنند، اما برخی محققان اعتقاددارند قابلیت‌های مخفی الکترومغناطیس هارپ برای پیشبرد هدف‌های اعلام‌شده ارتش آمریکایی تا سال ۲۰۲۰ طراحی‌شده است. گروهی دیگر محققان نیز اعتقاددارند از هارپ می‌توان برای دگرگونی وضعیت آب و هوایی جهان، ایجاد زلزله، سونامی و نیز مختلف کردن سیستم‌های ارتباط جهانی و مواردی ازاین‌دست استفاده کرد. در وب‌سایت رسمی هارپ، هدف از این پژوهش، یک تلاش علمی برای مطالعه خواص و رفتار یونوسفر با تأکید خاص بر توانایی درک و استفاده از آن برای بهبود سیستم‌های ارتباطی و نظارت باهدف‌های غیرنظامی و دفاعی است. یونوسفر به لایه‌های بالایی جو کره زمین گفته می‌شود که در فاصله ۵۰ کیلومتری الی ۱۰۰۰ کیلومتری بالاتر از سطح زمین قرارداد. وب‌سایت هارپ اعلام کرده است که آزمایش‌هایی برای تحریک موقت یک منطقه محدود از یونوسفر انجام می‌دهند، اما کارشناسان اعتقاددارند تحریک کردن لایه حساسی، چون یونوسفر می‌تواند پیامدهای فاجعه باری به همراه داشته باشند. برخی از دانشمندان، چون میشل چودوسوفسکی از دانشگاه اوتاوا و دکتر نیک بجیچ شواهدی ارائه داده‌اند که نشان می‌دهد این اختلال‌ها می‌تواند سبب ایجاد زلزله و حتی سونامی شود. اتحادیه اورپا خواستار بررسی مفاد قانونی، زیست‌محیطی و اخلاقی برای بررسی اثرهای این نوع آزمایش‌ها و جلوگیری از انجام آزمایش‌های جدید است. سلاح‌های الکترومغناطیس پدیده‌هایی نامرئی، اما باقدرت صدها برابر بیشتر از سایر سلاح‌ها هستند. استفاده از این نوع سلاح‌ها برای ایجاد رعدوبرق و گردبادی ترسناک در شهر هدف و نابود کردن آن به همراه ساکنینش بسیار راحت‌تر از اعزام نیرو و نبرد متقابل است به همین دلیل برخی از قدرت‌های غربی از ساخت این نوع سلاح‌ها استقبال می‌کنند. انرژی که هارپ به فضا می‌فرستد سبب گرم شدن لایه یونوسفر و تبدیل آب‌وهوا به یک سلاح جنگی می‌تواند مورداستفاده قرار گیرد. چنانچه پالس الکترومغناطیسی پرفراز شهری ایجاد شود تمامی وسایل الکترونیکی خانه، تأسیسات و محل کار از جای خود حرکت می‌کنند و نابود می‌شوند و به‌این‌ترتیب یک شهر در عرض مدت کوتاهی نابود می‌شود.

کارشناسان برای اثبات وجود سلاح‌هایی فوق مرگبار در دست دولت‌های غربی اعلام کرده‌اند ۵۰ سال پیش دولت آمریکا آزمایش‌هایی در ساحل جزیره اوکلند برای ساخت بمبی که سبب جزر و مد بسیار شدید شود انجام داد و درواقع اولین بمب سونامی را تولید کرد. محققان امروزی معتقدند که پس از گذشت ۵۰ سال و با پیشرفت فناوری، به‌طورقطع دولت‌های غربی به سلاح‌هایی فوق پیشرفته دست‌یافته‌اند و هارپ می‌تواند یکی از آن‌ها باشد. اکنون گمانه‌زنی‌هایی درباره دخالت پروژه هارپ در بروز حادثه‌هایی، چون زمین لرزه هائیتی، سونامی اندونزی و توفان کاتریبا مطرح است و اینکه آیا از این پروژه در بروز این بلایای طبیعی استفاده‌شده است. باوجوداینکه بلایای طبیعی، چون زلزله، سیل و توفان همیشه در دنیا رخ‌داده است، اما با پژوهش و تحقیق درباره بروز آن‌ها می‌توان نشانه‌ها و مواردی مشکوک و غیرعادی را مشاهده کرد.

۷۳ الأنفال آیه ۵۳: **ذلِک بِأَنَّ اللهَ لَمْ یک مُغَیراً نِعْمَةً أَنْعَمَها عَلی قَوْمٍ حَتَّی یغَیرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللهَ سَمیعٌ عَلیمٌ**

این، به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند و خداوند، شنوا و داناست.

رعد آیه ۱۱ **له مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ إِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللهُ بِقَوْمٍ سُوءاً فَلا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ**

برای هرکس، مأمورانی است که پی‌درپی، از پیش‌رو، و از پشت سر او را از فرمان خدا [حوادث غیر حتمی] حفظ می‌کنند؛ و خداوند سرنوشت هیچ قومی [وملّتی] را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در [وجود] خودشان است تغییر دهند. و هنگامی‌که خدا برای قومی [به خاطر اعمالشان] بدی [و عذاب] بخواهد، هیچ‌چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، [نجات‌دهنده و] سرپرستی نخواهند داشت.

٧٤ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص: ۳۰۸

۷۵ هپکو در سال ۱۳۵۱ در زمینی به وسعت ۹۰ هکتار در اراک باهدف تولید و مونتاژ ماشین‌آلات سنگین، توسط سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) (٪۵۵) و برادران رضایی (٪۴۵) تأسیس و از سال ۱۳۵۴ با همکاری شرکت‌های نویستار اینترنشنال آمریکا، پوکلین فرانسه، صنایع‌سنگین ساکائی ژاپن، دایناپاک سوئد، و لوکومو فنلاند رسماً شروع به فعالیت نمود. پس از انقلاب، توجه به ساخت ماشین‌آلات ساخت‌وساز و معدنی در دستور کار قرار گرفت و با همکاری شرکت لیبهر آلمان طرح توسعه هپکو با تأسیس سالنی به مساحت ۶۰۰۰۰ مترمربع بااعتبار ارزی ۱۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ دلار همراه با مجموعه‌ای از مدرن‌ترین ماشین‌آلات، و با ظرفیت تقریبی ۳۰۰۰ دستگاه در سال ۱۳۶۳ آغاز گردید. در سال ۱۳۸۹ شرکت‌های کمات‌ماشین‌شرق و فرتاک‌ماشین زیرمجموعهٔ هپکو تأسیس شدند.

۷۶ سوره بقره آیه ۲۷۹: **فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ** اگر چنین نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، به شما اعلان‌جنگ می‌کنند. و اگر توبه کنید، سرمایه‌هایتان [بدون سود]، از آن شماست [و به این صورت]؛ نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم می‌شود.

۷۷ سوره مائده آیه ۳۳: **إِنَّما جَزاءُ الَّذِينَ يحارِبُونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ يسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً أَنْ يقَتَّلُوا أَوْ يصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيديهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ ينْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِک لَهُمْ خِزْی فِي الدُّنْيا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظِيمٌ** کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و برای فساد درروی زمین تلاش می‌کنند، [و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند]، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا دست و پای آن‌ها، به‌عکس یکدیگر [چهار انگشت از دست راست و چهار انگشت از پای چپ]، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات بزرگی دارند.

۷۸ **قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: «إنّما بعثت لأتمّم مکارم الأخلاق» الرسالة العلویة فی فضل أمیر المؤمنین علیه السلام علی سائر البریة، المقدمة، ص: ۱۲**

۷۹ کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القدیمة)، ج ۲، ص: ۲۱

۸۰ سوره هود آیه ۴۰: **حَتَّی إِذا جاءَ أَمْرُنا وَ فارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فيها مِنْ كلٍّ زَوْجَينِ اثْنَينِ وَ أَهْلَک إِلاَّ مَنْ سَبَقَ عَلَيهِ الْقَوْلُ وَ مَنْ آمَنَ وَ ما آمَنَ مَعَهُ إِلاَّ قَليلٌ**

تا آن زمان که فرمان ما فرارسید و تنور جوشیدن گرفت [به نوح] گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات [از نر و ماده] یک زوج در آن [کشتی] حمل کن! همچنین خاندانت را [بر آن سوار کن]- مگر آن‌ها که قبلاً وعده هلاک آنان داده‌شده (همسر و یکی از فرزندانت)- و همچنین مؤمنان را»! امّا جز عدّهٔ کمی همراه او ایمان نیاوردند!

۸۱ به عقیدهٔ بنده اگر قرار باشد نظام به ظهور برسد این اتفاق با آب‌رسانی به‌تمامی ایران تکمیل می‌گردد زیرا در این صورت ایران به ابرقدرت بلامنازع تبدیل می‌شود و در آن صورت پیکار نهایی شکل می‌گیرد، زیرا دشمنان می‌دانند بعد از برطرف شدن مشکل خشک‌سالی در ایران، نظام به چه قدرت جهانی تبدیل خواهد شد، و صبح واقعی ظهور و آب حقیقی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

۸۲ سوره صافات آیه ۸۳: **(- فی تفسیر الإمام العسکری (قَالَ رَجُلٌ لِعَلِيِّبْنِالْحُسَيْنِ (يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمُ الْخُلَّصِ فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَاللَّهِ فَإِذَا أَنْتَ كَإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (الَّذِی قَالَ اللَّهُ وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْراهِيمَ إِذْ جاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ فَإِنْ كَانَ قَلْبُکَ كَقَلْبِهِ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ قَلْبُکَ كَقَلْبِهِ وَ هُوَ طَاهِرٌ مِنَ الْغِشِّ وَ الْغِلِّ فَأَنْتَ مِنْ مُحِبِّينَا وَ إِلَّا فَإِنَّکَ إِنْ عَرَفْتَ أَنَّکَ بِقَوْلِکَ كَاذِبٌ فِيهِ إِنَّکَ لَمُبْتَلًى بِفَالِجٍ لَا يُفَارِقُکَ إِلَی الْمَوْتِ أَوْ جُذَامٍ لِيَكُونَ كَفَّارَهْ لِكَذِبِکَ هَذَا.**

امام سجاد (- در تفسیر امام حسن عسکری (آمده است: مردی به امام سجاد (گفت: «ای پسر رسول خدا (! من از شیعیان خالص شما هستم». امام (فرمود: «ای بندهٔ خدا بنابراین تو همانند ابراهیم خلیلی هستی که خداوند در شأن او فرمود: **وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْراهِيمَ* إِذْ جاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ** اگر دل تو همچون دل اوست، از شیعیان مایی و اگر دلت چون او از دورویی و کینه پاک نیست، از دوستداران مایی و اگر متوجّه باشی که در این ادّعا دروغ می‌گویی، تا آخر عمر به کیفر این دروغی که گفتی، به مرض فلج یا خوره مبتلا گردی». تفسیر اهل‌بیت علیهم‌السلام ج ۱۲، ص ۶۱۴ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۵۶ / الإمام العسکری، ص ۳۰۹ و البرهان، فیه: قال الصّادق علیه السلام (- **وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْراهِيمَ أَىْ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (مِنْ شِيعَهْ عَلىٍّ** (. امام صادق (- إِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ یعنی ابراهیم (از پیروان علی (است. تفسیر اهل‌بیت علیهم‌السلام ج ۱۲، ص ۶۱۴ تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۴۸۵/ البرهان

۸۳ ترجمه: **اصطفینا و اورثنا الکتاب و عبادنا** در آیه دلالت بر عصمت دارد و مکان قرار گرفتن **ثم** دلالت دارد که این افراد بعد از رسول الله ص هستند و از انبیاء گذشته نیستند و **ظالم** در آیه دلالت دارد بر اینکه اینها غیر از اهل‌بیت ع هستند زیرا اهل‌بیت ع هیچ‌گونه ظلمی ندارند و اهل‌بیت ع نیز **مقتصد** نیستند بلکه سابق هستند و از جهتی آنان علیهم‌السلام نیز سابق هم نیستند زیرا آنان اصل خیر هستند پس این دو آیه در وصف شیعیان است ولکن اهل‌بیت ع این آیات را در وصف خود نام‌برده‌اند از جهت تقیه و تحیر عقول از مقامات اهل‌بیت ع و برای اهل‌بیت ع مجالی نسیت جز اینکه بیان شود آنان برتر و بزرگتر از وصف ما هستند و آنان اسماء الله هستند پس در این جملات تأمل نمایید. در کتاب نقطه بیشتر توضیح داده‌ایم.

۸٤ بقره آیه ۲۷۵

۸۵ زمانی که پول چاپ شد راه برای دزدی جدید باز شد چراکه کاغذ را رنگی کرده و اموال مردم را از مردم گرفتند و حال کاغذ را رنگی می‌کنند و به اسم طلا به مردم می‌فروشند.

۸٦ سوره انفال آیه ۲۵

۸۷ سوره انبیاء آیه ۳۰

۸۸ میزان الحکمه جلد ۳ صفحه ۲۸۶

۸۹ الأمالی (للمفید)، النص، ص: ۳۱۱

۹۰ معانی الأخبار، النص، ص: ۲۷۱

۹۱ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص: ۶۷۵

۹۲ تحف العقول، النص، ص: ۵۲

۹۳ سوره بقره آیه ۲۷۸

۹٤ سوره حج آیه ۳۸

۹۵ سوره انفال آیه ۲۵

۹۶ **قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِنِّی تَارِک فِیکمُ الثَّقَلَینِ کتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیتِی [مَا إِنْ تَمَسَّکتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی أَبَداً] وَ لَنْ یفْتَرِقَا حَتَّی یرِدَا عَلَی الْحَوْض** المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، ص: ۵۶۰

۹۷ منظور از سه طرح یک طرح عادی و دو طرح غیرعادی است بعدها ما خود طرح عادی را به تفصیلاً سه طرح عنوان نموده‌ایم بلکه بیشتر که مجموعاً می‌شود ۵ طرح سه طرح عادی و دو طرح غیرعادی ۹۹/۲/۲۹

۹۸ من و سلوی دو نعمت خداوند بر بنی‌اسرائیل است که بعد از مشکلات به آنان هدیه شد.

۹۹ سوره معارج آیه ۲۳: کسانی که دائماً در نماز هستند.

۱۰۰ سوره ماعون آیه ۴ و ۵: پس وای بر نمازگزارانی که ... در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند.

۱۰۱ من لایحضرالفقیه، ج ۱، ص ۵۲۴.

۱۰۲ **قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع لِقَائِلٍ قَالَ بِحَضْرَتِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ثَکلَتْک أُمُّک أَ تَدْرِی مَا الِاسْتِغْفَارُ إِنَّ الِاسْتِغْفَارَ دَرَجَةُ الْعِلِّیینَ وَ هُوَ اسْمٌ وَاقِعٌ عَلَی سِتَّةِ مَعَانٍ أَوَّلُهَا النَّدَمُ عَلَی مَا مَضَی وَ الثَّانِی الْعَزْمُ عَلَی تَرْک الْعَوْدِ إِلَیهِ أَبَداً وَ الثَّالِثُ أَنْ تُؤَدِّی إِلَی الْمَخْلُوقِینَ حُقُوقَهُمْ حَتَّی تَلْقَی اللَّهَ أَمْلَسَ لَیسَ عَلَیک تَبِعَةٌ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَی کلِّ فَرِیضَةٍ عَلَیک ضَیعْتَهَا فَتُؤَدِّی حقّها وَ الْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَی اللَّحْمِ الَّذِی نَبَتَ عَلَی السُّحْتِ فَتُذِیبَهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّی یلْصَقَ الْجِلْدُ بِالْعَظْمِ وَ ینْشَأَ بَینَهُمَا لَحْمٌ جَدِیدٌ وَ السَّادِسُ أَنْ تُذِیقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطَّاعَةِ کمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِیةِ فَعِنْدَ ذَلِک تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّه روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القدیمة)، ج ۲، ص: ۴۷۹**

۱۰۳. من لایحضر، ج ۱، ص ۵۲۴.

۱۰۴ **قَالَ الصَّادِقُ (ع): جَاءَ أَصْحَابُ فِرْعَوْنَ إِلَی فِرْعَوْنَ فَقَالُوا لَهُ غَارَ مَاءُ النِّیلِ وَ فِیهِ هَلَاکُنَا فَقَالَ انْصَرِفُوا الْیوْمَ فَلَمَّا کانَ مِنَ اللَّیلِ تَوَسَّطَ النِّیلَ وَ رَفَعَ یدَیْهِ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّک تَعْلَمُ أَنِّی أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا یقْدِرُ عَلَی أَنْ یجِیءَ بِالْمَاءِ إِلَّا أَنْتَ فَجِئْنَا بِهِ فَأَصْبَحَ النِّیلُ یتَدَفَّق».**

شیخ صدوق از امام جعفر صادق (ع) چنین نقل می‌کند: «یاران و لشکریان فرعون نزد او آمده و به او گفتند: آب نیل فرونشسته و اگر ادامه یابد، همگی هلاک خواهیم شد. فرعون گفت: امروز به سراغ کارهایتان بازگردید [تا در مورد آن چاره‌ای کنم] هنگامی‌که شب شد، فرعون به میان‌رود نیل رفت و دست‌هایش را به‌سوی آسمان بلند کرد و به دعا پرداخته، گفت: "خدایا! تو خود نیک باخبری که من می‌دانم هیچ‌کس جز تو نمی‌تواند آب نیل را بگرداند، پس تو خود، نیل را پُر آب گردان". وقتی صبح شد، نیل پُر از آب گردیده و امواج آن روی‌هم غلتید» شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، محقق، غفاری، علی‌اکبر، ج ۱، ص ۵۲۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۱۰۵ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۰، ص: ۳۷۹
۱۰۶ المجازات النبوية، ص: ۳۲۳
۱۰۷ الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۶۰
۱۰۸ (وسائیل الشیعه - ج ۱۱- ص ۴۰۷)
۱۰۹ [نهج الفصاحه، ح ۸۳۳]
۱۱۰ تهذيب الأحكام ج ۶، ص ۱۸۱
۱۱۱ [الترغيب و الترهيب: ۱۷/۲۲۸/۳.]
۱۱۲ [الترغيب و الترهيب: ۲۲/۲۳۱/۳.]
۱۱۳ الكافي: ۱۵۲/۱۵۸/۸.
۱۱۴ [كنز العمّال: ۵۵۲۷.]
۱۱۵ امام علی علیه السلام: **مَن تَرَک إنکارَ المُنکرِ بِقَلبِهِ و یدِهِ و لِسانِهِ فَهُوَ مَیتٌ بَینَ الأحیاءِ؛** [.
تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۱.] امام علی علیه السلام: آن که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان.

۱۱۶ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۲) **شُعب الإیمان عن أنس عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ألا أُخبِرُکم عَن أقوامٍ لَیسوا بِأَنبیاءَ ولا شُهَداءَ، یغبِطُهُم یومَ القِیامَةِ الأَنبیاءُ وَالشُّهَداءُ بِمَنازِلِهِم مِنَ اللّهِ عز و جل، عَلی مَنابِرَ مِن نورٍ یکونونَ عَلَیها؟ قالوا: مَن هُم؟ قال: الَّذینَ یحَبِّبونَ عِبادَ اللّهِ إلَی اللّه، ویحَبِّبونَ اللّهِ إلی عِبادِهِ، وهُم یمشونَ عَلَی الأَرضِ نُصَحاءَ. قالَ: قُلنا: یحَبِّبونَ اللّهِ إلی عِبادِ اللّه، فَکیفَ یحَبِّبونَ عِبادَ اللّهِ إلَی اللّه؟! قالَ: یأمُرونَهُم بِحُبِّ اللّه، وینهَونَهُم (یعنی عَمّا کرِهَ اللّه)، فَإذا أطاعوهُم أحَبَّهُمُ اللّه.**

. به نقل از انس ـ: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هان! شمارا از مردمی که نه پیامبرند و نه شهید، ولیکن روز قیامت بر منبرهایی از نور قرار دارند و پیامبران و شهیدان به منزلتشان نزد خداوند عز و جل رشک می‌برند، باخبر کنم؟». [اصحاب] گفتند: آنان کیستند؟ فرمود: «کسانی که بندگان خدا را نزد خدا محبوب می‌گردانند و خدا را محبوب بندگانش می‌سازند و خیرخواهانه بر زمین گام می‌زنند». پرسیدیم: «خدا را محبوب بندگان خدا می‌گردانند [، روشن است]؛ امّا چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می‌گردانند؟ فرمود: «به آنان فرمان می‌دهند تا خدا را دوست بدارند و ازآنچه خداوند ناخوش می‌دارد، بازشان می‌دارند و [بندگان خدا] چون از این آمران و ناهیان اطاعت کردند، خداوند، دوستشان خواهد داشت».

۱۱۷ رود دجله و فرات از ترکیه سرچشمه می‌گیرند، رود فرات از کوهستان‌های شرق آناتولی در کشور ترکیه سرچشمه گرفته و به‌سوی کشورهای سوریه، عراق و خلیج‌فارس روان است. این رود در مغرب کشور عراق و متشکل است از دو شعبه قره سو و مرادچای، که سرچشمه آن‌ها نزدیک رود ارس در شرق آناتولی ترکیه است. موقعی که دو شعبه قره سو و مرادچای به هم می‌رسند، فرات به دجله نزدیک می‌شود، ولی مجدداً دجله متوجه جنوب شرقی شده و فرات به سمت مغرب مایل می‌شود و سپس در نزدیکی خلیج‌فارس به رود دجله می‌پیوندد. رود دجله از دامنه جنوبی رشته‌کوه توروس در شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد پس از ورود به کشور عراق از میان شهرهای بزرگی چون بغداد و موصل عبور کرده به فرات می‌رسد و سرانجام هر دو به کارون می‌پیوندد که اروندرود را تشکیل می‌دهند و در پایان به خلیج‌فارس سرازیر می‌شوند. ترکیه مدعی است همان‌طور که منابع نفتی هر کشور متعلق به آن کشور است، منابع آبی هم که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند، به این کشور تعلق دارند. در سال ۱۹۳۶ فکر اجرای طرحی به نام پروژه آناتولی جنوب شرقی که به زبان ترکی استانبولی، Guneydogu Anadolu Projesi و به‌صورت خلاصه GAP (گاپ) خوانده می‌شود شکل گرفت، و از ۱۹۸۰ جدی‌تر شد. گاپ طرحی عمرانی است که بر پایه آن دولت ترکیه در نظر دارد مجموعه‌ای از سد و نیروگاه برقابی را بر بخش بالایی رودخانه‌های دجله و فرات که از کوه‌های آناتولی مرکزی سرچشمه می‌گیرند و از جنوب شرقی آن کشور به‌سوی سوریه و عراق روان می‌شوند، بسازد. دولت ترکیه مدعی است که در چارچوب این طرح، نه‌تنها برق و آب برای توسعهٔ کشاورزی تأمین‌شده و سیلاب‌ها کنترل خواهند شد، بلکه امکانات بسیاری مانند جاده، راه‌آهن، فرودگاه، جاذبه گردشگری، کارخانه، بیمارستان، مدرسه و امکانات نوین برای مردم این کشور فراهم می‌شود و از مهاجرت مردم نیز جلوگیری خواهد شد. دولت ترکیه، برای اجرای کامل این طرح سی سال زمان و ۳۲ میلیارد دلار پول در نظر گرفته است. در این طرح، ۱۴ سد بر روی فرات، ۸ سد بر دجله و سرجمع ۱۹ نیروگاه برقابی ساخته خواهد شد. پس از تکمیل، این طرح قرار است ۱/۷ میلیون هکتار زمین کشاورزی را آبیاری و سالانه ۵۵ میلیارد کیلو وات‌ساعت برق تولید کند. نخستین سازه بزرگ که در این طرح ساخته شد، سد آتاتورک بود که در سال ۱۹۹۲ تکمیل شد. سد آتاترک از لحاظ حجم کار ساختمانی پنجمین سد بزرگ جهان و از لحاظ تولید برق‌آبی نیز در دنیا سوم می‌باشد. سد آتاترک بزرگ‌ترین سد اروپا و ترکیه است. ترکیه قصد دارد سد ایلیسو را بر روی رود دجله بسازد و با این کار از ورود ۵۶ درصد منابع آب دجله به خاک عراق جلوگیری می‌کند و تبعات زیست‌محیطی و تنش‌آفرینی بین کشورهای ترکیه عراق و ایران ایجاد خواهد کرد. نگران‌کننده‌تر آنکه با ممانعت دولت ترکیه از ورود آب فرات به عراق و درنهایت تالاب هورالعظیم یک فاجعه زیست‌محیطی در جنوب غرب ایران شکل گرفت و تالابی که روزگاری محل صید و صیادی اهالی و سیستم طبیعی خنک‌کننده هوا بود، رفته رفته کارکردهای انسانی خود را از دست داد. در اوضاع کنونی هم نهایی شدن سد ایلیسو بر روی رود دجله، دیگر منبع آبی تالاب هورالعظیم باید منتظر مرگ قریب‌الوقوع این تالاب و یک فاجعه بزرگ زیست‌محیطی در ایران ماند. با توجه به مرزی بودن این سد در جنوب شرق ترکیه و احداث آن بر روی رود دجله که به خاک عراق سرازیر می‌شود و محیط‌زیست کشور ایران را نیز به خود وابسته کرده، این موضوع برای ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. دجله مستقیماً از ترکیه وارد عراق می‌شود و عراق را آبیاری می‌کند و سرانجام به تالاب هورالعظیم می‌رسد. اگر سد ایلیسو بر روی دجله ساخته شود،

این کار از ورود ۵۶ درصد منابع آب دجله به خاک عراق جلوگیری می‌کند که در نتیجه باید منتظر مرگ قریب‌الوقوع تالاب هورالعظیم و یک فاجعه بزرگ زیست‌محیطی در ایران بود. اگر سد ایلیسو ترکیه (ظرفیت ۳ برابر سد کرخه) ساخته شود کل کشور درگیر ریز گرد خواهد شد. در سال ۱۹۹۲ دولت ترکیه سد بزرگ آتاتورک را افتتاح کرد که نزدیک به ۵۰ میلیارد مترمکعب گنجایش دارد که این میزان از گنجایش ۶۵۰ سدی که ما در کشور ساخته‌ایم بیشتر گنجایش دارد و سبب تشدید ریزگردها در ایران شد. سدسازی در ترکیه مدت‌هاست به یکی از چالش‌های بزرگ زیست‌محیطی در منطقه تبدیل‌شده تا آنجا که فعالان محیط‌زیست در ایران با راه‌اندازی کمپینی تحت عنوان «میان‌رودان» و تنظیم نامه‌ای برای دبیر کل سازمان ملل، از شهروندان ایرانی خواسته‌اند با امضای این نامه مانع سدسازی در ترکیه شوند. بنا به اعلام متصدیان این کمپین ساخت سد در ترکیه ازجمله سد ایلی‌سو باعث جلوگیری از حقابه دجله و فرات به عراق و سوریه می‌شود که پیامد آن خشک‌شدن تالاب‌ها و شکل‌گیری کانون‌های جدید ریزگردی است که ایران را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ همچنان که ساخت سد آتاتورک در ترکیه باعث خشک‌شدن تالاب هورالعظیم (بخش واقع‌شده در عراق) شد و اکنون ریز گردهای ناشی از آن شهروندان ایرانی را تهدید می‌کند.

۱۱۸ تمامی آیاتی که انزلنا من السماء دارد:

الحجر: ۲۲ **وَ أَرْسَلْنَا الرِّياحَ لَواقِحَ فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَسْقَيناكمُوهُ وَ ما أَنْتُمْ لَهُ بِخازِنينَ**

المؤمنون: ۱۸ **وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً بِقَدَرٍ فَأَسْكنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّا عَلى ذَهابٍ بِهِ لَقادِرُونَ**

الفرقان: ۴۸ **وَ هُوَ الَّذى أَرْسَلَ الرِّياحَ بُشْراً بَينَ يدَى رَحْمَتِهِ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً**

لقمان: ۱۰ **خَلَقَ السَّماواتِ بِغَيرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها وَ أَلْقى فِي الْأَرْضِ رَواسِى أَنْ تَميدَ بِكمْ وَ بَثَّ فيها مِنْ كلِّ دابَّةٍ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا فيها مِنْ كلِّ زَوْجٍ كريم**

۱۱۹ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۲۶

۱۲۰ سوره بقره آیه ۴۵ **وَ اسْتَعينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ وَ إِنَّها لَكبيرَةٌ إِلاَّ عَلَى الْخاشِعينَ**

از صبر و نماز یاری جویید؛ [و با شکیبایی و مهار هوس‌های درونی و توجّه به پروردگار، نیرو بگیرید]؛ و این کار جز برای خاشعان، دشوار و سنگین است.

۱۲۱ طرف امربه‌معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه این‌که از او خواهش کنید. باید بگویید: آقا! نکن؛ این کار یا این حرف درست نیست. امرونهی باید باحالت استعلا باشد. البته این استعلا معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امربه‌معروف، مدل امرونهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرّع نیست. نمی‌شود گفت که خواهش می‌کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه

می‌کنی؟ طرف، هرکسی هست - بنده که طلبه حقیری هستم - از بنده مهم‌تر هم باشد، او هم مخاطب امربه‌معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد." (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران-)

۱۲۲ رسولُ اللّه ـصلی الله علیه و آله: **لکلّ اُمَّةٍ عِجلٌ یعبُدونَهُ، و عِجلُ اُمَّتی الدَّنانیرُ و الدَّراهِمُ.**

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر امّتی گوساله‌ای [چون گوساله سامری] دارد که آن را می‌پرستند و گوساله این امّت دینارها و درهم‌ها هستند. میزان الحکمه ج ۱۱ حدیث شماره: ۲۸۰۱۹۳۸۷

۱۲۳ سوره الرحمن آیه ۱۰: **وَ الْأَرْضَ وضعها لِلْأَنامِ** و زمین را برای مردم آفرید.

۱۲٤ سوره هود آیه ۶۱: **وَ إِلی ثَمُودَ أَخاهُمْ صالِحاً قالَ یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللهَ ما لَکمْ مِنْ إِلهٍ غَیرُهُ هُوَ أَنْشَأَکمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکمْ فیها فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیهِ إِنَّ رَبِّی قَرِیبٌ مُجِیبٌ**

و به‌سوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شمارا از زمین آفرید؛ و آباد کردن آن را به شما سپرد! از او آمرزش بطلبید، سپس به‌سوی او بازگردید، که پروردگارم [به بندگان خود] نزدیک، و اجابت‌کننده [خواسته‌های آن‌ها] است».

۱۲۵ سوره بقره آیه ۲۰۴: **وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یعْجِبُک قَوْلُهُ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ یشْهِدُ أَللهَ عَلی ما فی قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصامِ**

بعضی از مردم، گفتارشان در زندگی دنیا مایهٔ اعجاب تو می‌شود؛ [در ظاهر، اظهار محبّت شدید می‌کنند] و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. درحالی‌که آنان، سرسخت‌ترین دشمن‌اند.

۱۲٦ سوره بقره آیه ۲۰۵: **وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیفْسِدَ فیها وَ یهْلِک الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ أَللهُ لا یحِبُّ الْفَسادَ**

[نشانهٔ آن‌ها، این است که] هنگامی‌که روی برمی‌گردانند [و از نزد تو خارج می‌شوند]، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان و انسان‌ها را نابود می‌سازند؛ [بااینکه می‌دانند] خدا فساد را دوست نمی‌دارد.

۱۲۷ این کلام خطاست، نعوذ بالله از این تفکر.

۱۲۸ سوره نساء آیه ۸۰: **مَنْ یطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللهَ وَ مَنْ تَوَلَّی فَما أَرْسَلْناک عَلَیهِمْ حَفیظاً**

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و هرکس که سرباز زند، تو را نگهبان [و مراقب] او نفرستادیم [و در برابر او، مسئول نیستی].

۱۲۹ سوره انبیاء آیه ۴۷: **وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيئاً وَ إِنْ كانَ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَينا بِها وَ كفى بِنا حاسِبِينَ**

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم، پس به هیچ‌کس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر به مقدار سنگینی دانهٔ خردلی [کار نیک و بدی] باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است که ما حساب کننده باشیم.

۱۳۰ سوره نساء آیه ۵۹: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر [خدا] و پیشوایان [معصوم] خود را.

۱۳۱ سوره نجم آیه ۳: و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی [الهی] که بر او القاشده نیست.

۱۳۲ از پیامبر اکرم ـ صلّی اللّه علیه وآله وسلّم ـ در روز غدیر خم: «**أَلَسْتُ أَوْلى بِكمْ مِنْ أَنْفُسِكمْ؟ قالُوا: بَلى. قالَ ـ صلّى اللّه عليه وآله وسلّم ـ: مَنْ كنْتُ مَوْلاهُ، فَهذا عَلِى مَوْلاهُ. أَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ...**» خصائص نسائی، ص ۱۰۱؛ المعجم الکبیر طبرانی، ج ۵، ص ۱۹۵، ۲۱۲ و...

۱۳۳ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القدیمة)، ج ۲، ص: ۳۸۷

۱۳٤ سوره حج آیه ۳۸

۱۳۵ سوره معارج آیه ۱: پیامبر (صلی الله علیه و آله)- ابوبصیر گوید: روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نشسته بود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: «تو به عیسی بن مریم (علیه السلام) می‌مانی، و اگر نبود ترس از اینکه گروه‌هایی از امّتم دربارهٔ تو همان را گویند که ترسایان دربارهٔ عیسی (علیه السلام) می‌گفتند، دربارهٔ تو چیزهایی می‌گفتم که از میان مردم گذر نکنی مگر آنکه خاک‌پایت را برای تبرّک می‌بردند». آن دو تن اعرابی خشمگین شدند و به همراهی مغیرةبن‌شعبه و گروهی از قریشیان که همراه آن‌ها بودند، گفتند: «برای عموزاده‌اش به نمونه‌ای پایین‌تر از عیسی (علیه السلام) راضی نیست». و این آیه برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد: و هنگامی‌که دربارهٔ فرزند مریم مثلی زده شد، ناگهان قوم تو به خاطر آن دادوفریاد راه انداختند. و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او (مسیح)؟! [اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چراکه معبود واقع‌شده]»! ولی آن‌ها این مثل را جز از طریق جدال [و لجاج] برای تو نزدند آنان گروهی کینه‌توز و پرخاشگرند! مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی‌اسرائیل قراردادیم. و هرگاه بخواهیم به‌جای شما در زمین فرشتگانی قرار می‌دهیم که جانشین [شما] گردند!. (زخرف/۶۰-۵۷) حارث‌بن‌عمرو فهری خشمگین شد و گفت: «خدایا! اگر این حکم درست می‌باشد و از نزد توست که مقرّر شده، بنی‌هاشم پیشوایِ امّت را مانند هراکلیوس پس از هراکلیوس به ارث برند (یعنی به‌رسم پادشاهان) پس بر سر ما از آسمان‌سنگ باران یا عذاب دردناکی بر ما فرود آر». بنابراین خداوند سخن حارث را به پیامبر (صلی

الله علیه و آله) وحی کرد و این آیه هم نازل شد: ولی [ای پیامبر]! تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد و [نیز] تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند. (انفال/۳۳) پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: «ای عمرو! یا توبه کن یا کوچ کن». او گفت: «ای محمّد (صلی الله علیه و آله)! ازآنچه داری برای قریشیان بهره‌ای مقرّر کن، زیرا بنی‌هاشم صاحب تمام مکارم عرب و عجم شدند». پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من چنین نکرده‌ام این کار خداوند سبحان است». او گفت: «ای محمّد (صلی الله علیه و آله)! دلم به توبه تمایلی ندارد از کنار شما خواهم رفت». و دستور داد شترش را بیاورند، او سوار آن شد. و چون به حومه مدینه رسید تکّه سنگی به سر او خورد و بر فرقش کوفت، و در اینجا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) وحی آمد که: **سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ**. تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام ج ۱۷، ص ۸ الکافی، ج ۸، ص ۵۷/ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۲۳/ البرهان/ شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۳۸۲

۱۳٦ بنابر منابع تاریخی و روایی، هنگامی‌که پیامبر اسلام در آخرین روزهای حیات خود (در ۲۵ صفر سال ۱۱ هجری) در بستر بیماری بود قلم و دواتی خواست تا سفارشی بنویسد که مانع گمراهی مسلمانان پس از خود شود این خواسته، با مخالفت یکی از حاضران مواجه شد و وصیت پیامبر ناگفته ماند. یکی از حاضران گفت: پیامبر هذیان می‌گوید و کتاب خدا ما را بس است. سپس میان اصحاب اختلاف افتاد. پیامبر با مشاهده اختلاف اصحاب از آنان خواست از نزد او بروند. بیشتر منابع شخص مخالفت‌کننده با پیامبر را، خلیفه دوم معرفی کرده‌اند اما برخی منابع به نام وی اشاره نکرده‌اند. بنابر نظر علمای شیعه، پیامبر (ص) می‌خواست با حدیث دوات بر جانشینی امام علی (ع) پس از خود تأکید کند. اما برخی از حاضران به این امر پی بردند و مانع آن شدند. خلیفه دوم نیز در گفت‌وگویی که میان او و ابن عباس نقل‌شده، تصریح می‌کند که: پیامبر (ص) در بیماری‌اش می‌خواسته نام علی (ع) را برای خلافت پس از خویش به زبان بیاورد ولی من از روی دلسوزی نسبت به اسلام و حفظ آن، مانع شدم. این ماجرا با جزئیات و عبارات متفاوتی در منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی گزارش‌شده است. کتاب‌های صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند احمد، سنن بیهقی و طبقات ابن سعد از منابع اهل سنت، الارشاد و اوائل المقالات الغیبة نعمانی و المناقب ابن شهرآشوب از منابع شیعی آمده است. علمای شیعه این ماجرا را از مصیبت‌های بزرگ دانسته‌اند، زیرا مانع از آن شد که وصیت پیامبر برای جلوگیری از گمراهی مسلمانان نوشته شود. جوهری، مقتضب الأثر، مکتبة الطباطبائی، ص ۳. در برخی از نقل‌های روایت در منابع اهل سنت نیز آمده است که ابن عباس جلوگیری از نوشتن وصیت پیامبر را مصیبتی بزرگ می‌خواند. بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۱۳۷–۱۳۸؛ مسلم، صحیح مسلم، دارالفکر، ج ۵، ص ۷۶. در متون عربی از این واقعه به رزیه یوم الخمیس یاد می‌شود. شرف‌الدین عاملی در المراجعات، با توجه به آیات قرآن کریم، چند ایراد بر عمر بن خطاب در این ماجرا وارد کرده است از جمله: شرف الدین، المراجعات، المجمع العالمی لاهل البیت، ص ۵۲۶. پیروی نکردن از دستور رسول خدا (ص) و مخالفت با او. اظهار اینکه گویا عمر از پیامبر (ص) نسبت به خواص قرآن و فواید آن داناتر است. نسبت دادن هذیان‌گویی به پیامبر (ص). از نظر شیعه، این برخورد عمر بن خطاب، بر خلاف بسیاری از آیات قرآن است؛ از جمله: **وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا** (ترجمه: و آنچه را فرستاده [او] به

شما داد، آن را بگیرید و ازآنچه شمارا بازداشت، بازایستید)[سوره حشر-۷] **مَا ضَلّ صَاحِبُكمْ وَمَا غَوَىٰ (۲) وَمَا ينطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳) إِنْ هُوَ إِلّا وَحْى يوحَىٰ** (۴) (ترجمه: [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده (۲) و از سر هوس سخن نمی‌گوید. (۳) این سخن به جزوحیی که وحی می‌شود نیست. (۴))[سوره نجم-۲-۵] همچنین سید عبدالحسین شرف الدین آورده است که عبارت «قد غلب علیه الوجع»، تصرف محدثان اهل سنت برای تهذیب عبارت است تا زشتی عبارت را کم کرده باشند. شرف الدین، المراجعات، المجمع العالمی لاهل البیت، ص ۵۲۰-۵۲۱.

۱۳۷ پنج آیه در قرآن وجود دارد که بعد از اطاعت از خداوند بلافاصله اطاعت از رسول الله عنوان‌شده است.

النساء: ۵۹ يا أَيهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فى شَىءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيوْمِ الْآخِرِ ذلِک خَيرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْويلاً

المائدة: ۹۲ وَ أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما عَلى رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبينُ

النور: ۵۴ قُلْ أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَيهِ ما حُمِّلَ وَ عَلَيكمْ ما حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبينُ

محمد: ۳۳ يا أَيهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ لا تُبْطِلُوا أَعْمالَكمْ

التغابن: ۱۲ وَ أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيتُمْ فَإِنَّما عَلى رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبين

۱۳۸ سوره نساء آیه ۶۵: به پروردگارت سوگند که آن‌ها ایمان نخواهند آورد، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.

۱۳۹ سوره نجم آیه ۲ الی ۵: که هرگز دوست شما (رسول خدا) گمراه نشده و منحرف نگردیده است. و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید آنچه می‌گوید چیزی جز وحی [الهی] که بر او القاشده نیست. آن‌کس که قدرت عظیمی دارد (جبرئیل امین) او را تعلیم داده است.

۱۴۰ سوره مائده آیه ۲۷

۱۴۱ سوره مائده آیه ۲۸: هابیل به قابیل فرمود اگر تو دست دراز کنی مرا بکشی من برای کشتن تو دست دراز نمی‌کنم

۱۴۲ http://aftabeyazd.ir/20500-%D8%A8%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%81%D8%B1%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%D8%AE%D8%A7%DA%A9-%D8%AC%D8%AF%DB%8C-%D8%AA%D8%B1-

%D8%A7%D8%B2-%D8%A8%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A2%D8%A8-%D8%A7%D8%B3%D8%AA.html

۱٤۳

https://www.hamshahrionline.ir/news/293458/%DA%A9%D9%88%DA%86-%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%B1%D9%86%D9%88%D8%B4%D8%AA-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86-%D9%87%D8%A7-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C

۱٤٤ توضیح: ما به تمام ۲۹۰ نماینده مجلس نامه‌ای مفصل در ۱۴ صفحه نوشتیم که آقای عارف لطف کردند و نامه ما را به وزارت نیرو ارجاع دادند و در آن زمان وزارت نیرو وزیری نداشتند و مهندس میدانی بجای وزیر انجام‌وظیفه می‌نمودند، و نامه ما توسط آقای مهندس میدانی به آبفا ارجاع داده شد تا بررسی شود و بنده طی جلسات مکرر مباحث خود را به عرض رساندم و آنان بر طرح‌های عادی بنده اشکالاتی نموده که بنده نیز اقدام به پاسخگویی نمودم تفصیل مطلب در کتاب اذا فرغت.

۱٤٥ تذکر ما دو منبع آبی داریم یکی زمین و دیگری آسمان است و خود زمین به منابع آبی سطحی و عمیق و خیلی عمیق است، اما منابع آبی آسمان ما انسان‌ها با این منبع آبی آشنایی کمی داریم. القمر: ۱۱ **فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ** در جریان حضرت نوح درهای آسمان باز شد و آب آسمانی به زمین ریخت و آن سیل عظیم در ایران جاری شد.

۱٤٦ الجن: ۱۶ **وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيناهُمْ ماءً غَدَقا** و اگر در مسیر هدایت استقامت ورزید خداوند شمارا با آب فراوان سیراب نماید.

۱٤۷ سوره انعام آیه ۱۲۱

۱٤۸ فرض بفرمایید در مسائل اقتصادی کشور، ما این‌همه راجع به مسائل اقتصادی حرف می‌زنیم، همه هم تصدیق می‌کنند؛ اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، همه هم از صدر تا ذیل تأیید می‌کنند، تصدیق می‌کنند، برایش جلسه و کمیته و کمیسیون و مانند اینها هم تشکیل می‌دهند، [امّا] آن-چنان-که بایدوشاید کار پیش نمی‌رود. خب اشکال کجا است؟ یک گره علمی وجود دارد؛ این گره علمی را چه کسی باید باز کند؟ شما که در دانشگاه هستید باید بازکنید.

[۱٤۹] گمرک ایران اعلام کرد: اطلاعات واردات شتر به کشور بررسی و مشخص شد که واردات شتر بر اساس مجوزهای بازارچه‌های مرزی صورت گرفته است. بر اساس اطلاعات موجود در سامانه جامع گمرکی و پنجره واحد تجارت فرامرزی، مجوز واردات شتر از طریق بازارچه‌های مرزی کوهک سراوان، میلک، ماهیرود و میرجاوه توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان دامپزشکی صادرشده و بر اساس اعلام سازمان دامپزشکی، مجوز واردات شتر صرفاً برای مصارف گوشتی بوده است.

ضمناً تمامی شترهای وارداتی صرفاً از کشورهای پاکستان و افغانستان واردشده‌اند و قید اسامی سایر کشورها به‌ویژه چند کشور اروپایی در آمار تجارت خارجی کشور، مربوط به کشور محل انجام معامله است و کشور محل تولید کالا محسوب نمی‌شود.

https://sepahanhamrah.com/%D8%AA%D9%88%D8%B6%DB%8C%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%DA%AF%D9%85%D8%B1%DA%A9-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5-%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%AA-%D8%B4%D8%AA%D8%B1-%D8%A8/

۱۵۰ این قطره در تاریخ ۹۷/۵/۱۸ نوشته‌شده است و نگاه کنید از این تاریخ تاکنون چه مقدار اعتراض و اغتشاش شکل‌گرفته است. ۹۹/۲/۱۲

۱۵۱ این مطلب یک قاعده عقلی است که در آن بیان می‌شود: دو چیز که مانند هم هستند یک حکم را دارند، در اینجا به این معنی است که جابجایی افراد در دولت‌ها چیزی را عوض نمی‌کند زیرا همه این دولتمردان در راهکار عملی شبیه هم عمل می‌نمایند و تنها در سیاست‌گذاری و ارتباطات با یکدیگر تفاوت دارند، همه از دانشگاه‌های غربی تلمذ کرده و آنچه آنان بر روی فکر اینان برنامه‌ریزی کرده‌اند را عمل می‌نمایند.

۱۵۲ کاوه مدنی متولد مرداد ۱۳۶۰، تهران دانشمند، پژوهشگر و فعال محیط زیستی ایرانی و معاون سابق سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران و نائب رئیس مجمع محیط‌زیست سازمان ملل متحد است. وی استاد مرکز سیاست محیط‌زیست کالج سلطنتی لندن (امپریال کالج لندن) و استاد دانشگاه خواجه نصیر طوسی است و در جوامع علمی بین‌المللی به سبب «کمک بنیادی در تلفیق نظریه بازی‌ها و تحلیل تصمیم‌گیری با مدل‌های مدیریت منابع آب» مطرح است. بعد از فارغ‌التحصیلی در رشته مهندسی عمران از دانشگاه تبریز به‌منظور ادامه تحصیل عازم سوئد شد و در رشته منابع آب از دانشگاه لوند در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شد. سپس مدرک دکترا را در رشته مهندسی عمران و محیط‌زیست از دانشگاه کالیفرنیا دریافت کرد و پس‌ازآن دوره پسادکتری را در رشته اقتصاد و سیاست محیط‌زیست در همان دانشگاه به پایان رساند. او بعد از مشغول شدن در سمت خود فعالیت‌هایی را انجام داد و اندکی نگذشت که خبر بازداشت وی منتشر شد. شائبه‌ها در این زمینه فراگیر شده بود تا اینکه سرانجام وی در واکنش به دستگیری فعالان محیط‌زیستی توییتی را منتشر و به وضعیت موجود انتقاد کرد. او در سال ۱۳۸۸ مدرک دکتری تخصصی خود را در رشته مهندسی عمران و محیط‌زیست از دانشگاه کالیفرنیا، دیویس دریافت نمود. پس‌ازآن دوره پسادکتری خود را در رشته اقتصاد و سیاست محیط‌زیست در دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید گذرانده است. این محقق ۳۶ ساله در سال ۲۰۱۲ نیز توسط انجمن مهندسان عمران آمریکا به‌عنوان

یکی از ده "چهره جدید مهندسی عمران" انتخاب شد. کاوه مدنی در جوامع علمی بین‌المللی به «سبب کمک بنیادی در تلفیق نظریه بازی‌ها و تحلیل تصمیم‌گیری با مدل‌های مدیریت منابع آب» مطرح است. او در سال‌های اخیر نقش بسیار پررنگ و تأثیرگذاری در روشنگری در مورد سیاست‌های غلط مدیریت منابع آب و افزایش آگاهی عمومی نسبت به بحران آب و محیط‌زیست ایران ایفا نموده است. کاوه مدنی در حال حاضر استاد تحلیل سامانه‌ها و سیاست در مرکز سیاست محیط‌زیست امپریال کالج لندن است. وی پیش از پیوستن به امپریال کالج لندن، استادیار دانشگاه مرکز فلوریدا (سنترال فلوریدا) بوده است. کاوه مدنی عضو شورای سردبیران نشریه علمی و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب انجمن مهندسان عمران آمریکا و نشریه شهرها و جوامع پایدار انتشارات Elsevier است. مدنی همچنین در اسفندماه ۱۳۹۵ دبیر اولین کنفرانس بین المللی تغییر اقلیم ایران بود. کاوه مدنی در طول خدمت خود در سازمان حفاظت محیط‌زیست همواره از نقض حریم خصوصی خود، نبود امکان فعالیت در ایران و بازجویی‌های بسیار ابراز ناراحتی می‌کرد. وی می‌گوید: «به‌محض ورود به تهران بازجویی شدم. ایمیل و اکانت‌های شبکه‌های اجتماعی من را بدون اجازه چک کردند». او در بهمن ۱۳۹۶ در جریان بازداشت فعالان محیط‌زیست متهم جاسوسی بازداشت شد. او در فروردین ۱۳۹۷ اما هم‌زمان با بالا گرفتن تهدیدها از سمت خود استعفا کرد و عیسی کلانتری علیرغم میل باطنی استعفای او را پذیرفت.

۱۵۳ شعارهای هرسال

۱۳۷۸: سال امام خمینی
۱۳۷۹: سال امام علی
۱۳۸۰: سال اقتدارملی و اشتغال آفرینی
۱۳۸۱: سال عزت و افتخار حسینی
۱۳۸۲: سال خدمت‌گزاری
۱۳۸۳: سال پاسخگویی بود
۱۳۸۴: سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی
۱۳۸۵: سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۸۶: سال اتحاد ملی، انسجام اسلامی
۱۳۸۷: سال نوآوری و شکوفایی
۱۳۸۸: سال حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف
۱۳۸۹: سال همت مضاعف، کار مضاعف
۱۳۹۰: سال جهاد اقتصادی
۱۳۹۱: سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۱۳۹۲: سال حماسهٔ سیاسی و حماسهٔ اقتصادی
۱۳۹۳: سال اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی

۱۳۹۴: سال دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی
۱۳۹۵: سال اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل
۱۳۹۶: سال اقتصاد مقاومتی، تولید – اشتغال
۱۳۹۷: سال حمایت از کالای ایرانی
۱۳۹۸: سال رونق تولید
۱۳۹۹: سال جهش تولید

۱۵٤ سال ۲۰۱۷ سال مارتین لوتر خوانده‌شده است. مارتین لوتر، پیشوای جنبشی است که به رفرم یا نوسازی آیین مسیح منتهی شد و پیدایش کیش پروتستان را به دنبال داشت. او تنها اصلاح کلیسا و زندگی معنوی پیروان مسیح را می‌خواست، اما در دورانی که یکسره بر بنیاد دین بناشده بود، اقدام او به‌مثابه دگرگونی تمامی دوران بود. مارتین لوتر از نقش بزرگی که در تاریخ تمدن بشر ایفا کرد بی‌خبر بود؛ روحانی ساده‌ای بود که تنها قصد داشت به وظیفه دینی خود عمل کند و ساحت دین را از قیدوبندهای دنیوی بپالاید. لوتر در ۱۰ نوامبر ۱۴۸۳ در خانواده‌ای ساده و پرجمعیت در آیسلبن، شرق آلمان امروز، به دنیا آمد. در شهرهای ماگدبورگ و آیزناخ به مدرسه رفت و در سال ۱۵۰۱ در دانشگاه ارفورت به تحصیل حقوق قضایی پرداخت. در رویدادی که از افسانه و اغراق خالی نیست، در راه یک مسافرت گرفتار طوفانی مرگبار شد و در حالتی که از زندگی دست‌شسته بود، از "عالم غیب" الهام گرفت که باید راهب شود و دو هفته بعد در صومعه شهر ارفورت دیرنشین شد. لوتر در سال ۱۵۰۷ به‌طور رسمی کشیش شد و در همان سال در ارفورت به تحصیل الهیات پرداخت و همواره طلبه‌ای کوشا و پی‌گیر بود. در سال ۱۵۱۲ که در رشته الهیات مدرک دکتری گرفته بود، در دانشگاه ویتنبرگ به تدریس پرداخت و دو سال بعد به‌عنوان واعظ کلیسای اصلی همان شهر شروع به وعظ و ارشاد پیروان مسیح کرد. چندی نگذشت که لوتر در کسوت روحانی با وضعیت پر فساد و نابسامانی آشنا شد که ارباب کلیسا بدان آلوده بودند و از همه بدتر "تجارت آمرزش" بود. بسیاری از کشیشان برای سرکیسه کردن مردم عادی، که از اعتقادات دینی بی‌خبر بودند، درازای گرفتن پول به آن‌ها سندی می‌فروختند که تمام گناهانشان را می‌بخشید و رفتن آن‌ها را به بهشت تضمین می‌کرد. لوتر در اعتراض به این وضعیت، نوشته‌ای در ۹۵ ماده یا تز تنظیم کرد و آن را برای آگاهی همگان به در کلیسای بزرگ شهر آویخت. این نوشته درواقع ادعانامه‌ای علیه کلیسا بود که به اعتقاد لوتر وظیفه اصلی خود را فراموش کرده، به حقه‌بازی و زراندوزی روی آورده بود. کلیسای کاتولیک که مرکز آن در رم بود و بر سراسر اروپای آن روز سلطه داشت، بی‌درنگ در برابر اقدام تهورآمیز لوتر واکنش نشان داد و پاپ، پیشوای جهان کاتولیک، او را با حربه‌ای مخوف تهدید کرد: تکفیر. لوتر نه‌تنها در برابر حمله کلیسا ادعانامهٔ خود را انکار نکرد، بلکه طی مجادله‌ای در دانشگاه لایپزیگ، اصل خطاناپذیری پاپ را زیر سؤال برد. در ژوئن ۱۵۲۰ لوتر حکمی تهدیدآمیز از سوی پاپ دریافت کرد که با جسارتی بی‌سابقه آن را به آتش افکند و سوزاند. چند ماه بعد او از کلیسا طرد شد یا به زبان امروزی کافر شناخته شد. به

دنبال طرد از کلیسا دربار سلطنتی کارل پنجم، که خود پیرو پاپ بود، لوتر را از حقوق شهروندی محروم ساخت. لوتر از ولایت خود گریخت و مدتی زندگی مخفیانه در پیش گرفت. در همین دوران بود که هم به افکار خود سروسامان داد و هم انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد. لوتر در مارس ۱۵۲۲ به ویتنبرگ برگشت و چند سال بعد، به‌عنوان نافرمانی دیگری در برابر کلیسای کاتولیک، با راهب‌های نامدار و نواندیش به نام کاتارینا فون بورا ازدواج کرد و از او صاحب ۶ فرزند شد. در طول چند سال گروه روزافزونی از مردم، و از جمله بسیاری از شاهزادگان و اشراف بانفوذ، به‌درستی اندیشه‌های نوگرانهٔ لوتر پی بردند. لوتر در ۱۸ فوریه ۱۵۴۶ در ۶۲ سالگی درگذشت و سه روز بعد در کلیسای ویتنبرگ، همان پایگاهی که از آن سر به طغیان برداشته بود، به خاک سپرده شد. در سراسر قرون‌وسطی، که به‌درستی عصر تاریکی خوانده‌شده، اروپا گرفتار فقر و جهل و نکبت بود. نیمی از تمام نوزادان تا سه‌سالگی از دنیا می‌رفتند. مردم در برابر اپیدمی‌های مخوفی مانند وبا و طاعون و تیفوس یا مصیبت‌هایی مانند سیل و زلزله جز توسل به دعا و خرافه و جادو چاره‌ای نمی‌شناختند. کلیسا نیز هر بار عده‌ای از مخالفان خود را به‌عنوان جادوگران و کافرانی که با ارتکاب گناه "غضب الهی" را برانگیخته‌اند، به هیمه آتش می‌سپرد. مرگ و به‌ویژه هراس از "عذاب الهی" در "عالم آخرت" مؤمنان را در وحشتی همیشگی حبس کرده بود. مردم ساده برای رهایی از این وحشت به کلیسا پناه می‌بردند و می‌کوشیدند با اطاعت از دستورهای آن، بار گناهان خود را سبک کنند و از "مجازات الهی" در امان بمانند. ترس و جهل عوام، سرمایه‌ای بی‌کران برای اولیای دین بود که بیش‌ازپیش به قدرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی روی آورده بودند. آن‌ها به برکت جهل عمومی، به مردم تلقین می‌کردند که برای به دست آوردن "فیض الهی" و رحمت فرزندش عیسی مسیح باید همه چیز خود را به کلیسا واگذار کنند. دین که شالوده زندگی معنوی انسان شناخته می‌شد، درواقع بر تمام هستی مادی و اجتماعی او نیز مسلط بود. کلیسا برای حفظ اقتدار خود سلسله مراتبی به پا کرده بود که انسان عادی در آن هیچ جایی نداشت. پاپ نماینده خداوند درروی زمین بود و پیام او از طریق کاردینال‌ها و اسقف‌ها و کشیش‌ها سرانجام به توده عوام می‌رسید. مسیحی عادی تنها از طریق کلیسا می‌توانست پیام خداوند را دریابد و به‌شرط جلب رضایت روحانیان، به قلمرو رحمت او راه یابد. در سده‌های چهاردهم و پانزدهم به‌تدریج بر بدنهٔ دنیای کهن خراش افتاد. در ذهن برخی انسان‌های جسور این فکر جرقه زد که به جای اطاعت کورکورانه از متون عتیق و مفسران نادان آن‌ها، بایستی به عقل و خرد تکیه کرد. افرادی متهور در گوشه و کنار چاره دردهای خود را در مرزهایی فراتر از تعصبات و خرافه‌های کلیسا جستند و... برخی از دانشمندان که از تمدن درخشان یونان باستان را می‌شناختند، بر ضرورت نوزایی جامعه (رنسانس) پی بردند و آن را درگرو شناختی تازه از هستی و موقعیت انسان در جهان دانستند. انسان بایستی به این درک می‌رسید که بنده سرنوشت و نیروهای طبیعی و مقدرات ماورای طبیعی نیست، بلکه می‌تواند با اندیشه و آگاهی بر ناشناخته‌ها چیره شود و زندگی خود را بر پایه دانش سروسامان دهد. برای انسانی که خود را یکسره اسیر "مشیت الهی" می‌دید، تنها یک‌راه وجود داشت: پیروی از دین را به اعتلای روحی یا رستگاری اخروی محدود کند و زندگی خود را به دست تجربه و شناخت عقلی بسپارد. بنا به این رویکرد تازه، انسان برای سعادت اخروی به دین نیاز دارد، اما برای بهروزی در این دنیا باید از عقل و علم پیروی کند. جا انداختن این ایدهٔ ساده در روزگاری که کلیسا زندگی مادی و معنوی مردم را رهبری می‌کرد، کار آسانی نبود. در راه این هدف روشنفکران و اندیشوران

فداکاری‌ها کردند و انسان‌های بی‌شماری از جان خود مایه گذاشتند. یکی از نامی‌ترین آن‌ها یان‌هوس (۱۴۱۵ - ۱۳۷۱) است. این روحانی اهل بوهم به گناه ایستادگی در برابر کلیسا به‌عنوان "جادوگر" به هیمه آتش‌سپرده شد. "گناه بزرگ" هوس این بود که گفت آگاهی از آموزه‌های دین در انحصار کلیسا نیست؛ تمام بندگان خداوند می‌توانند با خواندن "کتاب مقدس" از پیام او آگاه شوند. روایتی آمیخته به افسانه می‌گوید مارتین لوتر که از انحرافات ارباب دین به خشم آمده بود، در بامداد یکشنبه ۳۱ اکتبر ادعانامه‌ای را با چند میخ به در کلیسای ویتنبرگ کوبید. بعدها تاریخ‌نگاران گفتند که ضربه‌های چکش این کشیش همان ناقوسی بود که در مرگ قرون‌وسطی به صدا درآمد. لوتر یک روحانی کنجکاو و ژرف‌بین بود که رسالت تاریخ‌ساز خود را با اصلی ساده شروع کرد: پیام خدا را باید از کلام او دریافت که در اختیار همگان است. او با نگاهی تازه به مطالعه مستقیم کتاب مقدس (تورات و انجیل) روی آورد و تفسیرهای خرافه آمیزی که ارباب کلیسا به‌هم‌بافته بودند را باطل دانست. او به‌زودی دریافت که روحانیان برای حفظ امتیازات خود، کلام خدا را در انحصار خود درآورده و پیام او را تحریف کرده‌اند. در تزهای ۹۵ گانه‌ای که لوتر تدوین کرد، چند ایده بنیادی نهفته است: ایمان به خداوند امری وجدانی است و از درون شخص برمی‌جوشد؛ ایمانی که از روی جهل یا فشار باشد بی‌ارزش است. مردم باید آزادانه و با قلب و وجدان خود راه خدا را برگزینند، با این آگاهی که ایمان به خداوند راه نجات و سعادت آن‌هاست. خداوند همه مردم را یکسان آفریده و همه نزد او برابر هستند، پس روحانیان نمی‌توانند مدعی شوند که به خداوند نزدیک‌تر هستند تا برای دیگران بخشش و آمرزش بطلبند. خداوند با همه بندگان خود در ارتباط است و نوای قلب آن‌ها را می‌شنود. بندگان نیز می‌توانند با خواندن کلام خداوند که در کتاب مقدس بیان‌شده، با او در ارتباط باشند. این رابطه به میانجی یا واسطه نیاز ندارد، پس روحانیان نباید خود را واسطه ارتباط با خدا بدانند و آن را امتیازی برای خود بشمارند. بدین‌سان، انسان نه در برابر کلیسا و ارباب آن، بلکه در برابر وجدان خود، که عطیه‌ای الهی و همگانی است، مسئول شناخته می‌شود. خداوند انسان را با مهر و محبت آفریده و نیاز نیست که بندگانش از او در هراس باشند. خواست خدا آن است که آفریدگان او در آسایش و بهروزی زندگی کنند. هرکس که باکار و تلاش خود به دیگران خدمت می‌کند، درواقع به خواست خدا عمل کرده است. این آموزه‌ها که شالودهٔ دینی داشتند، در پی‌ریزی جهان‌بینی تازه‌ای به کار رفتند که بر عملکرد فرد انسانی استوار است. برای نخستین بار "سوژه" یا عامل تاریخ دیگر جمع یا نهادی انتزاعی نبود، بلکه انسانی خودآگاه بود که بااراده آزاد وارد میدان عمل می‌شد. انسانی که پیش‌ازاین در یک‌نهاد یا مرجع ذوب‌شده و هویت او در "جمع مؤمنان" گم‌شده بود، فردیت یافت. احراز فردیت نتایج فلسفی مهمی به بار آورد: به انسان شهامت اندیشیدن آموخت، خردگرایی را شکوفا کرد و سرانجام به تکوین حقوق و وظایف مدنی منتهی شد. با پیدایش و شکوفایی جنبش روشنگری در دهه‌ها و سده‌های بعد فلسفه عقل را یگانه مرجع داوری و یگانه معیار شناخت حقیقت معرفی کرد. لوتر که بی‌گمان از دامنهٔ تأثیر افکار خود بی‌خبر بود، عملاً با تأکید بر وجدان فردی، برای آزادی اندیشه و بیان، که تکیه‌گاه مدرنیته شناخته می‌شوند، شالوده‌ای قوی تدارک دید. کمابیش همانند دوران ما که با پیشرفت تکنولوژی سایبری شاهد انقلابی شگرف در عالم ارتباطات

هستیم، جنبش اصلاحات یا رفرماسیون دینی نیز با تحولی بزرگ هم‌زمان شد که به شکوفایی و پیشرفت آن یاری رساند و آن اختراع ماشین چاپ بود توسط یوهانس گوتنبرگ. در قرون‌وسطی تنها ارباب کلیسا به دستخط‌های اندک و گران "کتاب مقدس" دسترس داشتند. آن‌ها خواندن لغت رسمی تورات و انجیل یعنی زبان لاتین را نیز مقدس خوانده، به انحصار خود درآورده و از آن امتیازی برای خودساخته بودند. ارباب کلیسا چنین تبلیغ می‌کردند که کلام خدا سرشار از رمز و راز است، برای مؤمنان ساده قابل‌فهم نیست و به تأویل و توضیح افراد متخصص (روحانیان) نیازمند است. مصلحان دینی ترجمه "کتاب مقدس" به زبان‌های زنده را برای درهم شکستن "انحصار علمی" روحانیان وظیفه‌ای بزرگ می‌دانستند تا همه بتوانند آن را بخوانند و از پیام واقعی خداوند آگاه شوند. یان هوس نخستین کسی بود که در پایان شب بلند و تاریک قرون‌وسطی "کتاب مقدس" را از لاتین به زبان چک ترجمه کرد و به خاطر این "جسارت" در آتش سوزانده شد. لوتر نیز در آغاز شورش تاریخی خود در اقدامی نمادین به ترجمه کتاب مقدس دست زد تا مردم عادی هم‌کلام خدا را بخوانند و به‌درستی سخنان او پی ببرند؛ این اقدام بدون استفاده از فن چاپ ناممکن بود. مارتین لوتر با چاپ و پخش نوشته‌های خود هم پیام خود را در سراسر قلمرو آلمانی‌زبان منتشر کرد و هم نقش مهمی در یگانه سازی زبان آلمانی ایفا کرد. با خواندن کتاب مقدس به زبان آلمانی، اهالی قلمروهایی که به گویش‌های گوناگون آلمانی سخن می‌گفتند، نه‌تنها بی‌واسطه با پروردگار رابطه برقرار کردند، بلکه بیش از آن به زبانی مشترک رسیدند و با یکدیگر نیز در ارتباطی زنده قرار گرفتند. بدین‌سان مردم فرودستی که از آموزش و سواد بالایی برخوردار نبودند، به افزار ارتباطی مهمی مجهز شدند و از طریق زبانی یگانه باهم رابطه برقرار کردند. مردم آموختند که برای فهمیدن پیام خدا باید سواد بیاموزند، ازاینجا بود که سوادآموزی نیز به وظیفه‌ای شرعی بدل شد. مؤلف: مارتین لوتر جای بحث‌های بسیاری دارد که در نقد کتاب مقدس بیان خواهیم نمود. ۹۹/۲/۱۲

۱۵۵ سال ۹۸ در بین تمامی سال‌های انقلاب کمترین مشارکت مردم در انتخابات را داشته است و این میزان ۴۲% بوده است.

۱۵٦ طبق گزارش مرکز آمار ایران، روند صاحب‌خانه شدن مردم ایران طی ۱۰ سال گذشته کاهشی بوده است! آمارهای منتشرشده از سرشماری‌های عمومی در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد از تعداد مالکین طی ۱۰ سال حدود ۸ درصد کم شده و به همین میزان بر تعداد مستاجرین اضافه‌شده است. در حال حاضر ۵۴/۶ درصد مردم ایران صاحب‌خانه هستند و ۳۶/۸ درصد مستأجر بوده و ۸/۶ درصد هم جز سایر تقسیم‌بندی می‌شوند. بنابر تحلیل‌های انجام‌شده، حدود ۱۱ سال زمان می‌برد تا یک ایرانی دارای شغل و درآمد با پس‌انداز صاحب‌خانه شود. همچنین یک خانوار ایرانی ۳۳ درصد از درآمد خود را صرف مسکن می‌کند. به گزارش ملک رادار به نقل از مرکز آمار ایران، نتایج "سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵" در بخش مسکن نشان می‌دهد از مجموع ۲۲ میلیون و ۸۳۰ هزار و ۳ واحد مسکونی معمولی در کشور تعداد ۸ میلیون و ۹۷۵ هزار و ۱۵۳ واحد (حدود ۴۰ درصد) آپارتمانی و تعداد ۱۳ میلیون و ۸۵۴ هزار و ۸۵۰ واحد (حدود ۶۰ درصد) غیر آپارتمانی

می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت ۴۰ درصد ایرانی‌ها آپارتمان‌نشین هستند. همچنین از مجموع ۲۲ میلیون و ۸۳۰ هزار و ۳ واحد مسکونی معمولی در کشور، تعداد ۴ میلیون و ۹۵۰ هزار و ۷۱۱ (۲۱٫۷ درصد) واحد مسکونی بین ۵۱ تا ۷۵ مترمربع مساحت دارند که یک‌پنجم واحدهای مسکونی در کشور است و واحدهای مسکونی با مساحت ۵۰۰ مترمربع و بیش‌تر با تعداد ۳۲۸۹۶ (۰٫۱ درصد) کمترین سهم را دارا می‌باشند. توزیع واحدهای مسکونی معمولی برحسب نوع اسکلت نیز نشان می‌دهد که ۳۰٫۹ درصد این واحدهای مسکونی دارای اسکلت فلزی، ۲۶٫۴ درصد دارای اسکلت بتون‌آرمه و ۴۲٫۵ درصد سایر بوده است. بیش‌ترین سهم مصالح بکار رفته در واحدهای مسکونی که اسکلت آن‌ها فلزی یا بتون آرمه نیست، مربوط به آجر و آهن یا سنگ و آهن با ۲۵٫۶ درصد (تعداد ۵۸۵۰۸۷۹) می‌باشد.

https://melkradar.com/blog/%DA%86%D9%86%D8%AF-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%87%D8%A7-%D8%B5%D8%A7%D8%AD%D8%A8-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%88-%DA%86%D9%86%D8%AF-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF/

۱۵۷ متن زیر یکی از متن‌های خوب عقلی است که در مورد علت و معلول سخن گفته‌ام ** (تاکنون هیچ تحلیل درستی از اغتشاشات ندیده‌ام. تا ندانیم چه کسی فرمانده اغتشاشات است هیچ کاری نکرده‌ایم. خدایا شکر چاه هست تا سر درون آن کنیم. روبروی سیل نایست، سیل تو را می‌برد. سیل مخرب پتانسیل است آن را هدایت کن و حفظ نما. آبی که نجست شد را دور نریز، به کر متصل کن پاک می‌شود. منافقین داغ‌ترین انقلابی‌ها هستند. دشمن دشمن است مگر اینکه دوستی‌اش اثبات شود. از بین مسئولین کسانی هستند که شب میگویند کجا را آتش بزنید و روز علیه آنان سخنرانی می‌کنند، این‌ها انقلابی هستند. بهترین کشتی‌گیر کسی نیست که قدرت بیشتر دارد، کسی است که فکر بهتری دارد، بدل بهتر از اجرای فن است. در کشتی از قدرت حریف برای ضربه به حریف استفاده کنید. زبان قدرتش از بازو و جمعیت بیشتر است، زبان دروازه فکر است. بزرگ‌ترین ضربه از منافقین است، دارو دسته مریم رجوی محارب است نه منافق. تا علت است معلول است. علت قوی‌تر شود معلول قوی‌تر شود. وقتی علت باشد حتماً معلول است. وقتی معلول است حتماً علت است حتی اگر آن را نبینیم. علت و معلول ملازم هم هستند. برای تحقق چیزی چند چیز لازم است: ۱ وجود علت ۲ شرایط ۳ عدم المانع، برای تحقق یک هدف ممکن میلیاردها مسیر وجود داشته باشد ولی مردم یک‌راه را بدانند. اکثر انسان‌ها یک علت را بیشتر نمی‌دانند، درحالی‌که آن مسئله علت ساده است. مسائل مهم علل پیچیده دور از ذهن دارند. علت قبل از معلول است. ممکن است علت و معلول همیشه باهم باشند ولی بدانیم علت قبل از معلول است. قبل بودن علت دو معنی دارد قبل زمانی، قبل مقامی. در قبل زمانی زمانی بوده که علت بوده ولی معلول نبوده مانند علت بودن پدر برای

فرزند ولی در قبل مقامی هرگاه علت بوده معلول هم بود مانند علت بودن خورشید برای نور. با از بین رفتن علت حتماً معلول از بین می‌رود به خلاف عکس. اگر علت از بین رفت حتماً معلول از بین رفته است. یک علت ممکن است صدها معلول داشته باشد. معلول علت در شرایط مختلف به انواع مختلف ظاهر می‌شود. قانون علل و معلول عقلی است و مقدم بر کتاب و سنت است، اگر این‌گونه نباشد کتاب و سنت اثبات نمی‌شود. هیچ‌گاه قانون علت و معلول از حجیت نمی‌افتد. قانون علت و معلول نه‌تنها عقلی است بلکه فطری است حتی به‌واسطه این قانون است که حیوانات زندگی می‌کنند. در بسیاری از موارد علل ناقص با تام اشتباه می‌شود. علل یا تام است یا ناقص، حقیقی و توهمی. گاهی علت با غیر آن اشتباه گرفته می‌شود. تا علت نیاید معلول نمی‌آید. دو علت مخالف که دو معلول مخالف دارند زمانی قالب می‌شوند که قوت بیشتری داشته باشد. هر چه علت قوی‌تر باشد معلول با سرعت بیشتر تحقق پیدا کند. دو علت مخالف که قدرت مساوی دارند بر یکدیگر پیروز نمی‌شوند و در حال سکون باقی می‌مانند. کشف بالاتر از فهم عقلی است. کشف دیدن است و یقین آور قلبی ولی علیت یقین آور است ولی در قلب وارد نمی‌شود. تلفیق کشف و عقل انسان را به مقام صدیقین‌میرساند. در نسبیت کشف و عقل هرکدام مزیتی جدا دارد. چاه چقدر زیباست چراکه رو به آب هستی سخن عقلی درست است ولی ملال‌آور به خلاف سخن کشفی که باعقل عموم سازگار نیست ولی مست‌کننده، سلام بر آب، سلام بر علت، نفرین به خشک‌سالی و خشکی، نفرین بر دشمن آب ۱۳/۱۰/۹۶) **

۱۵۸ مهم‌ترین رویدادهای سال ۱۳۹۷

در اولین روز سال ۹۷ که مقام معظم رهبری نام حمایت از کالای ایرانی را برای آن برگزیدند و بلافاصله مسئولان شروع به نصب بنرهای مرتبط کردند و لوگوهای اسم سال کنار صفحه‌ی کانال‌های تلویزیونی شروع به چرخیدن کردند، شاید کسی فکرش را نمی‌کرد که سال ۹۷ از نظر اقتصادی تبدیل به یکی از دشوارترین سال‌های پس از انقلاب شود؛ هم برای دولت و هم برای مردم.

اعتصاب در بانه

احتمالاً با تصور اقدام حمایتی از کالاهای ایرانی بود که مسئولان تصمیم گرفتند تعرفه‌های گمرکی را افزایش دهند و تعدادی از بازارچه‌های مرزی را تعطیل کنند. اما این کار که کسبه‌ی شهرهای مرزی را تحت‌فشار قرار داده بود، در اولین ماه سال جدید منجر به اعتراض مدنی و اعتصابات گسترده‌ی عده‌ای از آنان در شهر بانه شد که دست‌کم تا ۲۰ روز طول کشید. ۲۸ فروردین، عثمان مروتی رئیس اتاق اصناف بانه گفت: این افراد خواستار بازگشایی مرزند و مغازه‌داران در بانه در اعتراض به نشانه وضعیت بد معیشتی، سفره خالی را در خیابان پهن کرده‌اند. این اعتراضات به مقابل فرمانداری بانه هم کشیده شد. رسول خضری، نماینده مردم سردشت و پیرانشهر در مجلس نیز ۲۹ فروردین ضمن اعتراض به بسته شدن معابر کولبری و اشاره به اینکه ۷۵ هزار کولبر زحمتکش و ۷ میلیون کسبه و اصناف بیکار شده‌اند گفت: «امنیت مرزی کشور درگرو معیشت کولبران است».

بحران ارز: فردوسی تعطیل!

۲۶ فروردین، بانک مرکزی با صدور بخشنامه‌ای، کار خریدوفروش اسکناس ارز را قانوناً ممنوع کرد و عملیات مجاز صرافی‌ها را به «انتقال ارز به دستور هر یک از بانک‌های دارای مجوز ارزی، خرید ارز ناشی از صادرات کالاهای غیرنفتی از صادرکنندگان و فروش ارز خریداری‌شده به متقاضیان از طریق سیستم بانکی» محدود کرد. با این تصمیم بانک‌های دولتی به‌عنوان جایگزین صرافی‌ها برای خرید ارز مردم معرفی شدند و خریدوفروش ارز خارج از سیستم بانکی «جرم» تلقی شد. این بخشنامه که در اجرای مصوبه هیئت‌وزیران برای ساماندهی بازار ارز صادر شد، عملاً چهارراه استانبول و میدان فردوسی تهران را که بورس صرافی‌های پایتخت است تعطیل کرد.

فیلتر تلگرام

دومین اتفاق مهم و پرسروصدا در آغاز سال ۹۷ فیلتر شدن دائمی تلگرام بود. این خبر پس از حوادث دی‌ماه ۹۶ جسته‌وگریخته از منابع مختلف به گوش می‌رسید اما روز ۱۰ اردیبهشت دادستانی تهران، در اطلاعیه‌ای به ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی دستور داد که دسترسی مردم به تلگرام را مسدود کنند و به حدس و گمان‌ها پایان داد. دادستانی در دستور خود تأکید کرد این مسدودسازی به‌گونه‌ای انجام شود که حتی با فیلترشکن هم امکان دسترسی به تلگرام وجود نداشته باشد. دولت و برخی صاحب‌نظران حقوقی به این تصمیم قضائی واکنش منفی نشان دادند اما در مقابل، دستگاه قضائی از این اقدام خود قویاً دفاع کرد و حتی رئیس وقت دستگاه قضائی این مسدودسازی را در راستای «احقاق حقوق مردم» دانست.

خروج ترامپ از برجام

شاید بتوان مهم‌ترین رویداد سال ۹۷ را خروج آمریکا از برجام دانست اتفاقی که نه‌تنها ایران بلکه طرف‌های غربی را هم به تکاپو انداخت رئیس‌جمهوری آمریکا ۱۸ اردیبهشت در سخنانی خود گفت: «می‌خواهم دنیا را از تلاش‌هایمان برای جلوگیری از سلاح هسته‌ای مطلع کنم» و اعلام کرد که پس از مشورت با شرکای آمریکا به این نتیجه رسیده که این کشور باید از این توافق خارج شود. دونالد ترامپ بلافاصله پس از سخنرانی، فرمانی را امضا کرد که تحریم‌های هسته‌ای ایران را بازگردانده و تحریم‌های اقتصادی را در بالاترین سطح اعمال کند. ساعتی پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، حسن روحانی در یک سخنرانی زنده تلویزیونی، این اقدام را به‌مثابه «خروج یک موجود مزاحم از برجام» توصیف کرد و گفت از این لحظه توافق بین ایران و پنج کشور دیگر است. ۱+۵ دیگر یکی را ازدست‌داده و ازاین‌پس باید منتظر باشیم که ۶ کشور چگونه به تعهدات خود عمل می‌کنند؛ اما اگر ببینیم منافع ما تضمین نمی‌شود، تصمیمات نظام را اعلام می‌کنم. واکنش نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تصمیم ترامپ، آتش زدن نمادین برجام و پرچم آمریکا در صحن مجلس توسط برخی نمایندگان بود که البته این کار موردانتقاد برخی دیگر از نمایندگان و فعالان سیاسی قرار گرفت. پس از رایزنی ایران و کشورهای اروپایی، نهایتاً ۱۴ خردادماه، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، به سازمان انرژی اتمی دستور دادند که مقدمات لازم برای رسیدن به ۱۹۰ هزار سو و اجرای دستورات رئیس‌جمهوری را فراهم کنند.

اعتصاب کامیون‌داران

در پی گرانی کالاهای وارداتی از جمله لاستیک و لوازم خودروهای سنگین، از اول خرداد در چند استان کشور اعتصاب کامیون‌داران با خودداری آن‌ها از حمل بار آغاز شد. این اقدام کامیون‌داران منجر به خروج چندین جایگاه سوخت از چرخه‌ی توزیع شد وصف‌های طولانی خودروها در برابر جایگاه‌های سوخت در شهرهای مختلف شکل گرفت. فردای آن روز برخی رانندگان با نصب پلاکاردهای بزرگ در جلوی کامیون‌هایشان اعتراض خود به «گران شدن عوارض و لوازم‌یدکی» در عین «ثابت ماندن کرایه بار» را ابراز کردند. هفتم خرداد، کانون انجمن‌های صنفی رانندگان ناوگان حمل کالای سراسر کشور رسماً اعلام کرد که اعتراض رانندگان کامیون‌ها که از چند روز قبل آغازشده بود به پایان رسیده است. این کانون در نامه‌ای رسمی اعلام کرد که پس از انجام جلسه‌ای در تاریخ پنجم خرداد با حضور وزیر راه و شهرسازی، رئیس سازمان راهداری و نمایندگان حاضر در صنوف مختلف رانندگان، تصمیماتی اتخاذشده که پیش‌بینی می‌شود به اعتراضات رانندگان پایان دهد.

سؤال از روحانی

ششم شهریور، برای دومین بار از زمان شکل‌گیری «جمهوری اسلامی»، نمایندگان مجلس رئیس‌جمهوری را در صحن خانه‌ی ملت به پرسش کشیدند. بعد از اولین نوسانات ارزی تعدادی از نمایندگان عمدتاً عضو فراکسیون ولایی به دنبال طرح سؤال از رئیس‌جمهوری بودند؛ سؤالاتی که هر بار به دلیل پس گرفتن امضاها مجالی برای طرح پیدا نمی‌کرد. این بار اما ۸۲ نماینده سؤال از رئیس‌جمهوری را در پنج محور مطرح کردند و پای امضاهایشان ماندند. جلسه سؤال از رئیس‌جمهوری با صحبت‌های پنج نماینده‌ی سؤال‌کننده یعنی دهقان نماینده طرقبه، فرهنگی نماینده تبریز، نقوی حسینی نماینده ورامین، فولادگر نماینده اصفهان و کرم‌پور نماینده فیروزآباد آغاز شد. پس‌ازآن حسن روحانی پشت تریبون رفت و به بیان توضیحات خودپرداخت؛ توضیحاتی که دو بار باعث احسنت گفتن نمایندگان شد! روحانی در بخش دوم سخنان خودپاسخ‌هایی را مطرح کرد که بخشی از آن واکنشی به تجمع قم و صحبت‌های یکی از مداحان بود که در آن او را به تعبیری تهدید به مرگ کرده بودند. درنهایت نمایندگان از پاسخ روحانی به پرسش‌های خود در باب کنترل قاچاق کالا و ارز، شاخص نرخ بیکاری، رکود اقتصادی، ارزهای خارجی و سقوط ارزش پول ملی قانع نشدند و تنها پاسخ رئیس‌جمهوری درباره‌ی تحریم‌های بانکی را قانع‌کننده دانستند.

موج مسمومیت‌های مرگبار الکلی

از ۱۶ شهریور تا هشتم مهرماه خبرهایی مبنی بر مسمومیت عده‌ای در اثر نوشیدن مشروبات الکلی از نقاط مختلف کشور مخابره شد. طی این بازه‌ی زمانی، ۴۶۰ نفر به دلیل مسمومیت با الکل به مراکز درمانی البرز، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، خراسان و هرمزگان مراجعه کردند. از این تعداد ۴۲ نفر فوت کردند یا دچار مرگ مغزی شدند که ۹۳ درصد آن‌ها مرد بودند. جوان‌ترین فوتی نیز یک خانم ۱۹ ساله و مسن‌ترینشان یک آقای ۵۷ ساله بود. همچنین ۴۱ درصد از مسمومین الکل در سن ۲۶ تا ۳۵ سال بودند. از میان این افراد ۱۷۰ نفر دیالیز شدند و ۱۶ نفر نیز بینایی خود را از دست دادند. البته این مسمومیت‌ها چند روز بعد یک «موج دوم» هم داشت که در استان هرمزگان دست‌کم ۵۹ نفر به خاطر مصرف مشروبات الکلی تقلبی مسموم شدند و یک نفر از آنان جان باخت.

رد خون در اهواز، انتقام در شرق فرات

شاید بتوان مهم‌ترین رویداد امنیتی سال را حمله‌ی تروریستی به رژه‌ی نیروهای مسلح در اهواز دانست. روز ۳۱ شهریورماه هم‌زمان با آغاز هفته‌ی دفاع مقدس، چهار تروریست به مراسم رژه‌ی نیروهای مسلح در اهواز حمله کردند که منجر به شهادت ۲۵ نفر و جراحت ۶۹ تن دیگر شد. در ابتدا سخنگوی گروه الاحوازیه مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت اما سپس داعش مدعی شد که این عملیات را اجرا کرده است. شهدای این حمله تروریستی شامل مردم عادی از جمله یک کودک چهارساله و تعدادی از نیروهای نظامی بودند. چهار تروریست نیز در درگیری با نیروهای امنیتی کشته شدند. دولت، دوم آبان را عزای عمومی اعلام کرد. ۹ روز بعد، دوشنبه نهم مهرماه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محل استقرار و تجمع تروریست‌های تکفیری در شرق فرات در سوریه را هدف حمله‌ی شش فروند موشک بالستیک میان‌برد قرارداد. طی این عملیات که بانام «ضربت محرم» و با رمز «یا حسین (ع)» انجام شد، تروریست‌ها از فاصله‌ی پانصدوهفتادکیلومتری هدف ضربات مرگبار قرار گرفتند و در ادامه هفت فروند پهپاد رزمی سپاه هم مواضع و مقرهای تروریست‌ها را بمباران کردند. طبق اعلام سپاه، در این عملیات تعدادی از سرکردگان و عناصر مؤثر جنایت اهواز به هلاکت رسیدند یا مجروح شدند و زیرساخت‌های آمادی و انبار ذخیره‌ی مهمات آنان نیز منهدم شد.

مجوز خاص رهبر انقلاب درباره پرونده‌های مفاسد اقتصادی

در پی بالا گرفتن بحران اقتصادی در کشور و عزم مسئولان دولتی و قضائی برای مبارزه با فساد، آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس وقت قوه‌ی قضائیه در نامه‌ای به رهبر انقلاب، با اشاره به جنگ اقتصادی دشمنان علیه ملت ایران و انجام برخی جرائم از سوی عده‌ای از اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی، از ایشان درخواست کرد اجازه‌ی «اقدامات ویژه» برای «برخورد قاطع و سریع» با اخلالگران و مفسدان در چارچوب قانون، داده شود. رهبر انقلاب نیز در نامه‌ی مورخ ۲۰ مرداد ۹۷ در پاسخ به این درخواست آملی لاریجانی، ضمن موافقت با آن گفتند: «مقصود آن است که مجازات مفسدان اقتصادی سریع و عادلانه انجام گیرد. در مورد اتقان احکام دادگاه‌ها دقت لازم را توصیه فرمائید». از مشهورترین چهره‌هایی که در پی این مجوز محاکمه شدند می‌توان به حسین هدایتی و پرویز کاظمی – وزیر رفاه دولت احمدی‌نژاد – اشاره کرد. وحید مظلومین مشهور به سلطان سکه و باقری درمنی مشهور به سلطان قیر هم اعدام شدند.

ترور در چابهار

حدود ساعت ۱۰ صبح ۱۵ آبان، راننده‌ی یک وانت نیسان بمب‌گذاری‌شده قصد ورود به محل فرماندهی انتظامی چابهار و انجام عملیات انتحاری را داشت که وقتی با ممانعت نیروهای امنیتی مواجه و در ورود به ساختمان ناکام شد، در ورودی قرارگاه انتظامی چابهار اقدام به انفجار خودرو کرد و موجب شهادت دو نفر و جراحت چند تن دیگر شد.

تصویب سی. اف. تی

یکشنبه ۱۵ مهرماه، بالاخره نمایندگان مجلس در یک جلسه‌ی علنی لایحه الحاق ایران به «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» (CFT) را بررسی و تصویب کردند. علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به نمایندگان منتقد و مخالف این لایحه گفت که دفتر مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه‌ی او درباره‌ی بررسی کنوانسیون‌های مرتبط با اف. اِی. تی. اف اعلام کرده که ایشان با بررسی این لوایح در مجلس مخالفتی ندارند. اما باوجوداین نظر رهبری، همان روز گروهی از مخالفان تصویب این لایحه یا به‌اصطلاح «گروه‌های فشار» مقابل مجلس تجمع کردند و با در دست داشتن پلاکاردهای حاوی شعارهایی همچون «نه به خودتحریمی»، «برجام نمی‌خواهیم» و «اف. اِی. تی. اف خیانت است به ملت» اعتراض خود را اعلام کردند. با تصویب سی. اف. تی و لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم، دو لایحه از لوایح چهارگانه‌ی اف. ای. تی. اف سرانجام تصویب شد و دو تای دیگر یعنی «لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی» و «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو)» همچنان در انتظار تصمیم‌گیری اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

ربودن ۱۲ مرزبان ایرانی

شامگاه دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴ تن از بسیجیان بومی و نیروهای هنگ مرزی که در پایگاه مراقبتی در نقطه‌ی صفر مرزی میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان مستقر بودند، باخیانت و تبانی عامل یا عوامل نفوذیِ گروهک‌های ضدانقلاب ربوده شدند. بنا به اعلام سپاه، عوامل گروهک‌های تروریستی که از سوی سرویس‌های بیگانه هدایت و پشتیبانی می‌شوند، با فریب و تطمیع عوامل نفوذی، این حادثه را در نقطه صفر مرزی و روبه‌روی یکی از پاسگاه‌های مرزی کشور پاکستان رقم زدند. اما کمتر از دوماه بعد، اول آذرماه، روابط عمومی نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای از آزادی و بازگشت ۵ تن از مرزبانان ربوده‌شده توسط گروهک تروریستی در میرجاوه به کشور خبر داد و تا چهار ماه خبری از دیگر مرزبانان ربوده‌شده نبود غیرازاینکه «در سلامت کامل هستند». درنهایت ۲۶ اسفندماه عاملان این آدم‌ربایی با انتشار بیانه‌ای مدعی شدند که سربازان ربوده‌شده با خانواده‌های خود تماس گرفته‌اند. سردار قاسم رضایی، فرمانده مرزبانی کشور نیز درباره‌ی آزادی مرزبانان اسیر دست گروهک تروریستی «جیش الظلم» گفت: ملاقات‌های مرزی با مسئولان پاکستانی و برخی از سران طوایف از جمله اقدامات صورت گرفته در این حوزه است و بر مبنای آخرین پیگیری‌ها باید بگویم مرزبانان، زنده و در خاک پاکستان‌اند و اگر دولت پاکستان «اراده» کند قطعاً می‌تواند این مرزبانان را آزاد کند.

اتوبوس مرگ در دانشگاه آزاد

ظهر سه‌شنبه چهارم دی‌ماه، واژگونی اتوبوس حامل دانشجویان در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، منجر به مرگ ۹ دانشجو و مصدومیت ۲۷ نفر دیگر شد. این حادثه به‌سرعت ابعاد رسانه‌ای گسترده‌ای به خود گرفت و با تجمع اعتراضی دانشجویان و خانواده‌های داغ‌دیده تا چند روز در رأس خبرها بود. طی پیگیری‌های مسئولان برای مشخص کردن مقصر حادثه، محمدمهدی زاهدی، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، اعلام کرد که بر اساس گزارش ارسال‌شده به این کمیسیون «ضعف نظارتی دانشگاه آزاد در این زمینه محرز شد».

حادثه تروریستی خاش

شامگاه ۲۴ بهمن اتوبوس حامل نیروهای پاسدار که پس از اتمام مأموریت مرزبانی عازم شهرهای خود بودند، در جاده‌ی خاش - زاهدان، توسط اعضای گروهک تروریستی «جیش الظلم» هدف حمله‌ی انتحاری قرار گرفت. در این حمله‌ی تروریستی که با انفجار یک خودروی حامل مواد منفجره در کنار اتوبوس یکی از یگان‌های قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه انجام شد، ۲۷ تن از نیروهای سپاه به شهادت رسیدند و عده‌ای مجروح شدند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی شهادت این پاسداران را تسلیت گفتند و خطاب به دستگاه‌های مسئول تأکید کردند که با تمرکز بر این جنایت که ارتباط عاملان آن با سازمان‌های جاسوسی برخی کشورها مسلّم است، موضوع را با جدیت دنبال کنند.

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب

یکی از مهم‌ترین رویدادهای سال ۹۷، صدور بیانیه‌ی رهبر انقلاب با عنوان «گام دوم انقلاب» بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روز ۲۴ بهمن با صدور بیانیه‌ای به تبیین ویژگی‌های مسیر پیموده شده در چهل سال گذشته پرداختند و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش جوانان دربرداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان‌ها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ایران، الزامات این جهاد بزرگ را در ۷ سرفصل اساسی بیان کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این بیانیه گفتند: انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدّت تحقیرشده و به شدّت عقب‌مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملّی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد. ایشان این «برکات» را به هفت بخش تقسیم کردند: ۱- ضمانت ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها، ۲- فراگیرتر شدن موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فنّاوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، ۳- افزایش مشارکت مردمی در شئون مختلف سیاسی اجتماعی، ۴- ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی، ۵- سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، ۶- افزایش چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، ۷- برجسته‌تر شدن نماد پر ابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار. البته رهبر انقلاب تصریح کردند که «آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدّت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، امّا تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به‌ویژه خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدّت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست».

بشار اسد در تهران

ماه پایانی سال ۹۷ شاهد دو اتفاق سیاسی مهم و استراتژیک بود. اولی حضور رئیس‌جمهوری سوریه در تهران و دیدار با رهبر انقلاب و رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، و دومی حضور حسن روحانی با هیئتی از دیپلمات‌های ارشد در عراق و دیدار بی‌سابقه‌اش با آیت‌الله سیستانی، مرجع شیعیان عراق. حضور اسد در تهران که تحت تدابیر شدید امنیتی و طبعاً بدون اعلام قبلی انجام شد، بشدت در رسانه‌ها بازتاب داشت و توجه افکار عمومی در ایران و جهان را به خود جلب کرد. رهبر انقلاب در این دیدار که روز ششم اسفند انجام شد، «رمز پیروزی» سوریه را «استقامت رئیس‌جمهوری و مردم سوریه و پافشاری آنان بر مقاومت» دانستند و تصریح کردند: «جمهوری اسلامی ایران، کمک به دولت و ملت سوریه را کمک به حرکت و جریان مقاومت می‌داند». بشار اسد در این سفر کوتاه با حسن روحانی هم دیدار کرد. اما بلافاصله پس‌ازاین رویداد و درحالی‌که در تصاویر مربوط به دیدارهای اسد با مقامات عالی ایران، اثری از وزیر امور خارجه کشورمان نبود، شامگاه ششم اسفند، محمدجواد ظریف، ناگهان در اینستاگرام اعلام «استعفا» کرد. او در اینستاگرامش نوشت: «از ناتوانی برای ادامه‌ی خدمت و تمام کاستی‌ها و کوتاهی‌ها در دوران خدمت صمیمانه پوزش می‌خواهم» اما نگفت این «ناتوانی» ناشی از چیست. در پی این استعفا ده‌ها نفر از سیاستمداران و سیاست‌ورزان در گفت‌وگوها و پیام‌هایشان تلاش کردند ظریف را از این کار منصرف کنند اما برخی منابع از جدیت او در تصمیمش خبر می‌دادند. درنهایت این حسن روحانی بود که باید به کناره‌گیری برجسته‌ترین وزیرش واکنش نشان می‌داد و او نیز چنانکه انتظار می‌رفت قاطعانه با این کار مخالفت کرد. اما شاید مهم‌ترین واکنش به این استعفا، واکنش سردار قاسم سلیمانی بود که گفت: «حتماً آقای ظریف مسئول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و طی مدت مسئولیت در وزارت امور خارجه‌ی کشورمان، همواره موردحمایت و تأیید مقامات عالی‌رتبه‌ی نظام، به‌ویژه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بوده و هستند». فرمانده نیروی قدس سپاه همچنین دلیل غیبت ظریف در دیدار رؤسای جمهوری ایران و سوریه را «برخی ناهماهنگی‌ها در نهاد ریاست جمهوری» دانست که «هیچ‌گونه تعمدی» در آن نبوده است. پانزدهم اسفند، سردار اسماعیل قاآنی، جانشین سردار سلیمانی در سپاه قدس نیز در سخنانی بابیان اینکه «بشار اسد را نیروی قدس سپاه به تهران آورد»، گفت رئیس‌جمهوری از این سفر مطلع بود و «آن‌هایی که باید بدانند، می‌دانستند و آن‌هایی که نباید، نمی‌دانستند؛ بالاخره یک کار حساسی بود». او عدم اطلاع ظریف را هم ناشی از یک «غفلت» توصیف کرد.

۱۵۹ این نامه در تاریخ ۹۷/۴/۱۴ نوشته‌شده است و در این تاریخ یعنی ۹۹/۲/۱۲ شاهد بودیم نفت به منفی ۳۰ دلار نیز رسید.

۱۶۰ به عقیده بنده یکی از اسباب تقویت داعش و گروه‌های تروریستی، خشک‌سالی می‌باشد که باعث بیکاری کشاورزان و جذب توسط گروه‌های تروریستی می‌باشد، همین جریان در افغانستان اتفاق افتاد، یکی دیگر از دلایل این ارتباط را می‌توان در جنگ سوریه نیز مشاهده نمود، خشک‌سالی در سوریه سبب نارضایتی کشاورزان شد و کشاورزان بیل به دست این بار بر علیه حکومت مرکزی اسلحه به دست گرفتند و علیه نظام سوریه وارد جنگ

شدند، در قرآن نیز زمانی که سبب هر خیروبرکت را آب می‌داند نتیجتاً سبب هر شر و بدی خشک‌سالی می‌باشد، یکی از خوبی‌ها امنیت است و یکی از بدی‌ها و شرور فتنه و ناامنی است.

۱۶۱ غلامرضا شریعتی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: با اتصال خط لوله آب‌رسانی غدیر در تقاطع محور حمیدیه به سوسنگرد، این خط تکمیل‌شده و دیشب پس از شست‌وشو به‌صورت آزمایشی آبگیری شد. وی تصریح کرد: این طرح از قبل در دست اجرا و طبق برنامه در دست پیگیری بود و این کار جهادی به‌تمام‌معنای کلمه از ۱۰ ماه پیش شروع‌شده بود و کاری که در حالت استاندارد برای اجرای آن ۲۴ ماه وقت لازم بود ظرف ۱۰ تا ۱۱ ماه انجام شد. استاندار خوزستان افزود: اتصال آخر این طرح انجام‌شده و شامگاه دیشب آب در این خط پمپاژ شد و کل آب مورد نیاز مردم آبادان، خرمشهر و شادگان از ۱۴ تیرماه از طرح غدیر تأمین می‌شود و پس‌ازآن کار در سایر بخش‌های این طرح (برای بقیه مناطق استان) پیگیری خواهد شد، شریعتی یادآور شد: کار در خط دوم اهواز پیگیری می‌شود و به سمت دز حرکت می‌کنیم تا آب را از دز برای مردم تأمین کنیم. استاندار خوزستان خاطرنشان کرد: به‌زودی و با تعیین تکلیف و تکمیل آبگیر سد دز و ساخت آن، خط لوله به سمت دز تکمیل خواهد شد. وی با تقدیر از صبوری و شکیبایی مردم آبادان و خرمشهر اظهار داشت: در این چند روز کار فشرده دست‌کم ده نفر از کارگران در اثر کار در دمای بالای ۵۰ درجه استان و شرایط سخت‌کاری دچار گرمازدگی شدند که این دستاورد را نشانه تعهد همه مجریان در قبال مردم می‌دانم. شریعتی در بخش دیگر سخنان خود از قرارگاه خاتم، موسسه اروندان و سایر مجریان این طرح به خاطر تسریع در به سرانجام رساندن کار تقدیر و تشکر کرد. به گفته مسئولان سازمان آب و برق خوزستان دست‌اندرکاران طرح، پس از اعلام وضعیت اضطراری در منطقه، با به‌کارگیری ۵۳۷ نیروی عملیاتی در قالب ۲۵ اکیپ به‌صورت شبانه‌روزی، موفق شدند در کمترین زمان ممکن، خط دوم آب‌رسانی غدیر را به سرانجام برسانند. بر اساس این گزارش برای تکمیل خط ۲۰۰۰ میلی‌متری انتقال آب به شهرهای آبادان و خرمشهر از بالادست رودخانه کرخه، پنج هزار و ۳۱۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات عمرانی طرح آب‌رسانی غدیر هزینه شده است.

۱۶۲ قسمتی از بیانیه ترامپ به مناسبت نوروز: فساد و سوء مدیریت سپاه پاسداران آثار خشک‌سالی ادامه‌دار را تشدید کرده و بحرانی زیست‌محیطی ایجاد کرده است. احداث بی‌رویه سدها توسط شرکت‌هایش، مانند [قرارگاه] خاتم‌الانبیاء، رودها و دریاچه‌ها را خشک کرده و کمک کرده است تا طوفان‌های گردوغبار بی‌سابقه، که مشاغل و جان‌های ایرانیان را تهدید می‌کند، خلق شوند ... ترامپ: بیست‌وپنج قرن پیش، داریوش کبیر از خداوند خواست که ایران را از سه خطر حفظ کند؛ ارتش‌های متخاصم، خشک‌سالی و دروغ. امروز، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رژیم ایران نماینده هر سه آن‌هاست ...

https://www.google.com/amp/s/ir.voanews.com/amp/us-iran-trump-nowruz-message-/4306361.html?espv=1

١٦٣ در این طرح بانک‌های بجای سکه طلا به مردم کارت و حواله سکه طلا می‌دهند.

١٦٤ سوره بقره آیه ٣٥: به این درخت نزدیک نشوید که در آن صورت از ظلم کنندگان می‌شوید

١٦٥ قسمتی از صحبت‌های رضا پهلوی: در این مصاحبه هم‌چنین تأکید شده است که رضا پهلوی در حال حاضر پیش از هر چیز در فکر کمک گرفتن از ایرانیان مقیم خارج برای حل مسئله کمبود آب و بحران کم‌آبی در ایران است. گزارش نهادها و شخصیت‌های مختلف بین‌المللی و ملی مسئله کم‌آبی در ایران امروز را از مهم‌ترین چالش‌های کشور معرفی می‌کند. از جمله گری لوئیس، نماینده مقیم برنامه توسعه ملل متحد در ایران، کمبود آب را اساساً عمده‌ترین چالش امنیتی انسانی در ایران دانسته است. بر اساس تازه‌ترین آمار وزارت نیرو، در حال حاضر ٣٣۴ شهر در ایران با جمعیت ٣۵ میلیون نفر یعنی حدود نیمی از مردم کشور در وضعیت تنش آبی قرار دارند.

https://www.google.com/amp/s/www.radiofarda.com/amp/iran-pahlavi-bloomberg-interview-water-shortage-throne-new-revolution/29310550.html?espv=1

١٦٦ نخست‌وزیر اسرائیل از راه‌اندازی یک سایت به زبان فارسی باهدف کمک به مردم و به‌ویژه کشاورزان ایران برای بازیافت آب و مقابله با بحران بزرگ بی‌آبی و خشک‌سالی شدید در ایران خبر داد. به گزارش رادیو فردا، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در یک پیام ویدئویی خطاب به مردم ایران مدعی شد: «مردم ایران قربانی یک رژیم بی‌رحم و استبدادی هستند؛ رژیمی که حتی آب مورد نیاز ملت را از او دریغ می‌کند؛ اسرائیل از مردم ایران حمایت می‌کند و به همین دلیل، می‌خواهم به نجات تعداد بی‌شماری از مردم ایران کمک کنم». نتانیاهو با یادآوری اطلاعات ارائه‌شده از سوی سازمان هواشناسی ایران مبنی بر اینکه تقریباً ٩۶ درصد از مناطق ایران از نوعی خشک‌سالی رنج می‌برد و نیز گفته‌های وزیر سابق کشاورزی ایران مبنی بر این که به دلیل آسیب‌های زیست‌محیطی، ۵٠ میلیون نفر از جمعیت ایران ناچار به ترک خانه‌های خود خواهند بود، ادعا کرد: میلیون‌ها کودک ایرانی به دلیل مدیریت نادرست، بی‌کفایتی و به یغما رفتن منابع حیاتی توسط رژیم ایران رنج می‌برند. وی با ادعای بر اینکه اسرائیل نیز با چالش آب دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما مبتکر فناوری‌های پیشرفته برای حل این معضل بوده و ٨۶ درصد از فاضلاب خود را تصفیه و بازیافت می‌کند، گفت: اسرائیل «مبتکر آبیاری قطره‌ای در جهان» است و ما می‌خواهیم با تکیه بر دانش غنی اسرائیل با فاجعه زیست‌محیطی ایران مقابله کنیم. نخست‌وزیر اسرائیل با ابراز تأسف از اینکه اسرائیلی‌ها نمی‌توانند به ایران بروند، گفت با راه‌اندازی یک سایت این کمبود جبران می‌شود و در این سایت «اطلاعات دقیقی برای تصفیه و بازیافت آب از فاضلاب قرار داده می‌شود». نتانیاهو افزود از طریق این سایت ما به شما نشان خواهیم داد چگونه کشاورزان ایرانی می‌توانند از محصولات خود محافظت کرده و نانی به سفره خانواده‌های خود ببرند. نتانیاهو در پایان سخنانش آدرس یک وب‌سایت و یک کانال تلگرامی به زبان فارسی را برای آگاهی از دانش فناوری آب اسرائیل به مردم و کشاورزان ایرانی منتشر کرد.

https://www.trt.net.tr/persian/mntqh/2018/06/11/rh-ndzy-syt-frsy-w-khnl-tlgrm-z-swy-sry-yl-bry-amwzsh-mqblh-b-khmaby-dr-yrn-990300

۱۶۷ برخی رسانه‌های آمریکایی به‌صورت هماهنگ به این مسئله پرداختند و مدعی شدند به اطلاعات جدیدی از اسناد ادعایی اسرائیل و چگونگی دستیابی اسرائیل به این اسناد دسترسی پیداکرده‌اند. به گزارش خبرگزاری خبر آنلاین، روزنامه نیویورک‌تایمز روز یکشنبه گزارشی منتشر کرد و در آن مدعی شد که عوامل موساد در شب ۳۱ ژانویه به یک انبار در منطقه‌ای صنعتی در تهران نفوذ کردند و توانستند با دستیابی به بیش از ۵۰ هزار برگه و ۱۶۳ سی دی مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای گذشته ایران پیش از رسیدن کارکنان انبار پایتخت ایران را به همراه اسناد مسروقه ترک کنند. در این گزارش ادعاشده است که این جاسوس‌ها شش ساعت و ۲۹ دقیقه زمان صرف کردند تا بتوانند با از کار انداختن آژیرهای انبار، عبور از دو درب و باز کردن چندین گاوصندوق به این اسناد ادعایی دست یابند و سپس از ایران فرار کنند. بنابر ادعای این گزارش عوامل موساد ابزار جوشکاری در اختیار داشتند که دمای حدود ۲ هزار درجه سلسیوس داشته و از طریق آن‌ها توانسته بودند گاوصندوق‌های انبار را باز کنند و در پایان شب با در دست داشتن حدود نیم تن سند محرمانه شامل هزاران برگه مکتوب و سی دی حاوی فایل، ویدئو و طرح از شهر بگریزند. نیویورک‌تایمز در ادامه ادعا کرده است که ایرانی‌ها پس از حصول توافق هسته‌ای با قدرت‌های جهانی در ژوئیه ۲۰۱۵ شروع به جمع‌آوری و ذخیره این اسناد از سراسر کشور در انبار مذکور کردند و در ساعات شب برای اینکه جلب‌توجه نکند هیچ نگهبانی از این انبار محافظت نمی‌کرده است. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در ماه آوریل مدعی شد که به اسنادی دست پیداکرده که نشان می‌دهد ایران درگذشته فعالیت‌های هسته‌ای نظامی داشته و پس از حصول توافق نیز از آن‌ها دست نکشیده است. گزارش نیویورک‌تایمز نیز بر اساس اطلاعاتی است که اسرائیل در روزهای اخیر در اختیار رسانه‌ها قرار داده بود و این اسناد شامل جزییاتی از اسناد مسروقه ادعایی نتانیاهو بوده است. در گزارش نیویورک‌تایمز همچنین ادعاشده است که مقامات صهیونیستی می گویند که تهران از پاکستان و دیگر کارشناسان خارجی کمک‌هایی در خصوص برنامه هسته‌ای‌اش دریافت کرده است. همچنین روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی دیگر مدعی شده است که ایران در زمان اجرای پروژه آماد که ۱۵ سال پیش متوقف‌شده است در آستانه دستیابی به فناوری کلید ساخت بمب هسته‌ای قرار داشته است. خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز با انتشار این دو گزارش تصریح کرد که جزییات جدید منتشرشده ثابت نمی‌کند که ایران به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ پایبند نبوده است. شبکه خبری «فاکس نیوز» نزدیک به جمهوری‌خواهان نیز که در اتخاذ مواضع مغرضانه ضد ایرانی شهرت دارد، دراین‌باره اشاره‌کرده است که در عملیاتی شش‌ساعته در تهران در ماه ژانویه به‌طور مخفیانه اسناد زیادی از ایران خارج‌شده است. مقام‌های اسرائیلی مدعی شده‌اند که تیم اسرائیلی مخفیانه به انبارهایی که مواد مرتبط در آن وجود داشته‌اند رسیده‌اند. آنان یک شیشه ضخیم پنجره را شکسته‌اند و می‌دانستند که ساختمان بدون نظارت بوده است. این مقام‌ها مدعی شده‌اند که ایران برای آن که توجه افکار عمومی را به‌سوی ان تأسیسات جلب نکند، محافظانی را به‌صورت تمام‌وقت در آنجا تعیین نکرده بود. بااین‌حال، در آن تأسیسات یا کارگاه مذکور، سیستم‌های هشداردهنده‌ای وجود

داشتند که عوامل اسرائیل آن را غیرفعال کردند. فاکس نیوز اشاره می‌کند که مقام‌های ارشد اسرائیلی در نشستی طولانی‌مدت دریکی از مقرهای امنیتی آن رژیم در هفته گذشته جزئیات بیشتری را در مورد عملیات مذکور مطرح کردند. این شبکه خبری می‌نویسد: اثبات ادعاهای اسرائیل درباره اسناد ناممکن است چراکه مقام‌های ایرانی در ماه آوریل مطرح‌شدن این موضوع را هم‌زمان با تصمیم‌گیری دولت ترامپ برای خروج از برجام سناریویی ساخته‌شده علیه ایران دانستند. رئیس‌جمهوری آمریکا در ماه مه از توافق خارج شد».

١٦٨ در زمان دولت علم روابط با اسرائیل بسیار گسترده شد و به اعزام هیئت‌هایی از ایران به اسرائیل و سفر مقامات بلندپایه اسرائیلی به ایران انجامید. طرح کشت و صنعت دشت قزوین، به‌عنوان مهم‌ترین پروژه کشاورزی اسرائیل در خارج، در همین زمان آغاز شد. اهمیت این طرح برای اسرائیلی‌ها تا بدان حد بود که موشه دایان، وزیر کشاورزی اسرائیل، دو بار از دشت قزوین بازدید کرد: بار اوّل در سال ١٣٤١ و پیش از شروع پروژه، بار دوّم در سال ١٣٤٣ و پس از شروع پروژه.

١٦٩ در اواخر قرن نوزدهم آئین ناسیونالیستی سراسر اروپا را فراگرفته بود. بعضی از یهودیان نیز تحت تأثیر این آئین به این نتیجه رسیده بودند که روابط به‌اصطلاح نژادی که میان یهودیان موجود است یک "ملیت" یهود می‌سازد و در نتیجه این به‌اصطلاح "ملت یهود" حقوق ملی عادی اعطا می‌کند. از جمله این حقوق ملی, حق زندگی جداگانه و حق تأسیس یک دولت یهودی را نام می‌بردند. استدلال این‌گونه یهودیان بدین گونه بود که اگر ملت‌های دیگر اروپایی موفق شده‌اند بال قدرت خود را در آسیا و آفریقا بگسترند و بر امپراتوری‌های خود قسمت‌های وسیعی از این قاره‌ها را بیفزایند, قوم یهود هم دارای همین حق است. در نتیجه فکر تشکیل یک حکومت خودمختار در فلسطین که یهودی‌ها آن را به دلیل زندگی موسی و سلیمان سرزمین آبا و اجدادی خود می‌دانستند برای اولین بار در سال ١٨٨٢ پا گرفت. باآنکه اروپا از کمک به این ماجرا دریغ نمی‌ورزید, اقدامات اولیه استعمار یهود در فلسطین سرانجام موفقیت‌آمیزی نیافت و علی‌رغم کوشش‌هایی که در سال‌های ١٨٨٢-١٨٩٧ انجام گرفت, یهودیان کمتر جذب فلسطین شدند و قسمت اعظم آن‌ها به آرژانتین و ایالات‌متحده مهاجرت کردند. برنامه یهودیان عملاً به شکست انجامید. برای ریشه‌یابی علل شکست طرح اولیه, نخستین کنگره صهیونی (٢) در اوت ١٨٩٧ در بازل سوئیس تشکیل شد. ریاست این کنگره را تئودور هرتزل به عهده داشت. هدف اصلی و اساسی صهیونی که در کنگره بازل اعلام شد این بود: "هدف ما ایجاد کانون برای خلق یهود در فلسطین است. این کانون باید به‌وسیله حقوق عمومی تضمین و حمایت گردد. باید دانست که از زمانی که برنامه بازل در سال ١٨٩٧ تدوین گردید تا هنگام تنظیم برنامه بالتیمور که در سال ١٩٤٢ انجام یافت؛ صهیونیست‌ها همیشه تعبیر غیرصریح "کانون" را بر لفظ صریح "دولت" ترجیح داده‌اند. دلیل این ترجیح آن است که لفظ "دولت" بدون شک موجب می‌شد مخالفت‌هایی در محافل مختلف برانگیخته شود. در پایان کنگره؛ هرتزل در دفتر خاطراتش اینطور می‌نویسد: "اگر بخواهم کنگره بازل را در یک جمله خلاصه کنم (و البته این کاری است که علناً نخواهم کرد) باید بگویم که در بازل من دولت یهود را بنیان نهادم. لکن اگر این مطلب را امروز اعلام کنم همه مردم مرا دست خواهند انداخت. در ظرف ٥٠ سال آینده محققا دیگر بر کسی پوشیده نخواهد ماند. برای استعمار فلسطینیان, یهودیان سرمایه‌دار

بسیج شدند و با سرعت هرچه‌تمام‌تر وسائل برای یک استعمار و یک یورش تمام‌عیار مطابق نظم و قاعده تشکیل گشت."تراست کوهرنیال یهود (۱۸۹۷), کمیسیون استعمار, کولونیزاسیون (۱۸۹۸), صندوق ملی یهود (۱۹۰۸), دفتر فلسطین (۱۹۰۸) و کمپانی برای رشد و توسعه زراعی در فلسطین (۱۹۰۸) از نخستین ابزارهایی بودند که سازمان‌های صهیونیستی بنیان نهادند. فعالیت‌های دیگری نیز در حال انجام بود. لابی صهیونیستی مدام در حال رایزنی با انگلستان بود تا اجازه دهد یک مستعمره نشین صهیونیست خودمختار در شبه‌جزیره سینا مستقر گردد اما این فعالیت‌ها بی‌نتیجه ماند. چراکه دولت انگلیس می‌ترسید با حضور صهیون‌ها در آنجا اغتشاش پیش آید که به ضرر دولت بریتانیای کبیر تمام می‌شد. مقارن با شروع جنگ جهانی اول, استعمار صهیونی فلسطین پس از ۳۰ سال کوشش و فعالیت پیشرفت بسیار کمی داشت و صهیونیست‌های مقیم فلسطین اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل می‌دادند و تنها شامل یک درصد جمعیت یهود در سراسر جهان بودند. فعالیت صهیونیست‌ها هم ترس و هم مخالفت یهودیان دیگر را برانگیخت. این دسته از یهودیان راه‌حل مسئله یهود را خودمختاری در سرزمین فلسطین نمی‌دیدند و خواهان در هم آمیختن یهودیان با مردم اروپا و ایالات‌متحده بودند. یهودیان فلسطین حتی ۸ درصد کل جمعیت فلسطین را هم تشکیل نمی‌دادند و به‌زحمت ۲٫۵ درصد از زمین‌های فلسطین را در تصرف داشتند. با شروع جنگ جهانی دور نمای تازه‌ای برای صهیونیست‌ها ترسیم شد. جنگ جهانی اول عامل اتحادی شد که در سال ۱۹۱۷ میان امپریالیسم بریتانیا و استعمار صهیونی برقرار گردید. این اتحاد در طی ۳۰ سال بعد از ۱۹۱۷ دروازه‌های فلسطین را بر روی مستعمره نشینان صهیونی باز کرد و زمینه را برای خرید و غصب املاک خلق عرب فلسطین و اخراج آن‌ها مهیا ساخت و دست‌آخر مقدمات ایجاد دولت استعماری صهیونی را در سال ۱۹۴۸ مهیا ساخت. بخش عمده‌ای از فلسطین تحت سلطه امپراتوری عثمانی بود. گرچه این امپراتوری نیز غیرمستقیم اهداف و منافع انگلستان را تأمین می‌کرد. در بهار ۱۹۱۶ با فعل‌وانفعالات کشورها و کم و زیادشدن قدرت‌ها, موافقت‌نامه‌های سری بر سر تقسیم سرزمین‌های عثمانی میان انگلیس, فرانسه و روسیه تزاری تنظیم گردید. این عهدنامه مقرر می‌ساخت که بخش اعظم فلسطین باید بین المللی شود. انگلیس که ضعیف شده بود با این توافق سخت مخالفت می‌کرد و با حمایت از صهیونیست‌ها می‌خواست از نفوذی که آن‌ها در ایالات‌متحده و فرانسه داشتند استفاده کند و مسئله قیومیت بین المللی فلسطین را منتفی سازد. دائماً به گوش صهیونیست‌ها می‌خواند که باید به بسط برنامه استعمار در فلسطین پرداخت. در آغاز صهیونیست‌ها به‌صورت گروه‌های کوچکی به فلسطین وارد می‌شدند و اهداف سیاسی, استعماری خود را در زیر پرده‌ی انگیزه‌های مذهبی یا انسانی مخفی کرده بودند. در این هنگام اعراب فلسطینی می‌پنداشتند که این مهاجران زائرانی هستند که تمایلات مذهبی آن‌ها را به "ارض مقدس" کشانده و یا پناهندگانی هستند که پس از تحمل زجر و شکنجه از اروپای شرقی رانده‌شده‌اند و در جستجوی پناهگاهی در فلسطین هستند. نتیجه این شد که اعراب فلسطین از این گروه‌ها صمیمانه و برادرانه استقبال کنند. شیوه رفتار مهمان نوازانه اعراب کم کم جای خود را به سو ظن و ناراحتی داد. اخراج مرتب زارعان و کارگران همچنین تحریم محصولات اعراب تنفر عمومی را برانگیخت, اما هنوز اعراب متوجه جنبه ناسیونالیستی و

سیاسی برنامه بسیار وسیع صهیونیست‌ها نشده بودند. انگلیس پس‌ازآن که از کارهای ابتدایی فارغ گردید در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ با صدور "اعلامیه بالفور" خط‌مشی سیاسی خود را به‌طور رسمی روشن ساخت. در این اعلامیه انگلیس متعهد می‌شد که از استقرار یک کانون ملی یهود در فلسطین حمایت کند. صهیونیست‌ها هم بیکار نبودند. از کنفرانس صلح تقاضا کردند تا قیومیت فلسطین را به بریتانیا بدهد. همچنین انگلیس یک یهودی را به‌عنوان کمیساریای فلسطین انتخاب کرد. سازمان جهانی صهیونی را به‌عنوان" آژانس یهود" به رسمیت شناخت و دروازه‌های فلسطین را بر روی مهاجرت وسیع صهیونیست‌ها گشود و به اعتراضات اعراب توجه نکرد. همچنین انگلستان در فلسطین امتیاز بهره‌برداری از اراضی خالصه را به مستعمره نشین های یهودی واگذار کرد و از مؤسسات کاملاً تازه‌ی" کانون ملی" حمایت کرد و به جماعت یهود اجازه داد مدارس مخصوص خود را تأسیس کنند و سازمانی به نام" هاگاتا" ترتیب دهند. در ۹ دسامبر ۱۹۱۷ بیت‌المقدس (اورشلیم) توسط انگلیس اشغال شد و چشم و گوش عرب‌ها راکمی باز کرد. از این دوره به بعد است که فلسطین صحنه مقاومت مداوم بر ضد صهیونیست‌ها می‌گردد. فاصله سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۴۸ را می‌توان به‌عنوان دوره مقاومت کامل فلسطین نام نهاد. در سال ۱۹۳۶ فلسطینیان جنبش عدم اطاعت عمومی را آغاز کردند و این شورش و اعتصاب که ۱۷۴ روز طول کشید (و به قولی طولانی‌ترین اعتصاب عمومی طول تاریخ است) شامل تمام سازمان‌ها و وسائل ارتباطی اداره شده توسط اعراب می‌شد که سرانجام با دخالت رهبران عرب پایان یافت؛ به امید مذاکره با انگلیس که البته هیچ‌وقت تحقق نیافت. در طی ۳۰ سال قیومیت انگلیس جماعت مستعمره نشین های صهیونیست ۱۲ برابر جمعیتی شدند که در ۱۹۱۷ در فلسطین بودند. این جماعت با حمایت و عنایت بریتانیا مؤسسات مخصوص خود را بسط داده سازمان نظامی کاملی فراهم آورد. صهیونیست‌های پولدار زمین‌های فلسطینیان را به چند برابر قیمت از آن‌ها می‌خریدند و در این راه از دلال‌های ایرانی و عربی استفاده می‌کردند. (برای مثال سید ضیا عامل کودتای ۱۲۹۹ پس از متواری شدن از ایران به فلسطین رفت و به کار خرید زمین برای صهیون‌ها مشغول شد) البته انگلیس پیش خود حساب می‌کرد که این همکاری منافعش را نیز در بردارد. ازاین‌جهت هر بار که صهیونیسم سعی می‌کرد جنبش ایجاد یک دولت را تسریع کند دست به حمله متقابل می‌زد و چوب لای چرخ این کار می‌گذاشت. جنگ دوم جهانی رودررو شدن دو طرف را تسریع کرد و موجب شد اتحاد انگلیس-صهیونیست به هم بخورد. در سال ۱۹۴۵ استعمار صهیونیستی فلسطین که ۳۰ سال از طرف امپریالیسم بریتانیا حمایت‌شده بود در جستجوی حامی قدرتمندتری برآمد. برای این کار ایالات‌متحده امریکا گزینه مناسبی بود چراکه جمیع شرایط را دارا بود. سرانجام در ۲۹ نوامبر سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد رأی به حمایت از دولت استعماری صهیونی در فلسطین را داد. اعراب فلسطین در اثر ۳۰ سال قیومیت انگلیس آن‌قدر ضعیف شده بودند که آمادگی مقابله و مقاومت در برابر حمله جماعت صهیونیست را نداشتند. این جماعت علاوه بر اینکه سازمان‌یافته و مسلح شده بودند, از پشتیبانی جامعه بین المللی آمریکایی-اروپایی نیز برخوردار بودند. آلمان نیز کمک‌های اقتصادی وسیعی به دولت صهیونیستی به‌عنوان غرامت کرد. (حال شاید بفهمیم که صهیونیست‌ها با بزرگ کردن کشتار یهودیان توسط هیتلر چه هدفی را دنبال می‌کرده‌اند). مطابق برنامه‌ای که هرتزل در سال ۱۸۹۷ تنظیم کرده بود باید "خلقی را که بر اثر نداشتن کار از همه چیز محروم است به ماورا مرز سوق داد". در سال ۱۹۱۹ هم وایزمن ایجاد کشور

یهودی‌نشین را توصیه کرد و گفت باید در فلسطین همان‌قدر یهودی باشد که در انگلستان انگلیسی است. هدف صهیونیسم غیرعربی کردن فلسطین بود تا بتواند آن را صهیونی کند. بعد از سال ۱۹۴۸ و علنی شدن تشکیلات صهیونیسم و دولت آن, فلسطین به دو بخش امنیتی و غیرامنیتی تقسیم گردید که ۹۰ درصد اعراب در مناطق امنیتی به سر می‌برند. از سال ۱۹۴۸-۱۹۵۳ سلسله قوانینی تصویب شد که مرحله‌ی جدیدی از استعمار نوین را نوید می‌داد. محروم شدن مالکان از زمین‌های خود توسط محاکم و دادن زمین‌های آنان به یهودیان بدون حق تجدیدنظر برای فلسطینیان از این نوع قوانین بود. پس‌ازاینکه قیومیت انگلیس به‌طور رسمی پایان پذیرفت, صهیونیست‌ها پادگان‌ها و مقامات کشوری انگلیس در فلسطین را موردحمله قراردادند. قتل نخستین بازرس سازمان ملل متحد به همراه دستیارش روشن ساخت که هیچ‌کس نمی‌تواند با برنامه‌های صهیونیستی مخالفت نماید و به‌سرعت گرفتار خشم و تنبیه مقامات صهیونی می‌گردد. کشتار دسته‌جمعی دیر یاسین و عین الزیتون و صلاح‌الدین در آوریل ۱۹۴۸ کشتارهای آگاهانه‌ای بود به‌منظور اخراج فلسطینیان از راه ترور و وحشت. به مثال‌های قبل باید قتل‌عام‌های شهرها و دهکده‌های: ایکریت (۱۹۵۳), عفر قاسم (اکتبر ۱۹۶۲), عکا (ژوئن ۱۹۵۶), غزه و خان یونس را نیز اضافه کرد. انگلستان (که باز از در دوستی با صهیون‌ها درآمده بود) به همراه فرانسه و صهیونیست‌ها در سال ۱۹۵۶ به مصر حمله کرد. که در شش تصمیم جداگانه از سوی سازمان ملل محکوم شد. صهیونیست‌ها بیکار نبودند و هر از چند گاهی به فلسطینیان حمله می‌کردند. حما (آوریل ۱۹۶۱), غلپیه و غزه در دسامبر ۱۹۵۵ و مارس ۱۹۶۲ از این حملات بودند. شورای امنیت هم این حملات را محکوم می‌کرد!! فاصله سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۴۸ را می‌توان به‌عنوان دوره مقاومت کامل فلسطین نام نهاد. در سال ۱۹۳۶ فلسطینیان جنبش عدم اطاعت عمومی را آغاز کردند و این شورش و اعتصاب که ۱۷۴ روز طول کشید (و به قولی طولانی‌ترین اعتصاب عمومی طول تاریخ است) شامل تمام سازمان‌ها و وسائل ارتباطی اداره شده توسط اعراب می‌شد که سرانجام با دخالت رهبران عرب پایان یافت؛ به امید مذاکره با انگلیس که البته هیچ‌وقت تحقق نیافت. در پایان اکتبر و اوایل نوامبر سال ۱۹۵۶ دولت صهیونی از فرصت استفاده کرد و در هنگامی‌که فرانسه و انگلیس به مصر حمله کرده بودند قسمتی از صحرای سینا و حاشیه نوار غزه را اشغال کرد و در مقابل درخواست‌های مکرر سازمان ملل مبنی بر پس دادن زمین‌های فلسطین و مصر می‌گفت این نواحی جزو قسمت تاریخی و میراث ملی صهیونیست‌هاست و تازه ادعا می‌کرد این سرزمین‌های اشغال‌شده فقط قسمت کوچکی از سرزمین اسرائیل است. در سال ۱۹۶۴ با ایجاد سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف), فلسطین وارد دور تازه‌ای از حیات خود شد. گوشه‌ای از تاریخچه تشکیل اسرائیل را گفتیم. ماجرای جنگ‌های اعراب و اسرائیل, تشکیل حماس, قراردادهای های صلح اسلو و کمپ دیوید, تشکیل مجلس و دولت فلسطینی باشد برای وقتی دیگر...

۱۷۰ بررسی قحطی بزرگ که توسط دول خارجی و بی‌کفایتی پادشاهان ایران موجب مرگ گسترده شد

طی سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ ایران باوجود اعلام بی‌طرفی در جنگ جهانی اول، بیشترین آسیب را از این جنگ ویرانگر دید و در حدود نیمی از جمعیت کشور قربانی مطامع کشورهای بزرگ و استعمارگر آن دوران شدند. اسناد این قتل‌عام قریب به ۱۰ میلیون نفری همچنان در ردیف اسناد طبقه‌بندی‌شده و سری انگلستان قرار دارد و این کشور هنوز هم از انتشار آن‌ها ممانعت می‌کند. گزارش زیر با توجه به کتاب "قحطی بزرگ" نوشته دکتر محمدقلی مجد نوشته‌شده است که یکی از منابع انگشت‌شمار موجود درباره هولوکاست ۹ میلیون نفری ایرانیان بوده و با استناد به اظهارات شاهدان و برخی اسناد تاریخی در دسترس نوشته‌شده است. عکس‌های مربوط به تلفات قحطی برگرفته از کتاب دکتر مجد و دیگر منابع تاریخی است. با کشته شدن ولیعهد اتریش در سال ۱۹۱۴ جرقه جنگ جهانی اول زده شد. کشورهای روسیه، فرانسه و بریتانیا تحت عنوان "دول متفق" و کشورهای اتریش و آلمان به‌عنوان "دول محور" آغاز شد و سپس عثمانی، ایتالیا و ژاپن نیز با پیوستن به این گروه، میدان جنگ را به آسیا و خاورمیانه نیز گسترش دادند. در زمان آغاز جنگ جهانی اول، وضعیت داخلی ایران بسیار متزلزل بود. اوضاع آشفته و نابسامان اقتصادی و سیاسی و مداخله بدون حدومرز قدرت‌های خارجی، ایران را تا آستانه یک دولت ورشکسته پیش برد. هشت روز پس از تاج‌گذاری احمدشاه قاجار، جنگ جهانی اول آغاز شد و مستوفی‌الممالک نخست‌وزیر ایران رسماً موضع بی‌طرفانه ایران را به دول متخاصم اعلام نمود. احمدشاه، شاه بی‌کفایت ایران در ۱۸ سالگی تاج‌گذاری کرد باوجود اعلام بی‌طرفی ایران، نیروهای متخاصم انگلیس و روس از نقاط مختلف وارد کشور شدند. جدا از دلایل ژئوپلتیک و منابع حیاتی ایران که برای ادامه جنگ ضروری بود، یکی از دلایل این تعرض به ایران، شکل‌گیری احساسات همسو با آلمان از طریق یکی از مقامات دربار بود و بریتانیا از بیم وقوع کودتای آلمانی در ایران، نیروهای خود را تا پشت دروازه‌های پایتخت پیش آورد.



ورود نیروهای متفقین – روس و انگلیس – به ایران

دولت عثمانی نیز با بهانه‌تراشی در مورد حضور نیروهای روس در آذربایجان، از مرزهای شمال غرب نیروهای خود را وارد کشور کرده و توقف نقض بی‌طرفی را به خروج روسیه از آذربایجان موکول کرد. قوای روس در شهرهای آذربایجان، اردبیل، قزوین و انزلی، حضور داشتند و بخش‌هایی از جنوب کشور از جمله بوشهر و بندرلنگه نیز در اشغال نیروی انگلیس بود. همچنین واحدهایی از سربازان انگلیسی به همراه نیروهای هندی تحت امر خود از بحرین وارد آبادان شدند و این شهر را اشغال کردند. عمده‌ترین توجیه ورود این نیروی نظامی، ضرورت محافظت از تأسیسات استخراج نفت در منطقه خوزستان بود. با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، نیروهای روس از ایران خارج شدند و انگلیس برنامه‌ریزی خود برای پر کردن جای این نیروها را با بزرگ‌نمایی خطر آلمان‌ها و عثمانی آغاز کرد و بدین ترتیب انگلیسی‌ها از سال ۱۹۱۷ ایران را تحت اشغال خود درآوردند. حکومت مرکزی صرف‌نظر از معضلات سیاسی، با بحران‌های متعددی در ابعاد اقتصادی نیز مواجه بود و به دلایل گوناگون از جمله: دخالت بیگانگان، درگیری‌های سیاسی جناح‌های حاکم، بی‌لیاقتی و فساد جمعی از دولتمردان، فقر و محرومیت توده‌های مردم که به طرز اعجاب‌انگیزی رو به گسترش بود، اوضاع نابسامان موجود را پیچیده‌تر کرده بود. در همین زمان قحطی در ایران بیداد می‌کرد و همه‌روزه کودکان، زنان و سالمندان بسیاری را به کام مرگ می‌کشاند. نیروهای اشغالگر

انگلیس تمامی منابع و تولیدات کشاورزی را برای گذران نیاز نظامیان در جنگ خود، خریداری کرده و احتکار می‌کردند. عجیب‌تر اینکه ارتش بریتانیا مانع از واردات مواد غذایی از بین‌النهرین و هند و حتی از آمریکا به ایران شد.

اجساد گرسنگان در گوشه و کنار کوچه و بازار هیزم وار بر روی‌هم انباشته‌شده بود



سربازان انگلیسی علاوه بر این به دلیل عدم رعایت بهداشت موجب شیوع بیماری‌هایی نظیر آنفولانزا و وبا در ایران شدند که به دلیل قحطی و عدم توانایی مردم برای مقاومت در برابر بیماری‌ها، مبتلایان جان خود را از دست می‌دادند. جعفر شهری نویسنده و شاهد این قحطی بزرگ می‌نویسد: "در همین قحطی نیز بود که نیمی از جمعیت پایتخت از گرسنگی تلف‌شده، اجساد گرسنگان در گوشه و کنار کوچه و بازار هیزم وار بر روی‌هم انباشته‌شده، کفن‌ودفن آن‌ها میسر نمی‌گردید و قیمت گندم از خرواری ۴ تومان به ۴۰۰ تومان و جو از من ۲ تومان به ۲۰۰ تومان رسیده، هنوز دارندگان و محتکران آن‌ها حاضر به فروش نمی‌شدند. میرزا خلیل خان ثقفی - پزشک دربار - در خاطرات خود از اوضاع حاکم بر تهران می‌گوید که نشان‌دهنده عمق فاجعه در پایتخت است: "از یکی از گذرگاه‌های تهران عبور می‌کردم. به بازارچه‌ای رسیدم که در آنجا دکان دمپخت‌پزی بود. رو به روی آن دکان، دو نفر زن پشت به دیوار ایستاده بودند. یکی از آن‌ها پیرزنی بود صغیرالجثه و دیگری زنی جوان و بلندقامت. پیرزن که صورتش باز بود و کاسه گلینی در دست داشت، گریه‌کنان گفت: ای آقا، به من و این دختر بدبختم رحم کنید؛ یک چارک از این دمپخت خریده و به ما بدهید، مدتی است که هیچ‌کدام غذا نخورده‌ایم و نزدیک است از گرسنگی هلاک شویم. گفتم: قیمت یک چارک دمپخت چقدر است تا هرقدر پولش شد، بدهم خودتان بخرید. گفتند: نه آقا، شما بخرید و به ما بدهید چون ما زن هستیم، فروشنده ممکن است دمپخت را کم کشیده و ما متضرر شویم.

یک چارک دمپخت خریده و در کاسه آن‌ها ریختم. همان‌جا مشغول خوردن شدند و به‌طوری سریع این کار را انجام دادند که من هنوز فکر خود را درباره وضع آن‌ها تمام نکرده بودم، دیدم که دمپخت را تمام کردند. گفتم: اگر سیرنشده‌اید یک چارک دیگر برایتان بخرم، گفتند: آری بخرید و مرحمت کنید، خداوند به شما اجر خیر بدهد و سایه‌تان را از سر اهل‌وعیالتان کم نکند.



قحطی بزرگ در ایران مردم را به مردارخواری واداشته بود

ازآنجا گذشتم و رسیدم به گذرِ تقی‌خان. درگذر تقی‌خان یک دکان شیر برنج‌فروشی بود. در روی بساط یک مجموعه بزرگ شیر برنج بود که تقریباً ثلثی از آن فروخته شد و یک‌کاسه شیره با بشقاب‌های خالی و چند عدد قاشق نیز در روی بساط گذاشته بودند. من از وسط کوچه رو به بالا حرکت می‌کردم و نزدیک بود به دکان برسم که ناگهان در طرف مقابلم چشمم به دختری افتاد که در کنار دیواری ایستاده و چشم به من دوخته بود. دفعتاً نگاهش از سوی من برگشت و به بساط شیر برنج‌فروشی افتاد. آن دختر، شش، هفت سال بیشتر نداشت. لباس‌ها و چادرش پاره‌پاره بود و چشمان و ابروانش سیاه و با وصف آن اندام لاغر و چهره زرد که تقریباً به رنگ کاه درآمده بود بسیار خوشگل و زیبا بود. همین‌که نگاهش به شیر برنج افتاد لرزشی بسیار شدید در تمام‌اندامش پدیدار گشت و دست‌های خود را به حال التماس به‌جانب من و دکان شیر برنج‌فروشی که هر دو در یک امتداد قرارگرفته بودیم دراز کرد و خواست اشاره‌کنان چیزی بگوید اما قوت و طاقتش تمام شد و درحالی‌که صدای نامفهومی شبیه به ناله از سینه‌اش بیرون آمده، به روی زمین افتاد و ضعف کرد. من فوراً به صاحب‌دکان دستور دادم که یک بشقاب شیر برنج که رویش شیره هم ریخته بود آورده و چند قاشقی به آن دختر خوراندیم. پس‌ازاینکه اندکی حالش به جا آمد و توانست حرف بزند. گفت: دیگر نمی‌خورم، باقی این شیر برنج را بدهید ببرم برای مادرم تا او بخورد و مثل پدرم از گرسنگی نمیرد.»

نیروهای انگلیس تمام محصولات کشاورزی را با قیمت بالا از کشاورزان می‌خریدند و برای سربازان خود احتکار می‌کردند

محمدقلی مجد در کتاب "قحطی بزرگ" خود می‌نویسد: بر اثر چنین فاجعه عظیمی بود که جامعه ایرانی به‌شدت فروپاشید و استعمار بریتانیا توانست به‌سادگی حکومت دست‌نشانده خود را در قالب کودتای ۱۲۹۹ بر ایران تحمیل کند. مجد چنین نتیجه می‌گیرد: «هیچ تردیدی نیست که انگلیسی‌ها از قحطی و نسل‌کشی به‌عنوان وسیله‌ای برای سلطه بر ایران استفاده می‌کردند.

احمدشاه بزرگ‌ترین محتکر غلات در زمان قحطی بود

بدتر از هر مصیبت دیگر، مشارکت شاه و جمعی از حواریون او در احتکار مایحتاج عمومی است که نشان از بی‌مایگی و بی‌اعتنایی به تنگدستی مردم به روزگار اشغال کشورش از سوی اجانب دارد. در این برهه میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک با جدیت و تلاش فراوان، به‌رغم درگیر شدن با عوامل آشکار و نهان انگلیس و روس، با وضع برنامه‌ای درصدد نجات هم‌وطنان خود از این وضع آشفته، مقابله با محتکران و اتخاذ تدابیری برای خرید عادلانه ارزاق عمومی به‌ویژه گندم، برنج، جو و توزیع آن میان هم‌وطنان بود.

احمدشاه باوجود قحطی فراگیر حاضر به توزیع گندم‌های انبارشده در میان مردم نبود

یکی از محتکران عمده غلات، احمدشاه جوان بود که تن به پیشنهاد خرید منصفانه رئیس‌الوزرای خود نیز نمی‌داد و مقادیر زیادی گندم و جو در انبارها ذخیره کرده بود. شاه قاجار در برابر پیشنهادهای خرید صدراعظم خود اظهار می‌داشت «جز به قیمت روز به‌صورت دیگر حاضر برای فروش نیستم».

شاه قاجار گندم مورد نیاز مردم برای پخت نان را جز به قیمت روز نمی‌فروخت

در زمان قحطی، شکل همه عوض‌شده و مردم دیگر به انسان شباهتی نداشتند. همه با چشمانی گود افتاده چهار دست‌وپا می‌خزیدند و علف و ریشه درختان را می‌خوردند. هر چه از جاندار و بی‌جان در دسترس بود به غذای مردم تبدیل‌شده بود. سگ، گربه، کلاغ، موش، خر و ...



داناهو افسر شناخته‌شده اطلاعات نظامی انگلستان و نماینده سیاسی آن دولت در غرب ایران در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ درباره قحطی در غرب ایران این‌گونه می‌نویسد: "اجساد چروکیده زنان و مردان، پشته شده و در معابر عمومی افتاده‌اند. در میان انگشتان چروکیده آنان همچنان مشتی علف که از کنار جاده کنده‌اند و یا ریشه‌هایی که از مزارع درآورده‌اند به چشم می‌خورد؛ با این علف‌ها می‌خواستند رنج ناشی از قحطی و مرگ را تاب بیاورند. در جایی دیگر، پابرهنه‌ای با چشمان گود افتاده که دیگر شباهت چندانی به انسان نداشت، چهار دست‌وپا روی جاده جلوی خودرویی که نزدیک می‌شد می‌خزید و درحالی‌که نای حرف زدن نداشت با اشاراتی برای لقمه نانی التماس می‌کرد."

قحطی ۱۹۱۷؛ بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ ایران

قحطی بزرگ ایران در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ از حمله مغول در قرن سیزدهم میلادی نیز بسیار عظیم‌تر بوده است. از گزارش‌های مطبوعات آن زمان کاملاً روشن است که در تابستان ۱۹۱۷ ایران در آستانه قحطی قرار داشت و برداشت محصولات تنها وقفه‌ای کوتاه در آن ایجاد کرده بود. روزنامه ایران در ۱۸ اوت ۱۹۱۷ چنین گزارش می‌دهد: «بر اثر تلاش‌های دولت، هم‌اکنون مقدار قابل‌توجهی غله در حال ورود به شهر است و دیروز قیمت جو در هر خروار از ۳۵ تومان به ۳۰ تومان کاهش یافت». اما این تسکینی گذرا بود. ایران در ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۷ می‌نویسد: «نبود غله دارد در سراسر ایران قحطی به وجود می‌آورد. تأثیر کمبود غله به‌ویژه در کاشان مشهود است و هیچ ترفندی نمی‌تواند اوضاع را بهتر کند، زیرا حمل غله از قم یا سلطان‌آباد به کاشان ممنوع است و مازاد غله این مناطق به شهرهای شمالی ارسال می‌شود».



به دلیل ممنوعیت ورود غله از قم و سلطان‌آباد به کاشان بسیاری از مردم این شهر از گرسنگی کشته شدند، «جان لارنس کالدول» در گزارشی با عنوان «فقر و رنج در ایران» به تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۱۷ به تشریح قحطی فزاینده پرداخته و می‌نویسد: «کمبود مواد غذایی، به‌ویژه گندم و انواع نان، سراسر ایران به‌ویژه مناطق شمالی و حاشیه‌ای و نیز تهران را چنان در برگرفته که پیش از آغاز زمستان، فقر و رنج وسیعی پدید آمده است. تردیدی نیست که زمستان امسال مرگ و گرسنگی چند برابر خواهد شد... حتی در این موقع از سال، قیمت ارزاق به بالاترین حد خود طی چندین سال گذشته رسیده و کمبود غله و میوه‌جات حقیقتاً هشداردهنده است».

گرسنگی فراگیر در تمام نقاط ایران

مجد در کتاب خود با اشاره به تلگراف‌ها و مکاتبات موجود و همچنین روزنامه‌های آن روز از فراگیر شدن قحطی در تمام نقاط کشور این‌گونه می‌نویسد: از ژانویه ۱۹۱۸، کارد به استخوان رسید. در گزارش روزنامه رعد در یازدهم ژانویه ۱۹۱۸ چنین آمده است: «به گزارش نظمیه، هفته گذشته ۵۱ نفر بر اثر گرسنگی و سرما در خیابان‌های تهران جان‌باخته‌اند». در همین مقاله به اقدامات امدادی انجام‌گرفته برای مقابله با قحطی در تهران اشاره‌شده است: «تا پایان دسامبر، کمیته مرکزی صدقات اقدامات زیر را برای فقرای شهر به انجام رسانده است: اختصاص باغ اعتماد حضور با اتاق‌های زیاد و با اسباب و اثاثیه مورد نیاز و گرمایش برای اقامت مستمندان، اختصاص باغ مجزایی برای زنان مستمند و کودکان، پناه دادن به یک هزار نفر ایجاد یک حمام برای آن‌ها، تأمین البسه مورد نیاز، تأمین جیره روزانه برای چای، آش و برنج، معالجه بیماران، نگهداری از زنان باردار و تأمین شیر نوزادان یتیم، تأسیس یک مریضخانه ۳۰ تختخوابی، ایجاد کارخانه‌ای برای قالیبافی زنان و کودکان که تاکنون ۸ دستگاه دار قالیبافی در حال کار در آن مستقرشده است و تعیین معلمی برای تعلیم علوم دینی به کودکان». رعد در بیستم ژانویه درباره بیماری و گرسنگی می‌نویسد: «در چند روز گذشته تعدادی بر اثر وبا در بارفروش و دیگر نقاط نزدیک دریای خزر درگذشته‌اند». رعد در ۲۸ ژانویه درباره اوضاع قم می‌نویسد: «اوضاع شهر قم از نظر مواد غذایی اسفبار است. طی هفته گذشته، بیش از ۵۰ نفر بر اثر گرسنگی و سرما جان‌باخته‌اند و تعدادی از آن‌ها هنوز دفن‌نشده‌اند. برخی از مردم برای غذایشان تنها خون گوسفند در دسترس دارند». این روزنامه در شماره ۲۹ ژانویه درباره پیشنهاد گشایش نانوایی‌های دولتی در تهران می‌نویسد: «دولت بنا دارد ۲۰ دکان نانوایی برای فروش نان ارزان به فقرا باز کند و نانوایان دیگر هم می‌توانند به هر قیمت که بخواهند نان بفروشند». رعد در ۵ فوریه ۱۹۱۸ درباره آمار مرگ‌ومیر در خیابان‌های تهران می‌نویسد: «حاکم تهران به وزارت داخله گزارش داده است، طی ۲۰ روز گذشته تعداد مردگان به‌ویژه به خاطر قحطی در تهران به ۵۲۰ نفر رسیده است، یعنی به‌طور متوسط در هر روز ۳۶ نفر». کالدول در تلگرافی به تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۱۸، چنین گزارش می‌کند: «در شهرهای گوناگون به امداد فوری نیاز است. روزانه چندین مرگ گزارش می‌شود. در ولایاتی که دولت ایران قیمت‌های خاصی را تعیین کرده حجم محدودی از گندم، برنج و دیگر مواد غذایی را می‌توان خرید. زنان روزها در صف نانوایی منتظر دریافت نان بودند و نهایتاً بسیاری از آن‌ها دست‌خالی و گرسنه بازمی‌گشتند، سخت‌ترین مشکل، تأمین امکانات دارویی و پزشکی است. واردات مواد غذایی اگر غیرممکن نباشد بسیار سخت است. قیمت‌ها گزافند، گندم هر بوشل ۱۵ تا ۲۰ دلار... مردم و مقامات مسئول باهم همکاری می‌کنند اما موضوع از توان آن‌ها به‌تنهایی خارج است. سازمان‌های محلی ماهانه ۲۰ هزار دلار در تهران هزینه می‌کنند اما این مقدار تنها نیاز ۱۰ درصد نیازمندان شهر را پاسخ می‌دهد. در دیگر ولایات نیز شرایط به همین منوال است». کالدول در اول فوریه ۱۹۱۸ این‌گونه تلگراف می‌زند: «مشکل قحطی کاهش نیافته است». کالدول در گزارش مطبوعاتی دیگری برخی اخبار قحطی را در اختیار مطبوعات قرار می‌دهد. در ۱۴ فوریه ۱۹۱۸، دکتر ساموئل جردن، رئیس کالج آمریکا در تلگرافی چنین می‌نویسد: «تنها در تهران ۴۰هزار بینوا وجود دارد. مردم، مردار حیوانات را می‌خورند. زنان نوزادان خود را سر راه می‌گذارند». در ماه آوریل ۱۹۱۸، فرانسیس وایت دبیر سفارت آمریکا از بغداد به تهران سفر می‌کند. کالدول می‌نویسد: " مفتخرا به‌ضمیمه، یادداشت دبیر سفارت را که حاوی اطلاعاتی است که نامبرده طی سفر خود از بغداد به تهران گردآوری

کرده و ممکن است موردعلاقه آن وزارتخانه قرار گیرد، ارسال می‌کنم." وایت وضع گرسنگی را چنین تشریح می‌کند: در سرتاسر جاده‌ها کودکان لخت دیده می‌شوند که فقط پوست‌واستخوان‌اند. قطر ساق‌هایشان بیش از سه اینچ نیست و صورتشان مانند پیرمردان و پیرزنان هشتادساله تکیده و چروکیده است. همه‌جا کمبود دیده می‌شود و مردم ناگزیرند علف و یونجه بخورند و حتی دانه‌ها را از سرگین سطح جاده جمع می‌کنند تا نان درست کنند. در همدان چندین مورد دیده شد که گوشت انسان می‌خورند و دیدن صحنه درگیری کودکان و سگ‌ها بر سر جسد و یا به دست آوردن زباله‌هایی که به خیابان‌ها ریخته می‌شود عجیب نیست.

قحطی و وبا، بهار ۱۹۱۸

در بهار ۱۹۱۸، قحطی شدت گرفت. در اول مارس ۱۹۱۸، کالدول تلگراف زیر را مخابره کرد: "کابینه به علت اوضاع سیاسی و قحطی استعفا می‌دهد." در شانزدهم مارس ۱۹۱۸، شولر دبیر کمیته امداد آمریکا در ایران به چارلز ویکری در نیویورک چنین تلگراف می‌زند که: "وضع نگران‌کننده اضطراری ادامه دارد. صدها نفر مرده‌اند. غذای نزدیک به بیست هزار نفر در تهران تأمین‌شده اما کارهای امدادی به مشهد، همدان، قزوین، کرمانشاه و سلطان‌آباد نیز تسری یافته است." در ۱۷ آوریل کالدول تلگراف می‌زند که: "گرسنگی شدت گرفته و ناآرامی در شمال غرب ایران افزایش‌یافته است." این اوضاع اسفبار بهار ۱۹۱۸ در مروسله ای از سوی کالدول توصیف‌شده است. به‌رغم فعالیت‌های وسیع کمیته امداد نجات و تغذیه بیش از هزاران گرسنه، کالدول می‌گوید: هزاران نفر که کمک به آن‌ها میسر نشد به علت گرسنگی و بیماری به‌ویژه در تهران، مشهد و همدان جان خود را از دست دادند. اطلاعات موثق حاکی از آن است که فلاکت و گرسنگی چنان مهیب است که صدها نفر از مردم از علف و حیوانات مرده تغذیه کرده‌اند و حتی گاه از گوشت انسان‌ها نیز خورده‌اند...فلاکت گسترده حتی بر شهرهای کوچک و هزاران روستای ایران حاکم بوده است. اما دسترسی به این اماکن به سبب فقدان تسهیلات حمل مواد غذایی به این نواحی دورافتاده کوهستانی و متروک تقریباً غیرممکن است. به نظر می‌رسد ایرانیان اصیل به دیدن مرگ در فجیع‌ترین شکل آن، یعنی مرگ در اثر گرسنگی، عادت کرده‌اند. و حتی خارجیان اینجا تا حدودی به سبب مشاهده فلاکت فراگیر در مقابل آن مقاوم شده‌اند. یک شاهد عینی ایرانی در خاطراتش شمار افرادی که در سال نخست قحطی در تهران به علت گرسنگی جان خود را از دست دادند دست‌کم سی هزار نفر می‌داند و می‌گوید اجساد در کوچه‌ها و خیابان‌های پایتخت پراکنده بودند. به‌علاوه، در مرده‌شوی‌خانه نیز اجساد روی‌هم انباشته‌شده و در گورهای دسته‌جمعی دفن می‌شدند. هر جا که قحطی از بین می‌رفت، وبا و تیفوئید شروع می‌شد.

سرگرد داناهو در خاطرات خود می‌گوید: بریتانیایی‌ها در تأمین آذوقه مردم همدان هم بسیار ضعیف عمل کردند. به گفته داناهو: در این زمان شمار مرگ‌ومیر به علت گرسنگی افزایش‌یافته بود و نان که تنها غذای فقرا و وعده اصلی غذای آنان به شمار می‌آمد به‌شدت گران شده و به ۱۴ قران در هر من رسیده بود. همدان به شهر وحشت تبدیل‌شده بود.

نبود دولت مقتدر تشدیدکننده احتکار و گرانی

طی تابستان و پاییز ۱۹۱۸، به‌رغم محصول خوب، قحطی با همان شدت ادامه یافت. کالدول در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۱۸، در مورد بهای اقلام ضروری در فصل برداشت محصول چنین گزارش می‌دهد: " گندم برای هر بوشل ۱۲ - ۱۵ دلار، جو هر بوشل ۷ -۹ دلار و برنج هر پوند ۵۵ سنت... بود. از دیدگاه کالدول این قیمت‌ها حاکی از کمبود آذوقه و قحطی در فصل برداشت محصول ایران است. کالدول سپس درصدد یافتن علل افزایش قیمت‌ها برمی‌آید: شرح موقعیت دوگانه طبقه فقیر ایران که در میان انبوه محصول دچار گرسنگی بودند به این توضیح نیاز دارد. صرف‌نظر از ذخایری که قشون خارجی در ایران خریداری کردند، محصول ۱۹۱۷ احتمالاً برای تأمین آذوقه جمعیت کشور کافی بود، اما به علت نبود دولت مقتدر و در حقیقت به دلیل نبود هیچ دولتی، محصولات محدود گندم و جو را که اقلام اصلی غذای فقراست، انبار و احتکار کردند تا قیمت‌ها بشدت افزایش یافت.

بهبود اوضاع تهران در بهار ۱۹۱۹

رالف ایچ بادر کنسول آمریکا در گزارش هفتم اکتبر ۱۹۱۸ خود با اشاره به انتصاب لامبرت مولیتور بلژیکی به سمت ناظر مواد غذایی در تهران و حومه می‌گوید: به وی اختیار تام داده‌اند تا به وضعیت غذایی رسیدگی کند. تلاش می‌شود انبارهای غله دولتی را پر کنند و همین منظور دستور داده‌اند نیمی از کل گندم واردشده به تهران را به قیمت فعلی بازار به ناظر مواد غذایی تحویل دهند. تمام ولایات با سرعت تمام گندم خریداری می‌شود و کشاورزانی که محصول خود را به دولت نمی‌فروشند، هرماه ۱۰ درصد گندم خود را غرامت می‌دهند. مقایسه جمعیت ایران بین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۹ حاکی از آن است که حدود ده میلیون نفر طی این سال‌ها به علت قحطی و بیماری جان خود را از دست دادند. بر خلاف ادعای برخی نویسندگان قبل از جنگ جهانی اول، که جمعیت ایران را فقط ده میلیون نفر اعلام کرده‌اند، ادعایی که برخی از نشریات انگلیسی در دهه‌های ۶۰ تا ۷۰ تکرار کرده‌اند، جمعیت واقعی ایران دست‌کم نزدیک به ۲۰ میلیون نفر بوده است. و در سال ۱۹۱۹ این رقم به ۱۱ میلیون رسید. چهار سال طول کشیده بود تا ایران به جمعیت سال ۱۹۱۴ رسید و تا پیش از سال ۱۹۵۶ جمعیت ایران به این رقم نرسید. قحطی سال‌های ۱۹۱۷ - ۱۹۱۹ به‌یقین بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ ایران و شاید فجیع‌ترین نسل‌کشی قرن بیستم بوده است. ایران باوجود اعلام بی‌طرفی، نیمی از جمعیت خود را بر اثر جنگ جهانی اول از دست داد.

جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴

برای مقامات آمریکایی مقیم ایران در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول، تلاش زیرکانه روس‌ها و انگلیس‌ها برای کم تخمین زدن و اندک جلوه دادن جمعیت ایران کاملاً ملموس است. دبلیو مورگان شوستر مدیرکل آمریکایی مالیه ایران در خصوص جمعیت ایران در اوایل قرن بیستم چنین می‌نویسد: "در مورد جمعیت ایران به نحو عجیبی آمار نادرست ارائه می‌دهند: آمار به‌اصطلاح سرشماری شصت سال پیش ظاهراً پایه ارقام پایینی است که در برخی از کتاب‌ها ارائه می‌شود و خارجیان آن را می‌پسندند. درست است که پس‌ازآن هیچ سرشماری صورت نگرفته است اما اروپاییانی که با اوضاع آشنا هستند کل جمعیت را بین ۱۳ تا ۱۵ میلیون برآورد می‌کنند. جمعیت تهران طی چهل سال گذشته از ۱۰۰ هزار به ۳۵۰ هزار نفر افزایش‌یافته است." از برکت نتایج انتخابات تهران در پاییز ۱۹۱۷ نزدیک به ۷۵ هزار رأی در تهران و روستاهای اطراف جمع‌آوری شد. به گزارش روزنامه ایران دوازده

نماینده منتخب بیش از ۵۵ هزار رأی به دست آورده بودند. با در نظر گرفتن آنکه مردان ۲۱ سال به بالا حق رأی داشتند و با در نظر گرفتن متوسط جمعیت برای هر خانواده در حدود شش نفر، جمعیت تهران و حومه در سال ۱۹۱۷ به‌راحتی می‌توانست ۵۰۰ هزار نفر باشد که با اظهارات شوستر هماهنگی دارد. به‌علاوه برآورد شوستر از جمعیت ایران در حدود سال ۱۹۰۰ بالغبر ۱۳ تا ۱۵ میلیون، با برآورد جمعیت ۲۰ میلیونی در سال ۱۹۱۴ توسط راسل، همخوانی دارد. به‌عنوان‌مثال کشیش راسل طی گزارشی در خصوص مناسبات ایران و روس به تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۱۴ می‌نویسد: ایران به بزرگی استرالیا، آلمان و فرانسه با جمعیتی در حدود ۲۰ میلیون نفر است. راسل در گزارش مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۱۴ حجم عظیم آراء در انتخابات مجلس ایران را موردبررسی قرار می‌دهد و به "اهمیت مبارزه انقلابی ۲۰ میلیون آریایی در ایران اشاره می‌کند." درحالی‌که در سال ۱۹۱۷ جمعیت تهران بر اساس آراء انتخابات دست‌کم ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر بود، در سال ۱۹۲۴ رابرت دبلیو ایمبری نایب کنسول آمریکا جمعیت تهران را ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر برآورد کرد..

بازیابی جمعیت پس از ۴۰ سال

پس از این قحطی چهل سال طول کشید تا ایران به جمعیت ۱۹۱۴ خود بازگردد. چارلز سی هارت سفیر آمریکا جمعیت ایران در سال ۱۹۳۰ را ۱۳ میلیون نفر تخمین زده است. در سرشماری سال ۱۹۵۶ بود که جمعیت ایران به بیش از ۲۰ میلیون نفر رسید. قحطی در ایران در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ یکی از بزرگ‌ترین قحطی‌های تاریخ بود و بدون تردید بزرگ‌ترین فاجعه‌ای است که ایران به آن مبتلا شد. تنها نکته بسیار روشن در این فاجعه، قربانی شدن ایران "بی‌طرف" در جنگ جهانی بود. هیچ‌یک از طرف‌های متخاصم خواه به‌صورت نسبی و خواه مطلق، تلفاتی با این وسعت متحمل نشدند. فاجعه‌ای که منجر به فروپاشی جامعه ایرانی، تثبیت تسلط استعمار بریتانیا بر ایران، تشکیل حکومت‌های وابسته به بریتانیا و کودتا علیه دولت‌های منتخب مردمی شد.

هولوکاست افسانه‌ای یهودیان

درحالی‌که رسانه‌های تحت کنترل یهودیان هرروزه به ذکر مصیبت هولوکاست خیالی ۶ میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم می‌پردازند، اما هیچ نامی از هولوکاست واقعی ۹ میلیون ایران در این رسانه‌های به‌اصطلاح بی‌طرف چیزی شنیده نمی‌شود. این در حالی است که اسناد متعدد تاریخی صحت وقوع هولوکاست در ایران را تأیید می‌کند ولی حتی یک سند! در تأیید افسانه هولوکاست یهودیان تا به امروز از سوی حامیان آن عرضه نشده است! و تمامی محققینی که نقد کوچکی به این موضوع وارد سازند، بلافاصله روانه زندان شده و مورد پیگرد قضایی قرار می‌گیرند؛ گویی مصائب خیالی یهودیان بر مصائب حقیقی دیگر ابنای بشر برتری دارد. یهودی دروغ‌پردازی که برای هر سخنرانی و دروغ‌پراکنی در مورد هولوکاست چند هزار دلار تقاضا می‌کند الی ویزل، دروغ‌پرداز مشهور هولوکاست، جمله جالبی در این خصوص دارد: «هولوکاست راز همه رازهاست.» به‌راستی این جمله چقدر دقیق است؛ درصورتی‌که پرده از راز هولوکاست خیالی یهود برداشته شود، هولوکاست واقعی ۹ میلیون نفر در ایران آشکار خواهد شد!

۱۷۱ این مطلب یک قاعده عقلی است که در آن بیان می‌شود: دو چیز که مانند هم هستند یک حکم را دارند، در اینجا به این معنی است که جابجایی افراد در دولت‌ها چیزی را عوض نمی‌کند زیرا همه این دولتمردان در راهکار عملی شبیه هم عمل می‌نمایند و تنها در سیاست‌گذاری و ارتباطات با یکدیگر تفاوت دارند، همه از دانشگاه‌های غربی تلمذ کرده و آنچه آنان بر روی فکر اینان برنامه‌ریزی کرده‌اند را عمل می‌نمایند.

۱۷۲ این نامه در تاریخ ۹۷/۴/۳۱ نوشته‌شده است و تحقیق کنید از تاریخ نامه تاکنون چه مقدار اغتشاش در کشور داشته‌ایم، بزرگ‌ترین اغتشاشات تاریخ انقلاب را می‌توان اغتشاشات آبان ۹۸ دانشت.

۱۷۳ نایب‌رئیس اتاق ایران و چین: وی بابیان اینکه شنیده‌ها حاکی از آن است، هم‌اکنون بیش از ۱۰۰ هزار نفر در صف اخذ ویزای سرمایه‌گذاری هستند و چندی پیش نیز اعلام‌شده بود که بیش از ۱/۵ میلیون نفر درخواست مهاجرت به استرالیا و کانادا را داده‌اند، گفت: شرایط و تبلیغات به‌گونه‌ای عمل شده که حتی مردم عادی و متوسط هم به فکر خروج از کشور از طریق خرید خانه و ویلا شده‌اند و باید فکری به حال این موضوع کرد. منبع لینگ زیر:

https://donya-e-eqtesad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86-62/3376243-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%B5%D9%81-%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC%D8%B1%D8%AA-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7-%D9%88%DA%A9%D8%A7%D9%86%D8%A7%D8%AF%D8%A7

۱۷٤ خدا را یاد کن که به نعمت خداوند تو کاهن و دیوانه و جن‌زده نیستی.

۱۷۵ اگر نبود پرحرفی‌ها و حرف‌های اضافی شما و اگر نبود تمریج در دل شما (که دلتان حالت چمن را دارد و هر حیوانی در آن می‌چرد)، می‌توانستید آنچه را که من می‌بینم ببینید و صداهایی را که من می‌شنوم بشنوید.

۱۷٦ بدرستیکه بندگان ذکر کننده خداوند به مقام و درجه‌ای می‌رسند که خدا در باطن با آن‌ها مناجات می‌کند، و از طریق عقولشان با آن‌ها صحبت می‌کند، پس آیا مقامی بالاتر و شریف‌تر از این وجود دارد.

۱۷۷ امام صادق علیه السّلام فرمود: روزی رسول خدا صلی اللّه علیه و آله نماز صبح را با مردم گزارد، سپس در مسجد نگاهش به جوانی افتاد که چرت می‌زد و سرش پائین می‌افتاد، رنگش زرد بود و تنش لاغر و چشمانش به گودی فرورفته، رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به او فرمود: حالت چگونه است؟ عرض کرد: من با یقین گشته‌ام، رسول خدا صلی اللّه علیه و آله از گفته او در شگفت شد [خوشش آمد] و فرمود: همانا هر یقینی را حقیقتی است. حقیقت یقین تو چیست؟. عرض کرد: یا رسول اللّه همین یقین من است که مرا اندوهگین ساخته و بیداری شب و تشنگی روزهای گرمم بخشیده و از دنیا و آنچه در دنیا هست بی‌رغبت گشته‌ام تا آنجا که گویا عرش

پروردگارم را می‌بینم که برای رسیدگی به‌حساب خلق برپاشده و مردم برای حساب گردآمده‌اند و گویا اهل بهشت را می‌نگرم که در نعمت می‌خرامند و بر کرسی‌ها تکیه زده، یکدیگر را معرفی می‌کنند و گویا اهل دوزخ را می‌بینم که در آنجا معذب‌اند و به فریادرسی ناله می‌کنند و گویا اکنون آهنگ زبانه کشیدن آتش دوزخ در گوشم طنین‌انداز است. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله به اصحاب فرمود: این جوان بنده‌ای است که خدا دلش را به نور ایمان روشن ساخته، سپس به خود او فرمود: بر این حال که داری ثابت باش. جوان گفت: یا رسول اللّه از خدا بخواه شهادت در رکابت را روزیم کند. رسول خدا صلی اللّه علیه و آله برای او دعا فرمود. مدتی نگذشت که در جنگی همراه پیغمبر بیرون رفت و بعد از ۹ نفر شهید گشت و او دهمین (شهیدان آن جنگ) بود.

۱۷۸ به‌یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است». سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده‌شده است»!

۱۷۹ ترجمه شود بدرستیکه خواب‌های درست کی از هفتاد جزء نبوت و پیامبری است.

۱۸۰ **عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ الْحَجّالِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِی عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاک إِنّی أَسْأَلُک عَنْ مَسْأَلَةٍ هَاهُنَا أَحَدٌ یسْمَعُ کلَامِی قَالَ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام سِتْراً بَینَهُ وَ بَینَ بَیتٍ آخَرَ فَاطّلَعَ فِیهِ ثُمّ قَالَ یا أَبَا مُحَمّدٍ سَلْ عَمّا بَدَا لَک قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاک إِنّ شِیعَتَک یتَحَدّثُونَ أَنّ رَسُولَ اللّهِ صل علی علیه و آله و سلم عَلّمَ عَلِیاً علیه السلام بَاباً یفْتَحُ لَهُ مِنْهُ أَلْفُ بَابٍ قَالَ فَقَالَ یا أَبَا مُحَمّدٍ عَلّمَ رَسُولُ اللّهِ صل علی علیه و آله و سلم عَلِیاً علیه السلام أَلْفَ بَابٍ یفْتَحُ مِنْ کلّ بَابٍ أَلْفُ بَابٍ قَالَ قُلْتُ هَذَا وَ اللّهِ الْعِلْمُ قَالَ فَنَکتَ سَاعَةً فِی الْأَرْضِ ثُمّ قَالَ إِنّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَاک قَالَ ثُمّ قَالَ یا أَبَا مُحَمّدٍ وَ إِنّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَ مَا یدْرِیهِمْ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاک وَ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ صَحِیفَةٌ طولها سَبْعُونَ ذِرَاعاً بِذِرَاعِ رَسُولِ اللّهِ صل علی علیه و آله و سلم وَ إِمْلَائِهِ مِنْ فَلْقِ فِیهِ وَ خَطّ عَلِی بِیمِینِهِ فِیها کلّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ کلّ شَی ءٍ یحْتَاجُ النّاسُ إِلَیهِ حَتّی الْأَرْشُ فِی الْخَدْشِ وَ ضَرَبَ بِیدِهِ إِلَی فَقَالَ تَأْذَنُ لِی یا أَبَا مُحَمّدٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاک إِنّمَا أَنَا لَک فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ قَالَ فَغَمَزَنِی بِیدِهِ وَ قَالَ حَتّی أَرْشُ هَذَا کأَنّهُ مُغْضَبٌ قَالَ قُلْتُ هَذَا وَ اللّهِ الْعِلْمُ قَالَ إِنّهُ لَعِلْمٌ وَ لَیسَ بِذَاک ثُمّ سَکتَ سَاعَةً ثُمّ قَالَ وَ إِنّ عِنْدَنَا الْجَفْرَ وَ مَا یدْرِیهِمْ مَا الْجَفْرُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْجَفْرُ قَالَ وِعَاءٌ مِنْ أَدَمٍ فِیهِ عِلْمُ النّبِیینَ وَ الْوَصِیینَ وَ عِلْمُ الْعُلَمَاءِ الّذِینَ مَضَوْا مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ قَالَ قُلْتُ إِنّ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ قَالَ إِنّهُ لَعِلْمٌ وَ لَیسَ بِذَاک ثُمّ سَکتَ سَاعَةً ثُمّ قَالَ وَ إِنّ عِنْدَنَا لَمُصْحَفَ فَاطِمَةَ علیه السلام وَ مَا یدْرِیهِمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ علیه السلام قَالَ قُلْتُ وَ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ علیه السلام قَالَ مُصْحَفٌ فِیهِ مِثْلُ قُرْآنِکمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرّاتٍ وَ اللّهِ مَا فِیهِ مِنْ قُرْآنِکمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ قَالَ قُلْتُ هَذَا وَ اللّهِ الْعِلْمُ قَالَ إِنّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَاک ثُمّ سَکتَ سَاعَةً ثُمّ قَالَ إِنّ عِنْدَنَا عِلْمَ مَا کانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ کائِنٌ**

إِلَى أَنْ تَقُومَ السّاعَةُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاک هَذَا وَ اللّهِ هُوَ الْعِلْمُ قَالَ إِنّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيسَ بِذَاک قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاک فَأَی شَی ءٍ الْعِلْمُ قَالَ مَا يحْدُثُ بِاللّيلِ وَ النّهَارِ الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِ الْأَمْرِ وَ الشّی ءُ بَعْدَ الشّی ءِ إِلَى يوْمِ الْقِيامَةِ

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: قربانت گردم، از شما پرسشی دارم، آیا در اینجا کسی (نامحرم) هست که سخن مرا بشنود؟ امام صادق علیه السلام پرده‌ای را که در میان آنجا و اطاق دیگر بود، بالا زد و آنجا سر کشید، سپس فرمود: ای ابا محمد هر چه خواهی بپرس، عرض کردم: قربانت گردم. شیعیان حدیث می‌کنند که پیغمبر صل علی علیه و آله و سلم به علی علیه السلام بابی از علم آموخت که از آن هزار باب علم گشوده گشت، فرمود: ای محمد پیغمبر صل علی علیه و آله و سلم به علی هزار باب از علم آموخت که از هر باب آن هزار باب گشوده می‌شد (مانند جزئیات و مصادیقی که بر قواعد کلی منطبق می‌شود) عرض کردم: به خدا که علم کامل و حقیقی این است. امام علیه السلام ساعتی (برای اظهار تفکر) به زمین اشاره کرد و سپس فرمود: آن علم است ولی علم کامل نیست. سپس فرمود؛ ای ابا محمد همانا جامعه نزد ماست، اما مردم چه می‌دانند؟ جامعه چیست؟ عرض کردم: قربانت گردم جامعه چیست؟ فرمود: طوماری است به طول هفتاد ذراع پیغمبر صل علی علیه و آله و سلم به املاء زبانی آن حضرت و دستخط علی، تمام حلال و حرام و همه احتیاجات دینی مردم، حتی جریمه خراش در آن موجود است، سپس با دست به بدن من زد و فرمود: به من اجازه می‌دهی ای ابا محمد؟ عرض کردم من از آن شمایم هر چه خواهی بنما آنگاه با دست مبارک مرا نیشگون گرفت و فرمود: حتی جریمه این نیشگون در جامعه هست و حضرت خشمگین به نظر می‌رسد (مانند حالتی که طبعاً برای نیشگون گیرنده پیدا می‌شود) من عرض کردمبه خدا که علم کامل این است، فرمود: این علم است ولی بازهم کامل نیست، آنگاه ساعتی سکوت نمود. سپس فرمود: همانا جعفر نزد ماست، مردم چه می‌دانند جفر چیست؟ عرض کردم: جفر چیست فرمود: مخزنی است از چرم که علم انبیاء و اوصیاء و علم دانشمندان گذشته بنی‌اسرائیل در آن است عرض کردم همانا علم کامل این است،، فرمود. این علم است ولی علم کامل نیست، باز ساعتی سکوت کرد. سپس فرمود: همانا مصحف فاطمه س نزد ماست، مردم چه می‌دانند مصحف فاطمه چیست! عرض کردم مصحف فاطمه س چیست؟ فرمود مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست به خدا حتی یک حرف قرآن هم در آن نیست (یعنی مطالبی که شما از ظاهر قرآن و تفسیر آن می‌فهمید، در مصحف فاطمه نیست ولی از نظر تأویل و معنای باطنی قرآن که ما آن را می‌فهمیم مصحف تفصیل قرآن است مرآت) عرض کردم: به خدا علم کامل این است. فرمود: این هم علم است ولی علم کامل نیست. آنگاه ساعتی سکونت نمود. سپس فرمود: علم گذشته و آینده تا روز قیامت نزد ماست عرض کردمبه خدا علم کامل همین است، فرمود: این هم علم است ولی علم کامل نیست عرض کردم: قربانت گردم. پس علم کامل چیست؟ فرمود علمی است که در هر شب و هر روز راجع به موضوعی پس از موضوع دیگر و چیزی پس از چیز دیگر تا روز قیامت پدید آید.

۱۸۱ بدرستیکه شیاطین اخبار غیب را می‌شنیدند و به کاهن می‌گفتند و کاهن بر آن اخبار زیاد می‌کرد و به کفار می‌گفت و کفار نیز قبول می‌کردند.

۱۸۲ ترجمه شود کهانت و خبر دادن از غیب به‌وسیله‌ی جنیان و شیاطین قبل از مبعث پیامبر ص بوده است، پس زمانی که پیامبر مبعوث شدند آسمان با نگهبانانی از شهاب‌های آسمانی حفظ شدند و مانع از این شدند که جنیان و شیاطین گمراه به آسمان رفته و از امور آسمان غیب خبردار شوند و به دوست انسانی خود که کاهن هست بگویند، لذا علم کهانت و پیشگویی به‌وسیله‌ی جن و شیطان باطل‌شده است و به‌وسیله‌ی قرآن تمامی کهانت باطل‌شده که قرآن بین حق و باطل را تمیز می‌دهد، و خداوند پیامبرش را با وحی از آینده خبردار می‌کند و از غیب آگاه می‌کند، پس کهانتی نیست.

۱۸۳ **عَنْ زُرَارَه قَال سَأَلْتُ أَبَاجَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: وَ أَنَّهُ كانَ رِجالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزادُوهُمْ رَهَقاً قَالَ: كَانَ الرَّجُلُ يَنْطَلِقُ إِلَى الْكَاهِنِ الَّذِي يُوحِي إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ قُلْ لِشَيْطَانِکَ فُلَانٍ قَدْ عَاذَ بِکَ.**

امام باقر (علیه السلام)- زراره گوید: از امام باقر (علیه السلام) درباره‌ی سخن خدای عزّوجلّ: **وَ أَنَّهُ كانَ رِجالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزادُوهُمْ رَهَقاً** پرسیدم. فرمود: «مردی نزد کاهنی که شیطان به او خبر می‌داد می‌رفت و می‌گفت به فلان شیطانت بگو که فلانی به تو پناه آورده است.

۱۸٤ **کهانت**

پیشگویی غیر از پیش‌بینی است. پیش‌بینی بر اساس استناد به امور طبیعی، عادی، علل و عواملی است که انسان بر اساس آن از آمدن باران یا خشک‌سالی یا ترسالی خبر می‌دهد؛ اما پیشگویی گفتن آینده است که مستند به علل و امور طبیعی نیست. پیشگویی می‌تواند مستند به اموری غیرعادی و غیرطبیعی باشد که از آینده‌ای حق خبر می‌دهد، مانند اخبار آینده که از سوی پیامبران و اولیای معصوم الهی (ع) بیان می‌شود؛ زیرا آنان به منبعی متصل هستند که اخبار ام‌الکتاب و لوح محفوظ را در اختیار دارد و مالک آن است؛ البته برخی از افراد هستند که توانایی پیشگویی دارند؛ زیرا باکسانی از جنیان ارتباط می‌یابند که همانند اولیای الهی انسانی، از اولیاءالله هستند و توانایی و دانایی در سطحی از پیشگویی را دارا هستند؛ اما بیشتر کسانی که با جنیان ارتباط دارند با جنیان کافری است که سارق بوده و استراق سمع می‌کنند؛ درحالی‌که فرشتگان با شهاب ثاقب آنان را از محیط اطلاعاتی دور می‌سازند تا از اخبار آینده آگاه نشده و پیشگویی نداشته باشند؛ این‌گونه است که این دزدان اطلاعات و اخبار، به دو سبب کفر و سرقت ناقص، اگر اطلاعاتی را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهند، آمیخته‌ای از حق و باطل و راست و دروغ است. از نظر قرآن، افرادی که با جنیان ارتباط دارند و به روش‌هایی چون سحر و طلسم و مانند آن تمسک می‌جویند، به‌عنوان «کاهن» مطرح هستند؛ زیرا واژه «کهن» در فرهنگ عربی و قرآنی، به کسی گفته می‌شود که با ارتباط با جنیان قادر به پیشگویی و بیان اخباری است که بیرون از دسترسی عادی بشر است. واژگان «تکهن» و «کهانت» نیز به معنای پیشگویی، فال‌گویی و بیان اخبار غیبی و آینده با استفاده از موکلان جنی است.

در تعریف کاهن

الکاهن من یتعاطی الخبر عن الکائنات فی مستقبل الزمان؛ کاهن کسی است که از وقایع و حوادث آینده خبر دهد؛ و نیز گفته‌اند: **الکاهن من کان له رأی من الجن یأتیه الاخبار؛** کاهن کسی است که با ارتباط با جن اخباری را از او می‌آورد و بیان می‌کند؛ زیرا کلمه «رأی» بر وزن غنی به معنای صاحب‌رأی و تابع است. (المصباح المنیر، ج ۲، ص ۱۲۱؛ مسالک الافهام، ج ۳، ص ۱۲۸؛ حدائق الناضره، ج ۵، ص ۳۵؛ مکاسب، شیخ انصاری، ج ۲، ص ۳۳؛ جامع‌المقاصد، ج ۴، ص ۳۱) خاستگاه کهانت ارتباط با جنیان و شیاطین است (جن، آیه ۶)؛ زیرا بعید نیست مقصود از استعاذه به جنّ کمک گرفتن از آن‌ها در امر کهانت باشد. (المیزان، ج ۲۰، ص ۴۲) براساس دیدگاه قرآن، استراق اخبار آسمانی از سوی شیاطین و انتقال آن به کاهنان زمینی و انسانی امری بوده که درگذشته بیشتر اتفاق می‌افتاد (حجر، آیات ۱۷ و ۱۸؛ شعراء، آیات ۲۲۱ تا ۲۲۳؛ صافات، آیات ۶ تا ۱۰؛ جن، آیات ۶ تا ۹) و پس از ظهور پیامبر (ص) به شدت کاهش‌یافته است. قبل از بعثت پیامبر (ص)، شیاطین، اخبار آسمانی را شنود می‌کردند و به کاهنان زمینی انتقال می‌دادند. (مجمع البیان، ج ۵ – ۶، ص ۵۱۰) باید توجه داشت که مقصود از «**افّاک اثیم**» کاهنان می‌باشند. (فتح القدیر، ج ۴، ص ۱۲۰)

امکان پیشگویی از طریق جنیان

از نظر قرآن، نه‌تنها پیشگویی نسبت به برخی از حوادث آینده از طریق ارتباط با جنیان شدنی است، بلکه وقوع نیز یافته است؛ زیرا بر اساس آموزه‌های قرآنی، همه حوادث و رخدادهای هستی درام الکتاب ثبت و ضبط‌شده است که از آن به لوح محفوظ (بروج، آیه ۲۲) و کتاب مبین (یونس، آیه ۶۱) نیز تعبیر می‌شود. خداوند درباره حوادثی که در کتاب پیش از آفرینش آن ثبت و ضبط‌شده است؛ می‌فرماید: هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما به شما نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدیدآوریم در کتابی است. این کار بر خدا آسان است تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید، و به سبب آنچه به شما داده است، شادمانی فرحناک نکنید و خدا هیچ خیالباف و خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد. (حدید، آیات ۲۲ و ۲۳) خدا همچنین می‌فرماید که کلیدهای خزائن غیب در اختیار اوست؛ زیرا هر چیزی دارای خزائنی است که در اختیار خدا است و ازآنجا نازل می‌شود. چنانکه می‌فرماید: و کلیدهای غیب تنها نزد اوست، جز او کسی آن را نمی‌داند و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی فرونمی‌افتد؛ مگر اینکه آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ‌تر و خشکی نیست؛ مگر اینکه در کتابی روشن ثبت است. (انعام، آیه ۵۹) آنچه در عالم دنیا و طبیعت از اثبات و محو یا مرگ و زندگی یا هر چیز دیگری اتفاق می‌افتد از قبل نوشته‌شده است و فرشتگان بر اساس آن کتاب هر چیزی را در عالم طبیعت نسخه می‌کنند؛ یعنی از روی اصل کتاب، آن را در عالم طبیعت و دنیا ایجاد می‌کنند. (جاثیه، آیه ۲۹؛ و روایات تفسیری از امام صادق؛ المیزان، ذیل آیه) البته استنساخ از روی‌ام الکتاب و لوح محفوظ پس‌ازآن است که هر امری که در طول می‌بایست اتفاق بیفتد به امضای خلیفه‌الله در زمین برسد که این امضا در شب قدر انجام می‌شود. (دخان، آیات ۱ تا ۵؛ قدر، آیات ۱ تا ۵) پس از امضای هر امری که باید اتفاق بیفتد، در طول سال فرشتگان مأمور هستند تا آن را استنساخ کنند؛ در اینجا است که برخی از جنیان کافر برای سرقت اطلاعات به آسمان می‌روند تا پیش از وقوع آن، از آن اخبار و حوادث آگاه شوند؛ چنانکه خدا بارها در آیاتی به این نکته اشاره‌کرده است. (صافات/ آیات ۶ تا ۱۰) برخی از فرشتگان آسمان به‌عنوان زاجرات، مسئولیت این را دارند

که این دزدان جنی اطلاعات و اخبار آینده را با شهاب‌های ثاقب و شکافنده برانند تا از اخبار ملأ اعلی دزدی و سرقت نکنند. (صافات، آیه ۲) خدا می‌فرماید که پس از ظهور پیامبر (ص) شمار نگهبانان آسمان بیشتر شده است و حراست شدیدی از آسمان می‌شود تا دسترسی جنیان سارق کاهش یابد؛ چنانکه خدا می‌فرماید: و ما بر آسمان دست‌یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم و در آسمان برای شنیدن به کمین می‌نشستیم؛ اما اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می‌یابد و ما درست نمی‌دانیم که آیا برای کسانی که در زمین هستند بدی خواسته‌شده یا پروردگارشان برایشان هدایت خواسته است. (جن، آیات ۸ تا ۱۰) پس از سوی خدا محدودیت‌های شدیدی برای جنیان اعمال‌شده تا دسترسی به آسمان و اطلاعات غیب کاهش یابد. از همین رو آنان دیگر نمی‌توانند اطلاعات کامل و جامعی را به دست آورند. از سویی اطلاعات آنان همواره به سبب کفر و دزدی مخدوش بوده و کامل نیست و نمی‌توان به اخباری که راست و دروغ درهم‌آمیخته اعتماد و اطمینان کرد؛ بنابراین، پناه‌جویی انسان‌های کاهن به جنیان برای حفظ خود یا کسب اطلاعات امری نادرست و ناروا است؛ خدا از زبان جنیان می‌فرماید: **وَأَنَّهُ كانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا**؛ و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آن‌ها می‌افزودند. (جن، آیه ۶) اما چنین پناه‌جویی می‌تواند موجب سرکشی و دور شدن شخص از حق و حقیقت شود و به جای آنکه در مسیر درست و راست قرار گیرد از آن دورتر شود.

حرمت کهانت و تسخیر جنیان

از نظر آموزه‌های اسلام و حکم فقه اسلامی، کهانت به معنای تسخیر جن و ارتباط با آنان برای پیشگویی، اقدامی حرام و هرگونه درآمدی از آن به‌عنوان مکاسب محرم تلقی می‌شود و نمی‌توان از چنین راهی امرار معاش کرد و به کسب درآمد پرداخت. بنابراین، کسانی که به کهانت اقدام می‌کنند یا از طریق کاهن بر آن هستند تا پیشگویی داشته باشند و از اخبار غیب آگاه شوند، کاری حرام مرتکب می‌شوند. (مکاسب، شیخ انصاری، ج ۲، ص ۳۳؛ جامع‌المقاصد، ج ۴، ص ۳۱؛ ریاض‌المسائل، ج ۱، کتاب تجارت) کسی که به کهانت اقدام می‌کند، از دین اسلام خارج‌شده است؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (ص) فرمودند: **مَنْ تَكَهَّنَ اوْ تُكَهِّنَ لَهُ فَقَدْ بَرِءَ مِنْ دِينِ مُحَمَّدٍ**؛ کسی که کهانت و پیشگویی کند و یا نزد پیشگو برود، از آیین اسلام برائت و بیزاری جسته است. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۲۶، ح ۲) از نظر اسلام نه‌تنها کهانت باطل و حرام است، بلکه کسانی که نزد آنان می‌روند تا از اخبار غیبی و پیشگویی‌های آنان مطلع شوند، آنان نیز گناهی بزرگ مرتکب می‌شوند. از همین رو امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اسلام (ص) فرمودند: **مَنْ مَشى الى ساحِرٍ اوْ كاهِنٍ اوْ كَذّابٍ يُصَدِّقُهُ فيما يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِما انْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ**؛ کسی که به سراغ جادوگر، یا پیشگو، یا آدم‌های دروغ‌گویی که از آینده خبر می‌دهند، برود و گفتار آن‌ها را تصدیق کند، نسبت به کتاب قرآن کفر ورزیده است!(وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۲۶، ح ۳) بر اساس این روایات و روح احکام اسلامی می‌توان دریافت که نه‌تنها کهانت حرام و گناه است، بلکه هر عملی که در راستای پیشگویی نه پیش‌بینی انجام

می‌شود مانند استفاده از رمل و اسطرلاب و حساب اعداد و دیگر علوم غریبه یا هیپنوتیزم و خواب مغناطیسی، تا از اخبار آینده آگاه شود، حرام و گناه است. البتّه هیپنوتیزم برای درمان بیماری‌ها اشکالی ندارد. مثل‌اینکه بیماران مبتلا به افسردگی، یا کسانی که حساسیت فوق‌العاده‌ای دارند، یا احساس شدید گناه می‌نمایند را با هیپنوتیزم درمان کنند، این کار اشکالی ندارد. حتّی گاه برخی از بیماران را به هنگام جرّاحی هیپنوتیزم کرده، و از داروی بی‌حسی استفاده نمی‌نمایند، این کار نیز اشکالی ندارد. امّا اگر کسی را خواب کنند تا اطّلاعاتی از او بگیرند و اسرار و اخبار پنهانی مردم را کشف کنند، کار حرامی است. نتیجه اینکه اصل کهانت از نظر شریعت مقدّس اسلام از گناهان شمرده‌شده و خداوند به مسلمان اجازه پیشگویی نداده است. (نگاه کنید: سوگندهای پربار قرآن، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسة الامام علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۳۵۰-۳۵۲) با توجه به آنچه بیان شد می‌توان دریافت که کهانت، امری نکوهیده نزد خداوند است (نساء، آیه ۵۱)؛ زیرا ممکن است که مراد از «الطاغوت» کهانت باشد. (روح المعانی، ج ۴، جزء ۵، ص ۸۳)

اتهام کهانت به پیامبران

در طول تاریخ پیامبران به کهانت متهم شده‌اند؛ زیرابه سبب ارتباط با خدا از اخبار غیبی اطلاع می‌یافتند که بسیار مفید و سازنده برای انسان است. عبارت تمامی دشمنان پیامبران عبارتی چون ساحر و مجنون است: **كَذَلِک مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ؛** بدین‌سان بر کسانی که پیش از آن‌ها بودند هیچ پیامبری نیامد، جز اینکه گفتند: ساحر یا جن‌زده‌ای است. (ذاریات، آیه ۵۲) ازآنجاکه برخی از پیامبران از جمله حضرت سلیمان نبی (ع) از لشکر جنیان حتی شیاطین آنان بهره می‌برد، اتهام نسبت به ایشان بیشتر از هر پیامبر دیگری است. (بقره، آیه ۱۰۲) حضرت سلیمان (ع) برای انواع کارهای خویش از جنیان از جمله شیاطین استفاده می‌کرد که شامل کارهای غواصی و آهنگری و بنایی و مانند آن‌ها بوده است. (ص، آیات ۳۶ تا ۳۸؛ انبیاء، آیات ۸۱ و ۸۲) یکی از جنیان به نام عفریت نیز بر آن شد تا تخت بلقیس ملکه سبا را از یمن به فلسطین و بیت‌المقدس بیاورد. (نمل، آیات ۳۸ و ۳۹) همین ارتباط موجب شد تا چنین اتهامی به ایشان زده شود. به پیامبر (ص) هم اتهام زده شد که قرآن را از جنیان گرفته است و خدا مشرکان را به سبب این اتهام کهانت سرزنش و توبیخ می‌کند (حاقه، آیه ۴۲)؛ مقصود از «**و لا بقول...**» نفی تهمت کهانت به قرآن و گرفته شدن آن از جنّیان به‌وسیله پیامبر (ص) است. (المیزان، ج ۱۹، ص ۴۰۴؛ الکشاف، ج ۴، ص ۶۰۶) از نظر قرآن، هرچند که کفّار می‌گویند: این قرآن سحر و کهانت است، لکن خدای علائم، مؤکداً می‌گوید: ما قرآن را بر تو فرستادیم، قرآن نه از قبیل سحر است و نه از قبیل کهانت، بلکه از نزد پروردگار تو فرود آمده است. (حاقه، آیات ۴۰ تا ۴۳؛ مخزن العرفان، ج ۱۴، ص ۲۴۹) همچنین اینکه خداوند در آیه ۲۹ طور، کاهن نبودن پیامبر (ص) را به «بنعمة ربّک» مقید کرد، خواست تا بر خصوص آن جناب منّت بگذارد و بگوید که تو نعمت خاصی داری و آن نعمت نمی‌گذارد در معرض کهانت باشی. (المیزان، ج ۱۹، ص ۱۸) برخی بر این باور بودند که حضرت یوسف (ع) برای تأویل و تعبیر رؤیا، از کهانت بهره می‌برد اما خداوند آن را نفی کرده و ایشان را از کهانت در این زمینه مبرا و منزه می‌داند (یوسف، آیه ۳۷)؛ بر این اساس که سخن یوسف (ع) در آیه که می‌فرماید: «**ممّا علّمنی ربّی**» از آن جهت بود که خواست بگوید: من شما را از وحی و علم خبر می‌دهم، نه از نجوم و کهانت. (دقایق‌التأویل، ص ۲۸۷)

۱۸۵ این قاعده عقلی می‌باشد: موجودی که علم و قدرت بین‌هایت دارد، چیزی را برای بار دوم تکرار نمی‌کند، زیرا تکرار علامت محدودیت و جهل و ضعف است و لذا مخلوقی در عالم نیست که عین مخلوق دیگر باشد و آن چیزی که تاکنون کشف‌شده است اینکه هیچ دو اثرانگشتی مانند یکدیگر نمی‌باشد، بلکه هیچ دو مولکول و یا دواتمی هم مانند هم نمی‌باشند.

۱۸٦ سوره اسراء آیه ۲۰: و عطا و بخشش پروردگار تو محدود نمی‌باشد، و اگر عطای خدا ازلی نباشد محدود است.

۱۸۷ الإسراء: ۵۵: و خدا و پرورش‌دهنده‌ی تو عالم‌تر است که در آسمانها و زمین چه چیزی است.

۱۸۸ سوره یونس آیه ۱۰۱: بگو نگاه دقیق به آسمانها و زمین بیندازید و ببینید چه چیز در آسمانها و زمین است.

۱۸۹ سوره صافات آیه ۸۸ و ۸۹، پس ابراهیم نگاه دقیقی به ستاره‌ها نمود و فرمود من بیمار هستم.

۱۹۰ طبق آیات ۳۱ و ۳۲ سوره فاطر ما شیعیان خالص و کامل را در رتبه انبیاء میدانیم و مقامات ظاهری و معنوی انبیاء را دارا می‌باشند الا عناوینی مانند نبی و الا سایر مقامات را دارا می‌باشند که در کتاب نقطه بحث نموده‌ایم در آیه ۳۲ سوره فاطر می‌فرماید: **ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَينا مِنْ عِبادِنا** سپس خداوند این کتاب قرآن را به بندگان برگزیده به ارث داد که ما در کتاب نقطه اثبات نموده‌ایم اینها که کتاب را به ارث برده‌اند اهل بیت ع نیستند بلکه شیعیان واقعی می‌باشند.

۱۹۱ این مطلب قاعده و قانون عقلی است، بیان می‌شود: چیزی را که تمامش را نمی‌توان به دست آورد تمامش را نمی‌توان ترک نمود.

۱۹۲ سوره صافات آیه ۸۸ و ۸۹، پس ابراهیم نگاه دقیقی به ستاره‌ها نمود و فرمود من بیمار هستم.

۱۹۳ سوره لقمان آیه ۲۰، آیا یقین نکردید که خداوند آنچه در آسمان و زمین است را برای شما تسخیر نموده و در اختیار شما قرار داده است.

۱۹٤منظور قطره‌ی ۱۲۰ کتاب می‌باشد.

۱۹۵ سه طرح عادی عبارت‌اند از اینکه:

الف: دوازده لوله و کانال و ... از خلیج‌فارس و دریای عمان به‌تمامی شهرها و روستاها برسانیم که در سال اول این دوازده لوله و کانال تا نیمه شمالی کشور می‌رسد که در قطره ۷۳ و ۹۲ و ۹۴ توضیح داده‌شده است.

ب: استفاده از زیرساخت‌های موجود آبی برای انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان مانند اینکه آب خلیج‌فارس را در سطح کلان املاح زدایی می‌نماییم و در دز می‌ریزیم و از دز تا قم این آب به‌راحتی انتقال پیدا مینماید و با این حرکت تقریباً نیمه جنوب غربی تا نیمه مرکزی کشور از بحران خارج می‌شود، در سایر نقاط کشور نیز طرح‌های مشابه انجام می‌گردد.

ج: طرح یک‌چهلم: بنده عقیده دارم اگر به‌اندازه یک چلهم از ظرفیت ایران به بهره‌برداری کامل برسد ایران از این وضعیت وخیم اقتصادی نجات میابد، و این مطلب را از مقایسه ایران با سایر کشورها مخصوصاً از مقایسه ایران با هلند به دست می‌آید، در طرح یک‌چهلم بنده مدعی هستم اگر تنها شرایط زندگی و زیرساخت‌ها را در مرز آبی جنوب ایران که حدود دو هزار و دویست کیلومتر است را فراهم آوریم و قوانین مضر را حذف نماییم و مردم را تشویق به زندگی در کنار دریا نماییم، جمعیت کلانشرها به کنار دریا کوچ کرده و جمعیت متمرکز کلان‌شهرها در کنار دریا پراکنده می‌شوند و از طرفی مشکل کلان‌شهرها برطرف می‌شود و از طرفی مردم کنار دریا از آب دریا می‌توانند استفاده نمایند و درنهایت مشکل خشک‌سالی کلان‌شهرها بدون تولید آب در کلان‌شهرها برطرف شده و دومینووار فواید بسیاری به مملکت می‌رسد.

۱۹۶ بنده عقیده دارم اگر به‌اندازه یک چلهم از ظرفیت ایران به بهره‌برداری کامل برسد ایران از این وضعیت وخیم اقتصادی نجات میابد، و این مطلب را از مقایسه ایران با سایر کشورها مخصوصاً از مقایسه ایران با هلند به دست می‌آید، در طرح یک‌چهلم بنده مدعی هستم اگر تنها شرایط زندگی و زیرساخت‌ها را در مرز آبی جنوب ایران که حدود دو هزار و دویست کیلومتر است را فراهم آوریم و قوانین مضر را حذف نماییم و مردم را تشویق به زندگی در کنار دریا نماییم، جمعیت کلانشرها به کنار دریا کوچ کرده و جمعیت متمرکز کلان‌شهرها در کنار دریا پراکنده می‌شوند و از طرفی مشکل کلان‌شهرها برطرف می‌شود و از طرفی مردم کنار دریا از آب دریا می‌توانند استفاده نمایند و درنهایت مشکل خشک‌سالی کلان‌شهرها بدون تولید آب در کلان‌شهرها برطرف شده و دومینووار فواید بسیاری به مملکت می‌رسد.

۱۹۷ متن‌هایی که در اینجا می‌آید مباحثی است که در رابطه با شهود جمعی در کانال تلگرام مطرح کرده‌ایم و ان شاء الله در جلد دوم کتاب هزار و یک قطره جداگانه این مبحث را مطرح می‌نماییم:

در شهود جمعی انفطار السماء مردم چه چیز میبینند؟

تمام آنچه گفته‌ایم را می‌بینند و تصدیق می‌کنند و یقین می‌کنند آن چیزی که می‌بینند عبارت است از:

۱ دیدن سقف آسمان ایران و کشورهای همسایه

۲ دیدن رودخانه‌های عظیمی که از روی آسمان ایران عبور می‌کند

۳ چگونگی مانع بودن سقف آسمان ایران از نزول باران و پایین آمدن ابرها

۴ چگونگی تأثیر اجرام آسمانی بر وقایع زمینی (قمر در عقرب، زمان خاص)

۵ چگونگی سرد شدن ایران

۶ چگونگی حرکت کشورهای همسایه و غیر همسایه به ایران

۷ چگونگی سقوط ابر و باران و برف در ایران

۸ دیدن سیل‌های وحشتناکی که در ایران راه می‌افتد

۹ چگونگی کنترل باران و برف و سیل که باید سریعاً آب را به زیرزمین هدایت کنیم و سفره‌های زیرزمینی به حالت قبل و بهتر از آن بر گردد

۱۰ تأثیر کلمات و اعداد بر روی اجسام
۱۱ مکان‌هایی که باید کلمات دفن و امضا شوند
۱۲ یقین به برف و سرمای پیشرو و نحوه آماده شدن برای آن سرما و باران برای عموم مردم و مسئولین
حاج آقا میشه من هم جز اون عده‌ای باشم که تو اون ساعت ادعای شما رو شهود می‌کنم؟؟
جواب: اصلا بحث شهود جمعی است همه عالم ببینند تمام – ۹۶/۱۰/۰۸

فکر کارایی بیشتر دارد یا زور بازو؟

۱ کلید خروج امروز ما در این پاسخ است و این سؤال سؤالی مبنایی و راهگشاست.

۲ در وضعیت بحران هرگونه برخورد چکشی کار را وخیم‌تر می‌کند، برخورد چکشی آخرین مرحله است، این درسی است که علی ع در جنگ نهروان به ما آموخت، او ع در ابتدا با سخنرانی بیشتر یاران خوارج را از آن‌ها جدا کرد و وقتی آن‌ها به منتهی الیه ضعف رسیدند با جنگ نهروان کار را تمام کرد، امروز ما به سخنرانی راهگشا احتیاج داریم.

۳ دشمن ما به‌خوبی قدرت نرم‌افزار و تولید فکر را می‌شناسد و می‌داند با ایجاد سؤال سخت می‌تواند جناح حق را به چالش بکشد، عمرو عاص مکار زمانی که لشکر معاویه در شکست کامل قرار داشت با یک حیله لشکر ع را به چالش کشید، و لشکر علی ع زمانی فهمید فریب‌خورده که کار از کار گذشته بود، اجتماعات خیابانی قرآن‌های روی نیزه‌اند، سخنرانی عمار است که می‌تواند راهگشا باشد، چه بسیار تحلیل‌ها و سخنرانی‌هایی که در حال و آینده انجام شود و راهگشا نباشد، سخنرانی راهگشا چیزی است که از خشک‌سالی و راهکار بیرون رفت سریع از این بلا ایراد شود، باز تأکید می‌کنم به قرآن بازمی‌گردیم تا ببینیم قرآن برای خاموش کردن شعله‌های خیابانی چه راهکاری می‌دهد، کلام خدا می‌فرماید آب: **جعلنا من الماء کل شی حی**، همه چیز از آب زنده می‌شود و همه فتنه‌ها با آب خاموش می‌شود حتی اجتماعات امروز خیابان‌های ایران.

۴ تمام عزیزان بدانند تا زمانی که نتوانیم سخن بگوییم کار لحظه‌به‌لحظه وخیم‌تر می‌شود، بنده در بین تمامی گفتمان‌های موجود هیچ گفتمانی را پیدا نکرده‌ام که مطالبه رهبر انقلاب را برآورده کرده باشد و بتواند اوضاع را سامان دهد الا گفتمان آب و خشک‌سالی، به دلایل واهی هیچ رسانه از رسانه‌های تأثیرگذار صدای ما را به گوش مردم نمی‌رساند، این صدا چیزی جز گفتمان قرآن و اهل بیت ع نیست، به‌جرئت میگوییم این صدا مطالبه امام و رهبر انقلاب بوده که حال از زبان ما خارج می‌شود.

۵ گفتمان ما چیزی نیست جز راهکار عملی برای خروج سریع از ابر بحران‌های ایران، اشتغال زیاد، رفع فقر، احتکار و بیکاری و زیادشدن درآمد و ... همه و همه آن چیزی که همه آرزو می‌کنند، بدانید مشکل کشور ما خشک‌سالی و نبود آب است، بدانید آن چیزی که اقتصاد ما را تا مرگ جلو برده خشک‌سالی وحشتناک و گرم شدن هوا و عدم نزول باران و برف است، بدانید وقتی هوای زمستان بهاری شود، تابستانی آتشین در راه است.

۶ تمام کسانی که در خیابان‌اند به دنبال آب‌اند و تمام کسانی که روبروی آن‌ها ایستاده‌اند نمی‌دانند باید آب داشته باشند، آب است که ایرانی قدرتمند را متولد می‌کند، آب است که مشکل فقر و بیکاری را برطرف می‌کند، آب است که سن ازدواج و مشکل مسکن و معیشت را برطرف می‌کند و بدانید اگر آب نیاوریم به‌زودی ۵۰ میلیون ایرانی یا باید کوچ کنند یا بمانند از تشنگی ...

۷ باز اعلام می‌کنم در ظرف دو ماه خشک‌سالی ایران برطرف می‌شود و ایرانی قوی متولد می‌شود و ایران اسلامی به ابرقدرت بی‌منازع این کره خاکی تبدیل می‌شود، ما اعلام می‌کنیم تاریخ شهود جمعی را لحظه‌ی وقوع زلزله تهران استخراج کردیم و تا این زمان نیز از دست خارج نشده و بحران‌ها بیشتر نشده هدهد را امتحان کنید، هدهد راست‌گوست.

هدهد

دو سؤال ریشه‌ای و اساسی که باید به آن پرداخته شود و نباید با جواب‌های سطحی از آن گذر کرد این دو سؤال است

۱ چرا جریانات اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ شکل گرفت؟

۲ هدف از این جریانات چه بوده است؟

بدترین وضعیت زمانی است که افراد صاحب تریبون که خود را عقل اول و آخر می‌دانند جواب‌های ناقص و یا اشتباه بدهند، و به جواب‌های کامل یا اصلی نپردازند، که ضرر این وضعیت شاید از خود اغتشاشات برای ما بیشتر باشد.

دلیل مطلب این است که ما اگر علت صحیح و دقیق را کشف نکنیم، برای از بین بردن آن تلاش نمی‌کنیم و در این صورت چون علت باقی است معلول که اغتشاشات است به قوت خود باقی است.

امیدوارم مسئولین اجرایی کشور علت دقیق اغتشاشات را کشف کنند و در پی برطرف کردن کامل آن باشند و آدرس غلط ندهند و در فکر آرام‌بخش و مسکن موقت نباشند که این مسکن‌ها و آرام‌بخش‌های موقت باعث رشد علت اغتشاشات شده و معلول باقوت بیشتری ظاهر می‌شود.

ما در برج دو اعلام کرده بودیم قیام دو گروه به‌زودی شکل می‌گیرد و هردوی قیام‌ها ضد رهبر انقلاب است، یکی در پی اسلام بدون ولایت‌فقیه، یکی قیام علیه اصل اسلام که در این اغتشاشات کاملاً معلوم بود، لیدرهای اقلیتی جریانات که اکثریت را هدایت می‌کردند همین دو گروه اصلی بودند، که آدرس غلط به مردم دادند و اغتشاشات را سمت اسلام و رهبر انقلاب بردند درحالی‌که همه می‌دانند مسئولین اجرایی علت این بحران‌ها هستند، نامه‌ی مار سیاه‌وسفید بیان همین وقایع بوده است.

بدانیم جریانات هنوز شروع نشده و وقایع سخت‌تری در راه است ولی می‌توان از هم‌اکنون که نشانه‌ها ظاهرشده آن را درمان نمود.

امیدوارم جناب آقای دکتر روحانی اشتباه خلیفه‌ی سوم را تکرار نکند، در آنجا علت اصلی شروع اغتشاشات فقر عمومی و اختلاف طبقاتی و تبعیض بود، خلیفه در آنجا به مردم قول‌هایی دادند و اوضاع را آرام نمودند ولی

به‌زودی معلوم شد که مطالبه به‌حق مردم شنیده نشده و با حیله درصدد منکوب کردن مردم هستند و دوباره مردم قیام کردند وهمه میدانیم عثمان اولین خلیفه مسلمانان شد که توسط مسلمانان به قتل رسید و حتی مسلمان اجازه ندادند در قبرستان مسلمان‌ها دفن شود چه برسد به اینکه کنار پیامبر دفن شود.

اگر اشتباه دیروز او را امروز تکرار کنیم به سرنوشت او دچار شویم، جایی که علت تکرار شود معلول حتماً تکرار می‌شود.

آقای روحانی امیدوارم تا دیر نشده صدای به‌حق مردم را بشنوید و کارها را اصلاح نمایید، و الا کار بجایی می‌رسد که صداها آن‌قدر بلند شود که مردم صدای شما را نشوند حتی اگر به هرکدام از این مردم یک پیکان بدهید، آنان راضی نمی‌شوند چون میگویند فریب است.

باز اعلام می‌کنم اگر از صداقت قلب هم بخواهید کاری کنید نمی‌توانید چون محور شما آب و رفع خشک‌سالی نیست، و اقتصاد تشنه‌ی رو به موت شما آب لازم دارد.

آب در دست هدهد است

تاریخ شهود جمعی برای یقین همه ی مردم به راست‌گویی و صداقت را درآورده است

آب نوش دارویی است که بعد مرگ سهراب برای سهراب فایده چندانی ندارد

ارادتمند شما

شیخ علی بهرامی نیکو

هدهد

۹۶/۱۰/۱۲

در مورد قسمت دوم نامه که شما لطف کردید و تعریف‌های بیش ازآنچه لایق هستم فرمودید چند مطلب را وظیفه میدانم بیان کنم تا همه بیش‌ازپیش جریانات را بدادند مطالبی که میگویم طبق یقین و اعتقادی است که دارم و با تهمت و افتراآتی که می‌زنند کاری ندارم و هیچ‌گاه خللی در بنده ایجاد نکرده و نخواهد کرد ان شاء الله:

۱ بنده و مباحث ما جریانی عادی نیست که کسی فکر کند در حوزه آب تحقیق و تفحص کردم و حال می‌خواهم تخصص خود را ارائه دهم، یک تکلیف الهی بر دوش دارم

۲ در تمامی مباحثمان چند چیز مشهود است، استدلال می‌کنیم و حجت تمام می‌شود، بعدازآن دو کار می‌کنیم، هشدار و بشارت، این مطلب یعنی جریان الهی حق و باطل، یعنی ادامه راه انبیای، یعنی اسوه بودن انبیای برای ما، از اول به هرکسی که رسیدم گفتم: بشنوید، تعقل کنید، تحقیق کنید سپس باطلم کنید و خبر دادم که نمی‌توانید باطل کنید، آنگاه باید کمک کنید، اگر کمک نکردید در جریان حق قرار ندارید و هشدار مقابله با حق برای شما تحقق پیدا می‌کند، تاکنون این یقین برای بنده قطعی است هر کس ندای ما به او رسید و ما را کمک نکرد اموری برای او پیش آمد و غم و گرفتاری او را گرفت، بدانید از این به بعد نیز چنین است.

۳ نمی‌خواهم اسم ببرم به چه کسانی پیام‌ها را دادیم و امروز چه گرفتاری‌هایی دارند، بگذار تا زمان بگذرد، بدانید کسانی که نامه ما را خواندند و یاری نکردند و تهمت زدند و در آشکار و پنهان دشمنی کردند در آینده‌ای نزدیک در دنیا قبل از آخرت برای همه عبرت شوند، مثل آنان مثل زنان مصری است که به‌زودی شرمنده شوند، مثل آنان مثل برادران درغگو و ... یوسف است که به‌زودی رسوا شوند.

۴ فرض کنید ما راست‌گو باشیم که به آنکه می‌پرستم راست‌گویم تکلیف کسی که ما را مسخره کرد چیست؟ کسی که تعلل کرد؟ کسی تهمت زد؟ کسی که توطئه کرد؟ و کسی که و کسی که...

۵ بدانید هر سخن و نامه و جلسه ما اتمام‌حجت بود، محاکمه نشدم محاکمه کردم، بازجویی نشدم بازجویی شدند، مسخره نشدم مسخره شدند، در هشداری که مثلاً به آقای عسکری رئیس صداوسیما دادیم تصریح کردیم وقتی حجت تمام شود امر شدت پیدا می‌کند و شروع جریانات وحشتناک است آیا این‌گونه نشد؟ امروز در ایران بخواهیم و یا نخواهیم گرفتارترین انسان جناب آقای روحانی است و از ابتدا هشدارها و اتمام‌حجت‌ها متوجه جناب دکتر روحانی بود و است، باز توصیه می‌کنم جناب آقای روحانی روال پیش روی شما روالی نیست که تصور می‌کنید شما در دوراهی انتخاب هستید، هدهد را قبول کنید یا نه؟ روال پیش روی شما یکی از این دو بداء است یا بداء اسماعیل ابن ابراهیم و یا بداء اسماعیل ابن جعفر الصادق علیه السلام زمان تعیین می‌کند تاکنون فرصت زیادی را ازدست‌داده‌اید ولی راه جبران باز است، یا مرا باطل کنید که نمی‌توانید یا اینکه قبول کنید و نجات یابید و نجات دهید.

۶ نکته بعد را به‌تمامی ملت میگویم یا هدهد را باطل کنید که نمی‌توانید یا تعقل کنید و بشنوید و کمکش کنید و الا همان چیزی که برای مقابله‌کنندگان جریان حق است برای دیگران نیز هست.

۷ بازمی‌گویم اگر به کلام ما یقین دارید به دو لوح عمل کنید، اگر به دو لوح اعتماد ندارید از علما کمک بگیرید، اگر بازهم یقین نکردید تاریخ شهود جمعی برای دیدن آنچه نوشته‌ام را درآورده‌ام شرایط را فراهم آورید تا همه ببینند و یقین کنند، اگر این را هم نکنند مصیبت شدت پیدا کند و مانند دانه‌های تسبیح در راه است.

۸ تکیه‌گاه بنده جمعیت و پول و عنوان نیست از همان راهی که امور تاکنون فهمیده شده و جلو رفته است از این به بعد هم با صبر و دعا امور جلو می‌رود، و این هشداری بس خطرناک و عظیم است، بنده با خود اسلحه‌دارم همان اسلحه‌ای که تمام انبیا ما را به آن دعوت کرده‌اند، اسلحه ما از تمام آذوقه‌های اتمی عالم قوی‌تر است اسلحه ما دعا و تکرار اسامی خدا است.

۹ این را بدانید سرنوشتی که سال‌ها آرزو کرده‌ام و در مسیر آن هستم یک‌چیز بیشتر نیست و آن شهادت است و شهادت می‌دهم که ازخداخواسته‌ام مبتلا به پست‌ترین افراد عالم شوم و دوباره این را خدا می‌خواهم و بدانند کسی که ظلم کند عبرت می‌شود بنده عاشق میرزا کوچک خان و شیخ فضل‌الله نوری و مصطفی خمینی هستم

وقتی یحیی به ظلم کشته شد
خون به‌ناحق ریخته او جوشید
و همه به آن ظلم کشته شدند
بخت‌النصر ظالمی بود که

انتقام یحیی را از ظالمین گرفت
قوتی ده که اگر تمام عالم بر ما شوریدند نترسیم
ملکوت عالم را که به شیعه مخلصی که ابراهیم نام داشت نشان دادی به ما هم بنمایان
ما را وارث کتاب و قوم مصطفی و سابق بالخیرات و از عباد خود قرار ده
رجعتی پس از رجعت روزی‌مان کن
حقایق عالم را بر ما بنمایان
از زمین و آسمان با ما سخن بگو
ما را به وجه الله برسان
ما را عبد حقیقی خود بگردان
ما را از قوم مسارعین الیه فی قضاء حوائجه قرار بده
ما را دشمن ظلم و ظالم و یار مظلومین قرار بده
۹۶/۱۰/۱۵
در شهود جمعی انفطار السماء مردم چه چیز می‌بینند؟
تمام آنچه گفته‌ایم را می‌بینند و تصدیق می‌کنند و یقین می‌کنند آن چیزی که می‌بینند عبارت است از:
۱ دیدن سقف آسمان ایران و کشورهای همسایه
۲ دیدن رود

ید لوح شماره یک را پخش‌کنیم، حتی خواندن آن لوح خوف و ترس را به همراه دارد، اما بدانیم آن جریان در حال وقوع است و دیر یا زود آن جریان مخوف نیز اجرایی می‌شود، اگر می‌خواهید قوی‌دل شوید کارهای بسیاری باید بکنید تا قلب شما قوی شود، باید توحید قوی شود و نور توحید در دل شما روشن شود تا جایی که از تنهایی در مقابل دشمن جنی و انسی نترسیم، لذا باید در ابتدا بذر توحید در قلب بیاید سپس با ذکر آن بذر را آبیاری کنید تا بذر توحید به درخت توحید تبدیل شود، آبیاری با قرآن انجام می‌شود، سوره فیل بذر توحید را در قلب آبیاری می‌کند تا جایی که دیگر از جن نمی‌ترسید و حتی آنان را فراری می‌دهید، پس سوره فیل را بخوانید و بدانید این ابتدا است و اگر عمل کنید ادامه راه بیشتر معلوم خواهد شد، برای شروع می‌توان روزانه ۳۰۶ مرتبه ذکر شریف یا قهار گفت و بعدازآن ۷۱ مرتبه سوره فیل را خواند، بدانید کسانی که قوت قلبشان ضعیف است در آینده از ترس واژگون شوند، لشگر دشمن وحشتناک است و همراه هر مؤمن نیز بعد از درخت توحید در قلب باید لشکری از قوت باشد.

۳ اگر لوح دوم را ببینند یعنی انفطار السماء را، همه منتظر بازگشت زمان ۹۶/۶/۶ ه ش در سال ۱۳۹۷ می‌شوند تا در آن زمان همه با آسمان را بشکافند و همه نجات یابند، هر کس که آن جریان را ندیده باشد گمان برد که همه دیوانه شده‌اند هرچقدر هم بشنود باور نکند و باز تأکید می‌کنم یک‌بار بیشتر نمیتوان دید، مانند خوابی صادق که بیننده یک‌بار می‌بیند و بعدازآن تنها به یاد میاورد و تعریف می‌کند، دوربین‌ها و موبایل‌هایی که ضبط

می‌کنند بعدازآن نشان می‌دهد ولی دیده نمی‌شود این سحر نیست حقیقت است، چراکه آن جریان بعد از دیده شدن باطل نمی‌شود لذا کسی در آن لحظه نبیند، دیگر نخواهد دید.

۴ اگر مردم آنچه را که ادعا کردیم را نبینند برای سرما و یخبندان و باران و برف و ... آماده نمی‌شوند و عمل نمی‌کنند و آن عمل به جای اینکه نجات‌بخش باشد عذاب می‌شود و کشته می‌گیرد، لذا همه و همه قبل از عمل کردن باید یقین کنند، در هر دو لوح چنین است، لذا بدون دیدن عمل محال است.

۵ هرکدام از دو لوح نشان داده شود، باید عمل شود و زمانی که عمل شد و امور به روال عادی برگشت باید لوح بعدی عمل شود بعد آن باید لوح سوم عمل شود که لوح سوم نوشته‌نشده است و فعلاً هم نیازی نیست.

۶ بهترین حالت این است که ابتدا لوح دوم عمل شود بعد لوح اول و بعد لوح سوم که این لوح سوم را در صحبت‌ها تتمه‌ی لوح یک گفته‌ایم.

در شهود جمعی انفطار السماء مردم چه چیز می‌بینند؟

تمام آنچه گفته‌ایم را می‌بینند و تصدیق می‌کنند و یقین می‌کنند آن چیزی که می‌بینند عبارت است از:

۱ دیدن سقف آسمان ایران و کشورهای همسایه

۲ دیدن رودخانه‌های عظیمی که از روی آسمان ایران عبور می‌کند

۳ چگونگی مانع بودن سقف آسمان ایران از نزول باران و پایین آمدن ابرها

۴ چگونگی تأثیر اجرام آسمانی بر وقایع زمینی (قمر در عقرب، زمان خاص)

۵ چگونگی سرد شدن ایران

۶ چگونگی حرکت کشورهای همسایه و غیر همسایه به ایران

۷ چگونگی سقوط ابر و باران و برف در ایران

۸ دیدن سیل‌های وحشتناکی که در ایران راه می‌افتد

۹ چگونگی کنترل باران و برف و سیل که باید سریعاً آب را به زیرزمین هدایت کنیم و سفره‌های زیرزمینی به حالت قبل و بهتر از آن بر گردد

۱۰ تأثیر کلمات و اعداد بر روی اجسام

۱۱ مکان‌هایی که باید کلمات دفن و امضا شوند

۱۲ یقین به برف و سرمای پیشرو و نحوه آماده شدن برای آن سرما و باران برای عموم مردم و مسئولین

هدهد

جواب بالا

۱ بارش‌ها دو ماه نیست بلکه بعد از دو ماه بارش‌ها شروع می‌شود و اکوسیستم به قبل برمی‌گردد و در سال حداقل ۹ ماه بارش بدون ضرر داریم

۲ آمادگی برای آن سرما و بارش‌ها از خود انفطار عجیب‌تر و مهم‌تر است و به حمدالله میدانیم و در شهود جمعی نشان دهیم

۳ هیچ‌کدام از بارش‌ها مانند انفطار نیست، انفطار السماء هدیه ۴۰ سالگی انقلاب است هدیه‌ای که تمام دنیا را به لرزه در میاورد

۴ آیات قرآنی که در ماه رمضان زده‌ایم را بخوانید

سلام حاج آقا فرض کنیم آقای روحانی طرح شمارا قبول کردند آیا فکر می‌کنید مردم هم با این وضعیت اعتقادی الآن قبول کنند انفطار میگم

سلام‌علیکم

قبل از عمل کردن در شهود جمعی همه یقین می‌کنند می‌بینند

ما ادعا را نمی‌گوییم که اگر چنین کنید چنین می‌شود اول نشان می‌دهیم آنگاه مطمئن باشید همه عمل می‌کنند

انتظروا انی معکم من المنتظرین

۹۷/۳/۱

سلام حاج آقا

طاعات و عبادات قبول

اگه دولت طرح شمارا قبول نکنِ و شهود جمعی اتفاق نیفته تکلیف چیه و شما چکار می‌کنید به نظرم این دولت و مردم الآن دیگ نعوذبالله به خدا و ائمه هم بدبین شدن یعنی اینقدر دروغ شنیدن که دیگ امام زمان هم بیاد قبولش نمیکنن، بعد چه انتظاری میشه از این مردم ناامید و ایمان ازدست‌رفته داشت؟

هدهد: سلام‌علیکم

اگر دولت قبول نکته و مردم هم به فکر آب نباشند اتفاقات ۱۲۹۸ به بعد در ایران تکرار می‌شود

اگر دولت این کار انجام ندهد بدا در دولت اولین نشانه آن اتفاقات است دولت در آستانه ساقط شدن قرار می‌گیرد و به زبان‌های مختلف بارها گفته‌ایم

اگر ایران بیدار نشوند دائما هزینه می‌دهند تا بالاجبار بیدار شوند ولی ممکن است آشوب و غوغا به حدی شود که امکان شهود و انفطار راسا نباشد

اگر تاریخ ۹۷ بگذرد انفطار برای ۹۸ به تأخیر افتاد و فقط می‌توان با ۹ شهر مشکل را برطرف کرد که قطره ۱۰۰۱ است درحالی‌که بین انفطار و ۹ شهر انفطار آسان و بدون هزینه است

اگر دولت ما را در معرض امتحان قرار دهند همه یقین می‌کنند اگرچه که افراد رذل قبل از آن سخریه کنند

اگر شهود انجام شود درصد کمتر از یک درصد سعی می‌کنند خطرات سرما و باران را ذکر کنند تا این کار انجام نگردد ولی در سیل بقیه مردم غرق می‌شوند

اگر شهود انجام شود آمریکا و متحدانش تلاش می‌کنند قبل از انجام انفطار ما را نابود کنند در حالی قوانین عجیب‌تر برای داخل و خارج فاش می‌گردد و در آنجا ما باید برای رفع خشک‌سالی جهانی تلاش کنیم که در این صورت استکبار منزوی می‌شود

۹۷/۳/۲۰

۱۹۸

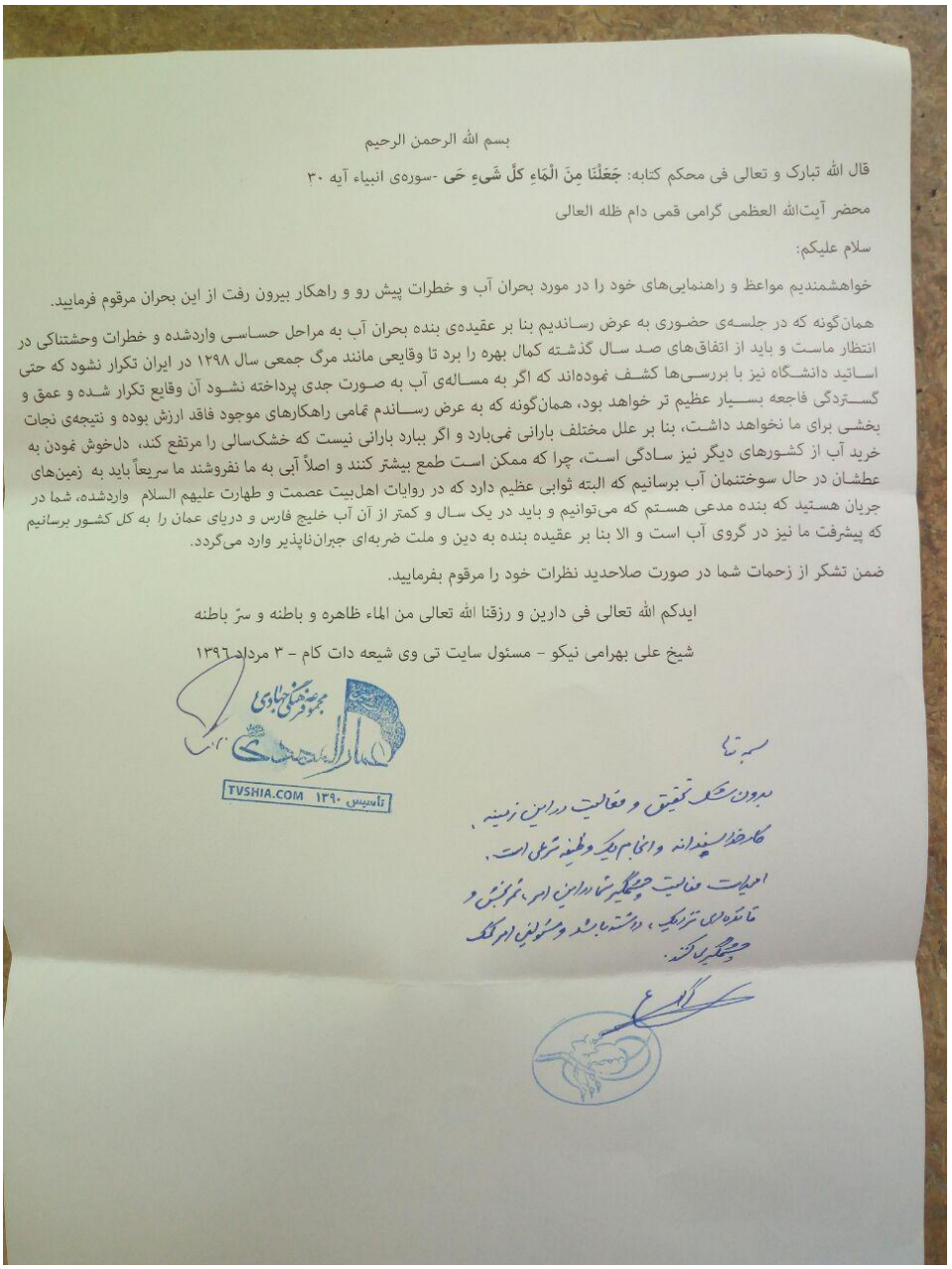

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: **جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کلَّ شَیءٍ حَی** -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

محضر آیت‌الله العظمی گرامی قمی دام ظله العالی

سلام علیکم:

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران مرقوم فرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشکسالی را مرتفع کند، دلخوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وارد‌شده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید.

ایدکم الله تعالی فی دارین و رزقنا الله تعالی من الماء ظاهره و باطنه و سرّ باطنه

شیخ علی بهرامی نیکو - مسئول سایت تی وی شیعه دات کام - ۳ مرداد ۱۳۹۶

TVSHIA.COM تاسیس ۱۳۹۰

بسمه تعالی

بدون شک تحقیق و فعالیت در این زمینه، کار خردمندانه و انجام دیگر وظیفه شرعی است. امیدیم فعالیت چشمگیر شما در این امر، نمونه و فائده‌ی تر دیگر، در گفته نباشد و مسئولین امر کمک چشمگیر کنند.

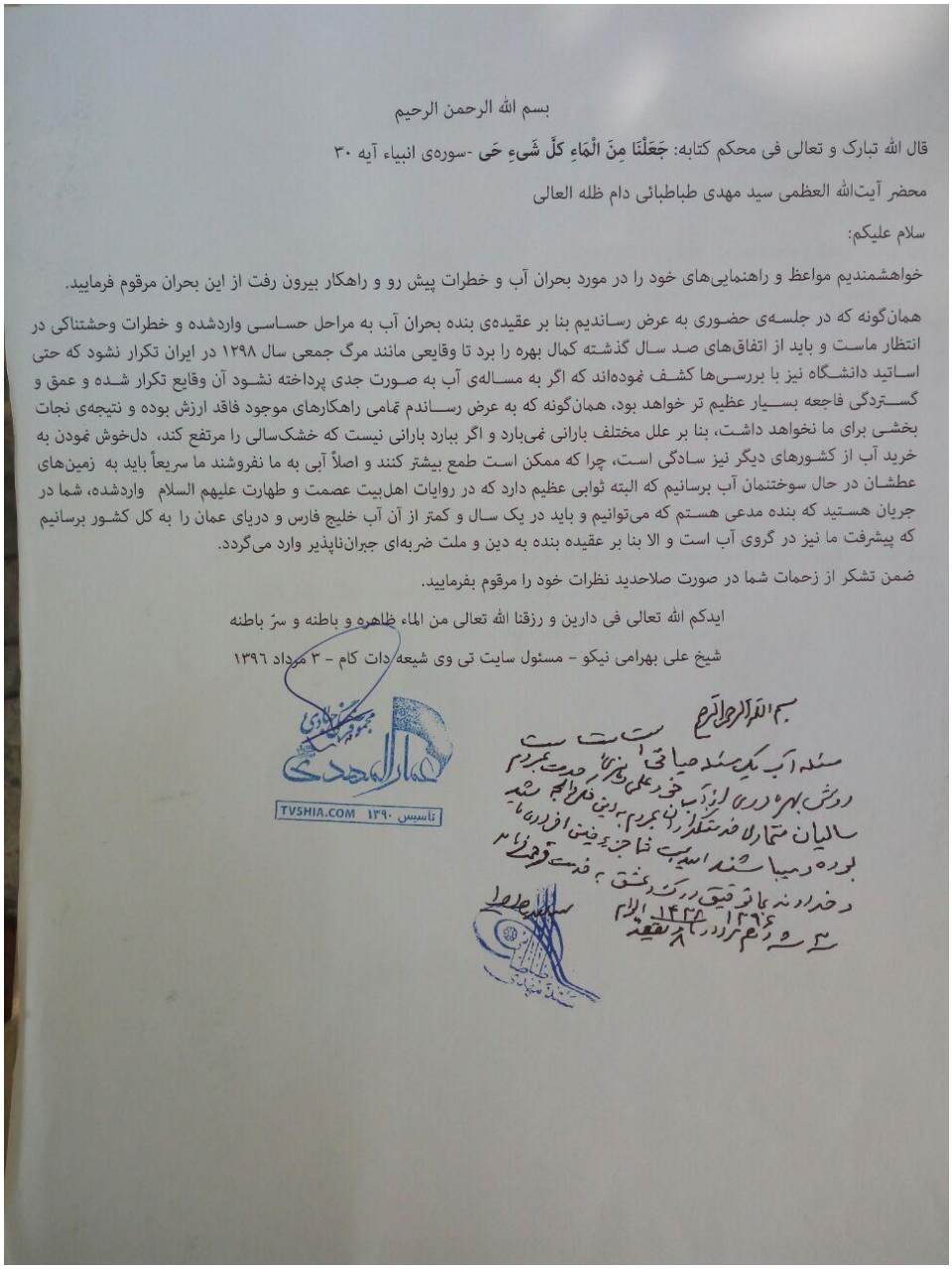

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: **جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کلَّ شَیءٍ حَی** -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

محضر آیت‌الله العظمی سید مهدی طباطبائی دام ظله العالی

سلام علیکم:

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران مرقوم فرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشک‌سالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید.

ایدکم الله تعالی فی دارین و رزقنا الله تعالی من الماء ظاهره و باطنه و سرّ باطنه

شیخ علی بهرامی نیکو - مسئول سایت تی وی شیعه دات کام - ۳ مرداد ۱۳۹۶

TVSHIA.COM تاسیس ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحیم

است صحت

سئله آب یک سئله حیاتی است

و بحث عرض

ورش بهره در این زمینه از آب خود علمای ما بحث شده

سالیان متمادی ما خود متفکر آن بوده ایم و این افکار را

بوده و میباشد اما سبب فاجعه فیض افزون ما

و خدا را شکر با توفیق در کنار شما قدمی برداریم

۱۴۳۸ الام

۱۳۹۶

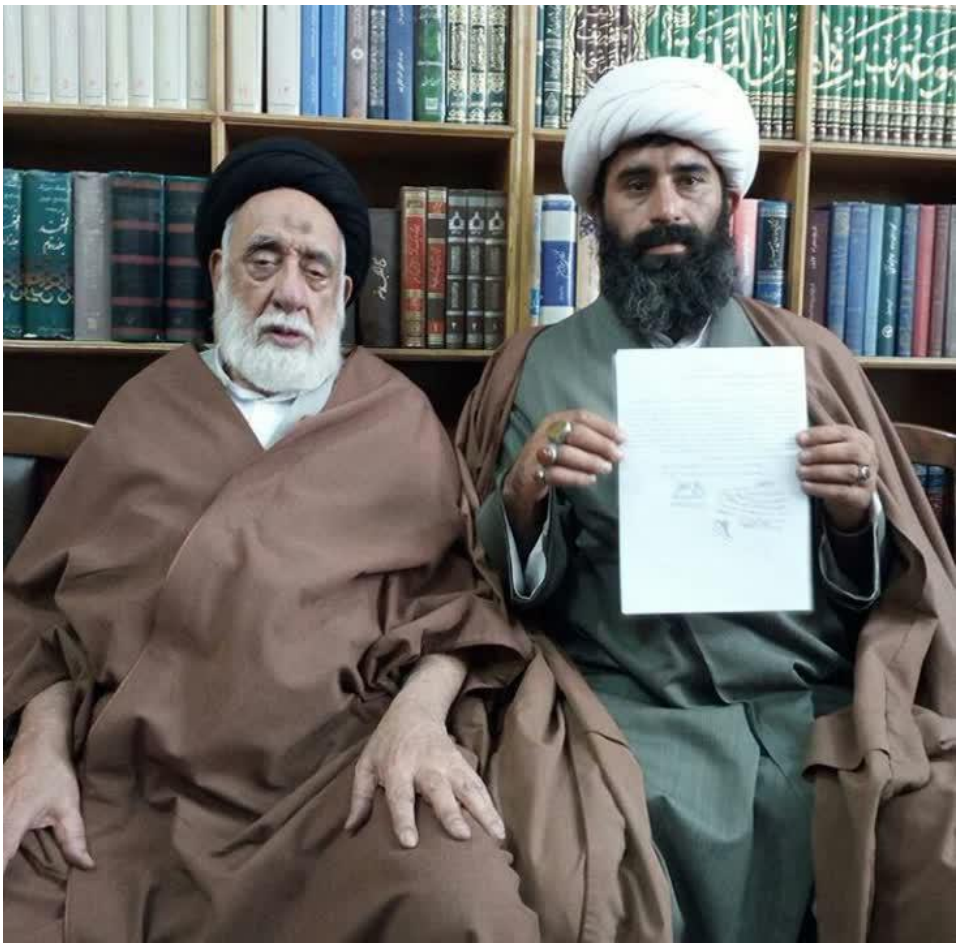

۲۰۰ اگر مشکل آب را در ایران برطرف ننماییم روزبه‌روز از حامیان نظام کم و کمتر می‌شود و درنهایت آشوب‌های بسیاری علیه نظام شکل می‌گیرد، و در این اینجا دو نظریه وجود دارد یک نظریه می‌گوید ظهور می‌شود و یک نظریه می‌گوید دلیل عقلی بر ظهور وجود ندارد نظام دچار فروپاشی شده و حکومت تغییر میابد، نظر بنده این است که پیوست انقلاب با ظهور دلیل عقلی ندارد و تماماً دلایل شبه عقل است، و بالفرض هم که به ظهور برسیم تا آن زمان وظیفه‌داریم امور را سامان دهیم و بدون برطرف نمودن مشکل آب هیچ امری در ایران سامان نمیابد.

۲۰۱ قصد دارم کتاب در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنویسم که در آن رابطه انقلاب و آب و خشک‌سالی را با ظهور توضیح خواهم داد.

۲۰۲ اعتقاد بنده بر این است بعد از برطرف شدن مشکل آب در این اتفاقات جهانی عجیبی رقم می‌خورد که می‌توان در حقیقت تاریخ بشریت را به قبل از آب و بعد از آب تقسیم نمود و این اتفاق درنهایت خواهد افتاد، ان شاء الله.

۲۰۳ به کتاب **اذا فرغت** مراجعه شود اما بنده عقیده دارم به‌واسطه بی‌توجهی به پیام هدهد گروهی مبتلا به نفرین و عذاب شده و حتی بر اثر تمسخر پیام عمرشان کوتاه و مردند، زیرا بنده اعتقاد دارم هر جریانی یکی از دو حالت را دارد یا حق است یا باطل؟ و باید باطل را رسوا نمود و حق را یاری کرد در غیر این صورت تمامی کسانی که با او مواجه هستند باطل هستند زیرا در صورت باطل بودن او را باطل نکرده و در صورت حق بودن حق را یاری نکردند و اعلام می‌دارم تاکنون به‌صورت جدی کسی ما را یاری نکرده و البته هیچ‌کس هم نتوانسته ادعاهای بنده را باطل نماید.

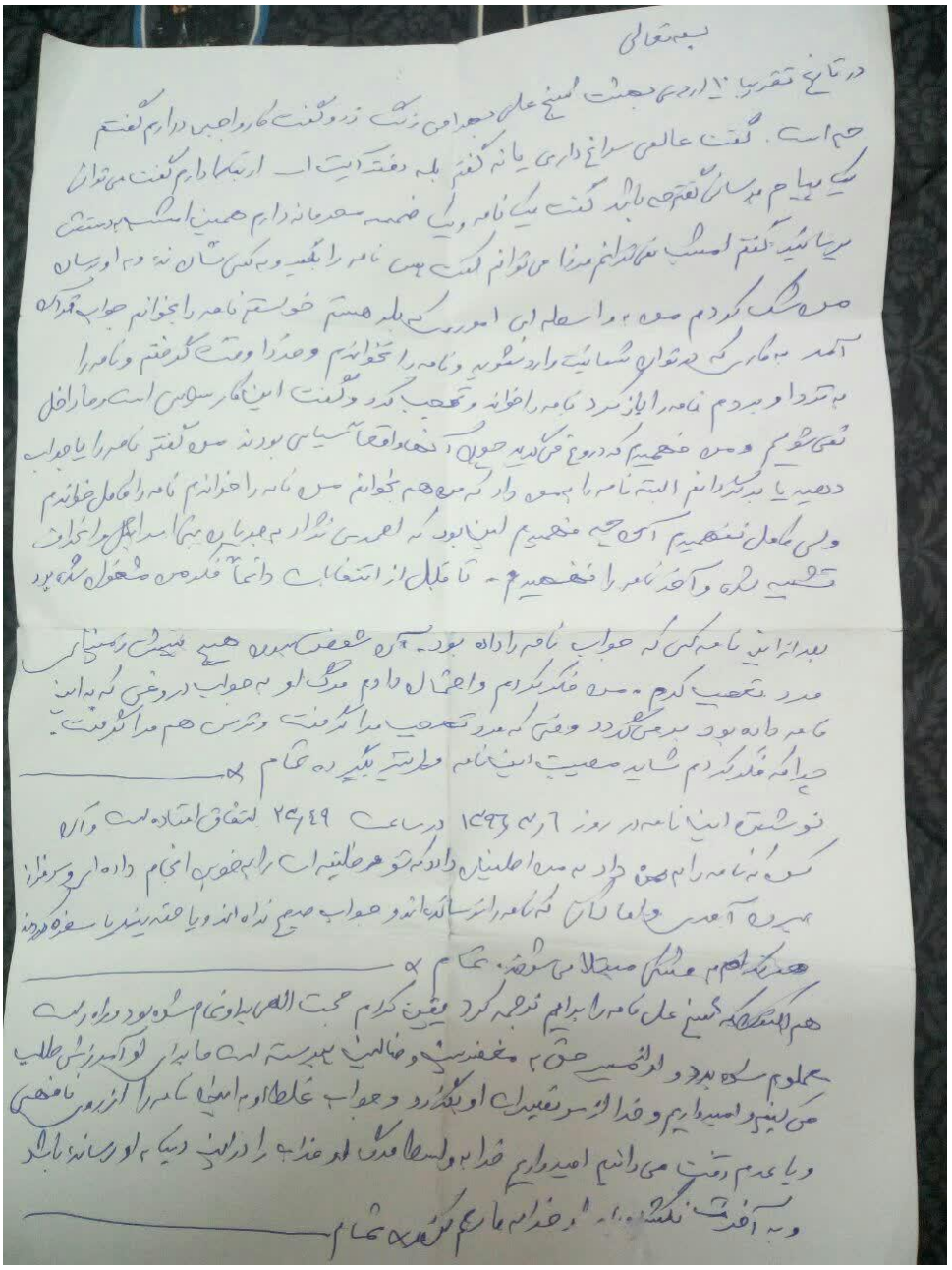

۲۰۴ مفصل این جریانات در کتاب اذا فرغت می‌آید.

۲۰۵ عکس زیر بعد از جلسه با جناب آقای مهندس هاشمی طبا گرفته‌شده و ایشان بر مباحث ما تقریر کوتاهی نوشتند و ما را به آیت‌الله یزدی ارجاع دادند و بنده نیز به جامعه مدرسین مراجعه نموده و مطلب را منعکس نمودم اما .... به کتاب اذا فرغت مراجعه فرمایید.



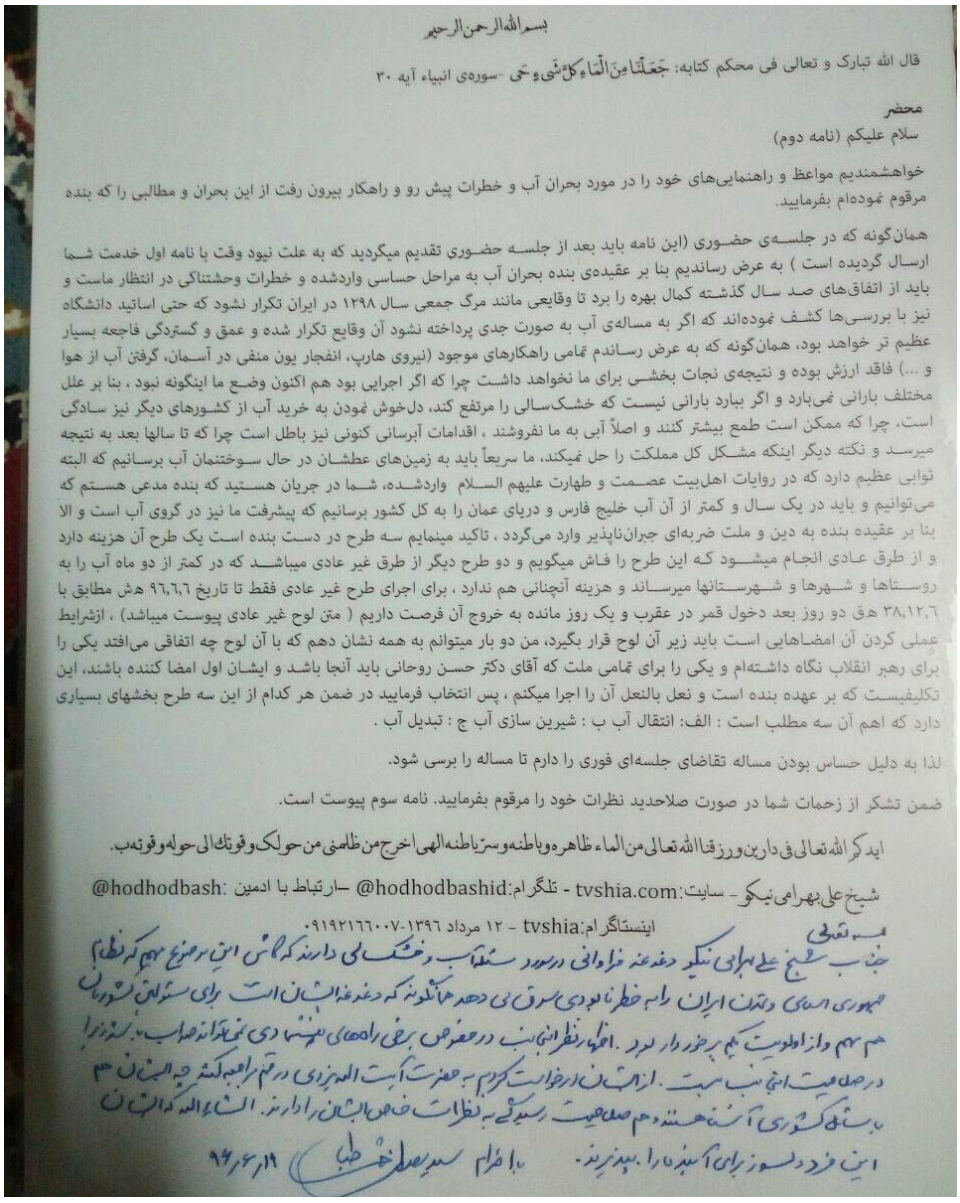

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه: جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ -سوره‌ی انبیاء آیه ۳۰

محضر

سلام علیکم (نامه دوم)

خواهشمندیم مواعظ و راهنمایی‌های خود را در مورد بحران آب و خطرات پیش رو و راهکار بیرون رفت از این بحران و مطالبی را که بنده مرقوم نموده‌ام بفرمایید.

همان‌گونه که در جلسه‌ی حضوری (این نامه باید بعد از جلسه حضوری تقدیم میگردید که به علت نبود وقت با نامه اول خدمت شما ارسال گردیده است) به عرض رساندیم بنا بر عقیده‌ی بنده بحران آب به مراحل حساسی واردشده و خطرات وحشتناکی در انتظار ماست و باید از اتفاق‌های صد سال گذشته کمال بهره را برد تا وقایعی مانند مرگ جمعی سال ۱۲۹۸ در ایران تکرار نشود که حتی اساتید دانشگاه نیز با بررسی‌ها کشف نموده‌اند که اگر به مساله‌ی آب به صورت جدی پرداخته نشود آن وقایع تکرار شده و عمق و گستردگی فاجعه بسیار عظیم تر خواهد بود، همان‌گونه که به عرض رساندم تمامی راهکارهای موجود (نیروی هارپ، انفجار یون منفی در آسمان، گرفتن آب از هوا و ...) فاقد ارزش بوده و نتیجه‌ی نجات بخشی برای ما نخواهد داشت چرا که اگر اجرایی بود هم اکنون وضع ما اینگونه نبود ، بنا بر علل مختلف بارانی نمی‌بارد و اگر ببارد بارانی نیست که خشک‌سالی را مرتفع کند، دل‌خوش نمودن به خرید آب از کشورهای دیگر نیز سادگی است، چرا که ممکن است طمع بیشتر کنند و اصلاً آبی به ما نفروشند ، اقدامات آبرسانی کنونی نیز باطل است چرا که تا سالها بعد به نتیجه میرسد و نکته دیگر اینکه مشکل کل مملکت را حل نمیکند، ما سریعاً باید به زمین‌های عطشان در حال سوختنمان آب برسانیم که البته ثوابی عظیم دارد که در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واردشده، شما در جریان هستید که بنده مدعی هستم که می‌توانیم و باید در یک سال و کمتر از آن آب خلیج فارس و دریای عمان را به کل کشور برسانیم که پیشرفت ما نیز در گروی آب است و الا بنا بر عقیده بنده به دین و ملت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌گردد ، تاکید مینمایم سه طرح در دست بنده است یک طرح آن هزینه دارد و از طرق عادی انجام میشود که این طرح را فاش میگویم و دو طرح دیگر از طرق غیر عادی میباشد که در کمتر از دو ماه آب را به روستاها و شهرها و شهرستانها میرساند و هزینه آنچنانی هم ندارد ، برای اجرای طرح غیر عادی فقط تا تاریخ ۹۶،۶،۶ هش مطابق با ۳۸،۱۲،۶ هق دو روز بعد دخول قمر در عقرب و یک روز مانده به خروج آن فرصت داریم (متن لوح غیر عادی پیوست میباشد) ، ازشرایط عملی کردن آن امضاهایی است باید زیر آن لوح قرار بگیرد، من دو بار میتوانم به همه نشان دهم که با آن لوح چه اتفاقی می‌افتد یکی را برای رهبر انقلاب نگاه داشته‌ام و یکی را برای تمامی ملت که آقای دکتر حسن روحانی باید آنجا باشد و ایشان اول امضا کننده باشند، این تکلیفیست که بر عهده بنده است و نعل بالنعل آن را اجرا میکنم ، پس انتخاب فرمایید در ضمن هر کدام از این سه طرح بخشهای بسیاری دارد که اهم آن سه مطلب است : الف: انتقال آب ب : شیرین سازی آب ج : تبدیل آب .

لذا به دلیل حساس بودن مساله تقاضای جلسه‌ای فوری را دارم تا مساله را بررسی شود.

ضمن تشکر از زحمات شما در صورت صلاحدید نظرات خود را مرقوم بفرمایید. نامه سوم پیوست است.

ایدکم الله تعالی فی دارین ورزقنا الله تعالی من الماء ظاهره وباطنه وسرّیاطنه الهی اخرج من ظاهری من حولک وقوتک الی حوله وقوته ب.

شیخ علی بهرامی نیکو - سایت:tvshia.com - تلگرام:@hodhodbashid –ارتباط با ادمین :@hodhodbash

اینستاگرام:tvshia - ۱۲ مرداد ۱۳۹۶-۰۹۱۹۲۱۶۶۰۰۷

بسم تعالی
جناب شیخ علی بهرامی نیکو دغدغه فراوانی در مورد مشکلات و خشکسالی دارند که گاهی این موضوع مهم که نظام مهدوی اسمای وجودی ایران را به خطر انداخته می‌تواند که دغدغه ایشان است برای سلامتی کشور هم مهم و از اولویت کم برخوردار نبود . اظهار نظر اینجانب در معرض برخی راه‌حل‌های نهفته‌ی نمی‌تواند صواب باشد زیرا در صلاحیت اینجانب نیست . از ایشان درخواست کردم به حضرت آیت الله بزرگی در قم مراجعه کنند چه ایشان هم بتوانند کشوری آسوده هستند هم صلاحیت رسیدگی به نظرات خاص ایشان را دارند. انشاء الله ایشان این فرد دلسوز برای آینده را بپذیرند. با احترام سید مصطفی خرطبا ۹۶/۶/۱۹

۲۰۶ سلیمان و یوسف حقیقی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

[۲۰۷] تاکنون کتاب نقطه را به دست شش آیت‌الله و پنج فاضل رسانده‌ام تا نظرات خود را تقریر نمایند، عکس زیر حضرت آیت‌الله بنی طبا می‌باشد که کتاب را به ایشان تقدیم نموده‌ام.

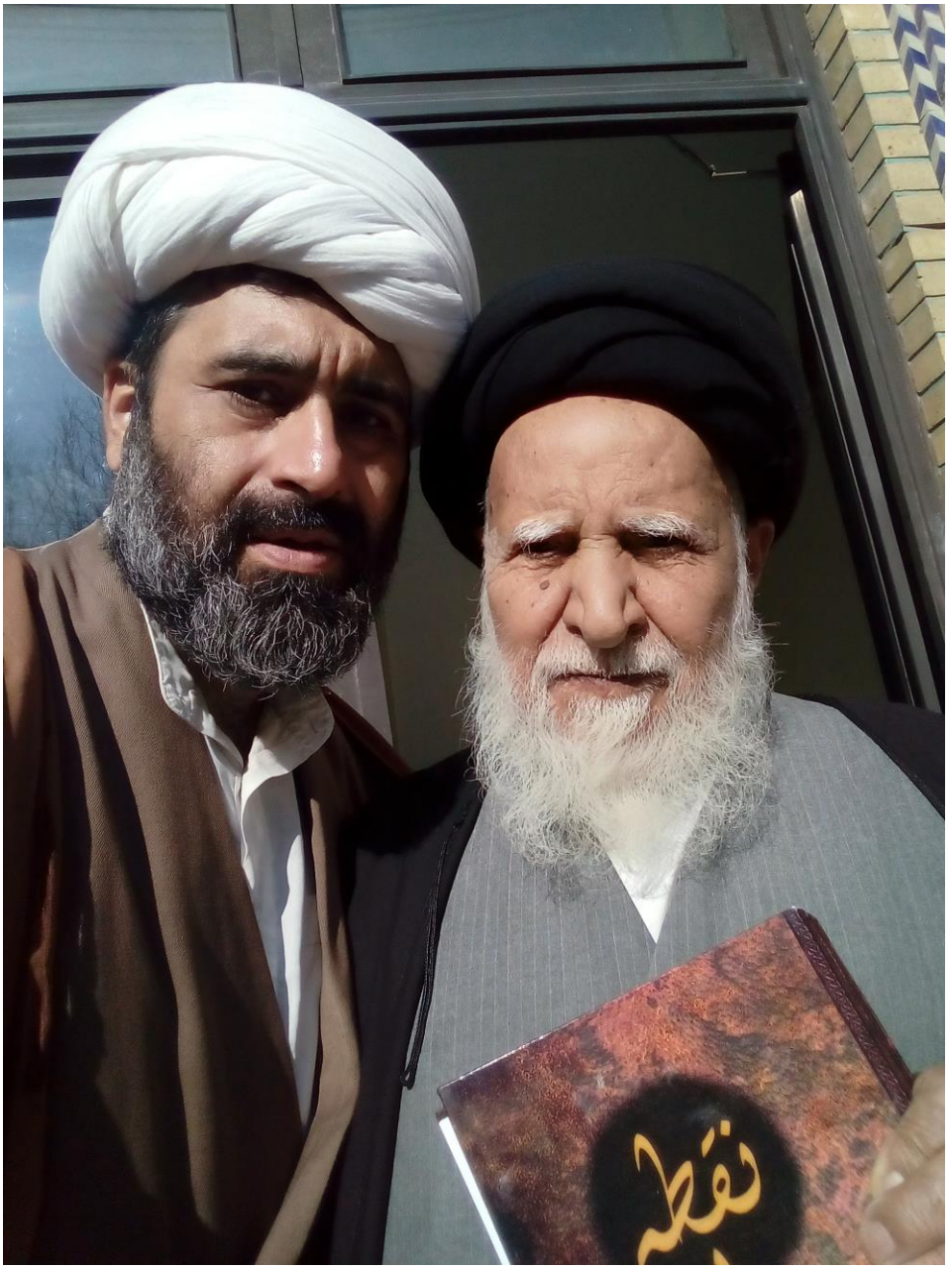
نقطه